دایرة المعارف

سرزمین و مردم ایران

گردشگری و دیدنی های شگفت انگیز



همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم ایران

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی، گردشگاههای طبیعی، مناطق حفاظت شده، دره‌ها و روستاهای دیدنی، جشن‌ها و آیین‌ها، ایلات و عشایر، مردم‌شناسی، کوچ قشلاق و ییلاق، آثار تاریخی و فرهنگی، دیدنی‌ها، حیات‌وحش، چشمه‌های آبمعدنی شفابخش، میدان نقش جهان (یک میراث جهانی)، کارخانه‌ها، صنایع دستی، کشاورزی، جاذبه‌های توریستی، رود خروشان زاینده‌رود، پل‌هائی چون سی‌وسه‌پل، خواجو، غارهای دیدنی، دریاچه‌ها، رودها، مراکز مهم دانشگاهی، علمی، تحقیقاتی، پژوهشی، تخت‌سلیمان در تکاب، صنایع و معادن و کارخانه‌های بسیار و مهم، پارک‌های جالب ملی و دیدنی‌های طبیعی چون مراکان، دریاچه ارومیه، دریاچه توریگل، یکانات، آغگل، قله سبلان، غار یخکان، کلاه‌قاضی، دهلران، مانشت و قلارنگ، قلاجه، دینارکوه، خارک و خارکو، تنگ صیاد، سبزکوه، کاخ‌ها، بازارها، موزه‌ها، مدارس، محصولات مهم کشاورزی، صنعتی، کارخانه‌ای، توصیف همه شهرستانها، بخش‌ها و دهستانهای ۹ استان ۱ـ آذربایجان شرقی ۲ ـ آذربایجان غربی ۳ـ اردبیل ۴ـ اصفهان ۵ ـ ایلام ۶ ـ بوشهر ۷ـ تهران ۸ـ چهارمحال و بختیاری ۹ ـ خراسان جنوبی به صورت الفبائی.

جلد (اول)

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (ماهنامه ـ فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از دکتر جواد صفی‌نژاد، استاد ناصر میزبانی عکاس هنرمند و محمد افشاری‌نظری، منوچهر اشرف الکتابی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، فرزانه نعیمی، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران (ج ۱)
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۴۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۲ ـ ۳۰ ـ ۶۹۹۰ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
شابک دوره: ۰ ـ ۳۳ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸

بها: بیست و هفت هزار تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم ایران (۴ جلدی) ؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
شابک: ۲ـ ۳۰ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸   ۶ـ ۳۲ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
۹ـ ۳۱ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸   ۳ـ ۳۳ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۵۷

مقدمه

کتاب دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران در سه جلد در ۲۷۱۲ صفحه در مطالب و زمینه‌های گوناگون ایرانشناسی، گردشگری، ایرانگردی، مردم‌شناسی، آداب و رسوم، پوشاک، خوراکیها، میوه‌ها، موسیقی و صنایع دستی و کارخانه‌ای و دیگر موضوعات جالب با بیش از ۱۲۰۰ تصویر رنگی (۴ رنگ) و دهها عکس تک‌رنگ تألیف و عرضه گشته است.

از ایران بواسطه تنوع و وسعت و تفاوت‌های جغرافیائی، آب و هوائی و زیست‌محیطی و دهها ویژگی دیگر و گوناگونی جانداران، مناظر دلفریب طبیعی و دیدنی‌های بسیار نه یک کشور بلکه آنرا بصورت یک قاره... می‌توان دید. از تاریخ کهن از سرگذشت پرفراز و نشیبش و از گامهای بلندی که در راه پیشرفتهای فرهنگ و تمدن بشری برداشته و همواره در جریان یافتن راه‌حل‌های سودمند بوده است.

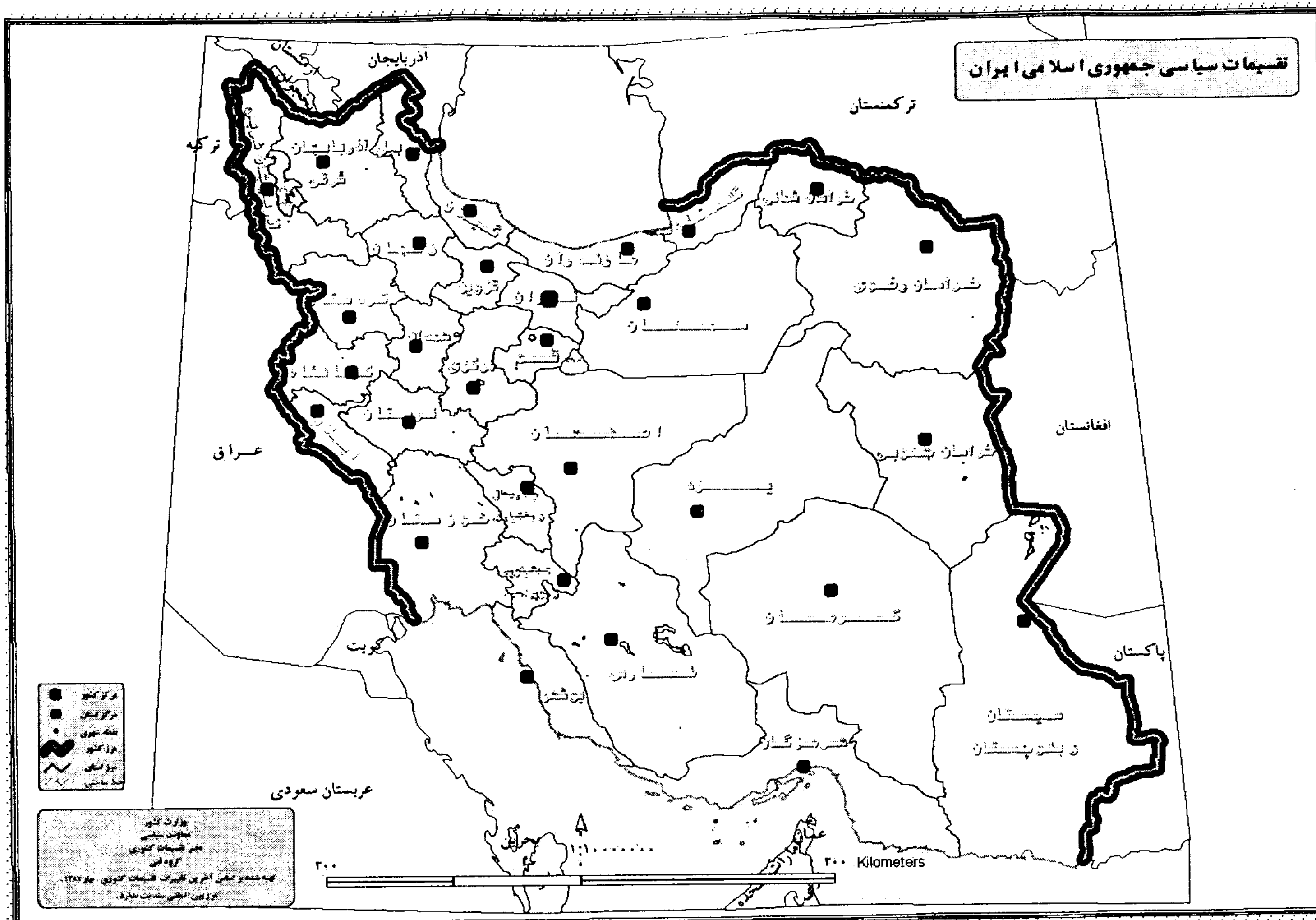
کشور ایران، دارای ۳۳۶ شهرستان ۸۸۹۳ بخش و ۱۰۱۲ شهر و ۶۳۹۰۴ / ۹۱۳۱۰ آبادی مسکون و غیرمسکون است و بیش از نیمی از خاک ایران زمین را بلندی تشکیل می‌دهد.

کتاب دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران برای همه طبقات اجتماعی ایران بلکه برای همه کتابخانه‌های دانشگاهها، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مدارس و کتابخانه‌های خصوصی سودمند می‌باشد. چه از آثار تاریخی عظیم و کهن، از نبوغ فراوان ایرانیان و از اقوام و ملل گوناگون با آداب و عادات و پوشاک‌های متنوع و از محصولات گرمسیری و سردسیری از پرندگان و دیگر جانداران سخن به میان آمده که هریک ازین عامل‌ها در پیشرفت و ترقی ایران سهمی فراوان داشته است. از آبشارها، چشمه‌های آبگرم شفابخش، جنگل‌ها، دشت‌ها، جلگه‌ها، ارتفاعات و از صنایع کارخانه‌ای و صنایع دستی و از مراکز مهم و معتبر فرهنگی و دانشگاهی، میراث‌های جهانی: ۱ـتخت‌جمشید ۲ ـ بم ۳ ـ تخت‌سلیمان ۴ ـ گنبد سلطانیه ۵ـزیگورات چغازنبیل و از سد زیرزمینی و عجایب و دیدنی‌های بسیار دیگر که به نام و افتخار ایران بیش از پیش افزوده است. باشد که کتاب دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران مورد عنایت ایران‌دوستان قرار گیرد. با انتقادات فاضلانه خود اینجانب را یاری فرمایند. عبدالحسین سعیدیان

فهرست جلد اول استانهای

فهرست جلد دوم استانهای

فهرست جلد سوم استانهای


تقسیمات سیاسی جمهوری اسلامی ایران
آذربایجان
ترکمنستان
ترکیه
عراق
افغانستان
پاکستان
کویت
عربستان سعودی
خراسان رضوی
اصفهان
یزد
کرمان
سیستان و بلوچستان
بوشهر
هرمزگان
۲۰۰
۲۰۰ Kilometers



همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان آذربایجان شرقی

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ گردشگاه‌های طبیعی ـ دیدنی‌ها ـ مردم‌شناسی و قوم‌شناسی ـ موزه‌ها و بناهای تاریخی ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها

جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال (۱۳۶۵) ۳۰۷۷۸۸۲ نسبت به کل کشور ۰۰/۱۰۰ و در سال (۱۳۷۵) ۳۳۲۵۵۴۰ نسبت به کل کشور ۵/۵۴ و در سال (۱۳۸۵) ۳۶۰۳۴۵۶ نسبت به کل کشور ۵/۱۱ بوده است.

مساحت استان آذربایجان شرقی ۴۵۶۵۰ کیلومترمربع نسبت به کل کشور ۲/۸۰ است.

از تهران تا تبریز (۵۹۹) و از تبریز تا آذرشهر (۵۸)، اسکو (۴۰)، اهر (۱۰۷)، بستان‌آباد (۶۰)، بناب (۱۲۳)، تبریز (۰)، جلفا (۱۴۲)، چاراویماق (۱۸۰)، سراب (۱۳۴)، شبستر (۷۱)، عجب‌شیر (۹۸)، کلیبر (۱۷۲)، مراغه (۱۴۰)، مرند (۷۱)، ملکان (۱۴۶)، میانه (۱۶۵)، ورزقان (۸۵)، هریس (۱۰۳)، هشترود (۱۲۱)

که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عبدالله عباس‌زاده از سازمان میراث فرهنگی، ناصر میزانی عکاس هنرمند، حسن مهربان تقسیمات کشوری

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان آذربایجان شرقی
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: محمّد افشاری نظری
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۲ـ۳۹ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان آذربایجان شرقی؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ ویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۱ ـ ۳۹ ـ ۲
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۴۲۳

شاخص‌های کل کشور

مشخصات عمومی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: تبریز مساحت: ۱۶۲۸۵۵۴ تعداد شهرستان: ۳۳۶ تعداد بخش: ۸۸۹ تعداد شهر: ۱۰۱۲ تعداد آبادی دارای سکنه: ۶۳۹۰۴ کل آبادی‌ها: ۹۱۳۱۰

ویژگی‌ها و مشخصات عمومی استان آذربایجان شرقی

جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال (۱۳۶۵) ۳۰۷۷۸۸۲ نسبت به کل کشور ۱۰۰/۰۰ و در سال (۱۳۷۵) ۳۳۲۵۵۴۰ نسبت به کل کشور ۵/۵۴ و در سال (۱۳۸۵) ۳۶۰۳۴۵۶ نسبت به کل کشور ۵/۱۱ بوده است.

مساحت استان آذربایجان شرقی ۴۵۶۵۰ نسبت به کل کشور ۲/۸۰ است.

کارگاههای استان آذربایجان شرقی ۳۷۹۶۷ نسبت به کل کشور ۵/۸۹ است.

درصد میزان شهرنشینی استان آذبایجان شرقی در سال (۱۳۷۵) ۲۸/۶۰ و در سال (۱۳۸۵) ۶۷/۶۶ است.

تراکم نسبی جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال (۱۳۶۵) ۶۷ و در سال (۱۳۷۵) ۷۳ و در سال (۱۳۸۵) ۷۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان آذربایجان شرقی

مرد و زن ۱۳۴۴۳ زن ۷۱۷۴ مرد ۶۲۶۹

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان آذربایجان شرقی

مرد و زن ۱۳۰۶۴ زن ۵۸۷۸ مرد ۷۱۸۶

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵

جمع ۱۱۰۸ دولتی ۱۱۰۸ خصوصی ۰ تولید نهال ۸۴۴۰۰۰

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵

تعداد بهره‌برداری ۸۵ مساحت گلخانه ۱۱ ـ هکتار

ادامه در صفحهٔ ۱۴۸

فهرست برخی از مطالب

استان آذربایجان

حدود و موقعیت: محدوده‌ای از کشور ایران که با حدود ۴۶۹۲۹/۹ کیلومترمربع نام آذربایجان شرقی به‌خود گرفته است، در گوشه شمال غربی فلات ایران قرار دارد. رود ارس حدود شمالی آن را با جمهوری‌های آذربایجان، نخجوان و ارمنستان، و رود قطور و آبهای دریاچه ارومیه حدود غربی آن را با آذربایجان غربی تشکیل می‌دهند. و در جنوب کشیدگی رشته کوهها، دره‌ها، جلگه‌ها و دشت‌ها موجب پیوستگی توپوگرافیک استان با آذربایجان غربی و زنجان می‌شود. در شرق دره رودخانه دره رود و کوههای سبلان و چهل نور و گردنه صائین و رود قزل‌اوزن در جنوب این خطه را از استان اردبیل جدا می‌سازد. از نظر مختصات جغرافیائی مدارهای ۲۶َ، ۳۹° و ۴۵َ، ۳۶° شمالی منتهی‌الیه شمالی و جنوبی، و نصف‌النهارات ۵َ، ۴۵° و ۲۲َ، ۴۸° منتهی‌الیه غربی و شرقی استان را می‌پوشانند.

آذربایجان شرقی به‌طول ۲۳۵ کیلومتر با جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان دارای خط همجواری می‌باشد، که در عین حال به‌دلایل طبیعی و سیاسی کمرنگ‌ترین روابط همجواری نیز در طول این خط به‌چشم می‌خورد، شاید علت اصلی انزوای این منطقه وسیع می‌باشد. در این قسمت از حدود آذربایجان شرقی، دو شهرستان از این استان در طول ۲۰۰ کیلومتر با جمهوری آذربایجان، و ۳۵ کیلومتر با جمهوری ارمنستان هم‌مرز می‌باشند که در سراسر آن رود ارس جریان دارد. در حال حاضر ارتباط استان در طول این مرز تنها از سه نقطه جلفا، خداآفرین و کردشت انجام می‌گیرد، که در این میان جلفا از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. شهر مرزی جلفا از طریق خط آهن نخجوان، ایروان و تفلیس به‌جمهوری اکراین و بنادر دریای سیاه (این راه ارتباطی مهم بین‌المللی که به‌خط مستقیم تنها ۲۶۰کیلومتر از آن فاصله دارد) وصل می‌شود. این امر و نزدیکی استان به‌دریای سیاه از نظر موقعیت ارتباطی اهمیت و جایگاه خاصی بدان بخشیده است.

آذربایجان غربی با ۴۲۰ کیلومتر حدود مشترک با شهرستانهای مرند، شبستر، تبریز، مراغه، بناب و هشترود در رتبه اول قرار دارد. رود قطور، دریاچه ارومیه و کوههای تخت سلیمان موانع طبیعی روابط همجواری در بین دو استان محسوب می‌شوند. ولی وحدت قومی و فرهنگی و پیوستگیها و عوامل اقتصادی سبب شده است که آذربایجان غربی بیشترین سهم را در روابط همجواری داشته باشد. این روابط از طریق ۵ محور اصلی مرند ـ بازرگان، مرند ـ خوی، شبستر ـ سلماس، جزیره اسلامی ـ ارومیه و بناب ـ میاندوآب انجام می‌گیرد. که محور اخیر خط ارتباطی آذربایجان به‌کردستان و غرب کشور نیز محسوب می‌شود.

آذربایجان شرقی در جنوب خود با استان زنجان همجوار است که همسایه جنوبی شهرستانهای هشترود و میانه محسوب می‌شود. با وجود وحدت قومی و فرهنگی، وجود موانع طبیعی در حدود بین دو استان، و همچنین وجود قطب جاذبی چون تهران در آن سوی محور تبریز ـ زنجان (که جاذب هرگونه حرکت اقتصادی ـ اجتماعی در این محور می‌باشد) باعث شده است که روابط همجواری در طول این محور رونق خوبی نداشته باشد. به‌همین دلیل شهرستان هشترود از شهرستانهای منزوی و دورافتاده استان به‌شمار می‌آید.

دره رودخانه‌های شهر چای و زنجان چای تنها محور طبیعی ارتباط بین دو استان می‌باشد، که این خط، محور ارتباطی قسمت اعظم آذربایجان شرقی و غربی، همچنین خط ترکیه و اروپا، با مرکز کشور محسوب می‌شود.

آب و هوا: عوامل شکل دهنده‌ی اقلیم و آب و هوای آذربایجان شرقی:

توپوگرافی: بدون تردید توپوگرافی یکی از عوامل مهم آفرینش و یژگی های اقلیمی آذربایجان و عامل اصلی تنوع در آن می‌باشد. ارتفاع و تغییرات آن و جهت‌گیری رشته کوه‌ها در برابر جریانات هوایی، عوامل توپوگرافیک شکل یابی یک منطقه می‌باشند. اغلب رشته‌کوه‌های منطقه در جهت غربی ـ شرقی کشیده شده‌اند و تنها مجتمع کوهستانی سهند و کوه‌های تخت سلیمان از این قاعده مستثنی می‌باشند. ارتفاع عمومی استان نیز از ۱۶۰ تا ۴۸۱۱ متر متغیر است. قاعدتاً، چنین اختلاف ارتفاعی خود به تنهایی می‌تواند تفاوتی در حدود ۲۰ درجه‌ی سانتیگراد را در متوسط دمای سالانه سبب شود.

الف ـ عوامل شکل‌دهنده اقلیم و آب و هوای آذربایجان ـ توپوگرافی: بدون تردید توپوگرافی یکی از عوامل مهم آفرینش ویژگیهای اقلیمی آذربایجان و عامل اصلی تنوع در آن می‌باشد. "ارتفاع" و تغییرات آن و "جهت‌گیری" رشته کوهها در برابر جریانات هوایی، عوامل توپوگرافیک شکل‌یابی کلیمای یک منطقه می‌باشند. اغلب رشته کوههای منطقه در جهت غربی ـ شرقی کشیده شده‌اند و تنها رشته‌کوههای شرقی می‌باشد که چون دیواره‌ای بین قسمتهای داخلی منطقه و دریای خزر حائل شده است. ارتفاع عمومی استان نیز از ۱۶۰ تا ۴۸۱۱ متر متغیر است. قاعدتاً چنین اختلاف ارتفاعی خود به‌تنهائی تفاوتی در حدود ۲۰ درجه سانتیگراد را در متوسط دمای سالانه سبب می‌شود.

ـ عرض جغرافیائی: بیلان انرژی و یا بیلان حرارتی یکی از عوامل اساسی اقلیم و آب و هوای یک منطقه می‌باشد. بنابراین، دومین عامل مؤثر در خصوصیات اقلیمی زاویه تابش آفتاب و به‌عبارت دیگر عرض جغرافیایی است. همانگونه که ذکر شد، آذربایجان شرقی در بین ′۴۵، °۳۶ و ′۲۶، °۳۹ عرض شمالی، در شمالی‌ترین قسمت ایران، قرار دارد. که این امر اختلاف زاویه‌ای در حدود ۱۳ درجه را با قسمت‌های جنوبی ایران، در زاویه تابش آفتاب سبب می‌شود. مقدار زاویه تابش آفتاب در قسمت میانی استان از ۲۸ درجه و ۲۳ دقیقه، در اول دی ماه، تا ۷۵ درجه و ۲۷ دقیقه در اول تیرماه در تغییر است.

ـ جریانات هوائی: سومین عامل مؤثر در اقلیم استان جریانات هوائی می‌باشند. در مجموع سه جریان هوایی با خصوصیات متفاوت، اقلیم و آب هوای آذربایجان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. "جریان مدیترانه‌ای" با ماهیت معتدل و بحری خود که قسمت اعظم بخارات خود را در کوهستانهای ترکیه و زاگرس و آذربایجان غربی از دست می‌دهد. از طرف غرب، ایران و آذربایجان را متأثر می‌سازد. این جریان منشأ قسمت اعظم نزولات جوی ایران می‌باشد، و ورود آن به‌منطقه با تعدیل درجه حرارت و رطوبت هوا همراه است. جریان هوایی سیبری و آسیای مرکزی که ماهیتی بری و سرد دارد، از سمت شمال و شمال شرق و پس از عبور از دریای خزر و جذب بخارات آن آذربایجان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جریان نیز قسمت اعظم بخارات خود را در

دامنه‌های شرقی طالش و بفرو برجای می‌گذارد. ورود این جریان هوایی در نواحی شمال شرقی و شرقی استان با سرما و افزایش میزان رطوبت هوا همراه است. و در مناطق دیگر، به‌ویژه مناطق مرتفع حاکمیت سرما و یخبندانی خشک را سبب می‌شود. جریان هوایی سیبری در تابستان باعث کاهش شدت گرما و خشک شدن هوا می‌گردد. سومین جریان هوایی، جریان اطلس شمالی یا اسکاندیناوی است که دارای ماهیتی سرد و بحری می‌باشد باوجود اینکه این جریان نیز قسمت اعظم بخارات خود را در سراسر اروپا و روسیه برجای می‌گذارد، ولی در آذربایجان نیز ورود این جریان از سمت شمال و شمال غرب با سرمای شدید و بارش برف سنگین همراه است. چهارمین عامل مؤثر در اقلیم آذربایجان، وجود دریای خزر در شرق، دریای سیاه در شمال غرب و دریاچه ارومیه در غرب منطقه می‌باشد. این دریاها و دریاچه ارومیه علاوه از برخوردار کردن منطقه از بخارات خود، در مناطق نزدیک و ساحلی خود عامل تعدیل درجه حرارت نیز می‌باشند.

ب ـ اقلیم آذربایجان شرقی: آذربایجان شرقی به‌دلایل مذکور در قسمتهای گذشته، از تنوع اقلیمی قابل توجهی برخوردار است.

در تقسیم‌بندی بیوکلیماتیک آمبرژه اقالیم مدیترانه‌ای براساس ضریب رطوبت (Q) و معدل حداقل درجه حرارت روزانه سردترین ماه (m) به ۶ نوع تقسیم شده است که به‌جز اقلیم صحرایی دیگر انواع اقالیم در پهنه استان به‌چشم می‌خورد. اقلیم خشک سرد و نیمه خشک سرد، آب و هوای غالب در اکثر مناطق استان می‌باشد که مقدار Q در اقلیم خشک سرد ۱۵ الی ۳۰ و در اقلیم نیمه خشک سرد ۲۰ الی ۵۰، و مقدار m نیز در این دو اقلیم ۵ تا ۱۴ درجه سانتیگراد زیر صفر می‌باشد. (لازم به‌ذکر است که ارقام جدید نشان می‌دهد که اقلیم مناطقی که در نقشه بیوکلیماتیک استان به‌عنوان مناطق خشک سرد معرفی شده‌اند بیشتر به‌سمت نیمه خشک سرد میل می‌کند و خصوصیات و ارقام قسمتهایی از مناطق نیمه خشک سرد با ضرائب و ارقام اقلیم نیمه مرطوب سرد و اقلیم ارتفاعات فوقانی مطابقت می‌نماید).

مناطق شمال صوفیان و اطراف مرند و قسمتهایی از شهرستان اهر، نیز دارای اقلیم نیمه مرطوب سرد می‌باشند که در این نوع اقلیم مقدار Q از ۴۰ تا ۸۰ و مقدار m از صفر تا ۷ درجه سانتیگراد زیر صفر می‌باشد. بقیه مناطق استان که شامل قسمتهای بلندتر نواحی کوهستانی می‌باشد، دارای اقلیم سرد و مرطوب می‌باشد که مقدار Q در آن بیش از ۸۰ و مقدار m از صفر تا ۷ـ درجه سانتیگراد می‌باشد. ارقام جدیدتر نشان می‌دهد که اقلیم این مناطق نیز با خصوصیات اقلیم ارتفاعات فوقانی مطابقت دارد که مقدار Q در آن بیش از ۴۰ و مقدار m کمتر از ۷ـ درجه سانتیگراد می‌باشد. هم‌چنین، گوشه شمال شرقی منطقه دارای اقلیم نیمه خشک معتدل می‌باشد. ولی دامنه تغییرات مقادیر عوامل آب و هوائی اقلیم این منطقه را نیز تا حدودی به‌سردی متمایل می‌کند.

با وجود تنوع اقلیمی در استان، از نظر ویژگیهای حرارتی، "سردبودن" (در اثر ارتفاع، جریانات هوائی سرد و عرض جغرافیائی) ویژگی مشترک تمامی گونه‌های اقلمیی استان می‌باشد. حتی گوشه شمال شرقی منطقه که به‌جهت پست بودن دارای اقلیم معتدل می‌باشد. به‌طور متوسط در ۵۰ روز از سال شاهد یخبندان می‌باشد. پدیده یخبندان در "ایستگاههای" مرتفع استان آذربایجان

شرقی (مناطقی که ارتفاع آنها حدود ۲۰۰۰ متر می‌باشد) تا ۱۷۰ روز در سال افزایش می‌یابد و این اتفاق در ۹ ماه از سال به‌چشم می‌خورد. با توجه به‌این واقعیت که مناطق وسیعی از استان دارای ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر می‌باشند و با توجه به‌گرادیان حرارتی در دامنه‌های کوهستانها، می‌توان نتیجه گرفت که در قسمت قابل توجهی از آذربایجان شرقی، در بیش از نصف روزهای سال، یخبندان رخ می‌دهد که در سراسر ماههای سال، حتی در تابستان، قابل رؤیت می‌باشد.

با وجود شدت سرما و ثبت برودتهای کمتر از ۳۰- درجه سانتیگراد در ایستگاههای هواشناسی مرتفع، درجه حرارتهای بالای ۴۰ درجه سانتیگراد نیز در گرمترین ساعات روز ماههای گرم تابستان، در داده‌های برخی از ایستگاهها چون جلفا و میانه قابل رؤیت می‌باشد. دامنه نوسان بین معدل حداقل و حداکثر درجه حرارت سردترین و گرمترین ماه سال یک منطقه در حدود ۴۰ درجه سانتیگراد می‌باشد و این رقم در بین ارقام مطلق مربوط به‌یک سال تا ۵۵ درجه افزایش می‌یابد. میانگین دمای روزانه نیز در بین ایستگاههای استان ۶/۵ تا ۱۵ درجه سانتیگراد می‌باشد. براساس داده‌های این ایستگاهها نواحی پست دره رود ارس و دره رود و دشت مغان گرمترین، و ارتفاعات دامنه‌های شرقی سهند و دامنه‌های غربی بزقوش سردترین مناطق استان محسوب می‌شوند.

میزان نزولات جوی در استان به‌طور متوسط از ۲۵۰ الی ۶۰۰ میلی‌متر در نوسان است، فصول زمستان و بهار فصول بارندگی منطقه محسوب می‌شوند و بیشترین شدت بارندگی در بهار مشاهده می‌شود. فصل پائیز از نظر میزان بارندگی پس از بهار و زمستان در رتبه سوم قرار دارد.

ناهمواریهای آذربایجان شرقی: سیمای طبیعی آذربایجان شکل یافته ۷ واحد کوهستانی و دره‌ها و جلگه‌های میان آنها می‌باشد، که عبارت از قره‌داغ، میشو و مورو، قوشاداغ، سبلان، سهند، بزقوش و تخت سلیمان می‌باشد.

شمالی‌ترین و بزرگترین این واحدها رشته کوه قره‌داغ می‌باشد، که از دیوان‌داغ در منتهی‌الیه غربی استان آغاز و پس از عبور از شهرستانهای مرند، شبستر، تبریز، اهر، کلیبر و مشکین شهر به‌دره رودخانه قره‌سو و دره رود ختم می‌شود. شاخه‌ای از این رشته کوه در آنسوی دره رود به‌کوههای خروسلو و شاخه‌ای دیگر به‌کوههای برزند (صلوات‌داغ) می‌پیوندد که این کوهها نیز پس از عبور از شهرستانهای بیله‌سوار و مغان در استان اردبیل به‌منتهی‌الیه شمالی رشته کوه طالش می‌پیوندد. قله‌های شیور، گشت‌سر، آغداش، قصبه و سلطان جهانگیر از قلل مرتفع و معروف این رشته کوه به‌شمار می‌روند. بلندترین نقطه کوههای قره‌داغ قله کیامکی می‌باشد که ۳۴۱۴ متر ارتفاع دارد.

عارضه توپوگرافیک دیگر رشته کوه قوشاداغ می‌باشد. این رشته کوه در غرب به‌شاخه‌ای از کوههای قره‌داغ، و در شرق خود به‌توده عظیم و آتشفشانی سبلان می‌پیوندد. بلندترین نقطه آن با ۳۱۵۰ متر ارتفاع قله قوشاداغ نامیده می‌شود. از قلل دیگر آن می‌توان نرمیق، ساپلاخ و یاغلی داغ را نام برد. جهت امتداد این رشته کوه شرقی - غربی بوده و خط‌الرأس آن مرز طبیعی شهرستانهای سراب و هریس در جنوب، و اهر در شمال محسوب می‌شود.

سبلان با ۴۸۱۱ متر ارتفاع، منتهی‌الیه شرقی رشته کوه قوشاداغ و بلندترین نقطه استان به‌شمار

می‌آید. این آتشفشان خاموش با مناظر بدیع و نعمات فراوان اطراف خود از زیباترین قلل جهان محسوب می‌شود. از قلل دیگر این توده آتشفشانی می‌توان هرم، کسری، قرخ بلاغ و قزل بره را نام برد.

رشته‌کوه میشو و مورو دومین ردیف عوارض توپوگرافیک را در غرب و مرکز استان به‌وجود می‌آورد. این رشته کوه از منتهی‌الیه غرب استان، در شمال دریاچه ارومیه آغاز و تا شمال غرب تبریز کشیده می‌شود و در این منطقه توسط تپه‌هائی کم‌ارتفاع به‌رشته‌کوههای تبریز یعنی عون بن علی که تاگردنه شبلی ادامه می‌یابد، می‌پیوندد. بلندترین نقطه این رشته، قله علی علمدار با بلندی ۳۱۵۵ متر و میشو، کوی زنگی و پیرموسی از قلل مرتفع و معروف دیگر آن می‌باشند.

سهند با ۳۷۰۷ متر ارتفاع تودهٔ عظیم آتشفشانی دیگری است که قلل زیبای آن منظر جنوبی شهر تبریز را به‌وجود آورده است. این مجتمع کوهستانی به‌صورت یک‌واحد توپوگرافیک منفرد بزرگ در غرب میانی آذربایجان قرار دارد و از قلل آن می‌توان سهند، سلطان، درویش، میدان، اولیاء، گیروه، اروانه، بوز و قبله را نام برد.

رشته‌کوه بزقوش واحدکوهستانی دیگر استان می‌باشد که به‌همراه سهند سومین ردیف رشته کوههای شرقی - غربی آذربایجان شرقی را به‌وجود می‌آورد. این رشته کوه از منتهی‌الیه دامنه‌های شرقی سهند شروع و در سراسر مرز میان شهرستانهای سراب و میانه کشیده شده و در منتهی‌الیه شرقی خود به‌طرف جنوب تغییر جهت داده و به کوههای چهل نور و دره رود سنگور ختم می‌شود. قله بزقوش با ۳۳۰۲ متر ارتفاع بلندترین نقطه آن به‌شمار می‌آید.

کوههای اربط یا تخت سلیمان آخرین عارضه کوهستانی استان به‌شمار میاید، این رشته کوه که جنوبی‌ترین کوههای آذربایجان شرقی می‌باشد، برخلاف دیگر واحدهای کوهستانی، از دامنه‌های جنوبی سهند آغاز می‌شود و به‌طرف جنوب کشیده شده است. بلندترین نقطه آن در محدوده استان، قبله‌داغ با ۳۲۰۶ متر ارتفاع و اربط، گل دامن، بابا و شوانت از قلل دیگر آن می‌باشند. این کوهها در بخش چاراویماق شهرستان هشترود قرار داشت و قلل برفگیر آن با چشمه‌های فراوان دامنه‌های خود آبخیز رودهای آید و غموش و قرانقو به‌شمار می‌رود.

حوضه‌های آبریز و شبکه رودخانه‌ها: وجود کوهستانهای مرتفع و قرار گرفتن آنها در مسیر جریانات هوایی مدیترانه‌ای و اطلس شمالی، پیدایش مناطقی را با بیش از ۹ ماه پوشش برفی و دامنه‌هایی را با چشمه‌های فراوان سبب شده و این پهنه را به‌صورت آبخیز لایزال رودخانه‌های بزرگ و کوچک متعددی درآورده است. استان آذربایجان شرقی آبخیز دو حوضه بسته خزر و ارومیه به‌شمار می‌رود. قسمت میانی آن، یعنی حدفاصل رشته‌کوههای میشو، قره‌داغ، قوشاداغ و سبلان از شمال و شرق و رشته کوه بزقوش و سهند از جنوب، به‌همراه گوشه جنوب غربی استان یعنی غرب کوههای سهند و اربط، آبخیز شرقی دریاچه ارومیه را تشکیل می‌دهد. بقیه مناطق آذربایجان شرقی، قسمتی از حوضه آبریز خزر می‌باشد که کلیه نزولات جوی در آن توسط دو شریان اصلی ارس در شمال و قزل‌اوزن در جنوب به‌دریای خزر می‌ریزند.

موقع و محل آذربایجان شرقی: در گوشه‌ی شمال غربی فلات ایران قرار دارد. از نظر

تقسیمات کشوری دارای نوزده شهرستان و چهل و دو بخش و صد و چهل و یک دهستان و دارای پنجاه و هفت منطقه‌ی شهری و مرکز آن شهر تبریز می‌باشد.

استان آذربایجان شرقی با ارتفاع عمومی ۱۶۰ تا ۴۸۱۱ متر دارای موقعیت کوهستانی است که بیش‌تر رشته کوه‌های منطقه در جهت غربی - شرقی کشیده شده میان این رشته کوه‌ها دشت‌های کوچک و بزرگ متعددی وجود دارد که بستر فعالیت‌های اقتصادی این استان می‌باشد.

سیمای اقلیمی: عوامل اصلی شکل دهنده‌ی اقلیم استان آذربایجان شرقی مشتمل بر عامل ارتفاع، عرض، جغرافیایی، دوری و نزدیکی به منابع آب‌ها و تأثیرپذیری از توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی مؤثر بر سطح استان می‌باشدکه هر یک به سهم خود و نیز در تلفیق با یکدیگر شرایط آب و هوایی این بخش از کشور را به وجود می‌آورند. در کنار عوامل اصلی چهارگانه گفته شده، عوامل دیگری به‌صورت فرعی و جانبی بر اقلیم استان تأثیر می‌گذارند که از جمله می‌توان به پوشش گیاهی، کشاورزی و فعالیت‌های صنعتی و معدنی استان اشاره داشت.

مهم‌ترین عامل تنوع اقلیمی در این استان را می‌توان ارتفاع دانست و در این ارتباط وجود ارتفاعات متعدد و امتداد جغرافیایی آن‌ها و ارتفاع استان از سطح دریا، بیش‌تر از سایر عوامل بر سیمای اقلیمی آذربایجان شرقی مؤثر واقع شده است.

آذربایجان شرقی به سبب ارتفاع قابل ملاحظه از سطح دریا و به علت تأثیرپذیری از مرکز پرفشار شمالی، در فصل زمستان دارای هوای سرد و در فصل تابستان دارای هوای معتدل است.

تقسیمات اقلیمی: وجود ارتفاعات متعدد در سطح استان و تأثیرپذیری استان از کوهستان‌ها و دره‌های فراوان و تنوع توده‌های هوای مؤثر بر آذربایجان شرقی، همراه با تأثیرات عرض جغرافیایی و منابع رطوبتی و غیره، سبب شکل‌گیری طیف وسیعی از اقلیم‌های مختلف در این منطقه از کشور گردیده است.

بر اساس روش طبقه‌بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده، اقلیم‌های زیر در بخش‌های مختلف استان گسترش دارند: اقلیم نیمه خشک را می‌توان در محدوده‌های مرتفع‌تر استان به ویژه در منطقه‌ی سهند و سبلان جستجو نمود. تمام مناطق مجاور دریاچه‌ی ارومیه که در این استان قرار دارند، دارای اقلیم نیمه‌خشک سرد است. تبریز، مراغه، اسکو، شرفخانه، مرند، آذرشهر، بناب، میانه، ملکان، علمدار گرگر، خسروشهر، شبستر و عجب شیر دارای اقلیم نیمه‌خشک سرد می‌باشند.

اقلیم نیمه مرطوب، ارتفاعات کیامکی داغ، ارتفاعات قازان و علمدار در جنب غربی مرند را در استان آذربایجان شرقی در بر می‌گیرد که امتداد آن تا ارتفاعات محمد آقا در آذربایجان‌غربی کشیده می‌شود. در این استان نیز همانند آذربایجان غربی شاهد دو باریکه‌ی اقلیمی خشک سرد، یکی در ناحیه‌ی جنوب شرق بوده و هر چه از غرب به شرق پیش می‌رویم از میزان ارتفاعات و تراکم کوهستان‌ها کاسته شده و به دره‌های باز و دشت‌های نسبتاً وسیع منتهی می‌شود.

ارتفاعات استان به گونه‌ای مستقیم و بارز بر رژیم آب و هوایی چهارمحال و بختیاری تأثیر می‌گذارند.

رشته کوه‌ها و ارتفاعات استان آذربایجان شرقی
ناهمواری‌های آذربایجان شرقی را می‌توان به سه دسته‌ی متمایز تقسیم‌بندی کرد:

۱ -کوه‌های شمالی (میشوداغ، مورو داغ)

میشوداغ و مورو‌داغ: در امتداد کوه‌های قره‌داغ، در قسمت غرب رشته کوه‌های میشوداغ، در جنوب و جنوب غربی شهرستان مرند و در شمال دریاچه‌ی ارومیه در جهت شرقی و غربی کشیده شده و حداکثر ارتفاع آن در علمدار ۳۱۵۵ متر است.

گردنه‌ی معروف یام در دامنه‌ی شمال شرقی این کوهستان بر سر راه تبریز و مرند قرار دارد که دامنه‌های آن در تابستان سرسبز و خرم بوده و محل تفریح اهالی این ناحیه می‌باشد و در زمستان نیز محل مناسبی برای علاقمندان به ورزش اسکی است. این ناهمواری‌ها در محلی به نام صوفیان توسط تپه ماهورهایی به توده‌ی کوهستانی مورو‌داغ ارتباط پیدا می‌کند.که بلندترین نقطه‌ی آن ۲۲۱۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

۲ - کوه‌های شرقی (طالش، صلوات داغ، خروسلو)

طالش: ارتفاعات طالش در جهت شمالی - جنوبی کشیده شده و حد فاصل بین این استان و دریای خزر می‌باشد. این کوهستان مانع نفوذ رطوبت دریای خزر به داخل این منطقه می‌شود. بلندترین نقطه‌ی آن در شرق اردبیل است که حدود ۲۷۵۰ متر ارتفاع دارد. دامنه‌های شرقی آن پوشیده از جنگل‌های انبوه است، در حالی که دامنه‌های غربی و شمالی، به جز در ارتفاعات که دارای پوشش جنگلی است، در قسمت‌های دیگر پوشش گیاهی مهمی را به‌وجود نیاورده است. مهم‌ترین راهی که این استان را به ساحل دریای خزر مربوط می‌سازد، گردنه‌ی معروف حیران است که از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

کوه‌های صلوات داغ و خروسلو: دنباله‌ی کوه‌های طالش در شمال به توده‌های کم‌ارتفاع‌تری می‌پیوندد که به کوه‌های صلوات داغ معروف است و حداکثر ارتفاع آن به ۲۲۲۸ متر می‌رسد. از دیگر کوه‌های مهم این قسمت، کوه‌های خروسلو می‌باشد که با حداکثر ۷۰۰ متر ارتفاع، مرتفعات جنوبی جلگه‌ی مغان را تشکیل می‌دهد.

۳ - کوه‌های مرکزی و جنوبی (بزغوش، پکه، چین، عون بن علی، سهند، قافلانکوه)

بزغوش: در جنوب کوهستان سبلان، کوه‌های بزغوش واقع شده که در حدود ۱۲۰ کیلومتر طول و ۴۵ کیلومتر عرض آن می‌باشد و در جهت شرقی - غربی تا دره‌ی قرانقوچای که آن را از دامنه‌های شرقی سهند جدا می‌سازد ادامه می‌یابد. بلندترین نقطه‌ی این کوهستان، در جنوب سراب حدود ۳۳۰۰ متر ارتفاع دارد. این کوهستان همانند آتشفشان‌های سهند که به وسیله‌ی مواد خروجی آتشفشانی ارتفاع یافته است، دارای چشمه‌های متعدد آب گرم می‌باشد که در صورت سرمایه‌گذاری به‌صورت مرکز جهانگردی درخواهد آمد. بزغوش با دامنه‌های سرسبز و زیبا و مراتع وسیع در مواقع چرای دام‌ها محل اطراق ایلات و عشایر و دامپروران و روستائیان اطراف است.

عون بن علی: امتداد کوه‌های بزغوش در جهت شمال، کوه‌های عون بن علی (عینعلی) را در شمال شرقی تبریز به وجود می‌آورد. این رشته‌کوه عاری از پوشش گیاهی بوده و از لایه‌های گچ و ماسه سنگ‌های رنگین تشکیل یافته و از این رو به ارتفاعات سرخاب معروف است.

آتشفشان سهند: در ۴۰ کیلومتری جنوب تبریز قرار دارد و با مجموعه‌های آتشفشانی کوچک در شمال غرب ارومیه و ارمنستان و آرارات ارتباط دارد. ارتفاع آن ۳۶۰۰ متر است و مطالعه‌ی رادیومتر گدازه‌های آن سنی معادل ۱۲ میلیون تا ۱۴۰/۰۰۰ سال را به آن‌ها نسبت می‌دهد.

ترکیب گدازه‌ها بیشتر از نوع داسیبت تا آندزیت است که در بین آن‌ها خاکسترها و توف‌های فراوانی دیده می‌شود. وفور خاکسترها که تا فواصل دور پراکنده شده‌اند، سبب مدفون شدن پستانداران حوالی مراغه شده‌اند که از نظر دیرینه‌شناسی دارای اهمیت هستند.

سهند: کوه آتشفشان سهند به صورت منفرد در مرکز آذربایجان، در جنوب تبریز واقع شده است و در حدود ۷۵ کیلومتر طول دارد. مخروط آتشفشانی خاموش سهند از سه قله که در امتداد یکدیگر قرار گرفته‌اند تشکیل شده که بلندترین آن، قله‌ی سهند مرکزی به ارتفاع ۳۷۱۰ متر است. قلل آن با برف‌های دایمی پوشیده شده که با ذوب آن‌ها سرچشمه‌ی رودهای متعددی را تشکیل می‌دهد که از اطراف سرازیر شده و به حوزه‌ی دریاچه‌ی ارومیه و قزل اوزن می‌پیوندند. عوامل درونی ناشی از آتشفشان به‌صورت چشمه‌های معدنی آبگرم در حوالی آن دیده می‌شود. دامنه‌های سهند از ۲۵۰۰ متر به پایین پوشیده از مراتع طبیعی است که چراگاه‌های بسیار مناسبی برای دامداران و ایلات و عشایر می‌باشد.

قافلانکوه: در جنوب و جنوب شرقی شهرستان میانه ارتفاعات قافلانکوه قرار دارد. این رشته‌کوه در جنوب میانه توسط رود قزل اوزن به دو ضلع جدا از هم تقسیم می‌شود که ضلع شرقی آن به سوی منجیل و ضلع غربی آن به طرف شهرستان سقز ادامه می‌یابد. دامنه‌های آن به طرف قزل‌اوزن با شیب بسیاز زیاد متوجه این رودخانه می‌گردد که در غالب اوقات بر اثر بارندگی‌های ناگهانی و جاری شدن سیل موجب بسته شدن راه تبریز به تهران می‌گردد. قافلانکوه تقریباً فاقد پوشش گیاهی است و یک توده‌ی صخره‌ای و سنگستانی به نظر می‌رسد.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان آذربایجان شرقی

دریاچه ی قوری گول: این دریاچه مثلث شکل با وسعت ۲۴۰ هکتار با پستی و بلندی‌های نه‌چندان مهم احاطه شده است. دریاچه‌ی قوری گول در فاصله‌ی ۴۵ کیلومتری تبریز در مسیر جاده‌ی تهران - تبریز قرار دارد.

تعداد زیادی از گردشگران روزهای تعطیل و اوقات فراغت خود را در فضای سبز کناره‌های این دریاچه سپری می‌کنند. دریاچه‌ی قوری گول به دلیل ویژگی‌های محیطی و زیستگاهی حیات وحش، به عنوان تالاب بین‌المللی به ثبت رسیده است و یکی از تفرجگاه‌های زیبای استان می‌باشد.

رودخانه‌های آذربایجان شرقی: کوهستان‌های مرتفع و پربرف آذربایجان سرچشمه‌ی رودخانه‌های پرآب متعددی است که علاوه بر سرسبز نمودن مزارع و باغات استان، چشم‌اندازها و گردشگاه‌های کم‌نظیری را جهت گردشگران استان پدید آورده‌اند که برای هر بیننده‌ای سرشار از جذابیت‌های طبیعی است.

رودخانه‌ی ارس: این رود پرآب‌ترین رودخانه‌ی آذربایجان می‌باشد که از کوه‌های مین گول داغ (هزار برکه) ترکیه سرچشمه گرفته و در طول ۱۰۷۲ کیلومتری نوار مرزی مشترک ایران و

کشـورهای همسایه‌ی شمالی جریان دارد و سرانجام به دریای خزر می‌ریزد. سواحل رودخانه‌ی ارس که به آن آراز (ارس) می‌گویند از ارزش‌های تفرجگاهی قابل توجهی برخوردار است.

رودخانه‌ی آجی‌چای: آجی چای (تلخه‌رود) مهم‌ترین رود دشت تبریز است که در ۱۰ کیلومتری شمال تبریز در دره‌های عینالی (سرخاب) جاری است. آب رودخانه ابتدا شیرین است اما به علت عبور از طبقات نمکی مواد محلول آن افزایش پیدا کرده و بر میزان شوری آن افزوده می‌شود. سطح آبریزان آن ۸۵۴۷ کیلومتر مربع است.

دیگر رودخانه‌های استان آذربایجان شرقی عبارتند از:

اسکوچای، القناچای، اهر چای، سین چای، دوزال چای، سیدآوا چای، توفارقان چای، صوفی چای، آیدوغموش چای، لیقوان چای و رودخانه‌ی مردق یا موردی چای.

رودخانه‌ی مردق: رودخانه مردق (موردی چای) از کوه‌های جنوبی سهند سرچشمه می‌گیرد و پس از مشروب ساختن اراضی شرق مراغه به طرف جنوب سرازیر و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد. بستر این رودخانه از دوران سوم زمین‌شناسی به یادگار مانده است. این رودخانه علاوه بر ارزش‌های تفرجگاهی از اهمیت پژوهشی درمطالعات زمین‌شناسی وفسیل‌شناسی دوران سوم زمین‌شناسی نیز برخوردار است.

از دیگر منابع آبی این استان چشمه‌های آب‌گرم و آب معدنی می‌باشد.

آب معدنی چشمه تاپ تاپان: آب معدنی این چشمه دارای خواص درمانی بسیاری می‌باشد. آب چشمه تاپ تا پایان انواع آب‌های معدنی گازدار و آهن‌دار و هم چنین بیکربناته کلسیک است. مردم به ویژه اهالی بومی آذرشهر از آب این چشمه که در ۵ کیلومتری این شهر قرار دارد استفاده می‌کنند.

دیگر چشمه‌های این استان عبارتند از:

۱ - چشمه الله حق ۲ - چشمه‌ی آبرس در ۱۱ کیلومتری سراب ۳ - چشمه ورجوی در ۸/۵ کیلومتری جنوب مراغه ۴ - چشمه گشایش در ۱۴ کیلومتری جنوب مراغه ۵ - چشمه آب معدنی کندوان در ۲۲ کیلومتری جنوب اسکو

خاک و خاک‌شناسی:

خصوصیات کلی خاک‌های منطقه: خواص مختلف آذربایجان شرقی از لحاظ نوع و زمان تشکیلات زمین‌شناسی - انواع مواد اولیه تشکیل دهنده‌ی خاک - پستی و بلندی و عوامل ناشی از آن و تا حدی پوشش گیاهی و عملیات کشاورزی با یکدیگر اختلاف زیادی دارند، این عوامل خاک‌شناسی انواع خاک‌های فعلی این سرزمین را تولید کرده‌اند. مواد اولیه تولید کننده‌ی خاک با پوشش استپی و نیمه استپی و عوارض پستی و بلندی تحت شرایط آب و هوایی مزبورکه در طول دوران‌های زمین‌شناسی خاک‌های ناحیه‌ای (Azonal) از قبیل ابروان (قهوه‌ای) چشت نات از گروه خاک‌های کامل را تولید نموده که به طول مجزا و یا توأم با خاک‌های دیگر نظیر خاک سیروزوم و لیتوسل از نقاط مختلف استان به چشم می‌خورند سطح اعظم جلگه‌ها و کلیه نواحی کوهستانی شامل همین خاک‌ها است.

طبقه‌بندی خاک‌ها بر اساس نواحی ارتفاعی: خاک دشت‌ها و دره‌ها از مواد رسوبی قدیمی و بعضاً نوبنیاد به وجود آمده است. در بعضی نقاط

به علت تأثیر عوامل خاک‌شناسی - آثار تشکیل طبقات ژنتیکی خاک را از نوع براون که مخصوص این منطقه بر روی رسوبات قدیمی (نظیر دشت مغان) نشان می‌دهد ولی خاک بیش‌تر نواحی از گروه غیر ناحیه‌ای و یا بین ناحیه‌ای است. از انواع خاک‌های اخیر بین ناحیه‌ای خاک‌های شور و شور باتلاقی پیرامون دریاچه‌ی ارومیه را می‌توان نام برد.

وضع قرار گرفتن خاک اکثر جلگه‌ها و دره‌های وسیع استان بر روی مواد اولیه به نحوی است که یکنواختی خاصی از نقاط پست جلگه تا ارتفاعات را نشان می‌دهد و ترتیب آن به قرار زیر است.

۱ - خاک‌های مرطوب و شور: این خاک‌ها به جهت قرار گرفتن در محلی که سفره‌های آب زیرزمینی آن به سطح نزدیک و یا آن را پوشانیده بوجود آمده‌اند.

۲ - خاک‌های تولید شده روی مواد رسوبی مرکب از ذرات ریز: قسمتی از اراضی دشت‌ها و جلگه‌های نزدیک رودخانه‌های استان از همین خاک‌ها پوشیده شده است.

۳ - خاک‌های تولید شده روی مواد رسوبی مرکب از ذرات درشت: در نواحی کوهستانی و همچنین بر روی سنگ‌های واریز و فرسوده شده ثابت در حد فاصل بین خاک‌های جلگه‌ها و خاک‌هایی که در نقاط مرتفع قرار گرفته‌اند می‌باشد.

۴ - خاک‌های نقاط مرتفع و ارتفاعات بلند و قلل اطراف آن‌ها: این دسته از خاک‌ها عموماً فاقد طبقات ژنتیکی خاک بوده و در برخی نواحی جز مواد اولیه‌ی تولید خاک چیز دیگری به نظر نمی‌رساند.

طبقه بندی خاک‌ها بر اساس نوع و جنس:

۱ - خاک‌های قهوه‌ای: این گروه خاک‌ها به رنگ قهوه‌ای مایل به تیره که به تدریج در قسمت زیرزمین (طبقه‌ی B) به رنگ قهوه‌ای روشن و قهوه‌ای مایل به خاکستری روشن که طبقه‌ی تجمع کربنات کلسیم است تبدیل می‌شود. کربنات کلسیم طبقه‌ی زیرزمینی به صورت ذرات مجتمع متراکم و به هم چسبیده و یا به صورت رشته یا پودر متراکم در اعماق بین ۳۰ تا ۷۵ سانتی‌متری از سطح دیده می‌شود. تغییر رنگ این خاک‌ها به علت میزان درصد مواد آلی و نوع مواد متشکله طبقات زیرین پروفیل خاک می‌باشد که بعضاً به علت کم‌عمق بودن خاک روی طبقه‌ی کربنات کلسیم سنگ مادری قرار گرفته است به رنگ روشن درمی‌آید.

۲ - خاک‌های چست نات: این خاک‌ها شبیه خاک‌های قهوه‌ای است ولی رنگ آن‌ها تیره‌تر و اغلب در ارتفاعات بلندتری از آن‌ها قرار گرفته‌اند. خاک‌های چست‌نات به جهت پوشش گیاهی انبوه و بلندتری که نسبت به خاک قهوه‌ای دارند از مقدار مواد آلی بیش‌تری برخوردار بوده مواد آلی آن تا ۴ درصد نیز می‌رسد.

درصد آهک روی زمین این خاک‌ها به سبب انتقال به زیر زمین (طبقه‌ی B) کم‌تر از خاک‌های قهوه‌ای است.

۳ - خاک‌های قهوه‌ای تؤام با لیتوسل: گروهی از خاک‌های بین ناحیه‌ای و غیر ناحیه‌ای بوده که از لحاظ تکامل پروفیل (برش عمومی خاک) عمق خاک، میزان آب‌شویی، مواد، زهکشی، و سنگلاخی متغیر می‌باشدولی عموماً خاک‌های کم عمقی بوده و کم و بیش رنگ قهوه‌ای داشته، نواحی کوهستانی و تپه ماهورها را می‌پوشاند.

۴ - لیتوسل آهکی متشکل از مارن‌های گچی و

نمکی: به‌علت قرار گرفتن این خاک‌ها روی تشکیلات ژیپس و نمکی از نظر کمی و کیفی جزو خاک‌های نامرغوب محسوب می‌شوند.

۵ - لیتوسل آهکی در ناحیه‌ی خاک‌های براون و چست نات: معمولاً مواد آهکی و یا طبقاتی که هنگام تخریب مواد اولیه مقدار زیادی کلسیم آزاد ساخته‌اند باعث تشکیل این خاک‌ها شده که در آذربایجان شرقی تپه ماهور و اراضی با شیب نامساعد را تشکیل داده‌اند.

۶ - لیتوسل متشکل از سنگ‌های خروجی در ناحیه‌ی خاک‌های قهوه‌ای و سیروزوم: این گروه خاک‌ها شباهت بسیاری به خاک‌های قبلی دارد ولی بیش‌تر روی سنگ‌های آذرین و خاکسترهای آتشفشانی و به مقدار کمی بر تشکیلات سنگ‌های دگرگونی (ناحیه‌ی جنوب خداآفرین) قرار گرفته‌اند.

۷ - خاک‌های رسوبی: این خاک‌ها شامل بسترهای ابتدایی و ثانوی نواحی پست و صاف سیل گیر و تراس‌های اولیه و اطراف رودخانه‌ها است که کم و بیش از رسوبات مربوطه برخوردار می‌باشد.

۸ - خاک‌های شور: به‌علت داشتن نمک‌های زیاد و مقدار زیاد یون سدیم قابل تعویض و ترکیب هر دو (خاک‌های شور و قلیایی) سبب توقف و رشد طبیعی نباتانت زراعتی شده و در نتیجه کشت محصولات زراعتی در این اراضی مثمرثمر نمی‌باشد.

۹ - خاک‌های باتلاقی: این خاک‌ها به صورت یک رشته متصل در مصب زرینه رود و پیرامون آن در کنار دریاچه‌ی ارومیه و از جنوب به سوی شمال شرقی امتداد داشته و اکثر مدت سال پوشیده از آب می‌باشد.

از خاک‌های قهوه‌ای تؤام با رنزنیا: خاک‌های براوان توام با رنزنیا و خاک‌های سیروزوم، مساحت محدودی را در آذربایجان شرقی می‌پوشانند. این خاک‌ها بر روی خاکسترهای آتشفشانی در دامنه‌های سبلان از شمال اردبیل تا سراب به صورت نواری کشیده شده است.

۴ - **فرسایش خاک:** آثار فرسایش در آذربایجان شرقی بیش از دیگر استان‌ها وجود دارد.

بخشی به جهت وضع طبیعی خاص منطقه نظیر عوارض پستی و بلندی جنس خاک‌ها و عوامل آب و هوا است. بخش دیگر مربوط به عملیات مخرب انسانی و دام در اراضی بهره‌برداری است که از طرق چرای مداوم و بیرویه دام، قطع و ریشه کنی نباتات و کشت و کار غیر اصولی بدون برنامه حفاظتی آب و خاک است.

گردشگاه‌های طبیعی استان آذربایجان شرقی:

آذربایجان شرقی سرشار از زیبایی‌های طبیعت است و شهرها و روستاها و کوهستان‌ها و کوهپایه‌های آن همچون تابلوهای الوان هزار رنگ در تمام فصل‌های سال چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌سازد دریاچه‌ی ارومیه، دریاچه‌ی گول، چشمه‌ها، آبشارها، بندرها و جزایر و شبه جزایر، جلگه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها و بیشه‌ها و تالاب‌ها و مرداب‌های استان همه ساله مورد استفاده تفرجگاهی انبوه گردشگران قرار می‌گیرد و خیل عظیم گردشگران داخلی و جهانگردان خارجی را به سوی خود می‌کشاند.

ائل گولی عمارت دلکش تبریز: تبریز یکی از قدیمی‌ترین مناطق ایران و مهم‌ترین منطقه‌ی استان آذربایجان شرقی است. مجموعه‌ی آثار تاریخی و نشانه‌های باستان‌شناختی که از محل‌های مختلف این شهرستان در نتیجه‌ی

حفاری‌های متعدد به دست آمده دلالت بر دیرینگی و قدمت تاریخی این منطقه دارد.
مردم تبریز به دلاوری، آزادی خواهی، و بیش از همه به صراحت بیان در عین برخورداری از روحی مهربان شهره‌اند. تبریز؛ مأمن عرفا و شعرا، خاستگاه فضل و هنر و سرزمین اولین‌ها است. اولین مدرسه، اولین چاپخانه، اولین تئاتر، اولین نشریه و.... در این منطقه وجود داشته است.
کشاورزی این شهرستان به واسطه‌ی شرایط طبیعی مساعد چون خاک خوب و حاصل‌خیز، رود دایمی، آب‌های زیرزمینی، باران مناسب و آب و هوای معتدل پیشرفت خوبی دارد و از رونق قابل توجهی برخوردار است. عده‌ای شهرستان تبریز را معتبرترین و شریف‌ترین شهرها می‌دانند.
کوهستان‌ها، دشت‌ها و دره‌ها از جمله ارتفاعات سهند، دره لیقوان و دشت تبریز به همراه دریاچه‌ها و تالاب‌های متعدد و آثار معماری و تاریخی کم نظیر سبب شده این منطقه از هر نظر دارای اهمیت باشد. آذربایجان شرقی از نظر جغرافیایی و اقلیم طبیعی یکی از غنی‌ترین و پرجاذبه‌ترین مناطق منطقه می‌باشد وجود کوهستان‌های زیبا و سربه فلک کشیده که حتی در اوج گرمای آفتاب تابستان جامه سفیدشان را از تن به در نمی‌کنند، رودخانه‌های خروشان و آبشارهای فرح‌بخش آن با چشم اندازهای بدیع و جان‌فزا، باغ‌های پرمیوه و ییلاق‌های سرسبزش، دریاچه‌های پرموج و تفرجگاه‌های روح پرورش، استخرها، آسیاب‌ها و روستاهای دل‌انگیزش همه و همه این استان را به یکی از زیباترین و خوش آب و هواترین مناطق منطقه تبدیل کرده است. در این میان عمارت ائل گولی، ازگردشگاه‌های زیبا و دلکش تبریز، بر دامنه‌ی تپه‌ای واقع شده است. ائل گولی استخری بزرگ به شکل مربع به مساحت ۵۴ هزار و ۶۷۵ متر مربع بود و در جنوب آن تپه‌ای است که آن را از بالا تا پایین هم‌سطح استخر، پله‌بندی کرده و نهر آبی از آن به سمت پایین روان است در مرکز استخر، عمارتی به شیوه‌ی سنتی در دو طبقه ساخته شده و اطراف استخر به صورت پارک بسیار زیبا و فرح‌بخشی درآمده است که یکی از زیباترین جاذبه‌های گردشگری آذربایجان شرقی به شمار می‌رود. بنای نخستین عمارت ائل گولی را به دوره‌ی آق قویونلوها نسبت می‌دهند که یک بار در زمان صفوی و بار دیگر در زمان قاجار توسط قهرمان میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه در ایام حکمرانی آذربایجان، بازسازی شده است. شاه گولی (استخر شاه) و ائل گولی (استخر مردم) هنوز از مهم‌ترین گردشگاه‌های مردمی است که به تبریز سفر می‌کنند از تاریخچه‌ی بنای این عمارت اطلاعات مستندی در دست نیست. این بنا در سال ۱۳۴۶ به علت رطوبت زیاد و فرسودگی تخریب شد که در سال ۱۳۴۹ به جای آن بنای زیبای دو طبقه‌ای با همان طرح قبلی ساختند.

عجب‌شیر (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان عجب‌شیر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر عجب‌شیر و دارای دو دهستان (۱ - دیزجرود غربی ۲ - خضرلو)

شهرستان عجب شیر و گردشگری: در کنار آب‌های گرم دریاچه و مرواریدهای غلطانش، مواهب طبیعی و دیدنی‌های دیگری چون: آب طلائی گنبد، چشمه‌ی شگفت‌انگیز (قندر غالوی) چهار برود، آب‌شار زیبای چاخ چاخ، دره‌ی مصفای کبوتران، تفرجگاه خاطره‌انگیز باغدره، منظار بدیع دره تو‌تلوق، جلوه دشت بهرام،

صلابت دربند کوروش، زمزمه چشمه‌های خاتون بیگ، قیزگلین و آغ ماغان، متانت کوه‌های سلطان چاپان و داغداغان، دره‌های سامانچی و آریان و غارهای خمره‌ای هرگلان، همگی از اعتبار و قابلیت‌های طبیعی و استعدادهای جهانگردی آن سخن می‌گوید.

علاوه بر مواهب فوق، وجود ابنیه و امکنه‌ی مذهبی و تاریخی کهن نظیر: مسجد شیرلوی عجب شیر، مسجد محمد حنیفه گوروان، مسجد قاضی شیشوان با معماری ویژه و تزئینات تحسین‌آمیز، بقاع متبرکه سید ابوالقاسم عجب شیر، سید علی بوکت، شاه ابراهیم جوان قلعه و پیرموسای پسیان جملگی به غنای فرهنگی و ریشه‌های اعتقادی مردم این سامان گواه است.

استحکامات حیرت‌انگیز دژه‌های حصین ضحاک ماران، روئین اسفندیار و فراده اسپه، ذخایر فرهنگی عظیم چون شهرهای گمشده‌ی عهد باستان (نریز، شیز، یوزدمیر، جابروان و آتورجان)، واقع شدن در محل مرز سیاسی دولت‌های مقتدر ایران باستان (ماد و مانّنا) و وارث تمدن درخشان ماد به استناد به نام محل قدیمی (ماد توپراقی) متعلق به روستاهای گل تپه و خضرلو، آثار به جا مانده از سکونت اقوام گوتی و ماننا در نقاط (مانند جالو و باروگوتی)، بقایایی از تکه‌های محور دریایی شگفت‌انگیز (مهرآباد ـ ارومیه) یا (شیز ـ ارومیه) واقع در ساحل روستای تاریخی مهر آباد که کانون‌های تجاری و فرهنگی دو سوی دریاچه را به هم مرتبط می‌ساخت.

تأسیسات عظیم مربوط به نیایشگاه‌های کهن آذر گشنسب و (شیزگان) واقع در روستای گل تپه، وجود الواح و کتیبه‌های مرمرین مربوط به سده‌های سوم تا هشتم هجری پراکنده در گورستان‌های شیراز، حوری، زاویه، قوزلوچه و دیزج، و استقرار و ایجاد تأسیسات و واحدهای بزرگ صنعتی، خدماتی، پزشکی و فرهنگی در عصر قاجاریه چون: کشتی سازی، باروت سازی، شیشه سازی، ریسندگی، بافندگی، موم سازی، رنگ سازی، کفش دوزی، مراکز درمانی و پزشکی (مدرسه‌ی شکسته بندی) و پارک‌های تفریحی (باغ وحش) در محل روستای بزرگ شیشوان و انتخاب آن به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های سیاسی و گردشگری ایران زمین، بیانگر تاریخ و تمدن درخشان و غنای فرهنگی این سرزمین کهن است.

به اعتقاد دکتر هواکیم میلیکیان پزشک و محقق آلمانی، دریاچه‌ی ارومیه در ردیف بهترین مراکز درمانی آب‌های طبیعی اروپا قرار دارد. در صورتی که در مراکز واقع در اروپا مؤسسات درمانی، ورزشی، تفریحی و خدماتی ایجاد شده که اگر در بنادر این دریاچه که بیشتر به محورهای مهم ارتباطی پیوسته‌اند (بندر رحمانلو، بندر دانالو و بندر قبادلو) امکان احداث و راه اندازی مشابه این مؤسسات وجود داشته باشد، در این صورت آب دریاچه علاوه بر معالجه هزاران نفر، می‌تواند به منبع میلیاردها تومان درآمد برای کشور تبدیل گردد. (قابل ذکر است در طرح پیشنهادی کارشناسان هیچ ساحلی به اندازه‌ی بنادر دانالو و رحمانلوی شهرستان عجبشیر از لحاظ موقعیت جغرافیائی یعنی دسترسی به فرودگاه «سهند»، راه آهن «خط تهران ـ تبریز» راه‌های آبی و جاده‌های آسفالته‌ی بین استانی، از شرایط مطلوبی برخوردار نمی‌باشد.

برای استفاده هر چه بهتر از آب و لجن دریاچه‌ی ارومیه، با توجه به اهمیت درمانی آن لازم است در

کنار تأسیسات اصلی رفاهی و خدماتی یک مؤسسه هیدروترمال و آسایشگاه‌های ویژه‌ی بیماران نیز احداث گردد. در صورت ساختمان حمام‌های طبی و ایجاد مؤسسات هیدروترمال اگر این تشکیلات بخواهد به صورت آزمایشی شروع به فعالیت نماید. بندر (رحمانلو) به دلایل زیر از اولویت ویژه برخوردار است:

۱ـ سواحل رحمانلو و به خصوص کرانه‌های مجاور آن (پسیان) به علت شیب ملایم، عمق کم آب و ضخامت زیاد لجن و مرغوبیت آن برای حمام گل بسیار مناسب است.

۲ـ بندر رحمانلو در مرکز تلاقی محورهای اصلی استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و کردستان قرار گرفته و فاصله‌ی این بندر با دورترین نقطه‌ی تحت پوشش خود یعنی شهرهای مهاباد و تبریز با وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی حدود یک ساعت است با این وصف می‌تواند بیش از ۱۵ شهر از شهرهای استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و کردستان را با جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر را تحت پوشش درمانی و تفریحی خود قرار دهد. قابل ذکر است که نقاط رقیب این بندر (گلمانخانه و شرفخانه) هر دو در انزوای جغرافیائی قرار دارند و دسترسی سریع و آسان بنادر مذکور به ارتباطات هوائی، راه‌های آهن و آبی و خاکی و مراکز جمعیتی عمده، در مقایسه با بندر رحمانلو غیر مقدور یا محدود است.

۳ـ بندر رحمانلو علاوه بر عرضه‌ی خدمات پزشکی و تفریحی قابل قبول، از ظرفیت‌های بسیار مهم و کم نظیر طبیعی و انسانی چون دسترسی به جزایر افسانه‌ای کبودان، اسپیر، آِزو، اشک، ناهید و دانالو که در حقیقت باید آن‌ها را مرواریدهای چیچست نامید، از جاذبه‌های جغرافیائی دلفریب و آثار تاریخی زیادی نیز برخوردار است که خود می‌تواند میعاد گردشگران بسیاری با انگیزه‌های گوناگون باشد.

کرانه‌های دریاچه، از لحاظ آمیختگی مظاهر دو گونه زیست متفاوت، یعنی دنیای آب و جهان خاک، در حقیقت جنبه‌های دلنشین بی نظیر دارد که نقش آن را در تعادل روحی انسان نمی‌توان نادیده گرفت. هوای لطیف و نسیم دریا همراه با آفتاب درخشان و آب کبود و بنفش پهناور، امواج نجواگر، تکاپوی پرندگان، آسمان صاف و دریای متبسم و با صدها مناظر خوش رنگ و دیده نواز، انسان شهرنشین ملول و خسته را که ماه‌ها در اجتماع به هم فشرده و ناشکیبا و عجول محیط شهری، به کلی فرسوده و ناتوان گشته است، مجال آن می‌دهد که ایامی چند با فراغت خاطر و آسودگی خیال، در آغوش طبیعت گشاده دست و گشاده رو، از مزایای نیرو بخش و نشاط‌انگیز آن استفاده کرده و قوای از دست داده را دوباره بازیابد.

نقش آفتاب: آفتاب جهان تاب با انوار زرین و گرمای پرنوازش خود، نخستین عامل مهم و ضروری حیات آدمیان، جانوران و رستنی‌ها می‌باشد زیرا بدون این منبع لایزال و سرشار از انرژی، زندگی نشاط آور و بقای هیچ نوع موجودی نمی‌تواند در هیچ جای دنیا به وجود آمده، نمو کرده و به کمال برسد.

انوار ماوراء قرمز نور خورشید اثرش بیشتر در ایجاد حرارت به کار می‌رود ولی اشعه‌ی ماوراء بنفش اگر به مقدار کم و ناچیز به بدن انسان و یا حیوانی بتابد بسیار مفید و گندزدا بوده و هر گونه میکروب زیان بخش را می‌تواند در مدت کوتاه به کلی نابود سازد. با وجود این که طبقات بالا

جو زمین مقدار بسیار قابل توجهی از این اشعه را در خود نگه می‌دارد و از تابش آن‌ها به سوی سطح زمین ممانعت به عمل می‌آوَرد ولی اگر همین اشعه اندک نیز به میزان بیش از اندازه لازم بر تن انسان بتابد، اثرات بسیار مضر و خطرناکی را سبب می‌شود که امکان دارد تندرستی و صحت انسان را به کلی مختل سازد و چه بسا در موارد بسیاری نیز سبب مرگ دردناکی گردد.

نقش هوا: هوای کنار دریا، خصوصاً دریاچه‌ی ارومیه از لحاظ داشتن مقداری رادیو اکتیو که از لجن‌ها و شن‌ها و آب دریا در آن پراکنده می‌گردد، بسیار نشاط آور است و به قول سخن پرداز شیراز ممد حیات است و مفرح ذات. چه نیکوست که سحرگاهان، آن گاه که نخستین انوار خورشید از افق خاوران آب‌های کبود گونه‌ی دریاچه را به شور و نشاط در می‌آورد، مسافران دریاچه‌ی لباس از تن بر کنند و روی ماسه‌های لطیف و پا نواز شروع به تنفس و ورزش و راه پیمائی نمایند و بدین سان هر گونه مواد زائد مضر را با استشمام هوای پاکیز و صاف بامدادی از تن و عروق خود دور سازند و با جذب اکسیژن و هوای سالم بیشتر خون تمیز و رقیق را در رگ‌های خود به جریان اندازند و با اقامت طولانی در چنین محیط پاک و سلامت بخش ذخیره پر ارزش از نیرو و شادابی را برای دوران پیری و کهنسالی ذخیره نمایند. آن‌ها ئی که به راز انس با طبیعت بیشتر آگاهی دارند تماشای محیط افسونگر و فضای روح پرور و زیبای دریاچه‌ی ارومیه و تنفس هوای سحرگاهان ساحلی را که از مواهب گرانقدر خداوندی محسوب می‌شود، به رایگان از دست نمی‌دهند و از هر فرصتی برای بهره مندی از آن سود می‌برند.

فواید شنا و آب تنی: آب دریاچه‌ی ارومیه به علت داشتن املاح فراوان و بسیار غلیظ، شناوری در آن اگر با اصول بسیار ساده و لازم مراعات گردد، خیلی آسان و مفرح و خوش آیند می‌باشد. شناگر می‌تواند ساعت‌ها تن و پیکر خود را در اغوش دریا به دست امواج نیلگون بسپارد و از نوازش متوالی آن‌ها لذت فراوانی را ببرد. در این حالت است که میلیاردها ذرات املاح در حال ترکیب مخصوصاً گوگرد فعالی از منافذ پوست به داخل بدن راه یافته و صحت و تندرستی و انرژی و نیرو را به اعماق وجود شناگر ترزیق می‌نماید. یکی از مزایای بسیار بارز و منحصر به فرد آب دریاچه‌ی ارومیه نسبت به آب سایر دریاها و آب‌های شیرین دیگر این است که به علت وجود شوری زیاد و غلظت بالای آب آن، امکان غرق شدن وجود ندارند و اگر کسی شنا بلد نباشد نیز می‌تواند مدت‌ها در روی آب باقی مانده و به شنا بپردازد.

از خواص مهم آب دریاچه‌ی ارومیه که خیلی قابل توجه می‌باشد این است که بدن در داخل آب هرگز دچار چین و چروک نشده و به اصلاح پیر نخواهد گردید. در صورتی که آب‌های دریاچه‌های دیگر چنین ویژگی خاص را ندارند. در آب دریاچه هر چه بیشتر مانده شود به همان اندازه زیادتر احساس شادابی و سبکی و نشاط به انسان دست می‌دهد. تنها مزاحمتی که برای شناگران و استفاده کنندگان آب دریاچه ممکن است دست بدهد، شوری زیاد آب و وارد شدن آن به چشم و بینی شناگر است که شاید موجب سوزش و ناراحتی گردد.

نکته‌ی بیسار خوش آیند و شادی بخش در این حالت، خوردن خیار نمک آلود و احساس مزه بسیار عالی آن است کهبه شناگران ارزانی می‌گردد

و نشاط و احساسی خاصی را سبب می‌شود.
دریاچه‌ی ارومیه با مواهب و ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود می‌تواند یکی از قطب‌های عمده مراکز ییلاقی، تفریحی، درمانی و توریستی ایران، آذربایجان و حتی جهان گردد و همه ساله عاشقان طبیعت و مناطق توریستی و دیدنی فراوانی را به خود جلب نماید.
این دریاچه به لحاظ واقع شدن در دامنه‌ی کوه بزرگ سهند و جلگه‌های وسیع و حاصلخیز سرزمین کهن پارسوا و مادکوچک دارای شهرها و آبادی زیادی در پیرامون خود بوده که اغلب این نقاط به وسیله‌ی کشتی‌هایی که در آن حرکت می‌کردند، با هم در ارتباط بودند. ـ ازکتاب سیمای گردشگری شهرستان عجب‌شیر
یکی از زیباترین مناظر و نشانه‌های زندگی در جزایر دریاچه‌ی ارومیه و آب‌های پیرامون آن، حضور انواع پرندگان (بومی و مهاجر) است. این پرندگان در دسته‌های بزرگ و کوچک در فصل‌های مختلف و یا تمام سال گرد هم می‌آیند و احتیاجات زیستی خود را از این سفره‌ی بیکران الهی تأمین می‌کنند.
دریاچه‌ی ارومیه با وسعت زیاد، جزایر متعدد، سواحل کم عمق و از همه مهم‌تر، امنیت و آرامشی که برای مرغان خوش پرواز و نایاب خود، فراهم می‌کند، یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های پرندگان مهاجر در سطح جهانی و قاره‌ی آسیا از نظر تنوع و زیبائی نیز محسوب می‌شود.
بر اساس تحقیقات به عمل آمده حدود (۱۸۶) گونه پرنده در ارتفاعات، دشت‌ها، جنگل‌ها، برکه‌ها و آب‌های پیرامون جزایر دریاچه‌ی ارومیه هم چنین تالاب‌های سواحل جنوبی دریاچه، به صورت بومی و مهاجر زندگی می‌کنند. پرندگان بومی دریاچه‌ی ارومیه شامل آن دسته از پرندگان است که تمام فصل‌های سال را در جزایر دریاچه زندگی می‌کنند و در آن‌ها زاد و ولد می‌کنند و به ندرت ا زمنطقه‌ی زاد و ولد خود خارج می‌شوند.
پرندگان مهاجر دریاچه‌ی ارومیه شامل آن دسته از پرندگان است که فقط بخشی از سال میهمان دریاچه هستند و بر همین مبناء به دو گروه تقسیم می‌شوند:
۱ـ **مهاجرین تخم گذار:** پرندگان مهاجری که به طور معمول بخش هائی از فصول بهار و تابستان را میهمانان دریاچه ارومیه هستند و مراحل تولید مثل را در جزایر سپری کرده و با شروع فصل پائیز به سمت مناطق گرمسیری مهاجرت می‌کنند.
۲ـ **مهاجرین زمستان گذران:** پرندگان مهاجری که با شروع فصل پائیز به تدریج برای زمستان گذرانی وارد دریاچه ارومیه می‌شوند. از این رو فصل‌های بهار و تابستان هر سال، دریاچه‌ی ارومیه شاهد پرواز دسته جمعی و جنب و جوش هزاران هزار، پرنده‌ی رنگین پر و زیبا مانند «فلامینگو، پلیکان سفید، انواع کاکائی، تنجه و آنقوت» است که به «لانه سازی و جوجه آوری» مشغولند و با پایان یافتن فصل تابستان به سوی مناطق گرمسیری و جنوبی (خارج از کشور) مهاجرت می‌کنند و بدین ترتیب برای مدت بسیار کوتاهی، آب‌های دریاچه‌ی ارومیه و چزایر آن از جمله کبودان آرامش و سکون خود را باز می‌یابند.
کبک از فراوان‌ترین پرندگان جزیره‌ی قویون داغی هست که در همه جیا جزیره از شیب‌های ساحلی تا ارتفاعات و دره‌های میانی، به هر کجا که قدم گذاشته شود دستچاتی از آن‌ها زیر بوته‌ها به پرواز در آمده و با صدای آژیر مانند خود به سوی دیگر پرواز می‌کنند. از میان پرندگان شب پرواز فقط

جغد در جزیره دیده می‌شود و تنها صدای پرنده‌ای که در شب‌های جزیره شنیده می‌شود، صدای این پرنده‌ی شکاری است. انعکاس آواز جغد در شب‌های کبودان که حقیقتاً از لحاظ سکوت و آرامش حالت استثنائی دارد، واقعاً دلپذیر است.

جزیره‌ی اشک: جزیره‌ی اشک در جنوب غربی کبودان واقع شده و دورترین جزیره‌ی عجب شیر محسوب می‌شود. وسعت آن حدود ۲۱۵۰ هکتار بوده که بعد از کبودان بزرگ‌ترین جزیره‌ی دریاچه می‌باشد.

زاغه دیکی با بلندی ۱۴۹۹ متر، پالان توکن داغی با بلندی ۱۴۸۲ متر، جلمان داغی با ارتفاع ۱۴۷۷ متر و بایقوش داغی با ارتفاع ۱۴۶۲ متر، مهم‌ترین ارتفاعات این جزیره را تشکیل می‌دهند. در حد فاصل کوه‌های بایقوش و جلمان داغی دشت‌های نسبتاً هموار با کفی بزرگ و یا کوچک قرار دارند که از نظر پوشش گیاهی حائز اهمیت اند.

در این جزیره به جای قوچ و میش ارمنی، گوزن زرد ایرانی زندگی می‌کند. گوزن زرد خالدار با نام علمی: Dama mesopotamica یکی زا نادرترین گوزن‌های جهان است. این گوزن از راسته‌ی زوج سمان است که دو جفت شاخ دارد. این حیوان از گیاهان متنوع به خصوص برگ درخت پسته وحشی تغذیه می‌کند. در اطراف دره‌ها و گودال‌ها که درختان پسته و بادام وحشی متراکمی وجود دارد، علاوه بر تغذیه‌ی حیوان، پناهگاه مناسبی نیز برای استراحت گوزن‌ها به شمار می‌رود.

جزیره‌ی اشک را در واقع میتوان کلنی اصلی و دلخواه فلامینگوها دانست. فلامینگوها یا مرغ حسینی از اواخر فروردین ماه هر سال از قسمت‌های جنوبی کشور و خلیج فارس حرکت کرده و تدریجاً خود را به جزایر دریاچه‌ی ارومیه می‌رسانند. حدود ۲۰ روز تا یک ماه به دنبال محل می‌گردند تا آشیانه‌ای به صورت کلنی انتهاب کنند. وقتی که به جای مناسب تعیین شد، ساختن آشیانه آغاز می‌گردد. در جزیره اشک ارتفاع آشیانه بسیار کم است و از سنگ و گل اطراف دریاچه تأمین می‌شود. فلامینگو در اردیبهشت ماه تخم گذاری می‌کند و در تیر ماه جوجه‌ها از تخم بیرون می‌آید. جوجه‌ها ابتدا قهوه‌ای رنگ هستند ولی به تدریج سفید می‌شوند فقط روی بال آن‌ها رنگ قرمز باقی می‌ماند. به عقیده‌ی پرنده شناسان، دلیل قرمزی بال جوجه‌ها، تغذیه‌ی از آرتمیاسالینای موجود در آب دریاچه ارومیه است.

پرواز فلامینگو با دویدن بر سطح آب آغاز می‌شود و در خطوط منظم و به شکل عدد ۸ است. آن که در رأس ۸ است، رهبری گروه پرواز را بر عهده دارد. نتایج حاصله از مطالعاتی که به منظور آشنائی با نحوه‌ی زندگی این پرندگان به وسیله‌ی حلقه گذاری انجام می‌شود، ارزش بین المللی ویژه‌ای به این زیستگاه بخشیده است و تحقیقات به عمل آمده بیانگر این حقیقت است که این پرندگان، سطح وسیعی از کره‌ی زمین را جولانگاه خود قرار می‌دهند. مرزهای مهاجرت این پرندگان از شرق تا هندوتسان و از غرب تا لیبی و از شمال تا شوروی و ازجنوب تا سومالی گسترش می‌یابد.

در این جزیره یک چشمه‌ی آب شیرین با آبدهی ۱۸۰۰ لیتر در روز وجود دارد که از لحاظ تجمع فلامینگو، پوشش نباتی با طراوت، درختان جنگلی و شرایط مطلوب برای پرورش انواع گل، بسیار اهمیت دارد.

جزیره‌ی اسپیر: جزیره‌ی اسپیر در غرب جزیره‌ی

کبودان قرار دارد و وسعت آن ۱۱۵۰ هکتار است، کوه قصران با ارتفاع ۱۴۶۱ متر و ساری تپه با ارتفاع ۱۴۲۲ متر بلندترین کوه‌های این جزیره هستند. هم چنین دره‌های اسکله و کت دَرَسی معروف‌ترین دره‌های این جزیره را تشکیل می‌دهند.

در این جزیره تنها یک چشمه‌ی آب شیرین با آبدهی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ لیتر در شبانه روز وجود دارد: جزیره‌ی قره تپه‌ی در شمال و جزیره‌ی آرپادرسی در غرب آن واقع شده‌اند.

جزیره‌ی آرزو: این جزیره در شمال قویون داغی و در امتداد مدار بندر قبادلو واقع شده و مساحت آن حدود ۵۴۵ هکتار است. بلندترین نقطه‌اش کاچال داشی است که ۱۴۷۶ متر ارتفاع دارد.

دره‌های گردشگری: استان آذربایجان شرقی به علت ویژگی‌های جغرافیائی و توپوگرافیکی، دارای پستی و بلندی‌های طبیعی فراوان و چشمگیری است که دره‌های سرسبز و فرح بخش از مشخصات بارز آن هاست. اکثر دره‌های استان در فصول بهار و تابستان مورد بهره برداری توریستی قرار می‌گیرند و تعدادی از آن‌ها از جمله دره‌ی لیقوان، دره پیام، دره‌ی سعید آباد و دره‌ی باغدره و دره‌ی کبوتران مورد توجه توریست‌ها هستند. این دره‌ها به علل پوشش گیاهی دل‌انگیز، کشتزارهای سرسبز، باغات پر از میوه و گل و رودخانه‌های وران و چشمه‌های جوشان و به ویژه چشم اندازهای زیبا از عناصر مهم و ممتاز در منابع گردشگری به حساب می‌آیند.

باغدره: این دره در شرق روستای ینگجه و در مسیر سرسبز و موجدار شبکه‌ی آبرسانی قلعه‌ی معروف ضحاک ماران واقع شده و از یک چشم انداز زیبا و طبیعت دلفریب برخوردار است.

امکان دسترسی به این دره‌ی تاریخی و خوش آب و هوا از طریق جاده‌ی عجبشیر ـ هرگلان مسیر بوده که پس از ورود به روستای ینگجه در طول رودهای سلیمانکوه، کوهلّی و چیچکلو پیش می‌رود و تدریجاً به ارتفاعات و دمانه‌های ییلاقی و پوشیده از گل‌های وحشی و چمن زارهای وسیع تورپاخلو منتهی می‌گردد. در حواشی این دره اراضی نسبتاً وسیعی وجود دارد که برای پرورش درختان میوه مناسب است. انواع گیاهان داروئی و درختچه‌های جنگلی متنوع نظیر زالزالک، پسته‌ی وجشی و بادام کوهی سراسر پیرامون آن را پوشانده است.

در فصل بهار با شکوفائی گل‌ها و زمزمه چشمه سارها حال و هوای خاصی بر این دره حاکم می‌شود که نظیرش را در جای دیگر کمتر می‌توان یافت. شکاف صخره‌ها و زیر بوته‌ی گیاهان محل دلخواه و مناسبی برای تخم گذاری و زیست پرندگان زیبا از جمله کبک و تیهو می‌باشد.

در ارتفاعات پیرامون این دره یعنی گزنه جیق، بالّی قیه، یالّی قیه و انیش اياغی، چشمه سارها و آبشارهای زیادی وجود دارد که پس از جاری شدن از قلل و شکاف صخره‌ها در بستر دره‌ها روان می‌شوند. بعضی از این چشمه‌ها مانند اوزون گوزه، ماشوره بولاغی، سووخ بولاغ و تولو بولاغی به علت گوارائی و خواص درمانی شهرت خاصی دارند.

در طول مسیر این دره‌ی زیبا، دامنه‌های و دشتک‌های زیادی پراکنده است که از جمله‌ی آن‌ها شاه داشی (شاه تختی)، تاتار داشی، خرمن یری و نصیر دوزی است.

دره‌ی کبوتران: از دیگر دره‌های مصفای این منطقه دره‌ی کبوتران (گورچین دره سی) است که

در فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری شرق عجب شیر و نزدیکی روستای باراز قرار دارد. این دره که یکی از خوش آب و هواترین و خرمترین دره‌های ارتفاعات سهند می‌باشد، رودخانه‌ی آغاتلو با جریان دائمی و چشمه سارهای فراوان، موجب سرسبزی و طراوت آن گشته است. این رودخانه که از مسیرهای پرپیچ و خم و پرفراز و نشیب عبور می‌کند دارای آبشارها و دیواره‌های صخره‌ای زیادی است که بر جلوه‌ی آن افزوده است. انتهای این دره با صفا که به دامنه‌های تند و پرشیب ارتفاعات سهند منتهی می‌شود، از حیپ آب و هوا بسیار مطبوع و لطیف است و به علت فراوانی منابع آب و چشمه‌های دائمی و ارتفاع زیاد دارای پوشش گیاهی انبوه و متنوع می‌باشد.

محیط امن و خلوت این دره‌ی مأمن و آشیانه‌ی هزاران کبوتر و دیگر پرندگان زیباس که برای خوردن آب و یا استراحت در آن گرد می‌آیند. به همین دلیل به دره‌ی کبوتران شهرت دارد. پرواز گروهی این کبوتران از میان شکاف صخره‌ها و کنار چشمه سارها که هر چندگاه صورت می‌گیرد بر جلوه و زیبائی آن شکوه خاصی می‌بخشد.

این دره به لحاظ موقعیت جغرافیائی و داشتن کتل‌ها، دربندهای متعدد، دیوارهای تند، آبشارهای زیبا، چشمه‌های تگرگی، درختان انبوه، گل‌ها و گیاهان معطر یکی از گردشگاه‌های معروف شهرستان عجبشیر است.

دره‌ی توتلوق: توتلوق نام دره‌ی سرسبز و پردرختی است که در شمال شهر عجبشیر و ۳ کیلومتری بندر رحمانلو در میان ارتفاعات بازارگدیکی واقع شده است. در گذشته‌ها تنوع و وسعت پوشش گیاهی این دره بسیار زیاد بوده که با کاهش نزولات جوی در سالیان اخیر از وسعت و طراوت آن کاسته شده است ولی هنوز هم از طبیعت و جاذبه‌ی خوبی برخوردار است.

در دامنه‌های مشرف به این دره چشمه‌های زلال و خنک زیادی نظیر شیخ بولاغی و شربت بولاغی وجود دارد که همین امر موجب سرسبزی و طراوت آن گردیده است. این دره به دلیل نزدیکی به بندر معروف رحمانلو در طول سال به ویژه در فصول تابستان و بهار محل تفریح و تفرج گروه‌های زیادی از مردم است که پس از استفاده از آب‌های شفابخش دریاچه‌ی ارومیه، لحظاتی را هم در زیر درختان پر نسیم این دره به استراحت می‌پردازند.

آب معدنی شورسو: چشمه‌ی معدنی شورسو به فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری شرق عجبشیر و بر سر راه جاده‌ی عجبشیر ـ گنبد قرار دارد. آب خروجی این چشمه پس از طی مسیر کوتاهی بر روی پشته‌ای رسوبی، در حوضچه‌ای جمع می‌شود. این چشمه در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیت گوگردی گازدار و آهن دار است. مزه‌اش کمی گزنده و دارای منظره‌ی زرد و نارنجی می‌باشد. و ارتفاع این چشمه از سطح دریا ۱۳۶۵ متر است. با توجه به خواص درمانی آن هر ساله عده‌ی زیادی از ساکنان روستاهای همجوار برای استفاده از مزایای طبی و تفریحی در آن استحمام می‌کنند. ذکریای قزوینی در عجایب المخلوقات و ابودلف در سفرنامه خود از چشمه‌های مناطق آذربایجان یاد می‌کنند که آب آن‌ها به سنگ تبدیل می‌شده است.

چشمه‌ی اشک طلائی: یکی از نادرترین چشمه‌های معدنی شهرستان عجبشیر است که از دامنه‌ی ارتفاعات مشرف به روستای گنبد واقع در ۱۷ کیلوتری شرق شهر عجبشیر از زیر صخره

خارج می‌شود که پس از عبور از میان باغات و بیشه زارهای اطراف وارد رودخانه‌ی قلعه چای می‌گردد.

از ویژگی‌های بارز این چشمه که موجب تمایز آن گردیده، این است که از یک شکاف باریک دو نوع آب متفاوت یکی بسیار زلال چون قطره‌ی اشک و دیگری به رنگ طلائی خیره کننده همزمان جاری می‌شود که پس از ترکیب با هم منظره‌ای بسیار زیبا و بدیعی را پدید می‌آورد که تماشایش هر بیننده را به حیرت وا می‌دارد.

این چشمه به لحاظ داشتن مقدار زیادی مواد به ویژه آهن و گوگرد دارای خواص درمانی بسیار زیادی است.

چشمه‌ی فروزان قندرغالوی چهار برود: این چشمه در ارتفاعات صعب العبور روستای چهار برود واقع در ۶۷ کیلوتری شرق عجبشیر واقع شده که شاید در نوع خود منحصر به فرد باشد. زیرا بخارت و گازهائی که از آن متصاعد می‌شود به محض تماس با آتش افروخته شده و مشتعل می‌شود که با ریختن چند قطره آب فوراً خاموش می‌گردد. این چشمه که در ارتفاع ۲۲۵۲ متری از سطح دریا واقع شده است.

کندوان: روستای باستانی تاریخی و کم‌نظیر کندوان واقع در نزدیکی شهرستان اسکو از توابع شهرستان تبریز، در باصفاترین و خوش آب و هواترین منطقه‌ی آذربایجان در دامنه‌های غربی کوهستان‌های سهند، عروس کوهستان‌های ایران بنا شده است.

این دهکده در فاصله‌ی ۱۸ کیلومتری جنوب اسکو، در میان دره‌ی آبرفتی و پرآبی واقع شده است. فاصله‌ی کندوان تا تبریز ۵۰ کیلومتر و جاده‌ی آن آسفالته است.

دهکده‌ی کندوان در دامنه‌ی شمالی «ارشد داغ» و قسمت غربی «نورداغ» از توده‌ی کوهستان آتشفشان خاموش سهند قرار دارد. خانه‌های روستایی بسیار جالب توجه آن همگی در ساحل شرقی رودخانه بنا شده‌اند و در قسمت غربی دره کندوان را باغات و مزارع، به صورت تراس، پوشانده‌اند. کندوان روستایی ییلاقی، کوهستانی و سردسیر با آب و هوایی مطبوع در تابستان است. پیچی که یک کیلومتر بیش‌تر تا ده راه نیست، جلوه‌گر می‌شود بیننده را در حیرتی خیره کننده فرو می‌برد بیننده از دور بیش از ۲۰۰ کوهک کله قندی زیتونی رنگ را که در دامنه‌ی رشته کوه به هم چسبیده‌اند، می‌بیند و چون نزدیک می‌شود، مشاهده می‌کند که در هر کله قندی در و پنجره‌ای نصب شده و درون کله قند، اتاق یا اتاقک‌هایی برای زندگی تعبیه کرده‌اند. آنچه بی‌تأمل به ذهن هر بیننده‌ای خطور می‌کند، دیرماندگی این سراها، و کهنگی و سنتی بودن زندگی سال‌های بسیار دوری است که پدران باشندگان کنونی درون سنگ‌ها را تراشیده‌اند و صخره را سرپوش خود کرده‌اند.

دره‌های شعاعی زیادی توسط آب‌های جاری حاصل از ذوب برف‌ها و چشمه‌ها و بارندگی‌های اطراف سهند حفر شده‌اند که دره‌ی کندوان یکی از آبادترین، زیباترین و جالب‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود این دره در دامنه‌ی شمالی غربی سهند واقع شده است.

دامداری: دامداری در روستای کندوان به علت قرار گرفتن این روستا در دامنه‌های سهند، رونق زیادی دارد و حیواناتی مانند گوسفند و بز پرورش داده می‌شوند.

کشاورزی: کشاورزی در این روستا به سبب

کوهستانی بودن منطقه و کمبود زمین‌های مساعد، بسیار سخت است. عده‌ای از مردم با تلاش فراوان دامنه‌ها را تسطیح کرده و زمین‌هایی برای کشاورزی به صورت تراس پدید آورده‌اند محصولات مهم‌کشاورزی روستا عبارتند از: گندم، جو، یونجه، چاودار، گل محمدی و درختانی همچون گردو، بید و تبریزی، همه‌ی افراد خانواده، کودک، پیر، جوان، زن و مرد کار می‌کنند و در اوقات فراغت نیز به بافتن قالی، قالیچه و گلیم می‌پردازند.

اهالی روستا به زبان ترکی آذری و لهجه‌ی محلی صحبت می‌کنند و مردمی بسیار خونگرم و مهمان‌نواز هستند.

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۷۶، تحت شماره‌ی ۱۸۵۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.

جاذبه‌های گردشگری کندوان: خصوصیات اجتماعی اقتصادی و شرایط اقلیمی حاکم در کندوان آن را به روستایی فقیر و نسبتاً دورافتاده تبدیل کرده است با وجود این، سالانه هزاران نفر را به خود جذب می‌کند. علل جذب افراد مراجعه کننده به این روستای فقیر و نسبتاً دور افتاده در سه محور زیر خلاصه می‌شود: ۱ - آب معدنی کندوان ۲ - معماری صخره‌ای کم‌نظیر ۳ - محیط طبیعی زیبا، دست نخورده و به دور از مشکلات شهری

ویژگی‌های آب معدنی کندوان: آب معدنی کندوان از چشمه جاری می‌شود. موقعیت دهانه‌ی چشمه، کف دره‌ای و تک دهانه است. استفاده از آب چشمه از طریق انتقال آب از حدود ۱۰۰ متری به وسیله‌ی لوله‌ی پلیکا صورت می‌گیرد. افراد به وسیله‌ی شیرهای آب تعبیه شده از این آب استفاده می‌کنند. مالکیت چشمه عمومی و متعلق به کل روستاییان است. جریان آب این چشمه دائمی و دبی آن یکنواخت است. فقط در فصول پرباران سال تغییراتی جزئی در آن به وجود می‌آید. دبی آب ۰/۵ لیتر در ثانیه است.

از خاصیت‌های آب معدنی کندوان، یکی از بین بردن سنگ کلیه است که از این نظر در میان عموم مردم منطقه و تا حدودی در سطح کشور شهرت دارد.

معماری صخره‌ای و اهمیت آن: معماری صخره‌ای، حاکی از صحنه‌های مبارزه و جدال انسان با طبیعت و در خدمت گرفتن صخره‌های طبیعی است. این نوع معماری از نظر بازسازی تاریخ، بسیار پراهمیت‌تر از معماری معمولی است. در معماری معمولی، به وسیله‌ی مصالح ساختمانی چون آهک، گچ، آجر و خشت، هیئت اصلی معماری را به‌وجود می‌آورند و فضا نتیجه‌ی هیئت اصلی و حجم ساختمان است. در صورتی که در معماری صخره‌ای عکس آن جریان دارد؛ یعنی معماری از فضا شروع می‌شود.

معماری صخره‌ای روستای کندوان در رابطه با کران‌های طبیعی و مناظر اطرافش، دنیایی از زیبایی را آفریده است. در اثر فعل و انفعالات آتشفشانی که سهند نیز منظره‌ای زیبا در یکی از خوش آب و هواترین نقاط آذربایجان ایجاد شده است که بیش‌تر به نظر خواب و خیال می‌آید. ده‌ها کران جورواجور چندتایی، جفتی، تکی، مخروطی، و دوکی شکل، یکی از بهترین مناظر طبیعی سرزمین ایران را مجسم می‌سازند.

در ساخت مجموعه‌ی کندوان، هیچ‌گونه نظر خاص معنوی و مذهبی نمی‌تواند وجود داشته باشد. در تمرکز روستا و جمعیت صرفاً به خاطر

بهره‌گیری از طبیعت، یعنی وجود کران‌ها ایجاد شده است که خود جنبه‌ی دفاعی دارد.
از نظر سیمای کلی، با توجه به شکل‌های مخروطی و دوکی، صخره‌ها، رشد فضا و ایجاد آن در کندوان، برعکس روستاهای دیگر، در ارتفاع صورت گرفته است. اغلب کران‌ها دارای طبقات متعدد هستند که دسترسی به آن‌ها از راه‌های مشخص کناره‌ی کران‌ها امکان‌پذیر است و از داخل هیچ نوع ارتباطی وجود ندارد.
تعداد طبقات و فرم فضاهای داخلی کران‌ها بستگی به حجم و شکل آن‌ها دارد. کران‌ها عموماً دو طبقه هستند، ولی در مواردی کران‌های سه و چهار طبقه نیز مشاهده می‌شود. ابعاد کران‌ها به علت رعایت مسئله‌ی ایمنی و ایستایی آن‌ها نسبتاً کوچک است و در مواردی که نیاز به فضاهای بزرگ‌تری همانند مسجد بوده است در وسط کران‌ها، ستون‌های قطوری از خود سنگ تراشیده‌اند تا در ایستایی سقف‌ها دخیل باشد.
عناصر معماری با کاربری مسکونی: از طبقات اول کران‌ها اکثراً به علت کم نور بدون و وسعت زیاد، به عنوان آغل و از طبقات دوم، سوم، چهارم، اکثراً به‌صورت مسکونی استفاده می‌شود. تنها در برخی موارد، از طبقه‌ی چهارم به صورت انباری نیز استفاده می‌کنند.
در کاربری مسکونی، فضاهای داخلی نسبت به نیازها و عملکردهای خاص تقسیم بندی شده‌اند عبدالصمد رضوانی دبیر جغرافیا مجله‌ی رشد آموزشی جغرافیا.
سد قجور: سد قجور با خدف تأمین آب کشاورزی و شرب روستاهای پایین دست احداث شده است و مدتی نیز از آب ذخیره شده‌ی این سد برای آبیاری فضای سبز شهر تکاب استفاده می‌شد ولی امروزه تنها مقدار محدودی از اراضی کشاورزی از آن بهره می‌برند. در حال حاضر بخش‌هایی از پوسته‌ی بالادست سد در ناحیه‌ی تاج و مقداری از پوسته در پنجه‌ی سد فرو ریخته، دریچه‌ها همگی از کار افتاده‌اند و رسوب بسیاری در دریاچه انباشته شده است.
نوع تأسیسات آبی: بدنه‌ی سد قجور با استفاده از سنگ‌های تراش خورده بدون بند در رویه‌ی بالادستی و پایین دستی ساخته شده که میان آن‌ها را با سنگ لاشه و ملات ماسه آهک پر کرده‌اند.
حداکثر ارتفاع سد از پی ۱۸ متر، طول تاج ۸۲/۵ متر و عرض آن ۶/۵ متر در تاج و در حدود ۸ متر در پی است. این سد از نوع ذخیره‌ای بوده و در عرض دره‌ای قرار گرفته که دارای یک مجرای دو شاخه ورود آب است. در ابتدای شاخه‌ی چپ چشمه قرار دارد که در بیش‌تر ایام سال فعال بوده و آب آن به دیاچه‌ی سد جاری است. شاخه‌ی راست که محل عبور روان آب‌ها یا آب بارش‌هاست در ایام معدودی از سال آب دارد عمده‌ی رسوبات موجود در دریاچه از این آبراهه حمل شده‌اند.
تأسیسات جانبی سد شامل یک سرریز اضطراری در تکیه‌گاه چپ به عرض حدود ۲/۵ متر بوده که در سنگ آهک کنده شده و رقوم کف آن حدود نیم‌متر پایین‌تر از تاج سد و ادامه‌ی تکیه‌گاه مزبور است.
سرسره‌ی آبی دنباله سرریز یک صخره‌ی طبیعی با شیب نزدیک به قائم است که آب سرریز شده از روی آن به صورت آبشار بر سطح سنگ‌های پای صخره یاد شده ریخته و پس از استهلاک انرژی به خط‌القعر دره پایین دست سد جریان می‌یابد.
سایر تأسیسات جنبی سد شامل ۶ دریچه آبگیر و

یک دریچه تخلیه‌ی رسوب بوده دریچه‌ی تخلیه‌ی رسوب در پایین‌ترین قسمت از سد و مستقیماً بر روی سنگ کف واقع شده است.
دریچه‌های آبگیر دارای اندازه‌های متفاوت هستند و در ترازهای مختلف و همگی در جان سد واقع شده‌اند و کف آن‌ها در واقع سطح سنگ کف است.

محور تمامی خروجی‌های سد موازی محور دره است. به دلیل کاهش پله‌ای ضخامت جسم سد در ترازهای بالاتر، دریچه‌های بالا دارای دالان‌های کوتاه‌تر هستند، به همین ترتیب ابعاد دریچه‌ها نیز کاهش می‌یابد به گونه‌ای که احتمالاً مقدار آب خروجی از سیستم در طول بهره‌برداری ثابت می‌مانده است.
مصالح ساختمانی: تمامی مصالح ساختمانی به کار رفته در سد قجور از محدوده‌ی محل سد تأمین شده است و شامل آهک با مقدار کمی ماسه و سنگ‌های آهکی هستند. آثاری از کوره‌های پخت آهک هنوز در بالا دست محل سد در ساحل چپ باقی است.
دیدگاه‌های مهندسی: سد ذخیره‌ای قجور در ابعاد و نوع خودگوهری به شمار می‌رود. اصول هیدرولیکی سازه‌ای و پی‌سازی در ساخت آن رعایت شده و شناخت طراحان و سازندگان سد از طبیعت اطراف خود در حد کمال بوده است. انتخاب ساختگاه سد نوع سد، سیستم‌های آبگیر و تخلیه‌ی رسوب، نوع و محل سریز و سیستم انتقال آب از پای سد به محل مصرف همگی با در نظر داشتن اصول مهندسی و امکانات محلی آن زمان طرح و اجرا شده‌اند نحوه‌ی مدیریت کارگاه احداث سد بر ما معلوم نیست. ولی ساخت این اثر با وجود محدودیت‌های ذیل در مدت پنج سال نشان از یک مدیریت مثمر دارد
مصالح به کار رفته در سد، سنگ لاشه مخلوط در ملات ماسه و آهک با دانه‌بندی درشت است که در میان دو جدار (پوسته) سنگی از سنگ‌های بادبر قرار دارند. سنگ‌های بادبر به صورت نخ‌کشی (بدون بند) روی هم قرار داده شده‌اند و پی بند (باستیون) در وسط استحکام آن را تضمین کرده است.
سقف مجراهای آبگیر و تخلیه‌ی رسوب به صورت قوسی کار شده و دهانه‌ی خروجی آن‌ها به روش طاق‌های ساسانی روی دو پاطاق سنگی که در طرفین قرار دارد، ساخته شده است (شاید با الهام از آثار برجای مانده در مجموعه تخت سلیمان) ولی بستن طاق در میانه آن دو با سنگ کلید انجام پذیرفته است. مجله‌ی پیام نیرو
دیدنی‌های استان آذربایجان شرقی: ۱ - آب‌های معدنی چشمه‌های آب معدنی مراغه، بستان آباد، آذرشهر، اسکو، سراب، روستاهای قلعه کندی که از نظر درمانی و تفریحی هر یک از آن‌ها در خور توجه فراوانی است ۲ - بلندی‌ها و دامنه‌های کوهستانی میشو، سهند که زمستان‌ها پوشیده از برف و مناسب ورزش‌های زمستانی است ۳ - آثار تاریخی
پل آجی چای: این پل یکی از قدیمی‌ترین پل‌های تبریز است که در شمال غرب این شهر بر روی «تلخه رود» قرار گرفته است. این پل با ۱۶ دهنه به طول ۱۰۰ متر و عرض ۵ متر همواره بر اثر طغیان‌های تلخه رود و گاه نیز توسط متجاوزین به شهر تخریب گردیده و پس از چندی دوباره بازسازی شده است. نام این پل را اولین بار در متون صفویه و در زمان شاه‌اسماعیل اول در «سفرنامه ونیزیان» می‌بینیم.

اخیراً کلیه بخش‌های این پل توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیرات اساسی شده و در پشت این پل سرریزی احداث شده که منظره زیبایی در پشت آب‌بند به وجود آورده است.

از دیگر پل‌های قدیمی تبریز که بر روی نقاط مختلف «مهران رود» بنا شده پل سنگی، پل قاری، پل صاحب‌الامر و پل منجم را می‌توان نام برد که هر کدام دارای چند چشمه طاق به شیوه سنتی هستند.

پل خداآفرین: روی رودخانه ارس دو پل تاریخی به فاصله حدود ۱۰۰ متر از یکدیگر بنا شده‌اند که به نام خداآفرین مشهورند. اولین پل منسوب به قرن ششم هجری (دوره سلجوقیان) است. طول این پل ۱۶۰ متر است که ۱۲۰ متر آن متعلق به ایران و ۴۰ متر آن متعلق به جمهوری آذربایجان است. این پل از ۱۵ طاق جناقی و هلالی با ابعاد نامساوی تشکیل شده است. اتکای پایه طاق‌ها بر صخره‌های طبیعی بستر رودخانه ارس، علت عدم تساوی آنهاست. مصالح ساختمانی این پل سنگ‌های قلوه و لاشه در قسمت پایه‌ها و آجر در ساختمان طاق‌ها و ملات آن آهک و گچ است.

پل دوم خداآفرین حدود ۱۲۰ متر طول دارد و دارای ۱۰ طاق است. این پل منسوب به دوره صفوی است و از سنگ تراشیده با ملات گچ و آهک ساخته شده است.

پل دختر، میانه: در بین راه زنجان - میانه، جایی که رودخانه قزل اوزن به دامنه شرقی قافلان کوه می‌رسد پل زیبایی واقع شده که به پل دختر معروف است.

تاریخ بنای این پل روشن نیست؛ باستان‌شناسان پایه‌های پل را متعلق به عهد ساسانی یا قبل از آن می‌دانند ولی با توجه به معماری پل و ویژگی‌های آن می‌توان تاریخ بنای حاضر را متعلق به قرن هشتم هجری دانست.

پروفسور «پوپ» در کتاب بررسی هنرهای ایران تاریخ بنای پل را اواخر قرن ۱۵ میلادی دانسته و اسم معمار را «حاج عباس بن الحاج محمدبن العباس قزوینی» و حاکم وقت را «محمد روان بن عثمان القزوینی» نوشته است، ولی طبق کتیبه مرمری که روی پایه وسطی قرار دارد آمده است که پل در سال ۹۳۳ هجری توسط «شاه بیگم بنت محمد بیک موصل‌لو» تعمیر شده است. گویا به همین جهت این پل را پل‌دختر نامیده‌اند.

پل‌دختر میانه یک بار دیگر در دوره «آغا محمد خان قاجار» تعمیر شد، اما در ۲۰ آذر سال ۱۳۲۵ قوای پیشه‌وری هنگام عقب‌نشینی از برابر نیروهای دولتی برای جلوگیری از پیشرفت ارتش ایران طاق چشمه وسط پل را با مین منفجر کرد که هنوز به همان صورت باقی است.

پل دختر دارای سه چشمه بزرگ و پایه‌های سنگی عریض است و دهانه وسطی نسبت به دهانه‌های طرفین بزرگ‌تر و دارای طاق بلندتری است.

پل شهرچای: در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر میانه در نزدیکی روستای «تازه کند» پل شهر چای بر روی رودخانه شهرچای که یکی از شاخه‌های قزل اوزون است، ساخته شده است. طول این پل ۲۶۰ متر و عرض آن ۷/۹ متر و دارای ۲۳ چشمه با طاقی جناغی به ارتفاع حدود ۵/۵ متر است. قدمت پل شهرچای به استناد سفرنامه‌های مختلف به دوره صفوی می‌رسد ولی در ادوار مختلف مرمت شده است.

از سایر پل‌های تاریخی می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد:

پل‌های منصور و قاری و سنگی تبریز و نیز پل پنج‌چشمه و لیلان‌چای بناب همچنین پل حسام‌الدوله مراغه و قلی کندی ملکان.

آتشفشان آرارات: در گوشه‌ی شمال غربی ایران در آذربایجان شرقی.

مناطق حفاظت شده‌ی استان آذربایجان شرقی:

کیامکی: در استان آذربایجان شرقی، رودخانهٔ مرزی ارس حد شمالی منطقه را تشکیل می‌دهد. دامنه ارتفاعی ۵۴۰ تا ۳۴۱۴ متر، متوسط دما و بارندگی سالانه ۱۱ درجه سانتیگراد و ۳۳۶ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده است. قسمت وسیعی از منطقه دارای پوشش علفی با گونه‌های خشکی پسند است. از جمله گیاهان منطقه می توان به بنه، ارس، زرشک، کلاه‌میرحسن، بومادران، خارشتر، تلخ‌بیان، ازملک، گون، درمنه، چغندر، قیچ، کاکوتی، نسترن وحشی، زنبق، گاوزبان، گل‌پر و آویشن اشاره کرد. بز و پازن شاخص‌ترین پستاندار منطقه محسوب می‌شود. از دیگر گونه‌های جانوری می توان قوچ و میش ارمنی، پلنگ، خرس قهوه‌ای، سیاه گوش، گراز، کبک دری، عقاب طلایی، دلیجه کوچک، هما و انواع کپور ماهیان را بر شمرد. وجود رودهای دائمی پر آب، صخره‌های زیبا، مناظر بدیع، تنوع زیستی بالا و مجاورت با چند شهر. (۵)

۱ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ارسباران ۲ - پناهگاه حیات وحش کیامکی ۳ - مناطق شکار ممنوع: شبه جزیره اسلامی، تالاب قوری گل منطقه‌ی قره قشلاق (میتان بناب و میاندوآب) منطقه‌ی یکانات (میان مرند و سه راهی خوی) ۴ - پارک ملی دریاچه‌ی ارومیه

مراکان: مراکان که از سال ۱۳۴۴ تحت حفاظت قرار گرفته، از جمله مناطق حفاظت شده قدیمی ایران به شمار می‌آید. این منطقه با مساحت ۱۰۳۹۸۳ هکتار در کنار رودخانه ارس در استانهای آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد. دامنه ارتفاعی منطقه ۷۲۰ تا ۲۱۰۰ متر، متوسط بارندگی و دمای سالانه ۲۸۰ میلیمتر و ۱۲ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده است. رودخانه دائمی آق‌چای منطقه را به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم می‌کند. مراکان از تنوع گیاهی و جانوری بسیار خوبی برخوردار است. از جمله گونه‌های گیاهی منطقه می توان به گوزن، چوبک، درمنه ارسبارانی، علف جارو، کلاه میرحسن، ریش بز، میخک، گل ماهور، نسترن وحشی و انواع نیامداراین اشاره نمود. وجود زیستگاه‌های مختلف در منطقه موجب تنوع حیات وحش جانوری در آن شده است. مراکان زیستگاه اصلی قوچ و میش ارمنی در ایران و گذرگاه عبور آن به ارتفاعات مناطق مجاور محسوب می‌شود. دیگر جانوران مهم منطقه عبارتند از: بز و پازن، پلنگ، سیاه گوش، گرگ، گربه وحشی، کبک دری، کبک، عقاب طلایی، کرکس، درنای معمولی، درنای طناز، لک‌لک، انواع کوکرها، یله مار، سوسن مار و افعی البرزی. حدود ۲۵ درصد از انواع پرندگان کشور در این منطقه رویت شده‌اند. غنای حیات وحش، مناظر طبیعی بسیار زیبا و آثار مذهبی و تاریخی نظیر کلیسای سنت استپانیوس، کلیسای چوپان و کاروانسرای شاه عباس وجود دارد. (۵)

آبگرم بستان‌آباد: مظهر اصلی آن در بلندی‌ها و میزان آبدهی آن در حدود ۸ لیتر در ثانیه است. آب آن در ردیف آب‌های معدنی کلر و بیکربناته کلسیک گاز دارو و گازدار و گرم است.

چشمه معدنی صوفیان: در فاصله‌ی ۳۰۰ متری جاده رسوب‌های سفید نمک و رسوب‌های متورق کربنات کلسیم بر اثر رسوب کربنات کلسیم بر اثر رسوب‌گذاری آب دیده می‌شود آب آن در ردیف آب‌های معدنی هیپرکلروره و بیکربناته مخلوط و سولفاته کلسیک گازدار و آهن‌دار سرد است.

آب چشمه معدنی تاپ تاپان آذرشهر: در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک و گازدار و آهن‌دار سرد است.

مراغه: در این سامان چشمه معدنی ورجوی در روستای ورجوی آب معدنی در حوضچه‌ای جمع می‌شود چون آب را به هم بزنند اثر گاز کربنیک سفید رنگ به‌نظر می‌رسد. آب آن در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک و منیزین گازدار و آهن‌دار سرد است.

چشمه‌های معدنی گشایش: در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی مراغه دو چشمه آب معدنی وجود دارد یکی از آن‌ها از زیر سنگ‌های آهکی که به صورت غار کوچکی درآمده از زمین بیرون می‌آید و آبده آن زیاد است به‌طوری که به‌صورت جویباری روان است و چشمه‌ی دیگر از سوراخی در یک سنگ آهکی با فشار و صدا به بیرون می‌جهد و مقدار آب بعد از هر جهش کاهش می‌یابد. بیکربناته کلسیک و منیزین گازدار معتدل است. کتاب آب‌های معدنی ایران دکتر جنیدی.

آب‌های سطحی: الف: حوضه‌ی آبریز دریای خزر در استان آذربایجان شرقی: آب‌های جاری این حوضه توسط رودخانه‌های قزل اوزن و ارس به دریای خزر منتهی می‌گردد.

الف - ۱ - حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی قزل اوزن: رودخانه‌ی قزل اوزن از دامنه‌های جنوبی ارتفاعات سهند و دامنه‌های شرقی ارتفاعات کردستان سرچشمه گرفته و پس از عبور از جنوب شرقی استان و شهرستان میانه وارد استان گیلان شده و از طرفین سفیدرود به دریای خزر می‌ریزد. کل سطح حوزه‌ی آبریز رودخانه‌ی قزل اوزن ۴۱۵۹۰ کیلومتر مربع بوده و سطح حوزه‌ی آبریز رودخانه در محدوده‌ی استان ۱۷۳۳۲ کیلومتر مربع می‌باشد که معادل ۴۲٪ از سطح حوزه‌ی آبریز قزل‌اوزن را شامل می‌شود.

متوسط حجم جریان سالانه رودخانه در ایستگاه استور (میانه) بالغ بر ۲۶۰۰ میلیون متر مکعب است و سهم حجم سالانه‌ی این رودخانه از استان آذربایجان شرقی به میزان ۹۵۰ میلیون متر مکعب محاسبه گردیده که ۳۶٪ کل آب رودخانه را تأمین می‌نماید.

رودخانه هایی که به عنوان سرشاخه‌های قزل اوزن محسوب شده و در استان واقع گردیده‌اند عبارتند از رودخانه‌ی قرانقو با حجم سالانه ۴۸۷/۶ میلیون متر مکعب و رودخانه‌ی آیدوغموش با حجم جریان سالانه ۱۵/۶۶ متر مکعب و شهر چای با حجم جریان سالانه ۱۰۷ میلیون متر مکعب و رودخانه‌ها و مسیل‌های متعدد فاقد آمار با حجم جریان برآورده شده حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب می‌باشد.

الف - حوزه آبریز ارس: رودخانه‌ی ارس از کشور ترکیه سرچشمه گرفته و بعد از پیوستن رودخانه هایی از کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان و ایران و پس از طی ۱۰۷۲ کیلومتر به دریای خزر می‌ریزد.

سطح حوزه‌ی آبریز این رودخانه در کشور ایران ۳۶۶۹۶ کیلومتر مربع است و سطح حوزه‌ی آبریز رودخانه در محدوده‌ی استان آذربایجان شرقی

۲۷۴۳۲ کیلومتر مربع می‌باشد. سهم جریان سطحی تولید شده طرف ایران حدود ۲ میلیارد متر مکعب و توسط رودخانه‌های محدوده‌ی استان آذربایجان شرقی به میزان ۹۰۰ میلیون متر مکعب برآورده گردید که شامل رودخانه‌های دره رود با حجم جریان سالانه ۶۰۵ میلیون متر مکعب رودخانه‌ی حاجیلاری چای با حجم جریان سالانه ۶۵ میلیون متر مکعب و بقیه‌ی رودخانه‌ها و مسیل‌های فاقد آمار با حجم جریان برآورده شده ۲۳۰ متر میلیون متر مکعب می‌باشد.

ب - حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه: بخشی از حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه که در قسمت شرقی و در محدوده‌ی استان آذربایجان شرقی واقع گردیده است شامل رودخانه‌های آجی‌چای، صوفی چای، آذرشهر چای، ماهری چای و مردق چای و دریان چای، قلعه‌چای، لیلانچای و رودخانه‌ها و مسیل‌های متعدد فاقد آمارگیری می‌باشد که عموماً از دامنه‌های جنوبی سبلان و دامنه‌های شمالی و شمال غربی سهند و دامنه‌های شرقی و جنوبی میشوداغ و دامنه‌های غربی رشته کوه بزگوش بین میانه و سراب سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر خود به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد.

سطح کلی حوزه‌ی دریاچه‌ی ارومیه ۵۱۳۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که سهم استان آذربایجان شرقی ۲۰۶۰۰ کیلومتر مربع بوده که ۴۰٪ کل حوضه را شامل می‌شود.

متوسط حجم جریان سطحی در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه ۳۱۹۰ میلیون متر مکعب برآورد گردیده که سهم جریان سطحی استان معادل ۱۰۰۰ میلیون متر مکعب یا ۳۱/۳٪ کل جریان سطحی حوضه می‌باشد.

جنگل: پوشش گیاهی جنگلی استان آذربایجان شرقی ۱۴۴۰۷۵ هکتار است این جنگل‌ها در دامنه‌های شمالی قره‌داغ (ارسباران) و در دره‌های‌های کوهستانی که رودهای دائمی در آن‌ها روان است وجود دارد. پوشش جنگلی ۳/۷ درصد از مساحت کل استان را شامل می‌شود.

بیش‌ترین پوشش جنگلی این استان در شهرستان اهرو شهرستان کلیبر از نوع درختان ممرز، سرخدار، افرا، نارون، گیلاس، زغال اخته، بنه، دغداغان و عناب می‌باشد.

مساحت پوشش استان آذربایجان شرقی حدود ۲/۳۹۶/۰۰۰ هکتار یعنی حدود ۵۱ درصد از کل مساحت استان که از نظر درجه‌بندی بر سه نوع است. ۱ - مراتع خوب ۲۱ درصد کل مراتع متوسط ۵۵ درصد و مراتع فقیر ۲۴ درصد کل استان مساحت استان را شامل می‌گردد.

از نظر نوع پوشش گیاهی مرتع بر سه نوع است: ۱ - مراتع بوته‌ای یا ییلاقی که بیش‌تر در بلندی‌های کوه‌های سهند، قره‌داغ و بزقوش است ۲ - مراتع بوته‌ای قشلاقی که بیش‌تر در مناطق کم‌ارتفاع از جمله نواحی گرما دوز، کلیبر وجود دارد ۳ - مراتع میان‌بند در اطراف روستاها می‌روید و چراگاه دائمی روستائیان و عشایر در حال کوچ است.

مساحت جنگلها: در سال ۱۳۸۵ مساحت جنگلها ۱۸۸۰۷۵ هکتار مساحت مراتع ۲۳۹۶۴۵۰، مساحت مراتع خوب ۵۷۵۱۴۸ هکتار مساحت مراتع متوسط ۱۳۱۸۰۴۷/۵ هکتار مساحت مراتع فقیر ۵۰۳۲۵۴/۵ هکتار.

مساحت جنگل‌کاری جمع دولتی و خصوصی ۷۸۵ (۳۵ هکتار دولتی ۷۵۰ خصوصی).

در سال ۱۳۸۵ جمع مساحت نهالستانها ۵۲/۵ هکتار (۴۵ هکتار دولتی و ۷ هکتار خصوصی).

مساحت جنگل خوب ۳۵۰۰۰ جنگل متوسط ۴۶۶۵۰ جنگل فقیر ۹۲۳۵۰ مراتع خوب ۷۳۴۱۲۳ مراتع متوسط ۱۳۲۷۰۵۳ مراتع فقیر ۴۵۵۴۰۸ جنگل‌کاری در ۱۳۸۵ (۲۵ هکتار فقط دولتی)

پارک ملی: پارک ملی ۲۴۱۰۷۸ هکتار اثر طبیعی، دو پناهگاه حیات وحش ۹۶۹۵۲ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده ۱۲۸۹۴۰ هکتار، جمع ۴۶۶۹۷۲ هکتار.

تعداد مناطق چهارگانه‌ی تحت مدیریت استان آذربایجان شرقی، یک پناهگاه حیات وحش، یک منطقه‌ی حفاظت شده‌ی، در مجموع دو. **پارک ملی دریاچه‌ی ارومیه** در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد، مساحت آن ۵۷۰۴۷۳ هکتار است - پناهگاه حیات وحش آن در سال ۱۳۵۲ تأسیس گشت و مساحت پناهگاه حیات وحش کیامکی ۹۶۹۵۲ هکتار می‌باشد.

منطقه‌ی حفاظت شده‌ی استان آذربایجان شرقی به نام **ارسباران** که در سال ۱۳۵۲ تأسیس گشت به مساحت ۸۰۶۵۴ هکتار است.

مراکان به مساحت ۱۰۳۹۸۳ هکتار است که در سال ۱۳۴۶ در استان آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد.

در کل کشور ۱۲۴۰۰۰۰۰ هکتار جنگل و ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ هکتار مرتع و ۳۴/۰۰۰/۰۰۰ بیابان وجود دارد. در استان آذربایجان شرقی ۱۴۴۰۰۰ هکتار جنگل و ۲۲۷۴۳۷۰ هکتار مرتع وجود دارد.

مناطق شکار ممنوع: ۱- **جزیره‌ی اسلامی** (شاهی) به مساحت ۲۲۰۰۰ هکتار، این شبه جزیره برای احیاء گونه‌های از دست رفته و سر ریز جمعیت قوچ و میش ارمنی کبودان و در نهایت تبدیل آن به یک شکارگاه مورد توجه قرار گرفته است. ۲- **دریاچه‌ی قوریگل** به مساحت ۲۰۰ هکتار که در حاشیه‌ی شهر تبریز قرار گرفته، به خاطر زمستان گذرانی شمار زیادی از پرندگان مهاجر آبزی به ویژه گونه‌های حمایت شده و نادری مانند اردک سر سفید ایجاد شده است. ۳- **قره قشلاق** به مساحت ۴۸۰۰۰ هکتار، این زیستگاه آبی که آب‌های کم عمق و سطحی پیرامون دریاچه‌ی ارومیه و شوره زارهای حاشیه‌ی آن را در بر می‌گیرد نه تنها به خاطر پرندگان مهاجر آبزی بلکه به خاطر گونه‌های نادری مانند میش مرغ نیز حائز اهمیت است. ۴- **یکانات** به مساحت ۵۸۰۰۰ هکتار این منطقه مسیر مهاجرت قوچ و میش ارمنی میان دو **منطقه حفاظت شده کیامکی و مراکان** را تحت پوشش قرار داده است.

سواحل گردشگری رودخانه‌های مهم استان:

۱ - رودخانه‌ی ارس: سواحل این رودخانه از ارزش‌های گردشگری قابل توجهی برخوردار است.

۲ - سواحل رودخانه‌های آجی چای، مردق یا موردی چای، اسکوچای، اهر چای، سیلن چای، لیقوان چای، قالاچای از دیگر نواحی گردشگری محسوب می‌گردد.

دریاچه‌ی قوری گول: این دریاچه برای انواعی از پرندگان آبزی، زیستگاه مناسبی به شمار می‌رود و به علت نزدیکی به کانون‌های شهری حائز شرایط مطلوب تفرجگاهی است. شماری از مردم اوقات فراغت خود را در فضای سبز کناره‌های این دریاچه سپری می‌کنند.

دریاچه‌ی ارومیه: دریاچه‌ی ارومیه بزرگ‌ترین آبگیر داخلی و مهم‌ترین دریاچه‌ی دایمی ایران است و از نظر طبیعی، آذربایجان را به دو بخش

شرقی و غربی تقسیم کرده است. دریاچه‌ی ارومیه یکی از دریاچه‌های نادر جهان است. در سواحل آن چندین بندر به منظور حمل و نقل مسافر و بار ایجاد شده است که از نظر جذب توریست و گردشگری حائز اهمیت است.

بندرهای استان

مهم‌ترین بندرهای استان عبارتند از:

بندر آق گنبد: بندر آق‌گنبد در ساحل غربی جزیره‌ی اسلامی و در سمت شرقی دریاچه‌ی ارومیه واقع شده است. بین بندر شرفخانه و گلمانخانه‌ی ارومیه هر هفته دو بار و هر بار به مدت نیم‌ساعت کشتی‌های حامل بار و مسافر توقف می‌کنند.

بازدید از بندر شرفخانه

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بندر ساحلی دریاچه‌ی ارومیه، بندر شرفخانه است که در ۸۸ کیلومتری شمال غربی تبریز و ۳۰ کیلومتری جنوب شبستر قرار دارد. این بندر با یک رشته خط آهن به راه‌آهن سرتاسری مربوط می‌شود. هر ساله در فصل تابستان گردشگران زیادی برای آب درمانی و لجن درمانی به این بندر می‌آیند. در این بندر تأسیسات بندری و انبارهای کالا نیز وجود دارد. برای آمد و شد مردم و گردشگران از قایق‌های مسافربری استفاده می‌شود.

آشنایی با آبشارهای استان: آبشارهای شناخته شده‌ی استان آذربایجان شرقی که مورد توجه و استفاده‌ی گردشگری مردم قرار می‌گیرند عبارتند از: آبشارهای آسیاب خرابه و عیش‌آباد.

دیدار از آبشار آسیاب خرابه: وجود آسیاب آبی متروکه‌ای در نزدیکی آبشار، به آسیاب خرابه معروف شده است. مساحت منطقه‌ی آبشار ۲۰۰ متر مربع است و ارتفاع آبشار حدود ۱۰ متر می‌باشد. برای دیدن دره‌ی باصفا، آبشار و منطقه‌ی دل‌انگیز آن باید از نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان گذشت و از یک جاده‌ی غربی به محل دیدنی آسیاب خرابه رسید. آب چشمه‌ای که به آبشاری روح‌نواز تبدیل ازکوه کیامکی تأمین شده و به یک رشته جویبار می‌پیوندد و به سوی شمال دره جریان می‌یابد. آسیاب خرابه (خارابادییریمان) از قشنگ‌ترین مناطق دیدنی آذربایجان شرقی است.

دیدار از آبشار عیش‌آباد: وسعت محدود این آبشار در حدود ۳۰۰ متر مربع می‌باشد، که برای رسیدن به آن باید از روستای عیش‌آباد شبستر که قسمتی از جاده اتومبیل رو و باقی راه کوهستانی است، گذشت ارتفاع آبشار عیش آباد حدود ۱۵ متر می‌باشد. چشم‌انداز کوه و دره سرسبز باصفا منظره‌ی فراموش نشدنی را در ذهن هر بیننده‌ای به جا می‌گذارد.

جزایر و شبه جزایر

جزایر استان آذربایجان شرقی که دارای اهمیت جهانگردی می‌باشند عبارتند از:

۱ - جزیره‌ی اسلامی (شاهی) ۲ - جزیره‌ی اسپیر ۳ - جزیره‌ی آرزو ۴ - جزیره‌ی اشک ۵ - جزیره‌ی قویون داغی (کبودان)

گردش در جلگه‌ها و دشت‌های استان: دشت‌های استان با چشم‌اندازهای طبیعی، مراتع سرسبز و کشتزارها، مخصوصاً در بهار و تابستان انسان را شیفته‌ی خود می‌سازد و از نقطه نظر اقتصادی و جاذبه‌های خاص سیاحتی اهمیت زیادی دارد. این دشت‌ها عبارتند از:

۱ - دشت تبریز ۲ - دشت آذرشهر ۳ - دشت اهر ۴ - دشت مراغه ۵ - دشت سراب

از دیگر جاذبه‌های جهانگردی استان دره‌ها و

غارها می‌باشند.
بازدید از دره‌ها و غارها از جمله نقاط مورد علاقه کوه‌نوردان و گردشگران علاقمند به طبیعت‌گردی است و استان آذربایجان شرقی دارای دره‌ها و غارهای متعددی است که به فهرست اسامی آن‌ها اشاره می‌شود.

دره‌های مهم استان عبارتند از:
دره کوهستان سهند - دره لیقوان - دره پیغام - دره گشایش - دره سعیدآباد

مهم‌ترین غارهای استان آذربایجان شرقی:
۱ - غار هامپوئیل (کبوتر) ۲ - غار آغ بولاق ۳ - غار دوگیجان ۴ - غار اسکندر
این غارها برای بسیاری از کوهنوردان و غارنوردان در شمار نقاط دیدنی استان به حساب می‌آیند.

تالاب‌های استان: تالاب‌های استان آذربایجان شرقی جلوه‌های پاک و زیبای طبیعت اند که تماشاچیان و گردشگران بسیاری را به سوی خود می‌کشانند که فهرست اسامی برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

تالاب قوری گول در ۱۰ کیلومتری غرب تبریز
تالاب یوسفلو در ۳۳ کیلومتری شرق اهر
تالاب دیب سبز در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی اهر
تالاب خرمالو در ۴۲ کیلومتری جنوب غربی اهر
تالاب قبادلو در ۲۲ کیلومتری شمال غربی عجب‌شیر
تالاب آلماگلی در جنوب شرقی ارتفاعات سهند
تالاب قره قشلاق در جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه
تالاب ماهی آب در ۲۰ کیلومتری شمال میانه
تالاب یانیق گل در ۳۱ کیلومتری جنوب غربی هشترود
تالاب بزوجق گلی در ۵۰ کیلومتری غرب هشترود
تالاب قوشاگلی در ۳۱ کیلومتری جنوب‌غربی هشترود
تالاب زولبین گلی در ۴۲ کیلومتری غرب هشترود.

روستاهای دیدنی استان: روستاهای آذربایجان شرقی، از نظر معماری و قدمت تاریخی، یادگارهای باستانی و جلوه‌های طبیعی شگفت‌انگیزند. اغلب این روستاها در طبیعت دست نخورده، دامنه‌ی کوه‌ها، کناره جنگل‌ها و مراتع، رودخانه‌های پرآب، دره‌ها و دشت‌های سرسبز قرار دارند.
چشم‌انداز این همه زیبایی برای هر بیننده، به ویژه در فصل بهار و تابستان خاطره‌ای خوش به یادگار خواهد گذاشت.
اغلب روستاهای این استان آثار ارزشمند تاریخی و ویژگی‌های طبیعی را با هم دارند که از نظر جهانگردی روستایی بسیار ارزشمند می‌باشد.
مهم‌ترین این روستاها عبارتند از: روستاهای دامنه‌ی غربی سهند و سبلان، روستای اوزی با بقعه‌ی شیخ عبدالله انصاری در شبستر، روستاهای دره لیقوان با معماری جالب توجه، روستای پیره‌لر با بقعه‌ی شاه قاسم، قشلاق قارلوجا با برج سنگی، خلیجان با بقعه‌ی ابودجانه انصاری، روستای پیام و زنجیره با طبیعت دیدنی در مرند، سقندل با قدمت تاریخی، منجوان با عمارت طومانیس، گرما دوز با چشمه‌های آبگرم، اسفنجان و سی با مسجد و گورستان تاریخی، کردشت با قلعه و حمام قدیمی و روستای میلان با مسجد تاریخی

بازدید از روستای تاریخی و کم‌نظیر کندوان: روستای تاریخی کندوان در میان دره‌ای با جلوه‌های طبیعی جذاب، در کنار رودخانه

خروشان کندوان، در فاصله‌ی ۲۲ کیلومتری جنوب اسکو واقع شده است.

نوع معماری خانه‌های این روستا صخره‌ای طبیعی می‌باشد و متعلق به قرن هفتم هجری است. گویند قدمت آن به دوره‌های قبل از اسلام هم می‌رسد. جنس تپه‌ها و مخروطهای این روستا از نوع اینمبریت و لاهار می‌باشد که از مخلوط مواد آتشفشانی سهند با گل و لای باقی مانده از باران‌های سیل‌آسا حاصل شده است. در درون مخروطها دو مسجد هرکدام با دو ستون سنگی از جنس لارها، تعدادی آغل، انبار، اتاق‌های نشیمن، دیده می‌شود، علاوه بر شهرت این روستا به خاطر معماری کم‌نظیر و زیبایی‌های طبیعی، چشمه‌ی معدنی گوارای آن و لبنیات و عسل مرغوب کوهستان نیز باعث شهرت و معروفیت این روستا شده است که هر ساله گردشگران بسیاری را به‌ویژه در فصل بهار و تابستان جذب می‌نماید. فاصله‌ی روستای کندوان تا تبریز ۶۲کیلومتر است در صورتی که جاذبه‌های جهانگردی و ایرانگردی منحصر به فرد کندوان توجه شود و برای اسکان مسافران اماکن مناسبی به وجود آید، این ناحیه از استان به یکی از مراکز بسیار مهم جلب گردشگر استان و ایران مبدل خواهد شد.

قنات‌های تبریز

ایران سرزمین کم آبی است و مسئلهٔ آب در این کشور،از دیرباز دارای اهمیت بوده است.

برای تهیهٔ آب و رساندن آن به شهرها و مزارع،از طرق مختلفی استفاده کرده‌اند که یکی از این راه‌ها ،استفاده از قنات می‌باشد. دربارهٔ پیدایش قنات و معنی لغوی آن،پژوهش گران نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند،اما آن چه که مسلم است، سابقهٔ استفاده از قنات درایران زمین به هزاران سال قبل باز می‌گردد، به طوری که ایران را می‌توان زادگاه قنات دانست.

توجه به آثار به جای مانده از تأسیسات آب رسانی در اروپا، به خصوص یونان باستان و امپراطوری روم، این موضوع را مشخص می سازد که در این کشورها از قنات برای آب رسانی استفاده نمی‌کردند وبا مطالعه تاریخ ممالک اسلامی، معلوم می‌شود که باگسترش اسلام، قنات سازی و استفاده از آن در دیگر کشورها، گسترش پیدا کرد. شهر تبریز به عنوان یک شهر بزرگ و مهم در طول تاریخ ایران مطرح بوده است و جهانگردان از باغ های سرسبز این شهر که خستگی را از تن مسافران به در می‌کردند، در سفرنامه های خود یاد کرده‌اند. این سرسبزی، حاصل قنات هایی بود که تبریز و پیرامون آن را مشروب می‌ساخت. تعداد این قنات هااز صد رشته متجاوز بود که اکنون از آن قنات ها به جز اندکی باقی نمانده است؛ واسامی قنات‌های متروکهٔ تبریز که زمانی حیات شهر به آنها وابسته بود را باید از کتب و اسناد تاریخی جست وجو کرد.

یکی از کتب مورد استفاده در این مقاله، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنهٔ تبریز، اثر نادر میرزا می‌باشد. دراین کتاب، اسامی قنات هایی که در زمان مؤلف این اثر مورد استفاده بوده‌اند آورده شده است وبهترین منبع برای شناسایی، قنات‌هایی است که اکنون از بین رفته‌اند.

گردشگری

قلعه‌های تاریخی

قلعهٔ آوارسین: قلعه آوارسین منسوب به دورهٔ ساسانی تا قرن سوم هجری قمری است که در ۲۲/۵ کیلومتری سمت جنوب خداآفرین و ۱۱

کیلومتری جادهٔ اهر - کلیبر واقع شده است. حمداله مستوفی بنای قلعه آوارسین را به «بکربن عبداله» از اصحاب حضرت رسول (ص) نسبت می‌دهد که به امر عمر خلیفهٔ دوم در سال ۲۲ هجری به آذربایجان لشکر کشید.

آثار به دست آمده نشان می‌دهد که این قلعه در دوره اشکانی یا اوایل دوره ساسانی ساخته شده و در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته بود.

این قلعه دارای ۵ برج مدور برای نگهبانی است و بلندترین برج آن به ارتفاع بیش از ۸۰۰ متر از ته دره، در جبهه غربی هنوز پابرجاست. این قلعه احتمالاً از استحکامات دفاعی بابک خرمدین در منطقه قره‌داغ آذربایجان بود.

قلعه انداب جدید: قلعه انداب جدید در دو کیلومتری جنوب روستای قلعه‌باشی واقع است. لازم به یادآوری است که روستای قلعه‌باشی خود در داخل یک قلعه قدیمی بنا شده و از دیوارهای باقی مانده مشخص است که خود این روستا در زمان‌های گذشته قلعه بود. اسم این روستا خود موید این امر است. فاصله این قلعه تا شهرستان اهر حدود ۳۰ کیلومتر است.

قلعه بابک (بذقالاسی)

در ۵کیلومتری جنوب غربی کلیبر، قلعه جمهور که به نام‌های قلعه جاویدان یا دژبد و قلعه‌ی بابک نامیده می‌شود واقع شده است. بابک خرمدین قهرمان ملی و تاریخی آذربایجان و یارانش در همین منطقه به مدت ۲۲ سال با سپاهیان اعراب جنگیدند.

در زمان خلافت عباسیان از سال ۲۰۰ تا ۲۲۲ هجری قمری، بابک خرمدین در آذربایجان بر ضد خلیفه عباسی، معتصم ستمگر، قیام کرده به طرز شگفت‌انگیزی قریب به بیست سال در مقابل سپاهیان غارتگر خلیفه مقاومت کرده و حماسه‌ها آفرید. او بزرگ‌ترین سرداران سفاک عرب را همراه با سپاهیانش که بیش از ۲۵۰ هزار نفر بودند، نابود کرد.

در زمان حکومت صفویه، جنگ سختی بین مردم اهر و ایل بایبوردلو با قشون عثمانی در محلی معروف به «قانلی گول» در جنوب اهر، اتفاق افتاد. اهر شهر پرنعمت و قدیمی در زمان شاهان صفوی مرکز حکومت نشین ارسباران بوده است ولی به علت توجه شاهان صفوی به تبریز و اردبیل و رونق این دو شهر، اهر از اهمیت می‌افتد و به جهت نداشتن راههای ارتباطی و تجاری و موقعیت کوهستانی و راههای سخت ایلاتی، چندان پیشرفت نمی‌کند.

در دوره قاجاریه و جنگهای ایران و روس، شهر اهر مرکز فرماندهی عباس میرزا نایب السلطنه بود. در سال ۱۲۲۸ هجری قمری، در زمان وقوع جنگهای اصلاندوز، سرجان ماکدونالد سفیر انگلستان در ایران به اتفاق میرزاابولقاسم قائم مقام فراهانی، در اهر، به حضور فتحعلیشاه قاجار رسید. در بیماری وبای وحشتناک تبریز به سال ۱۲۲۸ قمری که عده بی شماری تلف شدند محمدشاه مدتی در اهر اقامت داشته و به امور آذربایجان رسیدگی می‌کرد.

مظفرالدین شاه قاجار که در ایام مناسب برای گردش و سرکشی به ارسباران می‌آمد، بعضی مناظر طبیعی اروپا را با نقاط دل‌انگیز این منطقه شبیه و مقایسه نموده است.

آثار به دست آمده نشان از حکومت‌های قرن ۶ و ۷ هجری دارد که عبارتند از: سفالینه‌های منقوش و لعابدار، از سکه‌های دوران اتابکان و هزار اسپیان.

قلعه بابک ۲۳۰۰۰ تا ۲۶۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. عمق دره‌های اطراف قلعه ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر می‌باشد. همه ساله گردشگران زیادی از این قلعه دیدن می‌نمایند.

قلعهٔ بابک: «قلعهٔ جاویدان»، «قلعهٔ جمهور» یا«دژبذ» معروف به قلعهٔ بابک در ۳ کیلومتری جنوب غربی کلیبر واقع شده است و ۲۳۰۰ تا ۲۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این قلعه برفراز کوهستانی به نام جمهور واقع شده و دره هایی به عمق ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر از هر سو آن را در بر گرفته است. برای رسیدن به این قلعه تنها از یک سو و فقط راه مال رو وجود دارد.

در کاوش‌های باستان‌شناسی آثار بسیاری از این قلعه به دست آمده است. از آن جمله می‌توان از سفالینه‌های منقوش و لعاب‌دار مربوط به قرن سوم و سکه‌های مربوط به دوره اتابکان آذربایجان و هزار اسپیان (قرون ۶ و ۷ هجری) و تنورهای متعدد پخت نان یاد کرد.

شواهد نشان می‌دهد که این قلعه از قرن دوم تا اواخر قرن هفتم هجری در زمان‌های مختلف آباد بود و امرای و وقت از استحکامات آن استفاده می‌کردند.

قلعهٔ پشتو: قلعه تاریخی پشتو بر روی یکی از کوه‌های بلند به نام «هشته سر» (هشت سر) در ۱۲ کیلومتری بخش هوراند و ۵۰ کیلومتری شمال شرقی اهر واقع است.

این قلعه تنها یک راه باریک برای ورود دارد و در سه سمت دیگر آن پرتگاه‌های مخوفی دیده می‌شود که قلعه را نفوذناپذیر ساخته است. قلعه پشتو بسیار قدیمی است و قدمت آن به دوره‌های اشکانی و ساسانی می‌رسد. این قلعه یکی از دژهای مورد استفاده بابک خرمدین بود.

قلعه جشین: این قلعه در ۲۶ کیلومتری غرب ورزقان و ۶ کیلومتری روستای جوشین واقع شده و راه دسترسی به آن بسیار سخت و کوهستانی است. سفال هایی که در محوطه این قلعه پیدا شده، آثاری از ادوار قبل از اسلام و دوران اسلامی تا قرن ششم هجری قمری را شامل می‌گردد.

قلعه سن سارود: این قلعه در ۲۶ کیلومتری شمال مرند، در روستای هرزند و بر روی تپه‌ای سنگی و مرتفع قرار دارد. در بخش شرقی قلعه تخته سنگ‌های بزرگی وجود دارد که آثار باقی مانده از جمله قسمت هایی از حصارهای دفاعی قلعه و برج‌های نیم‌استوانهٔ پیش آمدهٔ آن و بقایای بنای قلعه، قرون هفتم و هشتم را نشان می‌دهد. در جنوب قلعه نیز گورستانی از ادوار اسلامی وجود دارد.

قلعه ضحاک (آژدهاک) عجب‌شیر: قلعه ضحاک یا داش قلعه در ۲۸ کیلومتری عجب‌شیر در ساحل شرقی دریاچه ارومیه و در ۹۵ کیلومتری جنوب تبریز واقع است. آثار برجای مانده از برج‌های نیم‌استوانه‌ای به نام دروازهٔ قلعه و پوشش دیوارها که از سنگ‌های مکعب مستطیلی است .قدمت آن را تا دوره ساسانی می‌رساند ولی سفال‌های به دست آمده از این قلعه مربوط به سده‌های ششم و هفتم هجری است.

قلعه ضحاک (آژدهاک) هشترود: این قلعه به فاصله ۲۸ کیلومتری جنوب شهرستان هشترود بر بالای تونل راه‌آهن تهران - تبریز در وسط دو رودخانه «قرانقو» و «شورچای» واقع شده است.

با توجه به سفال‌های سطحی و آثار معماری به جای مانده، قدمت این قلعه را می‌توان به هزاره دوم پیش از میلاد نسبت داد. این قلعه تا دوره تیموریان مورد استفاده بود.

قلعه ضحاک همان قلعه آژدهاک دوره ماد است و آثار دیوارهای اورارتویی درنقاط مختلف قلعه به چشم می‌خورد. ابعاد این قلعه به وسعت ۱۱ در دو کیلومتر آن را در شمار یکی از بزرگ‌ترین قلعه‌های تاریخی ایران قرار داده است.

پاویون قلعه که تا حدودی سالم به جای مانده مربوط به دوران اشکانیان است و دیوارهای دولایه با پیشامدگی مدور و برج و باروهای دوره اسماعیلیه در قسمت غربی قلعه پا برجاست. حفاری‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۷۹ پرده از رموز این قلعه افسانه‌ای برداشت و آثار دوره اشکانی را آشکار ساخت. در اثر دو فصل کاوش، یک تالار مربع شکل و یک بنای آجری با مصالح گچ و گچ‌بری‌های متعدد به دست آمده که همگی مربوط به دوره اشکانیان است.

قلعه قیزقالاسی: این قلعه و غار مجاور آن از آثار تاریخی دیدنی مراغه محسوب می‌شود که در ۲۰ کیلومتری جنوب غرب مراغه و در جنوب دره عمیق کوه‌های گوی‌داغ (کوه کبود) واقع شده است.

طول غار مجاور قلعه قیزقالاسی حدود ۳۵ متر، عرض آن ۲۴ متر و ارتفاع آن حدود ۲۰ متر است. ارتفاع کلی این غار و قلعه نسبت به دره عمیقی که در مقابل آن وجود دارد، حدود ۱۸۰۰ متر تخمین زده می‌شود. در ارتفاعات پشت قلعه، باقی‌مانده حصاری خشتی دیده می‌شود.

قلعه کردشت: یکی از قلعه‌های تاریخی آذربایجان که در حاشیه رود ارس و در روستای کردشت جلفا واقع شده قلعه کردشت نام دارد. این قلعه از نظر اهمیت نظامی و تاریخی به ویژه در دوره حکومت عباس میرزای قاجار نایب‌السلطنه فتحعلی شاه قاجار در آذربایجان بسیار مورد توجه و یکی از مراکز فرماندهی سپاهیان وی در جریان جنگ‌های ایران و روس بود.

این قلعه در بالای تپه‌ای صخره‌ای ساخته شده و در ارتفاعات آن شش برج نگهبانی وجود داشت که هنوز بخشی از این برج‌ها و حصارهای آن پابرجاست.

قلعه گاوورگوهر: بقایای این قلعه که مربوط به دوره اورارتویی است در ۴۵ کیلومتری شرق جلفا و در کنار رود ارس دیده می‌شود.

بخشی از دیوارهایی که از قلعه باقی مانده است، ارتفاع این قسمت‌ها تا سه - چهار متر می‌رسد.

تعدادی سفال نیز از این قلعه به دست آمده که به اواخر دوره اورارتویی تعلق دارند.

علاوه بر اینها تعدادی اشیای گلی مربوط به قرن ششم پیش از میلاد و برخی نیز مربوط به دوره‌های ساسانی و اسلامی یا ارمنی از این قلعه به دست آمده است.

قلعه گوهر کوچک‌ترین تک بنایی است که از دوره اورارتو تا کنون در ایران شناخته شده است. باتوجه به بنای قلعه در بالای تپه، گمان می‌رود این قلعه در اصل پایگاهی نظامی بوده باشد.

قلعه نقدوز (نودوز): این قلعه برفراز قله مرتفعی مشرف به رودخانه اهرچای در روستای نودوز در فاصله ۳۵ کیلومتری شرق اهر جای دارد. برج‌های دیده‌بانی برجای مانده از قلعه ۱۱ تا ۹ متر ارتفاع دارند و از سنگ‌های رسوبی آجری ساخته شده‌اند .

برای تامین آب آشامیدنی ساکنین قلعه، تعدادی حوضچه در بدنه سنگی کوه تعبیه شده بود که از آب باران پر می‌شد و به مصرف ساکنین می‌رسید.

کاروانسراهای تاریخی

به گواهی تاریخ، موقعیت ویژه آذربایجان شرقی بر سر راه‌های شرق، غرب، شمال و جنوب کشور و اهمیت به سزای آن در جاده ابریشم، منجر به ایجاد کاروانسراهای متعددی شده که متاسفانه عوامل طبیعی و یورش‌های بیگانگان اغلب آنها را از صفحه روزگار محو کرده است. با حال این تعداد قابل توجهی از این کاروانسراها در نقاط مختلف استان به ویژه مناطق کوهستانی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند.

کاروانسرای شاه‌عباسی گویجه بئل، اهر: درگردنه گویچه بئل واقع در ۹۳کیلومتری تبریز و ۲۴ کیلومتری اهر، دو کاروانسرای قدیمی وجود دارد. کاروانسرای علیا در ۳ کیلومتری ابتدای گردنه ساخته شده است و ابعاد آن ۲۱×۳۰ متر و دارای پنج ردیف حجره ضربی آجری مدور است. کاروانسرای سفلی نیز در ۷کیلومتری کاروانسرای علیا در محوطه‌ای مسطح مشرف به رودخانه قرار دارد و از دو بخش شامل حیاط و حجرات متعدد تشکیل شده است.

از جمله کاروانسراهای معروف آذربایجان شرقی می‌توان کاروانسراهای زیر را نام برد:

کاروانسرای تیکمه داش تبریز: میانه، کاروانسرای پیام مرند،کاروانسرای گویدرق میانه، کاروانسرای خورانک مراغه، کاروانسرای آرپا دره سی اهر، کاروانسرای شاه عباسی کلیبر، کاروانسرای جمال آباد، کاروانسرای خواجه نظر.

از این میان کاروانسرای پیام مرند با کاربری جدید در جهت احیا و دوباره‌سازی آن، به یک اقامتگاه بین‌راهی تبدیل و به عنوان یکی از آثار در خور توجه محور گردشگری شمال استان محسوب می‌شود.

بازار تاریخی تبریز از نظر جهانگردان: تبریز از ادوار گذشته به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی ایران به شمار می‌رفته است. این شهر به خاطر موقعیت ویژه خود، سالهای دراز پذیرای کاروان‌های تجاری خاور دور و اروپا از راه روسیه و عثمانی بود و مرکز مبادله کالاهای بازرگانی کشورهای اروپایی محسوب می‌شد و از این رو از شهرتی جهانی برخوردار بوده است.

«شاردن» فرانسوی در سفرنامه خود شکوه مجموعه بازارهای تبریز را پیش از ویرانی آنها بر اثر زلزله چنین می‌ستاید: «این شهر دارای عالی‌ترین بازارهای آسیاست. وسعت و عظمت این بازارها، گنبدها و طاق‌های زیبایی که آنها را پوشانیده است با توده عظیم و انبوه جماعتی که در طی روز در سوق‌های بازار مشاهده می‌شود و کثرت مقدار کالایی که در آنجا انباشته شده است بطور حیرت‌آوری ابهّت و جلال بازارهای تبریز را نمودار می‌سازد.» وی اضافه می‌کند: «زیباترین بازار این شهر که مرکز معاملات کالاهای گرانبها و جواهرات است، قیصریه (بازار شاهی) نام دارد. این بازار هشت‌گوش و بسیار وسیع و بزرگ است. قیصریه را حدود سال ۸۵۰ هجری به فرمان اوزون حسن که مقر سلطنش تبریز بود بنا کرده‌اند».

لازم به یادآوری است که مجموعه شکوهمند و بی‌نظیر بازار تبریز در جریان زلزله هول‌انگیز سال ۱۱۹۳ ه. ق به شدت آسیب دید و از عمارت‌های بلند و بناهای محکم آن اثری باقی نماند.

بازسازی و مرمت مجموعه بازار تبریز، به احتمال قوی همزمان با بناهای باروی شهر، به

همت «نجفقلی خان بیگلربیگی» از سال ۱۱۹۴ ه. ق آغاز شد. بافت اصلی بازار تبریز از دو راسته سرپوشیده شمالی - جنوبی و شرقی - غربی تشکیل شده است.

عرض بازارها بین چهار تا پنج متر و بلندی سقف آنها پنج تا شش متر است که در مقایسه با سقف بازارهای نقاط گرمسیری ایران کوتاه‌تر است.

راسته‌های اصلی توسط راسته‌های فرعی به هم متصل شده و در فضاهای بین آنها سراها، کاروانسراها و تیمچه‌ها بنا شده است. تقاطع راسته‌ها را در سه راهی‌ها و چهاراهی‌ها (چهار سوق‌ها) طاق‌های گنبدی پوشانده است. بزرگ‌ترین گنبد بازار گنبد تیمچهٔ امیر و زیباترین قسمت آن، تیمچهٔ مظفریه است.

مهمترین ورودی بازار تبریز در حال حاضر در انتهای شمالی خیابان فردوسی قرار دارد. برخی از حجره‌ها به تناسب نیاز در بازار جای گرفته‌اند؛ مثلاً حجره‌های شمع‌فروشان و عطرفروشان در کنار مساجد قرار دارند.

شبکه بازار تبریز به مثابه قلب شهر است و نقش عمده‌ای در بافت شهر دارد. این بازار که با مساحتی معادل یک کیلومتر مربع در سال ۱۳۵۴ شمسی در فهرست آثار ملی به ثبت رسید، بزرگ‌ترین اثر کشور و وسیع ترین مجموعه مسقف و به هم پیوستهٔ جهان به شمار می‌رود.

رودخانه مهران رود دو قسمت بازار قدیمی تبریز را از هم جدا ساخته و بخش شمالی بازار به جهت جدا ماندن از کل مجموعه بتدریج اهمیت خود را از دست داده و دچار تخریب بیشتری شده است. قسمت اعظم مساحت بازار در جنوب مهران‌رود و در حد فاصل خیابان‌های دارایی، شهدا و امتداد آن در راسته کوچه قرار گرفته است. احداث خیابان دارایی قسمت کوچکی از این بخش را از کل مجموعه جنوبی جدا کرده است.

مهم‌ترین راسته هایی که در این قسمت از بازار وجود دارند عبارتند از:

بازار امیر، راسته بازار، راستهٔ قدیم، بازار سراجان، شیشه‌گرخانه، بازار کفاشان، بازار صفی، بازار صادقیه، کلاهدوزان، قیزبستی بازار، بازار مسگران، بازار حلاجان، بازار آیت الله شهیدی، یمن‌دوز بازار، بازار حرمخانه،

بازار رنگی.

از تیمچه‌های معروف بازار، تیمچهٔ امیر که بانی آن «محمد خان امیر نظام زنگنه» از وابستگان عباس میرزا نایب السلطنه، و نیز تیمچهٔ حاج شیخ کاظم، میرزا شفیع، حاج محمد قلی، حاج صفر قلی، حاج صفر علی، میرزا جلیل، مظفریه، شعربافان، ملک، خرازی‌ها، حاج شیخ بها، میرابوالحسن و حاج تقی را می‌توان نام برد. هر کدام از این تیمچه‌ها یا سراهای بازار تبریز معمولاً دارای دالانهای زیبایی هستند که به همان نام تیمچه و سراهای شهرت یافته‌اند.

سرای‌های بازار تبریز غیر از ایفای نقش بسیار مهم در زندگی اقتصادی بازار، به منزلهٔ تنفس گاه‌ها و فضاهای سبز مجموعه نیز اهمیت فوق العاده‌ای داشته‌اند. سراهای امیر، گرجیلر، شاهزاده‌ها، دودری‌ها، میرالحسن، پرتوی، آلمانی‌ها، میرزا مهدی از مشهورترین سراهای مجموعهٔ بازار محسوب می‌شوند.

بازار تاریخی، اهر: مجموعه بازار اهر از بازارهای تاریخی آذربایجان است که از نظر اسلوب معماری و تزیینات بسیار زیبا و قابل توجه است.

در این بازار تمام مغازه‌های طبقه دوم با گچ بری‌های زیبا ازگل و برگ یا اسلیمی تورقی بسیار درشت تزیین شده و ابتکاراتی نیز در آجر چینی گنبدهای تودرتوی بازار به کار رفته است.

بازار اهر در زمان حکومت رشیدالملک در ارسباران، در سال ۱۳۲۱ ه. ق مرمت و بازسازی گردید.

حمام‌ها

حمام کردشت: این حمام یکی از زیباترین حمام‌های آذربایجان است که با معماری اصیل سنتی در روستای کردشت از توابع جلفا و درکنار رود ارس قرار دارد.

این حمام که در میان باغ بزرگی ساخته شده، دارای یک هشتی به صورت هشت ضلع به ابعاد ۳/۵×۳/۵ و به ارتفاع ۴/۳ متر است. یکی از اضلاع به در ورودی و دیگر راه ورود به رخت کن یا سربینه است.

سربینه حمام نیز هشت ضلع به اضلاع ۳/۵ متر و ارتفاع ۸/۵ متر است و گنبد بزرگ آن بر روی جرزها و هشت ستون سنگی هشت بر استوار شده است. همه ستون‌ها دارای سرستون‌های سنگی مقرنس هستند که به وسیله ملات سرب مذاب به ستون وصل شده‌اند. گنبد سربینه دارای کاربندی‌های جالب مزین به آهک بری‌های زیبا است.

سکوهای رخت کن با طاق ضربی پوشیده و در زیر آن کفش کن‌هایی تعبیه گردیده است.

گرم خانه فضایی است که از چهار ستون سنگی هشت بر و دو حوض بزرگ مستطیل شکل و اتاقی با گنبد قیراندود تشکیل شده است.

نور داخل سربینه و گرم خانه به وسیله روزنی که نوک گنبد قرار دارد تأمین می‌شود و گویا بر روی آن روزنه‌ها سنگ‌های مرمر نازک و ظریفی نصب بود که نور آفتاب از آن نفوذ می‌کرد و داخل حمام را به صورت یک نواخت روشن و شستشوکنندگان را از نگاه نامحرمان حفظ می‌نمود.

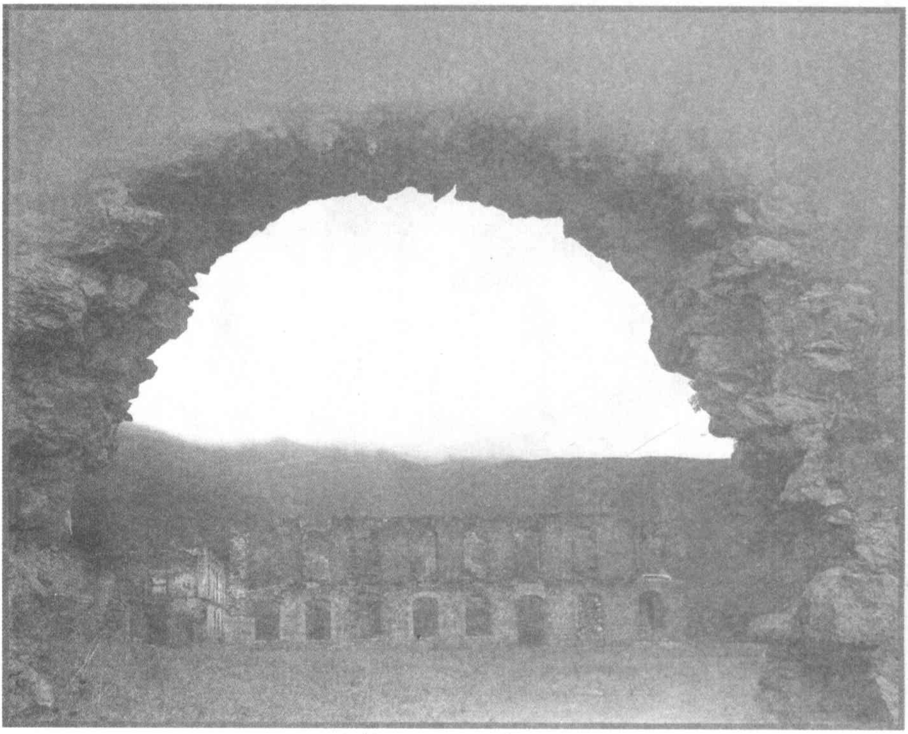
حمام کردشت بخش‌های دیگری نیز دارد که بسیار دیدنی و قابل مطالعه است. این حمام در زمان عباس میرزا نایب السلطنهٔ فتحعلی شاه هنگام جنگ دوم ایران و روس ساخته شد، ولی شیوه معماری آن شباهت بسیار به حمام‌های دوره صفوی دارد.

حمام مهر آباد: حمام مهرآباد یک از معروف‌ترین گرمابه‌هاست که تاریخ بنای آن به دورهٔ قاجار می‌رسد و از پنج بخش تشکیل شده است.

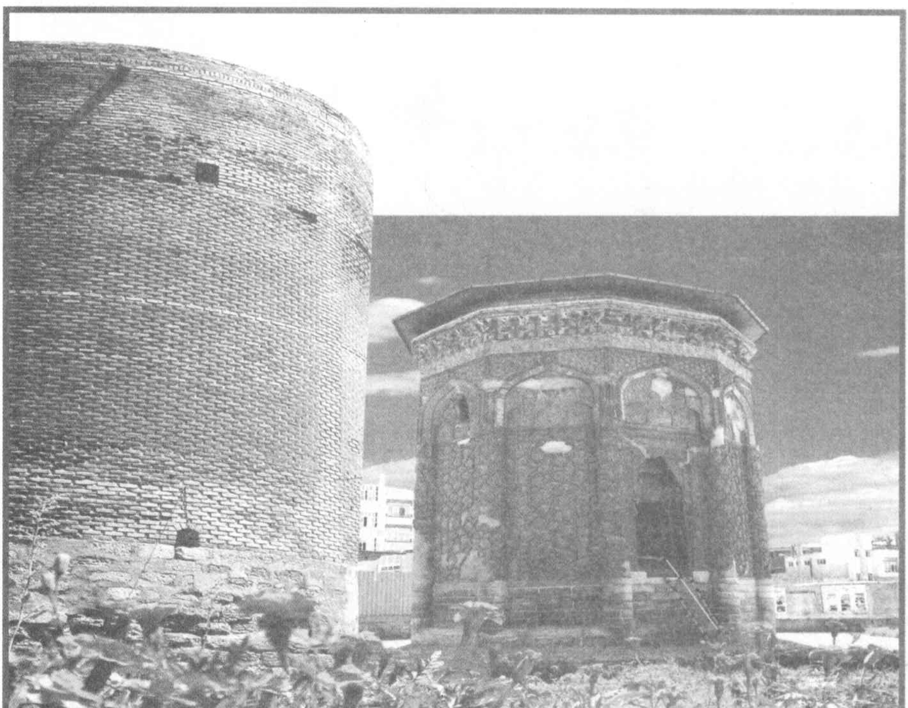
۱. تالار بزرگ رخت‌کن ۲. محل نظافت ۳. تالار شست و شو ۴. گرم خانه ۵. خزینه آب

تالار بزرگ رخت کن شامل یک گنبد بزرگ و چهار گنبد کوچک و چهار طاق در چهار طرف آن است و یک حوض بزرگ سنگی نیز در زیر گنبد بزرگ وجود دارد. تالار رخت کن است. در ضلع شرقی تالار استحمام دو اتاق با سقف گنبدی به عنوان خلوتی یا شاه نشین وجود دارد که مخصوص استحکام افراد سرشناس بود. تالار استحکام با چهار پله، پس از عبور از یک در کوچک وارد خزینه می‌شود که آخرین مرحلهٔ استحکام است. پس از بیرون آمدن از خزینه بایستی از حوضچه کوچک آب سرد عبور کرد.

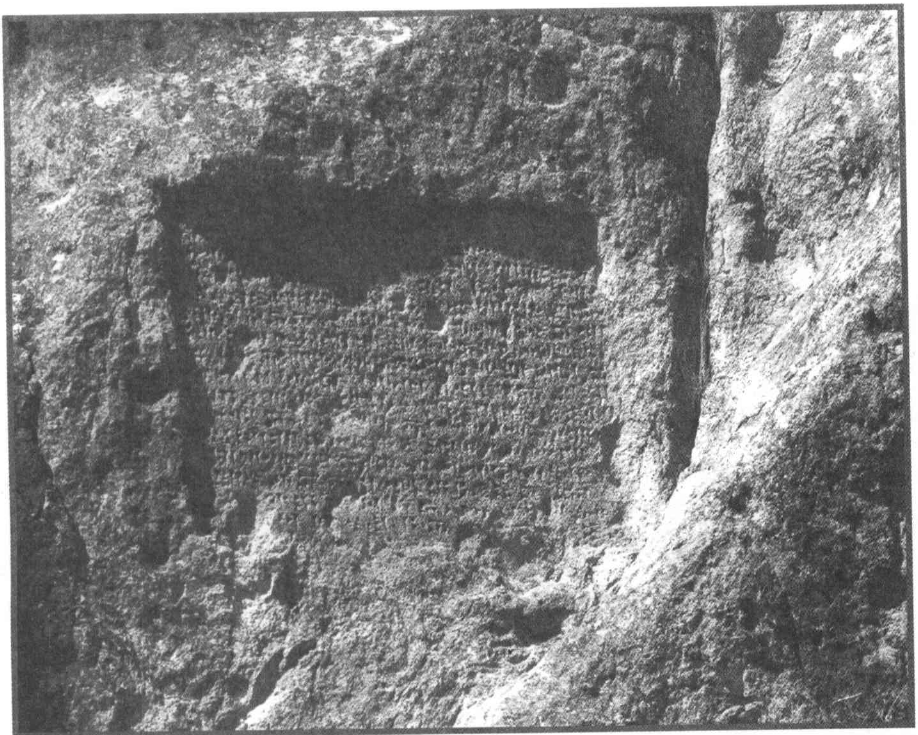
آب مصرفی گرمابه از چاهی که درکنار خزینه قرار دارد، توسط دستگاه مخصوصی استخراج می‌شد و از طریق لوله‌های باریک سفالی که در دیوارها تعبیه شده بودند به داخل گرمابه هدایت می‌شد.



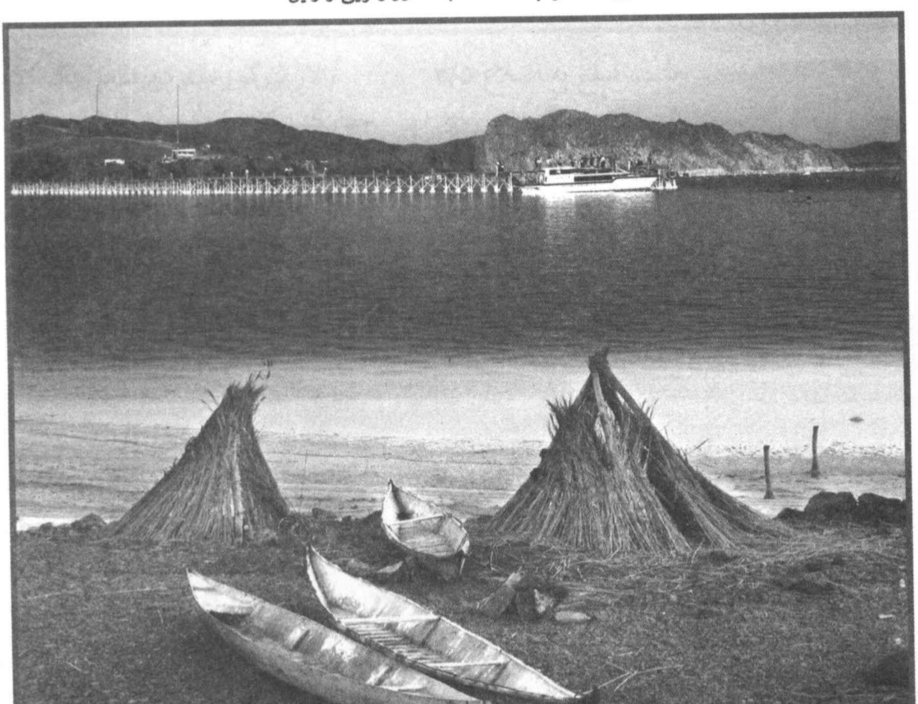
شهرستان کلیبر - ساختمان آینالی



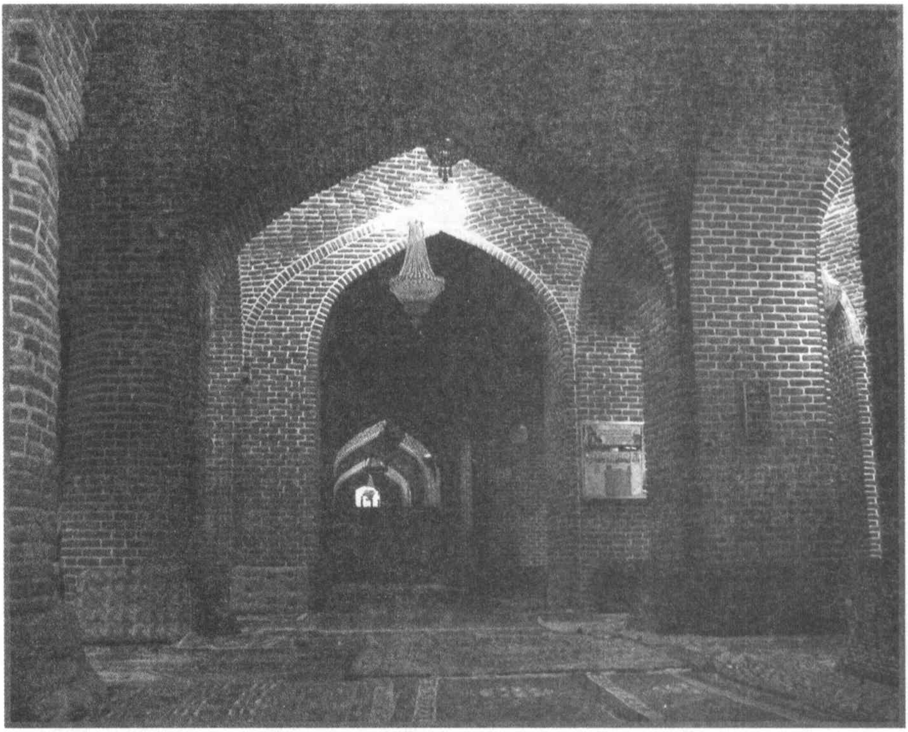
مراغه - گنبد کبود



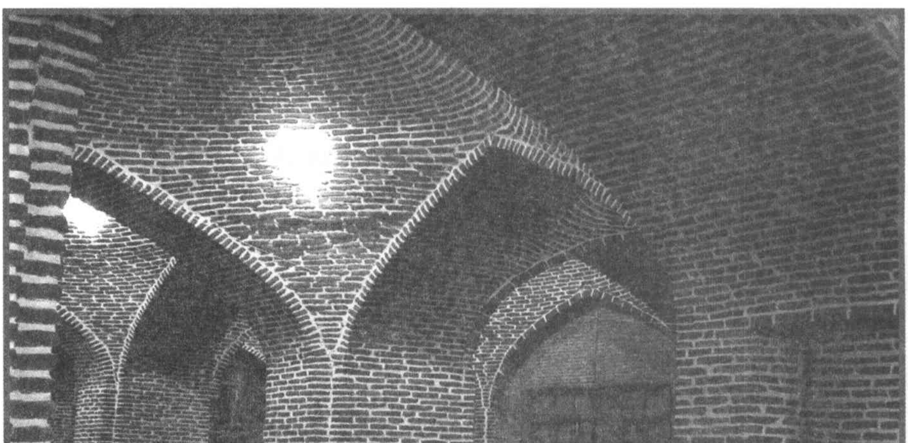
شهرستان سراب - سنگ نبشته اورارتویی رازلیق



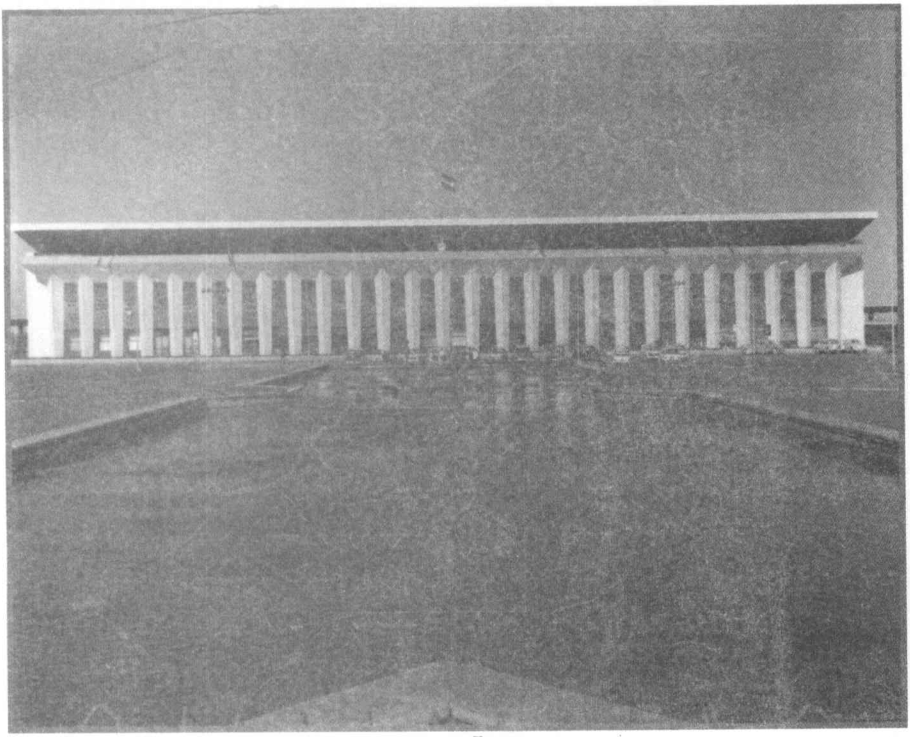
شهرستان عجب شیر - سواحل زیبای دریاچه ارومیه در رحمانلو



سراب - مسجد جامع



شهرستان شبستر - مسجد جامع



راه آهن تبریز



میدان شهرداری تبریز

تاریخ بنای این حمام مربوط به دوره شاه طهماسب است و باتوجه به شیوه ساخت و مقایسه با سایر حمام‌ها می‌توان آن را به دوره صفویه نسبت داد.

از سایر حمام‌های تاریخی آذربایجان شرقی می‌توان حمام‌های زیر را نام برد:

حمام‌های شازده تبریز، حکم‌آباد تبریز، نوبهار تبریز، نوبر تبریز، سرهنگ تبریز، سراب، جلفا، میلان اسکو، حجی موسی مرند، حاج فتح الله بناب، چهارسوق مراغه، چهارسوق آذرشهر.

از این میان حمام نوبر واقع در اول محور پیاده خیابان تربیت در تبریز از دو سال پیش به منظور تبدیل به سفره‌خانه سنتی از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی، در دست مرمت است.

حمام سراب نیز در سال‌های اخیر در دست مرمت بوده و از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان به موزه عشایر تبدیل می‌شود.

نودوز

قلعه نودوز یا نقدوز در کوهستان حومه بخش مرکزی شهرستان اهر و در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر اهر واقع شده استت.

این قلعه بر افراز قله کوهی مرتفع مشرف بر رودخانه اهرچای احداث شده است. ورود به قلعه، فقط از یال شمالی آن امکانپذیر می‌باشد. ارتفاع برج این قلعه، ۱۱ متر است و از سنگ‌های رسوبی به رنگهای آجری و زرد تراشیده شده و نقب زنی به داخل قلعه را، به حداقل ممکن رسانده‌اند.

قسمت بالای دیواره‌ها با خشت و گل ساخته شده که به مرور زمان از بین رفته و چندین متر از ارتفاع آن کاسته گردیده است.

آسیاب خرابه Asyab kharabe: آسیاب خرابه (خرابا دییرمان)، یکی از زیباترین مناطق دیدنی آذربایجان شرقی است که چون قبلاً در این محل یک واحد آسیاب آبی مشغول به کار بوده و فعلاً خراب و ویران شده است، به نام آسیاب خرابه معروف شده است. برای رسیدن به این مکان بسیار دل‌انگیز باید از جاده مرند - جلفا به شهرک علمدار گرگر وارد شد سپس با عبور از یک جاده خاکی در نوار مرزی ایران و شوروی و گذشتن از یک جاده فرعی خاکی در کنار پاسگاه ژاندارمری منجن آباد و طی پنج کیلومتر از این راه فرعی، به دره‌ای با صفا رسید که محل آسیاب خرابه است. از تبریز تا جاده فرعی جلفا به علمدار ۱۰۶ کیلومتر و از علمدار تا آسیاب خرابه ۲۷ کیلومتر راه خاکی است.

آب این چشمه زیبا از کوه کیامکی که یکی از کوههای بسیار بلند میان منطقه دیزمار غربی ارسباران از بخش ورزقان و شهرستان مرند و بخش زنوز است، تأمین می‌شود. در مظهر چشمه، درختان انجیر روییده و آب پس از تبدیل شدن به یک آبشار زیبا، که شاید در ایران کم نظیر باشد، در ته دره با یک رشته جویبار به هم پیوسته، به سوی دره جریان می‌یابد. در ته دره در دست راست، که آبشاران به وجود آمده است تمام سطوح دیواره‌ها پوشیده از خزه و گیاهان آبزی، با منظره‌ای بسیار عالی است و هزاران آبشار. کوچک و بزرگ و صدای یکنواخت ریزش آب با منظره بدیع و هوای خنک، آرامش بخش اعصاب خسته هر مسافر و انسان تازه وارد می‌باشد. در درهٔ آسیاب خرابه در دیوار مقابل دره یک رشته چین‌خوردگیهای بسیار جالب از نظر زمین‌شناسی به چشم می‌خورد و عملیات فرسایش مداوم آب

رودخانه کاملاً در این دره نمایان و آشکار است.
آق گنبد: قلعهٔ تاریخی آق گنبد در جزیره اسلامی (شاهی سابق) واقع شده است. ویرانه و آثار قلعه تاریخی مورد بحث که مورخان اسلامی آن را (قلعه شراة) و بنای نخستین آن را از قرون اولیه اسلامی دانسته‌اند در قریهٔ آق گنبد باقی است، ولی هیچ گونه سنگ نبشته و کتیبه‌ای در آن به چشم نمی‌خورد.
ارس: ارس مهم‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه شمالی آذربایجان شرقی در منطقه جلفا تا اصلاندوز مغان است، که در طول نوار مرزی مشترک ایران و جمهوری آذربایجان جریان دارد. ارس که آن را در زبان رومی و یونانی «آراکس» و به زبان ترکی آذری آراز می‌گویند و در اوستا به نام «دای تیا» نوشته شده، ۱۰۷۲ کیلومتر طول دارد. در بستر رودخانه ارس جمعاً ۸۰۵ جزیرهٔ کوچک و بزرگ، خالی از سکنه وجود دارد که به زبان محلی به آن «شام» می‌گویند.
ارسباران:
منطقه ارسباران به علت اهمیت نظامی و اقتصادی و سیاسی‌اش از دیرباز یکی از کانونهای تاریخی ایران و آذربایجان بوده است. آثار قدیمی و بسیار کهن در تمام گوشه و کنار آن، از سنگ نبشته‌های خط میخی گرفته تا قلاع نظامی، همگی مؤید این نظریه است که ارسباران در گذرگاه تاریخ، همواره مورد نظر کشورگشایان و فرمانروایان بوده است.
موقعیت طبیعی: ارسباران یا قراداغ در حقیقت هندوستان آذربایجان و ایران است. کناره‌های ارس یا شمال ارسباران دارای تابستان‌های گرم و زمستان‌های معتدل است. در جلگه‌ها، در فصل زمستان، هوا سردتر و در تابستان معتدل می‌شود. رویهمرفته، هشت ماه از سال هوا سرد و خنک و چهار ماه بقیه، گرم و عادی است.
آثار تاریخی: ارسباران یکی از گنجینه‌های پرارزش آثار تاریخی آذربایجان است و در شهرها و روستاهای تابعه خود آثار جالب توجه و کهن تاریخی را جای داده است که از آن جمله می‌توان از قلعه بابک (قلعه جمهور) قلعه قهقهه، قلعه جوشین، سنگ نبشته اورارتوها (در روستای سقندل ورزقان)، بقعه شیخ شهاب اهری، و مسجد خروانق نام برد.
سنگ نگاره‌های ارسباران:
هنر صخره‌ای نمونه مشخص یک هنر جهانی است،که بیشترین سابقه را بین هنرهای شناخته شده دیگر داراست. این هنر از جمله مهم‌ترین شاخه های هنرهای تجسمی است.زیرا تنها نخستین جلوه های شناخته شده از حساسیت هنری و زیبا شناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان به نمایش می‌گذارد، بلکه یکی از رایج‌ترین شیوه های بیان فرهنگ انسان است.
آثار بسیار متنوع و فوق العاده جالبی از این هنر در سرتاسر کشور ایران شناسایی شده است اما نمونه‌های بدست آمده از منطقهٔ آذربایجان (خصوصاً حوزه ارس) دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند. زیرا این منطقه از گذشته های دور به عنوان یک چهار راه ارتباطی بین مناطق شمالی،غربی آناتولی)و هم چنین سواحل شرقی دریای مدیترانه (لوانت) و بالاخره جنوبی (دامنه‌های زاگرس)عمل می‌کرده است.به همین دلیل یکی از معدود مناطقی است که می‌تواند اطلاعات بسیار با ارزشی در اختیار پژوهشگرانی که به دنبال شناخت سرچشمه‌های تولید فرهنگ و سیر تحول آن هستند قرار دهد.

این نقوش عمدتاًبه تصاویر حیوانی خاص و انسان در حالت‌های ویژه و هم چنین نقوش نمادین تعلق دارند که در مجموعه‌های کاملاً مجزا یکدیگر به صورت سنگ نگاره در منطقه پراکنده هستند. پراکندگی این مجموعه‌ها، ظاهراً تنها به مناطقی از آذربایجان و ایران محدود نمی‌شود، زیرا نمونه‌های مشابه این سنگ نگاره‌ها با مضمون‌های کاملاً قابل مقایسه با ارسباران در جمهوری‌های ارمنستان، گرجستان آذربایجان شناسایی شده‌اند که خود می‌تواند اطلاعات مطمئنی دربارهٔ وجود یک نوع روابط فرهنگی تنگاتنگ در گذشته را در اختیار بگذارد. فرضیهٔ اصلی در این پژوهش نشأت گرفته از همین مشابهت‌های تعجب‌انگیز و بدون تردید معنی دار است که در مضامین بکار رفته در سرتاسر منطقه مورد اشاره دیده می‌شود.

فرضیه: حضور چشمگیر سنگ نگاره‌های منقور به نقوش انسانی - جانوری - نمادین در سرتاسر منطقه آذربایجان و قفقاز با توجه به مشابهت هایی که دارند، می‌تواند محدودهٔ حوزهٔ فرهنگی مهم در دوران معینی از تاریخ منطقه را ترسیم نماید.

قویون داغی: جزیره قویون داغی (کبودان) یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین جزایر غیرمسکونی دریاچه ارومیه می‌باشد که در فاصله ۱۲ کیلومتری بندر رحمانلو از شهرستان عجب‌شیر، در قسمت جنوب شرقی دریاچه ارومیه و در بخش شرقی دریاچه قرارگرفته است. طول جزیره نه کیلومتر و عرض آن چهار کیلومتر و مساحت کل آن ۳۱۷۵ هکتار بوده از سطح دریای آزاد ۱۵۲۱ متر ارتفاع دارد. بلندترین نقطه آن از سطح جزیره ۳۵۸ متر است در قسمت شمالی آن جزیره آرزو و در قسمت غربی آن جزیره اسپیر قرار دارد.

اشتبین (سابقه تاریخی): اشتبین دارای سابقه تاریخی کهن است وجود گویش تاتی در روستاهای اقمار این آبادی (کرینگان و مردانقم) حاکی از پیشینه درخشان تاریخی آن می‌باشد. اشتبین از اجتماع سه روستا به اسامی هراز (هراس)، سیاوشان و جعفرآباد به وجود آمده است. شاید اطلاق نام اشتبین (اوچ تبین) به این منطقه به همین مناسبت باشد. «اوچ» در ترکی، به معنای «سه» است.

اصلاندوز (سابقه تاریخی): آبادی اصلاندوز از دو نظر تاریخی و اقتصادی حایز اهمیت می‌باشد: اصلاندوز، محل جنگ عباس میرزای قاجار با سپاهیان روس بود. در ضمن جنگهای ده ساله ایران و روسیه (۲۸ - ۱۲۱۸ ه ق)، نمایندگان سپاهیان روس و ایران چند روزی برای فراهم ساختن مقدمات صلحی که سرانجام به نتیجه نرسید (۲۷ تا ۳۰ رمضان ۱۲۲۷ ه‌ق) در این مکان به مذاکره پرداختند.

زبان امروزی مردم آذربایجان: زبان امروزی مردم آذربایجان که به ترکی (تورکی - تورکو)، ترکی آذری (آذری تورکجه‌سی)، ترکی آذربایجان و آذربایجانی و از این قبیل معروف است، به زبانی گفته می‌شود که علاوه بر سرزمینی که از نظر جغرافیایی نام آذربایجان بر خود دارد، در سرزمینهای وسیعی، از نواحی شرقی ترکیه و عراق گرفته، تا کوهپایه‌های خراسان و از سواحل خزر تا سرزمینهای فارس و کرمان به آن تکلم می‌کنند.

گروهی از محققان، زبان پیشین مردم این منطقهٔ بزرگ از ایران را وابسته به زبان باستانی ایران و یکی از لهجه‌های آن می‌دانند ؛ عقیده چنین است که زبان کنونی آذربایجان، از نظر منشاء

و پیوستگی تاریخی، از زبانهای منشعب از شاخهٔ ترکی زبانهای آلتائی است.

زبـان تـرکی آذربـایجانی کـه در گـروه‌بندی امروزی زبانهای ترکی، جزو زبانهای گروه جنوب غربی محسوب مـی‌گردد، در عـین حـال کـه در اساس، از زبان عشیره اوغوز منشعب گشته است در سـیر تـاریخی خـود بـه اقـتضای مـوقعیت جغرافیایی این خـطه، از یک طـرف بـا عـناصر شاخه‌های دیگر زبان قدیم ترکی و در درجهٔ اول با زبان قبچاق، که به وسیلهٔ قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می‌شده، الفت یافته و از طرف دیگر با زبانهای عربی، فـارسی، کـردی در جـنوب و مغرب و با زبانهای ارمنی، گرجی و روسـی در شمال و شمال غربی، مجاورت و آمیزش پـیدا کرده است.

با این که این الفت و آمیزش مـوجب تأثـیر لفظی متقابل این زبانها در همدیگر شده، با این همه زبان ترکی آذری مانـد هر زبان زندهٔ دیگری، سیر تکاملی خود را براساس مشـخصات ذاتـی ویژهٔ خود ادامه داده و ضمن این که زبان ادبی آن در ادوار مختلف به علل تاریخی، تحت تأثیر و جاذبهٔ زبان فارسی بوده و از مجرای زبان فارسی در معرض نفوذ لغات و کلمات عربی، قرار گرفته و از این رهگذر، مقدار نسبتاً زیادی لغات آشنا و ناآشنای عربی و فارسی در زبان ادبـی راه یـافته است، معهذا سیر تکاملی زبان در اساس، بر طبق مشخصات ذاتی آن دوام داشته و علاوه بر میراث ادبـی کـلاسیک، ادبـیات فـولکلوریک غـنی و سرشاری نیز از خود بر جای گذاشته که یکی از شکوفاترین ادبیات فولکلوریک بوده و تأثیر آن در ادبیات اقوام و ملل همجوار مشهود و نمایان است و انتساب مستقیم زبان امـروزی آذربـایجان بـه خانوادهٔ زبانهای ترکی چنان بدیهی و روشن است که اثبات آن به هیچ دلیل و گواهی نـیاز نـدارد. عناصر اصلی زبان آذربایجان را گویشهای برخی قبایل ترک از قرن هفتم میلادی در این سرزمین به وجود آورده‌اند، بر طبق نظر برخی منابع، می‌توان گفت که حتی پیش از میلاد مسیح در آذربایجان، طوایف ترک زبان ساکن بوده‌اند.

سرازیر شدن سیل قبایل ترک در وهلهٔ اول در زمان سلجوقیان تا دومین یورش مغولان ادامـه داشت. موج جدید مهاجرت ترک‌زبانان از زمانی پس از یورش مغولان آغاز شد. در آن زمان به علل سیاسی و اقتصادی، هر روز بـه دایـرهٔ انـتشار و قدرت نفوذ زبان ترکی افزوده گردید. بدین‌گونه، زبان ترکی آذربایجانی، رفته رفـته عـرصه را بـر زبانهای محلی موجود تنگ کرد و زبان حاکم بر روابط و محاوره‌ای همگانی گشت و بدین گونه به صورت زبان واحد مردم آذربایجان درآمد.

در دورانهای مقدم بر ایـن، مـی‌دانـیم کـه در مراحل اول این زبـان، از لحـاظ تـرکیب واژه‌هـا (لوگوسیک) و آواشناسی (فـونتیک) و دسـتور (گرامر) وحدت و ثباتی نیافته بود زیرا اکثریت جمعیت نیز از قبایل ترک‌زبان مختلف ترکیب یافته بودند. در اینجا باید از انبوه عظیم ترک زبانان که در آذربایجان جای گرفتند، بخصوص از سلجوقیان (از قبایل اوغوز= غز) یـاد کـرد. لیکـن بـعد از سلجوقیان، انبوه عظیم دیگر ترکانی که به همراه مغولان سیل وار آمدند، از جغتاییان و ایـغورها بودند. زبان ترکی این قبایل بر تـرکی مـهاجرین پیشین تأثیر گذاشت. چنان که در ترکی امروزی آذربایجانی نیز بقایای لهجه‌های مختلف قـبایل ترک‌زبان قدیم را می‌توان یافت.

«سلطهٔ مغولان بیش از ترکان، درخود مغولان مؤثر

افتاد و خود آنها را دگرگون ساخت چنان که زبان رسمی دولتی رفته رفته از مغولی به ترکی تبدیل شد »

رابطهٔ اقوام ترک‌زبان تا دیرزمانی از هم نگسیخت، چنان که در ادبیات آسیای میانه، «فضولی» چهره‌ای بس آشنا بود. هم بدین گونه در قرن نهم هجری در دوران شاعر شیرین زبان «علیشیر نوایی» و حتی تا روزگارانی بعد، همه ترکان، سخن شیرین «نوایی» را به گوش جان می‌شنیدند و هم در آن زمان بود که عده‌ای از شاعران آذربایجانی قصد هرات کردند و پس از بازگشت، برخی از خصوصیات زبان علیشیر را سوغات آوردند. بی‌گمان فضولی را با میراث ادبی نوایی از نزدیک آشناییها بوده است.

وحدت الفبا در مقابل عوامل جذب کننده هر سه ترکی (ترکی آسیای میانه، ترکی مناطق اورال ولگا و ترکی آذربایجان آناطولی) را به هم اتصال می‌داد و داد و ستد فرهنگی اقوام ترک را آسان‌تر می‌ساخت.

کلمهٔ ترک از کلمهٔ «توره‌مک» یعنی تولید مثل مشتق شده و به معنی قوت نیز آمده است. در تاریخ اولین دولت به نام «ترک» در قرن ششم میلادی (۵۵۲) در سرزمین مغولستان کنونی از طرف گوک‌تورک، تشکیل شد و بعد از آن این نام به ملت تعلق گرفت. این دولت در قرن هشتم میلادی به دست ایغورها منقرض شد و اویغورها جای آنها را گرفتند.

ترکی آذری که در حال حاضر در آذربایجان و بسیاری از مناطق ایران و شرق آسیای صغیر زبان تکلم مردم را تشکیل می‌دهد، یکی از لهجه‌های ترکی غربی است و بیش از هفتصد سال است که در آذربایجان رایج و زبان مردم است.

در بررسی تاریخچهٔ ترکی آذری، لازم است این زبان از دو نقطه نظر مورد مطالعه قرار گیرد: نخست از نظر ظهور و اشاعه زبان ترکی که با تاریخ مهاجرت اقوام ترک زبان به این مناطق بستگی دارد، دوم، از نظر زبان‌شناسی و تحول و تکامل خود زبان در طول تاریخ.

مهاجرت اقوام ترک زبان به ایران از زمان ساسانیان شروع شده است. در یادداشتهای انوشیروان که بیش از چهل سال پیش، ترجمهٔ فارسی آن در تهران انتشار یافت، سخن از مهاجرت اقوام ترک به آذربایجان و قفقاز به میان آمده، حتی به وفاداری اقوام ترک زبان که قبلاً با اجازهٔ پادشاه ایران در این سرزمینها توطن نموده‌اند، اشارت شده است.

پروفسور بارتولد، شرق شناس بزرگ شوروی سابق در کتاب تاریخ ترکان آسیای مرکزی می‌نویسد که در جریان مهاجرت ترکان به ایران، دو پدیدهٔ متضاد نظر وی را جلب نموده است: یکی اشاعهٔ زبان فارسی دری در بین خواص، مخصوصاً در میان ادبا و شعرا، دیگری توسعه و تسری زبان ترکی در بین عوام و مردم روستاها ؛ به طوری که اگر در دهکده‌ای، اقوام ترک با سایر اقوام همسایه می‌شدند، بعد از مدتی، زبان آن دهکده ترکی می‌گردید.

قبل از رواج و شیوع ترکی، مردم آذربایجان به لهجه‌های مختلف آریایی سخن می‌گفتند. و اقوام تازه وارد به آنها «تات» می‌گفتند. زبان تاتی از بقایای زبان قدیم آذربایجان است و هنوز هم در اطراف خلخال (روستاهای اشکستان، آسبو، درو، کلور، شال، دیزکرین لیرد، طهارم، گیلوان، گهل، و گندم آباد) رایج است. به علاوه گویش کرینگان از روستاهای دیزمارخاوری در بخش ورزقان

شهرستان اهر، گویش کلاسور و خوینه رود از روستاهای شهرستان کلیبر، گویش گلین قیه از اردبیل، کرنق در دهستان خورش رستم، و کلاسر و هزاررود و جمال آباد گویش تاتی اطراف رامند جنوب غربی قزوین، گویش تاکستان و اسفرورین و چال و خیارج، گویشهای طالش در اللهبخش محله و شاندرمن در جنوب تا طالش و جمهوری آذربایجان و در شمال باکو در دهکده قوناخ کندی رایج است.

کسروی ضمن تحقیق و بررسی در این مورد آن را زبان آذری نامیده است اما از نظر زبان‌شناسی، ترکی آذری یکی از دو شاخهٔ زبان ترکی غربی است. ترکی غربی که دنبالهٔ اُوغوزها است. شامل دو لهجهٔ آذری - عثمانی و ترکی شمالی - شرقی، که لهجه‌های قبچاقی و جغتایی یا اوزبکی را تشکیل می‌دهد متفاوت است، لهجهٔ ترکمنی نیز جزو اغوز محسوب می‌شود. از قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی، به علت مهاجرت ترکان به سوی غرب و قبول اسلام و تأثیر فرهنگ سرزمینهای جدید، دو نوع زبان کتابت ترکی پیدا شد: یکی ترکی شمالی و شرقی و دیگری ترکی غربی. ترکی شمالی - شرقی، ادامهٔ ترکی قدیم یا ترکی خاقانی بود و بعد از یک قرن تکامل به دو لهجهٔ شمالی و قبچاقی و لهجه شرقی یا جغتایی تبدیل گشت.

ترکی غربی در نیمهٔ دوم قرن ۱۲ و نیمه اول قرن ۱۳ میلادی شکل گرفت و از آن به بعد، تا کنون، متون زیادی در دست است که از زمان سلاجقه شروع شده و تا امروز ادامه یافته و ترکی اوغوز هم گفته می‌شود و زبان ترکانی است که بین بحر خزر تا ممالک بالکان سکونت دارند و ترکی جنوبی هم گاهی گفته می‌شود که به دو لهجه آذری و عثمانی تقسیم شده است.

اختلاف لهجه‌های آذری و عثمانی در شیوه گویشها و زبان محاوره‌ای بیش از زبان کتابت است و بیشتر اختلاف در تلفظ کلمات و بعضی لغات است. زبان کتابت آذری بیشتر به لهجه‌های باکو و قره باغ و تبریز متکی است. از نظر آثار فولکلوریک و مردمی (داستانها و تصنیفهای همراه موسیقی ساز عاشقی)، ترکی آذری غنی‌تر از سایر لهجه‌ها است ولی از لحاظ آثار ادبی کلاسیک، به علت کاربرد زبان فارسی، مخصوصاً در آذربایجان ایران، همپای آثار منظوم دیگر لهجه‌ها نیست.

در ترکی آذری، کلماتی از ترکی قبچاق و جغتایی و همچنین عربی، مغولی، فارسی و بعضاً روسی وارد شده است در صورتی که در ترکی عثمانی، بیشتر کلمات خارجی (عربی، یونانی، ایتالیایی، و فرانسوی) دیده می‌شود. از قدیم‌ترین آثار منظوم در ترکی آذری، اشعار قطران تبریزی است.

یکی از قدیمی‌ترین آثار مکتوب ترکی آذری کتاب دده قوقود می‌باشد. متن این کتاب از دوازده داستان منثور و منظوم تشکیل شده و حماسه مردان و زنان ایلات اغوز می‌باشد. زبان این کتاب به لهجه آذری نزدیک‌تر از سایر لهجه‌های ترکی است ولی با لهجه امروزی کمی متفاوت است. این کتاب، یکی از آثار کلاسیک جهانی است و به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

قدیمی‌ترین شعرای آذری گوی، بعد از قطران تبریزی، حسن اوغلو یا حسن پوراسفراینی است؛ وی در قرن ۱۳ میلادی می‌زیسته و به فارسی و ترکی شعر می‌سروده و دولتشاه سمرقندی در کتاب تذکرةالشعراء او را شاعری عارف و موحد تعریف کرده است.

در قرن ۱۴، برجسته‌ترین شاعر آذری گوی، عمادالدین نسیمی است، او شاگرد فضل الله نعیمی تبریزی، مؤسس طریقت حروفیه است، نسیمی به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌گفت و او را می‌توان مؤسس شکل ادبی لهجه آذری نامید. در سال ۱۴۰۷ میلادی (۸۲۶ هـ ق)در شهر حلب (سوریه) به دستور مفتی شهر، پوست بدنش را کندند و به طرز فجیعی او را کشتند.

در قرن ۱۶ میلادی (۱۰ ه. ق)، شاه اسماعیل ملقب به خطایی، مهم‌ترین و باارزش‌ترین سیمای شعر آذری است. دیوان خطایی شاه اسماعیل، به ترکی سادهٔ آذری نوشته شده است. خطایی مؤسس لیریسم تشیع به شمار می‌رود ؛ غیر از غزلیات عاشقانه، دهنامهٔ او که به طرز مثنوی گفته شده در شعر ترکی آذری بی سابقه است.

فضولی بغدادی بعد از شاه اسماعیل، بزرگ‌ترین استاد شعر آذری و حتی سایر لهجه‌های ترکی است. او به سه زبان فارسی، ترکی و عربی شعر می‌گفته است. فضولی، استاد غنایی و تغزّل است و به علاوه مثنویات و آثار استعاره‌ای و نثر بدیع آذری توسط او هم نوشته شده است. در زمان شاه اسماعیل، شعرای مردمی و عاشیقها (شعرای سازنواز دوره‌گرد) از طرف دربار تشویق می‌شدند، خود شاه اسماعیل هم قوشماهایی، به طرز عاشیقها، سروده است.

در قرن یازدهم (۱۱ ه ق) با ظهور شاه عباس و انتقال پایتخت از تبریز و قزوین به اصفهان، زبان و اشعار کلاسیک ترکی آذری از رونق افتاد اما داستانهای مردمی و عشقی مانند: اصلی و کرم، کوراوغلی، عاشیق غریب و ادبیات شفاهی (سازلی شاعر ادبیاتی) به پیشرفت خود در میان مردم ادامه داد. از شعرای این دوره می‌توان قوسی تبریزی، صائب تبریزی، نشاط شیروانی، آقا مسیح شیروانی و مشتاق را نام برد.

در قرن ۱۹ (۱۲ ه ق)، آذربایجان شمالی و قفقاز از مام وطن جدا و ضمیمهٔ روسیه شد. در این قرن افکار مترقی و آزادیخواهی که بعد از انقلاب کبیر فرانسه در اروپا پیدا شده بود، به آذربایجان شمالی رسوخ کرد و در ادبیات هم ظاهر شد.

در قرن ۱۸ میلادی (۱۲۴۳ ه ق)، در ادبیات، احساسات ملی ظهور نمود و نمونهٔ بارز آن آثار واقف و ودادی است. ملاپناه واقف، شاعر رآلیست در قره باغ به مقام حکومتی (نخست وزیری) هم رسید. اشعار او شکلی قدیمی و محتوایی مردمی داشت.

مهم‌ترین شخصیتهای ادبی این قرن، عباسقلی آقاباکی خانلی، قاسم بیک ذاکر، میرزاشفیع و میرزافتحعلی آخوندزاده هستند. میرزافتحعلی آخوندزاده (۱۸۷۸ - ۱۸۱۲ م) فیلسوف و مصلح بزرگ است که نثر ترکی آذری را پیشرفت داد. اولین نمایشنامه به سبک اروپایی را او به ترکی نوشته و نمایشنامه‌هایش به فارسی، روسی و زبانهای اروپایی ترجمه شده است.

زبان و ادبیات ترکی آذری در قرن بیستم: در ابتدای قرن بیستم روزنامه‌های فیوضات، ارشاد، حیات، و مجلهٔ ملانصرالدین انتشار یافت. ملانصرالدین به وسیلهٔ جلیل محمدقلی زاده با همکاری صابر شیروانی در تفلیس منتشر می‌شد و در تمام خاورمیانه خواننده داشت. میرزا علی اکبر صابر مؤلف هوپ هوپ نامه، بزرگ‌ترین شاعر هجونویس آذربایجان به شمار می‌رود (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲). دیگر از شعرای هجونویس، لعلی و میرزاعلی معجز رابابد نام برد که بهترین نمونهٔ مکتب صابر هستند.

شعر و ادب در آذربایجان ایران، بعد از روی کار آمدن خاندان پهلوی به علت خفقان و ممنوعیت زبان و فرهنگ ترکی، توسعه و تعمیم نیافت. شعرای آذربایجان عموماً به فارسی شعر سروده و آثار خود را به فارسی می‌نوشتند. در این دوران، تئاتر آذری که درخشان‌ترین و قدیمی‌ترین تئاتر خاورمیانه است، تعطیل گردید.

یکی از مهمترین شعرای معاصر ترکی آذری، استاد شهریار است. مقام شعر فارسی شهریار بر همه ایرانیان روشن است و نیازی به تعریف ندارد و با یک کلام، می‌توان او را حافظ عصر خود دانست. اما در شعر آذری، شهریار آثار جاودانه‌ای دارد. حیدربابا‌سلام در نوع خود بی نظیر است و تا به حال چندین بار به زبانهای روسی، فرانسه و ترکی استانبولی ترجمه و چندین بار در آذربایجان به چاپ رسیده است.

سهند مراغه‌ای (بهروز قره‌چورلو)، ساحر، کریمی مراغه‌ای و خانم مدینه کلگون از معروف‌ترین شعرای آذری گوی هستند. فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی - استاد بهروز خاماچی

فرهنگ عامه: مردم آذربایجان مردمی اصیل هستند. آنها در دوستی ثابت قدم، در برابر مشکلات شجاع و مقاوم و به غیرت و همیّت شهره‌اند. از جمله خصلت‌های این مردم مهمان‌نوازی، سلحشوری، آزادمنشی، راستگویی، مرزداری و پای‌بندی به اعتقادات مذهبی است.

یکتاپرستی و ایمان به پروردگار در اعماق دل و روح مردم این سامان ریشه دارد و احساسات وطن‌دوستی آنان در تمام ادوار تاریخ ضرب‌المثل بوده است.

قیام‌های مکرر اهالی تبریز در هنگام جنگ‌های عثمانی و دولت استبدادی روسیه تزاری سرشار از فداکاری‌ها و جانبازی‌های شگفت‌انگیزی است که در تاریخ جاودان خواهد ماند.

«حسینقلی کاتبی» در کتاب «آذربایجان و وحدت ملی» می‌نویسد: «طرز معاشرت، برخورد اجتماعی، تعارفات، طرز برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی مثل مراسم نوروز و چهارشنبه‌سوری و سیزده‌به‌در، عید غدیر غم، میلاد مولی علی (ع) رسوم مهمانی و عروسی، تعزیه و عزاداری و غیره در تمامی سرزمین ایران یکسان اجرا می‌شود. از دیگر ویژگی‌های ایرانی در اخلاق ملی مثل مهمان‌نوازی، ادب و احترام و خوش سلوکی و حسن معاشرت در میان عموم ایرانیان از خراسانی و آذربایجانی و کرمانی و کرد و بلوچ یکسان است».

آیین‌ها و جشن‌های ملی: شب چلّه: شب چله طولانی‌ترین شب سال محسوب و می‌شود و مراسم آن اغلب نوعی شب‌نشینی فامیلی و دوستانه است. در این شب‌نشینی انواع خوراکی‌های زمستانی یعنی خشکبار و شیرینی خورده می‌شود. خوردن میوه‌های بهاره و تابستانی که به ترفندهای مختلف تا اولین شب زمستان نگه‌داری شده‌اند، به نوعی اصرار بر وجود بهار و تابستان گرم و پربرکت است. پختن برنج سفید نیز در شب چله بزرگ یا یلدا نوعی جادوی سفید برای سفیدروزی و نیک‌بختی در زمستان سیاه و سرد به شمار می‌رود.

بیشترین مراسم زمستانی به چله کوچک مربوط می‌شود که سخت‌ترین و سردترین روزهای زمستان را در بر می‌گیرد. در بیشتر

روستاها و گاه مناطق شهری آذربایجان شرقی، آیین‌های مشترکی در این خصوص وجود دارد. بر افروختن آتش بر پشت بام‌ها و گاه تیراندازی یا سر و صدا کردن معمول‌ترین و رایج‌ترین آداب مربوط به چله کوچک است. گمان بر این است که با افروختن آتش و سر و صدا، پیرزن سرما یا «قاری ننه» ترسیده و فرار می‌کند.

چهارشنبه سوری: چهار آتش‌افروزی در چهار چهارشنبه به عدد رمزی چهار اشاره دارد. فیثاغورس عدد چهار را اصل و ریشه طبیعت جاودان می‌داند. چهار جهت اصلی، چهار طبع انسانی، چهار عنصر حیات نشان از وجهی مهم و مثبت دارند که اگر چه به تدریج شکل گرفته، اما امر واحدی است.

بنابراین عدد چهار در این آیین، حکایت از چهار وجه طبیعت دارد که به تدریج عنصری واحد یعنی طبیعت، سال، مکان یا هر پدیده چهاروجهی را می‌سازند. به این ترتیب که اولین چهارشنبه منسوب به باد است و در آن نیز باد می‌آید. دومین خاک، سومین، آتش و سرانجام آب که در این زمان از یخ بستن خاک کاسته می‌شود و زمین نفس می‌کشد. صبح آخرین چهارشنبه‌سوری مردم بر سر آب رفته و از روی آن می‌پرند و می‌خوانند:

آتیل ماتیل چرشنبه
بختیم آچیل چرشنبه
(عاطل و باطل شود چهارشنبه)
(بختم باز شود چهارشنبه)

اگر آب را نماد باروری بدانیم، آخرین چهارشنبه اسفند با باروری طبیعت همراه است. در روستاها معتقدند که چهارشنبه آخر سال، «چرشنبه خاتون» است. به همین دلیل زنان بالای اجاق خوراک‌پزی با آرد شکل زنی زیبا را می‌کشند و زیر آن یک آینه و شانه می‌گذارند تا وقتی چهارشنبه خاتون آمد سرش را شانه بزند. چهارشنبه خاتون تأکیدی بر باور شدن زمین در آخرین روزهای اسفند است. در میان مردم آذربایجان شرقی، هر یک از چهارشنبه‌ها نامی دارند.

مفصل‌ترین مراسم متعلق به آخرین چهارشنبه‌سوری است که در آن شب حتماً برنج سفید پخته و به همراه آجیل و شیرینی بر سفره می‌گذارند. پسران جوان یا نوجوان شالی برداشته و از سوراخ بالای بام خانه که عمدتاً برای تعویض هوا و خارج شدن دود تنور تعبیه شده، شال خود را پایین می‌اندازد. صاحبخانه نیز به فراخور حال خود، مقداری آجیل، شیرینی یا تخم‌مرغ در گوشه شال می‌بندد تا پسر آن را بالا بکشد. چنانچه پسر، خواهان دختر خانواده باشد، شال را بالا نمی‌کشد. چنانچه خانواده دختر راضی باشد، نشانه‌ای از دختر را به شال می‌بندند.

رسم شال اندازی در بیشتر نقاط آذربایجان رایج بود و هنوز هم در بعضی از روستاها انجام می‌شود.

صبح آخرین چهارشنبه زنان بر سر رود یا چشمه رفته کوزه‌ها را پر از آب می‌کنند. آنها خود زودتر از همه از روی آب می‌پرند، گاه دام‌ها را برای گذشتن از آب به سرچشمه یا رود می‌برند. از آبی که از آنجا آورده شده، برای خمیر کردن، روشن کردن سماور و یا پختن غذا استفاده می‌شود.

از جمله مراسم دیگری که در این روز معمول است، فرستادن خوانچه‌ای از میوه و شیرینی برای عروس خانواده است. در شب چله نیز خوانچه‌ای نظیر همین فرستاده می‌شود.

خوردن هفت دانه روغنی، شیرینی یا غله نیز از مراسم رایج مربوط به چهارشنبه‌سوری در آذربایجان شرقی است. درست کردن هفت نوع خوراکی شیرین (هفت لون) در این روز معمول است. در بعضی نقاط، شیرینی، گلابی، گردو، بادام، پسته، میوه، سیب، پرتقال و نخود و کشمش ترکیب هفت لون را تشکیل می‌دهند.

دو رسم جالب در آخرین چهارشنبه سال در آذربایجان شرقی دیده شده که حاوی نکات رمزی و نمادین بسیار است. در روستای قوریجان، زنان داخل پوست گردو، شمع روشنی می‌گذارند و آن را روی آب به صورت شناور رها می‌کنند. در همان حال پسرانی که نیت کرده‌اند، صبح زود در آب شنا می‌کنند. صبح زود در دو نقطه مقابل یکدیگر با فاصله‌ای نه چندان زیاد از یکدیگر، آتش بزرگی بر می‌افزودند و دام هایشان را از میان دو آتش عبور می‌دهند. پس از آن از آبی که از نهر آورده‌اند به حیوان‌ها می‌دهند.

جشن‌های نوروزی: بیشترین نوروزخوانی‌ها به «سایاچی‌ها» اختصاص داشت. آنها در گشت و گذار خود از روستایی به روستایی دیگر و از شهری به شهری مژده آمدن بهار را می‌دادند.

تدارک رسیدن نوروز از اوایل اسفند با خانه تکانی آغاز می‌شود. تمیز کردن و شستن تمام وسایل و سفیدکردن خانه‌ها، نشان از تغییر اساسی دارد، تغییری که مردم بدان باور دارند.

گذشته از خانه تکانی می‌توان به سمنوپزی، سفره هفت‌سین، آب چهل یاسین، دید و بازدید و سیزده‌بدر اشاره کرد. در تمام این الگوها دو نماد سبزه و آب حضور دارند که با نشانه‌های دیگر، به ویژه نشانه‌های مذهبی تکمیل می‌گردند.

سمنو غذایی مقدس است و وقت پختن آن زنان بدون وضو حضور نمی‌یابند. پس از پختن، سمنو را یک شب می‌گذارند بماند تا حضرت فاطمه (س) نقش پنجه خود را بر آن اندازد و سمنو را متبرک کند.

در بیشتر مناطق به ویژه در گذشته، در سفره نوروز خوراکی هایی چون ماست دست‌نزده، برنج سفید پخته (وگاه خام)، گوشت و اساساً غذاهایی می‌گذارند که نشانی از برکت و محصول خوب باشد. در کنار این غذاها، نمادهایی مانند آیینه، تخم مرغ، سمنو، سبزه، شیرینی، آب چهل یاسین می‌گذارند که نشانی از برکت و محصول خوب باشد.

در بعضی از مناطق آذربایجان شرقی، مردم کاسه یاکوزه‌ای آب را برداشته و نزد روحانی محل می‌برند. این روحانی بر آن آب، چهل بار سوره یاسین می‌خواند و بر آن فوت می‌کند. سپس این آب متبرک را برگوشه و کنار خانه، به ویژه بر دام‌ها و محصولات می‌ریزند و به کودکان می‌دهند. این آب علاوه بر آن که برکت و باروری را زیاد می‌کند و شفابخش است، از ازدیاد جانوران اهریمنی مانند مار و عقرب نیز جلوگیری می‌کند.گاه در این آب زعفران می‌ریزند و در این صورت هر یک از افراد خانواده لیوانی از آن را می‌خورند.

از بیست روز مانده به عید، غلاتی مانند گندم، جو یا بعضی از حبوبات را سبز می‌کنند و بر سر سفره غله سبز شده را قرار می‌دهند.

بعد از تحویل سال، کوچک ترها به دیدن بزرگ‌ترها می‌روند، عید مبارکی می‌کنند و عیدی می‌گیرند. دید و بازدیدها تا روز سیزدهم به طول می‌انجامد. در این روز همه به صحرا می‌روند و به جشن و شادی می‌پردازند. در این روز همه سبزه‌ها به آب انداخته می‌شود. دخترها نیز درکنار

سبزه‌ها با آرزوی ازدواج، سبزه گره می‌زنند.

در آیین‌های نوروزی در گذشتگان نیز جای خود را دارند ؛ مردم پس از تحویل سال، نخست به گورستان می‌روند و سپس به دیدن کسانی می‌روند که عزیزی را به تازگی از دست داده و عزا دارند.

چند روز پس از عید خوانچه‌های عیدیانه آماده می‌شود. در هر خوانچه پارچه، کفش و جوراب، شیرینی، برنج خام و ... قرار دارد. این خوانچه‌ها، برای دختر خانواده که به تازگی به خانه شوهر رفته و نیز برای عروس که هنوز به خانه شوهرش نیامده، فرستاده می‌شود. همچنین مرسوم است که کودکان صبح روز عید، کیسه کوچکی در دست بگیرند و به بازدید خانه‌های اقوام و آشنایان بروند. صاحبخانه‌ها نیز چیزهایی از قبیل تخم‌مرغ رنگ کرده، گردو، شیرینی و گاه مقداری پول و جوراب به آنها می‌دهند. در روستاها معمولاً کودکان به در خانه تمام اهالی می‌روند و عیدی می‌گیرند.

آیین‌های مذهبی

مراسم دهه محرم و سوگواری: - تشکیل دسته جات شاخسی واخسی (شاه حسین، وای حسین)
- تشکیل دسته جات سینه‌زنی و زنجیرزنی و نوحه‌خوانی در مساجد و تکایا
- قمه‌زنی صبح روز عاشورا (امروزه ممنوع است)
- شبیه‌خوانی یا تعزیه، شمع‌سوزی در مساجد در بعد از ظهر روز تاسوعا
- طشت‌گذاری جهت سیراب کردن عزاداران با انواع شربت‌ها و اطعام
- گِل‌مالی بر سر و روی خود در روز عاشورا
- جوش زدن علم یعنی لنگرهایی که علم موقع حرکت به سوی کسی پیدا می‌کند برای ادای نذورات مردم عزادار
- قفل‌زنی یعنی آویختن قفل از پوست بدن
- ذغال مالی بر صورت به منظور نشان دادن پریشان حالی
- تزیین اسبی به نشانه اسب امام حسین (ع)
- ادای نذر و سیاه پوشیدن در طول ماه محرم
- مراسم روز سوم و چهلم (اربعین حسینی) عاشورا
- مراسم شب‌های قدر و احیاء، شب نوزدهم ضربت خوردن حضرت علی (ع) و ۲۱ رمضان هنگام شهادت آن حضرت

و نیز ۲۸ صفر مراسم سالروز رحلت حضرت محمد (ص)

جشن‌های مذهبی: - جشن میلاد حضرت محمد (ص)، حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) و ادای سفره‌های نذری
- جشن نیمه شعبان روز میلاد امام زمان (عج)
- مراسم ماه مبارک رمضان و آداب گرفتن روزه
- مراسم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان و عید فطر
- نماز جماعت عید فطر
- مراسم عید قربان، و ترتیب تقسیم گوشت قربانی
- مراسم عید غدیر خم روز تعیین حضرت علی (ع) به ولایت و جانشینی پیامبر (ص)
- مراسم عید سعید مبعث پیامبر بزرگ اسلام.

موسیقی

بایاتی: شاخه‌ی دوم فولکلور اختصاصی آذربایجان اشعار عامیانه است به شکل دو بیتی (رباعی) که آن‌ها را «بایاتی» می‌خوانند این بایاتی‌ها که سراینده‌ی اصلی آن‌ها هرگز معلوم

نخواهد شد از درون اجتماع و از میان مردم جوشیده و متبلور گشته و سینه به سینه نقل می‌گردد. بایاتی‌ها اشعار ۷ هجائی هستند (نه بیشتر و نه‌کمتر) بایاتی‌ها همه‌ی شئونات زندگی و زمینه‌های اجتماعی را شامل می‌شوند. موضوعی نیست که نتوان چند بایاتی درباره‌ی آن پیدا کرد. شما در آذربایجان خصوصاً روستاها ممکن نیست روزانه چندین بایاتی را از زبان این و آن نشنوید که به جای ضرب المثل یا برای سخن درون و تأثیر هر چه بیشتر آندر شنونده و در هر موردی به مناسبت حال به زبان مردم جاری می‌شود.

گاهی در میان ترانه‌های عاشیقی نیز بایاتی‌ها با آهنگ مخصوص خود موسوم به «قره باغی» یا «شکسته» خوانده می‌شود استفاده وسیع بایاتی‌ها در مراسم و مجالس عزاداری است این گونه بایاتی‌ها که حاوی کلمات و عبارات سوزناکی حاکی از تأثر و تحسر و تذکار محسنات متوفی است «اوخشاما» یا «آغی» خوانده می‌شوند که توسط زنان نزدیک متوفی در مجلس ختم یا بر سر قبر یا آهنگ حزین مخصوص خودش خوانده می‌شود که دل شنونده اگر سنگ هم باشد آن را به آتش می‌کشد و چشمی نتوان یافت که از شنیدن این مویه‌ی دردناک به اشک و خون ننشیند.

بایاتی‌ها: حاوی معانی فلسفی و اجتماعی عمیقی هستند و از نظر فصاحت و روانی از زیبائی خاصی برخوردارند که سرشار از احساس انسان دوستانه و عواطف انسانی می‌باشند.

بایاتی‌ها منبع لایزالی برای آفرینش هنرهای دیگر می‌باشند شعرا و نویسندگان مردمی در هر زمان استفاده‌های شایانی از این سرچشمه‌ی بی پایان به عمل آورده‌اند.

بسیاری از ترانه‌های مردمی براساس این بایاتی‌ها به وجود آمده‌اند شعرا و عاشیق‌هائی بوده‌اند که آثار خودشان را در قالب بایاتی سروده‌اند یکی از این عاشیق‌ها که آثار زیبائی از خود بر جای گذاشته است «ساری عاشیق» می‌باشد که بایاتی‌های سوزناکی در رثاء معشوقه‌ی خود به نام «یاخشی» به یادگار گذاشته است.

عاشیق‌ها: در آذربایجان، موسیقی جزیی از فرهنگ زنده مردم محسوب می‌شود. در این میان موسیقی مردمی شناخته شده «عاشیق لر» (عاشق‌ها) که با سرشت بومی مردم آذربایجان آمیخته است، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پیشینه این موسیقی کم و بیش روشن است و امروزه نیز در برگزاری مراسم و آیین‌های سنتی نقشی فراموش ناشدنی دارد.

در گذشته، تا زمانی که به دوره اشکانیان باز می‌گردد، گروه هایی بودند که تاریخ فراز و نشیب‌های اجتماعی را در قالب سرودها و داستان‌ها در بزم‌ها و گردهمایی‌ها برای مردم باز می‌خواندند. این افراد «گوسان‌ها» و «خنیاگران» نامیده می‌شدند.

عاشق‌های با تجربه و توانای آذربایجان نیز چنین می‌کنند. آنان به هنگام خواندن ترانه‌های بومی با چیره‌دستی به نواختن ساز می‌پردازند و شورانگیزترین گونه‌های «هاوا» را برگزار می‌کنند و به بیان منظوم حماسه‌های پرشور و داستان‌های بومی می‌پردازند.

عاشق‌ها هنرمندانی هستند که از میان مردم برخاسته‌اند و با هنر اصیل و نوای دلنشین ساز خود همراه با ترانه‌های دلپذیر و متناسب با شرایط مراسم، در مجالس عروسی و قهوه‌خانه‌ها به ترنم در می‌آیند.

عاشق‌های معاصر آذربایجان مالک گنجینه

عظیم هنر و ادبیات تاریخی نیاکان خویشند. آنها سروده‌های استادانه و زیبای خود را با احساسی ناب و انسانی و حفظ امانت هنر عاشقی در میان مردم رواج می‌دهند.

در آذربایجان کمتر دهکده‌ای را می‌توان یافت که جشن‌ها و عروسی هایشان بدون عاشق برگزار شود. حتی در مناطقی که عاشق نیست، فرسنگ‌ها راه پیموده می‌شود تا عاشقی به جشن دعوت شود و مجلس را با سخنان حکمت‌آموز، ترانـه‌ها و منظومه‌های دلنشین خود گرمی و شور بخشد.

عاشق «ساز» می‌نوازد. ساز آلتی است شبیه تار، مرکب از نه سیم که بـر سینه مـی‌نهند و می‌نوازند. نام قدیمی ساز «قوپوز»، چیزی شبیه کمانچه‌های کنونی، بود. اغلب یک یا دو بالابانچی (نوازنده بالابان) و قاوالچی (دایره زن) عاشق را همراهی می‌کند. گاهی نیز چند دسته عاشق یک جا ظاهر می‌شوند و هنرنمایی می‌کنند.

عاشق هنرمند مردم است و باید در چندین هنر مهارت و استادی داشته باشد. او هم شاعر است، هم آهنگ‌ساز،

هم خواننده، هم نوازنده، هم هنرپیشه و هم داستان گو. به عبارت دیگر عاشق در تمامی این عرصه‌ها خلاق است و هنرمندی است که این همه را، با انگشتان ماهر و صدای دل نوازش، اجرا میکند.

در روزگاران گذشته، به این هنرمندان علاوه بر اوزان و عاشیق، وارساق و یانشاق هم می‌گفتند و به هنرمندترین و شایسته ترینشان «دده» اطلاق می‌شد. از این میان می‌توان به دده‌یادیاد (قرن ۱۰ ه. ق)، توراب دده (قرن ۱۲ ه. ق)، دده قاسم (قرن ۱۳ ه. ق) و کرم دده و مشهورتر از همه دده قورقود اسطوره‌ای اشاره کرد.

نمونه ورزشهای محلی استان آذربایجان شرقی

۱ـ بوزتپدی ۲ـ جوزمره ۳ـ انزلی ۴ـ گز دلین پاچ ۵ـ چلنگ آغاج ۶ـ نجات ۷ـ اپاق خانه ۸ـ تیپک دوشی ۹ـ کشتی محلی ۱۰ـ حاجی آذی قلخان ۱۱ـ قیش قاپدی ۱۲ـ توپ عربی ۱۳ـ آی نه نه قوردی قوردی ۱۴ـ جفت‌المـنده ۱۵ـ یـولداش سنی کیم آپاردی ۱۶ـ قیش قویدی ۱۷ـ قـولاخ بورما ۱۸ـ توپ آغاج ۱۹ـ اهلکی ملا ۲۰ـ آتدی تودی ۲۱ـ ناناقجی ۲۲ـ ازلی لجه ۲۳ـ تیان ۲۴ـ چلیک دسته ۲۵ـ بوجاق تدی ۲۶ـ یالاخ قابی ۲۷ـ هـــفت‌سنگ ۲۸ـ اســـتوپ ۲۹ـ بـــیرقوشم وارشوخرتنه ـ قلندرآی ۳۰ـ جنگ خروس ۳۱ـ خیم‌خیم ۳۲ـ گیز دلیم پاچ ۳۳ـ شترسواری ۳۴ـ ال داش قویدی ۳۵ـ ای قراقوش

مردم‌شناسی و قوم‌شناسی

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری آذربایجان شـــرقی: مـــرد: (۱۱۲۱۶۴۰ شـهری، ۵۵۶۳۷۹ روستائی)، زن: (۱۰۸۲۹۱۱ شـهری، ۵۲۸۶۹۱ روستائی).

● **تعداد خـــانوار ایـل‌ها و طـایفه‌های مســتقل استان آذربایجان شرقی.**

ـ جمع (۲۰۸۱۲).

۱ـ ایل ایل سون ـ شاهسون (۱۱۳۸۳)، ۲ـ ایل شـــاهسون (۵۲۷)، ۳ـ ایـل قـره داغ ـ ارسباران (۷۲۳۳)، ۴ـ طـــایفه‌ی مســـتقل آق بـاشلو ـ اغ باشلو(۶۳)، ۵ـ طایفه‌ی مستقل اینانلو (۱۶۶)، ۶ـ طـایفه‌ی مستقل بـالکانلو (۱۸۳)،۷ـ طـایفه‌ی مستقل چلبیانلو (۱۴)، ۸ـ طایفه‌ی مستقل حاجی الـلو/حاج الو (۷۰۴)، ۹ـ طایفه‌ی مستقل حیدرلو (۳۶۰)، ۱۰ـ طایفه‌ی مستقل فولادلو (۰)، ۱۱ـ طایفه‌ی مستقل قاجار (۱۲)، ۱۲ـ طایفه‌ی مستقل

قره موسالو (۹۵)، ۱۳ـ طایفه‌ی مستقل کورانلار ـ گورکانلو (۷۲).

● در آذربایجان شرقی، در سال ۱۳۷۷، جمعاً ۲۰۸۱۲ خانوار ایلات و عشایر و طوایف می‌زیستند که ۱۳۵۷۲ خانوار آنان دوره‌ی ییلاقی و ۸۶۳۳ خانوار دوره‌ی قشلاقی را در این استان می‌گذرانند.

● **جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان آذربایجان شرقی.**

۱ـ ایل ایل سون ـ شاهسون (۷۵۴۲۹)، ۲ـ ایل شاهسون (۳۶۹۷)، ۳ـ ایل قره داغ ـ ارسباران (۴۲۵۷۷)، ۴ـ طایفه‌ی مستقل آق باشلو ـاغ باشلو (۵۲۲)، ۵ـ طایفه‌ی مستقل اینانلو (۱۰۲۰)، ۶ـ طایفه‌ی مستقل بالکانلو (۱۲۲۰)، ۷ـ طایفه‌ی مستقل چلبیانلو (۹۱)، ۸ـ طایفه‌ی مستقل حاجی ال‌لو/حاج الو (۵۶۷۹)، ۹ـ طایفه‌ی مستقل حیدرلو (۲۷۷۱)، ۱۰ـ طایفه‌ی مستقل فولادلو (۰)، ۱۱ـ طایفه‌ی مستقل قاجار (۱۰۸)،۱۲ـ طایفه‌ی مستقل قره موسالو (۷۳۵)،۱۳ـ طایفه‌ی مستقل کورانلار ـ گورکانلو (۴۸۰).

● **خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان**

استان آذربایجان شرقی: (۱۳۵۷۲) خانوار و (۸۴۱۸۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۶۳۳) خانوار و (۵۲۰۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان اسکو: (۱۳) خانوار و (۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۱۳) خانوار و (۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان اهر: (۳۶۹۳) خانوار و (۲۱۵۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۶۶) خانوار و (۸۵۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۷۱۱) خانوار و (۴۳۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۷) خانوار و (۹۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۲۸۸۴) خانوار و (۱۶۴۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۰۹) خانوار و (۷۶۸۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل اینانلو: (۸۶) خانوار و (۵۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل قاجار: (۱۲) خانوار و (۱۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان بستان آباد: (۱۱۶) خانوار و (۷۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل چلبیانلو: (۷) خانوار و (۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج آلو: (۱۰۹) خانوار و (۷۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان بناب: (۰) خانوار و (۰ نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۸) خانوار و (۱۴۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۱۹) نفر

جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۶) خانوار و (۷۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۵) خانوار و (۶۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل قره موسالو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل کورانلار ـ گورکانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان تبریز: (۳۹۰) خانوار و (۲۳۴۹ نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۳۳۵) خانوار و (۱۹۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۵۵) خانوار و (۳۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان جلفا: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷) خانوار و (۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷) خانوار و (۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان سراب: (۱۸۴۶) خانوار و (۱۱۶۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۴) خانوار و (۸۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۱۸۴۶) خانوار و (۱۱۶۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۸) خانوار و (۴۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۶) خانوار و (۴۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان شبستر: (۳۷) خانوار و (۲۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۲۸) خانوار و (۱۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد. طایفه‌ی مستقل اینانلو: (۹) خانوار و (۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق می‌باشد.

شهرستان کلیبر: (۳۵۳۷) خانوار و (۲۱۲۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، ۵۳۱۹) خانوار و (۳۱۲۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۲۰) خانوار و (۱۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۳۵۱۷) خانوار و (۲۱۰۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۲۹۹) خانوار و (۳۱۰۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مراغه: (۵۷۹) خانوار و (۴۵۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲) خانوار و (۲۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۵) خانوار و (۶۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۶۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل آق باشلو آغ

باشلو: (۵۹) خانوار و (۴۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۱۱۲) خانوار و (۷۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن ەر دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو / حاج آلو: (۳۳۳) خانوار و (۲۷۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵) خانوار و (۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کورانلار ـ گورکانلو: (۹) خانوار و (۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مرند: (۵۲) خانوار و (۲۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۸) خانوار و (۹۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اینانلو: (۵۲) خانوار و (۲۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۶) خانوار و (۸۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قاجار: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۱۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ملکان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۲) خانوار و (۱۱۰۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل آق باشلو آغ باشلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج آلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۱) خانوار و (۱۰۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان میانه: (۸۷۱) خانوار و (۵۱۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۴۰) خانوار و (۴۵۹۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۶۴۸) خانوار و (۳۷۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، ۴۳۳) خانوار و (۲۵۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شاهسون: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱) خانوار و (۱۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۲۲۳) خانوار و (۱۴۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۳) خانوار و (۱۴۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کورانلار ـ گورکانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۳) خانوار و (۴۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان هریس: (۱۷۸۲) خانوار و (۱۱۵۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۱۵۵۶) خانوار و (۱۰۳۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۲۲۶) خانوار و (۱۲۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان هشترود: (۶۵۶) خانوار و (۴۷۵۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۳۷) خانوار و (۳۰۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۳۴۰) خانوار و (۲۳۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸۵) خانوار و (۲۶۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شاهسون: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در

دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۱۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۶) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۱۰۵) خانوار و (۹۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴) خانوار و (۲۴۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرلو: (۱۱۷) خانوار و (۸۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قره موسالو: (۲۵) خانوار و (۲۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کورانلار گورکانلو: (۶۳) خانوار و (۴۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

منابع اقتصادی: از نظر وضعیت اقتصادی آذربایجان شرقی با توجه به وجود صنایع بزرگ و بازدهی کشاورزی و تجاری، می‌توان گفت این استان از امکانات قابل توجه اقتصادی برخوردار است.

این استان از ظرفیت تولیدی مهمی نیز برخوردار است و اغلب واحدهای اقتصادی آن را در مقیاس کلان سنجیده می‌شود. در مناطق شهری استان، ترکیب فعالیت‌های اقتصادی با وجود توسعه مراکز صنعتی، نشانگر رونق بخش خدمات به نسبت سایر بخش‌ها است. در مناطق روستایی استان نیز وجه غالب با بخش کشاورزی است و خدمات پس از آن قرار دارد. در مجموع بخش خدمات کشاورزی و صنعت عمده‌ترین بخش‌های اقتصادی استان را تشکیل می‌دهند.

آذربایجان شرقی یکی از قطب‌های مهم صنعتی کشور محسوب می‌شود. استقرار صنایع بزرگی چون ماشین‌سازی و تراکتورسازی در این استان سبب شده است که این کانون مهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود.

علاوه بر این وجود ده‌ها کارخانه بزرگ صنعتی و نیروگاه حرارتی تبریز، پالایشگاه و پتروشیمی تبریز و همچنین توسعه صنایع دستی از قبیل قالی‌بافی و دستبافت‌های دیگر و نیز استخراج معادن مختلف و متعدد و تاسیس مراکز بزرگ دام‌پروری از رونق اقتصادی حکایت دارد.

صنایع، معادن

آذربایجان شرقی: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۱۲۹۸ واحد)، ساخت منسوجات (۱۱۲۸ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۲۶۰ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۳۴۷ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۶۷ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۴۵۸ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۳۳۲ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۱۰۴۰ واحد)، روغن صنعتی (۱)، انواع محصولات از سویا (۱)، شیر پاستوریزه (۱۹)، ماست پاستوریزه (۱۸)، چرم مصنوعی (۱)، آرد غلات (۹)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۵۶)، قند از شکر (۶)، ماکارونی (۱۸)، انواع رب گوجه فرنگی (۲۲)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۱)، فرش ماشینی (۱۰)، چرم‌گاوی (۱۰)، فرآورده‌های کک از زغال سنگ (۲)، انواع گازهای حاصل از تصفیه‌ی نفت (۲)، کاغذ کرافت از ضایعات کاغذ و مقوا (۱).

معادن: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۵۵ معدن فعال

بدینشرح داشت: ۱- استخراج زغال سنگ (۴) ۲- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۳)، ۳- سنگ مس (۱)، ۴- منگنز (۱)، ۵-بوکسیت (۱)، ۶- استخراج سنگ، شن وماسه (۱۲۰)، ۷- شن وماسه (۶۱)، ۸- سنگ تزئینی (۲۲)، ۹- سنگ لاشه (۱۳)، ۱۰- سنگ آهک (۶)، ۱۱- سنگ گچ (۱۱)، ۱۲- کائولن ،خاک نسوز و... (۷)، ۱۳- استخراج مواد معدنی وشیمیایی (۳)، ۱۴- باریت (۳)، ۱۵- نمک (۸)، ۱۶- سایر مواد معدنی (۱۷)، ۱۷- سیلس (۳)، ۱۸- پوکه معدنی (۱۳)، ۱۹- فلدسپات (۱).

در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۲ میزان بهره‌برداری از معدن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۲۰۵۸۴۹۵ تن ۲- سنگ گچ ۷۸۰۱۱۷ تن ۳- کائولن ۳۸۶۴۵۰ تن ۴- خاک نسوز ۶۰۰۰ تن ۵- خاک صنعتی ۴۸۹۵۰ تن ۶- باریت ۴۷۵۰ تن ۷- نمک آبی ۱۱۴۲۲۰ تن ۸- نمک سنگی ۲۲۶۲ تن ۹- سیلیس ۱۵۰۰۰۰ تن ۱۰- دیاتومیت ۱۰۰۰ تن ۱۱- پرلیت ۶۰۰۰ تن ۱۲- پومیس ۲۹۶۴۰۴ تن ۱۳- فلدسپات ۱۰۰۰۰ تن

نفوذ نفلین سینیت و نفلین گابروی کلیبر به سن ائوسن ـ الیگوسن در سنگ‌های رسی و آهکی کرتاسه باعث تشکیل هاله‌ی گرمایی به ستبرای بیش از ۱ کیلومتر در اطراف آن شده است. دگرگون شدن سنگ‌های رسی و آهکی در حاشیه‌ی شمالی و خاوری هاله و سنگ‌های مافیک در حاشیه‌ی جنوبی هاله، باعث تشکیل انواع هورنفلس‌های دگرگونی در منطقه شده است. پدیده‌ی میگماتیتی شدن و ذوب بخشی در درجه‌ی دگرگونی‌های بالا و نزدیک همبری به علت گرمای حاصل از توده در سنگ‌های با ترکیب شیمیایی مناسب، دیده می‌شوند. مقیاس ذوب بخش بسیار کوچک و حجم ماگمای آناتکسی تشکیل شده کم است. بخش‌های روشن ـ لوکوسوم‌ها) به صورت رگه‌ای و قطره‌ای در مقیاس میلی متری مشاهده می‌شود. کانی‌های اصلی در بخش روشن رنگ میگماتیت‌ها شامل کوارتز و فلدسپار پتاسیم با بافت آذرین، به ویژه فلدسپارهای پتاسیم شکل دار تا نیمه شکل دار، بافت گرانوفیری و بافت بین بلوری (**interstitial**) در کانی‌های کوارتز است. تفاوت‌های بافتی بین بخش روشن و تیره (لوکوسوم و مزوسوم)، ترکیب کانی‌شناسی لوکوسوم، ساخت آذرین در بخش لوکوسوم و محدودبودن تشکیل لوکوسوم به سنگ‌های رسی، همگی شواهدی از رخداد پدیده‌ی آناتکسی در هاله‌ی کلیبر است. واکنش‌های مؤثر در تشکیل مذاب و بخش روشن میگماتیت شامل واکنش‌های ذوب در حضور فاز سیال آزاد (**fluid-present**) و واکنش‌های در نبود فاز سیال آزاد (**fluid-absent**) می‌باشد. مجموعه کانی‌های دگرگونی درجه بالا (مانند مجموعه‌های داراری ارتوپیروکسن) احتمالاً در اثر از بین رفتن کانی‌های آبدار (مانند بیوتیت) توسط واکنش‌های بدون حضور سیال آزاد تشکیل شده‌اند. ترکیب کانی‌شناسی لوکوسوم‌ها مشابه لوکوگرانیت تا گرانیت حاصل از ذوب بخشی است که با منشأ تبلور از مذاب مطابقت دارد.

زمین‌شناسی منطقه‌ی مورد مطالعه: بر اساس تقسیم‌بندی نبوی (۱۳۵۵)، منطقه‌ی کلیبر در زون البرز باختری ـ آذربایجان واقع شده است. قدیمی‌ترین سنگ‌های منطقه مورد مطالعه سنگ‌های دگرگونی ناحیه‌ای پیش از کرتاسه با

ترکیب سنگ‌شناسی فیلیت و کلریت شیست است. سنگ‌های رسی و آهکی کرتاسه همراه با سنگ‌های مافیک در حاشیه‌ی خاوری و شمالی هاله برونزد دارند و رسوبات کواترنر جوان‌ترین سنگ‌های منطقه را تشکیل می‌دهد (مهرپرتو، ۱۹۹۹). فعالیت‌های ماگمایی در منطقه‌ی کلیبر را می‌توان بر اساس روابط زمانی از قدیم به جدید در پنج گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد.

تولیدات صنایع دستی: قالیبافی، ترکه‌بافی، چم‌بافی، سبدبافی، نقره‌کاری، حوله و روسری‌بافی، پتوبافی، سفال و سرامیک، قلاب‌بافی، ابریشم‌بافی، چاپ کلافه‌ای، سوزن‌دوزی، چادرشب‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، ساخت عروسک، ملیله‌سازی، منبت‌کاری، معرق‌کاری، قلمزنی نقره، طراحی قالی، گلدوزی دستی، طلاسازی، ریزه‌کاری چوب، قیچی‌سازی، چنته و کیف تکمیلی، رفوگری قالی، چاپ شابلون، مجسمه‌سازی و نقاشی روی چرم، ساز سنتی، مروارید‌سازی، رنگرزی و چاپ، گلهای چرمی، ملیله‌کاری روی نقره، کنده‌کاری و ظریف‌کاری.

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی آذربایجان شرقی

غلات هکتار/تن (گندم ۴۴۲۸۹۶، ۷۴۱۷۸۵- جو ۷۹۸۸۵، ۱۱۶۳۵۶- شلتوک ۲۰۸۲، ۸۳۴۳- ذرت دانه‌ای ۲۴۸، ۹۳۰)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۳۸۵۸۹، ۲۲۸۹۱- لوبیا ۴۵۲۰۷۸۸۶- عدس ۳۰۳۲۷، ۱۵۷۵۸)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۱۰۴۷۹،۳۱۵۸- چغندرقند ۲۳۰، ۵۷۵۰- سویا۵، ۱۲- کلزا۱۵۰۲، ۲۱۱۹)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۱۰۰۰۳، ۳۰۰۷۰۰- پیاز ۸۹۴۹، ۳۸۴۸۱۶- گوجه‌فرنگی ۷۷۰۷، ۳۱۱۱۵۱)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴۰۲، ۷۰۶۰- هندوانه ۶۰۹، ۲۶۵۶۳- خیار ۲۲۷۳، ۴۲۲۲۳)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۹۱۱۴۱، ۶۲۹۵۶۵- شبدر ۱۵۶، ۶۶۴)

منابع زیرکشت: اراضی زیرکشت و نسبت آن به کل مساحت: ۵/۵ ٪ رتبه ۱۲ میزان تولید غلات ۸۶۷۴۱۴ تن رتبه ۷ مقدار تولید حبوبات ۴۷۲۵۸ تن رتبه ۴ تولید محصولات صنعتی ۱۹۰۸۹ تن رتبه ۲۰ - تولید سبزیجات ۱۱۵۰۵۱۵رتبه ۳ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۸۳۱۰۴ تن رتبه ۱۸ - مقدار تولید علوفه ۷۶۲۰۰۱ تن رتبه ۷ مقدار تولید محصولات باغی ۹۱۵۲۰۵ تن رتبه ۶ - مقدار تولید پسته ۱۶ تن رتبه ۱۵ - وضعیت تولید گیاهان زینتی - میزان تولید گل شاخه بریده ۸۵۰۵۷۰ شاخه - گلدان ۲۶۵۸۷۰ میزان تولید درخت و درختچه (اصله) ۳۷۷۵۰۰ اصله، میزان تولید گیاهان فصلی ونشائی ۱۶۰۰۰۰۰ بوته وضعیت تولید زعفران: تولید ۱۹۵ کیلوگرم - گیاهان داروئی ۱۴۶۲۴ کیلو - تولید عسل ۵۲۲۵۸۰۶کیلو - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۲۷۴۲۲۱۳ هکتار

محصولات: شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل. میوه‌های دانه ریز (انگور: بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی، میوه‌های خشک، میوه‌های دانه دار (سیب، گلابی، به). آلبالو، گیلاس(تکدانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده، سفید ارومیه)- گوجه، آلو، هلو.پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد،

میوه‌های سردسیری (زالزالک، زرشک، سماق، ازگیل، زغال اخته، عناب)، میوه‌های نیمه گرمسیری (انجیر، انار)، گیاهان دارویی (زیره سبز)، توت نوغان، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

فرهنگی و دانشگاهی

دانشگاه تبریز: بعد از دانشگاه تهران، دانشگاه تبریز اولین دانشگاه مادر و با سابقهٔ ایران است. این دانشگاه شامل ده دانشکده سه آموزشکده، چهار مرکز تحقیقاتی و بیش از ۱۱,۰۰۰ دانشجو در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است. هم اکنون با ۵۴ گروه آموزشی در دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها و ۸۱ رشته در مقطع کارشنایی، ۴۸ رشته در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۳ رشته در مقطع دکتری به پرورش نیروی انسانی متخصص مشغول است.

دانشگاه شامل دانشکده‌های فنی (گروههای آموزشی: عمران، آب، برق، مکانیک، ساخت و تولید، مواد و سرامیک)، کشاورزی (گروههای آموزشی، گیاه پزشکی، خاک‌شناسی، باغبانی، فضای سبز، زراعت و اصلاح نباتات، آبیاری، ماشین‌های کشاورزی، علوم دامی و علوم و صنایع غذایی، اقتصاد و کشاورزی)، علوم اجتماعی (جغرافیای طبیعی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، حقوق قضایی، اقتصاد و معماری)، علوم تربیتی (کتابداری، روان‌شناسی و تربیت بدنی)، شیمی (گروههای آموزشی: شیمی ،تجزیه، شیمی آلی و بیوشیمی، شیمی معدنی، شیمی فیزیک، شیمی کاربردی)، ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی (گروههای آموزشی: زبان و ادبیات فارسی، زبان وادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فرانسه، فلسفه، فرهنگ و زبان‌های باستانی) علوم طبیعی (گروههای‌آموزشی:زمین‌شناسی،زیست‌شناسی، علوم گیاهی، علوم جانوری)، فیزیک (گروههای آموزشی: فیزیک حالت جامد، فیزیک اتمی، فیزیک هسته‌ای و فیزیک نظری)، علوم ریاضی (گروه‌های آموزشی: ریاضی محض، آمار و رایانه و ریاضی کاربردی) است. مراکز آموزش عالی وابسته به این دانشگاه عبارت‌اند از: مرکز کشاورزی مراغه (گروههای آموزشی: باغبانی، گیاه پزشکی، خاک‌شناسی)، آموزشکده فنی مرند (گروه‌های آموزشی: عمران، ساختمانهای بتونی، عمران و نقشه برداری)، آموزشکده فنی بناب (گروههای آموزشی: علوم آزمایشگاهی) و گروه معارف اسلامی .

مراکز تحقیقاتی: مؤسسه تحقیقات اجتماعی، مرکز پژوهش‌های جغرافیا (گروه‌های پژوهشی: جغرافیای طبیعی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری) و مرکز تحقیقات علوم پایه (گروههای پژوهشی: فیزیک، ریاضی، علوم طبیعی و ژنتیک).

دانشگاه تربیت معلم تبریز: این دانشگاه در ۱۳۶۷ تأسیس شد و از ۱۳۶۸ با رشته‌های ریاضی و ادبیات کار خود را آغاز نمود و در حال حاضر نیز با دانشکده‌های زیر فعالیت دارد که عبارت‌اند از: دانشکده علوم پایه (با گروههای آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان انگلیسی، مطالعات خانواده)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی (با گروههای آموزشی ادیان و عرفان، فلسفه حکمت اسلامی)، دانشکده تربیت دبیر فنی (با گروههای آموزشی برق و عمران)

دانشگاه صنعتی سهند تبریز: این دانشگاه در ۱۳۶۸ تاسیس شد. یکی از اهداف مهم آن تربیت نیروی متعهد و متخصص مورد نیاز کشور در زمینه‌های علوم ومهندسی است. این دانشگاه با

پنج دانشکده، در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد.
دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده مهندسی مواد، دانشکده مهندسی شیمی، دانشکده مهندسی برق، دانشکده مهندسی معدن، دانشکده علوم پایه.

مؤسسه‌ی آموزش عالی حسابداری و مدیریت آذربایجان: این مؤسسه زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با ترکیب ۵ نفر اعضای هیات مؤسس و با سرمایه‌ی شخصی در نیم سال اول سال تحصیلی ۷۵ شروع به فعالیت نمود. غیر دولتی (غیر انتفاعی)

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان آذربایجان شرقی: دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۶ با دو دانشکده‌ی ادبیات و پزشکی تأسیس شد در سال ۶۴ به دانشگاه تبریز و علوم پزشکی تبدیل شد در سال ۷۲ به عنوان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان آذربایجان شرقی تغییر نام داد ـ دولتی

موزه‌ها و بناهای تاریخی

موزه‌ی آذربایجان (تبریز) ـ موضوع: باستان‌شناسی، مردم‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۴۰

موزه‌ی قرآن و کتابت (صاحب الامر) (تبریز) ـ موضوع: تاریخی (نسخ خطی و مجموعه‌ای از قرآن مجید، قطعاتی از آثار خوشنویسان به نام ایران) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۰

خانه‌ی مشروطه (تبریز) ـ موضوع: تاریخی (اسناد و مدارک مربوط به انقلاب مشروطیت) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۵

موزه‌ی تاریخ طبیعی (حیات وحش) (تبریز) ـ موضوع: علمی (نمایش انواع پستانداران، پرندگان، آبزیان، گیاهان و سنگواره‌ها) ـ تأسیس ۱۳۷۰

مسجد کبود (تبریز) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس قرن نهم هجری

موزه‌ی زمین‌شناسی (تبریز) ـ موضوع: تخصصی، سنگ و فسیل ـ نام سازمان: دانشگاه تبریز ـ تأسیس ۱۳۵۵

موزه‌ی آثار استاد ناصر بهتونی (تبریز) ـ موضوع: هنرهای معاصر (مجسمه و...) ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی شیخ شهاب الدین اهری (موزه‌ی اهر) (اهر) ـ موضوع: شخصیت (شیخ شهاب الدین اهری) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۴، بنا قرن هفتم هجری

کلیسای سنت استپانوس (دره شام) (جلفا) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس بنا قرن چهارم تا ششم هجری

موزه‌ی مراغه (مراغه) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۶۵

موزه‌ی الواح (سنگ نگاره‌ها) (مراغه) ـ موضوع: باستان‌شناسی (الواح سنگی و)ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۱

برج‌های تاریخی مراغه (مراغه) ـ موضوع: معماری ـ
سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس قرن ششم و هشتم هجری

آثارثبت شده استان آذربایجان شرقی

پل دختر قرن ۸ ه‍ـق - میانه
مقبره قرمز (گنبد سرخ) قرن ۶ ه‍ـق - مراغه
مقبره مادر هلاکوخان(گنبدکبود) قرن ۷ ه‍ـق - مراغه

مقبره مجاور مقبره مادر هلاکو قرن ۶ه‍-ق - مراغه
گنبد غفاریه قرن ۷ ه‍-ق - مراغه
گوی برج قرن ۶ ه‍-ق - مراغه
محراب مسجد جامع - ایلخانی - مرند
مسجد کبود - تیموری - تبریز
ارگ علیشاه - مغول - تبریز
مسجد جامع - سلجوقی تا قاجار - تبریز
مقبره شیخ شهاب الدین - اوائل صفویه - اهر
کلیسای استفانوس مقدس - از قرن ۴تا۶ ه‍-ق - جلفا
قلعه ضحاک -(اشکانی - ساسانی) - هشترود
قلعه‌وقصرجمهور(بزقلعه سی)(ساسانی-اسلامی)-کلیبر
مسجد معزالدین - صفویه - مراغه
کلیسای سهرقه (سهرل) قرن ۵و۶ ه‍-ق شبستر
معبد یا مسجد غار -پیش از تاریخ - تاریخی - آذرشهر
گورستان قدمگاه (بادامیار) قرن ۹و ۱۰ ه‍-ق آذرشهر
تپه شیرامین - پیش از تاریخ - اشکانی -آذرشهر
تپه پیر موسی - پیش از تاریخ - اشکانی - شبستر
تپه باروج (قلعه باروج) - پیش از تاریخ - اشکانی - مرند
تپه گرگر - هزاره ۵ق-م تا اسلامی - هادیشهر
تپه مرند (یالدور) هزاره -۴ق-م تا اسلامی - مرند
معبدوآرامگاه(ملامعصوم)-پیش‌ازتاریخ-قرن۹ه‍-ق-مولغ
مسجد جامع مهرآباد(بناب) - صفویه -بناب
ستون مدور یادگاری ابلیسک قرن ۹ه‍-ق - مراغه
سنگ نبشته رازلیق قرن ۸ه‍-ق - سراب
کتیبه میخی اورارتوئی نشتبان قرن ۸ه‍-ق - سراب
تپه (قلعه جوق) هزاره ۳ ق-م - سراب
چهارطاقی نزدیک آغمیون سراب - ساسانی - سراب
کتیبه سقندل قرن ۸ ه‍-ق - ورزقان
مسجد جامع سراب قرن ۹ ه‍-ق - سراب

تپه ابرغان - اسلامی - سراب
برج قشلاق قارلوجا - قرن هفتم هجری - کلیبر
تپه‌امامچای‌وگورستان‌اطراف‌آن‌هزاره ۱-اشکانی
مسجد جامع روستای ترک بالا - اواخر مغول - شهرترک
قره تپه - تاریخی - میانه
قلعه دختر (قز قلعه) قرن ۷ ه‍-ق - میانه
بقعه امامزاده اسماعیل - صفویه - میانه
پل شهر چای - صفویه - میانه
کول تپه الن چالق -اشکانی - میانه
مسجد جامع عجب شیر (شیرلو) - صفویه - عجب شیر
مسجد میدان بناب (مسجدگزاوش) - صفویه -بناب
مسجد استاد و شاگرد - (صفویه - قاجاریه) - تبریز
بقعه و مسجد سید حمزه و مقبرةالشعرا(صفویه-قاجاریه)-تبریز
ربع رشیدی قرن ۸و۹ ه‍-ق - تبریز
تیمچه امیر - قاجاریه - تبریز
مجموعه بازار تبریز -اواخر (زندیه - قاجاریه) - تبریز
تپه خاک (قلعه نجف قلی خان) - ساسانی - میانه
خانه کوزه کنانی (مشروطه) - قرن ۱۳ ه‍-ق - تبریز
نیایشگاه مهری -(اشکانی - ساسانی) -
مسجد اسماعیل بیگ - صفویه - بناب
مسجد کبود - صفویه - بناب
مسجد جامع - قرن ۱۳ - بناب
مجموعه امامزاده شعیب دوزال - ایلخانی- صفوی - جلفا
حمام کردشت - قاجاریه
رصدخانه مراغه - مغول - مراغه
خانه امیرکبیر(امیرنظام) - قاجاریه - تبریز
روستای کندوان - اسلامی - تبریز
پل بزرگ خداآفرین - قرون اولیه‌اسلامی-کلیبر

پل کوچک خداآفرین - صفویه - کلیبر
مسجد جامع - قاجاریه- هشترود
مسجد شهدا- قاجاریه - تبریز
خانه سلماسی- اوایل قاجاریه - تبریز
برج خلعت پوشان - صفویه - تبریز
برج آتش نشان - قاجاریه - تبریز
بقعه خواجه علی سیاهپوش -(صفویه- قاجاریه) - تبریز
ساختمان شهرداری - پهلوی - تبریز
مقبره کمال خجندی و بهزاد - قرن ۹ ه-ق تبریز
مسجد میل لی (بهار) - قاجاریه - تبریز
مقبره آقالار - زندیه - مراغه
خانه حریری - قاجاریه - تبریز
خانه دکتر صحتی - (اواخر قاجار- پهلوی) - تبریز
ساختمان کتابخانه ملی - پهلوی اول - تبریز
خانه اردوبادی - پهلوی اول - تبریز
خانه رستگار - پهلوی - تبریز
بقعه شیخ اسحق هریسی - صفویه - هرسین
حمام نوبر - قاجاریه - تبریز
کلیسای کاتولیک‌ها - اواخر قاجار - تبریز
حمام مهرآباد - صفویه - بناب
گنبد اللّه اللّه - ایلخانی - ورزقان
پل آجی چای - (صفویه - قاجاریه) - تبریز
باغ و امارت فتح آباد - قاجاریه - تبریز
مدرسه تومانیان - قاجاریه - تبریز
حمام جلفا - قاجاریه - جلفا
مسجد بنی هاشم - (صفویه- زندیه) - تبریز
خانه امیر ارشد - قاجاریه - ورزقان
ساختمان خلیفه گری - اواخر قاجار- تبریز
خانه حیدر زاده - قاجاریه - تبریز
مسجد اسنق هریس - ایلخانی - هریس
مسجد جمال آباد هریس - قرن ۸ ه-ق - هریس
روستای اشتبین - صفویه - جلفا
خانه ساوجبلاغی - پهلوی اول - تبریز
خانه گنجعلی زاده - پهلوی اول تبریز
بقعه عون بن علی - (ایلخانی - صفویه) - تبریز
خانه سرخه‌ای - قاجاریه - تبریز
قلعه بختک لیلان - (پیش از تاریخ - تاریخی)- تبریز
کارخانه چرم سازی - اواخر قاجار - تبریز
مسجد جامع میلان -(صفویه- قاجاریه) - اسکو
خانه لاله‌ای - اوایل پهلوی - تبریز
کاروانسرای کویچه بئل - صفویه - اهر
پل عابر پیاده قاری - پهلوی - تبریز
گورستان مسجد کبود - هزاره ۲و ۱ ق-م - تبریز
قره تپه سپیگان - هزاره ۱ ق-م - بناب
مسجد زرگران - صفوی- بناب
روستای صخره‌ای سور- تاریخی - بناب
پل پنج چشمه - صفوی - بناب
تپه اللّه قلی - هزاره ۵ ق-م - لیلان
تپه چمن - هزاره ۵ ق-م - لیلان
تپه و قبرستان قره چولک - تاریخی - بناب
قره تپه گزاوشت - هزاره ۱و۲ ق-م - بناب
قبرستان روستای زوارق - اسلامی - بناب
تپه سی چان تپه سی - هزاره ۴ ق-م - بناب
مسجد جامع زاوشت - اسلامی- بناب
منطقه قزلار قلعه سی - هزاره ۱ ق-م - بناب
مسجد جامع روستای زوارق - صفوی - بناب
گورستان و قلعه کتیبه شیشه - هزاره ۱ ق-م - اهر
خانه بلورچیان - قاجاریه- تبریز
خانه کمپانی (شربت اوغلی) - قاجاریه - تبریز
ارمنی تپه سی - هزاره ۴ ق-م - بناب
تپه قره تپه - (هزاره ۱ ق-م - اشکانی) - بناب
حصار شهر بناب - اسلامی - بناب
تپه بازار تپه سی - (تاریخی - اسلامی) - بناب

پوس تپه - هزاره ۲ ق-م - تبریز
قره تپه قره چپق - هزاره ۲ ق-م - تبریز
حمام حاج فتح اللّه - قاجاریه - بناب
منزل سیف العلما - اوایل قاجار - بناب
تپه حسنلو (پیش از تاریخ - تاریخی) - شبستر
کول تپه - پیش از تاریخ - سراب
تپه پوللو موللی - (تاریخی- اسلامی) - دوزان
کول تپه - پیش از تاریخ - جلفا
قره تپه - پیش از تاریخ تا اسلامی ـ شبستر
یانیق تپه -(پیش از تاریخ - تاریخی) - تبریز
مدرسه اکبریه - قاجاریه - تبریز
مسجد مقبره - صفویه - تبریز
بنای صاحب الامر - صفویه - تبریز
بقعه شیخ محمود شبستری - ایلخانی - شبستر
مسجد جامع - صفویه - شبستر
حمام سراب (حمام جلال) - پهلوی اول - سراب
خانه گنجه‌ای زاده - قاجاریه - تبریز
خانه نیشابوری- اواخر پهلوی اول - تبریز
خانه ثقه الاسلام - پهلوی - تبریز
مسجد کوچک - قاجاریه - تبریز
مسجد میرزا صادق (دینوری) - قاجاریه - تبریز
تپه حاج ولی (حسینعلی) - هزاره ۳ ق-م - بناب
تپه دریا تپه سی - هزاره ۱ ق-م - بناب
کاروانسرای جمال آباد - صفویه - میانه
مسجد جامع اهر - (ایلخانی - صفویه) - اهر
نارین قلعه - هزاره ۱ تا اسلامی - تبریز
کارخانه سالامبورسازی تبریز - پهلوی - تبریز
مسجد میدان مقصودیه (صفویه - قاجاریه) - تبریز
قبرستان مشایخ شادآباد - اسلامی - تبریز
دبیرستان فردوسی - اواخر قاجار- تبریز
کلیسای مریم مقدس - قرن ۱۱ ه-ق - تبریز
قلعه هلاکو - هزاره ۱ ق-م - مرند
بقایای قلعه سن سارود - قرون میانه اسلامی - مرند
تپه درویش بقال - هزار ۱ ق-م - شبستر
تپه ساربانقلی - هزاره ۱ ق-م - شبستر
محوطه هاشم زاده - هزاره ۲ ق-م - بناب
بازار اهر - قاجاریه - اهر
مسجد خلخالی - قاجاریه - تبریز
سردرو بدنه ضلع غربی خانه‌ارفع الملک - پهلوی - تبریز
خانه رحیمی - قاجاریه - تبریز
مسجد حاج غفار - قاجاریه - تبریز
مسجد مجتهد (۶۳ ستون) - قاجاریه - تبریز
مسجد میر محمد آقا - قاجاریه - تبریز
خانه نقشینه - قاجاریه - تبریز
خان اشرف الملوک نبی وند - قاجاریه - مراغه
مسجد جامع مرند- ایلخانی - مرند
تپه اورتابلاغی روستای دوش - هزاره ۴و۱ ق-م - بناب
تپه هفت چشمه - هزاره ۳ ق-م - آذرشهر
تپه زین آباد - هزار ۱ ق-م - شبستر
تپه چهرگان - هزاره ۱ ق-م - شبستر
تپه چراگاه امیر - هزاره ۱ ق-م - مرند
مدرسه رشدیه - اوایل پهلوی - تبریز
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ تعداد آثار ثبت شده این استان ۱۱۲۸ بوده است.

زمین‌شناسی آذربایجان شرقی

شرایط زمین‌شناسی و تعیین ویژگیهای فیزیکی و شیمیایی تراورتنهای تزئینی آذرشهر آذربایجان شرقی: آذربایجان شرقی به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و زمین‌شناسی، دارای ذخایر عظیم مواد معدنی و به ویژه سنگ‌های

تزئینی و ساختمانی است. به علت قرارگیری این استان بر روی نوار داغ مرمر و تروارتن‌های چشمه‌ای ایران و نیز فعالیت‌های گذشته کوه‌های سهند و سبلان سنگ‌های تزئینی این ناحیه از غنا و کیفیت بسیار مطلوب و شهرت جهانی برخوردارند.

در ادامه‌ی ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی تراورتنهای تزئینی منطقه‌ی آذرشهر به طور کمی و کیفی مطالعه و بررسی شده‌اند.

استان آذربایجان شرقی یکی از قطب‌های مهم معدنی کشور است که با وجود ذخایر سنگ تزئینی با بیش از ۱۳ میلیون تن ذخیره‌ی قطعی معادن عظیم مس، نفلین سینیت، آهک، گچ، کائولن و خاک‌های صنعتی یکی از مناطق مستعد معدنی کشور به شمار می‌آید. وجود ذخایر عظیم سنگ تزئینی و سرمایه‌گذاری مناسب بخش خصوصی و دولتی در زمینه‌های استخراج، فرآوری و صادرات، این استان را به قطب شناخته شده در صنعت سنگ ایران تبدیل کرده است.

عمده‌ترین ذخیره‌ی معدنی سنگ‌های تزئینی آذربایجان در منطقه‌ی آذرشهر و روستاهای اطراف آن واقع است. تعدد معادن تراورتن در این ناحیه و نیز فراوانی و تنوع محصولات تراورتن آذرشهر به این بخش از کشورمان، شهرت جهانی بخشیده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۲

گسل تبریز (T): این گسل از شمال تبریز تا کوه‌های مورو و میشو ادامه دارد و احتمالاً پس از گذشتن از خوی و ماکو به کوه آرارات در ترکیه مربوط می‌شود.

عده‌ای از زمین شناسان فرآیندهای تکتونیکی اوایل دونین را در ایجاد این گسل مؤثر می‌دانند (افتخار نژاد ۱۹۷۵). شکستگی ناشی از فرآیند از گودال زنجان - ابهر شروع شده و با امتداد شمال غرب تا رشته کوه‌ها میشو و مورو و از آن جا تا قفقاز ادامه یافته است و از طرف جنوب غربی با عبور از گسل زاگرس به خط قرمز می‌رسد.

بررسی کانه‌زائی در محدوده مسجد داغی جلفا آذربایجان شرقی: محدوده‌ی اکتشافی مسجد داغی جلفا در ورقه‌ی زمین‌شناسی ۱:۱۰۰۰۰۰ جلفا قرار دارد. این محدوده از نظر زمین‌شناسی ساختاری بخشی از زون البرز باختری - آذربایجان (نبوی، ۱۳۵۵) است. قدیمی‌ترین رخنمون‌های سنگی در محدوده‌ی مورد مطالعه مربوط به فلیش‌های ائوسن است که به طور گسترده در بخش جنوبی و شمال خاوری محدود دیده می‌شود. بخش دیگر رخنمون‌های سنگی را به طور عمده مجموعه سنگ‌های آتشفشانی آندزیت - تراکی آندزیت تشکیل می‌دهد که بر اثر عملکرد توده‌های نفوذی درونی کوارتز مونزونیتی قرار گرفته و دگرسانی فیلیک و فیلیک کربناتی را در محدوده‌ی مورد مطالعه ایجاد کرده‌اند. کانی سازی به طور عمده در مجموعه‌ی آتشفشانی به صورت رگه‌های سیلیسی - باریتی نمود یافته است.

منطقه‌ی البرز باختری و آذربایجان از سالیان دور مورد توجه زمین مورد توجه زمین شناسان بوده است. وجود و فراوانی انواع کانی سازی‌های فلزی و غیر فلزی در این بخش از کشور عامل این توجه بوده است و طی سالیان اخیر، رساله‌ها و پایان نامه‌ها دانشجویی بسیاری در این منطقه نگاشته شده است.

سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در پنج سال گذشته با تعریف اکتشاف در زون ارسباران مطالعات سیستماتیک پایه (ژئوشیمی، دورسنجی، GIS، ژئوفیزیک و زمین‌شناسی) و هم چنین اداه

عملیات اکتشاف نیمه تفصیلی و تفصیلی در مناطق امید بخش این زون را انجام داده است.

وجود محدوده‌ی امید بخش مسجد داغی جلفا برای اکتشاف طلا و مس سبب شده تا برنامه‌ریزی مدونی در راستای انجام عملیات اکتشافی در این محدوده صورت پذیرد. مجله‌ی علوم‌زمین ش ۶۲

آذربایجان شرقی: منطقه‌ی مورد مطالعه در شمال باختری ایران و در حدود ۲۰ کیلومتری خاور شهرستان هریس واقع شده و بخشی از زون البرز - آذربایجان است. سنگ‌های پلوتونیک مورد مطالعه، دیوریت، گرانودیوریت، دیوریت کوارتزدار و مونزودیوریت کوارتزدار با سن ائوسن میانی - بالایی است که در سنگ‌های آتشفشانی ائوسن نفوذ کرده‌اند و سیال‌های ماگمایی و گرمابی حاصل از این توده‌ها باعث دگرسانی خود توده و سنگ‌های آتشفشانی اطراف شده است. بافت این گرانیتوییدهای دانه‌ای و ریزدانه پورفیری بوده و کانی‌های سنگ ساز مهم آن‌ها شامل پلاژیوکلاز، فلدسپار قلیایی، کوارتز، اوژیت، هورنبلند، زیرکن و آپاتیت است. بررسیهای سنگ نگاری نشانگر وجود بافت‌های ناتعادلی مانند آپاتیت‌های سوزنی، هرونبلندهای اسکلتی و پلاژیو کلازهای با زون بندی غیر عادی در این سنگهاست که می توانند به عنوان شواهد آمیختگی ماگمای اسید و بازی باشند. بر اساس بررسی‌های صحرایی، سنگ‌شناس و ژئوشیمیایی گرانیتوییدهای منطقه از نوع I می‌باشد. این سنگ‌ها کلسیمی قلیایی بر پتاسیم و متاآلومینوس بوده و به کمان‌های قاره‌ای یا کمان‌های پس از برخورد تعلق دارند.

مطالعات صحرایی: سنگ‌شناسی کلی محدوده‌ی مورد مطالعه عبارت است از سنگ‌های آتشفشانی و آذرآواری ائوسن، سنگ‌های پلوتونیک و نیمه عمق ائوسن میانی - بالایی و به طور محدودتر سنگ‌های جوان دوره‌ی کواترنری. سنگ‌های پلوتونیک منطقه به طور کلی به دیوریت‌ها و سنگ‌های حد واسط کوارتزدار و گرانودیوریتی تقسیم می‌شود. - مجله علوم زمین

آذربایجان شرقی: در نواحی زمین ساختی فعال، ویژگی‌های سامانه‌های رودخانه‌ای و شکل‌های توپوگرافی، امکان برآوردی کمی از روابط بین فعالیت‌های زمین ساختی و فرآیندهای سطح زمین و مدل بندی تکامل چشم انداز فراهم می‌آورند. در این تحقیق، مسائل زمین ریخت‌شناسی زمین ساختی مناطق واقع در مسیر گسل شمالی میشو در دامنه‌ی شمالی میشو داغ آذربایجان (شمال باختری ایران) مورد مطالعه قرار گرفته است. در ارزیابی آثار فعالیت گسل در ریخت‌شناسی دامنه‌ی شمالی میشو داغ، عمده‌ی توجه به کمیت‌های توپوگرافی، الگوهای شبکه‌های زهکشی (AF و Bs) و نیمرخ‌های طولی رودخانه‌ها معطوف شده است. داده‌های حاصل از تحلیل‌های توپوگرافی، بررسی سامانه‌های رودخانه‌ای منطقه و شواهد زمین ریخت شناختی حاصل از مشاهدات میدانی، نشان می‌دهند که دست کم در اواخر پلیستوسن و هولسن، حرکات اریب لغز با مؤلفه‌ی افقی راستگرد گسل بیشتر از حرکات بالا آمدگی و فعالیت گسل در میشو باختری بیشتر از میشو خاوری بوده است. بررسی نیمرخ‌های طولی آبراهه‌ها نشان می‌دهد که چشم انداز فعلی دامنه‌ی شمالی میشو، علاوه بر خود گسل شمالی میشو، نتیجه‌ی عملکرد شاخه‌های فرعی این گسل، به ویژه در میشو خاوری است به گونه‌ای که شاخص‌هایی ماندن **Vf** نیز از آن متأثر شده‌اند. در

حال حاضر، دامنه‌ی شمالی میشو داغ در حال تطبیق تدریجی خود با شرایط زمین ساختی فعالی است که چشم انداز کلی آن را تحت تأثیر قرار داده است. مجله‌ی علوم زمین

آذربایجان شرقی: اسکارن پهناور، در خاور سیه رود، نمونه‌ای شاخص از اسکارن‌های غنی از مگنتیت است که در محل همبری توده‌ی نفوذی کوارتز-دیوریتی قولان با مشخصه‌ی گرانیتوییدی تیپ I (به سن الیگومیوسن) با سنگ‌های کربناتی غالباً آهکی کرتاسه بالایی تشکیل شده است. مشاهدات صحرایی و مطالعات کانی شناسی نشان می‌دهند اسکارن پهناور از نوع کلسیک بوده و شامل دو زون ۱) درون اسکارن و ۲) برون اسکارن است. برون اسکارن زون اصلی بوده و خود شامل دو زون اصلی مشخص ۱) گارنت اسکارن در سمت همبری و ۲) اپیدوت اسارن با فاصله‌ی دورتر از همبری می‌باشد. دو مرحله‌ی کلی اسکارن زایی در پهناور تشخیص داده شد، ۱) مرحله‌ی پیشرونده و ۲) مرحله‌ی پسرونده. مرحله‌ی پیشرونده که در محدوده‌ی دمایی $^{\circ}C$ ۵۵۰-۴۷۰ تشکیل شده، خود شامل دو مرحله مجزا، الف) تشکیل اسکارنویی هورنفلسی (بای متاسوماتیک) و آهک‌های دوباره‌ی تبلور یافته (مرمر) به صورت ایزوشیمیایی و ب) تشکیل اسکارن متاسوماتیک که در طی آن یک سری کانی‌های سیلیکات کلسیم بدون آب دانه متوسط تا درشت تشکیل شدند. مرحله‌ی پسرونده در دمای کمتر از $^{\circ}C$ ۴۷۰ شروع شده و شامل دو مرحله‌ی جداگانه است. الف) مرحله‌ی پسرونده‌ی پیشین که در آن مجموعه کانیایی سیلیکات کلسیم بدون آب تشکیل شده در مرحله‌ی پیشرونده توسط یک سری کانی‌های سیلیکات‌های کلسیم آبدار (اپیدوت، ترمولیت-کتینولیت)، سیلیس (کوارتز)، کربنات (کلسیت) و کانی‌های مات (مگنتیت، هماتیت و پیریت) جانشین شده‌اند. مگنتیت عمدتاً در طی این مرحله تشکیل شده است. ب) مرحله‌ی پسرونده پسین که در جریان آن بیشتر کانی‌های تشکیل شده در مراحل قبلی متحمل دگرسانی شده و به یک سری مجموعه دانه ریز شامل کلریت، کلسیت، کوارتز، هماتیت و کانی‌های رسی تبدیل شده‌اند. مجله‌ی علوم زمین

آذربایجان شرقی: هدف از این مطالعه، تعیین زایش رخدادهای منگنز اطراف هشترود، با نگرشی ویژه به منطقه‌ی ایده‌لو ـ جوکندی است. در این منطقه کانی سازی پراکنده و نسبتاً گسترده منگنز صورت گرفته که منشأ آن از نوع چشمه‌های آب گرم و به شکل سطحی است. کانی سازی عمدتاً به شکل توده‌ای و رگه‌ای است. به خاطر وجود چشمه‌های آب گرم و آثار آن‌ها در محدوده مطالعاتی، می‌توان نتیجه گیری کرد که ترکیب‌های آهن و منگنز به صورت محلول در ترکیب آب‌های گرم منطقه شرکت داشته‌اند و توسط همین چشمه‌ها بر سطح زمین نهشته شده و یا به داخل شکستگی‌ها و گسل‌های موجود در بین سنگ‌های منطقه نفوذ کرده و سبب کانی سازی شده‌اند. نوع کانی منگنز به طور عمده پیرولوزیت و پسیلوملان و کانی‌های همراه آن، ژیپس، تراورتن، باریت و ژاسپر می‌باشند.

کانسار جوکندی در ۸۰ کیلومتری باختر - جنوب باختر میانه و ۳۷ کیلومتری جنوب - جنوب باختر هشترود و شمال باختر روستای جوکندی واقع است. کانسار از ۲ بخش تشکیل شده است: کانسار شماره‌ی ۱ که به فاصله‌ی ۲۸۰۰ متری در شمال خاوری کانسار شماره‌ی ۲

قرار دارد. کانی سازی از نوع صورت دو نوار با ستبرای جمعی ۳ متر، طول ۱۵ متر و پهنای متوسط ۱ متر نهشته شده است. نوارهای منگنز در این جا، زیر لایه‌های آهکی قرار دارند. آهک حالت افقی داشته و خیلی جوان (کواترنر) است. عیار متوسط منگنز در نمونه‌ها حدود ۴۰ درصد و عناصر همراه آن گوگرد، فسفر و سیلیس است. بررسی‌های صحرای نشان می‌دهند چشمه‌های آب گرمی که زمانی در منطقه فعالیت داشته و در حال حاضر خشک می‌باشند باعث رسوب گذاری و تشکیل نوارها و عدسی‌های منگنز به صورت میان لایه همراه با تراورتن در منطقه شده‌اند.

زمان تشکیل کانسار، کواترنر بوده و کانی سازی از نوع نهشت رسوبات حاصل از چشمه‌های آب گرم و به شکل سطحی است. مثال زنده‌ی این موضوع، چشمه‌ی آب گرم و فعالی ایسی سو در منطقه است. عمده‌ترین کانی منگنز در این کانسارها، پیرولوزیت همراه با کمی پسیلوملان می‌باشد و بافت چیره در آن، بافت کلیه‌ای، پیزولیتی و نوار بندی هم مرکز است. نمونه‌های برداشت شده از رخدادهای معدنی منطقه بر روی نمودارهای ژئوشیمیایی ماهیت گرمابی نشان می‌دهند. مجله‌ی علوم زمین

آذربایجان شرقی: کمپلکس مافیک ـ اولترامافیک میشو (پیش از پرمین) در ۸ کیلومتری جنوب باختر مرند در آذربایجان خاوری قرار دارد و در سنگ‌های رسی پروتروزوییک (سازند کهر) نفوذ کرده و باعث دگرگونی همبری در همبری آن‌ها شده است. این کمپلکس، در بخش شمالی منطقه مورد مطالعه، توسط یک گسل معکوس در کنار سنگ‌های مارنی و ماسه سنگی ژیپس دار میوسن قرار گرفته است.

بر اساس شواهد صحرایی، بافتی و ساختاری، نفوذهای مافیک ـ اولترامافیک میشو به دو دسته تقسیم بندی می‌شوند: ۱) گابروهای اولیه، ۲) گابروهای ثانویه. گابروهای اولیه به صورت توده های‌سنگی بزرگ و خشن برونزد داشته و بخش عمده منطقه مورد مطالعه را می‌پوشانند در حالی که گابروهای ثانویه، به صورت نفوذی‌های کم حجم و نسبتاً کوچک دایک و سیل مانند و نامنظم در داخل گابروهای اولیه ظاهر می‌شوند.

بر اساس کانی‌شناسی سیلیکات‌ها، بافت و محتوای کانی‌های سولفیدی گابروهای اولیه به سه زیرگروه ۱) گابروهای اولیه معمولی، ۲) لکه‌های گابرویی غنی از سولفید و ۳) لکه‌های پیروکسینیتی غنی از سولفید و گابروهای ثانویه به دو زیرگروه ۱) دیابازی و ۲) میکروپیروکسنیتی غنی از سولفید رده بندی شده‌اند.

فازهای تیره (سولفیدی و اکسیدی) در این سنگ‌های عمدتاً فضای خالی میان کانی‌های سیلیکاتی را به صورت انبوهه‌های گرد شده و خمیده پر کرده و یا گاه در لکه‌های غنی از سولفید به طور کامل فازهای کانیایی سیلیکاتی را احاطه کرده‌اند. در گابروهای اولیه معمولی، پیروتیت و ایلمنیت فراوان‌ترین کانی‌های سولفیدی و اکسیدی بوده که مقادیر مودال آن‌ها به ترتیب در محدوده ۳-۰/۰٪ و ۱۰-۰/۵٪ قرار می‌گیرند.

زمین‌شناسی منطقه: باتولیت مافیک ـ اولترامافیک میشو در منطقه مورد مطالعه به طول حدود ۱۲ کیلومتر و عرض حدود ۵ کیلومتر در ۸ کیلومتری جنوب باختر مرند در آذربایجان خاوری واقع است. این سنگ‌ها متعلق به پالئوزوییک (پیش از پرمین) بوده و در سنگ‌های عمدتاً شیلی ـ مارنی به پروتروزوییک (تشکیلات

کهر) که عمدتاً در بخش شمالی منطقه برونزد دارند نفوذ کرده و باعث دگرگونی همبری آن‌ها شده‌اند. توده‌ی گابرویی میشو در بخش شمالی در امتداد یک گسل معکوس در کنار سازندهای تخریبی ـ تبخیری (مانند مارن‌های سرخ، مارن‌های ژیپس دار، ماسه سنگ‌های دارای نمک و ژیپس) میوسن قرارگرفته است. این نهشته‌ها در بخش‌های شمالی‌تر توسط دسته‌ای گنبد آتشفشانی کوچک (تراکی ـ داسیت تا داسیت) بریده شده و با سنگ‌های آذر آواری (توف‌ها و آگلومراها) و گدازه‌های آندزیتی پلیوسن پوشیده شده‌اند. ـ مجله علوم زمین

آذربایجان شرقی: دگرسانی‌های گرمابی با هاله‌های وسیع‌تر از اهداف اکتشافی برای ثبت بی هنجاری‌های فلزهای پایه، گرانیها و احتمالاً رادیواکتیو، با روش تلفیقی در منطقه میانه ـ آذربایجان شرقی بررسی شد.

با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای به دو روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و نسبت باندها، شناسایی دگرسانی‌های منطقه انجام گردید و در مرحله‌ی بعد، با تلفیق داده‌های پرتوسنجی (اورانیم، توریم و پتاسیم) و مغناطیس سنجی هوایی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و به صورت ارائه‌ی ترکیب خطی از این چهار پارامتر، دگرسانی‌های منطقه ثبت شدند.

فعالیت‌های آتشفشانی کلسیمی ـ قلیایی و قلیایی و موجب فعالیت دوباره‌ی محلول‌ها (**Reactivation**) در منطقه و در نتیجه کانی سازی‌های فلزی از نوع اپی ترمال شده است. این زون با روند شمال خاور ـ جنوب باختر، دچار خمیدگی شده است.

زمین‌شناسی منطقه: سنگ‌های میانه بیشتر از واحدهای سنگی آتشفشانی تشکیل شده که سامانه‌ی آتشفشانی با شکل بیضوی با را شامل می‌شود. تشکیل این سامانه با سنگ‌های آندزیتی شروع و در اواخر ائوسن به طرف سنگ‌های آندزیت آنالسیم دار متمایل می‌شود. در مراحل بعد، این سامانه با تشکیل ریولیت، ریوداسیت، وداسیت و نفوذ سنگ‌های گرانودیوریت و کوارتز مونزونیت توأم می‌گردد. وجود چند مرحله فعالیت آتشفشانی در زمان‌های مختلف، موجب پیچیدگی سنگ شناختی، گسلش و چین خوردگی سنگ‌ها شده است. رخنمونی از سنگ‌های نفوذی در منطقه مشاهده نمی‌شود اما وجود آن در لایه‌های زیرین منطقه با داده‌های مغناطیس سنجی هوایی اثبات شده است. واحدهای رسوبی جنوب منطقه شامل کنگلومرا بوده و به طرف شمال و شمال خاور، بیشتر حالت ماسه سنگی و سیلتی پیدا می‌کنند.

مس، مولیبدن پورفیری سونگون ـ اهر ـ آذربایجان شرقی: در کانسار مس سونگون، تنها در بخش شمالی روستای سونگون سنگ‌های ماگماتیک تحت تأثیر دگرسانی و کانی زایی گسترده قرار گرفته‌اند. جایگزینی توده‌های نفوذی و نیمه ژرف در چندین مرحله انجام شده و تنها یک توده‌ی نفوذی نیمه ژرف مسئول کانی سازی و دگرسانی است. این توده در شمال روستای سونگون قرارگرفته و ترکیب سنگ‌شناسی گرانیت تا بیوتیت گرانودیوریت دارد. روند ماگمای سنگ‌های نفوذی این منطقه در قلمرو کالک آلکالن است و ویژگی (I) تیپ گرانیت را دارد و از نظر ویژگی‌های ژئوتکتونیکی در قوس قاره‌ای (Continental Arc) جایگزین شده‌اند. بر اساس داده‌ها و مطالعات صحرایی، سن

جایگزینی توده‌های نفوذی این منطقه بعد از ائوسن و همزمان با فاز کوهزایی پیرنه‌ای است. دگرسانی از تیپ پیشرفته بوده و زون‌های دگرسان شده‌ی پتاسیک، فیلیک، آرژیلیک و پروپیلیتیک پدیده آورده است. بیوتیت و فلدسپات پتاسیک ثانویه شاخص دگرسانی زون داخلی (پتاسیک)، سریسیت و سیلیس در زون، فیلیک، کائولینیت در زون آرژیلیک و کلریت و اپیدوت در زون پروپیلیتیک است.

کانی زایی هیپوژن در این منطقه به اشکال پراکنده (Dissemination)، شبکه‌ای (Stockwork) و رگه‌ای (Veintype) ظاهر شده است. کانی‌های فلزی معمولاً در بخش‌های داخلی به وجود آمده‌اند که در زون پتاسیک توسط کالکوپیریت پراکنده، در زون فیلیک به فرم رگه‌ای و در زون آرژیلیک کمتر به فرم انتشاری وجود دارد، ارتباط معکوسی میان گسترش و توسعه‌ی کالکوپیریت و مولیبدنیت در مقادیر نسبتاً بالای این دو کانی وجود دارد، این نسبت میان کالکوپیریت و پیریت نیز مشاهده می‌شود.

کانی سازی در این منطقه طی دو مرحله اتفاق افتاده و تفکیک آن دو به کمک نتایج مطالعه‌ی سیالات در گیر (Fluid Incusions) نشان داده شده است. در این شیوه مطالعه‌ی کانی سازی به وسیله‌ی پارامترهای فیزیکو-شیمیایی مانند درجه حرارت، فشار، و دخالت آب‌های جوی به سیستم کنترل می‌شود.

مرحله‌ی آغازین کانی سازی با پاراژنز کالکوپیریت، مولیبدنیت، ایلمینت، ترائیدریت، تنانتیت، پیریت و با دگرسانی‌های پتاسیک و پروپیلیتیک در درجه حرارت‌های ۴۵۰°C-۳۵۰ و در بعضی مواقع حتی بیش از ۵۰۰°C اتفاق افتاده است، دومین مرحله‌ی کانی سازی با پاراژنزهای کالکوپیریت، مولیبدنیت و پیریت، بورنیت، کالکوسیت، روتیل، سرب و روی و طلا و با دگرسانی‌های فیلیک و آرژیلیک در درجه حرارت‌های ۳۵۰°C-۲۵۰ رخ داده است.

در سیالات درگیر، حضور کریستال‌های دختر (Daughter Crystal) مانند هالیت (Halite)، سیلویت (Sylvite) و اوپاک (Opaque) با نمک گونگی بالا (High Salinity) حاکی از محلول‌های هیدروترمال غنی از کمپلکس‌های کلرین (Chlorine Complex) است. رخ نمون‌های اسکارن با ضخامت‌های گوناگون در اطراف نهشته‌ی پورفیری پراکنده است. تیپ کانی سازی اسکارن اکثراً در مرز زون بارور (Productive zone) توده‌ی نفوذی با آهک‌های کرتاسه‌ی بالا به وجود آمده است. مجله علوم زمین شماره ۱۰

سونگون، نگینی دیگر بر کمربند مس: کانسار سونگون، جای گرفته در شمال باختری کمربند مس از سه کانی سازی مشخص اسکارن، افشان و رگه‌ای تشکیل شده است، زون غنی شدگی آن یا وجود ندارد و اگر هست کانی سازی ثانویه‌ی مس سولفوره در آن دیده نمی‌شود. بررسی‌های ژئوشیمیایی وجود دو کانی سازی کاملاً مشخص را بر روی اسکارن و توده‌ی نفوذی مونزونیتی نشان می‌دهد. بررسی‌های ژئوفیزیکی نشان داد که کانی سازی با کم‌ترین مقدار ناهنجاری الکتریکی همراه است. بررسی زمین‌شناسی گمانه‌ها و تونل‌ها، به ترتیب از ژرفا به سوی بالا، وجود دگرسانی گائولینیتی شدن را به همراه مولیبدن - مس در زیر، سیلیسی شدن و مس-مولیبدن را در بالا، سریسیتی شدن با مس و پیریتی شدن را با

مس بسیار کم در بالاترین سطح نشان می‌دهد. در بررسی‌های میکروسکوپی دلیل گسترش ناهنجاری‌های مولیبدن در مقایسه با مس روشن شده است و ثابت شد که کانی سازی پیریتی شدن و تا حدی بخشی از مس در وابستگی با دگرسانی سیلیکات‌های آهن دار با گوگرد برخاسته از محلول‌های گرمابی است. ـ مجله علوم زمین ـ سازمان زمین‌شناسی

جمعیت شهرستانهای استان آذربایجان شرقی

شهرستان آذرشهر: تعداد خانوار ۲۶۸۵۷، جمعیت ۱۰۱۴۷۹، تعداد باسواد ۷۳۴۷۴، تعداد بیسواد ۱۷۳۴۰ نفر.

شهرستان اسکو: تعداد خانوار ۲۳۶۱۳، جمعیت ۸۵۴۹۸، تعداد باسواد ۶۳۷۲۳، تعداد بیسواد ۱۲۲۹۸ نفر.

شهرستان اهر: تعداد خانوار ۳۴۰۶۷، جمعیت ۱۴۹۵۳۰، تعداد باسواد ۹۵۹۱۹، تعداد بیسواد ۳۸۰۲۷.

شهرستان بستان آباد: تعداد خانوار ۲۱۲۲۵، جمعیت ۹۷۲۳۹، تعداد باسواد ۶۴۸۹۹، تعداد بیسواد ۲۱۰۸۹.

شهرستان بناب: تعداد خانوار ۳۱۹۲۱، جمعیت ۱۲۶۸۸۸، تعداد باسواد ۹۰۸۹۱، تعداد بیسواد ۲۳۱۹۸.

شهرستان تبریز: تعداد خانوار ۴۲۳۷۷۵، جمعیت ۱۵۷۹۳۱۲، تعداد باسواد ۱۲۲۶۵۰۱، تعداد بیسواد ۲۰۰۳۷۲.

شهرستان جلفا: تعداد خانوار ۱۴۱۸۶، جمعیت ۵۳۵۷۹، تعداد باسواد ۳۸۹۴۱، تعداد بیسواد ۸۷۳۳.

شهرستان چاراویماق: تعداد خانوار ۶۳۹۶، جمعیت ۳۴۶۶۵، تعداد باسواد ۲۰۶۱۲، تعداد بیسواد ۹۱۶۱.

شهرستان سراب: تعداد خانوار ۳۱۹۷۷، جمعیت ۱۳۳۶۱۷، تعداد باسواد ۹۳۷۱۷، تعداد بیسواد ۲۵۲۳۳.

شهرستان شبستر: تعداد خانوار ۳۳۲۵۵، جمعیت ۱۲۳۸۸۸، تعداد باسواد ۸۶۹۴۱، تعداد بیسواد ۲۴۴۴۳.

شهرستان عجب شیر: تعداد خانوار ۱۶۰۳۹، جمعیت ۸۵۰۳۱، تعداد باسواد ۴۵۹۶۴، تعداد بیسواد ۱۳۹۲۷.

شهرستان کلیبر: تعداد خانوار ۱۹۲۵۰، جمعیت ۸۹۶۹۸، تعداد باسواد ۵۳۷۶۸، تعداد بیسواد ۲۵۲۳۶.

شهرستان مراغه: تعداد خانوار ۵۷۶۱۲، جمعیت ۲۳۵۷۰۲، تعداد باسواد ۱۶۷۲۹۶، تعداد بیسواد ۴۵۰۰۵۳.

شهرستان مرند: تعداد خانوار ۵۹۰۹۷، جمعیت ۲۳۲۰۶۷، تعداد باسواد ۱۶۶۱۶۷، تعداد بیسواد ۴۲۹۳۶.

شهرستان ملکان: تعداد خانوار ۲۴۸۲۳، جمعیت ۱۰۱۵۱۸، تعداد باسواد ۶۹۲۰۴، تعداد بیسواد ۲۱۲۴۱.

شهرستان میانه: تعداد خانوار ۴۶۴۶۹، جمعیت ۱۹۱۲۹۱، تعداد باسواد ۱۳۴۰۳۹، تعداد بیسواد ۳۷۵۱۰.

شهرستان ورزقان: تعداد خانوار ۱۰۷۶۶، جمعیت ۴۸۱۱۲، تعداد باسواد ۲۹۰۲۰، تعداد بیسواد ۱۲۹۹۹.

شهرستان هریس: تعداد خانوار ۱۵۹۱۶، جمعیت ۶۸۳۰۰، تعداد باسواد ۴۳۹۳۸، تعداد بیسواد ۱۶۶۲۱.

شهرستان هشترود: تعداد خانوار ۱۳۹۹۷،

جمعیت ۶۴۰۴۲، تعداد باسواد ۴۴۵۸۰، تعداد بیسواد ۱۳۵۸۹. ـ مرکز آمار ایران

شهرستانهای استان آذربایجان شرقی

آبش احمد: از بخشهای شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر آبش احمد دارای سه بخش و سه دهستان (۱ - آبش احمد ۲ - سیدان ۳ - قشلاق) است.

آجی چای: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی، مرکز این دهستان مایان سفلی است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک. و رود ستح و رود آجی چای در آن روان است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و فرش با طرحهای محلی و تبریز.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

آذر شهر: از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که از ۱۳۷۶/۳/۲۵ بصورت شهرستان درآمد.

آذرشهر به علت قرارگرفتن در دامنه شمال غربی کوههای بلندی از رشته کوههای سهند غربی و جلگه و سواحل دریاچه ارومیه، در تابستانها معتدل و زمستانها سرد است. خاک حاصلخیز و آبرفتی، چشمه سارها بسیار، آب رود توفارقان چای و هوای معتدل، این شهرستان را برای کشاورزی مستعد گردانیده از اینرو غلات حبوبات، صیفی جات و انواع میوه‌ی آن بسیار معروف است. صادرات عمده‌اش خشکبار (مغزبادام، گردو، برگه زردالو، کشمش و سبزه) میوه، لبنیات و حبوبات است.

معادن این شهرستان از نظر سنگ تراورتن، سنگ مرمر و سنگ آهک اهمیت بسیار دارد.

کوههای قبله داغی و قاف داغی از کوههای مهم این شهرستان بشمار می‌روند که از پیشکوههای سهند غربی می‌باشند. میانگین بارندگی در این شهرستان ۳۸۸ میلیمتر، خاک بسیار حاصلخیز و آبرفتی است.

آذر شهر بر جلگه‌ای مسطح در دامنه کوهستان که شیبش به سوی دریاچه‌ی ارومیه قرارگرفته، واقع است. جلگه آذر شهر روی رسوبات دوران چهارم قرار گرفته و این رسوبات را چند رود از جمله رود دهخوارقان، قوری و چند رود دیگر بجاگذاشته است.

آب و هوا: در تابستانها معتدل و در زمستانها سرد پر برف است، رود توفارقان چائی که از کوههای سهند غربی روان است، آنرا آبیاری می‌کند.

دشت آذر شهر با وسعت ۴۱۶۰ کیلومتر مربع در شرق دریاچه ارومیه و جنوب دشت تبریز قرار دارد. سطح آبهای زیرزمینی آن میان ۴ تا ۴/۵ میلیون متر است.

تقسیمات کشوری: دارای سه بخش (۱ - مرکزی ۲ - بخش گوگان ۳ - ممقان) هفت دهستان (۱ - شیرامین ۲ - قاضی جهان ۳ - قبله داغی ۴ - دستجرد ۵ - تیمورلو ۶ - ینگجه ۷ - شهرک) و ۱۳۴۶/۵۶ کیلو متر مربع مساحت و ۶۰ روستا و سه شهر (۱ - آذرشهر ۲ -گوگان ۳ - ممقان) است.

آغمیون: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی مرکزش آغمیون است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه بیگ داش و کوه داشلی داغ قرار و رود آغمیون در آن جریان دارد.

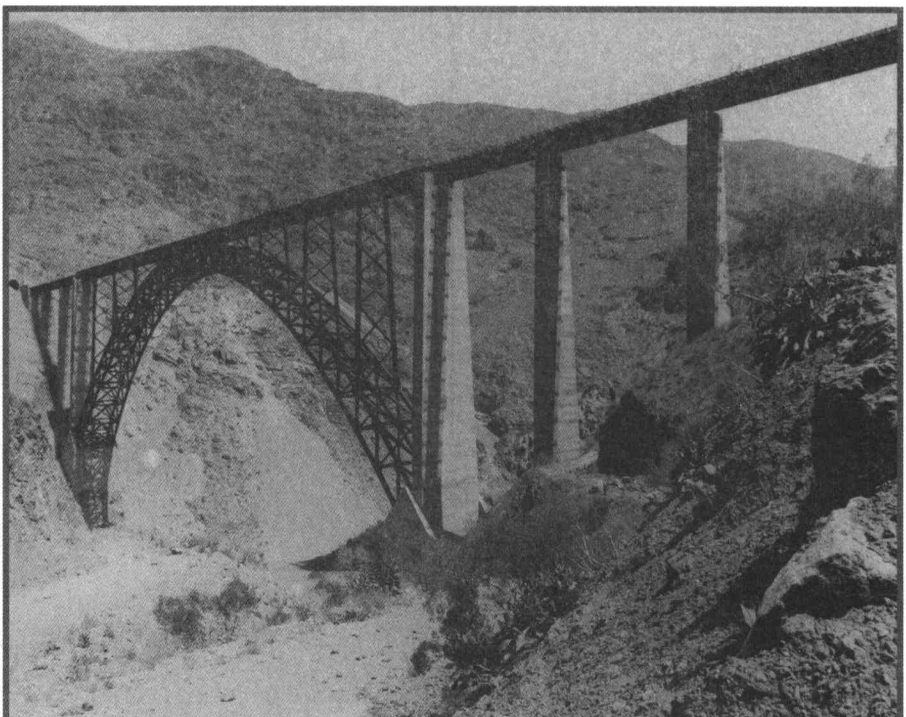
فرآورده‌ها: گندم، جو، عدس، شبدر، نخود، گاودانه، گردو، سیب و زردآلو.

پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی، غازایاقی، ختمی، مریم گلی، شیرین بیان، گل گاوزبان، گون و گیاهان مرتعی.

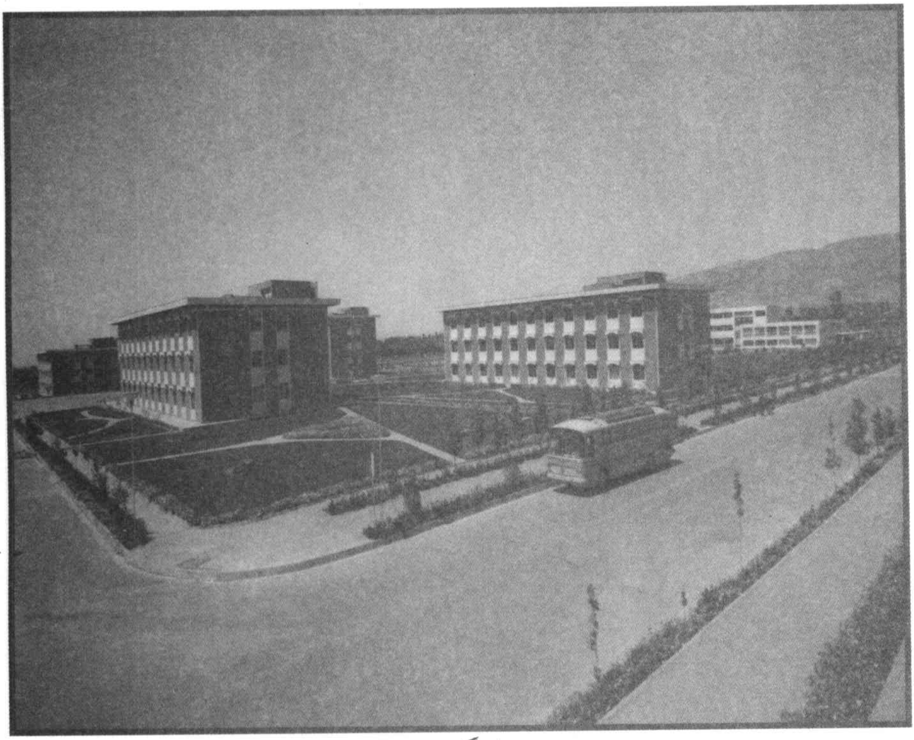
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.



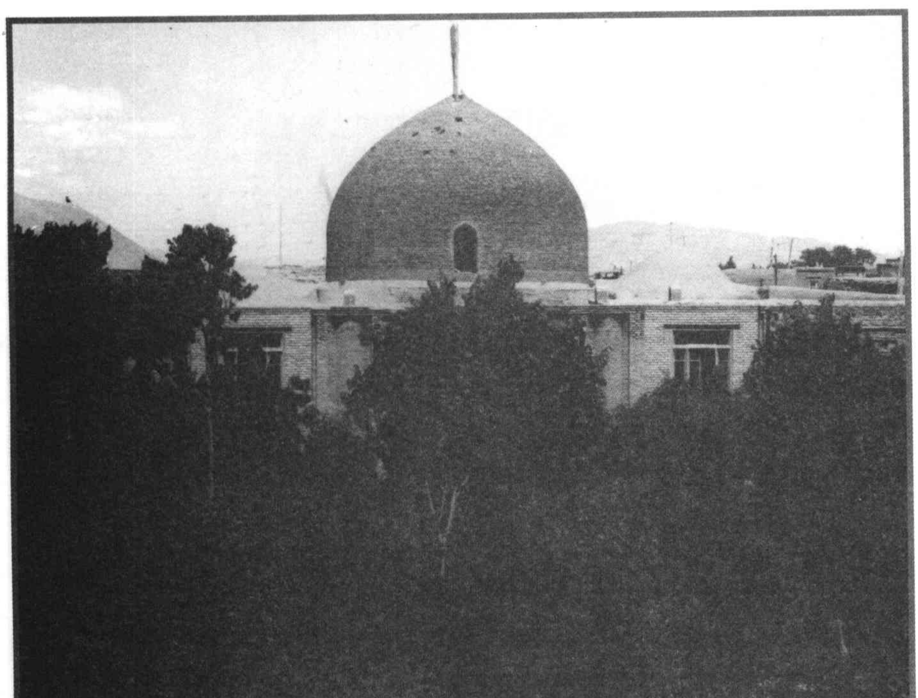
کارخانه سیمان صوفیان



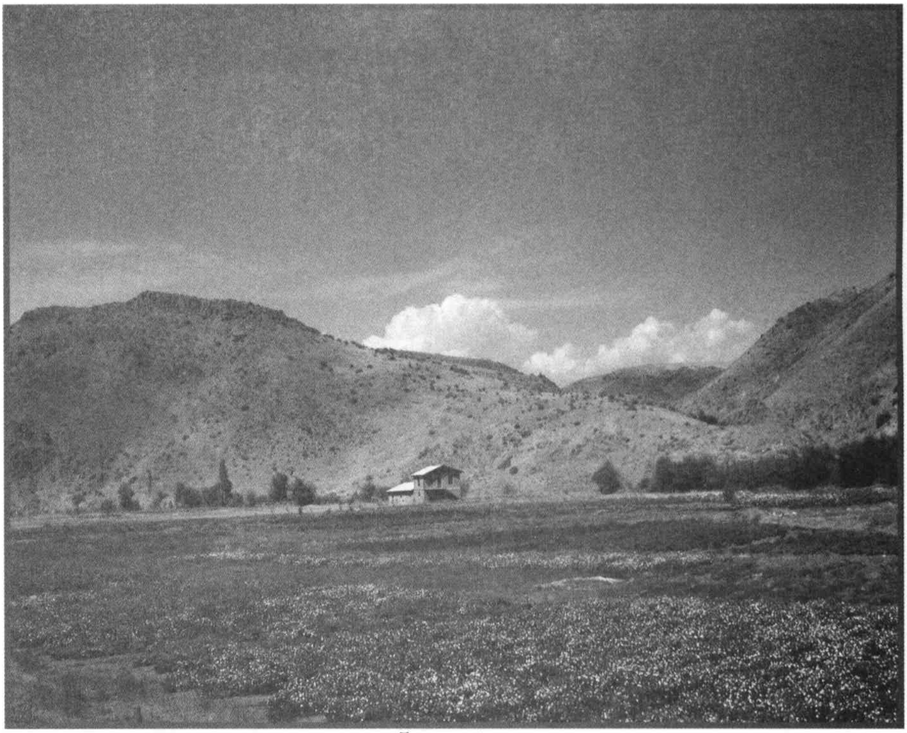
پل قطور



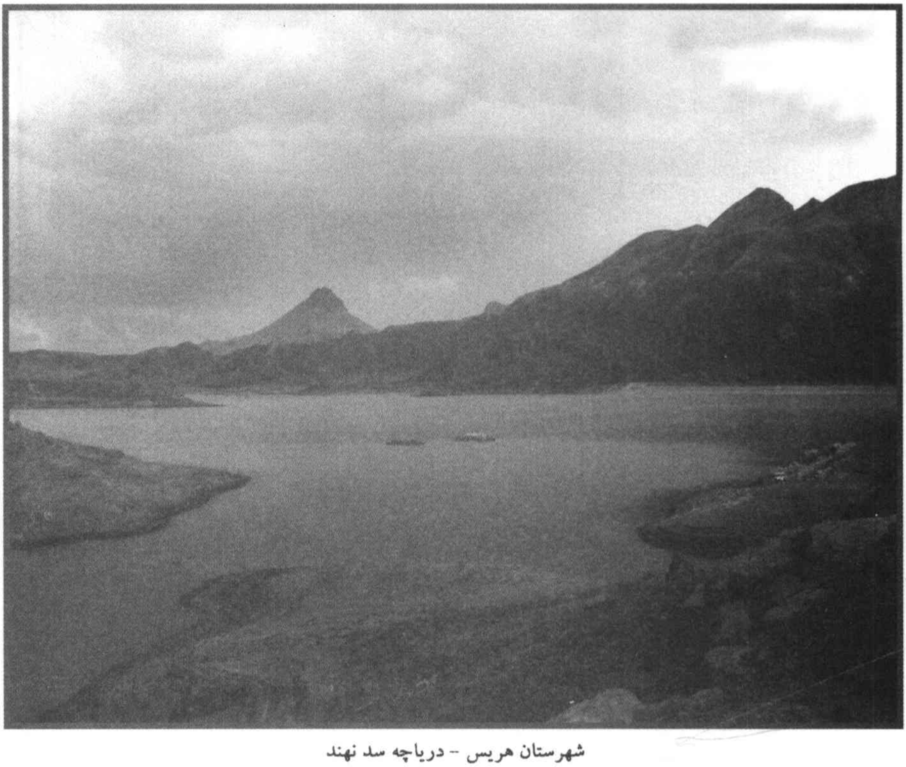
دانشگاه تبریز



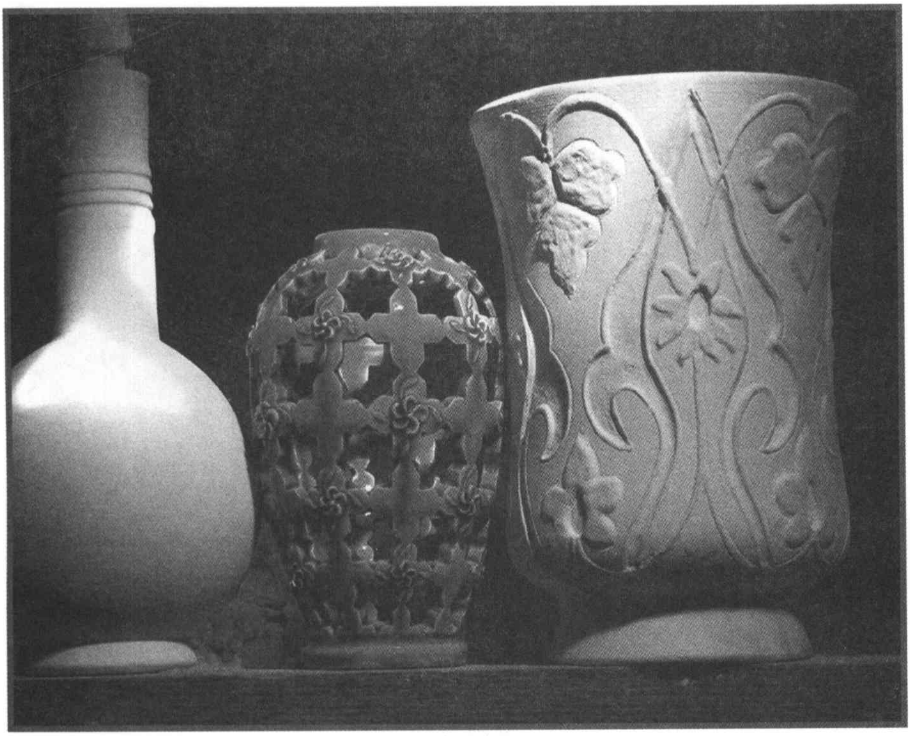
تبریز امامزاده حمزه



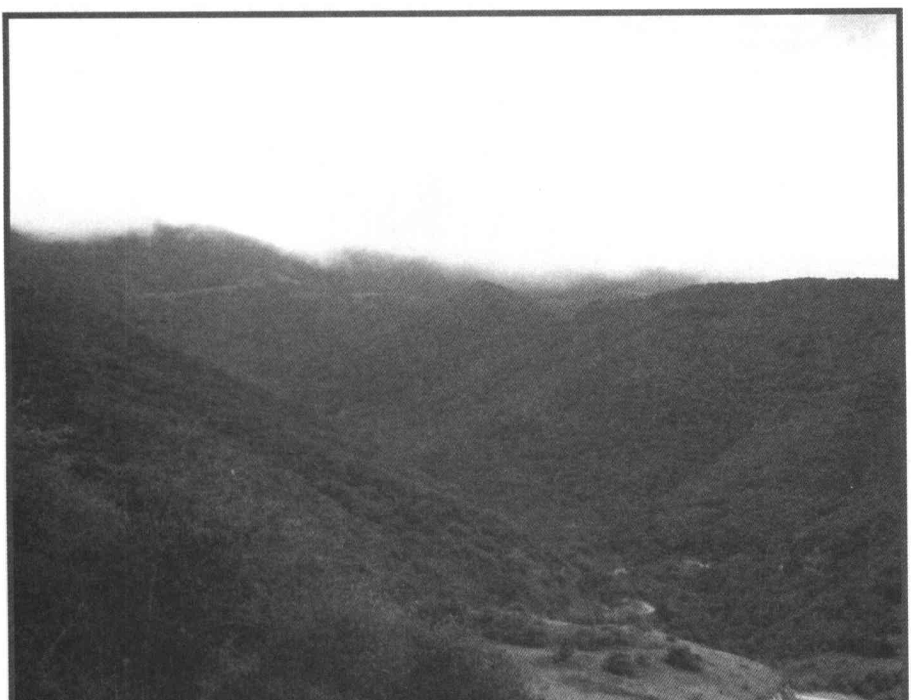
چشم اندازی از طبیعت در آذربایجان شرقی



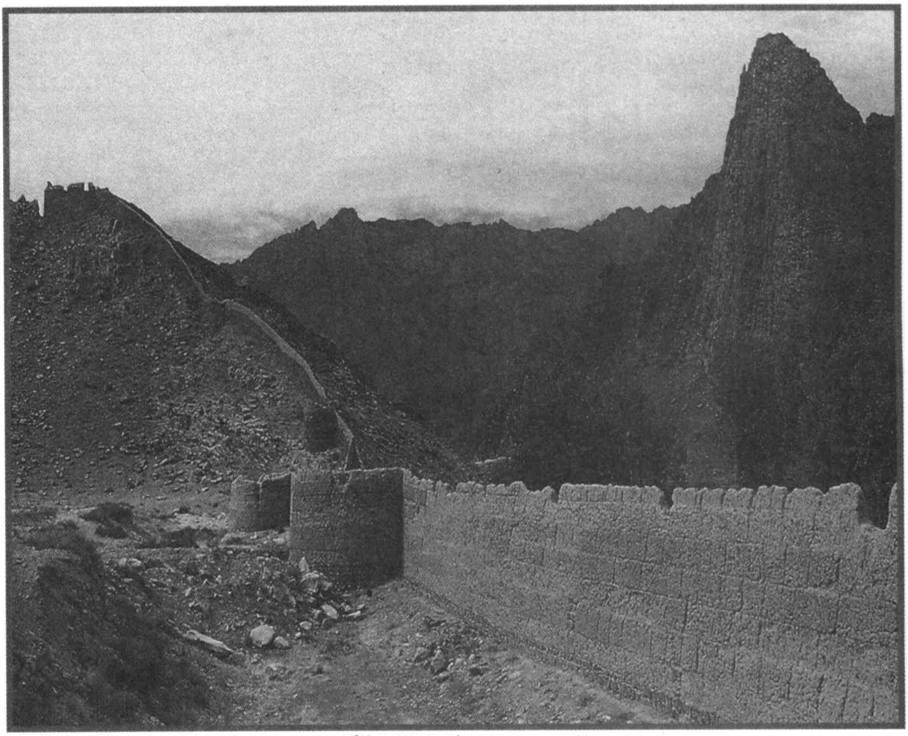
شهرستان هریس - دریاچه سد نهند



برخی از صنایع دستی



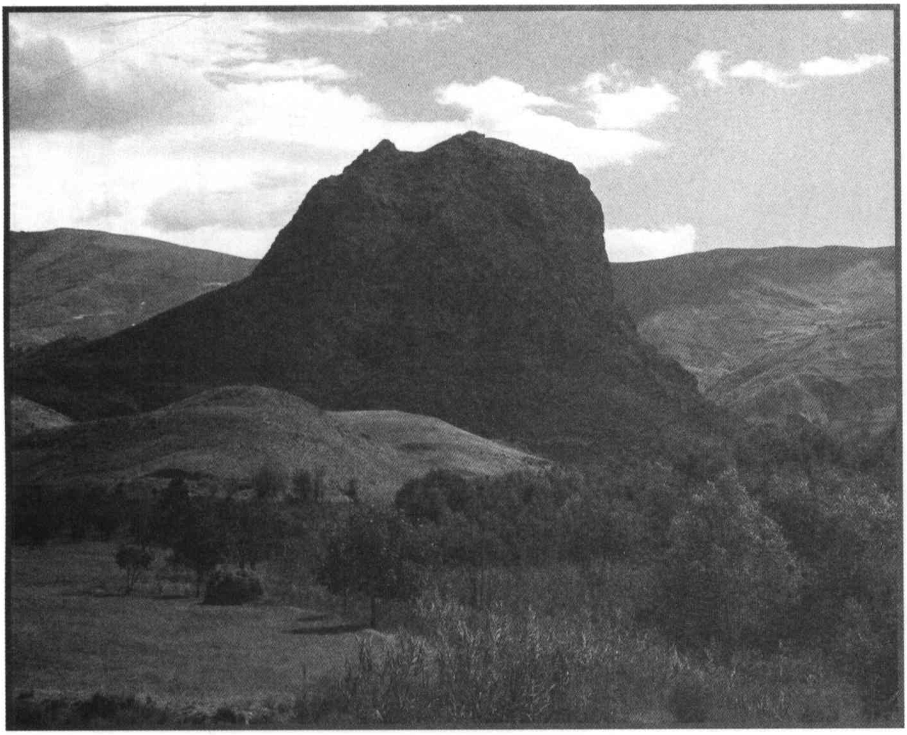
منطقه حفاظت شده ارسباران



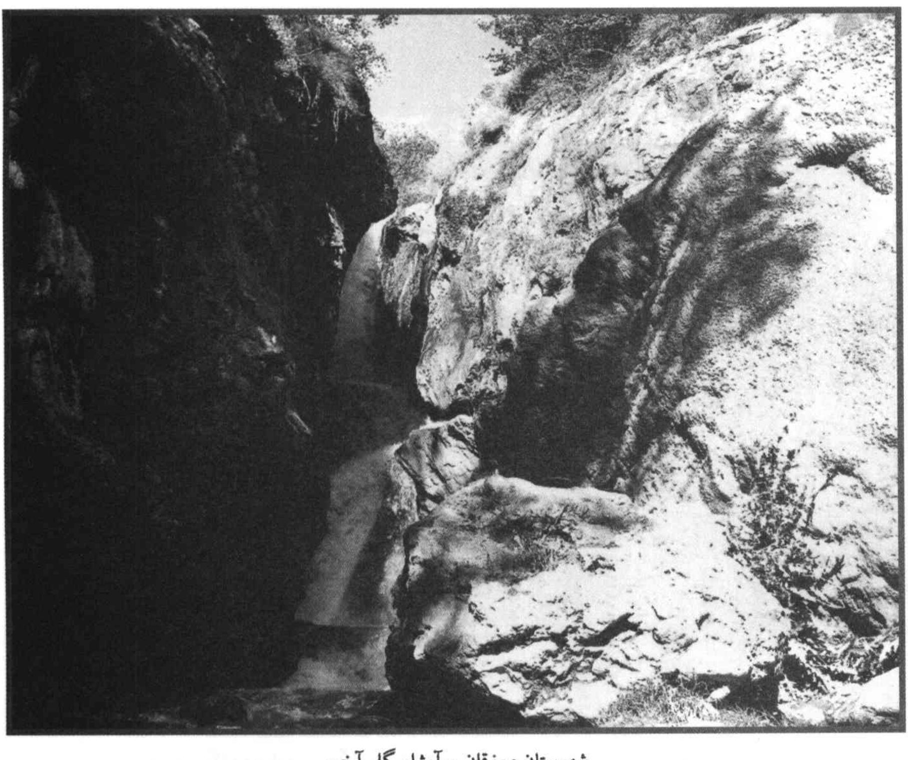
قلعه عباس میرزا (حاشیه ارس) کرشت



دانشکده معماری دانشگاه هنر اسلامی (خانه های قدکی ، بهنام ، گنجه ای)



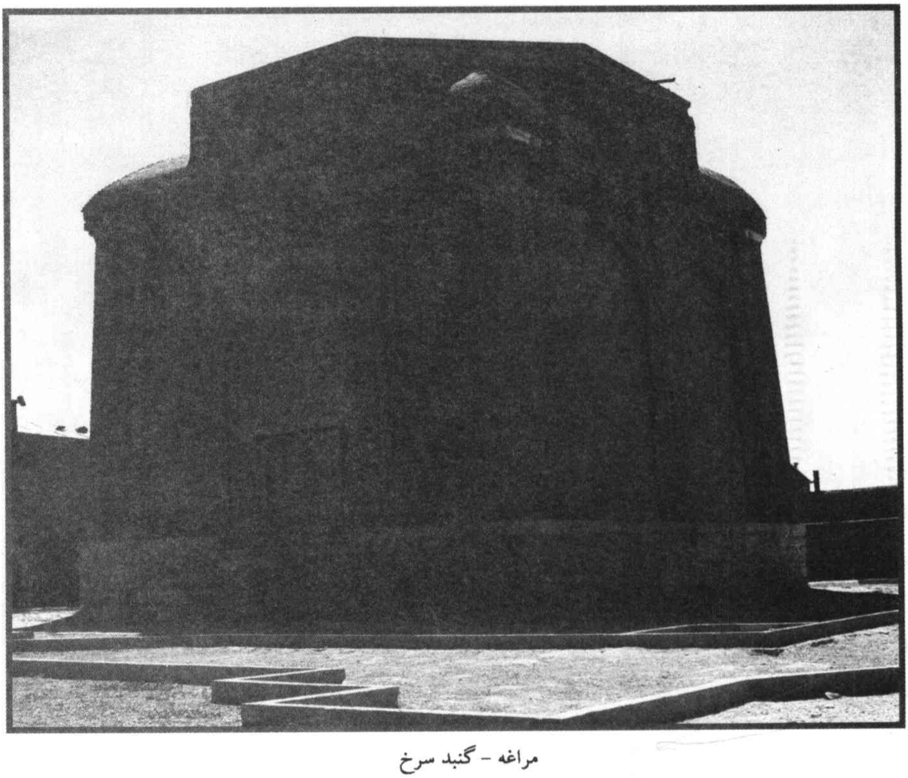
شهرستان ورزقان - قلعه جوشین



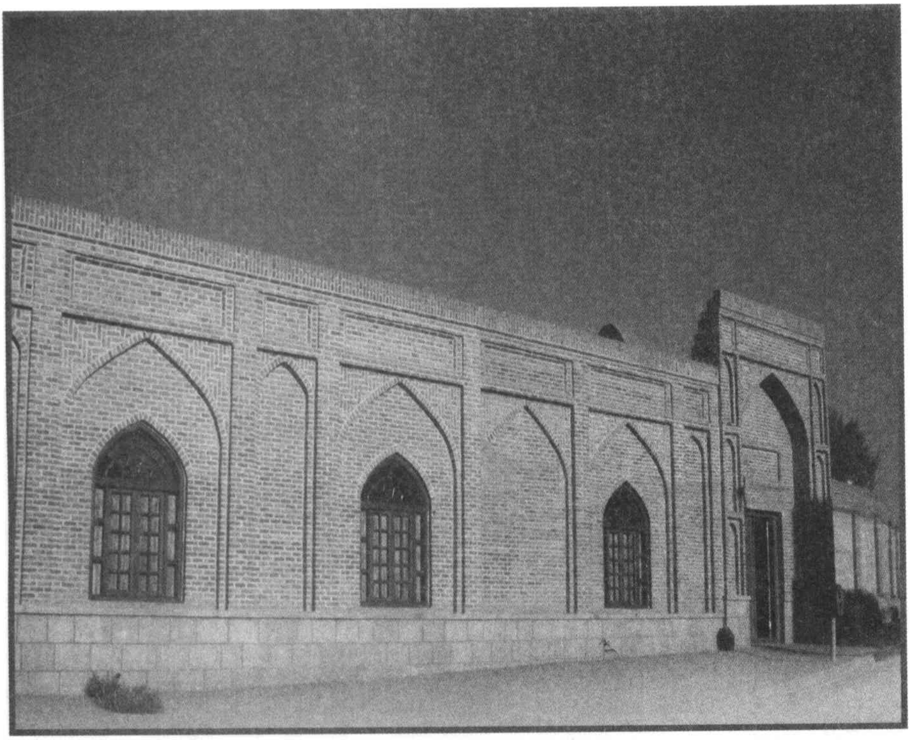
شهرستان ورزقان - آبشار گل آخور



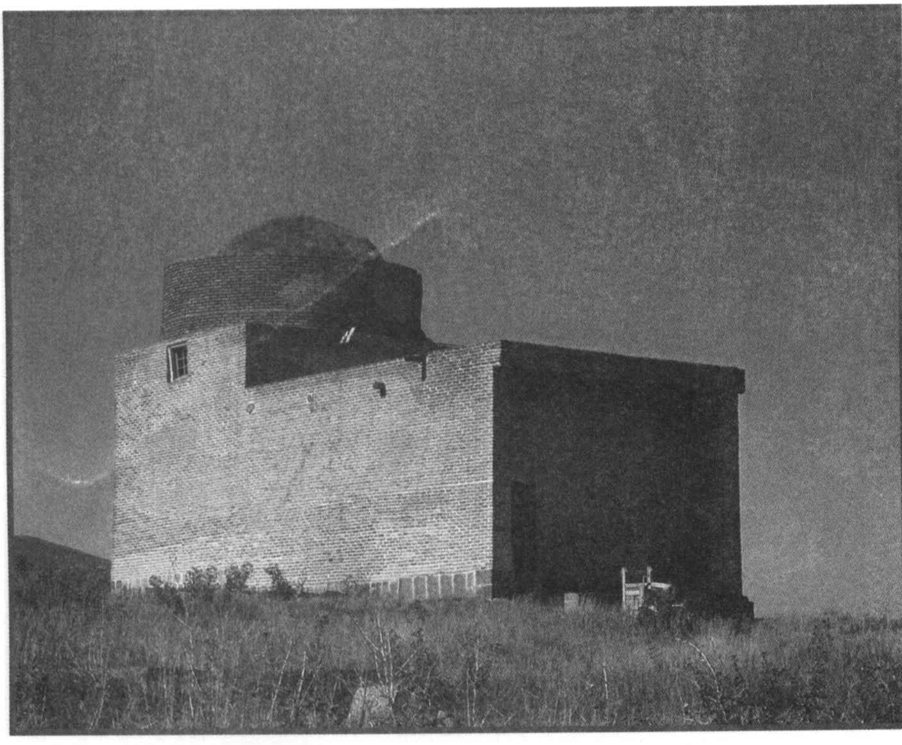
بستان آباد - مجتمع آب گرم



مراغه - گنبد سرخ



اهر - مسجد جامع



شهرستان هریس - بقعه شیخ اسحاق

آلان بـراغـوش: از دهستانهای بخش مهربان شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی مرکز آن آلان و شهر آن مهربان است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و کوه سلطان بودداغی و کوه یورت لر و کوه ساجاته و رود نرمیق چای، دره جنگل و کوه نرمی داغ

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، سیب زمینی، گلابی، سیب، گردو، زردآلو

پوشش گیاهی: شیرین‌بیان، آویشن ،خاکشی، مریم گلی، ختمی و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

آلمـالو: از دهستانهای بخش نظر کهریزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن آتش بیگ است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک و تپه بیوک دوش و تپه کلبعلی بلاغی و کان شن و ماسه قرار و رود قرانقو و رود جبنید چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود، سیب، یونجه و شبدر.

پوشش گیاهی: بولاغ اوتی، پونه، کاسنی، غاز ایاقی، گون و گیاهان مرتعی.

ابرغان: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ابرغان است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد و نیمه خشک و کوه زرد علی و تپه جولی و تپه سارگینی قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، بنشن، سیب زمینی و چوب درخت صنوبر.

پوشش گیاهی: مرزنگوش، آویشن، غازایاقی، پنیرک، درمنه، شیرین بیان، بابونه، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

اذغان: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی مرکزش اذغان می‌باشد. و در منطقه‌ای دشتی سرد و نیمه خشک و کوه تقل و تپه‌ی دیزلی و دره بلبل قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، بنشن، گاودانه، یونجه و فرش.

پوشش گیاهی: آویشن، بومادران، خاکشی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

اردلان: از دهستانهای بخش مهربان شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی، مرکز آن اسنق و شهر آن شربیان است. و در منطقه‌ای دشتی سرد نیمه خشک و کوه براغوش و تپه دلکلی داش و تپه‌های نمکی و تپه تول قرار و رود فصلی چکی چای و تلخه رود در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب زمینی، سیب، عسل و قالی.

پوشش گیاهی: پونه، خاکشی، و گیاهان مرتعی و گون کتیرا.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ارزیل: از دهستانهای بخش خاروانا شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، مرکز آن ارزیل شهرش خاروانا است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه امامزاده و کوه مازار در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، گردو، زردآلو،گیلاس، سیب و آلبالو

پوشش گیاهی: آویشن، پونه، و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.

ارسی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان جلفا استان آذربایجان شرقی، مرکز آن ارسی است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه کوله مرزی داغ قرار و رود ارسی در آن جریان دارد. کوه دره دژ و کوه کیامک و کوه کوله مرزی داغ

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، بنشن، تره‌بار، زردآلو، سیب، آلبالو، گردو، هلو، و تخمه آفتابگردان

پوشش گیاهی: آویشن، اسپند، پونه، و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و بزکوهی.

ازومدل جنوبی: از دهستانهای بخش ورزقان شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، مرکزش ورزقان و شهر آن ورزقان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک و کوه قره توپراق وکوه کوزای و کوه قرخ بلاغ و دره توکلی دره قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، عسل، وقالی.

پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، پونه، خاکشی و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ازومدل شمالی از دهستانهای شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، مرکز آن تخمدل است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک کوه بر آفتاب بزرگ (بویک گونی) و کوه سیدی داغی و کوه زکی داغی قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، بنشن، یونجه، عسل، قالی و گلیم.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، پونه، ختمی، بومادران و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک.

اسپران: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ینگی اسپران و شهر آن باسمنج است. و در منطقه‌ای برکوهی معتدل خشک و کوه داشی دره و کوه میز داغ قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، سیب، گوجه سبز و زردآلو.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

اسکو: از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که در ۱۳۷۶/۳/۲۵ بصورت شهرستان درآمد.

اسکو از شمال به تبریز، از جنوب به آذرشهر، از غرب به دهستان ممقان و ایلخچی و کرانه شرقی دریاچه ارومیه و از خاوربه روستاهای حومه تبریز محدود است.

راه آهن تبریز - مراغه از شمال و شمال شرقی شهرستان اسکو می‌گذرد.

اسکو در دامنه رشته‌کوههای سهند غربی و سلطان داغی وارشه داغی قرارگرفته کوه سلطان داغی در اوایل دوره چهارم زمین‌شناسی، دارای بادگاه و سیرک یخچالی است.

رودخانه اسکوچای که از برف فراوان بلندی‌های سهند غربی فراهم می‌شود، روستاها و مزارع این شهرستان را سیراب می‌کند. بهترین مراتع به نام ارشد چمنی و چاخ چای در این شهرستان که سخت مورد توجه دامداران می‌باشد، وجود دارد.

اسکو منطقه مهم کشاورزی و باغداری و اقتصادی و از مراکز عمده تولید خشکبار و میوه وغلات، سیب زمینی، پیاز، زردآلو، مغز بادام، گردو و انگور است.

مردم این شهرستان بیشتر به کشاورزی و باغداری وکارهای صنعتی از جمله تولید پتو، حوله، چیت، و پارچه و قالی و پارچه‌های حریر و ابریشم است اشتغال دارند.

جالب‌ترین روستای تاریخی و دیدنی شهرستان اسکو،روستای کندوان از نظر معماری و مسائل معیشتی بسیار جالب توجه است.
شهرستان اسکو ۲۱۹۲ کیلومتر مربع مساحت و بطور متوسط از سطح دریا ۱۵۲۰ متر بلندی دارد.
آب و هوا: در تابستانها معتدل و سرد و یخبندان در زمستانهاست.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱- مرکزی ۲ - ایلخچی) و دارای ۵ دهستان (۱- باویل ۲- سهند ۳ - گنبر ۴ - شورکات جنوبی ۵ - جزیره) و دارای ۲۶ روستا و دو شهر (۱ - اسکو ۲ - ایلخچی) است.
انزاب: از بخشهای شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر تسوج و دارای دو بخش (۱ -گونی غربی ۲ - چهرگان) است .
اوجان شرقی: از دهستانهای بخش تیکمه داش شهرستان بستان آباد آذربایجان شرقی و مرکز آن قرقره بابا است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها:گندم، جو، سیب زمینی، یونجه، بنشن، گاودانه، سیب، گلابی، گردو، و چوب درختان تبریزی و بید و قالی.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، کاسنی، غازایاقی، کنگر، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
اوجان غربی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بستان آباد آذربایجان شرقی و مرکز آن بنه کهل است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد ونیمه خشک و کوه گونی و ارونه کوه و تپه داشلغی قرار دارد.
فرآورده‌ها:گندم، جو، سیب زمینی، هویج، سیب، عسل، قالی و گلیم.
پوشش گیاهی: اسپند،گل گاوزبان، پونه، وگیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.
اوچ تپه شرقی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن پورسخلو است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، غازایاقی، شاتره، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، و کبک.
اوچ تپه غربی: از دهستانهای بخش ترکمانچای شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن خاتون آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه شیر داغی و کوه ساری چه و کوه قره قاچ قرار و رود قرانقو در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، برنج، سیب، و زردآلو.
پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، غازایاقی، درمنه، بابونه، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
اوچ‌هاچا: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی، مرکز آن یخفروزان است. و در منطقه‌ای برکوهی، سرد ونیمه خشک وکوههای پله، گرمنو و دستمان و دره‌های علی و آق یول و دره‌های زلی و کاغ و قزل دره (دره سرخ) قرار و رود انجرد در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، قالی و گلیم.
پوشش گیاهی: آویشن، بومادران، ختمی، گل گاوزبان، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک.

اهر (ارسباران): از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که از شمال به رودخانه ارس، از شرق به شهرستان مشکین شهر و مغان و از جنوب به شهرستان تبریز و شهرستان هریس و از باختر به شهرستان مرند، محدود و در فاصله ۷۶۵ کیلومتری تهران و در۱۱۵۷ متری از سطح دریا و در ۳۸ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳ دقیقه طول شمالی قرار دارد. این شهرستان کوهستانی که میان رودخانه ارس و کوههای ارسباران و در بخش خاوریش کوه سبلان به بلندی ۴۳۰۰ متر قرار گرفته است. مرکز شهرستان اهر (ارسباران) شهر تاریخی و آباد اهر می‌باشد که با مشکین شهر ۷۲ کیلومتر فاصله و بخش خدا آفرین ۱۴۰ کیلو متر و با کلیبر ۷۰ کیلومتر و با تبریز ۱۲۰ کیلومتر فاصله دارد.

سابقه تاریخی ارسباران و مرکز آن شهر اهر از دژهای ماد و رودخانه ارس مرز دولت ماد بود. اهر از شهرهای قدیمی آذربایجان است این شهر پیش از اسلام اوزنلار نام و این منطقه بنام میمد شهرت و در روزگار نخستین تاخت و تاز اعراب اهر یا اهریچ نام داشت و حاکم نشین آن قراداغ بود.

اهر در ۲۳ هجری به زیر فرمان تازیان در آمد. اهر دریکصدوپنجاه میلی باختر اردبیل بر کرانه رود اهر واقع است و در کتابهای جغرافیا نویسان قدیم غرب نام اهریمیان آمده و یاقوت آنرا شهری خوش ساخت وصف کرده که در شمال آن کوه سراهند واقع است. اطراف اهر شهرهای کوچک بسیاری در دامنه کوه وجود داشته که آنها را هم یاقوت و هم حمدالله مستوفی نام برده‌اند ولی تشخیص این نام‌ها و نیز تعیین مکان هر یک دشوار است درسرزمین‌های خلافت در روزگار خلفای عباسی از ۲۰۰ تا ۲۲۲ بابک به مبارزه برخاست و سردارانی از عرب راکه ۲۵۰۰۰۰ نفر نیرو داشتند شکست داد. سرانجام افشین خیانت پیشه بابک را با خدعه اسیر و به خلیفه عباسی تسلیم و نفوذ تازیان را با زبرین آذربایجان برقرار کرد.

در روزگار حکومت شهریاران گمنام (کنگریان) جستانیان، آل مسافر، روادیان، شهر اهر در ردیف سرزمین قهرمانان استقلال طلب ایران بود.

پس از بر افتادن سلجوقیان و خوارزمشاهیان در روزگار اتابکان شهرستان اهر مرکز حکومت اولاد جهان پهلوان اتابک آذربایجان بود و عده‌ای از آنان بنام ملوک اهر در ارسباران فرمان میراندند.

در روزگار صفویان جنگ سختی میان مردم اهر و ایل بایبوردلو با سپاهیان عثمانی در جنوب اهر در گرفت. که وصف آنها در کتاب عالم آرای عباسی - اسکندرمنشی آمده است.

تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - هوراند) و ۹ دهستان: (۱ - اذغان ۲ - اوچ هاچا ۳ - بزکش ۴ - قشلاق ۵ -گویچه بل ۶ - ورگهان ۷ - چهار دانگه ۸ - دو دانگه ۹ - دیکله) و ۲۳۴ روستا و شهرهای تابع اهر و هوراند است.

رودها: ۱ - اهر چای که از دامنه‌های شمالی کوهستان ارسباران سرچشمه گرفته به رود قره‌سو سرانجام به رود ارس می‌پیوندد. ۲ - علیرضا چای (برمس چای) ۳- زنگول چای ۴ -کی چیک چای ۵ - حاجی سرچای ۶ - مرزرود چای ۷ - کلیبرچای ۸ -کوه کمره چای.

کوهها: ۱ - سوروتپه (۲۹۴۰ متر) ۲ - قاپاخ تپه ۳ - چراغلی ۴ - قازان قلعه ۵ - برج داغ ۶ - زکی داغ ۷ - بوغداداغی ۸ - قوشه داغ (۳۱۵۰ متر) ۹

- گمش آباد (۲۴۵۰ متر) ۱۰ - قاضی بلاغ (۲۷۰۰ متر) ۱۱ - شیور (۲۶۵۲ متر) گزان قلعه (۲۵۹۲ متر)قورتلوداغ (۲۸۵۰ متر) سلطان جهانگیر(۳۲۷۰ متر) فندران باشی (۲۹۴۶ متر)

کانها: مس، آهک، سیلیس، سنگ ساختمانی است.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک است.

رستنی‌ها: درختان جنگلی، راش، ممرز، ارس، ون، بید، زالزالک، گلابی وحشی، گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام می‌باشد.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، خرس، کبک، بلدرچین، لک لک، هدهد، دارکوب، جغد، سار، قرقی، عقاب، سوسمار، لاک پشت و خرچنگ است.

از ایل شاهسون، ایل ارسباران عشایری در شهرستان اهر به دامداری سرگرمند.

زبان: ترکی و فارسی

درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری،قالی بافی و برخی صنایع استوار است.

گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، صیفی جات، و برنج، سیب، گلابی، گردو، انواع دام و فرآورده‌های دامی، طیور، چوب، ماسه و شن، جوراب، جعبه، درختهای صنعتی جنگلی به ویژه بلوط که اهالی میوه‌اش را می‌خورند، ارزش بسیار دارد.

شهرستان اهر ناحیه‌ای است کوهستانی که رود ارس در شمال آن روان است در این ناحیه بواسطه کوههای متعدد دارای هوای سرد و اکثر دره‌ها و بلندی‌های آن پوشیده از جنگل است. جنگلداری، دامپروری، از جمله فعالیت‌های اقتصادی مردم این سامان است. این شهرستان ۶۴۳۶ کیلومترمربع مساحت و ۱۳۴۱ متر به طور متوسط از سطح دریا فاصله و در ۱۲۰ کیلومتری تبریز قرار دارد.

ایلخچی: از بخش‌های شهرستان اسکو در مرکز استان آذربایجان شرقی قرار دارد و مرکز آن شهر ایلخچی و دارای دو بخش (۱ - شورکات ۲ - جزیزه) است.

ایلخچی از حاصلخیزترین مناطق آذربایجان در شهرستان اسکو می‌باشد.

ایلخچی در جلگه‌ای هموار که شیبش بسوی کرانه شرقی دریاچه ارومیه پدید آمده: از نظر عرضی محدود به تپه ماهورها در جنوب و چمنزار قدیمی و بزرگ در شمال این منطقه قرار دارد.

این بخش آب و هوائی معتدل دارد که زمستانها معتدل و تابستانها تا حدودی گرم است.

تلخه رود زمین‌های شمالی این بخش را آبیاری می‌کند امادر سالهای پر باران آب رود سراسر چمنزار طبیعی را در بر می‌گیرد. پیاز، و میوه، صیفی جات و دیگر فرآورده‌های کشاورزی این بخش را رونق بسیار بخشیده است.

شاه‌چراغ، قره داش، علی داشی، اوچ قارداشلار و آرامگاه و بقعه بنی آقا موسوی از آثار تاریخی این سامان است.

باسمنج BASMENJ: شهر باسمنج از شهرکهای پررونق کشاورزی حومه شرقی تبریز است که در کنار رود لیقوان و در میان دره‌ای با کوههای کم‌ارتفاع قراردارد و تا تبریز ۲۰ کیلومتر و تا لیقوان ۱۸ کیلومتر است.

آب و هوای مساعد و آب کافی رود لیقوان و چشمه‌ها و چاههای عمیق زمین حاصلخیز و تلاش مردم آن سامان، سبب رونق فراوان کشاورزی گشته، سیب‌زمینی، خیار، میوه و علوفه از محصولاتش است.

در روزگــار انـقلاب مشـروطه مـحل سـتاد عین‌الدوله و صمدخان شجاع‌الدوله حاکم تبریز بود.

بدوستان غربی: از دهستان‌های بخش خـواجـه شهرستان هریس استان آذربایجان شرقی و مرکز آن مواضع خان شرقی است و در منطقه‌ای دشتی، سـرد نـیمه‌خشک و تـپه قـراول تـلخه رود (آجی‌چای)

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و گاودانه

پوشش گیاهی: کهلیک اوتی و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

بستان آباد (مرکز شـهرستان): شـهر بسـتان‌آباد مرکز شهرستان بستان آباد، از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی و در طول جغرافیائی ۵۰ دقیقه و ۴۶ درجه و در عرض جغرافیایی ۵۰ دقیقه و ۳۷ درجه و در بلندی ۱۷۴۵ متری از سطح دریا و در ۶۱ کیلومتری جنوب شرقی تبریز و در مسیر راه میانه ـ تبریز قرار دارد.

تـرکمانچای: مـوقعیت و حـدود: تـرکمان از بخش‌های تابعهٔ شهرستان میانه در غرب شهر میانه قرار گرفته است. این بخش از شمال به سراب، از شمال غرب به بستان آباد، از مغرب و جـنوب غربی به هشترود و از جنوب و مشرق به بخش مرکزی میانه محدود است.

سابقهٔ تاریخی: ترکمانچای در تاریخ دیپلماسی ایران نقش مهمی دارد. پس از شکست ایـران از روسیه در جنگ دوم ایران و روس در سال ۱۲۴۳ هجری (۱۸۲۸ م.) در محل ترکمانچای عهدنامهٔ ننگین ترکمانچای، بین ایران و روسیه به امضاء رسید که در نتیجهٔ آن، ایران حاکمیت خود را بر ماوراء قفقاز به آن سوی ارس از دست داد و مواد شومی نظیر، کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) و ایجاد تسهیلات بازرگانی و اقـتصادی بـر ایـران تحمیل شد.

سیاحان و جهانگردان متعددی در رابـطه بـا اهمیت تـاریخی تـرکمانچای، در سـفرنامه‌ها و خاطرات خویش مطالب ارزنده‌ای نگاشته‌اند که می‌توان از مارسل دیولافوا و همسرش شـاردن فـرانسـوی، دکـتر فـوریه طـبیب مـخصوص ناصرالدین شاه، پیر ژوبر و موریس کوتز بوئه نام برد.

«ترکمانچای قریهٔ کوچکی است کـه مـثل هـمهٔ روستاهای این حدود، خانه‌های کم ارتفاع و پشت بامها حیاطهایی دارد که درختان باغ‌ها روی غالب آنها را فرا گرفته است. اگر مـعاهدهٔ سـال ۱۸۲۸ میلادی در آنجا بین ایران و روس و میان عباس میرزا و ژنرال پاسکیویچ روسی بسته نشده بود، ترکمانچای این شهرت تاریخی را کسب نمی‌کرد.

براونان غربی: از دهستانهای بخش تـرکمانچای شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن قریب دوست است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد و نیمه خشک و دره دربند و دره خرابه قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، زردآلو، سیب، و آلبالو.

پوشش گیاهی: آویشن، خـتمی، کـاسنی، مـرزه کوهی، خاکشی و گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.

براونان مرکزی از دهستانهای بخش تـرکمانچای شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن ترکمانچای است. و در منطقه‌ای دره‌ای سردنیمه خشک و دره قندرقه قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جـو، یـونجه، سـیب، زردآلو، انگور.

پوشش گیاهی: آویشن، گل گاوزبان، شیرین بیان،

کاسسنی، بومادران، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.
براونان شرقی از دهستانهای بخش ترکمانچای شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن صومعه علیاست. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و تپه دوشن سره
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، سیب، و انگور.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، کاسنی، آویشن، خاکشی، گل ختمی، گل گاوزبان، بومادران، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک.
بروانان غربی: از دهستانهای بخش ترکمنچای و مرکز آن قریب‌دوست است.
براونان مرکزی: از دهستان‌های بخش ترکمنچای شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ترکمنچای است. و در منطقه‌ای سرد نیمه‌خشک و ات دره‌سی (دره اسب) و مرکز آن ترکمنچای
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن و یونجه
پوشش گیاهی: آویشن، کاسنی، بومادران، ختمی، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک
بزکش: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی، مرکز آن گرنگاه است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک و کوه قوچ گلی و کوههای چوخوری و کلکلی و دره قره بلاغ قرار و رود اهر چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره بار، سیب، گیلاس، زردآلو، عسل و قالی.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، خاکشی، و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.

بستان آباد (شهرستان): از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان هریس، از مشرق به شهرستانهای سراب و میانه، ازجنوب به شهرستان هشترود و از مغرب به شهرستان تبریز محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - تیکمه داش) و دو شهر نه دهستان (۱ -مهرانرود مرکزی ۲ - اوجان غربی ۳ - قوریگل ۴ - مهرانرود جنوبی ۵ - شبلی ۶ - عباس غربی ۷ - عباس شرقی ۸ - اوجان شرقی ۹ - سهند آباد) و ۱۹۲ روستا دارد.
رودها: ۱ - اوجان چای ۲ - اسب آباد چای ۳ - شهر چای ۴ - سهند آباد ۵ - آلمالو چای ۶ - سعید آبادی چای.
برکه قوری چای در ۱۳ کیلومتری شمال غربی شهرستان بستان آباد به مساحت ۲/۲ کیلو متر مربع، چشمه شورچمن در ۸ کیلومتری جنوب شرقی بستان آباد و آب گرم بستان آباد در این شهرستان است.
کوهها: ۱ - کوه تک آلتی (۲۶۵۰ متر) ۲ - کوه اورانه کوه (۲۹۳۳ متر) ۳ - قاسم داغی (۲۴۶۵ متر) ۴ - کوه آق داش (۲۴۶۲ متر) ۵ - کوه قملار (۲۵۳۸ متر) ۶ - رشته کوه بز قوش (۳۳۰۲ متر)
تپه‌ها: قراول ۲ - ساری قیه ۳ - نوری کلکی ۴ - قرقیه ۵ - قیه باشی ۶ - اوچ تپه ۷ - گردن شتر.
دره‌ها: (۱ - دره بند ۲ - دره خدر ۳ - دره کلکی ۴ - دره کسگلی ۵ - دره ظلمات ۶ - دره هودی
کانها: گچ، اهک، پوکه، سنگ، شن وماسه
رستنی‌ها: درختان راش، بلوط، گیاهان دارویی وصنعتی - پوشش گیاهی غنی برای چرای دام
جانوران: گرگ، روباه ،خرگوش ،شغال ،لک لک و تیهو

زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری ،دامداری وصنایع استوار است .
فراورده‌ها: گندم، جو، نخود سیاه، گیاهان علوفه‌ای ،تره بار، سیب، گلابی، گردو، دام و فراورده‌های دامی، صابون، کشمش، نخ، فرش، گلیم، جاجیم، گچ، پوکه، آهک و سنگ .
آب کشاورزی از رود،چشمه فراهم گشته ونوع کشت آبی و دیم هر دو می‌باشد.
بستان‌آباد: از بخش‌های شهرستان بستان‌آباد آذربایجان شرقی و مرکز آن بستان‌آباد و دارای ۵ دهستان (۱ - اوجان غربی ۲ - شبلی ۳ - مهرانرود جنوبی ۴ - مهرانرود مرکزی ۵ - قوریگل) است.
آبگرم الله حق: آب گرم الله حق در جنوب غربی دهکده الله حق واقع شده و این آب گرم در شمال شرقی آب گرم سراب قرار گرفته و از این آب گرم تا الله حق نیم ساعت راه پیاده است. در این ناحیه، دره‌ای تقریباً شمالی - جنوبی وجود دارد که نهر آبی در ته آن به طرف شمال جاری می‌باشد. آب گرم در دو نقطه دامنه شرقی دره و به فاصله چند متر از یکدیگر از زمین خارج می‌شود و دو حوض برای استحمام ساخته‌اند که زنان و مردان به طور جداگانه از آنها استفاده می‌کنند.
آبگرم بستان‌آباد: مظهر اصلی آن در بلندی‌ها و میزان آبدهی آن در حدود ۸ لیتر در ثانیه است. آب آن در ردیف آب‌های معدنی کلر و بیکربناته کلسیک گاز دارو و گازدار و گرم است.
بسطاملو: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن بسطاملو است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل مرطوب و کوه قره تیکانلو و کوه سلامت دره سی و کوه ساری دره
فرآورده‌ها گندم، جو، علوفه، سیب، و انار
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، ختمی، بابونه، پونه، و درخت قره آغاج و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش، و کبک.
بکرآباد: از دهستانهای شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی مرکزش بکرآباد است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک وکوه قلعه باشی وکوه قزل گونی وکوه خلیل گونی و دره قارم علی قرار و رود بویک چای جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، بنشن، و یونجه .
جانوران: گرگ، روباه خرگوش و کبک.
بناب (مرکز شهرستان): شهر بناب مرکز شهرستان بناب از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که درکرانه خاوری دریاچه ارومیه و در مسیر جاده تبریز به مراغه و کردستان و آذربایجان غربی قرار گرفته. راه آهن تهران ـ تبریز از خاور شهر بناب می‌گذرد. فاصله بناب تا تبریز ۱۱۴ کیلومتر و تا مراغه ۱۹ کیلومتر و بلندیش از سطح دریا ۱۳۰۰ متر است.

آثاری از قرن ۸ و ۹ هجری و دوره صفویه در آن بدست آمده از نظر کشاورزی دارای اهمیت است.
آب و هوا: دارای آب و هوای معتدل با تابستان گرم و مطبوع و زمستان ملایم است بلندی‌های سهند، بخش خاوری و شمال خاوری آنرا فرا گرفته.
بناب (شهرستان): از شهرستانهای آذربایجان شرقی است که در جلگه‌ی آبرفتی دامنه کوههای سهند و صوفی چای و رسوبات کرانه دریاچه ارومیه، ساخته شده، از این نظر دارای آب و هوای معتدل با تابستانهای نسبتاً گرم و زمستانهای معتدل است.

سراسر شرق بناب را بلندیهای سهند در بر گرفته و بقیه جوانبش را در جنوب کوههای قره قشون و تپه ماهورهائی که دنباله کوههای مراغه است در میان گرفته است.

صوفی چای و شاخابه‌اش مهرآباد از کوههای سهند بسوی دریاچه ارومیه روان است و همه باغها و کشتزارهای کشاورزان شهرستان بناب از آب این رود سیراب می‌شود.

شهرستان بناب از آبادترین مناطق کشاورزی دام داری و باغداری آذربایجان به شمار می‌رود. وجود خاک حاصلخیز، آب و هوای خوب و آب نسبتاً کافی و تلاش مردم به این شهرستان رونق فراوانی داده است.

خشکبار شهرستان بناب از گذشته دارای اهمیت بوده و بیشتر مردم این سامان به کارهای مفید و مولدی چون باغداری، کشاورزی و دامداری سرگرمند.

کارخانه هائی چون ریسندگی، بافندگی، پتوبافی و کارگاههای قالی برونق این شهرستان بیش از بیش افزوده است.

تقسیمات کشوری: دارای یک بخش (مرکزی) و سه دهستان: (بناجوی شرقی، بناجوی شمالی، بناجوی غربی و ۷۷۸/۷۵کیلومترمربع مساحت و ۳۵ روستاو یک شهر(بناب) است.

بناب: از بخش‌های مرکزی شهرستان بناب استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر بناب و دارای ۳ دهستان (۱ - بناجوی شرقی ۲ - بناجوی غربی ۳ - بناجوی مرکزی) است.

بناب: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی، مرکز آن بناب جدید است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تخمه آفتابگردان، تخمه کدو، سیب، زردآلو،گوجه، هلو،گلابی، به، عسل و فرش.

پوشش گیاهی: آویشن،گل گاوزبان، ختمی، پونه، و گیاهان مرتعی .

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

پیغان چائی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن یوز بند است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک و کوه کله درسی و کوه ایل داشی و کوه شوش گونی و کت دره سی و تپه گولی و رود فصلی آس

فرآورده‌ها: گندم و جو.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، گل گاوزبان، گل بنفشه و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک .

تازه کند: ده از دهستان مغان غربی شهرستان مغان استان اردبیل درگرمی در ارتفاع ۷۰ متری از سطح دریا معتدل مایل به گرم، خشک کوهستانی و در کنار رود ارس.

تازه کند: از دهستانهای بخش صوفیان مرکز آن تازه‌کند تبریز استان آذربایجان شرقی در ارتفاع حدود ۳۵۰ متری از سطح دریا منطقه خشک معتدل، دشتی و مرکز آن تازه‌کند تبریز.

تازه کند: ده از دهستان بخش مرکزی شهرستان نقده، استان آذربایجان غربی در حدود ۱۳۵۰ متر از سطح دریا، دارای آب و هوائی معتدل، نیمه خشک .

تبریز (شهرستان): از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی، از شمال به شهرستانهای اهر و مرند، از خاور به شهرستان بستان آباد، از جنوب خاوری به شهرستان هشترود، از جنوب

شهرستان مراغه، از باختر به دریاچه ارومیه و از شمال باختری به شهرستان شبستر محدود است. تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - خسروشهر) و ۶ دهستان (۱ - آجی چای ۲ - اسپران ۳ - میدان چائی ۴ - سرد صحرا ۵ - لاهیجان ۶ - تازه کند و شهرهای آن ۱ - تبریز ۲ - باسمنج ۳ - سردرود ۴ - خسروشهر و ۷۵ آبادی دارد.

ربع رشیدی نخستین شهرک علمی دنیا

در سمت شرق و در تپه‌های عینعلی تبریز قرار دارد که اینک چیزی جز چند دیوار بلند و شکاف خورده و خرابه‌های فرو ریخته از آن چیزی باقی نمانده است. در وقفنامه رشیدی آمده است که این شهر دانش و پژوهش که از هر جهت در نوع خود بی‌نظیر بوده، بزرگترین میعاد خیریه‌ای بوده که در تاریخ ایران نظیر نداشت.

خواجه رشیدالدین ربع را در تبریز ساخت محلات و کوچه‌هائی در داخل آن و قریه‌هایی در خارج ساخت و هر محله و کوچه و قریه‌ای بمناسبت کسانی که در آنجا سکونت داشتند نامگذاری کرد. مثلاً قریه‌هایی راکه غلامان رومی و گرجی در آنجا بودند قریه رومیان و قریه گرجیان، جایی که پزشکان و جراحان و محصلان پزشکی مقام داشتند معالجه معالجان و کوچه‌ای که علما در آنجا مقیم بودند کوچه علما نامیدند. رفته‌رفته درین شهر همه چیز با توجه به فعالیت‌های علمی و آموزشی که می‌بایست در آنجا انجام گیرد و با در نظرگرفتن هر آنچه که برای ایجاد یک محیط زنده و بارور علمی و تحقیقی بود گسترش می‌یابد.

از وقفنامه چنین برمی‌آید که درین شهر علمی و دانشگاهی در شمار تاسیسات فراوان و گوناگونی وجود داشت. مهمانخانه‌ای برای مجاوران و مسافران و سرای طبیب کتابخانه‌ای بسیار بزرگ می‌گویند که از مهمترین و بهترین کتابخانه‌های زمان خود بود که بیش از شصت هزار جلد کتاب نفیس داشت و بیست و چهار کاروانسرای رفیع و هزار و پانصد دکان و سی هزار خانه و حمام‌ها و بوستانهای بسیار و کارخانه‌های موریسی و کاغذسازی متعددی دایر بود.

در دارالشفا اطبائی که به خدمت مأمور بودند هر کدام نوبت کشیک داشتند و در همه شبانه‌روز یک نفر پزشک و یک نفر داروساز بخدمت سرگرم بود. هر پزشک و داروسازی دو نفر دانشجو داشت...

مسکن پزشکان و دانشجویان در سراها و حجره‌های مخصوص مقرر شده و دوره پزشکی پنج سال بود و اگر دانشجو امتیازات لازم را به دست می‌آورد گواهی پزشکی می‌گرفت.

برای بپا داشتن باغها و خانه‌ها عده‌ای موظف و مأمور حقوق‌بگیر در حال فعالیت بودند. دارالشفا مجموعه‌ای کامل از آخرین داروها است که با موقوفات اداره می‌شوند. ـ از کتاب دائرةالمعارف بزرگ نو ده جلدی

شهرستان تبریز که در ناحیه مرکزی استان آذربایجان شرقی قرار گرفته و در ۶۱۹ کیلومتری غرب تهران و در ۱۵۰ کیلومتری جنوب جلفا، مرز ایران وجمهوری آذربایجان قرار دارد و ۱۳۵۱ متر به طور متوسط از سطح دریا ارتفاع دارد. تبریز در گوشه شرقی جلگه رسوبی همواری با شیب متوسط به سوی دریاچه ارومیه قرارگرفته، در شمال آن، کوههای سرخ نام عون ابن علی، یکه چین، بهلول و بابا باغی، و در حدود جنوبش رشته کوه سهند و پیشکوههائی قرار دارد.

رودها: تلخه رود که از دامنه جنوبی کوههای سبلان و دامنه‌های شمالی کوههای بز قوش سرچشمه می‌گیرد، پس از پیوستن شاخابه‌های متعدد از کوههای قوشه داغ و سهند در شهرستان تبریز روان می‌شود و سرانجام به دریاچه ارومیه می‌رسد. طول این رود ۲۶۵ کیلومتر و پرآب‌ترین مواقع آن فروردین ماه است.

چاههای ژرف و نیمه ژرف و کاریزهای متعدد نیز نقش مهمی در آبیاری این شهرستان دارند.

کوهها: شهرستان تبریز در منطقه‌ای نیمه کوهستانی و نیمه جلگه‌ای است که در واقع منطقه جلگه‌ای را کوههائی چند در میان گرفته‌اند: ۱ - میشوداغ در شمال باختری ۲ - کوه عون ابن علی یا کوه سرخاب در شمال ۳ - کوه سهند در جنوب - بلندترین کوهستان آتشفشانی سهند بنام قوچگلی داغ ۳۷۰۷ متر، بلندترین قله کوهستان سبلان ۴۸۴۴ متر می‌باشد. در دامنه‌های سهند چشمه‌های آبگرم فراوانی وجود دارد که آب آنها به جویبارها و رودها می‌پیوندد از ارتفاع ۲۵۰۰ متری دامنه‌های سهند مراتع طبیعی بسیار وجود دارد.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه مرطوب. به طورکلی منطقه خوش آب وهواو سردسیر قرار گرفته و چند رود آنرا آبیاری می‌کند.

رستنی‌ها: درختان راش، بلوط، ممرز، افرا، ون، گردو، گیلاس، فندق، سیب، و گلابی - گیاهان داروئی و صنعتی، کنگروحشی، خارشتر، چمن، خاکشی، قیاغ اولی، شیرین بیان، بومادران روناس و گون کتیرا

جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، روباه، قوچ، میش، خرس، بزوحشی، خرگوش، آهو، و شغال، کبک، اردک، غاز، قرقاول از پرندگان مهاجر: پلیکان، فلامینگو، انواع مرغابی، درنا، لک لک و حواصیل.

جلگه تبریز - منطقه باسمنج، در این منطقه شرقی تبریز، رود لیقوان چای روان است که از دامنه‌های شمالی کوههای سهند سرچشمه می‌گیرد حوزه آبریز این رود ۷۳ کیلومتر مربع در لیقوان و حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع در نزدیکی روستای بارنج است. آبدهی سالانه این رود در محل ایستگاه لیقوان ۲۴/۵ میلیون متر مکعب و در محل ایستگاه هروی ۱۹/۲ میلیون متر مکعب است. مساحت تقریبی زمین‌های قابل کشت در مسیر این رود حدود ۶۰۰ هکتار است.

دامنه‌های شمال غربی سهند: زمین‌های این منطقه در تقسیمات کشوری جزء اسکو و آذرشهر است. منطقه شمالی جلگه تبریز - بخشی از زمین‌های جلگه تبریز بوسیله رودهائی صوفیان آبیاری می‌شود.

دشت تبریز حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. مهمترین رود آن آجی چای است. دشت تبریز از نظر امکان تغذیه مصنوعی سفره آبی مورد مطالعه قرار گرفت: ۱ - حوزه شمالی که بوسیله هفت رود آبیاری می‌شود (۱ - دریان ۲ - شبستر ۳ - سیس ۴ - صوفیان ۵ - سنیخ ۶ - گونیات ۷ - باباباغی، مساحت حوزه آبگیر آجی چای تا محل ایستگاه اندازه‌گیری ۱۲۵۷ کیلومتر مربع در حوزه جنوبی (۱ - رود آذر شهر ۲ - آستاری چای ۳ - سردرود ۴ - مهران رود روان است، حوزه آبگیر این رودها تا محل ایستگاه اندازه گیری ۱۲۰۷ کیلومتر مربع است. ۳ - در حوزه مرکزی رود آجی چای از ناحیه مرکز دشت تبریز می‌گذرد مقداری از آن به دریاچه ارومیه می‌پیوندد، بخشی از دشت مجاور دریاچه ارومیه در قسمت باختر

تبریز در مصب آجی چای یک شوره زار وسیع و باتلاقی است.
تغذیه طبیعی آب آزاد این دشت عمدتاً از آبهای سطحی رشته کوههای زاگرس است و عمق رسوبات دشت میان چند متر تا ۵۰۰ متر متغییر است.

تبریز: فاصله تا تهران ۶۲۴ کیلومتر جاده آسفالت خوب. دارای خط آهن به طول ۷۳۶ کیلومتر، دارای فرودگاه. دارای دهها هتل و مهمانپذیر. آثار تاریخی: مسجد کبود یا فیروزه اسلام، مسجد علیشاه (ارک) مسجد جامع، بقعه صاحب الامر، بازار تبریز، محله بیلانکوه، بقعه عینال و زینال، بقعه سیدحمزه، خانه مشروطیت، مجموعه سیاحتی ایل گلی، باغلارباغی، قوری گل ، چشمه‌های معدنی.
سوغات تبریز: فرش، کفش دست دوز، ادویه جات، عرقیات گیاهی، صنایع دستی، خشکبار، باسمنج، عسل، پنیر، آجیل.

تبریز): از بخش‌های شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر تبریز و دارای چهار دهستان (۱ - آجی چای ۲ - اسپران ۳ - میدانچای ۴ - سرد صحرا) است.

ترکمنچای (بخش): از بخش‌های شهرستان میانه، استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان سراب و از مغرب به شهرستان هشترود و از سوی جنوب و مشرق به بخش مرکزی میانه محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: دارای چهار دهستان (۱ - اوچ تپه غربی ۲ - براونان شرقی ۳ - براونان غربی ۴ - براونان مرکزی) و یک شهر (ترکمانچای)
رودها: ۱ - رود شهر چای ۲ - رود ترکمانچای - چشمه‌های آب معدنی و آب گرم: ۱ - آبگرم روستای ایورق ۲ - آبگرم سراب ۳ - آبگرم روستای اردها
کوهها: کوه بزغوش که در ۱۱ کیلومتری شهر ترکمانچای قرار دارد.
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان گردو، بادام کوهی - گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: روباه، گرگ ، خرگوش، قوچ، و میش، گراز، خرس و کبک
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری، پرورش طیور و نگهداری زنبور عسل، صنایع دستی و کارگاهی از جمله قالی، غذائی، نخ، و موزائیک
فرآورده‌ها: گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای، تره بار، زردآلو، گردو، گلابی، بادام، انگور، سیب، دام و فرآورده‌های دامی، قالی، پنیر، نخ، و موزائیک، طیور، عسل .

تسوج: از روستاهای شهرستان شبستر می‌باشد که در شمال دریاچه ارومیه قرار گرفته، رودخانه انزاب از وسط این ده می‌گذرد. آثار تاریخی چندی از جمله کاروانسرائی از روزگار صفویه درین‌جا برجاست ازین‌گذشته مسجد جامع جالبی از محمد سلطان محمد خدابنده درین روستا وجود دارد که دارای ۲۴ ستون می‌باشد. تسوج در جنوب راه‌آهن ـ ایران ـ ترکیه قرار گرفته است.

تیرچائی: از دهستانهای بخش کندوان شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ایشلق است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، و بنشن.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، گل ختمی، گل گاوزبان، کاسنی، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک.
تیکمه داش (بخش): از بخشهای شهرستان بستان آباد استان آذربایجان شرقی است که از شمال و شمال غربی به حومه بستان آباد، از مشرق و جنوب شرقی به شهرستان میانه و از جنوب به شهرستان هشترود و مرکز آن تیکمه‌داش است، محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: دارای چهار دهستان (۱ - سهند آباد ۲ - اوجان شرقی ۳ - عباس شرقی ۴ - عباس غربی) و یک شهر (تیکمه داش)
رودها: ۱ - رود کلخان چای ۲ - رود شهر چای ۳ - رود بنوچای ۴ - رود بوستکان چای ۵ - رود آلمالوچای
چشمه‌ها: ۱ - شیرین بلاغی ۲ - چاپلی داش ۳ - اردکلو بلاغی ۴ - کورگوز بلاغی ۵ - کهریز کز ۶ - بیگی بلاغی ۷ - یاقیش ۸ - عبدول بلاغی
کوهها: ۱ - کوه اوچ تپه (۲۲۱۸ متر) ۲ - کوه آق داش (۲۵۳۸ متر)
تپه‌ها: ۱ - چاپلی داش ۲ - قرقالی ۳ - غار یا غشلو
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.
رستنی‌ها: درختان زالزالک و بنه - گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک، بلدرچین، قرقی و عقاب
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری، صنایع کارگاهی استوار است.
کشاورزی به صورت دیم و آبی هر دو آب کشاورزی از رودها، چشمه‌ها فراهم گشته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، گلابی، زردآلو و گردو، دام، و طیور و فرآورده‌های دامی.
جلفا (مرکز شهرستان): شهر جلفا مرکز شهرستان جلفا از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در ۵۶ کیلومتری شمال مرند ودر پایان جاده تبریز - جلفا در منطقه‌ای دشتی می‌باشد و رود ارس از میان شهر جلفای ایران و جمهوری آذربایجان می‌گذرد. دره‌ای عمیق در میان بستری از کوههای بلند قرار گرفته رود ارس با شدت تمام از غرب به شرق روان است.
کانیها: ۱- معدن سنگ قرمز سفید و سبز در ۳/۵ کیلومتری ۲- معدن سنگ نمک در ۴ کیلومتری شهر قرار دارد.
آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۲ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۸ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط حدود ۲۵۰ میلی‌متر است.
جلفا: از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی، از شمال به جمهوری آذربایجان، از خاور به بخش ورزقان شهرستان اهر، از جنوب و جنوب باختری به بخش مرکزی مرند و از باختر به شهرستان ماکو محدود است. جلفا به معنی بافنده است.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - سیه رود) و سه دهستان (۱- ارسی ۲ - شجاع ۳ - داران) و ۱۶۷۰/۳۰ کیلومتر مربع مساحت و ۷۰ روستا و ۳ شهر (۱ - جلفا ۲ - هادیشهر ۳ - سیه رود)
رودها: رود مرزی ارس مناطق شمالی بخش جلفا را آبیاری کرده آنگاه وارد خاک جمهوری و سپس

وارد دریای خزر می‌شود.
کوهها: ۱ -کوه قره گز ببلندی ۲۴۱۵ متر ۲ -کوه اوچ تپه ببلندی ۱۳۰۲ متر ۳ -کوه ایوان داغ ببلندی ۱۹۵۰ متر ۴ -کوه کیامکی داغ ببلندی ۳۲۴۷ متر ۵ -کوه آق داغ ببلندی ۱۱۵۰ متر.
آب و هوا: معتدل و خشک. تابستانها گرم و زمستانها نسبتاً معتدل است.
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی: زرد سر، غاز یاقی، شیرین بیان، و گون کتیرا - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، مار، کبک، قرقاول، حواصیل و مرغ ماهیخوار.
اقتصاد: بر پایه بازرگانی، کشاورزی و صنایع دستی استوار است.
برخورداری از موقع خاص و راههای شوسه و راه آهن و ارتباط جمهوری فعالیت بازرگانی پر رونقی دارد و از طریق گمرک جلفا کالاهای بسیاری چون کاغذ، کود شیمیائی، مواد اولیه پلاستیک، نخ، ابریشم مصنوعی، قطعات یدکی موتورکامیون، وارد خشکبار، قالی وگلیم به خارج صادر می‌شود.
فرآورده‌ها: گندم، جو، پنبه، گیاهان علوفه‌ای، آلو قطره طلا و زردآلو، قالی و گلیم.
شهرستان جلفا به طور متوسط ۷۲۰ متر از سطح دریا بلندی و در ۱۵۰ کیلومتری تبریز و بر سر راه مرند - تبریز و بوسیله راه‌آهن تبریز، جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان قرار دارد.
جلفا: بخش مرکزی (جلفا) از بخشهای مرکزی شهرستان جلفا استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر جلفا و دارای ۳ دهستان (۱ - ارسی ۲ - شجاع ۳- داران) است. مراکز شهری این بخش ۱ - جلفا ۲- هادیشهر است.
دره‌ای معتدل خشک در ۱۷ کیلومتری باختری جلفا -کوه رون و کوه داشی ، دره قرنخ در این بخش قرار دارد.
گندم، جو، علوفه، زردآلو، سیب درختی، آلوزرد، و گردو از محصولاتش است. پونه، و آویشن از گیاهان داروئی و پوشش مرتعی برای چرای دام دارد.
جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک .
جوشین: از دهستانهای بخش خاروانای شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، مرکزش جوشین است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه اوزور و کوه گچی گونائی
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره بار و گردو.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، توکلیجه، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بزکوهی ،گراز و کبک.
چاراویماق (شهرستان): از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که از شمال به بخش مرکزی شهرستان هشترود، از شمال شرقی به بخش ترکمانچای از شهرستان میانه، از مشرق به بخش ماه نشان (شهرستان زنجان) از جنوب به شهرستان تکاب و از مغرب به شهرستان میاندوآب و بخش نظر کهریزی از شهرستان هشترود محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: مرکز شهرستان چار اویماق شهر قره‌آغاج، دارای بخش و ۶ دهستان: ۱ - چاراویماق جنوب غربی ۲ - چاراویماق مرکزی ۳- چاراویماق شرقی ۴ - قوری‌چای شرقی ۵ - چارویماق جنوب شرقی ۶ - مرکزی که مرکز آن شهر

قره آغاج و شادیان که مرکز آن شهر آغحچه است.
رودها: رود قره آغاج چای که از کوههای خاله اوشاقی و اربط داغ سرچشمه گرفته و به شوری چای و آنگاه به قرانقو و قزل اوزون می‌پیوندد. رود قرانقو حد فاصل هشترود و چاراویماق است و راه آهن تبریز - تهران مرز مشترک میان چاراویماق و هشترود و قوری چای را پدید آورده آخرین نقطه چاراویماق روستای آق طاق است.
با اینکه چهار اویماق در منطقه نسبتاً هموای قرار گرفته، اما اطرافش را کوههای بلندی فرو پوشانیده، کوههای چاراویماق در جهت جنوب غربی به شمال سر بر آورده است.
آب و هوا در زمستان سرد و در تابستان معتدل تا گرم است. از رودهای مهم آن رود آیدوغموش است که در دامنه‌های شمالی تخت سلیمان روان گشته در جهت شمال شرقی بسوی دره‌ی قافلانکوه و میان روان است.
چاراویماق از مناطق مهم کشاورزی و دامداری آذربایجان دارای محصولاتی چون غلات، چغندر قند، دانه‌های روغنی و فرآورده‌های دامی و صنایع دستی مانند جاجیم، گلیم، قالیچه و قالی است.
در این سامان چندین چشمه آب و معدنی روان است که مورد توجه بسیار می‌باشد.
کوهها: ۱ - خاله اوشاقی (۲۷۲۰متر) ۲ - اربط داغ (۲۸۳۴ متر) ۳ - شاهسون داغی (۲۶۵۰ متر) ۴ - اوچ مازو (۲۴۸۸ متر)
کانها: ۱ - معدن سنگ منکتر ۲ - کائولن
آب و هوا: نسبتاً سرد ونیمه خشک
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گراز، روباه، خرگوش، گرگ، و کبک.

زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامداری استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، بنشن، و تره بار، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، عسل .
چهاراویماق: از بخش‌های شهرستان چهاراویماق استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر قره آغاج و دارای شش دهستان (۱ - چهاراویماق مرکزی ۲ - چهاراویماق جنوبغربی ۳ - ورقه ۴ - قوری چای شرقی ۵ - چاراویماق جنوب شرقی ۶ - چاراویماق شرقی) است.
چاراویماق جنوب غربی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ارسکنای سفلی می‌باشد. و در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد و نیمه خشک و کوه گونی قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود و یونجه
پوشش گیاهی: تلخه بیان ، خارشتر، گون، پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
چاراویماق شمال شرقی: از دهستان‌های بخش شادیان شهرستان چاراویمان آذربایجان شرقی و مرکز آن نصیرآباد است.
و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه‌خشک و کوه آق داغ و تپه‌ی گوزیه باقی و گردنه‌ی آراستری در آن قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، زردآلو، گلابی، سیب، گردو، چوب درختان صنوبر و عسل
پوشش گیاهی: آویشن، شیرین‌بیان، غازایاقی، درمنه، بابونه، گون و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
چاراویماق مرکزی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی و

مرکز آن قره آغاج است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه پاپاخلی و دره گونی قرار و رود باریجوق در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود، یونجه، عسل و قالی.
پوشش گیاهی: پونه، توکلیجه، تلخه بیان، خارشتر، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
حومه از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی مرکزش اسب فروشان است. و در منطقه‌ای دشتی سرد نیمه خشک و ارتفاعات بزقوش و گل تپه قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، لوبیا، سیب زمینی، یونجه، شبدر، سیب، گلابی، زردآلو، گردو و چوب درخت صنوبر، عسل و قالی.
پوشش گیاهی: مرزنگوش، آویشن، غازایاقی، پنیرک، درمنه، شیرین بیان، بابونه ،گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
چاروایماق شرقی: از دهستانهای بخش شادیان شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی و مرکز آن آغچه ریش است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک و تپه کندی اسدی قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو و نخود
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، مرزه کوهی، گون کهلیک اوتی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بزکوهی، گراز و کبک.
چله خانه: از دهستانهای بخش صوفیان شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن چله خانه است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار گرفته

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، تخمه کدو، تخمه آفتابگردان، بادام، سیب و گردو و عسل.
پوشش گیاهی: آویشن ، پونه، ختمی، و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک .
چهاردانگه: از دهستانهای بخش هوراند شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی مرکز آن آق براز است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه مرطوب و کوه دیبکلروکوه کولات داغی از بلندی‌های آنست.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن ،و تخمه آفتابگردان
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه و خرگوش.
چهرگان: از دهستانهای بخش انزاب شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی مرکز آن چهرگان است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه سیاه و کوه کوتواران و کوه قاطراوچای قرار و رود مستجان در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، گردو، بادام، آلبالو، زردآلو و انگور و فرش.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک
خاروانا: ازبخشهای شهرستان ورزقان ،استان آذربایجان شرقی است .
ازخاوربه شهرستان کلیبر،ازشمال خاوری به بخش خداآفرین، ازجنوب خاوری به بخش مرکزی اهر، ازجنوب به شهر تبریزوازباختربه شهرستان مرندمحدوداست.
تقسیمات کشوری: دارای یک شهر(خاروانا) و ۳ دهستان (۱ -ارزیل ۲ - جوشین ۳ - دیزمار مرکزی)

این بخش در یک منطقه کاملاکوهستانی برافراشته شده شمال آن دره ارس و کوههای مرزی کامتال، جنوبش کوهستان سلطان جهانگیر، غربش کوهستان معروف ایری داغ و کیامکی و شرقش کوهستان کلو می‌باشد.

رودها: ۱ - رود ارس مناطق شمالی را آبیاری و در خاک جمهوری آذربایجان به دریای خزرمی ریزد ۲ - رود حاجی لر چای، مناطق خاوری بخش را آبیاری می‌کند و پس از پیوستن چند شاخابه به آن برود ارس می‌پیوندد.

کوهها: کوههای ارسباران که دنباله کوههای قفقاز است، بیشتر مناطق این بخش را در برگرفته و این کوهستان به ارسباران شرقی و غربی تقسیم می‌شود. در بخش خروانق کوههائی چون: ۱ - کوه پیرکیردای به بلندی ۲۲۲۰ متر ۲ -کوه دوسته شا به بلندی ۱۲۵۰ متر ۳ -کوه سلطان جهانگیر به بلندی ۳۲۵۵ متر ۴ - کوه قازان داغ به بلندی ۲۵۷۳ متر ۵ -کوه کمر به بلندی ۳۰۵۰ متر.

آب و هوا: معتدل مایل به سرد و خشک.

رستنی‌ها: درختان: سیب، زردآلو، گردو، فندق، آلوچه، گلابی، به، ون، زالزالک، گیاهان داروئی: پونه، گل بنفشه، و گل گاوزبان، پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: خرس، گرگ روباه، خرگوش، بزکوهی، قوچ، و میش، کبک، تیهو، و پرندگان مهاجر.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است، کشاورزی، باغداری از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. نوع کشت آبی و دیم و منابع آب رود، کارریز و چشمه است.

دامداران به واسطه چراگاههای خوب دارای ارزش اقتصادی بسیار می‌باشد.

گلیم بافی و جاجیم بافی نیز از اشتغالات پاره‌ای از مردم و از منابع درآمد آنان است . بیشتر مردم به کشاورزی و دامداری سرگرمند.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تنباکو، بنشن، برنج، و تره‌بار، سیب، گلابی و زردآلو، دام و فرآورده‌های دامی، گلیم و جاجیم.

مسجد جامع آن سابقه ساخت قرن ششم و هفتم هجری دارد اما بارها مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است.

خانمرود: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان هریس استان آذربایجان شرقی مرکز آن اندیس است. و منطقه شهری آن زرنق است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک و کوه اوکوزداغ و کوه کومرودره آق دره و دره دوالی.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، گاودانه، و سیب، عسل، گلیم و قالی.

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

خداآفرین: از بخشهای شهرستان کلیبر، استان آذربایجان شرقی و مرکز آن خمارلو و درکنار رود ارس واقع است. از شمال به رود ارس از جنوب و مشرق به بخش کلیبر، از مغرب به بخش ورزقان محدود است.

خداآفرین در منطقه‌ای قرارگرفته که قسمتی از آن کوهستانی و بخشی جلگه‌ای است. رود ارس در دره عمیق کوهستانی از غرب به شرق روان است. از آب آن تا حدی در کشاورزی سود جسته می‌شود. آب و هوا در تابستان بسیار گرم و در زمستان معتدل می‌باشد. بخشی از کوههای خداآفرین نیمه جنگلی و بقیه با پوشش گیاهی استپی است.

خــداآفــرین دارای اهــمیت مــرزی است چـه تشکیلات مرزی سامان درین قرار دارد.
۱- قلعه قدیمی آوارسین منسوب به روزگـار ساسانیان تا قرن سوم هجری وجود داشته ۲ - بقعه شاه حیدر در ۷/۵ کیلومتری جنوب شرقی خداآفرین و ۳۰ کیلومتری جاده اهر - کلیبر قرار دارد. ۳ - پل خداآفرین بر روی رود ارس، دو پل به فاصله صد متر از یکدیگر ساخته شده که به پل خداآفرین شهرت دارد اولی در قرن ششم به طول ۱۶۰ متر و دومی به طـول حـدود ۱۲۰ مـتر و منسوب به دوره صفوی ساخته شده

سابقه تاریخی: خداآفرین از مـناطق تـاریخی و کهن شهرستان هریس است. دلیل آن وجود آثار متعدد تاریخی است. این بـناها نشان می‌دهد که خداآفرین در اویل روزگار ساسانیان دارای اهمیت بوده

تــقسیمات کشـوری: بـخش خـداآفـرین مـرکز خمارلو است که در ۱۳۷۷/۳/۳۱ شهر شناخته شد. این بخش دارای ۶ دهستان (۱ - بسطاملو ۲ - دیز مار شرقی ۳ -کیوان ۴ - منجوان شرقی ۵ - منجوان غربی ۶ -گرمادوز) می‌باشد.
خداآفـرین دارای اهـمیت مـرزی ویـژه‌ای است .ارسباران که در طول مرز شمالی خود جمهوری آذربایجان همسایه است. در خداآفرین تشکیلات مرز بانی قرار دارد. مرزبانان به علت تغییر آب و هوا، گاهی در خدا آفرین و خمارلو و زمانی در کلیبر می‌مانند.

خروانق (مرکز بخش): شهرک خروانق مـرکز بخش خروانق، از بخشهای شهرستان اهر، استان آذربایجان شرقی، در ۱۲ کیلومتری شمال باختری اهر و در مسیر راه اصلی اهر ـ خروانق و در موقع طبیعی کوهپایه‌ای میباشد.

آب و هوا: معتدل و نیمه‌مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۱۰ درجه زیر صـفر و مـیزان بارندگی سالانه بـطور مـتوسط در حـدود ۲۹۰ میلیمتر است.

خسرو شهر: از بخشهای شهرستان تبزیز اسـتان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر خسرو شهر و دارای دو دهستان (۱ - تازه کند ۲ - لاهیجان) .
بخش خسروشهر در جنوب غربی تبریز و مغرب اسکو قرار گرفته، سراسر زمـین‌های ایـن بـخش همراه جلگه‌ای، رسوبی و بسیار حاصلخیز است اما در شرق و جنوب تپه و ماهورکم ارتفاعی قرار گرفته
آب و هوای این بخش در تابستان معتدل و گرم و در زمستان سرد وبرفی است. چشمه‌ها و جاهای عـمیق در رونـق ایـن مـنطقه از اهـمیت بسـیار برخوردار است.
زمین‌های حاصلخیز خسروشهر برای کشاورزی و باغداری از اهمیت فراوانی برخوردار است علاوه بر ایـن کشـاورزان و بـاغداران ورزیـده‌ای بکـار اشـتغال دارنـد و ایـن سـامان یک قـطب مـهم کشاورزی استان بشمار می‌رود. خاماچی

خمارلو: از شهرهای بخش خداآفرین شهرستان کـلیبر اسـتان آذربـایجان شـرقی است کـه در ۱۳۷۷/۳/۳۱ تبدیل به شهر شد.

خواجه (بخش): از بخشهای شهرستان هریس، استان آذربایجان شرقی که از شمال بـه اهـر، از مشرق به حومه هریس و از جنوب و مغرب به تبریز محدود است. خواجه از شهرهای بخش و مرکز بخش خواجه است که در سال ۱۳۷۷/۳/۱۹ شهر شناخته شد.

تقسیمات کشوری: دارای یک شـهر (خـواجـه)

مرکز بخش و ۳ دهستان (۱ - مواضع خان شرقی ۲ - مواضع خان شمالی ۳ - بدوستان غربی)
رودها: ۱ - تلخه رود ۲ - سرند چای ۳ - کر چای ۴ - سهند چای
کوهها: ۱ - تک آلتی (۲۳۵۰ متر) ۲ - آیناخلی (۲۸۲۷ متر) ۳ - قوزوچی (۲۴۰۹ متر)
کانها: سنگ نمک، سنگ آهک
آب و هوا: نسبتاً سرد و خشک
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، خرگوش، روباه، کبک، بلدرچین، و لک‌لک
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی و صنایع کارگاهی استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، سیب، دام و فرآورده‌های دامی، عسل، طیور، فرش، تریکو و آجر.

خسرو شهر: ز شهرهای آبادان در مسیر راه تبریز - مراغه و در ۲۸ کیلومتری تبریز و در ۶ کیلومتری اسکو و در مسیر راه آهن تبریز - تهران قرار دارد. سراسر زمین‌های خسرو شهر هموار، جلگه‌ای رسوبی و بسیار حاصلخیز است اما در مشرق و جنوب غربی آن تپه ماهورهای کم ارتفاعی وجود دارد. شیب زمین در بخش غربی آن بسوی دریاچه ارومیه و مردابهای تلخه رود است. تابستانها معتدل و گرم و زمستانها سرد و برفی است با اینحال طول زمستانش کم است.

باغداری و کشاورزی پر رونقی دارد، چه زمین‌های حاصلخیز و آب رود اسکو، چشمه‌ها و چاههای عمیق آب مورد نیاز را فراهم کرده تا جائیکه خسروشهر را بصورت یک قطب کشاورزی درآورده است.

دو دانگه: از دهستانهای بخش هوراند شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی مرکز آن هوراند است. و در منطقه دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه قیز قلعه سی و کوه آلان قلبی و کوه هشت سر و دره آلاماچه قرار و رود سلین چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، بنشن، سیب زمینی، سیب، گردو، عسل، قالی، گلیم و جاجیم.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، ختمی، گل بنفشه، گون کتیرا، و درختان زالزالک و آلوچه وحشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.

دولت آباد: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی، مرکز آن دولت‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه قلعه جوق.
فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، سیب، زردآلو، آلوزرد و به.
پوشش گیاهی: آویشن، ختمی، گل گاوزبان، پونه، و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

دیزمار شرقی: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن مردانقم است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه مرطوب و کوه تبدیرخان و تپه قبرستان قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه و تره بار.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، بابونه، ختمی، پونه، و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

دیزمار مرکزی: از دهستانهای بخش خاروانای شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، مرکز آن خاروانا است. و در منطقه‌ای بر کوهی، معتدل

خشک و کوه قره‌گل و کوه جلاداغ و کوه گولر در آن قرار و رود ملک چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، و بنشن.
پوشش گیاهی: آویشن، پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
دیز ماری غربی: از دهستانهای بخش سیه رود شهرستان جلفا آذربایجان شرقی مرکز آن سیه رود شهرش نیز سیه رود است و در منطقه‌ای سه‌کوهی معتدل خشک و کوه اشاته داغ و کوه کم‌کی داغ قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و یونجه .
پوشش گیاهی: آویشن، اسپند و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، بزکوهی، پلنگ و کبک.
دیکله: از دهستانهای بخش هوراند شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی مرکزش مجیدآباد است. و درمنطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک و کوه سارم ساق و تپه داش بلاغ قرار و رود فصلی آمیار در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب زمینی، زردآلو و قالی
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، پونه، ختمی، شیرین بیان و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.
ذوالبین: از دهستانهای بخش یامچی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی مرکز آن یامچی است و در منطقه دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره بار، سیب، هلو، گلابی، انگور، سنجد، گوجه سبز، و زردآلو.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
رازلیق: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی مرکزش رازلیق است. و در منطقه‌ای دشتی، سرد نیمه خشک و تپه دیم قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب زمینی، لوبیا، گاودانه، سیب، گلابی و زردآلو.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، گل ختمی، غاز اباقی، و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
رود قات: از دهستانهای بخش صوفیان شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن امند است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه مورو قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، زردآلو و فرش با طرح تبریز.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
زنوزق: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی، مرکز آن زنوزق است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه گردول و کوه بره سر قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، گلابی، زردآلو، گردو و عسل.
پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، و گل زرد و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک.
سراب (مرکز شهرستان): شهر سراب مرکز شهرستان سراب از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی و در طول جغرافیایی ۳۲ درجه و ۴۷ دقیقه ودر عرض جغرافیایی ۵۷ درجه و ۳۷ دقیقه و در بلندی ۱۶۸۲ متری از سطح دریا و در ۱۲۴ کیلومتری جنوب شرقی تبریز و در مسیر جاده

اصلی بستان‌آباد ـ اردبیل قرار دارد.

آب و هوا: نسبتاً سرد و خشک، بیشترین درجه گرما ۲۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۲۶ درجه زیر صفر و مقدار ریزش باران سالانه بطور متوسط ۲۹۰ میلیمتر می‌باشد.

سراب: از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان مشکین شهر و بلندی‌های سبلان، از جنوب به کوه‌های سبزقوش و شهرستان میانه از خاور به گردنه‌ی صائین و شهرستان اردبیل و از شمال باختری به شهرستان‌های بستان آباد و هریس محدود و دارای ۳۷۷۲ کیلومتر مربع مساحت و در ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و در ۱۶۸۰ متری از سطح دریا و فاصله‌اش تا تهران ۶۳۶ کیلومتر و تا تبریز ۱۳۰ کیلومتر می‌باشد.

رود سراب از دامنه‌های جنوبی سبلان سرچشمه گرفته و به‌سوی باختر به سوی دریاچه‌ی ارومیه روان است.

این شهرستان بواسطه محصور بودن میان کوه‌های بند و بزقوش و سبلان معتدل کوهستانی است که در زمستان بسیار سرد و در تابستان معتدل است این شهرستان در جلگه‌ای میان سبلان و بزاقوش قرار گرفته سراب در داخل حوضه‌ی تلخه رود و دریاچه‌ی ارومیه واقع شده چهره‌ی عمومی آن به وسیله‌ی دو رشته کوه سبلان و نرمیق در شمال و بزقوش در جنوب و پیوستن بزقوش به وسیله‌ی بلندی‌های ایلانجوق به سبلان در خاور تشکیل گشته، این عوارض طبیعی مایه‌ی بسته شدن سه سوی شمال و خاور و جنوب این شهرستان گشته و به‌صورت چاله‌ای که به سوی شمال باز می‌شود در آمده است.

بیش‌تر زمین‌های سراب بیش از ۲۰۰۰ متر بلندی و پست‌ترین بخش این شهرستان کوهستان سبلان می‌باشد. شیب عمومی زمین به سوی منطقه‌ی مرکزی شهرستان است.

رودهای سراب: ۱ - بشو، پسلر، نسیون که از دامنه‌های سبلان سرچشمه می‌گیرد. ۲ - وانقا (وانق) که از دامنه‌های شمالی بزغوش روان است. ۳ - تاجیار که از شمال کوه‌های بزغوش سرچشمه گرفته و بخشی از آب‌های قوشاداغ به آن پیوسته به حوضه‌ی آبریز تلخه رود می‌ریزد و طول آن ۴۴ کیلومتر است ۴ - آجی‌چای که از بلندی‌های سبلان و بزغوش سرچشمه می‌گیرد ۵ - سراو رود که از میان شهر سراب می‌گذرد.

سراب دارای اقلیم مدیترانه‌ای گرم، اسپتی سرد و کوهستانی سرد است ماه‌های خشک و یخ‌بندان آن میان ۵ تا ۸ ماه است. میزان بارندگی آن ۳۵۰ میلی‌متر و متوسط درجه‌ی حرارت ۳۰ درجه صد بخشی و دارای زمستان‌های پربرف و سرد و تابستان‌های معتدل است.

پوشش گیاهی این شهرستان بیش‌تر، استپی، درمنه، گون و شمال آن تنگرس، دارای مراتع و کوه‌های بلند است.

اقتصاد: سراب در دشتی حاصل‌خیز و پرآب قرار گرفته، از مراکز مهم کشاورزی و دامپروری به شمار می‌رود.

غلات، علوفه، دام و فرآورده‌های دامی سراب دارای اهمیت است.

صنایع: قالی، سفال، آجر و آب‌های گرم آن پررونق است.

تقسیمات کشوری: این شهرستان تا سال ۱۳۲۴ از بخش‌های تابع اردبیل اما در این سال تبدیل به شهرستان درجه‌ی ۳ شد.

دارای بخش: (۱ - مرکزی ۲ - مهربان) و دارای ۹ دهستان
۱ - آغمیون ۲ - رازلیق ۳ - حومه ۴ - صائین ۵ - ابرغان ۶ - ملایعقوب ۷ - آلان برآغوش ۸ - اردلان ۹ - شربیان و ۱۹۰ روستاست و چهار شهر ۱ - سراب ۲ - مهربان ۳ - شربیان ۴ - دوز دوزان.است.

رودها: ۱ - رود آجی‌چای (تلخه رود) ۲ - رود قاجی‌یار ۳ - پیسلرچای ۴ - رازلیق چای ۵ - وانق چای ۶ -کاظم چای ۶ - آغیمون چای ۷ - قوری چای ۸ - دانباران ۹ - هره نوع.

کوه‌ها: ۱ - رشته کوه سبلان (۴۸۱۱ متر) در شمال ۲ - رشته کوه بزغوش (۳۳۰۲ متر) در جنوب جلگه‌ی سراب را در میان گرفته‌اند.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک

رستنی‌ها: درختان ارس، بادام کوهی، راش، بلوط و گردو -گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی غنی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال، گراز، گورکن، کبک، سار، شانه به‌سر، غاز وحشی، آنقوت، لک‌لک و عقاب

ایلات و عشایر: با اینکه خود شهرستان سراب ایلات و عشایری ندارد اما عده‌ای از طوایف و عشایر دشت مغان از طایفه‌ی حسنک‌لو، امیرلو، و عروجلو از تیره حضرتلو (هریلو) وابسته به ایل شاهسون از مراتع سراب استفاده می‌کنند.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع کارگاهی و تبدیلی، پرورش طیور، صنایع دستی استوار است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای، بنش، تره‌بار، توتون، سیب، گلابی، زردآلو و گردو، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، ماهی، نخ، پارچه، آجر، قالی، سفال

دشت سراب: این دشت شهر سراب را در میان گرفته، شامل بر محل تلاقی برخی از شاخابه‌های آجی‌چای. این دشت و حوزه‌ی تبریز اطراف آن بخش بزرگی از آب آجی‌چال را تأمین می‌کند. سفره آب‌های آزاد این دشت عمدتاً از جریان آب‌ی کوه‌های زاگرس فراهم گشته و وسعتش ۸۵۰کیلومتر مربع است. بهروز خاماچی

سراب بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی و دارای ۶ دهستان (۱ - ابرغان ۲ - آغمیون ۳ - حومه ۴ - رازلیق ۵ - صائین ۶ - ملایعقوب) است.

سراجو: از بخش‌های شهرستان مراغه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر خراجو است که در ۱۳۷۷/۳/۱۹ شهر شناخته شد.

سراجوی جنوبی: از دهستانهای سراجو شهرستان مراغه استان آذربایجان شرقی مرکز آن آغچه کهل است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد.

رود بلوک آباد و رود سراچای در آن روان است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.

پوشش گیاهی: تلخه بیان، پونه، آویشن، مرز نگوش، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.

سراجوی شرقی: از دهستانهای بخش سراجو شهرستان مراغه استان آذربایجان شرقی مرکز آن خراجو و شهرش خراجو است. و در منطقه تپه‌ای سرد و نیمه خشک و تپه عباس کلاهه و دره خلف علی و دره جین، تپه حوض مضانی و تپه‌کلک داله قرار و رود قره گل در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن و سیب.

پوشش گیاهی: بولاغ اوتی، کهلیک اوتی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
سراسکند: مرکز شهرستان هشترود است که در گذشته سراسکانرود نام داشته. بلندی این شهر از سطح دریا ۱۲۵۰ متر و مساحتش ۲۱۱۰ کیلومترمربع مساحت و فاصله سراسکند تا قره چمن و جاده ترانزیتی تبریز - تهران ۲۴ کیلو متر و مسافت آن تا تبریز ۱۳۰ کیلومتر و تا مراغه ۱۰۰ کیلومتر است. در سال ۱۳۵۰ سراسکند به آذران تغییر نام یافت، اما باز همان سراسکند گفته می‌شود.
سراسر سراسکند کوهستانی است. شهر در دره‌ای تنگ و بین دو کوه بر دامنه رو به جنوب آنها شکل گرفته و دو رشته رود بنام آق بلاغ چای و سراسکند چای از کرانش می‌گذرد.
آب وهوائی در زمستان‌ها سرد و در تابستانها معتدل و ملایم دارد. زمستانها بواسطه ریزش برف راه و رود آن دشوار و گاه ناممکن می‌شود.
رودها: ۱ - رود سراسکند ۲ - قرانقو۳ - قره بلاغ ۴ - شورچائی ۵ - شورجه چائی ۶ - آید و غموش ۷ - آلمالو چای ۸ - کلقان چای ۹ - قوری چای ۱۰ - قره آغاج چای.
کوهها ۱ - آنا (۲۶۲۰ متر) ۲ - آق داغ (۱۸۰۰ متر) ۳ - اربط داغ (۲۸۳۴ متر) ۴ - بابا(۲۸۲۳ متر) ۵ - چراغ مردان (۲۱۶۷ متر) ۶ - خاله اوشاقی (۲۷۲۰ متر) ۷ - داغ دالی (۲۹۱۸ متر) ۸ - زاغ (۲۰۵۰متر) ۹ - شورملی (۱۹۴۲ متر) ۱۰ - شاهسون داغی (۲۶۵۰ متر) ۱۱ - شوند (۲۸۵۰ متر) ۱۲ - فتورداغی (۲۵۵۰ متر) ۱۳ - قرخ بلاغ (۲۸۰۰ متر) ۱۴ - قره داغ (۲۸۷۵ متر) ۱۵ - قبله (۳۲۰۶متر) ۱۶ - قیکاگدولی (۲۶۵۰ متر) ۱۷ - گل دامن داغ (۲۶۵۰ متر)
کانها: کائولن، سنگ مرمر، گچ، نمک، سولفات کلسیم، معدن کلروسدیم و سنگ مرمریت
آب و هوا: نسبتاً سرد و خشک
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی خوب برای چرای دام
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال، گراز، کبک، قرقاول، جوجه تیغی، بلدرچین، عقاب، لک لک، جغد و هدهد.
بااینکه از مردم بومی عشایر و ایلاتی نیستند با اینحال ایلات و عشایرکوچروی شاهسون و غیره برای چرای دام به هشترود می‌آیند.
زبان: ترکی
درآمد: برپایه کشاورزی، باغداری و دامداری و صنایع دستی و کارگاهی استوار است.
کشت ۷۰ درصد آبی و ۳۰ درصد دیم و آب کشاورزی از رود، چشمه و چاه فراهم گشته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، زردآلو و گردو، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، ماهی، آرد، گچ، آجر، ماکارونی، ظروف، ملامین، قند، جوراب، پتو، پارچه، فرش ،جاجیم .
سرد صحرا: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی و مرکز آن خلجان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، انگور، سیب، گلابی و فرش با طرح تبریز.
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه و خرگوش.
سلوک: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن سلوک است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: سیب زمینی، بنشن، گاودانه، گندم، جو، سیب، زردآلو و چوب درختهای بید و تبریزی

پوشش گیاهی: آویشن، کاسنی، غازایاقی، مرزه کوهی، کنگر، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

سهند آباد: از دهستانهای بخش تیکمه داش شهرستان بستان آباد آذربایجان شرقی ومرکز آن قره چای حاج علی است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه آت داغی و کوه آق داغ و کوه قلعه خرس و دره دربند و دره شرشر و دره جاجغلو قرار و رود قبان چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم و جو.

پوشش گیاهی: مرزنگوش، گل گاوزبان، پونه، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

سیس: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن سیس و شهرش شندآباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه کیوره می‌باشد. روستای سیس بواسطه داشتن چند اثر تاریخی بلندآوازه است: ۱ـ مزار پیر رجب ۲ ـ مزار شیخ اسماعیل عارف بزرگ قرن هفتم ۳ ـ مسجد محمد حنفیه ۴ ـ آرامگاه باله‌حسن که از مریدان شیخ شهاب‌الدین اهری بود.

فرآورده‌ها: تره بار، گوجه سبز، انگور، به، گیلاس، آلبالو و آلو.

پوشش گیاهی: آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، و خرگوش.

سینا: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان ورزقان آذربایجان شرقی، مرکز آن آقابابافرامرزی است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه میرسقا و تپه قالاچیق می‌باشد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گاودانه، یونجه و تره بار.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز و کبک.

سیه رود: از بخش‌های شهرستان جلفا استان آذربایجان شرقی مرکز آن شهر سیه‌رود و دارای ۲ بخش است. ۱ ـ دیزمار غربی ۲ ـ نوجه‌مهر در منطقه‌ی دشتی، معتدل خشک در ۳۲کیلومتری مغرف خروانق قرار گرفته است.

رود ارس در شمال و رود ایری از مشرق شهرک سیه رود می‌گذرد کوه چیچی‌قان در جنوب مرکز بخش سیه رود، سر برافراشته است. کشاورزی، باغداری و دامداری راه عمده‌ی گذران زندگی مردم این سامان می‌باشد.

کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، کنجد، یونجه، بنشن، زردآلو، سیب، گلابی، آلبالو و گیلاس

پوشش گیاهی: آویشن و پونه، پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش

شادیان: از بخش‌های شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی مرکز آن شهر آغچچه ریش و دارای سه دهستان ۱ - چاراویماق جنوب شرقی ۲ - چاراویماق شرقی ۳ ـ چاراویمان مرکزی است.

شبستر (مرکز شهرستان)

شهر شبستر مرکز شهرستان شبستر، از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی، در ۶۰کیلومتری شهر تبریز و در مسیر راه تبریز ـ سلماس است.

آب و هوا: معتدل و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۱۸ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه شبستر بطور متوسط ۳۵۰ میلیمتر میباشد.

شبستر (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، از شمال به شهرستان مرند، و از خاور و جنوب به شهرستان تبریز، از جنوب باختری به دریاچه‌ی ارومیه و از باختر به شهرستان سلماس و شهرستان خوی محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای سه بخش (۱ - مرکزی ۲ - صوفیان ۳ - انزاب) و هشت دهستان (۱ - گونی مرکزی ۲ -گونی شرقی ۳ - سیس ۴ - چله خانه ۵ - میشو جنوبی ۶ - رودقات ۷ - گونی غربی ۸ - چهرگان) و ۹۹ روستا و ۸ شهر ۱ - شبستر ۲ - صوفیان ۳ - خامنه ۴ - شندآباد ۵ - شرفخانه ۶ - تسوج ۷ - سیس ۸ - وایقان است.

رودها: ۱ - رود دره چای (شبستر که از کوه میشوداغ سرازیر می‌گردد ۲ - رود الماسی که از کوه علمدار روان گشته است. ۳ - رود نیل که از کوه اوزون یل سرچشمه می‌گیرد. از مناطق شمالی شهرستان شبستر می‌گذرد و به دریاچه‌ی ارومیه می‌پیوندد. ۵ - رود هریس از کوه قیه سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد. بندر شرفخانه و جزیره‌ی اسلامی (شاهی) بزرگ‌ترین جزیره‌ی دریاچه‌ی ارومیه و سراسر مناطق شمالی، شمال و خاوری و بخشی از کرانه‌های خاوری این دریاچه جزو قلمرو شهرستان شبستر است.

کوه‌ها: شهرستان شبستر از دو منطقه‌ی کوهستانی و دشتی پدید آمده که بخش کوهستانی در شمال و جلگه‌ای در جنوب است. رشته کوه‌های میشوداغ سراسر مناطق شمالی شهرستان شبستر را در برگرفته از مرز طبیعی شهرستان شبستر و شهرستان مرند می‌باشد.
کوهستان میشوداغ از سلماس تا صوفیان به‌طول تقریبی حدود ۱۰۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر و مهم‌ترین کوه‌ها ۱ - کوه کسر بابا از رشته کوه‌های میشوداغ به بلندی ۳۰۲ متر ۲ - کوه قراول تپه به بلندی ۱۹۵۰ متر ۳ - کوه قین‌بورنی به بلندی ۱۹۳۰ متر ۴ - کوه اوزون بال به بلندی ۲۹۰۰ متر

کان‌ها: ۱ - سنگ آهک ۲ - شن و ماسه ۳ - معدن نمک

آب و هوا: معتدل و نیمه مرطوب

رستنی‌ها: درختان انگور، زالزالک و بلوط، گیاهان دارویی

صنعتی: گل بابونه، کاکوتی، گل گاوزبان، گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام به مقدار فراوان

جانوران و پرندگان: گراز، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، تیهو، کبک، قرقاول، درنا، مرغابی، لک‌لک، حواصیل.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری و صنایع دستی و کارخانه‌ای استوار است.
کشاورزی از وقع بسیار خوبی برخوردار است، از این رو فرآورده‌های کشاورزی فراوانی به‌دست می‌آید. گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای تیره بار، انگور، سیب، گردو، بادام، گلابی، زردآلو، آلو، آلبالو، گوجه، گیلاس و هلو

دامداری: مراتع خوب و فراوان به دست اندرکاران امکانات فراوانی داده و همین موقع مناسب دامپروری را کاری پرسود نموده پرورش زنبور عسل و تولید عسل نیز از اهمیت بسزاد

برخوردار می‌باشد به‌طوری که تقریباً همه‌ی روستاها در کار زنبورداری فعال هستند.
صنایع: ۱ - صنایع دستی قالی، سفال، ۲ - صنایع کارخانه‌ای ۱ - کارخانه سیمان صوفیان، کمپوت سازی و تهیه برگه‌ی زردآلو، کارخانه‌ی تعمیر کشتی در بندر شرفخانه
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر شبستر دارای ۶ شهر ۱ - شبستر ۲ - شندآباد ۳- سیس ۴ - سرفخانه ۵ - وایقان ۶ - خامنه) و ۳ بخش (۱ - مرکزی ۲ - انزاب ۳- صوفیان)
شبستر دارای دو بخش دو شهر و هشت دهستان می‌باشد. این شهرستان ۲۷۵۰ کیلومتر مربع مساحت ۱۴۰۰۰ متر از سطح دریا بلندی و در ۷۳ کیلومتری تبریز و در مسیر جاده‌ی تبریز - صوفیان - سلماس و در کنار راه آهن - تبریز - ترکیه - اروپا قرار دارد. شهرستان شبستر از شمال به مرند و کوهستان می‌شو، از جنوب به دریاچه‌ی ارومیه و شهراسکو، از خاور به دهستان رود قات از باختر به شهرستان خوی و شهرستان سلماس محدود است که در روزگار صفویه راه معروف - تبریز - طرابوزان از شبستر می‌گذشت.
موقع طبیعی: کوهستان میشوداغ، شمال این شهرستان را در برگرفته که بلندترین قله‌اش علی‌عملدار به بلندی ۳۱۵۵ متر می‌باشد همچنین قله شانجان به بلندی ۳۱۲۵ متر است.
رودخانه‌ها و کاریزها و چشمه‌سارهای بسیاری در این سامان وجود دارد که کشاورزیش را پررونق ساخته.
آب و هوای شبستر در تابستان‌ها معتدل تاگرم و در زمستان‌ها سرد و ملایم است. بادهای مرطوب مدیترانه و رطوبت دریاچه‌ی ارومیه در آب و هوای شبستر سخت مؤثر است.
میزان ریزش باران سالانه‌اش ۶۰۰ میلی‌متر، روزهای یخبندان سالانه‌ی آن کمتر از شهرستان‌های دیگر آذربایجان می‌باشد. ۱ و ۲
شبستر و سابقه‌ی فرهنگی: از شبستر مردان بزرگی برخاسته‌اند از جمله شاعر عارف شیخ محمود شبستری، علاوه بر این در دوره‌ی مشروطه کمک‌های ارزشمندی به مشروطه‌خواهان نمودند از این گذشته در ایجاد مدارس جدید مجدانه کوشیدند.» ۲
سابقه‌ی تاریخی: شبستر معرب است که به زبان زند اوستا به معنای کوهپایه، جوستر، چوستر، چیستر از دریاچه ارومیه گرفته شده حمدالله در کتاب نرهةالقلوب (۷۴۰ هـ ق)
فراوانی نعمت این ناحیه را ستوده و نوشته است: «ناحیه‌ی ارونق غرب تبریز است، حاصلی نیکو دارد. انگور، غله، میوه و سی پاره دیه است.»
اقتصاد: کشاورزی، دامداری، باغداری، زنبورداری، مرغداری، از منابع درآمد و گذران زندگی مهم مردم این سامان است. غلات، حبوبات پلاستیک سازی، موزاییک سازی از صنایع کارخانه‌ای آن است.
آثار تاریخی: ۱ - جغرافیای استان‌های آذربایجان و اردبیل، ۲ - فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، ۳ - تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران
شبستر (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر شبستر و دارای ۳ دهستان (۱ -گونی مرکزی ۲ - سیس ۳ -گونی شرقی) است.
شبلی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بستان آباد آذربایجان شرقی و مرکز آن سعیدآباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه قصر ایوان و کوه تک آلتی و کوه

آلقجار و گردنه اسیتار و دره درمان و کوه قیدک و کوه ایلان درویش و دره بند قرار و رود فصلی سعیدآباد چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره بار، سیب زمینی، یونجه، سیب، عسل، قالی.
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، پونه، خاکشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.
شجاع: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان جلفا استان آذربایجان شرقی مرکز آن شجاع است و شهرش هادیشهر است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه رون و کوه داشی و دره قرنخ می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، زردآلو، سیب، آلوزرد، و گردو.
پوشش گیاهی: پونه، آویشن و گیاهان مرتعی.
شربیان : از شهرهای بخش مهربان شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی است که در ۱۳۷۸/۱/۱۱ تبدیل به شهر شد.
در ارتفاع ۱۷۵۰ متری از سطح در منطقه‌ی دشتی، سرد نیمه خشک و در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی مهربان قرار گرفته.
رود فصلی للنجوان چای از مشرق شهرک شربیان می‌گذرد.
کوه تاشقادمی در ۵ کیلومتری جنوب این شهرک سربرافراشته و تپه‌ی کمال یوردی در یک کیلومتری جنوب و جنوب شرقی آن قرار دارد.
اقتصاد، کشاورزی، باغداری، دامداری، پرورش زنبور عسل، داد و ستد و قالی‌بافی است.
کشت آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، چاه، و کاریز
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب‌زمینی، نخود، لوبیا، گوجه‌فرنگی، خیار، یونجه، شبدر، سیب، زردآلو، آلو و چوب درخت صنوبر
پوشش گیاهی: گیاهان دارویی چون مرزنگوش، آویشن، شیرین بیان و پوشش گیاهی مرتعی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش
شربیان: از دهستانهای شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی مرکزش شربیان و شهر آن دوز دوزان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه علم‌لی و کوه قاسم داغی قرار و رود بنجوان چای و رود فصلی گرگر در آن جریان دارد
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب‌زمینی، بنشن، علوفه، زردآلو، عسل، و چوب درخت صنوبر و قالی.
پوشش گیاهی: مرزنگوش، آویشن، غازایاقی، پنیرک، درمنه، شیرین بیان، بابونه، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.
شورکات جنوبی: از دهستانهای بخش ایلخچی شهرستان اسکو استان آذربایجان شرقی و مرکز آن خاص آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و تره بار.
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه و خرگوش.
شیخ در آباد: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن شیخ در آباد است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه ساری قیه و کوه چوقائی و تپه قره تپه قرار و رود آی دوغموش در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، برنج، جارو، انگور، و زردآلو.

پوشش گیاهی: آویشن، غازایاقی، قارچ خاکشی، گل گاوزبان، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک.
صائین: از دهستانهای بخش مرکزی سراب استان آذربایجان شرقی مرکز آن کلیان منطقه‌ای است تپه‌ای، سرد نیمه خشک در ۳۳ کیلومتری شهر سراب کوه بیوک داغ، کوه ساری قیه، کوه قصرداغ از ارتفاعات آن است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، عدس، یونجه، و شبدر، شیرین بیان، آویشن، خاکشی، گل ختمی، گل گاوزبان، گون، و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز.
صوفیان: از بخش‌های شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر صوفیان و سه دهستان (۱ - چله‌خانه ۲ - رود قات ۳ - میشو جنوبی) و یک شهر به نام صوفیان است.
صوفیان از شمال و شمال خاوری به مرند از باختر به بخش مرکزی شبستر، از خاور به بخش مرکزی تبریز و از جنوب به بخش اسکو محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای یک شهر (صوفیان - مرکز بخش) و ۳ دهستان (۱ - چله‌خانه ۲ - رود قات ۳ - میشو جنوبی) است.
رودها: رود یام از کوه فلخ سرچشمه می‌گیرد، مناطق باختری صوفیان را آبیاری می‌کند و سرانجام به شوره زارهاری ارومیه می‌ریزد چشمه‌های آب گرم متعددی در شمال باختری صوفیان روان است که خواص درمانی برای آن‌ها قائلند. در حدود ۴/۵ کیلومتر پس از صوفیان در مسیر مرند در بلندی‌های سمت چپ جاده، رسوب‌های سفید نمک دیده می‌شود در این ناحیه رسوب‌های متورق کربنات کلسیم نتیجه‌ی رسوب‌گذاری آب دیده می‌شود. بررسی‌ها آزمایش‌ها از آب چشمه‌ی معدنی صوفیان نشان می‌دهد که این آب در ردیف آب‌های معدنی هیپرکلروره و بیکربناته مخلوط و سلفاته کلسیک گازدار و آهن‌دار و سرد است که در حدود ۷۳/۵ گرم در لیتر کلرور سدیم دارد خاماچی
کوه‌ها: ۱ - کوه امنه بلندی ۲۱۷۸ متر ۲ - کوه گلر به بلندی ۱۸۱۳ متر ۳ - کوه بِلستان به بلندی ۱۹۷۰ متر
آب و هوا: معتدل خشک
رستنی‌ها: گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، شیرین بیان، بویاق باشی قیاغ اوتی، کنگر وحشی و گون کتیرا - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: روباه، خرگوش، گرگ، شغال، سمور، موش صحرایی، کبک، قرقی
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی باغداری، دامداری، پرورش زنبور عسل و صنعت استوار است. کشاورزی به دو صورت دیم و آبی انجام می‌شود. آب کشاورزان از رود و چشمه فراهم می‌شود.
مزارع و باغ‌های فراوان نشانگر رونق کشاورزی و دامداری صوفیان است. در کوه‌های شمالی صوفیان معادن آهک و گچ مرغوب به‌طور کلی استخراج و بهره‌برداری می‌شود. در شش کیلومتری شرق صوفیان کارخانه‌ی سیمان فعال است. همچنین کارخانه‌ی گچ ماشینی، کارخانه‌ی آذریت و ایرانیت سیلوی بزرگ و قند و شکر آن اهمیت بسیار دارد. خاماچی
دامداری به واسطه‌ی مراتع غنی، بسیار پررونق است، گوسفند، گاو و بز پرورش داده می‌شود.
زنبور عسل نیز از روزگاران پیش معمول بوده و اینک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.
قالی بافی، صنایع کارخانه‌ای چون کارخانه‌ی

سیمان، اهمیت اقتصادی فراوانی دارد. موزاییک سازی نیز از جمله صنایع‌اش است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، آفتابگردان، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی، عسل، سیمان و موزاییک.

عباس شرقی: از دهستانهای بخش تیکمه داش شهرستان بستان آباد استان آذربایجان شرقی و مرکز آن قره چمن است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه نقاره قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، نخود، سیب، چوب درختان تبریزی و بید.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، قارچ، ریواس، کنگر، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

عباس غربی: از دهستانهای بخش تیکمه داش شهرستان بستان آباد استان آذربایجان شرقی و مرکز آن تیکمه داش است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و کوه خاچالی قیه.

عجب‌شیر: شهرستانی است که در ۹۵ کیلومتری جنوب غربی شهر تبریز و در ۳۵کیلومتری شمال غربی مراغه و بر سر راه اصلی تبریز - مراغه و کردستان و در مسیر راه‌آهن - تبریز ـ تهران است. از طریق بندر رحمانلو درکرانه‌ی شرقی دریاچه‌ی ارومیه - با بندرهای آذربایجان غربی مرتبط می‌باشد.

عجب‌شیر در یک جلگه‌ی هموار و حاصل‌خیز در کرانه‌ی شرقی دریاچه‌ی ارومیه قرارگرفته، مشرق آن‌کوهستانی و پیشکوه‌های سهند غربی با ۲۳۰۰ متر بلندی،گنبد داغی،کلیسا داغی، قلعه‌ی ضحاک در آن قرار گرفته است آب و هوای این بخش در کرانه‌ی دریاچه‌ی ارومیه، معتدل با تابستان گرم و در کوهستان‌های معتدل کوهستانی است میزان بارندگی سالانه ۴۰۰ میلی‌متر و تحت تأثیر بادهای مرطوب مدیترانه و دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد.

کرانه‌ی دریاچه‌ی ارومیه دارای طبقات نمکی است و تنها نوعی درختچه به نام گز در آن می‌روید. خاماچی

تقسیمات کشوری: دارای یک شهر (عجب‌شیر، مرکز شهرستان) و دو دهستان (۱ - دیزجرود شرقی ۲ - حضرتلو ۳ ـ بخش حمله‌چای، مرکز آن جوان قلعه است).

عجب‌شیر در یک جلگه‌ی هموار و حاصل خیز و در کرانه‌ی شرقی دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد، اما در خاور عجب شیر کوهستانی است و پشت کوه‌های سهند غربی با بلندی ۲۳۰۰ متر، گنبد داغی، کلیسا داغی، قلعه‌ی ضحاک قرار دارند.

آب و هوا: در کرانه‌ی دریاچه‌ی ارومیه معتدل با تابستان گرم و در کوهستان‌ها معتدل کوهستانی، میزان بارندگی ۴۰۰ میلی‌متر در سال است رود قالاچای از کوه‌های سهند غربی و دامنه‌های کوه‌های هرگلان روان گشته و روستاهای متعددی را آبیاری می‌کند علاوه بر بن از چند صد حلقه چاه‌عمیق و نیمه عمیق در کشاورزی و باغداری استفاده می‌شود.

غلات: سیب زمینی، پیاز، انواع میوه، به ویژه انگور

فرآورده‌ها: قالی، فرآورده‌های دامی، خشکبار

در تابستان‌ها بسیاری از مردم برای استفاده از آب و لجن دریاچه‌ی ارومیه به بنادر رحمانلو، دانالو، قبادلو و زینت لو می‌شتابند.

طبیعت مساعد و آب و هوای معتدل، آب‌های زیرزمینی فراوان خاک حاصل‌خیز، عبور راه آهن و راه‌های ارتباطی، تبریز، مراغه، کردستان و آذربایجان غربی بر رونق عجب‌شیر بیش از پیش افزوده است.

علی آباد: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن علی آباد است. و در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد نیمه خشک و تپه‌های آرادغ قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و بنشن.
پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، غازایاقی، درمنه، بابونه، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قافلانکوه شرقی: از دهستانهای بخش کاغذکنان شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن چلاقلوست. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب، زردآلو و آلبالو.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، غازایاقی، ریواس، قارچ، گل گاوزبان، مرزه کوهی، شاتره، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گراز، پلنگ و کبک.
قافلانکوه غربی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی، مرکز آن آچاچی است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوههای قیزقلعه سی، قزل سحران وقافلانکوه قرار و رود قزل اوزن و رود فرانقو در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، برنج، علوفه، تره بار و جارو عسل و گلیم.
پوشش گیاهی: بومادران، شاتره، مرزه کوهی، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گراز، کفتار.
قرانقو: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن ذوالبین است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد. و رود فصلی آغچه رود می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود، سیب زمینی، سیب و زردآلو.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، کاسنی، مرزه‌کوهی، غازایاقی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قزل اوزن: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی، مرکز آن قریوجاق است. و در منطقه‌ای دشتی سرد نیمه خشک و تپه اجاق وردی و رود قزل اوزن و رود آجی چای قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و برنج.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، غازایاقی، خاکشی، بومادران و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، گراز و کبک.
قشلاق: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر، استان آذربایجان شرقی، مرکز آن تازه کند است. و درمنطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک وکوه اوتات سخور و تپه محمد و دره‌کپز قرار و رود آق دیوار جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب زمینی، زردآلو، آلبالو و گردو.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان، بنفشه، و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قلعه‌چای: از بخش‌های شهرستان عجب‌شیر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن جوان قلعه دارای ۲ دهستان (۱ - دیزجرود شرقی ۲ - کوهستان) است.

قوری چای شرقی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی و مرکز آن آغ زیارت است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و کوه آشاقی چای و کوه گل دامن داغی و دره داری پری قرار و رود قره آغاج درآن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، نخود، جو و یونجه.
پوشش گیاهی: تلخه بیان، خارشتر، گون، پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قوری چای غربی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مراغه، استان آذربایجان شرقی، مرکز آن داشبلاغ بازار است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و نخود.
پوشش گیاهی: کاسنی، پونه، آویشن، تلخه بیان، مرزنگوش، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قوریگل: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بستان آباد استان آذربایجان شرقی و مرکز آن یوسف آباد است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه قصرایوان و کوه آت ییلاقی و دره قازان بلاغی قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره بار، سیب.
پوشش گیاهی: خاکشی، پونه، چای گلی، و گل ختمی، و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
کاغذ کنان: از بخش‌های شهرستان میانه، استان آذربایجان شرقی است که از شمال شرقی و مشرق بـه شـهرستان‌های خـلخال، از جـنوب بـه شهرستان‌های زنجان و از مغرب به بخش مرکزی میانه محدود می‌باشد.

کاغذکنان در جلگه‌ی هموار ی بنا شده است. آب روان آن به رود قزل اوزون مـی‌ریزد. بـلندترین کوه‌های آن بوت (۱۹۳۰ متر) گورحق ۹۸۵ متر است) کاغذکنان از مناطق کشاورزی و باغداری و دامداری است این بخش، محصولات عمده‌اش غلات، حبوبات، صیفی‌جات و برنج چمباد و صنایع دستی است. خاماچی
تقسیمات کشوری: دارای یک شهر (آقکند مرکز بخش) و سه دهستان (۱ - قافلانکوه شرقی ۲ - کاغذکنان شمالی ۳ - کاغذکنان مرکزی) است.
رودها: بیش‌تر رودهای این بخش فصلی و کوتاه مسیر است. ۱ - بیوک چای ۲ - رود قزل اوزون ۳ - رود چالاخ
چشمه‌ها: ۱ - داشبلاغ ۲ - جاده چمن ۳ - قلعه لولی ۴ - میانداشی ۵ - کهریز
کوه‌ها: کوه‌های موجود این بخش به‌طور متوسط ۱۷۰۰ متر بلندی دارد.
دره‌ها: ۱ - دره‌ی خلف ۲ - ورگئین ۳ - گزگی ۴ - بادام لوق ۵ - دره اینچه ۶ - چالی بالاغ و...
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان سنجد، تبریزی، صنوبر، سروکوهی، زالزالک، گیاهان دارویی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک، مار، گراز، خرس، بز کوهی، پلنگ
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی باغداری استوار است. آب کشاورزی و باغداری از چشمه، رود و کاریز و نوع کشت بیش‌تر آبی می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، دام و فرآورده‌های دامی، سیب، گلابی، انگور، انجیر، بـه، آلبالو، گیلاس، آلو، زردآلو، بادام، گردو و سنجد.

کاغذکنان شمالی: از دهستانهای بخش کاغذکنان شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن قره بلاغ است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو و یونجه.

پوشش گیاهی: آویشن، غازایاقی، شیرین بیان، گل گاوزبان، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

کاغذکنان مرکزی: از دهستانهای بخش کاغذکنان شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن آقکند است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک دالاخ تپه و تپه قره قیه و تپه دروازه و دره آقکند و تپه قزل قیه قرار و رود آقکند و رود قره قانلوچای درآن جریان دارد. و کوه قره داغ و فارادره سی و دره شیخ و تپه شیخ قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، و چوب درختان تبریزی و سنجد.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، قارچ، ریواس، غازایاقی، اسپند و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گراز و کبک.

کردشت: از روستاهای کرانه رود ارس در آذربایجان شرقی است که از نظر خوبی آب و هوا و داشتن دواثر تاریخی ۱ـ قلعه سردشت ۲ ـ حمام کردشت از روزگار قاجاریه شهرت دارد.

کشکسرای ـ مرند

از شهرهای شهرستان مرنداست که در جلگهٔ پهناوری قرار دارد و راه مرند ـ خوی ـ بازرگان از ۱۳ کیلومتری شهر کشکسرای می‌گذرد. بلندی آن از سطح دریا حدود ۱۲۰۰ متراست.

آب و هوا: تا حدی معتدل و طول دوره یخبندان آن حدود ۱۲۰ روز و مقدار بارندگی سالانه حدود ۲۵۰ میلیمتر است

فرآورده‌ها: محصولات کشاورزی، باغداری، دامداری، آن اهمیت فراوانی دارد. قالی بافی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است.

خاک حاصلخیز، آب و هوای مساعد، باران کافی و کارائی و تخصص روستائیان و کشاورزان و باغداران، کشکسرای را به یکی از قطب‌های عمده کشاورزی تبدیل کرده است

کشکسرای: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی و مرکزش کشکسرای است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه علمدار و کوه گچ قالاسی قرارگرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، آلوچه، تخمه آفتابگردان، گیلاس، توت و عسل و فرش

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی، گل گاوزبان، ختمی، شیرین بیان، بابونه،.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک و گراز.

کلوانق: از شهرهای بخش مرکزی شهرستان هریس استان آذربایجان شرقی است که در ۱۳۷۷/۳/۲۳ تبدیل به شهر شد.

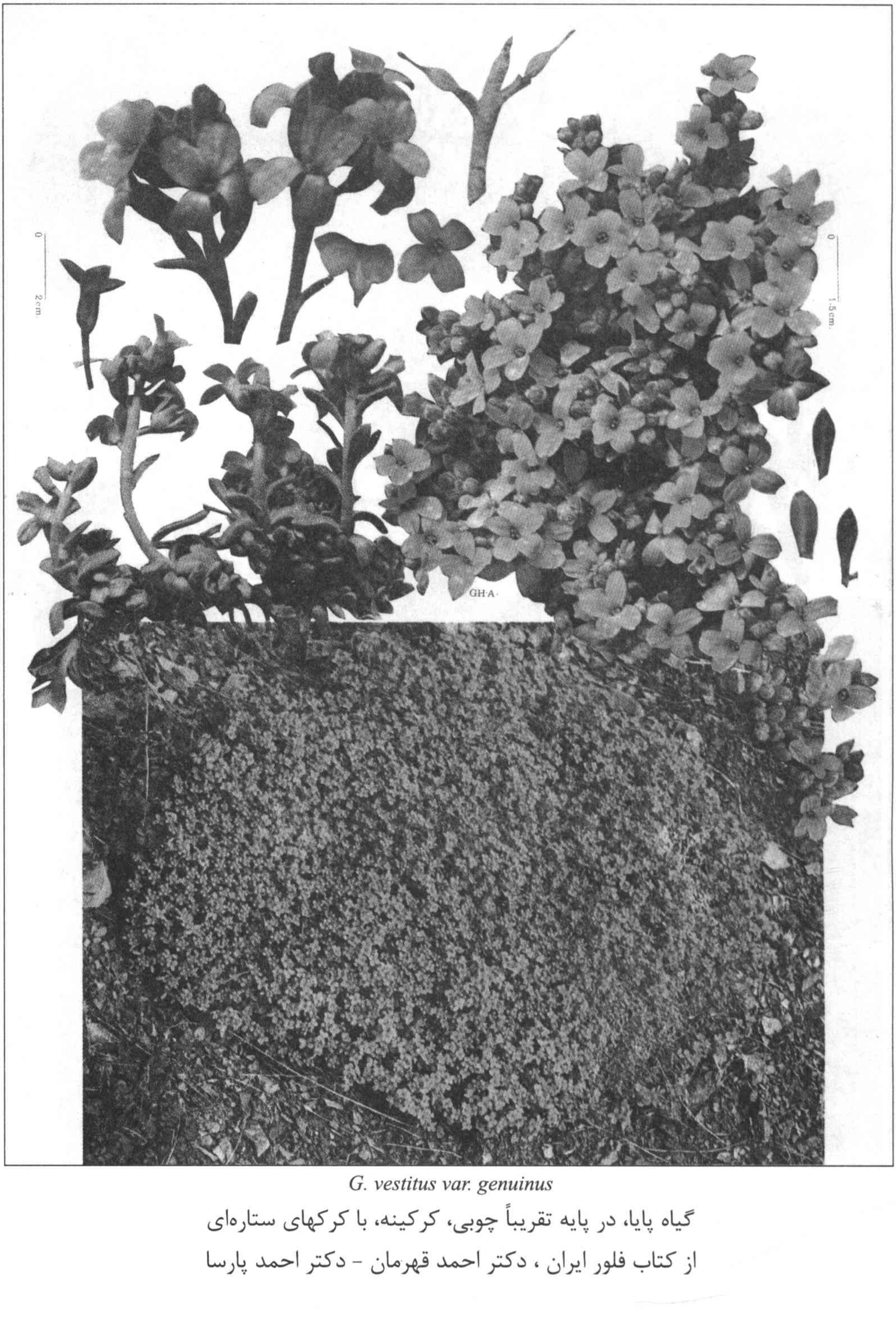
در بلندی ۱۵۶۰ متری از سطح دریا و در منطقه‌ای دشتی، سرد و نیمه خشک در ۲۵ کیلومتری مشرق هریس که رود تلخه رود در یک کیلومتری مغرب آن جریان دارد.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، زنبور داری، کارگری و قالی‌بافی استوار است.

کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، چاه و کاریز فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، گاودانه، یونجه، سیب‌زمینی، و سیب درختی

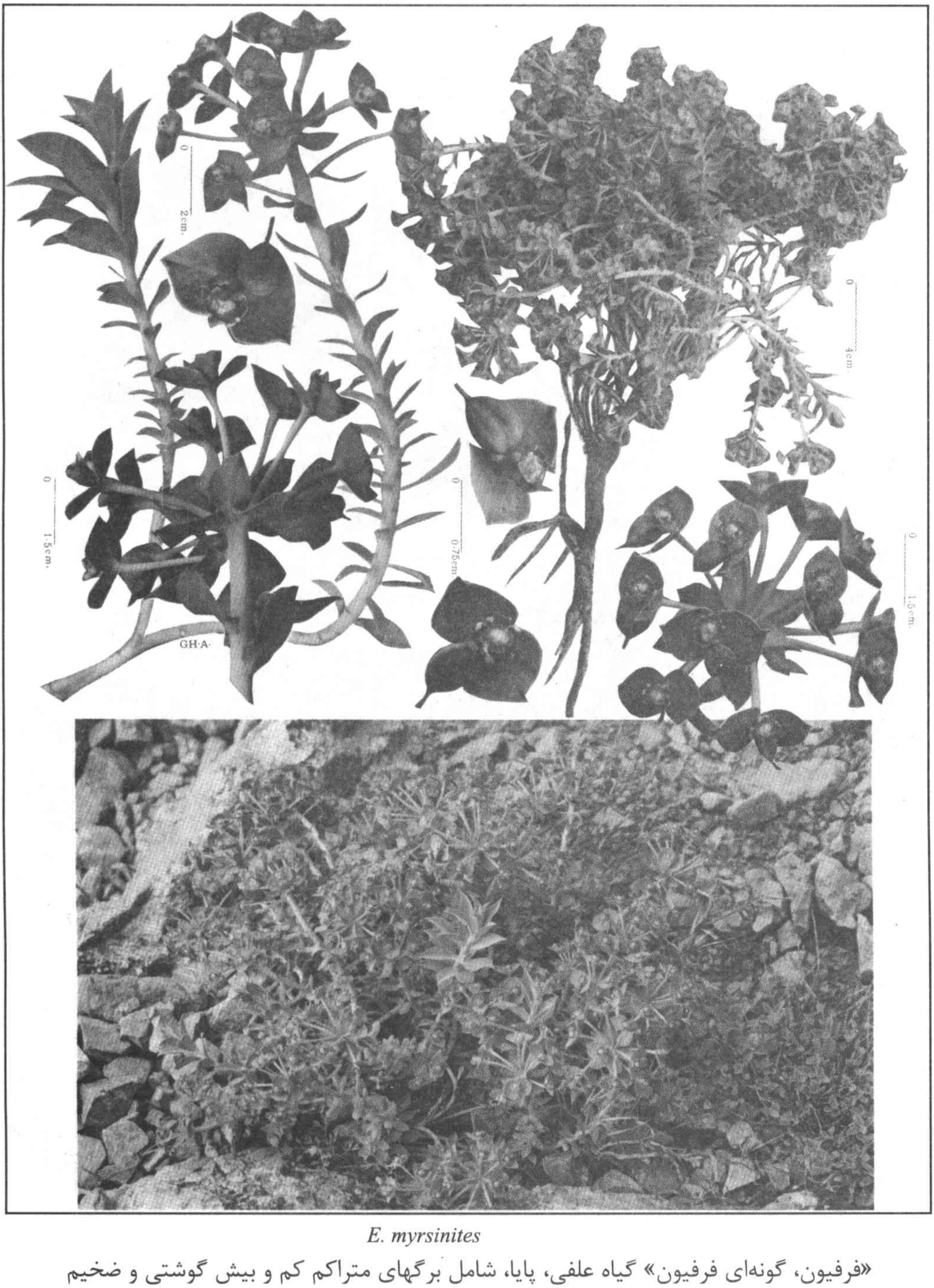
پوشش گیاهی: گیاهان دارویی چون گل‌گاوزبان و خاکشی و پوشش گیاهی برای چرای دام



G. vestitus var. genuinus

گیاه پایا، در پایه تقریباً چوبی، کرکینه، با کرکهای ستاره‌ای

از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



E. myrsinites

«فرفیون، گونه‌ای فرفیون» گیاه علفی، پایا، شامل برگهای متراکم کم و بیش گوشتی و ضخیم

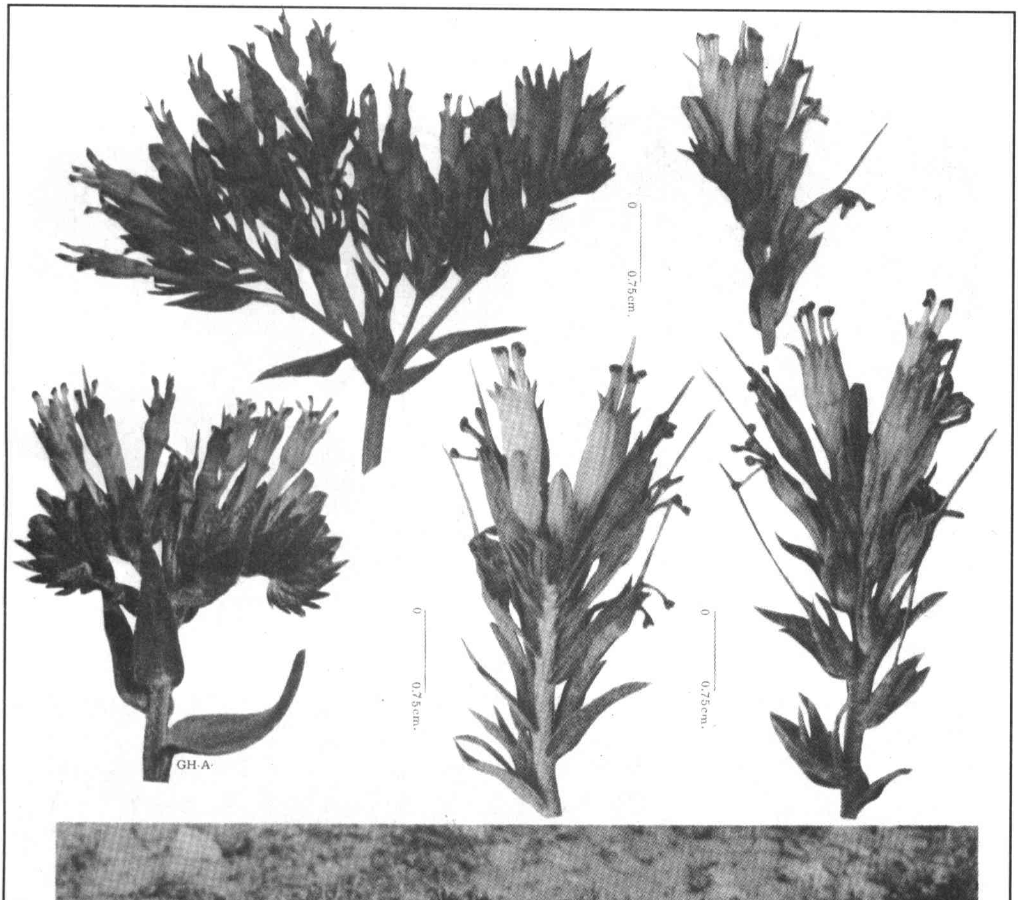
از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



P. tenuifolium

«گونه‌ای شقایق» گیاه علفی ، یکساله ، شامل کرکهای کم کوتاه یا تارمانند.

از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



M. caerulea

گیاه پایا ، در پایه چوبی، کوتاه، شامل کرکهای غده‌ای و تارهای رویهم خوابیده

از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



D. cyri

«گونه‌ای میخک» گیاه یکساله، علفی، فاقد کرک، با ۲۰ - ۵ سانتیمتر قد.

از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



Z. atriplicoides

«قیچ» گیاه پایا بوته‌ای، در پایه چوبی، به ارتفاع ۱۲۰ - ۹۰ سانتیمتر.

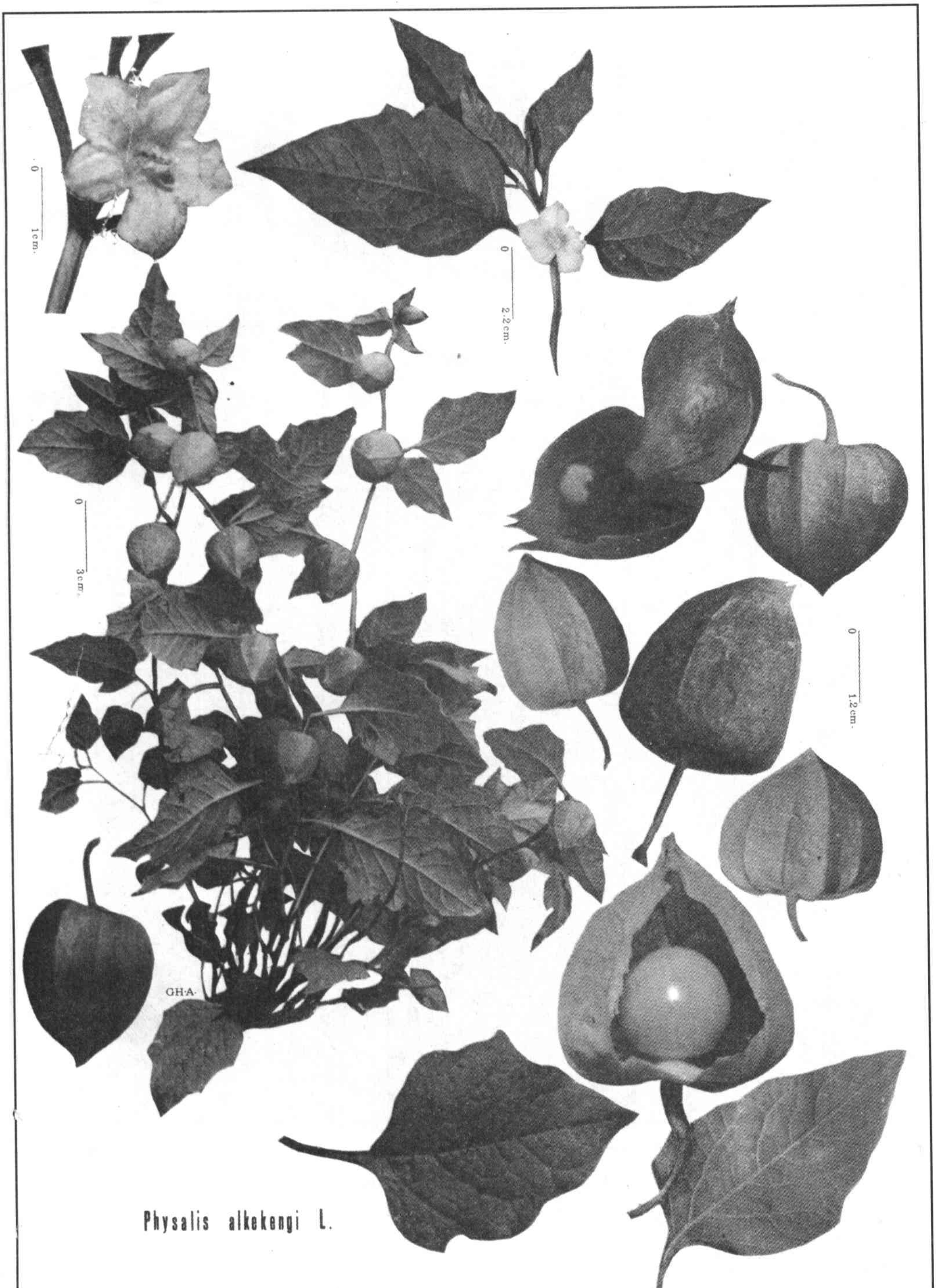
از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



S. acetabulosa L. var. szovitsiana

«گونه‌ای سالویا، سلوی» گیاه پایا، در پایه چوبی.

از کتاب فلور ایران ، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا



P. alkekengi

«عروسک پشت پرده» گیاه پایا، به ارتفاع ۸۰ - ۲۰ سانتیمتر، دارای ریزم منشعب و افقی.
از کتاب فلور ایران، دکتر احمد قهرمان - دکتر احمد پارسا

کله بوز شرقی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی، مرکز آن کنگاور است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه سید و کوه علی اصغر قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و نخود.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، توکلیجه، مرزه کوهی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بزکوهی، گراز و کبک .
کله بوز غربی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی، مرکز آن باشماق است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه آق درک و تپه سفید قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود و عسل.
پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، غازایاقی، درمنه، بابونه، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک.

کلیبر (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که از شمال به جمهوری آذربایجان، از شمال شرقی به شهرستان پارس‌آباد، از مشرق به شهرستان‌های بیله‌سوار ومغان و از جنوب شرقی به شهرستان مشکین شهر، از جنوب و جنوب غربی به شهرستان اهر و از مغرب به شهرستان‌های مرند محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای سه بخش (۱ - مرکزی ۲ - خداآفرین آبش‌احمد) ۱۳ دهستان (۱ - میشه‌پاره ۲ - بیلاق ۳ - آبش احمد ۴ - مولان ۵ - پیغانچائی ۶ - کیوان ۷ - میخوان شرقی ۸ - میخوان غربی ۹ - دیزمار شرقی ۱۰ - بسطاملو ۱۱ -گرمادوز ۱۲ ـ قشلاق ۱۳ ـ سیدان و سه شهر ۱ -کلیبر ۲ - خمارلو ۳ ـ آبش‌احمد.

کشاورزی و باغداری شهرستان کلیبر پررونق و کشت آبی و دیمی هر دو رایج است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، تره‌بار، سیب، توت، سماق، گیلاس، گردو و زغال اخته، دام، فرش و فرآورده‌های دامی، طیور و تولیدات کارگاهی
رودها: ۱ - رودکلیبر چای ۲ - رود پیغان چای ۳ - رود جیلان چای
کوه‌ها: کلیبر از جاهای سرد کوهستانی آذربایجان، کوه‌های بسیار در این سامان سربرافراشته از جمله سورچرتپه (۳۹۴۶ متر)
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان انجیر، بلوط، زرشک، گیلاس، گلابی، گردو جنگلی، فندق، زغال‌اخته، بادام کوهی، سنجد، تمشک، افرا، ارس و پسته وحشی گیاهان دارویی و صنعتی پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: روباه خرگوش، گرگ، خرس، گراز، شغال، لاکپشت، موش صحرایی، بزکوهی، سار، زنبور خوار، عقاب و کبک
زبان: ترکی و فارسی
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری، پرورش طیور، زنبور عسل و صنایع کارگاهی و صنایع دستی استوار است.
کلیبر: از بخش‌های شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر کلیبر و دارای ۴ دهستان (۱ - بیلاق ۲ - پیغان چایی ۳ - مولان ۴ - میشه‌پاره) است.
کندوان: از بخش‌های شهرستان میانه استان آذربایحان شرقی است که از شمال به سراب، از شمال شرقی به شهرستان اردبیل، از مشرق به شهرستان خلخال و از جنوب و مغرب به شهر

میانه محدود می‌باشد

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، برنج، گیاهان علوفه‌ای، گردو، بادام، سیب و زردآلو، طیور، دام و فرآورده‌های دامی قالی

ساکنان کندوان در منطقه‌ی کوهستانی در خانه‌هایی در درون توده‌های مخروطی و هرمی شکل صخره‌ها به سر می‌برند که از نوع معماری صخره‌ای خاصی برخوردار است. و تاریخ بنای آن‌ها به قرن هفتم هجری و حتی به دوره‌ی کهن قبل از اسلام نسبت داده شده است. کلفتی جنس و طبقات تپه‌ها و مخروط‌ها از نوع اینمبریت ولاهار است که در اثر مخلوط شدن مواد آتشفشانی سهند، با گل و لای حاصل از باران‌های سیل‌آسا پدید آمده است. بلندی این تپه‌های مخروطی و هرمی شکل بیش از ۶۰ متر است. علاوه بر مساکن دو مسجد و آغل‌ها و انبارهایی نیز به شیوه‌ی معماری صخره‌ای در این منطقه ساخته شده است.

وجود آب معدنی خانه‌های صخره‌ای و دره‌های سرسبز و خرم و آب و هوای مطبوع و وجود لبنیات خوب و عسل مسافران بسیاری به سوی خود می‌کشاند. بهروز خاماچی

تقسیمات کشوری: دارای یک شهر (به نام ترک مرکز بخش) و سه دهستان (۱ - تیرچائی ۲ - کندوان -۳ گرمه‌ی شمالی)

رودها: ۱ - ترک یا گرگه رود فصلی، پس از آبیاری زمین‌های کشاورزی بخش روان است ۲ - اشلق چای ۳ - کلامرز چای ۴ - گرمی چای

چشمه‌ها: ۱ - گبره ۲ - تراب خان سو در شمال ترک ۳ - چهل چشمه ۴ - زمزم ۵ - جیقاتای ۶ - گل بلاغی در شمال شرقی ۷ - چشمه سفید ۸ - چشکه آب‌گرم ایورق در شمال غربی بخش کندوان

کوه‌ها: ۱ - رشته کوه بزقوش (۳۳۰۲ متر) ۲ - کوه چهل نور (۲۵۶۰ متر)

تپه‌ها: ۱ - سفید ۲ - سنگر ۳ - چاوپان تپه سی در شمال ۴ - قره تپه ۵ - احمدعلی ۶ - مصلا ۷ - قلعه در جنوب

دره‌ها: ۱ - داشلی دره ۲ - نرگس ۳ - دره بلاغ در شمال ۴ - قشلاق ۵ - اوزون دره ۶ - ساری دره در شمال شرقی ۷ - خوبستان ۸ - آلکچی ۹ - عاقل ۱۰ - ارده کلان در مشرق ۱۱ - دره‌نای ۱۲ - تیله‌نو در جنوب

رستنی‌ها: درختان اروس - بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: روباه، خرگوش، گرگ، گراز، خرس، قرقی، پرستو و عقاب

زبان: ترکی

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، و صنایع کارگاهی استوار است. آب کشاورزی از رود، چشمه و کاریز فراهم گشته است.

کندوان: از بخش‌های شهرستان میانه مرکز آن ترک دارای ۳ دهستان: ۱ـ تیرجائی ۲ ـ کندوان ۳ ـ گرمه شمالی و مرکز شهری آن شهر ترک است.

کوهسار: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن اوشندل است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه گوزگولی داغی قرار گرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو و بنشن.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، کاسنی، شاتره، ختمی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک.

کیوان: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن

خمارلواست. و در منطقه‌ای برکوهی و پایکوهی معتدل نیمه مرطوب و کوه سرحد لاریجان و تپه گربان تپه سی می‌باشد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه و قالی باطرح (گلدار و هریز)

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، ختمی، بابونه، پونه، آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

گـرمادوز: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن لاریجان است. و در منطقه‌ای پایکوهی و دره‌ای معتدل نیمه مرطوب و کوه بزرگی و کوه باباحلو و کوه نوروز دره سی و کوه تبریز خان و کوه قره تپه و کوه کملو.

رود سیلین چای، رود عازان چای، رود ارس، رودساراملو رودهای آن می‌باشند.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، و تره بار و شبدر.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی و درخت قره آغاج و گل گاوزبان، ختمی و بابونه.

جانوران: شغال، روباه و خرگوش.

گـرمه جـنوبی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی، مرکز آن گوندوغدی است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و کوه ان ورن، کوه دمیرچی، گردنه الند، آق دره (دره سفید) قرار و رود قزل اوزن و رود فصلی باغدره‌سی جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، زردآلو، گلابی، انگور و تره بار.

پوشش گیاهی: خاکشی، شیرین بیان، ختمی، آویشن، کاسنی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز، خرس و کبک.

گـرمه شـمالی: از دهستانهای بخش کندوان شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی مرکز آن آرموداق است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و کوه بزقوش و تپه کهلی بن علی قرار و رود گرم چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، نخود، سیب، زردآلو، گلابی، و چوب درخت صنوبر، عسل، قالی و گلیم.

پوشش گیاهی: مرزنگوش، بابونه، آویشن، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

گوگان: از بخش‌های شهرستان آذرشهر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر گوگان و دارای یک شهر و دو دهستان (۱ - دستجرد ۲ - تیمورلو) است.

گوگان در جلگه‌ای در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز و در ۱۰ کیلومتری شمال غربی آذرشهر است. گوگان در جلگه‌ی همواری در مصب مانده آجی‌چای و کرانه‌ی خاوری دریاچه‌ی ارومیه ساخته شده زمین حاصل‌خیز گوگان نتیجه‌ی رسوبات رودخانه‌ای باقی مانده زمین‌های پسروی دریاچه‌ی ارومیه می‌باشد تورفارقان چای از غرب این منطقه می‌گذرد و بخشی از زمین و باغ‌های گوگان را آبیاری می‌کند. به واسطه‌ی مخازن آب زیرزمینی چاه‌های بسیاری در این سامان کنده شده است آب و هوای گوگان در زمستان معتدل سرد و در تابستان نسبتاً گرم است. این منطقه یکی از مراکز و قطب‌های کشاورزی باغداری، داد و ستد است.

محصولات عمده‌ی گوگان انواع میوه، خشکبار، غلات، صیفی‌جات، پیاز و سیب‌زمینی است.

خامانچی

گونی شرقی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن بنیس و شهرش سیس است. و درمنطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه قین بورنی و کوه قراول تپه.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، زردآلو، سیب، گردو، بادام و عسل.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، ختمی، پونه، بابونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
گونی غربی: از دهستانهای بخش انزاب شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن تیل است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه میشاب و کوه خمیس در آن قرار و رود الماس درآن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، گردو، زردآلو و سیب و فرش.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.
گونی مرکزی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن کوزه کنان است.
گویجه بل: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی، مرکزش خونیق است. و درمنطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و دره داشلی دره قرار گرفته.
لاهیجان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی، مرکز این دهستان لاهیجان می‌باشد.
لیلان: از بخش‌های شهرستان ملکان استان آذربایجان شرقی مرکز آن شهر لیلان و دارای دو دهستان (۱ - لیلان جنوبی ۲ - لیلان شمالی) است مرکز دهستان لیلان جنوبی لیلان و مرکز لیلان شمالی طورآغای است.
مراغه: از شهرستانهای آذربایجان شرقی که در جنوب غربی این استان و در خاور دریاچه ارومیه و در دامنه جنوبی کوه سهند قرارگرفته، از شمال به شهرستان تبریز و بلندی‌های کوه سهند، از خاور به شهرستان هشترود، از جنوب به شهرستان میاندوآب و جلگه کنار دریاچه ارومیه و کوههای کم ارتفاع با حداکثر ۱۵۰۰ متر و از باختر به دریاچه ارومیه محدود، دارای ۳۹۲۰کیلومتر مربع مساحت و بلندیش از سطح دریا ۱۴۸۵ متر و فاصله‌اش تا تبریز ۱۳۰ کیلومتر و تا تهران ۷۶۰ کیلومتر وتا دریاچه ارومیه ۲۸ کیلومتر و در ۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و۱۴ دقیقه طول شرقی واقع است.
مراغه بر کرانه رودخانه صافی قرار گرفته، کوه آق داغ در شمال و کوه منیدل در جنوب خاوری آن واقع گشته.
مراغه تا تبریز و شهرهای آذربایجان غربی بوسیله راه آسفالته ترانزیتی و با جاده تهران - تبریز بوسیله جاده هشترود - قره چمن مرتبط و با راه آهن به تبریز وتهران متصل است.
موقع طبیعی: از دو ناحیه کوهستانی و جلگه‌ای پدید آمده، در این شهرستان از جنوب به شمال و از خاور به باختر، از بلندی کوهها کاسته میشود تا بکرانه دریاچه ارومیه و جلگه میاندوآب میرسد. نزدیکترین قله کوهستان به مراغه در شمال خاوریش بنام آق داغ (کوه سفید) ۳۵۵۰ متر بلندی دارد آتشفشان خاموش سهند که در اواخر دوران سوم فعالیت داشته مایه دگرگونی‌های بزرگی در توپوگرافی این منطقه گشته.

در کوههای جنوبی شهر مراغه به فاصله ۲۰ کیلومتری آن معروفترین غار آذربایجان بنام غار کبوتر یا غار هامپونل قرار دارد.
شهرستان مراغه بواسطه موقع خاص خود، آبهای سطحی فراوانی دارد و مهمترین رودهائی که در این سامان روان است عبارتند از: صوفی چای، لیلان، مروق (موردی) قلعه چای، آیدوغموش و...
بر پایه تقسیم بندی کوسن شهرستان مراغه دارای سه اقلیم مدیترانه‌ای گرم، مدیترانه‌ای استپی معتدل و کوهستانی سرد است.
دشت مراغه در مجاورت خاوری دریاچه ارومیه و در شمال دشت میاندوآب قرار گرفته و حوضه آبریز دشت مراغه به ۳۱۲۵ کیلومترمربع می‌رسد. جلگه مراغه ۲۱۴۰ کیلومترمربع وسعت دارد.
اقتصاد: کشاورزی و دامپروری و باغداری پایه گذران زندگی بیشتر مردم این سامان تشکیل می‌دهد.
مردم مراغه علاوه بر کشاورزی، دامداری و باغداری به فعالیت‌های صنعتی می‌پردازند از جمله: گلیم، قالی، جاجیم، ظروف سفالین، کوزه‌گری، کفش، صنایع چوبی و لوازم فلزی، صابون، چرم، پوست، پوشاک، مصالح ساختمانی، مبل سرگرمند.
در شهر مراغه بیش از ۲۰۰۰ دستگاه قالی بافی دایر است که بیش از ۴۰۰۰ نفر کارگر در آن به کار سرگرمند.
تقسیمات کشوری: شهرستان مراغه دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - سراجو) و ۶ دهستان: (۱ - قره ناز ۲ - سراجوی شمالی ۳ - سراجوی جنوبی ۴- سراجوی شرقی ۵ - سراجوی غربی ۶ - قوریچای غربی
۲۳۳ روستا و دو شهر ۱ - مراغه ۲- خواجو است.
دشت مراغه در مجاورت جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه و در شمال دشت میاندوآب واقع است. وسعت حوزه آبریزدشت ۳۱۲۵ کیلومترمربع، کلفتی آبرفت این دشت میان ۱۰ تا ۸۵ متر است.
خاماجی
مراغه درکنار صافی رود قرارگرفته، آب و هوایش در قسمتهای جلگه و کناره دریاچه ارومیه گرمسیری و در نواحی کوهستانی معتدل است.
در سال ۷۱۲ شمس الدین قره سنقرامیرالابرامرا و نایب السلطنه مصر به ایران گریخت و سلطان محمد خدابنده اولجایتو به او پناه داد و وی را به فرمانروائی مراغه برگزید.
در سال ۷۵۹ مراغه را تیموریان ویران کردند، با روی کار آمدن شاه اسماعیل ویرانی و کشتار باز بر مراغه تحمیل گشت. در روزگار شاه طهماسب، مدارس و مساجد و بناهای عام‌المنفعه‌ای درشهر مراغه برافراشته شد.
در جریان جنگهای میان ایران و عثمانی عبدالعزیز پاشا بر مراغه فرمان راند. و در ۱۱۴۲ شهر مراغه به تصرف نادر شاه درآمد. از زمان عباس میرزا نایب السلطنه تقریباً حکومت مراغه به احمد خان مقدم مراغی و خانواده‌اش رسید. در سال ۱۲۹۷ شیخ عبیدالله کرد بر مراغه تاخت اما عقب رانده و آرامش در مراغه حکمفرما شد. محمدخان شجاع الدوله مراغه‌ای مدافع سرسخت استبداد مدتی بر مراغه فرمانروائی ظالمانه‌ای کرد.
مراغه شهری است آباد، زیبا و فرح‌انگیز و آثار ارزنده باستانی و دارای گردشگاههای دلگشای طبیعی و مرکز مهم صنعتی و تولیدی است که کشاورزی و بازرگانی پر رونقی دارد. «خاماچی»

آثار تاریخی: ۱ - گنبد سرخ ۲ - گنبد کبود ۳ - مسجد جامع ۴ - مسجد معزالدین ۵ - مسجد زنجیری ۶ - مسجد ملا رستم ۷ - مسجد شیخ بابا ۸ - رصد خانه ۹ - مقبره امام زاده معصوم ۱۰ - مقبره اوحدی مراغه‌ای.

مراغه (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان مراغه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر مراغه و دارای ۳ دهستان (۱ - سراجوی شمالی ۲ - قره‌ناز ۳ - سراجوی غربی) است.

در این سامان چشمه معدنی ورجوی در روستای درجوی آب معدنی در حوضچه‌ای جمع می‌شود چون آب را به هم بزنند اثر گاز کربنیک سفید رنگ به‌نظر می‌رسد. آب آن در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک و منیزین گازدار و آهن‌دار سرد است.

مرند: از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، از شمال به جمهوری آذربایجان، از خاور به شهرستان اهر، از جنوب به شهرستان شبستر و از باختر به شهرستانهای خوی، ماکو محدود است و شهر مرند بر سر راه اصلی تبریز - جلفا و تبریز بازرگان قرار دارد.

رودها: رود ارس، مهمترین رودی است که در این شهرستان روان است ازترکیه وارد ایران می‌شود. ۲ - رود زنوز چای ۳ - رود زیلبر چای که در کوههای سلطان جهانگیر در شمال خاوری مرند سرچشمه می‌گیرند و در طی مسیر خود شاخابه هائی بدان می‌پیوندند و سرانجام به رود قطور چای می‌ریزند.

کوهها: در منطقه کوهستانی است بطوریکه دو سوم آن کوهستانی ویکسوم جلگه‌ای و زمین‌های کشاورزی در بلندیهائی از ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته‌اند و بلندترین قله کوهها: از رشته‌کوه میشوداغ به بلندی ۳۱۵۵ متر می‌باشد، کوه میشو داغ در امتداد کوههای قره داغ و در جنوب و جنوب باختری شهرستان مرند تا شمال دریاچه ارومیه کشیده شده‌اند.

گردنه یام، در دامنه‌های شمال خاوری میشوداغ بر سر راه مرند تبریز می‌باشند. رشته‌کوههای قره داغ که از کوههای آرارات آغاز می‌شوند تا کوههای طالش امتداد دارند. مناطق شمالی مرند را در بر گرفته‌اند .

رستنی‌ها: درختان راش، بلوط، ممرز، افرا، گردو، گیلاس، فندق، سیب، گلابی، و به .

گیاهان داروئی و صنعتی: کنگر وحشی، شیرین بیان، بولاغ اوتی، بومادران، گل بنفشه، گل پونه، گل گاوزبان و گون کتیرا.

- پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام در ییلاق و قشلاق.

جانوران و پرندگان: خرس، گرگ، روباه، شغال، گراز، خرگوش، قوچ و میش، بز وحشی، پلنگ، آهو، کبک، اردک، غاز وحشی ، قرقاول فاخته، پلیکان، انواع مرغابی، درنا لک لک و حواصیل .

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و صنایع استوار است. حدود ۳۵ درصد مردم به کارهای کشاورزی سرگرمند، علاوه بر این باغداری نیز از منابع مهم در آمد دست اندرکاران است. دامداری به شیوه سنتی و روستائی و به روش صنعتی صورت می‌گیرد و از رونق و اهمیت فراوانی بر خوردار است، از این گذشته پرورش طیور هم به شیوه سنتی و صنعتی معمول است.

صنایع: ۱ - دستی قالی بافی، گلیم بافی ، جاجیم بافی ۲ - کارخانه تهیه برگه زردآلو، کائولن شوئی، سرامیک سازی، کاشی سازی، فتیله بافی، سبدبافی و آجرسازی

فرآورده‌ها: غلات، گل آفتاب گردان، بنشن، تره بار، زردآلو سیب، انگور، گردو ، دام و فراورده‌های دامی و شیری، مرغ و خروس و تخم مرغ، قالی، گلیم، جاجیم، کاشی، سبد و سرامیک

شهرستان مرند شکل نیمه کوهستانی دارد بطوریکه بیش از دو سوم زمین هایش ناهموار و یک سوم آن را زمین‌های مسطح تشکیل می‌دهد. بلندی اراضی جلگه‌ای، میان ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ متر است و در شمال مرند در جلفا حداقل ارتفاع به ۷۰۰ متر می‌رسد و بقیه این شهرستان کوهستانی می‌باشد.

دشت مرند با ۶۹۷ کیلومتر مربع، در حوزه رودارس واقع است.

با توجه به مطالعات آبهای زیرزمینی مرند، آبرفتهای این دشت در برخی مناطق به ۲۵۰ متر می‌رسد.خاماچی

رود زیلبر چای که شاخابه‌ای از رود زنوز چای است، از ۵ کیلومتری شمال شهر می‌گذرد.

شهر مرند در منطقه‌ای دشتی است که در حدود ده کیلومتریش ۱ -کوه سمبوران (در شمال) ۲ -کوه یوز داغ (در جنوب خاوری) ۳ - کوه فلخ (از رشته‌کوه میشوداغ به بلندی ۳۱۲۵ متر در جنوب) ۴ -کوه علمدار (بلندترین قله میشوداغ به بلندی ۳۱۱۵ متر در ۲۳ کیلومتری جنوب باختری می‌باشند.

کانها: معدن خاک چینی در ۱۷ کیلومتری شمال خاوری مرند قرار دارد.

آب وهوا: نسبتاً سرد ونیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها۲۳ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط حدود ۳۸۵ میلی متر است.

تقسیمات کشوری: مرند دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - یامچی) و ۹ دهستان (۱ - بناب ۲ - دولت آباد ۳ - میشاب شمالی ۴ -کشکسرای ۵ - زنوزوق ۶ - هرزندات شرقی ۷ - هرزندات غربی ۸ - ذوالبین ۹ - یکانات)

تعداد جمعیت در تابستانها بواسطه ییلاقی بودن منطقه پر جمعیت‌تر است زیرا علاوه بر مسافران عادی، گروهی از طوایف ارسباران غربی بدین سامان می‌کوچند.و به زبان ترکی و فارسی سخن می‌گویند.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره بار، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، آفتابگردان، چغندر قند، سیب، گلابی، انگور، گردو، بادام، وزردآلو

آب کشاورزی از رود و چاه ژرف و نیمه ژرف، چشمه و کاریز و آب آشامیدنی شهر از چاه ژرف (وارد شبکه لوله کشی و به خانه‌ها فرستاده می‌شود) و برق شهر از برق منطقه‌ای استان فراهم گشته است.

صادرات: گندم، جو، تره بار، آفتابگردان، بنشن، سیب، گلابی، بادام، برگه زردآلو، قالی، گلیم، سرامیک، دام و فراورده‌های دامی

راهها: ۱ - راه اصلی مرند - تبریز بسوی جنوب خاوری به طول ۷۱کیلومتر ۲ - راه مرند - جلفا به سوی شمال بطول ۶۰ کیلو متر ۳ - راه مرند - خوی به سوی شمال باختری به طول ۹۸کیلومتر.

مرکز شهرستان مرند، شهر مرند است که از سطح دریا ۱۴۲۰ متر بلندی دارد. در ۷۱کیلومتری تبریز قرار گرفته و درمسیر راه آهن تبریز - جلفا و راههای ترانزیتی مهم تبریز به ترکیه و اروپا و تبریز ومرز جمهوری آذربایجان و جلفا از شهر مرند می‌گذرد فاصله‌اش تا جلفا از جاده ترانزیتی و راه آهن برقی ۶۷کیلومتر می‌باشد

موقع طبیعی پنج رشته کوهستان، شمال، جنوب و شمال خاوری شهرستان مرند را در بر گرفته‌اند.
رودهای مهم مرند: ۱ - رودهای مرزی ارس درشمال ۲ - رود زیلبر (ذوالبین) که از کوههای دویجان سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به رود قطور چای به رود ارس می‌ریزد. ۳ - رود زنوز ۴ - رود الوند یا رود سینیخ چای و قره چای و گزنق چای ۵ - رود علمدار
آب وهوا بسیار متغییر است. میزان حرارت در تابستانها در مناطق کوهستانی به ۱۰ درجه صد بخشی بالای صفر و در جلگه به ۳۸ درجه صدبخشی می‌رسد. اقلیم آن مدیترانه‌ای گرم خشک واستپی سرد است. از اوایل پاییز در همه مناطق کوهستانی برف سنگین می‌بارد که تا اواخر بهار و اوایل تابستان درقله‌های کوهها باقی می‌ماند. حداکثر بارندگی در این شهرستان ۷۳۶ میلی متر اما متوسط باران سالانه در مرند به ۳۵۰ میلی متر می‌رسد.
مرند در معرض بادهای باختری مدیترانه‌ای نیز قرار دارد و باید گفت که در این منطقه ظاهراً بیشتر از مناطق دیگر آذربایجان بارندگی دارد.
سابقه تاریخی: تاریخ شهر مرند به چند قرن قبل از میلاد مسیح می‌رسد. در دایرةالمعارف اسلامی آمده است که: مرند مرکز سکونت اقوامی مهم، در دوره کلده و آشور بوده است. بطلمیوس جغرافیدان یونانی، که در دو قرن قبل از میلاد می‌زیسته، از این شهر به نام «ماندگارنا» نام می‌برد و مطابق نوشته‌های تورات، مادر حضرت نوح (ع) در این مکان مدفون است. به روایت تاریخ‌نویسان، کلمه مرند در زبان ارمنی به معنای دفن یا دفینه است و گویند شاید شهر مرند محل دفن حضرت نوح پیغمبر بوده است. ویلیامز جاکسون در سفرنامه‌اش می‌نویسد: مرند پایتخت شهرستان «واسپورگان» در دوره ساسانیان بوده و بقایای آتشکده‌ای در تپه خاکستری مرند، دلیل آن است.
درباره وجه تسمیه مرند می‌گویند: بنای این شهر به امر دختر ترسایی به نام ماریا گذاشته شده است. وی کلیسای بزرگی دراین محل بنا کرد که اکنون بدل به مسجد جامع شده است؛ به همین دلیل نام این شهر ماریانا خوانده شد که بعدها به مریند، مروند، مارایانه و سپس به مرند، تبدیل شد. آثار کلیسای قدیمی این شهر هنوز برجاست و صلیبهای بزرگ و کوچک، دورتادور قسمت فوقانی آن را با طرز زیبایی پوشانده‌اند.
شاردن جهانگرد فرانسوی می‌نویسد: «اسم این شهر از یک فعل ارمنی به معنای دفن یا دفینه گرفته شده است. در تواریخ قدیمی، محلی که از لحاظ جغرافیایی منطبق با سرزمین مرند بوده، به اسامی مورروندا و ماندگارانا معروف بوده و نشانه‌هایی از تمدن ساسانی و مادی در این منطقه به چشم می‌خورد.
علاوه بر اسناد تاریخی، یک مسئله آشکار جغرافیایی وجود آثار و تمدن کهن را در مرند تأیید می‌کند و آن وجود هوای سالم و چشمه‌سارها و منابع آب فراوان در یک منطقه خشک و بی آب است.
از تاریخ مرند و سرنوشت آن در دوره‌های قبل از اسلام، خبر صحیحی در دست نیست، لیکن مسلم است که این ناحیه نیز پس از فتح آذربایجان به دست اعراب، در جنگهای سالهای ۱۸ تا ۲۲ هجری قمری، رسماً تحت حکومت خلافت عربی قرارگرفت. سال ۱۶۰ هجری نخستین سالی است که مورخین اسلامی از مرند نام می‌برند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مرند در روزگار قیام بابک خرمدین جزو قلمرو او بوده است. و محمد روادی حکمران مرند اطاعت او را می‌کرده است.
در کتاب حدودالعالم در اواخر قرن چهارم هجری، از مرند چنین یاد می‌شود:
«مرند شهرکی است خرد و آبادان و بانعمت و مردم بسیار و از وی جامه‌های گوناگون خیزد پشمین». در صورت‌الارض، ابن حوقل بغدادی نوشته شده که: مرند شهری آباد و پرآب بوده و گرجیان آن را سخت مورد غارت قرار دادند. مقدسی در احسن التقاسیم درباره مرند نوشته است: «مرند از شهرهای مهم آذربایجان است که فاصله‌اش تا تبریز دو روز راه است؛ و این شهر در محله گرجیها ویران شد و جملگی اهالی آن اسیر شدند.» حمدالله مستوفی در کتاب نزهة‌القلوب درباره مرند می‌نویسد: «مرند شهر بزرگی بوده است، دور بارویش هشت هزار گام است اکنون کمابیش نیمه‌او برجاست. ولایتش شصت پاره دیه است و حقوق دیوانیش ۲۴ هزار دینار.»
با برقراری نظام ایلخانی پس از حملات مغول، سلاطین مغول بر مراغه و تبریز و سلطانیه حکومت راندند. در دوره تیموریان و پس از آن، مرند مانند سایر شهرها دچار غارت و جنگ و ویرانی شد. در دوران صفویه به خصوص در زمان شاه اسماعیل اول، که ایرانیان در جنگ چالدران شکست خوردند، تمامی آذربایجان به تصرف عثمانیها درآمد و مرند هم‌مانند سایر شهرها از این قاعده مستثنی نبود. حتی به دلیل موقع سوق‌الجیشی آن، بیشتر از سایر نقاط مورد تاخت و تاز قرار گرفت.
در زمان شاه عباس حکومت مرند به امیری به نام سلطان جمشیدخان دُنبلی داده شد و مرکزیت حکومتی پیدا کرد. در سال ۱۰۱۶ هجری شاه عباس برای نبرد با عثمانیان در مرند مستقر شد.
در دوره قاجاریه، به دلیل رونق فعالیتهای صنعتی و بازرگانی و معدنی در ماوراء ارس و دادوستد بین تبریز و خوی، با باکو و تفلیس و به دلیل مهاجرت و مسافرت مردم آذربایجان به روسیه و لزوم مبادلات پستی و راه کاروانی، بر شهرت و آبادانی مرند افزوده شد. در دوره انقلاب مشروطیت، شجاع نظام مرندی در مرند، زنوز، علمدار و گرگر به مخالفت با مشروطیت و طرفداری از استبداد برخاست. در این زمان راه مرند، راه بازرگانی ایران به اروپا و روسیه بود و برای تبریز از لحاظ تأمین آذوقه و مایحتاج زندگی، اهمیت اساسی داشت. این راه بارها توسط افراد شجاع نظام مرندی مسدود گردید اما سرانجام این مرد توسط بمب پستی که از تبریز فرستاده بودند، به هلاکت رسید. آزادیخواهان و مجاهدان مرند همواره یار و یاور ستارخان در انقلاب مشروطه بودند.
مرند (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر مرند و دارای هفت دهستان (۱ - بناب ۲ - دولت‌آباد ۳ - هرزندات غربی ۴ - زرنوزق ۵ - کشکسرای ۶ - میشاب شمالی ۷ - هرزندات شرقی) است.
ملایعقوب: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی، مرکزش اردهاست. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه دیب، سیزگل و گردنه شیخ سرجین قرار و رود وانق چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و شبدر.
پوشش گیاهی: مرزنگوش، غازایاقی، درمنه بابونه، شیرین بیان، پنیرک، گون و گیاهان مرتع

ملکان (شهرستان): از شهرستانهای آذربایجان شرقی و در مرز آذربایجان غربی و کردستان و در گوشه جنوب شرقی دریاچه ا رومیه و در ۱۰ کیلومتری دریاچه ارومیه و در فاصله ۵۹کیلومتری مراغه و در ۱۵۵ کیلومتری شهر تبریز قرار دارد. شهر ملکان در منطقه لیلان و در کنار رود لیلان برافراشته شده است.

ملکان در منطقه‌ای جلگه‌ای و هموار و رسوبی در کرانه شرقی دریاچه ارومیه، قرار گرفته، تنها در شرق ملکان دو رشته کوه: ۱ - آغلاغان ۲ - باباگورگور سر بر افراشته است.

رودها: ۱ - موردی چای که از دامنه‌های جنوبی کوهستان سهند سرچشمه گرفته، پس از آبیاری زمین‌های کشاورزی این سامان به دریاچه ارومیه می‌پیوندد. ۲ - لیلان چای که از جنوب شرقی سهند روان گشته و زمین‌های زراعی را آبیاری می‌کند. ۳ - رود ملکان ۴ - قوری چای که از ییلاق سلیم خان در مشرق و جنوب شرقی روان گشته، پس از طی مسافتی وارد دریاچه ارومیه می‌شوند.

آب وهوا: در تابستانها گرم و در زمستانها معتدل است. اعتدال هوای شهرستان ملکان بواسطه نزدیکی به دریاچه ارومیه است

ملکان سالها پیش ملک کندی نام داشت و منطقه‌ای آباد و پر جمعیت بود و بواسطه عبور راه ارتباطی آذربایجان شرقی به کردستان و آذربایجان غربی، حاصلخیزی خاک و مساعد بودن اوضاع جوی، دسترسی آسان به آبهای زیرزمینی، کشاورزی، باغداری و دامپروری آن رونق فراوانی یافت.

فرآورده‌ها: غلات، میوه به ویژه انگور، صیفی‌جات و سیب زمینی، دام و فرآورده‌های دامی، خشکبار و قالی

تقسیمات کشوری: دارای دو بخش: ۱ - مرکزی ۲ - لیلان

۵ دهستان ۱ -گاو دول شرقی ۲ -گاودول غربی ۳ - گاودول مرکزی ۴ - لیلان شمالی ۵ - لیلان جنوبی.

ملکان (بخش مرکزی): از بخش‌های مرکزی شهرستان ملکان استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر ملکان و دارای ۳ دهستان (۱ -گاودول شرقی ۲ -گاودول غربی ۳ -گاودول مرکزی) است.

منجوان شرقی: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن جانانلو است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل مرطوب و کوه انزه و تپه قزل تپه می‌باشد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، سیب و انار.

پوشش گیاهی: بابونه، ختمی، و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

منجوان غربی: از دهستانهای بخش خداآفرین شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن عاشقلو است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل نیمه مرطوب و کوه سه برادر و کوه شش تپه می‌باشد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، سیب، زردآلو و بنشن.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل ختمی، آویشن و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

مواضع خان شرقی: از دهستانهای بخش خواجه شهرستان هریس، استان آذربایجان شرقی ومرکز ان خواجه است. در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک وکوه شاه داغی وکوه انگی داغ در آن قرار و رود آجی چای جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، نبش، یونجه و هندوانه.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی .
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش وکبک.
مواضع‌خان شمالی: از دهستانهای بخش خواجه شهرستان هریس استان آذربایجان شرقی ومرکز آن سرند است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک وکوه آی داغی وکوه قوزوچی وکوه نهند کوزان و قزل‌دره قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، زردآلو، عسل و قالی.
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، گل گاوزبان، خاکشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
مولان: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن مولان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه مرطوب و کوه قلعه، کوه سیران و کوههای ساری داش، خانکندی و ارمنی داغ وکوه حسنعلی خرمن و دره شیرین بلاغ و دره حاجی علی آوادره سی ، ووق دره سی قرار و رود قلعه لو در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو.
پوشش گیاهی: ختمی، آویشن، شیرین بیان، بابونه، شیر خشت، درختان ون، قره آغاج، بلوط، تمشک، بادام، انار، فندق، گردو، آلوچه وحشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، گراز، خرس و کبک.
مهرانرود جنوبی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بستان آباد آذربایجان شرقی و مرکز آن حاج آقا است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک وکوه ارونه وکوه چوخورداغ وکوه گونی و دره پنه نهر قرار و رود فصلی آیقرچای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: سیب زمینی، هویج، جو، نخود و علوفه.
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، خاکشی، گل گاوزبان، شیرین بیان، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
مهرانرود مرکزی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بستان‌آباد استان آذربایجان شرقی و مرکز آن کردکندی است. و در منطقه‌ای دشتی سرد نیمه خشک و تپه هاچا و تپه جانعلی یا ماشی رود فصلی اوجان چای
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره‌بار، عسل و قالی
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، شیرین بیان، خاکشی و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
مهربان (بخش): از بخشهای شهرستان سراب، استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان مشکین شهر، از شمال غربی به شهرستان هریس و از مغرب و جنوب به شهر بستان آباد و از مشرق به شهرستان سراب محدود است. مهربان در جلگه هموارى قرار گرفته، هوایش معتدل مایل به گرم است و آبش از رودخانه چاکی چای، بعلاوه تعداد زیادی چاه کنده فراهم آمده است.
کشاورزی، دامداری، قالی بافی ازعمده‌ترین منابع درآمد اهالی می‌باشد.
تقسیمات کشوری: دارای سه شهر (۱ - شهر مهربان مرکز بخش ۲ - شربیان ۳ - دوزدوزان) و سه دهستان (۱ - اردلان ۲ - آلابرآغوش ۳ - شربیان)
رودها: ۱ - آجی چای ۲ - چکی چای ۳ - قانلوچای (زرنق چای) ۴ - آتمیان چای

کوهها: ۱ - سلطان بوداغی (۲۳۶۸متر) کلکلی (۱۹۸۶متر) ۳ - اکوزداغ (۲۳۰۴متر)
آب وهوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، لک‌لک، چلچله، کبک چیل و کبک، هدهد، جغد و زاغ
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، طیور، عسل، دام، و فرآورده‌های دامی، قالی، تریکو، جوراب و تولیدات کارگاهی.
میانه: از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان سراب و اردبیل، از خاور به شهرستان خلخال از جنوب به شهرستان زنجان و از باختر به شهرستان بستان آباد و شهرستان هشترود محدود و دارای ۶۱۵۷کیلومتر مربع مساحت و در فاصله ۱۴۵کیلومتری تبریز و در فاصله ۴۶۶ کیلومتری تهران (از راه شوشه) و بر سر راه تهران - تبریز واقع می‌باشد.
نزدیکترین شهر سراسکند است که در ۱۰۱ کیلومتریش قرار دارد. میانه بوسیله جاده و راه آهن به شهرهای آذربایجان متصل است و ۱۱۰۰ متر از سطح دریا بلندی دارد منطقه کوهستانی این شهرستان سردسیری و نواحی جلگه دارای آب وهوای معتدل کوهستانی می‌باشند.
موقع طبیعی شهرستان میانه میان دو رشته کوه بزقوش در شمال و قافلانکوه در جنوب قرار گرفته و بسیاری از روستاهایش در دامنه، این کوهستانها واقع گشته، اما شهرمیانه در یک جلگه پهناور آبرفتی قرارگرفته.
«بزقوش» کوهستانی نسبتاً مسطح، دارای مراتع سرسبز و محل ییلاق طوایف نشینان حسین اکلو (حسینکلو) خداوردیلو و قورتلا می‌باشد.
قافلانکوه کوهی است جوان از دوران سوم زمین‌شناسی که فشارهای تحت الارضی باعث ارتفاع یافتن آن گشته. این کوه به سبب اینکه در جنوب و جنوب شرقی میانه قرارگرفته و جریان رود قزل اوزون ازکناره آن، دارای اهمیت ویژه‌ای است. راه ترانزیتی تبریز - تهران و راه آهن آذربایجان ـ تهران ازاین شهرستان می‌گذرد.
ـرود قزل اوزون ازکوههای چهل چشمه کردستان سرچشمه گرفته، زمین‌های شهرستان میانه را آبیاری می‌کند و آنگاه به سفید رود می‌پیوندد و سرانجام به دریای خزر می‌ریزد.
برپایه تقسیمات کوسن، شهرستان میانه دارای اقلیم مدیترانه‌ای گرم می‌باشد. متوسط روزهای یخبندان آن ۱۰۶ روز در سال ثبت شده، باران تابستانی آن اندک بوده، اما در بهار و پاییز بر شدت بارندگی افزوده می‌شود. میزان متوسط بارندگی ۳۲۹/۸ میلی متر درسال می‌باشد.
پوشش گیاهی بیشتر زمین‌های این منطقه راگیاهان استپی، دامنه گون و در بخش شمال خاوری این سامان گیاهان تنگرس میروید.
اقتصاد: از مراکز مهم کشاورزی، دامپروری است و محصولات عمده‌اش: غلات، حبوبات، صیفی جات، سیب زمینی و تخم آفتاب گردان، تخم کتان، توتون و تنباکو، انواع میوه از جمله سیب، زردآلو و هلو می‌باشد.
صنعت قالی بافی دستی در شهرستان میانه رونقی فراوان دارد.
معادن: مس، سرب، آهک، گچ، نمک، پرلیت، کائولن

جغرافیای تاریخی: از نوشته‌های دیاکونوف و مدارک دیگر بر می‌آید که در روزگار ماد، یعنی ۷۲۰ ق.م، در آذربایجان و کردستان امروزی سرزمین ماننا قرار داشته است و مرکز آن در نزدیکی دریاچه ارومیه بوده در مرزهای این سرزمین، نواحی نیمه مستقلی وجود داشته که تابع ماننا بوده‌اند

مانته: زیکرتو، و در ناحیه میانه و اردبیل کنونی) آندیا (دربخش سفلای دره قزل اوزون و سرزمین دیوک یا دیااکو در بخش علیای رود قزل اوزون. به احتمال قوی، ماد یا سرزمین پیشین دیوک در جنوب میانه و حوالی قزل اوزون بوده و چون در دوره‌ی بعد اکباتان پایتخت مادها گردید، چنین احتمال داده‌اند که سرزمین دیوک را باید در مسیر قزل اوزون و میان ناحیه شمالی همدان و میانه جستجو کرد.

«شهر میانج یا میانه که در ملتقای همه رودها قرار دارد،از زمان قدیم مرکز مهمی بوده است. ابن‌حوقل در قرن چهارم آنرا شهری پر جمعیت ذکر کرده و ناحیه‌ای که میانه در آنجا واقع بوده و بعدها بنام گرم رود معروف شده مقدار هنگفتی محصول میوه داشته است. مقدسی که نام جدید آن یعنی میانه را ضبط کرده، فراوانی محصول آنجا را ستوده و یاقوت که در قرن ششم آنجا را دیده نیز از آن تمجیدکرده است. یک قرن بعد حمدالله مستوفی که آنرا دیده گوید: میانج شهری بوده است و اکنون بقدر دهی مانده و هوای گرم و عفن دارد و دروپشه بسیار بود. ولی همچنان در شبکه راههائی که مغول‌ها احداث کردند منزل مهمی به شمار می‌آمد. مستوفی درباره گرمرود گوید « ولایتی است دروصد پاره ده بود هوایش خوشتر از میانج بود، حاصلش غله و پنبه و انگور و میوه و برنج دیگر حبوبات.

تقسیمات کشوری: دارای ۴ بخش (۱ - مرکزی ۲ - ترکمانچای ۳ - کاغذ کنان ۴- کندوان. و چهار شهر (۱ - میانه ۲ - ترکمانچای ۳ ـ آقکند ۴ ـ ترک. و ۱۷ دهستان: (۱ - شیخدرآباد ۲ - کله بوزغربی ۳ -کله بوز شرقی ۴ -گرمه جنوبی ۵- قزل اوزون ۶ - قافلانکوه غربی ۷ - اوچ تپه شرقی ۸ - بر وانان مرکزی ۹ - بروانان غربی ۱۰ - اوچ تپه غربی ۱۱ - کاغذ کنان شمالی ۱۲ - کاغذکنان مرکزی ۱۳ -قافلانکوه شرقی ۱۴ - تیر چای ۱۵ -گرمه شمالی ۱۶ -کندوان ۱۷ - بروانان شرقی) .

رودها: ۱ - قزل اوزون که پس از طی مسیر به سفید رود تغییر نام می‌یابد و به دریای خزر می‌پیوندد. ۲ - قرانقوچای ۳ - شهر چای ۴ - گرمرود ۵ - قوری چای ۶ - بلانلیق چای ۷ - آی دوغموش ۸ - آجی چای ۹ - ترکمانچای

کوهها: ۱ - رشته کوههای بزقوش (۳۳۰۲) در شمال ۲ - قافلانکو(۱۸۷۹ متر) در جنوب ۳ - پیر داغی (۱۸۵۰ متر) ۴ - تنوری (۲۱۴۹ متر) ۵ - چاله حقور (۱۹۰۰ متر) ۶ - چهل نور (۲۵۶۰ متر) ۷ - دیم داغی (۱۷۵۲۰متر)۸ - شیرداغی (۱۶۴۰متر) ۹ - قباق تپه (۱۹۵۲متر) ۱۰ - قرازیارت (۱۸۶۶متر) ۱۱ - قره قاچ (۱۷۵۰متر) ۱۲ - قزل سهران (۱۹۰۰متر) ۱۳ - مایه توداغی (۱۸۱۰متر) ۱۴ - یه هرآلان (۱۸۱۵متر)

کانها: سنگ گچ، سیلیس، دولومیت، سرب و روی

آب و هوا: نسبتاً سرد وخشک

رستنی‌ها: درختان زالزالک، ارس و بنه، گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی برای دام و چرا

جانوران: گرگ، خرس، روباه، شغال، سمور، گورکن، آهو، بزکوهی، قوچ و میش، مرغابی، غاز، فلامینگو، لک‌لک، قو، فاخته،کبک، قرقی و تیمو .

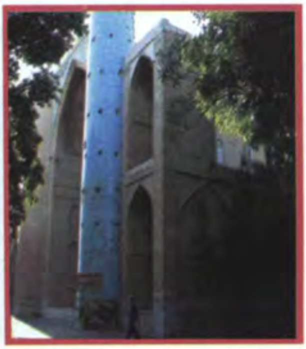
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی،دامداری و باغداری و صنایع(دستی و کارگاهی) استوار است.
کشاورزی به صورت آبی (۷۰ درصد) دیم (۳۰ درصد) صورت می‌گیرد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، گلابی، انگور، زردآلو، و گردو، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، فایبرگلاس، رنگ، رادیاتور، شوفاژ، ماکارونی، گلیم و جاجیم
میانه (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی و مرکز آن شهر میانه و دارای ۷ دهستان (۱ - اوچ تپه شرقی ۲ - شیخ درآباد ۳ - قافلانکوه غربی ۴ - قزل اوزن ۵ - کله بوز شرقی ۶ - کله‌بوز غربی ۷ - گرمه جنوبی) است.
میدان چای: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان تبریز استان آذربایجان شرقی، منطقه‌ای دشتی سرد نیمه خشک در ۲۶ کیلومتری تبریز. رود فصلی سعیدآباد از رودهایش می‌باشد. کوه قراول، کوه چاپار، کوه بزگونی، از کوههایش می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره بار، سیب درختی، گل گاوزبان و پونه.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
میشاب شمالی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی، مرکز آن کندلج است. دره‌ای معتدل خشک، در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری مرند، کوه مشکل، کوه یالقوزآغاج از بلندی‌های آن است. گندم، جو، یونجه، بنشن، تخمه آفتابگردان، تره بار، زردآلو، گردو، سیب درختی، گلابی، گیلاس، آلبالو، توت وگوجه سبز. گل گاوزبان، پونه، گل ختمی، شیرین بیان، و ریواس ازگیاهان داروئی و پوشش گیاهان مرتعی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
میشو جنوبی: از دهستانهای بخش صوفیان شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن نعمت الله است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تخمه آفتابگردان، تخمه کدو، اتگور، بادام، سیب، گردو، زردآلو و عسل.
پوشش گیاهی: آویشن، ختمی، گل گاوزبان، بابونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
میشه پاره: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کلیبر در استان آذربایجان شرقی و مرکز آن اسکلو است. و در منطقه‌ای برکوهی، سرد نیمه خشک و کوه قلعه و کوه شمس تپه و دره قلعه و جنگل قرق.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، سیب زمینی.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، خاکشی، ختمی، گل بنفشه، سیرکوهی، درختان زغال اخته، فندق، تمشک، ازگیل، زالزالک و گلابی و سیب وحشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
نظر کهریزی (بخش): از بخش‌های شهرستان هشترود، آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان مراغه و حومه هشترود، از مشرق به بخش‌های چاراویماق ازجنوب به شهرستان میاندوآب و از مغرب به شهرستان مراغه محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر نظر کهریزی و دارای دو دهستان (۱ -آلمالو ۲ - نظر کهریزی) است.

رودها: رود قرانقو ۲ - رود شور چائی
کوهها: ۱ - اربط داغ (۲۸۳۴ متر) ۲ - خاله اوشاقی (۲۷۲۰ متر) ۳ - زاغ (۲۰۵۰ متر) ۴ - شاهسون (۲۶۵۰متر) ۵ -گل دامن (۲۶۵۰ متر)
کانها: سنگ گچ، سنگ مرمر، فلدراسپات
آب وهوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، گراز، خارپشت، قرقاول، عقاب، کبک و سهره
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع استوار است. کشاورزی پررونق و به صورت دیم و آبی هردو انجام می‌شود. آب کشاورزی از کارنیز، چشمه، رود فراهم گشته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، زردآلو، گلابی، بادام، گردو، انگور، دام و فرآورده‌های، عسل، گچ، قالی .
نطز کهریزی: از دهستان‌های بخش نطز کهریزی شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن نطز کهریزی است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه‌خشک و تپه‌ی قلبی گوزی و تپه‌ی حاج اولن و شوش تپه وتپه‌ی جین قبه و تپه‌ی چخماق‌لو قرار و رود ولی‌کندی چای و رود آقبلاغ چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن
پوشش گیاهی: غازایاقی، بولاغ اوتی، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
نوجه مهر: از دهستان‌های بخش سیه‌رود شهرستان جلفا استان آذربایجان شرقی مرکز آن نوجه مهر است.

آب و هوای معتدل و نیمه خشک و کوهستانی دارد رود حاجلیر چای در این دهستان روان است.
ورزقان (مرکز بخش)
شهر ورزقان مرکز بخش ورزقان از بخشهای شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی است که در ۴۲ کیلومتری غربی اهر و در مسیر راه فرعی اهر - فروانق و در طول جغرافیائی ′۳۹ و °۴۶ و در عرض جغرافیائی ′۳۰ و °۳۸ و در بلندی ۱۶۸۰ متری از سطح دریا قرار دارد.
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک، بیشترین درجه گرما ۳۴ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما ۲۶ درجه زیر صفر، مقدار بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۲۰ میلیمتر است.
ورزقان: از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان کلیبر، از مغرب به شهرستان اهر و از جنوب به شهرستان هریس محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای یک شهر(ورزقان مرکز) و چهار دهستان (۱ - ازومدل جنوبی ۲ - ازومدل شمالی ۳ - بکرآباد ۴ - سینا)
رودها: ۱ - اهر چای ۲ - ورزقان چای
کوهها : ۱ - کسبه (۲۹۵۲ متر) ۲ - کران قلعه (۲۵۹۰ متر) ۳ - پیر داغی (۲۸۵۲ متر)
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک در تابستانها معتدل تا گرم و زمستانها سرد و یخبندان است.
رستنی‌ها: درختان راش، بلوط، ممرز، فندق، زالزالک، بید، تبریزی و چنار، گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، دارکوب و هدهد
عشایر و طوایفی برای چرای دام‌های خود در ورزقان رفت وآمد و ییلاق دارند.

زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، سیب، گلابی، گیلاس، گوجه سبز و گردو، دام و فرآورده‌های دامی، عسل، قالی، گلیم، ورفه بافی.
آثار تاریخی: ۱ - بقعه سید جبرائیل در روستای آستامال ۲ - سنگ نبشسته میخی در روستای سقنیل مربوط به روزگار اورارتورها ۳ - قلعه مهم تاریخی جوشین در ۲۶ کیلومتری غرب ورزقان
ورزقان به طور کلی منطقه‌ای کوهستانی است. غرب وشمال آن را کوههای آق داغ، مشکعنبر، کامتال، جوشین، ایری داغ، کیامکی، خروانق، قازاتی داغ، پیرسقا و جنوب آنرا کوههای مواضع خان فرا گرفته‌اند.
رودهای عمده ورزقان عبارتست از ایری چای، گلو، مردانقم سرند و خروانق، که همه آنها به رود ارس می‌ریزند و جریان شمالی جنوبی دارند. خاماچی
ورقه: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی و مرکز آن سلطان آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه آقداغ قرارگرفته مرکز آن سلطان آباد است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن وگاودانه.
پوشش گیاهی: اویشن، شیرین بیان، درمنه، پونه، غازایاقی، گون وگیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
ورگهان: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی مرکز آن ورگهان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک وکوه باشتلر و دره گوز و دره قزل و کوه شاه حسین و کوه کردلر.

فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، آلبالو، گیلاس، زردآلو، گلابی و انگور.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، شیرین بیان، گل بنفشه، درختان بید و تبریزی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
هادی شهر: هادی شهر(علمدار ـ گرگر) شهرکی زیبا از شهرستان مرند که در جنوب کرانه زود ارس برافراشته شده، این شره از شمال به روستای و رود ارس و از جنو ب به روستاهای تابع گرگر، از مشرق به نوشیروان و از مغرب به روستای قره بورون محدود است.
ازشهرهای تابع بخش حلفای شهرستان مرند، در ۹ کیلومتری جنوب خاوری و بر سر راه اصلی هادی شهر ـ جلفا میباشد.
هادی شهر در منطقه دشتی که کوههائی چند آنرا در میان گرفته اند قرار دارد.
۱ـکیامکی داغ ببلندی ۳۳۴۷ متر در ۵کیلومتری خاور شهر ۲ـکوه قره گر ببلندی ۲۴۱۵ متر در جنوب شهر است
آب و هوا: معتدل و خشک
هرزندات شرقی: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی مرکز آن هرزند جدید است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک و کوه آردوج قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، بنشن، به، سیب، زردآلو، گلابی و گیلاس، عسل، تخمه آفتابگردان.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، و پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
هریس: از شهرستانهای استان آذربایجان شرقی است که میان شهرستانهای اهر، مشکین شهر، سراب بستان آباد ورزقان قرار گرفته ۱۹۶۵



اهر - مقبره شیخ شهاب الدین اهری (موزه عرفان و ادب)



بقعه خواجه علی سیاه پوش



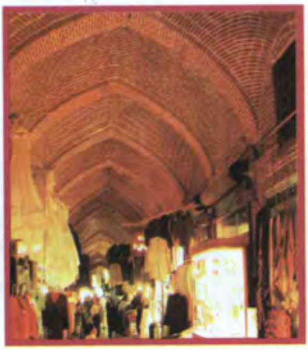
اسکو - مسجد جامع



شهرستان جلفا - آسیاب خرابه



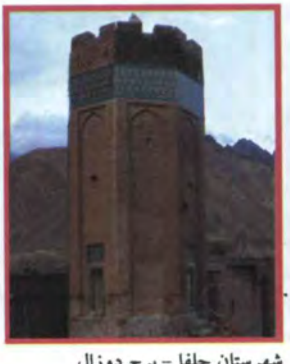
تبریز - درون کلیسای مریم مقدس



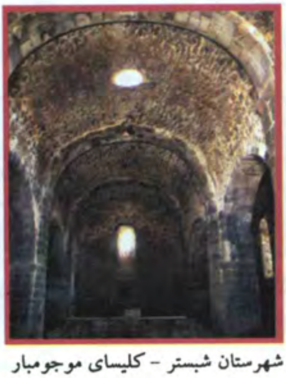
بازار اهر



شهرستان بستان آباد - دره سعیدآباد



شهرستان جلفا - برج دوزال
(امامزاده شعیب)



شهرستان شبستر - کلیسای موجومبار



شهرستان آذر شهر - چشمه تاپ تاپان



شهرستان جلفا - حمام کردشت



شهرستان جلفا - داخل حمام کردشت



بستان آباد - آذربایجان شرقی



شهرستان ملکان - پل دختر



ربع رشیدیه - تبریز



مقبره الشعراء



شهرستان شبستر - آبشار سرکند دیزج



شهرستان میانه - پل دختر



تبریز - پل آجی چای



شهرستان اسکو - روستای کندوان



شهرستان جلفا - امامزاده نوجه مهر (سید محمد آقا)



شهرستان مرند - باغ امینی زنوز



بازار بزرگ تبریز



تبریز - بقعه صاحب الامر (موزه قرآن و کتابت)



تبریز - بقعه صاحب الامر



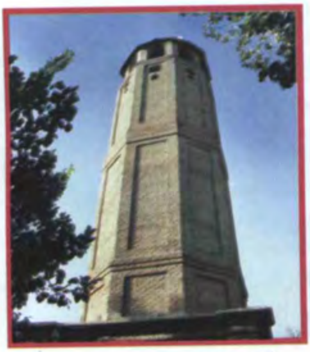
شهرستان مراغه - نیایشگاه مهری (امامزاده معصوم)



شهرستان کلیبر - کلیسای وینق



شهرستان جلفا - چشم انداز ساحل رود ارس



برج آتش نشانی



برج خلعت پوشان



شهرستان بستان آباد - تالاب قوری گل



شهرستان کلیبر - پل کوچک خدا آفرین



بقعه سید حمزه

کیلومتر مربع مساحت و ۱۸۰۰ متر از سطح دریا بلندی دارد دو بخش یک شهر و هفت دهستان دارد. شهرستان هریس در جلگه‌ای هموار رسوبی از شاخه‌های آجی چای قرار گرفته، نام هریس در وقفنامه ربع رشیدی آمده و یکی از مناطق کشاورزی از قرن هفتم تا کنون یاد شده موقع طبیعی آب و هوای هریس در تابستانها معتدل مایل به گرم و در زمستانها سرد است مدت یخ بندان آنرا ۱۳۷ روز در سال دانسته‌اند درشمال شهرستان هریس، بلندی‌های قوشه داغ، بزغوش و سبلان قرار گرفته و در شرق، غرب، و جنوب آن جلگه‌ای حاصلخیز می‌باشد. از کوههای هریس، گویجه بل است که دارای پوشش گیاهی نیمه جنگلی و مراتع سرسبز و خرم است و محل ییلاق عده‌ای از ایلات و عشایر دشت مغان است. دامنه‌های جنوبی سبلان شاخابه هائی از آجی چای، کجرود، قوری چای در این سامان روان است

اقتصاد: غلات، حبوبات، دام و فرآورده‌های دامی از جمله محصولاتش می‌باشد.

قالی این شهرستان شهرتی بسیار دارد علاوه بر این در حدود ۱۲۰۰۰ دستگاه قالی بافی هریس باف در روستاباف در این سامان به کار مشغولند.

تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - خواجه) هفت دهستان: (۱ - خالمرود۲ - بدوستان شرقی ۳ - زرنق ۴ - مهرانرود شمالی ۵ - مواضع خال شرقی ۶ - بدوستان غربی ۷ - مواضع خال شمالی). ۱۰۹ روستا و ۵ شهر (۱ - هریس ۲ - خواجه ۳ - بخشایش ۴ - زرنق ۵ - گلوانق است.

رودها: ۱ - تلخه رود۲ - اوجام چای ۳ - کرچای این سه رود به دریاچه ارومیه می‌پیوندند.

کوهها: ۱ - قاشقاداغ (۳۱۴۹ متر) ۲ - ساپلاخ داغ (۲۸۸۰ متر) ۳ - بزکش (۲۵۵۳ متر)

آب وهوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک

رستنی‌ها: درختان بلوط، تمشک، و گردوجنگلی، گیاهان داروئی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه خرگوش، هدهد بلبل، جغد و کلاغ

زبان: ترکی

در آمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری، قالیبافی استوار است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، علوفه و چغندر قند، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، قالی.

هشترود: از شهرستانهای آذربایجان شرقی است که از شمال به شهرستان بستان آباد، از خاور به شهرستان میانه و از باختربه شهرستان مراغه و از جنوب به استان‌های زنجان و آذربایجان غربی محدود ودارای ۶۲۴۱ کیلو متر مربع مساحت و با تهران ۵۶۷ کیلومتر فاصله و با تبریز ۱۳۴ کیلومتر فاصله و در ۳۷ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی قرار و از سطح دریا ۱۱۵۰ متر بلندی دارد.

نام هشترود از هشت رود: ۱ - قرانقو ۲ - آیدوغوش ۳ - آجی چای ۴ - قوری چای ۵ - اجیرلو ۶ - قلعه چای ۷ - لیلان چای ۸ ـ قره‌قیه آبیاری می‌شود.

موقع طبیعی: بخش پهناوری از مناطق شمال و جنوب این شهرستان انواع سنگهای آذرین و خاکسترهای مواد آتشفشانی پوشانیده‌است. بخش جنوب شرقی هشترود راژیپس نمکی پوشانیده، معادن نمک در جنوب و جنوب خاوری هشترود و در آبادی سلطان آباد استخراج می‌شود.

آب و هوا معتدل میزان درجه حرارت سردترین ماهها، در دیماه منهای سه درجه زیر صفر و گرمترین ماهها در مرداد ۳۳/۸ درجه صدبخشی است. میزان بارندگی آن سالانه از ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلی متر است.

بخش باختری هشترود، دارای آب و هوای سرد کوهستانی است. در زمستانها برفهای سنگینی می‌بارد، منطقه مرکزی هشترود دارای آب و هوای معتدل جلگه‌ای کوهپایه‌ای است.

اقتصاد: کشاورزی و دامداری و باغداری شهرستان هشترود از اهمیت فراوانی برخوردار است از این گذشته از چند معدن آن بهره برداری می‌شود.

قالی بافی این شهرستان فعال و دارای حدود ۲۰۰۰ کارگاه قالی بافی است.

هشترود (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی و مرکز آن هشترود و دارای ۵ دهستان (۱ - سلوک ۲ - علی‌آباد ۳ - قرافقو ۴ - کوهسار ۵ - چاراویماق شمالشرقی) است.

هوراند (بخش) از بخشهای شهرستان اهر، استان آذربایجان شرقی که از شمال و مغرب به شهرستان کلیبر و از شمال شرقی به شهرستان مغان (گرمی) محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: دارای یک شهر به نام هوراند مرکز بخش و ۳ دهستان (۱ - چهار دانگه ۲ - دو دانگه ۳ - (دیکله) می‌باشد.

این بخش از شمال و غرب به بخش کلیبر، از شرق به شهرستان مغان و مشکین شهر و از جنوب به اهر و مشکین شهر محدود است. فاصله‌اش از جاده اهر - کلیبر ۲۳ کیلومتر است.

هوراند از بخشهای تاریخی و کهن شهرستان اهر است. دژهای تاریخی و آثار باستانی متعددی دارد. هوراند در بخش بلند قراداغ قرار گرفته است دره‌های عمیق و کوههای بلند و صخره‌ای، سراسر این منطقه را در بر گرفته است.

در دره‌های عمیق آن رودهای پر آبی که از برف سنگین کوهستانها سرچشمه می‌گیرد جریان دارد و همه آبهای منطقه مزبور به رود قره سو می‌پیوندد.

آب و هوای هوراند معتدل کوهستانی است. در تابستانها متمایل به گرمی و در زمستانها در مناطق کوهستانی سرد است

رودها: ۱ - رود علی آباد ۲ - رود ویرقلعه سی ۳ - رود سلین چای

کوهها: ۱ - کوه هوراند قلعه سی (۱۲۳۰ متر) ۲ - کوه نوروز گوزای (۱۲۲۶ متر) ۳ - کوه استیبلی (۱۳۵۵ متر) ۴ - کوه هشت سرد(۲۵۳۶ متر) ۵ - کوه پلی یورت (۲۱۲۴ متر)

آب و هوا: سرد و نیمه خشک

رستنی‌ها: درختان فندق، ون، بلوط، آتچه قیم، سیاه طلا، سرو کوهی، کاج، زالزالک وحشی، آلوچه وحشی، سقز، شمشاد، ممرز،گیاهان داروئی و صنعتی پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، خرس، گراز، روباه، خرگوش، بز کوهی، کبک، تیهو و زاغ .

از عشایر شاهسون و ارسباران در بخش هوراند به سر می‌برند.

زبان: ترکی

در آمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی استوار است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، نشبن، تره بار، گیاهان علوفه‌ای و برنج، گیلاس، توت، انگور، سیب، گردو، هلو و زردآلو، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، قالی، گلیم و تولیدات کارگاهی.

یامچی (بخش): از بخشهای شهرستان مرند است و در شمال غربی مرند، مغرب جادەی مرند- جلفا و درشمال راه مرند - خوی - بازرگان و در ۱۰ کیلو متری ایستگاه راه آهن چرچر و در بلندی ۱۳۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

یامچی از شمال به بخش یکانات، از جنوب به روستای مرکید، از مشرق به باروج و از طرف مغرب به حصار یامچی منتهی می‌شود. مقدار آب موجود به مصارف کشاورزی از رودهای متعددی می‌رسد. خاک این منطقه از جمله خاک شنی، رسی ،خاک شور و یک نوع خاک سفید رس مرغوب است.

این منطقه قابلیت فراوانی در زمینه کشاورزی و باغداری دارد. زردآلو، انگور، گیلاس، آلبالو، بادام و گردو، سبزیجات و صیفی جات، پنبه، چغندر قند، دانه‌های روغنی و علوفه، سیب زمینی، حبوبات از جمله محصولاتش می‌باشد.

رود آغ چای از میان شهر یامچی می‌گذرد و رود ذوالبین نیز زمین‌های آن را آبیاری می‌کند.

آب و هوا: تابستانها گرم و زمستانها نسبتاً سرد است و سرما آن از آذر ماه ادامه دارد. مقدار ریزش باران سالانه به طور متوسط حدود ۲۵۰ میلی متر است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش، شهر یامچی ودارای بخشهای (۱ - ذوالبین ۲ - یکانات) می‌باشد.

یکانات: از دهستانهای بخش یامچی شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی، مرکز آن یکان کهریز است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، علوفه، زردآلو، تره بار، سیب و عسل.

پوشش گیاهی: آویشن، و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ییلاق از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی و مرکز آن عربشاه خان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و نیمه مرطوب و کوه پاشا و کوه دی بهلی و کوه آق ابیورد ودره باغلار و دره قیچی گوش قرار و رود دیرمان و رود باغلار در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، نخود، سیب زمینی، گردو، توت، گیلاس، سیب، و زغال اخته.

پوشش گیاهی: ختمی، شاتره، آویشن، بابونه، درمنه، ترشک، بلاغ اوتی، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس، گراز و کبک.

شهرک‌های صنعتی: ۱) شهرک صنعتی فاز ۱ ارومیه، ۲) شهرک صنعتی فاز ۲ ارومیه، ۳) شهرک صنعتی فاز ۳ ارومیه، ۴) شهرک صنعتی پیرانشهر، ۵) شهرک صنعتی خوی، ۶) شهرک صنعتی سردشت، ۷) شهرک صنعتی سلماس، ۸) شهرک صنعتی ماکو، ۹) شهرک صنعتی مهاباد، ۱۰) شهرک صنعتی میاندوآب، ۱۱) شهرک صنعتی نقده، ۱۲) شهرک صنعتی پوکان، ۱۳) شهرک صنعتی دژ، ۱۴) شهرک صنعتی تکاب، ۱۵) شهرک صنعتی اشنویه، ۱۶) شهرک صنعتی چالدران.

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان آذربایجان شرقی: شهر جدید سهند از سوی وزارت مسکن و شهرسازی و با استفاده از قانون تأسیس شهرهای جدید در تابعیت بخش مرکزی شهرستان اسکو در استان آذربایجان شرقی تأسیس گردید.

تغییر نام بخش انزاب: نام بخش انزاب از توابع شهرستان شبستر در استان آذربایجان شرقی به بخش تسوج تغییر یابد. (مصوب در تاریخ ۱۳ مرداد ماه سال ۱۳۸۷).

مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵
گوشت قرمز ۵۱ شیر ۴۰۲ هزارتن
مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵
گوشت مرغ ۶۱ تخم‌مرغ ۸۲ هزارتن
تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۴
جمع معادن ۱۵۹ ـ خصوصی ۱۵۱ عمومی ۸
مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۲
کل تعداد بهره‌برداری ۲۱۸۲۴۴ مساحت ۱۳۱۹۷۱۳ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۰۵۵۶۳ مساحت باغ و قلمستان ۷۶۱۲۷
استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۰۱۶۸۶ تعداد دام ۳۵۰۸۱۸۲ مقدار تولید ۵۱۹۹۷۸۶ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۰ تعداد دام ۰ مقدار تولید ۰
بهره‌برداری‌های کشاورزی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۲
زراعت ۱۸۴۹۸۹ باغداری ۱۳۹۱۴۵ تولید گلخانه‌ای ۸۵ پرورش ماکیان ۱۳۱۲۰۰ پرورش زنبور عسل ۱۲۹۴۳ پرورش دام بزرگ ۹۸۵۳۴ پرورش دام کوچک ۱۰۰۶۱۰ پرورش کرم ابریشم ۵۲۷
تعداد سدهای استان آذربایجان شرقی در مراحل مختلف:
مطالعاتی ۴۵ اجرایی ۱۴ بهره‌برداری ۸۵ مجموع ۱۴۴
استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۱۴۳۴۶۷ جمع مراتع ۲۴۷۳۴۴۱ خوب (متراکم) ۷۰۳۷۲۹ متوسط (نیمه متراکم) ۱۳۵۹۷۰۷ فقیر (کم تراکم) ۴۱۰۰۰۵ هکتار پدیده‌های بیابانی ۱۱۲۳۷۰
تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان آذربایجان شرقی: فعال: ۱۱۴ غیرفعال: ۱۰ در شرف تأسیس: ۴ تعداد کل: ۱۲۸

برخی از کتاب‌های سودمند و منابع

آتش بر فراز تبریز ـ خاماچی، بهروز
آذربایجان شرقی ـ متین، علی
آذربایجان و اران: (البانیای قفقاز) ـ رضا، عنایت‌الله
بررسی اوضاع و ویژگیهای فرهنگ عمومی استان آذربایجان ـ مرکز آمار ایران
بررسی دیوارنگاره‌های عصر صفویه در تبریز، قزوین و اصفهان ـ تندی، احمد
تاریخ فرهنگ و ادب مکریان ـ افخمی، ابراهیم
تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ـ نادرمیرزا قاجار
تبریز قدیم: سرگذشت تبریز از قدیمی‌ترین ایام تاکنون ـ خانلو، منصور
جغرافیای نظامی ایران: آذربایجان باختری ـ رزم‌آرا، علی
راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی ـ دیباج، اسماعیل
زمین‌لرزه‌های تبریز ـ ذکاء، یحیی
ستارخان سردار ملی ـ ابرامی، هوشنگ
سیمای میراث فرهنگی آذربایجان شرقی ـ عالم‌پوررجبی، مسعود
فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی (مناطق مهم جغرافیایی) ـ خاماچی، بهروز
گیلان و آذربایجان شرقی، نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی
گیلان و آذربایجان شرقی، نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی
مرند: دفتری در شناسایی وضع اجتماعی، اقتصادی، تاریخی ـ زنوزی، امیرهوشنگ
موزه‌های استان آذربایجان شرقی ـ عالم‌پور رجبی، مسعود
نگاهی به ترکمن‌چای ـ حسینچی قره‌اغاج، حسین
آذربایجان شرقی ـ صیامی، خانعلی
تبریز و پیرامون ـ جوادی، شفیع
چاپپاره در گذر تاریخ ـ باقری بسطامی، عادل
راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی ـ دیباج، اسماعیل
فرهنگ اجتماعی دهات و مزارع استان آذربایجان شرقی ـ جهادسازندگی. واحد آمار و برنامه‌ریزی
فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی ـ مخلصی، محمدعلی
نگاهی به آذربایجان شرقی، مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی ـ افشار سیستانی، ایرج

همه جای ایران سرای من است



دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان آذربایجان غربی

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ جشن‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی ـ آب‌های معدنی ـ تفرج‌گاه‌ها ـ ایل‌ها، مردم‌شناسی وآداب و رسوم ـ شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان آذربایجان غربی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر ارومیه، تعداد شهرستان: ۱۴ تعداد بخش: ۳۶ تعداد شهر: ۳۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۳۰۳۱ کل آبادی‌ها: ۳۳۰۵
جمعیت استان آذربایجان غربی در سال (۱۳۸۵) ۲۸۷۳۴۵۹ نفر نسبت به کل کشور ۴/۰۸ بوده است. مساحت استان آذربایجان غربی ۳۷۴۳۷ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۲/۳۰ است.
کارگاههای استان آذربایجان غربی ۲۶۵۰۵ نسبت به کل کشور ۴/۱۱ است.
درصد میزان شهرنشینی استان آذبایجان غربی در سال (۱۳۷۵) ۶۸/۵۲ و در سال (۱۳۸۵) ۰۳/۶۰ است.
تراکم نسبی جمعیت استان در سال (۱۳۸۵) ۷۷ نفر درکیلومترمربع بوده است.
از تهران تا ارومیه (۹۰۷) و از ارومیه تا اشنویه (۶۶)، ارومیه (۰)، بوکان (۱۹۲)، پیرانشهر (۱۱۲)، تکاب (۲۸۲)، چالدران (۲۱۵)، خوی (۱۳۲)، سردشت (۲۰۵)، سلماس (۸۶)، شاهین‌دژ (۲۰۵)، ماکو (۲۹۲)، مهاباد (۱۱۹)، میاندوآب (۱۴۳)، نقده (۹۲)،

که ایران بهشت است یا بوستان همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از آقای دکتر محمدرضا یکانی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان آذربایجان غربی
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۸ـ۳۷ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN
بها: یکهزار و دویست تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان آذربایجان غربی؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۸ـ ۳۷ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرة‌المعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرة‌المعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۰۸

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان آذربایجان غربی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: **ارومیه** مساحت: **۳۷۴۳۷** تعداد شهرستان: **۱۴** تعداد بخش: **۳۶** تعداد شهر: **۳۶** تعداد آبادی دارای سکنه: **۳۰۳۱** کل آبادی‌ها: **۳۳۰۵**

جمعیت استان آذربایجان غربی در سال (۱۳۶۵) **۱۹۷۱۶۷۷** نفر نسبت به کل کشور **۳/۹۹** و در سال (۱۳۷۵) **۲۴۹۶۳۲۰** نسبت به کل کشور **۴/۱۶** و در سال (۱۳۸۵) **۲۸۷۳۴۵۹** نفر نسبت به کل کشور **۴/۰۸** بوده است.

مساحت استان آذربایجان غربی **۳۷۴۳۷** نسبت به کل کشور **۲/۳۰** است.

کارگاههای استان آذربایجان غربی **۲۶۵۰۵** نسبت به کل کشور **۴/۱۱** است.

درصد میزان‌شهرنشینی استان آذبایجان غربی در سال (۱۳۷۵) **۶۸/۵۲** و درسال (۱۳۸۵) **۰۳/۶۰** است.

تراکم نسبی جمعیت استان آذربایجان غربی در سال (۱۳۶۵) **۵۳** و در سال (۱۳۷۵) **۶۷** و در سال (۱۳۸۵) **۷۷** نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان آذربایجان غربی

مرد و زن **۶۵۱۳** زن **۲۷۳۹** مرد **۳۷۷۴**

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان آذربایجان غربی

مرد و زن **۹۱۲۹** زن **۵۳۶۴** مرد **۳۷۶۵**

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵

جمع **۵۱۶** دولتی **۲۳** خصوصی **۴۹۴** تولید نهال **۹۹۵** هکتار

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵

تعداد بهره‌برداری **۳۳** مساحت گلخانه **۵** هکتار

ادامه در صفحهٔ ۲۵۸

فهرست برخی از مطالب

آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی با مساحت ۴۳ هزار و ۶۶۰کیلومتر مربع در شمال غربی کشورمان واقع شده و تنها استان کشور است که با سه کشور خارجی مرز مشترکی به طول ۸۹۱کیلومتر دارد.

سیمای اقلیمی استان آذربایجان غربی (طبیعت): عوامل متعددی در شکل‌گیری آذربایجان غربی مؤثرند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از ارتفاع، توده‌های هوا و سیستم هواشناسی، عرض جغرافیائی، منابع رطوبتی، پوشش مرتعی و جنگلی و کشاورزی. بی‌تردید مهم‌ترین عامل تنوع اقلیمی در این استان را نیز می‌توان فاکتور ارتفاع محسوب داشت.

ـ ارتفاعات آتشفشانی آرارات یا کوه نوح که به ترکی آغری داغ نامیده می‌شود دارای دو رشته است و به طرف ایران امتداد می‌یابد و خط الراس آن‌ها حوزه‌ی آبریز ایران و ترکیه را تشکیل دهد که آب دامنه‌های شرقی را به دریاچه‌ی ارومیه و دامنه‌های غربی را به دریاچه‌ی وان می‌ریزد.

سلسله جبال آذربایجان غربی به صورت یک رشته ممتد و مرتفع مانند دیواری در جهت شمال و جنوب و جنوب شرقی امتداد داشته و تا حدودی مانع نفوذ توده‌های هوای باران زا از حوزه‌ی اقیانوس اطلس و مدیترانه به درون فلات ایران و به ویژه به درون استان می‌گردند اما این ارتفاعات از سوی دیگر به مثابه منبع سرشاری، نزولات جوی را به صورت برف در خود ذخیره نموده و موجب پیدایش رودهای پر آب و سبب پیدایش تالاب‌های زیاد گردیده است و به دلیل محصور بودن این استان در دیواره مذکور است که دریاچه‌ی ارومیه یکی از شش حوزه‌ی آبریز مهم کشور محسوب می‌گردد.

در حقیقت ارتفاع استان، جهت قرار گرفتن و گسترش کوهستان‌ها، وزش بادها و تأثیر پذیری از منابع رطوبتی، دارای نقش اساسی در وضعیت آب و هوائی استان می‌باشد.

ـ این استان نیز مانند آذربایجان شرقی در اکثر فصول سال تحت تأثیر توده‌های هوای برخاسته از مرکز پر فشار و کم فشار عرض‌های مختلف جغرافیائی قرار می‌گیرد که در مجموع به دو دسته توده‌های هوای زمستانه و تابستانه تقسیم می‌شوند.

آذربایجان غربی، حدود ۳۷۴۶۳کیلومتر مربع وسعت دارد و در شمال غربی ایران قرار گرفته است. این استان با کشورهای عراق، ترکیه و کشورهای تازه استقلال یافته همسایه است. از ۲۰ تالاب بین المللی کشور ۵ تالاب در استان آذربایجان غربی واقع است که به لحاظ داشتن گونه‌های ارزشمند و منحصر به فرد پرندگانی چون درنا، پلیکان، فلامینگو، اردک سر سفید، جاذبه‌های مناسبی را برای طبیعت گردی (اکوتوریست) فراهم کرده است.

شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی در جلگه‌ای در کنار دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد. آذربایجان غربی مهد تمدن کهن، بستر تضارب اندیشه‌ها، سرزمین رویش سه لوح کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک است. این استان با آب و هوای مدیترانه‌ای، ۱۷ رودخانه‌ی دائم و پر آب، انواع آبزیان، عظیم‌ترین زیستگاه پرندگان در جزایر دریاچه‌ی ارومیه، دره‌ها، جلگه‌ها و مراتع زیبا، چشمه‌های سرد و زلال، جولانگاه ماهیان سوف و قزل آلای رنگین کمان و با طبیعتی وحشی و پر ارزش یکی از زیباترین استان‌های کشور است.

به جز آب دریاچه‌ی ارومیه، تمام آب‌های سطح استان شیرین و قابل استفاده است. دو رودخانه‌ی زرینه رود (جغتوچای) و سیمینه رود

(تاتائو) در این استان به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزند. مهاباد رود، باراندوز چای، شهر چای، آق چای، قزل چای، نازلو چای و زولا چای از دیگر رودهای مهم این استان هستند.

مهم‌ترین سوغاتی‌ها و صنایع دستی این استان عبارتند از: صنایع چوبی، نقل بید مشک، انواع دستبافته‌ها، زری بافی، عرق چین، جوراب، کلاه، شال گردن پشمی، کفش راحتی، سجاده، عسل، لبنیات، عرقیات گیاهی مانند عرق بیدمشک، عرق نعناع، کشمش، شیره‌ی انگور، حلوای گردو و هویج، تخمه‌ی آفتابگردان و کدو.

گنجینه‌ی موزه، سه گنبد، قلعه‌ی اسماعیل خان، قلعه‌ی بردوک، سنگ کاظم خان، عمارت چهار برج و مسجد جامع (در ارومیه)، دروازه سنگی، کلیسای مهلزان، پل خاتون، کلیسای سورپ کالیس، قلعه‌ی بسطام و مسجد مطلب خان (در خوی)، مجموعه‌ی تخت سلیمان (در تکاب)، قلعه‌ی سیاه، قره‌ی کلیسا، کلیسای دره شام، روستا و قصر بانچپه جوق، دخمه‌ی سنگی، پل پنج چشمه و کلیسای طاووس (در ماکو)، ستون کله شین و دژ قلات گاه (در نقده)، مسجد جامع سور، مقبره‌ی بداق السلطان، مدرسه‌ی شاه سلیمان (در مهاباد)، کلیسای سنت جرج و گرد جین قلعه (در سلماس) و قلعه‌ی بختک (در میاندوآب)، از اماکن دیدنی استان می‌باشند. ـ سازمان نقشه برداری کشور

آذربایجان: در فارسی میانه آتورپاتَکان، در آثار کهن فارسی آذربادگان یا آذربایگان، در فارسی کنونی آذربایجان، در یونانی آتروپاتِنه، در یونانی بیزانسی آذَربیگانون، در ارمنی آتراپاتاکان و در سریانی آذربایغان نام داشته است. این ایالت به‌نام سردار آتورپات (=کسی که) آتش نگهبان اوست) خوانده شده، که در زمان حملهٔ اسکندر استقلال خویش را اعلام کرد (۳۲۸ق.م.) و بدین سان سرزمین خود را در گوشهٔ شمال غربی کشوری که سپس ایران گردید، محفوظ داشت. خاندان آتورپات در زمان اشکانیان ترقی کرد و با خاندان سلطنتی وصلت نمود. آخرین بازماندهٔ دودمان آتورپات، یعنی گائوس یولیوس ارت‌وزد در ۳۸م.، هنگامی که اشکانیان ماد صغیر را جزو مستملکات خود کرده بودند، در رم درگذشت.

در دورهٔ ساسانی، یکی از مرزبانان را به‌حکومت آذربایجان می‌گماردند، و در اواخر آن دوره آذربایجان به‌خاندان فرخ هُرمَزد تعلق داشت. پایتخت آذربایجان شیز (یا گَنْزَک) بود که مطابق است با ویرانه‌های لَیْلان (در جنوب شرقی دریاچهٔ ارومیه). شیز آتشکدهٔ مشهوری داشت که شاهان ساسانی، به‌هنگام رسیدن به‌سلطنت، به‌زیارت آن می‌رفتند. بعدها این آتشکده به‌قلعهٔ اشکانی تیب‌ارمائیس (یا بت‌ارمائیس، تخت سلیمان کنونی) که کمتر قابل دسترسی بود، منتقل گردید.

فتح آذربایجان به‌دست اعراب به‌تفاوت در ضمن وقایع سالهای ۲۲-۱۸/۴۳-۶۳۹ مذکور است. گفته‌اند که در ایام خلافت عمر، حُذَیْفة‌بن‌یمان از نهاوند روی آورد و آذربایجان را گرفت و لشکرهای دیگری هم از شهر زور رهسپار آذربایجان شد. حذیفه با مرزبان آذربایجان که پایتختش اردبیل بود معاهده‌ای بست، مرزبان پذیرفت که ۸۰۰۰۰۰ درهم بپردازد و اعراب قول دادند که کسی را به‌بردگی نگیرند و آتشکده‌ها و مراسم مذهبی را محترم بدارند و اهالی را در برابر کردها (یعنی چادرنشینان) بلاسَگان و سَبَلان و شاتْروذان محافظت کنند.

مردم ایرانی‌الاصل آذربایجان به‌لهجه‌های متعدد

سخن می‌گفتند (به گفتهٔ مقدسی، ۳۷۵، هفتاد زبان در اطراف اردبیل). بعضی از سرداران عرب در بخشهای مختلف آذربایجان مستقر شدند.

پس از قیام بابک خرّمی استیلای دستگاه خلافت برآذربایجان ضعیف شد. آخرین حکام مقتدر این ایالت ساجیان (۳۱۷-۲۷۶/۹۲۹-۸۸۹) بودند که ایشان نیز خود عاقبت برضد خلفا قیام کردند. پس از سقوط ساجیان، سلسله‌های محلی در آذربایجان برخاستند. پس از دَیْسَم خارجی (که نیمه عرب و نیمه کرد بود)، مرزبان بن محمد دیلمی که مذهب باطنی داشت آذربایجان را تصرف کرد. سپس روّادیانِ کُرد جانشین دیلمیان شدند (۴۶۳-۳۷۳/۱۰۷۰-۹۸۳).

در آغاز سدهٔ پنجم / یازدهم ترکان غُز به‌فرماندهی سلجوقیان، نخست به‌دسته‌های کوچک و سپس به‌تعداد بیشتر، آذربایجان را اشغال کردند. درنتیجه اهالی ایرانی آذربایجان و نواحی مجاور ماوراء قفقاز (به‌تدریج) ترک زبان شدند. در ۵۳۱/۱۱۳۶ آذربایجان به‌دست اتابک ایلدِگِز افتاد که اعقابش با رقبای خود امرای احمدیلی تا حملهٔ کم دوام جلال‌الدین خوارزمشاه (۲۸-۶۲۲/۳۱-۱۲۲۵) برآذربایجان حکومت کردند. مغولان براثر خوارزمشاه فرا رسیدند. با ورود هولاکوی ایلخان (۶۵۴/۱۲۵۶)، آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی شد که از آموی تا شام امتداد داشت. مقر مغولان نخست در مراغه بود و سپس در تبریز که مرکز بزرگی برای بازرگانی و فرهنگ بود، گردید. پس از مغولان و جانشینان ایشان، یعنی جلایریان، آذربایجان را ترکمانانی که از مغرب بازمی‌گشتند (قراقویونلو و آق‌قویونلو) اشغال کردند. پایتخت اینان تبریز بود (۹۰۸-۷۸۰/۱۳۷۸ تا ۱۵۰۲).

پس از ۹۰۷/۱۵۰۲، آذربایجان برای شاهان صفوی سنگرگاه اصلی و مرکز عمدهٔ گردآوری قوای نظامی گردید. صفویه خود از اردبیل بودند و در ابتدا به‌لهجهٔ ایرانی محلی سخن می‌گفتند. در میان سالهای ۱۵۱۴ و ۱۶۰۳ عثمانیان بارها تبریز و بخشهای دیگری از آذربایجان را اشغال کردند. شاه عباس تسلط ایران را برآذربایجان دوباره برقرار کرد، ولی در حملهٔ افغانها (۴۲-۱۱۳۵/۲۸-۱۷۲۲) عثمانیان باز آذربایجان و دیگر ولایات غربی ایران را متصرف شدند، تا اینکه نادرشاه آنان را از آنجا بیرون راند.

در آغاز سلطنت کریم خان زند، آزادخان افغان در آذربایجان قیام کرد و بعدها کردهای دُنْبُلِی خوی و رؤسای بعض قبایل دیگر برنواحی گوناگون آذربایجان حکم راندند.

چون قاجاریه روی کار آمدند، آذربایجان مقر رسمی ولیعهدهای قاجار شد. در شمال، مرز نهائی و قطعی با روسیه (در امتداد رود ارس) در ۱۸۲۸ (عهدنامهٔ ترکمن چای) معین گردید. مرز غربی با ترکیه تا ۱۹۱۴ معین نشده بود، و در زمان رضاشاه، ایران ناحیهٔ کوچکی را در شمال آرارات به‌موجب توافق مشترک به‌ترکیه واگذار کرد.

پس از ۱۲۸۴ش./۱۹۰۵ نمایندگان آذربایجان سهم مؤثری در انقلاب ایران داشتند. در ۱۲۸۷ش./۳ آوریل ۱۹۰۸ سپاهیان روس با هم‌پیمانی بریتانیای کبیر وارد آذربایجان شدند تا اقلیتهای خارجی مقیم تبریز را حفاظت کنند، ولی به‌بهانه‌های گوناگون اقامت خود را تمدید کردند و در سالهای ۱۷-۱۹۱۴، گاه پیروز و گاه مغلوب، با ترکان جنگیدند. پس از انقلاب روسیه (۱۹۱۷)، روسها آذربایجان را تخلیه کردند، و در ۸ ژوئن ترکان حکومتی ترکدوست در تبریز مستقر ساختند. رضاخان (رضاشاه) در ۱۴ شهریور

۱۳۰۰/ ۵ سپتامبر ۱۹۲۱ حکومت ایران و از جمله آذربایجان را دوباره برقرار کرد. پس از حوادث ۱۹۴۱/۱۳۲۰ (ایران) نیروهای شوروی ولایات شمالی ایران و از جمله آذربایجان را اشغال کردند. در زیر سرپوش اشغال شوروی، جنبشی برای خودمختاری آذربایجان در داخل قلمرو حکومت ایران پدید آمد. روسها آذربایجان را درآغاز ماه مه ۱۹۴۶/ اردیبهشت ۱۳۲۵ (به‌جای مارس ۱۹۴۶ که نخست با آن موافقت نموده بودند) تخلیه کردند و این تأخیر به‌مشاجرهٔ بزرگی در سازمان ملل متحد و به‌نخستین شکاف رسمی بین متفقین منجر شد. در ۴ نوامبر همان سال سپاهیان ایران وارد آذربایجان شدند و وضع آذربایجان به‌حال عادی بازگردید.

از مشخصات بارز آذربایجان، قله‌های رفیعی است که در نواحی گوناگون آن سر برافراشته و به‌وسیلهٔ رشته‌های کوهها به‌هم مربوط شده است: قلهٔ سَوَلان (سَبَلان) در غرب اردبیل (۴۸۰۹متر) که در جنوب آن سلسلهٔ بزرگی ممتد است که مرز میان ایران و ترکیه و عراق را تشکیل می‌دهد و در بخش جنوبی خود پر از قله‌های رفیع است. بخشهای مرکزی آذربایجان، هم شامل دشتهای بزرگی است (تبریز، مرند، خوی، سلماس) و هم شامل فلاتهای مرتفعی که دره‌های عمیقی آنها را قطع می‌کند.

خاک آذربایجان متعلق به‌حوضهٔ دریای خزر و حوضهٔ دریاچهٔ ارومیه و حوضهٔ رود دجله می‌باشد. رودهائی که به‌سوی دریای خزر جاری‌اند عبارتند از: ۱ـ شعبه‌هائی از سفیدرود که سرچشمهٔ آنها در دامنهٔ جنوب شرقی کوه سهند است؛ ۲ـ شعبه‌های جنوبی رود ارس (یعنی رود اردبیل و قره‌سو و رودهای قراجه داغ و رود خوی و رود ماکو و زنگی چای). دریاچهٔ ارومیه آب منطقه‌ای به‌وسعت ۵۲۵۰۰ کیلومتر مربع را به‌سوی خود می‌کشد (رودهای مراغه: صوفی چای و غیره؛ رود تبریز: آجی چای؛ رودهای متعدد سلماس و ارومیه؛ رودهای مهم نواحی کردستان: جَغَتو، تاتائو، گادِر). زاب صغیر در دامنهٔ ایرانی سلسله کوههای مرزی سرچشمه می‌گیرد و از طریق درهٔ باریک الان وارد دشتهای شمال عراق می‌شود و سپس به‌دجله می‌پیوندد.

اهالی آذربایجان بیشتر در روستاها زندگی می‌کنند. بزرگترین شهرهای این ایالت تبریز اردبیل، ارومیه، خوی و مراغه می‌باشد. قبایل چادرنشین در دشت مغان (ترکان شاهْسَوَن) و در نواحی کردنشین مجاور مرز ترکیه و در جنوب دریاچهٔ ارومیه زندگی می‌کنند. بیشتر مردم به‌لهجهٔ محلی «ترکی آذربایجانی» سخن می‌گویند. از مشخصات این لهجه یکی آهنگ فارسی آن است و دیگری عدم رعایت «هماهنگی مصوتها» که هردو دال برمنشأ و اصل غیرترکی جمعیت ترک زبان شدهٔ آذربایجان می‌باشد. بازمانده‌هائی از لهجه‌های ایرانی قدیم (آذری) در میان گروههای کوچکی از بومیان ساکن قراجه داغ نزدیک سهند و نزدیک جلفا و جز آنها یافت میشود (آذری). فارسی زبان رسمی است که در مدرسه آموخته می‌شود. گروهی ارمنی و آسوری در نواحی غربی دریاچهٔ ارومیه زندگی می‌کنند. لهجه‌های کردی در طول مرز غربی و در نواحی جنوبی (در غرب رود تاتائو) رایج است.

آذربایجان (شرقی، غربی و اردبیل): آذربایجان ایران سرزمین پهناوری است به مساحت ۱۱۰۷۵۴ کیلومترمربع که تمام قسمت شمال غربی ایران را در برمی‌گیرد و از طرف شمال به‌رود

ارس و از مشرق به‌دریای خزر و قسمتی از گیلان و از جنوب و جنوب غربی به‌ناحیهٔ زنجان و کردستان ایران و از مغرب به‌ترکیه و از جنوب غربی به‌عراق محدود است. آذربایجان شکل تلفظ امروزی آن است و در کتب فارسی قدیمتر آذربایگان و آذرباذگان و در کتب عربی أذربَیْجان ضبط شده است.

ارتفاع نقاط مختلف آذربایجان (به‌جز کوهها) از ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ متر)«دائرةالمعارف بریتانیکا»:آذربایجان) و حدمتوسط ارتفاع نقاط مختلف آن ۱۸۰۰ متر است (ایرانشهر از انتشارات کمیسیون ملی یونسکو، یکم، تهران، ۱۳۴۲، ۷). کوههای آذربایجان از سنگهای آتش‌فشانی به‌وجود آمده است و بلندترین آنها سبلان به‌ارتفاع ۴۸۱۱ متر و سهند به‌ارتفاع ۳۷۰۰ متر و آرارات کوچک در مرز ایران و ترکیه به‌ارتفاع ۳۹۱۳ متر است. کوههای مِشُوْداغ و قَراداغ و بُزقوش داغ وسبلان از رشته کوههای البرز محسوب می‌شود (همان مأخذ،۷). کوههای زاگْرُس یا پاطاق از سرحد ایران و ترکیه به‌طرف جنوب شرقی تا کوههای مکران ادامه دارد (همان مأخذ،۹) و مرز ایران و ترکیه از این کوهها می‌گذرد. در آذربایجان در قسمت کوههای زاگرس سه فرورفتگی وجود دارد که یکی فرورفتگی خوی ـ مرند و دیگر فرورفتگی ناحیهٔ ارومیه و دیگر فرورفتگی منطقهٔ سفیدرود است. فرورفتگی خوی ـ مرند به‌وسیلهٔ دره‌های آق‌چای، آب منطقه را در خود جمع کرده به‌رود ارس می‌ریزد. قطورچای (در خوی) و زنگی‌چای (در ماکو) در این قسمت واقع است. در ناحیهٔ ارومیه دریاچهٔ شور بزرگی قرار دارد که در زمان‌های گذشته چیچَسْت و کَبودان و شاهی و ارمیه خوانده می‌شود. این دریاچه به‌اقتضای فصل مساحت ۴۵۳۰ کیلومتر تا ۵۹۶۰ کیلومترمربع را در برمی‌گیرد. آبهای مهمی که به‌این دریاچه می‌ریزد عبارت است از: زرینه‌رود یا جَغَتو و سیمینه‌رود یا تاتائو که هردو ازکوههای کردستان (زاگرس) سرچشمه می‌گیرد، و نازلورود و زولورود و شَهَرچای یا رودشهر که از ارومیه می‌گذرد، و صوفی‌چای یا رود صافی که از مراغه می‌گذرد و سرچشمهٔ آن کوه سهند است، و آجی‌چای یا تلخه‌رود. رودخانهٔ اردبیل و رودخانهٔ قراسو (در قراجه‌داغ یا ارسباران) به‌رود ارس می‌ریزند. قسمتی از آبهای آذربایجان جنوبی به‌قزل اوزن که در گیلان به‌سفیدرود موسوم می‌شود می‌ریزد. تابستانهای آذربایجان نسبتاً خنک و زمستانهای آن سرد و طولانی است. مقدار سالانهٔ باران در آن از ۳۰۰ تا ۹۰۰ میلیمتر است.

تاریخ آذربایجان به‌عنوان ناحیه‌ای مشخص از هنگام دعوی استقلال آتروپات آغاز می‌شود و از آن زمان به‌بعد در بیست و سه قرن مراحل مختلفی را از استقلال و نیمه استقلال و تابعیت دولتهای مرکزی به‌عنوان ایالتی جداگانه گذرانده است. به‌طور خلاصه می‌توان چنین گفت ک هرگاه در ایران دولتی قوی با روش ادارهٔ مرکزی برسر کار بود آذربایجان به‌عنوان یکی از ایالات مهم مملکتی از هرجهت تابع آن دولت می‌شد و هرگاه یک حکومت مرکزی واحد و نیرومند در میان نبود، و یا نظام ملوک‌الطوائفی به‌وجود می‌آمد، آذربایجان دست کم استقلال داخلی پیدا می‌کرد. در سال ۲۲۰ ق.م. اَرْتَ‌بَزَن، پادشاه آذربایجان، قلمرو خود را تا حدود دریای سیاه بسط داد، اما ناگزیر شدکه با اَنْتیوخُوُس بزرگ، پادشاه سلوکی، معاهده‌ای به‌زیان خود و سود او ببندد. از پادشاهان آذربایجان در دورهٔ اشکانیان اَریوبَرْزَن و

پسر او اَرْتَ‌وَزْد را می‌شناسیم. ارت‌وزد در سال ۳۳ق.م. در کنار رود ارس با آنتونیوس سردار روم ملاقات کرد و بعدها از پادشاه پارت شکست خورد و به‌اوگوستوس امپراتور روم پناه برد و کمی پیش از سال ۲۰ق.م. در روم وفات یافت. پادشاهان آذربایجان در زمان اردشیر اول ساسانی به‌عنوان «اتورپاتکان شاه» یا «؟شاه» شناخته می‌شدند (المسالک‌والممالک خردادبه).

در زمان ساسانیان شهرشیز واقع در آذربایجان اهمیت فراوان داشته است. از مدائن یا تیسفون راهی به‌شیز بوده است و شهر زور در نیمهٔ این راه قرار داشته، و به‌همین جهت آن را «نیم از راه» می‌خوانده‌اند. پادشاهان ایران پس از جلوس برتخت برای تعظیم آتشکدهٔ آذرگشسپ پیاده به‌شیز می‌رفتند و نذرها و تحفه‌ها بدانجا می‌بردند. آثار عجیب ونقش و نگارهای آتشکدهٔ آذرگشسپ تا زمان مسعودی باقی بوده و از جملهٔ این نقشها صور افلاک و ستارگان و نقشهٔ جهان نما از خشکی‌ها و دریاها و آبادیها و تصاویر نباتات و حیوانات بوده است. به‌گفتهٔ مِسْعَربن مُهَلْهَل آتش آتشکده‌های زردشتیان از این آتشکده روشن می‌شد، و بربالای قبهٔ آن هلالی از نقره نصب شده بود که حکم طلسم داشت.

در زمان ساسانیان مرزبان آذربایجان را شَهَپ مـی‌گفته‌اند (لازارفرپی، به‌نقل مارکوارت در «ایرانشهر»، ۱۱۲). مارکوارت کلمهٔ «شهپ» را صورتی از «خْشَثْرَه‌پاوَه» (ساتراپ) دورهٔ هخامنشی می‌داند.

هنگامی که خسرو انوشیروان به‌تخت نشست ایران چهار «پادوسپان» داشت که یکی از آنان پادوسپان آذربایجان و ارمنستان و طبرستان بود. به‌گفتهٔ طبری انوشیروان سپاه ایران را زیرنظر چهار سپهبذ قرار داد که یکی از ایشان سپهبذ آذربایجان و آن سوی آذربایجان بود. سپهبذان آذربایجان در سالهای آخر شاهنشاهی ساسانی فرخ هُرمَزد و پسرش رستم معروف به‌رستم فرخزاد، سردار ایران در جنگ قادسیه، بودند.

مردم آذربایجان مانند مردم بسیاری از نواحی دیگر اران بارها برضد اعراب قیام کرده‌اند و هربار سرداری مأمور فرونشاندن شورش و تکمیل فتوحات گردیده است. در (فتوح‌البلدان) مضمون پیمان آشتی میان مرزبان آذربایجان و حُذَیْفة‌بن یَمان سردار عرب، که از جانب عمربن خطاب و مغیرةبن شُعبه مأمور فتح آذربایجان بوده، ذکر شده است. مضمون این پیمان از نظر تاریخ آذربایجان دارای اهمیت است. از مواد این پیمان یکی این بوده که فاتحان متعهد شوند آتشکده‌ای را ویران نسازند و به‌اکراد بَلاشَجان (بَلاشَگان) و میان‌رودان و سبلان کاری نداشته باشند و نیز مخصوصاً مردم شیز را از برپا داشتن آداب دینی و رسوم اعیاد خود باز ندارند. ذکر اکراد بلاشگان و میان‌رودان و سبلان در این پیمان ظاهراً به‌این جهت است که افراد این چادرنشینان قسمت عمدهٔ سپاه مرزبان آذربایجان را در جنگ با اعراب تشکیل می‌داده‌اند، و اینان مخصوصاً این ماده را در پیمان به‌نفع خود گنجانیده‌اند.

پس از فتح آذربایجان به‌دست اعراب، قبایل عرب از بصره و کوفه و شام برای سکونت بدانجا روی آوردند و زمینهای وسیعی را خریدند و کشاورزان آن را رعیت (مُزارع = کشتکار) خود ساختند. تصرف املاک آذربایجان از طرف امرای خودمختار عرب احتمالاً به‌توسعهٔ شهرنشینی در آذربایجان کمک کرده است.

در نیمهٔ دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم

خاندان ساجیان در آذربایجان حکومت داشتند و اینان گاهی از خلیفه اطاعت می‌کردند و گاهی دعوی استقلال می‌نمودند. جد این خاندان، ابوالساج دیودادبن دیودست، به‌قرینهٔ نام خود و پدرش، ایرانی بوده است زیرا عربها چنین نامهائی به‌فرزندان خود نمی‌دادند، و از اینکه یکی از افراد این خاندان ملقب به‌افشین شده می‌توان حدس زد که از مردم اسروشنهٔ ماوراءالنهر بوده‌اند زیرا پادشاهان اسروشنه به‌افشین ملقب بودند و این کلمه با پی‌سینهٔ اوستائی یکی است (یوستی، «نامنامهٔ ایرانی»). این ابوالساج دیوداد در خدمت خلفا به‌مناصب بزرگی رسید و در جنگ با بابک نیز از افراد مؤثر بود. سپس چندین بار به‌حکومت رسید و گویا بعدها به‌صفاریان پیوست. پسر او محمدبن ابی‌الساج از سرداران بزرگ بود که از اطاعت خلیفه سرپیچید و در سال ۲۸۰ مراغه را تصرف کرد. خلافت بغداد به‌علت گرفتاریهای فراوان صلاح در آن دید که با او کنار بیاید و معتضد در سال ۲۸۵ او را والی سرتاسر آذربایجان و ارمنستان کرد و او در سال ۲۸۶ پسر خود ابوالمسافر را به‌عنوان وثیقه و گروگان به‌بغداد فرستاد. در سال ۲۸۲ پسر دیگر ابوالساج به‌نام یوسف، که او نیز سرداری بزرگ بود، به‌مراغه نزد برادرش فرار کرد. در سال ۲۸۸ وبای سختی سرتاسر آذربایجان را فراگرفت و در همین سال محمدابن ابی‌الساج که به‌او لقب افشین داده شده بود وفات یافت و پسرش دیودادبن محمد جای او را گرفت. اما یوسف ابن ابی‌الساج به‌حکومت برادرزادهٔ خود راضی نشد و در جنگی که با او کرد پیروز شد و دیوداد به‌بغداد گریخت و یوسف والی مستقل آذربایجان گردید. در سال ۲۹۵ در اواخر خلافت مُکْتفی، سرداری به‌نام خاقان مُفلحی را به‌جنگ یوسف بن ابی‌الساج فرستادند، ولی گویا این سردار موفقیتی کسب نکرد و به‌همین جهت ناگزیر شدند که یوسف را رسماً به‌حکومت مراغه و آذربایجان بشناسند و کاتب او ابن دُلَیْل نصرانی را خلعت دهند (سال ۲۹۶). در سال ۳۰۳ یوسف باز از اطاعت مقتدر خلیفه سرپیچید و مدارای خلیفه با او سودی نبخشید و یوسف پا از آذربایجان بیرون نهاد و حتی ری رانیز به‌تصرف درآورد و در سال ۳۰۶ مونس خادم سردار خلیفه المقتدربالله را شکست داد. یوسف سرانجام در سال ۳۰۷ در جنگی که در اردبیل با سپاه خلیفه کرد شکست خورد و گرفتار شد و او را با تشهیر وارد بغداد کردند. در این میان ابوالمسافر، پسر دیگر محمدبن ابی‌الساج که در بغداد گروگان بود والی آذربایجان شد، ولی سپاه او براو شوریدند و او را در مراغه کشتند و غلام او مفلح را والی آذربایجان کردند. به‌گفتهٔ ابن حوقل یوسف بن ابی‌الساج باروی مراغه را ویران کرد و دفاتر و دواوین آذربایجان را از مراغه به‌اردبیل نقل کرد. او می‌گوید علت این کار آن بوده که اردبیل در وسط ناحیهٔ آذربایجان قرار دارد، ولی ظاهراً چنین نیست و علت آن بوده که مراغه به‌عراق و مرکز خلافت نزدیک بوده است و او که قصد طغیان داشته می‌خواسته است که مانند بابک در ناحیهٔ دورتری باشد. در قرن چهارم اردبیل و دیگر شهرهای آذربایجان از جهت فراوانی و ارزانی چنان بود که گاهی در اردبیل ۵۰ گرده نان و یا یک من و نیم گوشت به‌یک درهم خریده می‌شد.

طغرل بیک سلجوقی در سال ۴۴۶ به‌آذربایجان رفت و ابومنصور وَهْسودان بن محمد روّادی صاحب تبریز و دیگر امرای محلی آذربایجان به‌اطاعت او درآمدند. چنین می‌نماید که

سلجوقیان شیوهٔ اقطاعی و ملوک‌الطوایفی را ترجیح می‌دادند و امرای محلی را در امور داخلی خود آزاد می‌گذاردند. از امرای محلی آذربایجان در زمان سلجوقیان، در قرنهای پنجم و ششم، اسماعیل یاقوتی و پسر او ملک مودود و سُکْمان قطبی (در حدود ۵۰۵) و احمد یل صاحب مراغه را می‌شناسیم. احمد یلیان در مراغه حکومت داشتند و از ایشان آقسنقر و ارسلان اُبه و علاءالدین کرپ ارسلان معروف بودند. نظامی هفت پیکر را به‌نام کُرْپ ارسلان سروده است.

در نیمه دوم قرن ششم بیشتر آذربایجان در دست اتابکان آذربایجان بوده و این اتابکان حتی برفرمانروایان خود که پادشاهان سلجوقی بودند تحکم می‌کرده‌اند، و ارسلان شاه سلجوقی در حقیقت آلت دست اتابک ایلدگز بوده است. در نیمهٔ دوم قرن ششم گرجیان نیرومند شدند و به‌ولایات ارمنستان و آذربایجان دست‌اندازی کردند و ایلدگز در سال ۵۵۷ ایشان را شکست داد.

پس از حملهٔ چنگیزخان به‌ماوراءالنهر و خراسان، یَمه و سُبتای دوتن از سرداران مغول به‌دنبال سلطان محمدخوارزمشاه و تعقیب کسان او شهرهای ایران را به‌باد غارت و ویرانی دادند. مردم تبریز اظهار انقیاد کردند و نجات یافتند، اما مردم اردبیل مقاومت کردند و دوبار سپاه مغول را عقب راندند ولی سرانجام شکست خوردند و اردبیل نیز مانند شهرهای دیگر ویران شد. آذربایجان پس از رفتن یمه و سبتای میدان تاخت و تاز سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه شد و خرابی بسیار به‌آن راه یافت. پس از زوال دولت سلطان جلال‌الدین و تصرف کامل آذربایجان به‌دست مغول، آذربایجان مسکن اصلی قوم مغول و ایلخانان ایران گردید، و مغول در آبادانی آذربایجان کوشیدند. در دوران مغول شهرهای آذربایجان روی به‌آبادی نهاد. به‌دستور هولاکو در مراغه رصدخانه ساخته شد و در شهر خوی بتخانه‌ها (معابد بودائی) برپا گردید. بناهای غازان در تبریز و جاهای دیگر معروف است. در زمان غازان شهر تبریز بزرگتر از سابق گردید و یکی از مراکز مهم جهان شد. تجار روم و فرنگ امتعهٔ خود را به‌این شهر می‌آوردند و بازارهای آن در زیبائی معروف بود. وزرای عهد مغول از قبیل رشیدالدین همدانی و تاج‌الدین علیشاه بناهای مهمی در تبریز برپا کردند. پس از ضعف ایلخانان در آذربایجان امرای مستقل حکومت یافتند و چوپانیان و ایلکانیان در قسمتی از قرن هشتم حکام مستقل آذربایجان بودند. در سال ۷۸۷ که سلطان احمد ایلکانی از تبریز به‌بغداد رفت توقْتَمِش خان از دربند خزر گذشته به‌آذربایجان حمله برد و شهر تبریز را دستخوش کشتار و غارت کرد. این ویرانی یکی از بزرگترین ویرانیهائی است که تبریز به‌خود دیده است.

در زمان مغول تقسیمات اداری آذربایجان تغییر کرد و آذربایجان به‌نه تومان تقسیم شد که جمعاً بیست و هفت شهر داشت: ۱ـ تومان تبریز (تبریز و اوجان و طَسوج) ۲ـ تومان اردبیل (اردبیل و خَلخال) ۳ـ تومان مشگین (مرکب از چندشهر) ۴ـ تومان خوی (خوی و سلماس و ارمیه و اشنویه) ۵ـ تومان سراو (سراو و میانج و گرمرود) ۶ـ تومان مراغه (مراغه و دهخوارقان و دوشهر دیگر) ۷ـ تومان مرند (مرند و دزمار و زنوز و گرگر و زنگیان) ۸ـ تومان نخجوان (نخجوان و اردوباد و آزادشهر و ماکویه). تومان نهم مشکوک است.

تیمور حکومت آذربایجان را به‌پسر خود

میرانشاه داده بود. پس از مرگ تیمور ترکمانان قراقویونلو برآذربایجان مسلط شدند و با آنکه شاهرخ پسر تیمور سه بار با موفقیت به‌آذربایجان لشکرکشی کرد، آذربایجان همچنان در دست قراقویونلوها ماند. پس از برافتادن قراقویونلوها آذربایجان به‌دست آق‌قویونلوها افتاد و مدتی تبریز پایتخت بخش وسیعی از ایران بود. در زمان قراقویونلوها و آق‌قویونلوها بناهای زیبائی در تبریز ساخته شد که وصف آن را در سفرنامه‌های اروپائیان آن عصر می‌بینیم. پس از تصرف آذربایجان به‌دست شاه اسماعیل اول صفوی تبریز مدتی پایتخت ایران بود ولی پس از شکست او از سلطان سلیم، پایتخت به‌قزوین و بعد به‌اصفهان منتقل شد. در زمان صفویه آذربایجان محل جنگهای خونین میان سپاهیان ایران و عثمانی بود، و عثمانیان بارها تبریز را به‌تصرف درآوردند، و یکبار هم در سال ۹۹۳ مانند توقتمش‌خان آن را به‌کلی ویران کردند. اسکندربیک منشی که پس از این ویرانی تبریز را دیده می‌نویسد: «جمیع خانه‌ها که به‌طلا و لاجورد تزئین یافته بود خراب شده، درها و پنجره‌های نقاشی کنده شده به‌جای هیمه سوخته شده بود...و از چندین هزارخانهٔ دلنشین یک خانه که استعداد نشیمن یکی از اواسط‌الناس داشته باشد سالم نمانده بود...» (عالم‌آرا، چاپ‌سنگی، ۲۳۱). شاه عباس پس از رسیدن به‌سلطنت صلاح در آن دید که تا استقرار کامل در قسمتهای مرکزی و شمالی و شرقی ایران موقتاً از آذربایجان چشم بپوشد و به‌موجب پیمانی که در ۹۹۹ میان ایران و دولت عثمانی به‌امضا رسید آذربایجان غربی و شهر تبریز و گرجستان و ارمنستان و قَراباغ و شروان تا نهاوند و لرستان به‌دولت عثمانی واگذار شد. شاه عباس پس از برقراری نظم و آرامش در داخلهٔ ایران و کوتاه کردن دست ازبکان از خراسان موفق به‌استرداد این نواحی گردید.

پس از سقوط دولت صفویه، در دوره‌ای که ایران عملاً میان روس و عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی بود، ولی دیری نپائید که نادرشاه آن را از تصرف دولت عثمانی بیرون آورد و در صحرای مغان آذربایجان تاجگذاری کرد.

کریمخان زند در سال ۱۱۷۵ آذربایجان را از دست خانهای محلی که پس از نادرشاه سربرآورده بودند گرفت و فتحعلیخان افشار را شکست داد و کاظم خان قرجه داغی و شهبازخان دُنْبُلی مطیع او شدند. پس از مرگ کریمخان زند، باز خانهای محلی در آذربایجان سربرآوردند و آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۵ موفق شد که آذربایجان را کاملاً مطیع کند.

با روی کار آمدن سلسلهٔ قاجاریه در ایران پیشروی امپراتوری روسیه به‌جنوب و تصرف گرجستان صورت عمل به‌خود گرفت و ارمنستان و اَرّان و دربند و شروان مورد تهدید قرار گرفت. خشونت‌های ناخردمندانهٔ آقامحمدخان و سیاست ضعیف فتحعلیشاه و قدرت نظامی برتر روسیه موجبات شکستهای پی‌درپی سپاه ایران را فراهم آورد. به‌موجب فصل سوم معاهدهٔ گلستان که در ۱۸۱۲/۱۲۲۸ میان روسیه و ایران بسته شد ولایات قراباغ و شکی و شروان و قُبه و دربند و باکو و قسمتی از طالش و همهٔ گرجستان و داغستان و محال شوره‌گل و آچوق‌باشی و نگربل و اَبخاز به‌دولت روسیه واگذار شد. درنتیجهٔ جنگهای سال ۱۲۴۳ ژنرال آریستوف سردار روسی تبریز را تصرف کرد و سپاه روس قسمت

مهم آذربایجان را اشغال کرد و دولت ایران از روی اجبار به‌معاهدهٔ ترکمان‌چای تن در داد.

در زمان قاجاریه و مخصوصاً در زمان سلطنت فتحعلیشاه آذربایجان به‌جهت جنگهای ایران و روس مرکز نظامی ایران گردید و شهر تبریز در حقیقت پایتخت دوم ایران شد. عباس میرزاولیعهد و وزیر او میرزاعیسی معروف به‌میرزا بزرگ قائم مقام در آبادانی آذربایجان و مخصوصاً تبریز کوشیدند. سیاحان اروپائی امنیت و نظم آذربایجان را در دورهٔ عباس میرزا با امنیت فرنگستان مقایسه کرده‌اند (مرآت‌البلدان ناصری، یکم، ۳۶۴). در دورهٔ قاجاریه (از فتحعلیشاه به‌بعد) شهر تبریز ولیعهدنشین بود.

از مصائبی که در زمان ناصرالدینشاه به‌آذربایجان غربی روی آورد قیام کردها به‌سرپرستی شیخ‌عبیدالله کرد بود که باید آن را بیشتر نتیجهٔ سوءسیاست و بی‌تدبیری عمال دولت ایران دانست. در این قیام قسمت مهمی از آذربایجان غربی در آتش قتل و غارت سوخت، و سرانجام سپاه ایران به‌سرپرستی حمزه میرزا حشمت‌الدوله و مصطفی قلیخان اعتمادالسلطنه و حسنعلیخان امیرنظام گروسی به‌زحمت توانستند آتش این فتنه را بخوابانند (سال ۱۲۹۷).

در انقلاب مشروطیت، تبریز پس از تهران دارای مهمترین سهم اساسی بود، ولی با اشغال آذربایجان از طرف روسها آثار انقلاب مشروطیت در آن موقتاً از میان رفت. قیام خیابانی پس از جنگ جهانی اول و رفتن روسها از ایران ظاهراً به‌منظور ایجاد نوعی استقلال داخلی برای آذربایجان بود، ولی مردم آذربایجان از آن پشتیبانی نکردند. نظیر همین عدم پشتیبانی پس از پایان جنگ جهانی دوم نیز دیده شد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ارتش شوروی سابق در آذربایجان مستقر بود و در ۱۳۲۴ حزبی به‌نام حزب دموکرات آذربایجان در شهرهای آذربایجان تشکیل شد که هدف آن جدا ساختن آذربایجان از ایران بود. این حزب از طرف ارتش شوروی که در آن روزگار در ایران بود حمایت می‌شد و به‌همین جهت سران حزب دموکرات موفق شدند که ادارات را از دست مأموران ایرانی خارج سازند و دولتی تشکیل دهند. نظیر این دولت را حزب کوملهٔ کردستان در آذربایجان غربی تشکیل داد. اما با خروج ارتش سرخ از ایران معلوم شد که مردم آذربایجان طرفدار این حزب و دولت آن نبوده‌اند و وقتی که ارتش ایران به‌دروازه‌های آذربایجان رسید، مردم شهرهای آذربایجان برضد دولت دموکرات آذربایجان شوریدند و به‌حکومت آن پایان دادند (آذرماه ۱۳۲۵). از کتاب دانشنامه ایران و اسلام

آذری (در عربی: الآذریّه)، زبان ایرانی آذربایجان پیش از رواج زبان ترکی.

سخن گفتن به‌آذری در آذربایجان در طی نخستین قرنهای اسلامی و هم‌چنین ایرانی بودن آن در مآخذ مختلف تصریح شده است. قدیمترین مرجع در این مورد گفتهٔ ابن مقفع (متوفی ۷۵۹/۱۴۲) به‌نقل ابن ندیم است (فهرست، به‌کوشش فلوگل، ۱۳) که زبان آذربایجان را پهلوی (الفهلویّه)، منسوب به‌فهله، یعنی سرزمینی که شامل اصفهان و ری و همدان و ماه نهاوند و آذربایجان بوده است می‌شمارد. همین قول در عبارت حمزهٔ اصفهانی (به‌نقل یاقوت در (معجم‌البلدان)، لیدن، سوم، ۹۲۰، ذیل فهلو) و (مفاتیح العلوم) خوارزمی (لیدن، ۱۷-۱۱۶) منعکس است. پس از ابن مقفع قدیمترین اشاره

به‌زبان آذری را بدون ذکر نام آن در (فتوح البلدان) بلاذری که در ۸۶۹/۲۰۰ تألیف شده می‌یابیم (چاپ لیدن، ۳۲۸؛ (بیست مقاله) محمدقزوینی، ۱۴۵) که کلمهٔ «حان» به‌معنی «حائر» یعنی منزل و کاروانسرا را از «کلام اهل آذربایجان» نقل می‌کند (قس. «خانی» در گویش شاهرود خلخال به‌معنی چشمه). اما قدیمترین ذکر کلمهٔ آذری را پس از ابن مقفع در کتاب (البلدان) یعقوبی که در حدود ۸۹۱/۲۷۸ تألیف شده می توان یافت (چاپ لیدن، ۲۷۲) که مردم آذربایجان را مخلوطی از ایرانیان آذری و جاودانیهٔ قدیم می‌شمارد و ظاهراً منظورش آذربایجانیهای مسلمان و آذربایجانیهای پیرو بابک خرم‌دین است. از این گفته چنین به‌نظر می‌آید که آذری گذشته از زبان، برمردم آذربایجان نیز اطلاق می‌شده است. سپس قول مسعودی، متوفی در ۹۵۶/۳۴۵ (التنبیه و الاشراف، لیدن، ۷۸) در دست است که به‌وحدت زبانهای ایرانی و اختلاف گویشهای آن اشاره می‌کند و به‌طور مثال از زبانهای پهلوی (فهلوی) و دَری و آذری که ظاهراً مهمترین گویشهای ایرانی در نظر وی بوده است نام می‌برد. پس از او باید از گفتهٔ ابن حوقل، متوفی در حدود ۹۸۱/۳۷۱ یاد کرد که می‌گوید «زبان مردم آذربایجان و بیشتر مردم ارمنستان ایرانی (الفارسیه) است که آنها را به‌هم می‌پیوندد و عربی (نیز) میان آنان مستعمل است، و از آنها که به‌فارسی سخن می‌گویند کمتر کسی است که عربی را نفهمد و برخی از بازرگانان و زمین داران در آن فصیح‌اند» (صورةالارض، چاپ دوم، لیدن، ۳۴۸)، که هرچند در آن مبالغه‌ای دربارهٔ رواج عربی در آذربایجان و یا گسترش زبانهای ایرانی در ارمنستان به‌نظر می‌آید، گواه روشنی برایرانی بودن زبان آذربایجان در قرن چهارم هجری است.

مقدسی، متوفی در اواخر قرن چهارم/دهم نیز ایرانی بودن (العجمیه) زبان آذربایجان را در همان قرن تصریح می‌کند، جز آنکه به‌گفتهٔ او زبان آذربایجان برخی دری است و برخی «منغلق» یعنی پیچیده که ظاهراً غرضش تمیز میان زبان عام رسمی (فارسی دری) و گویشهای محلی است (احسن‌التقاسیم، چاپ لیدن، ۲۵۹)، و باز می‌گوید که «زبان آنها (مردم آذربایجان) زیبا نیست... و فارسی آنها مفهوم است و در حروف به‌فارسی خراسانی شبیه است» (همانجا، ۳۷۸) که باید منظورش در این مورد فارسی دری باشد که طبعاً در مراکز آذربایجان نیز مانند امروز رواج داشته است.

داستانی که سمعانی در (مجمع‌الانساب)(ذیل تَنوخی) دربارهٔ ابوزکریا خطیب تبریزی متوفی در ۱۱۰۹/۵۰۲ و استاد وی ابوالعلاء معرّی آورده به‌زبان بومی مردم آذربایجان در قرن پنجم دلالت می‌کند. به‌موجب این داستان خطیب تبریزی در معرّةالنعمان به‌یکی از هموطنان خود برمی‌خورد و با وی به‌زبانی که مفهوم ابوالعلاء نیست گفتگو می‌کند و چون ابوالعلاء از هویت زبان جویا می‌شود می‌گوید این زبان مردم آذربایجان است (در چاپ حیدرآباد، سوم، ۹۳ «الاذربیه» و در چاپ عکسی لیدن «الادرمحمده» بدون نقطه ضبط شده که ظاهراً باید آذریه یا آذربیجیه باشد. (زبان آذری کسروی، چاپ پنجم، ۱۳، ح ۱). قول یاقوت حموی که می‌گوید «مردم آذربایجان را زبانی است که آنرا آذری (الاذریه) می‌نامند و مفهوم کسی جز آنها نیست (معجم‌البلدان، لیدن، یکم، ۱۷۲) رواج آذری را مقارن حملهٔ مغول تأیید می‌کند و از بیان زکریا بن محمد قزوینی در (آثار البلاد)(بیروت، ۳۳۹) که در ۱۲۷۵/۶۷۴ تألیف

شده و می‌گوید که «هیچ شهری از دستبرد ترکان محفوظ نمانده است مگر تبریز» برمی‌آید که اقلاً تبریز تا زمان اباقا از تأثیر ترکی برکنار بوده است. حمدالله مستوفی در قرن هشتم زبان مراغه را «پهلوی مغیّر» می‌خواند (نزهةالقلوب)، به‌کوشش دبیر سیاقی، ۱۰۰؛ در چاپ لسترنج «پهلوی معرب» درست به‌نظر نمی‌آید، ص ۱۰۷ که در آن ضمناً زبان ولایت گشتاسفی در کنارهٔ غربی دریای خزر را پهلوی می‌خوانند)، و غرض از پهلوی به‌طوریکه از قول ابن مقفع نیز برمی‌آید زبان بومی نواحی شمال غربی و مغرب و مرکز ایران (سرزمین ماد) به‌طورکلی است، ولی برخلاف نظر مارکوارت («ایرانشهر»، ۱۲۳، ح ۵) نمی‌توان آنرا کاملاً منطبق برزبان اشکانی شمرد.

از این شواهد آشکار است که مردم آذربایجان قبل از رواج ترکی به‌زبانی که از گویشهای مهم ایرانی بوده و به‌مناسبت نام آذربایجان آذری خوانده می‌شده سخن می‌گفته‌اند که با زبان ری و همدان و اصفهان از یک دست بوده است و تا قرن هفتم و هشتم و به‌احتمال قوی مدتی پس از آن نیز زبان غالب آذربایجان بوده است.

مرکز استان آذربایجان غربی شهر ارومیه است و شهرستان‌های تابعه‌ی آن عبارتند از ارومیه، میاندوآب، مهاباد، خوی، ماکو، نقده، سلماس، پیرانشهر (خانه) و سردشت

استان آذربایجان غربی بعلاوه‌ی استان آذربایجان شرقی جلگه‌ی وسیع آذربایجان را تشکیل می‌دهد این خطه قسمتی از سرزمین ماد و از استان‌های قدیمی و تاریخی کشور ایران است که سابقاً آتورپایگان آذرابادگان .....نامیده می‌شده و محل تولد زرتشت پیغمبر بزرگ ایران و سرزمین معابد معتبر و آتشگاه معروف آذرگشسب بوده است.

آذربایجان غربی در حدود ۱۱۰۷۶۲ کیلومتر مربع مساحت دارد که ۴۸۱۰ کیلومتر مربع آن را دریاچه‌ی ارومیه تشکیل می‌دهد.

آذربایجان غربی جلگه‌ی مرتفعی است که مهم‌ترین بلندی‌های آن کوه‌های آتشفشانی خاموش سهند و کوه‌های ارسباران و طالش و فاقلانکوه است پست‌ترین نقطه‌ی این جلگه، حوضه‌ی وسیعی است که دریاچه‌ی (ارومیه) در آن قرار دارد و ارتفاع آن ۱۲۰۰ متر از سطح دریا است. این دریاچه علاوه بر آب‌هایی که از کوه‌های اطراف در آن می‌ریزد دارای چشمه‌های متعدد جوشانی نیز می‌باشد که در کف آن قرار دارد. و مقداری از آب دریاچه را تأمین می‌کند مهم‌ترین منابع آب این دریاچه، تلخه‌رود، سیمینه‌رود، زرینه‌رود، و صافی‌رود و رود مهاباد است رود ارس در شمال آذربایجان در مرز ایران و جمهوری آذربایجان و سفیدرود (قزل‌اوزن) در جنوب آن جریان دارد که بعد از مشروب کردن آذربایجان به دریای خزر می‌ریزد. آب و هوای آذربایجان غربی در شمال و شمال شرقی سرد و برفی و در مغرب و مرکز معتدل و در جنوب دریاچه گرم و مرطوب است.

مشخصات جغرافیائی استان آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی با مساحتی بالغ بر ۴۳۶۶۰ کیلومتر مربع بین ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی (از خط استوا) و ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی (از نصف‌النهار گرینویچ) قرار دارد.

استان آذربایجان غربی در شمال غربی ایران واقع شده از شمال به‌کشورهای جمهوری نخجوان و

ترکیه، از مغرب به‌کشورهای ترکیه و عراق، از جنوب به‌استان کردستان و از مشرق به‌استان آذربایجان شرقی و استان زنجان محدود است. طول مرز آبی و خاکی استان باکشورهای همسایه مجموعاً حدود ۸۲۳ کیلومتر به‌ترتیب زیر می‌باشد:

از طرف شمال نزدیک به ۱۳۵ کیلومتر مرزآبی رودخانه ارس با جمهوری نخجوان از طرف شمال و مغرب نزدیک به ۴۸۸ کیلومتر مرز خاکی با کشور ترکیه، از طرف مغرب نزدیک به ۲۰۰ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق.

استان آذربایجان غربی دارای ۱۵ شهرستان، ۳۶ شهر، ۳۶ بخش، ۱۰۹ دهستان بوده و مرکز آن شهر ارومیه است.

شهرستانهای تابع آن عبارتند از: ارومیه، بوکان، پیرانشهر، تکاب، خوی، سردشت، سلماس، شاهیندژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده.

گرمای تابستان در این منطقه به‌ندرت تا ۳۸ درجه و سرمای زمستان گاهی تا منهای ۳۰ درجه نیز می‌رسد بدین لحاظ این منطقه جزو مناطق استپی سردسیر است.

میزان بارندگی این استان ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیمتر در سال و حداکثر آن در فصول پائیز و زمستان است.

مردم این منطقه به‌زبانهای آذری و کردی و اقلیت‌ها نیز به زبانهای آشوری و ارمنی و کلیمی تکلم می‌نمایند و اکثریت پیرو دین اسلام و دارای مذاهب شیعه و سنی هستند.

آذربایجان غربی ۴۳۶۶۰ کیلومتر مربع (با احتساب دریاچه ارومیه) وسعت دارد که ۲/۶۵ درصد مساحت کل کشور را تشکیل میدهد که از این مقدار حدود یک میلیون هکتار آن زمینهای قابل بهره‌برداری می‌باشد، شاید برخی چنین تصور کنند که پست‌ترین ناحیه، دریاچه ارومیه است در حالی که دریاچه مزبور حدود ۱۲۷۵ متر از سطح دریای آزاد ارتفاع دارد. کم‌ارتفاع‌ترین نقطه استان درست در دیوار شمال شرقی استان یعنی در کنار رود ارس (۹۱۰ متر) قرار دارد خوی کم ارتفاع‌ترین و سیه‌چشمه مرتفع‌ترین نقطه استان می‌باشد.

دریاچه ارومیه در دوره ائوسن تشکیل شده وسعت این دریاچه در زمان کم‌آبی ۴۰۰۰ کیلومتر مربع و در زمان پرآبی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. طولش حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۵ تا ۵۰ کیلومتر متغیر است کمترین پهنای دریاچه در شمال شرقی ارومیه و مقابل جزیره اسلامی قرار گرفته (بزرگراه شهید کلانتری در این ناحیه در دست ساختمان بوده) و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد حدود ۱۲۷۵ متر می‌رسد. عمق متوسط دریاچه را ۵ الی ۶ متر تخمین زده‌اند لیکن این میزان در برخی جاها به ۱۴ الی ۱۶ متر می‌رسد.

آب دریاچه ارومیه بی‌نهایت شور است و میزان نمک محلول آن دوبرابر اقیانوسها است و به‌علت بالابودن غلظت نمک طعام (کلریدسدیم) در آب دریاچه ارومیه هیچگونه ماهی در آن زیست نمی‌کند فقط موجودات سخت‌پوست قرمزرنگ کوچک (آبشش پا یا اوتمیاسالینا) در ساحل آن زندگی می‌کند.

دریاچه ارومیه دارای ۱۰۲ جزیره کوچک و بزرگ با صخره‌های سنگی بدون سکنه غیر از جزیره اسلامی بوده که محل تخمگذاری انواع پرندگان مهاجر و آبزی می‌باشد از جزایر بزرگ غیرمسکون می‌توان کبودان، اشک اسپیر و آرزو را نام برد در این جزایر قوچ، میش و گوزن زرد زیست می‌کنند

و پرندگانی نظیر فلامینگوها، پلیکانها،کاکائی‌ها و غازها در آنها تخم‌گذاری می‌کنند و به‌پرورش جوجه‌های خود می‌پردازند.

رودخانه‌های مهمی که به‌دریاچه ارومیه می‌ریزند عبارتند از: تلخه‌رود، زرینه‌رود، سیمینه‌رود، صافی‌رود، مهابادرود، گدار، باراندوزچای، شهرچای، نازلوچای و زولاچای.

رودخانه‌ها: سلسله جبال آذربایجان غربی چون دیواری در جهت شمال و جنوب وجنوب شرقی امتداد یافته و منبع سر شاری از نزولات جوی را بصورت برف در خود ذخیره نموده، باعث بوجود آمدن رودهای پر آب متعددی می‌گردد، که عبارتند از زرینه رود، سیمینه رود ،میاندوآب، مهاباد رود در شهرستان مهاباد، بار انوز چای در شهرستان ارومیه، زولاچای در سلماس، رودخانه ارس در ماکو، زاب در سردشت، گدار در نقده.

دریاچه طبیعی مارمیشو :

در میان‌کوهستانهای مجاور مرز ایران و ترکیه ودر حدود ۴۵ کیلومتری غرب شهرستان ارومیه دریاچه طبیعی بوسعت تقریبی ۵ هکتار وجود دارد. این دریاچه محل زیست انواع آبزیان از جمله ماهی قزل آلا بوده که محل بسیار مناسبی برای صید ماهی و گذراندن اوقات فراغت گردشگران و دوستداران طبیعت می‌باشد.

جنگل: در ۱۳۸۵ مساحت جنگل خوب ۳۵۰۰۰ هکتار، متوسط ۴۶۶۵۰ هکتار، فقیر ۹۲۳۵۰ هکتار، مرتع خوب ۷۳۴۱۲۳ هکتار، مرتع متوسط ۱۳۲۷۰۵۳ هکتار، مرتع فقیر ۴۵۵۴۰۸ هکتار. در ۱۳۸۵ جنگل‌کاری ۲۵ هکتار فقط دولتی

خاک و خاک‌شناسی:

خصوصیات کلی خاک‌های منطقه: استان آذربایجان غربی دارای اراضی حاصل‌خیز و قابل کشت و آبیاری نسبتاً وسیعی است که قسمت عمده‌ی آن در دشت‌های رسوبی رودخانه‌های اطراف دریاچه‌ی ارومیه قرار گرفته‌اند. البته در خارج از محدوده‌ی این دشت‌ها، در ناحیه‌ی فلات‌ها و تراس‌ها و دشت‌های دامنه‌ای نیز اراضی حاصل‌خیزی وجود دارد که از نظر کشت دیم اهمیت بسزائی را دارا می‌باشد. مساحت مناطق مطالعه شده معادل ۴۸۳۳۳۰ هکتار که حدود ۱۲/۴ درصد کل اراضی استان را تشکیل می‌دهد. این مناطق حدود ۹۰ درصد از اراضی قابل آبیاری استان را شامل می‌گردد. اراضی مطالعه شده استان به‌طور کلی در دشت‌ها و فلات‌ها قابل آبیاری بوده و شامل ۶ درجه از انواع خاک‌ها است که در منطقه ۷ مودر مطالعه قرار گرفته است.

طبقه‌بندی خاک‌ها براساس نواحی ارتفاعی:

به‌طول کلی خاک‌های استان براساس نواحی ارتفاعی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌گردند.

الف) خاک‌های اراضی کوهستانی: ۱ - خاک‌های سطوح فرسایش یافته با خاک کم‌عمق و عموماً با بیرون زدگی شدید سنگی. ۲ - خاک‌های کم عمق تا نیمه عمیق با بافت ریز. ۳ - خاک‌های کوه‌ها و تپه‌های جنگلی با عمق کم تا نسبتاً عمیق دارای لایه‌های تؤام با مواد آلی بر روی مواد آهکی.

ب) خاک‌های اراضی پست و بلند (تپه ماهوری):

۱ - خاک‌های با تنوع زیاد و دارای گروه‌ها و زیر گروه‌های مختلف ۲ - خاک‌های عمیق با بافت ریز

تا متوسط ۳ - خاک‌های کم‌عمق و عموماً سنگلاخی ۴ - خاک‌های کم‌عمق تا نیمه عمیق بر روی لایه‌های سنگریزه در بعضی قسمت‌ها با تکامل خوب

ج) تپه‌ها و فلات‌های پست و بلند فرسایش یافته: خاک‌های کم عمق تا نیمه عمیق و نسبتاً سنگی بر روی مواد آهکی - مارنی متشکل از تپه‌ها و فلات‌های پست و بلند و نسبتاً فرسایش یافته

د) خاک‌های اراضی دشت‌های دامنه‌ای: خاک‌های نیمه عمیق تا عمیق همراه با تجمع مواد آهکی در لایه‌های زیرین

ه) خاک‌های اراضی مسطح با شیب ملایم: مشابه دشت‌های دامنه‌ای با خاک‌های اضافه بر آن از جمله خاک‌های نیمه عمیق تا عمیق با بافت ریز تا متوسط.

و) خاک‌های اراضی سیل‌گیر و اراضی پست: ۱ - خاک‌های عمیق آبرفتی نسبتاً سنگین تا سنگین با شوری متوسط تا نسبتاً زیاد و رنگ قهوه‌ای تیره تا خاکستری ۲ - خاک‌های عمیق آبرفتی شور و شور مرطوب بافت ریز ۳ - طبقه‌بندی خاک‌ها بر اساس نوع و جنس

با توجه به مطالب خاک‌شناسی انجام شده در استان آذربایجان غربی خاک‌های این استان دارای تنوع قابل ملاحظه‌ای می‌باشند و اکثراً از گروه خاک‌های رسوبی، چمنی مرطوب، قهوه‌ای، چمنی نیمه مرطوب، واریزه‌ای، شور و قلیایی، رسوبی بادبزنی شکل، رسوبی شور، قلیایی آهکی و بالاخره خاک‌های شور تشکیل یافته‌اند. در استان آذربایجان غربی ۱۳ رودخانه‌ی بزرگ و کوچک جریان دارد که مجموع آبدهی سالانه‌ی این رودخانه‌ها در حدود ۶۳۰۰ میلیون متر مکعب بوده که نسبت به مساحت آن (۳۰۶۴۰۰۰ هکتار) رقم قابل ملاحظه‌ای می‌باشد که در مقایسه با استان‌های پرآب کشورمان همچون گیلان در حد متوسط به بالایی می‌باشد. متوسط آن مصرفی در هر هکتار در استان در حدود ۷۴۰۰ متر مکعب برآورد شده است که با توجه به این میزان مصرف و متوسط مقدار آبدهی رودخانه‌ها به نظر می‌رسد که در صورت کنترل تمام رودخانه سطح زیر کشت آبی در مرحله‌ی نهایی به ۸۴۸ هزار هکتار برسد.

نواحی جنگلی: بر اساس مطالعات آمایش زمین آذربایجان غربی سطح جنگل‌ها و اراضی مستعد جنگل کاری استان ۱۷۴۰۰۰ هکتار تخمین زده شده که قسمتی از این اراضی به‌صورت جنگل‌های بلوط غرب در جنوب غربی استان و در حوزه‌ی شهرستان‌های پیرانشهر و سردشت تا مرز ایران و عراق و از طرفی دیگر تا مرز استان کردستان قرار دارد.

درجه پوشش جنگل استان ۲٪ یا $\frac{۱}{۴۸}$ مساحت کل استان را تشکیل می‌دهد (با احتساب اینکه مساحت جنگل‌های استان ۸۰۰۰۰ هکتار می‌باشد). در گذشته‌ی نه چندان دور جنگل‌های طبیعی قسمت‌هایی از پیرانشهر، مهاباد، سردشت را تشکیل می‌داد ولی در حال حاضر نواحی جنگلی استان منحصر به شهرستان سردشت می‌باشد که مساحت آن را بین ۶۰ تا ۸۰ هزار هکتار تخمین زده‌اند که حدود بیست هزار هکتار آن‌را جنگل‌های بلوط تشکیل می‌دهد. علاوه بر جنگل‌های فوق آثار و بقایای جنگل‌های قدیمی با گونه‌های بلوط، ارس، پسته‌ی وحشی یا بنه، بادام کوهی، زالزالک و گلابی وحشی به‌صورت پراکنده در نقاط مختلف استان وجود دارد.

۱ - در دره شهدا، در پسان، برده‌سور، سیلوانا، اطراف دریاچه‌ی مار میشو و ارتفاعات مرگور و ترگور شهرستان ارومیه. ۲ - جزایر اسلامی، کبودان، اشک، اسپیر و آرزو واقع در پارک ملی دریاچه‌ی ارومیه ۳ - در منطقه‌ی سلیم‌خان، منطقه‌ی افشار، حاشیه‌ی زرینه رود و شاهیندژ ۴ - منطقه‌ی مراکان، قطور، النـد، یزدکان و بوبلانبوش شهرستان خوی ۵ - منطقه‌ی یارم قیه، بورالان و آی بیک شهرستان ماکو

شرایط رویشگاه طبیعی و اوضاع خاص کلیماتولوژی استان به سه ناحیه‌ی رویشی ذیل تقسیم شده که اجمالاً با آن اشاره می‌گردد.

۱ - رستنی‌های مناطق استپی و اقالیم خشک سرد با بارندگی ۲۵۰-۱۸۰ میلی‌متر و با ضریب کرزوترمیک ۲۰۰ > X > ۱۵۰ که اکثر پوشش گیاهی این ناحیه از استان (دشت پلدشت، کناره‌های رودخانه‌ی ارس، بخشی از منطقه‌ی خوی و ماکو) از نباتات کاه‌نیت‌ها، تروفیت‌ها، ژئوفیت‌ها، همی کروفیت‌ها و فانرویت‌ها تشکیل یافته است.

۲ -گیاهان مناطق نیمه استپی و اقلیم مدیترانه‌ای گرم با بارندگی ۴۰۰-۳۰۰ میلی‌متر و با ضریب ۱۵۰ > X> ۱۰۰ که اکثر رستنی‌های این مناطق (ارومیه، سلماس بخشی از جنوب و شمال استان، ارتفاعات و کوهستان‌های مرتفع زاگرس، مراتع ییلاقی استان) را نباتات مزو، میکرو و نانوفانروفیت، همی کریتپوفیت،کامفیت، ژئوفیت و تروفیت‌ها تشکیل داده است. مهم‌ترین جوامع جنگلی این استان را گونه‌های بلوط ایرانی، انواع بادام، ارس و بنه و کیکم تشکیل می‌دهند. علاوه بر گونه بلوط ایرانی و سایر گونه‌های مهم زاگرس و مختص این رویشگاه جنگلی، ۲۱ گونه‌ی دیگر بلوط توسط آقای دکتر جوانشیر شناسایی شده است که در سرتاسر جنگل‌های غرب کشور (آذربایجان غربی - کردستان و کرمانشاه) به‌صورت پراکنده رویش دارند.

به‌طور کلی درختان جنگلی این منطقه اعم از درختان مثمر و غیر مثمر به غیر از جامعه‌ی بلوط غرب عبارتند از:

۱ - انگور ۲ - بنه یا پسته وحشی ۳ - زالزالک ۴ - انواع بادام‌کوهی ۵ - انجیر ۶ -گردو جنگلی ۷ - انار ۸ - گلابی وحشی - امرود ۹ - زبان گنجشک ۱۰ - ولیک و سیاه ولیک ۱۱ - انواع کاج ویژه رویشگاه این منطقه، از گرامینه‌ها - رویشگاه خوی ۱۲ -گونه‌ی مرتعی خوشخوراک چند ساله که هم اکنون فقط در بین مزارع باقیمانده است ۱۳ - چاودار وحشی (کوهی) ۱۴ -گونه‌ی مرتعی با ارزش با رویشگاه ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر سطح استان به‌ویژه ارتفاعات ارومیه و شمال استان.

مـرتع: استان آذربایجان غربی با توجه به ژئومرفولوژی، تنوع خاک و اوضاع خاص کلیماتولوژی به‌خصوص تغییرات فصول در اثر عوامل جوی از زمان‌های قدیم مورد توجه و اقدام‌های مختلف بوده و بافت اجتماعی غالب در این خطه با دامداری و کنار آن کشاورزی و زراعت بوده و می‌باشد به‌طوری که در چند دهه‌ی گذشته با توجه به داشتن مراتع حاصل‌خیز نه تنها دام‌های بیشمار داخلی را در خود جای داده بود بلکه از کشورهای همجوار (ترکیه و عراق) نیز دام‌های زیادی به مراتع استان آورده می‌شد و گذشته از این طبق اسناد و واقعیت‌های موجود، در مراتع آبی استان پرورش گاومیش بعد از خطه سر سبز دریای خزر بالاترین رقم را داشته است.

مراتع استان از نظر رویشگاه طبیعی و اکولوژیک با تقسیم بندی اکوسیستمیک به دو بخش زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - مراتع ییلاقی استان به‌مساحت تقریبی ۷۵۶۰۰۰ هکتار که اکثراً در ارتفاعات قرار گرفته و دارای آب و هوای سرد زمستانه و تابستان‌های معتدل می‌باشد، گیاهان مرتعی موجود از آن انواع گراس‌ها، لگوهای دائمی، انواع گون، کنگر و ریواس و سایر گونه‌ها.

این مراتع در فصول گرم سال دوره‌ی تعلیف دام قرار می‌گیرند. اثر ریزش‌های جوی این مراتع معمولاً برف بوده و در سال تا حدود ۴ ماه پوشیده از برف می‌باشد.

۲ - مراتع قشلاقی و مراتع میان بند به مساحت حدود ۱۱۶۹۰۰۰ هکتار - است

مراتع قشلاقی در مناطق جلگه‌ای واقع و دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های معتدل که دوره‌ی خشکی این مراتع بیش از ۶ ماه بوده و پراکنش بارندگی نامناسب و دارای ریز شن‌های فصلی در زمستان و اوایل بهار است. از مشخصات این مراتع گیاهان مقاوم به خشکی و بوته‌ای و گیاهان یک ساله می باشد، چند نمونه از این گیاهان مرتعی عبارتند از: ۱ - درمنه دشتی ۲ - درمنه در میان‌بند

مراتع قشلاقی استان با توجه به شرایط اقلیمی خاص و فصل رویش گیاه در فصل سردسال مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

مراتع میان بند که در حد فاصل مراتع قشلاقی و ییلاقی قرار گرفته معمولاً در فصل بهار و پاییز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، این مراتع استان در مناطق معتدل و مستعد زراعت دیم قرار گرفته و به همین علت بیش‌ترین تخریب را به خود اختصاص داده است.

وضعیت فعلی مراتع استان به‌صورتی است ک علیرغم ۱۹۲۵۰۰۰ هکتار مساحت و با برخورداری از شرایط آب و هوایی نسبتاً مساعد در حالی که پتاسیل تولید بیش‌تری را دارد با تولید فعلی حدود ۴۶۴۳۰۰ تن علوفه‌ی خشک فقط تکافوی حدود ۱۹۴۷۰۰۰ واحد دامی را می‌نماید.

توزیع مراتع بر اساس درجه‌بندی آن‌ها: مراتع آذربایجان غربی از نظر وضعیت ظاهری مرتع به سه درجه تقسیم می‌گردد: ۱ - مراتع خوب و متوسط که اکثر پوشش مرتعی آن گونه‌های علفی می‌باشد. ۲ - مراتع متوسط وضعیت که اکثر پوشش مرتعی آن بوته‌زار می‌باشد. ۳ - مراتع ضعیف و فقیر با پوشش مرتعی (گونه‌های)کویری و بیابانی

والدیان: از دهستان‌های بخش ایواوغلی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن مهلزا است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، زردآلو، سیب.

پوشش گیاهی: آویشن و پونه و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، روباه و خرگوش

حوضه آبریز ارومیه:

حوضه آبریز ارومیه را در محدوده استان می‌توان به‌دوقسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرد. رودخانه آجی چای که شریان اصلی قسمت شمالی می‌باشد، از ارتفاعات سبلان، قوشاداغ، آیناخلی، آغداش، بزقوش و دامنه‌های شمالی سهند سرچشمه می‌گیرد. آجی چای با داشتن حدود ۲۶۰ کیلومتر درازا و ۵۱۷ میلیون متر مکعب آبدهی سالانه بزرگترین رود داخلی استان

محسوب می‌شود. رودهای بویوک چای، رازلیق چای، اوجان چای سرند، پاژ، کومور و لیقوان از شاخه‌های مهم آجی چای در این قسمت می‌باشند. رودهای ورکش صوفیان، دریان، اسکو و آذرشهر نیز از رودهای دیگر حوضه آبریز ارومیه در این قسمت به‌شمار می‌روند که از کوههای قصبه، مورو و میشو و دامنه‌های شمال غربی سهند سرچشمه گرفته و به‌طرف دریاچه ارومیه سرازیر می‌شوند. قسمت جنوبی این حوضه شامل دامنه‌های غربی و جنوبی سهند و دامنه‌های غربی کوههای اربط و همچنین دشت عجبشیر، مراغه و ملکان می‌باشد. وجود کوههای بلند و برفگیر سهند و قلل کوههای اربط و تخت سلیمان، جاری شدن رودهای پرآبی را در این منطقه سبب شده است که از آن جمله می‌توان قلعه چای، صوفی، مردوق لیلان و قوریچای را نام برد.

ژئومرفولژی: با یک دید کلی شهرستان ارومیه از نظر فیزیولوژی و ژمورفولژی به ۴ واحد تقسیم می‌شود: ۱ - ساحلی ۲ - جلگه‌ای ۳ - دشتی ۴ - کوهستانی

واحد ساحلی: بخش وسیعی از کرانه‌های غربی دریاچه‌ی ارومیه شور و باتلاقی است با پیشروی به سوی ساحل رفته رفته از وسعت دریاچه کاسته می‌شود و به سطح زمین‌های مزبور افزوده می‌شود جهت امتداد این سواحل شمال غرب - جنوب بوده و دارای مواد رسوبی با خواص شیمیایی، ترکیبات اولترا بازیک (از قبیل شیست) فراوان می‌باشد. همچنین در حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ای تشکیلات قرمز کوه‌های نمکی دیده می‌شود.

واحد جلگه‌ای: در این واحد شهر ارومیه و بخش مرکزی قرارگرفته، سطح این جلگه هموار و شیب آن خیلی ملایم و متمایل به سوی شرق است.

جهت این جلگه شمالی - جنوبی است و بر روی تراس‌های رودخانه‌ای و رسوبات آتشفشانی قرار گرفته است.

واحد دشت: این واحد به‌صورت پهنه‌ی آبرفتی از نوع دامنه‌ای و رودها می‌باشد. این واحد در نواحی مرکزی در جهت شمال غرب - جنوب گسترده شده است محدوده‌ی غرب، شمال و شمال غربی را کوه‌های بلند مرزی (مرز ایران - ترکیه) شرق، جنوب شرقی و شمال شرقی دشت مزبور را شهر ارومیه و جلگه‌های حاصل‌خیز ارومیه تشکیل می‌دهد. در سطح این منطقه دره‌های پهن، دشت‌های دامنه‌ای فراوان و مواد رسوبی رودخانه‌ای بسیار دیده می‌شود.

واحدکوهستانی: در نواحی شمال، شمال غرب و جنوب که بلندترین نواحی شهرستان در آن قرار دارد، پدیده‌های بسیاری دیده می‌شود که مهم‌ترین این پدیده‌ها شیب تند، ستیغ‌ها، قله‌های تیز و گنبدی شکل تپه‌ها، ریزگسل‌ها، غار و آبراه‌ها می‌باشد.

این واحد در واقع وسیع‌ترین بخش مورفولژیکی شهرستان را در بر دارد و به نسبت گستردگی آن از اشکال سطحی متنوع و فرایندهای مختلف شکل زایی برخوردار است. در عین حال عامل اصلی مورفو دینامیکی در این منطقه عمل آب‌های سطحی است که باعث کاهش، شستشو و حمل رسوبات ارتفاعات گشته و ایجاد دره‌ها، دشت‌ها، دامنه‌ها و جلگه‌های دره‌ای و حاشیه‌ای دریاچه‌ای را سبب شده است.

دشت‌های منطقه‌ی شمالی: ۱ - زنگنه ۲ - پلدشت ماکو ۳ - قره تپه - ساری سو ۴ - بازرگان ۵ - کلیسای کندی ۶ - سیاه چشمه ۷ - قره

ضیاءالدین ۸ - ابوالنضی.
دشت‌های منطقه‌ی میانی: ۱ - سلماس ۲ - ارومیه ۳ - هوربن میراباد ۴ - سرو ۵ - تولی ۶ - سیوانا ۷ - زیوه
دشت‌های منطقه‌ی جنوبی: ۱ - نقده - اشنویه ۲ - مهاباد ۳ - میاندوآب ۴ - شاهین دژ ۵ - حاجی آباد ۶ - بوکان ۷ - پیرانشهر ۸ - سردشت.

دیدنی‌های استان آذربایجان غربی:
کوه‌های بلند، دشت‌های حاصل‌خیز آب و هوای ملایم، رودهای پرآب، تاکستان‌ها و باغ‌های میوه از کرانه‌های ارس در شمال تا دره رود زاب در جنوب در بهار و در تابستان پوشیده از لاله و شقایق، نرگس و سنبل، جلگه‌ها و جنگل‌های سرسبز، تالاب‌ها و جزایر دریاچه‌ای، دره‌های خرم و چشمه‌های متعدد آبگرم که خواص درمانی برای آن‌ها قائلند.
معبد حسنلو: معبد حسنلو از دیگر معباد سایت‌های باستانی معبد در تپه‌ی حسنلو می‌باشد. تپه‌ی تاریخی حسنلو در حدود ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهر نقده واقع است. دوره‌ی چهارم این تمدن محدوده‌ی سال ۱۳۰۰ تا ۸۰۰ ق.م مربوط به تمدن مانا و سپس قوم ماد در آذربایجان غربی می‌باشد. اطلاعات اصلی و علمی آن مربوط به حفاری‌های دکتر دایسون است که از سال ۱۳۳۶ ش به بعد در آن جا به حفاری و تحقیق مشغول بوده است. جام طلای معروف حسنلو را در سال ۱۳۳۷ ش دکتر دایسون در این تپه به دست آورده است. اصلی‌ترین موضوع تپه، بناهای باقیمانده از دوره چهارم حسنلو است که به صورت یک حیاط مرکزی و بناهای اطراف آن و شامل سه تالار می‌باشد. تالارها ستون دار و هم چنین دارای دیوار و دروازه‌ی دور تا دور قلعه بوده‌اند. تالار جنوبی این مجموعه که در آن سکوی قربانگاه قرار دارد، احتمالاً فضای عبادی این مجموعه بوده است. این مجموعه‌ی بنا از نظر معمار آثار با ارزش تمدن مانا و مادی را در خود دارد و پیشینه‌ی هنر عظیم معماری تمدن هخامنشی را گواهی می‌دهد. مهندس میترا آزاد - دکتر مجتبی انصاری - بنیاد ایران‌شناسی
آتشکده‌ی آذر برزین مهر: آتشکده‌ی آذر برزین مهر را نیز عموم محققین به اعتبار متون پهلوی **بندهشن** و گزارش استاد پورداود در یشت‌های **اوستا**، جایگاه آذر برزین مهر را در ریوند خراسان در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سبزوار ذکر کرده‌اند. در **بندهشن** (فرگرد ۱۲، بند ۸) آمده است که «ریوند کوه در خراسان است. آذر برزین مهر بر آن نشسته و ریوند یعنی رایوند (شکوهمند) با توجه به صعوبت و برافراشتگی این قسمت از جبال بینالود که خود آتشکده‌ی مقدسی را در میان می‌گرفته است، میتوان ریوند کوه را ارتفاعاتی تصور کرد که در شمال ریوند سبزوار کشیده است و قریب به قیقن، بقایای چهار طاقی و بالای آن بایستی همان پرستشگاه آذر برزین مهر باشد. در **معجم البلدان** قید شده که کلمه‌ی بیهق فارسی است و در اصل بیهه بوده که گویا معنای بهترن را می‌دهد وگفته شده‌که از نواحی نیشابور و مشتمل بر ۳۲۱ قریه می‌باشد و قصبات آن خسروجرد و سابزوار یا سبزور بوده است. آذر برزین مهر که در پهلوی «آتور برزین میتر» خوانده می‌شده و نوع ماده‌ای که برای روشن نگه داشتن آتش در آن به کار می‌رفته چیزی غیر از هیزم بوده است.
درباره‌ی اطلاعات معماری این بنا آمده است که «در شمال رودخانه‌ی ریوند، از اتصال دو

جبهه‌ی از بریدگی‌های صخره‌ای، دره‌ای پدید آمده است که رودخانه‌ی معروف ریوند از میان آن می‌گذرد. در این جا پشته‌ی سنگی مهیبی از میان بستر سنگی رودخانه سر برکرده است که حدود ۱۰۰ متر بلندی دارد و چهار طاقی به نام محلی خانه‌ی دیو، درست در بالای این پشتهی سنگی استوار شده است. به منظور استحکام پایه‌های اولیه‌ی چهار طاقی و همچنین برای این که سطح زیرین بنا را با پلان مربع آن هماهنگ نمایند، اقدام به صفّه سازی کرده‌اند. از بقایای موجود می توان استنباط کرد که در ورودی چهار طاقی از جبهه‌ی شرقی بود که نیایش کنندگان را از طریق دودرگاه که در جرزهای شمالی و جنوبی این بخش موجود است به تالار پیرامون هدایت می‌نموده است، آثار اندکی از تالار فوق در بخش شرقی قابل تشیخص است که دارای ۹۰ سانتی متر عرض می‌باشد، و بدون شک در بیشتر چهارطاقی های ساسانی نظیر چهارطاقی قصر شیرین، احداث چنین تالاری مرسوم و متداول وبده است. ابعاد مربع داخل بنا: ۶/۶۰×۶/۶۰ متر و طول درگاه‌های چهارگانه، یا به عبارت دیگر فواصل بین جرزها، ۴/۳۰ متر و عرض آن‌ها از ۲ متر تا ۲/۵ متر متفاوت است. نکته‌ی قابل توجه این است که در جنوب روستای ریوند، به فاصله‌ی اندکی از چهارطاقی خانه‌ی دیو، محوطه باستانی وسیع و گسترده‌ای از دوران تاریخی موجود است که بی ارتباط با بنای این چهار طاقی نیست و گمان می‌رود که این محل، جایگاه شهری عظیم از دوره‌ی ساسانی پیش از آن بوده باشد»

آتشکده‌ی تخت سلیمان: شواهد نیز نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین آتشکده زمان ساسانیان در تخت سلیمان کنونی، طبق توصیف، در واقع ترکیبی از آتشکده و کاخ پادشاهی است.

محوطه‌ی باستانی تخت سلیمان در دره‌ی عمیقی مابین بیجار و میاندوآب در جنوب آذربایجان قرار دارد. فاصله این صفه‌ی زیبا با تکاب که نزدیک‌ترین بخش قابل ارتباط می‌باشد، در حدود ۴۲ کیلومتر است. ارتفاع آن نیز از سطح دریا ۲۱۵۰ متر می‌باشد و از سمت شرق به ارتفاعات بلند ۳۳۰۰ متری تخت بلقیس منتهی می‌گردد.

نام امروزی تخت سلیمان، بسیار قدیمی نیست. وجه تسمیه‌ی آن هم آن طور که باید و شاید معلوم نیست و چنین به نظر می‌رسد که پس از حمله‌ی اعراب، ایرانیان برای حفظ این آثار، نظیر دیگر اماکنی که آثار تاریخی اجدادی وجود داشت است مانند مسجد سلیمان و مادر سلیمان و ملک سلیمان این منطقه را نیز تخت سلیمان نام گذاشته‌اند. احتمال نیز دارد که اعراب مهاجم به ایران آمدند چون ساختمان‌های عظیم سنگی سلسله‌های گذشته بر آنان گران آمد و احداث چنین کاخ‌های عظیمی را از عهده‌ی بشر خارج می‌دانسته‌اند و به علاوه از زمان ساختمان و بانی آن نیز اطلاعی نداشته، احداث آن را به سلیمان پیغمبر و دیوهای تحت فرمان او نسبت داده‌اند.

این محل در دوره‌ی ایلخانی «ستوریق» نام داشته است و قبل از آن در دوره‌ی سلجوقی و اوایل دوره‌ی اسلامی آن را «شیز» می‌خوانده‌اند. به هر حال نام‌های آذرگشسب و «شیز» و «گنجک» و «تخت سلیمان» از دیرباز نام‌های مترادف و متداعی به شمار می‌رفتند و این نظر و عقیده که ویرانه‌ی تخت سلیمان جاتگاه آذرگشسب و محل شهر شیز است تازگی ندارد و تحقیقات باستان‌شناسی نیز آن را ثابت نموده است.

معذالک تاریخ تخت سلیمان مدت‌ها قبل از دوره‌ی ساسانی آغاز می‌شود ؛ به طوری که آثار شهرکی از دوران هخامنشی (اواسط هزاره‌ی اول قبل از میلاد) بر تپه‌ای در شمال غربی دریاچه کشف شده است. در جغرافیای تاریخی ایران نیز شهر «شیز» از پایتخت‌های بزرگ آذربایجان در زمان اشکانیان ذکر شده است که بعدها نیز به مرکز بزرگ آتشکده عظیم شهریاران ساسانی تبدیل گردید.

ویژگی‌های معماری آتشکده‌ی آذرگشسب: معمولاً قسمتی اصلی آتشکده‌ی ساسانی را فضاهایی با پلان مربع تشکیل می‌داده که با گنبدی روی آن پوشیده می‌شد و مربع کشف به دایره‌ی سقف نیز با گوشه سازی‌هایی (تبدیل چهار به هشت و هشت به دایره) تبدیل می‌شد. آتشدان نیز در مرکز فضای سرپوشیده گنبد قرار می‌گرفت و چخار در نیز در چهار طرف، ارتباط آن را با دالان‌های اطراف برقرار می‌ساخت دور تا دور آن هم فضاهایی دیگر شکل می‌گرفت. طرح آتشکده‌ی آذرگشسب نیز با مختصر اختلافی به همین سبک بوده است. به این ترتیب که معبد اصلی که در بخش بزرگ‌تر بوده است، دارای یک چهار طاق بزرگ و راهروهای مربوط بدان است که مرکز پلان اصلی را تشکیل می‌دهد.

سی اتاق و راهرو و ایوان و حیاط و تالارهای ستوندار، آن را همچون نگینی در میان گرفته‌اند. مجاور این مجموعه در بخش غربی، مجموعه‌ی دیگری است که از یک آتشکده‌ی صلیب شکل با ابعاد کوچک‌تر و ددو تالار ستوندار با ستون‌های مدور و چهارگوش و تعدادی اتاق‌ها و فضاهای جانبی تشکیل شده است. به نظر می‌رسد این قسمت کاخ‌ها که در ایام توقف شاه ساسانی مورد استفاده‌ی او و خانواده‌اش بود، در طی سال نیز موبدان و نگهبانان آتشکده در آن زندگی می‌کردند.

جز مجموعه‌ی بناهای یاد شده بقایای ابنیه‌ی پراکنده و منفرد فراوانی اطراف دریاچه وجود دارد که از سنگ لاشه و ملات گچ ساخته شده‌اند. این بناها مجموعاً مربوط به دوره‌ی ایخانی است و از نظر شیوه به پای ابنیه‌ی ساسانی، که معماری استادانه‌ای دارند، نمی‌رسند. تنها ویژگی برجسته‌ی آن‌ها، داشتن تزئینات مختلف گچبری و کاشی در زمان آبادانی خود بوده و مقدار فراوانی قطعات گچبری وکاشی ضمن کاوش‌ها و خاکبرداری‌ها به دست آمده است. تنوع کاشی‌های اسلامی تخت سلیمان به قدری است که می‌توان آن‌ها را به رده‌ها و مکاتیب مختلف تقسیم کرد. از آن همه مهم‌تر، نوع زرین فام کتیبه دار و نیز کاشی برجسته‌های زمینه‌ی لاجوردی و فیروزه‌ای اندود با نقوش حیوانات اساطیری مانند سیمرغ واژه هاست که در تزئین دیوارها به کار می‌رفته است.

مجموعه‌ی تاریخی تخت سلیمان: تخت‌سلیمان و مجموعه باستانی آن دارای ده‌ها اثر تاریخی قبل و بعد از اسلام است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان از بقایای آتشکده‌ی بزرگ ساسانی به نام آذر گشسب، زندان سلمیان، ایوان رفیع، معروف به ایوان خسرو و اژدهای سنگی نام برد. کلیه‌ی آثار این مجموعه داخل یک حصار بیضی شکل جای دارد که در جهت شمال غربی دریاچه‌ی بیضی شکلی که بیشتر جنبه‌ی مذهبی داشته واقع شده است. در جهت جنوبی آن ایوان خوابگاه خسرو واقع شده که از یک راه مخفی به دریاچه می‌رسد. تخت سلیمان در سال ۶۲۴ میلادی در حمله هراکلیوس ویران شد و آباقاخان برادر زاده‌ی هلاکوخان مغول که تازه مسلمان شده بود. بر روی

خرابه‌های تخت سلیمان مسجدی ساخت که نقاشی هایی با خط و نقش برجسته از آن باقی مانده است. مغولان در ساختمان این بنای عظیم از قلوه سنگ و ساروج استفاده نموده‌اند. در حالی که پایه‌های بنای ساسانی از سنگ و دیواره‌های آن با آجرهای بزرگ ساخته شده است.

در اطراف تخت سلیمان چشمه‌های جوشان گرم و چشمه‌ی آب سرد وجود دارد و شکاف بزرگی که از آثار زلزله به وجود آمده جالب و دیدنی می‌باشد.

در صورت رسیدگی و توجه بیشتر به آن منطقه، این مجموعه‌ی باستانی که یکی از مراکز تاریخ و تمدن ایران است، می‌تواند برای جهانگردان و گردشگران داخلی مورد بهره برداری قرار گیرد. مجموعه‌ی تاریخی تخت سلیمان یکی از هشت مجموعه‌ای می‌باشد که جزو آثار جهانی توسط یونسکو شناخته شده است.

گردشگری

آذربایجان غربی دارای ۳۲۹۳۹۵ هکتار پارک ملی، و اثر طبیعی ملی به مساحت ۷۸۶۰ هکتار و ۶۷۱۳۲ هکتار منطقه‌ی حفاظت شده، جمع ۴۰۴۳۸۷ هکتار، دارای یک پارک ملی یک اثر طبیعی، دو منطقه‌ی حفاظت شده و در مجموع چهار اثر می‌باشد. **دریاچه‌ی ارومیه** مشترک با آذربایجان شرقی به مساحت ۵۷۰۴۷۳ هکتار، غار سهولان به مساحت دو هکتار است که در سال ۱۳۷۹ تأسیس گشت. ـ **مراکان** به مساحت ۱۰۳۹۸۳ هکتار که در سال ۱۳۴۶ تأسیس گشت، در آذربایجان شرقی و غربی هر دو قرار دارد. ـ در آذربایجان غربی ۱۷۴۰۰۰ هکتار جنگل و ۲۵۱۶۵۸۴ هکتار مرتع وجود دارد.

مناطق شکار ممنوع: ۱ـ **آغگل** منطقه‌ای است دشتی ـ تالابی ـ کوهستانی به مساحت ۹۰/۰۰۰ هکتار به واسطه‌ی حمایت از بز و پازن، قوچ و میش ارمنی (مسیر مهاجرت برون مرزی این گونه به شمار می‌رود) و همین طور پرندگان مهاجر آب‌زی شکار ممنوع اعلام شده است. ۲ـ **گرده قیط و میمند** به مساحت ۳۵۵ هکتار، این دو تالاب نیزاری به خاطر حمایت از پرندگان مهاجر آبزی شکار ممنوع اعلام شده است.

مناطق حفاظت شده زیست محیطی: موقعیت جغرافیایی و طبیعی استان به ویژه وجود ارتفاعات بلند با منابع آبی و پوشش گیاهی غنی و دریاچه طبیعی باعث پیدایش حیات وحش از جمله گوزن زرد، قوچ، میش، آهو، انواع پرندگان و خزندگان آبزی چون کبک، کبوتر، حواصیل، درنا، غاز، پیشانی سفید، فلامینگو، پلیکان، عقاب طلایی، غاز خاکستری، آنقوت، تنچه، قرقی، جغد قهوه‌ای در این استان شده است. یکی از معروف‌ترین مناطق حفاظت شده زیست محیطی استان پارک ملی دریاچه ارومیه بوده که محل استراحت ـ پی ریزی ـ تخم گذاری و پرورش جوجه انواع پرندگان بومی و مهاجر آبزی چون فلامینگو، پلیکان نوک قاشقی و غیره می‌باشد.

غارها: غارهای متعدد موجود در استان همواره مورد توجه و بازدید اغلب گردش گران قرار گرفته که از معروف ترین آن‌ها می توان غار سهولان را در نزدیکی شهرستان مهاباد نام برد. این غار در ۳۵ کیلومتری شهرستان مهاباد و جاده مهاباد ـ بوکان واقع و از چند حوضچه بزرگ که به وسیله دالان‌های آبی به هم متصل شده‌اند تشکیل یافته است. ارتفاع سقف غار از سطح آب در حوضچه آخر ۵۰ متر و عمق آب در حوضچه وسط به ۳۵ متر می‌رسد.

غارهای باستانی و طبیعی استان: مهم‌ترین غارهای موجود استان عبارتند از: غار سهولان و غار فقرقا در مهاباد، غار فرهاد، تخت فارا، کهریز و دانیال در ارومیه، غار زندان و بابا حسین در نقده، غار غیب آباد، کهل و کرفتو در تکاب که برخی از آن‌ها جزو غارهای طبیعی به حساب می‌آید و برخی دیگر جزو غارهائی است که در دوره‌های باستانی به دست انسان ساخته شده است.

بازدید از غار کهریز: غار کهریز بازدید کنندگان و مشتاقان زیادی دارد و همه ساله هیئت‌های غار نوردی و کوهنوردی زیادی از آن دیدن می‌کنند که از مزایای رسیدن به آن مسیر سواره آنست. قطر دهانه‌ی غار تقریباً ۲ متر می‌باشد. این غار از نقاط دیدنی کهریز است.

سه گنبد ـ شهر ارومیه ـ استان آذربایجان غربی: مقبره یا برج آجری و استوانه‌ای شکل سه گنبد متعلق به قرن ششم هجری است، در زیر آن دخمه‌ای ساخته شده و دارای سردری مزیّن به نقش و نگارهای بدیع و زیبا می‌باشد.

در مدخل این بنای مشهور سه کتیبه به خط کوفی که‌نقش و خطوط آن را با سنگ تراشیده و نصب کرده‌اند باقیمانده است، در پایان این کتیبه تاریخ ماه محرم سال ۵۸۰ هجری خوانده می‌شود.

نکته مهم هنری این بنا رنگ‌آمیزی و تزیینات سنگی آن است که جلوه خاصی به این بنا داده است.

این بنا با برج علاءالدین ورامین شباهت کلی دارد.

در داخل این برج دو اطاق مجزی از یکدیگر ساخته شده است.

برخی از باستان‌شناسان معتقدند که دو بنای گنبددار دیگر در اطراف این گنبد وجود داشته که مجموعهٔ این سه بنا را در قدیم سه گنبد می‌نامیده‌اند.

دیدنی‌های استان آذربایجان غربی: کوه‌های بلند، دشت‌های حاصل‌خیز، آب و هوای ملایم، رودهای پرآب، تاکستان‌ها و باغ‌های میوه از کرانه‌های ارس در شمال تا دره رود زاب در جنوب در بهار و در تابستان پوشیده از لاله و شقایق، نرگس و سنبل، جلگه‌ها و جنگل‌های سرسبز، تالاب‌ها و جزایر دریاچه‌ای، دره‌های خرم و چشمه‌های متعدد آبگرم که خواص درمانی برای آن‌ها قائلند.

بازارهای سنتی

بازار ارومیه : در مجموعه بافت قدیمی و در گوشه جنوب شرقی شهر قرار گرفته است. قدیمی‌ترین بخش باقی مانده آن از دوره صفویه به بعد می‌باشد به ویژه حمام‌های آن متعلق به دوره زندیه و قاجاریه است در بازار ارومیه هر راسته و بخشی از سبک و شکل خاص دوره خود پیروی کرده است بقایای به جامانده نمایانگر ذوق معماری دوره‌های مختلف است مصالح ساختمانی تمام راسته بازار و چهار سوها از آجر انتخاب شده و اکثراً فاقد اندود ساده گچ است.

بازار خوی : این بازار در مرکز شهر قرار دارد و طبق کتیبه موجود که امروزه در گنجینه خوی نگهداری می‌شود، در زمان شاه طهماسب ساخته شده است و در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه دخل و تصرفاتی در آن صورت گرفته است بازار سر پوشیده خوی از چندین راسته ،سرا و کاروانسرای شهری و چهار سوقهای خوش ترکیب وگذارهای قدیمی و تیمچه تشکیل شده است. دروازه سنگی مشهور خوی نیز که زمانی یکی از ورودیهای اصلی شهر بوده در امتداد بازار قرار دارد.

پل خاتون: پل خاتون در دو کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خوی قرار دارد این پل درسال ۱۱۷۰ - ۱۲۰۰ ه. ق. به دستور احمد خان دنبلی ساخته شده و تا زمان احداث جاده آسفالته فعلی و پل جدید قطور متحمل عبور و مروری بود که بین خوی و سلماس صورت می‌گرفت.
پل پنج چشمه: این پل در ۵کیلومتری شرق جاده ماکو - تبریز واقع شده و بر روی رودخانه پر آب زنگبار احداث شده و تاریخ بنای آن به قرن دهم هجری زمان صفویه می‌رسد.
پل قطور: این پل بر روی دره وسیع و با تکنولوژی جدید جهت عبور راه آهن و قطار احداث شده است.
مسجد جامع مهاباد: این مسجد از قدیمی‌ترین مساجد شهرستان مهاباد است که از حیث توازن در طرح طاق آن ۱۸ گنبد خشتی و شبستانی با ۱۸ ستون سنگی و حجره‌های پیرامون از زیباترین بناهای تاریخی استان به شمار می‌رود. مصالح به کار رفته در پی دیوارها ستون‌ها و کف شبستان از سنگ و بقیه قسمت‌ها از آجر می‌باشد.
مسجد سردار ارومیه: این مسجد در عهد قاجاریه توسط عبدالصمدخان پدر آقاخان، جد اعظم عظیم السلطنه سردار ساخته شده است.این مسجد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است. قسمت اصلی و مهم مسجد را شبستان بزرگ آن تشکیل می‌دهد.این مسجد در خیابان امام در امتداد راسته غلامخان واقع شده است.
ساختمان شهرداری - ارومیه میدان انقلاب: این بنا در حدود ۱۳۱۰ هجری شمسی، ساخته شده است.طرح آن توسط معماران آلمانی تهیه شده است.
جشن‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی: مراسم اعیاد دینی و مذهبی از جمله عید فطر - عید قربان - مبعث - میلاد پیامبر اکرم - نیمه شعبان و... در این استان با شکوه خاصی برگزار می‌شود هم چنین در مناطق کردنشین جشن مولودخوانی با تشریفات و شکوه خاصی برگزار می‌گردد.مراسم عزاداری و سوگواری عزاداری مذهبی مردم استان با نمایش مصیبت‌ها ،رنج‌ها، غم‌های گران سنگ پیامبران و امامان و اولیای دین و با حضور در مساجد ،تکایا، امامزاده‌ها، مزارها، راه انداختن عاشورای حسینی و... متجلی می‌گردد.
مراسم جشن وسرور: مراسم جشن و سرور به صورت دسته جمعی همراه با حرکات موزون و هماهنگ با پایکوبی و دست افشانی به صور مختلف سه پا، میلانه، شیخانی که آهنگ آن را یک یا چند سورنا زن تامین می‌نماید ،دیده می‌شود. انواع آلات‌موسیقی به شیوه‌های مختلف نواخته می‌شود. مهم‌ترین آنها: دوتار، دایره، دهل، سورنا، طبل، و نی انبان می‌باشد. عاشیق‌ها نیز با زدن تار به بیان حماسه‌های عاطفی، عشقی، تاریخی می‌پردازند که همه آنها برگرفته از احساسات، عواطف انسانی و فرهنگ و آداب و سنن مردم منطقه می‌باشد. ـازکتاب آذربایجان غربی سازمان ایرانگردی و جهانگردی آذربایجان غربی

گردشگاه‌های طبیعی استان آذربایجان غربی:

استان آذربایجان غربی با دشت‌های وسیع حاصلخیز و اراضی زرخیز و کوه‌های سر به فلک کشیده و آب و هوای سالم و رودهای پر آب و تاکستان‌ها و باغ‌های پر از میوه‌های گوناگون و مراتع و جنگل‌های سرسبز و جلگه‌ها و دامنه‌های پر از گل‌های زیبای وحشی، یکی از زیباترین و خوش آب و هواترین مناطق ایران به شمار

می‌رود. این سرزمینی که از کرانه‌های ارس در شمال تا دره زاب کوچک در جنوب سراسر بهار و تابستان پوشیده از لاله و شقایق و نرگس و سوسن و سنبل است، جلگه‌ها و دشت‌ها و جنگل‌های سرسبز و تالاب‌ها و دره‌ها و جزایر دریاچه‌ی آن، وعده‌گاه و زیستگاه صدها نوع پرنده‌ی وحشی بومی و مهاجر است و رودهای آن محل زندگی ماهیان است.

زمستان‌های طولانی و پر برف در دامنه‌های کوهستان‌های آن صدها پیست اسکی طبیعی را در این جا به وجود آورده است و کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی آن با هوای فرحناک و خنک در تابستان می‌تواند علاقه‌مندان به کوهنوردی را جلب کند.

سواحل ماسه‌ای و آب‌های نیلگون دریاچه‌ی ارومیه به طول ۱۴۰ کیلومتر از شمال تا جنوب نه تنها دارای مناظر شگفت و بدیع است، بلکه همه ساله در فصل تابستان هزاران نفر از دوستداران شنا و قایق سواری را به سوی خود می‌کشاند. دریاچه‌ی ارومیه بعلت غلظت آب آن بهترین محل برای شنا محسوب می‌گردد. مبتلایان به رماتیسم و امراض پوستی با استفاده از آب دریا و ماسه و لجن کنار دریا شفا می‌یابند. شهر ارومیه یکی از زیباترین شهرهای ایران است که کیلومترها اطراف آن‌را باغ‌های سیب و انگور و غیره فراگرفته است. هوای خنک آن در تابستان سبب جلب هزاران نفر گردشگر از مناطق گرمسیر کشور به این ناحیه می‌گردد.

- دریاچه‌ی ارومیه دارای جزایر و شبه جزیره‌های متعددی است که از اهمیت توریستی قابل توجهی برخوردار است.

- جزیره‌ی کبودان یکی از بزرگ‌ترین جزایر دریاچه‌ی ارومیه است و قسمت اعظم پوشش گیاهی آن را علف‌های کوتاه، درختان پسته‌ی وحشی، سرو کوهی، بادام وحشی، شیر خشت و گوجه فرنگی تشکیل می‌دهد و هزاران حیوان از انواع مختلف در آن زیست می‌کنند که عمده‌ترین آن‌ها قوچ و میش می‌باشد.

- آبشار شلماش در نزدیکی شهر سردشت قرار دارد و ارتفاع آن ۱۰ متر و یکی از شاخه‌های رودخانه زاب به حساب می‌آید. در اطراف این آبشار دره‌ای سرسبز و زیبا و جنگل‌های پراکنده، زیبایی چشمگیری بدان بخشیده است.

استان آذربایجان غربی به خاطر ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافی کم نظیر خود دارای پستی و بلندی‌های طبیعی زیادی است که دره‌های سرسبز و فرحبخش از مشخصات اصلی آن‌ها می‌باشد. این دره‌ها به علت پوشش گیاهی قابل توجه، جنگل‌های پراکنده، کشتزارهای سرسبز، باغات پر از انواع میوه و رودخانه‌های روان و چشمه‌های جوشان، تابلوهای بدیعی از شگفتی‌های زیبای طبیعت را به نمایش می‌گذارد که خود یکی از علت‌های جذب جهانگرد و گردشگر در این منطقه می‌باشد.

دره‌های معروف استان عبارتند از: دره‌ی جویز، رشکنه، شهیدان (قاسملو) دم دم و مار بیشوبایی که در هر چهار فصل سال می‌توانند مورد استفاده‌ی گردشگران قرار گیرند.

روستاهای این استان نیز از ارزش‌های گردشگری بهره‌مند هستند. تعدادی از روستاها به دلیل استقرا در دره‌ها، دامنه‌ی کوه‌ها و حواشی رودخانه‌ها اقلیم و طبیعت زیبائی را به نمایش می‌گذارند. روستاهای مراکان، سهولان، عیسی کندی، بند،

سیه‌چشمه و... از طبیعت و حیات‌وحش استثنائی برخوردارند.
روستاهای چنقرالو، تمتنان، قره کلیسا، قطور، چالدران و... با آثار تاریخی دوران مختلف، یادآور حوادث تاریخی و بیانگر جلوه‌های تمدن و تاریخ گذشته منطقه می‌باشند.
میرآباد: این منطقه با مساحت ۱۱۴۳۵ هکتار واقع در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۰ حفاظت شده اعلام شد. میرآباد که بخشی از جنگل‌های کوهستانی زاگرس محسوب می‌شود، با دامنه اتفاعی ۱۲۰۰ تا ۲۰۶۰ متر، متوسط دما و بارندگی سالانه ۱۲ درجه سانتیگراد و ۶۵۰ میلیمتر دارای اقلیم مرطوب معتدل است. رودخانه ذاب منطقه را به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم می‌نماید. حدود ۷۰ درصد منطقه پوشیده از جنگل با گونه غالب بلوط ایرانی است. از دیگر گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان به ولیک، زالزالک، بنه، کیکم، گردو، بید، زبان گنجشک، بادام کوهی، گلابی وحشی، سماق، آلوچه، گل ماهور، گاو زبان، نسترن، گون، شیرین بیان، شکر تیغال، درمنه، کنگر کوهی، بارهنگ، جگن، کلاه میرحسن، قدومه و فرفیون اشاره کرد. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: سنجاب ایرانی، خرس قهوه‌ای، گراز، گرگ، خرگوش، روباه معمولی، شغال، لک‌لک سفید، کشیم بزرگ، کوکر شکم سیاه، شاه بوف، قرقی، زاغ نوک زرد، جیجاق، باکلان، انواعی از اردک‌ها، مار شتری، قمچه مار و مار آتشی. وجود جنگل‌های باارزش زاگرس، تنوع زیستی گیاهی و جانوری بالا، جلوه‌های زیبای طبیعی و راه‌های دسترسی به نسبت مناسب دارد. (۵)

آثار و بناهای تاریخی وباستانی

مسجد جامع ارومیه :این مسجد در وسط بازار قدیمی شهرستان ارومیه با شکوه فراوانی بنا گردیده است که بنا بر عقیده برخی از محققین این بنا آتشکده بوده و بعد از تسلط مسلمین به ایران ویران گردیده و در قرن هفتم هجری روی بنای سابق ساخته شده است. سبک تزیینات و گچ بری‌ها و ستون بندی‌ها و طاق‌های مسجد شبیه‌آثار سلجوقی می‌باشد.
مسجد مناره ارومیه :مسجد مناره بنایی است با مناره بلند که در دوره قاجاریه توسط دوتن به نام حاج علی یار خان و حاج یدا...خان امیر نظمی افشار ساخته شده است.
مقبره امام زاده بر کشلوی ارومیه: در ۱۲ کیلومتری شهرستان ارومیه در قریه امام زاده مدفن دو برادر از امام زادگان بنامهای ابراهیم و محمد که به روایتی چهار پشت آن‌ها به حضرت زین العابدین می‌رسد قرار دارد که قدمت آن نیز به دوران زندیه یا اوایل قاجاریه مربوط می‌باشد.
مسجد مطلب خان خوی: این مسجد در جوار بازار قدیمی شهرستان خوی واقع شده و بنای اولیه این مسجد مربوط به دوره ایلخانی می‌باشد. این مسجد در اوایل دوره قاجاریه مرمت و نوسازی شده است.
سه گنبد ارومیه :مقبره یا برج آجری و استوانه‌ای سه گنبد متعلق به قرن ششم هجری بوده و در مدخل بنا سه کتیبه به خط کوفی که آن را با سنگ تراشیده‌اند باقی مانده ودر پایان کتیبه تاریخ محرم سال ۵۸۰ هجری خوانده می‌شود. این مقبره در خیابان جانبازان شهرستان ارومیه واقع شده است.
تپه حسنلو: تپه حسنلو در ۱۲ کیلومتری شهرستان نقده درکنار روستای حسنلو واقع شده است جام

بزرگ طلایی حسنلو که مربوط به دوره مانائی هاست از این تپه کشف شده است قدمت تپه حسنلو به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد.

غار فخریگاه : این غار در ۱۸ کیلومتری شهر مهاباد در دل کوه ایجاد شده که بنای آن را به فرآتیس پدر دیاکو اولین پادشاه ماد نسبت می‌دهند برخی از مورخین عقیده دارند که غار یاد شده آرامگاه فرآتیس نیز می‌باشد.

قره کلیسا: قره کلیسا یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای عالم مسیحیت به شمار رفته و بنای آن در دو قسمت متعلق به قرن ۷ و ۱۲ میلادی است این کلیسا بر فراز تپه‌ای در دشت چالدران بنا شده و همه ساله تعداد کثیری از مسیحیان داخل و خارج از کشور جهت شرکت در مراسم ویژه مذهبی از این کلیسا دیدن می‌نمایند.

کاخ باغچه جوق : این کاخ در نزدیکی شهر ماکو در روستای باغچه جوق در میان باغ مشجری واقع گردیده و یکی از عمارت‌های با شکوه و بناهای تاریخی و گردش گری است که در دوران قاجاریه و به دستور اقبال‌السلطنه ماکویی یکی از سرداران مظفرالدین شاه بنا گردیده است.

عمارت کلاه فرنگی : این عمارت تاریخی قسمتی از مجموع ساختمان‌های بزرگ و قدیمی ماکو و متعلق به علیقلی خان بیات می‌باشد.ساختمان این بنا به اواخر دوره قاجاریه مربوط بوده و تاکنون هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است.

تخت سلیمان : تخت سلیمان یکی از آثار تاریخی و دیدنی استان آذربایجان غربی و از بقایای قلعه و قصر بزرگ و باشکوهی است که در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرقی تکاب واقع شده محل فوق مرکز آتشکده بزرگ شهر یاران ساسانی به نام آذر گشسب و یکی از آتشکده‌های معروف زمان ساسانی می‌باشد.

کوه زندان (غار چاه زندان): یکی از آثار تاریخی و دیدنی استان کوه زندان یا غار چاه زندان در سه کیلومتری آثار باستانی تخت سلیمان بوده که با دستکاری در زمان گذشته به صورت زندان در آمده و در اطراف همین چاه تعدادی چشمه‌های آب گرم معدنی وجود دارد.

مقبره سید صدرالدین : یکی از مکان‌های دیدنی مقبره سید صدرالدین در چهار کیلومتری شهر چالدران در روستای سعدل متعلق به سید صدرالدین وزیر اعظم شاه اسماعیل صفوی می‌باشد که در جنگ چالدران به شهادت رسیده است و اخیرا بنای یاد بود باشکوه و هماهنگ با مقبره اصلی به همت میراث فرهنگی استان احداث شده است.

مناره شمس تبریزی شهرستان خوی (برج شمس تبریزی) : این برج تاریخی در شهرستان خوی واقع شده و از شاخ‌های آهو بز کوهی قوچ‌های شکار شده توسط شاهان صفوی زینت داده شده است.

حجاری‌های خان تختی : در ۷۶ کیلومتری جاده ارومیه - سلماس در روستایی به نام خان تختی واقع شده بر روی قطعه سنگ صاف و بزرگی نقوش حجاری شده‌ای به همین نام وجود دارد. این کتیبه حاوی نقش مردی است که بر اسب راهواری سوار است و کلاهی مانند تاج بر سر دارد و نقوش دو سوار دیگر در کنار آن به چشم می‌خورد لباسی که این مردان دربر دارند مانند البسه دوره ساسانی است.

کلیسای ننه مریم: که به نام کلیسای شرق آشوری نیز خوانده می‌شود ،دارای صحن نسبتا بزرگی

است. بخش قدیمی و اکثر ساختمان‌های کلیسا در ضلع شرقی واقع شده‌اند، به استناد منابع قدیمی این کلیسا در گذشته و پیش از انتشار مسیحیت آتشکده بوده و یکی از پرستش گاه‌های زردشتیان به شمار می‌آید سنگ قبر سه موبد زردشتی تا جنگ اول جهانی در کلیسامحفوظ بوده که در آن زمان به روسیه برده و اکنون در موزه نگهداری می‌شود. این کلیسا یکی از مهم‌ترین بناهای قدیمی آشوریان مسیحی و قدیمی‌ترین کلیسای آنان است.

قلعه‌ها و دژها: استان آذربایجان غربی به دلیل قدمت و ویژگی‌های تاریخی از نظر تعداد و تنوع قلعه‌هاو دژ در ردیف استان‌های قلعه دار ایران محسوب می‌شود. قلعه‌های استان را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

یکم - قلعه هایی که به منظور حفاظت از املاک و اموال پرستش گاه و اولیای آن‌ها به وجود آمده است، مانند تخت سلیمان.

دوم - قلعه‌های شهر که هم زمان با پدید آمدن شهرهای فئودالی به وجود آمده‌اند. این گونه قلعه‌ها معمولاً با لایه‌هائی از خندق و بارو احاطه شده‌اند. اشکال تکامل یافته این نوع قلعه‌ها شهرهایی هستند که با برج و بارو و دروازه مشخص شده‌اند.

سوم ـ قلعه هایی که دارای نقش تدافعی ویژه‌ای بوده‌اند که در حقیقت قرارگاه‌های نظامی به شمار می‌رفتند. چنین قلعه هایی عمدتاً در نواحی استراتژیک و صعب الوصول احداث می‌شدند. مهم‌ترین قلعه‌های موجود استان عبارتند از: قلعه باستانی بسطام: این قلعه در قرن هفتم پیش از میلاد احداث شده و در بالادست روستای بسطام قره ضیاالدین قرار دارد.

قلعه اسماعیل آقا: بر فرازکوهی در ۱۸ کیلومتری غرب ارومیه حاشیه رودخانه نازلو چای قرار گرفته است. اسن قلعه در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی ساخته شده است.

قلعه سنگ کاظم خان: سنگ کاظم خان (محل سکونت ۴۰ نفر) صخره‌ای سنگی است که ارتفاع آن بیش از ۳۵۰ متر است.

قلعه روستای بردوک : در ۶ کیلو متری روستای بر دوک در محال صومای برادوست قلعه مستحکمی از سنگ با تامین کلیه شرایط دیده بانی بنا شده است.

گور چین قلعه : در ۱۰ کیلومتری جنوب پلاژ تابستانی سلماس واقع شده است.

قلعه دم دم : در سال ۱۰۱۸ ه. ق. بر فرازکوهی به همین نام در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی ارومیه ساخته شده است.

قلعه راوز : در جنوب غربی ماکو واقع شده و شکل محلی مسکونی است که ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ایجاد شده است.

آب چشمه‌های معدنی خوی: یک چشمه معدنی به‌نام ویشلیک در کنار یک آبادی به‌همین اسم قرار گرفته که آب معدنی آن به‌حالت تراوش زیرزمینی به‌مساحت یک‌صد در دویست متر خارج شده و مرداب کوچکی را تشکیل می‌دهد. در اطراف این مرداب نیزار قرارگرفته است و چشمه اصلی از حوضچه‌ای به‌عمق نیم متر و طول ۲ متر از چندین روزنه باگاز زیاد از زمین خارج می‌گردد. آب پس از اینکه از حوضچه خارج گردید در اطراف نی‌زار پراکنده می‌شود و در روی سنگها قشر قابل ملاحظه‌ای از اکسید آهن به‌جا می‌گذارد.

اگر مقداری آب چشمه ویشلیک را در داخل بطری نمائیم فشار گاز آن به‌حدی زیاد است که

پس از چند ثانیه چوب‌پنبه در بطری را به‌خارج پرتاب می‌نماید، این آب سولفاته بوده و دارای ترکیبات منیزیم و کلروبی‌کربناته کالسیک و آهن می‌باشد به‌طورکلی آب این چشمه مخلوطی است از چند نوع آب معدنی مختلف با ترکیبات متفاوت و روی این اصل آب این چشمه مشابه آب (شاتل کویون) کشور فرانسه می‌باشد. از نظر آب‌شناسی ممکن است اضافه براملاح اصلی یادشده این آب دارای ترکیبات فرعی دیگر مانند لیتیوم ریسیلین ربرم ارسنیک و غیره نیز باشد و چه بسا دارای خاصیت رادیو آکتیویته هم باشد.

از دیگر چشمه‌های معدنی موجود در منطقه خوی را می‌توان چشمه نوائی نام برد. این چشمه در کنار رودخانه خوی در جوار پل نوائی قرار دارد. فاصله این چشمه تا محل انشعاب جاده فرعی تقریباً نیم کیلومتر است فاصله آبادی نوائی تا شهر خوی حدود ۹ کیلومتر می‌باشد (جاده بین خوی و مرند).

آب این چشمه آبی است سولفاته منیزیم و کلروبی‌کربناته‌کالسیک. به‌نظر می‌رسد که مبدأاین چشمه با چشمهٔ ویشلیک یکی باشد زیرا ترکیبات آنها یکی می‌باشد در آب چشمهٔ نوائی انیدریدکربنیک به‌مقدار کم یافت می‌شود ولی همانطوری که در بالا شرح دادیم گاز انیدرید کربنیک در آب معدنی ویشلیک بسیار زیاد وجود دارد. از آب این چشمه می‌توان برای نوشیدن استفاده نمود برای انجام این کار ابتدا می‌بایستی به‌طریق علمی و عملی آب را استخراج نمود سپس توسط دستگاه آنرا گازدار نمود و به‌داخل بطری ریخت و آنگاه برای نوشیدن در اختیار عموم قرار داد. ـ مجله بندر و دریا

آبشارها: آبشارهای متعددی در سطح استان آذربایجان غربی جاریست .از مهم‌ترین آن‌ها که مورد توجه و استفاده گردش گران می‌باشد آبشار شلماش را می‌توان نام برد.این آبشار با دره‌ای سر سبز و زیبا در کنار جنگلهای پراکنده و زیبا در نزدیکی شهر سردشت واقع شده و یکی از شاخه‌های رودخانه معروف زاب کوچک محسوب می‌شود.از دیگر آبشارهای موجود می‌توان آبشار سلوک ارومیه و قلعه جوق ماکو را نام برد.

آب‌های معدنی آذربایجان غربی: ۱ - آب معدنی منطقه‌ی تخت سلیمان از نوع چشمه‌های گوگردی گرم و دو چشمه دارد که در قسمت جنوب غربی کوه زندان سلیمان قرار دارند که در آن استحمام می‌کنند یکی از آن‌ها به شکل مربع مستطیل که آب وگاز با فشار تا ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر به هوا می‌جهد و میزان آبدهی آن تقریباً یک لیتر در ثانیه است. چشمه‌ی دیگر در ۱۶ متری غرب چشمه اول در یک حوض بیضی شکل جمع می‌شود. آب چشمه‌هایش از عبور از سطح زمین رسوب‌های سفید کربنات‌های کلسیم و منیزیم در روی زمین باقی می‌گذارد. آب این چشمه‌ها در ردیف آب‌های بیکربناته و سولفاته کلسیک گوگردی گازدار و گرم و آب دریاچه‌ی تخت سلیمان در ردیف آب‌های بیکربناته کلسیک سرد است.

آب معدنی بوکان: در استخری به طول ۲۴ و عرض ۱۲/۲ متر و عمق ۲/۵ متر ایجاد شده و آب معدنی از کف استخر از زمین بیرون می‌آید. آب چشمه بوکان در ردیف آب‌های بیکربناته کلسیک سرد است.

آب معدنی مهاباد: بر روی تپه‌ای که کربناته و آهکی است آب معدنی از دو مظهر که در حدود ۱۰۰ متر باهم فاصله دارند از زمین بیرون می‌زند

آب این دو چشمه در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک سرد گازدار و آهن‌دار است.

آب‌های معدنی ارومیه: ۱ - آب معدنی زنبیل چشمه در حوضچه‌ای طبیعی دایره شکل به قطر ۴ متر تشکیل گشته و در فاصله‌ی ۶۰ متری آن حوضچه‌ی دیگری وجود دارد که میزان آبدهی آن ۱۵ لیتر در ثانیه است آب معدنی زنبیل در عداد آب‌های کلروسولفاته و بیکربناته کلسیک و منیزیم آهن دار و سرد است.

۲ - چشمه‌ی آب معدنی هفتابه، در ۵۰ کیلومتری شهر ارومیه در دهستان مرگور و در یک کیلومتری شرق روستای هفتابه آب این چشمه در ردیف آب‌های بیکربناته مخلوط (کلسیک و منیزین و سدیک) و گازدار گرم است.

۳ - چشمه قی نجه: که در ۲۷ کیلومتری جاده‌ی ارومیه - سلماس آب از دو محل خارج می‌شود محل اول حوضچه‌ی طبیعی دایره شکلی و در ۲۵ متری آب مظهر حوضچه‌ی دیگری وجود دارد. آب این دو در ردیف آب‌های کلروبیکربناته مخلوط و سولفاته سدیک گازدار گوگردی سرد است.

۱ - **آب گرم ایسی سو:** پس از طی ۶۹ کیلومتر از جاده‌ی ارومیه - سلماس و گذشتن از گردنه‌های قوج چی در ۴/۵ کیلومتری روستا آب گرم و در ۶ کیلومتری آب گرم معدنی سلماس (ایسی سو) واقع شده آب از چندین نقطه دامنه تپه از زمین بیرون می‌زند و در حوضچه‌های طبیعی جمع می‌شود - آب آن در ردیف آب‌های کلروبیکربناته سدیک و گرم گوگردی است.

۲ - **چشمه آبمعدنی میناس:** در روستای میناس که در حدود ۱۳ کیلومتری ارومیه قرار دارد این چشمه در یک حوض طبیعی جمع می‌شود و آب آن در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک و منیزین گازدار و آهن‌دار سرد است.

۳ - **چشمه صدقیان:** در هفت کیلومتری جاده‌ی سلماس - تبریز و در دو کیلومتری روستای جشی قرار دارد مظهر آب و حوضچه‌اش قبلاً مورد استفاده بود اما بر اثر سیل از میان رفت اما از لجن آن استفاده می‌شود. آب با حباب‌های زیاد گاز از زمین خارج می‌شود. و بعد از طی مسافت کوتاهی به زمین فرو می‌رود آب آن در عداد آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک گازدار و سرد است.

آبهای معدنی ارومیه: در اطراف ارومیه چشمه‌های معدنی فراوانی وجود دارند که آب آنها دارای کیفیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد این چشمه‌ها عبارتند از زنبیل داغی چشمه گوگردی سرد و قوشچی ضمناً چشمه گوگردی را قی‌نیه هم می‌نامند این چشمه به‌فاصلهٔ ۲۹ کیلومتری از ارومیه قرار گرفته است. آب از گودال سنگی که قطر آن یک متر می‌باشد باگاز هیدروژن سولفوره از زمین خارج شده که بوی نامطبوعی از آن به‌هوا متصاعد می‌گردد، آب پس از عبور از یک دالان باریک به‌طول تقریباً بیست متر به‌زمینهای اطراف وارد می‌گردد و تشکیل یک باطلاق کوچک را می‌دهد. درداخل این باطلاق کوچک مقداری آهک مشاهده شده است.

برابر آزمایش آب گوگردی ارومیه معلوم شده است که این آب در ردیف آبهای کلروسولفورور کالسیک بوده و از حیث ترکیب آب این چشمه مانند آب چشمه‌های (الوار و اوریاژ) کشور فرانسه در نزدیکی شهر (گرونوبل) می‌باشد.

از چشمه‌های معروف دیگر، چشمهٔ معدنی صدقیان می‌باشد که در زمین‌های زراعتی دهستان صدقیان قرار دارد. چشمه آب در میان جلگه که

مابین دهکده صدقیان و آبادی (پائین جوش) است قرارگرفته است آب این چشمه از میان نهری به‌عمق ۸۰ سانتیمتر از چندین روزنه و شکاف که در داخل گودالی قرار دارد باگاز بسیار زیاد خارج شده و به‌سوی ده (پائین جوش) جریان پیدا می‌نماید برابر آزمایش‌هائی که از این چشمه به‌عمل آمده، آب آن دارای بی‌کربنات کالسیک سرد باگاز می‌باشد و از لحاظ ترکیبات مشابه است با آب چشمه‌های رسن کالمیه در استان (الوار) فرانسه. آب چشمه صدقیان برای نوشیدن بسیار گوارا می‌باشد. نوشیدن این آب گوارش را آسان می‌کند و ضمناً برای رفع ترشی معده بسیار مفید و سودمند می‌باشد.

آبهای معدنی پیرامون دریاچه ارومیه: در نزدیکی دهکده‌ای به‌نام خان‌تختی که درکنار جاده اصلی واقع گردیده است مزرعه و آسیابی قرار دارد که به‌نام یک نفر ارمنی (میناس) معروف می‌باشد. چشمه معدنی به‌فاصله یک کیلومتر از آسیای میناس در مرتعی که در زیر تپه قرار دارد به‌خوبی دیده می‌شود که مردم آنجا را (میناس سو) می‌گویند در این چمن‌زار آب معدنی به‌حالت تراوش در یک مساحت چندصدمتری از سوراخهای متعدد از زمین خارج شده و به‌اطراف پراکنده می‌شود. چشمه اصلی یک صدمتر در پائین تپه قرار دارد و آب از حفره‌ای به‌اندازهٔ ۲۰×۲۰ و به‌عمق یک متر و نیم ازگوگرد با فشار گاز فراوان (گاز So_2) خارج می‌گردد به‌واسطه وضعیت باتلاقی این چمن‌زار و وجود لجن در اطراف آب این چشمه کمی تار و کدر می‌باشد، علاوه برچشمه اصلی چشمه کوچکی به‌همین وضعیت در جوار چشمه اصلی یافت می‌شود که مبدأ زیرزمینی آنها یکسان است.

برابر آزمایشهائی که در روی این چشمه به‌عمل آمده آب این چشمه ترکیبی ازکلر و بی‌کربنات و سولفاته‌کالسیک و منگنز می‌باشد و جالب است اگر بدانیم که آب چشمه خان تختی از لحاظ ترکیبات شبیه چشمه‌های معدنی کوههای پوئی دودم و پوئی دوسانسی فرانسه می‌باشد.

۲آب چشمه مذکور از راه آب تنی، استنشاق، گرفتن دوش، شست و شوی مخاطها برای درمان بیماریهای کم‌خونی، رماتیسم، دستگاه گوارش، نقرس، عوارض دستگاه تنفسی و همچنین بیماریهای زنانه به‌کار می‌رود.

آب تنی کردن در این چشمه باعث تسکین درد مفاصل و استخوان درد نیز می‌گردد ولی چنانچه آب تنی مکرراً انجام شود پوست انسان به‌شدت تحریک شده و عوارضی گریبانگیر می‌گردد.

مناطق چهارگانه

۱ - پارک ملی دریاچه‌ی ارومیه از مجله استفاده شود.

۲ - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی مراکان** با وسعت ۹۲۷۱۵ هکتار که در شمال شرقی استان آذربایجان غربی بین رود مرزی ارس و جاده‌ی ترانزیتی - بازرگان تبریز قرارگرفته، رشته کوه‌های آق‌داغ، دره وینی و علی باشی با بلندی حدود ۲۰۰ متر در این منطقه واقع شده، چشمه‌های دائمی و فصلی رود ارس و آق چالی در این منطقه روان است.

۳ - نیزاردگرده قیط و میمند در شمال شرقی نقده و برکرانه‌ی جنوبی دریاچه‌ی ارومیه و در نزدیکی یکی از روستاهای گرده قیط قرارگرفته آب نیزار از رود گدار تأمین می‌گردد.

۴ - منطقه‌ی شکار ممنوع آق‌گل این منطقه حدود نود هزار هکتار مساحت و در شمال شرقی ماکو

بلندترین نقطه‌اش دارای ۲۳۶۲ متر از سطح دریا است. در زمستان‌ها این منطقه برف پوش می‌باشد. کتابهای درسی

آب‌های معدنی آذربایجان غربی: ۱ - آب معدنی منطقه‌ی تخت سلیمان از نوع چشمه‌های گوگردی گرم و دو چشمه دارد که در قسمت جنوب غربی کوه زندان سلیمان قرار دارند که در آن استحمام می‌کنند یکی از آن‌ها به شکل مربع مستطیل که آب و گاز با فشار تا ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر به هوا می‌جهد و میزان آبدهی آن تقریباً یک لیتر در ثانیه است.

چشمه‌ی دیگر در ۱۶ متری غرب چشمه اول در یک حوض بیضی شکل جمع می‌شود.

آب چشمه‌هایش از عبور از سطح زمین رسوب‌های سفید کربنات‌های کلسیم و منیزیم در روی زمین باقی می‌گذارد. آب این چشمه‌ها در ردیف آب‌های بیکربناته و سولفاته کلسیک گوگردی گازدار و گرم و آب دریاچه‌ی تخت سلیمان در ردیف آب‌های بیکربناته کلسیک سرد است.

آب معدنی بوکان: در استخری به طول ۲۴ و عرض ۱۲/۲ متر و عمق ۲/۵ متر ایجاد شده و آب معدنی از کف استخر از زمین بیرون می‌آید. آب چشمه بوکان در ردیف آب‌های بیکربناته کلسیک سرد است.

آب معدنی مهاباد: بر روی تپه‌ای که کربناته و آهکی است آب معدنی از دو مظهر که در حدود ۱۰۰ متر باهم فاصله دارند از زمین بیرون می‌زند آب این دو چشمه در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک سرد گازدار و آهن‌دار است.

آب‌های معدنی ارومیه: ۱ - آب معدنی زنبیل چشمه در حوضچه‌ای طبیعی دایره شکل به قطر ۴ متر تشکیل گشته و در فاصله‌ی ۶۰ متری آن حوضچه‌ی دیگری وجود دارد که میزان آبدهی آن ۱۵ لیتر در ثانیه است آب معدنی زنبیل در عداد آب‌های کلروسولفاته و بیکربناته کلسیک و منیزین آهن دار و سرد است.

۲ - چشمه‌ی آب معدنی هفتابه، در ۵۰ کیلومتری شهر ارومیه در دهستان مرگور و در یک کیلومتری شرق روستای هفتابه آب این چشمه در ردیف آب‌های بیکربناته مخلوط (کلسیک و منیزین) و گازدار گرم است.

۳ - چشمه قی نجه: که در ۲۷ کیلومتری جاده‌ی ارومیه ـ سلماس آب از دو محل خارج می‌شود محل اول حوضچه‌ی طبیعی دایره شکلی و در ۲۵ متری آب مظهر حوضچه‌ی دیگری وجود دارد. آب این دو در ردیف آب‌های کلروبیکربناته مخلوط و سولفاته سدیک گازدار گوگردی سرد است.

جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی استان آذربایجان غربی

جغرافیای تاریخی استان: آذربایجان در فارسی میانه آتورپاتکان در آثار کهن فارسی آذربادگان در فارسی کنونی آذربایجان نامیده می‌شود تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. قوم ماد پس از مهاجرت به ایران قسمت‌های غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کرد.بعد از غلبه اسکندر مقدونی به ایران سرداری به نام آتورپات در آذربایجان ظهور کرد که این سرزمین به نام آتورپاتکان معروف شد. در زمان حکومت سلوکی هاناحیه آتورپاتکان پناهگاه زردشتیان و تکیه گاه ایرانیت در مقابل یونانیت

شد. حکومت‌های محلی متعددی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند. آخرین حکام مقتدر این ایالت ساجیان (۳۱۷-۲۷۶ ه.ق) بودند که ضد خلفا قیام کردند. پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی آذربایجان مرکز عمده گردآوری قوای نظامی برای شاهان صفوی گردیده و در زمان صفویه آذربایجان محل جنگ‌های خونین میان سپاهیان ایران و عثمانی شد که جنگ چالدران از عمده‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود که در آن جنگ سید صدرالدین وزیراعظم شاه اسماعیل صفوی به شهادت رسیده و مقبره آن هم اکنون در چهار کیلومتری شهر چالدران در روستای سعدل قرار دارد.

جزایر دریاچه ارومیه: در دریاچه ارومیه مجموعاً ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک وجود دارد. کل مساحت این جزایر بالغ بر ۳۳۴۸۶ هکتار است که تنها پنج جزیره اسلامی (شاهی)، کبودان (قویون داغی) اشک داغی اسپیره آرزو، مساحتی برابر ۳۳۶۰ هکتار را به خود اختصاص داده‌اند. بزرگترین جزیرهٔ این دریاچه، اسلامی (شاهی) نام دارد که گاهی تبدیل به شبه جزیره می‌شود. جزیره شاهی (اسلامی) تنها جزیره مسکوه دریاچهٔ ارومیه است.

جزیره اسلامی: جزیره اسلامی شاهی سابق تنها جزیره مسکونی و آباد دریاچهٔ ارومیه است که در اثر کمی بارندگی و تبخیر آب دریاچه در تابستان بصورت شبه جزیره در می‌آید و روستاییان این جزیره از راه خشکی به تبریز، آذرشهر، گوگان و شبستر رفت و آمد می‌کنند.

طول جزیره ۲۴ کیلومتر و عرض آن ۱۵ کیلومتر است. از نظر توپوگرافی، منطقه‌ای است کوهستانی و صعب‌العبور و اکثراً صخره‌ای، لیکن قسمت‌هایی از منطقه به ویژه در شمال غربی و جنوب شرقی به صورت تپه ماهور است. بلندترین قله‌اش به نام چوپوقلو دارای ۲۱۵۰ متر بلندی می‌باشد. بلندی‌های دیگری چون داش کسن و شاه قزل نیز در جزیره اسلامی وجود دارد. گسترش ارتفاعات نیز جالب است چهار رشته مهم از شمال غربی و شمال شرقی و جنوب شرقی و جنوب غربی به داخل منطقه پیشرفته و در گردنهٔ داش کسن به همدیگر پیوسته‌اند. ۹۰ کیلومتر مربع جزیره اسلامی زمین‌های کشاورزی است محیط جزیره ۷۰ کیلومتر و مساحتش بالغ بر ۳۴۷ کیلومتر مربع است. میزان بارندگی سالانه‌اش حدود ۳۰۰ میلیمتر است. در جزیره اسلامی ۵۴ چشمه دائمی کوچک و بزرگ آب شیرین دارد و اخیراً باکندن چاههای عمیق و نیمه عمیق بر رونق کشاورزی آن افزوده‌اند.

تخت سلیمان - میاندوآب - آذربایجان غربی

تخت سلیمان که در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرق بخش تکاب از توابع استان آذربایجان غربی بر روی صفه‌ای طبیعی که از رسوبات آب دریاچه تشکیل شده و از سطح زمین‌های زراعتی ۲۰ متر ارتفاع دارد ساخته شده است. حصار این قلعه دارای ۳۸ برج تزیینی و به شکل بیضی است، درون تخت سلیمان دریاچه زیبای سحرآمیزیست که ۱۲۰ متر طول و ۸۰ متر عرض دارد و چشمه آب آن از عمق ۶۵ متری می‌جوشد و در هر ثانیه ۱۰۰ لیتر آب می‌دهد. این قلعه تاریخی که بیش از

۱۲۴۰۰۰ متر مربع وسعت دارد مرکز آتشکده بزرگ شهریاران ساسانی و معروف به نام آذرگشسب (یکی از سه آتشکده اعظم و معروف زمان ساسانی است.) بر طبق تحقیقاتی که به عمل آمده است ثابت شده که تخت سلیمان همان شیز قدیم است که در زمان ساسانی به نام کنژِک و رومیان آن را گزگا و اعراب شیز نامیده‌اند و همچنین معلوم شده است که بنیاد این مکان از زمان ساسانی گذاشته شده و در قرن هفتم هجری در زمان آباقاخان مغول یک بار دیگر تخت سلیمان مورد توجه قرار گرفته و رونقی یافته و تجدید بنا شده است. ایوان معروف به خسرو که با مختصر اختلافی از ایوان مداین کوچکتر است در جبهه شمال غربی دریاچه و جنوب غربی آتشکده قرار گرفته است. کاخ خسرو در جهت غربی آتشکده و به سبک بازیلیکای رومی احداث شده است.

کاخ اختصاصی آباقاخان که بر روی کاخ خسرو ساخته شده از جمله بناهای جالب و قابل مطالعه است.

تفرج‌گاه‌های استان: ۱- تفرج گاه بند در حومه شهرستان ارومیه ۲- دریاچه مارمیشو ۳- دره شهدا ۴- پیست اسکی خوشاکو ۵- تفرج گاه نازلو ۶- سواحل دریاچه ارومیه از جمله کاظم داشی - باری - رشکان - و بندر گلمانخانه ۷- تاکستانها و باغات سیب انواع میوه‌ها و توتستانها ۸- تفرج گاه فیرورق چشمه زلزله پسک خوی چشم ثریا ماکو ۹- دریاچه پشت سد مهاباد ۱۰- غار سهولان تفرجگاه بند

ایل‌ها، مردم‌شناسی و آداب و رسوم

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری آذربایجان غربی: مرد: (۷۸۹۵۸۸ شهری، ۵۲۰۱۱۷ روستائی)، زن: (۷۷۱۷۲۳شهری، ۵۰۲۶۲۴ روستائی).

● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان آذربایجان غربی.

- جمع (۱۵۰۲۴).

۱- ایل پنیانشی (۱۱۲۹)، ۲- ایل پیران (۹۵)، ۳- ایل جلالی (۲۶۸۵)، ۴- ایل زرزا (۳۳۵)، ۵- ایل زعفرانلو (۲۴۴)، ۶- ایل سادات (۶۱۱)، ۷- ایل شکاک (۸۱۶)، ۸- ایل قره پاپاق (۴۷)، ۹- ایل مامش (۷۸۳)، ۱۰- ایل منگور (۲۹)، ۱۱- ایل میلان (۲۰۷۹)، ۱۲- ایل هرکی (۱۷۷۲)، ۱۳- طایفه‌ی مستقل آق باشلو - آغ باشلو (۶۳)، ۱۴- طایفه‌ی مستقل اینانلو (۱۶۶)، ۱۵- طایفه‌ی مستقل بالکانلو (۱۸۳)، ۱۶- طایفه‌ی مستقل بروکی (۴۸۴)، ۱۷- طایفه‌ی مستقل بیگ زاده (۲۲۷)، ۱۸- طایفه‌ی مستقل چلبیانلو (۱۴)، ۱۹- طایفه‌ی مستقل چهار دولی (۶۲)، ۲۰- طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج‌الو (۷۰۴)، ۲۱- طایفه‌ی مستقل حیدرانلو (۲۴۹)، ۲۲- طایفه‌ی مستقل حیدرلو (۳۶۰)، ۲۳- طایفه‌ی مستقل دری (۲۳۷)، ۲۴- طایفه‌ی مستقل دهبکری (۸۲)، ۲۵- طایفه‌ی مستقل سید حسینی (۵۲)، ۲۶- طایفه‌ی مستقل قره داغلو (۷)، ۲۷- طایفه‌ی مستقل قره موسالو (۹۵)، ۲۸- طایفه‌ی مستقل قلیکی (۱۲۹)، ۲۹- طایفه‌ی مستقل کره سنی (۱۱۱۹)، ۳۰- طایفه‌ی مستقل کورانلار - گورکانلو (۷۲)، ۳۱- طایفه‌ی مستقل محمودی - آذربایجانغربی (۴۶)، ۳۲- طایفه‌ی مستقل مدرومی (۴۶)، ۳۳- طایفه‌ی مستقل ممنی (۴۰).

● جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان آذربایجان غربی.

- جمع (۱۱۸۷۴۱).

۱- ایل پنیانشی (۷۸۰۷)، ۲- ایل پیران (۹۶۴)، ۳- ایل جلالی (۱۹۳۱۴)، ۴- ایل زرزا (۲۹۵۶)، ۵- ایل زعفرانلو (۱۶۷۶)، ۶- ایل سادات (۵۵۶۱)، ۷- ایل شکاک (۶۲۳۰)، ۸- ایل قره پاپاق (۳۵۴)، ۹- ایل مامش (۶۷۵۷)، ۱۰- ایل منگور (۲۲۵)، ۱۱- ایل میلان (۱۴۸۸۰)، ۱۲- ایل هرکی (۱۶۶۴۴)، ۱۳- طایفه‌ی مستقل آق باشلو - آغ باشلو (۵۲۲)، ۱۴- طایفه‌ی مستقل ایتانلو (۱۰۲۰)، ۱۵- طایفه‌ی مستقل بالکانلو (۱۲۲۰)، ۱۶- طایفه‌ی مستقل بروکی (۳۷۰۱)، ۱۷- طایفه‌ی مستقل بیگ زاده (۲۱۷۵)، ۱۸- طایفه‌ی مستقل چلبیانلو (۹۱)، ۱۹- طایفه‌ی مستقل چهار دولی (۵۲۸)، ۲۰- طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو (۵۶۷۹)، ۲۱- طایفه‌ی مستقل حیدرانلو (۱۸۷۶)، ۲۲- طایفه‌ی مستقل حیدرلو (۲۷۷۱)، ۲۳- طایفه‌ی مستقل دری (۲۰۷۶)، ۲۴- طایفه‌ی مستقل دهبکری (۷۱۴)، ۲۵- طایفه‌ی مستقل سید حسینی (۴۶۸)، ۲۶- طایفه‌ی مستقل قره داغلو (۴۲)، ۲۷- طایفه‌ی مستقل قره موسالو (۷۳۵)، ۲۸- طایفه‌ی مستقل قلیکی (۱۰۳۸)، ۲۹- طایفه‌ی مستقل کره سنی (۹۵۶۳)، ۳۰- طایفه‌ی مستقل کورانلار - گورکانلو (۴۸۰)، ۳۱- طایفه‌ی مستقل محمودی - آذربایجانغربی (۶۲)، ۳۲- طایفه‌ی مستقل مدرومی (۲۶۵)، ۳۳- طایفه‌ی مستقل ممنی (۳۴۷).

● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان

استان آذربایجان غربی: (۱۳۸۰۹) خانوار و (۱۰۹۷۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۴۴۸) خانوار و (۱۱۴۶۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ارومیه: (۱۹۹۳) خانوار و (۱۸۶۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹۹۸) خانوار و (۱۸۶۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۲۶۷) خانوار و (۲۵۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶۷) خانوار و (۲۵۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاک: (۳۶) خانوار و (۲۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵) خانوار و (۳۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۴) خانوار و (۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل هرکی: (۱۲۲۲) خانوار و (۱۱۵۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۲۲) خانوار و (۱۱۵۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی‌قشلاق. طایفه‌ی مستقل بیگ زاده: (۲۲۷) خانوار و (۲۱۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۷) خانوار و (۲۱۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق. طایفه‌ی مستقل دری: (۲۳۷) خانوار و (۲۰۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۳۷) خانوار و (۲۰۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اشنویه: (۱۰۴۱) خانوار و (۹۵۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۳۹) خانوار و (۹۴۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زرزا: (۳۳۵) خانوار و (۲۹۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۸۴) خانوار و (۲۴۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۸) خانوار و (۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق،

(۸) خانوار و (۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره پاپاق: (۸) خانوار و (۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴) خانوار و (۱۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۱۴۰) خانوار و (۱۲۹۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷۳) خانوار و (۱۶۰۷) نفر جمعیت در دوره‌ی قشلاق. ایل هرکی: (۱۵۴) خانوار و (۵۱۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۵۰) خانوار و (۵۱۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰) خانوار و (۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بوکان: (۳) خانوار و (۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲) خانوار و (۵۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲) خانوار و (۵۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۳) خانوار و (۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان پیرانشهر: (۸۲۷) خانوار و (۷۰۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۶۵) خانوار و (۴۷۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پیران: (۹۵) خانوار و (۹۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۵) خانوار و (۹۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۱۰) خانوار و (۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاک: (۲۰) خانوار و (۱۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۵۷۱) خانوار و (۴۸۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۳۱) خانوار و (۳۵۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل منگور: (۲۹) خانوار و (۲۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۹) خانوار و (۲۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اینانلو: (۸) خانوار و (۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرلو: (۱۲) خانوار و (۷۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دهبکردی: (۸۲) خانوار و (۷۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰) خانوار و (۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان تکاب: (۴۶) خانوار و (۳۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۴۶) خانوار و (۳۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان چالدران: (۳۸۱۶) خانوار و (۲۷۵۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴۷) خانوار و (۲۵۷۰) نفر جمعیت در دوره‌ی قشلاق. ایل جلالی: (۲۱۲۰) خانوار و (۱۵۱۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲) خانوار و (۲۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میلان: (۸۳۹) خانوار و (۵۶۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۴) خانوار و (۴۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل

بروکی: (۴۷۹) خانوار و (۳۶۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲) خانوار و (۱۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرانلو: (۲۴۹) خانوار و (۱۸۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۹) خانوار و (۱۷۰۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قلیکی: (۱۲۹) خانوار و (۱۰۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، ۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان خوی: (۲۳۳۵) خانوار و (۱۸۴۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، ۲۳۵۴) خانوار و (۱۸۳۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاک: (۸۰) خانوار و (۵۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میلان: (۱۱۸۹) خانوار و (۸۶۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۶۸) خانوار و (۸۴۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ایناتلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱) خانوار و (۱۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کره سنی: (۱۰۳۸) خانوار و (۸۹۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۱۹) خانوار و (۹۵۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستسقل مدرومی: (۴۶) خانوار و (۲۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۶) خانوار و (۲۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان سردشت: (۸۵) خانوار و (۶۹۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۷) خانوار و (۱۱۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پنیانشی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱) خانوار و (۳۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاک: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۰) خانوار و (۵۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۴) خانوار و (۴۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میلان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶) خانوار و (۲۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کره سنی: (۸۱) خانوار و (۶۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان سلماس: (۱۹۹۷) خانوار و (۱۴۶۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹۹۰) خانوار و (۱۴۵۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پنیانشی: (۱۱۲۹) خانوار و (۷۸۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۷۸) خانوار و (۷۴۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۸۹) خانوار و (۸۰۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۹) خانوار و (۸۰۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاک: (۶۸۰) خانوار و (۵۲۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۹۱) خانوار و (۵۲۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میلان: (۴۷) خانوار و (۳۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۰) خانوار و (۵۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سید حسینی: (۵۲) خانوار و (۴۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۲) خانوار و (۴۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شـــهرستان شـاهین دژ: (۸۷۷) خـانوار و (۷۰۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۴۰) خـانوار و (۳۳۸۵) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زعفرانلو: (۲۴۴) خانوار و (۱۶۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴۴) خانوار و (۱۶۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۱۸۲) خانوار و (۱۶۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۸۶) خـانوار و (۷۷۲) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل آق باشلو (آغ باشلو: (۴) خانوار و (۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۰) خـانوار و (۰) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چلبیانلو: (۷) خانوار و (۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چهار دولی: (۶۲) خانوار و (۵۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲) خانوار و (۵۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج آلو: (۱۴۷) خانوار و (۱۱۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. طـایفه‌ی مسـتقل حـیدرلو: (۱۷۶) خـانوار و (۱۴۷۶) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قره داغلو: (۷) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خـانوار و (۰) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل محمودی ـ آذربـایجان غربی: (۸) خـانوار و (۶۲) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، ۸) خانوار و (۶۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ممنی: (۴۰) خانوار و (۳۴۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۴۰) خانوار و (۳۴۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ماکو: (۵۷۴) خانوار و (۴۲۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۰۰۵) خانوار و (۲۹۰۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جلالی: (۵۶۵) خانوار و (۴۲۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶۵۳) خـانوار و (۱۹۰۹۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میلان: (۴) خانوار و (۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۴۱) خـانوار و (۵۲۲۹) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. طـایفه‌ی مسـتقل بـروکی: (۵) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۶۲) خـانوار و (۳۵۳۱) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حـیدرانـلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قلیکی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۹) خانوار و (۱۰۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مهاباد: (۱۶) خانوار و (۱۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۲) خـانوار و (۸۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. ایـل سادات: (۰) خـانوار و (۰) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۵) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل آق‌باشلو (آغ باشلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جـمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۵۲) خـانوار و (۴۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اینانلو: (۱۱) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۵) خـانوار و (۲۹) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مسـتقل بالکانلو: (۰) خانوار و (۰) نـفر جـمعیت آن در

دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۴۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸) خانوار و (۱۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۴۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان میاندوآب: (۴۳) خانوار و (۳۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۰۲) خانوار و (۶۵۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سادات: (۹) خانوار و (۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۱) خانوار و (۷۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۷) خانوار و (۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل آق باشلو آغ باشلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ایـنانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بالکانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چلبیانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۱) خانوار و (۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۱۰) خانوار و (۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۲۵) خانوار و (۳۴۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرلو: (۱۷) خانوار و (۱۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۳) خانوار و (۱۰۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قره داغلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قره موسالو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۶) خانوار و (۵۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کورانلار - گورکانلور: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان نقده: (۱۳۸) خانوار و (۱۰۸۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۸۷) خانوار و (۴۸۰۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زرزا: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱) خانوار و (۴۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره پاپاق: (۲۹) خانوار و (۲۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۳) خانوار و (۲۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مامش: (۵۲) خانوار و (۴۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶۷) خانوار و (۱۵۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ایـنانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجی آل‌لو/حاج الو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حیدرلو: (۳۸) خانوار و (۲۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴۱) خانوار و (۱۷۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دهبکری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در

دوره‌ی ییلاق، (۷۲) خانوار و (۶۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قره موسالو: (۹) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

ایل‌های آذربایجان غربی

۱ـ ایل جلالی (۱۱ طایفه) در مرز ترکیه، حدود سیه چشمه، ییلاق، سواحل رود ارس، قشلاق، این ایل می‌باشد. ۲ـ ایل میلان (۱۳ طایفه) سیه چشمه ییلاق ساحل رود ارس قشلاق آن هاست. ۳ـ حیدرانلو (طایفه‌ی حیدرانلو) در مرز ترکیه، سیه چشمه ییلاق، چوخورکند قشلاق این ایل است. ۴ـ ممکانلو (۱ طایفه) در مرز ترکیه ییلاق الند، قطور قشلاق آن هاست. ۵ـ ایل کره سنی (۱ طایفه) در مرز ترکیه قطور و سکمن آباد ییلاق، قطور قشلاق آنانست. ۶ـ ایل شکاک (۱۶ طایفه) در مرز ترکیه، ترگور و دشت بیل ییلاق، اطراف ارومیه و سلماس قشلاق این ایل می‌باشد. ۷ـ ایل هرکی (۳ طایفه) در مرز ترکیه، ترگور و دشت بیل ییلاق و قشلاق این ایل است. ۹ـ سادات (۱ طایفه) دیزج مرکو ـ دیزج ییلاق، محال مرکور دشت بیل، اشنویه، قریه گورانه، برادوست قشلاق آن هاست. ۱۰ـ زرزا اشنویه در مرز عراق روندولان، با لوله شطره ییلاقشان است. ۱۱ـ قره پاپاق منطقه ایل مامش در سلدوز ییلاق آن هاست. ۱۲ـ مامش (دو طایفه) در مرز عراق، کوه سران ییلاق این ایل می‌باشد. ۱۴ـ منگو (۶ طایفه) در جنوب مهاباد کوه، لاسیو، کاکن ییلاق این ایل است. ۱۵ـ دهبکری در عمق (۴ طایفه) هستند پائین بلاغ ییلاق آن هاست. ۱۶ـگورک مهاباد در عمق قرار دارند. مراتع پیران ییلاق آن هاست. ۱۷ـ بریاجی در منطقه‌ی سردشت سکونت دارند. ۱۸ـ باسک کوله در منطقه سردشت در مرز عراق به سر می‌برند. ۱۹ـ ملکاری در منطقه سردشت در مرز عراق زیست می‌کنند. ۲۰ـ با پیر آقائی در منطقه سردشت در مرز عراق (ییلاق آن‌ها مراتع کوه‌های هومل است). ۲۱ـ پشتدری‌ها، ییلاقشان آبادی‌های تروه، گومات، ارزنه و اشترل می‌باشد. ۲۲ـکلاسی در عمق به سر می‌برند، مراتع زیرمران ییلاق آن هاست .و ۲۳ـعثمان بیگی. ۲۴ـطوایف منطقه بانه (احمدی ـ لطف الله بیگی)، شهیدی، بهرام بیگی می‌باشند. ۲۵ـ ایلات منطقه‌ی سقز (گورک سقز فیض الله بیگی تیله کوه، جاف سقز، کلالی، کلهر، اردلان، وکیلی قباغلو، ده بکری سقز، سرشیوسقز، خورخوره، گوره قلعه دیوانی) است.

نقل از کتاب ایرانشهر جلد اول

آداب و رسوم:

خلیکانلو (ایل جلالی) ـ آذربایجان غربی: جشن‌ها و عیدها بزرگترین عید نزد این ایل عید قربان است و بهترین لباس را می‌پوشند هرکس بفراخور خود گاو یا گوسفند قربان و میان مستمندان تقسیم می‌کند و سه روز تعطیل عمومی دارند. بعد از عید قربان به عید فطر اهیمت می‌دهند اما به عید نوروز چندان اهمیتی نمی‌دهند ولی برای چهارشنبه سوری بیش از عید نوروز اهمیت می‌دهند در این شب بهترین غذاها را می‌پزند و آتشبازی برپا می‌کنند و تا نیمه شب زن‌ها به رقص و پایکوبی با دهل و سرنا می‌پردازند.

چهارمین عید بزرگ نزد ایل جلالی ـ عید خدر نبی (خضر) است که در شب اول اسفند عید خدر نبی را جشن می‌گیرند در این شب دختران و بانوان و جوانان ده به رقص چوبی می‌پردازند و در هر ده

یکنفر خود را مانند حاجی فیروز می‌آراید.
طرز خواستگاری و عروسی برای خواستگاری یکنفر از ریش سفیدان پسر به خانه‌ی دختر می‌رود چون موافقت کامل حاصل شد بستگان پسر با کله قند وارد خانه‌ی دختر می‌شوند و در مورد شیربها صحبت می‌کنند شیربها نسبت به وضع خانواده‌ی دختر از ۵۰ تا ۲۰۰ سر گوسفند، چند سر اسب و گاو چند عدد لیره چند دست خلعت و غیره می‌باشد هر چه تعداد گوسفندها بیشتر باشد طلا و غیره نیز به همان نسبت زیادتر خواهد بود. خانواده‌ی پسر نمی‌توانند از قبول شیربها خودداری کنند زیرا دیگر کسی به آن‌ها دختر نمی‌دهد البته ریش سفیدان وسط کار را می‌گیرند، پس از موافقت، خانواده پسر شیربها را به خانه عروس برده تحویل می‌دهند و روز عروسی معین می‌شود. حضور مدعوین در جشن عروسی اجباری است و هدایائی از جمله پول یا گوسفند یا هدیه‌هائی دیگر به داماد می‌دهند جشن عروسی سه روز به طول می‌انجامد. آنگاه عروس می‌تازند و هرچه زودتر به خانه‌ی داماد حرکت می‌دهند که در این حال سواران در پیشاپیش عروس می‌تازند و هر که زودتر به خانه‌ی داماد رسید جایزه‌ای می‌گیرد، داماد به خانه‌ی یکی از اقوام می‌رود و یک دست لباس برایش تهیه می‌کنند و زن این شخص ینگه عروس می‌شود و ینگه عروس را به حجله می‌برد هر گاه کسی بخواهد عروس را ببیند باید هدیه‌ای بدهد، هرگاه عروس دوشیزه نباشد فردای آن روز او را سوار الاغ کرده به خانه‌ی پدریش می‌فرستند!!
نوزاد اول اگر پسر باشد جشن می‌گیرند گرچه دختر برای خانواده‌ای کم بضاعت سرمایه‌ای است از این رو خوشحال می‌شوند.

ختنه سوران نخست پدر پسر شخصی راکه مورد احترام زیاد می‌باشد و می‌خواهد با خودش منسوب کند به نام گروه برمی‌گزیند منظور از گروه آنستکه خون این پسر به دامان او ریخته شده و به آن خانواده نزدیک شده‌اند چون گروه انتخاب گردید پدر پسر تحفه‌ای برای وی می‌فرستد و پیام می‌دهد شما گروه پسر من هستید گروه در روز موعود با خانواده‌ی خود به مجلس ختنه سوران می‌آید و تحفه‌ای برای خانواده‌ی پسر بخصوص لباسی برای پسر همراه می‌آورد و شب را با خانواده در خانه‌ی پدر پسر می‌مانند و پدر پسر روز بعد هدایائی از جمله گاو و گوسفند ولی بیشتر رسم است که گوسفندان را گروه به پسر پیشکش می‌نماید و گاو و غیره را خود می‌برد.
طرز طلاق مرد در حضور سه نفر یا بیشتر سه سنگ برداشته با انداختن یک یا دو یا سه سنگ زن خود را یک یا دو یا سه طلاق می‌کند. به طور کلی طلاق در میان این مردم کم است.
مراسم تغسیل و تدفین ـ خانواده مرده حتی اگر فقیر هم باشد باید گاو و گوسفند کشته و گوشت آن را خیرات بدهد. همه‌ی بستگان متوفی به خانه‌ی شخص مرده می‌روند و تسلیت می‌گویند البته نباید بیش از ۲۰ روز از تاریخ مرگ گذشته باشد.
زنی که با مرده نزدیک است زن یا مادر یا خواهر موئی از خود را با مرده دفن و مقداری هم به لباس مرده دوخته و در مجلس قرار می‌دهد تا سبب تأثر و گریه تعزیت گویان شود اگر مرده جوانی بوده لباس‌های وی را روی اسب قرار می‌دهند و چون تسلیت گویان می‌آیند یک نفر اسب را به نزدیک آن‌ها می‌برد و این کار سبب گریه‌ی آنان می‌شود. زن متوفی را باید با گردن بند حتی اگر منجوق

باشد ببرند تا مرده شور آن را برای خود بردارد و اگر بخواهند قبر مرده را پا بگیرند این عمل لااقل باید پس از هفت روز از تدفین صورت گیرد.

جشن‌ها و عیدها این ایل برای عید قربان و عید فطر اهمیت خاصی قائلند عید نوروز جز وعیدهای معمولی است.

طرز خواستگاری و عروسی میلان نخست در حضور عده‌ای خانواده‌ی عروس و داماد از دختر اقرار می‌گیرند آن گاه شیربها را تعیین کرده و می‌دهند پس از آن دعوت برای عقد می‌کنند و در جریان عقد نزدیکان دختر و جوه یا اموالی از نزدیکان پسر می‌گیرند. هنگام عروسی این هدایا را همراه دختر می‌فرستند.

نوزاد اول و ختنه سوران برای نوزاد جشنی نمی‌گیرند اما برای ختنه سوران یکنفر از نزدیکان پسر که محرم و طرف اعتماد باشد از طرف پدر نوزاد معین و پسر را بدست وی که گروه نام دارد می‌دهند و پس از عمل ختنه دیگر گروه با آن خانواده محرمیت پیدا می‌کند و از طرف پدر و مادر نوزاد هدایائی از قبیل اسب یا گاو یا شتر برایش می‌فرستند بین گروه و خانوادهٔ بچه همه ساله متقابلاً هدایائی رد و بدل می‌گردد.

طرز طلاق هر گاه مردی بخواهد زنش را طلاق بدهد سه عدد سنگ برداشته پرتاب می‌کند و اگر طلاق رجعی باشد یک یا دو سنگ پرتاب می‌نماید.

مراسم تغسیل و تدفین طبق اصول مذهبی صورت می‌گیرد و اهالی همان شب را در مجلس ترحیم جمع می‌شوند هفته و چهله معمول نیست فقط آخر ماه اول اطعام می‌کنند.

اخلاق و عادت‌ها: مردم آذربایجان، علی رغم هجوم‌های اقوام مخالف، سنن بومی خود را حفظ کرده‌اند. بسیاری از آداب و رسوم ایران کهن از دوره‌های مادی، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و... در میان مردم آذربایجان غربی، به صورت‌های گوناگونی باقی مانده است.

مردم این منطقه در دوستی ثابت قدم، در برابر مشکلات شجاع و مقاوم هستند. در تمام ادوار تاریخی احساسات وطن پرستی آنان ضرب المثل بود. قیام‌های مداوم اهالی آذربایجان غربی در زمان جنگ‌های ایران و عثمانی و هم چنین ایران و روس، از برجسته‌ترین فداکاری‌هایی است که در تاریخ جاودان خواهد ماند.

آئین‌ها: از آداب کهن مردم آذربایجان غربی که از سده‌ها پیش هم چنان پابرجاست، گرامی داشتن نوروز و آتش افروزی شب چهارشنبه سوری است. در آخرین چهارشنبه‌ی هر سال مردم به ویژه کودکان و جوانان با پوشال و هیزم در چند نقطه آتش روشن می‌کنند و از روی آن می‌پرند و با هلهله و شادی از نوروزی استقبال می‌کنند.

عید فطر، عید غدیر خم، عید قربان، عید شعبان و عیدهای دیگر نیز مورد توجه‌ی مردم منطقه می‌باشد. علاوه بر آن جشن‌های محلی خود را طبق سنت‌های دیگر خویش به جا می‌آورند و در حفظ آداب و رسوم سنتی و فرهنگ خود کوشا هستند.

شب چله: شب اول دی ماه که همان شب یلداست مردم تکاب جشن می‌گیرند و انار و سیب و آجیل و به خصوص هندوانه می‌خورند و بر این باورند که اگر دراین شب هندوانه بخورند، گرمای تابستان آن‌ها را اذیت نخواهد کرد. در این شب نباید کسی به سفر برود، چون تا سال آینده در سفر خواهد بود. در شب چله گندم برشته روی بام خانه می‌ریزند و معتقدند که با این کار سالی که می‌آید،

سالی پر برکت خواهد بود. زنان و دختران دست هایشان را حنا می‌بندند و شب زنده داری می‌کنند. غذائی که در شب یلدا آش کشک که مقداری نخود و سبزی به آن اضافه کرده‌اند می‌خورند.

بازی‌های نمایشی: از سرگرمی‌های مردم شهرها و روستاهای آذربایجان در شب‌های بلند و سرد زمستان، بازی و تقلید در آوردن است. این بازی‌ها جنبه‌ی نمایشی و هنری توده را دارد و فاصله‌ای است بین بازی‌های روحوضی و تئاترهای رسمی و جدی که در شهرهای بزرگ رواج دارد.

این بازی‌ها مانند تئاتر «حرکت» یا به قول اروپائی‌ها «آکت» دارد و افرادی عهده دار ایفای نقش‌ها می‌شوند که دارای استعداد و هنر باشند.

ازدواج ـ خواستگاری و نامزد: ازدواج و مراسم عروسی در خوی که تقریباً اندک تفاوتی در سایر نقاط آذربایجان غربی نیز معمول می‌باشد چنین است:

پس از این که مردی تصمیم به ازدواج گرفت، ابتدا زنان خانواده‌ی او به خواستگاری دختر مورد نظر می‌روند. هرگاه خانواده‌ی دختر روی موافق نشان دادند، چند روز بعد مردان خانواده‌ی پسر برای تعیین مهریه و مذاکرات دیگر، به منزل پدر دختر رفته با پدرش صحبت می‌کنند. همین که بین دو طرف موافقت حاصل شد یک تا چهار کله قند آورده در مجلس می‌شکنند. پس از شکستن قند، حاضران چای و شیرینی خورده مبارکباد می‌گویند. در بعضی خانواده‌ها در همان مجلس انگشتر پنج تن در انگشت عروس می‌کنند. پس از قند شکستن، دختر رسماً نامزد پسر می‌شود.

شیرینی خوران و عقد کنان: چند روز پس از مراسم نامزدی، یک تا چند خوانچه محتوی شیرینی و لباس از منزل پسر به منزل دختر فرستاده می‌شود و روز شیرینی خوران و عقدکنان تعیین می‌گردد.

در مجلس عقد، عروس موظف است در تمام مدتی که صیغه‌ی عقد در جریان است، روی زین اسبی که در طشتی قرار داده شده بنشیند والّا خوشبخت نخواهد شد.

روز شیرینی خوران حدود عصر، خانواده‌ی داماد و زنان فامیل و دوستان به منزل عروس می‌روند، زنان خانواده‌ی عروس هم حاضر می‌شوند. پس از این که همه‌ی میهمانان گرد آمدند، عروس را آرایش کرده و به مجلس آورده و نزد مادر داماد یا بزرگ فامیل او می‌برند و عروس دست او را می‌بوسد، سپس آن شخص انگشتر مخصوص عروسی را به دست عروس کرده، آن گاه لباس و زیورآلاتی که از منزل داماد فرستاده شده به مدعوین نشان می‌دهند و پس از صرف شیرینی و میوه‌ی حاضران به خانه‌های خود می‌روند. در تمام این مدت نوازندگان می‌نوازند و دختران یا زنان جوان مشغول رقص و پای کوبی و دست افشانی می‌گردند. حاضران هر یک به فراخور حال پولی به عنوان شادباش به نوازندگان می‌دهند.

حنابندان و استحمام: پس از آماده شدن جهیزیه‌ی عروس و تعیین روز عروسی، خانواده‌ی عروس و داماد وسایل لازم را تهیه می‌کنند. شب قبل از عروسی که شب حنابندان گویند، مردان خانواده و دوستان در خانه‌ی داماد به صرف شام دعوت می‌شوند، ولی زنان را برای شب عروسی و روز پاتختی می‌خوانند. هر کس برای دعوت زنان، از سوی خانواده‌ی داماد یا از جانب خانواده‌ی عروس می‌رود، صاحب خانه پولی یا خلعتی به دعوت کننده می‌دهد.

شب حنابندان مردم در منزل داماد جمع شده پس از صرف شام خوانچه‌های حنا را از منزل عروس به آن جا می‌آورند. در یکی از خوانچه‌ها آئینه و شمعدان، در یکی لباس و در دیگری اسباب حمام و یک طرف حنای خیس کرده برای داماد، در یک خوانچه هم خلعت برای ساقدوش و سولدوش و یک یا سه یا پنج خوانچه.

وضعیت عروسی در منزل: خانواده‌ی عروس مدعوین را برای چهار روز دعوت می‌کند. روز اول یه گل بخور بیا، یا آسترکبه (آستر و سجاف) روزی است که آن چه خانواده‌ی داماد از لباس و زینت آلات و کفش و جوراب برای عروس خریده‌اند با شیرینی به منزل عروس می‌فرستد و عصر آن روز به منزل عروس می‌روند، علاوه بر لباس عروس باید برای او اسباب حمام و برای دلاک و مشاطه، در خوانچه‌ها خلعت بگذارند. فرستادن خلعت برای مادر، پدر، خواهر و برادر عروس الزامی است. محتویات خوانچه‌ها باید به نظر تمام میهمانان برسد.

روز بعد از حنابندان، چند نفر از زنان جوان و دختران فامیل داماد به منزل عروس رفته به اتفاق او و همراهانش به حمامی که قبلاً قرق کرده‌اند رفته یک طاقه شال سر حمام می‌اندازند، پس از استحمام عروس، دلاکی که او را شستشو داده، مطالبه‌ی پول فرق بازکردن (یوپولی) می‌کند که از طرف خانواده‌ی داماد باید پرداخته شود و الّا از شانه کردن سر عروس ابا می‌نماید. سپس خانواده‌ی داماد در سر بینه‌ی حمام هر یک شمع روشنی به دست گرفته مشغول رقص چوبی شده با آهنگ موزونی می‌خوانند.

روز عروسی: صبح روز عروسی، چند نفر از مردان محترم فامیل داماد برای امضای صورت ریز جهیزیه‌ی عروس می‌آیند و در حضور پدر یا ولی دختر، صورت ریز آن را با تعیین قیمت تهیه و امضا کرده به منزل داماد انتقال می‌دهند. مدعوین هم گاه به ناهار و گاه برای عصر به منزل عروس دعوت می‌شوند. عصر آن روز داماد به اتفاق چند نفر از نزدیکانش برای دیدن پدر زن و مادر زن به آن جا می‌رود، پس از صرف شربت و شیرینی، پدر و مادر عروس هدیه‌ای به داماد می‌دهند.

پس از رفتن داماد، عده‌ای از زنان و مردان خانواده‌ی او برای بردن عروس آمده، مردان نزد پدر عروس و زنان نزد بانوان می‌روند. در این هنگام عروس را که آرایش داده‌اند به مجلس می‌آورند. خواهر داماد و هر یک از نزدیکانش، باید جلوی عروس برقصند و عروس که تا این روز شاباش نداده باید شاباش بدهد. بعد پسر کوچکی که از منزل داماد آمده کمربندی به کمر عروس بسته می‌خواند: «گلین گلین قیز گلین - اینجه لرین دوز گلین - یدی اوغلان ایستیرم - سوان بشی یون قیز گلین.»

پس از استراحت و صرف شام، عروس و داماد را دست به دست می‌دهند و مدعوین غیر از ینگه‌ها که از نزدیکان عروس انتخاب شده‌اند، به منازل خود می‌روند.

روز پاتختی: در این روز گاه مدعوین به ناهار و گاه برای عصر حاضر می‌شوند. به هر حال از منزل پدر، بستگان و دوستان عروس و داماد، خوانچه‌های متعدد شیرینی و قند و خلعت به منزل داماد فرستاده می‌شود که باید همه را صورت برداری کرده و در محلس جشن تذکر دهند تا همه آگاه شوند.

یک سوزنی و جانماز وسط اتاق پهن کرده آئینه و چراغ و صندلی می‌گذارند و عروس را آورده سه

دور گرد صندلی طواف می‌دهند. در گذشته این طواف در اطراف تنور که در تمام خانه‌ها وجود داشت انجام می‌شده و گویا مقصود این بوده که عروس را از ابتدا با کارهای خانه آشنا کنند. سپس دستمالی که آن را دو واغ می‌نامند بر سر عروس می‌گذارند و طفلی با دو تکه چوب آن را برداشته و فرار می‌کند، اگر عروس مانع از رفتن آن پسر شود هیچ و الّا باید خلعتی به او بدهد. پس از برداشتن دستمال، نقل بر سر عروس می‌ریزند و او را به حضور مادر شوهر و بزرگ‌تر هائی که در مجلس هستند، برای دست بوسی می‌برند و حاضران شیرینی خورده متفرق می‌شوند.

از فردای روز پاتختی، بازدید عروس شروع شده، ابتدا از منزل پدرش و بعداً به ترتیب خویشاوندی، از فامیل شروع و به دوستان ختم می‌گردد. ـ از کتاب آذربایجان غربی ـ ایرج افشار سیستانی

در آذربایجان غربی دو اقلیت مسیحی معروف هستند که از پیش از اسلام در این منطقه زندگی می‌کنند: ۱ـ ارامنه، ۲ـ آسوری‌ها.

نفوذ ترکی در آذربایجان

ضعف تدریجی زبان آذری با نفوذ زبان ترکی در آذربایجان آغاز شد. نخستین گروه ترکان در زمان حکومت محمود غزنوی به‌آذربایجان راه یافتند (ابن اثیر، حوادث سال ۴۲۰). اما از زمان تسلط سلجوقیان بود که قبایل ترک با کثرت بیشتری به‌آذربایجان روی آوردند و در نقاط مختلف آن نشیمن گرفتند (شهریاران گمنام احمد کسروی، سوم، ۴۳ به‌بعد؛ (آذری)، چاپ پنجم، ۲۵-۱۸).

با ادامهٔ تسلط ترکان در دوران اتابکان عدهٔ آنان فزونی گرفت و در دوران مغول که بیشتر لشکریان آنها ترک‌نژاد بودند و آذربایجان را تختگاه خود قرار دادند نفوذ ترکان بیشتر شد و جنگها و آشوبهائی که در فاصلهٔ برافتادن مغولان و برخاستن صفویان در آذربایجان پیش آمد عدهٔ بیشتری از لشکریان ترک را به‌آذربایجان خواند و در آنجا متوطن گردانید. حکومت ترکمانان آق‌قویونلو و قره‌قویونلو در همین فاصله در آذربایجان زبان آذری را بیش از پیش تضعیف نمود، چنانکه خاندان صفوی نیز که در اصل ـ چنانکه از شرح زندگی آنان آشکار است و از دوبیتی‌های شیخ صفی‌الدین، نیای بزرگ آنها، برمی‌آید ـ ایرانی زبان بودند، در همین دوره که مصادف با پیشرفت عنصر ترک در آذربایجان بود ترک زبان شدند. حکومت صفویان (۱۱۳۵-۱۷۲۲/۹۰۵-۱۴۹۹)، که کلاً با پشتیبانی قبایل ترک آذربایجان آغاز شد و نفوذ قزلباش پس از استقرار سلطنت آنان بررواج ترکی افزود، آذری را اقلاً در مراکز عمدهٔ آذربایجان متروک ساخت، به‌طوری که کم‌کم ترکی زبان رایج آذربایجان شناخته شد و حتی کلمهٔ آذری توسط برخی نویسندگان ترک و به‌تبع آنها از طرف بعضی از خاورشناسان به‌آن نوع ترکی که در آذربایجان رواج دارد اطلاق گردید.

محل آذری در میان زبانهای ایرانی: در اینکه آذری باستان چگونه زبانی بوده و چه خصوصیاتی داشته باید گفت که زبان سرزمین وسیعی چون آذربایجان بیشک صورت واحدی نداشته بلکه دارای لهجه‌های مختلف بوده است. قول مقدسی را (احسن‌التقاسیم، ۳۷۵) که زبانهای رایج حدود اردبیل را هفتاد نوع می‌شمارد، با وجود مبالغهٔ فاحشش باید حاکی از همین تفاوت لهجه‌های محلی آذربایجان شمرد. اما از طرف دیگر، اینکه زبان همه آذربایجان را آذری خوانده‌اند ـ که

چنانکه از فحوای کلام مسعودی که یاد شد برمی‌آید در ردیف «دری» و «فهلوی» از زبانهای عمدهٔ ایران به‌شمار می‌رفته ـ حاکی است که وجوه مشترک میان این لهجه‌ها چندان بوده که اطلاق اسم واحدی را برهمهٔ آنها موجه می‌ساخته.

همچنین تردید نیست که زبان آذری جز دنبالهٔ زبان مادی نمی‌توانسته باشد، چه آذربایجان و جبال مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبهٔ ترکی زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آنکه می‌توان تصور کرد که زبان اشکانی و سپس فارسی به‌نوبت در مراکز عمدهٔ آذربایجان تا حدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به‌جا گذاشته باشد. اما چون از زبان مادی باستان اثر مستقلی در دست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده ـ عمدتاً در کتیبه‌های هخامنشی ـ به‌جای نمانده است، تشخیص دقیق‌تر آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعهٔ آثار آذری در دورهٔ اسلامی و همچنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است.

فراوانی نسبی این زبانها و پراکندگی آنها در نقاط مختلف آذربایجان این احتمال را که این زبانها از نقطهٔ دیگری به‌این سامان سرایت کرده باشند منتفی و اصالت آنها را در این منطقه مسلم می‌سازد. از طرف دیگر پیوستگی و شباهت آنها به‌یکدیگر و اشتراک آنها در یک رشته خصوصیات صوتی و دستوری، تعلق آنها را به‌گروه معینی از زبانهای شمال غربی ایران تأیید می‌کند. این گروه معین را می‌توان زبان مادی خواند و آذری را در شمال و آنچه را مآخذ اسلامی «فهلوی» خوانده‌اند در جنوب (که عموماً غرض از آن زبانهای محلی نواحی غربی و مرکزی ایران غیر از انواع کردی و لری است) دو شعبهٔ عمدهٔ آن محسوب داشت.

متأسفانه از زبان نواحی مرکزی آذربایجان جز دو جمله از زبان تبریز که یاد شد و برخی لغات و اصطلاحات که وارد زبان ترکی کنونی شده، کمتر اثری باقی مانده است. ولی این طبیعی است که زبانهائی که زیر فشار زبان دیگری قرار می‌گیرند در مراکز اقتصادی و سیاسی زودتر از میان می‌روند تا در نواحی کناره و دور از مرکز. آثار مکتوب و همچنین شهادت برخی افراد سالمند نواحی تات نشین که نگارنده از آنها کسب اطلاع کرده است نشان می‌دهد که دهات ایرانی زبان آذربایجان خیلی بیشتر از امروز بوده و گویشهای اصیل محلی گسترش بیشتری داشته است.

زبان دوبیتی‌های شیخ صفی: مهمترین اثر کتبی زبان آذری را باید دوبیتی‌های شیخ صفی‌الدین شمرد. با آنکه اردبیل در کنار شرقی آذربایجان قرار دارد، نظر به‌اعتبار خاص آن در دوران پیش از اسلام، و همچنین در دوره‌های اسلامی، باید زبان آنرا از گویشهای معتبر آذری شمرد. چه اردبیل قبل از آنکه به‌دست اعراب بیفتد «مدینهٔ» آذربایجان و مرکز امور مالی و مقرّ مرزبان آن بود.

از دوبیتی‌های شیخ صفی فقط به‌معدودی خصوصیات دستوری آنها می‌توان پی برد، زیرا اولاً فقدان اِعراب و تصرف و تصحیف کاتبان، خواندن این اشعار و دریافت تلفظ درست کلمات را دشوار و گاه ممتنع ساخته است، و ثانیاً تأثیر فارسی و معدود بودن دوبیتی‌ها مانع آن است که خصوصیات عمدهٔ زبان آشکار شود. با این همه می‌توان برخی قواعد صوتی و صرفی و همچنین بعضی لغات مخصوص آذری را از این دوبیتی‌ها دریافت. دانشنامه ایران و اسلام

آسوریان: بقایای ملت قدیم کلده هستند که از دو هزار و پانصد سال پیش در ایران به سر می‌برند. در زمان اشکانیان و ساسانیان به دین عیسی درآمدند و به یکی از مذاهب قدیم یعنی نسطوری درآمدند. به جز مذهب شیعه جعفری دوازده امامی، برخی از مردمان آذربایجان غربی پیرو مذهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی هستند. زردشتیان در آذربایجان غربی

زبان امروزی آذربایجان که در گروه بندی زبان‌ها و کتاب‌های دایرة المعارف از آن به اختلاف به نام آذربایجانی زبان آذربایجان، آذری و ترکی آذری نام می‌برند به زبانی گفته می‌شود که امروزه اکثریت بزرگ سکنه‌ی محدوده‌ای که از نظر جغرافیائی به نام آذربایجان بر خود دارد، به طور عموم، اقوام و عشایر و واحدهای پراکنده‌ای به فواصل دور و نزدیک از این خطه‌ی جغرافیائی به آن تکلم می‌کنند و احساس‌ها و اندیشه‌ها و مقاصد خود را در قالب الفاظ کلمات آن می‌ریزند. این زبان در داخل مرزهای ایران، زبان محاوره‌ای اکثریت ساکنان منطقه‌ی شمال غربی و طوایف و واحدهای مختلف در سرتاسر ایران می‌باشد.

زبان کنونی آذربایجان از نظر منشأ و پیوستگی تاریخی از زبان‌های منشعب از شاخه‌ی ترکی زبان‌های آلتائیک می‌باشد که موطن اصلی آن در ادوار تاریخی نخست جلگه‌های وسیع آسیای مرکزی و سواحل ینی سئی بوده و بعدها در طول اعصار و قرون، در نتیجه‌ی مهاجرت و اسکان قبایل و اقوام ترک زبان گسترش یافته و دامنه‌ی آن از یک طرف تا سوریه و بین النهرین و از طرفی دیگر تا شبه جزیره‌ی بالکان کشانده شده و زبان تکلم و کتابت ملل و اقوام مختلف گشته است.

زبان آذربایجان که در گروه بندی امروزی زبان‌های ترکی جزو زبان‌های گروه جنوب غربی محسوب می‌گردد. در عین حال که در اساس از زبان عشیر اوغوز منشعب گشته است در سیر تاریخی خود اقتضای موقعیت جغرافیائی این خطه از یک طرف با عناصر شاخه‌های دیگر زبان ترکی قدیم و در درجه‌ی اول زبان قبچاق که به وسیله‌ی قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می‌شده الفت یافته و از طرف دیگر زبان‌های فارسی و کردی در جنوب و مغرب و با زبان‌های گرجی ارمنی در شمال و شمال غربی مجاورت و آمیزش پیدا کرده است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که زبان آذربایجان در اثر گذشت زمان بر اساس سیر تکامل خود و یا این که به علل تاریخی تحت تأثیر جاذبه‌ی زبان فارسی، عربی، ارمنی، گرجی و نیز زبان‌های کردی، تالشی و غیره قرار گرفته، از نظر دستوری بسیار غنی است، ادبیات عامه‌ی آن به ویژه اشعار بایاتی (بیاتی) که مردم آذربایجان خصوصاً کوهپایه و کرانه‌های ارس زمزمه می‌کنند و اغلب این اشعار در سوگواری شنیده می‌شود، با یک دنیا لطف و هنر آمیخته‌اند و شاید یکی از غنی‌ترین و وسیع‌ترین ادبیات فولکوریک باشند.

در حال حاضر در آذربایجان غربی زبان‌های ترکی آذری و کردی زبان‌های اصلی را تشکیل می‌دهند و اقلیت‌های مذهبی نیز به زبان‌های آشوری، ارمنی و کلیمی تکلم می‌کنند. با این حال در سال‌های اخیر زبان آذربایجانیان، کم کم به فارسی تغییر می‌یابد، روزنامه‌ها و انتشارات همه به فارسی بوده، در مدارس و دانشگاه‌ها به فارسی تدریس می‌شود، به قسمی که اکنون بیشتر خانواده‌ها، کودکان به فارسی سخن می‌گویند. (جوادی، پروفسور شفیع).

بر طبق آثار به دست آمده، از اوایل هزاره‌ی چهارم

تا اواخر هزاره‌ی پیش از میلاد، تغییرات مهمی در آئین و رسوم اقوام اولیه‌ی ساکن فلات ایران چشم نمی‌خورد، ولی از هزاره‌ی دوم نفوذ عقاید و آئین آریائی در این سامان گسترش یافت.

غرب ایران به خصوص آذربایجان غربی، از گذشته‌های دور از مراکز کهن انتشار مذهب مسیح بوده است، زیرا اکثر کلیساهای کهن و معروف ایران مانند کلیسای طاطاوس و یا تادی مقدس معروف به قره کلیسا واقع در جنوب شهرستان ماکو، کلیسای سن استپانوس در ۱۷ کیلومتری جلفا، کلیسای سنت جورج در روستای هفتواس سلماس، کلیسای سنت هریپ سیمه در روستای موجومبار شهرستان مرند و کلیسای سوپ سرکیس یا سرکیس مقدس در خوی در شمال غربی و غرب کشور قرار دارند.

نمونه ورزش‌های بومی و محلی استان آذربایجان غربی: ۱ - کشتی آسیرما ۲ - بازی توپ عربی ۳ - بازی کس آغاج ۴ - بالیق منده

بالیق منده: «بالیق منده» (ماهی در دست من است) بازی جمعی و تک گروهی است که توسط ۴ تا ۱۰ نفر در داخل آب (استخر و یا نقاط عمیق رودخانه) انجام می‌شود. این بازی به وسیله‌ی خاصی نیاز ندارد، بازیکنان باید شناگران ورزیده و با استقامت و پر نفسی باشند.

کس آغاج: «کس آغاج» (به ضمه ک و فتحه س خوانده می‌شود) بازی جمعی تک گروهی است که در منطقه‌ی شهرستان میاندوآب متداول بوده و در حال حاضر نیز در برخی از روستاهای این شهرستان انجام می‌شود. از کتاب‌های ورزشی سنتی، بومی و محلی - غلامحسین ملک محمدی - کمیته‌ی ملی المپیک

دریاچه ارومیه: واقع در شمال غربی ایران به مساحت تقریبی ۴۸۱۰کیلومتر مربع و پیرامون آن ۴۶۳ کیلومتر است. طول دریاچه در حدود ۱۳۰ الی ۱۴۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۵ الی ۴۰ کیلومتر است. ارتفاع دریاچه از سطح آبهای آزاد ۱۲۷۴ متر عمق متوسط آن ۵ الی ۶ متر تخمین زده می‌شود. دریاچه دارای ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک بوده، کل مساحت جزایر بر روی هم معادل ۳۳۴کیلومتر مربع می‌باشد ،جزیره اسلامی کبودان ،آرزو ،اسپیر، جزایر نه گانه از نظر وحوش و وسعت قابل اهمیت می‌باشند .آب دریاچه بعد از بحرالمیت از نظر املاح نمکی در رده دوم قرار دارد که استحصال نمک آن معروف و تنها موجود قابل زیست در آن آرتمیا می‌باشد. اخیرا با احداث کارخانه‌ای از کرمهای فوق پروتئین مخصوص برای تغذیه ماهی استحصال می‌شود.

عشایر استان آذربایجان غربی

وجود مراتع ییلاقی و قشلاقی مایه‌ی رشد کوچ نشینی این منطقه گشته، مناطق جلگه‌ای تبریز، مرند و سراب این سرزمین را از مراکز مهم دامداری کرده است.

عشایر قره داغ در نواحی کوه‌های قره داغ و سبلان به ییلاق می‌روند و منطقه‌ی قشلاقی آن‌ها دشت مغان در منطقه‌ی غرب دره‌ی رود قره سو می‌باشد. برخی از طوایف قره داغ با توجه به مناطق ییلاقی و قشلاقی در برخی از سال‌ها به مناطقی در حوالی اهر، تبریز، بُناب و عجبشیر در غرب استان و ضلع غربی و شمالی مرند می‌کوچند.

عشایر کوچرو در مناطق اخیر الذکر زمستان‌ها را در خانه‌های روستائی و اجاره‌ای می‌گذرانند. بخشی از این عشایر این استان در شهرهای

همجوار و هم چنین در حوالی مزارع کشت و صنعت اسکان یافته‌اند یا به شهرهای دیگر کوچیده‌اند. فعالیت عمده‌ی آنان دامداری است، اما فعالیت‌های کشاورزی با شیوه و ابزارهای سنتی می‌باشد و در نتیجه برداشت محصول محدود است.

شال، گلیم، جاجیم و قالیچه، نمد از جمله محصولات صنایع دستی عشایر آذربایجان غربی می‌باشد.

اقتصاد

معادن: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۲۰۱ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- استخراج سنگ آهن (۱) ۲- استخراج سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۲)، ۳- سنگ طلا (۱)، ۳- منگنز (۱)، ۴- استخراج سنگ، شن و ماسه (۱۲۸)، ۵- شن و ماسه (۹۴)، ۶- سنگ تزئینی (۵۸)، ۷- سنگ لاشه (۹)، ۸- سنگ آهک (۱۱)، ۹- سنگ گچ (۹)، ۱۰- دولومیت (۱)، ۱۱- استخراج مواد معدنی و شیمیایی (۶) ۱۲- باریت (۵)، ۱۳- زرنیخ (۱)، ۱۴- استخراج نمک (۳)، ۱۵- استخراج سایر مواد معدنی (۷)، ۱۶- سیلس (۳)، ۱۷- پوکه معدنی (۳)، ۱۸- میکا (۱)

در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱-سنگ آهک ۱۷۰۳۹۲۵ تن ۲- سنگ گچ ۲۶۶۲۷۶ تن ۳- دولومیت ۴۰۰۰ تن ۴- باریت ۲۱۶۰۰ تن ۵- زرنیخ ۲۷۵ تن ۶- نمک آبی ۲۰۷۲۰ تن ۷- نمک سنگی ۱۷۳۲۰ تن ۸- سیلیس ۳۱۴۵۰ تن ۹- پرلیت ۲۳۰۴۲ تن ۱۰- میکا ۳۰۰۰۰ تن

جمع تعداد کارگاههای صنعتی ۴۲۵ کارگاه.

ارومیه ۲۲۲، بوکان ۱۷، اشنویه ۱، پیرانشهر ۳، تکاب ۳، خوی ۴۲، سلماس ۱۹، شاهیندژ ۶، ماکو ۱۲، مهاباد ۲۷، میاندوآب ۶۳، نقده ۱۰.

باغات انگور وتوتستان‌ها: استان آذربایجان غربی به دلیل تنوع آب و هوایی و وجود ارتفاعات پوشش‌های گیاهی جنگل‌ها مراتع غنی خصوصا در فصل بهار و تابستان از زیبایی حیرت انگیزی برخوردار می‌باشد. ارومیه به لحاظ قرار گرفتن در جلگه حاصلخیز و سر سبز به شعاع ۶۰کیلومتر از اطراف پوشیده از باغات سیب و انگور و توتستان‌ها بوده که پس از تامین احتیاجات داخلی بخش قابل توجهی از صادرات کشور را تشکیل و در این راستا بزرگترین کارخانه تولید آب انگور کشور (کارخانه پاکس و کارخانه‌های تبدیلی دیگر) در این راستا احداث گردیده که در توسعه اقتصادی استان نقش به سزایی دارد.

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی آذربایجان غربی

غلات هکتار/ تن (گندم ۴۰۱۳۰۳، ۷۰۳۴۱۰- جو ۵۱۵۵۶، ۷۶۲۱۷- شلتوک ۱۲۰، ۳۷۷- ذرت دانه‌ای ۱۴۵۸، ۸۵۶۸)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۷۵۵۵۲، ۳۶۱۴۷- لوبیا ۲۴۲۳، ۴۰۹۷- عدس ۶۶۶۰، ۲۵۹۱)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (توتون و تنباکو ۲۰۶۲، ۳۶۸۵- چغندرقند ۲۶۱۲۵، ۱۰۳۹۶۸۰-کلزا ۱۱۵۳، ۱۹۵۰)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۱۹۶۱، ۴۱۰۳۰- پیاز ۶۷۷، ۲۰۵۴۴- گوجه‌فرنگی ۵۴۳۸، ۲۱۳۸۱۲)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴۸۰، ۱۰۱۹۰- هندوانه ۸۰۷، ۲۲۸۳۸- خیار ۱۰۰۶، ۱۶۸۲۹)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۷۰۵۰۵، ۵۳۶۸۹۴- شبدر ۱۷۴، ۶۵۲)

محصولات: سیب، گلابی، به، میوه‌های هسته دار (آلبالو، گیلاس(تکدانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده، سفید ارومیه)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا، میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، شاهرودی، یاقوتی،)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته، بادام، گردو، سنجد. میوه‌های سردسیری: زالزالک، سماق. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، زیتون. گیاهان دارویی: زیره سبز. زعفران، گلستان، غیرمثمر.

محصولات زیرکشت : اراضی زیرکشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۵/۱۷ رتبه ۱۱ مقدار غلات ۷۸۸۵۷۳ تن رتبه ۱۱ - مقدار تولید حبوبات ۴۲۸۹۷ تن رتبه ۵ تولید محصولات صنعتی ۱۰۵۹۷۱۸ تن رتبه ۳ - تولید سبزیجات ۲۸۱۳۴۸ تن رتبه ۱۷ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۵۴۲۵۱ تن رتبه ۲۴ - مقدار تولید علوفه ۵۷۳۱۶۸ رتبه ۱۰ - مقدار تولید محصولات باغی ۱۱۳۲۴۵۳ تن رتبه ۴ - مقدار تولید پسته ۱۰ تن رتبه ۱۷

وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی: میزان تولید شاخه گل ۱۷۶۵۵۰ شاخه - گلدان ۳۳۳۰۰ - اصله ۹۲۶۰۰۰ - میزان گیاهان فصلی و نشائی ۱۹۰۰۰۰ بوته - گیاهان داروئی ۱۰۴۳۶۸۵ کیلو - تولید عسل ۶۳۲۱۸۷۷ کیلو - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۲۷۵۴۷۶۱ هکتار.

صنایع: روغن صنعتی (۱)، روغن خام زیتون (۱)، شیر پاستوریزه (۱۲)، ماست پاستوریزه (۸)، آرد غلات (۱)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۱۷)، شکر از چغندر قند (۵)، بسته بندی شکر (۳)، قند از شکر (۴)، ماکارونی (۱۴)، چای خشک بسته بندی شده (۵)، انواع رب گوجه فرنگی (۲۲)، نمک طعام (۱)، فرش ماشینی (۱۵)، گریس (۲).

صنایع غذایی: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۸۵۹ واحد)، ساخت منسوجات (۹۴ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۷۸ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۹۱ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۱۸ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۱۳۵ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۲۶۸ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۶۰ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۲۵۴ واحد)، بازیافت (۹ واحد).

تولیدات صنایع دستی: ریزه کاری چوب، تهیه مصنوعات چرمی، پولک‌دوزی، نمدمالی، خراطی چوب، دستبافی، قرقره‌بافی، قلاب‌بافی، گلیم‌بافی، منبت‌کاری، قالیبافی، برجسته‌کاری چوب، گلدوزی، معرق، سبدبافی، سرامیک، مکرومه‌بافی، مرواریدبافی، حصیربافی، منبت، گل‌چینی، گلسازی، قلمزنی، جولایی

معادن: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۲۰۱ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- استخراج سنگ آهن (۱) ،۲- استخراج سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۲) ،۳- سنگ طلا (۱) ،۳- منگنز (۱) ،۴- استخراج سنگ، شن و ماسه (۱۲۸) ،۵- شن و ماسه (۹۴) ،۶- سنگ تزئینی (۵۸) ،۷- سنگ لاشه (۹) ،۸- سنگ آهک (۱۱) ،۹- سنگ گچ (۹) ،۱۰- دولومیت (۱) ،۱۱- استخراج مواد معدنی و شیمیایی (۶) ۱۲- باریت (۵) ،۱۳- زرنیخ (۱)، ۱۴- استخراج نمک (۳) ،۱۵- استخراج سایر

مواد معدنی (۷) ،۱۶- سیلس (۳) ،۱۷- پوکه معدنی (۳) ،۱۸- میکا (۱)

در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است:
۱- سنگ آهک ۱۷۰۳۹۲۵ تن ۲- سنگ گچ ۲۶۶۲۷۶ تن ۳- دولومیت ۴۰۰۰ تن ۴- باریت ۲۱۶۰۰ تن ۵- زرنیخ ۲۷۵ تن ۶- نمک آبی ۲۰۷۲۰ تن ۷- نمک سنگی ۱۷۳۲۰ تن ۸- سیلیس ۳۱۴۵۰ تن ۹- پرلیت ۲۳۰۴۲ تن ۱۰- میکا ۳۰۰۰۰ تن

سیمای بخش کشاورزی استان آذربایجان غربی: استان آذربایجان غربی به دلیل واقع شدن در چین خوردگی‌های زاگرس دارای آب و هوای مطبوع و اقلیمی ناپایدار و با بارندگی‌های مناسب و متغیر از ۱۵۰ تا ۴۰۰ میلیمتر و وجود خاک حاصلخیز، از استعدادهای بالقوه و بالفعل فراوانی در امر دامپروری و تولید کشاورزی برخوردار است. از جمله امکانات استان می‌توان به آب فراوان موجود در رودخانه‌های دائمی و فصلی و نزولات جوی و آب‌های زیرزمینی آن اشاره کرد که به لحاظ داشتن منابع آبی بعد از استان خوزستان رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است.

در استان آذربایجان غربی هم اکنون یک میلیون هکتار اراضی قابل کشت، ۲/۵ میلیون هکتار مرتع، ۱۷۴ هزار هکتار جنگل و هشت میلیون واحد دامی وجود دارد، سالانه ۶۵۰ تا ۷۵۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان به دو شیوه‌ی دیم و آبی زیر کشت می‌روند.

عمده‌ترین محصولات کشاورزی استان شامل چغندر قند، حبوبات، محصولات جالیزی، دانه‌های روغنی، سیب، انگور و سایر میوه‌هائی از قبیل (گردو، بادام، گیلاس، آلبالو و شلیل) است.

آذربایجان غربی را باید یکی از قطب‌های صنعت دامپروری کشور دانست. بر اساس مشخصات آماری این استان با دارا بودن ۱۴ شهرستان و ۳۵ بخش دارای ۸ میلیون و ۷۵۴ هزار واحد دامپرورری است. میزان کل تولیدات دامی افزون بر ۵۰۰ هزار تن است، مصرف استان نسبت به این تولیدات رقمی حدود ۳۶۲ هزار تن می‌باشد و رقم مازاد بر نیاز استان که حدود ۱۳۹ هزار تن است، به خارج از استان صادر می‌شود.

هم چنین بررسی‌های نشان می‌دهد سرانه تولیدات دامی ۱۷۵/۳ کیلوگرم است. در این ارتباط گوشت قرمز به میزان ۴۸ هزار و ۲۰۰ تن، شیر به میزان ۳۹۶ هزار تن و افزون بر شش هزار تن عسل در استان تولید و به بازار مصرف عرضه شده است. استان آذربایجان غربی از ظرفیت‌های فوق العاده‌ای در زمینه‌ی تولیدات محصولات دامی برخوردار بوده و هست به طوری که رتبه‌ی سوم تولید گوشت قرمز، رتبه‌ی پنجم در تولید شیر، رتبه‌ی نهم در تولید گوشت مرغ و تخم مرغ و رتبه‌ی اول تولید عسل را داراست.

استان آذربایجان غربی با دارا بودن اکوتیپ‌های مختلف دام سبک و سنگین و سازگار با اقلیم منطقه، دارای تنوع جمعیت دامی بوده به طوری که در ارتباط باگاومیش داری و زنبور داری رتبه اول را در کشور به خود اختصاص داده است.
۲۰ درصد کل عسل تولیدی کشور در این استان تولید می‌شود و سهم استان از تولیدات دامی کشور حدود ۶ درصد است که علاوه بر تأمین نیاز داخلی، بخشی از احتیاجات پروتئین دامی سایر استان‌ها را نیز تأمین می‌نماید. آذربایجان غربی

بعد از استان‌های خراسان و فارس از نظر تعداد واحد دامی مقام سوم کشور را داراست و به لحاظ نسبت ترکیب جمعیت دامی بزرگ به کوچک دارای رتبه‌ی اول است.

اکوتیپ‌های غالب گوسفند و بره، شامل قزل، ماکویی، هرکی، افشار و شین بش می‌شود.

بخش کشاورزی استان و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای این استان در زمینه محصولاتی نظیر چغندر قند، حبوبات، دانه‌های روغنی، محصولات جالیزی و میوه‌های هسته دار است.

میزان تولید گندم استان بالغ بر ۷۵۰ هزار تن می‌باشد که این رقم در سال‌های قبل به ۶۴۰ هزار تن می‌رسید.

در تولید محصولات دیگر از جمله حبوبات، سیب، انگور، عسل و تولید آبزیان، استان روند مطلوب و رو به رشدی را طی کرده است. تاکنون سه هزار هکتار از باغات انگور به صورت مدرن و داربستی کشت شده است که در افزایش تولید تأثیر گذار بوده است.

مقدار آبی را که می‌توان در استان استحصال کرد، حدود هفت میلیارد متر مکعب است که هم اکنون ۳/۵ میلیارد آن استحصال می‌شود و در اختیار بخش کشاورزی است با اتمام مراحل ساخت ۲۰ سد در دست احداث می‌توان ۲/۵ میلیارد دیگر به ظرفیت آب استحصال استان افزود که افق روشنی برای بخش کشاورزی است.

۶۰ درصد صنایع مربوط کنسانتره کشور در استان آذربایجان غربی است. با وجود ۷۶ واحد سردخانه‌ای در استان، ۲۰۰ هزار تن ظرفیت سردخانه‌ای وجود دارد اما با این وجود هنوز در صنعت بسته بندی محصولات مشکلاتی به چشم می‌خورد.

گاومیش دام بومی و اصیل آسیاست و بیش از ۸۵ درصد آن در کشورهای آسیایی زندگی می‌کنند. این دام به واسطه‌ی تولیدات با ارزش خود نقش بسزایی در اقتصاد روستاییان و پرورش دهندگان آن ایفا می‌کند. به طوری که معمولاً شیر آن حدود ۲ الی ۲/۵ برابر قیمت شیر گوسفندی به فروش می‌رسد. میزان تولید شیر و درصد چربی آن در مقایسه با دام‌های بومی بالا بوده و همچنین از علوفه‌های خشبی و مراتع می‌تواند استفاده نماید که از مزیت‌های این دام به شمار می‌آید.

همایون سجادی ـ پیام جهاد کشاورزی

زمین‌شناسی:

بررسی ساختاری مجموعه دگرگونی شاهین‌دژ آذربایجان غربی: سنگ‌های دگرگونی با منشأ رسوبی و گرانیتوئیدهای مجموعه دگرگونی سورسات در حاشیه‌ی شمالی پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان، در شمال باختر ایران برونزد دارد. مطالعات صحرایی و سنگ‌شناسی این سنگ‌های رسوبی دگرگون شده نشانگر سنگ مادری متشکل از شیل، سیلت استون، گری وک با درون لایه‌های کربناتی، ماسه سنگ آرکوزی و سنگ‌های آذرآواری می‌باشد. پر فیروبلست‌های آندالوزیت، سیلیمانیت (فیبرولیت)، استارولیت و کردیریت در بخش‌هایی از سنگ‌های رسوبی دگرگون شده که غنی از کانی‌های رسی هستند، عمومیت دارند.

این مجموعه‌ی سنگی متعلق به مجموعه‌ی دگرگونی تکاب بوده و مجموعه‌ی سورسات نامیده شده است (درویش زاده، ۱۳۷۰). مجموعه دگرگونی سورسات در طول لبه‌ی خاوری پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان، جنوب خاور شهر شاهین دژ

در جنوب استان آذربایجان باختری.
سنگ‌شناسی مجموعه‌ی دگرگونی: واحدهای چینه‌شناسی مجموعه رسوبات سورسات را می‌توان به دو دسته‌ی اصلی تقسیم کرد. دسته‌ی اول شامل سنگ‌های گرانیتوییدی و دسته‌ی دوم شامل سنگ‌های رسوبی دگرگون شده است. مجله‌ی علوم زمین

نقش زمین‌ساخت در تحول زمین ریخت‌شناسی آذربایجان غربی:

رشته کوه بزقوش به عنوان یک توده‌ی نفوذی کمانی شکل با راستای تقریبی خاوری - باختری در خاور دریاچه‌ی اورمیه قرار گرفته است. ساختار آن به وسیله‌ی گسل‌های نرمال با راستای ESE-WSW معکوس با راستای ESE-WNW مشخص می‌شود. این گسل‌ها، تعدادی از سرشاخه‌های رودخانه‌ی اصلی (وانق چای) را به طور عرضی بریده‌اند. حرکات قائم این گسل‌ها، عامل جابجایی پادگانه‌های رودخانه‌ای بوده، جایگزینی و گسترش مخروط افکنه‌های پایکوه‌های شمالی بزقوش را بر عهده دارد. زمین چهره‌های (Landforms) تراکمی مذکور، در بررسی تحولات کواترنر به عنوان شاهد ریخت زمین ساختی و ریخت نو زمین ساختی مطالعه شده‌اند. در پایان، بر اساس تحلیل‌های ریخت سنجی و ریخت‌شناسی آشکار می‌شود که نقش نیروهای زمین ساختی در تحول زمین ریخت‌شناسی اخیر منطقه مورد مطالعه، حائز اهمیت است.

تغییرات آب و هوایی و حرکات زمین ساختی، دو عامل اصلی تحول سیستم‌های آبرفتی هستند. تغییرات آب و هوایی سبب کاهش یا افزایش پوشش گیاهی شده و میتواند نوساناتی در رواناب و بار رسوبی رودخانه‌ها ایجاد کرده و سرانجام تغییراتی را در فرآیندها و اشکال آبرفتی را به وجود آورد. حرکات زمین ساختی نیز می‌توانند با تغییر سطح اساس، فرایندهای آبرفتی و تحول منطقه را تحت تأثیر قرار داده و موجب جابه جایی و تغییر شکل عوارض رودخانه‌ای شوند (Li etal., 1999). از آن جا که فرآیندهای آبرفتی نسبت به فعالیت‌های زمین ساختی حساس هستند، تحلیل زمین ریختی سامانه‌های آبرفتی، ابزار سودمندی برای اثبات وجود زمین ساخت در یک منطقه است (Merritts etal.,1994). هدف این مقاله، بررسی تأثیر حرکات زمین ساختی در جایگزینی و جابه جایی ریخت‌های
آبرفتی و اثبات پویا بودن روند ریخت ساختی کواترنری در پایکوه‌های شمالی رشته‌کوه بزقوش است. روش مطالعه‌ی مورد استفاده در این پژوهش، بر مبنای مشاهدات و اندازه‌گیری‌های میدانی، تحلیل‌های کمی، رسم و تحلیل انواع نیمرخ‌ها، مقاطع و نمودارها استوار است. در این راستا، نخست با مطالعه‌ی الگوی آبراهه در منطقه، با استفاده از تحلیل‌های آماری و رسم نمودارهای گلسرخی (Rose Diagram)، همخوانی جهت اغلب آبراهه‌های رتبه‌های پایین با روند گسل‌ها به عنوان شاهدی از ریخت نو زمین ساخت مطرح شده است. در مرحله‌ی بعدی با رسم نیم رخ‌های توپوگرافی، تشکیل پنجه‌های آبرفتی (allovial fans) قدیمی و جایگزینی پنجه‌های آبرفتی جوان پایکوه‌های شمالی رشته کوه بزقوش در کواترنر مورد بررسی قرار گرفته است. مجله‌ی علوم زمین
سنگ‌شناختی جنوب خاوری شاهین‌دژ آذربایجان غربی: سنگ‌های گرانیتوییدی

مجموعه‌ی دگرگونی سورسات را از دیدگاه ویژگی‌های صحرایی، سنگ شناختی و زمین شیمیایی میتوان به سه گروه اصلی تقسیم کرد. گروه اول شامل توده‌های گرانیت گنیسی نوع S همزمان با زمین ساخت، گروه دوم شامل توده‌های گرانیتی، گرانودیورتی و تونالیتی نوع I کمان آتشفشانی و گروه سوم شامل گرانیت‌های قلیایی پس از برخورد است.

سنگ‌های مجموعه‌ی دگرگونی سورسات شامل انواع مختلف شیست است و پورفیروبلست‌های آندالوزیت، کردیریت، استارولیت، گارنت و سیلیمانیت (فیبرولیت) در آن‌ها دیده می‌شود. سنگ مادر مجموعه‌ی دگرگونی، سورسات شامل تناوبی از شیل، سیلتستون و گری وک به همراه میان لایه‌های کربنات، ماسه سنگ آرکوزی و آذر آواری است.

بررسی‌های انجام شده بر روی سنگ‌های رسوبی دگرگون شده منطقه‌ی مورد مطالعه، نشانگر وجود دست کم یک برگوارگی نافذ (S2) در سنگ‌های منطقه است. این برگوارگی، اغلب موازی با لایه بندی اولیه‌ی سنگ‌های دگرگونی است. مطالعه‌ی پورفیروبلست‌های موجود در برش‌های نازک، دو مرحله‌ی دگر شکلی کاملاً متمایز را در مجموعه دگرگونی سورسات نشان می‌دهد.

سنگ‌های مجموعه دگرگونی سورسات در طول لبه‌ی شمالی زون سنندج ـ سیرجان، جنوب خاور شهر شاهین دژ در جنوب اِستان آذربایِجان باختری بین عرض‌های جغرفیایی ۳۰، °۳۶ تا ۴۰، °۳۶ و طول‌های جغرافیایی ۴۵، °۴۶ تا ۵۵، °۴۶ قرار دارد. این مجموعه یک تاریخ دگر شکلی پیچیده را در داخل خود حفظ کرده است. این مجموعه‌ی سنگی متعلق به مجموعه‌ی دگرگونی تکاب بوده به نام مجموعه سورسات نامیده شده است. براساس مطالعات پالینولوژی، سن سنگ مادر این مجموعه‌ی کامبرین زیرین به دست آمده است.

با بررسی و در نظر گرفتن موقعیت نمونه‌های سنگی در نمودارهای مختلف سری‌های ماگمایی، ماگمای ایجاد کننده‌ی توده‌های مشاهده شده در منطقه، به یقین متعلق به سری کلسیمی ـ قلیایی (کالک آلکالن) هستند. سنگ‌های گروههای اول و سوم در محدوده‌ی پرآلومین و سنگ‌های متعلق به گروه دوم در محدوده‌ی متاآلومین قرار دارند.

محیط زمین ساختی گرانیت: گرانیت‌ها توسط پژوهشگران بسیاری بررسی و براساس محیط زمین ساختی رده بندی شده‌اند. اگرچه تقسیم بندی‌ها نتیجه واحدی داشته و همپوشی دارند، اما هر کدام از آن‌ها، بر روی پارامتر خاصی تکیه می‌کنند.

چنان که مشهود است در نمودارهای تفکیکی ارائه شده از سوی پژوهشگران مختلف رژیم خاستگاه گرانیت‌ها از یکدیگر تفکیک شده و سپس به هر رژیم خاستگاهی، یک رژیم زمین ساختی نسبت داده شده است. بر همین پایه‌ی اگر زمانی در یک رژیم زمین ساختی خاص، گرانیت‌ها دارای خاستگاه متفاوتی باشند، در هنگام استفاده از این نمودارها دچار چندگانگی خواهیم شد. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۱ و ۵۲

آذربایجان غربی: کانی زائی در منطقه زورآباد خوی در واحد متابازالت، دگرگونی این واحد و تأثیر آن بر روی سولفیدها از یافته‌های جدید در این منطقه است که تاکنون به آن توجه نشده است. این مقاله به تأثیرات دگرگونی روی سولفیدها

می‌پردازد همچنین مجموعه فرآیندهای مؤثر روی کانی زایی را بعد از تشکیل مورد مطالعه قرار می‌دهد. کانی زایی به صورت عدسی‌ها و مناطق گوسان در منطقه دیده می‌شود. علاوه بر شکل یاد شده کانی زائی انتشاری،

رگچه‌ای و لایه‌ای نیز روی داده است. کانی‌های سولفیدی شامل پیریت، پیروتیت، کالکوپیریت، اسفالریت، کوولیت و مارکاسیت بوده و کانی‌های اکسیدید اولیه ایلمنیت و مگنتیت می‌باشند. عمده‌ترین کانی‌های سیلیکاتی، اکتینولیت، کلریت، اپیدوت، آلبیت و کوارتز هستند و کانی‌های کلریت و اکتینولیت در سنگ ایجاد شیستوزیته نموده‌اند. مطالعات بافتی نشان می‌دهند که کلیه‌ی سولفیدها مانند سیلیکات‌ها متحمل دگرگونی شده‌اند. وجود بافت‌هایی نظیر رشد پورفیروبلاستیک، گرانوبلاستیک، چین خوردگی لایه‌ها و رگچه‌های سولفیدی، جهت یافتگی سولفیدها در جهت شیستوزیته، تبلور مجدد و رشد بلورهای فرعی، وجود حاشیه‌های جوش خورده و لغزشی در پورفیروبلاست‌ها و بافت کاتاکلاستیک همگی نشان دهنده‌ی رویداد دگرگونی دینامیک ـ ناحیه‌ای می‌باشند. بعد از دگرگونی پیشرونده فرآیندهای آبزا و دگرگونی پسرونده منطقه را تحت تأثیر قرار داده و در این مرحله رگه‌های کلریتی، اپیدوتی، کلسیتی و کوارتزی همراه با رگه‌های سولفیدید تشکیل شده‌اند. فرآیندهای اکسیداسیون و سوپرژن نیز باعث تشکیل پیریت کلوفرم چشم پرنده‌ای، تبدیل کالکوپیریت و پیروتیت به پیریت و مارکاسیت و تشکیل اکسیدهای آهن شده‌اند. بر اساس مطالعات بافتی و کانی شناسی، کانی زائی در منطقه زور آباد از نوع سولفیدی، توده‌ای، آتشفشانی نوع قبرسی و دگرگون شده و غنی از پیروتیت اولیه می‌باشد. دمای تشکیل کانی زائی بر اساس درصد مولی در اسفالریت حدود ۲۴۰ سانتی Fes گراد برآورد می‌شود. مجله‌ی علوم زمین

گسل ارومیه (R): این گسل از ماکو به طرف جنوب ادامه دارد و از شرق دریاچه‌ی ارومیه گذشته و به زرینه رود می‌رسد محتملاً، ادامه‌ی گسل تبریز است. و ممکن است فروافتادگی دریاچه‌ی ارومیه به علت این گسل باشد. به نظر می‌رسد که این گسل از اواخر پرکامبرین (کوهزائی کاتانگائی) فعال بوده است: زیرا سنگ‌های پرکامبرین تا پرمین در مغرب آن دیده می‌شود.

فرهنگی و دانشگاهی

دانشگاه ارومیه: این دانشگاه در ۱۳۴۴ با نام دانشکدهٔ کشاورزی در استان آذربایجان غربی تأسیس شد و در ۱۳۵۶ با پنج دانشکده به دانشگاه ارومیه تعییر نام یافت.

دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده کشاورزی (گروههای آموزشی: آبیاری، ماشینهای کشاورزی، خاک شناسی، باغبانی، زراعت ،اصلاح نباتات، گیاه پزشکی، علوم دامی و علوم صنایع غذایی)، دانشکده فنی(گروه‌های آموزشی: الکترونیک ،مکانیک، عمران و معدن)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (گروههای آموزشی: زبان و ادببات فارسی، علوم تربیتی، تربیت بدنی، اقتصاد، تاریخ، زبان انگلیسی و معارف)، دانشکدهٔ علوم (گروههای آموزشی: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، ریاضی و زمین‌شناسی)، دانشکدهٔ دام‌پزشکی (گروههای آموزشی: علوم پایه، پاتوبیولوژی ،بهداشت و کنترل، مواد غذایی و علوم درمانگاهی) مقاطع تحصیلی: کاردانی،

کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی .

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ارومیه: در سال ۵۶ دانشکده پزشکی ارومیه تحت پوشش دانشگاه ارومیه شروع به فعالیت نمود در سال ۶۵ از دانشگاه ارومیه جدا شد و با نام دانشگاه علوم پزشکی ارومیه به کار خود ادامه داد ـ دولتی

آثار ثبت شده استان آذربایجان غربی

خرابه‌های نزدیک اندرکش -هزاره ۱ـ ماد -اندرکش

کهنه شهر ویران - ماد - مهاباد

گلگا تپه - آهن - مهاباد

حجاری ساسانی خان تختی - ساسانی - ارومیه

برج سه گنبد - قرن ۶ ه-ق -ارومیه

مسجد جامع - قرن ۷ ه-ق -ارومیه

دخمه سنگی(فخریگاه)-شمال جاده‌مهابادبه میاندوآب

شهرباستانی تخت‌سلیمان-(اشکانی‌ساسانی‌مغول) تکاب

کلیسای‌طاووس(قره‌کلیسا)اوایل‌قرن۲- صفویه چالدران

گوی تپه -پیش از تاریخ اسلام - اورمیه

تپه خلیل آباد-هزاره ۱ ق.م - شوط

تپه کلبعلی (تپه نازلوچای)-پیش از تاریخ - اورمیه

بغا تپه (بغ تپه)- پیش از تاریخ - نازلوچای

تپه عسگرآباد- (پیش از تاریخ - تاریخی) - ارومیه

تپه بوزلو یا سته تپه - پیش از تاریخ - نازلوچای

تپه نوربالاجوق - پیش از تاریخ - روضه چای

کردلرتپه - (پیش از تاریخ - اسلامی) -اورمیه

تپه بالو-پیش از تاریخ - نازلوچای

تپه للهام -کلکولتیک - نازلوچای

تپه گیجلر(نخجوان)-پیش‌ازتاریخ -اسلامی نازلوچای

تپه شیخ سرمست - (پیش از تاریخ - اسلامی)- اورمیه

تپه ساعتلو (بیگلر) - پیش‌ازتاریخ -اسلامی- نازلوچای

تپه انگنه - (پیش از تاریخ - اسلامی) - اورمیه

تپه دیزج تکیه - (پیش از تاریخ - اسلامی)-اورمیه

تپه بروه - (پیش از تاریخ -اسلامی) - اورمیه

تپه ربط - (آهن - تاریخی) - اورمیه

تپه هنگروان - پیش از تاریخ - اورمیه

تپه سه گرد - پیش از تاریخ - اورمیه

تپه سبز علی - (پیش از تاریخ - اسلامی) -اورمیه

تپه توپوز آباد - تاریخی - اورمیه

تپه بیات (تپه مجلل) - پیش از تاریخ - اورمیه

تپه بالانج (لیلی تپه) - پیش از تاریخ - اورمیه

تپه ترکمان - تاریخی - اورمیه

تپه سمباتان -(پیش از تاریخ - تاریخی) - اورمیه

تپه نرگی - (هزاره‌ی ۲ - تاریخی) - اورمیه

تپه خان بابا (جلبر) - پیش از تاریخ - اورمیه

قلعه‌ومعبد صخره‌ای کل‌خرابه-هزاره۱- قرن ۷- اورمیه

تپه شیطان آباد - هزاره ۲ ق. م تا اسلام - اورمیه

تپه ثمرتو - پیش از تاریخ - اورمیه

تپه قلاع - پیش از تاریخ - (هزاره ۲ ق.م تا اسلام

تپه ملا احمد (گرد ملا احمد) - تاریخی - اشنویه

تپه موجا - تاریخی - اشنویه

گردگورا(تپه بزرگ) - (پیش از تاریخ - تاریخی) - اشنویه

گردگورا(تپه کوچک) - پیش از تاریخ - هزاره ۱ - اشنویه
گرد حسنعلی بانو - (کالکولتیک - تاریخی) - اشنویه
گردحسن حسن آباد (تپه حسن آباد) - هزاره ۱ - نقده
گرد کندوانه (تپه قبرستان)-کالکولتیک تاریخی اشنویه
گرد موزا (تپه موزا) - پیش از تاریخ - تاریخی - اشنویه
گرد دینخواه - اوایل هزاره ۲ ق-م - نقده
گرد دینلچی آرخی - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
گرد کویک - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
گرد قلعه لر - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
گرد میر آباد (تپه قلیه) - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
تپه مملو - هزاره ۲ق-م - نقده
تپه محمد شاه - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
ساخسی تپه - پیش از تاریخ - اسلامی - نقده
تپه نظام آباد - تاریخی - اسلامی - نقده
تپه ژار آباد - پیش از تاریخ - اسلامی - ارومیه
تپه حسنلو - تاریخی - نقده
تپه سارالان - پیش از تاریخ - اسلامی - باراندوزچای
تپه تابانی - ساسانی - بوکان
تپه آسیاب کهنه - تاریخی - بوکان
تپه کلک آبی - هزاره ۱ ق-م تا ساسانی - بوکان
تپه شیخان کوچ - هزاره ۱ق-م تا ساسانی - بوکان
تپه شیخان بزرگ - هزاره ۱ق-م تا ساسانی - بوکان
تپه موجه - هزاره ۱ق-م - بوکان
کل تپه - نیمه دوم هزاره ۲ ق-م - بوکان
قلای تپه - اوایل برنز - بوکان
قلعه کهنه آلبلاغ - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه قلعه قره کند - قلعه کنت - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه روژبیانی - هزاره ۲ ق-م - بوکان
تپه دارا بسر - اشکانی - بوکان
زمین‌های معروف به جره - تاریخی - بوکان
قلعه تپه (قره تپه) - نیمه دوم هزاره ۱ ق-م - بوکان
شربت تپه - هزاره ۱ ق-م - نازلوچای
گرد خلیکه - پیش از تاریخ - بوکان
گرد خزینه - پیش از تاریخ - بوکان
گرد شین آوا - پیش از تاریخ - بوکان
تپه آشی - پیش از تاریخ - بوکان
کلک تپه - نیمه دوم هزاره ۱ ق-م - بوکان
گرد شین رحیم خان - پیش از تاریخ - بوکان
تپه محمود - پیش از تاریخ - بوکان
گرد عثمان قره - پیش از تاریخ - بوکان
تپه کانی گوزله - پیش از تاریخ - بوکان
تپه اوزون قشلاق- هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه قلای ناچیت - هزاره ۳ ق-م - بوکان
تپه کوزه خانه - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه مقصود - پیش از تاریخ - بوکان
عبدالله تپه سی - پیش از تاریخ - بوکان
تپه گرد مالان - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه عرب لو - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه سردار آباد - تاریخی - بوکان
تپه اسکی بغداد - اوایل اشکانی - بوکان
تپه قلای سمبه - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه قلای درویشان - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه ایل تیمور (یال تمر) - پیش از تاریخ - مهاباد

تپه قله جوق (قلاجوق) - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه قلای داش کسان - هزاره ۱ ق-م - بوکان
تپه قلای ربط - هزاره ۱ ق-م - سردشت
تپه سه گردان - پیش از تاریخ - مهاباد
گرد قچی آباد - پیش از تاریخ - مهاباد
تپه کیک آباد - پیش از تاریخ - مهاباد
تپه دارت وان (تکانوجه) - هزاره ۱ ق-م - مهاباد
تپه گرد دریاس - پیش از تاریخ - مهاباد
تپه پشت تب (باغ شایگان) - هزاره ۱ تا ساسانی - مهاباد
تپه قلات شین آباد - هزاره ۱ ق-م - پیرانشهر
تپه قلات موت آباد - هزاره ۳ ق-م - پیرانشهر
نام اثرقدمت‌محل
تپه گرد آشه وان - پیش از تاریخ- پیرانشهر
تپه قلات جلدیان - پیش از تاریخ - پیرانشهر
تپه گرد مرقد - اواسط هزاره ۲ ق-م - پیرانشهر
تپه گرد قورخ - هزاره ۱ ق-م - نقده
تپه ماران - هزاره ۲ ق-م - خوی
پل پنج چشمه - صفویه - ماکو
دخمه سنگی ماکو (بام فرهاد) -(اورارتوئی - ماد)- ماکو
قبرستان پیر احمدکندی - ساسانی - ماکو
تپه مغان جوق - هزاره ۲ ق-م - سلماس
دخمه هدر - ماد - سلماس
تپه حضرلو - هزاره ۲ ق-م - ماکو
دروازه سنگی - (ایلخانی - اواخر مغول) - خوی
خرابه‌های شهر قدیم(کهنه شهر)از قرن ۷تا۱۳- سلماس
دخمه سنگی قارنی یارخ - هزاره(۱ - ماد)- سلماس
دژ قلاتگاه - هزاره ۱ ق-م - اشنویه
تومولوس (قبور سلاطین سیت)-نیمه اول هزاره۱- نقده
تپه تبان - هزاره ۳ ق-م - سلماس
تپه ساری قامیش سمینه رود - تاریخی - بوکان
تپه گگ تپه (گوگ تپه) - هزاره ۱ ق-م - میاندوآب
گرد تپه - هزاره ۵ ق-م - شاهین دژ
چال تپه شاهین دژ - نیمه دوم هزاره ۱ ق-م - شاهین دژ
تپه عباس بلاغی - هزاره ۱ ق-م - شاهین دژ
تپه شیطان تختی - هزاره ۱ ق-م - میاندوآب
تپه کشاویر- از قرن ۴ه-ق تا صفوی- شاهین دژ
تپه چراغ بابا- قرن ۳تا۱۲ ه-ق- شاهین دژ
کلیسای خوی (سورپ سوکیس) - قرن ۹ ه-ق - خوی
مسجد جامع یاسور - صفویه - مهاباد
مناره شمس تبریزی دینبلی - قرن ۶ ه-ق- خوی
کلیسای مارسرگیز- ساسانی- اورمیه
نام اثرقدمت‌محل
تپه سوان (گردسوان) - هزاره ۲ ق-م - مهاباد
محوطه دوه یاتاقی - هزاه ۳ ق-م - تکاب
قلاب کانی سیب - (هزاره ۲ـ ساسانی) مهاباد
تپه تخ تخ - هزاره ۳ق-م - تکاب
تپه کبود - (هزاره ۱ـ هخامنشی) - تکاب
دژ بلقیس - ساسانی-تکاب
دژ قلات شاه - (هزاره ۱ـماد) - مهاباد
طاووس تپه گورستان کاگش علیا-اواسط هزاره۲- مهاباد
تپه و قبرستان چهار دیوار - ساسانی - مهاباد
شهر زور - هزاره ۱ ق-م - مهاباد
تپه لاس (گردلاس) - اواسط هزاره ۲ ق-م - مهاباد
تپه میرگرد - هزاره ۲ ق-م - مهاباد

دژ سارو قورقان - هزاره ۱ ق-م - تکاب
بقعه ایوب انصاری - قرن ۹ ه-ق - تکاب.
تپه گل درسی - هزاره ۱ ق.م -تکاب
چال تپه اسد کندی - اواسط هزاره ۲ق.م- تکاب
تپه محمودکان - هزاره ۲ ق.م - مهاباد
پل خاتون - صفوی - خوی
خانه کبیری - اواخر زندیه - خوی
بازار اورمیه - صفویه -اورمیه
کلیسای ماریو خنه - ساسانی -اورمیه
کلیسای حضرت مریم - صفویه - اورمیه
کلیسای قره باغ - (ایلخانی - صفویه)اورمیه
مقبره‌های اسماعیل آقا قلعه سی-صفویه -اورمیه
دخمه‌های سنگی اسماعیل - هزاره -۱ قاجاریه - اورمیه
اثر بردکنت (تنگ سوراخ)- هزاره ۱ ق.م - مهاباد
مقابر صخره‌ای شدی - هزاره ۱ق.م - ماکو
مقبره صخره‌ای دره خان - هزاره ۱ق.م- اورمیه
گور دخمه صخره‌ای چیر - هزاره ۱ق.م - خوی
نام اثرقدمت‌محل
مقابر صخره‌ای سدوک - هزاره ۱ ق.م - اورمیه
مجموعه بردوک - صفویه - اورمیه
مجموعه بازار - صفویه - خوی
مجموعه تخت قلعه - قرن ۹ ه.ق- اورمیه
مسجد سردار - قاجاریه - اورمیه
قصر باغچه جوق - قاجاریه - ماکو
بنای امامزادگان محمدو ابراهیم-زندیه-قاجاریه-قاجاریه شخصیت
مدرسه قدیمی هدایت - اواخر قاجار - اورمیه
مسجد ملا حسن - قاجاریه - خوی
خانه انصاری - قاجاریه - اورمیه
مسجد طاق - قاجاریه - میاندواب
مسجد حجتیه - قاجاریه - خوی
مسجد چورس - (صفویه - قاجاریه) - خوی

مسجد سیدالشهداء - قاجاریه خوی -
مسجد منار - قاجاریه - اورمیه
پل میمند نقده - قاجاریه - نقده
«سازمان میراث فرهنگی و گردشگری »
در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ تعداد آثار ثبت شده این استان ۱۰۸۸ بوده است.

موزه‌ها: موزه‌ی ارومیه (ارومیه) - موضوع: باستان‌شناسی، مردم‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۴۶

موزه‌ی تاریخ طبیعی (ارومیه) - موضوع: علمی (نمایش انواع پستانداران، پرندگان، خزندگان، آبزیان و سنگواره‌ها) - سازمان حفاظت محیط زیست - تأسیس ۱۳۶۶

موزه‌ی تاریخ طبیعی (دهکده چی چست) (ارومیه) - موضوع: تاریخ طبیعی - سازمان حفاظت محیط زیست

سه گنبد ارومیه (ارومیه) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور

مجموعه‌ی تخت سلیمان (تکاب) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - بنای دوره‌ی ساسانی

موزه‌ی خوی (خوی) - موضوع: باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنرهای تزئینی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۴۸

کاخ موزه‌ی باغچه جوق (ماکو) - موضوع: شخصیت (سردار ماکو) -سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۶۵، بنا دوره‌ی قاجاری

قره کلیسا (سیه چشمه) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس قرن دهم میلادی

موزه‌ی نقده (نقده) - موضوع: باستان‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور

جمعیت استان آذربایجان غربی

شهرستان ارومیه: تعداد خانوار ۲۱۵۳۴۲، جمعیت ۸۷۱۲۰۴، تعداد باسواد ۶۳۰۲۲۲، تعداد بیسواد ۱۴۴۴۸۸.

شهرستان اشنویه: تعداد خانوار ۱۲۹۹۸، جمعیت ۶۴۵۵۱، تعداد باسواد ۳۹۱۲۱، تعداد بیسواد ۱۷۱۵۰.

شهرستان بوکان: تعداد خانوار ۴۲۳۱۳، جمعیت ۲۰۴۳۰۸، تعداد باسواد ۱۳۸۹۱۰، تعداد بیسواد ۴۴۱۱۱.

شهرستان پیرانشهر: تعداد خانوار ۲۰۶۱۷، جمعیت ۱۱۲۹۹۴، تعداد باسواد ۶۵۴۵۵، تعداد بیسواد ۲۸۴۵۰.

شهرستان تکاب: تعداد خانوار ۱۷۶۱۸، جمعیت ۸۲۲۷۴، تعداد باسواد ۵۳۸۹۲، تعداد بیسواد ۲۰۳۹۷.

شهرستان چالدران: تعداد خانوار ۹۰۰۶، جمعیت ۴۵۶۴۱، تعداد باسواد ۲۶۴۴۳، تعداد بیسواد ۱۲۸۴۶.

شهرستان خوی: تعداد خانوار ۸۵۵۵۰، جمعیت ۳۷۰۰۷۲، تعداد باسواد ۲۵۵۵۰۷، تعداد بیسواد ۷۲۳۷۵.

شهرستان سردشت: تعداد خانوار ۲۰۴۱۴، جمعیت ۱۰۵۵۶۹، تعداد باسواد ۶۵۴۶۸، تعداد بیسواد ۲۶۸۷۰.

شهرستان سلماس: تعداد خانوار ۴۰۲۹۸، جمعیت ۱۸۳۳۸۱، تعداد باسواد ۱۲۲۵۷۸، تعداد بیسواد ۳۸۳۰۶.

شهرستان شاهین دژ: تعداد خانوار ۲۰۹۱۱، جمعیت ۹۰۱۸۲، تعداد باسواد ۵۹۳۷۹، تعداد بیسواد ۲۱۷۹۶.

شهرستان ماکو: تعداد خانوار ۳۹۷۶۵، جمعیت ۱۷۶۴۱۱، تعداد باسواد ۱۱۹۳۹۴، تعداد بیسواد ۳۵۶۳۱.

شهرستان مهاباد: تعداد خانوار ۴۲۴۹۳، جمعیت ۲۰۱۰۴۹، تعداد باسواد ۱۳۷۰۸۶، تعداد بیسواد ۴۰۶۲۱.

شهرستان میاندوآب: تعداد خانوار ۵۹۹۸، جمعیت ۲۴۷۳۰۷، تعداد باسواد ۱۷۲۸۳۶، تعداد بیسواد ۴۷۱۹۱.

شهرستان نقده: تعداد خانوار ۲۷۹۳۷، جمعیت ۱۱۸۵۱۶، تعداد باسواد ۸۳۴۷۸، تعداد بیسواد ۲۲۳۸۶.

شهرک صنعتی: ۱) شهرک صنعتی شهید رجائی، ۲) شهرک صنعتی چرمشهر تبریز، ۳) شهرک صنعتی سهند، ۴) شهرک صنعتی فن آوری خودرو، ۵) شهرک صنعتی خصوصی اسکان تبریز، ۶) شهرک صنعتی اهر، ۷) شهرک صنعتی ملکان، ۸) شهرک صنعتی سراب، ۹) شهرک صنعتی مراغه، ۱۰) شهرک صنعتی مرند، ۱۱) شهرک صنعتی سرامیک مرند، ۱۲) شهرک صنعتی شهید سلیمی، ۱۳) شهرک صنعتی اسکو، ۱۴) شهرک صنعتی میانه، ۱۵) شهرک صنعتی هشترود، ۱۶) شهرک صنعتی بیلوردی، ۱۷) شهرک صنعتی بناب، ۱۸) شهرک صنعتی شبستر، ۱۹) شهرک سرمایه گذاری خارجی، ۲۰) شهرک صنعتی بستان آباد، ۲۱) شهرک صنعتی ورزقان، ۲۲) شهرک صنعتی مصالح ساختمانی، ۲۳) شهرک صنایع پائین دستی پتروشیمی.

شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

آجرلوی شرقی: از دهستان‌های بخش باروق شهرستان میاندوآب استان آذربایجان غربی و مرکزش نختالو است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد

نیمه خشک و گوزه دره قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم و یونجه.
پوشش گیاهی: کاسنی، آویشن، پونه، مرزه‌ی کوهی، مرزنگوش، تلخه بیان، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
آجرلوی غربی: از دهستان‌های بخش باروق شهرستان میاندوآب استان آذربایجان و مرکزش قرقچی است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه اکیز داغ قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو و یونجه.
پوشش گیاهی: آویشن، تلخه بیان، مرزنگوش، کاسنی، مرزه‌ی کوهی، گون و گیاهان مرتعی .
جانوران : گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
آواجیق جنوبی: از دهستان‌های بخش دشتک شهرستان چالدران استان آذربایجان غربی و مرکزش شادلوی سفلی است و در منطقه‌ای بر کوهی معتدل و خشک و کوه آقداش و کوه چال، کوه مورس و کوه حاجی سید علی قرار دارد.
رود گل رود قره‌سو.
فرآورده‌ها: گندم و جو و علوفه.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان و گون کتیرا و گیاهان مرتعی .
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
ارومیه (مرکز شهرستان و استان): شهر ارومیه مرکز استان غربی در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و به عرض ۳۰ کیلومتر درکنار دریاچه لاجوردی به همین نام گسترده شده است این جلگه از رسوبات غنی رودهای بار اندوز چای روضه چای و نازلو چای که همه ساله به طور منظم آن رامشروب می‌سازند پوشیده شده است. زمینهای بارور با آب و هوای مساعد و واقع شدن آن در معبر قفقاز، ارمنستان، آسیای ضغیر و بین‌النهرین و فلات ایران رقابت می‌نماید. از یک سو و قرار گرفتن آن در کنار دریاچه ارومیه از سوی دیگر، وضع ویژه‌ای به چهره این شهر دیرپا بخشیده است.

مغرب دریاچه بیش از سایر نقاط ایران مورد توجه ملل پیش از تاریخ قرار گرفته است وشاهد آن تپه های متعدد باستانی می باشد. یکی از این تپه‌ها، گوی‌تپه (۶ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه)است که با قدیمیترین تپه‌های بین‌النهرین، آسیای صغیر و فلات ایران در رقابت می‌نماید. از سوی دیگر منسوب داشتن زرتشت به ارومیه و همچنین اینکه یک یا دو تن از حواریون زرتشت که در تولد عیسی (ع) به بیت‌اللحم رفته بودند در ارومیه مدفونند، حاکی از آن است که این شهر یکی از بزرگترین کانونهای مذهبی و علمی در گذشته‌های دور بوده است. سرداران و امپراتوران روم برای دستیابی بر آذرخش بزرگ زرتشتیان (آذرگشسب) در ۳۰ کیلومتری صائین دژ و پایتخت تابستانی ساسانیان (گزنا) بارها از آن عبور کرده‌اند. پس از ظهور اسلام نیز ارومیه پس از مراغه دومین شهر آذربایجان به شمار می‌رفته است. از قرن پانزدهم که ترکان عثمانی جایگزین امپراتوری روم شرقی شدند باز ارومیه به عنوان شهر سرحدی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و دارای برج و باروی مهمی گردید. برج سه گنبد و مسجد جامع ارومیه هر دو یادگار مجد و عظمت تمدن اسلامی به شمار می‌روند. به طور کلی ارومیه از اعصار قدیم یکی از مراکز آباد و پر جمعیت بوده و فعالترین منطقه کشاورزی آذربایجان به شمار می‌رود و با آنکه بر اثر حوادث تاریخی بارها ویران شده ولی دوباره خیلی زود به

حال اول برگشته و عظمت خود را تجدید نموده است.

ارومیه (شهرستان): شهرستان ارومیه از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی و به مرکزیت شهر ارومیه، از بزرگترین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به فاصله ۹۰۰ کیلومتری شهر تهران در شمال غربی ایران قرار گرفته، این شهرستان باکشورهای ترکیه و عراق هم مرز است. حدود سیاسی شهرستان ارومیه از شمال، شرق و جنوب به ترتیب شهرستان‌های سلماس، نقده و مهاباد و دریاچه‌ی ارومیه و از غرب به کشورهای ترکیه و عراق محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای پنج بخش (۱ـ انزل، ۲ـ سیلوانه، ۳ـ صومای برادوست، ۴ـ مرکزی، ۵ـ نازلو) و بیست دهستان و ۵۲۵۱ کیلومتر مربع مساحت و ۷۸۶ آبادی است و مرکز آن شهر ارومیه است.

تقسیمات کشوری، همزمان با تغییرات و تحولاتی که در تقسیمات کشوری روی میداد، تقسیمات آذربایجان غربی و به تبع آن ارومیه نیز دستخوش این تغییرات گردید. تقسیمات کشوری، شهرستان ارومیه با تغییرات تقسیمات استان مرتبط بوده که سوابق آن آمده است: در ۱۲۸۶ خورشیدی، پس از تصویب قانون تشکیلات ایالات و ولایات در مجلس، ایران به ۴ ایالت آذربایجان، کرمان، بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان و ۱۲ ولایت تقسیم شد. در آبانماه ۱۳۱۶ قانون جدید تقسیمات کشوری به تصویب رسید و طبق این تقسیمات ایران به ۱۰ استان و ۴۰ شهرستان تقسیم شد.

و بر اساس آن آذربایجان به عنوان استان چهارم تعیین گردید که شامل شهرستان‌های خوی (سلماس) رضائیه (ارومیه)، مراغه، مهاباد و بیجار می‌شد.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در ۱۳۷۵ استان آذربایجان غربی شامل ۱۲ شهرستان، ۱۰۴ دهستان و ۲۲ شهر اما در ۱۳۸۱ آذربایجان غربی دارای ۱۴ شهرستان و ۲۶ بخش و ۳۳۴ شهر و ۱۰۹ دهستان و طبق آن شهرستان ارومیه نیز تغییراتی یافت اما در ۱۳۸۳ این شهرستان به ۵ بخش ۲۰ دهستان و ۵ شهر تقسیم شد و تعداد آبادی‌های آن ۵۹۹ و تعداد مزارع و مکان آن ۴۳۶ در ۱۳۸۵ آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان گشت می‌باشد.

شهرستان ارومیه دارای حدود ۲۰۰۰ هکتار جنگل طبیعی و ۲۷۳ هکتار جنگل دست کاشت است. خاک‌شناسی شهرستان ارومیه: از نظر پوشش خاکی بر اساس نقشه خاک‌های ایران به گروه‌های: ۱ـ خاک‌های رسوبی بافت ریز، ۲ـ خاک‌های براون، ۳ـ لیتوسل متشکل از سنگ‌های خروجی در ناحیه‌ی خاک‌های براون سیزرم.

اقلیم: این شهرستان دارای سه اقلیم است: ۱ـ بری ملایم، نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم، ۲ـ بری مرطوب، خیلی سرد تا معتدل، ۳ـ بری، نیمه مرطوب، خیلی سرد تا معتدل.

دما، در سطح شهرستان ارومیه ایستگاه‌های هواشناسی قرار دارد. حداکثر مطلق درجه‌ی حرارت در ایستگاه ارومیه ۳۸ درجه‌ی سانتی گراد و حداقل ۸ ـ ۲۲ ـ میانگین حداکثر دمای سالانه ۱۷/۵ درجه و میانگین حداقل آن ۵/۴ درجه‌ی سانتی گراد به ثبت رسیده است.

بارندگی: میزان بارندگی در نواحی ساحلی کمتر و میانگین بارندگی سالانه از ۲۵۶/۳ میلیمتر تا ۳۴۹/۳ میلیمتر می‌رسد.

رطوبت نسبی: متوسط رطوبت نسبی سالانه در ایستگاه ارومیه ۶۰ درصد و در ایستگاه قوشچی ۶۷ درصد، حداقل رطوبت نسبی در ارومیه میان ۳۰ تا ۶۱ درصد و حداکثر آن میان ۶۷ تا ۸۷ درصد است.

کمترین رطوبت نسبی مربوط به ماه‌های خرداد، تیر و مرداد و بیشترین آن‌ها مربوط به اسفند، دی و بهمن می‌باشد.

منابع آب: بیشترین آب‌های سطحی شهرستان ارومیه از بارندگی هاست که به وسیله‌ی رودهای دائمی و فصلی جریان می‌یابد تا به دریاچه‌ی ارومیه می‌رسد و بخشی از این آب‌ها به آب‌های زیر زمینی می‌پیوندند.

آب های سطحی: ۱ـ رودخانه‌ی نازلو چای، ۲ـ بار اندوز چای، ۳ـ برده سور، ۴ـ روضه‌ی چای (قودوق).

آب‌های زیر زمینی: طبق آمار ۱۳۸۱ حلقه‌ی چاه عمیق ۹۱۸ و نیمه عمیق تعداد ۱۷۱۹۶ حلقه ، ۳۶ رشته قنات و ۱۰۳ دهانه چشمه‌ی دائمی در این جلگه وجود دارد، بیشتر آب‌های زیر زمینی بدست آمده به چاه‌های نیمه عمیق مربوط است.

پوشش گیاهی: از نظر پوشش گیاهی از تنوع بالائی برخوردار است. مناطق کوهستانی غربی شهرستان در محدوده جنگل‌های زاگرس قرار گرفته که سال هاست از میان رفته و اما به طور پراکنده پوشش‌های گیاهی علفی و بوته‌ای یک ساله و چند ساله نسبتاً غنی که حدود ۲۳۴ هزار هکتار مساحت دارد.

مناطق جنگلی شهرستان ارومیه را ۴۶ هکتار تخمین زده‌اند که بیشتر درختان کاج، سرو، اقاقیا و می‌باشد.

مراتع: ۱ـ حدود ۲۳۴ هزار هکتار مرتع شامل مراتع میان بند ۲ـ مراتع ییلاقی، ۳ـ مراتع دشتی، ۴ـ مراتع نیمه مصنوعی می‌باشد.

نزدیک دریاچه تلاست. ارومیه شهری است پر نعمت و سبز و خرم. مهلبی گوید: ارومیه شهر بزرگی است و گویند زردتشت پیامبر از آن جا بوده. ارومیه آخرین حد آذربایجان است از جانب غربی. ارومیه در ۱۶ فرسنگی مغرب سلماس است. ارومیه شهری است دارای بارو و آبادان در آخر کوهستان و اول دشت. این دشت پشت کوه‌های عجم باشد. تقویم البلدان.

ارومیه: از اقلیم چهارم و شهری بزرگ است دورش ده هزار گام باشد بر کنار دریاچه ارومیه افتاده هوایش گرم است و به عفونت مایل و آبش از چشمه‌های آن کوه‌ها روان است و به دریاچه‌ی ارومیه ریزد باغستان فراوان دارد و از میوه هایش انگور و گلابی و آلوی زرد به غایت خوبست تمام حقوق دیوانیش ۷۴۰۰۰ دینار است. نزهة القلوب

شهر ارومیه که نام آن بر دریاچه‌ی نیز اطلاق شده، به مسافت کمی از سواحل باختری دریاچه قرار دارد و گویند زادگاه زرتشت است. این شهر به گفته‌ی ابن حوقل در قرن چهارم شهری خرم و به اندازه‌ی مراغه بوده و موستان بسیار و تجارت پر رونق داشته و مسجد جامع آن در بازار بزازان بوده است.

این شهر دارای قلعه و باروی محکم بوده و رودخانه‌ای داشته که در یک فرسخی شهر، به دریاچه می‌ریخته است. در قرن هشتم بر آبادی آن شهر به قدری افزوده شد که به صورت شهری در آمد و دور باروی آن به ده هزار گام رسید و توابعش بالغ بر بیست دهکده بود. در کنار شاهراه و در شمال ارومیه به مسافت کمی از زاویه‌ی شمال باختری دریاچه‌ی سلماس واقع است که

مقدسی درباره‌ی آن گوید شهری نیکوست دارای بازارهای خوب و مسجدی که از سنگ ساخته شده است و در قرن چهارم ساکنان آن شهر از نژاد کرد بوده‌اند یاقوت گوید در قرن هفتم قسمت عمده آن شهر خراب گردید ولی به گفته حمدالله مستوفی یک قرن بعد علیشاه وزیر غازانخان مغولی «آن را عمارت کرد دورش هشت هزار گام است و هوایش به سردی مایل و رودخانه‌ی آن از جبال کردستان برمی خیزد و به دریاچه چیچست می‌ریزد باغستان بسیار دارد میوه انگورش نیکو باشد غله و دیگر حبوبات نیکو آید»، سرزمین‌های خلافت شرقی ـ لسترنج ـ ترجمه‌ی محمود عرفان.

اشنویه: شهرستان اشنویه دارای دو بخش (۱ـ مرکزی به مرکزیت شهر اشنویه، ۲ـ نالوس به مرکزیت شهر نالوس) و چهار دهستان (۱ـ اشنویه‌ی شمالی، ۲ـ دشت بیل، ۳ـ اشنویه‌ی جنوبی، ۴ـ هق) است. از شهرستان‌های مرکزی شهرستان نقده بود مرکز آن یعنی شهر اشنویه و یکی از قدیمی‌ترین شهرهای استان آذربایجان غربی می‌باشد. در تقسیمات کشوری جدید تبدیل به شهرستان شد. آب و هوا مناسب و باغ‌های فراوان دارد که از قرن‌ها پیش مردمان بسیاری را به سوی خود کشانیده و در عین حال بر سر راه ارومیه به پیران شهر و نقده به ارومیه و در نزدیکی مرز عراق قرار دارد.

اشنویه در طول تاریخ، جولانگاه جنگ و کریزهای بسیار بوده از جمله بارها میان عثمانی‌ها و روس‌ها کشتارهای وسیعی در این منطقه صورت گرفت. در ۱۹۰۹ عثمانی‌ها اشنویه را به زیر فرمان خود در آوردند و بسیاری را کشتند به علت جنگ روس‌ها و عثمانی‌ها در این مناطق زیان‌های جانی و مالی فراوان به بار آمد. پس از روس‌ها جیلوها (شاخه‌ای از آشوری‌ها) بر این سامان تاختند حتی زنان و کودکان را نیز از میان بردند. پس از این جنگ‌ها قحط شدیدی در اشنویه رخ داده که گروه‌های فراوانی از مردم در گذشتند.

جاجیم، گلیم، نمد، قالی، جانماز پشمی و کلاه‌های عرقچینی از جمله صنایع دستی مردم این منطقه است.

صفائیه: از بخش‌های شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن زرآباد و دارای دو دهستان (۱ – الند ۲ – سکمن آباد) است.

الند: از دهستان بخش صفائیه شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن بله سورسفلی است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه گیربوران و کوه سلیم قرار دارد.

رود بالاابان و رود الند.

فرآورده‌ها: گندم و جو و علوفه.

پوشش گیاهی: آویشن و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

انزل جنوبی: دهستان انزل جنوبی به مرکزیت روستای قولنجی از بخش انزل شهرستان ارومیه ـ این دهستان از شمال به شهرستان سلماس از شمال شرق به دهستان انزل شمالی و از شرق به دریاچه‌ی ارومیه و از جنوب به دهستان‌های نازلوچای شمالی و جنوبی و برادوست و از غرب به دهستان‌های صومای جنوبی و صومای شمالی محدود است.

این دهستان ۴۲۰ کیلومتر مربع مساحت و حدود ۶۶٪ از وسعت و بخش انزل را در اختیار دارد در محدوده‌ی این دهستان تعداد ۳۲ روستا و ۷

مزرعه و مکان وجود دارد ارتفاع دهستان انزل بیش از ۱۶۰۰ متر و روستای نورالدین آباد ۲۲۰۰ بلندی از سطح دریا دارد.

آب و هوا ـ بری، مرطوب خیلی سرد تا معتدل. آب‌های سطحی آن از چشمه سارها و رودها سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد ـ آب‌های زیر زمینی ـ دارای ۳۳۵ رشته قنات و ۳۵ دهنه‌ی چشمه و ۱۴ حلقه چاه است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود، ماش، علوفه، چغندرقند ـ سیب زمینی، زردآلو، بادام، انگور، گیلاس و هلو.

انزل شمالی: این دهستان به مرکزیت روستای قره باغ از بخش انزل شهرستان ارومیه، دارای ۲۲۳کیلومتر مربع مساحت که شامل ۳۴٪ وسعت بخش انزل را در بر میگیرد. در محدوده‌ی این روستا تعداد ۸ روستا و ۳ مزرعه و مکان وجود دارد متوسط ارتفاعش ۱۳۶۸ متر از سطح دریاست.

آب و هوای نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم.

آب‌های سطحی رودهائی چند از جمله زولا چای و آب‌های زیر زمینی مرکب از ۳۵ رشته قنات ۲ دهنه چشمه و ۹ حلقه چاه عمیق است.

محصولات: گندم، جو، حبوبات، میوه، دام، نوع کشت آبی و دیمی‌است.

ایواوغلی: از دهستان‌های بخش اویواوغلی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و به مرکزیت اویواوغلی است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار گرفته است.

فرآورده‌ها: گندم و جو، یونجه، توت، تخمه‌ی آفتابگردان، تخمه‌ی کدو، گیلاس، سیب، آلبالو و زردآلو و عسل.

پوشش گیاهی : گل گاو زبان، ختمی، بابونه، گل زرد، پونه و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

ایواوغلی: ایواوغلی از بخش‌های شهرستان خوی و مرکز آن شهر ایواوغلی است که در ۱۳۷۹/۲/۱۲ تبدیل به شهر شد این بخش دارای دو دهستان است. ۱ـ ایواوغلی که مرکز شهر ایواوغلی است. ۲ـ دهستان ولدیان که مرکز آن مهلزان می‌باشد.

ایواوغلی: در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک در بلندی ۱۰۰۰ متر از سطح دریا و در ۳۲ کیلومتری شمال خاوری خوی قرار گرفته است. کوه ایواوغلی در یک کیلومتری شمال غربی و کوه آشان داغ در ۲کیلومتری شمال شرقی مرکز بخش قرار دارد.

کشاورزی، باغداری، دامداری و کارگری، صنعتگری، زنبورداری و فرشبافی اساس زندگی مردم را تشکیل می‌دهد.

کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاهی فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تخمه‌ی آفتاب گردان، تخمه‌ی کدو، گلابی، گیلاس، زردآلو، پسته، تره بار و سنجد.

پوشش گیاهی: گیاهان داروئی ـ گیاهان مرتعی برای چرای دام.

باراندوز چای شمالی ـ دهستان: مرکز این دهستان، روستای قره آغاج از بخش مرکزی شهرستان اورمیه می‌باشد.

این دهستان حدود ۱۱۰ کیلومتر مربع مساحت ۱۳ روستا و ۱۳ مزرعه و مکان و موقعیت تقریباً دشتی دارد.

آب و هوا: بری، ملایم، نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم.

آب و هوای سطحی: رود شهر چای که رودی

است دائمی در یک کیلومتری آن روان است رود باراندوز چای نیز در جنوب و جنوب شرقی این دهستان جاری می‌باشد.

دو رشته کوه در چندین کیلومتری آن سر برافراشته‌اند که شامل کوه علی ایمان و کوه سنگ سفید می‌باشند.

عوارض طبیعی: دره ایده دره سی در شمال دریاچه ارومیه و در ۹کیلومتری شرق و دره قوت بلاغ در شمال غربی این دهستان قرار دارند.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی،گل ختمی، گل گاو زبان و گیاهان علوفه‌ای.

باراندوز جنوبی ـ دهستان: دهستان بار اندوز به مرکزیت روستای بالانج از بخش مرکزی شهرستان ارومیه و دارای ۱۸۸ کیلومتر مربع مساحت و دارای ۲۵ روستا و ۵ مزرعه و مکان است.

ارتفاع متوسط روستاها از سطح دریا به ۱۸۰۰ می‌رسد. بیشتر روستاها دره‌ای، پایکوهی است.

آب و هوا: بری، نیمه مرطوب، خیلی سرد، معتدل.

آب‌های سطحی رود باراندوز چای ـ آب‌های زیر زمینی ۱۴ چشمه و ۸ حلقه چاه.

عوارض طبیعی: دره بند در شمال غرب، دره‌ی چاوشی در جنوب غربی دره‌ی آغل، دره‌ی ساعتلو، دره‌ی سیر در شمال غرب دهستان باراندوز قرار گرفته.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی، بومادران، گل ختمی، گیاهان علوفه‌ای.

بازرگان (شهر): شهر بازرگان از شهرهای تابع شهرستان ماکو، در ۱۵ کیلومتری شمال باختری ماکو و در ناحیه مرزی ایران و ترکیه می‌باشد.

باش قلعه ـ دهستان: مرکز آن روستای بورقون آباد علیا از بخش مرکزی شهرستان ارومیه دارای حدود ۱۱۲ کیلومتر مربع مساحت ـ ۳۵ روستا و ۴۲ مزرعه و مکان و ارتفاع متوسط روستاهایش ۱۲۹۹ و موقعیت آن تقریباً جلگه‌ای است.

آب و هوا بری، ملایم، نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم. مهم‌ترین رودی که در حاشیه‌ی شمالی این دهستان روان است رود نازلوچای می‌باشد و دارای ۱۰۲ حلقه چاه است.

بلندی‌ها: ۵ رشته کوه با ارتفاعات متفاوت در اطراف آن قرار دارد.

عوارض طبیعی: ۱ـ دریاچه‌ی ارومیه، ۲ـ تپه باش قلعه، دره‌های چله خانه و قوش تپه در جنوب شرق مرکز دهستان.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی، بولاغ اوتی، غاز اياقی، گل ختمی، گل گاو زبان، آویشن و گیاهان علوفه‌ای.

ببه جیک: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چالدران استان آذربایجان غربی و به مرکزش قرنقو است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک و کوه سوسوز و کوه قره‌کلیسا و کوه نارویز گوزه سنی و کوه آق گونی و کوه کردیتین داغی.

فرآورده‌ها: گندم و جو و علوفه.

پوشش گیاهی: خاکشی، آویشن، گل گاو زبان و شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

برادوست ـ دهستان: برادوست به مرکزیت روستای روند سفلی از بخش‌های صومای برادوست شهرستان ارومیه در ۱۰/۵ کیلومتری شرق مرکز صومای برادوست.

دارای ۴۵۲/۵ کیلومتر مربع مساحت و شامل ۳۹٪ از وسعت بخش صومای برادوست، دارای ۵۰ روستا و ۱۵ مزرعه و مکان است.

بلندی متوسط روستاهایش به ۱۴۲۰ متر می‌رسد ـ

موقعیتی غالباً دشتی، درهای پایکوهی و تپهای دارد.
آب و هـوا: ۱- رود دائـمی بـرادوست کـه از شاخابههای اصلی رود نازلو چای است. آبهای زیر زمینی: ۵۱ دهـنه چشـمه و ۱۵ حـلقه چـاه معمولی میباشد.
بلندیها: ۱ـکوه بروژگورا با بلندی ۱۸۸۶ متر، ۲ـ کوه زردی با بلندی ۲۱۰۶ متر در ۶ کـیلومتری جنوب شرق مرکز دهستان، ۳ـکوه اشگفت زرد با بلندی ۲۲۲۲ متر.
پوشش گیاهی: ۱ـ داروهای صنعتی گون (کتیرا) ۲ـ داروئی شیرین بیان، خاکشی، گل گاو زبـان، آویشن ـگیاهان علوفهای ـگونههای درختی.
تاریخی: تپهای متعلق به پیش از تاریخ در روستای هنگروان، ۲ـ غاری از پیش از تاریخ در روستای میر داود، ۳ـ تپهای مربوط به هزارهی اول ق ـم در روستای گنگچین، ۴ـ تپهای مـربوط بـه دورهی مفرغ و آهن در روستای ربط قرار دارد.
بکشلوچای ـ دهستان: این دهستان به مرکزیت روستای امامزاده در ۹ کیلومتری جنوب شـرقی شهر ارومیه قرار گرفته است.
این دهستان حدود ۷۲*کیلومتر مربع مساحت و دارای ۴۹ روستا و ۸۵ مزرعه و مکـان و دارای متوسط ارتفاع ۱۲۹۹ متر و دارای وضعی جلگهای و تپهای میباشد. آب و هوا ملایم، نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم میباشد. رود برده رودی است دائمی که از کوههای زرینه کمان و رزینا تایوتان سرچشـمه گـرفته از ۲ کـیلومتری ایـن دهسـتان میگذرد طول آن ۷۸ کـیلومتر و دارای ۲ رشـته قنات و ۸۱ حـلقه چـاه مـیباشد، اطـراف ایـن دهسـتان چـهار رشـته کـوه دریـن سـامان سر برافراشتهاندکه بلندیهای متفاوتی از ۱۶۰۲ متر تا ۱۹۴۰ متر دارند.
عوارض طبیعی: در غرب دریاچهی ارومیه قرار دارد. گردنه قوش قیه سی در شمال غـربی ایـن دهستان قرار گرفته است.
پوشش گیاهی: خاکشی، شیرین بیان، گل ختمی، بلاغ اوتی و گیاهان علوفهای برای چرای دام.
بوکان (مرکز شهرستان): مرکز شهرستان بوکان از شهرستانهای اسـتان آذربـایجان غـربی و در ۳۵ کیلومتری سقز از شـهرهای اسـتان کـردستان - حدفاصل میان استان آذربایجان غربی و کردستان است.
در مرکز شهر بوکان تپههای باستانی قرار دارد (بوک) در کردی به معنای عروس (آن) عـلامت جمع و به معنی عروسها است.
بوکان (بخش مرکزی): از بخشهای شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر بوکان و دارای چهار دهستان (۱ـ ایـل گـورک، ۲ـ ایـل تیمور، ۳ـآختاجی، ۴ـبهی فیض الله بیگی) است. مرکز دهستان آختاچی قره کند و مرکز دهسـتان بهی فیضاللهبیگی یکشوه و مرکز دهستان ایـل تیمور، نوبار و مرکز دهستان ایل گورک، گلولان سفلی میباشد.
بوکان: از شهرستانهای استان آذربایجان غربی است که بر سر راه میاندو آب به سقز قرار گرفته و رود سیمینه رود از میان شـهر بـوکان مـیگذرد. نزدیکترین شهر به آن سقز است که در فاصلهی ۳۵ کیلومتری بوکان قرار گرفته. بوکان حد فاصل دو استان آذربایجان غربی و کردستان است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر بوکان، دارای ۲ بخش (۱ـسیمینه ۲ـمرکزی) و هفت دهستان و ۱۸۲ روستاکه سه روستایش خالی از سکنه و مساحت کل این شهرستان ۲۵۴۱ کیلومتر مربع است.

سیمیه: از بخش‌های شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی، دارای ۳ دهستان (۱ ـ بهی دهبکری ۲ ـ آختاچش شرقی ۳ ـ آختاچی محالی و مرکز آن شهر قره موسالو است.)

پلدشت (مرکز بخش): شهر پلدشت مرکز بخش پلدشت از بخشهای شهرستان ماکو، آذربایجان غربی در ۴۶ کیلومتری شمال خاوری و ۲۴ کیلومتری شمال خاوری شوط (مرکز بخش) می‌باشد.

پلدشت در منطقه‌ای دشتی، در کنار رود ارس و رود زنگمار قرار گرفته، رود زنگمار پس از آبیاری زمین‌های مسیر شد در اطراف ماکو از جنوب وخاور پلدشت می‌گذرد و به رود ارس می‌پیوندد.

آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر وکمترین درجه در زمستانها ۱۰ درجه زیر صفر، میزان بارندگی باران سالانه بطور متوسط حدود ۲۵۰ میلی‌متر است.

پلدشت: بخش‌های شهرستان ماکو، استان آذربایجان غربی، از شمال و خاور به جمهوری آذربایجان، از جنوب خاوری به شهرستان مرند، از جنوب به بخش شوط و از باختر به بخش مرکزی ماکو محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای چهار دهستان: ۱ـ چایبا سار شرقی، ۲ـ زنگبار، ۳ـ دچلرات شرقی، ۴ـ دچلرات غربی و کلا دارای ۱۴۹۶ کیلومتر مربع مساحت و چهار دهستان و ۱۸ روستاست.

رودها: رود ارس مهمترین رود بخش پلدشت است که از کوه‌های هزار برکه در خاک ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از ۴۴۰ کیلومتر طی مسیر خود مرز مشترک ایران و جمهوری آذربایجان وارد جمهوری آذربایجان گشته سرانجام به دریای خزر می‌پیوندد. ۲ـ رود زنگبار از مناطق باختری شهرستان ماکو روان گردیده، منطقه‌ی خاوری بخش را آبیاری کرده به رود ارس می‌پیوندد.

کوه‌ها: بخش پلدشت در منطقه دشتی شهرستان ماکو قرارگرفته بیشترین بلندی آن به ۱۲۰۰ متر نمی‌رسد.

آب و هوا: معتدل و خشک.

رستنی‌ها: درختان بلوط، بنه و گز ـ گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، انواع شقایق، گل میخک، کاسنی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، موش صحرائی، گراز، آهو، کبک، تیهو و انواع پرندگان مهاجر به ویژه مرغابی، لک لک و حواصیل.

مردم بخش پلدشت به زبان فارسی، کردی و ترکی سخن می‌گویند.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. فراوانی آب مایه‌ی پیشرفت و بازده بالای فرآورده‌های کشاورزی این سامان گشته، برنج، گندم، جو، یونجه و تره بار برداشت می‌شود. دامداری به شیوه‌ی سنتی است، گاو، گاو میش، گوسفند و بز پرورش می‌دهند. دشت وسیعی در ناحیه‌ی پلدشت قرار دارد که رود زنگبار از آن می‌گذرد و به رود ارس می‌پیوندد بیشتر زمین‌های این ناحیه هموار است.

پیرانشهر (مرکز شهرستان): شهر پیرانشهر سابقاً خانه نام داشت، مرکز شهرستان پیرانشهر از شهرستانهای آذربایجان غربی بود اما بعدها با توجه به نام ایل پیران به پیرانشهر تغییر نام یافت.

پیرانشهر در مرز ایران و عراق قرار گرفته و کوههای بلندی چون سیاه‌کوه در شمال، شیخان در جنوب این شهر سر برافراشته و از همین کوهها چشمه‌های رودزاب روان است.

پیرانشهر: شهرستان پیرانشهر از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است که در جنوب غربی شهرستان مهاباد و در کنار مرز ایران و عراق قرار گرفته. پیرانشهر سابقاً خانه نام داشت اما بعدها با توجه به نام ایل پیران پیرانشهر نام یافت. پیرانشهر در مرز ایران و عراق قرار دارد و کوه‌های بلندی غرب آن را در برگرفته است. سیاه کوه در شمال، کوه شیخان در جنوب آن قد برافراشته‌اند. در عین حال سرچشمه‌های رود زاب کوچک از همین کوه‌ها جریان می‌یابند. دشت مشرق پیرانشهر با شیب ملایمی به چشمه لاوین می‌رسد.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر پیرانشهر، دارای دو بخش (۱ـ لاجان، ۲ـ مرکزی) و پنج دهستان و ۲۲۵۹/۵ کیلومتر مربع مساحت و ۱۴۷ روستا می‌باشد.

به دلیل موقع استراتژیکی خاص منطقه، پادگان‌های متعددی در اطراف شهر قرار دارد. علاوه بر این شهر میان راه‌های اشنویه به سردشت و نقده به سردشت واقع است و از طریق تمرچین در غرب به عراق مربوط می‌شود.اقتصاد این شهرستان بر پایه دامپروری و کشاورزی استوار است با این حال کارخانه قند آن نیز در زندگی مردم این سامان مؤثر است.

قسمتی از ساختمان‌های پیرانشهر در دامنه‌ی کوه و قسمتی دیگر در زمین‌های هموار ساخته شده است که ساختمان‌های دامنه‌ی کوه، بیشتر از گل و خشت و ساختمان‌های دشت که جدیدترند از آجر، سیمان و آهن ساخته شده است. کتاب‌های درسی.

دارای ۵۰۰۰ هکتار جنگل نیمه انبوه و ۱۲۰۰۰ هکتار جنگل تنک و ۳۰۰۰ هکتار مخروبه و جمعاً بیست هزار هکتار جنگل طبیعی است.

پیران شهر ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان پیرانشهر استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر پیرانشهر و دارای ۳ دهستان (۱ـ پریان، ۲ـ منگور غربی، ۳ـ لاهیجان) است. مرکز دهستان پیران چیانه، مرکز دهستان منگور غربی کویر و مرکز دهستان لاهیجان شرقی و مرکز دهستان لاهیجان غربی سیلوه و مرکز شهری این شهر پیرانشهر که مرکز بخش مرکزی و مرکز شهرستان پیرانشهر می‌باشد.

تخت سلیمان: از بخش‌های شهرستان تکاب، استان آذربایجان غربی است که از شمال به شهرستان هشترود، از مشرق به شهرستان زنجان، از جنوب به حومه‌ی تکاب و از مغرب به شهرستان شاهین دژ محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای سه دهستان (۱ـ احمدآباد، ۲ـ چمن، ۳ـ ساروق) و ۱۴۳۴/۵ کیلومتر مربع مساحت و ۵۵ روستا و مرکز آن شهرک تازه کند نصرت‌آباد است.

رودها و چشمه‌ها: ۱ـرود شیطان قلعه ـ چشمه‌ها: ۱ـگرگور، ۲ـ شوانت، ۳ـ شیطان قلعه، ۴ـ قیزجه، ۵ـ زره شوران، ۶ـ چشمه‌های اطراف آبادی‌های آق دره که رود آق دره را تشکیل می‌دهند ـ آب‌های معدنی گرم و سرد.

کوه‌ها: ۱ـ شوانت (۲۹۷۰ متر)، ۲ـ ایمان خان (۲۸۷۰ متر) ۳ـ چال داغ (۲۸۵۰ متر) ۴ـ قورشاقلو (۲۴۷۰ متر) ۵ـکمرکانی خوش (۲۷۴۰ متر) ۶ ـ زندان سلیمان (۲۲۸۰ متر).

کانی‌ها: سیلیس، پریت، طلا، آنتی مان و آرسانیک.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.
رستنی‌ها: درختان زالزالک وحشی، بادام وحشی، بنه ـ گیاهان داروئی و صنعتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران : گرگ، روباه، خرگوش، شغال، گراز، خرس، بز کوهی، قوچ و میش، کبک، تیهو، مرغابی، اردک، بلدرچین، زاغ، کرکس، پرستو، جغد و عقاب.
زبان: ترکی و فارسی با گویش ترکی.
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامپروری، استخراج مواد معدنی، صنایع دستی استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، سیب، زردآلو، طیور، دام و فرآورده‌های دامی، فرش، جوراب پشمی و مواد معدنی.
تر گور ـ دهستان: دهستان ترگور به مرکزیت روستای موانا از بخش سیلوانای شهرستان ارومیه در ۲۲ کیلومتری شمال غربی مرکز بخش سیلوانا به مساحت ۴۱۶/۸۸۵ کیلومتر مربع که ۳۱٪ وسعت بخش سیلوانا را در بر می‌گیرد، دارای تعداد ۲۴ روستا و ۱۵ مزرعه و مکان است. بلندی برخی از روستاهای آن به ۱۷۲۳ متر بلندتر از سطح دریا می‌رسد. بیشتر روستاهای آن دره‌ای می‌باشد.
آب و هوا: نیمه مرطوب، خیلی سرد تا معتدل.
آب‌های سطحی آن شامل: ۱ـ رود دائمی نازلوچای، ۲ـ رود دائمی روضه چای، آب‌های زیر زمینی آن شامل ۲۶ حلقه چاه می‌شود.
۱ـ کوه خیزان با ۲۳۱۰ متر در ۴/۵ کیلومتری غرب و شمال غربی مرکز دهستان، ۲ـ کوه سیتو با بلندی ۳۱۳۸ متر در ۵ کیلومتری غرب مرکز دهستان، ۳ـ کوه برده رش به بلندی ۳۵۰۰ متر، ۴ـ کوه کلات به بلندی ۱۸۱۲ متر.

پوشش گیاهی: اسفناج، چتریان، خاکشی، دم روباهی، کنگر، درمنه ـ گون کتیرا، درمنه، کنگر، اُرس و بادام کوهی.
تکاب: از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی می‌باشد که از شمال به شهرستان هشترود، از شمال شرقی به شهرستان زنجان، از مشرق و جنوب شرقی به شهرستان بیجار، از جنوب و جنوب غربی به شهرستان دیواندره (از شهرستان سنندج) و از مغرب به شهرستان شاهین دژ محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ـ تخت سلیمان، ۲ـ مرکزی) ۲۵۲۳/۴۰ کیلومتر مربع مساحت و ۹۷ روستا می‌باشد.
تکاب به معنای باریک و زمینی است که آب کم و باریکی در آن روان است.
تکاب به صورت اسم مرکب به معنای دره و زمینی است که در برخی جاها آب فرو رود و از جای دیگر برآید. این جا راتیکان تپه و پیکان تپه هم گفته‌اند که به علت وجود خارهای اطراف شهر می‌باشد.
شهرستان تکاب دارای ده‌ها اثر تاریخی مربوط به پیش و بعد از اسلام است از جمله تخت سلیمان.
تکاب منطقه‌ای کشاورزی و دامپروری است. گندم و جو، حبوبات در آن بیشتر به صورت دیم کشت می‌شود. باغ و قلمستان نیز دارد کتاب‌های درسی.
رودها: ۱ـ رود ساروق که از چشمه‌های اطراف در جنوب شرقی تکاب و کوه‌های بلقیس، قیرجه و قره داغ سرچشمه گرفته پس از گذشتن از شهر تکاب به رود زرینه‌رود می‌پیوندند.
چشمه‌ها و کاریزهای بسیار در شهرستان تکاب روان و از منابع آب کشاورزی و آشامیدنی این شهرستان می‌باشد.

کوه‌ها: ۱ـ ارنو (۲۲۹۰ متر) ۲ـ اورتایورد (۲۸۵۰ متر) ۳ـ ایمان‌خان (۲۸۷۰ متر) ۴ـ ایوب انصاری (۲۵۳۰ متر) ۵ـ پروخان (۲۹۴۱ متر) ۶ـ چال داغ (۲۹۴۹ متر) ۷ـ دمیس دره (۲۸۰۰ متر) ۸ـ زرنیخ (۳۰۵۰ متر) ۹ـ زندان سلیمان (۲۸۸۰ متر)، ۱۰ـ شوانت (۲۹۷۰ متر) ۱۱ـ شیشه بلاغ (۳۰۱۰ متر) ۱۲ـ قورشاغلو (۲۴۷۰ متر) ۱۳ـ قوشی داغی (۲۸۵۰ متر) ۱۴ـ کمرکانی خوش (۲۴۷۰ متر) غار کرفتودر ۲۱ کیلومتری جنوب غربی تکاب.

کانی‌ها: ۱ـ معدن زرنیخ، ۲ـ معدن سنگ ساختمان ۳ـ معدن سنگ گچ و آهک.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.

رستنی‌ها: درختان انگور کوهی، زالزالک، سیب جنگلی، ارژن و بنه، گیاهان داروئی و صنعتی ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال، گراز، خرس، بزکوهی، میش، مرغابی، اردک، بلدرچین، تیهو، باقرقره، زاغ، کرکس، مرغابی، اردک.

زبان: ترکی و فارسی با گویش ترکی.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی، استخراج معدن، پرورش طیور و غیره استوار است.

فرآورده ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، توتون، تنباکو، سیب، انگور، گلابی، دام و فرآورده‌های دامی، طیور، عسل، قالی، گلیم، جاجیم، مواد معدنی فرش معروف افشار است.

تکاب ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان تکاب استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر تکاب و دارای ۳ دهستان (۱ـ انصار، ۲ـ افشار، ۳ـ کرفتو) است.

چالدران (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان چالداران استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر سیه چشمه و دارای ۲ دهستان (۱ـ چالدران جنوبی، ۲ـ به‌جیک) است.

چالدران: از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است. تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر سیه چشمه، دارای دو بخش (۱ـ دشتک (زرتشت)، ۲ـ مرکزی) و پنج دهستان و ۱۹۷۴/۵ کیلومتر مربع مساحت و جمعاً تعداد ۱۸۶ روستاست که ۱۴ روستای آن خالی از سکنه است.

چالدران جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چالدران استان آذربایجان غربی، مرکز آن خضرلوست و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه آق داش و کوه مندلیخ قرار گرفته است.

رود: قره دره.

فرآورده‌ها: گندم، جو، شبدر و یونجه.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

چالدران شمالی: از دهستان‌های بخش مرکز آن شهرستان چالدران استان آذربایجان غربی و مرکزی زوایه است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک و کوه قارلی داغ قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، شیرین بیان، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، گراز و کبک.

چایپاره: از بخش‌های شهرستان خوی آذربایجان غربی ،از شمال به پلدشت و سیه چشمه، از خاور به شهرستان مرند، از جنوب و جنوب باختری به بخش مرکزی خوی و از باختر به مناطقی از شهرستان ماکو محدود است.

تقسیمات کشوری: این بخش دارای ۳ دهستان می‌باشد و مرکز آن قره ضیاءالدین است این بخش

به مساحت ۹۴۵ کیلومتر و سه دهستان (۱ـ چورس، ۲ـ حاجیلار، ۳ـ بسطام) و ۷۷ روستا و مرکز آن شهرک قره ضیاءالدین است.

رودها: رود آق چای که از کوه سوسوز روان گردیده مناطق شمالی را آبیاری می‌کند و آن‌گاه به شاخابه‌هائی چند تقسیم می‌شود و سرانجام به ارس می‌پیوندد.

کوه‌ها: بخش چایپاره در منطقه‌ای کوهستانی می‌باشد: ۱ـکوه تولکی تپه به بلندی ۱۵۵۰ متر، ۲ـکوه صفر داغ به بلندی ۱۹۵۰ متر، ۳ـکوه قره قلعه به بلندی ۱۹۴۰ متر، ۴ـکوه قره تپه به بلندی ۱۳۸۵ متر.

کانی‌ها: معدن سنگ مرمر.

آب و هوا: معتدل مایل به سرد و نیمه مرطوب.

رستنی‌ها: درختان بلوط، زالزالک، گلابی، گلابی وحشی، پسته‌وحشی، گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، سماق، گل گاو زبان، آنا غالیس، زنبق، کاسنی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: گرگ، خرگوش، روباه، گراز، آهو و گوزن.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و زنبور عسل استوار و از نظر کشاورزی خیلی اهمیت دارد. آب از رود، کشت به صورت دیمی و آبی است.

فرآورده‌ها: گندم و جو، دانه‌های روغنی، چغندر قند، سیب زمینی و برنج.

دامداری: به شیوه‌ی سنتی و پرورش زنبور عسل از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.

چایبارسار شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکز آن قوش است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک و باتلاق گل آغگل و دره بزلی و دره تاجدو قرار دارد.

فرآورده ها: گندم و جو.

پوشش گیاهی: گل زرد، چای کوهی و درخت قره آغاج و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و مرغابی.

چایبارسار شرقی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکزش عشق آباد است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و تپه‌ی قلعه سرک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تخمه‌ی آفتاب گردان، تره بار، زرد آلو و سیب.

پوشش گیاهی : آویشن، گل بابونه، شیرین بیان، خاکشی، و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

چایباسار جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکز آن قره تپه و شهرش بازرگان است. و در منطقه‌ای میانکوه و برکوهی معتدل خشک و کوه زیارت و کوه‌گرد زیارت و کوه قارلی و کوه چکو قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، بنشن، تره بار و تخمه آفتابگردان.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، خاکشی، شیرین بیان و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، شغال و کبک.

چورس: از دهستان‌های بخش چایپاره خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن چورس است. در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه اوجو میزداغ و کوه هالیلی و کوه آب نیش قرار دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، یونجه و گردو.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
چهریق: از دهستان‌های بخش کوهسار شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکزش چهریق است. و در منطقه‌ای میانکوهی سرد خشک و کوه یونجه لق و کوه گره سور و کوه قاین یارق قرار گرفته و کان پوکه معدنی قرار دارد و کوه جانگو و دره بزرگ رود زولاوشور دره و دره خر در این سامان است.
فرآورده ها: گندم، جو، یونجه، سیب، گردو.
پوشش گیاهی : آویشن، ختمی و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
حاجیلار: از دهستان‌های بخش چایپاره شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن حاجیلار است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل قرار و رود آق چای در آن جریان دارد.
فرآورده ها: گندم، جو، تخمه کدو، علوفه، تره بار، تخمه‌ی آفتابگردان، گلابی، سیب، گیلاس و آلبالو و عسل.
پوشش گیاهی : آویشن، گل زرد و پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
خوی (مرکز شهرستان): شهر خوی مرکز شهرستان خوی، از شهرستانهای استان آذربایجان غربی، در ۱۳۰ کیلومتری شمال ارومیه و در مسیر راه اصلی مهاباد ـ مرز بازرگان است. شهر خوی در جلگه‌ای قرار دارد، رود قطورچای مناطق جنوبی و رود الند مناطق باختری آنرا آبیاری میکند.
آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه، در زمستانها ۱۷ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه بطور متوسط در حدود ۳۰۰ میلیمتر میباشد.

خوی: از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، از شمال به شهرستان ماکو، از خاور به شهرستان مرند، از جنوب خاوری به شهرستان شبستر، از جنوب به شهرستان سلماس و از باختر به کشور ترکیه محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای ۵۵۶۱ کیلومتر مربع مساحت، دارای پنج بخش (۱ـ ایواغلو، ۲ـ چایپاره، ۳ـ صفائیه، ۴ـ قطور، ۵ـ مرکزی) و ۲۹۵ روستا می‌باشد.
شهرستان خوی در دشتی نسبتاً گسترده وسیع و در شمال غربی ایران واقع شده که اطراف آن راکوه‌ها محصور کرده‌اند چون در محلی پست قرار گرفته، در اصطلاح به آن خوی چوخوری هم می‌گویند که به معنای گود است به علت همسایگی با دو کشور خارجی در گذشته دارای اهمیت نظامی و سیاسی بوده است. چنانکه در طول تاریخ، قطور والند از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار بوده است کتاب‌های درسی.
این شهرستان در دشتی نسبتاً وسیع در شمال غربی ایران قرارگرفته، از شمال و مغرب به ماکو از مشرق به مرند و از جنوب به سلماس و از جنوب غربی به ترکیه محدود است. و ۱۶۷ متر پائین‌تر از سطح دریاچه‌ی ارومیه و در ارتفاع ۱۱۰۰ متری دریای آزاد قرار دارد. در سال ۱۳۷۷ شهرستان خوی ۲۰۰ هکتار جنگل تنک و ۹۸۰۰ هکتار جنگل مخروبه و ۴۶ هکتار جنگل دست کاشت داشت.
کلمه‌ی خوی کردی به معنای نمک است. خوی سابقه‌ی تاریخی درخشانی دارد و از قدیم شهر خوی در روحیات ساکنان این شهر تأثیر کرده، آنان را ملایم طبع و آزادمنش و صلح جو و در مواقع بحرانی دلیر بارآورده است. از قدیم مرکز

بازرگانی و شاهراه معروف جاده‌ی ابریشم بود که شرق و غرب را به هم پیوند می‌داد.
رودها: ۱ـ رود قطور یا قطور چای که از کوه گیر بران در دهستان الندو منطقه‌ی مرزی ایران در ترکیه سرچشمه می‌گیرد، پس از آبیاری مناطقی از شهرستان خوی و پیوستن شاخابه هائی به آن مانند: زنوز چای، تازان چای و آق چای در منطقه‌ی مشترک میان شهرستان‌های مرند و ماکو به رود ارس می‌پیوندد. ۲ـ رود الند با سرچشمه‌های متعدد از کوه‌های باختری شهرستان خوی به سوی خاور این شهرستان روان است و سرانجام به رود ارس می‌پیوندد.
کوه‌ها: شهرستان خوی در منطقه‌ی نیمه دشتی و نیمه کوهستانی است که کوه هائی چند آن را در میان گرفته‌اند ۱ـ کوه اورین بزرگ، در دهستان فیرورق به بلندی ۳۶۵۰ متر (بلندترین کوه استان) ۲ـ کوه اورین کوچک در ۳ کیلومتری خاور اورین بزرگ، به بلندی ۳۴۱۷ متر، ۳ـ کوه زکی در دهستان فیرورق، در پنج کیلومتری شمال باختری اورین بزرگ به بلندی ۳۳۴۵ متر ۴ـ اردیچ، در ۵ کیلومتری شمال اورین بزرگ به بلندی ۳۰۲۳ متر، ۵ـ تورگن، در ۴۱ کیلومتری باختر، خوی در کنار آبادی تودان به بلندی ۳۲۲۰ متر، ۶ـ خله داغ در دهستان قطور و در ۴۸ کیلومتری باختر خوی به بلندی ۳۱۶۲ متر ۷ـ بوک بویو در دهستان الند و در ۵۲ کیلومتری شمال باختری خوی به بلندی ۲۵۵۸ متر ۸ـ کوه آوریشن خانه، در ۳۹ کیلومتری باختر خوی به بلندی ۲۵۰۵ متر ۹ـ کوه گونیک در کوه دهستان قطور و در ۵۵ کیلومتری جنوب باختری خوی به بلندی ۲۵۶۰ متر ۱۰ـ کوه گیر بران در دهستان الندو در ۵۵ کیلومتری باختر خوی به بلندی ۳۱۲۰ متر ۱۱ـ کوه محمد آقا در دهستان قطور و ۴۱ کیلومتری باختری خوی به بلندی ۳۱۰۰ متر ۱۲ـ کوه نظربیگ در دهستان الندو در ۶۰ کیلومتری شمال باختری خوی به بلندی ۲۵۴۰ متر و در ۳ کیلومتری مرز مشترک ایران و ترکیه.
کانی‌ها: ۱ـ سنگ مرمر، ۲ـ سنگ نمک.
آب و هوا: دو نوع آب و هوا دارد: ۱ـ سرد و خشک (کوهستانی)، ۲ـ معتدل و خشک (جلگه‌ای) آب و هوا معتدل مایل به گرمی و دارای حدود ۳۵۰ میلیمتر بارندگی سالانه است.
رستنی‌ها: درختان انگور، بنه، زالزالک، بادام کوهی، بلوط، افرا، ولیک، وارژن ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گندم، بومادران، انواع شقایق، کاسنی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: روباه، گرگ، خرگوش، شغال، گراز، کل، بز کوهی، مرغابی، لک لک، حواصیل ، درنا، بلدرچین، کبک و تیهو.
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری و دامپروری استوار است.
خاک خوب، آب کافی، رودهای متعدد، چاهای ژرف و چشمه سارها، مایه‌ی رونق کشاورزی این شهرستان و تولید گندم، جو، برنج، آفتابگردان، چغندر قند، توتون و تنباکو، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، سیب، انگور، گلابی، بادام، گردو، توت و انار گشته است.
دامداری و دامپروری: پرورش و نگهداری دام و طیور و زنبور عسل به واسطه‌ی وجود مراتع و علفزارها ترقی و پیشرفت فراوانی نموده است. دام داری بیشتر به شیوه‌ی سنتی به وسیله‌ی روستائیان و عشایر انجام می‌شود.
پوست، پشم، دام، عسل شهرستان خوی در مقام اول در استان است.

خوی (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر خوی و دارای ۵ دهستان (۱ - فیرورق ۲ - دیزج ۳ - رهال ۴ - قره‌سو ۵ - گوهران) است.

خلیفان: از بخش‌های شهرستان مهاباد استان آذربایجان غربی و مرکز این بخش شهر خلیفان و دو دهستان (۱ـ کانی بازار، ۲ـ منگور شرقی) است.

دشت: از دهستان‌های بخش سیلوانه شهرستان ارومیه استان آذربایجان غربی و مرکز آن راژان است. و در منطقه‌ای بر کوهی سرد کوهستانی و کوه دارسنجی و کوه بلبل قرار و رود برده سور در آن جریان دارد.

فرآورده ها:گندم، جو، یونجه، نخود و تره بار.

پوشش گیاهی :گل گاو زبان، شیرین بیان و گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

دشتک: از بخش‌های شهرستان چالدران استان آذربایجان غربی و مرکز آن کلیسا کندی و دارای دو بخش (۱ـ اواجیق شمالی، ۲ـ اواجیق جنوبی) است.

دول ـ دهستان: به مرکزیت روستای دیزج دول از بخش مرکزی شهرستان ارومیه و در ۳۱ کیلومتری جنوب شرقی شهر ارومیه، از شمال و شمال غربی به دهستان بار اندوز جنوبی و از شرق و جنوب شرقی به دریاچه‌ی ارومیه محدود است. این دهستان ۲۲۸ کیلومتر مربع مساحت و ۲۳ روستا و ۴ مزرعه و مکان و به طور متوسط ۱۴۲۵ متر بلندی دارد. موقعیت آن ساحلی، میانکوهی و کوهپایه‌ای و دارای آب و هوائی ملایم مرطوب، سرد تا نیمه سرد است.

آب های سطحی: ۱ـ رود دائمی لوان چای ۲ـ رود دائمی چاپان، رود نصران (برده کش) رود دلی‌نز و رودهای فصلی قزل چای و غیره می‌باشد.

بلندی‌ها: رشته کوه در محدوده‌ی این دهستان قرار دارد که ارتفاعات متفاوتی دارند.

عوارض طبیعی: دریاچه‌ی ارومیه در شرق، دره‌های نصر آباد، گم ناز ناز و دول بلاغی در جنوب غربی و دره‌های قورخ دره سی و آغوز دره سی در شمال غرب و دره‌ی ملاباغی در جنوب شرقی، تپه داش کش در جنوب شرقی مرکز این دهستان قرار دارد.

گیاهان: گل ختمی، شیرین بیان، گل گاو زبان، شاتره، کاسنی، پونه، آویشن، ریواس و بومادران ـ گون کتیرا، گونه‌های درختی.

دیزج: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن دیزج است. و در منطقه‌ای بر کوهی و دره‌ای معتدل خشک و کوه پیر داغی و کوه کومالار و کوه تحجلی داش و کوه قلعه داش و کوه قره قوشون و کوه احمد کلگی قرار دارد.

فرآورده ها:گندم، جو و گیلاس، یونجه، تخمه‌ی آفتابگردان.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

راژان (مرکز بخش): شهر راژان مرکز بخش سیلوانه از بخشهای شهرستان ارومیه، آذربایجان غربی، در طول جغرافیائی ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه و عرض جغرافیائی ۲۳ درجه و ۳۷ دقیقه و در بلندی ۱۷۱۰ متری از سطح دریا و در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی ارومیه و در پایان راه ارومیه ـ راژان قرار دارد.

آب و هوا: نسبتاً سرد و مرطوب، بیشترین درجه

گرما در تابستانها بـه ۲۸ درجـه بـالای صـفر و کمترین درجه ۲۵ درجه زیر صفر و مقدار باران سالانه بطور متوسط ۸۳۵ میلیمتر و رطوبت نسبی ۷۶ درصد است.

روضه چای ـ دهستان: مرکز آن روستای بالو از بخش مرکزی شـهرستان ارومـیه، از شـمال بـه دهستان نازلو و از غرب به دهستان نـازلوچای شمالی و دهستان دشت از بخش سیلوانا محدود و دارای ۲۵۹/۵ کیلومتر مربع مساحت دارای ۳۰ روستا و ۶۴ مزرعه و مکان و در ارتفاع متوسط ۱۴۲۷ متری از سطح دریا قـرار گـرفته، بـیشتر روستاهای آن جلگه‌ای، دره‌ای و کوهپایه‌ای است.

آب و هوا: بری، نیمه مرطوب، خـیلی سـرد تـا معتدل.

آب‌ها: رود دائمی روضه‌ی چای، رود شیر چای و آب‌های زیر زمینی آن شامل ۱۸ دهانه چشمه و ۴۶ حلقه چاه می‌باشد.

حدود ۷ رشته کوه در اطراف آن قـرار گـرفته بـا بلندی‌های متفاوت.

عوارض طـبیعی: تـپه‌های دم خـزینه، دسـلان، تیرانداز و بادام و گردنه‌های خـوی، بـرخـوردار، گوزلی، سه ته خانقاه، دلاوا، ایوکندی، نودری، علی پنجه سی و انجیر در جنوب غـربی مـرکز دهستان.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی، گل ختمی، گل گاو زبان و بومادران ـ گون (کتیرا).

رهال: از دهستان‌های بخش مـرکزی شـهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن قورورق است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه شلی قرانجل قرار و رود قره‌سو و رود قطور در آن جریان دارد.

فرآورده ها: سیب، گیلاس، آلو زرد، گندم، جـو، یونجه، کدو، تخمه‌ی آفتابگردان و عسل.

پوشش گیاهی: آویشن و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

زنگبار: از دهستان‌های بخش پلدشت، شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکز آن بهلول آباد است و در منطقه‌ای جلگه‌ای و دشـتی مـعتدل خشک و دریـاچه سـد ارس در آن قـرار و رود زنگبار در آن جریان دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، سنجد، زردآلو، گلابی و تره بار.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی، شیرین بیان، گل گاو زبان.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز و کبک.

زولا چـای: از دهسـتان‌های بـخش مـرکزی شهرستان سـلماس استان آذربـایجان غـربی و مرکزش ملحم و شـهرش تـازه شـهر است و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه پیر چاوش و رود زولا در اطراف آن قرار و جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تخمه‌ی آفتابگردان، چغندر قند و کدو.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و تیهو.

سردشت (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است که از مغرب و جنوب به مرز ایران و عراق و از شمال به پیرانشهر، از مشرق به مهاباد، محدود می‌باشد.

کنار چشمه آبی است که آب آشامیدنی شـهر و قسمت بیشتر آب زراعتی زمین‌های اطراف آن از این آب فراهم می‌شود. کانون آبگیر این چشمه کوه گرده سود و رشته کوه‌های مرزی ایران و عـراق است. حوض سردشت یـا چشـمه‌ی آب خـود

جوش که شهر سردشت به دور آن‌ساخته شده. کتابهای درسی

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر سردشت دارای دو بخش (۱ـ مرکزی، ۲ـ وزینه). ۶ دهستان و ۱۴۱۱ کیلومتر مربع مساحت و ۲۷۱ روستا که ۹ روستایش خالی از سکنه است.

کوه‌های بلندی، غرب و شمال غرب آن را فراگرفته‌اند که کوه‌های مرزی ایران و عراق را شامل می‌شود از کوه‌ها و قله‌های آن بلفات، هوینه مال، زردکه، هومل، ساری گم و گرده سور رامی می‌توان برشمرد که از نظر نظامی اهمیت دارد و در عین حال دارای مناظر بسیار زیبای طبیعی می‌باشد. بیشتر آن‌ها را جنگل‌های زیبا و متراکم، با درختانی از نوع بلوط و مازوج و باغ‌ها و تاکستان‌های وحشی و انجیر و انار و گلابی در برگرفته‌اند. کتابهای درسی

شهرستان سردشت دارای دو بخش: ۱ـ مرکزی به مرکزیت شهر سردشت، ۲ـ وزینه به مرکزیت میر آباد و دارای شش دهستان: ۱ـ آلان (اسلام آباد)، ۲ـ باسک کولسه (بریسو)، ۳ـ بریاجی (بیوران سفلی)، ۴ـ گورک سردشت (ربط)، ۵ـ گروک نعلین (میرآباد)، ۶ـ ملکاری (نلاس) دارای سه شهر ۱ـ سردشت، ۲ـ ربط، ۳ـ میرآباد می‌باشد.

سردشت (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان سردشت استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر سردشت و دارای ۴ دهستان (۱ـ آلان، ۲ـ باسک کولسه، ۳ـ بریاجی، ۴ـ گورک سردشت) است.

سکمن آباد: از دهستان‌های بخش صفائیه شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن زرآباد است. و در منطقه‌ای میانکوهی و تپه‌ای معتدل خشک و کوه یخلقان و کوه قره ملک و کوه بزگونی و کوه گون گورمز و کوه تالاداشی و کوه قوزای قرار دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، یونجه و فرش.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

سلماس (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، از شمال به شهرستان خوی، از خاور به شهرستان شبستر و دریاچه‌ی ارومیه، از جنوب به شهرستان ارومیه و از باختر به کشور ترکیه محدود است. در شمال خاوری این شهرستان دارای زمین‌های حاصلخیز، باغ‌های میوه و چشمه‌های آب معدنی است.

تقسیمات کشوری: دارای ۲۵۴۴ کیلومتر مربع مساحت و دو بخش (۱ـ کوهسار، ۲ـ مرکزی) و هفت دهستان و ۱۵۶ روستا و مرکز آن شهر سلماس و ۷۲۰۰۰ هکتار مرتع است.

رودها: زولاچای مهم‌ترین رود این شهرستان است که کوه‌های مرزی ایران و ترکیه در جنوب باختری شهر سلماس روان می‌باشد. رودهای متعدد دیگر شهرستان سلماس از شاخابه‌های زولا چای هستند. علاوه بر این شاخابه هائی بدان می‌پیوندند و در نزدیکی روستای کنگرلو به دریاچه‌ی ارومیه می‌پیوندند.

کوه‌ها: ۱ـکوه هرویل داغی به بلندی ۳۴۸۸ متر، ۲ـکوه ساری داش به بلندی ۳۰۹۷ متر، ۳ـکوه زردکل به بلندی ۲۹۳۰ متر، ۴ـکوه تعت یا طاعت به بلندی ۲۸۲۰ متر، ۵ـکوه نوچ به بلندی ۲۸۵۰ متر، ۶ـکوه گر به بلندی ۲۷۵۰ متر، ۷ـکوه آق‌کان داغ به بلندی ۲۷۲۳ متر، ۸ـکوه خنابری به بلندی ۲۷۰۰ متر، گردنه قوشچی مرز مشترک شهرستان‌های سلماس و ارومیه، در ۲۵ کیلومتری جنوب خاوری شهرستان سلماس می‌باشد.

کانی‌ها: ۱ـ سنگ گچ، ۲ـ سنگ آهک، ۳ـ سنگ لاشه‌ی مرمر، ۴ـ سنگ لاشه، ۵ـ سنگ لاشه‌ی تراورتن، ۶ـ سنگ موزائیک، ۷ـ مبازالت، ۸ـ پوکه‌ی معدنی، ۹ـ گرانیت.

آب و هوا: معتدل و متمایل به سرد و خشک است. سلماس به واسطه‌ی مجاورت با دریاچه‌ی ارومیه، دارای رطوبت نسبی هواست. قسمت غربی این شهرستان دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های ملایم و خنک و میزان بارندگی سالانه این شهرستان به طور نسبی میان ۳۸۰ تا ۴۱۰ میلیمتر است. شهر سلماس در ۱۴۳۰ متری بالای سطح دریا قرار گرفته است.

رستنی‌ها: درختان انگور، بنه، زالزالک، بلوط، بادام کوهی، ولیک نارون و افرا ـ**گیاهان داروئی و صنعتی:** بومادران، گل پونه، گل ختمی، انواع شقایق، گل گندم، کاسنی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، گراز، بزکوهی، مرغابی، لک لک، حواصیل ، درنا، بلدرچین، کبک و تیهو.

مردم این سامان به زبان ترکی، فارسی با گویش کردی، آشوری و ارمنی سخن می‌گویند.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامپروری و صنایع استوار است. چه دارای زمین‌های حاصلخیز، باغ‌های میوه و چشمه‌های آب معدنی می‌باشد. کشاورزی با این که می‌تواند فرآورده‌های فراوانی به شهرهای دور و نزدیک خود صادر کند، اما به علل مختلف سهم صادرات ناچیز است. آب کشاورزی از رودها، چشمه‌ها و چاه‌های ژرف فراهم گشته، نوع کشت بیشتر آبی و جنس خاک بیشتر رسی و خاک سیاه است.

فرآورده ها: آفتاب گردان، تخمه کدو، چغندر قند، گندم، جو، بنشن، تره بار، سیب درختی و گردو.

دامداری و دامپروری: به واسطه‌ی مراتع فراوان سرسبز به وسیله‌ی روستائیان و عشایر از منابع مهم مردم دست اندر کار میباشد. گاو، گوسفند، گاو میش، طیور و زنبور، عسل پرورش و نگهداری می‌شود، دام و طیور و عسل و فرآورده‌های دامی از صادرات این شهرستان است.

صنایع کارخانه‌ای: قندسازی، پنیر سازی، بیسکویت سازی، کابینت سازی، ظروف پلاستیکی و ملامین، سنگ کوبی، بلوک سیمانی، آجر سازی و پارچه بافی.

«نام شاهپور در قدیم رزاوند بود پس از آن به سلماس تغییر نام داده شد، از حفاری‌های به دست آمده از تپه‌ی تبان، قدمت سلماس به زمان مادها می‌رسد. در زمان هخامنشیان، جزء آخرین قسمت ارمنستان بود و آن را زاروند می‌گفتند. در دوره‌ی اشکانیان، یکی از ایالت‌ها حایل میان ایران و روم بود و پس از شکست آخرین شاه اشکانی، ضمیمه متصرفات ساسانیان می‌شود. یادگاری از این سلسله در کوه پیر چاوش بر سر راه ارومیه و سلماس (نزدیکی ده خان تختی) باقی مانده است. بدین صورت که روی تخته سنگی دو نفر سوار بر اسب وجود دارد. یکی خود اردشیر و دیگری شاهپور است و در جلو هر یک پیاده‌ای ایستاده مشاهده می‌شود. کتاب‌های درسی

در سال ۱۳۷۷ شهرستان سلماس ۶۰۰ هکتار جنگل تنک و ۷۴۰۰ هکتار جنگل مخروبه و ۷۵ هکتار جنگل دست کاشت داشت.

سلماس (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر سلماس و دارای ۴ دهستان (۱ –کره سنی ۲ –

زولاچای ۳ - کنار پروژ ۴ - لکستان) است.
سیمینه: از بخش‌های شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی و مرکز آن سیمینه و دارای ۳ دهستان (۱ـ بهی دهبکری، ۲ـ آختاچی شرقی، ۳ـ آختاچی محالی) است.
سیلوانه: از بخش‌های شهرستان ارومیه، استان آذربایجان غربی است که از شمال به بخش صومای برادوست، از مشرق به حومه‌ی ارومیه، از جنوب به بخش اشنویه و از مغرب به ترکیه محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای ۱۳۵۶ کیلومتر مربع مساحت و ۳ دهستان (۱ـ ترگور، ۲ـ دشت، ۳ـ مرکور) و ۱۰۹ روستا و مرکز این بخش شهرک سیلوانه است.
رودها: ۱ـ رود باراندوز چای که از بلندی‌های اطراف دشت زیوه و کوه‌های مرزی زیوه سرچشمه گرفته و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌پیوندد. ۲ـ رود برده سور که از کوه‌های مرزی ایران سرچشمه گرفته و در مسیرش رودکوسه لو به آن می‌پیوندد و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد.
کوه‌ها: ۱ـ کوه خلیل (۳۱۹۷ متر)، ۲ـ سه کوچه (۲۸۲۰ متر)، ۳ـ کوکرو (۲۸۰۰ متر).
آب و هوا: نسبتاً سرد و مرطوب.
گیاهان: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، شغال، گراز، خرگوش، خارپشت، قوچ و میش، درنا، سار صوتی، کبک، بالابالان، لک لک سفید و آنقوت.
گیاهان: تیره هائی از طوایف کوچر و از جمله‌ی طایفه بیگ زاده، طایفه‌ی دری ایل هرکی و ایل سادات در بخش سیلوانه به دامپروری به شیوه‌ی سنتی کوچ ییلاق و قشلاق به سر می‌برند.
زبان: ترکی، فارسی با گویش ترکی که این گویش به سه شاخه با دینی دکرمانجی، سورانی و اورامی تقسیم گشته اما بیشتر به شاخه‌ی با دینی سخن می‌گویند.
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری استوار است.
کشت و کار به صورت آبی و دیمی انجام می‌شود. آب کشاورزی بیشتر از رود چشمه و چاه فراهم گشته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، علوفه، سیب درختی و انگور، دام و فرآورده‌های دامی و طیور و فرش.
سیه چشمه: مرکز چالدران در منطقه‌ای کوهپایه‌ای قرارگرفته که به واسطه‌ی داشتن چشمه‌های متعدد شهره می‌باشد از این گذشته محل درگیری‌های نظامی شدیدی میان صفویه و عثمانی درگرفت که منجر به شکست ایران و پیروزی عثمانی ها گشت.
سیه چشمه: سیه چشمه بخش مرکزی شهرستان چالدران، استان آدربایجان غربی، از شمال و شمال خاوری به بخش مرکزی شهرستان ماکو، از خاور به بخش پلدشت ،از جنوب به بخش مرکزی شهرستان خوی و از باختر به کشور ترکیه محدود است.
نام سابق سیه چشمه قره عینی بود. آورده‌اند که قره نام پسر و عین نام پدر بوده و به آن قره عین نام دادند اما چون رود قره سو از میان شهر می‌گذرد یا این که از نام منطقه‌ای نیمه باتلاقی و چمنزار به اسم قره بلاغ گرفته شده است.
رودها: ۱ـ رود یارون چای از بلندی‌های آق داغ، گل داغ و حاجی بیگ سرچشمه گرفته مناطق شمالی بخش سیه چشمه را آبیاری می‌کند و در

مسیرش رود زنمار به آن می‌پیوندد و خود به رود ارس می‌ریزد.

کوه‌ها: بخش سیه چشمه در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که کوه‌های بلندی در این بخش سر بر افراشته‌اند: ۱ـ کوه آق داغ به بلندی ۲۷۵۷ متر، ۲ـ کوه حاجی بیگ به بلندی ۲۸۵۰ متر، ۳ـ کوه شیورش به بلندی ۲۸۴۴ متر، ۴ـ کوه قانلی بابا تپه‌ی سی به بلندی ۲۵۰۳ متر، ۵ـ کوه گل داغ به بلندی ۲۷۶۹ متر، ۶ـ کوه محمود به بلندی ۲۸۱۰ متر، ۷ـ کوه مندلیخ به بلندی ۳۰۵۰ متر.

آب و هوا: درختان زالزالک، بادام کوهی، افرا و بلوط ـ گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، شیرین بیان، زنبق و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، خرگوش، مار، شغال، کبک.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی به صورت دیمی و آبی صورت می‌گیرد، آب از رود و چشمه تأمین می‌شود.

به زبان ترکی و فارسی و کردی سخن می‌گویند.

فرآورده ها: گندم، جو، تره بار، یونجه و سیب، دام و فرآورده‌های دامی و عسل، قالی و گلیم.

دامداری به واسطه‌ی مراتع خوب فراوان در کنار کشاورزی و همسطح صورت می‌گیرد. زنبور عسل نیز پرورش داده می‌شود.

قالی بافی و گلیم بافی در سطح شهر و روستاها انجام می‌شود و ارزش افزوده آن بر درآمد مردم این سامان می‌افزاید.

بخش سیه چشمه میان شهرستان‌های خوی و ماکو قرار گرفته، چون از طرف مغرب با ترکیه هم مرز است اهمیت خاصی دارد و سعتش به ۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد. کتابهای درسی

شاهین دژ: از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی می‌باشد که از شمال و شمال شرقی به شهرستان هشترود، از شمال غربی به شهرستان میاندوآب، از مشرق به شهرستان تکاب، از جنوب به شهرستان سنندج از جنوب غربی به شهرستان سقز و از مغرب به شهرستان مهاباد محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهرستان شاهین‌دژ دارای دو بخش کیشاور و هفت دهستان و ۲۸۹۳ کیلومتر مربع مساحت است و دارای ۲۰۵ آبادی است. ۱ـ زرینه رود، ۲ـ رود هاچه سو، ۳ـ رود اُخچه.

کوه‌ها: از رشته کوه‌های زاگرس کوه‌های زیر در شهرستان شاهین دژ قرار دارد: ۱ـ اُکوزاوالاد (۲۹۱۷ متر)، ۲ـ اُورته داغ (۲۵۵۰ متر)، ۳ـ اوزون دره (۲۶۹۸ متر)، ۴ـ کوه بردرش (۲۷۶۷ متر)، ۵ـ تکه قیه شی (۲۷۱۰ متر)، ۶ـ خسرو خان (۲۴۲۹ متر)، ۷ـ سبلاخ (۲۴۹۲ متر)، ۸ـ سفره سلام (۲۷۱۰ متر)، ۹ـ سویلی (۲۶۶۸ متر)، ۱۰ـ قازمه (۲۷۷۵ متر)، ۱۱ـ محمود خان (۲۶۱۰ متر ۹، ۱۲ـ یاری قاری (۲۹۴۱ متر).

آب و هوا: به طور کلی سرد و نسبتاً خشک.

رستنی‌ها: درختان ارژن، زالزالک وحشی ـ گیاهان داروئی و صنعتی ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، گراز، قوچ و میش، بز کوهی، روباه، شغال، کبک، درنا و تیهو.

زبان: ترکی و فارسی با گویش کردی.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی و کارخانه‌ای استوار است.

فرآورده ها: گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، تره بار، انگور، سیب، گردو، به، بادام، گلابی و گیلاس، قالی، گلیم، آرد، پنیر، آهک، موزائیک و آجر.

شاهین دژ (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان شاهین دژ استان آذربایجان غربی و مرکز آن شهر شاهین دژ دارای ۳ دهستان (۱ـ هولاسو، ۲ـ صفاخانه، ۳ـ محمود آباد) است.

صائین‌دژ: در زمان ساسانیان، کسان بسیاری برای نیایش و زیارت به آتشکده آذر گشسب در ۳۰ کیلومتری شهر فعلی صائین دژ می‌رفته‌اند که بسیاری از آن‌ها از بزرگان و سلاطین ساسانی بوده‌اند. در ۳۰ کیلومتری آتشکده، قلعه‌ای برای استراحت ساخته شده و نام آن را صائین دژ گذاشته بودند.

صائین در لغت به معنای نگهبان و نگهدارنده و دژ یادز به معنای قلعه است. پس از اسلام صائین دژ به صائین قلعه تغییر نام یافت و در این زمان هم محل گذر از ایران ـ کربلا نیز بود. در روزگار مغول تپه‌ای از تل خاک ساخته شد که از آن‌ها برای مقابله با دشمنان استفاده می‌شد.

صائین دژ در کنار رودخانه زرینه رود قرار دارد و در قسمت‌های مختلف ساختمان‌ها از گل و خشت خام و سقف چوبی استفاده شده اما اینک از مصالح و موادی چون سیمان و آهن و غیره استفاده می‌شود.

صائین دژ در منطقه‌ای ییلاقی و کشاورزی قرار گرفته که قسمت شرق آن محل چرای دام‌های عشایر کوچ نشین است. کتاب‌های درسی

شپیران: از دهستان‌های بخش کوهسار شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکز آن دلزی است. و در منطقه‌ای سر کوهی و دره‌ای سرد خشک و کوه کانی اسپی قرار گرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، گل بنفشه، و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی و کبک.

شناتال: از دهستان‌های بخش کوهسار شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکزش کوزه‌رش است. و در منطقه‌ای بر کوهی و دره‌ای سرد خشک و کوه پیرامتو دره سوولی قرار و رود رشه دار در آن جریان دارد و دره آب دور و کوه سفید و کوه کهبری درین سامان است.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، آویشن، گل بنفشه، و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

شُوط: از بخش‌های شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی، از شمال به بخش مرکزی ماکو، از خاور به بخش پلدشت، از جنوب به بخش چایپاره (از شهرستان خوی) و از باختر به بخش سیه چشمه از شهرستان ماکو محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای ۹۱۰ کیلومتر مربع مساحت و دارای یک بخش به نام شورا سه دهستان (۱ـ قره‌قویون جنوبی، ۲ـ قره قویون شمالی، ۳ـ یولاگلدی) و ۷۰ روستا و مرکز آن شهر شوط است.

رودها: ۱ـ رود زنگبار از کوه‌های باختری ماکو سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از شهر ماکو در مسیرش از ۴ کیلومتری شمال شهرک شوط می‌گذرد و سرانجام در منطقه‌ی مرزی به رود ارس می‌پیوندد.

آب گرم معدنی شهرک شوط بسیار مورد توجه مردم منطقه است.

کوه‌ها: بخش شوط در منطقه دشتی ماکو قرار دارد تنها در جنوب از این بخش کوه‌های نسبتاً بلندی دارد: ۱ـ کوه سوز به بلندی ۲۴۲۸ متر، ۲ـ کوه

سوکار به بلندی ۲۷۴۸ متر.
آب و هوا: معتدل و نیمه خشک.
رستنی ها: درختان بادام کوهی و پسته‌ی کوهی - گیاهان داروئی: گل گاو زبان، چله‌ی داغی، قزایاغی و بلاغ اوتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: روباه:، شغال، گرگ، گراز، خرگوش، بزکوهی، قوچ، میش، مرغابی، لک لک، درنا، حواصیل و کبک.
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و جاجیم بافی استوار است. خاک مناسب و آب مایه‌ی پیشرفت کشاورزی و باغداری شده، گندم، جو، برنج، تره بار، بنشن، آفتاب گردان، سیب، گلابی و گردو.
دامپروری از رونق برخوردار است و بخشی از فرآورده‌های دامی صادر می‌شود.
جاجیم بافی در طرح‌های جالب تولید و مقادیر اندکی از آن صادر می‌شود.
صومای برادوست: از بخش‌های شهرستان ارومیه، استان آذربایجان غربی است که از شمال به شهرستان سلماس، از مشرق به بخش انزل، از جنوب به بخش سیلوانه و بخش مرکزی ارومیه و از مغرب به ترکیه محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای ۱۱۶۱ کیلومتر مربع مساحت و سه دهستان (۱ـبرادوست، ۲ـصومای جنوبی، ۳ـصومای شمالی) و ۱۰۰ روستاست. و مرکز آن شهر سرو می‌باشد.
رودها: ۱- سرو چای از کوه‌های مرزی ترکیه سرچشمه گرفته، از جنوب مرکز بخش شهر سرو می‌گذرد و به رود برادوست می‌پیوندد. ۲- رود برادوست از کوه‌های سلطانی و بلندی‌های دشت همگان و هشتیان سرچشمه گرفته و از ۸ کیلومتری جنوب شرقی سرو می‌گذرد و به دریاچه‌ی ارومیه می‌پیوندد.
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه مرطوب.
رستنی‌ها: درختان ارس، پسته و بادام وحشی - گیاهان داروئی و صنعتی پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه، شغال، گراز، خرگوش، خارپشت، قوچ و میش، درنا، چکاوک، کبک، عقاب، لک لک سفید، آنقوت و بالابان.
زبان: ترکی و فارسی با گویش ترکی.
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی به صورت دیمی و آبی هر دو صورت می‌گیرد. آب کشاورزی بیشتر از رودها، چاه‌ها و چشمه‌ها فراهم گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار و گیاهان علوفه‌ای، انگور، سیب، دام و فرآورده‌های دامی، شال، جوراب، گلیم و قالی.
صومای جنوبی - دهستان: این دهستان به مرکزیت روستای هشتیان از بخش صومای برادوست شهرستان ارومیه در ۳۰ کیلومتری مرز بخش صومای برادوست قرار دارد.
دارای حدود ۳۸۰ کیلومتر مربع مساحت یعنی ۳۳٪ بخش صومای برادوست، دارای ۲۳ روستا و یک مزرعه و مکان.
بلندی آن تا ۲۴۹۰ متر از سطح دریا در روستای سلطانی می‌رسد. بیشتر روستاها پایکوهی، بر کوهی و دره‌ای است.
آب و هوا: بری، مرطوب، خیلی سرد تا معتدل.
آب های سطحی: ۱- رود صوفیان، ۲- رود قصریک که از شاخه‌های اصلی برادوست است.
دارای ۲۲۳ دهانه چشمه و ۶ حلقه چاه معمولی می‌باشد.

پوشش گیاهی: ۱ـ کاسنی، ۲ـ آویشن، ۳ـ بومادران، ۴ـ گل گاو زبان، ۵ـ شیرین بیان، ۶ـ درمنه ـ گیاهان صنعتی، علوفه‌ای و درختی.

صومای شمالی: از دهستان‌های بخش صومای برادوست شهرستان ارومیه استان آذربایجان غربی و مرکز آن ممکان و در منطقه‌ای پایکوهی، سرد و خشک و کوه سفید.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

طلاتپه ـ دهستان: به مرکزیت روستای طلاتپه از بخش نازلوی شهرستان ارومیه، در ۱۳/۵ کیلومتری جنوب شرقی مرکز بخش نازلو دارای ۸۸/۶ کیلومتر مربع مساحت یعنی ۷۱/۱ درصد وسعت بخش نازلو، دارای ۱۴ روستا و ۱۴ مزرعه و مکان با ارتفاع متوسط ۱۲۸۴ متر، موقعیت طبیعی آن جلگه‌ای است.

تنها رودش، رود نازلو چای می‌باشد که پیش از ورود به این دهستان دو شاخه می‌شود. یک شاخه از جنوب غرب از غرب به شرق و دیگری از غرب وارد با جهت جنوب غربی وارد می‌شود.

عوارض طبیعی: دریاچه‌ی ارومیه در شرق آن، تپه‌های سپور غال و خانشان در شمال شرقی، تپه‌ی باستانی شربت در جنوب آن قرار گرفته.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی، بلاغی اوتی، گل گاو زبان، آویشن، مرزه‌ی کوهی، گون، گیاهان علوفه‌ای.

فیرورق: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن پستک سفلی است.

و در منطقه‌ای دره‌ای و بر کوهی، معتدل خشک و کوه بدلان و کوه ساری بلاغ قرار و رود حصار چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: کدو، سیب، تره بار، تخمه‌ی آفتابگردان، گیلاس، آلبالو، زردآلو و گلابی و بنشن.

پوشش گیاهی: آویشن و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک.

قره سو: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن دیزج دیز است و در منطقه‌ای جلگه‌ای معتدل خشک قرار دارد.

رودها: الند، رود قره سو.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، سیب، زرد آلو و گردو.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش.

قره ضیاءالدین: از دهستان‌های بخش چایپاره شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی و مرکز آن بسطام است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه باباخ و کوه زرگر و کوه کومورقوزای و دره آدالار قرار و رود آق چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: یونجه، کدو، سیب، تخمه‌ی آفتابگردان، زرد آلو، گلابی، آلبالو، گردو و عسل.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: قوچ، میش، بزکوهی، گراز، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

قره کلیسا: روستایی است که به واسطه‌ی محل مزار تادی یا طاطاوس مقدس که سخت مورد توجه مسیحیان ارمنی می‌باشد. کلیسا از دو بخش تشکیل گشته: ۱ـ کلیسای سیاه که بخش قدیمی آن است و ۲ـ قسمت کلیسای سفید و دارای دو گنبد

هرمی شکل دوازده ترکی سنگی به ارتفاع ۴۲ متر و دارای تزئینات فراوان معماری و دارای ۴۴ دیر است.

قره قویون جنوبی: از دهستان‌های شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکزش مرگن‌لر (مرگن وسطی) است. و در بخش پایکوهی و تپه‌ای معتدل خشک و کوه تاتار.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، سیب، زرد آلو و گردو.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، خاکشی و آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

قره قویون شمالی: از دهستان‌های شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکزش صوفی است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک وکوه سوکار قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن و زرد آلو.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، گل بابونه، گل ختمی و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

قطور: از دهستان‌های بخش قطور شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن قطور است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه تلخ وکوه اوگوز وکوه کومیدلو وکوه گرگ‌ها وکوه اسب‌ها وکان شن و ماسه شاخابه‌ای از رود قطور قرار گرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، گردو، زرد آلو و سیب و عسل و فرش با نقش‌های ماهی درهم کله اسبی.

پوشش گیاهی: آویشن، گل زرد و پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.

قطور (بخش): از بخش‌های شهرستان خوی استان آذربایجان غربی که مرکز آن شهر قطور و دارای ۳۶۸/۱۱۳ کیلومتر مربع مساحت و ۳۱ روستا و دهستان (۱ـ زری، ۲ـ قطور) و مرکز آن شهر قطور می‌باشد.

در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، معتدل خشک، در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی خوی و مرکز این بخش در بلندی ۱۹۶۰ متری از سطح دریا قرار و رود قطور در شمال آن جریان و کوه حلب در یک کیلومتری شمال و کوه قلعه در مشرق آن قرار دارد.

به زبان ترکی و کردی سخن می‌گویند.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، باغداری، زنبورداری، کارگری و فرشبافی قرار دارد.

کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی، و آشامیدنی از رود و چشمه فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، علوفه، تخمه کدو، تخمه آفتابگردان، گیلاس، آلو زرد، آلو و سیب.

پوشش گیاهی: گیاهان داروئی از جمله آویشن، شیرین بیان و پونه و پوشش گیاهی مرتعی.

جانوران: شغال، روباه، خرگوش.

قلعه‌ی دره سی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکز آن کشمش تپه است و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.

پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

کره سنی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکز آن سیلاب و شهرش سلماس است. و در منطقه‌ای پایکوهی و دره‌ای معتدل خشک و کوه گونی و کوه ابراهیم خان و کوه چوخور و کوه گده گلی و کوه کیچو بلاغی.

فرآورده‌ها: گندم، جو، عسل و قالی.
پوشش گیاهی: آویشن، پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
گچلرات شرقی: از دهستان‌های بخش پلدشت شهرستان پلدشت استان آذربایجان غربی و مرکزش بیگ جان است و در منطقه‌ای سرکوهی معتدل خشک و کوه یال و کان اورانیوم و باریت در آن قرار و کوه آب انبار و تولکی تپه از بلندی‌های آن می‌باشد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، زردآلو، توت و گردو.
پوشش گیاهی: اسپند و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی و کبک.
گچلرات غربی: از دهستان‌های بخش پلدشت از شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی و مرکزش نازک علیاست. و در منطقه‌ای دشتی معتدل و خشک و کوه یال و کوتک داغ و کوه اوغلان گلالاسی داغ قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، زرد آلو و سیب.
پوشش گیاهی: اسپند و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
لکستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی و مرکز آن قره قشلاق است. و در منطقه ای دشتی معتدل خشک و کوه گری گل و کوه برگشا و کوه قزل داغ و تپه‌های پیر صالح و دریاچه‌ی ارومیه قرار و رود زولا در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، یونجه، چغندر قند و تخمه‌ی آفتاب گردان.
پوشش گیاهی: آویشن، گل ختمی و گیاهان مرتعی.
جانوران: روباه، خرگوش و کبک.

ماکو ـ شهرستان: از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، از شمال باختری و باختر به کشور ترکیه، از شمال و شمال خاوری به جمهوری آذربایجان از خاور به شهرستان مرند و از جنوب به شهرستان خوی محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر ماکو دارای ۴۳۳۵ کیلومتر مربع مساحت و جمعاً ۲۶۸ روستا و سه بخش (۱ـ پلدشت، ۲ـ شوط، ۳ـ مرکزی) است.
این شهرستان در شمال غربی آذربایجان در دره‌ی مصفائی در دامنه‌ی کوه‌های آرارات در مرز ایران و ارمنستان و ترکیه و در فاصله‌ی ۹۱۳ کیلومتری تهران واقع و دارای سابقه‌ی تاریخی هزار ساله و دارای دره‌های حاصلخیز است منطقه‌ای کوهستانی می‌باشد و ۱۲۹۴ متر بلندتر از سطح دریاست.
رودها: ۱ـ رود ارس از کوه‌های هزار برکه ترکیه سرچشمه گرفته، در مناطق شمال خاوری شهرستان ماکو مرز ایران و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد و جلگه‌های سیلابی و دریاچه هائی به صورت پراکنده پدید آورده، رود قره سو و رود زیگما به آن می‌پیوندند و خط مرزی را به طول ۴۴۰ کیلومتر تشکیل می‌دهد. ۲ـرود زیگما مناطق پهناوری از شهرستان ماکو را آبیاری می‌کند و پس از پیوستن چند رود به آن به نزدیکی پلدشت به رود ارس می‌پیوندد. ۳ـ رود آق چای (آق سو) از کوه آغداش در مرز ایران و ترکیه سرچشمه گرفته به رود قره سو می‌پیوندند و در شهر ماکو به رود زیگما می‌ریزد. ۳ـرود ساری سو از دو شاخابه دیگر از داخل خاک ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن آن دو شاخابه وگذشتن از شمال ماکو به رود زیگما می‌پیوندد.

کوه‌ها: شهرستان ماکو از دو منطقه دشتی و کوهستانی تشکیل گشته است: ۱ـکوه مندلیخ به بلندی ۳۰۵۰ متر، ۲ـکوه قره داغ در ۱۰ کیلومتری شهر ماکو با قله‌های متعدد که بلندترینش ۲۹۳۰ متر بلندی دارد. ۳ـکوه حاجی بیگ به بلندی ۲۸۵۰ متر، ۴ـکوه شیوش به بلندی ۲۸۴۴ متر، ۵ـکوه محمود به بلندی ۲۸۱۰ متر و در ۴۶ کیلومتری شهر ماکو، ۶ـ رود گل داغ به بلندی ۲۷۶۹ متر، ۷ـکوه آق داغ در ۴۰ کیلومتری جنوب ماکو به بلندی ۲۷۵۷ متر، ۸ـکوه سوکار به بلندی ۲۷۴۸ متر، ۹ـکوه قانلی بابا تپه سی به بلندی ۲۵۰۳ متر، ۱۰ـکوه سوسوز به بلندی ۲۴۲۸ متر، ۱۱ـکوه زیارت داغی به بلندی ۲۳۷۳ متر در ۸ کیلومتری بازرگان، ۱۲ـکوه کران به بلندی ۲۲۳۴ متر، ۱۳ـکوه هاسون به بلندی ۲۰۷۰ متر در ۱۹ کیومتری شمال خاوری شهر ماکو.

کانی‌ها: پوکه معدنی سفید و قهوه‌ای، تراورتن و زرنیخ، زغالسنگ، سرب، پنبه نسوز وجود دارد.

آب و هوا: سرد و خشک (بخش‌های کوهستانی)، معتدل و خشک (درمناطق جلگه‌ای).

رستنی‌ها: درختان انگور، بنه، بلوط، و زالزالک ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، شیرین بیان، خاکشی، آویشن، بابونه و گل ختمی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: روباه، گرگ، خرگوش، مارماهی (رودها) شغال، گراز، کل، بز کوهی، بلدرچین، کبک، تیهو، مرغابی، لک لک، حواصیل و درنا.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری استوار است. آب فراوان، خاک حاصلخیز آبرفتی زمینه سازکشاورزی و باغداری پر رونقی گشته دامداری با فراوانی چراگاه‌ها مایه‌ی پیشرفت و سود آوری دامداری گردیده از این گذشته تولید عسل نیز ارزش اقتصادی فراوانی دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، چغندر قند، بنشن، آفتاب گردان، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، انگور، گلابی، گردو و بادام ـ دام و فرآورده‌های دامی (از جمله پشم و روغن) و عسل و پرورش طیور است.

کوهستان‌های برهنه، پر صخره در دو سو سر بر آسمان کشیده دست کم به بلندی ۱۰۰۰ پا گردن برافراشته است. کوهی که در سمت شمال شهر قرار دارد هر قدر بالا می‌رود بر آمدگی پیدا می‌کند و چون سایبانی بر فراز شهر گسترده می‌شود. و در فرو رفتگی صخره‌ها قلعه‌ای را ساخته‌اند که نمای جلویش هولناک است و دورش را دیواری احاطه کرده است و دژی پایدار پدید آمده و شهر ماکو در زیر این کوه، قرار دارد. کتابهای درسی.

نام شهر ماکو در طول تاریخ به نام‌های گوناگونی ذکر شده است: ۱ـاسم ماکو در قدیم (شاوارشان) بوده از ماده (کیارسان) که امروزه به نام سیاوش معروف است، ۲ـنام آرتاز، قلعه قبان، پا، مکی نیز از نام‌های قدیمی ماکو بود. ۳ـ در نزهة القلوب آمده: ماکو قلعه‌ای است بر شکاف سنگی دهی دره‌ای قلعه است. کتاب‌های درسی.

در سال ۱۳۷۷ شهرستان ماکو ۱۰۰۰ هکتار جنگل تنک و ۹۰۰۰ هکتار جنگل مخروبه و ۷۹۲ هکتار جنگل دست کاشت داشت.

ماکو (مرکز شهرستان)

شهر ماکو مرکز شهرستان ماکوست که در گوشه شمال غربی آذربایجان غربی قرار گرفته و موقع جغرافیایی و نظامی آن مهم است زیرا در سر حد سه کشور ایران ـ ترکیه و جمهوری آذربایجان قرار گرفته از این رو در جنگ جهانی روسها متوجه آن

شده راه‌آهنی از شاه تختی به دوبایزید دایر کردند که از شهر ماکو می‌گذشت و حدود ۱۵۰ کیلومتر آن در خاک ایران بود و اکنون به کلی ویران و غیر قابل استفاده شده است.
شهر ماکو مرکز شهرستان ماکو، از شهرستانهای آذربایجان غربی، در ۲۰۰ کیلومتری شمال شهر ارومیه و در مسیر جاده اصلی تبریز - بازرگان است.
شهر ماکو در دره رود زنگمار و روی جلگه آبرفتی حاصل از رسوبات این رود و محل برخورد آق‌سو با رود زنگمار می‌باشد.
آب و هوا: معتدل و نیمه‌مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۲۲ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط ۳۸۰ میلی‌متر است.
زبان: به زبان ترکی، کردی و فارسی سخن می‌گویند.
فرآورده‌ها: گندم، جو، چغندرقند، بنشن، تخمه آفتابگردان، تره‌بار، سیب، انگور، گلابی، گردو و بادام.
آب کشاورزی از رود، کاریز و چاه ژرف و آب آشامیدنی از چاه نیمه ژرف و چشمه - برق شهر از شبکه برق منطقه‌ای فراهم گشته است.
وجه تسمیه: ماکو به زبان ارمنی به معنی چراگاه و از این رو به آن ماکو گفته‌اند که چراگاههای بزرگ در پیرامونش وجود داشته است. شهر قدیم ماکو در دامنه کوه بنا شده و تا زمان شاه عباس دوم صفوی باقی و آباد بوده، ولی برخی برآنند که ماکو در اصل میانکوه بوده، بر اثر کثرت استعمال هـ خذف، میانکو و سپس ماکو گفته شد.
راهها: ماکو در مسیر راه اصلی تبریز - بازرگان است. ماکو - تبریز به طول ۲۳۰ کیلومتر به سوی جنوب خاوری و به سوی شمال باختری ماکو - باختری به طول ۱۰ کیلومتر ۳-راه فرعی به سوی شمال - ماکو - بورالان به طول ۶۰ کیلومتر.
سیمای شهر ماکو از زبان: اس.جی. ویلسون: «هم چنان‌که به ماکو نزدیک شدیم جاده مارپیچ از میان دره باریکی گذشت که از میان آن رودی به همین نام جریان دارد و کراراً به شکل آبشارهای غرّان کوچکی فرو می‌ریزد. در یکی از این خمیدگی‌های کوهستان ناگاه منظر شهر ماکو به صورت دلپذیر و شگفت‌آوری در برابر دیدگان ما نمودار شد. کوهستان‌های برهنه، پر صخره ناگهان در دو سو سر بر آسمان کشیده و دست کم به ارتفاع هزار پا گردن برافراشته بود.
کوهی که در سمت راست قرار دارد هر قدر بالا می‌رود برآمدگی پیدا می‌کند و چون سایبانی بر فراز شهر گسترده می‌شود، در فرو رفتگی صخره‌ها قلعه را ساخته‌اند که نمای جلوئی آن هولناک است و دورش را دیواری احاطه کرده است.
در این جا طبیعت و بشر دست به دست هم داده و برای شیوه کهن سال جنگ، دژ پایداری را پی افکنده‌اند در زیر این کوه برای نخستین بار چون دیدگان بر آن می‌افتد ترس در دل می‌نشیند شهر ماکو قرار دارد که پنج هزار نفر در آن می‌زیستند. ما با چشم خود دیدیم که خانه‌هائی چند به واسطه فرو ریختن صخره‌ها و جریان آب از بالا، ویران شده بود اما مردم شهر بی‌آنکه هراس در دل داشته باشند. پی کار خود روان بودند، تکه‌های بزرگ سنگ در اطراف کوچه‌ها ریخته بود و طنینی که در زاویه کوهستان می‌پیچید با صدائی که از شهر بر می‌خاست در هم آمیخته توده‌ای از ارتعاشات

دهشتزا و شگفت‌آور ایجاد می‌کرد.
ماکو ۲۷۰ کیلومتر با مرکز استان (ارومیه) و ۸۵۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد این شهر در طول وسعت پیدا کرده زیرا در جنوب و شمال آن دو رشته کوه به نام (قیه یا ساری داش و سبد) قرار دارد و شهر را چون حصاری در برگرفته‌اند ولی از طرف شرق و غرب باز است. شهر در دره‌ای که توسط دو کوه مذکور به وجود آمده قرار دارد و در وسط شهر رودخانه‌ای به نام «زنگمار» جریان دارد در قسمت شرقی رودخانه کوه مستقیماً فرود آمده و در قسمت غربی تا حدود ۲۰۰ متر ارتفاع از سطح رودخانه قرار گرفته به طوری که قسمتی از کوه شهر را مانند چتر در پناه خود جای داده و شهر به طور نیم دایره در پناه این کوه قرار گرفته است. در ارتفاع اطراف شهر قلاع قدیم دیده می‌شود و در کوه قیه غار وسیعی است که دارای آب جاری بوده و عده زیادی را می‌توان در آن جای داد و ورودبه آن مشکل است.
پل اول: دارای دو طاق سنگی است که در حال حاضر جزو آثار باستانی است و مرمت شده و قابل استفاده است ولی ماشین‌رو نیست.
پل دوم: چون اول از تخته چوب ساخته شده بود به همین نام مرسوم شد که بعدها به علت طغیان رودخانه زنگمار از بین رفته و به جای آن از بتون پل جدیدی درست شده است.
پل سوم: راه ارتباط بین شهر و پارک جدید شهر را برقرار می‌کند و بتونی است.
پل چهارم: راه ارتباط بین محله قره جریخ و محل برج را برقرار می‌کند.
در قسمت جنوبی شهر به علت شیب تند کوه احداث خیابان میسر نشده است. در زمستان تابش آفتاب نیز به این قسمت کمتر می‌شود از این رو ساکنان شهر بیشتر در قسمت شمال رودخانه مسکن گزیده‌اند.
رودخانهٔ زنگمار حدوداً بر اثر فرسایش سنگ‌های اطراف و بستر خود به ارتفاع ده الی بیست متر در نقاط مختلف پایین رفته و فقط در موقع طغیان بالا آمده و قسمتی از شهر را فرا می‌گیرد.
جاده ترانزیت تهران ـ بازرگان از خیابان امام خمینی این شهر می‌گذرد.
باغ و کاخ باغچه جوق ۱ـ باغ بزرگ و مشجر قصر با انواع درختان معمولی و میوه‌دار و گلهای زینتی و چشمهٔ آب جاری با وسعتی معادل ۱۱ هکتار. ۲ـ ورودی حیاط که دارای هشتی نسبتاً کوچکی با تزیینات رسم‌بندی که فواصل آنها به وسیلهٔ نقاشی گل و بوته و تصاویر انسان آرایش یافته است. ۳ـ ساختمان اصلی قصر که در وسط باغ قرار گرفته و شامل عمارت دو طبقه‌ای است. ۴ـ ساختمان سنگی (معروف به آشپزخانه) که در حدود ۵۰ متری جنوب غربی قصر با ۲ متر اختلاف سطح نسبت به ساختمان اصلی، روی بلندی و در وسط فضای مشجر همین باغ احداث شده است. ۵ـ گلخانه و حمام خزینه‌دار متروکه.
این مجموعه اعیانی با شکوه از نظر پلان و واحدهای معماری اعم از راه پله‌ها و سرسراها، اتاقها، ایوانها، تالارها و اکثر تزیینات و نقوش داخلی و خارجی که اکثراً قرینهٔ هم ساخته و آرایش شده است، به نوبهٔ خود یکی از آثار مجلل دورهٔ قاجاریه محسوب می‌شود که به لحاظ وسعت باغ و تعدّد واحدهای معماری مورد توجه و دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای است به طوری که هر بازدید کننده و صاحب ذوقی را کاملاً تحت تأثیر قرار داده مسحور می‌کند.

شرح اجمالی مشخصات ساختمان قصر: عمارت مرکزی و اصلی قصر به صورت دو طبقه با سقف شیروانی در وسط باغ مشجری بنا شده و از نظر به کارگیری مصالح، سیستم آرایش، و نوع در و پنجره دارای اسلوب خاص خود است که علاوه بر ویژگیهای معماری ایرانی، تأثیر و نفوذ شیوهٔ ساختمانی فرنگی در برخی از عناصر تشکیل دهندهٔ آن به خوبی مشهود است.

جدارهٔ داخلی دیوارهای باربر ساختمان از سنگ لاشه و خشت خام با اندود اولیهٔ کاهگل ساخته شده است. در قسمت خارجی تالار مرکزی با ایجاد سکوی سنگی متناسب و یک نواختی از سنگ مرغوب مرمر نسبت به تقویت و استحکام ساختمان توجه شده است. بخش تحتانی ساختمان از بالای سکوی مذکور تا ارتفاع ۱/۲۰ متر با سنگهای مرمر حجاری شده منقوش به حاشیه‌های تزیینی به خصوص اشکال منظم گل نیلوفر، ازاره سازی شده است. بعد از ازارهٔ سنگی مذکور با انجام اندود گچی توجه خاصی به نماسازی جبههٔ بیرونی در چهار ضلع آن شده که از آن جمله می‌توان تزیینات زیر را نام برد:

بالای سردرها و پنجره‌ها با نقش سرشیران به صورت برجسته گچ بری شده است. شاید انگیزه این شیوهٔ خاص تزیینی، این باشد تا ارواح خبیثه به هراس آیند و رانده شوند. همراه این نقوش، نقش‌های نیم برجستهٔ انسانی در طرح‌های مختلف و دیگر اشکال هندسی و گل بوته‌ای ستونهای نیم برجستهٔ تزیینی و گچ‌بری شده و شنهای بادامی خاکستری رنگ در داخل کادرهای مستطیلی شکل و شیشه‌های رنگی در ارسیها و سایر تزیینات با پوشش گچی دیده می‌شود.

یکی دیگر از تزیینات نمای خارجی قصر که در اطراف بام ساختمان به عنوان جان پناه نصب شده نرده‌های صراحی مانند از قالب گچ است. در مجموع این تزیینات از زیبایی و جاذبهٔ ویژه‌ای برخوردار است.

از محوطهٔ جلو ساختمان قصر (که به وسیله سکو سازی به شکل حیاط اندرونی درآمده است) می‌توان پس از عبور از زیرایوان تزیینی طاق نصرت مانند به محوطهٔ بعدی که گل خانه است راه یافت.

شرح اجمالی واحدهای ساختمانی و تزیینات ساختمان قصر: ساختمان قصر باغچه جوق دارای واحدهای معماری به شرح زیر است:

الف ـ ساختمان‌های طبقهٔ هم کف شامل: پاگرد ساختمان، راه پله‌های ورودی در دو طرف با سقف و دیوارهای نقاشی شده و نرده‌های چوبی خراطی شده و مجسمه‌های گچی، انباری، آب دارخانه، اتاق‌های ساده، راهرو، اتاق‌های خواب، تالار آئینه کاری حوض خانه، تالار سفید، اتاق غذاخوری یا پذیرایی.

ب ـ ساختمان‌های طبقه اول شامل: سرسراها، ایوان‌های جبههٔ غربی، اتاق خواب، ایوانهای جبههٔ شرقی، شاه نشین، اتاق موزه، تالار پذیرایی، بخش فوقانی حوض خانه اتاق چهره، اتاق ساده، ترسیم عناصر و عوامل نقوش رده‌بندی شده که با دقت و ظرافت تمام در جبههٔ داخلی طبقات هم‌کف و اول انجام گرفته حاکی از ذوق و هنر صاحبان فن است که توسط هنرمندان چیره‌دست انجام شده است. ثقل تزیینات جبههٔ اندرونی کاخ راگچ بریها و آئینه کاریهای داخل تالار حوض خانه تشکیل می‌دهد که علت کشیدگی و ارتفاع زیاد این واحد معماری و توجه به تزیینات، این بخش حالت ممتازی در بین دیگر واحدهای قصر دارد، با این توضیح که

دیوارهای جانبی حوض خانه را یک پارچه از کف تا سقف با آذین‌های گل نگارهٔ هندسی به وسیلهٔ گچبری و آئینه کاری تزیین کرده‌اند.
به علاوه در جبههٔ شرقی و غربی تالار و به روی هم اسامی الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین را با آئینه کاری جالب توجهی نقش کرده‌اند. همچنین حوض گوش دار سنگی با فوارهٔ کوچکی، علاوه بر دلپذیری در تابستان مکمل معماری این بخش از بناست. ضمناً طاق نماهای قوس‌دار تزیینی و کاشی‌های سفیدرنگ گلدار کف حوض خانه به زیبایی این قسمت از ساختمان بسیار افزوده است.
یکی دیگر از واحدهای معماری جالب توجه قصر، تالار پذیرایی یا اتاق ناهارخوری در مجاورت حوض‌خانه است. در این تالار علاوه بر آئینه کاری و گچ‌بری، در داخل قاب‌های شیشه‌ای مناظری از طبیعت و دورنماهایی به سبک اروپایی آن زمان بخش مهمی از شیوهٔ تزیین اتاق را تشکیل می‌دهد. تمامی سطوح جانبی و سقف اتاق غذاخوری را شیوهٔ ماهرانه‌ای با رنگ سبز و سفید و نقوش ستاره‌های طلائی و حاشیه‌بندی هندسی آرایش داده‌اند. مهم‌تر از همه دو نمونه سفرهٔ غذاخوری به سبک ایرانی و خارجی است که اصلی‌ترین تابلو این واحد است و در سقف اتاق نقاشی شده که در نوع خود دیدنی است.
شایان ذکر است که در دیگر قسمت‌های تالار مرکزی قصر تزیینات اشرافی چشم‌گیری وجود دارد که به طور اجمالی می‌توان از قوس و طاق‌نماهای تزیینی بالای اکثر سر در ورودی‌های داخلی با حاشیه‌های نقاشی شده متنوع که شامل اشکال هندسی و مناظر طبیعی باگل‌های مارپیچی و رنگ‌های الوان و طلائی است نام برد. هم‌چنین باندهای گچ‌بری و آئینه کاری به صورت حاشیه‌های طولانی «قاب بندی‌های اطراف سردرها و طاق‌نماها و شومینه‌ها» یا به عنوان چفت و قطاربندی داخل اکثر اتاق‌ها که هرکدام به نوبهٔ خود به زیبایی و شکوه نمای درونی واحدهای معماری قصر افزوده و آن را به شکل مجموعه‌ای اشرافی و تجملی جلوه‌گر کرده است.
از سال ۱۳۶۴هـ خ به بعد که ساختمان ضمن انجام تعمیرات اساسی و حفاظت‌های ضروری به عنوان کاخ موزه برای بازدید عموم آماده و تبدیل شد، به منظور آشنایی بیشتر علاقه‌مندان با عمل‌کرد اولیه و شیوهٔ زندگی سردارماکو که از حکام مقتدر و مرزداران با نفوذ بوده، بیشتر اسباب و اثاثیهٔ مورد استفادهٔ صاحب قصر با توجه به مطالب فوق و ارزش و اهمیت هنری و تاریخی آنها به نمایش گذاشته شده، به همین جهت ساختمان قصر فعلاً به عنوان اشیاء موزه مورد بهره‌برداری قرارگرفته است. لازم به توضیح است که اکثر اسباب و اثاثیهٔ شخصی سردار ماکو که به عنوان اشیاء موزه‌ای به نمایش گذاشته شده در نوع خود از بهترین اجناس آن زمان است که در زمان حکومت شخص مذکور از خارج تهیه یا این که توسط مأموران سیاسی و حکام همسایه به ایشان هدیه شده است. مجموعهٔ اشیاء مزبور با چنین بنای مجللی هم‌آهنگ و همگون است.
میلان: از ایل‌های آذربایجان غربی، دارای ۱۶۸۶ خانوار شامل ۱۱۵۰۲ نفر جمعیت و در اطراف ماکو، خوی و سلماس و قلمرو ییلاق و قشلاق آنان است.
مامش: جشن‌ها و عیدها عید قربان، تولد حضرت محمد را با شکوه فراوان برپا و در عید روز نوروز آتش بسیار برپا و از یکدیگر دید و بازدید می‌کنند.

خواستگاری و عقد و عروسی چند نفر از کسان پسر به خواستگاری می‌روند اگر طرفین دختر و پسر داشته باشند مبادله می‌گردد در غیر این صورت شیر بها تعیین اکنون مقدارش زیاد نیست. در جشن عروسی همه‌ی زنان و مردان طایفه جمع شده و جلو منزل داماد شادی و رقص می‌کنند. از طرف خانواده‌های نزدیک به داماد برای هزینه‌ی پذیرائی مدعوین کمک می‌گردد و هدیه‌ها فقط از طرف زنان در روز زفاف که به دیدار عروس می‌روند داده می‌شود.

نوزاد پسر و ختنه سوران اگر نوزاد پسر باشد جشنی برپا می‌کنند اما برای ختنه سوران جشن نمی‌گیرند.

مراسم تدفین و تغسیل پس از دفن مرده همه‌ی خانواده‌های عشایر در خانه‌ی متوفی جمع و مراسم ۴ هفته برگزار می‌شود و از آبادی‌های اطراف برای تسلیت می‌آیند.

مهاباد (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، در جنوب ارومیه و در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته، اما شهر مهاباد مرکز این شهرستان در جلگه و کوهستان جنگلی و در ارتفاع ۱۳۲۰ متری از سطح دریا و در مجاورت کوه‌های بلند زاگرس قرار گرفته، بلندترین کوه‌های این ناحیه کوه درشان مجید به بلندی ۱۵۲۰ متر، کوه قصریک به بلندی ۲۴۲۴ متر و کوه تیز تایان به بلندی ۲۹۵۴ متر می‌باشد.

منطقه‌ی مهاباد از دیر باز دارای مدنیت و فرهنگ ایرانی بوده و سالنامه شاهان آشوری در نیمه‌ی اول قرن نهم ق ـ م ورود ایرانیان را به شرق رشته کوه‌های زاگرس ثبت کرده است.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر مهاباد، دارای دو بخش (۱ـ خلیفان، ۲ـ مرکزی) و ۵ دهستان و ۱۹۵ روستاکه پنج روستایش خالی از سکنه است و مساحت کل این شهرستان ۲۵۹۱/۵ کیلومتر مربع است.

اقتصاد بر پایه‌ی کشاورزی و باغداری و دامپروری استوار است. پرورش گاو و گوسفند، بز، گاو میش، طیور، شتر، کشت گندم، چغندر قند، تنباکو، دانه‌های روغنی، جو و کاشت درخت انگور، سیب، گلابی، بادام است.

آب و هوا: چون این شهرستان در منطقه‌ی سردسیر قرار و زمستان های سرد پر برف دارد، سردی هوا در زمستان‌ها تا ۲۵ درجه زیر صفر می‌رسد اما در بهار بارندگی زیاد و تابستان‌ها معتدل و حداکثر گرما تا ۳۲ درجه بالای صفر و میزان بارندگی سالانه به ۴۱۴ میلیمتر و روزهای یخبندان در سال به ۱۰۹ روز و میزان رطوبت نسبی در ساعت ۶/۵ در حدود ۷۲٪ و در ساعت ۱۴/۵ به حدود ۵۷٪ می‌رسد. با این حال هوای این شهرستان به علت پستی و بلندی و به واسطه‌ی جنگلی بودن متفاوت است.

نام قدیم مهاباد ساوجبلاغ بود که به معنی چشمه سرد است و آن را ساوجبلاغ مکری نیز گفته‌اند. در زمان‌های قدیم این ناحیه زیر فرمان دولت اورارتو بود. در ۱۸۹۰ در داش تپه، سنگ نوشته‌ای به خط میخی اورارتوئی پیدا شد که مربوط به عصر MENUA شاه اورارتو بود. در ناحیه اندرکاش نیز آثاری از دوره‌ی هخامنشی یافت شده است.

در نزدیکی اندرکاش (آقری قاش) در قسمت شمالی مهاباد ویرانه هائی واقع شده‌که اهالی محل آن‌را شهر ویران گویند و تقریباً در سه کیلومتری دهکده اندرکاش واقع است. احتمال دارد که آن یکی از شهرهائی بوده باشد که بطلمیوس از آن به نام داراوشاه سخن رانده و راولینسون آن را با نام

دارایاس که در تاریخ ذکر شده تطبیق کند. اکنون دارایاس قریه‌ای است در سمت چپ شهر ایران. دکتر محمدجواد مشکور.

میاندوآب (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، از شمال به مراغه از مشرق به زنجان از جنوب به سنندج و سقز و از مغرب به مهاباد محدود است. مرکز این شهرستان شهر میاندوآب است. در بالای قلعه محوطه‌ای به طول ۴۰ و عرض ۳۱ قدم و ارتفاع ۵ متر که از سنگ و آهک ساخته شده است، وجود دارد. پل دختر از بناهای قرن هشتم و دارای سه چشمه بود. ـ بقعه امامزاده اسماعیل که به نام مقبرة الکمال الدین شهرت دارد با آجر ساخته شده، دارای گنبدی است که روپوش خارجی آن کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ و ارتفاع آن تا پای گنبد ۴/۵ متر است و در قسمت جنوبی امامزاده مناری به بلندی ۱۳ متر برافراشته شده که تاریخ ۱۲۵۸ ه ـ ق دارد.

میاندوآب بر سر چهار راهی میان شهرهای تبریز و مراغه و سنندج و ارومیه قرار گرفته و استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی و کردستان را به همدیگر وصل کرده است و جلگه‌ی حاصلخیز میاندوآب که میان سیمینه و زرینه رود قرار گرفته در شهر میاندوآب به هم خیلی نزدیک می‌شوند می‌تواند در ایجاد و رشد عامل مؤثری باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر میاندوآب دارای سه بخش (۱ـ مرحمت آباد، ۲ـ مرکزی، ۳ـ باروق) و ۹ دهستان و ۱۴۳ روستا و مساحت کل این شهرستان ۱۵۳۸ کیلومتر مربع است.

آب و هوا: بعلت مجاورت با دریاچه ارومیه تا اندازه‌ای مرطوب و هوایش معتدل و میانه سمینه رود و زرینه رود قرار گرفته، دارای زمین‌های حاصلخیز است.

در سال ۱۳۷۷ میاندوآب ۲۰۰ هکتار جنگل تنک و ۱۳۰۰ هکتار جنگل مخروبه داشت.

نازلو: از بخش‌های شهرستان ارومیه، استان آذربایجان غربی است که از شمال به بخش قوشچی از شهرستان سلماس، از شمال شرقی و مشرق به دریاچه‌ی ارومیه از جنوب به بخش مرکزی شهرستان ارومیه محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهرک نوشین، دارای حدود ۵۲۱ کیلومتر مربع مساحت و سه دهستان (۱ـ طلا تپه، ۲ـ نازلوی چای، ۳ـ نازلو چای شمالی) و ۸۲ روستا می‌باشد.

رودها: ۱ـ نازلوچای که از کوه‌های مرزی ایران و ترکیه سرچشمه گرفته و از دو کیلومتری جنوب شرقی شهر نوشین مرکز بخش نازلو می‌گذرد و سرانجام به دریاچه‌ی ارومیه می‌پیوندد.

کوه ها: کوه بلندوک (۲۴۱۰ متر).

کانی‌ها: ۱ـ سنگ آهک، ۲ـ سنگ گچ، ۳ـ شن و ماسه.

رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، لاک پشت، کبک، عقاب و انواع پرندگان مهاجر از جمله لک لک، غاز و اردک.

زبان: ترکی و فارسی با گویش ترکی.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامپروری و صنایع دستی استوار است. آب کشاورزی بیشتر از رود و چاه‌ها، کاریزها و چشمه و کشاورزی به صورتِ دیم و آبی هر دو صورت می‌گیرد.

فرآورده‌ها: گندم، تره بار، چغندر قند، آفتاب گردان، گیاهان علوفه‌ای، سیب، انگور، دام و فرآورده‌های دامی و قالی و تولیدات کارخانه‌ای

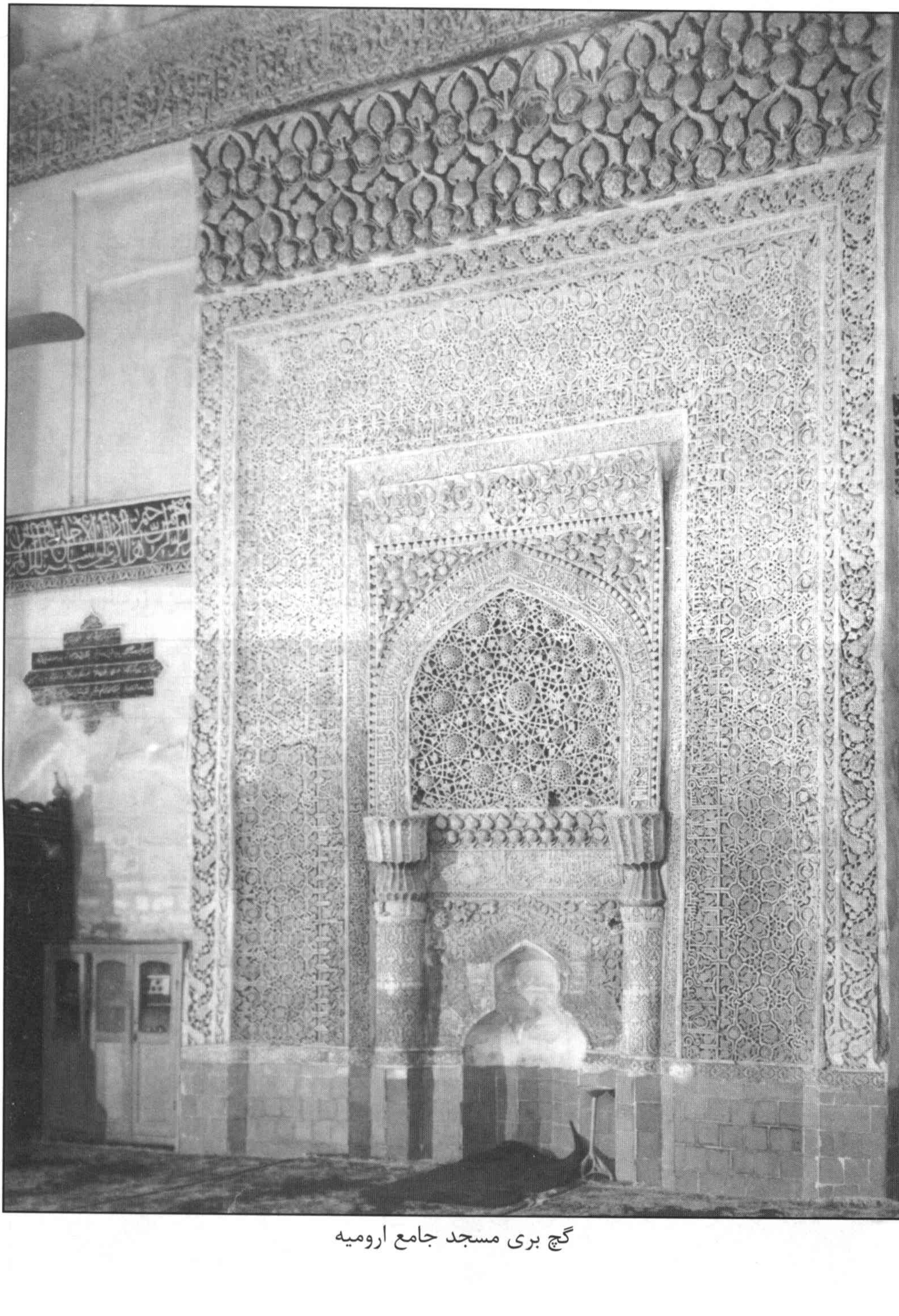
سیمان سفید، موزائیک، چوب و ریخته گری.
نازلوی چای جنوبی ـ دهستان: این دهستان به مرکزیت روستای چنقرالوی یکان از بخش مرکزی شهرستان ارومیه در ۹ کیلومتری شمال شهر ارومیه به مساحت حدود ۵۵کیلومتر مربع با ۳۳ روستا و ۳۵ مزرعه و مکان بیشتر روستاهای آن جلگه‌ای و دشتی است.
آب و هوا: بری، ملایم، نیمه مرطوب، سرد تا نیمه گرم.
رود نازلو چای در شمال مرکز شهرستان ارومیه روان است و از شمال دهستان نازلوچای می‌گذرد و به دریاچه ارومیه می‌ریزد دارای یک رشته کاریز و ۵۳ حلقه چاه می‌باشد.
گیاهان: خاکشی،گل ختمی و شیرین بیان وگیاهان علوفه‌ای.
نازلوی چای شمالی ـدهستان: این دهستان به مرکزیت روستای نازلو چای از بخش نازلو شهرستان ارومیه در ۱۳ کیلومتری جنوب غربی مرکز بخش نازلو (نوشین) قرار گرفته است.
دهستان نازلو چای ۱۶۶ کیلومتر مربع مساحت یعنی ۳۸ درصد کل مساحت بخش نازلو، دارای ۲۲ روستا و ۸ مزرعه ومکان و ارتفاع متوسط روستاهای آن ۱۴۳۲ متر، این دهستان جلگه‌ای، دره‌ای و بر کوهی و دارای آب وهوای بری، نیمه مرطوب، سرد تا معتدل می‌باشد.
رود نازلوچای در این دهستان روان و مسیرش از غرب به شرق می‌باشد و در نهایت به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد. آب‌های زیر زمینی آن یک رشته قنات ۷ دهانه چشمه و ۲۰ حلقه چاه می‌باشد.
بلندی‌ها: ۱ـکوجه منجل در ۷ کیلومتری شمال غربی به بلندی ۲۱۰۰ متر، ۲ـناویر در ۷کیلومتر شمال غربی به بلندی ۲۰۰۰ متر، ۳ـکوه پلسک به بلندی ۱۸۷۹ متر، ۴ـکوه سر هندی به بلندی ۲۰۲۰ متر، ۵ـکوه مرز نوید به بلندی ۲۲۲۵ متر در ۱۱ کیلومتری جنوب غربی. ۶ـکوه بلندوک به بلندی ۱۴۱۶ متر در ۱۶ کیلومتری و کوه سیاه به بلندی ۲۲۴۴ متر در ۹کیلومتری غرب قرار دارد.
عوارض طبیعی: از دره‌های مهم: ۱ـ دوزان، ۲ـ سنجی، ۳ـسمو، ۴ـدوران، ۵ـقنبر، ۶ـبره شوک در شمال غرب، ۷ـگرسپد موز در جنوب غربی، ۸ـ تپوک در غرب دهستان گردنه‌های خلوت در غرب، گدوک در شمال و دره‌ی حصار و کانوس در شمال غرب مرکز دهستان قرار دارد.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، خاکشی، پونه، کاکوتی، آجی بیان،کاسنی، بومادران، آویشن،گل گاو زبان و ریواس،کتیرا (گون)گیاهان علوفه‌ای و گونه‌های درختی.
فرآورده‌های عمده: گندم، جو، حبوبات، صیفی جات، آفتابگردان، سیب زمینی، زردآلو، آلبالو و گلابی.
نقده (شهرستان): از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، در جنوب دریاچه ارومیه واقع شده است. نقده میان شهرهای مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه قرار گرفته و به عنوان عامل ارتباطی میان این شهرها به شمار می‌رود. عبور رود (گدار) وجود زمین‌های حاصلخیز و موقع نظامی تپه آن می تواند از علل پدید آمدن شهر بود. این ناحیه مقصد مهاجرت و سکونت اقوام مختلفی مانند آشوری‌ها، کردها، ماناها و ترکان بوده است تا آن که طایفه قره پاپاخ یعنی کلاه سیاه که در روزگار فتحعلیشاه به ایران مهاجرت کرده بودند. در جلگه‌ی وسیع سلدوز ماندگار شده به کشاورزی و باغداری پرداختند. سلدوز نام قبیله‌ای از مغول‌ها بود، در این جلگه روستائی به نام نقده بود.کتاب‌های درسی



کلیسای نه‌نه مریم



کلاهک سنگی ماکو



گچ بری مسجد جامع ارومیه



چادرهای عده‌ای از کولی‌ها



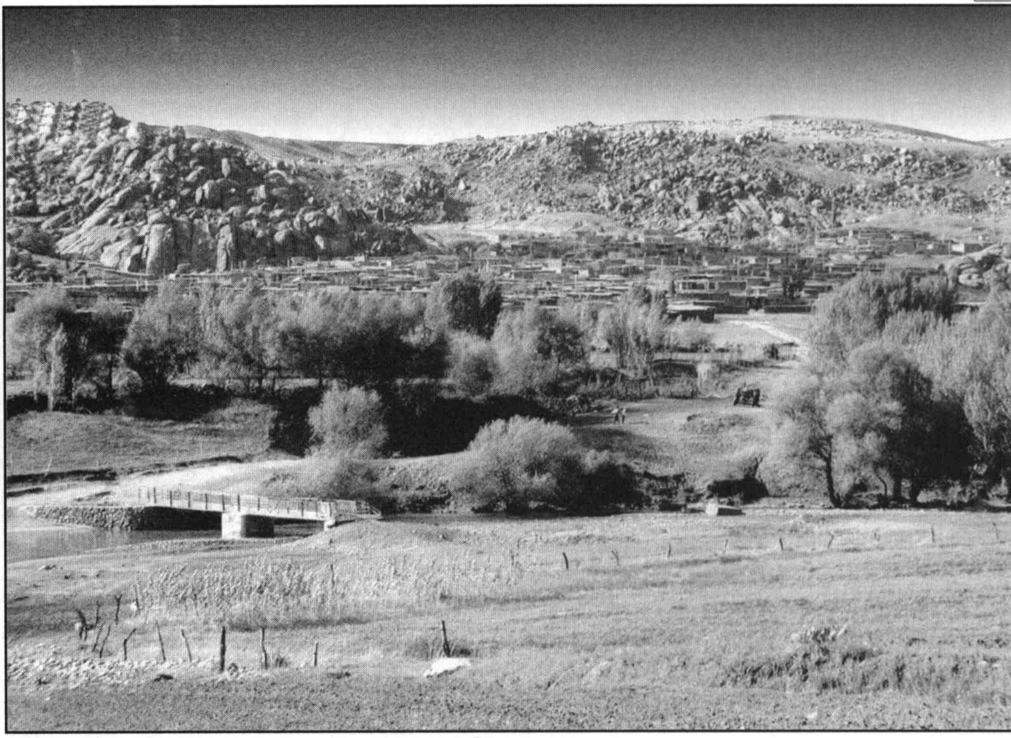
دختر و پسری از ایل هرکی



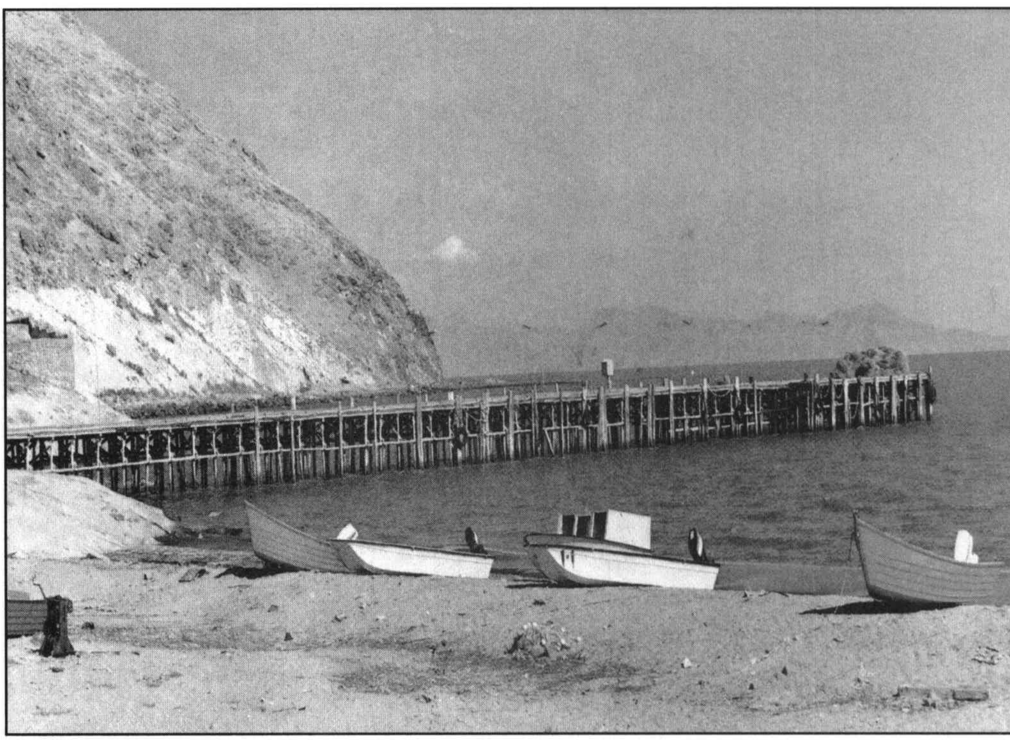
مردان کرد مهابادی با لباس کردی



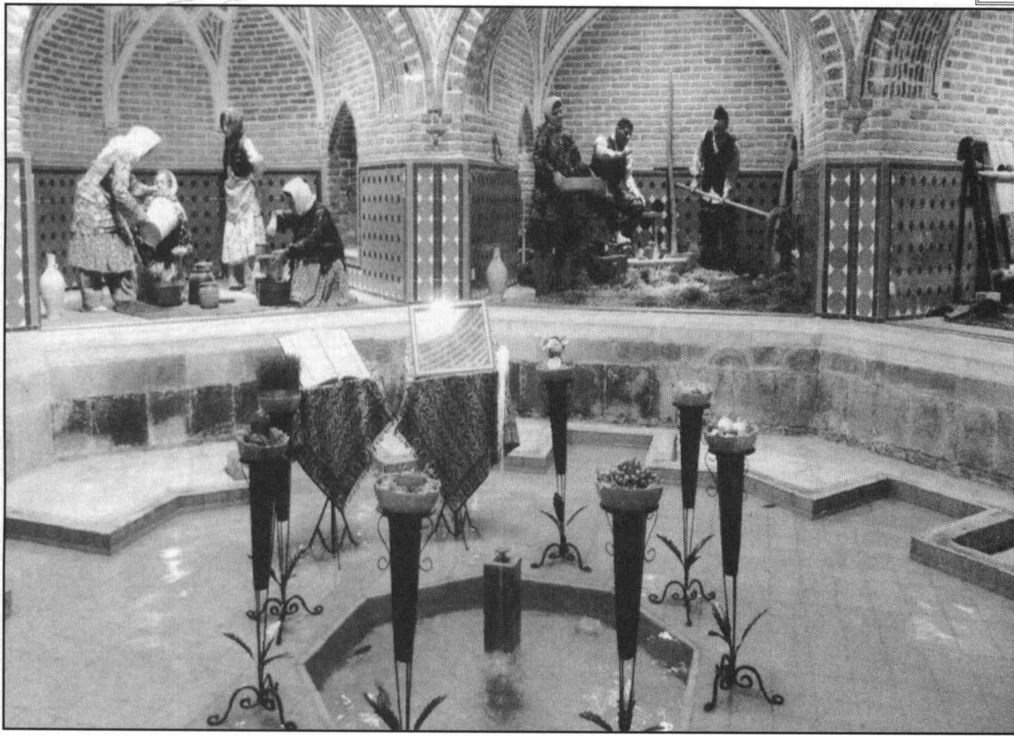
زنان آذربایجانی با لباس محلی



چشم‌اندازی از طبیعت آذربایجان غربی



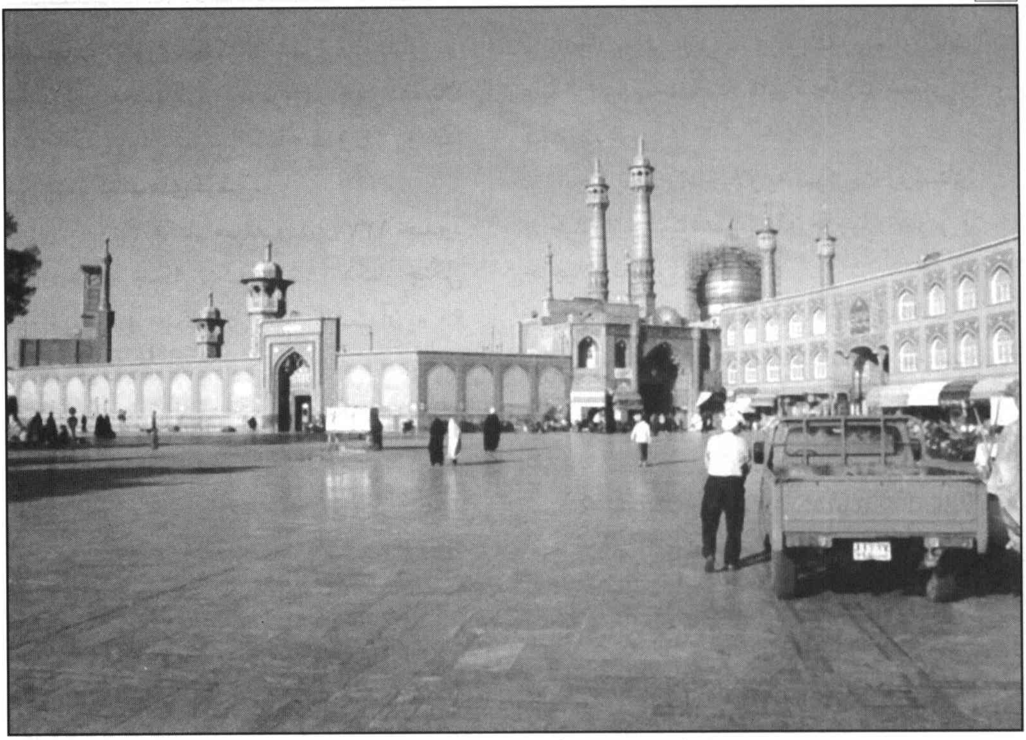
بندر گلمانخانه - ارومیه



موزه مردم‌شناسی



مرد کرد مهابادی



فضای بیرونی بارگاه حضرت معصومه (س)



چشم اندازی از شهر قم

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر نقده دارای دو بخش (-۱ محمدیار، ۲ـمرکزی) و چهار دهستان ۱۰۵۰ کیلومتر مربع مساحت و ۹۶ روستا می‌باشد. کتاب‌های درسی.

دارای ۳۵۲۰۰ هکتار مرتع و در ۱۳۷۷ حدود پنجاه هکتار جنگل تنک و ۱۹۵۰ هکتار جنگل مخروبه بود و جنگل‌های دست کاشت آن به ۶۰ هکتار می‌رسید.

نقده به علت قرار گرفتن در جلگه سلدوز و مجاورت با رود قادر (گدار) و نزدیکی به مرز و قرار گرفتن میان شهرهای ارومیه و پیرانشهر و اشنویه و مهاباد و تبدیل آن به فرمانداری رفته رفته رشد و گسترش یافت. کتابهای درسی.

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان آذربایجان غربی: ایجاد دهستان حاجیلار شمالی به مرکزیت روستای کامل آباد.

تغییر نام دهستان حاجیلار از توابع بخش چایپاره شهرستان خوی به حاجیلار جنوبی.

ایجاد دهستان چشمه‌سرا به‌مرکزیت روستای مخور.

ایجاد دهستان ساری سو به مرکزیت روستای میلان.

ادغام روستای‌های مرگن عزیز آباد، مرگن اسماعیل کندی، مرگن قدیم و مرگن وسط از توابع بخش شوط شهرستان ماکو به روستای واحدی به نام روستای مرگنلر.

ایجاد بخش بازرگان به مرکزیت شهر بازرگان از ترکیب دهستان‌های ساری سو و چایباسار شمالی در تابعیت شهرستان ماکو.

ایجاد بخش قره قویون به مرکزیت روستای مرگنلر از ترکیب دهستان‌های قره قویون جنوب و چشمه سرا.

ایجاد بخش ارس به مرکزیت روستای نازک علیا از ترکیب دهستان‌های گچلرات شرقی و گچلرات غربی.

ایجاد بخش حاجیلار به مرکزیت روستای حاجیلار از ترکیب دهستان‌های حاجیلار جنوبی و حاجیلار شمالی.

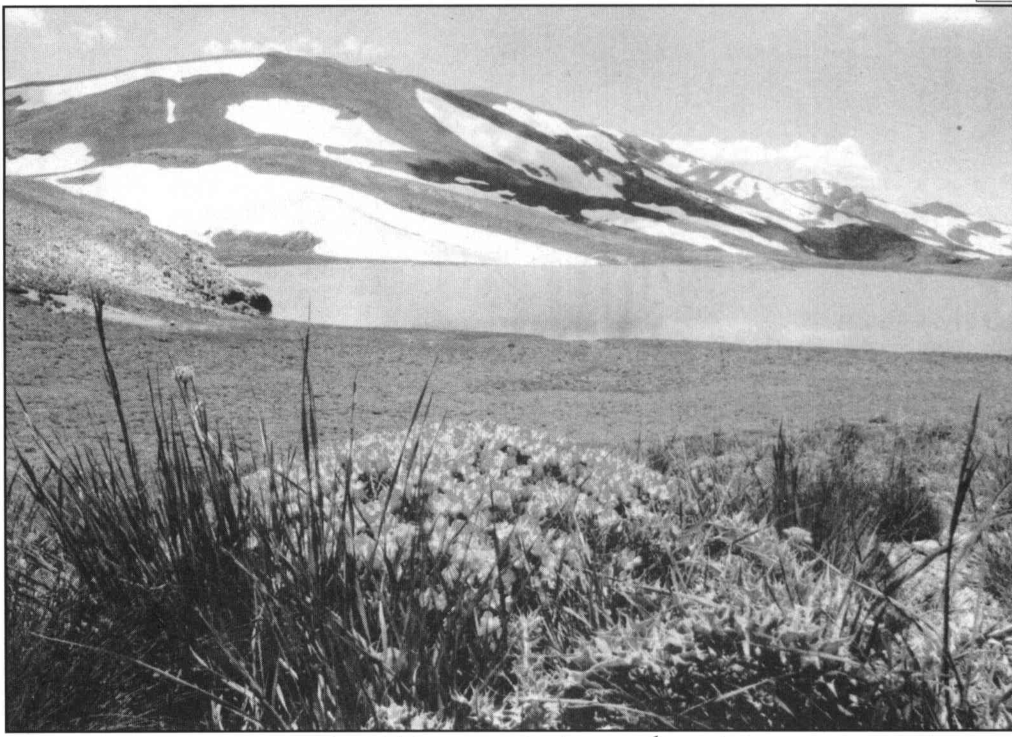
شهرستان پلدشت به مرکزیت شهر پلدشت از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر پلدشت شامل دهستان‌های زنگبار و چایبارسار شرقی و بخش ارس.

ایجاد شهرستان شوط به مرکزیت شهر شوط از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر شوط شامل دهستان‌های یولاگلدی و قره قویون شمال یو بخش قره قویون.

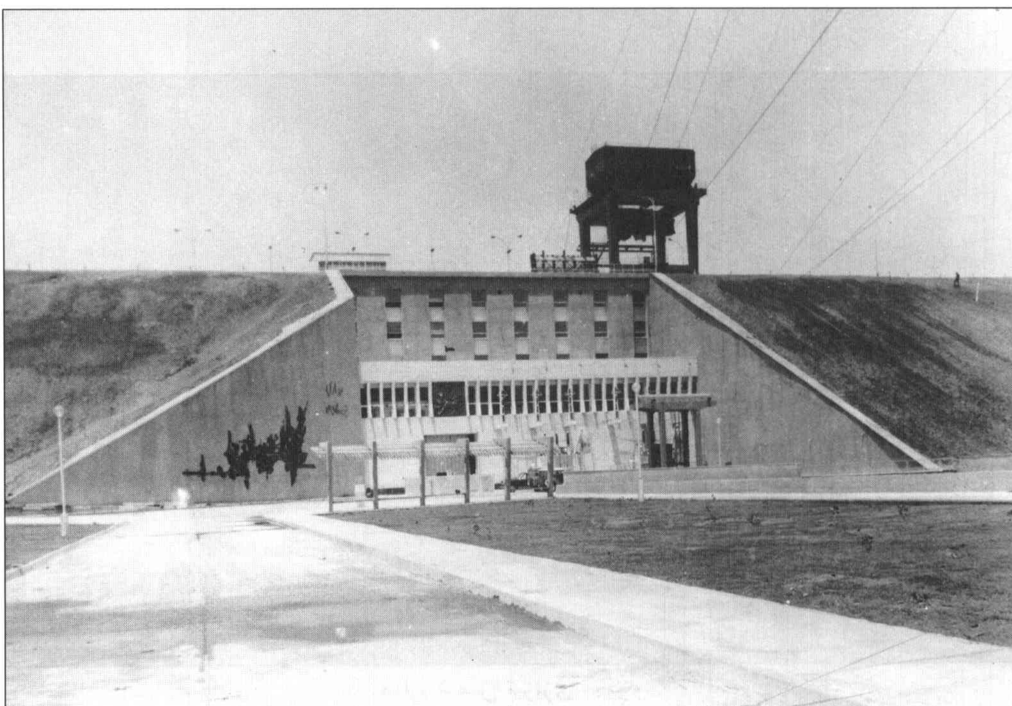
ایجاد شهرستان چایپاره به مرکزیت شهر قره ضیاء الدین از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر قره ضیاء الدین شامل دهستان‌های بسطام (قره ضیاء الدین صحیح است) و چورس و بخش حاجیلار.

شناخت شهر روستای قطور از توابع دهستان قطور بخش قطور شهرستان خوی به عنوان شهر قطور.

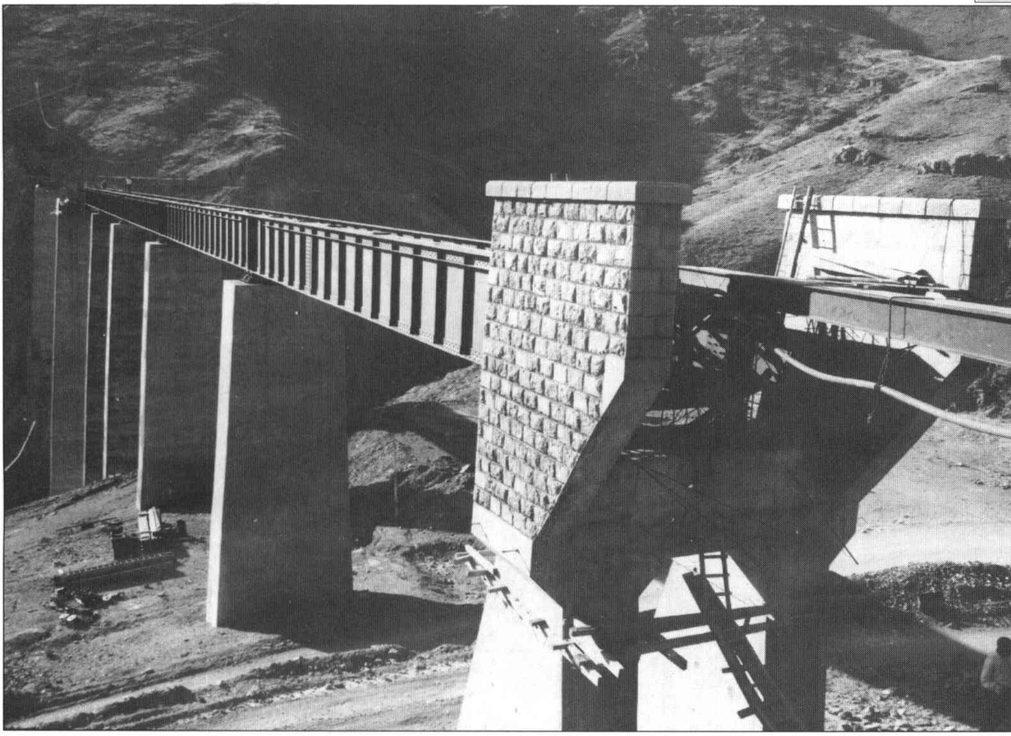
شناخت شهر روستای دیزج دیز از توابع دهستان قره سو بخش مرکزی شهرستان خوی به عنوان شهر دیزج دیز.



منطقه مَرگَوَر دهستانی از بخش سیلوانای - ارومیه



نیروگاه سد ارس



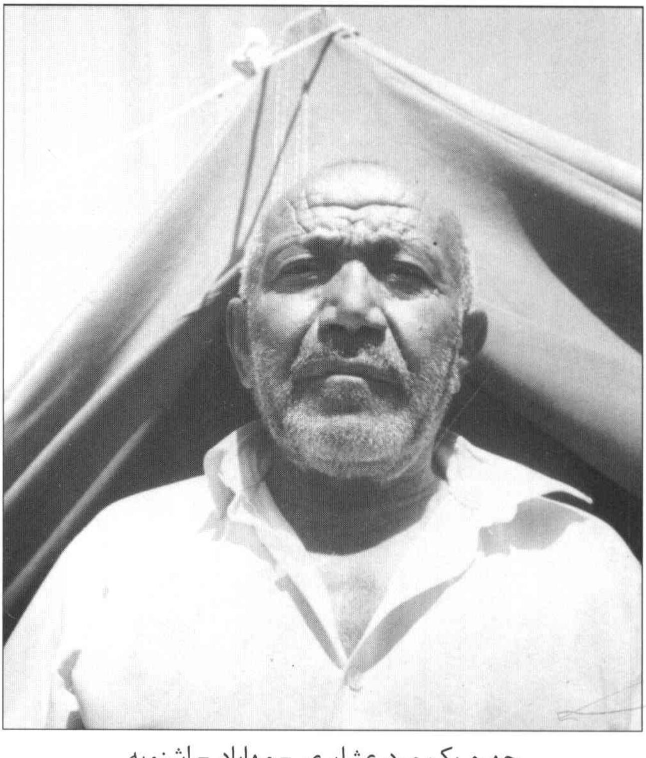
پل راه‌آهن - ایران - ترکیه



مناره شمس تبریزی - خوی



کسب و کار در شهرستان سردشت



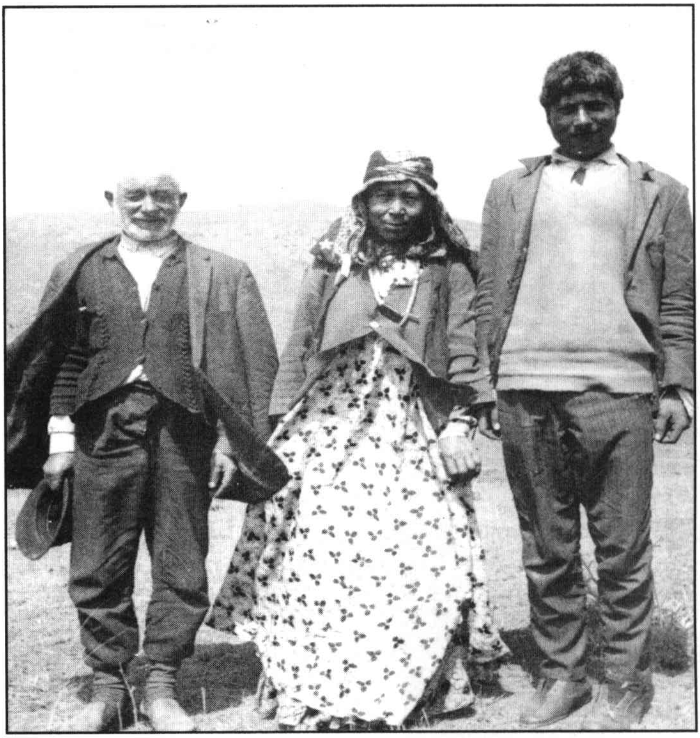
چهره یک مرد عشایری - مهاباد - اشنویه



مردان کرد از ایل هرکی



مرد کرد (پزشک بومی) - نقده

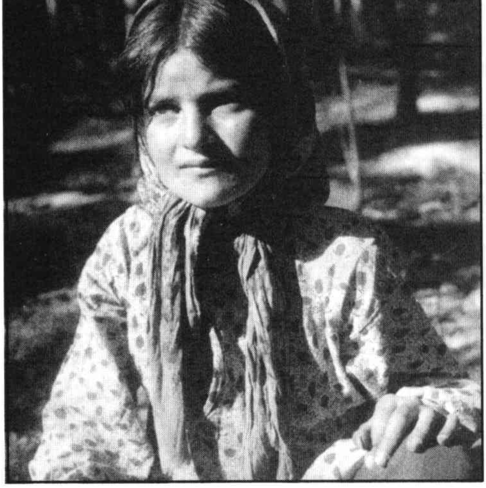


روستاییان کرد مهاباد

پیرمرد روستایی از مردم آذربایجان غربی



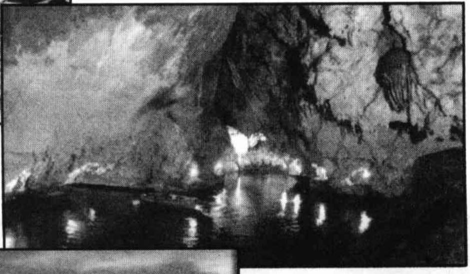
دختری از ایل هرکی - مهاباد



گروه نوازندگان آذری موسیقی محلی



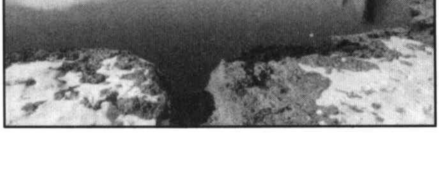
غار آبی سهولان - مهاباد





کاخ باغچه جوق - ماکو

تخت سلیمان - - تکاب



مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵

گوشت قرمز ۵۱ شیر ۳۷۷ هزارتن

مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵

گوشت مرغ ۵۰ تخم‌مرغ ۱۲ هزارتن

تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۴

جمع معادن ۲۳۹ خصوصی ۲۰۰ عمومی ۳۹

مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲

کل تعداد بهره‌برداری ۱۷۰۱۱۷ مساحت ۸۸۷۱۸۷ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۷۱۴۴۰ مساحت باغ و قلمستان ۷۶۱۰۶

استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۷۰۲۸۴ تعداد دام ۳۷۰۴۲۳۱ مقدار تولید ۶۱۰۳۶۷۵ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۱۳۸۰۱ تعداد دام ۱۳۱۹۷۷مقدار تولید ۹۳۲۸۸ تن

بهره‌برداری‌های کشاورزی استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲

زراعت ۱۵۲۰۵۷ باغداری ۹۱۸۹۶ تولید گلخانه‌ای ۳۳ پرورش ماکیان ۱۲۳۱۰۸ پرورش زنبور عسل ۵۵۰۶ پرورش دام بزرگ ۹۸۶۶۹ پرورش دام کوچک ۶۷۱۱۱ پرورش کرم ابریشم ۰

تعداد سدهای استان آذربایجان غربی در مراحل مختلف: مطالعاتی ۱۸ اجرایی ۱۷ بهره‌برداری ۱۱ مجموع ۴۶

استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۱۰۰۹۵۸ جمع مراتع ۲۴۷۲۵۰۸ خوب (متراکم) ۵۵۳۷۹۲ متوسط (نیمه متراکم) ۱۰۶۳۳۷۶ فقیر (کم تراکم) ۸۵۵۳۴۰ پدیده‌های بیابانی ۱۸۱۱۰۳

تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان آذربایجان غربی: فعال:۵۳ غیرفعال: ۲ در شرف تأسیس: ۱۹ تعداد کل: ۷۴

برخی از کتاب‌های سودمند و منابع

آذربایجان غربی ـ سیمای میراث فرهنگی ـ سازمان میراث فرهنگی ـ گردآوری رضا حیدری

آذربایجان غربی ـ سازمان ایرانگردی و جهانگردی ـ اصغر هادی‌فر

ایران سرزمین شگفتی‌های ناشناخته ـ ناشر انجمن ایرانیان

اطلس زمین‌شناسی ایران ـ سازمان نقشه‌برداری

چشمه‌های آب معدنی ایران ـ دکتر محمدجواد جنیدی

اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست

آذربایجان غربی ـ پورصمد، جواد

آذربایجان غربی: نگین توران ۲ ـ بختیار، افشین

آذربایجان و اران: (البانیای قفقاز) ـ رضا، عنایت‌الله

ایل قاراپاپاق: تاریخ، آداب، رسوم، فولکلور و مونوگرافی ـ رضوی، مهدی

تاریخ ارومیه ـ کاویان‌پور، احمد

تاریخ خوی: سرگذشت سه هزار ساله منطقه پر حادثه شمال ـ ریاحی، محمدامین

تاریخچه مهاباد ـ صمدی، محمد

تمدن مهاباد: مجموعه آثار باستانی از قلعه دم دم تا تخت ـ پدرام، محمود

جغرافیای چیچست Cae casta؛ یا دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه (اشک طبیعت ایران) ـ جبارلوی شبستری، بهرام

راهنمای جهانگردی استان آذربایجان غربی ـ هادیفر، اصغر

راهنمای کاخ موزه قصر باغچه جوق ـ ماکو

زمین‌شناسی و معادن بانضمام زمین‌شناسی و معادن منطقه ـ فهمی، محمدحسین

ساختار سازمان ایلات و شیوه معیشت عشایر آذربایجان غربی ـ اسکندری‌نیا، ابراهیم

عرصه شقایق ـ اصغرزاده، توحید

عشایر آذربایجان و ایلات مغان ـ اسماعیل‌پور، جمشید

فلور آذربایجان ـ صیامی، عباس

نگاهی به آذربایجان غربی ـ افشار سیستانی، ایرج

نگاهی به تاریخ و فرهنگ ایل قاراپاپاخ ـ یگانه، عیسی

یادگارهای عصر صفوی در آذربایجان غربی (ماکو، چالدران) ـ صدرائی، علی

۹- استان آذربایجان غربی



ارومیه- بندر گلماتخانه



عشایر ماکو در حال کوچ



دریاچه ارومیه



ارومیه- بندر گلماتخانه



مسجد قدیمی ـ ارومیه



ارومیه- کلیسای حضرت مریم



ماکو- ایلات عشایر



انگور ارومیه

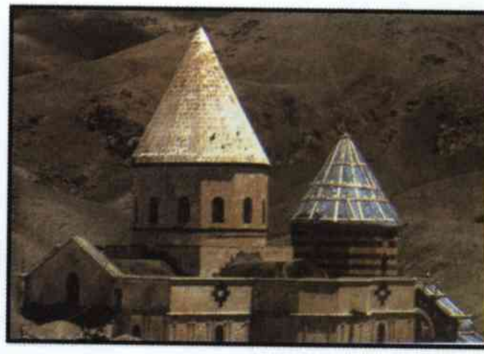
۱۰- استان آذربایجان غربی



منطقه تاریخی حسنلو



سد ماکو



قره کلیسا



ستاره بین المللی در ارومیه٤ساخت هتل



کلیسای ماکو



مشت عثمان- دریاچه ارومیه



قره کلیسا



خرابه کلیسا

۱۱- استان آذربایجان غربی



سیاه چادر عشایر کرد



غار آبی سهولان



تکاب- تخت سلیمان



منظره ای از شهر ماکو



زنان ایلیاتی در حال کار



بنای سه گنبد



کاخ باغچه جوق



تخت سلیمان

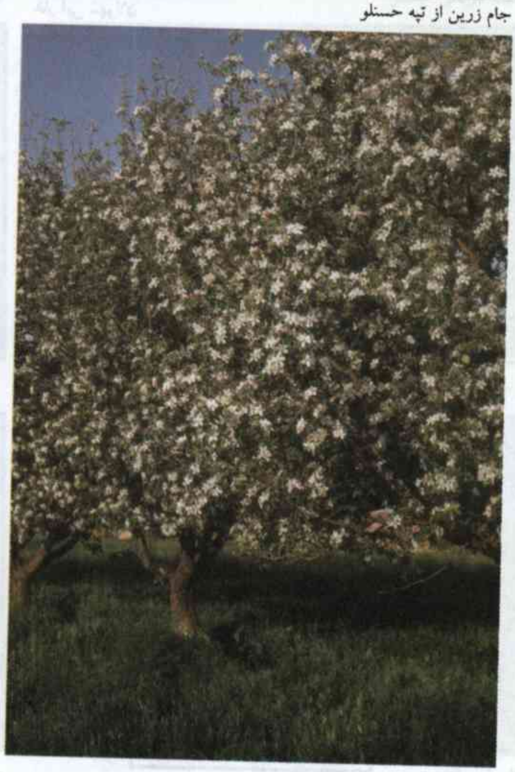
۱۲- استان آذربایجان غربی



جام زرین از تپه حسنلو



مناره شمس تبریزی در خوی



فصل بهار در نقده



آذربایجان غربی- سیاه کوه



چهره مردی از ارومیه



کوه منار در تخت سلیمان





برخی از غذاهای آذربایجان غربی

همه جای ایران سرای من است



دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان اردبیل

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

اقلیم ـ تقسیمات اقلیمی ـ ویژگی‌های زیستگاهی و حیات‌وحش سبلان ـ مناطق حفاظت شده ـ چشمه‌های معروف ـ ایل‌ها، مردم‌شناسی و آداب و رسوم ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان اردبیل براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر اردبیل، تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۳۵ تعداد شهر: ۲۱ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۷۲۵ کل آبادی‌ها: ۱۸۵۶

جمعیت استان اردبیل در سال (۱۳۸۵) ۱۲۲۸۱۵۵ نسبت به کل کشور ۱/۷۴ بوده است.

مساحت استان اردبیل ۱۷۸۰۰ نسبت به کل کشور ۱/۰۹ است.

تراکم نسبی جمعیت استان اردبیل در سال (۱۳۸۵) ۶۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.

از تهران تا اردبیل (۵۹۱) واز اردبیل تا پیله‌سوار (۱۶۱)، اردبیل (۰)، پارس‌آباد (۲۳۵)، خلخال (۱۱۰)، کوثر (۷۷)، گرمی (۸۵)، مشکین‌شهر (۱۱۵)، نمین (۲۵)، نیر (۳۵)

که ایران بهشت است یا بوستان همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از آیدین آذری، رامین ملاحسینی، روح‌انگیز محمدی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان اردبیل
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ـ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۵ـ۳۸ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN
بها: یکهزار تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان اردبیل؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۵ ـ ۳۸ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۹۷

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان اردبیل براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: **اردبیل** مساحت: ۱۷۸۰۰ تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۳۵ تعداد شهر: ۲۱ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۷۲۵ کل آبادی‌ها: ۱۸۵۶

جمعیت استان اردبیل در سال (۱۳۶۵) ۱۰۳۶۲۰۲ نسبت به کل کشور ۲/۱۰ و در سال (۱۳۷۵) ۱۱۶۸۰۱۱ نسبت به کل کشور ۱/۹۴ و در سال (۱۳۸۵) ۱۲۲۸۱۵۵ نسبت به کل کشور ۱/۷۴ بوده است.

مساحت استان اردبیل ۱۷۸۰۰ نسبت به کل کشور ۱/۰۹ است.

کارگاههای استان اردبیل ۱۴۳۹۱ نسبت به کل کشور ۲/۲۳ است.

درصد میزان شهرنشینی استان اردبیل در سال (۱۳۷۵) ۶۷/۴۸ و در سال (۱۳۸۵) ۲۶/۵۸ است.

تراکم نسبی جمعیت استان اردبیل مساحت ۱۷۸۰۰ در سال (۱۳۶۵) ۵۸ و در سال (۱۳۷۵) ۶۶ و در سال (۱۳۸۵) ۶۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ استان اردبیل

مرد و زن ۳۰۳۳ زن ۱۶۰۴ مرد ۱۴۲۹

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ استان اردبیل

مرد و زن ۶۱۱۸ زن ۳۱۸۸ مرد ۲۹۳۰

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان اردبیل در سال ۱۳۸۵

جمع ۶۲۹ دولتی ۶۲۹ خصوصی ۰ تولید نهال ۳۲۸

ادامه در صفحهٔ ۳۵۱

فهرست برخی از مطالب

استان اردبیل

مساحت استان اردبیل ۱۷۸۶۷ تعداد بخش ۳۵، شهر ۲۱، دهستان ۶۶ ـ کوثر ۱۲۹۳ ـ مشکین ۳۸۲۵ ـ نمین ۱۰۳۷ ـ نیر ۱۲۱۴.

طول و عرض جغرافیایی استان اردبیل ۱۹ دقیقه و ۴۷ درجه حداکثر و حداقل ۴۸ درجه عرض شمالی ۱۱ دقیقه و حداکثر ۴۲ دقیقه. اردبیل ۴۸ دقیقه و ۴۷ دقیقه.

این استان در شمال غربی کشور قرار گرفته، در سال ۱۳۷۲ به صورت استان در آمد، طبق سرشماری ۱۳۸۵ استان اردبیل ۱۲۲۵۳۴۱ نفر جمعیت است که ۷۱۲۴۹۵۴ نفر آن در نقاط شهری و ۵۰۹۳۸۸ نفر در نقاط روستائی و ۳۶۳ نفر بصورت غیرساکن بسر می‌برند. این استان دارای ۹ شهرستان، ۲۵ بخش، ۶۶ دهستان و ۲۲ شهر می‌باشد. مرکز آن شهر اردبیل است. (غار یخکان، لیسار ـ آق‌داغ از مناطق حفظ محیط زیست می‌باشد.)

بر پایه سرشماری ۱۳۸۵ عده مردان آن در نقاط شهری ۳۲۸۱۸۹ نفر و نقاط روستائی ۲۳۱۴۶۵ نفر مرد و در نقاط شهری عده زنان ۳۲۲۹۰۵ و عده زنان در نقاط روستایی ۲۳۳۲۴۰ نفر می‌باشد.

عده ایلات و عشایر استان اردبیل ۱ ـ در شهرستان اردبیل ایل شاهسون، طایفه مستقل شاطرانلو، طایفه مستقل فولادلو و ۲ ـ در شهرستان بیله‌سوار، ایل شاهسون ۳ ـ شهرستان پارس‌آباد ایل شاهسون، ایل قره‌داغ ارسباران ۴ ـ در شهرستان خلخال ایل شاهسون، طایفه مستقل شاطرانلو ۵ ـ شهرستان کوثر ایل شاهسون، طایفه مستقل فولادلو ۶ ـ شهرستان گرمی ایل شاهسون، ایل قره‌داغ ارسباران ۷ ـ شهرستان مشکین‌شهر، ایل شاهسون، ایل قره‌داغ ارسباران ۸ ـ شهرستان نیر ایل شاهسون

استان اردبیل در منطقه‌ای سردسیر و در شمال غربی فلات ایران با وسعت ۱۸۰۵۰ کیلومتر مربع کمی بیش از یک درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد.

سیمای اقلیمی استان: اقلیم استان اردبیل به طور عمده از تأثیر گذاری چهار عامل ارتفاع، عرض جغرافیائی، منابع آب‌های استان و توده‌های هوای مهاجر شکل گرفته و در کنار چهار فاکتور طبیعی گفته شده، عوامل دیگری نیز نظیر پوشش گیاهی، فعالیت‌های کشاورزی، فعالیت‌های صنعتی و معدنی و نظائر آن‌ها نیز در مقیاسات کوچک بر اقلیم استان تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرند.

نقش ارتفاعات بر اقلیم استان: وجود کوهستان‌های ارسباران، سبلان ـ جلفا، کسری داغ، آغان داغ، گوی داغ، قزل گل داغی، بزغوش و ... سبب گردیده است که اقلیم استان اردبیل تحت تأثیر این ارتفاعات، از ویژگی‌های خاص برخوردار شود و این استان در شمار یکی از سردترین استان‌های کشور قرار گیرد و رژیم بارندگی و دمائی آن در حد وسیعی تحت تأثیر ارتفاعات غالباً پوشیده از برف استان واقع شود.

سهند: طول این رشته کوه به خط مستقیم بین تبریز و مراغه در حدود ۷۵ کیلومتر است و قلهٔ سهند در سمت راست این خط مستقیم واقع شده. طول رشتهٔ سهند از شرق به غرب در حدود ۱۰۰ کیلومتر می‌باشد.

نقش منابع رطوبتی: منابع آبی و رطوبتی استان اردبیل نظیر رودخانه‌ی ارس، قره سو، بالیقلی چای و دریاچه‌های نئور و تالاب‌های شور گل،

گنجگاه، نوشار و ... نیز در شکل‌گیری اقلیم‌های استان اردبیل دارای نقش قابل توجهی است و بر رژیم‌های اقلیمی آن به طور شاخص اثر می‌گذارد. این استان از تأثیرات منبع رطوبتی دریای خزر نیز بر کنار نمی‌باشد.

تأثیر عرض جغرافیائی: عرض جغرافیائی نیز جزء عوامل اصلی مؤثر بر شکل‌گیری اقلیم‌های استان اردبیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. استقرار استان اردبیل در عرض‌های بالای جغرافیائی کشور موجب گردیده است که این استان از شرایط جغرافیائی و آب و هوائی ویژه‌ی عرض‌های بالای جغرافیائی برخوردار شود و این امر بر شرایط جوی و اقلیمی استان تأثیر گذارد. استان اردبیل در واقع یکی از استان هائی است که دارای گستره‌ی وسیع شمالی ـ جنوبی است. به گونه‌ای که نزدیک به ۳ درجه عرض جغرافیائی را در بر می‌گیرد که خود عاملی برای تغییرات رژیم دمائی و اقلیمی این استان می‌باشد.

نقش پوشش گیاهی و کشاورزی در اقلیم استان:
استان اردبیل در بسیاری از مناطق، از پوشش مرتعی مناسبی برخوردار است و پوشش جنگلی آن نیز در برخی از مناطق استان قابل ملاحظه است. وجود جنگل‌های استان در شمال و مشرق اردبیل، جنگل‌های واقع در ارتفاعات طالش در شرق خلخال که جنگل‌های خلخال از مهم‌ترین نواحی جنگلی استان از نظر وسعت و قابلیت بهره برداری درختان است، همراه با پوشش مرتعی در دامنه‌های ارتفاعات سبلان، بزغوش، طالش، قره داغ و ... در پیوند با گستره‌های کشاورزی استان با زراعت‌های یکساله و باغات میوه، در مجموع تأثیرات قابل توجهی را در اقلیم استان اردبیل پدید می‌آورند که در کنار عوامل اصلی مؤثر بر اقلیم استان اردبیل پدید می‌آورند عنوان عوامل فرعی تأثیرگذار بر رژیم آب و هوائی استان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۴/۴۹ رتبه ۱- مقدار تولید غلات ۷۹۳۱۶۸ تن رتبه ۱۰ - مقدار تولید حبوبات ۴۰۱۹۸ تن رتبه ۷ - مقدار محصولات صنعتی ۱۶۰۴۹۴ تن رتبه ۹ - مقدار تولید سبزیجات ۸۱۸۶۵۶ تن رتبه ۷ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۲۷۹۸۵ تن رتبه ۲۹ - مقدار تولید علوفه ۴۳۶۵۴۲ تن رتبه ۱۲ - مقدار تولید محصولات باغی ۲۲۳۱۸۹ تن رتبه ۱۶ - مقدار تولید پسته یک تن رتبه ۲۰ - میزان تولید گل شاخه بریده ۲۴۹۰۰۰ شاخه درخت و درختچه ۱۱۱۰۰ - میزان تولید گیاهان فصلی نشائی ۶۰۰۰۰ بوته - گیاهان داروئی ۵۹۱۴۰ کیلو - تولید عسل ۲۳۲۳۰۴۸ - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۹۶۸۳۸۷ هکتار.

تأثیر توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی بر اقلیم استان: از دیدگاه کلان اقلیم‌شناسی، منطقه‌ی آذربایجان و استان اردبیل در فصول مختلف سال تحت تأثیر سه جریان عمده‌ی آب و هوائی قرار می‌گیرند. مختصات و ویژگی‌های این سه جریان آب و هوائی با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک از آن‌ها به گونه‌ای بر رژیم اقلیمی و زندگی اقتصادی ـ اجتماعی مردم این مناطق تأثیر می‌گذارند.

ـ نخستین جریان آب و هوائی مؤثر بر استان اردبیل «جریان آب و هوائی سیبری» است که از دشت‌های پر برف و یخ زده‌ی سیبری از ماه‌های اول پائیز از شمال شرق کشور وارد جغرافیای ایران شده و پس از طی دریای خزر و کسب

رطوبت کافی از آن، بر پهنه‌ی وسیعی از کشور و استان اردبیل تأثیر می‌گذارد. این جریان آب و هوائی دارای ماهیتی بری و سرد است و در بخش‌های شمالی، جنوبی و مرکزی استان اردبیل با افزایش سرما و رطوبت و کاهش دما همراه است.

ـ دومین جریان آب و هوائی مؤثر بر استان اردبیل «جریان مدیترانه‌ای» است که با ماهیت بحری و معتدل، ریزش‌های خود را در ارتفاعات ترکیه و ارتفاعات زاگرس و آذربایجان غربی و از سمت غرب در استان اردبیل انجام می‌دهد. این جریان آب و هوائی، عامل اصلی بارندگی‌های عمده بیشتر استان‌های کشور می‌باشد و با ورود آن به ایران و استان اردبیل، دمای هوا در ماه‌های سرد سال تعدیل یافته و رطوبت هوا افزایش می‌یابد و بارندگی‌های منظمی همراه با جبهه‌های گرم در مسیر حرکت این جریان جوی نازل میگردد.

گاهی نیز این جریان جوی پس از عبور از روی ترکیه و برخورد با ارتفاعات آن مناطق به دو شاخه تقسیم شده که یک شاخه آن از طریق غرب و شمال غرب وارد کشور می‌شود و پس از ایجاد بارندگی بر روی این مناطق از طریق خراسان وارد خاک جمهوری ترکمنستان می‌شود و شاخه‌ی دیگر نیز پس از عبور از روی خاک عراق از طریق خراسان وارد افغانستان می‌شود. این جریان کم فشار جوی در بارندگی‌های استان اردبیل دارای سهم مهمی می‌باشد.

بهنگامی که «تراف» سطوح فوقانی با گرادیان مناسب دما و کنتور، این سیستم‌های کم فشار را همراهی کند، بارندگی‌های مؤثری در مناطق تحت نفوذ آن‌ها ریزش می‌کند.

ـ سومین جریان آب و هوائی «جریان اطلس شمالی یا اسکاندیناوی» است که با ویژگی‌های هوای سرد همراه است. این جریان جوی در تمامی اروپا ریزش‌های مهمی را انجام داده و از طریق شمال و شمال غرب وارد ایران شده و در استان اردبیل با ورود آن سرمای شدید و ریزش‌های جوی منجمد در قالب ریزش برف ظاهر می‌گردد.

حوزه‌ی آبریز رودخانه‌ی ارس به عنوان شمالی‌ترین گستره‌ی هیدرولوژیک ایران با مساحتی معادل ۳۸۵۵۱ کیلومتر مربع، استان اردبیل را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. ارتفاع حوزه در بخش ایرانی آن از حدود ۱۰۰ متر تا فراتر از ۴۵۰۰ متر از سطح دریا در بخش برجستگی بزرگ سبلان متغیر است. بررسی‌های سینوپتیکی مشخص ساخته است که حوزه‌ی ارس در فصول سرد و گرم سال بستر عبور توده‌های هوای متعددی است که به چکیده یافته‌های بررسی فوق اشاره می‌شود:

۱ـ توده‌های هوای زمستانه: توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی که در ماه‌های سرد سال بر حوزه‌ی ارس و استان اردبیل تأثیر می‌گذارند به طور خلاصه به شرح زیراند:

۱ـ۱ـ توده‌های هوای بری قطبی (CP) که از طرف شمال شرق و شرق پس از عبور از دریای خزر به منطقه‌ی آذربایجان و استان اردبیل می‌رسند. وزش باد سرد شمالی این جریان جوی، دمای هوا را به سرعت کاهش داده و بخش‌های مرتفع شمال غرب و غرب کشور را تا ۳۰ درجه‌ی سانتی گراد زیر صفر در معرض سرما قرار می‌دهد.

۲ـ۱ـ توده‌های هوای بری شمالی (CA) که از طرف قفقاز به منطقه‌ی آذربایجان و استان اردبیل نفوذ کرده و بر رژیم اقلیمی آن تأثیر می‌گذارد.

۳-۱- توده‌ی هوای قطبی بحری (MP) که پس از پیمودن دریای سیاه از بخش شمال غربی وارد منطقه می‌شود.

۴-۱- توده‌ی هوای مدیترانه‌ای که با ویژگی‌های گرم و مرطوب از مرکز کم فشار و سیکلون ساز دریای مدیترانه از سمت غرب به منطقه وارد می‌شود.

۵-۱- توده‌ی هوای تروپیکال بری (CT) که مبدأ آن صحرای بزرگ افریقا است و از سمت جنوب غرب وارد منطقه می‌شود.

- توده‌های هوای تابستانه: توده‌های هوائی که در فصل تابستان و ماه‌های گرم سال حوزه‌ی آبریز ارس و استان اردبیل را تحت تأثیر قرار می‌دهند به شرح زیراند:

۱-۲- توده هوای بری قطبی (CP) که از جانب شمال وارد منطقه و استان اردبیل می‌شود.

۲-۲- توده هوای بحری قطبی (MP) که از مبدأ اقیانوس اطلس شمالی و از مسیر دریای سیاه، از طریق شمال غرب وارد منطقه می‌شود.

۳-۳- توده هوای تروپیکال بحری (MT) که از طریق شمال غرب از مبدأ اطلس میانی وارد منطقه می‌شود.

۴-۲- توده هوای مدیترانه‌ای که از مرکز کم فشار دریای مدیترانه، از سمت غرب وارد منطقه می‌شود.

۵-۲- توده هوای تروپیکال بری (CT) که از مبدأ صحرای بزرگ افریقا سمت جنوب غرب وارد منطقه می‌شود.

۶-۲- توده هوای تروپیکال بری (CT)، این توده هوا از طرف جنوب شرق و از مبدأ فلات ایران به منطقه می‌رسد.

گوناگونی و تنوع توده‌های هوای گفته شده در بالا، تفاوت‌های محسوسی را بین رژیم بارندگی و دمائی حوزه‌ی ارس با سایر مناطق پدید آورده است. میانگین سالانه بارندگی در حوزه‌ی ارس از حدود ۲۵۰ تا ۵۵۰ میلی متر متغیر است و رژیم آن مدیترانه‌ای یا شبه مدیترانه‌ای است.

منشأ عمده‌ی بارندگی‌های حوزه‌ی ارس جریانات جوی مرطوبی است که همراه با کم فشارهای مهاجر از قطاع جغرافیائی غربی، از طریق ترکیه، سوریه، دریای سیاه و صحرای کبیر افریقا به منطقه وارد می‌شوند. رژیم دمائی منطقه تحت تأثیر توده‌های هوائی که از منطقه سیبری و قطب شمال وارد منطقه و استان اردبیل می‌شوند و در فصول سرد سال سرمای شدیدی را در سطح حوزه‌ی ارس و استان اردبیل پدید می‌آورند، قرار دارد.

رخداد سرمای‌های استثنائی که در برخی از سال‌ها مرز ۳۰ درجه‌ی سانتی گراد زیر صفر را در اردبیل و سایر نقاط سردسیر استان اردبیل در می‌نوردد و ارقام نسبتاً بالای تعداد روزهای یخبندان در شهرهای این استان، ناشی از تهاجم متواتر توده‌های هوای شمالی و قطبی، تأثیر ارتفاعات استان اردبیل و عرض جغرافیائی است.

با در نظر داشتن این واقعیت که ارتفاع بیش از ۲۰ درصد استان بیش از ۲۰۰۰ متر است و با توجه به اختلاف و تفاوت جریان‌های حرارتی و برودتی در دشت‌ها و دامنه‌ها و ارتفاعات استان، می‌توان برآورد نمود که در بخش‌های وسیعی از استان، بیش از نیمی از سال دارای روزهای همراه با یخبندان است و این پدیده حتی در بعضی از روزهای تابستان هم در برخی از نقاط استان قابل مشاهده است.

وقوع دماهای بالا نیز در ماه‌های گرم سال سطح استان قابل توجه است. وقوع حداکثر مطلق

دمای ۴۲ درجه سانتی گراد در مشیران و ۴۰ درجه‌ی سانتی گراد در پارس آباد مغان و رخداد حداقل دمای مطلق ۳۳/۸- درجه‌ی سانتی گراد در شهر اردبیل و حداقل مطلق دما را در این استان از مرز ۷۵ درجه‌ی سانتی گراد می‌گذارند که این ویژگی اقلیمی را به ندرت می‌توان در استان‌های دیگر جستجو نمود.

شهرها و بخش‌های استان اردبیل به سبب قرار گرفتن در دامنه ارتفاعات و نقاط سردسیر و ییلاقی و یا واقع شدن در جلگه‌ها و دشت‌های نسبتاً هموار گرمسیری، از دو وضعیت متفاوت اقلیمی برخوردارند و در زمانی که شهرها و بخش‌های واقع در دامنه کوهستان‌ها با سرمای شدید و یخبندان مواجه‌اند، شهرها و بخش‌های مستقر در نقاط جلگه‌ای، نظیر دشت مغان دارای آب و هوای مطبوع بهاری می‌باشد و این ویژگی‌های کمیاب اقلیمی سبب می‌گردد که استان اردبیل در تمام فصل‌های سال دارای قابلیت جذب گردشگر باشد.

تقسیمات اقلیمی استان: موقعیت خاص جغرافیائی استان اردبیل سبب گردیده است که این استان علاوه بر این که همراه با آذربایجان شرقی و غربی در فصل‌های سرد سال تحت تأثیر توده‌های هوای بهار از شمال، شمال غرب و غرب قرار گیرد. در فصل تابستان نیز گاهی سیستم‌های هواشناسی کم فشار باران زای عبوری بر سه استان گفته شده تأثیر گذاشته و بارندگیهای تابستانه را در یان مناطق نازل نمایند. بخش‌هائی از استان اردبیل تحت تأثیر می‌گذارد و موجب تعدیل این عوامل جوی می‌گردد.

با وجود آن که در مقیاس کلی، استان اردبیل از دو بخش کوهستانی سرد و جلگه‌ای معتدل تشکیل شده و به تبع تنوعات طبیعی و جغرافیائی، دارای تنوعات اقلیمی قابل توجه است، اما ویژگی سردی که ناشی از هجوم توده‌های هوای سرد شمالی، ارتفاع و عرض جغرافیائی است، صفت مشترک اقلیم‌های گوناگون استان گردیده و حتی در پست‌ترین نقاط استان که طبیعتاً دارای اقلیم معتدل هستند، به طور متوسط در حدود ۶۰ روز از سال دارای شرایط یخبندان بوده و سردی هوا به هر حال بر تمامی استان و کلیه اقلیم‌ها و زیر اشکوب‌های اقلیمی، کم یا بیش تأثیر می‌گذارد.

خشکسالی: در طول ۱۰ سال، تا آخر سال ۱۳۷۸ جمعاً ۳ بار در استان اردبیل خشکسالی اتفاق افتاده و سرعت آن بسیاری از شهرها و روستاهای استان را در برگرفته است. در این مدت ۳۱۲۵۳۵ رأس دام به علت وقوع خشکسالی تلف شده و به ۶۹۷۶۸۱ هکتار از اراضی زراعی استان خسارت وارد شده است.

بهمن و کولاک برف: در همین دوره‌ی آماری ۱۰ ساله، با وقوع یک بار بهمن در گردنه‌های کوهستانی استان ۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند ولی با وجود رخداد تقریباً دائمی کولاک برف، هیچگونه تلفاتی از کولاک برف گزارش نشده است.

تگرگ: تگرگ از پدیده‌های خسارت زای جوی است که در استان اردبیل در طول ۱۰ سال گذشته با ۱۸ بار ریزش شدید، به ۱۴۵ روستا آسیب رسانده و ۱۶۵۹۰ هکتار از اراضی استان را دچار خسارت نموده است.

سیل: در طول دوره‌ی آماری ۱۰ ساله جمع ۳ ۴۹ بار در استان اردبیل سیل رخ داده و به ۹ شهر و ۲۰۴ روستا خسارت وارد ساخته و ۱۷۴۹ واحد مسکونی آسیب دیده و یا ویران شده است.

بر اثر وقوع سیل در این مدت ۱۵ نفر از مردم استان جان خود را از دست داده و ۳۱۲۹۳ رأس دام تلف شده است. میزان اراضی آسیب دیده از سیل ۳۷۷۵۳ هکتار بوده و ۷۴ دهنه پل تخریب شده و ۵ واحد اداری و یا مکان عمومی نیز دچار آسیب شده و ۱۸۹۸ کیلومتر از جاده‌های استان از بین رفته و یا خسارت دیده است.

تعداد وسائط نقلیه خسارت دیده از سیل ۸ دستگاه و تعداد سدهای آسیب دیده از سیل به تعداد ۶ سد بوده است.

سرمازدگی و یخبندان: وقوع سرمازدگی و یخبندان طی ۱۰ سال گذشته در استان اردبیل، به ۲۰۵۹۹/۵ هکتار از اراضی کشاورزی استان آسیب رسانده است.

زلزله: وقوع ۳ بار زلزله طی ۱۰ سال گذشته در استان اردبیل سبب آسیب دیدن ۵ شهر و ۲۶۱ روستا شده و ۲۱۰۰۰ واحد مسکونی یا تخریب شده و یا دچار خسارت شده است. تلفات انسانی ناشی از زلزله در این مدت ۷۶۰ نفر و تلفات دامی ۱۶۰۰۰۰ راس بوده است و ۴۵۳ واحد تولیدی و صنعتی دچار آسیب و خسارت شده‌اند. وقوع زلزله به ۸۱ واحد اداری و مکان عمومی خسارت وارد ساخته و ۲۴۷ کیلومتر مربع از جاده‌های استان را دچار آسیب ساخته و ۵ وسیله‌ی نقلیه را از بین برده است.

رانش زمین: وقوع دو مورد رانش زمین در اردبیل موجب از بین رفتن و یا آسیب دیدن ۸۰۰ واحد مسکونی در طول ۱۰ سال گذشته در استان اردبیل بوده است.

دشت‌های استان

دشت مغان: ـ دشت مغان در غرب دریای خزر قرار گرفته و در حدود ۳۵۰ هکتار وسعت دارد. این دشت منطقه‌ای است معتدل و یکی از قطب‌های کشاورزی و دامپروری کشور است. دارای دمای معتدل و بارندگی مناسب، بهترین مراتع قشلاقی را در این منطقه به وجود آورده است که مورد استفاده‌ی احشام طایفه‌های گوناگون عشایر «ایل سون» (شاهسون سابق) است. سرسبزی مزارع، گستردگی مراتع سرسبز، باغ‌های میوه، فضای سد رودخانه‌ی ارس، جزایر متعدد رودخانه‌ی ارس موسوم به «شام» طایفه‌های کوچرو و عشایر ایل سون با ویژگی‌های فرهنگی خاص و ... از جمله جاذبه‌هائی هستند که هر گردشگر و جهانگرد را می‌توانند به طرف خود جلب نمایند.

ـ دشت اردبیل و جنگل‌ها و بیشه‌های محدوده‌ی شهرستان خلخال و جنگل‌های فندق که از گردشگاه‌های مهم استان اردبیل می‌باشند. از جاذبه‌های مهم گردشگری استان محسوب می‌گردند. سازمان هواشناسی کشور

مشخصات کلی جنگل‌های طبیعی استان به تفکیک مناطق:

منابع آب: به لحاظ ویژگی‌های ارضی و موقعیت خاص جغرافیایی و تپوگرافیکی و وجود برف‌های دائمی در رشته کوه‌ها بالاخص در کوهستان سبلان استان اردبیل دارای منابع عظیم آب تحت‌الارضی و شبکه‌های وسیع و گسترده از آب‌های روان است.

آب‌های سطحی: آب‌های جاری استان اردبیل جزء حوضه‌ی آبریز دریای خزر می‌باشد که توسط دو رودخانه اصلی قزل اوزن، ارس جمع‌آوری می‌شود و در نهایت به دریای خزر می‌پیوندد. به سبب محدودیت تعداد ایستگاه‌های

هیدرو متری آب‌های جاری استان، اطلاعات صحیح در میزان تخلیه‌ی سالانه‌ی آب در دست نیست.

برابر آمارهای سازمان کشاورزی استان میزان بهره‌برداری شهرستان‌های استان از آب‌های سطح الارضی که با استفاده از بندهای انحرافی، موقت، دائم و انهار سنتی و کانال‌های شبکه‌ی آبرسانی و پمپاژ صورت می‌گیرد، حدود یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیون متر مکعب / ۱/۲۵۰/۰۰۰ هزار متر مکعب) برآورد گردیده است.

آب‌های تحت الارضی: در محدوده‌ی استان جمعاً ۷۲۲ حلقه چاه عمیق با میزان بهره‌برداری سالانه ۹۳ میلیون متر مکعب و ۱۲۹۴ حلقه چاه نیمه عمیق با بهره‌برداری سالانه ۵۸ میلیون متر مکعب قسمتی از اراضی آبی منطقه را مشروب می‌سازد.

دریاچه‌ی نئور: از نظر تنوع تغذیه و زنجیره‌های غذایی موجود در نوع خود کم‌نظیر بوده و جایگاه شامخی در مظاهر طبیعی ایران دارد.

شرایط ویژه‌ی فیزیکو شیمیایی آب محیط مناسبی را جهت رشد و تکثیر تنبوزها و پلانکتون‌ها به‌طور اخص گاماروس‌ها (نوعی میگوی آب شیرین) به‌وجود آورده است. ارزش واقعی منابع مذکور نه فقط در ارتباط با تغذیه‌ی ماهی سنجیده می‌شود. بلکه پیوند ارگانیک آن‌ها با کل حیات در دریاچه ارزیابی می‌شود.

به‌طوری که هر یک از این حلقه‌های زیستی نقش حیاتی در سیستم زنده‌ی دریاچه و تغذیه‌ی ماهی و همچنین پرندگان آبزی مهاجر که جهت تابستان گذرانی به دریاچه مهاجرت می‌کنند ایفا می‌نماید و در این میان میزان برداشت پروتئین سفید نوع قزل‌آلا پیوسته با کم و کیف توده‌ای گاماروس‌ها عجین بوده و تنها ممر مرغوب غذایی جهت پرورش ماهی قزل‌آلا محسوب می‌شود با اتکا به وجود این حلقه در زنجیره‌ی غذایی دریاچه بوده است که حلقه‌ای دیگر (ماهی قزل‌آلا) به این زنجیره پیوند و اضافه گردیده است. تا ضمن آن‌که جمعیت Amphipod (گاماروس) به‌کلی محو و نابود نشود حلقه‌ی واردانی درشت‌تر و قابلیت دسترسی به آن سهل‌تر گردد.

از پرندگان عمده‌ی دریاچه می‌توان اردک کله سبز، آنقوت، چنگیز، حواصیل، کشیم و در ارتفاعات، و مراتع اطراف بلدرچین، فاخته، کبک معمولی، کبک چیل، کبک دری و از پرندگان شکاری جغد، ولیجه، باز، قرقی، عقاب و انواع پرندگان پاسری فورم (passeriformes) را نام برد.

از پستانداران گراز وحشی، خرگوش، روباه، گرگ، خرس، سمور آبی، (otter) سیاه‌گوش و انواع جوندگان از جمله موش کانگوروئی قابل ذکرند.

جنبه‌های تفرجگاهی دریاچه‌ی نئور: دریاچه‌ی نئور یکی از مراکز مهم تحقیقاتی سازمان حفاظت محیط زیست در امور آبزیان می‌باشد و یکی از اهداف سازمان در راستای تحقیقات آموزش و آشنا نمودن مردم با طبیعت ایران و فراهم آوردن امکاناتی جهت بهره‌مندی هر چه بیش‌تر مردم در اوقات فراغت بوده و منطقه‌ی ییلاقی و زیبای دریاچه‌ی نئور با داشتن جاذبه‌های تفرجگاهی همگام با پرورش ماهی و صید ورزشی ماهی با قلاب وسیله‌ی مناسبی جهت تحقق این امر می‌باشد.

دریاچه‌ی شورابیل: دریاچه‌ی آب شور، شورابیل با وسعت تقریبی ۷۴ هکتار در جنوب شهر اردبیل و متصل به آن واقع شده است. این دریاچه از نقطه نظر زمین‌شناسی ژئومورفولوژیک آب‌شناسی،

نوع رسوبات و محیط زیست حائز ویژگی‌هایی می‌باشد و از بعضی جهات با دریاچه‌ی ارومیه که یک دریاچه‌ی نزدیک به اشباع است شباهت هایی دارد. آب این دریاچه دارای املاح فراوان است و در آن بیش‌تر کاتیون‌هایی نظیر +na و +ca2 و... و آنیون هایی مانند کلرو، سلفات حضور دارند میزان نمک محلول در آب بین ۸۰ تا ۸۳/۱ گرم در لیتر متغیر می‌باشد. آب دریاچه توسط نهری انحرافی از رودخانه‌ی بالخلو، مسیل‌ها و آبراهه‌های روستایی بنفشه درق در جنوب دریاچه و همچنین تعدادی چشمه‌های آب شیرین و نیمه‌شور تأمین می‌شود. به‌طور کلی وسعت آن تابع مستقیمی از میزان بارش سالانه و مقدار آب وارد به دریاچه می‌باشد عمیق‌ترین نقطه‌ی دریاچه ۲/۴۰ متر در قسمت جنوب شرقی و کم عمق‌ترین آن ۴۰ سانتی‌متر در قسمت جنوب غربی قرار دارد. تغییرات سالانه سطح آب دریاچه حدود ۴۵ سانتی‌متر است که در ماه‌های تیر و مرداد حداقل و از شهریورماه به بعد به حداکثر می‌رسد.

کف دریاچه از گل‌های نرم و سیاه به همراه مواد آلی پوشیده شده است.

حجم دریاچه درقوم ماکزیمم ۱۱۰۴۹۹۷/۵ متر مکعب می‌باشد.

بزرگ‌ترین عرض ۶۰۰ متر و بزرگ‌ترین طول ۱۳۵۰ متر است.

نظر به گسترش شهر اردبیل دریاچه‌ی شورابیل اینک در محدوده‌ی شهر قرار گرفته و با توجه به ویژه‌گی‌های منحصر به فرد آن با ایجاد تأسیسات رفاهی و نصب دستگاه‌های ویژه‌ی تفریحی و ایجاد فضای سبز توسط شهرداری اردبیل به‌صورت مجتمع تفرجگاهی و تفریحی درآمده است.

منابع حیاتی دریاچه‌ی شورابیل: نظر به شوری نزدیک به اشباع آب امکان زیست ماهی در دریاچه شورابیل نبوده، ولی ارگانیسم‌های ویژه‌ی آب شور (Artemia) از رده بوفور یافت می‌شود. در قسمت‌های ساحلی به‌خصوص کناره‌های آرام جلبک‌های سبز (Algae) که بیش‌تر از نوع کلرو فسیه‌ها (choloro phyceae) می‌باشد به‌صورت شناور یا متصل زیست می‌نمایند. به لحاظ ورود آب شیرین از حانب جنوبی دریاچه و گیاهان آبزی نظیر (Juncus phragmites) رشد نموده و وجود این نیزارها پناهگاه مناسبی را جهت پرندگان آبزی که در اکثر فصول سال در دریاچه زیست می‌نمایند به‌وجود آورده است.

غلظت بالای املاح و نمک‌های محلول آب سبب افزایش درجه‌ی انجماد و در نتیجه تأخیر در یخبندان سطح دریاچه در فصل زمستان می‌گردد. لازم به توضیح است در ایامی از فصل زمستان که درجه‌ی حرارت به شدت افت می‌نماید برودت سبب تراکم مولکول‌ها و تبلور نمک در سطح آب می‌گردد که این امر خود یکی از عوامل محدودکننده جهت پرندگان آبزی می‌باشد از عمده‌ی پرندگانی که در دریاچه‌ی شورابیل زیست می‌نمایند، انواع اردک، آنقوت، خوتکا، حواصیل، کاکانی و به‌صورت گذاری پرندگان قو، پلیکان، فلامینکو، قابل ذکرند.

تالاب تپه‌خور: به‌طوری که اشاره شد زهکش طبیعی دشت وسیع اردبیل از طریق رودخانه‌ی قره‌سو انجام می‌گیرد و این امر سبب تشکیل تالاب‌های موقتی و دائمی در اراضی پست‌کناره‌ی این رودخانه می‌گردد این آب‌بندها را بنا به اصطلاحات محلی نامگذاری نموده‌اند. نظیر:

قویولی یورد، ساری گل، یورولی گل، قوری گل، اولاغان گلی تپه خورگلی، آب بندان تپه‌خور که در جنوب غربی روستای تپه‌خور تشکیل می‌شود دائمی است و در آن گونه‌هایی از انواع ماهیان موجود در رودخانهٔ قره‌سو زیست می‌نمایند.
تشکیل این آب بندان‌ها با افزایش دبی رودخانه‌ی قره‌سو و نیز نزولات جوی تابع مستقیمی دارد به همین جهت در فصول پرآب از اوایل که مصادف با فصل مهاجرت پرندگان آبزی و کنار آبزی می‌باشد تشکیل این آب‌بندان‌ها شروع می‌شود و چه بساکه تعدادی از آن‌ها به هم پیوسته و منطقه‌ی وسیعی را فرا می‌گیرد که درکل با عنوان تالاب تپه خور شناخته می‌شود.
تالاب تپه‌خور به لحاظ وسعت منطقه و مواد غذایی غنی و پناهگاه‌های مساعد ناشی از رشد نی‌زارها و علف‌های آبزی، زیستگاه عمده‌ی پرندگان آبزی در فصول پاییز و بهار می‌باشد.
اکوسیستم‌های خشکی: بخش اعظم مساحت استان راکوهستان‌ها و کوهپایه‌ها تشکیل می‌دهند که چون نگینی مناطق دشتی را فراگرفته‌اند. بزرگ‌ترین پایگاه‌های انسانی و اقتصادی در جلگه‌ها متمرکز است و فعالیت‌های انسانی و گسترش کشاورزی و بهره‌گیری‌های متنوع از اراضی عامل مهمی درکاهش تنوع و محدودیت اجتماعات زیستی در این مناطق است به‌تدریج که دامنه این فعالیت‌ها گسترده‌تر شده است. حیات وحش نیز برای حفظ بقاء ناگزیر از مهاجرت و یا در شرایط خاصی محکوم به نابودی و انقراض نسل گردیده است.
و بدین ترتیب کوهستان‌ها و قلل کوه‌ها و دره‌های صعب‌العبور است که اینک به عنوان مناطق نسبتاً امن جهت ادامه‌ی حیات در اختیار حیات وحش قرار گرفته است. موقعیت کوهستانی استان و گسترش اراضی مرتعی و جنگلی زیستگاه‌های مناسبی را برای برخی ازگونه‌های جانوری فراهم نموده است وکبک در این میان از نظر جمعیتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
علیرغم عدم حفاظت مستمر و رواج شکار غیرمجاز به صور و شیوه‌های متنوع از قبیل سلاح‌های شکاری تله و دام (بره) چراغ توری و جوجامه و غیره در یک منطقه کبک در جمعیت‌های بالا در اکثر زیستگاه‌ها به ویژه در شهرستان خلخال مشاهده می‌شود که این امر معلول موقعیت جغرافیایی و زیستگاهی خاص منطقه است.
سبلان مرتفع‌ترین کوه آتشفشان خاموش با چشمه‌های آب معدنی فراوان در داخل فلات آذربایجان می‌باشد که بلندترین قله‌ی مستور از برف آن ۴۸۱۱ متر ارتفاع دارد.
از نظر زمین‌شناسی توده‌ی آتشفشان سبلان اغلب از گدازه‌های آتشفشانی تشکیل شده است که بیش‌تر از سنگ‌های تراکیت، آندریت و بازالت است.کناره‌های مناطق آتشفشانی نیز از نهشته‌های سیزیتی همراه با لایه‌های کاتولین پوشانیده می‌شود، مواد مذکور به این کوهستان رنگ روشنی (از دور) بخشیده است.
این کوهستان از شهر اردبیل مثل عقابی به نظر می‌رسد که بال‌های خود را باز کرده است زیرا قلل یارپاخ (یاپپاخ) و قزل داغ در شمال آن و ارتفاعات هرم، بابا مقصود و حاجی زال در جنوب قله‌ی اصلی مثل دو بال در طرفین قرار گرفته‌اند و قلل (اصلی و سلطان) که دهانه‌ی آتشفشان آن در حال حاضر به‌صورت دریاچه‌ی بسیار زیبایی درآمده و اطراف آن همواره پوشیده

از برف و یخ است مانند سر عقاب در وسط آن‌ها واقع شده است.

معیشت و ویژگی‌های آن در سبلان: راه و روشی که انسان‌ها برای زندگی کردن بر می‌گزینند از محیط زیست آن‌ها متأثر است و کوچ نشینی یک نوع امرار معاش و سازش با محیط است و کوچ یکی از جنبه‌های مهم و از مظاهر زندگی عشایری و از لوازم طبیعی معیشت آن‌ها به شمار می‌رود که به مقتضای طبیعت به دنبال یافتن چراگاه‌های طبیعی و احتراز از سرما و گرمای شدید صورت می‌گیرد.

کوهستان سبلان از مناطق مهم عشایری ایران می‌باشد و عشایر ایلسون (شاهسون) از جمله ایلات ترک زبان است که دامنه‌های سبلان مهم‌ترین چراگاه‌های تابستانی برای احشام آنان و دامپروری زیربنای معیشت آن‌ها است.

زمان کوچ کاملاً بسته به وضع اقلیم محلی است معمولاً کوچ از قشلاق (دشت مغان) به ییلاقات سبلان هنگامی صورت می‌گیرد که مراتع آن قابل بهره‌برداری و هوای آنجا برای زیست مساعد باشد (معمولاً نیمه‌ی دوم اردیبهشت ماه) و زمان قطعی بازگشت از سردسیر برای تمام طایفه‌ها تاریخ معینی ندارد وضعیت علوفه و سرمای زودرس در تصمیم به مراجعت کاملاً مؤثر است (نیمه‌ی دوم مهرماه) بنا به رابطه‌ی ایلی با محیط طبیعی (اکولوژی) و تنها جوامع استقرار یافته و بهره‌ور و تأثیرگذار در منطقه ضرورت مطالعه‌ی ترکیب و وضعیت عشایر منطقه، معیشت و نحوه‌ی کوچ، تعداد دام، ظرفیت مراتع و غیره را ایجاب می‌نماید.

ویژگی‌های زیستگاهی و حیات وحش سبلان: وسعت منطقه، دره‌های عمیق و صعب العبور کوه‌های مرتفع و به‌هم پیوسته و وجود پناهگاه‌های امن و در بسیاری موارد غیر قابل نفوذ و دسترسی فوری به منابع آبی، پوشش گیاهی کافی از عوامل اساسی هستند که علیرغم حضور دایم عوامل تهدید کننده در منطقه حفظ و بقای حیات وحش را تضمین نموده‌اند.

منطقه‌ی سبلان تنها زیستگاه دائمی قوچ و میش ارمنی در استان می‌باشد از دیگر پستاندارن کل و بز، خرس قهوه‌ای، سیاه گوش، روباه، خرگوش، راسوی بدبو، گراز، گرگ، گورکن، تشی، خارپشت و از پرندگان کبک دری، کبک معمولی، انواع پرندگان شکاری و از آبزیان ماهی قزل‌آلای خال قرمز در اکثر رودخانه‌های آن قابل ذکرند.

زیستگاه حیات وحش دوجاق: دوجاق منطقه‌ی وسیعی است که در شمال غرب اردبیل واقع گردیده است راه اسبق اردبیل - مشگین‌شهر از وسط این منطقه می‌گذرد که اینک به لحاظ تخریب بعضی از پل‌ها به عنوان راه روستایی مورد استفاده بود. و منحصراً عبور ماشین‌های کمک‌دار به ویژه از گردنه‌ی مشهور دوجاق امکان‌پذیر است رودخانه‌ی بزرگ منطقه‌ی قره‌سو از محل روستای طالب قشلاقی (دشت اردبیل) وارد منطقه‌ی دوجاق می‌شود و پیچ خم‌های بسیاری در دره‌های عظیم و عمیق این منطقه پیدا نموده و سرانجام در محل ارباب کندی وارد دشت مشگین‌شهر می‌شود. منطقه‌ی کوهستانی و ارتفاع آن در رقوم ماکزیمم ۲۵۰۰ متر و در حد کمینه ۱۰۰۰ متر می‌باشد از اختصاصات ویژه‌ی این منطقه پیوستگی آن از جانب جنوب با ارتفاعات سبلان و از جانب شرق با دشت وسیع و نسبتاً پست ارشرق مشگین‌شهر است. دره‌های عمیق و بریدگی‌های طبیعی وجود چشمه‌های متعدد

منطقه را زیستگاه مناسبی برای کل و بز، کبک معمولی و برخی دیگر از پرندگان و پستانداران نموده است.

زیستگاه حیات وحش آق داغ (پلنگا):
مهم‌ترین زیستگاه شهرستان خلخال می‌باشد که در قسمت جنوبی هرو آباد واقع می‌باشد. بلندترین نقطه‌ی آن آق داغ با ارتفاع ۳۳۲۲ متر و در رقوم می‌نیمم مربوط به کناره‌های رودخانه‌ی قزل اوزن در حدود ۱۰۰۰ متر می‌باشد.

حد غربی شمال غربی و شمالی به ترتیب به رودخانه‌ی سقز چای، روستاهای دم دول، کیوی، قره تکان، دورداولر، ونن، ترازوج، طولش، خوجین حد شمال شرقی و شرقی آن به جاده‌ی خوجین رودخانه شاهرود و جانب جنوبی این منطقه به رودخانه‌ی قزل اوزن محدود می‌شود که جزء استان زنجان می‌باشد. نظر به تنوع و حیات وحش این منطقه مذاکرات و توافقاتی فیمابین اردبیل و زنجان جهت مطالعه‌ی مشترک به منظور ایجاد منطقه‌ی حفاظت شده به‌عمل آمده است.

از دره‌های معروف این منطقه دره پلنگان و از ارتفاعات مهم آن پلنگان، آق داغ، سهدی، سرخانی نقرچی داعی و ازنو قابل ذکرند.

این منطقه با ویژگی‌های ارضی و تپوگرافی و دره‌های صعب‌العبور و مناطق ییلاقی و قشلاقی و جنگل‌های ارس و بند و.... و منابع آبی فراوان و پوشش‌گیاهی مناسب پناهگاه‌و زیستگاه عمده‌کل و بز، پلنگ، خرس، گرگ، روباه، تشی و از پرندگان کبک، کبک دری، کبک چیل و گروهی از پرندگان می‌باشد وجه تسمیه پلنگاه به لحاظ وجود پلنگ در این زیستگاه می‌باشد و گزارشات اخیر حاکی از وجود مشاهده‌ی پلنگ و کل و بز با جمعیت قابل توجه در این منطقه می‌باشد.

زیستگاه‌های حیات وحش در منطقه‌ی مغان:
بی‌شک منطقه مغان (شهرستان‌های گرمی، بیله سوار، پارس‌آباد) از نظر تنوع زیستی مقام نخست را در سطح استان دارد. و این معلول شرایط ویژه‌ی جغرافیایی و اقلیمی آن منطقه می‌باشد.

زیست گونه‌ای از پرندگان و پستانداران حمایت شده نظیر دراج، میش مرغ، قرقاول، آهو و انواع پرندگان شکاری بیش از پیش بر اهمیت آن می‌افزاید علاوه بر آن آب و هوای مساعد و وفور مواد غذایی در زمستان و گستردگی منابع آبی منطقه مغان را به یکی از زیستگاه‌های زمستانی مهم پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی در استان تبدیل نموده است به‌طوری که این قبیل پرندگان در جمعیتی بالا و در سطح وسیعی در آن منطقه دیده می‌شود.

هر چند سطح وسیعی از اراضی شمالی دشت مغان محل تمرکز فعالیت‌های انسانی و به برکت شبکه‌ی آبرسانی سد ارس تحت پوشش شرکت‌های کشت و صنعت و دامپروری و زراعت آزاد قرار دارد. با این وصف قسمت اعظم مناطق جنوبی مرتعی و مهم‌ترین چراگاه‌های زمستانی عشایر را به‌خود اختصاص می‌دهد که قریب ۶ ماه از سال (نیمه‌ی اول آبان ماه الی نیمه‌ی دوم اردیبهشت ماه) در آن منطقه سکونت می‌کنند و باقی سال تقریباً خالی از سکنه می‌باشد.

زیستگاه‌ها در منطقه پراکندگی ویژه‌ای دارد به‌طوری که بخش‌های مختلف به زیستگاه گروههای خاصی اختصاص یافته است به‌طوری که: بخش‌های شمالی، کناره‌های رودخانه‌ی مرزی ارس به لحاظ وجود جنگل‌های انبوه حد مرزی و فضاهای باز زیستگاه دائمی قرقاول، دراج و پرندگان مهاجر و اراضی جنوبی زیستگاه آهو و

میش مرغ و ارتفاعات خروسلو (آقا بابا، جن دره) زیستگاه کل و بز و کبک می‌باشد.
هر یک از گونه‌های کمیاب و مذکور به استثناء آهو و کم و بیش در منطقه‌ی مغان یافت می‌شوند ولی از وجود آهوی مغان (جیران) در چند سال اخیر گزارشی نشده است و این حاکی از انقراض نسل این حیوان است.

چشمه‌های معدنی سرعین در استان اردبیل:
سرعین یا سرقین از بخش‌های شهرستان اردبیل در ۲۲ کیلومتری جاده‌ی شوسه اردبیل - تبریز و مقابل قشلاق سوم جاده‌ی فرعی که به سوی شمال منشعب می‌شود و پس از ده کیلومتر به سرعین می‌رسد.

آب گرم قره سو: برای این چشمه دو حوض در کنار هم ساخته‌اند دیواره‌ای به قطر ۳۰ سانتی‌متر که آن دو را از هم جدا می‌کند.
درجه‌ی حرارت آب گرم ۴۱ درجه - **خز** آن ۶ و هدایت الکتریکی برای ۲۰ درجه حرارت ۱۴۵۰ و آبده آن حدود ۱/۵ لیتر در ثانیه است.

آب گرم ساری سو: در نزدیکی آب گرم قره‌سو قرار گرفته، با لوله‌ی سیمانی به حوض ریخته می‌شود، آب گرم از این حوض به حوض دیگری می‌ریزد. درجه حرارت آب در مظهر ۴۷ و در حوض ۴۴ درجه **أز** آن ۶/۲ و هدایت الکتریکیش ۲۰ درجه و حرارت ۱۳۵۰ درجه، آبده در حدود ۳ لیتر در ثانیه است.

آب گرم گاومیش: چشمه گاومیش پرآب‌ترین چشمه‌های این ناحیه است استخری به‌طول ۲۴/۱ و عرض ۱۶/۷ متر برایش ساخته شده درجه حرارت در استخر ۴۵ درجه **أز** آن ۵/۸ الکتریکی آن برای ۲۰ حرارت ۱۴۳۰ می‌باشد آبده آن در حدود ۳۰ لیتر در ثانیه است ولی پس از خروج از استخر و جریان آب یافتن به‌علت زاینده بودن اطراف بستر میزان آب زیاد می‌شود.

آب پهن: از کف حوضی خارج می‌شود درجه حرارت ۳۷/۵ درجه **أز** و آبده ۱/۵ لیتر در ثانیه است.

آب باد: از کف حوضی می‌جوشد درجه حرارت ۴۱ و **أز** آن ۵/۶ و آبده حدود یک لیتر در ثانیه است.

آب گرم قهوه خانه همت: در دو حوض جداگانه جمع می‌شود درجه حرارت آن $\frac{1}{2}$ ۴۰ و **أز** آن ۶ و آبده در حدود یک لیتر در ثانیه است. آب گرم قهوه ممتاز (یعقوب) در دو حوض جداگانه جمع می‌شود و با لوله‌ی سیمانی به حوض دیگر می‌ریزد درجه حرارت در مظهر ۴۷ و **أز** آن ۶/۱ و آب‌ده حدود دو لیتر در ثانیه است.
آب گرم بش باجی (پنج خواهران) از جمله چشمه‌های آب گرم سرعین است. ارتفاع چشمه‌های سرعین از سطح دریا ۱۳۵۰ متر است.

بیله‌دره: روستایی است در حدود سه کیلومتری سرعین که چشمه‌های آب‌گرم دارد.

آب چشم: در حوضچه‌ای جمع می‌شود میزان آبدهی ۶ لیتر در دقیقه است و حرارتش در حوض ۲۱ درجه می‌باشد.

آب گرم قهوه خانه همت: علاوه بر آب چشم، چشمه‌ی دیگری وجود دارد که در حوضی حدود ۳/۵ در ۳/۵ جمع می‌شود درجه‌ی حرارت دو حوض $\frac{1}{2}$ ۴۰ درجه و میزان آبدهی یک لیتر در ثانیه است

آب گرم قهوه‌خانه ممتاز: در حوضی در حدود ۳ × ۳ جمع می‌شود و حرارتش در مظهر ۴۷ درجه است.

آب گرم بش باجی لر: در قسمت جنوبی

چشمه‌های قهوه‌خانه‌ی همت و ممتاز قرار دارد. آب‌های معدنی سرعین در ردیف آب‌های کلر و بیکربناته کلسیک گازدار و خیلی گرم است که مقدار قابل توجهی سیلیس دارند. آب چشم نیز در ردیف آب‌های کلر و بیکربناته کلسیک گازدار سرد است

چشمه علی: در بیله‌دره به نام گل‌علی دو چشمه معدنی وجود دارد به فاصله‌ی ۵۰ متری از یکدیگرند قسمت اعظم آب چشمه‌ی اول از کف حوضچه‌ی کوچکی بیرون می‌آید، آب در حوض را کاملاً صاف و دارای ۱۷ درجه حرارت است ۲ - چشمه این چشمه مانند چشمه‌ی اول یک حوضچه‌ی کوچک و قسمت اعظم آبش از کف حوضچه خارج می‌شود و میزان آبدهی آن ۲ لیتر در ثانیه است. اطراف این دو تشکیلات آذرین دیده می‌شود.

چشمه اسد: در حدود صد متری چشمه اول گل‌علی و دارای حوضی است که آب زلال از حوض خارج می‌شود و درجه حرارتش ۲۰ درجه و میزان آبدهی آن حدود یک لیتر در ثانیه است ارتفاع این چشمه‌ها ۱۴۵۰ متر از سطح دریا است.

آب معدنی سردابه: در ۲۴ کیلومتری اردبیل پس از خروج از زمین وارد حوضچه می‌شود و آنگاه تشکیل نهری را می‌دهد و تشکیل یک آبشار را می‌دهد. این آب معدنی در ۱۷۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. نتیجه‌ی بررسی‌ها نشان می‌دهد که آب این چشمه‌ها در ردیف آب‌های سولفاته کلسیک و گوگردی خیلی گرم و مقدار قابل توجهی گاز کربنیک دارد. از کتاب چشمه‌های معدنی ایران - دکتر محمدجواد جنیدی

چشمه‌های معدنی بوشنی (نیر): در ۴۵ کیلومتری باختر اردبیل بر سر راه اردبیل - سراب در روستای بوشلی آب معدنی بوشلی در پای یک تپه‌ی آهکی در حوضچه‌ای مربع شکل به عمق ۷۰ سانتی متر جمع می‌شود و مظهر چشمه در گوشه‌ی آن قرار دارد. در اینجا قسمت‌های فراوانی آب و گاز از نقاط مختلف بیرون می‌آید. آب این چشمه‌ها در ردیف آب‌های معدنی کلر و بیکربناته سدیک و کلسیک گازدار خیلی گرم است.

۲ - در مشکین‌شهر چشمه‌های معدنی متعددی وجود دارد.

چشمه قوتورسوئی در دامنه‌ی شمالی سبلان است و در حوضچه‌ای جمع می‌شود که مردم در آن حمام می‌کنند. این چشمه در ارتفاع ۲۳۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. بوی هیدروژن سولفوره در اطراف چشمه احساس می‌شود و گرمای آن در مظهر چشمه ۴۱ درجه می‌رسد. آب این چشمه در ردیف آب‌های معدنی سولفاته کلسیک و گوگردی و خیلی گرم است که آثار اسید سولفوریک آزاد دارد.

چشمه معدنی ایلاندو: در جنوب مشکین چشمه در سمت چپ بستر رودی در پای کوهی در حوضچه‌ای جمع می‌شود. آبدهی آن در حدود ۳ لیتر در ثانیه و آب آن در ردیف آب‌های معدنی کلروسولفاته و بیکربناته کلسیک گازدار گرم است.

چشمه‌ی معدنی مویل: در حوضچه‌ای جمع می‌شود آب آن در ردیف آب‌های معدنی سولفاته کلسیک و آهن‌دار گرم است.

چشمه‌ی معدنی قینرجه: از کف زمین می‌جوشد و بخار آب آن در فضا پراکنده می‌شود و آثار اکسید آهن در سطح پراکندگی و جریان آب دیده می‌شود، آبدهی آن در حدود ده لیتر در ثانیه و آبش مورد استفاده‌ی استحمام قرار گرفته، در ردیف آب‌های کلروهیپوتونیک گازدار و خیلی

گرم است.
آب گرم سراب: در جنوب غربی شهر سراب و آب آن در ردیف آب‌های معدنی سولفاته سدیک گرم است.
آب معدنی آبرس: در ۱۱ کیلومتری سراب که به‌صورت آب و گاز از زمین بیرون می‌زند و مورد استحمام است.
آب‌گرم خلخال: در قسمت پایین تپه از سنگ‌های آهکی و قسمت بالا از سنگ‌های آذرین بیرون می‌زند.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان:
ـ دریاچه‌ی نئور: دریاچه‌ی نئور در ۴۸ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل در ارتفاع ۲۷۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است.
ـ دریاچه‌ی شورابیل: این دریاچه در دو کیلومتری جنوب شهر اردبیل واقع شده است. مساحت این دریاچه ۱۲۰ هکتار می‌باشد.
ـ تالاب گنجگاه: تالاب گنجگاه در فاصله‌ی ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع شده است. پرندگانی نظیر چنگر و آبچیلیک از جمله پرندگان این تالاب به شمار می‌روند.
ـ تالاب شورگل: تالاب شورگل در ۳ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع است و زیست گاه پرندگان مهاجر است.
ـ تالاب نوشار: این تالاب در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع شده است.
از دیگر تالاب‌های استان اردبیل می‌توان از تالاب ملا احمد و تالاب پیر القیر نام برد.
ـ رودخانه‌ی ارس: از ۱۰۷۲ کیلومتر طول این رودخانه ۴۱۰ کیلومتر آن نوار مرزی بین المللی را تشکیل می‌دهد.

از دیگر منابع آبی استان می‌توان از بالیقلی چای و رودخانه قره سو و همچنین آبشار گورگور سبلان و چشمه‌های آب معدنی و مراکز درمانی استان اردبیل مانند چشمه‌های معدنی سرعین، آب گرم قره سو، چشمه‌ی اسد، چشمه‌ی گل علی، چشمه‌ی سردابه، چشمه‌ی بوشلی، چشمه‌ی خلخال، چشمه‌ی ایلاوند، آب گرم گاو میش گلی، آب گرم ساری سو نام برد که هر ساله گردشگران و مسافران را جهت سیاحت و استحمام پزشکی شفا بخش جلب می‌نمایند.
تکامل زمین‌شناسی منطقه: منطقه‌ی اردبیل تنوع زمین‌شناسی زیادی دارد و سنگ‌های مختلف از دوران اول تا عهد حاضر را شامل می‌شود.
قدیمی‌ترین سنگ‌هایی که در منطقه‌ی اردبیل بیرون‌زدگی دارند شیل و ماسه سنگ‌های میکادار همراه تداخل‌هایی از دولومیت سیلیس‌دار است که سن آن‌ها پرکامبرین بالایی است در روستای عنبران ودر بخش نمین و در هسته یک آنتی کلین (Anti coline) دیده می‌شوند این رسوبات چین خوردگی شدیدی را تحمل کرده است و در زمان اینفراکامبرین به صورت هورست (Horsr) بالا آمده و حوضه‌ی دریای خزر را از منطقه‌ی آتشفشانی آذربایجان جدا می‌کند و نیز سبب فقدان رسوب دوران اول در حوضه‌ی اردبیل می‌شود.
در جنوب شرق خلخال دو مجموع دگرگون شده وجود دارد که توسط رسوبات دوران اول و دوم زمین‌شناسی پوشیده شده است.
در این منطقه در حاشیه‌ی جنوبی رشته باغرو (طالش) رخنمون گسترده‌ای از سنگ‌های آندزیتی و پیروکلاستیک همراه با لایه هایی از آهک سیلورین و دونین زیرین مشاهده می‌شود.

سنگ‌های اواخر دوران اول در دو منطقه جنوب باغرو و منطقه‌ی آق‌داغ دیده می‌شود. سنگ‌های دوران دوم از آهک‌های عمدتاً ریفی و سنگ‌های آذرآواری تشکیل شده است که بعضی از آن‌ها منابع خوبی برای سنگ‌های نما و تزئین به شمار می‌روند.

رسوبات آهکی و دولومیتی تریاس (Triassic period) فقط در ناحیه‌ی کوچکی در شمال اردبیل دیده می‌شود. رسوبات ژوراسیک (Jurassic period) در منطقه‌ی اردبیل بخش عنبران بیرون‌زدگی دارد و به‌طور ناهمساز بر روی سنگ‌های اینفراکامبرین قرار می‌گیرد و از شیل و ماسه سنگ میکادار با آثار گیاهی تشکیل شده است دو فاز ولکانیکی (Volcanic) نیز در این زمان در منطقه‌ی فوق وجود دارد و دایک‌های اسیدی نیز سری لایه‌های رسوبی ژوراسیک را قطع کرده که سنی معادل ائوسن (Eosain prriod) دارد رسوبات کرتاسه (cretacee period) به‌صورت ناهسماز بر روی ژوراسیک قرار می‌گیرد این رسوبات با یک کنگلومرا (Conglomerate) و ماسه سنگ قرمز شروع می‌شود که در سه راهی اردبیل - نمین و جاده‌ی عنبران گسترش دارند. علاوه بر این کرتاسه حاوی آهک‌های ضخیمی در این منطقه است که منبع کارخانه‌ی سیمان اردبیل است درکرتاسه بالایی و ولکانیک نوع بازالتی در منطقه‌ی نمین دیده می‌شود.

سنگ‌های مربوطه به دوران سوم در اردبیل شامل سنگ‌های آتشفشانی و نیز رسوبی است سنگ‌های آتشفشانی دوران سوم در منطقه‌ی اردبیل گسترش فوق‌العاده زیادی دارد و از سنگ‌های ولکانیکی پیروکسین آندزیت (Pyroxen andesite) لایت آندزیت بازالت و لاتیت پورفیر ساخته شده که در منطقه‌ی نمین، بخش رضی و نواحی مرزی جاده‌ی قدیم اردبیل و دامنه‌های سبلان دیده می‌شوند.

در غرب کوه‌های باغرو (طالش) نیز لایه‌های مربوط به دوران سوم نمایان شده، شامل رسوبات آهکی گدازه‌های آتشفشانی به‌خصوص آندزیتی است یک سری رسوبات مارن و رس نیز در شمال غرب و جنوب غربی هروآباد (مرکز خلخال) گسترش دارد که متعلق به U.R.F (ماسه سنگ‌های قرمز بالایی).

(Upper. Red. Formation) است. و مشابه آن در کل استان اردبیل مشاهده می‌شود به‌طوری که در اواسط و اواخر دوران سوم بعد از فعالیت‌های آتشفشانی دریاچه‌های کوچک و ابتدایی در منطقه‌ی اردبیل تشکیل می‌شود و رسوبات کولابی شامل مارن، گچ، ماسه سنگ، همراه با رسوبات آذرآواری (Pyroclastic) آتشفشان سبلان در این حوضه‌ها به‌جا گذاشته می‌شود که در جنوب شرقی اردبیل در روستاهای اینانلو روشنق، بنفشه درق، زردآلو، رضاقلی قشلاقی توسعه دارند و رسوبات دیاتومیتی ازنتایج فعالیت‌های پست ماگماتیکی این دوره است.

رسوبات مربوط به دوران چهارم به صورت پادگانه‌های قدیمی و جدید در منطقه گسترش کمی دارد. در این دوران فعالیت آتشفشان سبلان باعث گسترش سنگ‌های آتشفشانی و رسوبات آذرآواری در منطقه می‌شود و چشمه‌های آهک ساز و آهک‌هایی که در دریاچه‌های شیرین تشکیل شده‌اند و پادگانه‌های آبرفتی در این دوره در دامنه‌های سبلان و حوضه‌های اطراف تشکیل می‌شود.

منابع کانساری و مواد اولیه: با مطالعه‌ی وضعیت توپوگرافیک و بررسی نقشه‌های زمین‌شناسی مشخص می‌شود که این منطقه از نظر معادن زیرزمینی غنی بوده و هم‌اکنون سنگ‌های ساختمانی و تزئینی در مقیاس وسیعی از منطقه در حال استخراج است که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از معادن سنگ ساختمانی صائین، معادن سنگ مرمریت نمین، باریت عنبران، سنگ مرمر، معادن سنگ ساختمانی اورنج، معادن سنگ ساختمانی تام اسی، معادن سنگ گچ، برابر آمارها و اطلاعات اداره‌ی کل معادن و فلزات استان اردبیل این معادن به‌صورت استخراج سطحی برداشت می‌شود و به دلیل ذخیره‌ی سطحی قابل ملاحظه‌ای که دارند هنوز به استخراج عمقی نپرداخته‌اند همچنین معادن غنی آهک در شمال شرقی بخش نمین در نزدیکی روستای قشلاق چایی و رگه‌های متناوب سنگ گچ با ذخیره‌ی معدنی بالا می‌توانند کارخانه‌ی جدیدالتأسیس سیمان اردبیل را طی سالیان متمادی تغذیه کنند.

علاوه بر این معادن، دشت اردبیل و مغان به علت رسوبی بودن دارای معادن متعدد شن و ماسه است. به‌جز معادن ذکر شده‌ی منطقه‌ی اردبیل دارای معادن غنی منگنز، سرب، باریت، مرمر، مرمریت، گچ یولیت، پوکه صنعتی و گوگرد است. از منابع کانساری دیگر استان آب‌های معدنی و معروف استان ناشی از فعالیت‌های آتشفشانی سبلان قابل ذکرند.

خاک و خاک‌شناسی: در استان اردبیل خاک‌های متنوعی یافت می‌شود به‌طوری که خاک دشت‌ها به صورت رسوبی، باتلاقی شور و خاک‌های شور و قلیایی می‌باشد. ذرات خاک اکثراً از نوع رس و سیلیس بوده و درصد شن و ماسه‌ی آن کم می‌باشد، ضریب نفوذ آب در خاک برای بیش‌تر خاک‌ها ۱۰-۴ سانتی‌متر در ثانیه است. مواد آلی و فسفر خاک‌های این منطقه کم می‌باشد.

الف - طبقه‌بندی خاک‌ها براساس نواحی ارتفاعی: با در نظرگرفتن وضع طبیعی و پستی و بلندی آب و هوای منطقه اردبیل خاک‌های آن از واحدهای فیزیوگرافی به شرح زیر تشکیل شده است:

- فلات‌ها بریده شده: که از خاک‌های آهکی (calcisil) تشکیل یافته است.
- آبرفت‌های واریزه‌ای و بادبزنی شکل: که اجزاء تشکیل دهنده‌ی آن با مشخصات خاک‌های آبرفتی منطبق است.
- دشت آبرفتی دامنه‌ای: که درصد بالای خاک‌های این اراضی جزء خاک‌های براون (Brownsoil) و به نسبت کم خاک‌های آهکی (calcisil) را شامل می‌شود.
- دشت‌های آبرفتی رودخانه‌ای: که بر حسب منشأ تشکیل و مواد متشکله‌ی خاک این اراضی جزء خاک‌های (Brownsoil) و (calcicbrownsoil) و (Darkbrownsoil) و (curmasoil) می‌باشد.

ب - طبقه‌بندی خاک‌ها بر اساس نوع و جنس: در منطقه‌ی اردبیل انواع خاک‌های زیر دیده می‌شود.

۱ - خاک‌های رسوبی: خاک‌های رسوبی اردبیل اکثراً از نوع بافت ریز است. این خاک‌های جوان معمولاً فاقد مشخصات پروفیلی بوده و بافت آن معمولاً متوسط تا خیلی سنگین می‌باشد و در بیش‌تر موارد علی‌رغم این که دارای بافت سنگین رسی هستند به علت ساختمان خوب و مناسب دارای قابلیت نفوذ بهتری هستند رنگ سطحی این خاک‌ها از قهوه‌ای کم‌رنگ به قهوه‌ای و قهوه‌ای

متمایل به خاکستری تیره تغییر می‌کند مواد آلی این خاک‌ها کم تا متوسط و حاوی مقدار بیش‌تری کوارتزاند. این نوع خاک در شرق شهر اردبیل به‌صورت نواری از شمال غربی به جنوب شرقی (ارتفاعات باغرو) کشیده شده است.

۲ - سطح وسیعی از ایران را فلات تشکیل می‌دهد که ارتفاع آن از سطح دریا بیش از ۱۰۰۰ متر است آب و هوای این فلات‌ها غالباً خشک و نیمه‌خشک است و خاک آن‌ها انواع مختلفی را شامل می‌شود در منطقه‌ی اردبیل سه نوع آن مشاهده می‌شود که عبارتند از خاک‌های سیروزم خاک‌های بروان، خاک‌های براون تؤام با لیتوس، خاک‌های سیروزم در قسمت‌های جنوبی استان گسترش دارد پوشش گیاهی آن تنک و نباتات خشکی پسند را شامل می‌شود.

خاک‌های براون فراوان‌ترین نوع خاک منطقه است که بموازات خاک‌های رسوبی بافت ریز و در شرق آن از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است. و گسترش آن نسبت به خاک‌های رسوبی بافت ریز زیاد می‌باشد رودخانه‌ی قره سو در سرتاسر این خاک‌ها جریان دارد. اراضی جنوب غربی و غرب (دامنه‌ی ارتفاعات سبلان) نیز از این نوع خاک‌ها پوشیده شده است.

- خاک‌های براون تؤام با لیتوسل: در ارتفاعات بالای ۱۵۰۰ متر به‌ویژه در قسمت‌های جنوب و شرق و شمال و به ویژه غرب ارتفاعات باغرو: از این خاک‌ها پوشیده شده است این نوع خاک‌ها همراه با سنگ‌های درشت و ریز می‌باشد.

۳ - در شرق منطقه و در اراضی جنگلی و مرتعی که در نتیجه‌ی عقب نشینی جنگل‌ها به وجود آمده‌اند خاک‌هایی از نوع براون جنگلی قرار گرفته است.

۴ - با توجه به این که منطقه‌ی کوهستانی و از ارتفاع بالاتری از سطح دریا قرار گرفته است. خاک‌های تپه ماهور و کوهستانی گسترش چشمگیری دارد از انواع خاک‌های این مناطق موارد زیر در منطقه دیده می‌شود.

- خاک‌های بروان تؤام با ونزینا: به‌صورت قوسی از جنوب و غرب بخش نیز شروع شده و پس از دور زدن شرق منطقه از مرکز شهرستان اردبیل گذشته به طرف شمال غرب پیچیده و تا دامنه‌ی شرقی کوه‌های سبلان پیش رفته است.

لیتوسل متشکل از مارن‌های آهکی و گچی در ناحیه‌ی خاک‌های بیابانی و سیروزم: که بیش‌تر در قسمت غرب و شمال منطقه وجود دارد قسمت اعظم خاک‌های مشگین‌شهر از این نوع می‌باشد.

- لیتوسل آهکی در ناحیه‌ی خاک‌های براون و چست نتا: قسمت اعظم خاک‌های مناطق شمالی استان را تشکیل می‌دهد.

- لیتوسل متشکل از سنگ‌های خروجی در ناحیه‌ی خاک‌های براون و سیروزم: که به‌صورت نواری وسط خاک‌های رسوبی بافت ریز و خاک‌های براون تؤام با ونزینا را پرکرده و قسمت اعظم منطقه‌ی اردبیل را تحت پوشش دارد.

- لیتوسل در ناحیه‌ی خاک‌های براون جنگلی ونزینا: که در مناطق جنوبشرقی شهرستان اردبیل و قسمت‌های شمال غربی خلخال دیده می‌شود.

پوشش گیاهی: مراتع و جنگل‌ها حدود ۵۳٪ از کل اراضی استان را به خود اختصاص می‌دهد و سهم مراتع از این تعداد حدود ۹۴٪ می‌باشد. ارزش حفاظتی و احیا این مناطق هنگامی مشخص‌تر و بارزتر می‌شود که با فرآیندهای اقتصادی سنجیده شود این منابع حیاتی که بخش مهمی از زیربنای معیشتی استان را تشکیل می‌دهد

در اثر فشار فزاینده‌ای که در نتیجه‌ی بهره‌کشی مخرب از مراتع و جنگل‌ها صورت می‌گیرد سیر قهقرایی را دنبال می‌کند. تخریب و تبدیل اراضی مرتعی و جنگلی به کشاورزی، چرای مفرط و بی‌رویه، قطع جنگل‌ها، فرسایش خاک از عوامل مؤثر در این فرآیند می‌باشد.

نواحی جنگلی: جنگل‌های موجود در استان اردبیل که عمدتاً در قسمت شرق و جنوب شرقی در حد فاصل استان گیلان واقع شده‌اند اکثراً غیر تجاری می‌باشند. پوشش گیاهی آن بین ۹۰-۲۰ درصد بود و در بیش‌تر مناطق موضعی و پراکنده هستند علاوه بر جنگل‌های مذکور توده‌های غیر متراکم جنگلی در ناحیه‌ی شمال و شرق و غرب سیلان به‌ویژه در منطقه‌ی انزان و هم‌چنین جنوب غربی خلخال (بخش خورش رستم و در کنار رودخانه‌ی مرزی ارس وجود دارد که حفاظت و احیاناً آن‌ها تأثیرات اکولوژیکی مؤثری می‌تواند داشته باشد.

مساحت پارکهای جنگلی استان ۶۱۹۶۸۱۶ اردبیل ۲۶/۴ ـ پارس‌آباد ۴۵۵/۵ خلخال ۴۰۰۷۱ کوثر ۶۳۲۳/۵ مشکین‌شهر ۹۱۲۱۲/۳ مغان ۷۲۲/۴ نمین ۵۱۱۵۷۶

سنگ‌شناسی استان اردبیل

سنگ‌های مافیک شمال خاوری هشتجین شامل توالی‌هایی از بازالت‌ها، اسپیلیت‌ها، الیوین بازالت‌ها، بازالت‌های آندزیتی، آندزیت‌ها، داسیت‌ها و سنگ‌های آذر آواری است که دایک‌های دلریتی متعدد این توالی‌های سنگی را قطع کرده‌اند. به طور کلی، ترکیب بازالت‌های منطقه گرایش به بازالت‌های کلسیمی ـ قلیایی و درون صفحه‌ای را نشان می‌دهد. این بازالت‌ها از عناصر LREE، LIL و همچنین از عناصر HFS غنی شدگی نشان می‌دهد. دانه‌های تیتانومگنتیت موجود در سنگ‌های مافیک را میتوان به دو دسته غنی از تیتان و کمتر غنی از تیتان (غنی از Fe^{+3}) تقسیم کرد. پلاژیوکلازهای موجود در این سنگ‌ها دارای زون بندی عادی بوده، فنوکریست‌های پلاژیوکلاز نسبت به میکرولیت‌های پلاژیو کلاز آنورتیت بیشتری دارند. پیروکسن‌ها عمدتاً دارای ترکیب سالیت بوده و غنی از آلومینیوم، آهن و تیتان می‌باشند. غنی بودن سنگ‌های مافیک منطقه از عناصر ناسازگار، گرایش بازالت‌های منطقه به بازالت‌های کلسیمی ـ قلیایی درون صفحه‌ای و غنی بودن آن‌ها از آلومینیوم، غنی بودن پیروکسن‌ها از آلومینیوم، آهن و تیتان همگی نشان دهنده‌ی عملکرد یک زون فرورانش قاره‌ای برای زایش این سنگ‌های مافیک است.

کمربند کوهزایی البرز به شکل یک کمربند سینوسی شکل و متأثر از حرکات کوهزایی سیمرین و آلپی از شمال باختر کشور تا شمال خاور کشیده شده است. این کمربند کوهزایی در شمال باختر به رشته کوه‌های قفقاز کوچک (Lesser Gaucasus) و در شمال خاور به رشته کوه‌های پاراپامیوس یا فیروز کوه افغانستان می‌پیوندد. مجله‌ی علوم زمین

فرایند تشکیل و توسعه‌ی آبکندها در محدوده‌ی مورد مطالعه با ساختار زمین‌شناسی، سنگ‌شناسی و مواد سطحی متنوع، بسیار پیچیده است. در این ناحیه وجود بستر مساعد از نظر نوع خاک، دخالت عوامل توپوگرافی و عوامل اقلیمی، زمینه‌ی مساعدی را برای تشکیل آبکندها فراهم ساخته است. در این مطالعه، پارامترهای دخیل در فرایند

آبکندزایی مورد توجه قرار گرفته و به صورت میدانی و آزمایشگاهی مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. نتایج این بررسی‌های نشان می‌دهد که نقش رطوبت خاک و همچنین نقش عوامل اقلیمی نظیر رگبارها، دما و برفساب از جمله موارد مهم و مورد توجه در تشکیل آبکندهای منطقه به شمار می‌آیند. منفی بودن ws یا کمبود رطوبت خاک در اوایل بهار و پاییز که در سطوح دامنه‌ها توسط گیاهان محافظت نمی‌شود و یا پس از برداشت محصول، سطح زمین به شدت آشفته می‌شود، تأثیر عمده‌ای در تشکیل و توسعه‌ی آبکندها در سطوح و پای دامنه‌های منطقه دارد. نقش سنگ‌شناسی و سازندهای سطحی در فرایند آبکندزایی بسیار قابل ملاحظه است. بخش عمده‌ای از آبکندهای منطقه، به ویژه آبکندهای خطی و یک سر، در روی مارن‌ها و سیلت‌ها، به عنوان مواد سطحی حساس به زایش چنین پدیده‌هایی، تشکیل و توسعه یافته‌اند. این در حالی است که توسعه‌ی آبکندهای چند سر در روی آبرفت‌های قدیمی صورت گرفته است.

درکوهستان‌های نیمه خشک، توزیع ناهمگن پوشش گیاهی، تأثیر عوامل زمین شناختی، توپوگرافی، خاک‌شناسی، زمین ساختی و اقلیمی، بستری مساعد برای فرسایش سطوح شیب دار فراهم ساخته است. در چنین مناطقی، فرسایش آبکندی از فرایندهای غالب و از عوامل اصلی آشفتگی سطوح شیب دار به شمار می‌آیند. این نوع فرسایش به عنوان بخشی از فرایند عمدوه‌ی فروسایی (Degradation) زمین، باعث تسریع تلف شدن خاک، آشفتگی در جریان رواناب، جهت دهی و تمرکز آن‌ها، افزایش رسوب گذاری در بستر رودخانه‌ها، کاهش بازدهی محصولات کشاورزی، وارد آمدن خسارت به جاده‌ها و مزارع و تغییر در بوم سامانه‌های رودخانه‌ای می‌گردند.

مجله‌ی علوم زمین

منشاء یخسازی سنگی سبلان استان اردبیل: ویژگی‌های سطحی و درونی بخار سنگی زبانه‌ای شکل دامنه‌ی شمالی چکاد حرم در کوه سبلان بررسی شده است. ایجاد چاله‌های سطحی، وجود هسته یخی را در داخل این پدیده نشان می‌دهد و منشأ تشکیل آن با استفاده از مفهوم RILA بررسی شده است. احتمال می‌رود که یک بخار معمولی در زیر پوششی از واریزه‌ها مدفون شده باشد. مقطع قائم این یخسار سنگی تناوب سه لایه را از قاعده به سوی بالا نشان می‌دهد و از نظر دینامیکی یک یخسار سنگی فعال است.

این کوه دارای سه چکاد معروف سبلان بزرگ (۴۸۱۱ متر)، چکاد حرم (۴۶۱۲ متر) و آغام داغ یا کسری (۴۵۷۳ متر) است که این چکادها در یک دهانه‌ی آتشفشانی بزرگ (Caldera) جای گرفته‌اند. سنگهای کوه سبلان از دیدگاه سنگ‌شناسی ترکیب آندزیتی، ریولیتی و داسیتی دارند (باباخانی و همکاران، ۱۳۶۹). آب و هوای سبلان، از نوع اقلیم ارتفاعات به شمار می‌آید. میزان بارش در ایستگاه موئیل (۲۳۰۰ متر) در حدود ۴۰۹ میلی متر و در ارتفاع ۴۱۰۰ متر حداکثر ۸۱۴ میلی متر برآورد می‌شود. میانگیمن دمای سالانه در بالاترین چکاد ۷/۵- درجه سانتی گراد محاسبه شده است (جوانشیر، ۱۳۷۶). در دامنه‌ی شمالی سبلان، از دیدگاه زمین ریخت‌شناسی دو منطقه ریخت دینامیک پیرایخساری و یخساری (Glacier) قابل تشخیص است.

ویژگی یخسار سنگی دامنه‌ی شمالی چکاد حرم: چهارده یخسار سنگی در دامنه‌ی شمالی سبلان شناسایی شده که معمولاً به دو شکل واریخته و زبانه‌ای شکل دیده می‌شود و بین ۰/۰۵-۱/۶۴ کیلومتر مربع مساحت دارند. در نتیجه از نظر ابعاد متفاوت هستند. یخسار سنگی دامنه‌ی شمالی چکاد حرم یکی از بزرگ‌ترین یخسارهای سنگی کوهستان سبلان است. طول آن ۳۰۰۰ متر و پهنای آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر متغیر است. از آن جا که بر پایه‌ی نسبت طول به عرض (Humlum,1982) طول این روانه از پهنای آن بیشتر است، جزؤ یخسارهای سنگی زبانه‌ای شکل به شمار می‌آید و وسعتی در حدود ۱/۵۷ کیلومتر مربع را پوشانده است. به نظر Barsh (1988) و Serano & Martines (2000) یخسارهایی با این مساحت، از نظر اندازه، متوسط در نظر گرفته می‌شوند. ستبرای یخسار سنگی چکاد حرم در پیشانی در حدود ۶۰ متر است. مواد تشکیل دهنده‌ی آن قطعه سنگ‌هایی هستند که از دیواره‌های سنگی مشرف به سیرک یخساری (Cirque) و دره ریزش می‌کند. آب‌های حاصل از ذوب یخ در پیشانی و حواشی یخسار سنگی ظاهر می‌شوند. یخسار سنگی حرم از پای یک یخسار سیرکی در دامنه‌ی شمالی چکاد حرم از ارتفاع ۳۹۸۰ متر آغاز می‌شود و در ارتفاع ۳۵۲۰ متر پایان می‌یابد. در برخی نقاط، به ویژه در پائین دست، نهشته‌های سطحی در اثر ذوب هسته‌ی یخی به پائین نشست کرده و چاله‌هایی را به شکل دیگچه، به نام کراست‌های یخساری (Barsch, 1988) (GlacioKarst) یا کارست گرمایی (Thermokarst) (Corte, 1987) به وجود آورده‌اند. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۱ ـ ۵۲

چینه‌شناسی سازند آکچاگیل در دشت مغان استان اردبیل: دشت مغان در شمال باختری ایران بخشی از ناحیه‌ی کورا ـ ریونی است و شامل یکی از کاملترین نهشته‌های حوضه پاراتتیس در ایران می‌باشد. این منطقه از پالئوسن تا میوسن پسین محل انباشته شدن رسوب‌های فلیشوئیدی بوده است. به سبب فاز کوهزائی آتیک رسوبات پلیوسن پسین (سازند آکچاگیل) به طور دگر شیب بر روی رسوب‌های کهن‌تر قرار گرفته است.

بعد از ته نشینی رسوب‌های سازند آکچاگیل، بر اثر تغییرات جهانی آب و هوایی، دریا از دشت مغان عقب نشینی می‌کند و رسوب‌های رودخانه‌ایی ـ دریاچه معادل سازند آپشرون به صورت ناپیوستگی فرسایشی (Disconformity) بر روی سازند آکچاگیل قرار می‌گیرد. تحت تأثیر فاز کوهزائی پاسادنین این دو سازند نیز متحمل چین خوردگی شدند و سپس آبرفت‌های رودخانه‌ای جوان به صورت افقی بر روی آن‌ها قرار گرفتند.

کامل‌ترین رخنمون سازند آکچاگیل در دشت مغان در برش بُران مشاهده می‌گردد. محتویات فسیلی موجود در این رسوبات امکان در نظر گرفتن سن آکچاگیل آغازین تا میانی را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

منطقه‌ی مغان بخشی از فرورفتگی کورا (Kura،نام رودی در باختر دریای خزر) و ریونی (Rioni، نام دره‌ای در خاور دریای سیاه) می‌باشد. ستبرای پوسته در این گستره حدود ۳۰Km است (Lordipandze-Adamia 1984). حفاری‌های انجام شده نشان می‌دهد که در بخش خاوری فروافتادگی کورا در منطقه‌ی ساعتلی (saatly) پس از ژرفای حدود ۶کیلومتر بازالتی با

TiO_2 کم و K_2O زیاد به سن ژوراسیک و کرتاسه وجود دارد که احتمالاً مربوط به حوضه‌ی بین‌کمان (Interarc) می‌باشد. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۷ ـ ۳۸

کوه سبلان:

سبلان در مغرب شهر اردبیل قرارگرفته ۴۸۱۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و مقسم‌المیاه مابین آبگیر دریاچه ارومیه و رودخانه ارس است. ارتفاع نسبی آن به دره قره‌سو تقریباً ۳۴۰۰ متر است. به همین دلیل پیکر کوهستانی عظیم‌الجثه بیشتر از دماوند در بیننده تولید اثر می‌نماید.

کوه شکل یک مخروط کامل را داشته و بر روی دامنه‌ها و تهیگاه‌های آن، شیارهای پهن تقریباً مستقیمی دارد که آبهای فراوان برفهای دائمی‌اش توسط آنها جریان می‌یابند. رشته کوه آتشفشانی خاموش سبلان از دره قره‌سو در شمال غرب اردبیل شروع شده و در جهت شرقی - غربی به طول ۶۰ کیلومتر و عرض تقریبی ۴۸ کیلومتر تا کوه قوشاداغ (کوه جفت) در جنوب اهر امتداد می‌یابد. سبلان از مشرق و شمال و جنوب، به‌کلی از کوههای دیگر مجزا می‌شود، فقط در مغرب، رشته کوه قوشاداغ آن را به جبال ارسباران متصل می‌نماید.

قله مخروطی سبلان دارای برفهای دائمی است و علت آن وجود نواحی کوهستانی و وضع عرض جغرافیایی کشور است که حد برفهای دائمی را بالا می‌برند. درکوههای آذربایجان به خصوص سبلان محل هایی دیده می‌شود که برف دائمی و یخچال جاودانی دارند و علت آن بارندگی نسبتاً زیاد و ارتفاع نقاط است. حدود برفهای دائمی کوههای آذربایجان به خصوص سبلان از ۴۰۰۰ متر تا ۴۱۰۰ متر دامنه شمالی بوده، به علاوه آثار یخچالی قدیمی در این کوهستان به خوبی دیده می‌شود.

در دامنه‌های شمالی و غربی در سرعین اردبیل و مشکین شهر، چشمه‌های گوگردی زیادی به وجود آمده‌اند که آب آنها، بیش از ۴۰ درجه سانتی گراد حرارت دارد و تنها گواه فعالیت آتشفشانی سبلان محسوب می‌شود. فعالیت اصلی که کوه سبلان از آن به وجود آمده از پلیوسن شروع و تا عصر بعد از آخرین دوره یخبندان، ادامه داشته است.

بلندترین قله سبلان به نام سلطان ساوالان است، دومین قله‌اش را حَرَم داغی نامیده‌اند که نوک آن، تیز و غیر قابل صعود است. قله سوم که ارتفاعش نسبت به سلطان ساوالان کمتر است، کوه «جنواراداغی» یا قله جانور نام دارد. غیر از حرم داغی و سلطان ساوالان چند کوه و قله دیگر هم هست که از آن جمله‌اند: گوی‌داغ (کوه کبود)، قاشقاداغ، کسری‌داغ، آغان‌داغ و قزل‌گل‌داغی.

ویژگی‌های جغرافیایی سبلان: سبلان گذشته از قدمت تاریخی و شهرت پرآوازه‌اش به لحاظ منابع سرشار طبیعی و استعدادهای بالفعل و بالقوه فراوانش. محدوده‌ی بسیار وسیع انسانی را در دامان پر مهر خود به آغوش کشیده که شهرستان‌های بزرگی چون اردبیل، مشکین شهر، اهر، سراب و نیر با سابقه تاریخی چندین هزار ساله در بستر حیاتی این کوه رفیع آرمیده‌اند.

کوهستان افسانه‌ای سبلان با ۴۸۱۱ متر ارتفاع، واقع در ۴۷ درجه و ۴۹ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی از توده‌ی کوهستانی فلات چین خورده ایران و واحد ساختمانی البرز غربی به شمار می‌رود که دارای

سه قله معروف «سلطان»، «هرم داغ» یا سبلان کوچک و «کسره» یا آقام داغ می‌باشد که معمولاً در تمام فصول سال پوشیده از برف است و از برکت آن علاوه بر جوشش صدها چشمه بزرگ و کوچک، ۱۳ رود پر آب از دامنه‌های چشم نواز و لاله گون آن جاری می‌شود.

تنوع و پوشش گیاهی متراکم و وجود مراتع سرسبز وسیع در پیکره‌ی حیات بخش سبلان و آب و هوای مرطوب و بارانی در بهار و پائیز وذوب برف‌های سبلان در تابستان، از عوامل مهم استقرار کانون‌های کوچک و بزرگ جمعیتی در اطراف آن محسوب می‌شود. به طوری که بر اساس پژوهش‌های علمی بررسی گونه‌های گیاهی موجود در دامان لاله گون سبلان، افزون بر ۶۰ تیره مشتمل بر صدها گونه گیاهی در پیکره بهشت آسا و دامنه‌های فردوس نشان سبلان می‌روید که همه ساله نمود با طراوت آن‌ها از اول اردیبهشت ماه تا آغاز فصل سرما و ریزش برف بر تارک رفیع این کوهستان دوام می‌یابد و میلیون‌ها رأس دام عشایر و ایلات و روستائیان کوهپایه نشین در فصل ییلاق از خوان نعمتش بهره‌مند می‌شوند و در مراتع سبز به لاله آراسته سبلان می‌خرامند.

رفیع ترین قله‌ی سبلان که سلطان ساوالان نام نهاده‌اند در شرق رشته کوه سبلان واقع شده است که چشم انداز زیبایش از دور آن را به صورت مخروطی کامل با پایه‌ای بسیار پهن و تنه‌ای ستبر و ستیغی دهان باز کرده نشان می‌دهد. این قله به سبب دریاچه‌ی زیبای تارک سفید یالش و منظر گاه مسحور کننده‌اش یکی از زیباترین قله‌های دنیا به شمار می‌آید و همه ساله هزاران کوهنورد طبیعت دوست را به سویش فرامی خواند.

زمین‌شناسی: منطقه‌ی مورد مطالعه در استان اردبیل و در دامنه‌ی شمال باختری آتشفشان سبلان واقع شده است. شهرهای مشکین شهر و سرعین به ترتیب در شمال باختری و جنوب خاور این منطقه قرار گفته‌اند. بخش اعظم مسائل زمین‌شناسی منطقه مورد مطالعه توسط آتشفشان سبلان کنترل می‌گردد. به گونه‌ای که مسائلی از قبیل تکتونیک، ریخت‌شناسی، هیدروشیمی، ژئوشیمی و مسائل زمین گرمایی در منطقه است. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۰ و ۳۱

آتشفشان سبلان: این کوه در شمال غرب اردبیل قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۴۸۰۰ متر است و گدازه‌های آن سطحی معادل ۱۲۰۰ کیلومتر مربع را اشغال می‌کنند. به علت فروریختگی و ریزش متعدد کالو را به شدت قطعه قطعه است در شکل ۱۲۳ الف ـ طرحی فرضی از کوه سبلان دیده می‌شود که چهار قله‌ی سبلان اصلی، سبلان کوچک، کوه سلطان و آغان داغ، قله‌های آتشفشانی آن را تشکیل می‌دهند در قسمت بالای قله‌ی اصلی دریاچه‌ی کوچکی وجود دارد که احتمالاً باقیمانده‌ی دهانه‌ی آتشفشان است. فعالیت اولیه‌ی سبلان از ائوسن شروع شده است ولی کوه فعلی سبلان ناشی از فعالیت زمان پلیوسن است که تا عصر بعد از آخرین یخبندان ادامه داشته است. ترکیب گدازه‌های اصلی آن آندزیت، بازالت است. ـ از کتاب زمین‌شناسی ایران، دکتر علی درویش زاده

بررسی آتشفشان سبلان فعالیت مجموعه‌ی آتشفشانی سبلان در استان اردبیل در ائوسن شروع گردید و متعاقب آن مرحله‌ی دیگری از فوران گدازه‌های تراکی ـ آندزیتی و تراکی ـ داسیتی، از داخل دهانه فرو ریخته آتشفشان، به وقوع پیوست با توجه به تنوع سنگ‌شناسی، چهار واحد سنگ

چینه‌ای در منطقه مورد مطالعه می توان تفکیک نمود که به ترتیب بر حسب افزایش سن عبارتند از:

سازندهای دیزو (کواترنری)، کسرا (پلیستوسن پایانی)، طاووس (پلیستوسن آغازی) و ولهزیر (پلیوسن)، مجموعه‌ی آتشفشان سبلان از واحدهای ساختاری زیر تشکیل گردیده است:

دهانه‌ی آتشفشان به ابعاد ۱۴×۱۲ کیلومتر در امتداد تقریباً شمال غربی ـ جنوب شرقی است. سه گنبد آتشفشانی درون دهانه قرار گرفته که در واقع قله سبلان را تشکیل می‌دهند و ارتفاع بلندترین آن‌ها به ۴۸۱۶ متر می‌رسد. گسل‌های خطی در امتدادهای NW-SE, NE-SW, E-W و WNW-ESE قرار دارند. گسل‌های کمانی شامل دو کمان، یکی کوچکتر (داخلی) و دیگری، بزرگتر (خارجی) می‌باشند که رخنمون بارزتر آن‌ها روی دامنه‌ی شمال باختری سبلان است.

بررسی‌های مقاومت سنجی (MT, TEM, DC) که تا عمق ۳۰۰۰ متری انجام گرفته است، حداقل ناهنجاری مقاومیت (۵ تا ۱۰ اهم متر) را در اعماق ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری در مناطق: قینرجه، دولار، توس، هوشنگ میدان، قطور سویی و سرعین، مشخص می‌سازد.

دگرسانی‌های گرمابی مهم، به طور عمده منحصر به سنگ‌های آتشفشانی نسبتاً قدیمی‌تر، یعنی واحد سنگ چینه‌ای ولهریز (پلیوسن) است. این دگرسانی‌ها از دو نوع: حرارت پائین و حرارت بالاست، که اولی در سطح، در اطراف چشمه‌های آبگرم (مثل قینرجه) و دومی در اعماق پائین‌تر، گسترش دارد. کانی سازی‌های انجام گرفته در این دگرسانی‌ها، وجود حرارت حداقل ۱۸۰ درجه سانتی گراد را در سیستم زمین گرمایی سبلان، تأیید می‌نماید.

گردشگاه‌های طبیعی استان اردبیل:

مراتع: استان اردبیل دارای حدود یک میلیون و صد و پنجاه هزار هکتار مرتع می‌باشد که سیصد هزار هکتارش از گونه‌ی کوهستانی و چهار صد و نود هزار هکتار از گونه‌ی کوهپایه‌ای و سیصد و شصت هزار هکتار آن از گونه‌ی دشتی و بیابانی می‌باشد. دشت مغان دارای مهمترین مرتع گرمسیری قشلاقی است اما بخش جنوبی آن سردتر و ییلاقی می‌باشد.

در ناحیه‌ی مشکین مراتع سردسیری و دشت مغان مراتع گرمسیری و سردسیری می‌باشند.

مراتع سبلان و دامنه هایش خیلی خوب است. در منطقه‌ی اردبیل در نزدیکی بلندی‌های تالش مراتع با اهمیتی وجود دارد. در پیرامون اردبیل و در منطقه‌ی خلخال و مراتع سرشناس به سر دل در کوه‌های آغ داغ و در اطراف رود قزل اوزون مراتع خوبی وجود دارد. ـ کتاب استان اردبیل ـ ایرج افشار سیستانی.

جنگل فندق‌لو: جنگل فندق لو که در حدود ۲۵ کیلومتری شهر اردبیل و در حوالی شهر زیبای نمین در مجاورت جنگل‌های همیشه سبز شمال، منظرگاه بی بدیل وکم نظیری از موهبت رب جلیل را در پهنه‌ای از فرش زمین گسترده است به لحاظ وجود تنوع گیاهی فراوان و داشتن حدود ۹۲ گونه ارزشمند از گیاهان و گل‌های مختلف و نیز انبوه درختان فندق و ازگیل، یکی از مناطق مهم دیدنی و سیاحتی استان زیبا طبیعت اردبیل است.

جنگل با صفای فندق لو با ویژگی‌های اقلیمی و آب و هوایی منحصر به فرد و بارش سالانه حدود ۶۰۰ میلی متر باران در آن همواره سرسبز و شاداب می‌نماید و حریر منقشی از گل‌های رنگارنگ را در پهن دشتی مصفا در برابر دیدگان

خلق خدای می‌گشاید که در نوع خود در جهان بی نظیر و سیاحت گاه و تفرج گاه صدها هزار نفر از علاقه‌مندان به طبیعت افسون گر است.

امروزه که صنعت گردشگری و طبیعت گردی و توجه به استعدادهای طبیعی استان، در اولویت برنامه‌های آن قرار گرفته است. در جنگل فندق لوی «نمین» نیز به همت مسئولان امر برای تسهیل امور گردشگری و آسایش هر چه بیشتر سیاحان علاوه بر برق رسانی به آن و تمهید مقدمات ایجاد مهمان سراها و استقرار اطاقک‌های مجهز در نقاط مختلف این جنگل زیبا، راه فرعی منتهی به آن نیز بهسازی و آسفالت شده است.

مفرش سبز انبوه درختان تنیده در پیکر هم، دانه‌های مروارید نشان پیچیده در جامه‌ی سبز، گلوله های طلایی رنگ ازگیل آویخته از شاخ درخت و سفره‌های رنگارنگ گسترده

ییلاق سردابه: آب گرم معدنی و شفا بخش سردابه که معروف‌ترین آب گرم معدنی شهرستان اردبیل بعد از آب گرم‌های معدنی سرعین است و سالانه ده‌ها هزار نفر از هموطنان مشتاق طبیعت را در آغوش گرم خود نوازش می‌دهد، دارای چشمه‌ی بزرگی با آب لطیف، ۶۵ درجه سانتی گراد حرارت و خاصیت شفابخش خاصی است که گویا بسیاری، از آن در درمان نوعی یرقان بهره‌ها گرفته‌اند.

آب گرم سردابه که با قدرت آب دهی حدود ۲۰۰۰ لیتر در دقیقه در طول سال همواره از دل زمین می‌جوشد. با بهره‌گیری از استخر نیمه سرپوشیده بهسازی شده و مکان‌های متعدد مهمان‌پذیر و یک حسینیه به گرمی خاصی از مهمانان خود پذیرایی می‌کند و محیط دل‌انگیز اطرافش که با الهام از هوای حیات بخش کوهستان پرمهر سبلان پوششی از آلاله‌ها و سبزینه‌های گوناگون به تن کرده است با لطافت هر چه تمام‌تر قدوم دوست داران طبیعت را می‌نوازد. آن گاه که مسافران خسته از سفر با آب تنی در چشمه‌ی لطیف و روح نواز سردابه رنج سفر از آن به در می‌کنند.

چشمه سردابه: چشمه سردابه در یک کیلومتری شمال دهکده وکیل آباد در دره وسیعی قرار دارد. فاصله آن تا اردبیل تقریباً ۲۴ کیلومتر است. این مسافت از اردبیل تا دهکده ایمی‌جه ۱۲ کیلومتر است. آب این چشمه از کف استخر بزرگی که با گاز ئیدروژن سولفوره همراه است از چندین شکاف طبیعی زمین خارج می‌گردد. آب پس از خروج از استخر اولی وارد استخر دیگر شده و از آنجا به پایین دره جریان می‌یابد. ارتفاع چشمه از سطح دریا ۱۸۲۰ متر می‌باشد. آب کانی سردابه آبی است گوگردی و نیمه گرم که حرارت آن ۳۶/۵ درجه است. بوی آن بد، اما بسیار زلال می‌باشد. آب گرم سردابه در ردیف آبهای سولفاته کلسیک و گوگردی است و مقدار قابل توجهی گازکربنیک دارد. آب سردابه رنگ کدر شیری، بوی هیدروژن سولفوره، و مزه گزنده و ملحی دارد.

جنگل خلخال: در حالی که شور سرمستی از جمال دلربای طبیعت فرح بخش، در وادیی از حیرت، حیرانمان کرده است، شوق دیدار یکی دیگر از مناظر بی بدیل، چنان بیقرارمان می‌کند که بی توجه به خستگی راه و رنج سفر، با اشتیاق فراوان به سوی مفرش همیشه جاوید جنگل زیبای خلخال روانه می‌شویم.

کمی دورتر از شهر و بر فراز بلندی‌های اطراف، صفوف انبوه لشکریان سبز جنگل و پیش قراولان رنگین پوش آن پیش رویمان نمایان

می‌شود و نسیم حیات بخش بهار با رایحه‌ی روح نواز گل‌های هزار رنگ محیط، مشام جانمان را نوازش می‌دهد.

جنگل زیبای خلخال که علاوه بر صفای محیط دل انگیزش، هوای مطبوع و عطر آگینی از نسیم دل گشای خزر به همراه دارد، با مشاهده‌ی هر رهگذر صاحب دل، همچون عروسی با حیا، روبندی از مه لطیف به رخسار کشیده و از سرگذشت پر نشیب و فراز و ا زنامهربانی آدمیان شکوه‌ها کرده و از به یغما رفتن جمع کثیری از سرونازان بلند قامتش می‌نالد.

قزل اوزن و نمهیل: به یاری خداوند زیبایی‌ها، به سوی یکی دیگر از منظرگاه‌های بی بدیل، در حد فاصل استان‌های زنجان و اردبیل، یعنی رودخانه‌ی پربرکت «قزل اوزون» و کرانه‌های پرنعمت آن در حاشیه‌ی روستای زیبای «نمهیل» از توابع شهرستان خلخال ره می‌سپاریم. با گذر از راه پر پیچ و خم و صعب العبور و رسیدن به روستای نمهیل، قامت بلند بالای دو چنار چندین ساله در محوطه‌ی مسجد آبادی، نظرمان را به خود جلب می‌کند. بنا به گفته‌ی اهالی، این دو چنار تنومند که از زوایایی به منزله گلدسته‌های سبز و شاداب مسجد روستا به نظر می‌رسند، علیرغم گذشت چندین سال از عمرشان، هنوز هم خرم و سرزنده، گذر روزها و تحول طبیعت و تردد نسل‌های آدمی را به نظاره نشسته‌اند.

جاده‌ی اسالم ـ خلخال: جاده‌ی زیبا و با صفای اسالم ـ خلخال که به لطف هم نشینی با محیط چشم نواز و سرسبز که در آن لبخند خوش آلاله‌ها، جیک جیک پرندگان خوش نوا، مفرش هزار رنگ پیرامون و هوای مطبوع بهاری هموراه سرمست از زیبایی هاست، نه تنها از آزار بی انقطاع وسایط نقلیه رنج نمی‌برد، بلکه با شور و شعف فراوان از مسافران خسته از رنج سفر، با مهربانی هر چه تمام‌تر در محیطی گرم و صمیمی پذیرایی می‌کند.

این جاده‌ی زیبا و محیط دلربای آن، در سفری کوتاه، ما را چنان مجذوب خود می‌کندکه جا دارد دوستداران طبیعت و زیبایی‌های آن را به سفری خاطره‌انگیز و به یادماندنی به استان اردبیل، از راه زیبای اسالم ـ خلخال دعوت کنیم.

دریاچه‌ی آت گلی: یکی دیگر از نقاط شگفت و مرموز کوهستان افسانه‌ای سبلان و دریاچه‌ی دیدنی و اسرارانگیز «آت گلی» در دامان زیبای این منشأ برکات است.

پس از طی راه دور و درازی در مسیر اردبیل به مشکین شهر، رو به سوی مقصد تازه‌ای در دامان پربرکت سبلان سرفراز حرکت می‌کنیم. کمی بالاتر از روستای «لنج آباد»، آخرین آبادی آرمیده در آغوش پر مهر سلطان سبلان، دریاچه‌ی آرام و پر راز و رمز آت گلی با آرامش خاصی نمایان می‌شود.

دریاچه‌ی زیبا و طبیعی آت گلی که در شرق مشکین شهر و در محیطی با طراوات و دل‌انگیز جای گرفته است، همچون مادر اسرار آمیزش سبلان، راز و رمز بسیاری در خود نهاده است. می‌گویند: این دریاچه‌ی زیبا را بدان سبب «آت گلی» نام نهاده‌اند که در روزگاران دور و دراز، سحرگاهان اسبی از آن سر برآورده و شیهه زنان دوباره به اندرونش باز می‌گشته است.

و باور دیگر در بیان شگفتی این پدیده شگرف این که، این دریاچه، عمق بی منتها دارد و تاکنون کسی را یارای رفتن به اندرونش نبوده است و شاید بدان سبب در باور مردم محل به «دیب سیز گل» یعنی دریاچه‌ای که عمق ندارد، معروف گشته

است.

گر چه زمستان‌های سرد کوهستان پر برف سبلان، بیش از نیمی از سال را به روی دریاچه‌ی آب شیرین و زیبا منظر آت گلی پوششی از یخ می‌کشاند، نفس گرم و حیات بخش بهار همه ساله طراوت وصف ناپذیری به این دریاچه و اطراف دل انگیزش می‌بخشد که رقص ماهیان گوناگون در صفحه‌ی زلال و شفاف آب آن، جریان حیات را به روشنی نمایان می‌کند.

گسیل آب از گوشه گوشه اطراف به اندرون دریاچه، کرانه‌های سبز و مخملین پیرامون، هوای روح بخش و با صفای کوهستان، صدای گوشنواز پرندگان مهاجر و شادابی سفره هزار رنگ محیط سحرانگیز، همگی نشان از طبیعت بکر و آرامی را به همراه دارد که در آن حیات با قاعده‌ی طبیعی اش جلوه می‌کند.

پارک جنگلی مشکین شهر: در سیر و سفر به دیار آشنای مشکین شهر، سری به یکی از منظرگاه‌های استثنایی و بی نظیر این خطه زیبا در اطراف خیال انگیزش می‌زنیم.

دره‌ی دلربا و بسیار زیبای «خیاوچای» و «پارک جنگلی» مشکین شهر در جنوب شرقی این شهر تاریخی و زیبا طبیعت، دره‌ی بسیار طولانی و خوش منظری است که دو سوی آن را ده‌ها هزار اصله درخت از انواع گوناگون و گونه‌های مختلف سبزینه‌ها چنان دل‌انگیز و با صفا پوشانده است که هر بیننده‌ای را در زیبایی استثنایی اش واله و حیران می‌کند.

پارک جنگلی مشکین شهر، در امتداد دره‌ی طولانی و عمیق خیاو چای قرار گرفته است و پل ورودی جاده‌ی اردبیل به مشکین شهر درست در نطقه‌ی چسبیده‌ی آن به شهر، آن را به دو قسمت بالا دست و پایین دست تقسیم می‌کند و با الهام از هوای روح بخش سبلان سرفراز و برکات جویباران و چشمه ساران جاری از سینه‌ی پرمهر این کوه جمیل همواره سرشار از سبزی و شادابی است.

پارک خرم و نشاط‌انگیز مشکین شهر به لحاظ داشتن ده‌ها هزار اصله درخت میوه، سالانه علاوه بر تولید هزاران تن انواع میوه از جمله سیب، گردو، گیلاس، آلبالو و تأمین علوفه هزاران رأس دام، محل با طراوت و دلگشایی برای تفرج و گذران اوقات فراغت اهالی شهر و هزاران مسافر طبیعت دوست را فراهم ساخته است.

جریان آب از میانه دره و از فراز دو سوی آن، صدای گوشنواز و دلنشین پرندگان خوش آواز، عطر روح بخش گل‌های قشنگ، محیط دل‌انگیز خیاو چای و پارک جنگلی مشکین شهر، در بستری از شور و نشاط، آدمی را در مجموعه‌ای از موهبت بی بدیل خداوند سرشار از شادابی و خرمی می‌کند. ـ از کتاب سبلان نگین ایران ـ تحقیق و تألیف ـ برات فرهمند

دریاچه‌ها، تالاب‌ها، آبشارها، چشمه‌ها، روستاهای زیبا و رودهای استان که از کوه‌های سر به فلک کشیده سرچشمه می‌گیرند و از دره‌ها و دشت‌های عمیق و گسترده می‌گذرند. هر یک به گونه‌ای از جاذبه‌های طبیعی ـ جهانگردی چشمگیر برخوردارند.

ـ سواحل دیدنی و زیبای دریاچه‌ی نئور: وسعت این دریاچه بیشتر از ۲۲۰ هکتار و شامل دو دریاچه کوچک به مساحت ۴۰ هکتار و بزرگ به وسعت ۱۸۰ هکتار است که در فصل پر آبی به هم می‌پیوندند و دریاچه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند. بیشترین عمق دریاچه ۵/۵ متر و میانگین عمق آن

سه متر است.
دریاچه‌ی نئور در فاصله‌ی ۴۸ کیلومتری اردبیل در ارتفاع ۲۷۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است. دریاچه‌ی نئور زیستگاه برخی از گونه‌های پرندگان مهاجر است. «آنقوت» از مهم‌ترین پرندگان این دریاچه و حاشیه‌ی آن محسوب می‌شود که در این منطقه تولید مثل می‌کند. این دریاچه دارای جاذبه‌های بسیار مساعد گردشگاهی است و ماهی قزل آلای آن از شهرت جهانی برخوردار است.
کناره‌های این دریاچه از گردشگاه‌های مهم استان اردبیل است و همه ساله مسابقه‌ای تفریحی به نام مسابقه ماهیگیری در این دریاچه بین دوستداران ورزش ماهی‌گیری انجام می‌شود.
ـ حواشی دریاچه‌ی شورابیل: سواحل دریاچه شورابیل از جمله مراکز عمده‌ی جذب گردشگر در سال‌های گذشته بوده است. وسعت این دریاچه ۱۲۰ هکتار است که در فاصله دو کیلومتری جنوب شهر اردبیل واقع شده است. آب این دریاچه شور و برای کشاورزی نیز غیر قابل استفاده است.
قدمت این دریاچه از دریاچه ارومیه بیشتر است. ضرورت تأسیسات جهانگردی و تفریحی این ناحیه به‌گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای گردشگران داخلی و جهانگردان خارجی باشد، کاملاً محسوس است.
سواحل رود ارس: واژه‌ی ارس که در زبان آذری «آراز» خوانده می‌شود، نام یکی از مهم‌ترین و پر آب‌ترین رودخانه‌های شمالی کشور است که از غرب جلفا تا اصلاندوز مغان در استان اردبیل در طول نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان جریان دارد، که سرانجام به دریای خزر می‌ریزد.
دو سد بزرگ بر روی این رودخانه بسته شده است و در پشت سد ارس، یک مخزن بزرگ آب وجود دارد که در فصل بهار سرشار می‌شود.
تقریباً در حدود ۱۲ درصد آب رودخانه از خاک ایران و ۳۲ درصد از خاک ترکیه و بقیه از جمهوری آذربایجان و ارمنستان تأمین می‌شود.
ـ گردشگاه‌های رودخانه بالیقلی چای: طول این رودخانه در حدود ۷۵کیلومتر است که تقریباً ۵۰ کیلومتر آن در ارتفاعات و ۲۵ کیلومتر دیگر در بخش جلگه‌ای جریان دارد. بالیقلی چای (رودخانه‌ی ماهی دار) اردبیل، از چشمه سارها و برف‌های ذخیره شده در دامنه‌های جنوبی کوه سبلان و دامنه‌های شمال غربی رشته کوه‌های بزغوش سرچشمه میگیرد و از شهر اردبیل می‌گذرد و به رودخانه قره سو می‌ریزد.
کشاورزی و زراعت در بیشترین مناطق روستایی اردبیل با برخورداری از آب این رودخانه توسعه یافته است.
ـ کناره‌های رودخانه‌ی قره سو: رودخانه‌ی قره سو از مهم‌ترین رودخانه‌های مشکین شهر، دشت مغان و اردبیل است که به رود ارس می‌ریزد. رودخانه‌ی قره سو با جریان سیلابی شدیدی از ارتفاعات سرازیر می‌شود و همواره همراه با فشار زیاد جریان می‌یابد. طول این رودخانه در حدود ۱۱۰ کیلومتر است.
ـ آبشار گور گور سبلان: این آبشار در یکی از زیباترین نقاط طبیعی استان یعنی کوه سبلان قرار دارد و دارای در حدود ۱۲ متر ارتفاع و ۲۰۰ متر مربع محوطه گردشگاهی است.
ـ چشمه‌های معروف استان: از دیگر منابع آبی استان چشمه‌ها هستند که تعدادی از آن‌ها کانون‌های مهم آب معدنی و آب گرم می‌باشند و از

آن جمله‌اند چشمه‌های معدنی سرعین، آب گرم گاو میش گلی، آب گرم قره سو، آب گرم ساری سو، آب گرم قهوه خانه‌ی همت، آب چشم، آب پل سویی، آب پهن، آب گرم گزال (ژنرال)، چشمه گل علی، چشمه اسد، چشمه سردابه، چشمه‌ی بوشلی، چشمه‌ی قوتورسو، چشمه‌ی خلخال، چشمه‌ی قینرجه، چشمه‌ی ایلاوند.

مناطق حفاظت شده اردبیل:

استان اردبیل دارای منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۶۹۰۵ هکتار، دارای دو اثر طبیعی، یک منطقه‌ی حفاظت شده است.

۱ـ **شیروان دره سی**: در حدود ۷۵ کیلومتری و در ۲۰ کیلومتری جنوب خاور مشکین شهر است که در آن زیستگاه دائمی جانوران وحشی چون کل و بز، خوک، روباه، فاخته، کبک و قمری و... است.

۲ـ **موویل**: در جنوب مشکین و در خاور کوه‌های هرم ساوالان قرار گرفته که در آن قوچ، میش ارمنی، کل، بز، کبک دری، خرس قهوه‌ای، خاکستری، گرگ، خوک و لاشخور به سر می‌برند.

۳ـ **هوشنگ میدانی**: در دامنه‌ی شمال باختری سبلان به بلندی ۷۲۵ متر زیستگاه جانورانی چون کبک، قوچ و میش ارمنی است.

۴ـ **خروس لو**: با مساحتی حدود ۱۲۰ کیلومتر مربع در ۹۵ کیلومتری شمال خاوری مشکین که در آن کل، بز، گرگ، روباه، خرگوش، باقرقره و هوبره به سر می‌برند.

۵ـ **آقابابا**: به مساحت حدود ۷۰ کیلومتر مربع در ۸۳ کیلومتری شمال خاوری مشکین شهر است که در آن کل، بز، گرگ، خوک، خرگوش، روباه و کبک به سر می‌برند.

۶ـ **ارباب کندی**: با حدود ۶۰ کیلومتر مربع در ۳۲ کیلومتری جنوب خاوری مشکین، زیستگاه خوک، خرس، گرگ، روباه، کل و بز، قوچ و میش، خرگوش و کبک دری است.

۷ـ **حرم داغی**: به مساحت حدود ۵۹ هزار هکتار در شهرستان اردبیل که پلنگ، خرس قهوه‌ای، کل، بز، سمور جنگلی، خرگوش، گراز، گرگ و عقاب طلایی در آن به سر می‌برند.

۸ـ **گندنمن**: در حدود سی هزار هکتار در شهرستان مشکین شهر، گیاهانی چون فندق، گردوی وحشی، زرشک و زیستگاه جانورانی چون پلنگ، گراز، کل و بز، خرس، سیاه‌گوش، شوکا، گرگ، روباه و پرندگانی چون سبز قبا، زنبور خوار، دارکوب، مار، مارمولک و گونه‌هایی ماهی چون کپور، سفید کولی و سیاه کولی.

۹ـ **حاجی لو**. ۱۰ـ **تبنق**. ۱۱ـ **حسن دره سی**. ۱۲ـ **ساربانلار**. ۱۳ـ **آق داغ**. ـ از کتاب استان اردبیل ـ ایرج افشار سیستانی

تالاب‌های استان:

۱ـ **تفریحگاه تالاب گنجگاه**: تالاب گنجگاه در فاصله ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع شده است که سرسبزی و خرمی آن کم نظیر است و پرندگانی نظیر چنگر و آبچیلیک و کله سبز از جمله پرندگان آن به شمار می‌آیند.

۲ـ **تفریحگاه تالاب پیرالقیر**: این تالاب در ۱۰ کیلومتری شهرستان اردبیل و در ارتفاع ۱۴۵۰ متری واقع شده و محل زیست چنگر و خوتکای سفید است.

۳ـ **تفریحگاه تالاب نوشار**: محوطه‌ی اطراف این تالاب که به صورت چمنزار است. در فصل زمستان و بهار زیستگاه انواع پرندگان قرار می‌گیرد و در دیگر فصل‌ها نیز به عنوان چراگاه دامداران

رمه گردان‌ها مورد استفاده واقع می‌شود.
۴ـ تفریحگاه تالاب شورگل: تالاب شورگل در ۳کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع است و در فصل بهار، شرایط زیستی مناسب را برای جلب پرندگان مهاجر به وجود می‌آورد.
۵ـ تفریحگاه تالاب ملا احمد: این تالاب در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل واقع شده است که محل زیست پرندگان بومی و مهاجر نظیر اردک کله سبز، اردک سر سیاه، آنقوت، اردک طالشی، سار، قیزقوشی و مرغ کور است.
۶ـ تالاب قره‌گل: در بلندی ۲۸۳۰ متری از سطح دریا به قطر ۳۰۰ متر قرار گرفته و شکل‌گیری به واسطه‌ی جمع شدن آب برف‌ها و سیلاب می‌باشد عمق گودترین نقطه‌اش را سه متر گفته‌اند. این تالاب زیستگاه برخی از پرندگان مهاجر و زیستگاه تابستانی آن قوت است.
۷ـ تالاب گنجگاه: در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر اردبیل و زیستگاه پرندگانی چون چنگر، آبچلیک و غیره است.

قلعه کهنه

در ارتفاع شرقی دره باغ نوروز مشگین شهر، قلعه‌ای است که با شیب تندی به رودخانه خیاوچای منتهی می‌شود و در مقابل ارتفاع سنگ‌نبشته پهلوی ساسانی قرار گرفته است. محوطه بسیار بزرگی است با چهار دیوار خشتی، گلی و آجری که بر پایه سنگی استوار شده است. این بنا سه برج دارد و سه دیوار قلعه به شکل مستطیل، به اندازه ۲۳۰×۱۱۰ متر. که در سه قسمت آن تأسیساتی حجره مانند و طویله و آخورهای متعددی ساخته شده‌اند و نشانه آن است که هر حجره برای مردی و اسبی در نظر گرفته شده.

غاریخکان: غار آهکی یخکان از یک دهانه ورودی کوچک، تالار اصلی به ابعاد ۳۶×۱۵ متر و ارتفاع ۱۷ متر، تالارهای فرعی و فضاهای ناشناخته تشکیل شده است. یک حوضچه بسیار کوچک که آبسرد آن از تقطیر هوای مرطوب غار تامین می‌شود، نیز در غار وجود دارد. در بخش هایی از غار، بلورهای یخ به صورت قندیل و لایه‌ای نازک بر سطح دیواره‌ها و سقف آن تشکیل می‌شود. هوای سرد و مرطوب غار موجب شده که هیچ نوع خفاشی نتواند در آن زندگی کند.(۵)
سنگ نوشته‌ی پهلوی ساسانی: به ابعاد ۲۳۰×۱۱ متر مربوط به پادشاهی سال هفتم شاپور دوم یعنی سال ۲۶۷ میلادی.
۲ـ تپه‌ی باستانی آرپا: در ۲۴ کیلومتری اردبیل که از هزاره‌ی اول بیش از میلاد می‌باشد.
۳ـ آیری زمین: تپه‌ی نخود به ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ متر در کنار روستای شیخ لر دهستان اجارود شهرستان گرمی که در آن خمره‌ای یافت شده که درون آن تعدادی گردن بند، عقیق و شیشه در پوسته، ابریقی سفالی و آثار مفرغی، ابزار آلات آهنی به دست آمده که به نظر می‌رسد مربوط به دوره‌ی اشکانی است.
۴ـ اولی تپه سی: در ۱۰ کیلومتری شمال باختری اردبیل در روستای جبه دار.
۵ـ بولان تپه: در ۵کیلومتری شهر نمین مربوط به هزاره‌ی اول ق.م.
۶ـ تپه‌ی دَرَق: در ۲۷ کیلومتری خاور شهر گرمی در روستای پیه درق، سه تراشه و چند خمره مرده با مقادیری اشیاء دوره‌ی اشکانی به دست آمده است.
۷ـ چوجیران: آثاری از دوره‌ی سکاها از جمله دو

کوزه و دو آبریزه.

۸ـ حاتم پیه دَرَق: در ۲۷ کیلومتری خاور شهر گرمی در دهستان اجارود خاوری، خمره‌ها و ظروف و اشیائی کشف گردیده که در آن‌ها ابزار جنگی و تیغه‌ی بسیار پهن آهنی و ۴ مجسمه‌ی توخالی سفالی و ابزار زینتی مربوط به قرن اول و دوم میلادی.

۹ـ تپه‌ی باستانی حاجی سفیر: در ۵ کیلومتری شهر نمین مربوط به دوره‌ی اول ق.م.

۱۰ـ تپه‌ی خرمن: در ۲۷ کیلومتری جنوب باختری مشکین شهر در شمال روستای شیخ لار، گور خمره ـ گور سنگی، اشیاء سفالی، گردنبند شیشه‌ای، سنگ‌های عقیق، گوشواره، آویزه، دستبند نقره و اشیاء سفالین و شیشه‌ای مربوط به پارت‌ها.

۱۱ـ تپه‌ی خرمن: در ۲۶ کیلومتری جنوب شهر گرمی: ظاهراً بخشی از این تپه مربوط به انبار غله بوده، علاوه بر این خمره‌ها و اشیاء دیگری مربوط به دوره‌ی اشکانی پیدا شده است.

۱۲ـ ساپین تپه: در دهستان یورتچی خاوری بخش نیر مربوط به هزاره اول ق.م.

۱۳ـ تپه‌ی سرقین: در ۲۰ کیلومتری باختر شهر اردبیل در دهستان سبلان.

۱۴ـ سربند تپه: در روستای سربند بخش مرکزی نمین مربوط به دوره‌ی اشکانی تا دوره‌ی اسلامی.

۱۵ـ تپه‌ی سلوک: در ۵ کیلوتری شهر نمین آثاری از دوره‌ی اشکانی تا اسلامی در آن یافت شده است.

۱۶ـ تپه‌ی شمس آباد: در ۲۵ کیلومتری باختر شهر اردبیل در روستای شمس آباد دهستان یورتچی مربوط به دوره‌ی ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی در آن به دست آمده است.

۱۷ـ تپه‌ی قره شیران: در ۳۶ کیلومتری شهر اردبیل آثاری از ۷۰۰ تا ۸۰۰ ق.م در آن یافت شده است.

۱۸ـ تپه‌ی قوشاتپه: در ۵ کیلومتری نمین مربوط به هزاره‌ی اول ق.م.

۱۹ـ تپه‌ی کناری: در ۱۲ کیلومتری شهر نمین در مسیر راه اردبیل ـ آستارا مربوط به هزاره‌ی اول ق.م.

۲۰ـ تپه‌ی کرکرق: در ۲ کیلومتری راه اردبیل ـ آستارا قرار دارد.

ـ۲۱ تپه‌ی کن یری: در ۲۶ کیلومتری شهر گرمی در روستای شیخ لر، ۳ خمره و همچنین اشیاء فراوانی از جنس سفال، شیشه، برنز به دست آمده است.

۲۲ـ گیشتاغ اوستی: در ۳۲ کیلومتری روستای وان جنوبین در دهستان اجارود بخش مرکزی شهرستان گرمی، سکه‌های از فرهاد پنجم شاه اشکانی و غیره به دست آمده است.

۲۳ـ نارنج تپه: در ۳ کیلومتری راه اردبیل ـ مشکین در نزدیکی روستای سامیان دهستان کلخوران سفال‌هایی به دست آمده آن مربوط به هزاره‌ی اول ق.م است.

۲۴ـ همت تپه: در ۲۴ کیلومتری شمال خاوری شهر گرمی در روستای سلاله دهستان اجارود خاوری در چهار تپه‌ای که در آن کاوش شده، خمره‌های متعدد در بسته، حاوی برخی از اشیاء از قبیل: ابزار چوبی، پارچه، سبد، حصیر مربوط به دو هزار سال پیش و دو سکه مربوط به شاهان اشکانی قرن اول میلادی.

از کتاب استان اردبیل ـ ایرج افشار سیستانی.

دخمه‌ها و خانه‌های سنگی: دخمه‌ای با در ورودی و اتاقک در دیواره، تپه‌ی رسوبی روستای ویند کلخوران که در آن تصاویر فروانی یافت شده است.

خانه‌های سنگی: در دل کوه رسوبی در ویند

کلخوران که در آن اشیاء سفالی نخودی با لعاب و سفال نخودی بدون لعاب و سفال قهوه‌ای روشن با لعاب گیاهی به رنگ سرخ آجری ـ سفال سیاه رنگ از گل خشن، یک قطعه سنگ مستطیل از جنس خاران سبز قهوه‌ای و غیره بدست آمده است. ـ کتاب استان اردبیل ـ ایرج افشار سیستانی

ایل‌ها، مردم‌شناسی و آداب و رسوم

● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان

استان اردبیل: (۶۶۳۳) خانوار و (۴۵۶۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۷۷۸) خانوار و (۷۲۲۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اردبیل: (۱۲۸۷) خانوار و (۹۱۹۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴۲) خانوار و (۱۷۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۱۲۱۸) خانوار و (۸۷۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۲) خانوار و (۱۰۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل شاطرانلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۵) خانوار و (۲۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل فولادلو: (۶۹) خانوار و (۴۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بیله سوار: (۲۷) خانوار و (۱۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۱۱) خانوار و (۱۵۲۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۲۷) خانوار و (۱۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۱۱) خانوار و (۱۵۲۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان پارس آباد: (۴۰) خانوار و (۲۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۴۳۶) خانوار و (۲۵۵۰۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۴۰) خانوار و (۲۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۳۳۱) خانوار و (۳۴۸۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۵) خانوار و (۶۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان خلخال: (۳۲۶) خانوار و (۲۳۹۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷۱) خانوار و (۲۶۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۱۱) خانوار و (۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۱) خانوار و (۵۴۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل شاطرانلو: (۳۱۵) خانوار و (۲۳۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۲) خانوار و (۲۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان کوثر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴۳) خانوار و (۱۵۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۳۹) خانوار و (۱۴۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل فولادلو: (۰) خانوار و (۰) نفرجمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان گرمی: (۳۶) خانوار و (۲۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۹۴) خانوار و (۹۱۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۲۹) خانوار و (۲۲۵) نفر

جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۰۴) خانوار و (۸۵۵۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۷) خانوار و (۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۰) خانوار و (۵۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مشگین شهر: (۸۲) خانوار و (۵۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۸۲) خانوار و (۵۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قره داغ ـ ارسباران: (۲) خانوار و (۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۳) خانوار و (۵۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان نیر: (۸۲) خانوار و (۵۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایل سون ـ شاهسون: (۸۲) خانوار و (۵۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵) خانوار و (۴۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

زبان و مذهب: بنابر نوشته مقدسی (۳۷۵) در کوهسار نواحی اردبیل به هفتاد زبان سخن می‌گفته‌اند. پیش از غلبه‌ی زبان ترکی، زبان غالب آذربایجان آذری بوده است که از گویش‌های مهم ایرانی بوده و تا قرن‌های هفتم و هشتم رایج بوده است.

اوین نفوذ قبایل ترک به آذربایجان در ایّام غزنویان صورت گرفت. در عهد سلجوقیان و به خصوص در ایام اتابکان شماره‌ی ترک زبانان آذربایجان افزایش یافت. پس از مغولان آذربایجان مرکز دولت ایلخانان ایران شد و نفوذ ترکان و زبان ترکی بیش‌تر شد و پس از ایشان حکومت ترکان آق‌قویونلو و قراقویونلو در آذربایجان موجب تقویت و گسترش زبان ترکی و تضعیف بیش‌تر زبان آذری گردید چندانکه شاهان صفوی که از آذربایجان برخاسته بودند و جدّ ایشان شیخ صفی‌الدین اشعاری به آذری سروده بود، به ترکی سخن می‌گفتند از زبان آذری منقولاتی کتبی در دست است و بعضی از گویش‌های کنونی آذربایجان دنباله‌ی همان زبان آذری است، ولی اصطلاح آذری امروز غالباً به گویشی از ترکی اطلاق می‌شود که در آذربایجان رواج دارد.

تا پیش از حمله‌ی اعراب دین غالب مردم آذربایجان مانند دیگر نواحی ایران زردشتی بوده است. آتش آذرگشسب که یکی از سه آتش مقدس ایرانیان بود، در شهر شیز نگاهداری می‌شد که پایتخت دیگر آذربایجان بود و اعراب به هنگام فتح آذربایجان با مرزبان آن عهد بستند که آتشکده‌ها را محترم دارند و به‌ویژه مانع برگزاری مراسم دینی مردم در آتشکده‌ی شیز نشوند (بلاذری، همانجا)

پس از غلبه‌ی مسلمین دین اسلام جانشین دین زردشتی گردید. سکنه‌ی اردبیل در قرون اولیه‌ی اسلام و حتی تا زمان شیخ صفی‌الدین اغلب شافعی بودند ولی پس از استقرار سلسله‌ی صفویه تشیع رایج شد و اکنون نیز اکثریت بزرگ مردم اردبیل شیعی مذهبند. در تاریخ اول قرن بیستم میلادی که اردبیل مرکز تجارت آذربایجان بود، دارندگان ادیان مختلف از هندی و چینی و مسیحی و کلیمی نیز در آنجا سکونت داشتند ولی با از کار افتادن بندر آستارا احداث راه‌آهن جلفا – تبریز و انتقال مرکز تجارت از اردبیل به تبریز اغلب غیرمسلمان‌ها از این شهر رفتند.

آداب و سنن: در اردبیل چهارشنبه‌سوری را «گل

چـهارشنبه» و چـهارشنبه‌ی قـبل از آن را «کـل چهارشنبه» می‌نامند. کل در ترکی به معنای خاکستر است و تسمیه‌ی این نام به «کل چهارشنبه» از آن جهت است که تصور می‌کنند چون خانه تکانی تمام نشده خاکسترهای زمستان هنوز باقی است ولی چهارشنبه‌ی آخر سال را که همه جا تـمیز گشته است چهارشنبه‌ی گل می‌خوانند. اردبیلیان علاوه بر جستن از روی آتش در چهارشنبه سوری صبح زود نیز از روی آب روان مـی‌پرند و آن را سنتی از پیشینیان و مایه‌ی خیر و برکت و صفا و روشنی می‌دانند. صبح روز چهارشنبه سوری نیز هر سقفی اعم از اطاق و راهرو و انبار و آشپزخانه شمعی روشن می‌کنند و از کوزه‌ی تازه‌ای که همان صبح پر از آب کرده‌اند چند قطره در چهار گوشه‌ی هر یک از آن‌ها می‌ریزند و معتقدند که این آب مانع پیدا شدن حشرات موذی در تابستان می‌شود. اجاق خانوادگی در این ایام برای مردم این شـهر سنتی مهم است و همه‌ی خانواده‌ها سعی می‌کنند شب‌های چهارشنبه سوری و عید و سال نو آنچه را که پیشینیان آن‌ها می‌پخته‌اند تهیه نمایند و نیز آنچه که از گذشتگان خانواده در سـفره‌ی هـفت سـین یـا در مـجموعه‌ی چـهارشنبه سـوری می‌گذاشتند بگذارند و در این سفره‌ها به تـعداد افراد خانواده شمع روشن کنند.

فال گوشی در این شهر زیاد مرسوم نیست ولی جوان‌ها در شب چهارشنبه‌سوری بـه «قـورشاخ آتماخ) می‌روند که یکی از سنت‌های دیرینه است و بیش‌تر در دیه‌ها رواج دارد. پسران جوان پارچه دستمالی را به جانشینی از کمربندهای پارچه‌ای سابق که به ترکی قورشاخ می‌گویند، به خـانه‌ی دیگران و غالباً به خانه‌ی دخترانـی کـه بـدان‌هـا دلبستگی دارند، می‌اندازند و ناشناخته در تاریکی شب در کناری می‌ایستند و صاحبخانه مقداری شـیرینی و آجـیل در آن بسـته بـه صـاحبش برمی‌گرداند.

آتشبازی شب چهارشنبه سوری و ایام عید از قدیم در این شهر مفصل بوده و هیئت سفرای پادشاه «هلشتاین» را که در سال ۱۶۳۳ مـیلادی از ایـن شهر دیدن کرده‌اند حیرت زده نموده است (بـابا صفری همان اثر، یکم، ۱۳۱)

در مراسم تـحویل سـال هـمه بـر سـر سـفره‌ی هفت‌سین می‌نشینند و چون سال نو می‌گردد اول نظر به قرآن می‌اندازند و سپس سکه‌ای را دست به دست گردانده نگاه می‌کنند آنگاه کوچک‌ترین فرد ممیّز خانواده گلابدان به دست می‌گیرد و با ریختن چند قطره گلاب بـه دست پـدر، یـا بـزرگ‌ترین شخص حاضر بر سر سفره، دست او را می‌بوسد و او نیز با بوسیدن روی او در حق وی دعا می‌نماید. سپس همین کار را در مورد مادر یا دومین شخص بزرگ خانواده و پس از او دیگران به ترتیب تکرار می‌کند. آنگاه نفر بزرگ‌تر از وی این کار را انجام می‌دهد و به همین قرار... بدین ترتیب همه‌ی افراد خانواده به همدیگر تبریک می‌گویند و در حـق یکدیگر دعای خیر می‌نمایند و بعد از این کـار برای صرف هفت‌سین و تنقلات می‌نشینند.

اردبیل از زمان‌های بسیار قدیم به شش محله‌ی بزرگ تـقسیم شـده است کـه بـه نـام‌های قـدیم «طُـوی»»، گـازران، اوچـدکان، چشـمه بـاشی، پیرعبدالملک و عالی قاپو» معروف است. روز اول عید نوروز هرکس به دیدار بزرگان خانواده‌ی خود می‌رود یا در مجالسی که بیاد تازه‌گذشته‌ها به نام عید نو در خانه‌های آن‌ها برگزار مـی‌شود، بـرای تسلای خاطر بازماندگان شرکت می‌نماید. دید و بازدید رسمی از روز دوم شروع می‌شود و هر روز

اختصاص به یک محله دارد. بدین معنی روز دوم ساکن محلّه‌ی طوی و شعبات آن در خانه می‌مانند و اهالی محلات دیگر به دیدن دوستان و خویشاوندانی که در این محله دارند می‌روند و روز سوم عید این کار در محله‌ی گازران تکرار می‌شود و به همین ترتیب...

اردبیلیان شب اول چله‌ی بزرگ زمستان را «یلدا» و شب اول چله‌ی کوچک را «خِدِرنبی» که قلب شده‌ی «خضر نبی» است می‌نامند و در بیش‌تر خانواده‌ها در آن شب‌ها مراسمی برپا می‌دارند. شب یلدا بیش‌تر سبزه و مغز گردو و بادام و یا نخودچی و کشمش بر روی کرسی چیده می‌خورند و در شب خذرنبی نیز مخصوصاً در خانواده‌های قدیمی «قُوُت» تهیه می‌کنند. «قُوُت آرد گندم بریان و نخود و عدس بو داده است که با کوبیده‌ی قند قاطی کرده می‌خورند. در قدیم آن را با دوشاب می‌آمیختند و به شکل حلوا درمی‌آورند).

اعیاد مذهبی بیش‌تر به‌صورت چراغانی و آذین‌بندی دکان‌ها و بازارها صورت می‌گیرد و روزهای سوم و پانزدهم شعبان که مصادف با میلاد امام سوم و دوازدهم شیعیان است شهر منظره‌ی زیبایی پیدا می‌کند.

سوگواری‌های مذهبی هم مراسم خاصی در این شهر دارد. یکی از این مراسم که در این اواخر تقریباً ترک شده «شاخسه‌ی» نام داشت شاخسه‌ی در ماه ذیحجه و بعد از عید قربان تا سه روز به محرم مانده صورت می‌گرفت و مردان و جوانان محلات در اول شب، در میدان‌های جلوی مساجد گرد آمده هر یک چوبدستی بلندی در دست می‌گرفتند و در نور مشعل‌های بزرگ صفی ترتیب می‌دادند. در این صف‌ها هر نفر با دست چپ از پشت کمر نفر سمت چپ خود را می‌گرفت و با دست راست چوبدستی را به حرکت درمی‌آورد و در حالی که پای راست خود را محکم به جلو و پای چپ خود را به عقب می‌گذاشت همگام با دیگران به طرف راست حرکت می‌کرد. این صف معمولاً به شکل دایره‌ی بسته در اطراف مشعل درمی‌آمد و شرکت‌کنندگان در آن در جواب اشعار مهیج مذهبی و میهنی رئیس دسته، کلمه‌ی «شاه حسین» را به‌صورت «شاخسه» بیان می‌کردند و آنگاه با همین شکل و هیئت در محلات شهر گردش می‌نمودند.

یکی از مراسم تعزیه‌داری در اردبیل طشت‌گذاری است که در سه روز آخر ماه ذیحجه انجام می‌شود. مردم این شهر طبق سنت قدیمی قبل از حلول محرم در هر مسجد طشت‌های بزرگی را که از مس و مفرغ ساخته شده و از قدیم مانده است با دسته و تشریفات معینی در جایگاه مخصوصی در مسجد می‌گذارند و آن را پر از آب می‌کنند. آب طشت‌ها که برای نوشیدن است هر روز عوض می‌شود و جلوی جایگاه طشت نیز محلی برای نذر کردن و دعای حاجتمندان به شمار می‌آید. این طشت‌ها تا آخر ماه صفر به همین حال نگهداری می‌شود. هر یک از محلات اردبیل به ترتیبی که در دید و بازدید عید گفته شد، در دهه‌ی اول محرم یکروز برای عزاداری دسته راه می‌اندازند و به بازار و مساجد و محلات دیگر می‌روند. دسته‌ها مرکب از سینه زن و زنجیرزن، اسب‌های یدک و علم‌های بسیار است و علماء و پیرمردان در جلوی آن‌ها زیر بیرق مخصوص محله حرکت می‌کنند.

غروب روز نهم محرم اختصاص به شمع‌گذاری دارد. بیش‌تر مردان و جوانان، طبق نذری که کرده‌اند هر یک در چهل و یک مسجد شمع

روشن می‌نمایند. در روز عاشورا نیز همه‌ی محلات و شعبات دسته راه انداخته‌اند سینه و زنجیر می‌زنند. تا چهل‌سال پیش با این دسته‌ها، قمه زن‌ها و شبیه‌خوان‌ها نیز همراهی می‌کردند ولی اکنون ممنوع شده است (بابا صفری، همان اثر، دوم ۱۳۰-۱۴۴)

مراسم عروسی در دهات اردبیل: نامزدی: ابتدا دختر و پسر همدیگر را می‌بینند. اگر از همدیگر خوششان آمد، پسر مادر یا خواهر و یا یکی از اقوام خودش را به خواستگاری می‌فرستند. در صورتی که جواب خواستگاری مثبت باشد صبح روز بعد برای عروس لباس و حلقه می‌خرند. آنگاه شب خانواده‌ی عروس برای صرف چای به خانه‌ی داماد دعوت می‌شوند. پس از نوشیدن چای همگی به خانه‌ی عروس می‌روند و لباس و حلقه را به دختر می‌دهند و مبارک باد می‌گویند. چند روز بعد زن‌های خانواده‌ی داماد به خانه عروس می‌روند و روی سر او چارقد می‌بندند. در این مراسم تمام دوست‌های عروس شرکت دارند. بدینوسیله دختر و پسر باهم نامزد می‌شوند. نامزدی دو یا سه سال طول می‌کشد و در این مدت دختر و پسر نباید همدیگر را ببینند. البته دیدارهای دور از دید افراد خانواده صورت می‌گیرد و در این دیدارها هم عرف و سنت‌ها رعایت می‌شود. رسم است که در عید نوروز داماد برای عروس عیدی ببرد و هر میوه‌ای که رسید باید برای عروس تهیه کند و به آن «نوبر» می‌گویند.

عروسی: پس از تعیین مهریه برای عروس لباس می‌خرند و از نوازندگان برای برگزاری مراسم عروسی دعوت می‌شود این نوازندگان را «عاشق» می‌گویند. عروسی سه شبانه‌روز طول می‌کشد و در این سه شبانه‌روز عاشق‌ها پیوسته ساز و ضرب می‌زنند و به زبان محلی آواز می‌خوانند. مراسم روز اول عروسی حنابندان نام دارد. در مراسم حنابندان در شب اولین روز عروسی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب که زنی حنا درست می‌کند و دست و پای عروس و داماد را حنا می‌گیرد. در طرفین داماد دو نفر وجود دارد که از دوستان صمیمی او هستند طرف راست داماد «ساقدوش» و به دوست طرف راست داماد «سولدوش» می‌گویند و در مراسم حنابندان که در خانه‌ی داماد صورت می‌گیرد رسم است دست‌های ساقدوش و سولدوش را نیز حنا بگیرند چون عقیده دارند که این کار شگون دارد. پس از پایان حنابندان داماد که کسی که حنا می‌بندد مقداری پول به عنوان انعام می‌دهد.

مراسم دومین روز عروسی: صبح روز دومین روز عروسی داماد به شهر می‌رود که حمام کند. ولی عروس در ده می‌ماند و در خانه شستشو و آرایش می‌کند. نزدیکی‌های عصر داماد با اسب یا ماشین وارد ده می‌شود. در این موقع «عاشق»ها پیش می‌روند و ساز و ضرب می‌زنند و می‌خوانند. در این مراسم خواهر و مادر عروس می‌رقصند و داماد به آن‌ها پول می‌دهد که به عنوان شادباش است. سپس داماد به خانه می‌رود و برای او چای می‌آورند و هر کس این کار را می‌کند از داماد انعام می‌گیرد. شب که شد مادر عروس سه کله قند تهیه می‌کند که یکی از آن سه تکه قند سوراخ دارد این تکه را به سر و صورت عروس می‌مالند - مردم عقیده دارند با این کار عشق طرفین را نسبت به هم عمیق می‌کنند - دو تکه‌ی دیگر قند را در یک سینی قرار می‌دهند. زنی این سینی را حضور داماد می‌برد در حالی که ساقدوش و سولدوش نیز تکه‌های دیگر را برمی‌دارند.

مراسم روز سوم یا سیب‌اندازی: عصر روز سوم مراسم سیب‌اندازی است در این مراسم عروس را تزئین می‌کنند و بر اسب می‌نشانند. در این هنگام داماد به پشت بام می‌رود. زنی یک سینی مقابل داماد می‌گیرد که سه عدد سیب سرخ بزرگ در آن وجود دارد. داماد سیب‌ها را به طرف عروس پرتاب می‌کند. سیب‌های پرتاب شده را هر کس که برداشت می‌خورد. گاهی اوقات نیز عروس‌ها زرنگی کرده و سیب را در هوا می‌گیرند.

زفاف: بعد از مراسم سیب‌اندازی عروس را از اسب پیاده می‌کنند و به خانه‌ی داماد می‌برند و دست به دست می‌دهند. اگر داماد در شب زفاف احتیاج به راهنما داشته باشد اتاق را به وسیله‌ی پرده به دو قست تقسیم می‌کنند که در یک طرف پرده مشاطه که به زبان محلی «ینکه» نامیده می‌شود می‌نشینند و در طرف دیگر عروس و داماد. در این شب ینکه مرتب شعر می‌خواند. کتاب مردمان ایران.

ترانه‌های محلی: ادبیات شفاهی و عامیانه‌ی آن سرگذشت و تاریخی کهن دارد. در این ادبیات عواطف انسانی به لطافت و سادگی و هم چنین چکامه‌هایی از طبیعت و زندگی روزمره که از کار و کوشش مردم سرچشمه می‌گیرد.

موسیقی: موسیقی آذربایجانی دو شاخه‌ی اصلی دارد: ۱ـ موسیقی رسمی یا مقامی، ۲ـ موسیقی عاشیقی که عاشیق‌ها دست اندرکار پدید آوردن و اجرای دلاویز آن‌ها می‌باشند.

موسیقی عاشیقی گونه‌ای از موسیقی سنتی استان اردبیل و دیگر مناطق آذربایجان است. چکامه‌ی عاشیقی در قلمرو ادبیات شفاهی نام و نشان خاصی دارد.

عاشیق‌ها با بهره‌گیری از ادبیات و آهنگ‌های فولکلوریک توانسته‌اند بیش از ۷۰ آهنگ پدید آورند.

اوج پیشرفت عاشیق‌ها از اواخر سده‌ی نهم هجری قمری یعنی از روزگار شاه اسماعیل صفوی است.

چکامه‌ی عاشیق‌ها از نظر آهنگ و ریتم با موسیقی و پایکوبی آمیخته شده است. چکامه‌های عاشیق‌ها در سبک‌های گوناگون سروده میشود. گفته شده که بیشتر شعرهای شفاهی استان اردبیل را عاشیق‌ها سروده‌اند. آنان با استفاده از رایج‌ترین داستان‌های مذهبی، حماسی، عشقی اشعار دلاویزی پدید آورده‌اند.

رقص: مردم استان اردبیل پرتحرک و شاد هستند. دست افشانی و پایکوبی گروهی مرد و زن، زیبا و نشاط آور است که با نواختن دف یا سینی آن را آهنگین می‌نمایند. کمانچه، تار، بالابان، نی لبک، قره نی و گارمان از وسایل موسیقی آنهاست. ـ از کتاب استان اردبیل ـ ایرج افشار سیستانی

برخی از بازیهای استان اردبیل:

بوزتپدی ـ بازی جمعی تک‌گروهی است که بصورت انفرادی و حذفی منحصراً در فصل زمستان انجام می‌شود. محل بازی روی رودخانه‌های پر آب است که به علت سرمای شدید منطقه یخ می‌بندد، طول میدان بازی ۱۰ تا ۳۰ متر است.

این بازی خصوصاً در مناطقی از شهرستان اردبیل رایج و متداول است.

توضیح در اردبیل و بسیاری از شهرها و مناطق آذربایجان اکثر رودخانه‌ها در زمستان یخ می‌بندد و سختی و سفتی و عمق یخ به حدی است که ماشینهای نیمه سبک میتوانند از روی آن عبور نمایند.

بوجاق‌تدی ـ بازی تفریحی جمعی است که بصورت تک‌گروهی و در هر فضائی، باز یا بسته قابل انجام میباشد. این بازی در مناطق شهرستان اردبیل بیشتر رایج و متداول است.

محل بازی ـ اطاق، سالن یا زمینی است مربع مستطیل شکل که ابعاد آن بستگی به وضعیت محل بازی (اطاق، سالن) یا فضای آزاد موجود و موقعیت و شرایط سنی بازیکنان دارد.

این بازی نیازی به هیچگونه وسیله ندارد، تعداد بازیکنان معمولاً ۵ نفر است، هر چند که با عده بیشتر نیز قابل انجام است.

توپ عربی ـ یکی از بازیهای پرتحرک و باسابقه استان آذربایجان شرقی بازی «توپ عربی» است.

این بازی مشابهت بسیار زیاد و تفاوت اندک که عمدتاً در زمینه روش یا استیل پرتاب توپ و نقاط مقصد و توقف دارد، پس از پرتاب میباشد بیشتر در مناطق مشکین‌شهر، سراب، اهر و هشترود رایج و متداول است.

بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی از ۳ نفر به بالا انجام میشود.

وسیله بازی یک عدد توپ کوچک است باندازه توپ تنیس که سابقاً از پارچه درست میشد.

شترسواری ـ مسابقه شترسواری در روستاهای اطراف شهرستان مرند متداول است این مسابقه بیشتر جنبه سرعتی دارد و بدین نحو است که مبدأ و مقصد مشخص میشود عده‌ای شترسوار در مسابقه شرکت می‌کنند هر نفری که زودتر به مقصد برسد برنده مسابقه خواهد بود. از کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

فرهنگی و دانشگاهی

دانشگاه محقق اردبیلی: این دانشگاه در ۱۳۵۷ ابتدا با نام آموزشکده کشاورزی اردبیل وابسته به دانشگاه تبریز تاسیس شد. سپس در ۱۳۷۱ از دانشگاه تبریز جدا شد و تا ۱۳۷۵ با نام مجتمع آموزش عالی اردبیل به کار خود ادامه داد. و در ۱۳۷۵ ابتدا به دانشگاه اردبیل و سپس به دانشگاه محقق اردبیلی تغییر نام داد. این دانشگاه در دوره‌های کاردانی و کارشناسی دانشجو می‌پذیرد .

دانشکده کشاورزی (شامل گروههای آموزشی زراعت و اصلاح نباتات، تولیدات گیاهی، ماشینهای کشاورزی)، دانشکده فنی (شامل گروههای آموزشی مهندسی عمران، مهندس شیمی، صنایع غذایی، معماری، کاردانی عمران، کارهای عمومی ساختمان) دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باگروههای آموزشی زبان و ادبیات فارسی، روان‌شناسی عمومی و باستان شناسی) در این دانشگاه فعالیت دارند .

آموزشکده کشاورزی مغان (باگروههای آموزشی تولیدات گیاهی و تولیدات دامی) از مراکز آموزش عالی این دانشگاه است .

از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه نیز ایستگاه تحقیقات کشاورزی است .

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اردبیل: در سال ۷۲ به صورت دانشکده‌ی پزشکی تأسیس گردید و سپس تحت عنوان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اردبیل تغییر نام داد ـ دولتی

صنایع اردبیل: گرافیت (۱)، روغن صنعتی (۱)، روغن خامپنبه دانه (۵)، شیر پاستوریزه (۱۱)،

ماست پاستوریزه (۳)، آرد غلات (۹)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۱۳)، شکر از چغندر قند (۱)، بسته بندی شکر (۱)، قند از شکر (۶)، چای خشک بسته بندی شده (۴)، انواع رب گوجه فرنگی (۵)، رنگرزی خامه‌ی قالی (۸)، فرش ماشینی (۲)، روغن موتور (۱)، گاز نیتروژن (ازت) (۶).

استخراج زغال سنگ ولنینیت (۲ واحد)، محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۳۶۳ واحد)، ساخت منسوجات (۹۲ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۲۱ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۴۰ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۴ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۹۱ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۶۷ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۲۹ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۰۱ واحد)، بازیافت (۸ واحد).

صنایع دستی اردبیل: قالیبافی، گلیم‌بافی، ورنی‌بافی، معرق چوب، کاشی معرق، خراطی، مصنوعات تلفیقی چرم و جاجیم، ملیله‌سازی، ساخت سازهای سنتی، تراش شیشه، نگارگری، منبت چوب، سراجی، گلسازی، مکرومه‌بافی، خوشنویسی.

معادن: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۶۱ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- استخراج سنگ آهن (۱) ،۲- استخراج سنگ، شن و ماسه (۵۱) ،۳- شن و ماسه (۲۹) ،۴- سنگ تزئینی (۲) ،۵- سنگ لاشه (۱۷) ،۶- سنگ آهک (۲) ،۷- کائولن، خاک نسوز و... (۱) ،۸- استخراج سایر مواد معدنی (۹) ،۹- سیلس (۲) ،۱۰- پوکه معدنی (۷)

در استان اردبیل در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۱۱۶۳۱۳۳ تن ۲- مارن ۲۷۰۴۴۹ تن ۳- خاک صنعتی ۱۷۵۰۰ تن ۴- سیلیس ۵۳۰۰۰ تن ۵- پومیس ۹۷۰۲۰ تن

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی اردبیل

غلات هکتار/ تن (گندم ۳۶۳۹۹۱،۶۱۳۰۸۶- جو ۹۵۳۱۶، ۱۳۲۲۶۹- شلتوک ۲۰۶۷، ۳۸۱۳- ذرت دانه‌ای ۶۴۸۰، ۴۴۰۰۱)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۸۳۰۹، ۴۳۸۱- لوبیا ۲۹۹۵، ۲۳۲۲- عدس ۶۵۵۳۹، ۳۳۴۹۶)

محصولات صنعتی هکتار/تن(پنبه ۹۶۸۹، ۲۶۰۸۰-چغندرقند ۲۳۶۵، ۱۱۲۲۲۹۹-سویا ۶۱۱۸، ۱۳۳۲۵-کلزا۳۱۹۱،۸۲۷۵)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۲۵۵۰۳، ۷۳۲۰۷۶- پیاز ۳۵، ۱۰۵۰- گوجه‌فرنگی ۲۷۲۷، ۸۵۵۲۹)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (هندوانه ۱۰۷۹، ۲۴۲۱۱، خیار ۲۰۹، ۳۷۷۴)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۴۹۵۰۲، ۲۲۵۳۴۴)

محصولات: میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلوقطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، زیتون، توت نوغان، غیرمثمر.

جمعیت استان اردبیل

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری‌اردبیل:
مرد: (۳۲۸۱۸۹ شهری، ۲۳۱۴۶۵ روستائی)،
زن: (۳۲۲۹۰۵ روستائی، ۲۳۳۲۴۰ شهری).

شهرستان اردبیل: تعداد خانوار ۱۳۱۹۵۰، جمعیت ۵۴۸۸۳۲، تعداد باسواد ۴۱۰۶۸۷، تعداد بیسواد ۸۰۸۷۰.

شهرستان بیله سوار: تعداد خانوار ۱۱۷۰۰، جمعیت ۵۵۰۲۶، تعداد باسواد ۳۷۵۸۹، تعداد بیسواد ۱۱۹۴۱.

شهرستان پارس آباد: تعداد خانوار ۳۴۴۵۶، جمعیت ۱۶۶۱۳۱، تعداد باسواد ۱۱۷۳۴۳، تعداد بیسواد ۳۱۶۲۵.

شهرستان خلخال: تعداد خانوار ۲۲۹۶۹، جمعیت ۹۵۰۰۵، تعداد باسواد ۶۶۱۴۹، تعداد بیسواد ۱۸۲۱۳.

شهرستان کوثر: تعداد خانوار ۶۰۸۵، جمعیت ۲۸۷۲۱، تعداد باسواد ۱۸۷۹۹، تعداد بیسواد ۶۲۴۴.

شهرستان گرمی: تعداد خانوار ۱۸۷۱۰، جمعیت ۹۱۲۷۰، تعداد باسواد ۶۲۸۶۸، تعداد بیسواد ۱۸۵۰۹.

شهرستان مشگین شهر: تعداد خانوار ۳۶۴۷۰، جمعیت ۱۵۹۲۴۲، تعداد باسواد ۱۰۵۷۵۳، تعداد بیسواد ۳۶۴۶۸.

شهرستان نمین: تعداد خانوار ۱۳۶۸۲، جمعیت ۵۹۶۴۰، تعداد باسواد ۴۱۳۴۲، تعداد بیسواد ۱۲۲۴۴.

شهرستان نیر: تعداد خانوار ۵۴۱۱، جمعیت ۲۴۲۸۸، تعداد باسواد ۱۵۵۰۰، تعداد بیسواد ۵۸۵۸.

آثار ثبت شده استان اردبیل

بقعه شیخ جبرائیل - قرن ۱۰ ه.ق -اردبیل
مقبره شیخ حیدر -(تیموری - صفویه) - مشکین شهر
مسجد جامع اردبیل - سلجوقی - اردبیل
قلعه کهنه - قرون اولیه اسلامی - مشکین شهر
سنگ نبشته پهلوی (باغ نوروز) - ساسانی - مشکین شهر
تپه علی میرزا- (پیش از تاریخ - تاریخی) - مشکین شهر
قره تپه - (اشکانی - ساسانی) مشکین شهر
شاه تپه - اشکانی -گرمی
تپه آقامال - (اشکانی - ساسانی) گرمی
تپه نقاره - (تاریخی - اسلامی)-گرمی
هاچا تپه سی - تاریخی -گرمی
تپه مطلب - (اشکانی - ساسانی)-گرمی
قزقلعه سی(قلعه دختر)-(اشکانی - ساسانی)- بیله سوار
دوی‌قلعه سی (قلعه دیو)-قبل از هخامنشی- مشکین شهر
کول تپه (تپه خاکستر)- اشکانی -گرمی
تپه‌امیر خانلو- اشکانی - مشکین شهر
کول‌تپه (کوده‌کهریز) - قرون اولیه اسلامی - مشکین شهر
تپه سلاخ خانه (اشکانی - ساسانی - اسلامی) مشکین‌شهر
تپه خرمن (امستان علیا)- اشکانی -گرمی
تپه همت سلاله (محال مران)- اشکانی -گرمی
تپه ایلان جیخ -بیله سوار
تپه پیه درق -گرمی
تپه دهکده - اشکانی -گرمی
تپه نادری (اصلاندوز) - پارس آباد
بنای کورائیم - قرون میانه و متاخر اسلامی -نیر

پل سرخ (پل سمیان) - صفویه - اردبیل
پل هفت چشمه (پل داشکسن) - صفویه - اردبیل
پل پنج چشمه (پل یعقوب) - صفویه - اردبیل
پل سه چشمه (قرمزی کوپلی) - صفویه - اردبیل
تپه جبه درق - (پیش از تاریخ - اسلامی) - اردبیل
تپه نادری - پیش از اسلام - اردبیل
تپه شهریور - (هزاره ۱ ـ اسلامی) اردبیل
تپه‌های انزاب - اسلامی - اردبیل
کاروانسرای سنگی صائین - صفویه - نیر
تپه سر بند - (تاریخی - اسلامی) - مغان
قوشا تپه - تاریخی - اردبیل
تپه نارنج (نارین تپه) - اسلامی - اردبیل
تپه میراشرف - (هزاره ۲ - اسلامی) - اردبیل
تپه خان کندی کنازک - (پیش از تاریخ - اسلامی) - تمین
مجموعه بازار اردبیل - (صفویه - قاجاریه) اردبیل
مسجد میرزاعلی اکبر - قاجاریه - اردبیل
کلیسای مریم مقدس - قاجاریه - اردبیل
حمام اوچدگان - قاجاریه - اردبیل
حسینیه مجتهد دلجو - قاجاریه - اردبیل
حمام آقانقی - صفویه - اردبیل
خانه حاج یوسف صادقی - قاجاریه - اردبیل
تپه سرعین (آناهیتا) - هزاره ۲ و ۱ ق.م - سرعین
پل تاریخی آغلاغان - صفویه - نیر
منزل وکیل الرعایا - قاجاریه - اردبیل
خانه رضازاده - اواخر قاجار - اردبیل
قلعه اولتان - (اشکانی ساسانی اسلامی) پارس آباد
مسجد علیاء حاج عبدالغنی رزاقی خم - قاجاریه - خلخال
خانه میرزا کاظم خان صارمی - قاجاریه - نمین
خانه سید هاشم ابراهیمی - زندیه - اردبیل
آثار صخره‌ای ویند - اسلامی - اردبیل

مقبره شیخ کشف الدین انصاری - صفویه - خلخال
مدرسه جعفری اسلامی - قاجاریه - اردبیل
دژ بوینی بوغون - تاریخی - نیر
تپه جعفر قلی - پیش از تاریخ - بیله سوار
یاریم تپه برزند - هزاره ۱ تا اسلامی - گرمی
محوطه شهریری مکتب اوشاقلاری - هزاره ۲ و ۱ - مشکین شهر
محوطه خلیفه چایی - هزاره ۲ و ۱ ق.م - رضی
برج شاطر - (گنبد شاطر) - اواسط ایلخانی - اردبیل
محوطه ایلانلی داغ - (هزاره ۱ ـ اسلامی) - مشکین شهر
اوزون تپه سی - (هزاره ۱ ـ اسلامی) - مشکین شهر
قلعه قهقهه - صفویه - مشکین شهر
گول تپه کولی - اوایل هزاره ۲ و ۱ ق.م - مشکین شهر
کول تپه ـ (هزاره ۱ ـ اسلامی) - مشکین شهر
نام اثر قدمت محل
تپه قلعه بوئینی - هزاره ۱ ق. - گرمی
فرضی کندی تپه سی ـ هزاره ۱ ق.م - گرمی
تپه مازان - (هزاره ۲ و ۱ - قرن ۶ و ۵ ق - بیله سوار
شهر تپه سی - (هزاره ۱ - اسلامی) - بیله سوار
پل ابراهیم آباد - صفویه - اردبیل
گورستان آغجران - هزاره ۱ ق.م - بیله سوار
یاریم تپه - هزاره ۱ ق.م - بیله سوار
کول تپه نصراله بیگ لو - (هزاره ۱ - اسلامی) - گرمی
تپه‌های دوگانه لگران - هزاره ۱ ق.م - مشکین شهر
امامزاده فخر آباد ـ قاجاریه - مشکین شهر
تپه قیز یلی قیه - هزاره ۱ ق.م - مشکین شهر
تپه‌های سه گانه وله - هزاره ۱ ق.م - مشکین شهر
تپه یللی قیه - هزاره ۱ ق.م - مشکین شهر
قبرستان انار - اسلامی - مشکین شهر
تالار حکمت - قاجاریه - اردبیل

تپه سمبور (یل سوئی) - اسلامی -گرمی
تپه بیگ باغی - (هزاره - اسلامی) -گرمی
تپه زیوه - (هزاره ۱ - اسلامی) -گرمی
تپه قلعه‌گوده‌کهریز و خرابه (هزاره - اسلامی) -گرمی
تپه شومون - (هزاره ۱ ـ اسلامی) گرمی
کول تپه آغداش - (هزاره ۱ ـ اسلامی) -گرمی
کل تپه خراوان - (هزاره ۱ـ اسلامی) - مشکین شهر
تپه لین قیچ - (هزاره ۱ ـ اسلامی) - مشکین شهر
تپه داش قلعه ـ هزاره ۱ق.م - مشکین شهر
خانه ارشادی - قاجاریه - اردبیل
خانه میر فتاحی - قاجاریه - اردبیل
امامزاده صدر الدین - صفویه - اردبیل
تپه قبرستان قره تپه - هزاره ۱ق.م - نمین
مسجد جامع نمین - قاجاریه - نمین
نام اثرقدمت‌محل
تپه قره چی بولاغی - (هخامنشی - اشکانی) - نمین
تپه قیز قلعه سی - هزاره ۱ق-م - نمین
بالا تپه مرنی - (هزاره ۱ق-م - اسلامی) - نمین
تپه قبرستان اقبلاغ - هزاره ۱ ق.م - نمین
تپه پیر ناخرچی - هزاره ۲ ق.م - نمین
تپه جین تپه سی - هزاره ۱ ق.م - نمین
محوطه تپه‌گوبح تپه سی - (تاریخی - اسلامی) - نمین
تپه دیه بیگ لو - (هزاره ۱ - اسلامی) - مشکین
تپه شیخ - اسلامی - مشکین
تپه غفور - هزاره ۱ و اسلامی - مشکین
تپه کهریز - هزاره ۱ ق.م - مشکین
تپه و قبرستان توکلی دمئی - هزاره ۲ ق.م - نمین
تپه ننه کران - هزاره ۱ ق.م - نمین
محوطه قوم یری - هزاره ۱ ق.م -نمین
تپه یونجالو - هزاره ۱ ق.م - نمین
تپه ملت یری - (هزاره ۱ - اوایل اسلامی) - نمین
کهنه تپه - (اوایل هزاره ۱ - اسلامی) - نمین
خانه مناف زاده - پهلوی اول - اردبیل
یوشان تپه سی - (اوایل هزاره ۱ - اسلامی) - اردبیل
تپه نادر - اسلامی - پارس آباد
تپه گوزلی - هزاره ۱ ق.م - پارس آباد
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ اردبیل دارای ۵۵۴ اثـر ثبت شده تاریخی بوده است.

موزه‌ها

بقعه‌ی شیخ صفی الدین اردبیلی و موزه‌ی چینی خانه (اردبیل) ـ موضوع: معماری، تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۰، بنا صفویه

حمام آقا نقی (اردبیل) ـ موضوع: معماری، مردم‌شناسی ـ سازمان میراث فـرهنگی کشـور ـ تأسیس ۱۳۴۸، بنا صفویه

مـــوزه‌ی خـــلخال (خـــلخال) ـ مـــوضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۳

موزه‌ی مشکین شهر (مشکین شهر) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۲

شهرک صنعتی: ۱) شهرک صـنعتی تـخصصی آب، ۲) شـهرک صـنعتی اردبـیل ۲، ۳) شـهرک صنعتی خلخال، ۴) شـهرک صـنعتی کـوثر، ۵) شهرک صنعتی مشکین شهر، ۶) شهرک صنعتی گرمی، ۷) شهرک صنعتی پارس آباد، ۸) شهرک صنعتی اردبیل ۱.

شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

آبگرم: از دهستان‌های بخش سرعین شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش ورنیاب است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه گلستان داغی و کوه حاجی چای و کوه بریوت داغی و تپه قره گیلدیک و تپه آلچالو و دره داغ آخری قرار و رود کمال آباد چای در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، شبدر، سیب زمینی و چوب درخت صنوبر، عسل، قالی و گلیم.

پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، مریم گلی، نوروزگلی و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

آجارود شرقی: از دهستان‌های بخش موران شهرستان گرمی استان اردبیل و مرکزش زهرا می‌باشد. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه مرطوب قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، گل بنفشه، ختمی و درخت گز و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

آجارود غربی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوثر استان اردبیل و مرکزش دیزج است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن و یونجه.

پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی، گل ختمی، شیرین بیان و شاتره و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش.

آجارود مرکزی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گرمی استان اردبیل و مرکزش حمزه خانلو است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و دره‌ی اسدی و گردنه دندنه و کوه حسین داغی و کوه صفی یارو و کان سنگ ساختمانی قرار گرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو و بنشن.

پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، ختمی و گل گاو زبان و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

اردبیل (مرکز شهرستان و مرکز استان)

از شهرهای بزرگ و آباد ایران مرکز شهرستان واستان اردبیل است که در ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی در فاصله ۲۱۰ کیلومتر شرق تبریز و در حدود ۲۵ کیلومتری مرز جمهوری آذربایجان و با بلندی ۱۲۶۳ متر از سطح دریای آزاد بر دامنه کوه آتشفشان فرو نشسته سبلان قرار و آبی فراوان و هوائی خنک و خاکی حاصلخیز دارد. از شمال به مشکین شهر و دشت مغان از مشرق به جنگلهای طوالش و آستارا و قسمتی از خلخال، قسمتی از شهرستان میانه، از مغرب به مشکین شهر و سراب محدود است.

آب و هوا: سرد و خشک، بیشترین درجه گرما درتابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها ۲۵ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه بطور متوسط در حدود ۳۸۰ میلی‌متر می‌باشد.

اردبیل (شهرستان): از شهرستان‌های استان اردبیل، از شمال به شهرستان مشکین شهر، از شمال خاوری به جمهوری آذربایجان، از خاور به شهرستان آستارا، از جنوب به شهرستان خلخال، از جنوب باختری به شهرستان میانه و از باختر به شهرستان سراب محدود است.

تقسیمات کشوری: شامل ۳ بخش: (۱- مرکزی، ۲ـ سرعین، ۳ـ هیر) و شش دهستان (۱ـ ارشق شرقی، ۲ـ بالغلو، ۳ـ سردابه، ۴ـ کلخوران، ۵ـ

غربی، ۶ـ شرقی) و شهرهای مهم آن شهر: ۱ـ شهر اردبیل، ۲ـ شهر سرعین، ۳ـ شهر هیر و ۲۳۲ آبادی است.

رودها: از رود قره سو، از کوه آسبیناس سرچشمه گرفته و با جهت گرفته و با جهت شرق به غرب مناطق شمالی شهرستان اردبیل را آبیاری می‌کند و نخست به اهرچای و سرانجام به رود ارس می‌پیوندد. ۲ـ رود بالخالی چای از کوه بزقوش در شهرستان میانه سرچشمه می‌گیرد و با جهت جنوب باختری، شمال خاوری در شمال شهر اردبیل به قره سو می‌پیوندد. ۳ـ گرو چای از کوه قوچ داغی سرچشمه می‌گیرد و با جهت جنوب به شمال نیرو بخش مرکزی را آبیاری کرد. آن‌گاه به قره سو می‌پیوندد .۴ـ رود درویش چای، از دامنه‌های کوه سبلان روان گشته به رود بالخالی می‌پیوندد. ۵ـ رود رشید علی چای، از کوه سبلان روان شده به قره سو می‌پیوندد. ۶ـ رود نمین چای، از کوه‌های مرزی ایران و جمهوری آذربایجان روان گردیده به قره می‌پیوندد.

کوه‌ها: شهرستان اردبیل در دشتی قرار دارد. اما کوه سبلان از باختر و کو ه بزقوش از جنوب، کوه‌های بغرو داغ، از خاور و کوه‌های مرزی ایران و جمهوری آذربایجان آن را در میان گرفته‌اند. کوه‌های معروف: ۱ـ کوه سبلان که سه بلندی دارد: ۱ـ الف) قله‌ی سبلان به بلندی ۴۸۱۱ متر، ۲ـ هرم داغ به بلندی ۴۶۵۰ متر، ۳ـ کسره داغ به بلندی ۴۶۰۰ متر، ۲ـ رشته کوه بغرو داغ، مرز شهرستان اردبیل و آستارا تشکیل می‌دهد، مهم‌ترین قله‌های آن ۱ـ آسبیناس به بلندی ۲۰۰۵ متر، ب) قله اچاقم کوه به بلندی ۲۷۶۰ متر، ج) قله‌ی حصار بلاغی به بلندی ۲۹۰۴ متر.

۳ـ رشته کوه بزقوش در جنوب قله قوچ داغی آن ۲۵۰۸ متر بلندی دارد. دامنه‌های کوه‌های شهرستان اردبیل را مراتع فراوانی در بر گرفته است.

کانی‌ها: معدن شن و ماسه.

آب و هوا: دارای سه نوع آب و هوا است: ۱ـ بسیار سرد: بلندی‌های سبلان، ۲ـ سرد و مرطوب رشته کوه‌های بغروداغ، ۳ـ سرد و خشک دشت اردبیل.

رستنی‌ها: درختان: ازگیل، زبان گنجشک، زالزالک، افرا، فندق، آلوچه‌ی وحشی، بلوط، راش، ممرز، گیاهان داروئی و صنعتی: گل بنفشه، شیرین بیان، بومادران، گل بابونه، گل گاو زبان، پونه، خاکشیر و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

ارشق شرقی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش تقی دیزج است. و در منطقه‌ای تپه‌ای،و سرد نیمه خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گیلاس، سیب و چوب درختان بید و تبریزی.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه، کاسنی، شاتره، بابونه، بارهنگ، ترنجبین، ختمی، شیرین بیان و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ارشق شمالی: از دهستان‌های بخش ارشق شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش قوشه سفلی است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک قرار دارد.

فرآورده ها: گندم و جو.

پوشش گیاهی : آویشن، پونه، بومادران، کاسنی، شاتره، شنگ، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ارشق غربی: از دهستان‌های بخش ارشق

شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش مرادلو است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و تپه آقاخان داغی و تپه قورشاقلی قرار گرفته.
فرآورده ها: گندم و جو و قالی.
پوشش گیاهی : آویشن، غازایاقی، کاسنی، کنگر، بابونه، بلاغ اوتی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
ارشق مرکزی: از دهستان‌های بخش ارشق شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش رضی است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو، سیب، گیلاس و چوب درختان بید و تبریزی.
پوشش گیاهی : آویشن، پونه، غازایاقی، کاسنی، ترنجبین، بارهنگ، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
اصلاندوز: از بخش‌های شهرستان پارس آباد استان ادربیل، مرکز این بخش شهر اصلاندوز و دارای دو دهستان (۱ـ اصلاندوز، ۲ـ قشلاق غربی) است. در شمال آذربایجان و برکرانه‌ی رود ارس وکرانه‌های جنوبی آن که محل به هم پیوستن قره سو و ارس می‌باشد قرار گرفته است. اصلاندوز که آن را اصلاندوزم گویند دهی کوچک است جاده نوار مرزی به موازات رود ارس، اصلاندوز را به پارس آباد و بیله سوار در شمال شرقی و به خدا آفرین در شمال شرقی مغان متصل می‌کند.
آب و هوا: اصلاندوز، دارای آب و هوای گرم و ناسالم در تابستان هاست اما در زمستان هوای این منطقه معتدل می‌شود. به طور کلی اصلاندوز ناحیه‌ای است کوهستانی، رود مرزی ارس از شمال آن می‌گذرد ناحیه‌ای است کوهستانی، رود مرزی ارس از شمال آن می‌گذرد و رود قره سو در این ناحیه به ارس می پیوندد.
به واسطه‌ی ایجاد تأسیسات سد سازی و غیره اصلاندوز از رونق خاصی برخوردار گشت.
در ضمن جنگ های ده ساله ایران و روس میان سال‌های (۲۸ـ۱۲۱۸ هـ ق) محل اصلاندوز برای بستن قرار داد صلح میان عباس میرزا و نمایندگان روس قرار گرفت.
اصلاندوز: از دهستان‌های بخش اصلاندوز شهرستان پارس آباد استان اردبیل و مرکزش اصلاندوز است و در منطقه‌ای دشتی معتدل و نیمه مرطوب.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، لوبیا و تره بار.
پوشش گیاهی : اسپند، پونه و آویشن و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش.
انار: روستائی است در ۲۴ کیلومتری مشکین که سابقه تاریخی کهنی دارد که گورستانهائی چند از جمله: ۱ ـ گورستان قدیمی ۲ ـ گورستان فالیک است که کوهستان سبلان به زیبائی این قسمت افزوده است.
انجیرلو: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیله سوار استان اردبیل و مرکزش انجیرلوست. و در منطقه‌ای دره‌ای و تپه‌ای معتدل خشک و قله پیر زبنه قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو و بنشن، گلیم، نمد و فرش.
پوشش گیاهی : خاکشی، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
اَنگوت: از بخش‌های شهرستان گرمی، استان اردبیل، از شمال و شمال خاوری به پارس آباد، از خاور به بیله سوار، از جنوب خاوری و جنوب به

حومه گرمی (مرکز شهرستان گرمی و از باختر به شهرستان کلیبر محدود است.)
تقسیمات کشوری: دارای سه دهستان (۱ـانگوت شرقی، ۲ـانگوت غربی، ۳ـ پائین برزند).
رودها: سامبور چای، رود مهم بخش انگوت می‌باشد که از دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های صلوات سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری مناطقی از این بخش در ۳ کیلومتری روستای تولان به رود قره سو (دره رود) می‌پیوندد.
کوه‌ها: در بخش شمالی نسبتاً بلند و در مناطق جنوبی، منطقه‌ای از آن رشته کوه‌های صلوات به ویژه کوه کلانتر به بلندی ۱۹۵۰ قرار دارد.
آب و هوا: معتدل و نیمه مرطوب.
رستنی ها: درختان راس، بلوط، ممرز، افرا ـ گیاهان داروئی و صنعتی:گل گاوزبان،گل بنفشه و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، آهو، بز وحشی، کبک، اردک، غاز وحشی، درنا ،لک لک و حواصیل .
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. ـ کشاورزی این سامان بیشتر کشت گندم، جو، بنشن و تره بار می‌باشد اما اضافه بر مصرف فرآورده کشاورزی ندارد.
دامداری به شیوه‌ی سنتی صورت می‌گیرد و مقادیری از تولیدات دام و دامی برای فروش به شهرهای مجاور صادر می‌شود.
انگوت شرقی: از دهستان‌های بخش انگوت شهرستان گرمی استان اردبیل و مرکز آن تازه کندانگوت است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه مرطوب و دره‌ی خان محمد دره سی و کوه خان حسین گونی و کوه گور چینی قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، گاودانه، و بنشن و یونجه.
پوشش گیاهی: آویشن، شاتره، خاکشی، ختمی و شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
انگوت غربی: از دهستان‌های بخش انگوت، شهرستان گرمی استان اردبیل و مرکز آن قره آغاج پائین و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه پلنگو و تپه سولی تپه قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، گاودانه، عدس، نخود، گردو، گیلاس و آلبالو و توت.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان، غاز ایاقی و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک و تیهو.
باروق: از بخش‌های شهرستان میاندوآب استان آذربایجان غربی و مرکز آن باروق و دارای ۳ دهستان (۱ - باروق ۲ - آجرلوی شرقی ۳ - آجرلوی غربی) است.
بالغلو: از دهستان‌های مرکزی شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش شام اسبی است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه کمره و کوه اجاق داغ و در دره‌ی نو قرار و رود بالغلو چای در آن جریان دارد. کوه آق داغ و کوه هردله.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، یونجه و سیب.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان، بابونه، پونه، ثعلب و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
بیله سوار (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان بیله سوار استان اردبیل و مرکز آن شهر بیله سوار و دارای دو دهستان (۱ـ انجیرلو، ۲ـ گرگ تپه) است.
بیله سوار (شهرستان): از شهرستان‌های استان

اردبیل است که در جنوب رود ارس و در حدود ۵۰ کیلومتری مشرق دریای خزر قرار دارد. این منطقه قسمت وسیعی از دشت مغان را تشکیل می‌دهد. بیله سوار از قسمت مشرق و شمال شرقی و جنوب شرقی با جمهوری آذربایجان مرز مشترک و از سطح دریا ۱۲۰ متر بلندی دارد.

آب و هوا: تابستان‌ها گرم و در زمستان معتدل و به واسطه‌ی ارتفاع کم و نزدیکی به دریای خزر در ردیف مناطق نیمه مرطوب به شمار می‌رود مقدار ریزش باران سالانه حدود ۵۰۰ میلی متر است.

رودها: ۱ـ بالها رود، ۲ـ آب بیگلر که به رود ارس می‌پیوندند. کانال‌های متعددی از سد انحرافی ـ میل، مغان و رود ارس در منطقه‌ی اصلاندوز در دریاچه‌ای به نام شهرک جمع شده که توسط کاریزها و کانال‌ها مورد استفاده‌ی کشاورزی قرا می‌گیرد.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری است.

فرآورده ها:غلات، حبوبات، سویا، تخم آفتاب گردان، علوفه، یونجه، دام و فرآورده‌های دامی، قالی، گلیم، ورنی، پوشاک‌های پشمی.

تقسیمات کشوری: دارای دو بخش (۱ـ مرکزی، ۲ـ قشلاق دشت) و چهار دهستان (۱ـ انجیر لو، ۲ـگرگ تپه، ۳ـقشلاق جنوبی، ۴ـقشلاق شرقی) و ۲۳۲ روستا می‌باشد.

رودها: ۱ـ بالها رود یا بلغار چای از جمهوری آذربایجان سرچشمه می‌گیرد و پس ازتشکیل خط مرزی، در حدود ۵۰ کیلومتری میان ایران و جمهوری آذربایجان، از کنار شهر بیله سوار می‌گذرد و سرانجام در خاک جمهوری آذربایجان به رود ارس می‌پیوندد. ۲ـ رود قره سو از بلندی‌های جنوب شهرستان اهر روان گشته، نخست اهرچای و در دشت مغان قره سو نامیده شده این رود از جنوب به شمال روان است، پس از آبیاری مناطق باختری بیله سوار سرانجام به رود ارس می‌ریزد.

کوه‌ها: بیله سوار در منطقه هموار دشت مغان قرار دارد.

دره ها: نسبتاً گرم و مرطوب.

رستنی ها: درختان زبان گنجشک، بادام وحشی، افرا ـ گیاهان داروئی و صنعتی، گل گاو زبان، شیر خشت، شیرین بیان، خاکشی، آویشن و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، خرگوش، آهو، گرگ، کفتار، کبک، تیهو، قرقاول ،بلدرچین ،درنا، لک لک و مرغابی.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. به واسطه‌ی حاصلخیزی و آب و هوای مناسب و رودهای متعدد راه را برای پیشرفت‌های کشاورزی و تولید انواع فرآورده‌ها فراهم ساخته: گندم، جو، کنجد، پنبه، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، چغند قند، سویا، سیب و توت.

دامداری: بواسطه‌ی مراتع فراوان، عشایر کوچنده شاهسون به پرورش گوسفند و بز پرداخته و دام و فرآورده‌های دامی از منابع مهم درآمد مردم است ـ گلیم بافی نیز بواسطه دست بافت بودن شهرت فراوانی دارد.

بیله سوار (مرکز شهرستان): شهر بیله سوار مرکز شهرستان بیله‌سوار از شهرستان‌های استان اردبیل، در گوشهٔ شمال شرقی آذربایجان و در جنوب رود ارس با فاصله‌ای در حدود ۵۰کیلومتر از سمت مشرق با دریای خزر قرار دارد. بیله سوار از قسمت مشرق و شمال شرق و جنوب شرق با خاک جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد بلندی متوسط آن ۱۲۰ متر از سطح دریاست و رود

بلغارچان از کنارش می‌گذرد.
آب و هوا: معتدل و مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها دو درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۴۵۰ میلی‌متر است.
پائین برزند: از دهستان‌های بخش انگوت شهرستان گرمی استان اردبیل و مرکزش قاسم آباد است. و در منطقه‌ای سرد نیمه خشک وکوه قوش قیه سی و کوه گونی داغ قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن و چوب درختان بید و تبریزی.
پوشش گیاهی: آویشن، پونه، غاز اياقی، شنگ، قارچ، کاسنی، بارهنگ، شاتره و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
پارس آباد (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان پارس آباد استان اردبیل و مرکز آن شهر پارس آباد و دارای ۲ دهستان (۱ـ ساوالان، ۲ـ قشلاق شمالی) است. مرکز ساوالان ده گوشلو و مرکز قشلاق شمالی اسلام آباد قدیم است.
پارس آباد (شهرستان): از شهرستان‌های استان اردبیل، از شمال و خاور به جمهوری آذربایجان از باختر به شهرستان کلیبر، از جنوب به بخش بیله سوار و از جنوب به بخش انگوت محدود است.
تقسیمات کشوری: در خرداد ۱۳۷۰ شهرستان پارس به بخش و بعدها به شهرستان تبدیل شد. دارای سه بخش (۱ـ مرکزی، ۲ـ اصلاندوز، ۳ـ تازه کند)، پنج دهستان (۱ـ تازه کند، ۲ـ ساوالان، ۳ـ قشلاق شمالی، ۴ـ اصلاندوز، ۵ـ قشلاق غربی ۶ـ محمودآباد و ۲۶۲ روستاست.
رودها: رود ارس که از کوه‌های هزار برکه کشور ترکیه سرچشمه می‌گیرد نواحی شمالی این شهرستان را آبیاری می‌کند و سرانجام به دریای خزر می‌ریزد.
کوه‌ها: منطقه‌ای جلگه‌ای دشتی است، بلندترین قله‌اش ۶۵۰ متر بلندی دارد.
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی: کنگر وحشی، شیرین بیان و گون کتیرا و پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، قرقاول، کبک و خروس وحشی.
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع کارخانه‌ای استوار است. زمین‌های حاصلخیز، آب و هوا شرایط مساعد سبب شده است تا شهرستان پارس آباد از قطب‌های مهم کشاورزی استان اردبیل گردد. کشت به صورت دیمی و آبی انجام می‌شود. آب کشاورزی را با کانال کشی از رود ارس تأمین کرده‌اند.
فرآورده ها: گندم، جو، ذرت، برنج، تره بار، بنشن، سویا، چغندر قند، سیب، گلابی، انار، انگور و پسته.
دامداری: مراتع خوب و فراوان مایه‌ی رونق پرورش گاو، گاو میش، گوسفند، بز، شتر و اسب گشته است.
صنایع: قالی، گلیم، قالی بافی وگلیم بافی از جمله صنایع دستی این سامان است، اما صنایع کارخانه‌ی مهمی نیز در این شهرستان دایر و در حال کار است: مجتمع کشت و صنعت مغان در سال ۱۳۴۸ ایجاد گشت. کارخانه‌ی کمپوت سازی، پنیرسازی، پنبه پاک‌کنی.
پارس آباد (مرکز شهرستان): شهر پارس آباد مرکز شهرستان پارس آباد، از شهرستانهای استان اردبیل است. این شهر در منطقه‌ای جلگه‌ای و دشتی قرار دارد و رود ارس از کنار آن می‌گذرد.

آب و هوا: معتدل و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۹ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها ۳ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۶۰ میلی‌متر است.

پلنگا: از دهستان‌های بخش شاهرود شهرستان خلخال استان اردبیل و مرکزش کرین است. و در منطقه‌ای برکوهی، سرد نیمه خشک وکوه بورمین قیه کوه گهنی گدیک وکوه آسیاب سر و چای دره سی قرار و رود از نزدیکی آن جریان دارد.

فرآورده ها:گندم، جو، بنشن، یونجه، گردو، سیب، گلابی، زردآلو و گیلاس.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، گل گاو زبان، ختمی، کاسنی و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

تازه کند: از دهستان‌های بخش تازه کند شهرستان پارس آباد استان اردبیل و مرکزش تازه کند قدیم است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل نیمه مرطوب قرار گرفته.

رود ارس، دریاچه‌ی مصنوعی شهرک غرب در این سامان است.

فرآورده‌ها:گندم، چغندر قند، پنبه، کنجد و علوفه.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: روباه، خرگوش و گراز.

خلخال: از شهرستان‌های استان اردبیل است که در باختر کوه‌های طالش در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته. از شمال به اردبیل، از خاور به کوه‌های طالش و استان گیلان، از جنوب به استان زنجان و از باختر به شهرستان میانه محدود و در ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۱ دقیقه طول خاوری است و در منطقه‌ای کوهستانی (از شمال به جنوب و از خاور به باختر بلندیش کاهش می‌یابد) و از سطح دریا ۱۷۵۰ بلندی دارد».

مرکز شهرستان خلخال شهر خلخال (هرو آباد)، در ۳۲۹کیلومتری تبریز و ۷۵کیلومتری اردبیل و ۵۹۴کیلومتری می‌باشد. طول شهرستان خلخال از شمال به جنوب از حدود اردبیل تا زنجان و ناحیه‌ی طارم ۱۲۰ کیلومتر و عرض آن از ۴۸ تا ۹۰ کیلومتر است.

موقعیت و حدود: شهرستان خلخال از شهرستان‌های اردبیل از شرق به کوههای طالش و استان گیلان، از جنوب به استان زنجان و از مغرب به شهرستان میانه محدود است. این شهرستان در ۳۷ درجه و ۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۴ درجه طول شرقی قرار گرفته و مساحت آن ۳۹۷۹ کیلومتر مربع بوده که ۵/۹۳ درصد کل مساحت استان را شامل می‌شود.

مرکز شهرستان خلخال شهر خلخال (هرو آباد) است. که در ۳۷ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی در ارتفاع ۱۷۵۰ متر واقع شده است. فاصله شهر خلخال تا اردبیل ۷۵ کیلومتر است.

طول شهرستان خلخال از شمال به جنوب از حدود اردبیل تا زنجان و ناحیه طارم ۱۲۰کیلومتر و عرض آن از ۴۸ تا ۹۰کیلومتر است. خلخال از قسمت شرق به استان گیلان مربوط می‌سازد.

سابقه تاریخی: خلخال از شهرهای قدیمی و تاریخی استان اردبیل است. در قرن‌های دوم و سوم هجری در کتب جغرافیایی آن دوره مورخین و جغرافی دانان درباره خلخال چنین می‌نویسند: «خلخال از شهرهای کوچک و از توابع آذربایجان بوده، محصول عمده آن گندم و جو بوده است و

پلاس و گلیم و لباس پشمی و کرکی در آن بافند...»
در کتاب جغرافیای حدود العالم من المشرق الی المغرب که در سال ۳۷۳ هجری نوشته شده، بخش شاهرود را به نام قصبه مرکزی آن یعنی شال نام برده و این قصبه را در همان کتاب جزء شهرهای باغ منبر نوشته و اشاره می‌کند:
«در این شهر هرگاه یکی از اهالی نبیذ بخورد یا دشنام بدهد هشتاد چوب باید بر او بزنند...»
در معجم‌البلدان که اواخر قرن ششم هجری نوشته شده آمده است:
«خلخال شهری است در مشرق آذربایجان و در نزدیک گیلان و مزارع و آبادی آن بیشتر در وسط کوه‌های بلند قرار دارد و از آنجا تا شهر قزوین هفت روز و تا اردبیل دو روز راه است و در این ولایت قلاعی بلند قرار دارد که مردمان آن هنگام حمله مغول به آنجا عزیمت نموده‌اند»
موقع طبیعی: خلخال روی هم رفته منطقه‌ای کوهستانی، رشته‌کوه‌های طالش در بخش خاوری آن و کوه های بزغوش در باختر و قراول داغ در جنوب آن قرار دارند. کوهستان جنگلی و بلند طالش در خاور خلخال از شمال به جنوب کشیده شده است.
در جبهه‌ی غربی کوه‌های طالش در منطقه خلخال به واسطه‌ی کمبود باران و تغییر آب و هوا نسبت به جبهه خاوریش، جنگل وجود ندارد. بلندترین قله‌های کوهستان طالش ناو و الماس است.
بسبب درمیان گرفته شدن خلخال میان کوه‌ها راه‌های ارتباطیش دشوار می‌باشد».
پوشش گیاهی به صورت استپی، نیمه استپی، جنگل‌های سرو و کاج و جنگل‌های درختان پهن برگ بوده و در بلندی‌های این سامان مرتع هائی سر سبز برای دامپروران وجود دارد.»

اقتصاد: کشاورزی، دامپروری و باغداری و زنبور داری از فعالیت‌های مهم مردم شهرستان خلخال و محصولات عمده‌اش: غلات، حبوبات، برنج، انواع میوه از جمله سیب، گلابی، انگور و گردو. دام، فرآورده‌های دامی می‌باشد.
صنایع دستی: قالی بافی، شال بافی، جاجیم بافی، منبت کاری و صنایع چوبی.
آب گرم: آب گرم و معدنی گرم خانه، ۲ـ آب گرم و معدنی خوش نامه، ۳ـ آب گرم و معدنی گیوی ـ از کتاب آب‌های معدنی آذربایجان ـ دکتر صادق مقدم می‌شود.
تقسیمات کشوری: دارای سه بخش: ۱ـ مرکزی، ۲ـ خورش رستم، ۳ـ شاهرود) و دارای هشت (۱ـ دهستان (۱ـ خانند بیل شرقی، ۲ـ خانند بیل غربی، ۳ـ سنجید شرقی، ۴ـ خورش رستم جنوبی، ۵ـ خورش رستم شمالی، ۶ـ پلنگا، ۷ـ شال، ۸ـ شاهرود) و ۱۵۲ روستاست.
رودها: ۱ـ رود هروآباد، ۲ـ رود آرپاچای. ۳ـ رود قزل اوزن. ۴ـ رود شاهرود.
چشمه‌ها: ۱ـ بی بی بلاغ، ۲ـ سیده خانابلاغی، ۳ـ جام بلاغی، ۴ـ آغامی گولره، ۵ـ ملیک جارء، ۶ـ ازنو.
کوه‌ها: ۱ـ ازنو (۲۴۱۲ متر). ۲ـ لرخانی (۲۸۰۳ متر). ۳ـ بغر و داغ (۲۶۹۶ متر)، ۴ـ عجم داغی (۳۰۲۶ متر)، ۵ـ خانقاه داغی (۲۲۲۸ متر)، ۶ـ نافاره چی داغی (۲۶۰۲ متر).
دره‌ها: ۱ـ دره‌ی قشلاق، ۲ـ دره کلاروشو، ۳ـ بنات دره، ۴ـ چول دره، ۵ـ دره‌ی طولاش.
غارها: ۱ـ غار بوزخانه، ۲ـ غار ازنو.
آب وهوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.
رستنی‌ها: گیاهان داروئی و صنعتی ـ پوشش گیاهی کافی برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه، گراز، خرگوش، کـل، بـز، گرا ز، کفتار، انواع عقاب و لاشخور، دارکوب و حواصیل.

درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامپروری، صنایع کارگاهی، صنایع دستی استوار است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای و تره بار، سیب، گلابی، انار، بادام، گـردو، انـجیر، هلو، آلو، گیلاس، آلبالو، زرد آلو و دام.

خلخال جغرافیای تاریخی: در کتاب حـدود العالم که در ۳۷۲ ه ـ ق تألیف گردیده آمده است «بخش شاهرود را بنام قصبه مرکزی یعنی شال ذکر کرده و این قصبه را در همان کتاب جزؤ شهرهای با منبر نوشته: این شهر هر گاه از اهالی کسی نبیند بخورد یا دشنام به کسی بدهد هشتاد چوب بر او بزنند. به نظر می‌رسد خلخال در قرن‌های دوم و سوم هـجری از شـهرهای کـوچک و از تـوابـع آذربایجان بوده و محصول عهده‌اش گندم و جو و پلاس، گلیم و لباس پشمی و کرکی بود.»

در کتاب معجم البلدان که در اواخر قـرن ششـم تألیف شده آمده است: خلخال شهری است در مشرق آذربایجان نزدیک گیلان و مزارع و آبادی آن بیشتر در وسط کوه‌های بلند قرار دارد و از آن جا تا شهر قزوین هفت روز را ه تا اردبیل دو روز راه است و در این ولایت قلاعی است که مردمان هنگام حمله مغول به آن جا رفتند.

در نزهة القلوب حمد الله مستوفی که در اوایل قرن هشتم تألیف گردیده آمده است: «خلخال (مقصود از خلخال دهکده بنه خلخال است زیرا هرو آبادی مرکز فعلی خلخال شهری است جدید الاحداث و سابقه‌ی چندانی ندارد) شهر وسط بوده اکنون دهی است که بیش از صد موضع و به چهار نـاحیت تقسیم مـی‌شود مـانند خـانه‌ی بـیل، سـنجید ـ انجیل‌آباد در سابق شهر فیروز آباد که بر سر گریوه پر دلیز بوده حاکم نشین آن دیـار بـوده است و حکامش را آقا جریان می‌گفتند و بعد از ویرانی فیروز آباد قریه خلخال حاکم نشین شد و اکنون آن نیز ویران است. در آن ولایت به حد بد دیه گیوی دره ایست آفتاب روی و در آن چشـمه‌ای است چشمه‌ی دیگری است که آبش تابستان یخ می‌بندد و بر طرف قماة که قزاونه آنرا نسار خوانند چشمه دیگری است که آبش به قدری گرم است که تخم مرغ می‌پزد بر یک فرسنگی خلخال کوهی است همچون دیوار برآمده کمابیست دویست گز بلندی او است و بر فرازش به شکل مخرجه زهاب است لایزال قطرات از او می‌ریزد چنان که دو آسیاب گردان آب از آن جا حاصل می‌شود و بنیاد زرع خلخال بر این آبست و در آن حدود علفزار نیکو است بدین سبب ماست آن جا آن چنان می‌بندد که مانند پنیر به کارد شاید برید و شکارگاه فراوان و پرشکار دارد و شکارش سخت فربه می‌باشد و حقوق دیوانش سی هزار دینار است و باز در کتاب نزهة القلوب، آمده است: «شاهرود ولایتی است از خلخال متصل به طوالش کما بیش سی پاره ده است از معظماتش شال و کلور و خمس و درو گیلوان می‌باشد هوایش معتدل است به‌گرمی مایل حاصلش غله نیکو باشد و اندکی میوه دارد حقوق دیوانیش ده هزار و بنا به روی دفتر».

اثیر الدین آخسیکتی (متوفی به سال ۵۷۷ ه ـ ق) شاعر در اواخر عمر در خلخال می‌زیست و هم در این شهر درگذشت.

عزم خلخال مرا چون سوی زنگان افکند
در تـمنای قـدوم تـو بـماندم شمشاه

آورده‌اند اثیرالدین پیش از آن که به خلخال برود و گوشه‌گیری کند چند بار به خلخال سفر کرده و

خود در ضمن آثارش نوشته: «در خلخال مردمی دانشمند و اهل علم سکونت دارند که اثیر مجذوب آنان شده و از این رو به خلخال رفته و در آن جا ماندگار گشته:

زان به خلخال گرانید ضمیرم که در او
نو عروسان علومند بغایت دلخواه

و یکبار هم که قزل ارسلان قصد تصرف خلخال داشته اثیر الدین ضمن قصیده‌ای او را از تصرف خلخال با بیان شیوا منصرف می‌سازد.

چنان پاک در دانه‌ای را چه حاجت
بـه خـلخالی از زیـور آفـرینش
چنان دان که بیرون شد آن بوم بی بر
ز اقـطار بـوم و بـر آفـرینش

در نگارستان دارا آمده است: «خلخال که از توابع آذربایجان است مشتمل بر قراء و مزارع و ازکثرت جبال شامخه بر غیر اهل آن دیار حرکت از آن جا دشوار باشد.» در مراصد الاطلاع آمده است: «خلخال شهریست در آذربایجان پیوسته به کوه‌های بسیار بلند و اکثراً قراء و مزارع آن در کوه‌های بلند است و ما بین خلخال و قزوین هفت روز و با اردبیل دو روز راه است. در این ولایت قلاع و حصارهای محکمی می‌باشد و باز در همین کتاب از فیروز آباد مرکز قدیم خلخال سخن بمیان آمده است: «فیروز آباد قلعه ایست در خلخال آذربایجان و در اطراف آن خانقاه صوفیه زیاد است».

در کتاب بستان السیاحه و کتاب ریاض السیاحه آمده است: «خلخال جائی نیک و مکانی بدل نزدیک و در قدیم الزمان یکی از ملوک شهری بر سر کوهی بنا نمود و آن شهر را فیروز آباد نام برده ولی مجموع آن ولایت را خلخال می‌گویند.»

خلخال کوهستانی است و ارتفاع زمین از شمال به جنوب و از شرق به غرب آن کاهش می‌یابد. کوه‌های باجیلار در بخش سنجید حد فاصل میان این شهرستان بامیانه می‌باشد. زمستان‌های خلخال سرد و تابستان‌های آن معتدل است. رطوبت دریای خزر در خلخال باعث سردی هوا می‌شود.

درسی.

خلخال (مرکز شهرستان)

شهر خلخال مرکز شهرستان خلخال از شهرستانهای استان اردبیل و در طول جغرافیائی ۳۲ درجه و ۴۸ دقیقه ودر عرض جغرافیائی ۳۷ درجه و ۳۷ دقیقه و در بلندی ۱۷۸۰ متری از سطح دریا و در ۱۱۰ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل و در مسیر راه اردبیل ـ اسالم قرار دارد.

آب و هوا: معتدل و نسبتا سرد، بیشترین درجه گرما ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۲۸ درجه زیر صفر و مقدار باران سالانه بطور متوسط ۴۰۰ میلیمتر می‌باشد.

خورش رستم: از بخش‌های شهرستان خلخال استان اردبیل مرکز این بخش شهر هشتجین و دارای دو دهستان (۱ـ خورش رستم جنوبی به مرکزیت برندق. ۲ـ خورش رستم شمالی به مرکزیت هشتجین.) است. از شمال به بخش‌های گیوی و مرکزی (از شهرستان خلخال)، از مشرق به بخش کلور، از جنوب به شهرستان زنجان و از مغرب به شهرستان میانه محدود می‌باشد.

رودها: رودها فصلی و کوتاه مسیرند و تنها رود مهم این بخش ۱ـ رود قزل اوزن می‌باشد که قسمت کمی از ناحیه جنوب غربی این بخش را آبیاری می‌کند. این رود ازکوه‌های هزار چشمه در شمال غربی سنندج روان گشته و سرانجام به دریای خزر می‌پیوندد ۲ـ رود کشاب چای در جنوب هشتجین از کوه‌های جنوبی مرکز بخش

روان گشته وبه رود قزل اوزن می‌پیوندد.
۳ـ رود دمدل چای که از کوه‌های مشرق مرکز بخش و کوه کتابی سرچشمه گرفته و به سوی جنوب روان است. ۴ـ رود کندیرق که از کوه آلوچه در شمال شرقی بخش روان گشته و در جهت جنوب غربی روان می‌شود و سرانجام به رود قزل اوزن می‌پیوندد.

چشمه‌ها: ۱ـ صحبت بلاغی، ۲ـ زاویه، ۳ـ هفت خانه، ۴ـ چشمه ورگوان در اطراف مرکز بخش جریان دارند.

کوه‌ها: چون این بخش در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد کوه‌های متعددی سر بر افراشته‌اند: ۱ـ کوه آق داغ (۳۳۲۳ متر۹، ۲ـ کوه آلوچه (۲۱۹۹ متر)، ۳ـ کوه کتابی (۲۲۰۰ متر).

دره‌ها: ۱ـ دره‌ی شوش داش، ۲ـ سفر آغاجی، ۳ـ جلبی، ۴ـ دره قارانلوخ، ۵ـ بالشه دره، ۶ـ دره باغی، ۷ـ دره ساربانان، ۸ـ علی کهلی، ۹ـ ترکنو، ۱۰ـ سردار خانه، ۱۱ـ کشلی جان، ۱۲ـ شردره، ۱۳ـ دره‌ی آلاوان.

معادن سنگ سیلیس که فعال و در سال حدود ۵۰۰۰ تن مقدار استخراج دارد.

آب و هوا: نسبتاً معتدل و نیمه خشک.

پوشش گیاهی: درختان سرو، پسته، زالزالک، گلابی و گیاهان داروئی و صنعتی و گیاهان مرتعی برای چرای دام.

جانوران: روباه، خرگوش، گرگ، شغال، گراز، خرس، پلنگ، بزکوهی.

کشاورزی، باغداری، باغداری پایه گذاران زندگی مردم این سامان است.

منابع آب کشاورزی از رود و چشمه فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره بار، بنشن، سیب، انگور و گردو، دام و فرآورده‌های دامی و طیور.

خورش رستم جنوبی: از دهستان‌های بخش خورش رستم شهرستان خلخال استان اردبیل و مرکزش برندق است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه کجا و کوه آق داغ و کوه ممرجو و دره آق سو و دره سلوا قرار و رود آق سو در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، آلو، زردآلو، و گیلاس.

پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، کاسنی، شاتره و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، خرس و کبک.

خورش رستم شمالی: از دهستان‌های بخش خورش رستم شهرستان خلخال استان اردبیل ومرکزش هشتجین است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه قزه تان و کوه ارجلیک پائین و غار ترمه قرار و رود قزل اوزن در آن جریان دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، انگور، سیب، توت، آلبالو، گیلاس و سنجد.

پوشش گیاهی: آویشن، ختمی، کاسنی، خاکشی، بومادران، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، خرس و کبک.

دشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشکین استان اردبیل و مرکزش عباس خان پری خان است. و در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد نیمه خشک و تپه گونی و تپه گوزی قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه، گل گاو زبان، گل بنفشه، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

دورسونخواجه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیر استان اردبیل است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک و کوه کمرقیه و کوه گلستان داغی و تپه فرزی واقع و مرکز این دهستان اسلام آباد است.

فرآورده ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، شبدر و گاودانه و عسل.

پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، غاز اياقی، نوروزگلی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک.

دولت آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی نمین شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش دولت آباد است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرارگرفته است.

فرآورده ها: بنشن، گندم، جو، گلابی، سیب، گوجه و آلو و عسل.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه، بومادران، گل گاو زبان، شیرین بیان، شاتره و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

سبلان: از دهستان‌های بخش سرعین شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش اردویموسی است. و در منطقه‌ای دشتی سرد و خشک قرارگرفته.

فرآورده ها: گندم، جو، یونجه، بنشن و تره بار.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، پونه، ثعلب، بابونه، آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال و کبک.

سردابه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش خشکه رود است. و در منطقه‌ای پایکوهی، سرد خشک قرارگرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، بنشن و تره بار.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، بابونه، پونه، ثعلب، آویشن و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

سرعین: از بخش‌های شهرستان اردبیل استان اردبیل، مرکز این بخش شهر سرعین و دارای دو دهستان (۱ـ سبلان به مرکزیت اردیموسی، ۲ـ آبگرم به مرکزیت ورنیاب) است. سرعین تا قبل از توجه و علاقه‌ی مردم به آب‌های معدنی چندان رونق نداشت.

چشمه‌های آب گرم: ۱ـ آبگرم گاو میش گلی (استخر گاو میش) پر آب‌ترین چشمه‌ی آب گرم سرعین است که ابعاد آن ۲۵×۱۷ متر آب گرم گاو میش گلی از چند نقطه از کف استخر با گاز بیرون می‌آید و از مجرای ضلع شرقی خارج می‌شود. ۲ـ آب گرم قره سو در حوضی به ابعاد ۵/۳×۵ متر قرار گرفته. ۳ـ آب گرم ساری سود آب زرد به وسعت ۷/۵×۶ متر و آب آن در مظهر چشمه ۴۷ درجه سانتی گراد است. خاماچی

سرعین: شهرک سرعین یا سرقین از دهستان ایریدیموسی، از شهرستان اردبیل در مغرب این شهر واقع شده است. فاصله‌اش تا اردبیل ۲۸ کیلومتر تا جاده اردبیل - تبریز ۶کیلومتر است. سرعین قبل از توجه و علاقه مردم برای استفاده از آبهای گرم و معدنی آن، روستای کوچکی بوده است اما در چند سال اخیر، به علت وجود آبهای گرم مورد توجه مسافران و بیماران قرارگرفته، هر سال بر آبادانی و پیشرفت آن افزوده می‌شود. احداث هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و فروشگاهها و ایجاد مؤسسات دولتی، توجه بیشتر مردم اردبیل از نظر سرمایه‌گذاری در مورد تأمین رفاه مسافران،

احداث راه جدید آسفالته اردبیل به سرعین، بر رونق این شهر توریستی افزوده است.

چشمه‌های آب گرم:

الف: آب گرم گاومیش‌گلی (استخر گاومیش) - پرآب‌ترین چشمه گرم سرعین است و استخری به طول ۲۵ و عرض ۱۷ متر برای آن ساخته، دور استخر را با دیواری بلند محصور کرده‌اند. آب گرم از چند نقطه کف استخر با گاز خارج می‌شود و از مجرای ضلع شرقی خارج می‌گردد. حرارت آب گاومیش‌گلی ۴۵ درجه. PH آن ۵/۸ و هدایت الکتریکی آن برای ۲۰ درجه حرارت، ۱۴۳۰ می‌باشد. آب ده آن در حدود ۳۰ لیتر در ثانیه است. این ناحیه را رسوب‌های آبرفتی دوران چهارم پوشانیده و در بعضی نقاط آثار فعالیتهای آتشفشانی به چشم می‌خورد.

ب: آب گرم قره‌سو (آب سیاه)- برای این چشمه دو حوض ساخته‌اند. اندازه حوض‌ها ۵/۳×۵ متر بوده، آب گرم از حوض اول به حوض دوم می‌ریزد. این دو حوض را با دیواری بلند محصور کرده‌اند. حرارت آب گرم قره سو، ۴۱ درجه، PH آن ۶ و هدایت الکتریکی آن برای ۲۰ درجه حرارت، ۱۴۵۰ و آبده آن در حدود ۱/۵ لیتر در ثانیه است.

ج: آب گرم ساری‌سو (آب زرد) - این آب گرم در حوضی به وسعت ۷/۵×۶ متر می‌ریزد و دیواره‌ای به ضخامت ۲۵ سانتی متر، این حوض را از حوض دیگر جدا می‌سازد. حرارت آب در مظهر چشمه ۴۷ درجه، در حوض ۴۴ درجه و PH آن ۶/۲ و هدایت الکتریکی آن برای ۲۰ درجه حرارت ۱۳۵۰ است. آبده آن در حدود ۳ لیتر در ثانیه می‌باشد. اطراف دو چشمه قره‌سو و ساری‌سو را رسوبهای آبرفتی پوشانیده است.

د: آب گرم گنرال (ژنرال) - در حوضی دایره‌ای شکل به قطر ۵/۲ متر آب گرم وارد می‌شود و از مجرایی خارج و به دره سرعین ریخته با فاضلاب تمام چشمه‌های آب گرم مخلوط شده نهر بزرگی را تشکیل می‌دهد که به طرف روستای جنزه یا گنزه جریان دارد. حرارت آب در حوضی ۴۳ درجه، PH آن ۶ و هدایت الکتریکی آن برای ۲۰ درجه حرارت ۱۴۴۰ بوده، آبده این چشمه در حدود ۱/۵ لیتر در ثانیه است.

ه: آب پهن - از کف حوضی به اندازه ۵/۵×۵/۲۰ خارج می‌شود. درجه حرارتش ۳۷/۵، PH آن ۶ است، آبده آن ۱/۵ لیتر در ثانیه است.

و: آب یل‌سویی (آب باد) - این آب از کف حوضی به طول ۴/۷ و عرض ۳/۵ متر خارج می‌شود و از مجرایی در ضلع غربی حوض به خارج جریان می‌یابد. حرارت آب در حوض ۴۱ درجه و PH آن ۵/۶ است. آبدهی این چشمه یک لیتر در ثانیه است.

ز: آب چشم - در حیاط قهوه‌خانه همت واقع شده، مقدار آب آن خیلی کم و در حدود ۶ لیتر در دقیقه است. اهالی منطقه اعتقاد دارند که آب این چشمه برای بیماری‌های چشم مفید است. حرارت آن ۲۱ درجه، PH آن ۵/۲ است. حرارت آن ۲۱ درجه و PH آن ۵/۲ است.

ح: آب گرم قهوه خانه همت - در این قهوه خانه دو حوض ساخته شده که آب از حوض اول وارد حوض دوم می‌شود. حرارت آب قهوه خانه ۴۰/۵ درجه، ph آن ۶ و آبده در حدود یک لیتر در ثانیه است.

ط: آب گرم قهوه خانهٔ ممتاز - دارای دو حوض بوده که به‌وسیلهٔ لوله‌ای سیمانی وارد حوض اول می‌شود. حرارت در مظهر چشمه ۴۷ درجه، PH

آن ۶/۱ و هدایت الکتریکی ۱۵۲۰ می‌باشد. آبده این چشمه در حدود دو لیتر در ثانیه است.

ی: آب گرم بش باجی لر (پنج خواهران) - این آب گرم در فاصلهٔ سیصدمتری جنوب قهوه خانهٔ همت قرار دارد.

ارتفاع چشمه‌های معدنی سرعین از سطح دریا در حدود ۱۳۵۰ متر است.

نتیجهٔ بررسی و آزمایش چشمه‌های معدنی سرعین :

آبهای گرم سرعین، در ردیف آبهای کلروبیکربناتهٔ کلسیک گازدار و خیلی گرم است که مقدار قابل توجهی سیلیس دارند. با در نظر گرفتن هدایت الکتریکی، میزان املاح و باقی مانده خشک آنها، به نظر می‌رسد. که همهٔ این چشمه‌ها یک منشاء دارند و آب اصلی یک آب گرم با منشاء عمیق است، که در مسیر بالاتری مقداری کربنات کلسیم را به صورت بیکربنات کلسیم در خود حل می‌کند. آب چشم در ردیف آبهای کلروبیکربناته کلسیک گازدار است.

سنجید: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خلخال، استان اردبیل است که از شمال به اردبیل از مشرق به حومه خلخال، از جنوب به بخش هشتجین و از جنوب غربی و غرب به شهرستان میانه محدود می‌باشد. به علت کوهستانی بودن، برف‌های زمستانی منبع رودها و چشمه می‌باشد. پوشش گیاهی به صورت استپی است و در بلندی‌ها به صورت مرتع مناسب برای چرای دام می‌باشد. آب معدنی گیوی، محیط دلپذیر و آرام منطقه، هوای لطیف کوهستان و مناظر زیبای طبیعی و اثرات شفابخشی آب‌های معدنی، همه ساله در تابستان‌ها مورد علاقه است. کتابهای درسی

رودها: ۱ـ سنگورچای ۲ـ آرپاچای ۳ـ گیوی‌چای

چشمه‌ها و کاریزها: ۱ـ فوملی گل ۲ـ تزریقی ۳ـ کاریز کوره ۴ـ امیرپور

کوه‌ها: ۱ـ کوه ازنو (۲۱۵۵ متر) ۲ـ کوه پاره‌داغ (۲۱۰۸ متر) ۳ـ کوه عبدل داغی (۲۱۴۵ متر)

تپه‌ها: ۱ـ تپه یارم ییلاق ۲ـ تپه سنگ آباد ۳ـ تپه حوض ۴ـ تپه یتی بلاغ ۵- تپه‌گون لو ۶ـ تپه قوچ اوغلی ۷ـ تپه پلنگی ۸ـ تپه یانگی

دره‌ها: ۱ـ دره قران ۲ـ دالی دره ۳ـ بلاغ آلتی ۴ـ دره چای باغی

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک

رستنی‌ها: درختان افرا، بلوط، ارس، بادام، سیب و گلابی جنگلی، گیاهان دارویی و صنعتی، پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: خرگوش، روباه، گرگ، گراز، خرس، کل، بز، کفتار، جوجه‌تیغی، پلنگ، سمور، قرقی، انواع مرغابی، حواصیل، آنقوت، خودکا، بوتیمار، فاخته، بلدرچین، دارکوب و کبک

درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و باغداری قرار دارد.

آب کشاورزی از رود، چشمه فراهم و به دو روش آبی و دیمی کشت می‌شود.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، سیب، گلابی، انگور، گیلاس و آلبالو، دام و فرآورده‌های دامی، طیور

سنجید جنوبی: از دهستان‌های بخش فیروز شهرستان کوثر استان اردبیل و مرکزش فیروز آباد است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه خشک و دره‌ی خلخال و تپه‌ی گل پره قرار و رود فصلی لیکوان در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، بنشن، سیب زمینی، گوجه فرنگی، سیب، گلابی، گیلاس، آلبالو،

آلوچه، گردو، زرد آلو، توت و چوب درختان چنار، تبریزی و بید.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان، خاکشی، ختمی، پونه، آویشن، بنفشه، مریم گلی، کاسنی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، خرس و کبک.
سنجید شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوثر استان اردبیل و مرکزش خلف لو است. و در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه مرطوب و کوه چرّابا وکوه ساری داش وکوه جوره وکوه یلی و کوه جوزخان دوش و دره مجدروگن دره قرار و رود آرپا چای در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و عسل.
پوشش گیاهی: آویشن، بلاغ اوتی، خاکشی، پونه، ختمی، گل گاو زبان، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.
سنجید غربی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوثر استان اردبیل و مرکز آن گنجگاه است.
سیمیه: از بخش‌های شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی، دارای ۳ دهستان (۱ - بهی دهبکری ۲ - آقتاچی شرقی ۳ - آختاچی محالی و مرکز آن شهر قره موسالو است.)
شال: از دهستان‌های بخش شاهرود شهرستان خلخال استان اردبیل و مرکزش شال است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک وکوه‌های ولان و ممان کوه هفته خوانی، کوه انجلنو و دره‌ی خندل و دره‌ی پلنگاه و دره‌ی انجلنو قرار و رود چملو گبن جریان دارد.
فرآورده ها: گندم، جو، یونجه و عدس.
پوشش گیاهی: گل ختمی، پونه، آویشن، مریم گلی، کاسنی، گل بنفشه، گون و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز، پلنگ و خرس و کبک.
شاهرود: از بخش های شهرستان خلخال استان اردبیل مرکز آن شهرک کلور می‌باشد.
شاهرود (بخش): از بخش‌های شهرستان خلخال (به مرکزیت کلور)، استان اردبیل است که از شمال به بخش مرکزی خلخال، از مشرق به شهرستان تالش، از جنوب به شهرستان زنجان و از مغرب به شهرستان میانه محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر کلور و دارای سه دهستان (۱ـ پلنگا، ۲ـ شال، ۳ـ شاهرود) است.
رودها: ۱ـ رود شاهرود، ۲ـ رود سرور آباد، ۳ـ رود ایری چای.
چشمه‌ها: ۱ـ چشمه‌ی آب دره، ۲ـ چشمه‌ی سوسن، ۳ـ چشمه سجن، ۴ـ چشمه‌ی پلنگا ـ چشمه‌ی ورازشت.
دره‌ها: ۱ـ گنجه دره، ۲ـ آبه دره، ۳ـ حشیش کش، ۴ـ تازه دره، ۵ـ لاره دره، ۶ـ دره ملان، ۷ـ دره دینارلو، ۸ـ دره جندیان.
کوه‌ها: ۱ـ رشته کوه تالش از مشرق، ۲ـ رشته کوه پلنگا از مغرب امتداد دارد. ۳ـ کوه آق مسجد (۲۶۶۶ متر) ۴ـ کوه استله گوز (۲۷۷۱ متر) ۵ـ کوه سنگ ساری (۲۸۵۵ متر)، ۶ـ کوه زرین کف (۲۰۰۵ متر) ۷ـ کوه ساسِک (۲۵۵۱ متر) ۸ـ کوه پلنگا (۲۸۸۶ متر) ۹ـ کوه آق داغ (۲۷۴۵ متر) ۱۰ـ کوه ترسه خانی (۲۸۶۵ متر).
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک است.
رستنی‌ها: درختان آزاد، افرا، ارس، مازو، اولاس و زالزالک ـ گیاهان داروئی و صنعتی ـ پوشش

گیاهی کافی برای چرای دام.
جانوران: روباه، گراز، گرگ، شغال، خرگوش، خرس، لاکپشت، کبک، زاغ، بلبل، بلدرچین، قرقی و جغد.
درآمد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامپروری استوار است. کشت به دو صورت آبی و دیمی انجام می‌شود.
شعبان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش شعبان است و در منطقه‌ای دشتی، سرد و نیمه خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن.
پوشش گیاهی: ترشک و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
صلوات: از دهستان‌های بخش مرادلو شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش صلوات است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه بالوجه داغ قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو و بنشن.
پوشش گیاهی: آویشن، پونه، غاز ایاقی، شنگ، کاسنی، شاتره، قارچ و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
عنبران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش عنبران سفلی است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گاودانه، سیب درختی، گلابی و زرد آلو.
پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی، پونه، بومادران و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک و قرقاول.

فولادلوی جنوبی: از دهستان‌های بخش هیر شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش بودالالو است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک و کوه قره گونی قرار گرفته.
فرآورده ها: گندم، جو، بنشن.
پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی، بابونه، بومادران و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال و کبک.
فولادلوی شمالی: از دهستان‌های بخش هیر شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش آزادلوی بزرگ است و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: تره بار، گندم، جو و بنشن.
پوشش گیاهی: آویشن، پونه، بومادران، ختمی، گل بنفشه، و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، شغال، روباه، خرگوش و کبک.
قره سو: از دهستان‌های بخش مشکین شرقی شهرستان مشکین شهر و مرکز آن فخر آباد است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و تپه قاشقالین و تپه سنگر قرار گرفته و شهر آن لاهرود می‌باشد. هم چنین لاهرود مرکز بخش مشکین شرقی است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، انگور، سیب و گردو و عسل.
پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، ختمی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
قشلاق شرقی: از دهستان‌های بخش قشلاق دشت شهرستان بیله سوار استان اردبیل و مرکزش جعفر آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل نیمه مرطوب قرار گرفته.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز.
قشلاق شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان پارس آباد استان اردبیل و مرکزش اسلام آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل نیمه مرطوب قرار گرفته است.
فرآورده‌ها: پنبه، چغندر قند، گندم و ذرات.
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: روباه، خرگوش، گراز، اردک و غاز وحشی.
کلخوران: یکی از روستاهای جالب استان اردبیل و در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل در منطقه‌ای دشتی برافراشته شده است که مردم آن بیشتر به کشاورزی و دامداری سرگرمند. ۱ ـ پل کلخوران ۲ ـ آرامگاه سید محمدالاعرابی ۳ ـ آرامگاه حضرت حمزه ۴ ـ حصار گلی بلند از جمله دیدنی‌های روستای کلخوران می‌باشد.
کلخوران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش کلخوران شیخ است. و در منطقه‌ای دشتی، سرد و خشک قرار گرفته.
فرآورده ها: گندم، جو، بنشن، تره بار، یونجه، سیب و گیلاس.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان، ختمی، گل بنفشه، بومادران، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، کبک.
کوثر (شهرستان): از شهرستان‌های استان اردبیل مرکز آن شهر گیوی و دارای دو بخش است: ۱ـ بخش مرکزی به مرکزیت گیوی و دارای دو دهستان ۱ـ سنجید شمالی به مرکزیت خلف لو ۲ـ سنجید غربی به مرکزیت کنجگاه ۳ـ بخش فیروز به مرکزیت فیروزآباد کوثر از بخش‌های شهرستان کوثر بخش مرکزی استان اردبیل و مرکز آن شهر گیوی و دارای دو دهستان ۱ـ سنجید غربی به مرکزیت گنجگاه ۲ـ سنجید شمالی به مرکزیت خلف لو می‌باشد.
کورائیم: از بخش‌های شهرستان نیراستان اردبیل و مرکز آن کورائیم و دارای ۳ دهستان ۱ـ یورتچی شرقی ۲ـ یورتچی غربی ۳ـ مهماندوست است.
گرده: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش گرده است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قارون داغی و سیاه‌کوه قرار و رود فصلی پیله رود در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، زردآلو، سیب و سنجد.
پوشش گیاهی: اسپند و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
گرمی (شهرستان): از شهرستان‌های استان اردبیل و مرکز آن شهر گرمی است.
دارای سه بخش ۱ـ انگوت به مرکزیت تازه کند انگوت ۲ـ بخش مرکزی به مرکزیت شهر گرمی ۳ـ بخش موران به مرکزیت زهراست.
بخش مرکزی گرمی دارای ۴ دهستان می‌باشد ۱ـ اجارود شمالی به مرکزیت شکرآب ۲ـ اجارود غربی به مرکزیت دیزج ۳ـ اجارود مرکزی به مرکزیت حمزه خانلو ۴ـ آنی به مرکزیت آنی می‌باشد.
از شهرستان‌های استان اردبیل، از شمال، شمال باختری، خاور و جنوب خاوری به جمهوری آذربایجان، از جنوب به شهرستان مشکین‌شهر و از باختر به شهرستان اهر محدود است.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ بخش انگوت و نه دهستان ۱ـ اجارود شرقی ۲ـ

اجارود غربی ۳ـ اجارود مرکزی ۴ـ اجارود شمالی ۵ـ انگوت شرقی ۶ـ انگوت غربی ۷ـ پائین برزند ۸ـ آزادلو ۹ـ آنی.

رودها: ۱ـ رود ارس، در مناطق شمالی باختری شهرستان گرمی روان است رودهایی چون قرسو به آن می‌پیوندد. بر روی رود در دهستان اصلاندوز سدی بسته شده که آب رود را میان جمهوری آذربایجان و دشت مغان تقسیم می‌کند. ۲ـ روده قره‌سو از دو شاخه پدید آمده ۱ـ اهر چای که از بلندی‌های قوشه داغ در شهرستان اهر روان گشته و رود قره‌سو ازکوه‌های آبیناس در شهرستان اردبیل روان گردیده. این دو شاخابه در شهرستان مشکین شهر به هم پیوسته و به نام قره‌سو گفته می‌شود و سرانجام به رود ارس می‌پیوندد. ۳ـ بالها رود، از جنوب خاوری گرمی در خاک جمهوری آذربایجان سرچشمه گرفته، قسمتی از خط مرزی میان ایران و جمهوری آذربایجان را پدید می‌آورد. بالها رود با جریان خود به سوی شمال شاخابه‌هایی چون جین‌سو، ساری قیمش، الزرچای و سردره به آن می‌پیوندد تا این که در منطقه بیله‌سوار، راهش را به سوی آذربایجان تغییر می‌دهد و به رود ارس می‌پیوندد. ۴ـ رود ساری قمیش از کوه‌های خردسلو در شمال گرمی روان گشته و به بالهارود می‌پیوندد. ۵ـ جین‌سو از بلندی‌های مرزی ایران و جمهوری آذربایجان در خاور شهر گرمی روان گردیده تا این که به بالها رود می‌پیوندد. ۶ـ رود سمبورچای از بلندی‌های خاک مرزی ایران و جمهوری آذربایجان در جنوب خاوری گرمی روان گشته و پس از آبیاری مسیرش به رود قره‌سو می‌پیوندد.

کوه‌ها: دشت مغان دنباله جلگه‌های ساحلی دریای خزر است که بلندی متوسط آن در کرانه رود ارس و بالهارود میان ۵۰ متر تا بیشتر است که هر چه به سوی جنوب پیش می‌رود بر بلندیش افزوده می‌شود تا جایی که کوه‌هایی چون ۱ـ رشته کوه صلوات به طول ۴۶ کیلومتر ۲ـ کوه قلی‌تاش ببلندی ۲۲۰۴ متر ۳ـ کوه دنگوزگدوک به بلندی ۲۰۵۰ متر ۴ـ کوه کلانتر به بلندی ۱۹۵۰ متر بر دامنه‌های این کوه‌ها مراتع سرسبزی روئیده است.

کان‌ها: سنگ ساختمانی

آب و هوا: معتدل مایل به گرم و مرطوب - آب و هوای جلگه مغان در تابستان گرم و در زمستان سرد است.

رستنی‌ها: درختان بادام وحشی، افرا، بلوط، انار ترش، انواع درمنه، داغد اغان قیچ و زبان گنجشک -گیاهان دارویی و صنعتی:گل گاوزبان، خاکشی، آویشن، گل ختمی، گل بنفشه، شیرخشت، شیرین‌بیان و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، خرگوش، شغال، خرس، گراز، کل، آهو، کبک، قرقاول، تیهو و بلدرچین.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. خاک حاصلخیر و آب کافی ومکانیزه شدن شیوه کشاورزی، مایه پیشرفت تولیدات کشاورزی گشته است. از این گذشته مجتمع کشت و صنعت مغان در گسترش و بالا بودن سطح تولیدات مؤثر می‌باشد.

دامداری به واسطه مراتع خوب از رونق فراوانی برخوردار است چه دشت مغان قشلاق عشایر شاهسون می‌باشد. اصلاح نژاد دام و تقویت مراتع و انتقال سریع دام از ییلاق به قشلاق از جمله اقدامات در زمینه دامپروری است.

پرورش زنبور عسل نیز از منابع درآمد و از

صادرات شهرستان گرمی است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، کنجد، پنبه، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، سیب، انار، گلابی، گردو - دام و فرآورده‌های دامی

دشت مغان در آخرین حد شمالی کشور، در سمت غربی دریای مازندران و شمال شرقی آذربایجان شرقی قرار گرفته، این دشت از شمال و مشرق به رود ارس و مرز جمهوری آذربایجان از جنوب به شهرستان اردبیل و مغرب به رود دره رود و شهرستان اهر محدود است و فاصله‌اش تا دریای خزر ۷۵ کیلومتر می‌باشد. دشت مغان به وسیله رودخانه ارس به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. مساحت کل شهرستان گرمی ۵۴۸۴ کیلومتر مربع است.

شهرستان گرمی سرزمینی هموار و مسطح است که از آبرفت‌های رود ارس و شاخابه‌هایش پدید آمده است. به جز از مرز مشترک گرمی با مشگین شهر و جمهوری آذربایجان، در منطقه جنوبی و جنوب شرقی گرمی که شکل کوهستانی دارد در بقیه نقاط آن عارضه مهمی به چشم نمی‌خورد. این شهرستان در حوزه آبریز دریای خزر قرار گرفته، قسمت شمالی آن ۱۰۰ متر و بقیه نقاط آن بیش از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارد. شیب عمومی این منطقه به سوی شمال و شمال شرقی است. در جنوب دشت مغان ارتفاعات خروسلو، آن را از دو بخش انگوت و اجارود جدا کرده است. بنابه تقسیم‌بندی کوسن، آب و هوای شهرستان گرمی، دارای اقلیم مدیترانه‌ای است. نوسان حرارت در این اقلیم کمتر و بارندگی در همه فصول سال وجود دارد. این دشت دارای زمستان‌های معتدل و تابستان‌های گرم است. حداکثر بارندگی سالانه آن ۳۰۰ میلیمتر است. خاماچی

قسمتی از سرزمین مغان مسطح و از آبرفت رود ارس و شاخابه‌های آن پدید آمده است. درسی دشت مغان در غرب دریای خزر به وسعت حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار کیلومتر مربع این دشت با حرارتی میان ۲/۳ تا ۳۵ درجه سانتی‌گراد منطقه‌ای است و معتدل. خاماچی

گوگ تپه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیله سوار و مرکزش گوگ تپه است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه مرطوب قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم و جو و بنشن.
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

مشکین شرقی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش آلی است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد و نیمه خشک، کوه سنگر و کوه گردو و دره خیاوچای و دره‌ی چای لاق و قار دره قرار گرفته.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه.
پوشش گیاهی: بلاغ اوتی، شیرین بیان و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.

مشکین غربی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش قصابه است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه پیر بلاغ، کوه جان یورد و کوه پشیکلی، آقا دره سی و دره‌ی پیر بلاغ و دشت بدوست قرار گرفته.
فرآورده ها: گندم، جو و بنشن، گاودانه و یونجه.
پوشش گیاهی: کهلیک اوتی، پونه و خاکشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

مشکین شرقی: از بخش‌های شهرستان مشکین

شهر به مرکزیت لاهرود، دارای سه **دهستان**: ۱ـ قره‌سو به مرکزیت فخرآباد ۲ـ لاهرود به مرکزیت لاهرود ۳ـ نقدی به مرکزیت نقدی علیا

مشکین شهر: خیاو معبر و پناهگاهی بوده برای سوداگران و درمانده‌ها، و در قرون اولیه اسلامی برای مجاهدان و از جان گذشتگانی که پشت سبلان سنگر گرفته بودند و هر گوشه این سامان نشانه‌هایی از آن روزها را به یادگار نگهداشته است ؛ حتی قدیم‌تر از آن روزگاران، مدنیّت ناشناخته و بزرگی در این حوالی بوده که همچنان دست نخورده زیر خاک مدفون است.

خیاو در حاشیه سرزمینی افتاده که روزگاری به اسم «آران» مشهور بوده، زبان خاصی داشته که تا قرن چهارم هجری، با همه آشفتگیها و آمیختگیها، پایدار بوده است. سکه‌هایی که به دست آمده، متعلق به چند دوره تاریخی با فاصله زمانی کوتاه و دراز و اغلب مربوط به زمان اتابکان آذربایجان است.

نخستین سکه‌ای که تازیان در «ارّان» زده‌اند سال ۹۰ هجری بوده است. در همان منطقه، قبرستانها و نشانه‌هایی مانده از سالهای اولیه اسلامی و روی این احتمال می‌شود گفت خیاو یا مشگین‌شهر نیز یک آبادی اسم و رسم‌داری بوده که گرچه در بیشتر کتابهای جغرافیایی اسلامی نامی از آن ذکر نشده، ولی حمدالله مستوفی در سال ۷۴۰ هجری خیاو را قصبه‌ای خوانده، حدود و ثغورش را نشان داده حتی حقوق دیوانی‌اش را ذکر کرده است: «خیاو قصبه‌ای است در قبل کوه سبلان افتاده است و چون سبلان در شمال اوست هوایش رو به گرمی مایل است. آبش از کوه جاری است. باغستان اندک دارد حاصلش غله بیشتر بوده، مردمش اکثراً موزه‌دوز و چوخاگر هستند حقوق دیوانی‌اش دو هزار دینار است.» با این حساب، قدمت خیاو را می‌شود تا قرون اولیه اسلامی برد. هرچند که موقعیت جغرافیایی‌اش این خیال را در ذهن به وجود می‌آورد که در سالهای پیشتر نیز منطقه خالی نبوده، گرچه بیشتر آنچه به دست آمده مربوط به دوره اسلامی است، ولی قبور گبرها یا زردشتیان که در تمام حوالی پراکنده است، این فکر را بیشتر تأیید می‌کند.

خیاو در دوره صفویه رونق بیشتری پیدا کرده چنانکه، یکی از اولاد شیخ صفی، شیخ حیدر نام حاکم و والی منطقه مشگین و برزند مغان بوده که در یکی از دره‌ها به دست مردمی به اسم شیروانشاه قره‌باغی کشته می‌شود. وی نوه دختری شاه صفی و نوه پسری شیخ صفی بوده و شاه اسماعیل فرزند این مرد و خود شاه اسماعیل نیز در خیاو به دنیا آمده است.

سند باارزشی که از دوره عباس میرزا باقی مانده، کتابی است به نام تاریخ العجم و الاسلام که شیخ عبدلغفور ثامن نامی نوشته و نکته‌های تاریک راجع به خیاو و آبادیهای اطراف را روشن می‌کند. مدتی بعد از حکومت عباس میرزا در آذربایجان، خیاو توجه ایلات شاهسون را که در حال قدرت گرفتن بودند جلب می‌کند، ییلاقات شاهسونها در دامنه ساوالان رفته‌رفته وسیع‌تر شده، خیاو را مثل حلقه در میان می‌گیرد. سپس کشتار و غارت آغاز می‌شود. مدتها این وضع اسفناک ادامه پیدا می‌کند تا سرانجام در زمان ناصرالدین شاه، حاکمی به نام حسنعلی خان جنرال به مشگین شهر وارد شده، به شرارتها پایان می‌دهد و آرامشی در خیاو پیدا می‌شود.

از وقایع مهم خیاو، پیروزی مشروطه خواهان، سرکوبی اشرار و گوشمالی آنها در مدت ۲۰ سال

حکومت رضاخانی، اسکان عشایر در مشگین‌شهر و قحطی در سال ۱۲۹۴ و ۱۳۲۷ شمسی می‌باشد.

مشکین شهر (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکز آن شهر مشکین شهر و دارای ۴ دهستان ۱ـ دشت به مرکزیت عباس‌آباد پریخان ۲ـ شعبان به مرکزیت شعبان ۳ـ مشکین شرقی به مرکزیت آنی ۴ـ مشکین غربی به مرکزیت قصابه.

مشکین شهر (شهرستان): از شهرستان‌های استان اردبیل است که ۳۴۹۰ کیلومتر مربع مساحت دارد از شمال با شهرستان گرمی، در جنوب خاوری با شهرستان اردبیل و در باختر با شهرستان اهر و هریس هم‌مرز و همسایه است. این شهرستان در دامنه شمالی کوهستان سبلان قرار گرفته و به صورت دشتی با شیب تند به زمین‌های پست شمالی و از جنوب غربی به شهرستان سراب منتهی می‌گردد.

مرکز این شهرستان، شهر مشکین‌شهر می‌باشد که در ۳۸ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و در ۱۳۹۵ متری از سطح دریا و در ۸۳۶ کیلومتری تهران و در ۸۴ کیلومتری اردبیل و در ۷۴ کیلومتری اهر قرار گرفته است.

خیاو یا مشکین شهر کنونی که قبلاً به آن پیشگین نیز می‌گفتند، ترکیبی است از ده و شهر که مورد توجه شاهسون‌ها می‌باشد.

حمدالله مستوفی شهر وراوی را به جای پیشکین، مشکین ذکر کرده می‌نویسد: مشکین را در آغاز وراوی می‌خواندند و چون پیشکین (مشکین) گرجی حاکم آن جا شد بدو معروف گشت. کوه سبلان در شمال آن است و آبش از آن کوه است چون در زبان آذری با به میم تبدیل می‌شده چنان که بیشه را «میشه» می‌گفتند از این رو پیشکین که ماخوذ از نام امیر پیشگین گرجی است تبدیل به مشکین شده است.

خیاو: حمده الله مستوفی می‌نویسد آن قصبه‌ای است که در کوه سبلان افتاده و چون سبلان در شمال اوست به گرمی مایل است. این نا حیه از طرف شمال به گرمی و از جنوب به مقسم‌المیاه سلسله جبال سبلان و از مشرق به اردبیل (محال و لگیج و از مغرب به اهر محدود است. قصبه آن تکلفه است. خیاو را امروز مشکین شهر گویند.»

این شهرستان در دامنه شمالی کوهستان سبلان قرار گرفته و به صورت دشتی با شیب تند به زمین‌های پست شمالی منتهی می‌شود. آب و هوایش در زمستان سرد و در تابستان معتدل و رود خیاوچای و انارچای و چشمه‌های متعدد، زمین این منطقه را آبیاری می‌کنند. وجود بلندهای سبلان در جنوب این شهرستان و جلگه‌های پست گرمی، سبب پدید آمدن مراتع خوب و در نتیجه اسکان عشایر در این سامان گشته است. کتابهای درسی

تقسیمات کشوری: دارای سه بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ مرادلو ۳ـ ارشق و دارای ۱۲ دهستان ۱ـ دشت ۲ـ شعبان ۳ـ مشکین شرقی ۴ـ مشکین غربی ۵ـ یافت ۶ـ قره‌سو ۷ـ نقدی ۸ـ ارشق شمالی ۹ـ ارشق غربی ۱۰ـ ارشق شرقی ۱۱ـ ارشق مرکزی ۱۲ـ صلوات و ۳۰۳ روستا است.

رودها: ۱ـ رود خیاوچای که از دامنه‌های شمال سبلان سرچشمه گرفته به رود قره و سرانجام به رود ارس می‌پیوندد. ۲ـ رود مشکین چای

کوه‌ها: کوه سبلان به بلندی ۴۸۱۱ متر مشرف به مشکین شهر و پیوسته پوشیده از برف و چشمه‌های آب گرم و سرد از آن روان است.

کان‌ها: معدن پوکه
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان بلوط، گز، گوجه، ورگ، بید، بادام کوهی، زالزالک، زرشک و تمشک. گیاهان دارویی و صنعتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، خرس، خرگوش، روباه، گوزن، لاک پشت، موش صحرایی، گراز، بزکوهی، کبک، اردک و غاز وحشی و بلدرچین
مغان: سابقه تاریخی: از مندرجات کتب جغرافیایی قدیمی چنین بر می‌آید که دشت مغان روزگاری آباد بوده و مدنیتی داشته است که بعدها در اثر حوادث نامعلومی از میان رفته و گرد فراموشی بر صفحات آن نشسته است.
در کتاب بستان السیاحه آمده است:
«ولایتی است مشهور و دیاری است مذکور مشتمل بر بلاد قدیم و نواحی عظیمه و مراتع دلکش و مواضع بسیار خوش از اقلیم پنجم و هوایش خرم، و محدود است از شمال به ولایت شیروان و از جنوب به ملک آذربایجان و از مشرق به ارض طالش و از مغرب به گرجستان.»
گویند بنای آن‌جا را مغان نام نموده و بعضی گویند که جمعی از مغان و موبدان زردشتی آن ولایت را آباد کرده‌اند فرقه‌ای بر آنند که گنجه - قراباغ - بردع از بلاد مغان است مردمش عموماً شیعی مذهب و جبلی مشربند. ترک زبان و با غربا مهربانند. از طایفه قزلباش، طایفه شاهسون در آن دیار هستند و بسیارند.»

شهرهای تاریخی مغان

۱. باجروان: باجروان از اقلیم چهارم است در اول شهرستان مغان بوده و اکنون خراب است و به قدر دیهی معمور. در المسالک و الممالک آمده است:
«هوای بجروان به گرمی مایل است و آبش از جبالی که در حدود آن است بر می‌خیزد حاصلش غیر از غله چیزی دیگر نباشد.»

۲. برزند: از اقلیم چهارم است شهری وسط بوده. همان آبادی خراب شده‌ای که افشین سدار دودل و مرند ایرانی به هنگامی که کمر به خدمت خلیفه عباسی بسته بود، تعمیرش کرد و شکلی و حالی بدان داد و پایگاه خود ساخت تا روزی که بابک را با مکاری گرفتار کرد و برزند که نامش در کتابهای جغرافیا و وقایع الایام قدیم چون المسالک و الممالک ابن خرداد به، صورالاقالیم استخری، البلدان یعقوبی، صورةالارض ابن‌حوقل، احسن التقاسیم مقدسی و نزهة القلوب مستوفی و دیگران آمده، هنوز هم با تمام پیری و شکستگی، زنده است و نفس می‌کشد و هم چون محتضر نفرین شده‌ای که محکوم است قیام قیامت جان بر لب زیر آفتاب و بهار بیاید و او را در لباس دلهکها به قتلگاه برسانند و جانش را بگیرند. تمام ماجرا در برزند اتفاق نیفتاده و تمام ناحیهٔ مشگین و اطراف ساوالان پایگاه بابک و یارانش بوده است. دلاوران بپاخاسته‌ای که کاتبان و کاسه لیسان خلیفه تهمت زده‌شان کردند و اگر بدانی که آنها در چه روز و روزگاری برای قیام بپاخاستند، حق می‌دهی به ایشان که در قلب ساوالان پناه بگیرند و از لانه عقاب با دشمن پنجه در پنجه کنند و باز در همین خاکها است که وقتی ناجوانمردانه این پهلوانان به خاک و خون کشیده شدند. بساط دستگاه خلیفه ستمگر وسعت یافت و با ولع بی‌پایان گسترده شد و بعد از این ماجرا است که قبرستان دوره اسلامی در این گوشه و آن گوشه پراکنده شده که تاریخ بیشتر آن‌ها به قبل از سال ۳۰۰ هجری هم می‌رسد که نمونه‌هایی از این قبرها در انار و در قبرستان «قره باغلار» هم اکنون می‌توان دید و سکه‌های

مسی و نقره‌ای فراوان نشانه تسلط کامل دستگاه اسلامی است.

۵. همشهره: از اقلیم پنجم است به ساحل بحر جیلان از او تا دریا قرب دود فرسنگ بود. در اول ابرشهره می‌خوانده‌اند و جای نشست فرهادبن گودرز بوده که او را بخت‌نصر شمارند.

مقدسی در احسن التقاسیم، برزند را از شهرهای آذربایجان می‌شمارد و ورثان، موقان، میمد، برزند را با هم نام می‌برد. و جای دیگر می‌گوید:

«برزد شهر خردی است و بازارگاه ارمنیان است و بندرگاه این ناحیه و جای خوش آب و هوا سازگاری است.»

مهماندوست: از دهستان‌های بخش کورائیم شهرستان نیر استان اردبیل و مرکزش مهماندوست علیاست. و در منطقه‌ای دشتی سرد و خشک واقع شده است.

فرآورده‌ها: گندم، جو و بنشن.

پوشش گیاهی: آویشن، پونه، گل گاو زبان، بومادران، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، شغال و کبک.

نقدی: از دهستان‌های بخش مشکین شرقی شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش نقدی علیاست. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و تپه شوش داغ و تپه قوزیه و و تپه اوش دم و تپه چهل گزی و بیوک دره قرار و رود فصلی بیوک دره جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، بنشن، سیب زمینی، زردآلو، سیب، آلو، گردو و گیلاس.

پوشش گیاهی: آویشن، شیرین بیان، خاکشی، ختمی، گل مریم و گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

نمین: از شهرستان‌های استان اردبیل، مرکز آن شهر نمین. دارای سه بخش (مرکزی به مرکزیت شهر ۱ـ بخش مرکزی شهر نمین، ۲ـ بخش عنبران به مرکزیت عنبران، ۳ـ بخش ویلکیج به مرکزیت آبی بیگلو نمین) ۴ ـ دولت‌آباد ۵ ـ میناباد به مرکزیت میناباد ۶ ـ ویلکیج جنوبی به مرکزیت حور ۷ ـ ویکیچ مرکزی به مرکزیت آبی بیگلو و دارای ۱۰۲ روستا است.

بخش مرکزی نمین از بخش‌های شهرستان نمین استان اردبیل و مرکز آن شهر نمیل و دارای ۴ دهستان ۱ـدولت‌آباد ۲ـگرده ۳ـویلکیج شمالی است.

نمین از شهرستان‌های استان اردبیل، از شمال و شمال خاوری به جمهوری آذربایجان، از خاور به آستارا، از جنوب خاوری به طالش، از جنوب به بخش مرکزی شهرستان اردبیل و از باختر به مشکین شهر محدود است.

رودها: رود نمین چای از مهم‌ترین رودهای شهرستان نمین است که از کوه‌های مرزی ایران و جمهوری آذربایجان سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از شهر نمین به سوی جنوب باختری روان گشته و به رود قره‌سو می‌ریزد.

کوه‌ها: بلندترین قله کوه آسبیناس به بلندی ۲۰۰۵ متر در این شهرستان است.

کان‌ها: ۱ـ سنگ خارا در هشت کیلومتری شمال باختری شهر نمین ۲ـ سنگ مرمر در ۵ کیلومتری شهر نمین ۳ـ سنگ گچ در ۲ کیلومتری شمال باختری شهر نمین

آب و هوا: معتدل و نیمه مرطوب، در تابستان معتدل و در زمستان سرد و یخبندان است. نفوذ رطوبت دریای خزر اثر مهمی در آب و هوای این بخش دارد. رود نمین چای که از کوه‌های شمالی و بلندی‌های طالش سرچشمه می‌گیرد. پس از مشروب کردن اراضی به قره‌سو می‌ریزد. سطح حوزه آبریز نمین چای حدود ۶۰ کیلومتر مربع و

حجم آب آن ۴/۷۳ میلیون متر مکعب در سال است در جنوب غربی نمین جنگل‌های پهناوری از درختان فندق و ازگیل وجود دارد.
مردمان این سامان به زبان ترکی و فارسی با گویش طالشی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان فندق، ازگیل، افرا، زبان گنجشک، انواع درمنه، بادام وحشی، گیاهان دارویی و صنعتی: گلپر، گل زرد، کهلیک اوتی، بومادران، خاکشی، بابونه، قراباغی، ثعلب، گل بنفشه، کلوله، ترشک، هووشنه و شاتره پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، خرس، شغال، روباه، خرگوش، کبک، غاز، اردک وحشی، لک لک، حواصیل و درنا
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و صنایع دستی استوار است.
نوع کشت بیشتر دیمی، آب کشت آبی از رود نمین چای، جنس خاک شنی و رسی است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، تره‌بار، سیب، گلابی، گیلاس، آلبالو، آلوچه، زردآلو
دامداری و دامپروری دومین فعالیت اقتصادی این بخش به شمار می‌رود. صنایع دستی مخصوصاً قالی‌بافی دارای اهمیت است.
کارخانه سیمان اردبیل که در بخش نمین قرار دارد برای مردم این سامان اشتغال‌زا می‌باشد.
نیر: از شهرستان‌های استان اردبیل است که از شمال به مشکین‌شهر و اردبیل، از مشرق به اردبیل، از مغرب به سراب و از جنوب به میانه و خلخال محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ کورائیم و ۵ دهستان ۱ـ دورسونخواجه ۲ـ رضاقلی قشلاق ۳ـ یورتچی شرقی ۴ـ یورتچی غربی ۵ـ مهماندوست و ۱۰۲ روستا است.
رودها: ۱ـ آق لاقان چای ۲ـ بالخلوچای و چشمه‌های غربی بسیار
کوه‌ها: ۱ـکوه قصر داغ (۲۷۰۰ متر) ۲ـکوه گونی (۲۶۰۰ متر)
آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان زالزالک، گلابی وحشی، ازگیل، جنگلی و ارژن ـگیاهان دارویی و صنعتی: پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، گراز، کفتار، سبزه قبا، شاهین، کرکس، بلبل.
جمعیت: ایلات و عشایر در این شهرستان غیر کوچرو هستند.
زبان: ترکی
درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی استوار است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای، چغندر قند، تره‌بار، بنشن، ذرت علوفه‌ای، محصولات باغی، دام و فراورده‌های دامی، طیور، عسل، صنایع دستی و صنایع کارگاهی، قالی، گلیم، جاجیم و موزائیک، آرد و... است.
واریان: از دهستان‌های بخش ایواوغلی شهرستان خوی استان آذربایجان غربی و مرکز آن مهلزا است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک
فرآورده‌ها: گندم، جو، زردآلو، سیب
پوشش گیاهی: آویشن و پونه و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه و خرگوش
ویلکیج: از بخش‌های شهرستان نمین استان اردبیل، مرکز این بخش شهر آبی بیکلو و دارای دو دهستان (۱ـویلکیج جنوبی، ۲ـویلکیج مرکزی) است.
ویلکیج جنوبی: از دهستان‌های بخش ویل کیج شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش حور است.

در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد خشک و کوه قره اول قرار گرفته.

رود سقزجی (سقه چی) در این سامان جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گاودانه، تره بار و شبدر.

پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ویلکیج شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش ننه کران است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک قرار گرفته.

فرآورده ها: گندم، جو، سیاه دانه، بنشن، یونجه و شبدر.

پوشش گیاهی: بومادران، پونه، بابونه، درختان، بلوط، ازگیل و فندق جنگلی و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

ویلکیج مرکزی: از دهستان‌های بخش ویلکیج شهرستان نمین استان اردبیل و مرکزش آبی بیگلو است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار گرفته.

فرآورده‌ها: گندم، جو و سیاه دانه.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، گل بنفشه، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش.

هیر: از دهستان‌های بخش هیر شهرستان اردبیل استان اردبیل و مرکزش هیر است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک قرار دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، یونجه، شبدر و تره بار.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، آویشن، خاکشی، گلپر و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

هیر (بخش): از بخش‌های شهرستان اردبیل، استان اردبیل، از شمال به حومه اردبیل، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان طوالش، از جنوب به شهرستان خلخال و از باختر به بخش شهرستان محدود است.

تقسیمات کشوری: دارای سه دهستان فولاد لوی جنوبی ۲- فولادلوی شمالی ۳- هیر است.

رودها: ۱- هیرچای یا تنه‌جی که از بلندی‌های بغروداغ روان گشته است، شاخابه‌ای به نام تانی‌دره که به دریاچه نئور می‌پیوندد، این دریاچه در ۱۰ کیلومتری جنوب خاوری هیر قرار دارد. ۲- گردو چای یا قره‌چای از کوه‌های بزقوش در مناطق جنوب باختری شهرستان اردبیل سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری بخش نیر و مناطقی از بخش هیر به قره‌سو می‌پیوندد.

کوه‌ها: ۱- حصار بلاغی به بلندی ۲۹۰۴ متر ۲- اجاقم کوه به بلندی ۲۷۶۰ متر. این کوه‌ها که از رشته‌های کوه‌های بغرود است، پوشیده از جنگل‌های سرسبز و دامنه‌های پوشیده از مراتع خوب می‌باشد. مناطق باختری بخش هیر دشتی است.

کان‌ها: ۱-معادن سنگ خارا ۲-معادن شن و ماسه

آب و هوا: سرد و نیمه مرطوب

رستنی‌ها: درختان آلوچه وحشی، فندق، ازگیل، بلوط، ممرز، افرا، زالزالک - گیاهان دارویی و صنعتی: درمنه، گل بنفشه، گل گاوزبان، شیرین بیان، خاکشی و گون کتیرا - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، خرگوش، کل، گراز، کبک، تیهو، بلدرچین، درنا و حواصیل.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و پرورش زنبور عسل استوار است. آب فراوان چشمه‌ها و رودها و سد خاکی به دریاچه نئور مایه پیشرفت کشاورزی و باغداری این سامان گشته. دامداری به ویژه پرورش گوسفند و بز به صورت

سنتی و کوچ در سطح منطقه صورت می‌گیرد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، گیلاس و آلبالو، گردو، بادام و فندق - دام و فرآورده‌های دامی و عسل و ماهی از دریاچه و سد خاکی احداثی بر این دریاچه - گلیم، قالیچه و شال پشمی.

یافت: از دهستان‌های بخش ارشق شهرستان مشکین شهر استان اردبیل و مرکزش گنجوبه است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه داغ بلاغ و کوه قلعه واقع شده.

فرآورده‌ها: گندم، جو و سیب.

پوشش گیاهی: پونه، خاکشی، بلاغ اوتی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، خرس و کبک.

یورتچی غربی: از دهستان‌های بخش کورایئم شهرستان نیر استان اردبیل و مرکزش قره شیران است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و قره تپه و تپه ایستی سو و دانش دره و گردنه صائین و آبگرم بر جلو (بشلو) و کان سنگ مرمر سفید قرار و رود بالغلوچای در آن جریان دارد.

فرآورده ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، گاودانه.

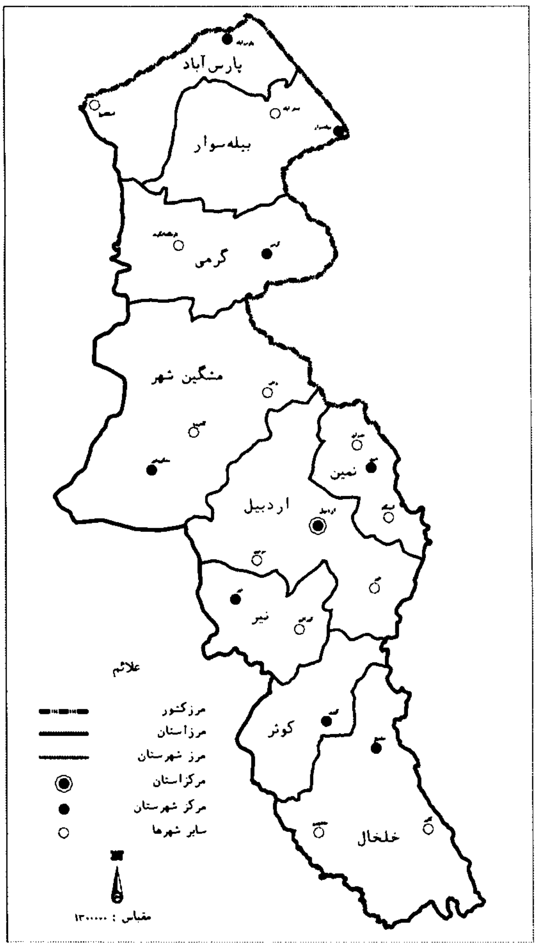
پوشش گیاهی: شیرین بیان، آویشن، خاکشی، مریم گلی، نوروزگلی، گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

تغییرات تقسیماتی در سال ۱۳۸۶:

شناخت روستای فخرآباد مرکز دهستان قره سو از توابع بخش مشگین شهر استان اردبیل به عنوان شهر فخرآباد.

نقشه تقسیمات استان اردبیل به تفکیک شهرستان : ۱۳۸۵



فرسایش خاک در منطقه اردبیل

منطقه کوهستانی اردبیل یکی از مناطق اصلی طبیعی ایران است که دارای وضع جغرافیایی ویژه‌ای می‌باشد. فلات اردبیل در آغوش سلسله جبال طالش و سبلان قرار گرفته است و با جلگه‌های هموار، مراتع پربار با ترکیب فلوریستی غنی، زمینهای مرغوب و متنوع ـ که محصول تنوع عوامل طبیعی است ـ کشاورزی متراکم (فشرده) و دامداری پررونق، اهمیت بزرگی در اقتصاد کشور دارد.

فلات اردبیل تحت تأثیرات ژئوشیمیایی سلسله جبال طالش در شرق و کوه‌های سبلان در غرب می‌باشد. این منطقه از مراکز عمده کشاورزی سنتی ایران است و به شهادت مورخان، تمدن کشاورزی مخصوص به خود را داشته است. امروزه هم در نقاط مختلف این دیار پربرکت، آثار کاریزهای زیرزمینی را که در گذشته‌های دور به منظور آبیاری گیاهان کشاورزی با سلیقه و اسلوب مهندسی خاص ساخته شده‌اند، می‌توان مشاهده کرد. منطقه اردبیل در ارتفاع بیش از ۱۳۵۰ متر از سطح دریا واقع شده است ودر طول تاریخ، کشاورزی و دامداری در آن رواج داشته و یکی از بخشهای عمده تولید مادی را تشکیل داده است. در این منطقه اقلیم کوهستانی حاکم است، زمستان درازمدت و تابستان خنک و مطبوع، بهار و پاییز بسیار دلپذیر می‌باشد.

از نظر ژئوشیمیایی این منطقه غیرعادی است و متأسفانه پژوهشهای علمی ارزنده در این رشته انجام نگرفته و از این نظر منطقه بکری می‌باشد. خاکها، آبهای معدنی و زیرزمینی، گیاهان طبیعی و دارویی آن دارای عناصر مفید از نظر فیزیولوژیکی بوده و می‌توانند در کشاورزی و طب و دامداری منطقه مورد استفاده قرارگیرند و مواد غذایی ممتاز از نظر اکولوژیکی تولید کنند. امروز با اطمینان می‌توان اظهار نظر کرد که در صورت استفاده صحیح از منابع طبیعی منطقه و بکارگیری امکانات ژئوشیمیایی آن، اردبیل خواهد توانست سهم بزرگی در خودکفایی کشور از نظر تولیدات کشاورزی و دامی داشته باشد. بر طبق بررسیهای انجام شده در وضع طبیعی و خاکهای منطقه اردبیل، معلوم شده است که تشکیل خاکها در این منطقه کوهستانی در یک شرایط متفاوت از هموار‌یها انجام می‌گیرد. در دامنه کوه‌ها و کوهپایه‌ها، خاکها در شرایط مختلف بیواقلیمی و اوروگرافی و ژئومورفولوژی به عمل می‌آیند. مقدار نزولات فضایی، حرارت، تشعشعات و انرژی خورشیدی نیز در همه جا یکسان نیست. البته وضع لیتولوژیکی و ترکیب سنگهای مادر هم در نقاط مختلف یکسان نمی‌باشد. در این شرایط تولید خاکها، شکل گرفتن حاصلخیزی آنها، میزان ودرجه فرسایش آنها مختلف است که در نتیجه، یک تنوع خاکی در سیستم کوهستانی ایجاد می‌نماید. بدیهی است در چنین شرایطی پتانسیل بیولوژیکی خاکها مختلف بوده و استفاده از آنها نیز نمی‌تواند تابع یک رهنمود کلی باشد.

خاک یگانه واسطه میان طبیعت بی‌جان و طبیعت زنده است. طبیعت زنده محل تجمع مواد و ترکیبات اساسی برای شکل گرفتن زندگی و ادامه آن می‌باشد، ولی تمام این مواد و ترکیبات به آسانی قابل استفاده نیست. طبیعت زنده محیطی است که در آن موجودات ابتدایی در قشر زمین

ایجاد شده و در عرض میلیاردها سال منشاء تحولات بسیار مهم و اساسی بوده و هستند که در بیو سفر انجام می‌گیرد.

بر اثر فعالیت پیچیده همین موجودات و سایر عوامل طبیعی، خاک تولید می‌شود. خاک توده‌ای است از مواد و ترکیبات طبیعی که شرایط مناسب را برای زندگی انسانها و پرورش گیاهان دارا می‌باشد. تولید خاک تحت تاثیر عوامل تخریبی (عوامل جوی و موجودات ذره‌بینی) و عوامل سازنده (تشکیل مواد رسی و غیره) به وجود می‌آید.

خاک منبع زندگی بوده و بشر برای بقای خود بدان متکی است. این رابطه البته یک جانبه نیست و متقابل می‌باشد. بدین ترتیب دوام و تکامل خاک نیز وابسته به رفتار صحیح انسانهاست و در این میان شیوه‌های استفاده از خاک، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پوشش گیاهی منبع اصلی احتیاجات غذایی و پوشاکی انسانها را تشکیل می‌دهد و در ضمن نقش بزرگی در سالم‌سازی محیط زیست بازی می‌کند. گفتنی است که تمدنهای قدیم بشری در مناطقی که دارای آب و هوای خوب و خاک مرغوب بوده است ایجاد شده و برعکس افول تمدنها در نقاطی به وقوع پیوسته است که در آنجا خاک حاصلخیزی خود را از دست داده و غیرقابل استفاده برای ادامه زندگی گردیده است. در اینجا نظریات کلی درباره خاکهای منطقه اردبیل، که یکی از مراکز عمده و سنتی کشاورزی ایران به شمار می‌رود، درجه فرسایش آنها و شیوه‌های به سازی آنها ارائه می‌گردد.

بررسی وضع طبیعی اردبیل و خاکهای آن نشان می‌دهد که تشکیل خاکها در منطقه کوهستانی در شرایط متفاوتی از همواریها انجام می‌گیرد. در دامنه کوه‌ها، خاک‌ها در شرایط مختلف بیواقلیمی و اوروگرافی و ژئومورفولوژی به عمل می‌آیند. مقدار رسوبات اتمسفر، حرارت، تشعشعات و انرژی خورشیدی نیز در همه جا یکسان نیست، در این بین وضع لیتولوژیکی و ترکیب سنگهای مادر هم در نقاط مختلف یکسان نمی‌باشد.

خصوصیات این منطقه و فرق آن با همواریها در این است که در شیبها و دامنه کوهها و کوهستانها حرارت نسبتاً کمتر و رطوبت زیادتر بوده و بالانس انرژی و رادیاسیون زیادتر و مدت وژتاسیون گیاهان کمتر از همواریها است. وجود شیب زیاد در منطقه کوهستانی، شدت بارانهای موسمی، فقدان سیستم حفاظتی بیولوژیکی و هیدروتکنیکی باعث فرسایش شدید خاکها می‌شود که عواقب خطرناکی را دربر دارد. بر اثر فرسایش، قشر بالای خاکها که دارای خواص حاصلخیزی بوده و در ترکیب مواد آلی خود یک مقدار عناصر ریز را دربردارد، در امتداد شیب سرازیر می‌گردد و نهایتاً به رودخانه‌ها و منابع آبی ریخته می‌شود. در نتیجه خاکها حاصلخیزی خود را از دست می‌دهند و قابلیت تولید محصول را نخواهند داشت. تحقیقات نشان داده است که از بلندیهای سبلان تا دشت زرناس، گردنه نیین - نمین از نظر ژئوشیمیایی سه منطقه موجود می‌باشد:

۱ ـ **منطقه بالای کوه‌ها و بلندیها** ـ از این منطقه (منطقه آلپ و سوپ آلپ در سبلان) بر اثر فرسایش و شسته شدن خاکها عناصر و مواد شیمیایی شسته شده به قسمتهای پایین برده

می‌شود.

۲ ـ منطقه ترانزیت ـ در این منطقه که شیب زمین نسبتاً کم بوده و هموار‌یهای نسبی موجود است، یک قسمت از مواد شسته شده از منطقه بالا به زمین می‌نشیند و قشر حاصلخیزی ایجاد می‌کند (دشت زرناس و هموار‌یهای مغان)

۳ ـ منطقه توقف رسوبات ـ (رواناب) و خاکهای شسته شده ـ این منطقه در دامنه کوه‌ها بوده هموار‌یها را دربر می‌گیرد. بقیه این مواد و خاکها به رودخانه‌ها و منابع آبی سرازیر می‌شوند. وضع پیچیده فیزیکی و جغرافیای مناطق کوهستانی، تظاهر فعالی، تاثیر تکتونیکی، پارچه پارچه شدن شیبها بر اثر فرسایش، تنوع سنگهای مادر و خاکزا و وجود گروههای مختلف گیاهی، در مجموع تاثیر دامنه‌داری برجا به جا شدن خاکهای با خواص مختلف ژنتیکی در منطقه می‌گذارد و موزائیک پیچیده خاکها را ایجاد می‌کند. فرسایش، جنگلها و مراتع را به مخروبه و خاکهای زراعی را به کویر تبدیل کرده منابع آب و خاک منطقه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد تهدید قرار می‌دهد. فرسایش یک پدیده طبیعی است ولی عوامل آنتروپوژن که نتیجه فعالیت غیراصولی انسان در تولید می‌باشد، به عنوان کاتالیزاتور در تسریع آن دخالت دارد. در بین عواملی که فرسایش خاک را ایجاد می‌کند، نبودن پوشش گیاهی است که عامل تعیین کننده محسوب می‌شود. عدم حفاظت پوشش گیاهی فرسایش و وسعت آن در زمان و مکانهای مختلف یکسان نیست و با شرایط طبیعی، توپوگرافی و خصوصیات ژنتیکی خاکها و نحوه استفاده از زمین مربوط می‌باشد. وجود شیب زیاد در نقاط کوهستانی استان اردبیل، شدت بارانهای موسمی، فقدان سیستم حفاظتی بیولوژیکی، هیدروتکنیکی واگروتکنیکی، نابودی جنگلها به خصوص جنگلهای کوهستانی، باعث فرسایش خاکها در منطقه وسیعی از استان اردبیل شده است. در منطقه کوهستانی (چه در منطقه سبلان و چه در کوههای طوالش) هم فرسایش ژئولوژیکی و هم آبی موجود می‌باشد. در نتیجه فرسایش، خاکها قدرت حاصلخیزی خود را از دست می‌دهند و از فعالیت کشاورزی برکنار می‌مانند. بر اثر فرسایش در کوهستانها، پوشش گیاهی از بین می‌رود و شرایط برای ایجاد سیل‌ها فراهم می‌گردد که زیانهای زیادی به اقتصاد منطقه وارد می‌آورند. بدین ترتیب فرسایش ضربه مهلکی به منابع خاکی، آبی، گیاهی و اقلیمی که عوامل مهم ترکیبی بیوسفر می‌باشند وارد می‌سازند. باید به یاد داشت که سرعت اتلاف خاک بر اثر فرسایش، به خصوص در مناطق کوهستانی، به مراتب بیشتر از سرعت تشکیل خاک می‌باشد.

وجود فرسایش نسبتاً شدید در مراتع کوهستانی، موجبات زوال کمی و کیفی آنها را فراهم کرده و میزان محصول‌دهی آنها را به شدت تقلیل می‌دهد. از بین رفتن خاک در سطح فوقانی زمینه‌ساز نابودی پوشش گیاهی می‌شود و شرایط خوبی را برای ایجاد فرسایش به وجود می‌آورد. برای جلوگیری از جریان سیل، کنترل رواناب جنگلها نقش اساسی دارد و از این‌رو، حفظ و حراست مناطق جنگلی و به طور کلی پوشش گیاهی، دارای اهمیت ویژه‌ای برای منطقه می‌باشد.

جنگلها و همچنین به مقدار زیادی اکسیژن تولید می‌کنند و از عوامل مهم تصفیه هوا به شمار می‌روند ودر سالم‌سازی محیط زیست موثر می‌باشند. امروز، نتیجه عبرت‌انگیز قطع جنگلهای ممتاز منطقه خلخال و اردبیل و استفاده از زمینهایی را که بیش از ۲۰ درجه شیب دارند در کشاورزی مشاهده می‌کنیم. باید صریحاً اظهار کرد که نابودی جنگلهای کوهستانی حتی اگر برای مقاصد کشاورزی هم باشد نمی‌تواند قابل قبول واقع شود و به منظور حفاظت از آنها باید از تمام امکانات موجود استفاده کرد. توسعه فزاینده فرسایش در اراضی استان، تخریب مراتع و جنگلها و نابودی زمینهای مزروعی ضربات سختی به اکوسیستم منطقه وارد کرده است که تخریب بیوسفر را پیامد دارد. امروز وقت آن رسیده است که در مقیاس استان ارزیابی کلی در مورد فرسایش انجام گیرد و عوامل ایجاد فرسایش، خطرات ناشی از پیدایش و وسعت آن شناسایی و نقشه‌برداری گردد. لازم است مکانیزم و فرآیندهای فرسایش و استراتژی و راه‌های مبارزه با آن مشخص شود و در جلوگیری از فرسایش و عوامل فرساینده روشهای هیدروتکنیکی، اگروتکنیکی و فیتوملیئوراتیو (Fitomeliorative) ایجاد پوشش گیاهی به کار گرفته شود.

در خاکهای مورد فرسایش قشر فوقانی و بیولوژیکی آنها شسته شده و از بین می‌رود. این قشر بیولوژیکی دارای خواص حاصلخیزی بوده و در ترکیب خود به مقدار زیادی مواد آلی و عناصر غذایی را دربر دارد. روشن است که با از دست دادن این قشر، خاک قادر به تولید محصول مرغوب نبوده و محصول تولید شده کیفیت مطلوب را نخواهد داشت. نمونه این خاکها را در دامنه سبلان، وکوه‌های طالش مشاهده می‌کنیم. در این مناطق مراتع مرغوبیت خود را از دست داده ترکیب فلورستنی آنها شدیداً تغییر کرده و به جای گیاهان پرمحصول مطلوب، گیاهان خاردار که در ترکیب‌شان الکولوئیدهای مضر موجود می‌باشد، ساکن می‌شوند. این منظره را در اطراف قصبه نمین، منطقه سردابه، دامنه‌های شرقی و جنوبی سبلان می‌توانیم مشاهده کنیم. فرسایش در این مناطق، بخصوص در قسمت بالای کوه‌ها، قشرهای خاک را از بین برده و باعث پراکنده شدن سنگهای مادر در شیب شده است و در نتیجه پروسه دنوداسیون (Denoudation)، عناصر شیمیایی به دورانهای بیولوژیکی کشیده می‌شوند. در کوهپایه‌ها، بر اثر فرسایش خاکها هوموس و ترکیبهای میکروالمانی (عناصر ریز) آنها از بین می‌رود. مقیاس نابودی عناصری چون فلور، ید، منگنز، کبالت و غیره بسیار وسیع می‌باشد. در نتیجه در این مناطق بیماری گواتر (در اثر کمبود ید) در انسانها، دندان‌ریختگی (در اثر کمبود فلور)، آکوبالتوز در احشام به میزان وسیعی مشاهده می‌گردد.

تنوع ژئوشیمیایی خاکهای مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای در منطقه سبلان (منطقه سرعین، سردابه، ویله دره و غیره) در درجه اول وابسته به فرسایش و شدت آن و روند تشکیل خاکها می‌باشند. بدین ترتیب، فرسایش خاک یک حادثه انتزاعی و مستقل نیست، بلکه با اکوسیستم‌ها،

بیوسفر و عوامل ترکیبی آن در رابطه مستقیم می‌باشد. در مناطقی که آبیاری مزارع کشاورزی به دور از روشهای علمی انجام می‌شود، فرسایش افزونتر شده باعث تضعیف زمینها و تخریب حاصلخیزی آنها می‌گردد. آبیاری مزارع در شیب شدیداً باید تحت کنترل باشد و در این مزارع از تدابیر اگروتکنیکی محافظتی بهره‌گیری شود. بدین ترتیب ما شاهد تأثیر فرسایش در تمام شئون زندگی می‌باشیم.

... در جنگلهای مخروبه، ایجاد پوشش گیاهی را باید احیا کرد. در مراتع کوهستانی و چراگاه‌ها نظم و میزان چرا باید شدیداً مراعات شده از فشار چراکاسته شود. در نقاطی که امکان احداث تراسها ممکن است، از آن استفاده گردد. در دامنه کوهها و در زمینهای زراعی که بیش از ۱۵ درجه شیب دارند، از کشت گندم و جو خودداری شود و به جای آنها از گیاهان علوفه‌ای، بخصوص یونجه و شبدر، استفاده گردد. در مزارع باید الزاماً از تلفیق تدابیر اگروتکنیکی حفاظتی، اگروتکنولوژی دارای پایه‌های بیولوژیکی و اکولوژیکی بهره جست و تنها در این شرایط ما قادر خواهیم بود روند تخریب خاکها را مهار کرده از سرعت آن بکاهیم. دکتر یعقوب پریوند ـ مجله زیتون

نظری به شیوهٔ رده‌بندی خاکها و انتساب ژنتیکی خاکهای مغان

در سالهای گذشته تحقیقات علمی به منظور شناسایی انتسات ژنتیکی خاکهای دشت مغان انجام گرفت و در این بحث سعی شده که بررسی مقایسه‌ای از نظر همبستگی ژنتیک خاکهای دشت مغان به عمل آید.

منطقهٔ مورد تحقیق دارای شرایط پیچیده طبیعی است و شرایط تشکیل خاک در آن یکسان نمی‌باشد. در این منطقه خاکها از دیدگاه دو مکتب بزرگ خاکشناسی جهان، مکتب خاکشناسی روسی (داکوچایف) و مکتب خاکشناسی امریکائی معمول در ایران، طبقه‌بندی گردیده‌اند.

با در نظر گرفتن نکات ذکر شده در بالا به منظور طبقه‌بندی خاکهای منطقه و شناسایی خواص ژنتیکی آنها در منطقه مورد تحقیق، تحلیل رده‌بندی موجود در جهان و اظهار نظر درباره تطبیق این رده‌بندیها با شرایط ایران مفید خواهد بود.

روشهای معمول در رده‌بندی خاکها در جهان و تطبیق آنها با شرایط ایران:

به طور کلی منظور از رده‌بندی خاکها عبارت است از گروه‌بندی منظم و ساده واحدهای خاک در یک دسته که استفاده تجربی از آنها را امکان‌پذیر می‌سازد.

برای این منظور خاکها باید ابتدا به رده‌های بزرگ که از واحدهای بزرگ (یک یا دو واحد) تشکیل شده طبقه‌بندی گردیده و سپس هر واحد به اجزاء کوچکتر خود تقسیم گردد.

متخصصان و محققان خاکشناسی در دوره‌های مختلف توسعهٔ علم خاکشناسی مسأله رده‌بندی خاکها را بررسی کرده و پیشنهادهای مختلفی ارائه کرده‌اند. این محققان در اکثر موارد به این نتیجه رسیده‌اند که در تهیه و تدوین رده‌بندی خاکها بایستی مشخصات تفصیلی آنها را نادیده گرفت و اساس و پایه‌های اصلی خاک را بر روی

فرآیندهای خاکسازی و تحولات پروفیلها قرار دارد. این نوع رده‌بندی، رده‌بندی ژنتیکی هم نامیده می‌شود.

رده‌بندی ژنتیکی خاکها در مراحل اولیه منحصراً بر پایه یکی از عوامل تشکیل خاک (به عنوان مثال اقلیم) و یا فقط براساس پروسه‌های فیزیکوشیمیایی خاکها تهیه می‌شد ولی با پیشرفت علم خاکشناسی اساس رده‌بندی ژنتیک نیز تغییر یافت و امروزه رده‌بندی ژنتیک جدید براساس صفات کلی نیمرخ‌ها، مانند مشخصات مورفولژیک، بیولوژیک، فیزیکوشیمیایی و یا کانی‌ها تنظیم گردیده است.

در حال حاضر سیستم طبقه‌بندی جهانی و تاکسونومی واحد خاکهاکه مورد قبول تمام محافل خاکشناسی جهان باشد موجود نمی‌باشد.

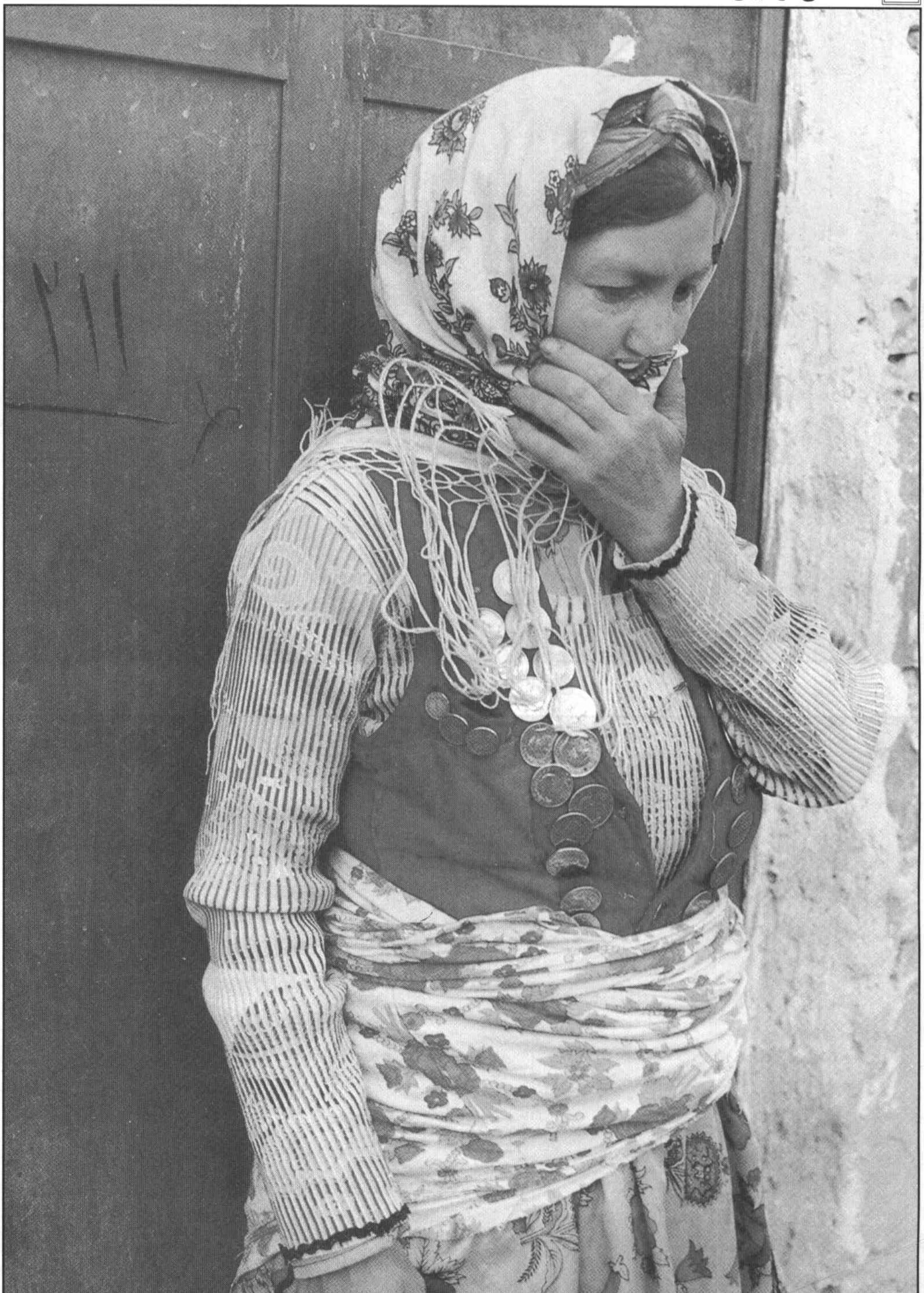
این رده‌بندی براساس ترکیب مکانیکی سطح خاک معین می‌گردد. در این سیستم رده‌بندی دومین تاکسون یا «پدیده»، سری خاک نامیده می‌شود که در یک مکان معین در روی سنگهای ما در مشابه به عمل می‌آیند. خاکهایی که به «پدیدهٔ» سوم مربوط می‌شوند از نظر توسعه و تکامل خود مختلف می‌باشند: خاکهایی که تکامل یافته و یا بقدر کافی تکامل نیافته‌اند، مانند خاکهای شیب‌ها و غیره.

«پدیده» چهارم خاکهایی را دربر دارند که از نظر مورفولوژیکی نیمرخ خود مشابه همدیگر هستند.

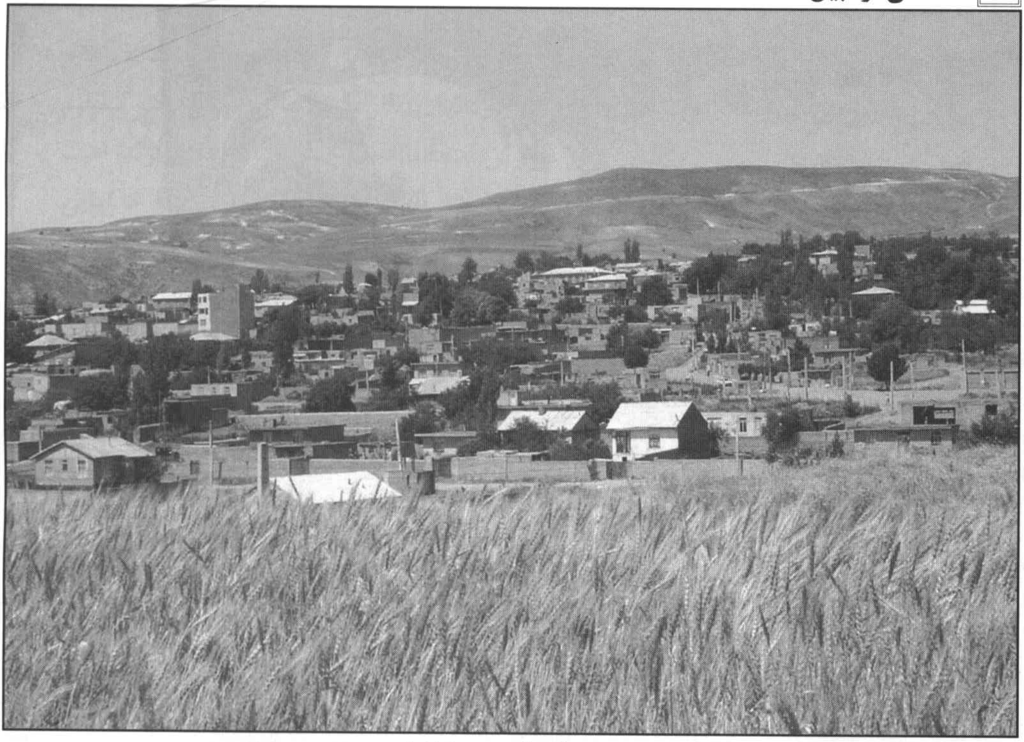
«پدیدهٔ» پنجم خاکهائی را دربر دارد که در روی ترکیبهای مختلف (سیلیکاتی، آلیتی و غیره)، که بر اثر خرد شدن سنگهای مادر تولید می‌شود، به عمل می‌آیند. درنهایت عالی‌ترین رده تاکسونومی را «پدیدهٔ» ششم تشکیل می‌دهد. در این «پدیده» دو واحد مرکب بزرگ تجمع یافته: پدالفرها و پدوکالها. پدالفرها خاکهایی هستند که کلسیم کربنات آنها تحت آبشویی کامل قرارگرفته است (اقلیم مرطوب). پدالفرها همچنین به خاکهایی اطلاق می‌شود که در دیوار آنها تجمع (۱) و حرکت (۲) اکسیدهای آهن مشاهده می‌گردد.

پدوکالها خاکهایی هستندکه کلسیم کربنات به مقدار کمی در آنها مورد آبشویی قرارگرفته است. دانشمندان خاکشناسی آمریکا، ج ـ کلوگ، م ـ بیلدوئن و د ـ تورن در سال ۱۹۳۸ رده‌بندی جدیدی راکه براساس جغرافیایی ـ ژنتیک خاکها تنظیم شده پیشنهاد کردند.

عالی‌ترین رده این سیستم «درجه»های خاک می‌باشد. خاکهای منطقه‌ای، غیرمنطقه‌ای و خاکهای درون منطقه‌ای. در درون درجه‌ها «نیم درجه‌ها» هم تعیین می‌گردند. خاکهائی که شرایط تشکیل آنها با وضع مناطق مختلف جغرافیایی وفق داده می‌شود، در محدودهٔ نیم درجه‌ها قرار می‌گیرند. درجه‌ها به گروههای بزرگ هم تقسیم می‌شوند. این گروهها عین گروههای پیشنهادی ماربوت می‌باشد و یگانه فرقی که با آن دارد این است که این گروهها به زیر گروهها هم تقسیم شده‌اند. بدین ترتیب در این سیستم رده‌بندی ۲۷ گروه بزرگ معین گردیده است. این گروهها با نام و مضمون تاکسونومیک خود با خاکهایی که در رده‌بندی خاکهای روسیه مانند خاکهای سیاه (چرنوزیوم)، خاکستری، خاکهای شاه بلوطی، شوره‌زارها، خاکهای قلیائی، پودرزول و غیره موجود می‌باشد. مطابقت داده می‌شدند. پروفسور بهروز شکوری، پروفسور فضلی‌حاجی‌اف ـ مجله زیتون

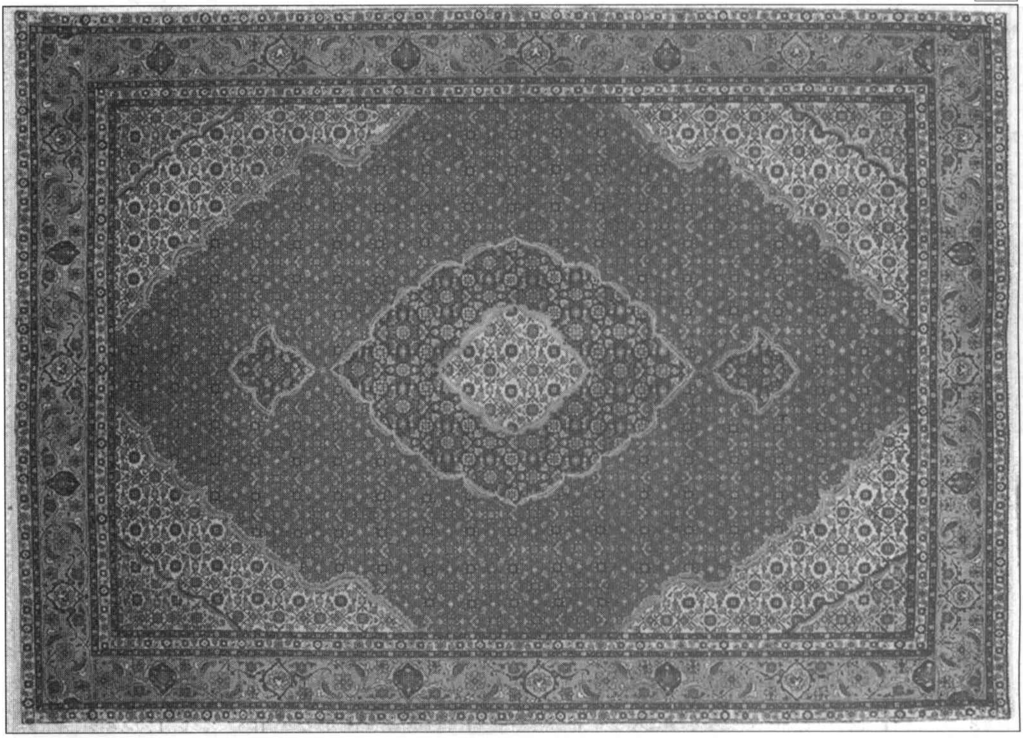


چهره زنیاز خلخال

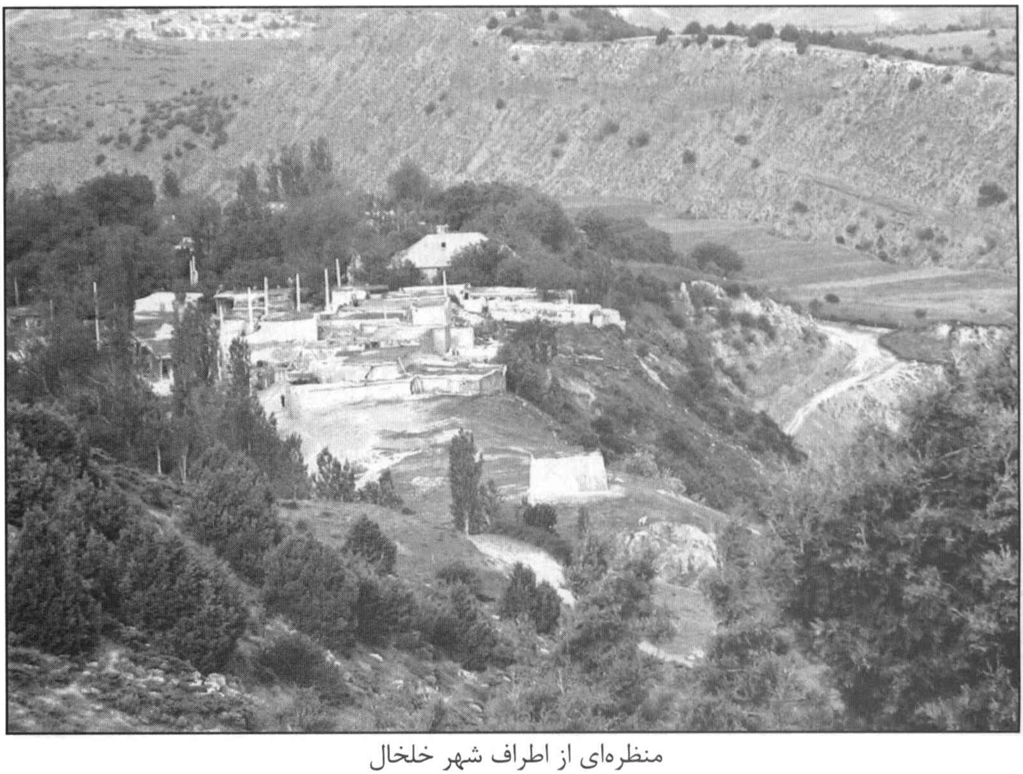


دو منظره از شهر خلخال

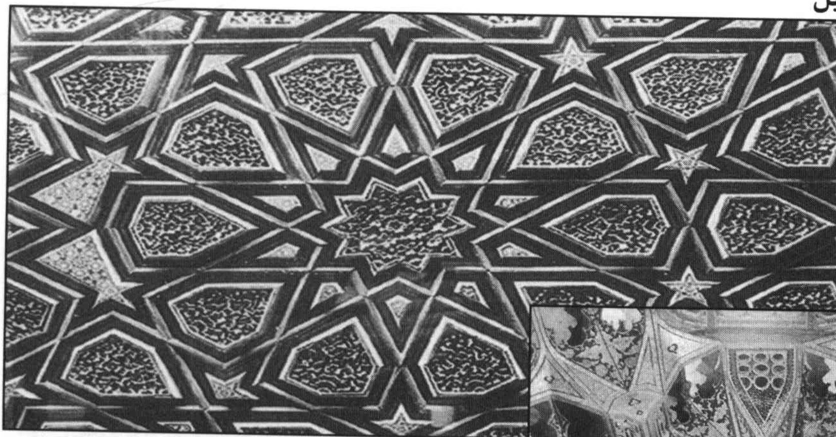




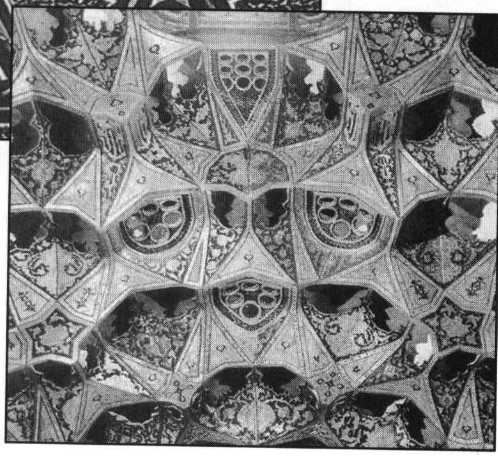
فرش از صنایع دستی خلخال



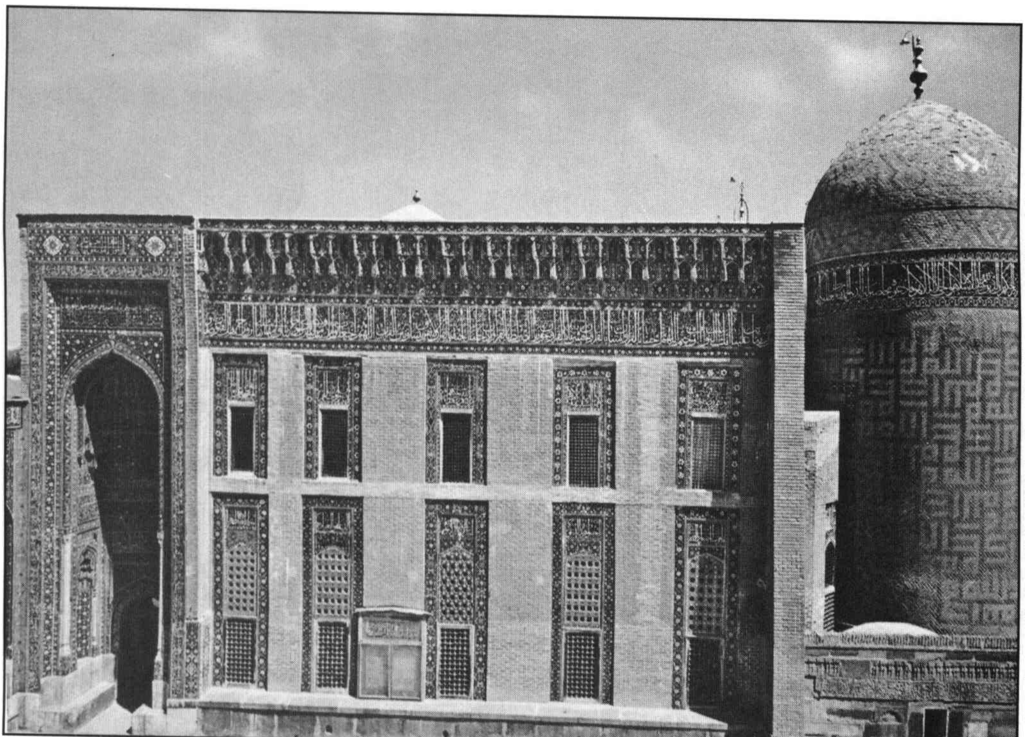
منظره‌ای از اطراف شهر خلخال



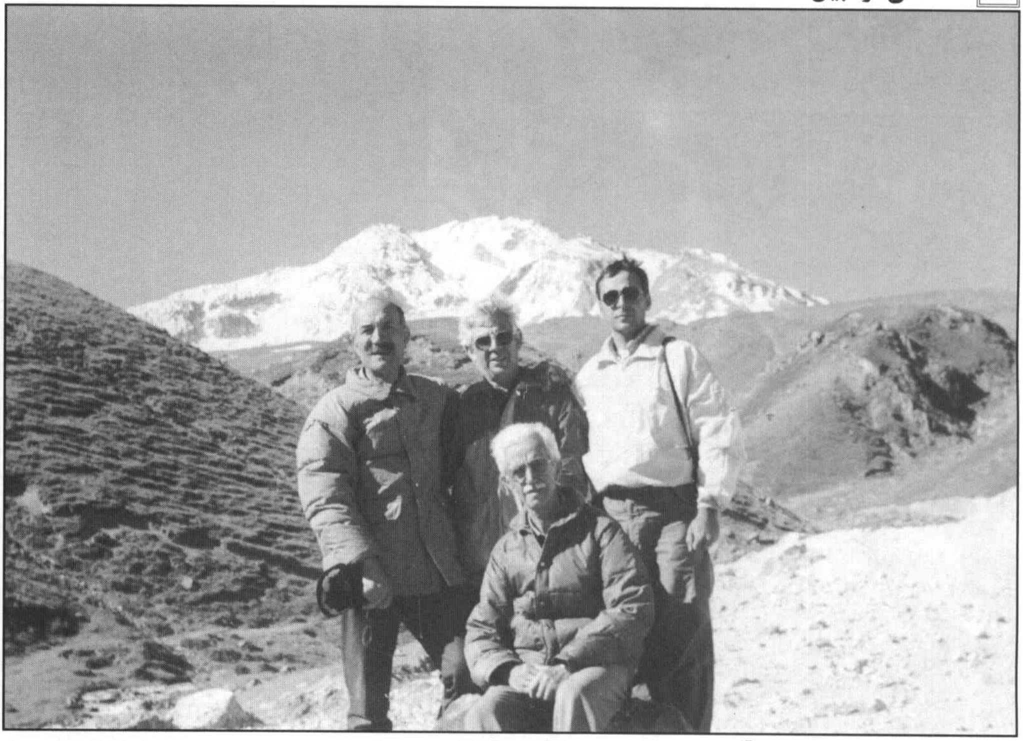
منبت کاری مرقد شیخ صفی



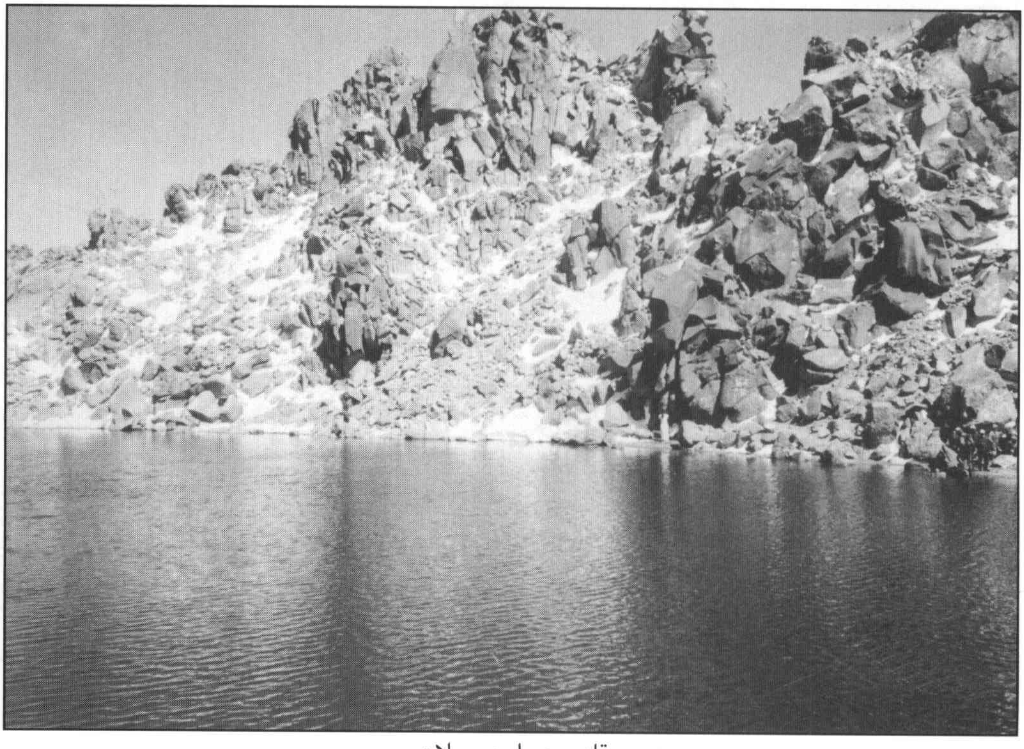
طاق تالار موزه چینی خانه شیخ صفی



بیرونی آرامگاه شیخ صفی



آبگرم نطور سوئی - قله سبلان (عکس از عیسی پاکزاد افشار)

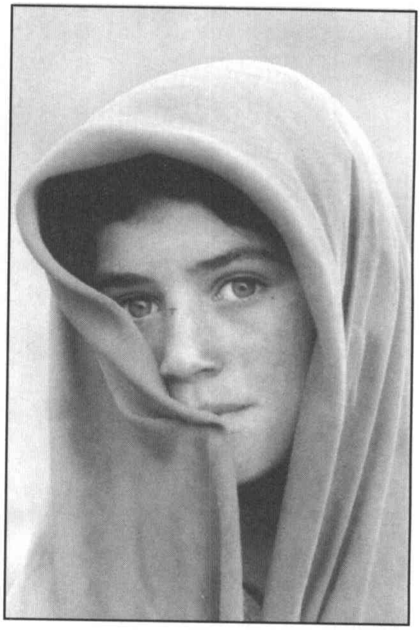


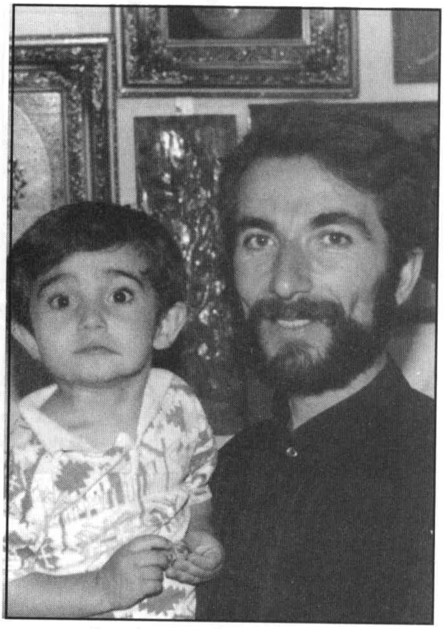
قله و دریاچه سبلان



کوچ ایل سون (شاهسون) کلیبر نزدیک اهر

چهره دختر از ایل شاهسون - پارس آباد

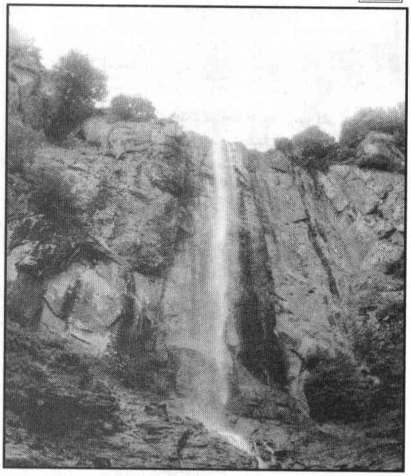




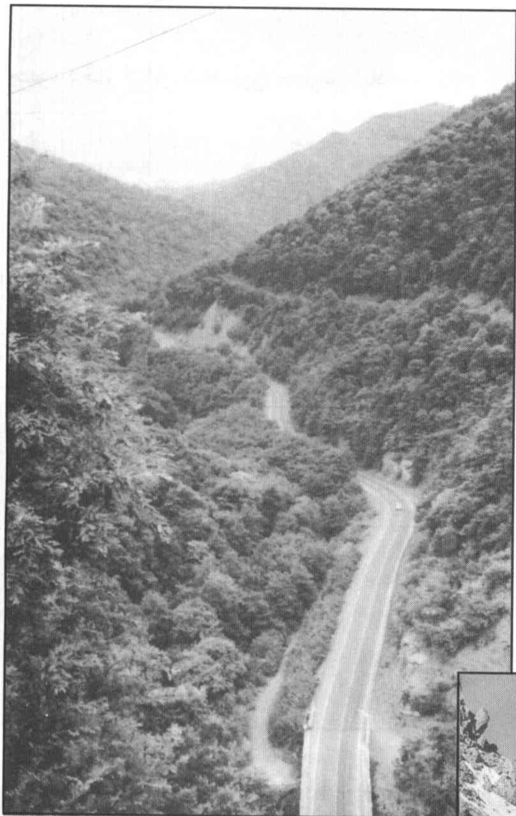
پدر و فرزندی از مردم اردبیل



صنایع دستی استاناردبیل

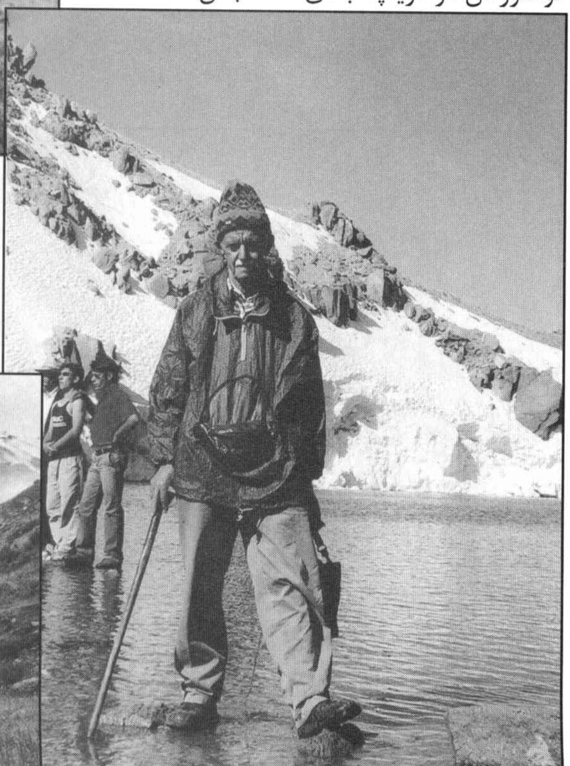


منظره یک آبشار در اطراف اردبیل

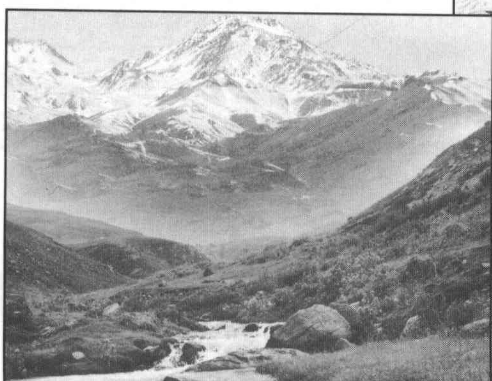


گردنه حیران

کوهنوردان در دریاچه بالای قلّه سبلان



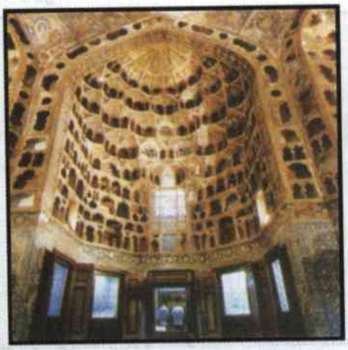
منظره‌ای از کوه سبلان



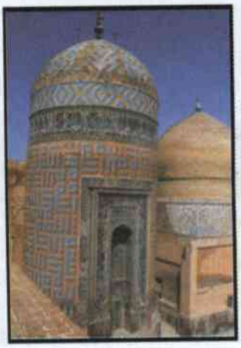
۱۳- استان اردبیل



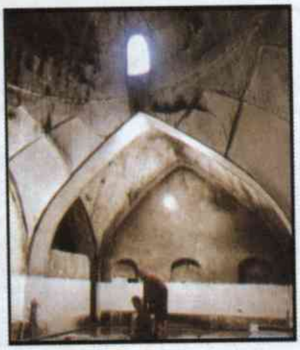
منزل قدیمی حاج صادق ابراهیمی



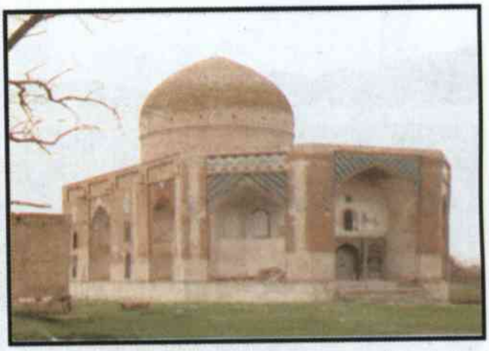
طاق تالار موزه چینی خانه شیخ صفی



بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی



حمام قدیمی اوچ دکان



بقعه شیخ جبرائیل



بازار تاریخی اردبیل



نمونه ای از صنایع دستی



نمایی از کوه سبلان

۱۴- استان اردبیل



نمایی از دریاچه نئور



نمایی از کوه سبلان



رودخانه بالخلو



پل گلانده



محل آبگرم شاویل در سیر صعود به قله سبلان



نمایی دیگر از دریاچه نئور



دریاچه سبلان در رأس قله در ارتفاع ۴۸۱۱ متر

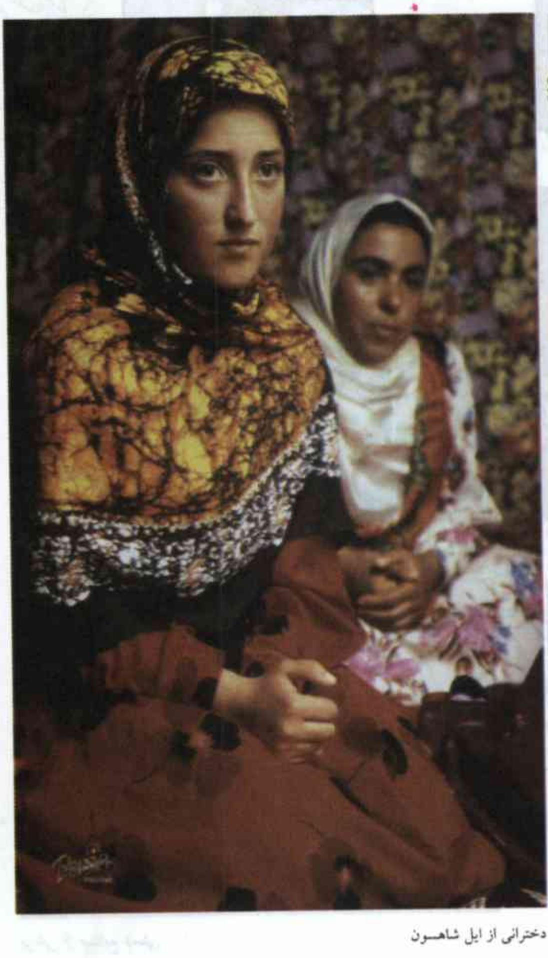


جنگل فندقلو

۱۵- استان اردبیل



منظره ای طبیعی از روستای سرعین

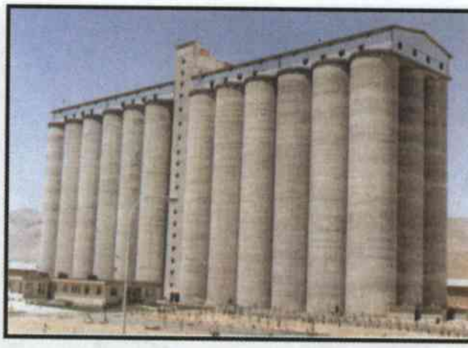


دخترانی از ایل شاهسون



از اردبیل(عاشق)نوازنده ای

۱- استان اردبیل



صنایع سیمان



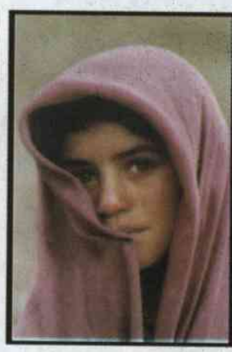
تاسیسات آب در مغان



صنایع سیمان



کارخانه سیمان اردبیل



چهره دختری از اردبیل



زن و مرد و کودکی از مردم اردبیل



دشت مغان، عشایر شاهسون



برخی از صنایع دستی



زن شاهسون



گردنه حیران

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف



سرزمین و مردم استان اصفهان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ مشخصات جغرافیایی ـ چشمه‌ها ـ جاذبه‌های توریستی ـ آداب و رسوم ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان اصفهان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر اصفهان، تعداد شهرستان: ۲۱ تعداد بخش: ۴۴ تعداد شهر: ۹۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۹۳۴ کل آبادی‌ها: ۳۰۰۵
جمعیت استان اصفهان در سال (۱۳۸۵) ۴۵۵۹۲۵۶ نسبت به کل کشور ۶/۴۷ بوده است.
مساحت استان اصفهان ۱۰۷۰۲۹ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۶/۵۷ است.
تراکم نسبی جمعیت استان اصفهان در سال (۱۳۸۵) ۴۲ نفر درکیلومترمربع بوده است.
از تهران تا اصفهان (۴۳۹) و از اصفهان تا آران و بیدگل (۲۱۸)، اردستان (۱۲۲)، اصفهان (۰)، برخوار و میمه (۲۸)، تیران و کورن (۶۲)، چاردگان (۱۲۴)، خمینی‌شهر (۱۲)، خوانسار (۱۶۷)، سمیرم (۱۶۳)، سمیرم سفلی (۱۰۵)، شهرضا (۸۵)، فریدن (۱۴۵)، فریدونشهر (۱۸۱)، فلاورجان (۲۷)، کاشان (۲۱۱)، گلپایگان (۱۹۵)، لنجان (۶۶)، مبارکه (۵۰)، نایین (۱۴۸)، نجف‌آباد (۴۰)، نطنز (۱۳۵)

که ایران بهشت است یا بوستان   همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از استاد هنرمند تیمور لاهوتی، دکتر نیستانی ـ سازمان میراث فرهنگی، محمدمهدی سعدی تفرشی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان اصفهان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۱ ـ ۳۶ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸ ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۹۱-۳۶-۱
بها: یکهزارو دویست تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان اصفهان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۱ ـ ۳۶ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۶۴

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان اصفهان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: اصفهان مساحت: ۱۰۷۰۲۹ تعداد شهرستان: ۲۱ تعداد بخش: ۴۴ تعداد شهر: ۹۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۹۳۴ کل آبادی‌ها: ۳۰۰۵

جمعیت استان اصفهان در سال(۱۳۶۵) ۳۲۹۴۹۱۶ نسبت به کل کشور ۶/۶۶ و در سال (۱۳۷۵) ۳۹۲۳۲۵۵ نسبت به کل کشور ۶/۵۳ و در سال (۱۳۸۵) ۴۵۵۹۲۵۶ نسبت به کل کشور ۶/۴۷ بوده‌است.

مساحت استان اصفهان ۱۰۷۰۲۹ نسبت به کل کشور ۶/۵۷ است.

کارگاههای استان اصفهان ۴۳۴۵۱ نسبت به کل کشور ۶/۷۴ است.

درصد میزان شهرنشینی استان اصفهان در سال (۱۳۷۵) ۳۰/۷۴ و در سال (۱۳۸۵) ۳۲/۸۳ است.

تراکم نسبی جمعیت استان اصفهان در سال (۱۳۶۵) ۳۱ و در سال (۱۳۷۵) ۳۷ و در سال (۱۳۸۵) ۴۲ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان اصفهان

مرد و زن ۱۷۱۸۸ زن ۹۵۵۳ مرد ۷۶۳۵

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان اصفهان

مرد و زن ۲۴۳۰۵ زن ۱۴۰۹۴ مرد ۱۰۲۱۱

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان اصفهان در سال ۱۳۸۵

جمع ۴۱۸۰ دولتی ۴۱۸۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۱۱۳۳ هزار اصله

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان اصفهان در سال ۱۳۸۵

تعدادبهره‌برداری ۱۴۲۳ مساحت گلخانه ۴۴۴ هکتار

ادامه در صفحهٔ ۴۷۲

فهرست برخی از مطالب

جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان اصفهان

استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۰۶۹۹۳/۶ کیلومتر مربع بین ۳۰ درجه، ۴۳ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این استان که در مرکز ایران واقع شده از شمال به‌استانهای مرکزی و سمنان از جنوب به‌استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به‌استان خراسان و یزد و از مغرب به‌استانهای لرستان و چهارمحال بختیاری محدود است.

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ استان اصفهان با ۸۸۸۰۶۰ خانوار جمعیتی معادل ۳۹۲۳۲۲۵ نفر داشته است که ۲۹۱۴۸۷۴ نفر ساکن در نقاط شهری، ۱۰۰۷۰۸۷ نفر ساکن در نقاط روستائی و ۱۲۹۴ نفر جمعیت غیرساکن استان بوده است.

براساس همین نتایج بازاء هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۵ نفر مرد وجود داشته.

براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵ این استان شامل ۱۸ شهرستان ۶۷ شهر، ۳۸ بخش و ۱۱۷ دهستان می‌باشد و مرکز آن شهر اصفهان است.

استان اصفهان که میان کوههای مرکزی ایران و دامنه‌های شرق زاگرس واقع شده و از چند ناحیه کوهستانی و جلگه‌ای به‌شرح زیر تشکیل یافته است:

۱ـ ناحیه کوهستانی مغرب که شهرستانهای فریدن و فریدونشهر را شامل می‌شود.

۲ـ ناحیه کوهستانی شمال شرقی و شرق که شهر نطنز نیز در دامنه بلندترین قله کوه کرکس قرار دارد.

۳ـ ناحیه کوهستانی اردستان که شهرستان اردستان را به‌وسیله دور رشته کوه در مغرب از حوزه زاینده‌رود و در مشرق از کویر لوت جدا می‌سازد. این ناحیه کوهستانی بوسیله یک رشته از کوههای کم‌ارتفاع به‌دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. قسمت شمالی شهرستانهای نائین، اردستان، کاشان و قسمت جنوبی شهرستان یزد را که در دامنه شیرکوه واقع شده را در بر می‌گیرد.

۴ـ قسمت جلگه‌ای این استان از آبرفتهای زاینده‌رود بوجود آمده و با شیب ملایمی به‌باتلاق گاوخونی در جنوب شرقی اصفهان منتهی می‌گردد.

سیمای اقلیمی استان: بخش وسیعی از استان اصفهان را اقلیم خشک دربرگرفته است و این امر بیش از همه معلول کم بودن باران سالانه در بسیاری از مناطق استان و بالا بودن نرمال سالانه دما در گستره‌های وسیعی از استان اصفهان می‌باشد.

میانگین سالانه‌ی بارندگی در سطح استان از حدود ۸۰ تا ۳۶۰ میلی متر متغیر است و به طور کلی بخش‌های غربی استان پر باران‌تر از نواحی شرق استان است. نرمال سالانه‌ی دمای هوا از حدود ۹ تا ۱۷/۳ درجه‌ی سانتی گراد تغییر می‌نماید و میانگین سالیانه تبخیر از حدود ۲۱۶۱ تا ۳۰۷۱ میلی متر در سطح استان نوسان دارد.

عوامل اصلی در شکل‌گیری اقلیم‌های استان اصفهان را می‌توان مانند بسیاری از مناطق دیگر تغییرات ارتفاع، منابع رطوبتی، عرض جغرافیائی و تأثیر توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی دارای تأثیراتی بر اقلیم استان می‌باشند که در زیر به

آن‌ها پرداخته می‌شود.

آب و هوا: بطور کلی هوای استان اصفهان بمناسبت وجود رودها و کوههای زیاد معتدل و فصول آن منظم می‌باشد.

میزان بارندگی در این استان نسبتاً کم و در نواحی کوهستانی زمستانها سرد و پربرف و تابستانها ملایم و مطبوع می‌باشد.

ارتفاعات: مهم‌ترین و مرتفع‌ترین این بلندی‌ها عبارتند از:

۱ـ رشته کوههای دالانکوه و دره بید با ارتفاع ۳۹۱۵ متر و ۳۶۳۱ متر و دنباله رشته کوه زردکوه بنامهای شاهان‌کوه با ارتفاع ۳۰ ـ ۴۰ متر و کوه ونیزان با ارتفاع ۳۲۰۱ متر در غرب استان.

۲ـ کوه کرکس با ارتفاع ۳۸۹۵ متر، کوه صفه با ارتفاع ۲۲۳۲ متر. شاکوه با ارتفاع ۲۴۱۸ متر و کلاه قاضی با ارتفاع ۲۵۳۴ متر در مرکز استان.

۳ـ در شمال و شمال غربی استان کوه ریزآب دربند با ارتفاع ۲۶۷۸ متر کوه دره قلا با ارتفاع ۳۲۵۱ متر و کوههای یخ آب با ارتفاع ۲۲۸۸، متر واقع شده‌اند.

۴ـ شاکوه با ارتفاع ۲۴۵۱ متر کوه دره انیجر با ارتفاع ۱۳۸۸ متر و کوه کلاشه با ارتفاع ۱۷۲۶ متر در مشرق استان.

۵ـ در جنوب دنباله رشته کوه دنا با نام دینار با ارتفاع ۴۴۰۹ متر کوه آئین‌قری با ارتفاع ۳۷۱۷ متر، کوه دارمه با ارتفاع ۳۳۴۵ متر و کوه گرم‌آباد با ارتفاع ۳۳۵۹ متر واقع شده‌اند.

۶ - کوه سیمان در شمال غربی اصفهان به ارتفاع ۲۹۳۴ متر

۷ - کوه صفه در جنوب اصفهان به ارتفاع ۲۲۴۰ متر

۸ - ارتفاعات شاه کوه لاشتر، کلاه قاضی و شیدان در جنوب ـ شرقی اصفهان

۹ - کوه پنجی به‌ارتفاع ۲۴۲۴ متر در مرکز کوه بیدکان به ارتفاع ۲۶۴۰ متر در جنوب غربی و کوه‌های سورمه و چشمه سنجر و صالح در شمال، کوه داران و فیله و دنباله‌ی کوه ینجی در جنوب شهرستان نجف‌آباد.

۱۰ - رشته کوه‌های قمیشلو در بخش مرکزی و دنباله‌ی بیدکان در غرب، رشته کوه‌های زردکوه، کوه کالخونی و سفیدکوه در مرکز، کوه قاضی در شمال شهرستان شهرضا

۱۱ - کوه بهوروز، چالقفا، پشم کن و کوه باغک در سمیرم.

۱۲ - رشته کوه‌های اردستان از انشعابات کوه کرکس در کاشان

۱۳ - کوه سراش، محمدیه و زردکوه از مهم‌ترین ارتفاعات شهرستان نائین

۱۴ - بلندترین قله‌ی کوه‌های سلسله جبال مرکزی ایران که از شهرستان گلپایگان می‌گذرد در این ناحیه قله حاجی تارا به ارتفاع ۳۵۶۰ می‌باشد.

تأثیر ارتفاعات بر اقلیم استان: استان اصفهان به علت گستردگی قابل ملاحظه، دارای نواحی وسیع جلگه‌ای و کوهستانی است. رشته کوه‌های زاگرس با جهت شمال غربی ـ جنوب شرقی در غرب این استان واقع شده است و از ارتفاعات هکل در شمال گلپایگان تا ارتفاعات دنا امتداد یافته است.

از کوه‌های ناحیه‌ی غربی اصفهان می‌توان از تمندر و دالان کوه و بزمه نام برد که ارتفاع آن‌ها عموماً بین ۲ تا ۳ هزار متر است. بلندترین قله این منطقه شاهان کوه است که دارای ۴۰۴۰ متر ارتفاع است.

در شمال شرقی اصفهان ارتفاعات مارشنان با

ارتفاع ۳۳۳۰ متر قرار گرفته است و . ر جنوب اصفهان‌کوه صفه به ارتفاع ۲۲۴۱ متر و در جنوب شرقی اصفهان ارتفاعات شاه کوه، لاشتر، کلاه قاضی و شیدان استقرار دارد.

در اطراف نجف آباد ارتفاعات پنچی، بیدکان، سومره، چشمه سنجد، صالح و جوزان واقع شده‌اند که در بین آن‌ها جلگه‌های حاصلخیزی قرار دارد.

در جنوب و جنوب غربی اصفهان ارتفاعات قمیشلو، کوه سفید و دنباله ارتفاعات بیدکان و زرد کوه طالخونی قرار دارد. در اطراف نائین ارتفاعات محمدیه و زردکوه و در محدوده گلپایگان بخشی از سلسله جبال مرکزی ایران با جهت شمال غربی ـ جنوب شرقی به نام الوند با ارتفاع ۳۱۱۱ متر قرار دارد. شهر نطنز در دامنه‌های رشته کوه‌های کرکس واقع شده و شهرستان اردستان به وسیله‌ی دو رشته‌کوه از حوزه زاینده رود و دشت کویر جدا می‌شود.

به طور کلی چنان چه استان اصفهان را به وسیله یک قطر فرضی از شمال غرب به جنوب شرق تقسیم نمائیم، نیمه سمت چپ این قطر دارای ارتفاع متوسطی بیش از ۱۵۰۰ متر و نیمه راست این قطر دارای ارتفاع متوسطی کمتر از ۱۵۰۰ متر از سطح دریا خواهد بود که طبعاً در این نیمه، بارندگی کمتر از نیمه قبلی وجود خواهد داشت که آمار بارندگی ایستگاه‌های هواشناسی استان مؤید این نظریه است و نقش ارتفاعات در چنین مواردی است که در میزان بارندگی‌ها و لاجرم در وضعیت اقلیمی مناطق به خوبی نمایان می‌گردد.

تأثیر منابع رطوبتی بر اقلیم استان: منابع رطوبتی یا منابع آب‌های استان اصفهان مشتمل بر آب‌های سطحی و آب‌های زیر زمینی است.

الف ـ آب‌های سطحی: استان اصفهان دارای رودخانه‌های متعددی است که بخش‌های وسیعی از جلگه‌ی اصفهان را مشروب می‌سازند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

زاینده رود: بی‌تردید مهم‌ترین رودخانه مرکز فلات ایران زاینده رود است، که از چشمه‌ها و رودخانه‌های متعددی تشکیل شده و از تنگ گزی در دهستان شوراب به طرف اصفهان جاری می‌شود. مجموعه این آب‌ها در تنگ گزی، زاینده رود را تشکیل می‌دهد.

زاینده رود که از شمال شرقی زردکوه سرچشمه می‌گیرد، در مسیر حرکت خود به شرق، تا باتلاق گاو خونی جریان دارد. طول این رودخانه را با مسیر طبیعی اش از ۳۶۰ تا ۴۲۰ کیلومتر ذکر کرده‌اند، اما این فاصله به خط مستقیم در حدود ۲۷۰ کیلومتر است.

دریاچه‌ی سد زاینده رود، در محل آبادجی در ناحیه‌ای کوهستانی قرار گرفته است و موقعیت مناسبی برای جلب ایرانگردان داخلی و خارجی دارد. سد دیگری بر روی یکی از شعبات زاینده رود به نام چشمه‌ی مرغاب احداث شده و در سال ۱۳۷۰ مورد بهره برداری قرار گرفته است.

سد زاینده‌رود: در فاصله‌ی ۶۰ کیلومتری از سرچشمه زاینده رود و در فاصله‌ی ۱۱۷ کیلومتری از اصفهان، سد زاینده رود احداث گردیده است که توسط آن آب مورد نیاز کارخانه ذوب آهن نیز تأمین گردیده و کشتزارهای وسیعی نیز به زیر کشت برده شده‌اند.

به موازات ایجاد سد زاینده رود، ساختمان سدهای انحرافی و شبکه‌ی مدرن آبیاری اراضی جنگلی دشت اصفهان نیز آغاز گردید که دارای

بخش‌های زیر است:
- سد انحرافی آبشار و شبکه‌های سمت راست و چپ آن برای آبیاری اراضی جلگه و دشت شرقی اصفهان.
- شبکه‌ی زهکشی و آبیاری سمت چپ سد انحرافی نکو آباد، با هدف آبیاری اراضی غرب و شمال غرب اصفهان.
- سد انحرافی نکو آباد و شبکه‌های سمت راست آن با هدف آبیاری دشت مرکزی اصفهان.

ساخت سد زاینده رود و سدهای انحرافی آن با اهداف کشاورزی و صنعتی و نیز تأمین آب آشامیدنی شهر اصفهان صورت گرفت که موجبات پیشرفت‌های کشاورزی و صنعتی و رفاهی را در سطح استان فراهم ساخته است.

رودخانه‌ی مرغاب: این رودخانه از ارتفاعات داران سرچشمه گرفته و نجف آباد را مشروب می‌سازد و به زاینده رود می‌ریزد.

رودخانه‌ی گندمان: رودخانه‌ی گندمان در منطقه‌ی سمیرم با رودخانه‌های شمس آباد و خسا پیوسته و به رودخانه‌ی خرسان می‌ریزد.

رودخانه‌ی اناربار: رودخانه‌ی اناربار یا گلپایگان از ارتفاعات بختیاری و خوانسار سرچشمه گرفته و به دریاچه‌ی قم می‌ریزد.

باتلاق گاو خونی: باتلاق گاو خونی در جنوب شرقی اصفهان قرار گرفته و به معنی چاه بزرگ است. وسعت این باتلاق به ازاء بارندگی و میزان تبخیر متغیر است، اما وسعت متوسط آن ۵۰۰ کیلومتر مربع است. اطراف باتلاق گاو خونی را پوشش گیاهی متنوعی فرا گرفته است.

ب- آب‌های زیر زمینی: آب‌های زیر زمینی استان اصفهان شامل چاه‌ها، چشمه‌ها و قنوات است که در اشکال و اهداف گوناگون نظیر مصارف کشاورزی، صنعتی، شرب و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در بخش شمالی استان اصفهان سطح آب‌های زیر زمینی تقریباً بالا بوده و در پاره‌ای از مناطق، زمین به شکل باتلاق درآمده است.

از چشمه‌های معروف استان اصفهان می توان از چشمه‌ی آب معدنی ورتون، چشمه‌ی سرخ فریزهند، چشمه‌ی سلیمانی، چشمه‌ی عباسی، چشمه‌ی خوراسگان، چشمه‌ی هفتون، چشمه‌ی راهروان، چشمه‌ی لادژ، چشمه‌ی نبی و تعداد زیادی از چشمه‌های دیگر استان نام برد.

مجموعه آب‌های سطحی و آب‌های زیر زمینی استان اصفهان در محدوده‌های معینی بر اقلیم‌ها و خرده اقلیم‌های مستقر در نواحی و مناطق مختلف استان تأثیر می‌گذارند.

مشخصات جغرافیایی استان اصفهان: استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۵۲ هزار کیلومتر مربع بین ۳۰ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۳۳ دقیقه‌ی طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این استان در مرکز ایران واقع شده از شمال به استان مرکزی و استان سمنان از جنوب به استان فارس و کرمان از مشرق به استان خراسان جنوبی و از مغرب به استان‌های لرستان و چهارمحال بختیاری و استان بویراحمد و کهکیلویه محدود است.

استان اصفهان منطقه‌ی وسیعی است که میان کوه‌های مرکزی ایران و دامنه‌های شرقی زاگرس واقع شده و از چند ناحیه‌ی کوهستانی و جلگه‌ای به شرح زیر تشکیل یافته است.

۱ - ناحیه‌ی کوهستانی مغرب از شهرستان فریدن

را شامل می‌شود.
۲ - ناحیه‌ی کوهستانی شمال شرقی و مشرق که شهر نطنز نیز در دامنه‌ی بلندترین قله‌ی کوه کرکس قرار دارد.
۳ - ناحیه‌ی کوهستانی اردستان که شهرستان اردستان را وسیله‌ی دو رشته کوه در مغرب از حوضه‌ی زاینده رود و مشرق از کویر لوت جدا می‌سازد این ناحیه‌ی کوهستانی به وسیله‌ی یک رشته از کوه‌های کم ارتفاع به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. قسمت شمالی آن شهرستان‌های نائین، اردستان و نطنز و قسمت جنوبی شهرستان یزد راکه در دامنه‌ی شهر شیرکوه واقع شده در برمی‌گیرد.
۴ - قسمت جلگه‌ای این استان از آبرفت‌های زاینده رود به‌وجود آمده و با شیب ملایمی به باتلاق گاوخونی در جنوب شرقی اصفهان منتهی می‌گردد.

رودها: مهم‌ترین رودخانه‌های این استان عبارتند از:
۱ - زاینده‌رود که از ارتفاعات زردکوه بختیاری در شهرکرد سرچشمه می‌گیرد، جهت جریان آن از غرب به شرق است آب این رودخانه به خصوص پس از حفر تونل کوهرنگ در کوه کارکنان به طول ۱۶۰ کیلومتر و با انشعابات کوچک خود کلیه‌ی قراء و مزارع اطراف آن را مشروب می‌نماید و سیلاب آن به باتلاق گاوخونی مهنتهی می‌گردد. سرچشمه‌ی زاینده‌رود نزدیک سرچشمه گرفته نجف‌آباد را مشروب و در نزدیکی آبادی جوزدان به زاینده رود منتهی می‌شود.
۲ - رودخانه‌های گندمان، شمس‌آباد، حنا در سمیرم واقع و به رودخانه خراسان ملحق می‌گردند.
۳ - رودخانه قبله از کوه‌های جنوبی خوانسار سرچشمه گرفته وارد قسمت مرکزی شهرستان گلپایگان گشته و پس از مشروب کردن این ناحیه و گذشتن از گلپایگان به نام رودخانه‌ی لعل یار به جریان خود ادامه می‌دهد.
۴ - رودخانه‌ی کرون از ارتفاعات نبله و داران و شعبه‌ی دیگر آن نیز از کوه صالح و مکه سرچشمه گرفته پس از آبیاری هستان‌های اطراف خود در شمال جوزدان به زاینده‌رود می‌ریزد.
۵ـ رودخانه مرغاب از کوههای داران سرچشمه گرفته نجف‌آباد را مشروب و در نزدیکی آبادی جوزدان به‌زاینده‌رود منتهی می‌شود.
۶ـ رودخانه‌های ماویر، آب‌ونک و حنا از شهرستان سیمرم سرچشمه گرفته و به‌رودخانه خراسان ملحق می‌گردند.
۷ـ رودخانه دربند از کوههای فریدن سرچشمه گرفته وارد قسمت مرکزی شهرستان گلپایگان گشته و پس از مشروب‌کردن این ناحیه و گذشتن از گلپایگان با نام لعل‌یار به‌جریان خود ادامه می‌دهد.
۸ـ رودخانه زرچشمه در شهرستان شهرضا که از کوههای سلطان خلیل و آئین‌قری سرچشمه گرفته و پس از مشروب‌کردن اراضی هونجان و اسفرجان به‌سمت جنوب شهرضا جریان پیدا می‌کنند.

آب و هوا: به‌طور کلی هوای استان به مناسبت وجود رودها و کوه‌های زیاد معتدل و فصول آن منظم می‌باشد. میزان بارندگی در این استان نسبتاً کم و در نواحی کوهستانی زمستان‌ها سرد و برف و تابستان‌ها ملایم و مطبوع می‌باشد.

آبخیز اصفهان: آبخیز اصفهان از نظر وسعت شکل ظاهری و جهت شبیه آبخیز مجاورش یعنی

آبخیز یزد است. بزرگ‌ترین رودخانه‌ی این آبخیز رودخانه‌ی زاینده رود است که از ارتفاعات شرقی سلسله‌ی جبال زاگرس سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از شهر اصفهان به باتلاق گاو خونی، نزدیک بخش مرکزی آبخیز می‌ریزد. به علت این که از صفحات پوشیده از برف سلسله جبال زاگرس نشأت می‌گیرد، دبی این رودخانه در فصل بهار به حدود ۱۶۸۰ متر مکعب در ثانیه می‌رسد که در حد دبی بهاره بعضی از رودخانه‌های دامنه‌های غربی زاگرس است، در حالی که در اواخر پائیز دبی آن به ۲۸ متر مکعب در ثانیه کاهش می‌یابد. علاوه بر آن چند رودخانه‌ی کوچک در این آبخیز وجود دارد که در سراشیبی‌های تند دامنه‌های شرقی زاگرس جریان داشته و به نمکزارهای کویری داخل آبخیز ختم می‌گردد.

آبخیز اصفهان در یک فرو رفتگی جوان، بین سنگ‌های رسوبی چین خورده در امتداد دامنه‌های شمال شرقی سلسله جبال زاگرس و رشته کوه‌های آتشفشانی موازی با آن قرار گرفته است در مجاورت حد جنوب غربی این آبخیز یک روراندگی بزرگ وجود دارد.

حد جنوبی سیرجان را به کلی سنگ‌های متامورفیک تشکیل می‌دهد که در بعضی نقاط به خصوص در مشرق ابرقو و جنوب شرقی سیرجان همراه با برجستگی‌هایی از سنگ‌های دوره‌ی میوسن است. در حالی که بخش شمال شرقی این آبخیز را تماماً سنگ‌های آذرین فراگرفته است که به طور محدود در قسمت مشرق ابرقو و جنوب شرقی سیرجان با ارتفاعات دوره‌ی میوسن همراه هستند. در قسمت مرکزی آبخیز در بخش شمالی و شمال غربی ابرقو چندین برجستگی پراکنده متعلق به دوره‌ی میوسن دیده می‌شود. علاوه بر روراندگی موجود در امتداد حاشیه جنوب غربی آبخیز یک گسل اصلی این آبخیز را از شمال غربی به طرف جنوب شرقی قطع می‌نماید.

حدود آبی این آبخیز عموماً در حدود ۲۰۰۰ متر از سطح لگن ارتفاع داشته و حداکثر ارتفاع آن در شمال شرقی ابرقو به ۲۶۰۰ متر می‌رسد. شیب عمومی آبخیز اصفهان به طرف شمال غربی بوده و اختلاف سطح آن در سطح آبخیز مابین ۱۷۱۰ متر (در سطح کویر ابراهیم آباد) تا ۱۳۰۰ متر در سطح کویر ورزنه می‌رسد. ولی با وجود زهکش‌های داخلی این آبخیز از حدود اصفهان با ارتفاع ۱۵۹۷ متر از سطح دریا به طرف جنوب شرقی توسعه یافته و به حاشیه‌ی شمالی کویر ورزنه می‌ریزد. میزان بارندگی سالانه در گوشه‌ی شمال غربی این آبخیز از ۶۰۰ میلیمتر در سال تجاوز نموده و در اطراف اصفهان به ۷۱ میلیمتر در سال می‌رسد. در امتداد حدود جنوبی و جنوب غربی میزان بارندگی سالانه‌ی آن بیش از ۲۰۰ میلیمتر در سال است.

آبخیز ارتفاعات بیجستان: آبخیز ارتفاعات بیجستان از نه حوزه‌ی زهکشی تشکیل شده است که به وسیله‌ی ارتفاعاتی تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا و بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح کویرهای مجاور، از یکدیگر جدا شده‌اند. بارش‌های سالانه‌ای منطقه اکثراً در زمستان و به صورت برف است که از هوای مرطوب رسیده از دریای خزر حاصل می‌گردد. حداکثر بارندگی این آبخیز در امتداد حد شمال شرقی آن و در مسیر بادهای طوفانی سمت جنوب شرقی می‌بارد. میزان بارندگی این آبخیز در حد شمال شرقی بیش از ۳۰۰ میلیمتر است که به طرف طبس کاهش یافته و در مغرب طبس به کمتر

از یکصد میلیمتر می‌رسد. یک مرکز بارندگی دیگر با بیش از ۱۵۰ میلیمتر در سال در اطراف ارتفاعات جنوب مرکزی این آبخیز وجود دارد. بخش یزدان که در لگنی در حد واسط دو مرکز بارندگی قرار گرفته است سالانه کمتر از ۱۵۰ میلیمتر باران دریافت می‌دارد.

گسل‌های بزرگ و ممتدی این حوزه‌ی کوهستانی را قطع می‌نماید. مهم‌ترین آن‌ها گسل کویر نمک کاخ و گسل قائن است. حادثه‌ی زمین لرزه ۳۱ اوت ۱۹۶۸ که بیش از ۱۲۰۰۰ نفر در آن جان خود را از دست دادند و در امتداد گسل کاخ رخ داده و بر اثر این حادثه اختلاف سطحی برابر با ۳ متر ایجاد گردید. در نتیجه ادامه‌ی فعالیت‌های تکتونیک در این منطقه، جابجائی مسیر زهکش‌های موجود امری عادی است.

چاله‌ی بیجستان: در چاله‌ی بیجستان، بزرگ‌ترین کویر ایران با وسعتی برابر با ۴۶۸۵ کیلومتر مربع قرار دارد که در عین حال کوچک‌ترین نسبت سطح حوزه‌ی زهکشی به سطح کویر (برابر با ۵) را نیز دارد.

این چاله‌ی آب اضافی چاله‌ی تربت را از طریق یک رودخانه‌ی داخلی دریافت می‌کند. این رودخانه قبل از رسیدن به چاله‌ی بیجستان از دره‌ی باریکی در ارتفاعات آهکی کرتاسه و تپه‌های ماسه‌ای تثبیت شده قدیمی می‌گذرد. احتمالاً مجرای ورودی این چاله به وسیله‌ی تپه‌های ماسه‌ای و یا سنگ‌های دوره‌ی کرتاسه و یا در گذشته خیلی نزدیک به وسیله‌ی تپه‌های ماسه‌ای وسیع این منطق بسته بوده است.

کویر بیجستان در مجاورت حد شمال غربی چاله‌ی بیجستان و در مقابل سنگ‌های مقاوم‌تر متعلق به دوره‌ی ژوراسیک و کنگلومرآت‌ها قرار گرفته است، در این کویر فقط یک دامنه‌ی آبرفتی باریک وجود دارد و عملاً هیچ حوزه‌ی خیس قابل ملاحظه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

چاله‌ی اردستان: چاله‌ی اردستان به وسیله‌ی رشته کوه‌های پهنی به ارتفاع حدود ۱۱۰۰ متر از سطح دریا از چاله‌ی یزد جدا شده است. به طوری که توسعه‌ی بیشتر و فعالیت شدید مخروط‌های افکنه دامنه‌های حد جنوب غربی این چاله نشان می‌دهند، قسمت اعظم هرزآب‌های ورودی این چاله از ارتفاعات این بخش سرچشمه می‌گیرند. مخروط افکنه‌ها اخیراً بر روی سطح کویر و تپه‌های ماسه‌ای مجاور توسعه یافته‌اند. به طوری که رنگ تیره‌تر و حد و مرز کاملاً مشخص و بریدگی‌های کمتر مخروط افکنه‌ی شمال شرقی نشان می‌دهد، این مخروط افکنه‌ها فعالیت کمتری دارند. کویر اردستان بزرگ‌ترین کویر حوزه‌ی آبخیز یزد است. طول این کویر حدود ۱۳۵ کیلومتر و عرض آن در پهن‌ترین قسمت آبخیز حدد ۳۰ کیلومتر و سطح کل آن حدود ۱۵۲۵ کیلومتر مربع است. هفتاد درصد سطح این کویر را صفحات رسی و ۲۸ درصد آن‌ها را نمکزار و بالاخره ۲ درصد آن را چین خوردگی‌های آنتی کلین کوچک متعلق به دوره‌ی میوسن تشکیل می‌دهد که بر روی نمکزار قرار گرفته است.

کویر ابراهیم آباد ـ استان اصفهان: کویر ابراهیم آباد در فرو رفتگی کوچکی واقع در آب‌های جنوبی آبخیز اصفهان قرار گرفته است. امتداد حدود غربی و جنوبی این کویر را کوه‌های پر شیبی مرکب از سنگ‌های متامورفیک فرا گرفته است و مخروط افکنه‌ها فقط به حوزه‌ای نسبتاً باریک ولی فعال محدود می‌گردد. به طوری که

چاه‌های زده شده جهت عملیات راهسازی در این محل نشان می‌دهد آب زیر زمینی فراوانی در این منطقه وجود دارد. حدود شرقی و شمال شرقی این کویر در مقابل صفحات کم شیب و پهن آبرفتی قرار دارد که تا قلل بلند و دندانه‌ای مرکب از کوه‌های آتشفشانی دوره‌ی ائوسن و سنگ‌های آهکی دوران مزوزوئیک و مواد آواری متعلق به دوران نئوژن اوج می‌گیرد. این جلگه پهن دارای آب فراوانی بوده و طغیان‌های بهاره‌ی شدیدی بر روی آن قرار گرفته است و به طرف کویر سیرجان زهکشی می‌شود. بخش شمال شرقی این لگن با دو جلگه‌ی ابراهیم آباد و سیرجان کم و بیش در ارتباط هستند.

مساحت کویر ابراهیم آباد در حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع بوده و از نوع کویرهای ری است که از نظر عوارض سطحی تنوع زیادی دارد. در امتداد حاشیه‌ی جنوب غربی و جنوب شرقی این کویر چندین رودخانه‌ی کوچک فصلی وجود دارد که پس از ورود به سطح کویر به زودی خشک و ناپدید می‌گردند.

کویر سیرجان: کویر سیرجان با وسعتی برابر ۱۶۲۵ کیلومتر مربع بزرگ‌ترین کویرهای آبخیز اصفهان است. این کویر در فرو رفتگی مثلثی شکلی واقع در جنوب غربی شهر سیرجان قرار گرفته است. مخروط افکنه‌های واقع در امتداد حاشیه‌ی شمال شرقی این کویر که در مجاورت پرشیب‌ترین دامنه‌های این قسمت چاله قرار گرفته بسیار فعال ترند. در حالی که فعالیت مخروط افکنه‌های واقع در جنوب غربی و جنوب شرقی این کویر فقط موضعی است. رنگ تیره حوزه‌ی گسترش این مخروط افکنه نمایشگر فعال نبودن آن‌ها در یک زمان طولانی است. بزرگ‌ترین رودخانه‌های این کویر در امتداد شرقی‌ترین گوشه‌ی آن وارد کویر می‌گردند.

در حدود ۶۸ درصد سطح این کویر را صفحات رسی و ۳۲ درصد آن را نمکزار فراگرفته است. حوزه‌های خیس این کویر فقط به نقاطی چند در امتداد حاشیه‌ی شمال شرقی و شمالی نمکزار محدود بودن و به علت کوچکی، قابل درج بر روی نقشه نیستند.

رشته کوه‌ها و ارتفاعات استان اصفهان:

در جغرافیای استان اصفهان ارتفاعات متعددی وجود دارد که از قله‌ها و غارها و جاذبه‌های بسیاری برخوردارند که به معرفی مهم‌ترین آن‌ها مبادرت می‌شود.

- کوهستان‌ها و ارتفاعات مرکزی استان اصفهان شامل کوه کرکس با ارتفاع ۳۸۹۵ متر، کوه صفه با ارتفاع ۲۲۳۲ متر، شاه کوه با ارتفاع ۲۴۱۸ متر و کلاه قاضی با ارتفاع ۲۵۳۴ متر می‌باشد.
- کوهستان‌ها و ارتفاعات شمال و شمال غرب استان شامل ارتفاعات دیزاب دربند با ارتفاع ۲۶۷۸ متر و کوه یخ آب با ارتفاع ۲۲۸۸ متر، کوه دزقلا با ارتفاع ۳۲۵۱ متر می‌باشد.
- کوهستان‌ها و ارتفاعات جنوب استان در واقع ادامه رشته کوه دنا با نام دینار با ارتفاع ۴۴۰۹ متر، کوه دارمه با ارتفاع ۳۳۴۵ متر و کوه گرم آباد با ارتفاع ۳۳۵۹ متر و کوه آئین قری با ارتفاع ۳۷۱۷ متر است.
- کوهستان‌ها و ارتفاعات غرب استان اصفهان دنباله ارتفاعات زرد کوه به اسامی شاهان با ارتفاع ۳۰۴۰ متر و کوه ونیزان با ارتفاع ۳۲۰۱ متر می‌باشد.
- کوهستان‌ها و ارتفاعات شرق استان عبارتند

از کوه کلاته با ارتفاع ۱۷۲۶ متر و کوه درهٔ اینجر با ارتفاع ۱۳۸۸ متر.

جلگه اصفهان از آبرفت رودخانه‌ی زاینده رود تشکیل شده و در پای دامنه‌های شرقی ارتفاعات زاگرس قرار گرفته است. از طرف جنوب غربی فاصله‌ی چندانی با دامنه‌ی کوه‌های زاگرس ندارد، ولی از طرف شمال شرق در فاصله نسبتاً دوری از کوه‌های مرکزی قرار گرفته قرار است.

این شهر از طرف شمال به ارتفاعات جعفر آباد، از غرب در امتداد کوه‌های لاسمیان، از جنوب به کوه صفه و شاهکوه و از مشرق به تپه‌های پراکنده جنوب گورت و کوه‌های حمام و سین بندی محدود می‌شود و این ارتفاعات در جهات مختلف جغرافیائی قابل تقسیم بندی است.

۱ـ کوه‌های شمالی: در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری شمال اصفهان کوهی به نام جعفر آباد با ارتفاع ۱۹۰۰ متر دیده می‌شود که در قسمت شرقی از آهک‌های کرتاسه و در قسمت غربی از رسوبات میوسن زیرین تشکیل شده است.

۲ـ کوه‌های غربی: الف: ارتفاعات محمود آباد و سید محمد: این ارتفاعات در شمال خمینی شهر واقعند و به ترتیب ۲۱۰۰ متر و ۲۴۵۰ متر ارتفاع دارند. جنس آن‌ها در بالا از آهک‌های دوران کرتاسه زیرین است که بر روی لایه‌ی نازکی از ماسه سنگ قرمز قرار گرفته‌اند.

ب) کوه آتشگاه: در مغرب اصفهان و در شمال دره‌ی زاینده رود توده‌ی کوچکی به نام کوه آتشگاه با ارتفاع ۱۶۷۰ متر قرار دارد. جنس آن آهک متعلق به کرتاسه زیرین است. (این کوه در زمان ساسانیان محل آتشکده بوده است).

ج) کوه دمبه: این کوه با ارتفاع ۱۸۰۰ متر در غرب اصفهان و در جنوب دره‌ی زاینده رود قرار دارد. جنس آن آهکی متعلق به کرتاسه زیرین است.

د) کوه سفید: در فاصله‌ی کمی از جنوب کوه دمبه، توده‌ی مرجانی کوه سفید واقع شده و متعلق به آهک‌های مرجانی دوران سوم زمین‌شناسی است که بر اثر برداشت بی رویه، جهت سنگ ساختمانی، در حال نابودی است.

۳ـ ارتفاعات جنوبی: الف) کوه صفه: در جنوب شهر اصفهان چهار توده‌ی کوهستانی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها با نام صفه معروف است. حداکثر ارتفاع این کوه ۲۲۴۰ متر است و از آهک‌های کرتاسه در بالا و شیل‌های ژوراسیک در زیر تشکیل شده و به صورت توده‌ای با شیب نزدیک به قائم بر روی لایه‌ی نازکی از ماسه سنگ قرمز قرار دارد.

ب) شاهکوه: با حداکثر ارتفاع ۲۴۰۰ متر در جنوب ارتفاعات صفه قرار گرفته است.

۴ـ ارتفاعات شرقی: در شرق اصفهان، کوه به معنای واقعی کمتر دیده می‌شود و آن چه بیشتر به چشم می‌خورد تپه‌های مرتفع است. در جنوب شرقی چند تپه وجود دارد که از آهک‌های کرتاسه زیرین تشکیل شده‌اند. این ارتفاعات، در طرف مشرق گسترش یافته و به کوه‌های حمام و سین بندی واقع در جنوب قهجار و ستان منتهی می‌شود. لازم به توضیح است که به علت نیمه صحرائی بودن منطقه که بارندگی آن بسیار کم است. این ارتفاعات از پوشش گیاهی قابل ذکری برخوردار نیستند.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان اصفهان: منابع آبی استان اصفهان شامل آب‌های سطحی و آب‌های زیر زمینی است که آب‌های سطحی استان شامل رودخانه‌ها و مرداب‌ها و آب‌های زیر زمینی استان مشتمل بر چشمه‌ها و

چاه‌ها و قنات‌ها می‌باشد. **مرداب گاو خونی:** وسعت مرداب گاو خونی در حدود ۴۷۶ کیلومتر مربع است که در فاصله ۱۶۷ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان قرار دارد. حداکثر عمق آن ۸۰ تا ۱۵۰ سانتی متر است و در ارتفاع ۱۴۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است.

مرداب گاو خونی از تالاب‌های با ارزش و نادری است که در فلات مرکزی ایران و در آستانه‌ی ورودی کویر قرار دارد.

این تالاب، از زمینه‌های مهم پژوهشی و تحقیقاتی برخوردار است.

مرداب گاو خونی فضاهای تفریحی مناسب دارد و دارای تولیدات و ذخایر بسیار بالای بیولوژیک است و زیستگاه بسیار مناسبی برای آبزیان، حیات وحش و پرندگان مهاجر و بومی محسوب می‌گردد.

چشمه‌های استان اصفهان: چشمه‌های هر استان و به ویژه چشمه‌های آب معدنی استان‌ها از جاذبه‌های مهم گردشگری محسوب می‌گردند.

۱ـ چشمه‌ی آب معدنی ورتون: چشمه‌ی آب معدنی ورتون از دسته آب‌های کلروره بی‌کربناته و سولفاته کلسیک گرم است. از جمله خواص درمانی استحمام در این نوع آب‌ها عبارت است از: اثر تسکین دهندگی برای دردهای عصبی و رماتیسمی. خاصیت ملین به سبب وجود سولفات سدیم در ترکیب آن. درمان کم خونی به سبب وجود املاح آهن.

در فاصله‌ی ۴۳ کیلومتری جاده اصفهان به یزد جاده‌ای فرعی وجود دارد که پس از طی ۱۸ کیلومتر به ناحیه‌ی ورتون می‌رسد. بعد از ورتون در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری، چشمه‌های معدنی ورتون قرار گرفته‌اند، در گذشته حمام هایی به سبک دوره‌ی صفوی احداث شده بود که غالب آن‌ها مخروبه شده‌اند. در حال حاضر برخی از حمام‌ها سالم‌اند که توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وجود آهن در ترکیب آب این چشمه، در درمان کم خونی مؤثر است.

۲ـ چشمه‌ی آب سرخ فریز هند: آب چشمه فریزهند از دسته آب‌های بی کربناته مخلوط باگاز است و درمان بیماری‌های دستگاه گوارش، کبد و مجاری صفراوی، معده و روده‌ای و بیماری‌های تغذیه‌ای مؤثر است. به علت وجود املاح آهن در ترکیبات آن، در ازدیاد تعداد گلبول‌های قرمز و مقدار هموگلوبین خون و در نتیجه در درمان انواع کم خونی نیز مؤثر است.

۳ـ چشمه‌ی سلیمانی فین واقع در باغ فین، ۴ـ چشمه‌ی عباسی واقع در شمال نطنز، ۵ـ چشمه‌ی خوراسگان در شهر اصفهان، ۶ـ چشمه‌ی هفتون واقع در شهرستان اصفهان، ۷ـ چشمه‌ی راهروان در شرق اصفهان، ۸ـ چشمه‌ی لادژ خمینی شهر و چشمه‌ی منظر واقع در ۱۶ کیلومتری اصفهان ـ خمینی شهر. ۹ـ چشمه‌ی نبی و چشمه‌ی ملاد واقع در ۱۰ کیلومتری شمال اصفهان جنب کوه سید محمد، ۱۰ـ چشمه‌ی حقی، گارسون، تیزاب و آب گلستان کوه خوانسار در ۱۳۵ کیلومتری اصفهان، ۱۱ـ چشمه‌ی آبشار شاه در ۸۲ کیلومتری اصفهان ـ شهر کرد، ۱۲ـ چشمه‌ی امید شرق در ۷ کیلومتری شرق خوانسار، ۱۳ـ چشمه و مزرعه توتستان گردنه‌ی ملااحمد واقع در ۸۰ کیلومتری اصفهان ـ نائین.

گردشگاه‌های طبیعی استان اصفهان: اصفهان از نظر جلب گردشگر یکی از غنی‌ترین شهرهای

ایران است که از دوران‌های مختلف تاریخی آثار زیادی در این شهر باقی مانده، البته بیشترین این ابنیه مربوط به دوره‌ی سلاجقه و صفویه است. در اصفهان علاوه بر آثار و ابنیه، رودخانه‌ی زاینده رود عامل دیگری برای جلب گردشگر داخلی و خارجی است. چه در داخل اصفهان و چه در خارج آن مناظر بدیع، و تفرجگاه‌های زیبائی است، در داخل شهر با ایجاد پارک (پارک بوستان، پارک ملت و آئینه خانه و غیره) بر زیبائی رودخانه اضافه شده است.

۱ـ آبشار سمیرم: این آبشار در ۴ کیلومتری شرق سمیرم قرار دارد و ارتفاع آن ۳۵ متر است.

۲ـ آبشار کرد علیا: این آبشار در ۹۰ کیلومتری غرب اصفهان و در ارتفاعات دالانکوه قرار دارد.

۳ـ آبشار شالورا: این آبشار در ۶۵ کیلومتری غرب اصفهان و در نزدیکی روستای چرمهین قرار دارد.

۴ـ آبشار آب ملخ: این آبشار در غرب روستای آب ملخ و در فاصله‌ی ۶۰ کیلومتری شهر سمیرم قرار دارد.

۵ـ آبشار تخت سلیمان: این آبشار در سمت دیگر رشته کوه دنا، یعنی جبهه شمالی آن قرار دارد و در عین زیبایی از خطرناک‌ترین آبشارهای ایران محسوب می‌شود.

۶ـ آبشار خضر: زیبائی این آبشار همواره باعث جذب گردشگر می‌گردد.

از دیگر جاذبه‌های گردشگری در این استان جاذبه‌های کویری و دشت‌های آن است. آسمان پر ستاره‌ی کویر به راستی برای شهرنشینان، شگفت انگیزتر از آن است که به تصور آید.

غارها نیز از جمله دیدنی‌ها این استان است.

۱ـ غار نیاسر کاشان از عجایب و نوادر آثار باستانی است. ۲ـ غار آهکی علویجه، مساحت این غار ۱۰۰ متر و دارای استالاگمیت و استالاکتیت‌های زیبایی است. ۳ـ غار کوکولو، غار کوکولو یا کیلی میلی واقع در کوه‌های پیر بکران در ۱۵ کیلومتری غرب اصفهان قرار دارد. ۴ـ غار کلهرود، این غار در فاصله‌ی ۸۵ کیلومتری شمال شهر اصفهان در دامنه کوه‌های کرکس قرار دارد و طول آن در حدود ۱۰۰ متر است. ۵ـ غار شکر شاه، این غار در ۳۰ کیلومتری جاده‌ی شهرضا ـ سمیرم قرار دارد. ۶ـ غار شاه قنداب، این غار در جنوب شرقی شهرضا واقع شده است.

غار قهرمان: غار در ۱۲ کیلومتری باختر اصفهان در نزدیکی همایون شهر قرار دارد و بایستی از یک دیوار ۶ متری با وسائل فنی صعود کرد. دهانه غار با بلندی ۱۰ پهنای ۵ متر به سوی باختر گشوده شده است. چشم‌اندازی یکنواخت ولی گیرا در زیر خود دارد، نخستین آب انباری باختر گشوده شده چشم‌اندازی یکنواخت ولی گیرا در زیر خود دارد، نخستین آب انباری است به ابعاد ۰/۹۱ × ۳/۷۰ به گودی ۲ متر هم کف زمینی با چند لایه ساروج که بسیار تمیزکار شده و تا امروز می‌توان از آن استفاده کرد. کف آن انباشته از سنگ و خاک است در سوی چپ آن اطاقی قرار دارد این اطاق به درازای ۵ و پهنای ۲/۴۰ متر و نیمدایره است در یک سر آن سکوی باریکی به بلندی ۳۵ سانتیمتر بسته‌اند که گمان می‌رود طاقچه بوده است، در کنار چپ برای گسترش دادن اطاق بالکونی که ۱/۳۰ در هوا پیش رفته است دیده می‌شود، در گوشه بدنه چپ غار بر فراز دهانه حفره طبیعی کوچکی است که جلویش با دیواری گرفته شده است. برای رسیدن به آن باید از روی دیوار آب انبار با یک صعود اریب خود را

بدان رسانید، بر لبه راست دهانه غار بخش دیگر از غار است که با دیگر ساختمانهای آن دگرگونی دارد و برای رسیدن به آن باید از یک بدنه خطرناک سنگی بالا رفت، اندازه تالار سنگی ۴/۱۰× ۵/۵ متر و اطاقها یکی ۲/۲۵ × ۲/۵۶ و دیگری ۱/۵۰ × ۱/۶۴ متر و بلندی میانه آن ۲ متر است، چیز جالب این غار دو روزنه در گوشه اطاق بزرگتر است این سوراخها برای دیده‌بانی گشوده شده و غارنشینان تا مسافت زیادی را از این سوراخها می‌دیده‌اند.

تأثیر فعالیت‌های کشاورزی و پوشش گیاهی بر اقلیم استان

کشاورزی: در مناطق مسطح و جلگه‌ای استان اصفهان، نظیر اطراف زاینده رود و گلپایگان به سبب وجود منابع آب‌های زیر زمینی فراوان و اراضی حاصلخیز، مهم‌ترین مناطق کشاورزی استان استقرار دارد، ولی برخلاف این مناطق، نواحی کم باران و فاقد آب‌های کافی زیر زمینی استان، دارای قابلیت‌های کشاورزی نمی‌باشند و در واقع در این گونه مناطق، بیشتر اختصاصات و ویژگی‌های اقلیم‌های خشک و کویری به چشم می‌خورد و این ویژگی‌ها را می‌توان در نواحی خور و بیابانک و اردستان و نائین و بخشی از نطنز و پاره‌ای دیگر از نواحی استان ملاحظه نمود.

در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی با پوشش گیاهی متوسط و وجود آب‌های زیر زمینی قابل ملاحظه و زمین‌های مستعد، کشت گندم آبی و دیم و سیب زمینی و علوفه و صیفی جات و کاشت درختان میوه رایج است.

به طور کلی می‌توان گفت که به جز گندم که در همه‌ی شهرهای استان کشت می‌شود، تنوع اقلیم و میزان آب‌های زیر زمینی و نیز بازار مصرف و دانش کشاورزی در منطقه، موجب گردیده است که رقابت چشم‌گیری بر سر کشت انواع محصولات زراعی و باغی در سطح استان به عمل آید.

در ناحیه لنجان کشت برنج رایج بوده و فراوانی آب موجب رشد و توسعه‌ی این محصول گردیده است. خاک‌های مساعد منطقه فریدن کشت وسیع سیب زمینی را به همراه دارد و در کاشان و بخش هایی از شهرستان اصفهان به کشت پنبه مبادرت می‌شود و در پاره‌ای از نقاط مستعد استان به احداث باغات درخت توت جهت پرورش کرم ابریشم اقدام شده است.

سطح قابل توجهی از کل اراضی استان به کاشت درختان میوه تعلق یافته است و بیشترین اراضی در مناطق جنوب، مرکزی و غرب استان قرار دارند و نواحی شرق و شمال استان به سبب ویژگی‌های اقلیمی و کیفیت خاک و وضعیت آب، کمتر از سایر نواحی به پرورش درختان اختصاص داده شده است.

در مجموع می‌توان گفت که استان اصفهان یکی از قطب‌های کشاورزی کشور و یکی از مراکز صادر کننده‌ی میوه‌های درختی نظیر سیب، به، گلابی، گیلاس و غیره می‌باشد.

جدا از درختان میوه، درختان غیر مثمر مانند چنار و بید و تبریزی و نارون نیز در سطح استان پرورش می‌یابند که سطح زیر کاشت آن‌ها قابل توجه می‌باشد.

پوشش گیاهی: به جز حوزه‌ی زاینده رود بقیه منطقه به علت دارا بودن اقلیم‌های خشک و نیمه خشک دارای پوشش گیاهی کمی می‌باشند، زیرا فلات داخلی ایران که استان اصفهان هم جزء

آنست با بارندگی سالیانه در حدود ۱۱۰ میلی متر و دمای متوسط سالانه در حدود ۱۵ درجه سانتی گراد و ۱۶۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا، به عنوان یک منطقه نیمه بیابانی و بیابانی شناخته شده است و با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم، منطقه‌ای خشک ارزیابی می‌شود. به سبب تبخیر زیاد در این منطقه،کمتر مناطق جنگلی دیده می‌شود اما در منطقه مرتفع غربی نظیر استان چهار محال و بختیاری و کوهرنگ و زردکوه، کم و بیش پوشش جنگلی وجود دارد.

به هر اندازه که از شهر اصفهان به طرف شرق و جنوب شرقی یعنی به حوزه‌ی گاوخونی نزدیک تر شویم. از میزان رطوبت هوا کاسته شده و گیاهان کم کم منحصر به درختچه‌های کوتاه و گیاهان یکساله می‌شوند و می‌توان گفت که رستنی‌های این منطقه بیشتر از نوع گیاهان استپی مناطق خشک است که هر قدر به ارتفاع افزوده می‌شود از گیاهان نوع کویری کاسته می‌شود و پوشش گیاهی مناطق معتدل ظاهر می‌گردد.

نتیجه تحقیقات گیاه شناسان در منطقه اصفهان نشان می‌دهد که در حدود ۲۰۰ نوع گیاه در این منطقه وجود دارد که از این تعداد بیش از نصف آن‌ها بومی و بقیه به منطقه وارد شده است. از سرچشمه تا انتهای زاینده رود و به ویژه در ناحیه‌ی شهر اصفهان بیشه‌های فراوانی وجود دارد که متأسفانه بسیاری از این بیشه‌ها به سبب بی توجهی، به دست انسان‌ها از بین می‌رود.

به دلیل تنوع اقلیمی در سطح استان، مراتع و چراگاه‌های نسبتاً زیادی در سطح استان وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها مراتع گلپایگان و خوانسار و مراتع سمیرم و فریدن است.

جنگل‌های طبیعی استان به طور عمده در نواحی سمیرم و فریدون شهر و جنگل‌های دست کاشت در مناطق خشک استان نظیر اردستان، نطنز، نائین و کاشان مشاهده می‌شود.

مجموع فعالیت‌های کشاورزی و پوشش گیاهی استان اصفهان به عنوان عوامل فرعی اثر گذار بر شکل‌گیری اقلیم‌های استان، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۲/۷۴ درصد رتبه ۲۵ مقدار تولید غلات ۸۳۲۰۰۶ تن رتبه ۹ - مقدار تولید حبوبات ۱۱۹۷۱ تن رتبه ۱۳ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۱۹۳۰۸۶ تن رتبه ۸ - تولید سبزیجات ۱۰۷۳۱۹۹ تن رتبه ۵ - مقدار محصولات جالیزی ۲۲۸۹۹۹ تن رتبه ۹ - تولید علوفه ۱۹۷۹۸۱۵ تن رتبه ۲ - مقدار تولید محصولات باغی ۴۶۵۳۵۳ تن رتبه ۱۲ - تولید پسته به مقدار ۲۳۹۳ تن رتبه ۱۰ - تولید خرما ۲۳۸۰ تن رتبه ۸ - وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی ۲۸۳۵۴۵۰۰ شاخه‌گلدان ۹۷۰۱۰۰ درخت و درختچه ۸۳۷۷۹۰۰ اصله - گیاهان فصلی و نشائی ۱۲۶۸۵۲۰۰ بوته وضعیت تولید زعفران ۱۷۸۱/۳ کیلو گرم - گیاهان داروئی ۲۸۹۸۸۰۰ کیلو - تولید عسل ۳۰۹۸۶۰۵ کیلو - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۹۷۲۶۳۲۹ هکتار.

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی اصفهان

غلات هکتار/تن (گندم۱۳۱۹۲۵، ۵۱۶۲۰۰-جو ۵۴۸۳۵، ۱۸۶۹۶۹ - شلتوک۱۸۲۰۱، ۱۸۲۴ ۱۰-ذرت دانه‌ای ۴۱۴۱، ۲۷۰۱۲)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۲۰۳۵، ۱۵۲۱- لوبیا ۴۱۱۶، ۸۰۰۷- عدس ۲۲۷۷، ۲۱۱۳)

محصولات صنعتی هکتار/تن(پنبه ۵۸۸۷، ۱۸۹۶۱ - توتون و تنباکو ۳۲۴، ۹۸۶ - چغندرقند ۵۸۸۰، ۱۶۴۱۲۸ - کلزا ۱۶۲۶، ۳۵۷۱)
سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۲۲۶۲۰، ۵۴۷۴۴۵- پیاز ۴۱۳۷، ۲۱۵۷۹۹- گوجه‌فرنگی ۱۴۴۵، ۴۶۲۶۶)
محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۱۹۰۳، ۴۳۷۲۱- هندوانه ۱۳۰۴، ۳۰۴۰۰- خیار ۱۹۶۱، ۴۹۳۱۴)
نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۲۹۰۴۵، ۲۶۰۷۲۲- شبدر ۷۰۶۸، ۱۸۵۹۸۶)

محصولات: میوه‌های دانه‌دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته‌دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمکشی، عسگری، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، کله قوچی، اکبری)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: عناب. میوه‌های نیمه‌گرمسیری: خرما (مضافتی)، انجیر، انار، خرمالو، زیتون. گیاهان دارویی: زیره سبز، رازیانه، روناس، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

تأثیر صنایع و معادن استان اصفهان بر اقلیم آن:

استان اصفهان گذشته از استعدادهای کشاورزی، در زمینه‌ی صنایع نیز دارای پیشرفت‌های چشمگیری است و صنایع سنگین و صنایع نیمه سنگین و صنایع دستی استان از توسعه‌ی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و در این میان صنایع سنگین آن می‌تواند در وضعیت اقلیمی منطقه و اکوسیستم‌های آن تغییراتی به وجود آورد.

از صنایع سنگین استان می‌توان از صنایع ذوب آهن و صنایع ذوب آهن و صنایع فولاد مبارکه و کارخانه‌ی پلی اکریل اصفهان و صنایع نظامی و غیره نام برد.

صنایع: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۷۸۲ واحد)، ساخت منسوجات (۳۰۲۴ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۰۹ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۱۸۶ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۹۲ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۶۴۱ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۸۶۴ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۴۲۳ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۸۲۳ واحد)، بازیافت (۴۳ واحد).

استان اصفهان به لحاظ منابع معدنی، استانی ثروتمند است که دارای اهمیت خاصی در توسعه‌ی صنایع استان می‌باشند.

مهم‌ترین معادن استان اصفهان عبارتند از: معدن سرب، معدن تالک، معدن طلا، معدن زغال سنگ، معدن خاک نسوز، معدن سنگ چینی، معدن آهن و .

پس از احداث مجتمع فولاد و ذوب آهن و سایر مراکز صنعتی و معدنی در اصفهان، هوای این شهر به تدریج رو به آلودگی گذاشت و دود و گرد و غبار و سایر ذرات معلق در هوا افزایش یافت. در مواقعی که هوا پایدار باشد که معمولاً هم هوای شهر اصفهان در اغلب اوقات به ویژه در ماه‌های سرد سال پایدار است، هوای این شهر غبار آلود می‌شود و غلظت آلاینده‌ها در هوای شهر رو به فزونی می‌گذارد. زیرا در ماه‌های سرد سال پدیده‌ی وارونگی هوا که با هوای ساکن همراه است، به آلودگی هوا کمک می‌کند و شرایط زیست اقلیمی را به خطر می‌اندازد.

در واقع گسترش فعالیت‌های صنعتی و معدنی به عنوان یک عامل فرعی منفی بر اقلیم استان و به ویژه بر شهر اصفهان تأثیر می‌گذارد.

معادن: استخراج انواع شن و ماسه و ماسه‌ی مادی (۱)، دولومیت (۱)، کشتارگاه صنعتی طیور (۸)، روغن صنعتی (۶)، کنسرو ماهی ساردین (۱)، انواع روغن نباتی و حیوانی (روغن کشی و تصفیه) (۴)، تولید روغن نباتی جامد (۱)، شیر پاستوریزه (۱۵)، ماست پاستوریزه (۱)، آرد غلات (۱۷)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۳۱)، شکر از چغندر قند (۳)، بسته بندی شکر (۴)، قند از شکر (۴)، ماکارونی (۱۲)، انواع رب گوجه فرنگ (۲)، نمک طعام (۱)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۲۴)، فرش ماشینی (۷۱۸)، چرم مصنوعی (۶).

معادن فعال: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۲۲۴ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- استخراج سنگ آهن (۱)، ۲- استخراج سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۳)، ۳- سرب و روی (۲)، ۴- سنگ طلا (۱)، ۵- استخراج سنگ، شن و ماسه (۲۰۸) ۶- شن و ماسه (۱۰۷)، ۷- سنگ تزئینی (۶۶)، ۸- سنگ لاشه (۲)، ۹- سنگ آهک (۱۰)، ۱۰- سنگ گچ (۱۲) ۱۱- کائولن، خاک نسوز و... (۲)، ۱۲- دولومیت (۴)، ۱۳- بنتونیت و گل سرشوی (۵)، ۱۴- استخراج مواد معدنی و شیمیایی و... (۶)، ۱۵- باریت (۶)، ۱۶- استخراج نمک (۳)، ۱۷- استخراج سایر مواد معدنی (۳)، ۱۸- سیلس (۲)، ۱۹- تالک (۱).

در استان اصفهان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معدن فعال بدینشرح بوده است:
۱- سنگ آهک ۱۷۲۶۳۷۰ تن ۲- لاشه ی آهکی ۵۸۶۶۶۸ تن ۳- مخلوط مارن و آهک ۲۴۹۶۳۵۲ تن ۴- سنگ گچ ۳۸۸۰۰۰ تن ۵- گچ خاکی ۷۲۱۰۱۸ تن ۶- کائولن ۲۰۰۰ تن ۷- خاک نسوز ۲۶۷۱۷ تن ۸- خاک صنعتی ۸۴۲۷۲ تن ۹- دولومیت ۲۵۹۰۴۳ تن ۱۰- بنتونیت ۸۶۷۷۶ تن ۱۱- باریت ۱۰۴۵۰۰ تن ۱۲- نمک سفید ۳۵۰۰ تن ۱۳- نمک آبی ۱۰۵۰۰ تن ۱۴- سیلیس ۳۰۳۹۲ تن ۱۵- کوارتزیت ۱۲۹۰۰ تن ۱۶- تالک ۵۰۰ تن

معدن و زمین‌شناسی: مجموعه گرانیتوییدی کال‌کافی (شمال خاوری انارک) در زون ساختاری ایران مرکزی موسوم به بلوک یزد قرار دارند. این مجموعه، متشکل از طیف ترکیبی گسترده‌ای از گابرو تا گرانیت قلیایی با سن ائوسن میانی است. بررسی‌های سنگ نگاری، ژئوشیمیایی و کانی‌شناسی نشانگر آن است که گرانیتوییدهای پتاسیک به عنوان یکی از اعضای این مجموعه، ویژگی‌های متمایزی را از خود نشان می‌دهند. از نظر ژئوشیمیایی گرانیتوییدهای پتاسیک با مقادیر بالاتر پتاسیم و مقادیر پائین‌تر سدیم، کلسیم، تیتانیم، باریم، ساترانسیم و عناصر خاکی کمیاب از دیگر واحدهای کال کافی قابل تفکیک است. همچنین گرانیتوییدهای پتاسیک دارای ویژگی آهنی هستند، حال آن که دیگر واحدهای نفوذی مجموعه کال کافی از ماهیت منیزیمی برخوردارند. فراوانی پائین عناصر خاکی کمیاب در گرانیتوییدهای پتاسیم بالا حاکی از آن است که این سنگ‌ها نمی‌توانند توسط فرآیند تفریق ماگمایی با دیگر واحدها مرتبط باشند. این امر می‌تواند نشانگر نقش متفاوت فرایندهای سنگ زایی در شکل‌گیری آن‌ها باشد. گرانیتوییدهای پتاسیک احتمالاً از ذوب بخشی سنگ‌های پوسته‌ای به وجود آمده‌اند.

زمین‌شناسی منطقه: توده‌ی گرانیتوییدی کل‌کافی در ۶۰ کیلومتری شمال خاوری انارک واقع شده و از نظر ساختاری، جزئی از زون ایران مرکزی است. در پهنه بندی دقیق ایران مرکزی، منطقه مذکور را بخشی از بلوک یزد می‌دانند. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۳

نوار دگرگونی ـ ماگمایی منطقه‌ی موته، در بخش شمال باختر زون سنندج ـ سیرجان و شمال خاوری گلپایگان واقع شده و شامل ردیفی از سنگ‌های رسوبی، ولکانیکی (بازیک و اسیدی) و آتشفشانی ـ رسوبی دگرگونه و چین خورده است. این نوار از دیدگاه لیتولوژی، رخساره‌های دگرگونی و حتی شیوه‌ی دگر ریختی، از قدیم به جدید، به سه کمپلکس گنایسی (زیرین)، شیست سبز (میانی) و اسلیتی (بالایی) قابل تفکیک است.

کمپلکس‌های دگرگونه، در منطقه‌ی موته، چند حادثه‌ی دگرگونی و دگر ریختی را، به صورت پیشرونده، تا رخساره‌ی آمفیبولیت تجربه کرده‌اند و ویژگی‌های پلی متامورفیک را ارائه می‌کنند. در منطقه‌ی موته حوادث مربوط به رخدادهای سیمرین پسین و لارامید و پلوتونیسم اسیدی پیامد آن‌ها، همه‌ی حوادث پیشین را تحت تأثیر قرار داده است. اما، در بخش‌های جنوب خاوری زون سنندج ـ سیرجان، رخداد کوهزایی سیمرین پیشین، توسط محققین مختلف، بعنوان مهم‌ترین حادثه‌ی دگرگونی و دگریختی، مورد تأکید قرار گرفته است. داده‌های سنی جدید، از نمونه‌های منطقی موته، حاکی از آن است که توده‌های گرانیتوییدی در دوره‌های کرتاسه‌ی میانی، پالئوسن پایانی و پالئوسن ـ ائوسن، جایگزین شده‌اند.

زمین‌شناسی: برونزدهای منطقه‌ی موته، شامل ردیفی از مجموعه‌های دگرگونه و چین خورده پالئوزوییک و نهشته‌های دگرگون نشده‌ی مزوزوئیک و ترشیری هستند. مجموعه‌های دگرگونه، ردیفی از سنگ‌های رسوبی (آواری، پلیتی و آرژیلی، شیمیایی و بیوشیمیایی)، ماگمایی (بازیک و اسیدی) و آتشفشانی ـ رسوبی را تشکیل می‌دهند که به صورت پیشرونده چند حادثه دگرگونی و دگر شکلی را تا رخساره‌ی آمفیبولیت زیرین تا بالایی تجربه کرده‌اند. در این منطقه، توده‌های نفوذی بازیک و اسیدی، طی چند حادثه، در مجموعه‌های دگرگونه تزریق و جایگزین شده‌اند. مجله‌ی علوم زمین

سنگ‌های تریاس ناحیه‌ی نخلک با ستبرای ۲۷۰۱ متر به سه سازند علم، باقرق و عشین تقسیم و در مجموع بین دو راندگی (**Thrust fault**) محدود می‌باشند.

۱ـ سازند علم با ستبرای ۱۲۹۸ متر به سن اسکیتین پسین ـ آنیزین میانی از رخساره‌های کربناته در قاعده و به طور عمده از رخساره‌های آواری توربیدیتی در بخش بالائی (سنگ ماسه و شیل) تشکیل شده است. رخساره‌های کربناته مربوط به محیط فلات قاره (**Continental shelf**) و رخساره‌های توربیدیتی بیشتر مربوط به محیط شیب قاره‌ای (**continental slope**) هستند و به صورت ساختارهای فنگلومرای زیر دریایی (**Submarine fanglomerate**) بر جای گذاشته شده‌اند. این سازند روی سنگ‌های افیولیتی ناحیه‌ی نخلک رانده شده و سازند باقرق با ناپیوستگی فرسایشی (**Disconformity**) آن را می‌پوشاند.

۲ـ سازند باقرق با ستبرای ۱۱۲۲ متر به سن آنیزین پسین ـ لادی نین میانی به طور عمده از

رخساره‌های آواری دانه درشت، کنگلومرا به همراه سنگ ماسه و شیل تشکیل شده است. این سازند در محیط قاره‌ای توسط بادزن‌های آبرفتی (Alluvial fans)، رودخانه‌های مئاندری وبریده بریده (Meandering & braided rivers) راسب شده‌اند. این سازند توسط سازند عشین با یک ناپیوستگی فرسایشی پوشیده می‌شود.

۳ـ سازند عشین با ستبرای ۲۸۱ متر به سن لادی نین پسین ـ کارنین پیشین از رخساره‌های آواری (بیشتر سنگ ماسه دانه ریز و شیل) تشکیل شده است که در بخش انتهایی (Distal) ساختارهای فنگلومرای زیردریایی (Submarine fanglomerate) در انتهای محیط شیب قاره‌ای تا پهنه‌های کف اقیانوسی (Abyssal plains) راسب شده‌اند. این سازند توسط سنگ‌های کرتاسه‌ی بالایی به واسطه‌ی یک گسل رانده پوشیده می‌شود.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سنگ‌های تریاس نخلک از دیدگاه سنگ شناس و دیرینه‌شناسی با هیچ یک از ردیف‌های سنگی شناخته شده تریاس در ایران قابل مقایسه نیستند. تنها ردیف سنگی در ایران که شباهت‌هایی با تریاس نخلک دارد تریاس آق دربند است. نتایج مطالعات انجام شده حکایت از آن دارد که موقعیت سنگ‌های تریاس نخلک به هنگام تشکیل در حاشیه‌ی جنوبی و فعال (active margin) صفحه‌ی توران در مجاورت ناحیه‌ی آق دربند بوده است. مجله علوم‌زمین ش ۳۹ و ۴۰

استان اصفهان: منطقه‌ی تودشک در جنوب باختری نائین در ایران مرکزی واقع شده است. این منطقه بر کمربند ماگمایی ارومیه ـ دختر قرار دارد و بخشی از نقشه‌ی ۱:۱۰۰۰۰۰ کجان می‌باشد. در منطقه‌ی تودشک رخنمون‌های سنگی وابسته به دوران‌های میانه زیستی و نوزیستی حضور دارند واحدهای سنگی از آهک‌های کرتاسه بالا، سنگ‌های ولکانیکی ترشیری (گدازه‌ها و آذر آواری‌ها) و نهشته‌های کواترنری تشکیل شده‌اند.

نهشته‌های نئوژن این منطقه با سازند قرمز فوقانی (U.R.F) آغاز می‌گردد و پس از آن واحدهای الیوین بازالت (Ng^{d}) آندزی بازالت و پیروکسن آندزیت (Ng^{pa})، نهشته‌های لاهار (Ng^{la})، داسیت آندزیتی (Ng^{ad}) و داسیت (Ng^{d}) قرار گرفته‌اند.

شواهد و مطالعات سنگ‌شناسی و ژئوشیمیایی بر تنوع واحدهای نئوژن در منطقه‌ی تودشک دلالت دارد ترکیب این سنگ‌ها از بازالت تا داسیت تغییر می‌کند. اغلب سنگ‌های آتشفشانی منطقه گرایش سدیک دارند. و از پدیده‌ی مهم این منطقه فرآیند تبلوربخشی و اختلاط ماگمایی (AFC) می‌باشد.

سنگ‌های بازیک منطقه تحت تأثیر دگرسانی واقع شده‌اند که در این دگرسانی فشار سیالات و درجه‌ی حرارت و نیز عملکرد گازهای فومرولی نقش عمده‌ای داشته‌اند.

منطقه‌ی تودشک از لحاظ تکتونیکی دارای تکتونیک شکننده بوده و گسله‌ها و شکستگی‌ها فراوان موجود در این منطقه از روند ساختاری اصلی کمربند ماگمایی ارومیه ـ دختر تبعیت می‌کند. این رژیم تکتونیکی سبب جاگیری ـ مواد آتشفشانی شده و با توجه به نمودارهای مختلف ژئوشیمیایی و تکتونوماگمایی بازالت‌های منطقه متعلق به یک محیط کششی می‌باشند که تحت تأثیر آلایش پوسته‌ای و تبلور تفریقی قرار گرفته‌اند.

چینه‌شناسی: رخنمون‌های سنگی منطقه تودشک

شامل نهشته‌های کرتاسه، مجموعه‌ی آتشفشانی و آذرآواری ترشیری و نهشته‌های کواترنری می‌باشند. در شمال خاوری منطقه آهک‌های کرتاسه بالایی به صورت مجموعه کوچکی قرار گرفته‌اند و در جنوب و جنوب خاوری و شمال خاوری تودشک ولکانیک‌های ائوسن برونزد دارند باستثنای مناطق مذکور در دیگر مناطق واحدهای آتشفشانی و لاهارهای نئوژن ملاحظه می‌شوند.

سنگ‌های آتشفشانی اوایل نئوژن (میوپلیوسن) شامل مجموعه‌ای از اولیوین بازالت‌ها، بازالت‌های آن‌دزیتی پیروکسن‌دار و آندزیت‌های پیروکسن دار می‌باشد که در منطقه از گستره قابل ملاحظه‌ای، برخوردار است. سنگ‌های بازیک نئوژن از بخش‌های توده‌ای حفره دار یا متراکم و قطعات بمب لاپیلی و با بخش‌های کاملاً دگرسان شده و اکسیده تشکیل شده است. در فاز بعدی به دلیل فراوانی مواد فرار و فوگاسیته شدید اکسیژن ماگما به صورت انفجاری عمل کرده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۷ ـ ۳۸

گردشگری:

منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری بین المللی:
۱ـ دریاچه‌ی نمک در شهرستان آران و بیدگل، ۲ـ کویر مرنجاب در شهرستان آران و بیدگل، ۳ـ ناژوان در شهرستان اصفهان، ۴ـ کلاه قاضی در شهرستان اصفهان، ۵ـ تالاب گاوخونی در شهرستان اصفهان.

منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری ملی: ۶ـ گلستان کوه در شهرستان خوانسار، ۷ـ سرچشمه‌ی خوانسار در شهرستان خوانسار.

منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری محلی:

۱ـ روستای گلهرود در شهرستان برخوار و میمه، ۲ـ سه در شهرستان برخوار و میمه، ۳ـ سد خمیران در شهرستان تیران و کرون، ۴ـ مرغاب در شهرستان تیران و کرون، ۵ـ چشمه‌ی احمدرضا در شهرستان تیران و کرون، ۶ـ دریاچه در شهرستان چادگان، ۷ـ چشمه‌ی لادور در شهرستان خمینی شهر، ۸ـ سد حنا در شهرستان سمیرم، ۹ـ آب ملخ در شهرستان سمیرم، ۱۰ـ پادنا و چشمه‌ی بابازرنگ در شهرستان سمیرم، ۱۱ـ ونک در شهرستان سمیرم، ۱۲ـ بی بی سیدان در شهرستان سمیرم، ۱۳ـ چهل چشمه در شهرستان سمیرم، ۱۴ـ زیدبن علی در شهرستان سمیرم، ۱۵ـ چشمه‌ی دیزج در شهرستان سمیرم سفلی، ۱۶ـ علی همگین در شهرستان سمیرم سفلی، ۱۷ـ بودجان در شهرستان سمیرم سفلی، ۱۸ـ زرچشمه در شهرستان شهرضا، ۱۹ـ اسفرجان در شهرستان شهرضا، ۲۰ـ هونجان در شهرستان شهرضا، ۲۱ـ کهرویه در شهرستان شهرضا، ۲۲ـ دره‌ی بیدبالا در شهرستان فریدن، ۲۳ـ نهر خلج در شهرستان فریدن، ۲۴ـ آبشار پونه زار در شهرستان فریدون شهر، ۲۵ـ جغیورت در شهرستان فریدون شهر، ۲۶ـ پیست اسکی در شهرستان فریدون شهر، ۲۷ـ مسیر رودخانه در شهرستان فلاورجان، ۲۸ـ پل بابا محمود در شهرستان فلاورجان، ۲۹ـ نیاسر در شهرستان کاشان، ۳۰ـ قمصر در شهرستان کاشان، ۳۱ـ برزک در شهرستان کاشان، ۳۲ـ روستای گردشگری نشلج در شهرستان کاشان، ۳۳ـ محور کوجری در شهرستان گلپایگان، ۳۴ـ چرمهین (شالولاک) در شهرستان لنجان، ۳۵ـ ورنامخواست در شهرستان لنجان، ۳۶ـ باغ بهادران در شهرستان لنجان، ۳۷ـ برنجگان در شهرستان لنجان، ۳۸ـ حوض ماهی

در شهرستان مبارکه، ۳۹ـ دیزیچه در شهرستان مبارکه، ۴۰ـ آبگرم در شهرستان نایین، ۴۱ـ گرمه در شهرستان نایین، ۴۲ـ عروسان در شهرستان نایین، ۴۳ـ کویر مصر در شهرستان نایین، ۴۴ـ کاروانسرای هسنیجه در شهرستان نجف آباد، ۴۵ـ روستای دماب در شهرستان نجف آباد، ۴۶ـ سایت کویرنوردی در شهرستان اردستان، ۴۷ـ محور ابیانه در شهرستان نطنز، ۴۸ـ امامزاده در شهرستان اردستان، ۴۹ـ جبل در شهرستان اصفهان، ۵۰ـ قمشلو در شهرستان تیران و کرون، ۵۱ـ گشته در شهرستان نطنز، ۵۲ـ سد گلپایگان در شهرستان گلپایگان، ۵۳ـ پائین سد در شهرستان چادگان. ـ هفته نامه‌ی برنامه‌ی شماره‌ی ۲۲۱، تیرماه ۱۳۸۶.

قمیشلو: در استان اصفهان قرار دارد. دامنه ارتفاعی ۱۷۰۰ تا ۲۷۰۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۱/۵ درجه سانتی گراد و ۱۸۸ میلی متر، منطقه را دارای اقلیم خشک بیابانی معتدل نموده‌اند منطقه فاقد رودخانهٔ دائمی ولی دارای چشمه و قنات‌ها متعددی است. قمیشلو دارای تنوع زیستی گیاهی و جانوری بسیار بالایی بوده و از نظر حفظ ذخایر ژنتیکی دارای اهمیت فراوان است. ۱۵۲ گونه جانوری و ۳۴۴ گونه گیاهی که ۴۶ مورد از آنها اندمیک هستند، در منطقه شناسایی شده‌اند. پوشش گیاهی کلی منطقه استپی باگونه‌های گون و درمنه به همراه خینجوک، بادام، بنه، کیکم، ریواس، چمن پری، کنگر، کلاه‌میرحسن، خارشتر، پامچال، شقایق، سنبل بیابانی، مریم گلی، انواع لاله‌ها، گاوزبان و علف هفت بند است. فراوانی قوچ و میش اصفهان در منطقه از ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. از دیگر گونه‌های جانوری منطقه می‌توان به آهو، بز و پازن، پلنگ، گرگ، سنجابک درختی، کبک، تیهو، باقرقره، عقاب طلایی، چکاوک، جغد کوچک، مارآتشی، سوسمار، وزغ سبز و ماهی قنات اشاره نمود. وجود قمیشلو در کنار شهرک‌های صنعتی اصفهان پناهگاهی واقعی برای جانوران محسوب می‌شود. تنوع زیستی بالا، چشم اندازهای زیبای پوشش گیاهی و تپه ماهورها، راه‌های دسترسی مناسب و وجود آثار تاریخی در منطقه.(۵)

مدرسه سلطانی ـ شهر کاشان ـ استان اصفهان: یکی از بناهای زیبا و معروف شهر کاشان مدرسه سلطانی می‌باشد که از ابنیه قرن سیزدهم هجری قمری است، این مدرسه که به سبک مدارس چهارباغ و صدراصفهان ساخته شده است، از لحاظ دارا بودن سردر و گنبد عظیم آجری و شبستانهای وسیع و حجرات اطراف و کاشیکاری زیبا بی‌نهایت جالب است، کتیبه منظوم ماده تاریخ این مدرسه را شاعر نامی صبای کاشانی سروده است.

ساختمان این مدرسه عظیم در سال ۱۲۲۱ هجری قمری آغاز شده و پس از مدت هشت سال در ۱۲۲۹ هجری قمری پایان یافته است، سردر و جلوخان مدرسه دارای کاشیکاری زیبایی است، در پایان کتیبه آن نوشته شده: کتبه اقل العبد محمدتقی بن میرزا محمداصفهانی ۱۲۲۶.

مدرسه دارای هشتی می‌باشد که از دو طرف وارد صحن وسیع آن که دارای آب‌نمای بزرگی است می‌شوند، بنای عظیم گنبد آجری و بادگیرهای گچی مرتفع و کاشی‌های پر از نقش و نگار بدیع و خطوط زیبای کتیبه‌ها و تزیینات کاشی پشت بغل‌های صحن و حجرات ایوان‌دار منظره جالب و با عظمتی را به این مدرسه تاریخی داده است.

مسجد جامع ـ نائین ـ استان اصفهان: مسجد جامع نائین از ابنیه مشهور تاریخی ایران است. ساختمان اصلی بنا متعلق به قرن چهارم هجری است، و شباهت کاملی از نظر ساختمان طاقهای هلالی به مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع نیریز فارس دارد، مسجد شامل یازده طاق‌نما با سقف‌های هلالی است، طاق نمای وسطی از سایر طاق‌نماها وسیع‌تر ساخته شده. بر روی دیوار و طاق و جرزها نقوش متنوع هشت ضلعی و اشکال هندسی ساده توأم با شاخ و برگ گچبری شده، از مختصات این گچبری ساده گودی و عمق آن است، همین امتیاز در هنر گچبری موجب شده که این بنای ساده را در عداد مساجد اولیه اسلامی بدانیم.

اهمیت دیگر این جامع وجود منبر و در چوبی منبت و گرانبهای تاریخی آن است، که از نظر ظرافت‌کار دارای ارزش صنعتی نیز می‌باشد، در روی منبر کتیبه‌ای به خط نسخ در متن شاخ و برگ حک شده، این کتیبه دارای تاریخ سال ۷۱۱ هجری است، که مصادف با زمان وقف منبر از طرف جمال‌الدین ملک‌التجار بر مسجد است، در کتیبه قاب در چوبی مسجد سال ۸۷۴ هجری قمری کنده شده، این تاریخ مربوط به زمان تعمیر مسجد می‌باشد. این مسجد را به نام مسجد علویان هم می‌نامند.

مسجد جامع و مناره ـ شهر کاشان ـ استان اصفهان: از ساختمان مسجد جامع سلجوقی منحصراً چند قطعه گچبری در محراب آن باقیمانده است. مناره آجری مسجد که در شمال شرقی آن ساخته شده دارای سه سطر کتیبه کوفی آجری و تاریخ سال ۴۶۶ هجری قمری می‌باشد. از تعمیرات مفصلی که در این مسجد به عمل آمده یکی مرمتی است که در سال ۱۲۰۷ هجری قمری توسط عبدالرزاق خان حاکم کاشان انجام شده، در بالای محراب و گچبری زیرگنبد چنین نوشته شده:

«بعد از خرابی زلزله باعث و بانی تعمیر عبدالرزاق خان کتبه عبدالکریم ۱۲۰۷» دیگر تاریخ سال ۱۱۹۴ هجری قمری است که در زیر شبستان مسجد ثبت شده نام کاتب و سازنده آن چنین خوانده می‌شود. «کتبه ابن محمد حسین محمدکاظم اصفهانی فی ۱۱۹۴ ـ عمل استاد باقر اصفهانی».

جاذبه‌های توریستی: این استان و به ویژه شهر اصفهان، گذشته از جایگاه خاص طبیعی، جغرافیائی، صنعتی و اقتصادی، از لحاظ تاریخی و فرهنگی نیز از غنی‌ترین مناطق کشور به شمار می‌رود. استان اصفهان بر پایه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی و حفاری‌هایی که در نقاط گوناگون آن، از جمله تپه‌های **سیلک** (ص ۱۶۷) و **اریسمان** (ص ۲۰۵) انجام شده است. محل زیست انسان ماقبل تاریخ و یکی از نخستین مراکز فرهنگی بشر بوده است. به شهادت مدارک موجود، از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسیح، مردمی در استان اصفهان می‌زیسته‌اند که بی تردید بعدها در ساختار اجتماعی، فرهنگی و حتی ترکیب نژادی مهاجران آریایی تأثیری به سزا داشته‌اند. پیشینه‌ی کهن این منطقه سبب شده که آثار تاریخی بسیاری از ادوار و اعصار گذشته و به خصوص دوره‌های سلجوقی و صفوی در این استان به یادگار بماند که به علت همین مسأله اصفهان از لحاظ جهانگرد و مسافر داخلی و خارجی، موقعیت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. به جز این، رشته کوه‌های سرسبز و با صفا، غارهای زیبا، دشت‌های هموار و چشم نواز،

نواحی کویری با مناظری بدیع، رودهای جوشان، چشمه‌های آب معدنی و آب گرم، آب و هوای معتدل و مفرح و مناطق ییلاقی دل گشا جلوه‌ای خاص به این استان بخشیده است و اهل ذوق به این سبب از آن به عنوان استان چهار فصل یاد کرده‌اند.

قنات‌ها:

قنات‌های وزوان: شهرک وزوان که از نظر جغرافیائی در پهنه‌ی جنوبی دشت میمه واقع شده است، دارای دو قنات به نام‌های «حاجی آباد وزوان» و «قنات عمومی وزوان» می‌باشد که به مناسبت وجود بند یا سدی در کوره قنات عمومی، قنات مذکور از شهرت خاصی برخوردار است:

قنات حاجی آباد: میزان آب دهی این قنات بسیار کم و در حدود ۹ لیتر در ثانیه ثبت شده است. طول آن حدود ۱/۵ کیلومتر و تخلیه‌ی سالیانه‌ی آب آن در حدود ۲۸۴۰۰۰ متر مکعب محاسبه نموده‌اند و قنات مذکور در مجموع دارای ۷۱ میله می‌باشد. اهمیت ویژه‌ی این قنات بدان خاطر است که آبیاری زمین‌های زراعی جنوب و غرب شهر وزوان بدان وابسته است.

قنات عمومی وزوان: قنات عمومی وزوان که بدان قنات وزوان نیز می‌گویند در حدود ۲ کیلومتری شمال شهر وزوان واقع شده است. مادر چاه آن در جنوب شهر میمه و مظهر آن در شمال شهر وزوان و مسیر آن در اراضی زراعی در جنوب شهر میمه واقع است. طول قنات مذکور حدود ۱۸۰۰ متر و عمق مادر چاه حدود ۱۸ متر می‌باشد.

مادرچاه: محلیان معتقدند که این قنات در گذشته از دو شاخه تشکیل می‌شده است و محل پیوستن هر دو رشته در نزدیکی مادر چاه کنونی در حوالی سفید کوه جوشقان بوده است.

میله‌ها: میله‌های قنات مذکور که تعداد آن‌ها به ۶۴ حلقه می‌رسد، زنجیروار در یک راستا قرار گرفته‌اند. فاصله‌ی هر دو میله از هم در قسمت خشکه کار، حدود ۲۷ متر و در قسمت تره کار حدود ۲۰ تا ۲۱ متر از هم فاصله دارند.

طول کوره: طول کنونی کوره قنات وزوان حدود ۱۸۰۰ متر می‌باشد. حریم درونی این کوره به مناسبت کوهستانی بودن دارای ابعاد مختلفی است که با خلل و فرج و شکاف‌های متعددی همراه است. به هنگام بستن دریچه‌های سد، آب در خلل و فرج و شکاف‌های فراوان کوره انباشته شده و به هنگام بازکردن آن به علت حجم زیاد آب ذخیره شده در پشت سد با فشار بیشتری جریان می‌یابد. شکل عمومی درونی کوره‌ی پشت بند به طرف مادرچاه را می‌توان در قسمت مخزن‌های ذخیره سازی آب که در روی کوره، در قسمت ترون قرار گرفته مورد مطالعه قرار داد.

بند قنات وزوان: در میان قنات‌های متعدد دشت میمه اصفهان قنات عمومی شهر وزوان دارای ویژگی خاصی است که به خاطر آن، شهرت محلی داشته و این شهرت ناشی از بندی است که در گذشته در عمق زمین در جلوی کوره‌ی قنات بسته‌اند. در سال ۱۳۶۸ عمق مادرچاه قنات وزوان حدود ۱۸ متر ثبت شده است. مادرچاه مذکور در کنار یکی از خیابان‌های شهر میمه (هفتم تیر) قرار گرفته است و امتداد آن با حدود ـ جهت شمالی ـ جنوبی امتداد می‌یابد و راستاهای میله‌های آن در سطح زمین مسیر قنات را مشخص می‌کند. طول قنات مذکور از مادر چاه تا مظهر حدود ۱/۸ کیلومتر است و در فاصله‌ی حدود ۱/۲ کیلومتری

مادرچاه، بند یا سد زیرزمینی قنات ساخته شده که در بین محلیان به نام «بند قنات» شهرت دارد.

با بستن این بند قنات و ذخیره‌ی آب‌های زمستانه، سکنه توانستند سطح بیشتری را به زیر کشت ببرند؛ زیرا با کم آبی که روستاهای نیمه شرقی ایران با آن دست به گریبانند هر منطقه کوشیده تا آن جا که ممکن است به شیوه‌ای بر حجم مقدار آب قلمرو خود بیفزایند. روستای وزوان هم از چنین فعالیتی غفلت ننموده و مقنیان با تجربه محلی از دو قنات روستا، تشخیص داده بودند که ریشه‌ی یکی از آن‌ها کوهستانی و آبزاست بر این اساس به حفاری و تونل زدن کوهستانی مبادرت ورزیدند و برای مهار کردن آب‌ها در زمانی که مورد نیاز نباشند، در آخرین قسمت ترون کوره بند یا سدی بسازند.

شیوه‌ی حفاری، تعداد سه سد زیر زمینی که با متروکه شدن هر کدام دیگری ساخته شده، چیدن سنگ‌های اطراف تأسیسات و سدهای مختلف به گونه‌ای است که می‌توان حفر و ساختن آن را به دوران قبل از اسلام و احتمالاً ساسانیان نسبت داد؛ زیرا قبور یا علائمی کهن در قبرستان فعلی وزوان دیده می‌شود که نشانگر زندگی کهنی در این منطقه است.

سدهای زیرزمینی قنات‌های کاشان: قلمرو کاشان که در حاشیه‌ی غربی دشت کویر ایران مرکزی واقع شده است. حدود ۸۱٪ از این قنات‌ها دایر و بقیه‌ی آن در سال مذکور بایر بوده‌اند. در بین تمامی قنات‌های دایر کاشان دو قنات به مناسبت داشتن ریشه‌های کوهستانی در اطراف مادرچاه در قسمت «ترون» دارای سد یا بند زیرزمینی بودند. این دو قنات عبارتند از: قنات ابوزید آباد و قنات تِلْک آباد. ـ دکتر جواد صفی‌نژاد

قنات ابوزید آباد: قنات ابوزید در این پهنه، از شهرت ویژه‌ای برخوردار است. میله‌ی چاه‌های قنات مذکور با جهتی حدوداً شمال غربی ـ جنوب شرقی، زنجیروار در شرق روستای مذکور به سمت روستای کاغذی دیده می‌شوند و آب قنات مذکور تا قبل از سال ۱۳۵۶ تنها منبع آب آشامیدنی سکنه محسوب می‌شد.

ساختمان بزرگترین سد (سد اصلی): سد اصلی مهم‌ترین قسمت تأسیسات بند مذکور و مشخص کننده‌ی نبوغ و خلاقیت مبتکر و یا مبتکران آن در گذشته است که تاریخ ساختن آن بر ما مجهول است. علت اصلی و اساسی ایجاد این سد، ذخیره‌سازی و بهره‌گیری از آب‌هایی است که به هنگام غیر نیاز به هدر می‌رود. مثلاً در زمستان که روستائیان جهت آبیاری نیازی به آب ندارند جریان آب را مسدود کرده و به ذخیره سازی آن می‌پردازند. محل این سد در فاصله‌ی ۱۲۰۰ متری مادرچاه قنات واقع شده و مادرچاه خود در مناطق مسکونی جنوبی شهر میمه واقع گردیده و میله‌های آن در امتداد شمالی ـ جنوبی تا شمال غربی روستای وزوان امتداد می‌یابد.

ساختمان سد: در ۱۶ متری عمق زمین ساخته شده است. مصالح ساختمانی آن آجر، سنگ و ملات ساروج است. دیواره‌ی طولی سد از کف کوره تا تاج سد دارای شکل یکسانی نیست. از کف کوره تا سقف آن باریک و از آن پس پهنای سد از دو طرف زیاد شده سپس در قسمت انتهایی رأس به شکل هلالی درآمده و باریک می‌شود.

دریچه‌های سد: اگر در جلوی سد ایستاده و به سطح دیوار جنوبی آن نظر افکنیم از بالا به پائین پنج دریچه را مشاهده می‌کنیم که در یک راستا و به فاصله‌های مختلف از هم واقع شده‌اند. اگر کوره

قنات را در زیر سد در نظر داشته باشیم جمعاً دیواره سد مذکور به شش دریچه مجهز است. ابعاد دریچه‌های در جلو و پشت سد همانند نمی‌باشند زیرا به هنگام باز کردن دریچه‌ها آب با فشار و سرعت زیادی به بیرون می‌جهد، بنابراین، ابعاد مجرای هر دریچه در پشت سد که مخزن آب می‌باشد به مراتب کمتر و سوراخ دریچه، کوچکتر از اندازه همان سوراخ در جلوی سد است. به گونه‌ای که این اختلاف را میتوان حدود ۴۰ درصد محاسبه کرد و حدوداً همه‌ی دریچه‌ها به جز کوره قنات دارای چنین وضعی می‌باشند.

آداب و رسوم

زبان: اکثر مردم استان اصفهان به زبان فارسی و با لهجه‌های محلی اصفهانی، نائینی، نطنزی، کاشانی و... سخن می‌گویند. یهودیان بین خودشان به زبان عبری و ارمنی‌ها با یکدیگر به زبان ارمنی صحبت می‌کنند. بختیاری‌های شهر اصفهان به گویش لری سخن می‌گویند. شماری از زرتشتیان اصفهان به زبانهائی که آمیخته‌ای از زبان فارسی دری و فارسی معاصر است، سخن می‌گویند. خور به دلیل دور بودن از آبادی‌های بزرگ همسایه خود، گویش منحصر به فردی دارد که پاره‌ای از واژگان آن، بازمانده‌ی فارسی باستان و دوره هخامنشیان است. گویش خوانساری نیز در اصل یکی از شاخه‌های زبان فارسی پهلوی بوده اما امروزه در اثر گسترش فارسی معاصر، اندک اندک منسوخ شده و تنها واژگان و اصطلاحاتی از زبان قدیم به یادگار مانده است. به طور مثال، استفاده از نام آواها به جای اسامی قرار دادی: مثلاً کاربرد کلمه‌ی «اشنیزه» برای اشاره به عطسه و «کوکو» به جای سرفه. هم چنین در مورد بعضی واژگانی که امروزه صورت عربی آن‌ها به کار می‌رود از نام باستانی آن‌ها استفاده می‌کنند، مانند «پریه» یا «پره» به جای فریدن، خوانساری‌ها علاوه بر این ترکیب واژگان نیز ابتکاراتی به خرج داده‌اند و از ریشه واژگان فراموش شده جملاتی ساخته‌اند که برای بیان آن‌ها در فارسی معمولی، دو سه برابر واژه بایستی به کار رود. مثلاً: «کدبرانی» یعنی «به چه دردم می‌خورد» یا «چدگنا» یعنی «چه اتفاقی برایت افتاده».

نژاد

تیره‌های نژادی ساکن استان اصفهان عبارتند از:

ایرانی / فارس: بیشتر مردم این تیره مسلمان هستند و شماری زرتشتی نیز در میانشان زندگی می‌کنند. نیاکان آن ها آریایی‌هایی بوده‌اند که در گذشته‌های دور از فلات سیبری یا دامنه‌ی کوهستانی قفقاز به سوی ایران و هندوستان مهاجرت کرده‌اند. بعضی از پژوهشگران بر این باورند که نسب این تیره به منوچهر، پادشاه پیشدادی ایران، می‌رسد. با این همه بایستی اذعان داشت که این تیره درگذر زمان با اقوام عرب، ترک و مغول آمیزش کرده و نژاد خالصی ندارند. البته گفته می‌شود زرتشتیان اصفهان بنابر باورهای خود و ازدواج‌های درون قومی شان از این آمیختگی نژادی مصون مانده‌اند. اکثر این زرتشتیان در داران - از توابع شهرستان فریدن - زندگی می‌کنند و بیشتر آداب و رسوم آبا و اجدادی خود را حفظ کرده‌اند و حتی پاره‌ای از واژگان آنان همانند واژگان منسوخ زبان فارسی دری است.

عرب: اعراب اصفهان به فرمان نادرشاه افشار از خراسان به این منطقه کوچانده شدند. شماری از آن‌ها به فریدن آمدند و در روستاهای حومه‌ی آن ساکن و به کشاورزی و دامداری مشغول شدند.

یهود: در قرن ششم پیش از میلاد، بخت النصر، سلطان بابل بـه فـلسطین یـورش بـرد و پس از تصرف و ویرانی شهر اورشلیم، یهودیان ساکن آن شهر را به اسارت گرفت و به بابل برد. پنجاه سال بعد، پس از تصرف بابل توسط کورش کبیر، او یهودیان دربـند را آزاد کـرد. شـماری از آنـان بـه اورشـلیم بـازگشتند و گـروهی دیگـر بـه ایـران مهاجرت کردند و در پیرامون شـهرها، از جـمله اصفهان، ساکن شدند. بسیاری از خـانوادههـای یهودی اصفهان طی نیم قرن اخیر مهاجرت کرده و گروه‌های اندکی از آن‌ها در کوی جوباره اصفهان ساکن هستند.

ایرانیان یهودی:

تنها چیزی که درباره اصل نژادی یهود مـی‌توان گفت که آن قوم از نژاد سامی بوده و با سـامیان دیگر ساکن آسیای غربی وجه تمایز و اختلاف دقیقی نداشته‌اند. تاریخ یهود است که سازنده این قوم بشمار می‌رود نه اینکه یهودیان تاریخ خود را ساخته باشند. در آغاز ظهور آمیخته‌ای از نژادهای گوناگون بودند و حق اینست که وجـود نـژادی (خالص) که توانسته باشد در میان صدها جریان اختلاط نژادی شرق نزدیک به همان خلوص اولیه خود باقی بماند امری است که به معجزه شباهت دارد وتصور چنین نژادی برای عـقل غـیرممکن است... تاریخ تمدن ویل دورانت ـ ترجمه احمد آرام.

یهودیان ایران در اصفهان، آذربایجان غربی و اسـتان مـرکزی و فـارس و... بسر مـی‌برند و گروههای بسیاری نیز به فلسطین اشغالی رفتند.

یهودیان فرزندان یهودا همچنین به عبرانی‌ها اسرائیلی‌ها معروفند. دین آنان یهودی است و در بیشتر جاهای دنیا پراکنده‌اند.

ظـاهراً یـهودیان نـخست در بـین‌النـهرین می‌زیستند. چندی بعد به مـصر رفتند و چـون گله‌دار بودند در مصر مـاندگار شـدند تـا ایـنکه هیکسوس به مصر تاختند و مدت حدود ۸۰ سال برین سرزمین فرمان راندند. یهودیان با دشمنان مصر ضد مصریان پیمان بستند چون مـصریان هیکسوس را برانداختند و بیرون راندند، مصریان یهودیان را به بردگی گـرفتند تـا ایـنکه در زمـان رامسس دوم با راهنمایی حضرت موسی قوم یهود از مصر بیرون رفتند و مدت‌ها در بیابانها طـبق روایات سرگردان بودند و حضرت موسی به کوه طور رفت و ده فرمان را برای قوم خـود آورد و سرانجام پس از چهل سال و پس از چند جنگ و گریز به (ارض موعود) بر فلسطین تاختند و آنجا را تصرف و مردمش را قتل و عام و خانه‌های آنها را برای سکونت خود باگوگرد ضدعفونی کردند...

تقریباً بدون استثناء یهودی‌ها دارای قد متوسط و چشم و موی مشکی می‌باشند. سر آنها بزرگ و بلند و خیلی کوتاه است. صورت پهن و پیشانی بلند و چشم‌های افقی است. زاویه‌های گونه کمی برجسته است. بینی صاف و اندازه آن متوسط و دهان پهن و لب‌ها کلفت و گوشها عریض و بدنهٔ بزرگ و سینه پهن است. هنری فـیلد ـ تـرجـمه عبدالله فریار.

ارمنی: مردم این تیره تا پیش از دوره‌ی صفویه در ارمنستان و در دامنه‌ی کوه‌های گرجستان ساکن بودند. اما شاه عباس صفوی پس از تصرف منطقه ـ در ظاهر به منظور بازرگانی و رواج آن در ایران و در اصل برای حفظ امنیت نقاط مرزی بـا دولت روسیه و عثمانی ـ آن‌ها را به مرکز ایران کوچاند طبق اسناد و شواهد، حدود ۱۷۰۰ خانوار ارمنی به اصفهان گسیل و در جلفا، در جـنوب زایـنده

رود، اسکان داده شدند.

ایرانیان ارمنی: نام قومی است که در قسمت شمالی آسیای غربی و پاره‌ای از نقاط اروپایی مجاور آسیا پراکنده زندگی می‌کنند و بیشتر به صنعت و تجارت و امور صرافی سرگرمند. ارامنه مقیم آسیا و مهاجران به استانبول و حوالی آن به زبان ارمنی آشنا هستند اما آنان که در آناطولی به سر می‌برند بجز ترکی زبانی نمی‌دانند.

بنظر می‌رسد ارامنه آریائی نژادند و از عهد باستان بویژه در دوره اشکانیان تحت اداره ایرانیان بودند و دین و اخلاق مشترک با اینان داشتند. ارامنه در قرن چهارم به آیین عیسوی در آمدند و کتابهای متعددی بزبان ارمنی درباره دین جدید خود نگاشته‌اند. از قرن ۴ به بعد ارمنیان ادبیات کاملی داشتند اما تعصب و شور دین جدید به بهانه آثار و علائم کفر آن نوشته‌ها را چنان به باد فنا دادند که امروز نمونه کوچکی هم از آنها در دست نیست. میان زبان قدیم ارمنی با زبان کنونی تفاوت فاحشی وجود دارد و زبان باستانی به غایت وسیع و فصیح می‌باشد اما اینک تابع قواعد زبان ترکی گشته

... تاریخ دو ملت ایرانی و ارمنی با هم گره خورده است و در پیکارهای هشتصد ساله ایران و روم که زمینه اقتصادی داشت و بر سر جاده‌های ابریشم و ادویه درگرفت ارمنستان اهمیت فراوانی یافت...

درباره‌ی خاستگاه ارامنه هیچ سندی در دست نیست، ارمنیان از نژاد هند و اروپائی هستند. کهن‌ترین یادی که از ارمنیان شده در آثار هکاتئوس ملطی (حدود ۵۵۰ ق.م) است.

مهاجرت ارمنیان بسوی فرات گویا در چند مرحله رخ داده است و گفته استرابون ارمنیان نخست در ارزنجان کنونی و سرچشمه‌های دجله بسوی شرق تا کلخید و آدیابن رفتند و از همان آغاز گویا به دشت ارمنستان راه جستند. کتاب ارمنیان سیراربی در نرسیان ترجمه مسعود رجب‌نیا.

زنان ارمنی با سلیقه‌ترین زنان جهان هستند، آنها با شیفتگی عجیبی به خانواده خود عشق می‌ورزند ـ مرد ارمنی از خصوصیات او فعالیت، پشتکار و نجابت فوق‌العاده و اهل مطالعه و بحث هستند با فرزندان خود دوستند و هیچگاه یک پسر ارمنی را نمی‌توان دید که چیزی از پدر خود پنهان کند.

ارمنیان ایران بیش از دویست هزار نفر و دارای سه مرکز مذهبی می‌باشند که عبارت از خلیفه گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران تهران، تبریز، ارامنه ایران از لحاظ مذهبی ارتدوکس و پیرو گریگور مقدس می‌باشند ازینرو آنها ارامنه گویگوریان نیز می‌گویند و کلیسای ارامنه کلیسای ارمنستان یا حواریونی گفته می‌شود و استقلال کامل دارد و جدا از پرتستان و کاتولیک می‌باشد.

ارامنه دارای دو مرجع مذهبی هستند که یکی در ارمنستان اوچ کلیسا که نخستین کلیسای دنیاست که در سال ۳۰۳ میلادی ساخته شد و کاتولیکوس یا پیشوای آن کاتولیکوپ کل ارامنه لقب دارد. دیگری کاتولیکوس خانه سیلیسی می‌باشد که مقر آن در لبنان است.

ارامنه ایران دارای ده‌ها کلیسا و چهار کلیسای بزرگ می‌باشند. ارامنه دارای ده‌ها مدرسه، انجمن فرهنگی و غیریه و باشگاه ورزشی هستند. ارمنیان ایران از دل و جان ایران را دوست می‌دارند... لئون میناسیان

گرجی: مردم این تیره در زمان سلطنت شاه عباس

به ایران آمدند. زبان آنان گرجی است و اکثر آن‌ها در فریدن و فریدون شهر ساکن هستند. شماری از آنان مسلمان و گروهی مسیحی هستند.

آتش افروزی و چِل چِلانی ـ نطنز

در نطنز و آبادی‌های آن رسم است که در شب‌های هفدهم و هیجدهم و نوزدهم دیماه بچه‌های آبادی به چند دسته می‌شوند و هر دسته به طرف یکی از تپه‌ها و بلندی‌های آبادی می‌روند و بوته و خار و هیزمی راکه از پیش جمع کرده‌اند آتش می‌زنند به طوری که شعله‌های آتش سراسر آبادی را روشن کند زیرا معتقدند این آتش افروزی شگون دارد و روشنائی هر چه بیشتر به سر درخت‌ها برسد و بتابد آن سال میوه و سر درختی بیشتر می‌شود و آفت درختان را از بین می‌برد. بعضی‌ها به نیت این که درختان میوه ثمر بیشتری دهند به قبرستان می‌روند و مقداری سنگ‌های کوچک و بزرگ از محوطه‌ی گورستان جمع می‌کنند و به شاخه‌های درخت می‌آویزند و بر هر شاخه‌ای سنگی، و معتقدند درخت، بار بیشتری و بهتری می‌دهد. امادر افروختن آتش اثر فراوانی است. از این رو از چند روز پیش بوته و هیزم و خار جمع می‌کنند تا شعله‌های آتش سر به آسمان بکشد.

چون آتش‌های خاموش شد و هوا را دوباره تاریکی فراگرفت به ده برمی‌گردند و به یک نفر از میان خودشان که از دیگران زرنگتر است یک توبره‌ی بزرگ می‌دهند و به حالت اجتماع به در خانه‌ها می‌روند. این دسته‌ها گاهی ممکن است در راه به هم بخورند. اگر دو دسته یا چند دسته با هم روبه رو شدند مانند خروس جنگی به هم می‌پرند و مرافعه می‌کنند تا برتری و زورمندی خود را نشان داده باشند.

هنگامی که خواستند از میان بچه‌ها یکیشان که صدایی خوش و رسا داشته باشد و اشعار چل جلانی را خوب بداند این اشعاری می‌خواند و بقیه در جواب او «هوی» می‌کشند.

در کاشان و آبادی‌های آن نیز ماه‌ها را سی روز حساب می‌کنند بدین سبب در محلات و آبادی‌های آن این طریق محاسبه را به کاشی‌ها منسوب می‌دارند و برای گرفتن جشن شب اول اسفند با هم قرار می‌گذارند که مطابق همین حساب جشن بگیرند. مثلاً همسایه به همسایه و قوم و خویش‌ها به یکدیگر می‌گویند امسال اسفند کاشی‌ها را اسفند بگیریم یا به حساب ماه‌های خورشیدی عمل کنیم؟ از یکماه تا چهل روز پیش از اسفند با هم قرار می‌گذارند و همدیگر را خبر می‌کنند که در یک روز و یک شب همه‌ی اهل آبادی شب اسفند بگیرند.

در **مرق** Maraq کاشان برای زمستان تقسیم بندی مخصوصی دارند: ده روز اول «زمستان» و چهل روز بعد از آن را «چله‌ی بزرگ» و بیست روز بعدی را «چله‌ی کوچک» می‌دانند و به ده روز بعد «امن و بهمن» می‌گویند. از ده روز باقیمانده هم هفت روزش سرما پیرزن و سه روزش «سرما عجوزه» است.

در **جوشقان استرک** jusegan_-e Estarkکاشان هم چله از دهم دیماه شروع می‌شود و تا بیستم بهمن ماه ادامه دارد این چهل روز را به چهار قسمت کرده‌اند که هر قسمت ده روز است و هر ده روز نامی دارد: ده روز اول را چله‌ی بزرگ یا چله‌ی قوس می‌نامند. ده روز دوم را چله‌ی کوچک و ده روز سوم را چله‌ی «بزرگ» و ده روز چهارم را چله‌ی «چولا» می‌نامند. در این مدت بنا به رسم محل برزگران به خانه‌ی مالک می‌روند و برف بام‌ها را پائین می‌کشند و در آن روز زن ارباب «آش

هوا» می‌پزد تا بعد از روییدن برف‌ها این آش داغ، آنان راگرم کند.

در **سینقان اردهال** Sinegan-e Ardehal رسم است که باید مردم در شب اسفند چلو و خورش اسفناج بخورند. در روز اسفند هم اهالی باید آش همه چیز که معروف به آش هفت سین است بخورند. این آش را از ماش و عدس و جو پوست کنده، نخود و لوبیا، مغزگردو، ترشاله، چغندرقند و پیاز داغ درست می‌کنند. اما هفت سین آش از این قبیل است: سبزی، سنگک، سیرابی، سنجد، سیر، سرکه، این‌ها را در دیگ بزرگ گلی می‌ریزند و بار می‌کنند و می‌پزند و ظهر اسفند می‌خورند. حتی به بچه‌های شیر خواره هم یک قاشق از این آش می‌دهند. چون که اعتقاد دارند خوردن آن شگون دارد. کسانی هم که نامزد دارند باید برای نامزدشان اسفندی بفرستند. اسفندی عبارتست از: چند قواره پارچه، مقداری برنج، روغن، شیرینی، اسفناج. این چیزها را در یک مجمعه می‌گذارند و با ساز و دهل به خانه‌ی عروس می‌فرستد.

شب نشینی در نطنز Natanz مردم خیلی به شب نشینی علاقه دارند و این دید و بازدیدها و شب نشینی‌ها بین همسایگان و مردمی که با یکدیگر خویش و دوست هستند برگزار می‌شود و اکثراً بعد از شام به شب نشینی می‌روند. فقط وقتی برای شام می‌روند که آنان را دعوت کرده بانشد اما شب نشینی دعوتی نیست، چونکه هر خانواده‌ای از ماه‌ها پیش و از تابستان برای پذیرائی از مهمانان خود تهیه دیده و آجیل و شبچره فراهم کرده است. کسی که می‌خواهد به شب نشینی برود اول شب، بعد از خوردن شام به پسر کوچکش می‌گوید: «تو برو خانه‌ی فلانی اگر دیر کردی ما میدانیم خانه است. آنوقت ما هم می‌آئیم. زود بیا تا ما نیائیم.» پسر هم همین کارا می‌کند. گاهی هم هنگامی که در کوچه و بازار همدیگر را می‌بینند قرار و مدار شب را می‌گذارند و می‌گویند: «ما شب می‌آئیم خانه‌ی شما شب نشینی جائی نروی.» طرف هم جواب می‌دهد: «بفرمائید قدمتان روی چشم.» بعضی اوقات هم بدون خبر می‌روند. وقتی میخواهند به شب نشینی بروند همه با هم می‌روند. معمولاً کسی درخانه نمی‌ماند مگر مریض داشته باشند چون در نطنز دزد نیست و اگر هم مال کسی دزدیده شود به قول معروف مشت دزد زود باز می‌شود کافی است یک نفر ببیند که فلان کس به خانه‌ی دیگری رفته و چیزی برداشته باشد همین دیدن کافی است که خبر در آن محل بپیچد. اگر راه دور باشد زود حرکت می‌کنند و اگر نزدیک باشد کمی دیرتر و معمولاً تا آخرهای شب می‌نشینند. مردم نطنز در شب‌های زمستان زود شام می‌خورند زیراکه می‌خواهند به شب نشینی بروند یا کسی به خانه شان می‌آید.

آجیل‌ها عبارتند از: جوزقند، ترشله، پرهلگ، هسته‌ی شیرین، مغز بادام، مغزگردوی نمک کرده یا بی نمک و خام یا بو داده، سنجد، انجیر خشک، کشمش، نخودچی، توت خشکه، قاووت، انواع تخمه‌های بوداده یا بونداده که بیشتر بوداده می‌خورند و می‌گویند بونداده‌اش خوب نیست و انسان دچار کرم معده می‌شود.

اسبندی کاشان ـ مردم کاشان و آبادی‌های آن ماه‌های سال را سی روز حساب می‌کنند و یک سال را سیصد و شصت روز و حساب پنج روز باقیمانده را جداگانه نگه می‌دارند و آن را پنجه می‌نامند که برای آن آئین و رسم خاص دارند. پس به این حساب، بیست و پنجم بهمن ماه تقویم رسمی شب اول اسفند است که آن را شب اسبند

رعیتی یا زراعتی می‌نامند و عقیده دارند که هر ساله ده پانزده روز قبل از رسیدن ماه اسفند باد معتدلی می‌وزد که به آن «باد اسبند» می‌گویند و آن را پیک بهار می‌دانند و معتقدند با فرارسیدن اسفند دیگر کمر سرما می‌شکند و در بهار و عید نوروز هوا معتدل می‌شود.

در شب اسفند دکاندارها دکان‌های خود را چراغانی می‌کنند، آرایش دکان‌های سبزی فروشی خیلی زیبا است. سبزی فروش‌ها ریشه‌ی پیازچه‌ها و تربچه‌ها را با رنگ‌های آبی و زرد و سبز و قرمز رنگ‌آمیزی می‌کنند و آن‌ها را با رنگ‌های شاد و زنده به طرز زیبائی بر صفه و سکوی دکان می‌چیند و منظره‌ی زیبائی می‌سازند. بنکدارها با چیدن کپه‌های برنج و عدس و نخود و لوبیا و ماش و کشمش‌های پلوئی و تخم مرغ رنگ کرده بساط خود را رنگین و مزین می‌کنند. آجیل فروشان برای «اسبندی» آجیل آچار درست می‌کنند زیرا که خوردن آجیل آچار یا آجیل ترش که با آبلیمو آن را ترش و با گل رنگ و زردچوبه معطر و خوش رنگش می‌کنند ـ از مراسم اسفندی است و شب اسفند دکان‌های آجیل فروشی خیلی شلوغ است. خلاصه پیشه وران و دکانداران شهر کاشان بازارچه و بازار را آذین بندی می‌کنند تا شادی مردم شریک شده باشند.

اهالی کاشان در شب اسفند زودتر از شب‌های دیگر چراغ خانه هاشان را روشن می‌کنند و برای شام هم حتماً پلو می‌پزند که تا سال دیگر همین وقت اجاق خانه شان روشن باشد. در این شب غذای خانواده چلو ماهی دودی یا چلو با کوکو است یا کشمش پلو می‌خورند یعنی یکی از این پلوها باید در سفره شان باشد. همچنین شگون می‌دانند که پنیر و ماست بر سفره بگذارند. بعضی‌ها یک خورش قدیمی درست می‌کنند که اسم آن نتار یا نصار است سر سفره هم هفت سین مانند سر، سنجد، سرکه، سیب، سماق، سمنو، سبزی و سنگک می‌چینند. همانطور که عده‌ای از مردم چلو با ماهی می‌خورند عده‌ای دیگر می‌گویند اگر در این شب ماهی پلو بپزند از مایه خورده‌اند از این جهت بیشتر چلو قورمه سبزی می‌خورند که همیشه سرسبز و شاد و خرم بمانند. اعتقاد دارند که در شب اسفند نباید تخم مرغ خورد و باید آن را در خانه نگاهداشت در این شب افراد خانواده، تخم مرغ‌های تازه را کف دستشان می‌گیرند و می‌گویند: «این مایه است و امسال سرمایه‌ی بیشتری خواهیم داشت» بعد از خوردن شام شب اسفند، شبچره می‌آورند. شبچره عبارتست از: آجیل، پرتقال، لیمو، سیب و هندوانه که معتقدند باید حتماً در این شب هندوانه بخورند تا از گزند عقرب‌های کاشان در امان بمانند.

گلاب‌گیری در قمصر کاشان: در اطراف دنا جنگلهای بلوط به زیبایی تمام تنک و پرپشت در زمینه تپه‌ها و کشتزارهای سبز دیم کاری یا شنی و سنگی به نحوی چشم نواز جای گرفته‌اند و زمزمهٔ چشمه سارها، آواز پرندگان و هوای سبک و پاکیزه چنان است که انسان از خود بی خود می‌شود. روستای خَفر شاید پر درخت‌ترین روستا در تمام ایران باشد. آنقدر درخت تبریزی، صنوبر و سپیدار و درختان میوه از گونه‌های مختلف دارد. روستای آب ملخ در سمت غرب و شمال غرب رشته کوه ۶۰ کیلومتری دنا که به قولی ۲۰ قله بالای ۴ هزار متر دارد، در ته دره پر شیب به فاصله ۷کیلومتری جاده آسفالته با باغهای بادام و پرچین هایی از نسترن زرد خوشبو در انتظار مان بود. آبشار زیبای تخت سلیمان، یا تفرجگاهی به همین

نام، در فاصله تقریبی ۴۵ دقیقه را پیمایی از روستای آب ملخ و عبور از رودخانهٔ خشمگین و پر آب انتظار مارا می‌کشید و وقتی از سرکنجکاوی به بالای آبشار راه یافته و چشمه‌ای راکه آبشار را تغذیه می‌کند، پیدا کردیم، کوهنوردی به گردش مطبوعی تبدیل شد.

در قمصر هرچه هست درخت و سبزی و گل است. در این منطقه هر سال ۵۰۰ هزار تن گل تولید می‌شود که در مدتی کوتاه در بیش از هزار و دیگ توسط گلابگیران سنتی به گلاب و عطر تبدیل و روانه بازار می‌شود.

در قمصر، اواسط خرداد ماه، فصل گل است و باز شدن گل‌ها باگرم و سرد بودن هوای بهار بستگی دارد. مردم قمصر، گل را از آن بلبل می‌دانند و باور سنتی اهالی قمصر درباره ارتباط گل و بلبل چنین است که بلبل در فصل گل، تمام شب را تا صبح، بر بالای سر گل نغمه سر می‌دهد تا بیدارش کند و بوسه بروی گلش زند، اما این نغمه خوانی بر بالین گل، بلبل را آنچنان خسته می‌کند که در پگاه به هنگامی که نزدیک است، گل چشم باز کند و از نغمه سرائی بلبل به لبخندی اظهار شوق کند، به خواب می‌رود و آرزوی دیدن چشم باز کردن گل در دلش حسرتی جانسوز بجا می‌گذارد. بلبل بیچاره وقتی بیدار می‌شود که نسیم سحر گره گشائی کرده وگل باز شده است. ناله بلبل از همین جاست و آنچه بنام شبنم یا ژاله صبحگاهی بر سر و روی گل می‌نشیند، اشک بلبل است که در حسرت خواب غفلت خویش، جاری ساخته است.

گل چین‌ها از پگاه راهی گلستان می‌شوند تا گلها را پیش از آنکه آفتاب دیده باشند از شاخه جدا نمایند. زیرا می‌دانند که آفتاب عطر گل را بر باد می‌دهد. در میان گل چین‌ها می‌توان کودکان، پیرمردان و پیرزنان را مشاهده کرد که هر یک پارچه مربع شکل بزرگی را از چهارگوش بسته و در گردن می‌اندازند و گلها را با تندی و بی آنکه باکی از خارها داشته باشند، از شاخه جدا می‌کنند و در این پارچه‌ها می‌ریزند و وقتی پر شد، آنرا در گونی‌های بزرگ خالی می‌کنند وگلها در این گونیها روانه کارگاههای گلابگیری می‌شود.

گل چین‌ها گلها را با بُن گل از شاخه می‌چینند زیرا این قسمت دارای چربی و عطر خاصی است که حتی گلبرگ‌ها فاقد آن هستند. گلابگیرها معتقدند که بیشترین عطر و بوی گل در همین بخش است.

در قمصر به هر خانه‌ای که نگاه کنید، در گوشه‌ای از حیاط آن دیگی را می‌بینید که لوله‌ای از جنس نی آنرا به پارچ بزرگ مسی وصل می‌کند. و اگر خانه‌ای از جریان آب جاری (که از کاریزها و قنوات به خانه‌ها هدایت شده است) بهره‌مند باشد، این پارچ بزرگ مسی در داخل جوی آب روان قرار داده می‌شود.

گلهایی که در گونی‌های بزرگ از گلستان‌ها به کارگاههای گلابگیری آورده می‌شود، اگر تازه مورد استفاده قرار گیرد و تبدیل به گلاب گردد، عطر آن بیشتر و گلاب از نوع بهتری خواهد بود.

مدت گلابگیری هر بار ۸ ساعت طول می‌کشد و دیگها بطور مداوم در شبانه روز به کار گرفته می‌شوند و ۳ بار ازگل پر و خالی می‌شوند و به اندازه وزن گل‌ها در دیگ‌ها آب می‌ریزند. گلابگیرها از ۲۴ کیلو کل حدود ۲۰ کیلو گلاب معمولی می‌گیرند.

انواع گلاب: به غیر ازگلاب معمولی، دو نوع گلاب دیگر نیز می‌گیرند، یک نوع آن گلاب «زیر عطر» نام دارد که برای تهیه آن از مقدار زیادی گلاب

چشم می‌پوشند و در نتیجه گلاب کمتری می‌گیرند تا از این نوع گلاب، عطر نیز بدست آید. بطور مثال از ۲۴ کیلو گل بعوض ۲۱ کیلو گلاب فقط ۵ کیلو گلاب می‌گیرند تا بجای گلاب باقی مانده یک مثقال عطر نیز بدست آورند.
این گلاب را به این جهت گلاب زیر عطر می‌نامند که عطر مثل روغن روی گلاب می‌ماسد و آنرا بوسیله سرنگ کشیده در شیشه کوچک دیگری می‌ریزند.
نوع دیگر گلاب، گلاب دو آتشه است و نحوه تهیه آن مانند گلاب معمولی و گلاب زیر عطر است. با این تفاوت که هنگام افزودن آب به دیگ، یک شیشه بزرگ ۵ کیلوئی گلاب نیز به آن اضافه می‌کنند و در نتیجه، گلاب حاصل دارای عطر و بوی خاصی بوده و از نظر گلابگیرها بهترین نوع گلاب است.
گل سرخ بعنوان یکی از لطیف‌ترین گلها یکی از گیاهان پایه طب سنتی است. زیرا اغلب داروهای سنتی را در آخرین مرحله با افزودن روغن، عطر و یا گلاب به آن آماده می‌کنند - غلامرضا ذاکری

زندگی و آداب رسوم مردم جندق:

ظواهر زندگی غذا: غذای اصلی جندقی‌ها کشک شاعر گفته است:
بر منزل اکابر جندق چوبگذری کشک است و کشک و کشک دگر کشک و بازکشک. موقعی که غذای اکابر این باشد تکلیف دیگران معلوم است.
چند سالی است قالی بافی مردم را پول دار کرده است. گاهی نان آبگوشتی هم بهم می‌رسد، گاهی هم پلو برنج و بیشتر ارزن و بلغور پلو مفصل در شب عید طبخ می‌شود و پلو کارد و معاش هم معمول است. کادر و معاش دانه‌های روغن دار بیابانی هستند که با زحمت بسیار جمع آوری می‌شود.
شل شلی خمیر: شلی از آرد گندم است که روی تابه سرخ می‌کنند و با کمک شیره‌ی خرما نوش جان می‌کنند.
اشکنه، آب با روغن و چند تخم مرغ است اگر چه زیاد خوش طعم نیست اما انرژی بخش است. «آب ترشو» هم نوعی از اشکنه می‌باشد معمولاً کله جوش را با بنه کوبیده درست می‌کنند که بسیار خوشمزه است و از غذاهای کافه رستوران‌های شهرهای خودمان سالم‌تر و بهتر.

لباس: لباس جندقی‌ها خیلی ساده است. مردها یک پیراهن بدون یقه می‌پوشند با یک شلوار سیاه کرباسی. سابقاً دبید حاج علی اکبری را شلوار می‌کردند.
لباس رسمی مردها قبا است. عرفچین سفید هم بر سر می‌گذارند سیدها عمامه دارند گاهی عبائی هم برای تظاهر به دینداری بر دوش می‌کشند. پاپوش آن‌ها اغلب گیوه است. زن‌ها شلوار تنگ چسبان و پیراهن بلند گلدار به تن دارند. چادر آن‌ها کرباسی است که خانه‌های شطرنجی آبی و تیره دارد. بعضی زن‌ها دستمال ابریشمی سیاه حاشیه‌ی سرخ هم به دور کله‌ی خود می‌پیچند. سابقاً زن‌ها شیلته هم روی شلوار تنگ می‌پوشیدند، اما حالا مرسوم نیست. زن‌ها خیلی شرم و حیا دارند و روی خود راکاملاً زیر چادر مخفی می‌کنند و فقط یک چشم آن‌ها از لابلای چادر می‌درخشد، اما مرد که از مقابل آن‌ها دور شد فوری سر خود را برمی‌گردانند و با احتیاط مرد را برانداز می‌کنند مخصوصاً اگر تازه وارد باشد.

تفریحات: جندقی‌ها نه به تفریح علاقه دارند نه وسایل آن را. بهترین تفریح زمستانی آن‌ها گوشه‌ی آفتاب نشستن و چرت زدن است. ترتیب مجالس

سوگواری و شب نشینی یک نوع سرگرمی است. سابقاً در شب نشینی‌ها از دین و مذهب بحث می‌شد. افسانه گویی هم رایج بود حالا حرف و گفتگو همه از قالی است.

عروسی: پدرها و مادرها در مورد ازدواج خیلی سختگیرند و عقیده خود را به فرزندان تحمیل می‌کنند.

کسی که می‌خواهد زن بگیرد یک نفر را به خواستگاری دختر می‌فرستد. دختری که پدر و مادر پسندیده‌اند. خواستگار موافقت پدر و مادر دختر را جلب می‌کنند. اگر والدین دختر قول مساعد دادند، داماد شبی که ساعت است خوانچه به خانه‌ی عروس می‌فرستد.

خوانچه عبارت است از ظرف شیرینی است که داماد به خانه‌ی عروس می‌فرستد، ظرف مقدم حاوی یک جلد قرآن، آئینه، سبزی، شربت، حنا، هل، میخک، دارچین، نمک، کندر، شیرینی، تخم مرغ، شانه، اسفند و ابریشم هفت رنگ است.

هنگام بردن خوانچه خوش آوازی پیشاپیش گروه قصیده‌ای در مدح ائمه‌ی اطهار می‌خوانند و همراهان با صلوات او را یاری می‌کنند و به این ترتیب وارد خانه‌ی عروس می‌شوند. معمولاً ثروتمندان ۴۱ خوانچه، طبقه متوسط خوانچه و فقرا سه خوانچه، به خانه‌ی عروس می‌فرستد. بعد مراسم عقد بعمل می‌آید عده‌ای از بستگان دو طرف جمع می‌شوند، عاقد را هم خبر می‌کنند، زن‌ها دختر را پس از بزک روی صندلی می‌نشانند تا عاقد وارد شود.

قبلاً صورت مهریه را به دست آخوند می‌دهند که معمولاً از ۲۰۰۰ تومان بیشتر نیست. آخوند سنگین وارد اتاق می‌شود و رو به روی عروس می‌نشیند و خطبه‌ی عقد را می‌خواند.

نمونه بازیهای استان اصفهان - ۱- چوقاپلی ۲- آپوست بره ۳-اوستا سلامی ۴-جفت جوالدوز ۵- اوستا خرت نلنگه ۶-شله گرمه ۷- چپق چاق کتی ۸- سه سال سنگی یا دست به چاله ۹- توک پلی (توک چوقزنی) ۱۰-کالنگ لنگی ۱۱-دست تو سری ۱۲-کمربندبازی ۱۳- چوبی و چوق‌بازی ۱۴- کیش‌بازی یا کیشی ۱۵- بالشت‌بازی ۱۶- کشتی محلی کمربندی

چوقاپلی - یکی از بازیهائی است که در استان اصفهان متداول بوده و هم‌اکنون نیز در بعضی از مناطق این استان (نقاط روستائی بیشتر) انجام میشود، نمونه این بازی با تفاوتهای جزئی در برخی از استان‌ها نیز رایج بوده است، در تهران مشابه این بازی «الک دولک» نام دارد.

آپوست بره - یکی دیگر از بازیهای بویژه روستائی مناطق استان اصفهان آپوست بره میباشد. بازی گروهی است و بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود. عده بازیکنان هر تیم ۵ نفر است.

اوستا سلامی - بصورت تک گروهی انجام میشود، این بازی به محل چندان وسیعی نیاز ندارد حتی در کوچه‌های روستا و میدانگاههای آن و دیگر فضاهای آزاد میتواند انجام شود، بازی هیچگونه وسیله و ابزاری نمی‌خواهد.

شله گرمه - بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود، هر تیم شامل ۵ نفر میباشد.

کالنگ‌لنگی - بازی گروهی است که بین نفرات دوبدو تا تعیین برنده نهائی انجام میشود، این بازی نیازی به وسیله نداشته و در محوطه نسبتاً هموار برگزار میگردد و به فضای زیادی نیاز ندارد.

کشتی کمربندی - کشتی کمربندی از جمله کشتی‌های محلی است که در استان اصفهان و

بویژه روستاهای شهرستان فریدن این استان مرسوم بوده و هنوز نیز در بعضی از نقاط رایج است. از کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی - غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

● خانوارهای عشایر دوره‌ی ییلاقی و دوره‌ی قشلاقی استان اصفهان دارای هر یک از انواع صنایع دستی برحسب هدف از تولید

عشایر دوره‌ی ییلاقی: قالی و قالیچه و گبه: (۴۲۰۱) به طور کلی که (۱۹۵) فقط برای فروش، (۲۶۳۱) فقط برای مصرف خانوار و (۱۳۷۵) برای فروش و مصرف خانوار.

گلیم، (زیلو، ورنی، جاجیم، خورجین، توبره و مشابه: (۴۰۷۲) به طور کلی که (۱۲۳) فقط برای فروش و (۳۲۹۱) فقط برای مصرف خانوار و (۶۵۸) برای فروش و مصرف خانوار.

پلاس (چادر): (۲۱۹۱) به طور کلی که (۷) فقط برای فروش و (۲۱۶۱) فقط برای مصرف خانوار و (۲۳) برای فروش و مصرف خانوار.

چوقا یا برک و مشابه: (۳۵) به طور کلی که (۰) فقط برای فروش و (۳۵) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

کلاه، دستکش، جوراب، گیوه و پاپوش: (۲۲) به طور کلی که (۰) فقط برای فروش (۲۰) فقط برای مصرف خانوار و (۲) برای فروش و مصرف خانوار.

حصیر: (۹۳) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۸۹) فقط برای مصرف خانوار و (۴) برای فروش و مصرف خانوار.

سایر: (۱۳۴) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۱۲۵) فقط برای مصرف خانوار و (۹) برای فروش و مصرف خانوار.

عشایر دوره‌ی قشلاقی:

قالی و قالیچه و گبه: (۳۹۱) به طور کلی که (۳۱۲) فقط برای مصرف، (۱۰) فقط برای مصرف خانوار و (۶۹) برای فروش و مصرف خانوار.

گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، خورجین، توبره و مشابه: (۱۲) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۱۲) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

پلاس (چادر): (۲۱۸) به طور کلی که (۲) فقط برای مصرف، (۲۱۶) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

چوقا یا برک و مشابه: (۰) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۰) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

کلاه، دستکش، جوراب، گیوه و پاپوش: (۰) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۰) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

حصیر: (۰) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۰) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

سایر: (۰) به طور کلی که (۰) فقط برای مصرف، (۰) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان اصفهان.

- جمع (۴۵۱۹۷).

۱- ایل بختیاری (۲۷۱۷۲)، ۲- ایل جرقویه (۵۷۴)، ۳- ایل قشقائی (۱۷۴۴۹).

● جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان اصفهان

- جمع (۲۹۵۶۵۶).

۱ـ ایل بختیاری (۱۸۱۵۰۵)، ۲ـ ایل جرقویه (۳۱۷۸)، ۳ـ ایل قشقائی (۱۱۰۹۷۵).

● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان

استان اصفهان: (۷۶۰۴) خانوار و (۵۰۱۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۰۰) خانوار و (۳۳۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اصفهان: (۱۹) خانوار و (۱۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵۷۴) خانوار و (۳۱۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۱۹) خانوار و (۱۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۷۴) خانوار و (۳۱۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان سمیرم: (۴۵۸۷) خانوار و (۲۹۸۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۸۶) خانوار و (۴۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۴۵۰۱) خانوار و (۲۹۴۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شهرضا: (۳۶۲) خانوار و (۲۲۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۱۶) خانوار و (۱۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۳۴۶) خانوار و (۲۱۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان فریدن: (۶۷۷) خانوار و (۲۶۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۶۷۷) خانوار و (۲۶۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان فریدونشهر: (۱۹۵۹) خانوار و (۱۳۲۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۱۹۵۹) خانوار و (۱۳۲۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان لنجان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

●خانوارهای عشایر دوره‌ی ییلاقی و دوره‌ی قشلاقی استان اصفهان دارای هر یک از انواع صنایع دستی برحسب هدف از تولید

عشایر دوره‌ی ییلاقی:

قالی و قالیچه و گبه: (۲۳۴۴) به طور کلی که (۶۷۶) فقط برای فروش، (۱۴۸۷) فقط برای مصرف خانوار و (۱۸۱) برای فروش و مصرف خانوار. گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، خورجین، توبره و مشابه: (۲۱۳۱) به طور کلی که (۱۳۲) فقط برای فروش، (۱۹۱۸) فقط برای مصرف خانوار و (۸۱) برای فروش و مصرف خانوار. پلاس (چادر): (۲۳۱۸) به طور کلی که (۱۹۰) فقط برای فروش، (۲۰۹۷) فقط برای مصرف خانوار و (۳۱) برای فروش و مصرف خانوار. چوقا یا برک و مشابه: (۳۸۳) به طور کلی که (۴۵)

فقط برای فروش، (۳۱۸) فقط برای مصرف خانوار و (۲۰) برای فروش و مصرف خانوار. کلاه، دستکش، جوراب، گیوه و پاپوش: (۶۵) به طور کلی که (۵) فقط برای فروش، (۵۸) فقط برای مصرف خانوار و (۲) برای فروش و مصرف خانوار. حصیر: (۱۸) به طور کلی که (۵) فقط برای فروش، (۱۲) فقط برای مصرف خانوار و (۱) برای فروش و مصرف خانوار. سایر: (۱۴۲۳) به طور کلی که (۴۹۶) فقط برای فروش، (۸۹۹) فقط برای مصرف خانوار و (۲۸) برای فروش و مصرف خانوار.

عشایر دوره‌ی قشلاقی:

قالی و قالیچه و گبه: (۶۳۰) به طور کلی که (۳۵۷) فقط برای فروش، (۲۲) فقط برای مصرف خانوار و (۵۱) برای فروش و مصرف خانوار. گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، خورجین، توبره و مشابه: (۴۲۰) به طور کلی که (۳۹) فقط برای فروش، (۳۶۳) فقط برای مصرف خانوار و (۱۸) برای فروش و مصرف خانوار. پلاس (چادر): (۴۱۴) به طور کلی که (۱۳) فقط برای فروش، (۳۹۰) فقط برای مصرف خانوار و (۱۱) برای فروش و مصرف خانوار. کلاه، دستکش، جوراب، گیوه و پاپوش: (۳۵) به طور کلی که (۱) فقط برای فروش، (۳۲) فقط برای مصرف خانوار و (۲) برای فروش و مصرف خانوار. حصیر: (۸) به طور کلی که (۰) فقط برای فروش، (۸) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار. سایر: (۲۰۴) به طور کلی که (۲۸) فقط برای فروش، (۱۷۶) فقط برای مصرف خانوار و (۰) برای فروش و مصرف خانوار.

فرهنگی و دانشگاهی

دانشگاه اصفهان: این دانشگاه در ۱۳۲۵ با نام آموزشگاه عالی بهداری تأسیس شد. سپس در ۱۳۲۹ دانشکدهٔ پزشکی، در ۱۳۳۶ دانشکده داروسازی، در ۱۳۳۷ دانشکدهٔ ادبیات، در ۱۳۴۳ دانشکدهٔ علوم، در ۱۳۴۴ دانشسرای تربیت دبیر و در سالهای بعد به تدریج دانشکده‌های دیگر در آن دایر گردید. در ۱۳۶۵ دانشکده‌های پزشکی، دارو سازی و دیگر دانشکده‌های وابسته به پزشکی از این دانشگاه جدا شدند.

دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (گروههای آموزشی: ادبیات فارسی، علوم اجتماعی)، دانشکدهٔ علوم (گروههای آموزشی: فیزیک، شیمی، آمار، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی)، دانشکدهٔ علوم تربیتی (گروههای آموزشی: کتابداری، علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره)، دانشکدهٔ علوم اداری و اقتصاد (گروههای آموزشی: اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم انسانی)، دانشکدهٔ زبانهای خارجی (گروههای آموزشی: (انگلیسی، عربی، فرانسه، آلمانی، ارمنی و اردو)، دانشکدهٔ مهندسی (گروههای آموزشی: نقشه برداری، رایانه، پتروشیمی، مهندسی پزشکی، و تکنولوژی)، دانشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزشی (گروه آموزشی: تربیت بدنی). مرکز آموزشی عالی خوانسار به این دانشگاه وابسته است. گروههای آموزشی آن عبارت اند از: ریاضی محض و کاربردی ،مهندسی نرم‌افزار و معارف اسلامی. به علاوه ،مرکز تحقیقات فنی و مهندسی (شامل گروههای پژوهشی فنی و مهندسی الکترونیک)، مرکز تحقیقات اقتصاد و مدیریت (شامل گروههای پژوهشی اقتصاد، مدیریت، حسابداری،

علوم سیاسی)، مرکز تحقیقات علوم تربیتی و رانشناسی، (گروههای علوم تربیتی و روانشناسی‌د) از مراکز وابسته به این دانشگاه هستند.

مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی.

دانشگاه هنر اصفهان : دانشکده پردیس اصفهان در ۱۳۵۶ فعالیت خود را تحت نظارت دانشگاه فارابی در رشته مرمت آثار و ابنیه تاریخی در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته آغار نمود. پس از انقلاب فرهنگی در ۱۳۶۳ تحت پوشش مجتمع دانشگاهی هنر در آمد و با ایجاد رشته‌های کارشناسی مرمت آثار، نقاشی و صنایع دستی کار خود را دوباره از سر گرفت. این دانشگاه یکی از دانشکده‌های دانشگاه هنر بود که بعداً مستقل شد. در دوره‌های تحصیلی کارشناسی ارشد نیز دانشجو می‌پذیرد. گروههای آموزشی آن عبارتند از: صنایع دستی، فرش، نقاشی، مرمت آثار تاریخی و معماری و احیای ابنیه و بافتهای تاریخی. ـ دائرةالمعارف آموزش عالی

دانشگاه صنعتی اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان در مهر ماه ۱۳۵۶ با پذیرش دانشجو در شانزده رشته تحصیلی فنی و مهندسی کار خود را رسماً آغاز نمود و در ۱۳۵۹ دانشگاه کار و پیشه اصفهان در این دانشگاه ادغام شد. دانشگاه در حال حاضر دارای سیزده دانشکده، دو پژوهشکده و چهار مرکز آموزشی مستقل است که فعالیت آموزشی وپژوهشی دارند.

دانشکده‌های آن عبارت از: دانشکده برق و کامپیوتر (با گروههای آموزشی الکترونیک، قدرت، کنترل، مخابرات و کامپیوتر)، دانشکده ریاضی (باگروههای آموزشی ریاضی کاربردی و آمار)، دانشکده شیمی (شامل گروههای آموزشی شیمی کاربردی و شیمی محض)، دانشکده صنایع و سیستمها (شامل گروههای آموزشی تولید صنعتی، برنامه ریزی سیستمها و مهندسی اقتصادی - اجتماعی)، دانشکده عمران (شامل گروههای آموزشی آب، عمران و سازه)، دانشکده فیزیک (شامل گروههای آموزشی فیزیک عمومی، فیزیک کاربردی، فیزیک هسته‌ای و فیزیک حالت جامد)، دانشکده کشاورزی (شامل گروههای آموزشی آبیاری، اصلاح نباتات، باغبانی، خاک شناسی، زراعت، دام پروری، صنایع غذایی، گیاه‌شناسی، ماشینهای کشاورزی و حشره‌شناسی)، دانشکده معدن (شامل گروههای آموزشی اکتشافات معدن)، مهندسی مکانیک (شامل گروههای حرارت و سیالات، طراحی جامدات، طراحی کاربردی، ساخت و تولید، تبدیل انرژی)، دانشکده مواد (شامل گروههای آموزشی ریخته گری، تولید آهن و فولاد، شناسایی و انتخاب مواد) دانشکده مهندسی شیمی (شامل گروههای آموزشی پتروشیمی، پلیمر، صنایع شیمیایی معدن و مهندسی شیمی)، دانشکده منابع طبیعی (شامل گروههای آموزشی شیلات، محیط زیست، مرتع و آبخیزداری)، دانشکده نساجی (شامل گروههای آموزشی نساجی و علوم الیاف)

گروههای: گروه تربیت بدنی، گروه آموزش زبان، معارف اسلامی.

پژوهشکده مهندسی برق و کامپیوتر (شامل گروههای پژوهشی علوم و تکنولوژی کامپیوتر، طراحی و ساختمان سیستمها، اتوماسیون صنعتی، الکترونیک و قدرت، سیگنالهای مترکنترل کامپیوتری)، پژوهشکده علوم زیر دریا، (شامل

گروههای پژوهشی علوم زیر دریایی ، اقیانوس شناسی، عملیات ساخت و مونتاژ مکانیکی)، مزرعه آموزش کشاورزی لورک از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه‌اند .

دوره‌های تحصیلی: کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری .

دانشگاه کاشان: این دانشگاه با نام مدرسه عالی علوم کاشان در ۱۳۵۲ با دو رشته تحصیلی ریاضی و فیزیک در مقطع کارشناسی شروع به کار نمود. در ۱۳۶۸ با افزایش رشته‌های تحصیلی و با گرایش دبیری، به دانشگاه تربیت معلم کاشان تغییر نام داد و در ۱۳۷۳ تبدیل به دانشگاه کاشان گردید.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی (شامل گروههای آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب، الهیات و معارف اسلامی، علوم تربیتی و زبان انگلیسی)، دانشکده مهندسی (شامل گروههای آموزشی مهندس مکانیک، مهندس برق و مهندس شیمی)، دانشکده معماری و هنر (شامل گروههای آموزشی معماری، صنایع دستی و فرش) و دانشکده علوم پایه (شامل گروههای آموزشی شیمی، فیزیک و ریاضی) در این دانشگاه فعالیت دارند .

این دانشگاه در مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، وکارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد .

مرکز آموزش عالی گلپایگان: مرکز آموزش عالی گلپایگان در سال ۱۳۷۴ تأسیس و تا تیر ماه ۱۳۷۹ تحت پوشش دانشگاه اصفهان اداره می‌شد. طبق جلسه‌ی شورای گسترش دانشگاه‌ها مورخ تیر ۱۳۷۹ این مرکز به دانشکده‌ی فنی و مهندسی گلپایگان تبدیل گردید و در حال حاضر دانشکده‌ی فوق زیر نظر دانشگاه صنعتی شریف و شرکت سایپا فعالیت می‌کند ـ دولتی

مؤسسه‌ی آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی: مؤسسه‌ی آموزش عالی غیر دولتی شهید اشرفی اصفهانی از سال ۱۳۷۵ فعالیت خود را با دو رشته‌ی حسابداری و اقتصاد آغاز نموده است و یک سال پس از آن دو رشته‌ی حقوق و الهیات با گرایش حقوق به رشته‌های این مؤسسه افزوده شده است. علاوه بر این کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی از مهر ماه ۱۳۷۶ و آموزش زبان فارسی به دانشجویان غیر ایرانی از بهمن ماه ۱۳۷۶ در این مؤسسه تشکیل شده است.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان: نخستین پایه‌ی دانشگاه در سال ۱۳۲۵ شمسی با ایجاد آموزشگاه عالی بهداری اصفهان گذاشته شد. سال ۱۳۲۹ شمسی دانشکده‌ی پزشکی در جوار آموزشگاه فعالیت می‌کرد و به تدریج آموزشگاه تعطیل شد در سال ۶۵ با تصویب وزارت بهداشت از دانشگاه اصفهان جدا شد و به طور مستقل فعالیت آموزشی خود را آغاز نمود ـ دولتی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کاشان: با نام دانشکده‌ی علوم پزشکی تأسیس شد در سال ۱۳۷۲ دانشکده به دانشگاه علوم پزشکی تغییر نام یافت ـ دولتی

پالایش نفت اصفهان: شرکت پالایش نفت اصفهان یکی از مهم‌ترین پالایشگاه‌های ایران است که در فاصله‌ی پنج کیلومتری شمال شرقی شهر اصفهان قرار دارد. این پالایشگاه نفت مصرفی خود را از چاه‌های نفت مارون که در ۷۰ کیلومتری شهر اهواز قرار دارند، از راه لوله‌ای به طول حدود ۴۳۰ کیلومتر، که توسط هفت تلمبه خانه به جلو رانده می‌شود، تأمین می‌کند. ظرفیت

پالایش این مجتمع تا حدود ۳۷۰ هزار بشکه در شبانه روز است و نفت خام را به فرآورده‌هایی همچون گاز مایع، بنزین معمولی، گازوئیل، نفت سفید، سوخت هواپیما، نفت کوره، روغن موتور، قیر، نفتا و نوعی بنزین ویژه تبدیل می‌کند.

این پالایشگاه دارای چند واحد جانبی مانند واحدهای تهیه‌ی هیدروژن، نیتروژن و گوگرد نیز هست. این پالایشگاه افزون بر تأمین حدود ۲۵ درصد از مواد سوختی مورد نیاز کشور، خوراک کارخانه‌های پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی اراک و مجتمع آلکیل بنزن را به عهده دارد.

به مجموع عملیاتی که باعث می‌شود از نفت خام مواد گوناگونی مانند گاز، گاز مایع، بنزین، نفت سفید، گازوئیل، روغن، گریس، قیر و... به دست می‌آید پالایش نفت گفته می‌شود. فرایندهای پالایش نفت را میتوان به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

- جداکردن مواد با استفاده از روش تقطیر جزء به جزء.
- تبدیل کردن مواد نامرغوب کم مصرف به مواد مرغوب پرمصرف.
- گرفتن ناخالصی‌ها با استفاده از حلال از فرآورده‌های نفتی.

هم اکنون کشور ما دارای ۹ پالایشگاه در شهرهای آبادان، اصفهان، اراک، کرمانشاه، تبریز، تهرن، شیراز، بندرعباس و لاوان است که ظرفیت کل پالایش آن‌ها به ۱۶۵۰۰۰۰ بشکه در روز می‌رسد. بیش‌ترین ظرفیت را پالایشگاه آبادان با ۳۵۰۰۰۰ بشکه در روز دارد و کم‌ترین آن، متعلق به پالایشگاه لاوان با ۲۰۰۰۰ بشکه در روز است. در بین کشورهای جهان، ایران از نظر میزان پالایش نفت خام در مرتبه‌ی پانزدهم قرار دارد. روی هم رفته، صنایع نفتی جهان سالانه ۲۲ میلیون بشکه نفت خام را پالایش می‌کند.

در چند دهه‌ی اخیر به غیر از سوزاندن مواد نفتی، به ویژه به خاطر پیشرفت در علم و فناوری، اندیشه‌ی استفاده‌ی بهینه از مواد نفتی گسترش فراوان داشته است. چنان که سعی شده است که نفت خام در کارخانه‌های مختلف، به مواد شیمیائی و صنعتی مورد نیاز تبدیل شود. در همین راستا، یکی از فعالیت‌های پالایشگاهی، تهیه‌ی خوراک برای مصرف در مجتمع‌های پتروشیمی بوده است. ـ آذر دلسوز

موزه تاریخ طبیعی اصفهان میراث گرانبهای طبیعت

«موزهٔ تاریخ طبیعی اصفهان» از جمله موزه‌های تاریخ طبیعی ایران و جهان است که در زمینه‌های گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، جانورشناسی و جغرافیای طبیعی فعالیت دارد.

موزهٔ تاریخ طبیعی اصفهان شامل کتابخانه، کارگاه ترمیم و تولید چند سالن نمایشی می‌باشد.

۱- سالن نمایشی - ۲- سالن جانوران بدون مهره: در این سالن نحوهٔ رده‌بندی و آشنایی با جهان حشرات، بازسازی آموزشی نرم‌تنان، مرجانها، صدفهای کمیاب و زیبای اقیانوسهای کبیر و اطلس و پروانه‌های سحرآمیز، بسیار جالب و دیدنی هستند. تنوع و گوناگونی رنگ و اندازهٔ صدفها نیز توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. ۳- سالن گیاه‌شناسی: در این سالن انواع گیاهان گلدار، بدون گل، دارویی و صنعتی جای گرفته است. در داخل ویترینهای این قسمت انواع گیاهان دارویی - سنتی و صنعتی ایران قرار دارد. در گوشه‌ای دیگر، نمونه‌ای از گیاهان خارج از ایران به طریقهٔ علمی رده‌بندی شده است.

۴- سالن زمین‌شناسی: در این سالن انواع و اقسام سنگها وجود دارد. سنگهای معدنی، رسوبی، آذرین، دگرگونی صنعتی، زینتی، کریستالهای جذاب و خیرکننده و خلاصه کلیه مواد تشکیل دهندهٔ پوستهٔ جامد زمین. سنگواره‌های دریایی دورانهای گذشته، از ۵۸۰ میلیون سال قبل تاکنون نیز در این سالن یافت می‌شود. در این میان، مجموعه‌ای از سنگواره‌های کمیاب و ارزندهٔ ایران و مولاژهای بازسازی شدهٔ فسیلهای خارج از کشور، از ویژگی خاصی برخوردار است.
۵ ـ سالن جغرافیای طبیعی و نقشه‌ها: پنجمین بخش از «موزه تاریخ طبیعی اصفهان» است. دیوارهای این سالن که پوشیده از نقشه‌های جغرافیایی است. ۶- سالن جانوران مهره‌دار: این سالن، حیوانات مختلفی قرار دارند که در لحظه اول برای هر بیننده تداعی یک محیط طبیعی را می‌کنند. در سالن موزه، می‌توان انواع ماهیان، دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران را پیدا کرد. این جانوران بصورت رده‌بندی و بازشناسی محیط زندگی در معرض نمایش گذاشته شده‌اند. در ویترینهای سالن مهره‌داران هر نوع مهره‌داری اعم از مفید، مضر، اهلی، وحشی، دریایی و کویری دیده می‌شود. تعداد بسیاری از این حیوانات توسط متخصصان، تاکسیدرمی شده‌اند.
محمد حسین دیزجی -کیهان علمی

موزه‌ی چهلستون (اصفهان) ـ موضوع: معماری،
باستان‌شناسی، تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۲۷، بنا صفویه

موزه‌ی هنرهای تزئینی (رکیب خانه) ـ موضوع: باستان‌شناسی، هنری (بافته‌ها، اشیاء فلزی، مینیاتور، سفال و)ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۵، بنا صفوی و قاجار

موزه‌ی کلیسای وانک (اصفهان) ـ موضوع: معماری، تاریخی ـ سازمان: خلیفه گری ارامنه ـ تأسیس ۱۹۰۶ میلادی

موزه‌ی هنرهای معاصر (اصفهان) ـ موضوع: آثار هنری معاصر ـ سازمان: شهرداری اصفهان ـ تأسیس ۱۳۷۳

موزه‌ی آموزش و پرورش (اصفهان) ـ موضوع: تاریخی (اسناد و مدارک تعلیم و تربیت) ـ سازمان: آموزش و پرورش ـ تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی تاریخ طبیعی (اصفهان) ـ موضوع: علمی (نمونه‌ی انواع جانوران و گیاهان) ـ سازمان: شهرداری اصفهان ـ تأسیس ۱۳۶۷

مسجد امام (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفوی

مسجد جامع (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن سوم هجری

مسجد شیخ لطف الله (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفوی

آتشگاه (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ساسانی

عمارت عالی قاپو (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفوی

عمارت هشت بهشت (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفوی

منارجنبان (مقبره‌ی عمو عبدالله کارلادانی) (اصفهان) ـ موضوع: معماری، شخصیت ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن هفتم و هشتم هجری

خـانه‌ی شـیخ الاسـلام (اصفهان) ـ موضوع: معماری، هنرهای سنتی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قاجاریه
مدرسه‌ی چهارباغ ـ موضوع: معماری ـ سازمان اوقاف و امور خیریه ـ تأسیس: صفویه
خانه‌ی قزوینی‌ها (اصفهان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قاجاریه
مسجد جـامع اردسـتان (اصـفهان) ـ مـوضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: سلجوقی
مـوزه‌ی مـلی کـاشان (کـاشان) ـ مـوضوع: باستان‌شناسی، مردم‌شناسی ـ سـازمان مـیراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۴۶
باغ فین (کاشان) ـ موضوع: معماری ـ سـازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفویه و قاجاریه
خانه‌ی بروجردی‌ها (معماری) ـ موضوع: معماری ـ سازمان مـیراث و فـرهنگی کشـور ـ تأسـیس: دوره‌ی قاجاریه
خانه‌ی طباطبائی‌ها (کاشان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان شهرداری ـ تأسیس: قاجاریه
چشمه‌ی سلیمانیه (کاشان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفویه
مسجد و مدرسه‌ی آقا بزرگ (کاشان) ـ موضوع: معماری ـ سـازمان مـیراث و فـرهنگی کشـور ـ تأسیس: قاجاریه
مسجد جامع گلپایگان (کاشان) ـ موضوع: معماری ـ سـازمان مـیراث فـرهنگی کشـور ـ تأسـیس: سلجوقی
موزه‌ی نـایین (مـردم‌شناسی کـویر) ـ مـوضوع: مردم‌شناسی، معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۳، صفویه
مصلای نائین (نائین) ـ موضوع: معماری ـ سازمان اوقاف و امور خیریه ـ تأسیس: قاجاریه
مسجد جامع نائین (نائین) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن دوم و چهارم هجری قمری
مسجد جامع (نطنز) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن هفتم و هشتم هجری قمری

فهرست اسامی مهم‌ترین آثار تـاریخی اسـتان اصفهان:

۱ـ مسجد جامع عباسی (مسجد امام)، ۲ـ مسجد جمعه اصفهان، ۳ـ مسجد شیخ لطـف اللـه، ۴ـ عمارت عالی قاپو، ۵ـ کاخ چهل ستون، ۶ـ پـل خواجو، ۷ـ پل الله وردیخان (سی و سه پل)، ۸ـ منار جنبان، ۸ـ مدرسه‌ی امام جعفر صادق، ۹ـ پل شهرستان، ۱۱ـ کلیسای وانک، ۱۲ـ میدان نقش جهان (میدان امـام)، ۱۳ـ مـوزه تـاریخ طـبیعی اصفهان، ۱۴ـ موزه‌ی چهل ستون، ۱۵ـ کاخ هشت بهشت، ۱۶ـ مزار شهید آیت الله اشرفی اصفهانی، ۱۷ـ آرامگاه سهراب سپهری، ۱۸ـ آرامگـاه بـابا افضل کاشانی، ۱۹ـ آرامگاه ملامحسن کـاشانی، ۲۰ـ مسجد حاجتگاه ابیانه، ۲۱ـ مدرسه‌ی چهار باغ (مدرسه‌ی سلطانی یا مدرسه‌ی مادر شاه)، ۲۲ـ آرامگاه صائب تبریزی.

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری اصفهان:
مرد: (۱۷۸۱۰۵۵ شهری، ۳۵۹۱۶۳ روستائی)، زن: (۱۷۰۴۲۳۶ شهری، ۳۳۴۵۴۴ روستائی).

جمعیت استان اصفهان

شهرستان آران و بیدگل: تعداد خـانوار ۲۴۵۴۱، جمعیت ۹۰۴۹۲، تعداد باسواد ۶۸۲۳۵، تعداد بیسواد ۱۳۲۳۸.

شهرستان اردستان: تعداد خانوار ۱۲۵۸۷، جمعیت ۴۴۷۰۹، تعداد باسواد ۳۱۰۹۷، تعداد بیسواد ۹۱۳۱.
شهرستان اصفهان: تعداد خانوار ۵۴۳۶۸۸، جمعیت ۱۹۸۶۵۴۲، تعداد باسواد ۱۶۲۳۳۵۰، تعداد بیسواد ۱۸۰۹۵۰.
شهرستان برخوار و میمه: تعداد خانوار ۷۴۱۰۳، جمعیت ۲۷۹۷۷۸، تعداد باسواد ۲۲۳۰۵۶، تعداد بیسواد ۳۱۰۷۳.
شهرستان تیران و کرون: تعداد خانوار ۱۷۸۰۲، جمعیت ۶۴۴۶۹، تعداد باسواد ۴۸۹۴۷، تعداد بیسواد ۹۶۶۵.
شهرستان چادگان: تعداد خانوار ۸۱۶۹، جمعیت ۳۴۴۷۶، تعداد باسواد ۲۳۷۲۵، تعداد بیسواد ۷۱۱۳.
شهرستان خمینی شهر: تعداد خانوار ۷۵۳۰۵، جمعیت ۲۸۷۲۶۵، تعداد باسواد ۲۲۲۷۳۸، تعداد بیسواد ۳۴۱۳۴.
شهرستان خوانسار: تعداد خانوار ۹۳۹۴، جمعیت ۲۳۵۱۵، تعداد باسواد ۲۳۴۸۴، تعداد بیسواد ۵۹۶۵.
شهرستان سمیرم: تعداد خانوار ۱۷۰۷۲، جمعیت ۷۳۰۴۵، تعداد باسواد ۵۱۴۱۵، تعداد بیسواد ۱۳۲۴۰.
شهرستان سمیرم سفلی: تعداد خانوار ۹۵۵۰، جمعیت ۳۵۱۸۴، تعداد باسواد ۲۵۴۳۲، تعداد بیسواد ۵۸۴۵.
شهرستان شهرضا: تعداد خانوار ۳۸۹۲۹، جمعیت ۱۴۳۹۰۳، تعداد باسواد ۱۰۹۷۸۱، تعداد بیسواد ۱۸۴۵۵.
شهرستان فریدن: تعداد خانوار ۲۰۲۱۵، جمعیت ۸۳۶۸۹، تعداد باسواد ۵۹۹۵۰، تعداد بیسواد ۱۵۴۷۷.
شهرستان فریدونشهر: تعداد خانوار ۹۲۵۹، جمعیت ۳۹۳۹۷، تعداد باسواد ۲۷۴۳۴، تعداد بیسواد ۷۹۴۱.
شهرستان فلاورجان: تعداد خانوار ۶۰۶۱۳، جمعیت ۲۳۲۶۴۴، تعداد باسواد ۱۷۶۹۶۱، تعداد بیسواد ۳۳۴۷۱.
شهرستان کاشان: تعداد خانوار ۸۱۸۱۶، جمعیت ۳۰۲۶۳۷، تعداد باسواد ۲۳۳۹۸۷، تعداد بیسواد ۳۷۸۶۵.
شهرستان گلپایگان: تعداد خانوار ۲۴۷۰۱، جمعیت ۸۴۰۸۱، تعداد باسواد ۶۳۴۹۶، تعداد بیسواد ۱۲۹۲۲.
شهرستان لنجان: تعداد خانوار ۵۸۲۳۲، جمعیت ۲۲۶۷۵۶، تعداد باسواد ۱۸۴۵۸۷، تعداد بیسواد ۲۱۳۴۸.
شهرستان مبارکه: تعداد خانوار ۳۵۲۷۶، جمعیت ۱۳۴۹۳۸، تعداد باسواد ۱۰۵۷۰۳، تعداد بیسواد ۱۵۴۴۸.
شهرستان نائین: تعداد خانوار ۱۵۹۱۹، جمعیت ۵۵۷۵۵، تعداد باسواد ۴۱۷۹۰، تعداد بیسواد ۸۱۴۴.
شهرستان نجف آباد: تعداد خانوار ۷۳۷۱۱، جمعیت ۲۸۲۴۳۰، تعداد باسواد ۲۲۶۴۱۱، تعداد بیسواد ۲۷۵۷۰.
شهرستان نطنز: تعداد خانوار ۱۲۸۰۲، جمعیت ۴۴۵۵۱، تعداد باسواد ۳۱۵۳۷، تعداد بیسواد ۸۶۵۱.

آثار ثبت شده استان اصفهان

شهر و خرابه‌های ساسانی - ساسانی - زواره
تپه سیلک - پیش از تاریخ - کاشان
کلیسای سن سور (وانک) - قرن ۱۱ ه.ق - اصفهان
مسجد جامع - (دیلمیان - قرن ۴ ه.ق) - اصفهان

مسجدعلی ومناره‌سلجوقی آن-سلجوقی-صفویه-اصفهان
دروازه درب کوشک - قرن ۱۰ ه.ق - اصفهان
مناره خواجه علم - تیموری - اصفهان
مقبره سلطان‌سنجرملکشاه-سلجوقی-قرن ۱۳- اصفهان
مقبره بابا قاسم - قرن ۸ ه.ق - اصفهان
مقبره پیر بکران - پیش از تاریخ - پیربکران
میدان شاه ـ امام خمینی نقش جهان - صفویه - اصفهان
نقاره خانه و سردر قیصریه - صفویه - اصفهان
عالی قاپو - صفویه - اصفهان
مسجد شیخ لطف الله - صفویه - اصفهان
تالار اشرف - صفویه - اصفهان
مسجد شاه (امام خمینی) - صفویه - اصفهان
چهلستون - صفویه - اصفهان
چهار باغ - صفویه - اصفهان
پل اللهوردخان (۳۳ پل - پل جل) - صفویه - اصفهان
پل بابا رکن الدین (پل خواجو) - صفویه - اصفهان
مسجد شعیا و امامزاده اسماعیل - سلجوقی - اصفهان
مسجد سارو تقی - صفویه - اصفهان
مدرسه امامیه (بابا قاسم) - قرن ۸ ه.ق - اصفهان
مناره‌های دردشت (سلطان بخت آقا) - قرن ۷ و ۸ ه.ق
مدرسه مادرشاه- چهار باغ ـ سلطانیه - صفویه - اصفهان
مسجد میدان - سلجوقی تا صفوی - کاشان
مناره زین الدین - هزاره ۷ ق.م - کاشان
مقبره امامزاده شاه رضا - صفویه - شهر رضا
مسجد جمعه - (دیلمان - قرن ۴ ه.ق) - نائین
مسجد جامع - (سلجوقی - قرن ۶ ه.ق) - اردستان
آتشکده ساسانی - ساسانی - نطنز
مسجد جمعه - قرن ۸ ه.ق - نطنز
مسجد جامع گلپایگان - اسلامی - گلپایگان

امامزاده جعفر - قرن ۸ ه.ق - اصفهان
مقبره بابا عبدالله - (ایلخانی - قرن ۸ ه.ق) - نائین
محراب مسجد کوچه میر - اواخر سلجوقی - نطنز
امامزاده درب امام - اسلامی - اصفهان
سردر مسجد قطبیه - قرن ۱۰ ه.ق - اصفهان
سردر و بقعه شیخ امیر مسعود - قرن ۹ ه.ق - اصفهان
امامزاده هارون ولایت - قرن ۱۰ ه.ق - اصفهان
مسجد ظلمات و آرامگاه میر عماد - قرن ۱۱ - اصفهان
مقبره معروف به ستی فاطمه - قرن ۱۱ ه.ق - اصفهان
مسجد حکیم - صفویه - اصفهان
مدرسه ملا عبد الله - قرن ۱۱ ه.ق - اصفهان
مسجد علی قلی آقا - ۱۲ هجری - اصفهان
حمام علی قلی آقا - صفویه - اصفهان
عمارت هشت بهشت - صفویه - اصفهان
مناره چهل دختران-(گارلنگ)- قرن ۶ ه-ق- اصفهان
مناره ساربان - سلجوقی - اصفهان
مناره رهروان (رادان) - سلجوقی - اصفهان
امامزاده احمد (ع) - صفویه - اصفهان
مقبره شیخ ابولقاسم - قرن ۹ ه-ق - اصفهان
امامزاده حبیب ابن موسی- صفویه - کاشان
باغ فین و مجموعه بناهای آن - کاشان
مناره مسجد امام حسن (ع) - سلجوقی - اردستان
مناره گلپایگان - سلجوقی - گلپایگان
مدرسه سلطانی - قاجاریه - کاشان
مسجد جامع کاشان - سلجوقی - کاشان
مسجد اشترجان - ایلخانی - اشترجان
مناره و مسجد جامع برسیان - قرن ۵ه-ق - اصفهان
مناره و مسجد جامع گار - قرن ۶ ه-ق - اصفهان م
مسجد ایلچی - قرن ۱۱ ه-ق - اصفهان
مناره دارالضیافه - قرن ۸ ه-ق - اصفهان

مسجد مصری - قرن ۱۱ ه‍-ق - اصفهان
مسجد درب جوباره - قرن ۱۰ ه‍-ق - اصفهان
مسجد سرخی (سفره چی) - قرن ۱۱ ه‍-ق - اصفهان
مسجدو مناره سین - قرن ۶ ه‍-ق - اصفهان
مسجد جمعه زواره - سلجوقی - زواره
مسجد پامنار و منار آن - سلجوقی - زواره
مناره زیار - اواسط قرن ۶ ه‍-ق - اصفهان
امامزاده هفده تن - صفویه - گلپایگان
مسجد جارچی - صفویه - اصفهان
مسجد لنبان - صفویه - اصفهان
امامزاده شاه زید - صفویه - اصفهان
مناره باغ قوشخانه - مغول - اصفهان
مدرسه جده کوچک - قرن ۱۱ ه‍-ق - اصفهان
آتشکده نیاسر - ساسانی - کاشان
مسجد بزرگ گز-سلجوقی-اصفهان
مسجد خان -قرن ۱۱ ه‍-ق - اصفهان
مسجد جامع کاج - مغول - اصفهان
گنبد دشتی- مغول - اصفهان
منار جنبان - آرامگاه شیخ امیر عبداللّه - مغول - اصفهان
امامزاده حسین و امامزاده ابراهیم - سلجوقی - کاشان
مسجد وزیر -(صفویه - قاجاریه) - کاشان
امامزاده میر احمد - کاشان
کاروانسرای مهیار- صفویه - شهرضا
بقعه علاءالدین شهشهان - تیموری - اصفهان
محراب مسجد محله ده - مغول - قمصر
بقعه بابا افضل - مغول - کاشان
مدرسه نیماور - صفویه -اصفهان
کاروانسرای گز - سلجوقی - گز
آتشکده - (ساسانی - اسلامی) - اصفهان
مسجد آقا - قاجاریه - کاشان
مدرسه کاسه گران - صفویه - اصفهان
مسجد سید - قاجاریه - اصفهان
مسجد حاج محمد جعفر آباده‌ای - قرن ۱۳ - اصفهان
امامزاده مشهد اردهال - کاشان
بقعه خواجه تاج الدین - قرن ۹ ه‍-ق - کاشان
بقعه امامزاده ابراهیم - قاجاریه - کاشان
بقعه پیرداود - صفویه - کاشان
کاروانسرای عین الرشید - مغول - کاشان
مسجد جامع هفت شویه - قرن ۷ - ه‍-ق - اصفهان
قلعه کهنه چهار طاقی (آتشکده) - ساسانی - کاشان
مسجد جامع سرآورگلپایگان-صفویه-گلپایگان
امامزاده ابولفتوح - صفویه - خوانسار
پل بابا محمود - صفویه - فلاورجان
امامزاده سید السادات - تیموری - گلپایگان
گنبد باز - صفویه - نطنز
بقعه امامزاده محمدابراهیم-(مغول - صفویه) - شهرضا
بقعه امامزاده ابولقاسم - فلاورجان
قلعه‌بزی (قلعه خان لنجان) (اواخر ساسانی تا سلجوقی) فلاورجان
چهل دختران - مغول - کاشان
دو حمام رهنان - صفویه - اصفهان
کاروانسرای امین آباد - صفویه - اصفهان
کتیبه شاه صفی (شاه ذکریان) - صفویه - شهرضا
پل جی و شهرستان - ساسانی - اصفهان
مسجد ازیران - سلجوقی - اصفهان
تالار تیموری (موزه تاریخ ملی) - تیموری - اصفهان
مدرسه جده بزرگ - صفویه - اصفهان
مسجد و مدرسه شمس آباد - صفویه - اصفهان
مسجد جامع پوده - (اواخر افشاریه - زندیه) - شهرضا

ایوان‌جنب‌امامزاده سیدمحمد-تاریخی-خمینی شهر
بناهای روستای تاج‌آباد(عباس آباد)-اسلامی - اصفهان
مجموعه بناهای سارونقی - صفویه - اصفهان
عصار خانه شیخ - اسلامی - اصفهان
امامزاده اسحق هرند - صفویه - هرند
مسجد جامع میمه - زندیه - میمه
بقعه سلطان عطابخش - (آل‌بویه صفویه قاجاریه)-کاشان
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - کاشان
گنبد سید واقف و حصار خشتی - قرن ۹ ه-ق - نطنز
گنبد میر سید - قرن ۹ ه-ق - نطنز
امامزاده حسن‌بن‌امام‌موسی‌الکاظم-قرن ۷و۸-کاشان
مسجد تبریزیها - قاجاریه - کاشان
حمام خسروآقا - صفویه - اصفهان
خانه مارتا پیترز - صفویه - اصفهان
خانه حاج مصور الملکی - صفویه - اصفهان
خانه اخوان حقیقی - صفویه - اصفهان
خانه کاظم اخوان خرازی - صفویه - اصفهان
خانه سوکیاسیان - صفویه - اصفهان
خانه پیرنیا (موزه مردم‌شناسی کویر) - صفویه - اصفهان
خانه جمال قدسیه - صفویه - اصفهان
خانه شیخ الاسلام و شرکاء - صفویه - اصفهان
خانه رسول بقایی - صفویه - اصفهان
خانه محمد تقی لواف - قاجاریه - اصفهان
خانه بزرگزاد - صفویه - اصفهان
خانه محمد باقر نیلفروشان - قاجاریه - اصفهان
خانه حاج عبدالرسول روحانی - صفویه - اصفهان
شربت خانه و سردر خانقاه - قره ۹ ه-ق - نطنز
تیمچه امین الدوله - قاجاریه - کاشان
خانه بروجردیها- کاشان
عصارخانه شاه - صفویه - اصفهان
روستای ابیانه - کاشان
بقعه ابولولو - مغول - کاشان
کاروانسرای گبرآباد قمصر - صفویه - کاشان
خانه هریتاش(مرحوم مجردیان)-اواخرصفویه -اصفهان
خانه بهروز - صفویه - اصفهان
خانه حاج حسن صراف - اواخر صفویه - اصفهان
خانه حاج حسین کامیابی - اوخر صفویه - اصفهان
خانه سید جواد نائل - اواخر صفویه - اصفهان
خانه روغنی - اوائل صفویه - اصفهان
منزل عنایتی - اوائل صفویه - اصفهان
خانه لوافی نژاد - صفویه - اصفهان
خانه حاج حسن - اواخر صفویه - اصفهان
خانه مرتضی عاصمی - سلجوقی - اصفهان
حمام شاهزاده - اواخر صفویه - اصفهان
مقبره باباپیر - قرن ۶و۷ ه-ق - خوانسار
مسجد جامع خوانسار - قرن ۱۲ - خوانسار
خانه حاج محمد حسین بازاردوز - قاجاریه - اصفهان
خانه شاطر اسماعیل شماعیان - قاجاریه - اصفهان
خانه مرحوم فانی - قاجاریه - اصفهان
خانه رضا نبوی نژاد - قاجاریه - اصفهان
خانه حسین صیرفی - قاجاریه - اصفهان
خانه تقی بازاردوز - قاجاریه - اصفهان
خانه غلامرضا خان مظاهری - قرن ۱۲ ه-ق - اصفهان
خانه رجالی - قاجاریه - اصفهان
خانه آرومارتروسیان - قاجاریه - اصفهان
خانه حاج میرزا عبدالعلیخان ساوجی - قاجاریه - اصفهان
خانه حاج محمد جواد زرگر - قاجاریه - اصفهان

فهرست آثار تاریخی استان اصفهان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۱۴۸۶ واحد ثبت شده می‌باشد.
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

آران و بیدگل ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان و مرکز شهر آران و بیدگل و دارای ۱ دهستان (سفید دشت) است.

آران و بیدگل (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به حومه قم و دریاچه نمک و از خاور، جنوب و باختر به حومه کاشان محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان، شهر آران و بیدگل، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ کویرات و دارای ۴ شهر ۱ـ آران و بیدگل ۲ـ نوش‌آباد ۳ـ ابوزیدآباد ۴ـ سفیدشهر و دارای ۳ دهستان است (۱ـ سفید دشت، ۲ـ کویر، ۳ـ کویرات).

بخش آران در منطقه کویری و در جنوب باختری دشت کویر قرار گرفته، قسمتی از دریاچه شمال بخش آران را در برگرفته و رود و کوه قابل توجهی در این بخش وجود ندارد.

کان‌ها: ۱ـ از نمک حاصل از آب شور بهره‌برداری می‌شود.

آب و هوا: معتدل و خشک

نژاد و زبان: آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش ویژه‌ای به نام رایجی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز، تاغ، ون، زبان گنجشک - گیاهان دارویی: گل ختمی، خاکشی، پوشش گیاهی چندانی برای چرای دام ندارد.

جانوران و پرندگان: آهوی جی بر، بز کوهی، گرگ، روباه، شغال و کبک

اقتصاد: بر قالی‌بافی، مرغداری و کشاورزی استوار است.

دامداری به واسطه کویری بودن منطقه و وزش بادهای محلی تقریباً ناممکن است. اما مرغداری دارای اهمیت می‌باشد که به شیوه سنتی و صنعتی هر دو صورت می‌گیرد. کشاورزی به واسطه کمبود آب‌های سطح الارضی و کمبود باران جز از راه کاریز تقریباً ناممکن و تولیدات آن پنبه، تنباکو، تره‌بار و گندم و جو می‌باشد.

آران آن را آران ابن قاسان بنا کرده است. ابن مقفع گوید که هر دو قاسان را به دو قاسان پسران خراسان نام کرده‌اند چنین گویند که قاسان اکبر ابن الضحاک است او را بیوراسف می‌خواندند و قاسان اصغر پسر آفریدون است و قول او نزدیک ایشان درست و روشن‌تر است و گویند که قاسان را نام نهاده‌اند به رودخانه‌ای که به زبان عجم کاسه می‌گویند که قاسان دریا بوده است و آن را کاسن رود خوانده‌اند. - تاریخ قم

... بیدگل از جمله چهل حصاران بوده و بنیاد آبادانی او را بی‌بی‌گل نامی از دختران اوکتاقاآن ابن چنگیز خان نهاده است... تاریخ کاشان

آران و بیدگل: از جاهای دیدنی و جالب استان اصفهان می‌باشد که زندگی مردم بیشتر از راه کشاورزی فراهم می‌شود از این گذشته دارای آثار تاریخی متعددی است: ۱ـ مسجد جامع قاضی آران دارای دو طبقه، ۲ـ امامزاده هلال ابن علی، ۳ـ بقعه‌ی شاهزاده هادی، ۴ـ مساجدی چند از جمله مسجد جامع نقشینه، ۲ـ مسجد میدان، ۳ـ آرامگاه صباحی بیدگلی شاعر، ۵ـ بقعه امامزاده هلال ابن علی.

آشیان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکزش آشیان است و مرکز شهری آن چمگردان می‌باشد.

ابریشم: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکزش حسن آباد است و مرکز شهری آن ابریشم است.

ابیانه: ابیانه روستائی از دهستان بزرود بخش حومه، شهرستان نطنز استان اصفهان در ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و در ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۲۲۲۰ متری از سطح دریا، دره‌ای معتدل خشک در ۴۰ کیلومتری شمال باختری نطنز و در ۲۰کیلومتری باختر جاده نطنز - کاشان قرار دارد. رود بزرود از جنوب ابیانه می‌گذرد.

اردستان: این شهر در °۳۳ و '۲۲ عرض °۵۲ و '۲۲ طول جغرافیایی در ارتفاع ۱۲۰۷ متری از سطح دریا قرار گرفته است. (فرهنگ جغرافیایی، ۸/۱۰). اردستان یکی از کهن‌ترین شهرهای میانی ایران است که تا امروز جایگاه خود را در میان دیگر نقاط زیستی کشور حفظ کرده است.

اردستان: از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به شهرستان‌های سمنان، گرمسار، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان نائین، از جنوب وجنوب باختری به شهرستان اصفهان و از باختر به شهرستان‌های کاشان و نطنز محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر اردستان دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ زواره است. از سال ۱۳۲۷ اردستان به صورت شهرستان در آمد.

اردستان بر سر راه تهران به ۴ استان یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان و استان‌های ساحلی است. از این گذشته به جاده اسفالته به اصفهان مرتبط است.

شمال شهرستان اردستان هموار و به کویر نمک پیوسته است، بخش جنوبیش کوهستانی، شمال آن آب و هوای گرم و خشک و جنوبش معتدل و در مجموع آب و هوای آن گرم و خشک است.

رودها: در این شهرستان دو رود در شرق و غرب است که در برخی از سال‌ها روان می‌شود، از این رو تنها منبع آب این شهرستان کاریزهای متعددی است که از دامنه کوهستان‌های جنوبی سرچشمه می‌گیرد.

کوه‌ها: در مناطق شمالی و جنوبی اردستان را دو رشته کوه در بر گرفته، رشته شمالی کم ارتفاع و بلندترین قله‌اش (۱۸۶۱ متر) و رشته جنوبی بلندتر و بلندترین قله کوه دوروچین (۳۰۰۲ متر) - کوه دیاز (۲۹۴۵ متر) در جنوب خاوری و کوه کرکس. کوه‌های غیرمنتظمی از رشته کوه‌های کرکس از جنوب شهرستان می‌گذرد.

کان‌ها: ۱ـ معدن منگنز ۲ـ معدن مس ۳ـ معدن نمک

آب و هوا: معتدل و خشک - قسمت شمال اردستان را گرمسیر و قسمت جنوب آن را سردسیر گویند. در قسمت شمالی هوا گرم و خشک، اما در جنوب سردسیر و کوهستانی است. کوه کرکس کاشان در جنوب اردستان قرار دارد و به وسیله همین رشته‌کوه‌ها از حوضه زاینده‌رود در مغرب و کویر بزرگ در مشرق جدا می‌شود.

برخی اردستان را از لحاظ آب و هوا به سه منطقه تقسیم کرده‌اند: آن جا که هوای بسیار گرم دارد از قبیل قصبه زاوه و تمام گرمسیر ۲ـ منطقه معتدل دیه‌های علیا و برازوند ۳ـ منطقه بسیار سرد روستاها و مزرعه‌های برازوند.

آبیاری به روش کرتی انجام می‌گیرد و روش‌های جدید که به شیوه بارانی یا قطره‌ای چندان معمول نشده از قنات و چاه برای آبیاری بهره‌برداری می‌شود.

اقتصاد: کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی از منابع

درآمد اهالی و فرآورده‌های آن قالی، جاجیم، گلیم، شال، کلاه و دستکش، انجیر، انگور، سیب، هلو، بادام، پسته، گردو، صیفی‌جات، انار، پنبه، ذرت، سبزیجات، و چغندر قند است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادام کوهی، گز - گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، روناس و در شمال نمکزار و شنزار، بارش کم با تبخیر زیاد پوشش گیاهی ناچیز از نوع بیابانی دارد. و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام به علت طبیعت خشک خاک سنگلاخی خیلی کم است.

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، قوچ و میش کوهی، آهو، کبک با قرقره و تیهو

تاریخ اردستان: از دوره اشکانی قنات خسروشاه مربوط به خسرو اشکانی (اشک ۳۳) که در ۱۰۷ میلادی شاهی یافت، باقی است. انوشیروان ساسانی بنا به روایات در اردستان از زنی که از دهقان‌زادگان در این سامان به دنیا آمد.

در دوره اسلامی در اردستان با رواج دین اسلام علاوه بر ایجاد چند مسجد، آتشکده‌ها و کلیسا تبدیل به مسجد و در قرن سوم نخستین مسجد جامع اردستان و مسجد جامع زاوه ساخته شد.

در دوره مغولان اردستان آسیب فراوان دید و در عصر تیموریان، تیمور لنگ عده‌ای از قبایل عرب را در این سامان ساکن گردانید. در دوره صفویه عده‌ای از سنی مذهبان به مذهب تشیع در آمدند. از جمله افغان‌ها که به اردستان تاختند به واسطه‌ی پایداری مردم اردستان گفته شده که سبب دیوانه شدن اشرف افغان شد. با این حال اردستان از قرن ۱۴ رفته رفته رو به ترقی نهاد.

اردستان ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن شهر اردستان و دارای ۵ دهستان: ۱ـ برزاوند، ۲ـ هرات، ۳ـ علیا، ۴ـ کچو، ۵ـ گرمسیر است.

اسفرجان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکز آن اسفرجان می‌باشد.

اشترجان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکزش اشترجان است.

اشن: از دهستان‌های بخش مهردشت شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکزش اشن است و مرکز شهری آن دهق می‌باشد.

اصفهان: استان با مساحت ۱۰۷،۰۲۷ کیلومتر مربع از شمال به استان‌های سمنان و قم، از شمال غربی به استان مرکزی، از مغرب به استان لرستان، از جنوب غربی به استان چهار محال بختیاری، از جنوب به استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و فارس، و از مشرق به استان‌های یزد و خراسان محدود می‌شود.

از ارتفاعات استان اصفهان می‌توان، کوه‌های چهار گنبد (۲۴۷۵ متر)، کفتار (۲۳۹۵ متر)، مارشنان (۳۳۳۰ متر)، دره بید (۳۶۳۱ متر)، میل (۳۰۳۵ متر)، دالان (۳۹۱۵ متر) و کوه کرکس (۳۵۸۸ متر) را نام برد.

زاینده رود معروف‌ترین رود این استان است که از زرد کوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد و به باتلاق گاو خونی می‌ریزد و علاوه بر زاینده رود، رودهای مرغاب (سرچشمه: کوه‌های داران)، گندمان، شرر و انار بار (یا گلپایگان) در این استان جاری است.

آب و هوای اصفهان به مناسبت رودها و کوه‌های

فراوان آن معتدل و اختلاف فصول آن کم می‌باشد. استان اصفهان دارای صنایع بزرگ غذائی، نساجی و چرم، شیمیائی و نفت، فلزی، معدنی، برق و الکترونیک، چوب و کاغذ است.

در سطح استان ۹۰۷ کیلومتر خطوط راه آهن کشیده شده که ۶۶۶ کیلومتر آن اصلی و ۲۴۱ کیلومتر آن فرعی است. شهر اصفهان در مرکز استان و در منطقه‌ی جلگه‌ای حاشیه‌ی زاینده رود واقع شده است. باغ‌های اصفهان از گذشته‌های دور شهره‌ی آفاق بوده است و از همین رو اصفهان را «باغشهر» نیز گفته‌اند. این شهر باتاریخ بسیار کهن و آثار باستانی بی شمار از شهرهای نمونه‌ی جهان است که بنا به گفته «آندره مالرو» نویسنده و پژوهشگر فرانسوی، تنها دو شهر فلورانس و پکن در دنیا با آن قابل مقایسه هستند. کمیت و کیفیت آثار تاریخی اصفهان چنان است که می‌توان گفت بیشترین آثار بزرگ و شاهکارهای هنر معماری ایران پس از اسلام در اصفهان قرار دارد.

در آثار تاریخی اصفهان می‌توان انواع و اقسام گنبد سازی، کاشیکاری، گچبری، مقرنس کاری، منبتکاری و خوشنویسی را در عالی‌ترین شکل ممکن آن مشاهده کرد.

اصفهان از دیر باز مهد هنرهای زیبا بوده و همواره به عنوان مهد هنر اصیل اسلامی در سراسر دنیا شناخته شده است. تزئینات آجری و کاشی کاری و گچبری و انواع خطوط و آثار تاریخی اصفهان معرف بهترین آثار هنری و به یادماندنی از ادوار گذشته‌ی اصفهان است. انواع زری و قلمکار و ترمه و ظروف قلمزده و قرآن‌ها و کتاب هائی که بیشتر در عهد صفویه تذهیب و نقاشی و تجلید شده است، نشان دهنده‌ی اشاعه و رواج هنرهای تزئینی در اصفهان است. اصفهان امروز در صنایع خاتمکاری، کاشیکاری، قلمزنی، میناتور سازی، میناکاری، زرگری طلا و نقره و قلمکاری و انواع هنر بافندگی، مخصوصاً قالی و قالیچه، نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا از شهرت فراوان و بسزائی برخوردار است.

طرح جامع بافت‌های تاریخی اصفهان تدوین می‌شود: ۱۶ هزار اثر تاریخی شناسایی شده در استان اصفهان اشاره کرد و گفت: از این میان ۱۳۰۰ اثر به ثبت رسیده، بیش از نیمی در شهر اصفهان و باقی در شهرهای دیگر استان قرار دارند و تلاش ما بر این است که حریم بناهای ثبت شده را براساس اولویت تعیین کنیم، برای نمونه در سال ۱۳۸۵، توانستیم به تعیین حریم ۷۰ اثر بپردازیم.

اصفهان ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان اصفهان، استان اصفهان و مرکز آن شهر اصفهان و دارای ۷ دهستان: ۱ـ براآن جنوبی، ۲ـ براآن شمالی، ۳ـ جی، ۴ـ قهاب شمالی، ۵ـ قهاب جنوبی، ۶ـ محمود آباد، ۷ـ کرارج است.

اصفهان (شهرستان): از شهرستان‌های مهم اصفهان است که از شمال به شهرستان‌های اردستان، نطنز، کاشان و محلات، از شمال خاوری به شهرستان نائین، از خاور به شهرستان‌های اردکان و یزد، از جنوب به شهرستان آباده، از جنوب باختری به شهرستان شهرضا، از باختر به شهرستان‌های نجف‌آباد و لنجان و از شمال باختری به شهرستان گلپایگان محدود است. شهر اصفهان تا تهران ۴۳۹ کیلومتر جاده اسفالته خوب و راه‌آهن و فرودگاه دارد.

رودها: ۱ـ زاینده رود از زردکوه بختیاری (کوهرنگ) در ۹۵ کیلومتری شهر کرد سرچشمه گرفته پس از پیوستن شاخابه‌هایی به آن و آبیاری

زمین‌های مسیر خود وارد شهر اصفهان می‌گردد و از سمت باختر به سوی جنوب خاوری همه زمین‌های مرکزی اصفهان را آبیاری کرده پس از پیمودن ۳۰۰کیلومتربه مرداب‌گاوخونی می‌ریزد. رود زاینده‌رود در اصفهان به ۳۳ سهم تقسیم شده و در سال‌های خشکسالی آب زاینده‌رود به همه کشتزارها نمی‌رسید از این رو از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ هش تونلی به طول ۲۸۲۳ متر درکوهرنگ کندند و مقداری آب از سرچشمه کارون به زاینده‌رود افزودند.

کوه‌ها: اصفهان در جلگه‌ای پهناور قرارگرفته که به وسیله رشته کوه‌های زاگرس در باختر و کوه مارشنان و شیرکوه در خاور در میان‌گرفته شده‌کوه نیمه ور در بخش میمه (۲۵۵۵ متر) کوه محمودآباد در برخوار (۲۴۷۳ متر) و شاه کوه در بخش مرکزی (۲۴۰۰ متر) کوه مارشنان در کوهپایه (۳۳۲۰ متر) بلندی دارد.

کان‌ها: تعداد معادن اصفهان را چهل و چهار دانسته‌اند از جمله ۱ـ معدن شن و ماسه ۲ـ معادن سرب و روی ۳ـ معادن سنگ آهک ۴ـ معدن گچ

آب و هوا: شهرستان اصفهان در دشتی با زمین‌های رسی قرار گرفته، آب و هوایش نیمه‌بیابانی و معتدل خشک و دارای چهار فصل محسوس و مشخص می‌باشد. شمال اصفهان تا ۹۰ کیلومتری باز و محل وزش بادهای خشک شمالی است. اما جنوبش از ۳ کیلومتری بسته می‌شود و جنوب غربی این شهر کوهستانی و شمال و مشرقش دشت می‌باشد.

در تابستان‌ها جهت وزش باد با جهت شرقی و آرام و حداکثر سرعت باد ۵۵ نات بر ساعت بوده. اصفهان در ۹ ماه از سال آفتابی و فصل بارندگی در زمستان و متوسط رطوبت سالانه ۵۲ درصد و میانگین ریزش باران حدود ۱۲۰ میلیمتر است. حداکثر درجه‌گرما ۴۱ درجه و حداقل ۱۶- درجه سانتیگراد می‌باشد ـ کتاب‌های درسی

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک، گز - گیاهان دارویی و صنعتی: کلپوره، بومادران، گل گاوزبان، خاکشی و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، آهو، کبک و تیهو

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، صنعت، دامپروری و پرورش طیور استوار است.

کشت بیشتر آبی است تا دیم در ۹۰ کیلومتری اصفهان باختر اصفهان سدی بسته‌اند تا کمبود آب‌ها را جبران کند.

تقسیمات کشوری: شهرستان اصفهان دارای ۱۳ شهر می‌باشد ۱ـ اصفهان ۲ـ خوراسکان ۳ـ رهان ۴ـ ورزنه ۵ـ هرند ۶ـ سگزی ۷ـ تودشک ۸ـ اژیه ۹ـ کوهپایه ۱۰ـ نیک‌آباد (۱) ۱۱ـ محمدآباد ۱۲ـ نصرآباد

استان اصفهان دارای ۱۹ دهستان: ۱ـ برآن جنوبی به مرکزیت زیاد ۲ـ برآن شمالی به مرکزیت دستجاه ۳ـ جی به مرکزیت ارغوانیه ۴ـ قهاب جنوبی به مرکزیت گورت ۵ـ قهاب شمالی به مرکزیت قهاورستان ۶ـ کرارج به مرکزیت دشتی ۷ـ محمودآباد به مرکزیت محمودآباد ۸ـ رودشت شرقی به مرکزیت کفران ۹ـ گاوخونی به مرکزیت قورتان ۱۰ـ امامزاده عبدالعزیز به مرکزیت امامزاده عبدالعزیز ۱۱ـ رودشت به مرکزیت اژیه ۱۲ـ جرقویه سفلی به مرکزیت محمد آباد ۱۳ـ جرقویه وسطی به مرکزیت نیک‌آباد ۱۴ـ جرقویه علیا به

مرکزیت حسن‌آباد ۱۵ـ رامشه به مرکزیت رامشه ۱۶ـ تودشک به مرکزیت تودشک ۱۷ـ جبل به مرکزیت جزه ۱۸ـ زفره به مرکزیت زفره ۱۹ـ سیستان به مرکزیت سگزی

فرآورده‌های مهم کشاورزی: تره‌بار، گندم، جو، انگور، انواع میوه درختی، پنبه و دانه‌های روغنی، چغندرقند، سیب زمینی، بنشن، برنج، ارزن، ذرت، گیاهان علوفه‌ای، توتون و تنباکو و صیفی‌جات و سبزیجات

صنایع دستی: برنج‌سازی، ورشوسازی، سماورسازی، زرگری، مسگری و قلمزنی، چاقوسازی، نقره‌کاری، خاتم‌کاری، میناکاری، گیوه‌دوزی، قالی، گلیم، جاجیم‌بافی، پارچه‌هایی چون ترمه، شال و برک، ملیله‌دوزی، گلدوزی، قلابدوزی، زری‌دوزی و قلمکاری روی پارچه مخمل و ماهوت

صنایع ماشینی: ذوب آهن، ساخت ماشین‌های نساجی، دیگ زودپز، قاشق و چنگال، ریسندگی و بافندگی، پروفیل در و پنجره آهنی، نایلون پلی‌استر، لوله پلاستیکی، کیسه پلاستیکی، کفش پلاستیکی، کفش‌های چرمی، چیت‌سازی، تریکوبافی، گز، کمپوت، مربا، کنسرو و انواع و اقسام صنایع ماشینی.

دامپروری و دامداری: پرورش گاو و گوسفند در مناطق کوهستانی به شیوه سنتی و پرورش گاو به شیوه صنعتی، مرغداری نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. پرورش زنبور عسل در سطح استان بس پر اهمیت است به طوری که بیش از ۸۰۰۰۰ کندوی عسل وجود دارد.

بالاترین رقم کالاهای صادراتی اصفهان: تولیدات نساجی، اشیاء و لوازم مسی، نقره‌ای، فلزی و چوبی، پوست، چرم، قالی و فرش ماشینی، فولاد و فرآورده‌های کشاورزی و باغداری و عسل....

بلندی شهرستان اصفهان از سطح دریا ۱۵۹۰ متر است و بخش دشتی آن، از آبرفت رود زاینده رود پدید آمده، و در پای دامنه‌های شرقی بلندی‌های زاگرس قرار گرفته است، از سوی جنوب غربی فاصله چندانی با دامنه کوه‌های زاگرس ندارد، ولی از سوی شمال شرقی در فاصله دورتری از کوه‌های مرکزی قرار گرفته است.

بخش کوهستانی آن، در مغرب و مشرق گسترده است کوه‌های باختریش، بلندی‌های محمودآباد و سیدمحمدکوه آتشگاه، کوه دُمیه و کوه سفید است. بخش شرقیش دامنه کوه‌های قهرود و کرکس سر برافراشته است.

میدان نقش جهان: میدان نقش جهان یکی از زیباترین میدان‌های جهان است که به شکل مربع مستطیل به طول چهارصد و چهل قدم و عرض صد و شصت قدم می‌باشد. اطراف میدان دویست اتاق که همه به یک اندازه و به یک سبک و دو طبقه هستند، ساخته شده است. مادام دیالافوآ درباره‌ی میدان نقش جهان می‌نویسد: این میدان وسیع که در سال ۱۵۸۰ میلادی ترسیم یافته به شکل مربع مستطیل است و تقریباً مساحت آن ده هکتار می‌شود و از بازارهای مجلل و باشکوهی احاطه شده است. مخصوصاً بازار خیّاطان آراسته‌ترین بازارهای ایران است. وسعت زیاد میدان و قرینه بودن ساختمان‌ها بی اندازه جالب توجه و قابل ملاحظه است. این امتیازات و خصایص که نتیجه‌ی ذوق و سلیقه‌ی معماران ایرانی می‌باشد نه تنها این میدان را بر تمام عمارات شرقی جهانگردانی که از قرن هجدهم به بعد به ایران آمده‌اند و این ابینه را دیده‌اند همه

متفق القول هستند که در هیچ یک از شهرهای مهم اروپا، مجموعه ساختمانی نیست که قابل مقایسه با این میدان در اصفهان باشد. در ضلع غربی، عالی قاپو برجستگی خاص دارد و در ضلع شرقی که در مقابل آن قرار دارد مسجد شیخ لطف الله با کاشی‌های باشکوه و درخشان، نگاه را به خود جلب می‌کند. ؟؟ مسجد (امام) وسط عرض جنوبی میدان را اشغال کرده، این عمارتی است رفیع و واقعاً مجلل که زیبائی طاق‌های قوس دار آن غیر قابل تقلید است. طرف شمال مدخل بازار بزرگ قیصریه که از نظر زیبائی دست کمی از مسجد (امام) ندارد روبه روی آن قرار گرفته است. در دالان‌های بی شمار این بازار، پارچه‌های پشمی، زری، منسوجات پنبه‌ای و ابریشمین و انواع و اقسام اجناس خارجی دیگر برای فروش در معرض نمایش قرار گرفته است. دهنه‌ی این بازار از نظر ساختمانی با ضرابخانه‌ای که ضمناً در ان زرگری هم می‌کنند مربوط است. این بازار بزرگ، برای اظهار نظر درباره‌ی رفاه اجتماعی و توسعه‌ی داد و ستد در هر ناحیه، خود معیار خوبی است. آن قسمت از میدان که به طرف مدخل بازار است در اختیار عموم قرار دارد. در این جا خرده فروشان، سمسارها، آب نبات فروش‌ها، پاره دوزها و اسلحه سازها به خصوص مسگرها و قلع کارها جمع شده‌اند. این میدان در اعیاد و روزهای رسمی مانند روز پذیرائی سفراء خالی و قرق می‌باشد ولی در سایر مواقع بساط اندازان و دست فروشان و پیشه وران مختلف و حتی خوراک فروشان در آن به خرید و فروش اشتغال دارند. کسبه و پیشه وران مزبور کالای خود را روی یک حصیر یا قالی می‌گسترانند. آن‌ها این کالاها را هیچ وقت از میدان خارج نمی‌کنند، شب هنگام آن‌ها را در صندوق‌هایی جا داده و به یکدیگر بسته یا آن که دور تا دور آن‌ها را زنجیر کشیده با طناب کلفتی محکم می‌بندند بدون آن که مستحفظی بر آن بگمارند. معذالک هیچ وقت حادثه‌ای رخ نمی‌دهد چه در ایران، کیفر سختی برای دزدان معمول است. هر نوع جنس و یا مصنوع و یا خوار بار محل مخصوصی دارد که مردم به هنگام حاجت می‌دانند به چه قسمت مراجعه کنند. ـ مجله‌ی سپهر ـ فاطمه دهقان‌نژاد

کاخ چهلستون: کاخ چهلستون درزمان شاه عباس اول و دوم (۱۰۵۷ هجری) ساخته شده، این بنا دارای ایوانی رفیع با ۱۸ ستون و تالار آیینه و اطاقهایی در شمال و جنوب ساختمان می‌باشد، در کلیه بنا تزیینات فراوان اعم از آیینه‌کاری و گچبری و نقاشیهای عالی دیده می‌شود. تالار بزرگ آن که دارای سقف طلاکاری است به محل موزه سپاهان اختصاص دارد.

تزیینات آینه‌کاری و ایوان بزرگ آن که دارای ۱۸ ستون می‌باشد از بناهای شاه‌عباس دوم صفوی است، در دوران صفوی ایوان و روی ستونها آیینه‌کاری بوده است، و همچنین درهای عالی منبت و خاتم آن شهرت داشته، سقف ایوان چوبی و دارای نقاشی‌های زیبا می‌باشد، در وسط ایوان حوضی می‌باشد. این کاخ در وسط باغ مصفایی واقع شده و در مقابل آن استخر بزرگی نمایان است.

در تالار بزرگ گذشته از شیوه و اسلوب ساختمان طاق‌های رفیع و نقش و نگار زرین آن شش مجلس نقاشی دارد که چهار مجلس آن به شرح زیر متعلق به دوره صفوی است:

۱ ـ مجلس پذیرایی شاه‌عباس اول از ولی محمدخان پادشاه ترکستان. ۲ ـ مجلس بزم شاه

طهماسب اول از همایون پادشاه هندوستان. ۳ ـ جنگ شاه عباس با ازبکها. ۴ ـ مجلس پذیرایی شاه عباس دوم از پادشاه ترکستان.

دو مجلس دیگر بعد از صفویه به تالار الحاق شده و بدینقرار است:

۱ ـ منظره جنگ شاه اسمعیل اول با قشون عثمانی در محل چالدران.

۲ ـ منظره جنگ نادرشاه افشار با هندوان در کرنال.

در این تالار نقاشی‌های دیگری از زمان قاجاریه موجود می‌باشد،گذشته از مجالس نقاشی تالار در دو ایوان بنا تصاویر چندی از خارجیان باقیمانده در سایر اطاقهای اطراف ایوان مجالس نقاشی و نقش و نگارهای بدیع از دوران صفوی و زمان شاه عباس اول باقی است که از نظر دقت و ظرافت کار بسیار ارزنده و گرانبها است، طبق کتیبه منظوم تاریخی ایوان این بنا قسمت اعظم این کاخ که محل پذیرایی شاهان صفوی از پادشاهان و سفراء دول خارجی بوده است، در زمان شاه عباس دوم و به سال ۱۰۵۷ هجری ساخته شد.

کلیسای وانک: ارامنه بعد از کوچ بزرگ یعنی در سال ۱۶۰۵ به دستور شاه عباس دوم به اصفهان آورده شدند. آن‌ها از بدو ورود شروع به ساختن محل زندگی کردند و در وحله‌ی اول کلیساها را بنا کردند.

ارامنه مردمانی بودند که مذهب برایشان اهمیت بسیاری داشت، پس این باعث می‌شد که محلی برای دعا و راز و نیاز با خدای خود داشته باشند و اولین کلیسا وانک بود.

وانک اولین بار در سال ۱۶۰۴ ساخته شد که البته این بنا خیلی کوچکتر از بنای فعلی و با وسعت کم ساخته شد.

۵۰ سال بعد از ساخت اولیه به خواست و تشویق خلیفه‌ی وقت (خلیفه‌ی شخصی است روحانی که ازدواج نمی‌کند و امور ارامنه در دست اوست این شخص از ارمنستان و یا لبنان که رئوس مذهبی ارامنه هستند فرستاده می‌شود) داویر اول این مکان ویران شده و جای آن بنائی با طرحی شکوهمند و عظیم ساخته می‌شود. سماخت این مکان ۹ سال به طول می‌انجامد و در سال ۱۶۶۴ در زمان سلطنت شاه عباس دوم به اتمام می‌رسد. این مکان را برای تعلیم راهبان و اسکان خلیفه بنا می‌کنند این کلیسا و یا دیر آمناپرگیچ (ناجی همگان) در جنوب اصفهان در محله‌ی جلفا یعنی در میدان بزرگ این محله واقع است، بنای عظیم و برج ساعت آن از فاصله‌ی دور مشخص است. با دیدن این بنا با ذوق و سلیقه‌ی مردمان این منطقه بیشتر آشنا می‌شویم مردمانی که خاک خود را رها کرده و به سرزمین غریب آورده شدند و اثری چنین زیبا خلق کرده‌اند.

این بنا دو در ورودی دارد که در اصلی دری چوبی و بزرگ است که مردم از آن رفت و آمد می‌کنند. سر در این ورودی منظره‌ای از داخل دیر با کاشی لاجوردی و خاکستری مزین شده بالای تصویر به خط ارمنی این چنین نوشته شده است. (دیر ناجی همگان، محلی برای راهبان) بعد از ورود دالانی قرار دارد که در دو طرف دالان دو اتاق وجود دارد که قبلاً در آن اتاق‌ها به امور مربوط بـه ارامنه رسیدگی می‌کردند ولی در حال حاضر از یکی به عنوان مغازه‌ای کوچک و از دیگری به عنوان اتاق نگهبانی استفاده می‌شود. دالان ما را بـه سمت پلکان ورودی راهنمائی می‌کند. در سمت راست پلکان برج ناقوس واقع است. در زیر این برج دو قبر وجود دارد. این قبرها متعلق به سربازی ارمنی

و دیگری متعلق به پیشوای ارمنی است این برج ۳۸ سال بعد از بنای اصلی دیر ساخته می‌شود. هزینه‌ی آن تاجری ارمنی به اسم هوانجان جمالیان متقبل می‌شود. در سمت راست این بنا (برج ناقوس) کتیبه‌ای بزرگ به رنگ آبی مشخص است و دور آن را سنگ‌های صلیبی احاطه کرده‌اند این سنگ‌های صلیبی به زبان ارمنی خاچ کارم نام دارند (یعنی همان سنگ صلیبی) این سنگ‌ها یا خاچ کارها از کلیساهای ویران شده‌ی جلفا به این مکان آورده شده و در این دیوار نصب شده‌اند. در قسمت سمت چپ برج ناقوس بنای یابودی چشم بیننده را به طرف خود جلب می‌کند. این بنای یادبود، یادبودی از قتل عام ارامنه است که در سال ۱۹۱۵ به دست ترکان عثمانی صورت گرفته هر ساله در این مکان در روز بیست و سه آوریل مراسمی برگزار می‌شود که مردم (ارامنه) جمع شده و شمع روشن می‌کنند و یاد شهدای ارمنی را گرامی می‌دارند.

موزه: بعد از کتابخانه موزه‌ی این کلیسا قرار دارد. این موزه در سال ۱۸۷۱ ساخته شد. این مکان محل نگهداری اجناس گرانقیمت و نایابی است که در دنیا نظیر آن‌ها وجود ندارد. باید گفت که بیشتر این اموال گرانقیمت و نایاب به وسیله‌ی مردم هدیه شده‌اند که اهدای این اموال بیشتر برای آن بوده که جایگاه مناسبی برای یادگارهای گذشتگان وجود داشته باشد تا آیندگان بدانند پدرانشان که بوده‌اند و چه کرده‌اند.

در این مکان از انجیل‌های زیبائی نگهداری می‌شوند که یکی از آن انجیل‌ها کوچک‌ترین انجیل دنیا است که با هفت زبان نوشته شده و هفت گرم وزن دارد.

معادن: عبارت است از معدن سنگ ساختمانی، سرب، روی، منگنز، نمک.

امامزاده: از بخش‌های شهرستان نطنز و مرکز آن شهر بادرود و دارای دو دهستان: ۱ـ امامزاده آقا علی عبا، ۲ـ خالد آباد است.

امامزاده آقا علی عباس: از دهستان‌های امام زاده شهرستان نطنز استان اصفهان و مرکز آن اریسمان است.

امامزاده عبدالعزیز: از دهستان‌های بخش جلگه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن امامزاده عبدالعزیز است.

انارک (بخش): از بخش‌های شهرستان نائین اصفهان استان اصفهان است که از شمال به شهرستان‌های سمنان و دامغان، از خاور به خور و بیابانک (از بخش‌های نایین) از جنوب به خرانق (از بخش‌های اردکان)، از جنوب باختری به حومه نایین و از باختر به شهرستان اردستان محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر انارک دارای یک دهستان به نام چوپانان است که مرکز آن چوپانان می‌باشد.

انارک چون در منطقه نیمه کویری قرار گرفته رود و چشمه ندارد و تنها کوه آن دره انجیر است که ۲۴۳۸ متر بلندی دارد.

کان‌ها: الف) معادن مس در ۳۰ کیلومتری انارک ۲ـ معدن در ۲۵ کیلومتری شمال باختری انارک. ب) معادن سرب ۱ـ سه معدن سرب در ناحیه کوهستانی شاه کوه میان شاه کوه و کوه میرزا ۲ـ معدن سرب چاه خربزه در ۳۰ کیلومتری شمال خاور انارک ۳ـ معدن سرب در ۵۵ کیلومتری شمال خاوری انارک قرار دارد.

ج) معدن آهن ۱ـ معدن خالو حیدر در ۱۵ کیلومتری شمال انارک ۲ـ معدن بته علم در ۳۰

کیلومتری شمال انارک قرار دارد.
د) معدن منگنز در دامنه باختری کوه بابا خالد.
آب و هوا: معتدل متمایل به گرم و خشک.
نژاد و زبان: آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های محلی گوناگون سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گز، تاغ - گیاهان دارویی: آویشن، شاه تره، پوشش گیاهی برای چرای دام نیز اندک، آن هم در بعضی از فصل‌ها.
جانوران: روباه، شغال، گرگ، خرگوش.
وضع اقتصادی: کشاورزی و دامداری چندان قابل توجهی ندارد عده‌ای از کارگران محلی و مهاجر در استخراج معادن سرگرمند. گندم و انار، پسته و قالی و قالیچه از منابع درآمد مردم انارک است.
انارک، یاقوت کویر: انارک یکی از بخش های شهرستان نائین است که در شرق استان یزد واقع شده است .احتمالاً این شهر در زمان ساسانیان، واحه‌ای بر سر راه معدن نقره نخلک بوده است. دردوره‌های پس از آن، یعنی در زمانی که دیگر معدن نخلک به معادن متروک بدل گشته بود، انارک یک شهر ارتباطی بین جنوب و مرکز به شمال ایران محسوب میگردید، خط سیری که از نائین شروع وبه انارک، خور، طبس وسپس مشهد منتهی می‌شود بنای اولین خشت انارک را به اعتبار سخنی منقول، به زمان شاه عباس منسوب می‌دارند. تنها سند معتبر راجع به ساخت و سازهای انارک، نامهٔ میرزا تقی خان امیر کبیر مبنی بر پرداخت وجهی برای ساخت قلعه‌ای به منظور تأمین امنیت محل از دست برد راهزنان خطاب به کد خدایان انارک می باشد. بقایای برج و بارو، در ودروازه، کوچه و پس کوچه های باریک و پر پیچ وخم این شهر نشان از اندیشهٔ امنیتی - دفاعی در ساخت بافت شهر دارد. این مجموعه شامل کاروانسرا، مسجد جامع، حمام، حسینیه و خانه‌های مسکونی است که هر یک با بهره‌گیری از معماری سنتی ساخته شده‌اند. کالبد قدیمی انارک، شامل هفت محله است که بر اساس وضعیت طبقاتی، موقعیت مکانی و کاربری محلات نام گذاری شده است و شامل محلات بیابانک، بیک علی، حصار، عرب ها، سراب، قافله گاه وجوباره می‌گردد. بادگیر های بلند وزیبا، صفه های دلنشین رسمی‌بندی‌ها و تزئین های آجر کاری، فضا های داخلی و خارجیِ بناها را مزین نموده‌اند .
بابا افضل: از دهستان‌های بخش بزرگ شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش مرق است.
باغ بهاران - باغ بادران: از بخش‌های شهرستان لنجان استان اصفهان مرکز این بخش شهر باغ بهاران و دارای سه دهستان ۱ـ چم‌رود ۲ـ زیرکوه ۳ـ چم‌کوه است.
در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، معتدل خشک، در ۲۶ کیلومتری مغرب زرین‌شهر و در ۳ کیلومتری شمال جاده اصفهان ـ شهر کرد قرار دارد.
زاینده‌رود از شمال مرکز این شهر می‌گذرد و کوه سرخ در شمال خاوری، کوه پیر شمع الدین در باختر و تپه‌ماهورهای سیاه فلک آباد در شمال آن قرار گرفته است.
اقتصاد: بر پایه نجاری، باغداری، کشاورزی، کارگری، دامداری و فرشبافی استوار است.
کشت: آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه لوله‌کشی و رود و کاریز فراهم گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، بنشن، به، سیب، گردو، انگور، گلابی، هلو، توت، گیلاس، آلبالو و زردآلو
پوشش گیاهی: گیاهان دارویی و گیاهان مرتعی
جانوران و پرندگان: پلنگ، گرگ، روباه، شغال،

خرگوش، کبک، تیهو
بافران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش بافران است.
براآن جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکزش زیار است.
براآن شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکزش دستجاه است.
برخوار شرقی: از دهستان‌های بخش برخوار شهرستان برخوارومیه استان اصفهان و مرکز آن کمشجه است.
برخوار غربی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان برخوارو میمه استان اصفهان و مرکز آن گرگاب است.
برخوار مرکزی: از دهستان‌های بخش برخوار شهرستان برخوارو میمه استان اصفهان و مرکز آن شاپور آباد است.
برخوارومیمه ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان اصفهان، استان اصفهان و مرکز آن شهر شاهین شهر و دارای دو دهستان: ۱ـ برخوار شرقی، ۲ـ برخوار مرکزی است.
بُرخوار و میمه (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به اصفهان و قسمتی از شهرستان نطنز، از خاور به کوهپایه، از جنوب به حومه اصفهان و بخش ماربین و از باختر به شهرستان‌های نجف‌آباد محدود است. برخوار در ابتدای اتوبان اصفهان - تهران قرار گرفته است.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر شاهین‌شهر و دارای ۳ بخش ۱ـ برخوار ۲ـ مرکزی ۳ـ میمه و ۷ شهر ۱ـ دولت آباد ۲ـ حبیب‌آباد ۳ـ دستگرد ۴ـ خورزق ۵ـ شاهین شهر ۶ـ گز ۷ـ کمشجه است و دارای ۶ دهستان ۱ـ برخوار غربی ۲ـ مورچه خورت ۳ـ برخوار شرقی ۴ـ برخوار مرکزی، ۵ـ زرگان، ۶ـ ونداده.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش اصفهانی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک، گز، گیاهان دارویی: شاه تره، خاکشی و پوشش گیاهی برای چرای دام فراوان است.
جانوران و پرندگان: شغال، روباه، گرگ، خرگوش، کبک و تیهو
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامداری، قالیبافی و کارگری در کارخانه‌ها استوار است. کشاورزی به واسطه کم بارانی، کشت آبی با آب کاریزها، چاه‌های عمیق آبیاری و دامداری به روش سنتی گاو و گوسفند پرورش داده می‌شود.
فرآورده‌ها: گندم، جو، پنبه، تره‌بار - دام و فراورده‌های دامی.

قالیبافی با طرح‌های جالب از صادرات مهم این شهرستان است. از این گذشته‌ای جوانان در کارخانه‌هایی چون آجرپزی، گچ، سنگبری، آردسازی، نساجی، ساخت کیسه پلاستیکی و پروفیل‌سازی به کار سرگرمند.
دشت سطح برخوار در جهت شمال شرقی به رشته کوه‌های مرکزی که در جنوب غربی اردستان واقع شده است.
آب و هوا: نیمه بیابانی، گرم و خشک در تابستان‌ها گرم و خشک و در زمستان‌ها سرد و با بروز خشک‌سالی‌های اخیر منطقه برخوار بیشتر قنات‌ها و چاه‌های این سامان خشک شده و از طرفی سطح آب‌های زیرزمینی پایین رفته علاوه بر این وجود طبقات نمکی و شدت تبخیر و شوری آب‌ها دشواری‌های شدیدی پدید آمده است. از

این گذشته در معرض خطر پیشروی کویر اردستان قرار گرفته و تپه‌های ماسه‌ای متحرک، برخی از روستاها را در محاصره قرار داده و برخی از روستاها خالی از سکنه شده است.
کمی بارندگی و خشک شدن قنات‌ها و پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی از سطح زیر کشت و از مقدار فراورده‌های کشاورزی آن کاسته است.
صنایع کارخانه‌ای آن عبارت است از پالایشگاه نفت، نیروگاه برق، کارخانه‌های بافندگی و ریسندگی، کارخانه‌های سنگ‌بری، ابزارسازی، کوره‌های آجرپزی و کارخانه شیرپاستوریز، در این منطقه از شهرستان برخوار و میمه که در مسیر راه اصفهان - تهران قرار گرفته دارای دو قسمت میمه و وزوان و نه روستاست. قالی‌بافیش از اهمیت فراوانی برخودار است.
برزاوند: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن نیسیان است.
برزرود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نطنز استان اصفهان و مرکزش هنجن است.
برزک: از بخش‌های شهرستان کاشان، استان اصفهان و مرکز این بخش شهر برزک و دارای دو دهستان ۱ـ بابا افضل ۲ـ گلاب است.
در منطقه‌ای دره‌ای، معتدل و خشک، در ۴۷ کیلومتری جنوب غربی کاشان و مرکز این بخش در ارتفاع ۲۰۵۰ متری از سطح دریا کوه اسبه کشه در خاور و کوه اشک در ۲ کیلومتری غربی و کوه اورک در یک کیلومتری آن قرار دارد.
کشاورزی، باغداری و دامداری، و فرشبافی از منابع عمده درآمد مردم این سامان است.
کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از کاریز، چشمه و آب انبار فراهم گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، بنشن، زردآلو، گردو، سیب، بادام، گلابی و گل محمدی
پوشش گیاهی: گیاهان دارویی و گیاهان مرتعی برای چرای دام
جانوران: بز کوهی، گرگ، شغال، روباه و خرگوش
برسیان: از توابع شهرستان اصفهان است با آب و هوائی خشک معتدل در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان که در آن بناهای تاریخی چندی از جمله: ۱ـ مسجد جامع، ۲ـ امامزاده شاه مراد، ۳ـ امامزاده شاه مردان، ۴ـ کاروانسرای شاه عباسی، ۵ـ کرانه‌های رود زاینده رود.
برف انبار: از دهستان‌های بخش مرکزی فریدون شهر استان اصفهان و مرکزش سنگباران است.
برن رود: از بخش‌های شهرستان اصفهان، استان اصفهان و مرکز آن شهر ورزنه و دارای دو دهستان: ۱ـ گاو خونی، ۲ـ رودشت شرقی است.
بوئین و میاندشت: از بخش‌های شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز آن شهر بوئین و میاندشت و شهر دیگرش افوس ؤ دارای ۵ دهستان ۱ـ سردسیر ۲ـ کوچه بوشمالی ۳ـ کوچه‌بو بوجنوبی ۴ـ گرجی ۵ـ ییلاق است و دو شهرچه منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، مرکز آن در بلندی ۲۴۰۰ متری از سطح دریا و در ۲۶ کیلومتری شمال غربی داران - کوه لوسن در یک کیلومتری جنوب شرقی و کوه قره‌داغ در ۴ کیلومتری مرکز بخش قرار دارند.
کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، پیشه‌وری، زنبورداری، مرغداری و فرشبافی از منابع درآمد اهالی است.
کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انگور، زردآلو،

بنشن، بادام، گردو، آلو، یونجه و شبدر.
پوشش گیاهی: گیاهان دارویی، گل ختمی و خاکشی و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز
بهارستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش کجان است.
بیابانک: از دهستان‌های بخش خورو بیابانک شهرستان نائین استان اصفهان و مرکز آن فرخی است.
پادنا ـ بخش: از بخش‌های شهرستان سمیرم استان اصفهان و دارای سه دهستان: ۱ـ پادنا سفلی، ۲ـ پادنا علیا، ۳ـ پادنا وسطی است. شهرکمه مرکز این بخش می‌باشد.
پادنا سفلی: از دهستان‌های بخش پادنا شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن چهار راه است.
پشتکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوانسار استان اصفهان و مرکز آن ویست است.
پیر بکران (بخش): از بخش‌های شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکز آن شهر پیربکران و دارای دو شهر ۱ـ پیربکران و بهاران شهر و دارای دو بخش ۱ـگرکن شمالی ۲ـسهروفیروزان است.
در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۲۶ کیلومتری جنوب باختری، اصفهان و در ۱۰ کیلومتری جنوب جاده اصفهان - فلاور جان و شهر پیربکران در بلندی ۱۶۲۵ متری از سطح دریا و کوه موسی در جنوب خاوری آن قرار و زاینده‌رود در مغربش جریان دارد.
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، کارگری، دامداری، باغداری و فرشبافی استوار است.
کشت: آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه‌ها و رود فراهم گشته است.
فراورده‌ها: گندم، جو، چغندر قند، بنشن، برنج، تره‌بار، گیلاس، سیب، گلابی، زردآلو، گردو، توت، سنجد، انار و انگور
پوشش گیاهی: درخت زبان گنجشک، گیاهان دارویی چون شاه تره، بومادران و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، شغال، روباه، خرگوش
پیر بکران (مرکز بخش): شهر پیربکران مرکز بخش گولن شمالی از بخش‌های شهرستان فلاورجان استان اصفهان است.
ظاهراً نام شهرک پیربکران از نام مقبره عارفی به نام محمدابن بکران که در روزگار مغولان می‌زیسته گرفته شده است. «۶»
پیشکوه موگوئی: از دهستان‌های بخش مرکزی فریدون شهر استان اصفهان و مرکز آن اسلام آباد موگوئی است.
تودشک: از دهستان‌های بخش کوهپایه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن تودشک است.
تیران و کرون: از شهرستان‌های استان اصفهان است که در ۹ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیایی و ۴۲ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۶۴۰ متری از سطح دریا قرار دارد.
این شهرستان در دشتی معتدل خشک در ۲۱ کیلومتری باختر جنوب نجف‌آباد و در کنار جاده نجف‌آباد - خوانسار قرار گرفته، رود مرغاب از میان این سامان می‌گذرد.
کوه‌ها: ۱ـکوه یارکه‌چی ۲ـکوه وجین پایین در شمال خاوری ۳ـکوه وجین بالا در شمال و معدن‌های سرب در ۲ و ۳ و ۴ و ۵ کیلومتری شمال و شمال باختری قرار دارد.
اقتصاد: بر باغداری، کشاورزی، دامداری و

فرشبافی (با طرح نجف‌آباد) استوار است.
آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه‌های معمولی، آب انبار، لوله‌کشی رود و کاریز فراهم گردیده است.
فراورده‌ها: گندم، جو، یونجه، انگور و بادام
رستنی‌ها: پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: گرگ، شغال، روباه و خرگوش
تیران و کرون در ۱۳۷۶/۲/۷ به صورت شهرستان در آمد و مرکز آن شهر تیران و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ ـ کرون است و چهار دهستان ۱ـ رضوانیه ۲ـ ورپشت ۳ـ کرون سفلی ۴ـ کرون علیا و دارای سه شهر ۱ـ تیران ۲ـ رضوانشهر ۳ـ عسگران می‌باشد.

تیران و کرون ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن شهر تیران و دارای دو دهستان: ۱ـ رضوانیه، ۲ـ ورپشت است.

جبل: از دهستان‌های بخش کوهپایه شهرستان اصفهان استان اصفهان مرکز آن جره است.

قمبوان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سمیرم سفلی استان اصفهان و مرکزش قمبوان است.

جرقویه (سفلی) (بخش): از بخش‌های شهرستان اصفهان است که از شمال به بخش‌های کوهپایه و حومه اصفهان، از خاور به خضرآباد (از بخش‌های شهرستان یزد) از جنوب به شهرستان آباده و از باختر به شهرستان شهرضا محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر نیک‌آباد و دارای دو دهستان ۱ـ جرقویه وسطی ۲ـ جرقویه سفلی و سه شهر ۱ـ نیک‌آباد ۲ـ محمدآباد ۳ـ نصر آباد است.
رودها: رود زاینده‌رود که از زردکوه سرچشمه گرفته، پس از آبیاری نمودن مناطق شمالی این بخش به مرداب گاوخونی می‌ریزد، بیشتر این مرداب در ناحیه خاوری بخش جرقویه واقع شده است.
بخش جرقویه در دشت و در منطقه نیمه کویری قرارگرفته، کوه‌های کم‌ارتفاع و منفردی چون کوه قارنه ۲ـ قله خورشید آن را در میان‌گرفته‌اند. دشت آسمان، حسین آباد از جاهای حاصلخیز این بخش است.
کان‌ها: ۱ـ معدن سنگ آهک ۲ـ معدن سنگ ساختمانی ۳ـ معادن شن و ماسه
نژاد و زبان: آریایی و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان ون و زبان گنجشک - گیاهان دارویی: بیشتر شیرین‌بیان - پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها.
جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، آهو، کبک و دراج
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامداری و قالیبافی استوار است.
وضع کشاورزی نسبتاً خوب و کشت آبی - دامداری به شیوه سنتی شامل پرورش گاو و گوسفند، قالیبافی این بخش رونق فراوانی دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انگور و انار - دام و فراورده‌های دامی و قالی، جاجیم، خورجین و غیره است.

جرقویه (علیا) (بخش): از بخش‌های شهرستان اصفهان به مرکزیت حسن‌آباد، دارای دو دهستان ۱ـ جرقویه علیا ۲ـ رامشه می‌باشد.
این بخش از نظر طبیعی به سه قسمت تقسیم‌گشته است: ۱ـ قسمت مرتفع غربی که دنباله کوه‌های کلاه‌قاضی با جهت غربی - شرقی امتداد یافته ۲ـ

قسمت پست شمال شرقی که در حاشیه باتلاق گاوخونی قرار گرفته و شدت وزش باد تپه‌های ماسه‌ای بیابانی را پدید آورده و در کمی بالاتر به سوی شمال معدن نمک روستای خار است ۳- قسمت بیابانی که در جهت جنوب شرقی به شهرستان آباده و در جهت غربی به شهرستان شهرضا منتهی می‌شود و نسبت به دو قسمت دیگر از آب بهتری برخوردار است. میزان رطوبت و بارندگی از غرب به شرق کاهش می‌یابد و میانگین ریزش باران ۷۰ میلیمتر است. به واسطه کمی ریزش باران آبیاری با استفاده از آب‌های زیرزمینی از جمله کاریز، چاه‌های عمیق و نیمه عمیق است. از ۹۰ کاریز فعال آبده آن اکنون حدود ۴۰ رشته قنات آب متوسطی دارد و بقیه خشک شده است. از این گذشته چشمه روستای دستجرد با دبی متوسط ۲۵ لیتر در ثانیه نیز در این سامان روان است. کتاب‌های درسی

جرقویه‌ی بالا: از دهستان‌های بخش جرقویه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن حسن آباد است و در منطقه‌ای کویری معتدل گرم و خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم و جو، پنبه، چغندر، انار، زردآلو و انجیر.

جانوران: آهو، روباه، شغال و تیهو.

جرقویه‌ی سفلی: از بخش‌های شهرستان اصفهان، مرکز آن شهر نیک آباد، دارای دو دهستان: -۱ دهستان جرقویه‌ی سفلی به مرکزیت محمد آباد، ۲ـ جرقویه‌ی وسطی به مرکزیت نیک آباد و دارای سه شه راست: ۱ـ محمد آباد، ۲ـ نیک آباد، ۳ـ نصر آباد.

جرقویه‌ی علیا: از بخش‌های شهرستان اصفهان استان اصفهان، مرکز آن شهر حسن آباد و دارای دو دهستان: ۱ـ جرقویه‌ی علیا، ۲ـ رامشه می‌باشد.

جلگه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گلپایگان استان اصفهان و مرکزش گلشهر است.

جلگه: از بخش‌های شهرستان اصفهان، استان اصفهان مرکز این بخش شهر هرند و شهر دیگرش اژیه ودارای دو دهستان: ۱ـ امامزاده عبدالعزیز، ۲ـ رودشت است.

جم کوه: از دهستان‌های بخش باغ بهاران شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکزش چم یوسفلی است.

جندق: از دهستان‌های بخش خور و بیابانک شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش جندق است.

جندق (مرکز بخش): اصل جندق کندبه معنای شهر می‌باشد که ک تصغیر به آخر کند افزوده و کندک گفته می‌شد. مردم خورد و بیابانک آنراگنده که همان گندم است و اصل جندق را گنده باید پنداشت و چون در فارسی بدل به ک می‌شود و کهندش کهن دژ نیز می‌باشد و چون جندق دژی بلند و استوار داشته از اینرو آنرا کندش وکندک گندک خوانده‌اند.

جوزدان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکز آن جوزدان است.

جوشقان قالی: از دهستان‌های قمصر شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکز آن جوشقان و کامو می‌باشد.

جی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکزش ارغوانیه است و مرکز شهری آن بهارستان است.

چادگان (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان و مرکز آن شهر چادگان و شهر دیگرش رزوه می‌باشد که این شهر در ۱۳۷۳/۳/۱۹ شهر

شناخته شده و دارای ۲ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ چنارود و ۴ دهستان ۱ـچنارود جنوبی ۲ـچنارود شمالی ۳ـکبوتر سرخ ۴ـکاوه آهنگران است.

این شهرستان از شمال به داران از جنوب به شهرکرد از مشرق به نجف‌آباد و از مغرب به فریدون‌شهر محدود است.

رودها: ۱ـ زاینده‌رود که از زردکوه بختیاری روان گشته بعد از گذشتن از قسمت‌های مختلف این بخش سرانجام به باتلاق گاوخونی می‌ریزد.

کوه‌ها: ۱ـ رشته کوه دالانکوه در شمال شرقی ۲ـ کوه شیدا در جنوب ۳ـکوه بیدک در شمال سر برافراشته اند.

کان‌ها: ۱ـمس ۲ـسرب ۳ـآهن ۴ـسنگ تراورتن دریاچه سد زاینده رود در جنوب و مراتع ده حمزه‌لو ده زرگر، فراموش جان و کوگانگ در شمال غربی این بخش قرار دارد.

آب و هوا: معتدل خشک.

مردم: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش لری و ترکی سخن می‌گویند

پوشش گیاهی: درخت کبوده، گیاهان دارویی، چون شیرین‌بیان، بابونه، گل گاوزبان، و گیاهان صنعتی چون گون کتیرا و گیاهان مرتعی

جانوران و پرندگان: بزکوهی، قوچ، میش گرگ، گراز، خرس، روباه، خرگوش، ماهی و کبک

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است.

فرآورده‌ها:گندم، جو، یونجه، دانه‌های روغنی، سیب، گلابی، انگور، زردالو، دام و فراورده‌های دامی، بنشن، سیب زمینی، قالی، گلیم، جاجیم. کشت ۸۰٪ آبی، بیشتر از چشمه‌سارها و کاریز فراهم گشته است. کشت دیم شامل گندم، جو و انگور است.

سیب‌زمینی، بنشن، انواع میوه شادگان صادر می‌شود.

چادگان (مرکز بخش): شهرک چادگان در ۳۸ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیائی و ۴۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و بلندی از سطح دریا ۲۱۵۰ متر و مرکز بخش چادگان از بخشهای شهرستان فریدن استان اصفهان است که در ۱۰۱ کیلومتری شمال باختری شهر اصفهان قرار دارد.

رود پلاس‌جان یا پلاسگان از یک کیلومتری باختری شهرک چادگان میگذرد و آنگاه به دریاچه سد زاینده رود میریزد. شهرک چادگان در یک منطقه دشتی قرار گرفته که کوه دالانکوه در ۸ کیلومتری شمال خاوری و کوه شیدا در ۱۵ کیلومتری جنوب و کوه بیدک در ۷ کیلومتری شمال باختری این شهرک قرار دارد .

آب و هوا: معتدل خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها به ۳۱ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۶ درجه زیر و میزان بارندگی بطور متوسط سالانه ۲۴۰ میلیمتر است.

چشمه‌سار: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوانسار استان اصفهان و مرکز آن قودجان است.

چشمه‌ی لنگان: از دهستان‌های بخش مرکزی فریدون شهر استان اصفهان و مرکز آن سیبک است.

چم رود: از دهستان‌های بخش باغ بهاران شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکزش کرچکان است.

چوپانان: از دهستان‌های بخش انارک شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش چوپانان است.

حسین آباد: از دهستان‌های بخش مهردشت شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکزش حسین آباد است.

حنا: از دهستان بخش مرکزی شهرستان سمیرم

استان اصفهان و مرکز آن حنا است.

خالد آباد: از دهستان‌های بخش امامزاده شهرستان نطنز استان اصفهان و مرکز آن خالد آباد است.

خرم دشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش خرم دشت است.

خرم رود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکزش نوگوران است. مرکز شهری آن زرین شهر می‌باشد.

خمینی شهر - بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان خمینی شهر استان اصفهان و مرکز آن شهر خمینی شهر و دارای ۳ دهستان: ۱- ماربین سفلی، ۲- ماربین علیا، ۳- ماربین وسطی است.

خمینی‌شهر (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان، مرکز آن شهر خمینی شهر دارای یک بخش مرکزی و سه دهستان ۱- ماربین سفلی ۲- ماربین علیا ۳- ماربین وسطی است و دارای سه شهر ۱- خمینی شهر ۲- درچه پیاز ۳- کوشک است. خمینی شهر در سال ۱۳۷۵ به صورت شهرستان در آمد.

خمینی شهر (سده سابق) در منطقه ماربین و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان قرارگرفته و از سه ناحیه متصل به هم به نام‌های ورنوسفادران - فروشان و خوزان تشکیل گشته است. این شهرستان از شمال به کوهستان سیدمحمد در جنوب به زاینده رود و فلاورجان، از مشرق به بلوک برخوار و مغرب به نجف‌آباد محدود است. بلندی آن از سطح دریا ۱۶۰۲ متر و بلندی کوه سیدمحمد تنها کوه شمالی این شهرستان ۲۴۵۰ متر می‌باشد. کتاب درسی

آب و هوا: گرم و خشک اما در مناطق جنوبی این شهرستان به واسطه نزدیکی به زاینده رود و درختستان‌ها معتدل‌تر است. علاوه بر استفاده از آب زاینده رود به وسیله کانال، چندین رشته کاریز و ده‌ها چاه عمیق و نیم عمیق مورد استفاده می‌باشد.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری استوار و فراورده‌های عمده‌اش غلات، سیب درختی، گلابی و صیفی‌جات، پوست و پشم، سنگ نما است و بیش از ۱۵۰۰ کارخانه سنگبری فعال دارد. کتاب‌های درسی

کاریزی قدیمی که از مهم‌ترین کاریزهای این شهرستان و پرآب است و آبش کاهش نمی‌یابد. چون این کاریز در سرچشمه دارای کانال‌های شگفت‌انگیزی است. ایرج افشار سیستانی

رودها: رود زاینده رود از حدود چهار کیلومتری جنوب مرکز بخش می‌گذرد و از این رو این منطقه به وسیله زاینده‌رود آبیاری می‌گردد.

کوه‌ها: قسمت اندکی از جلگه اصفهان را در بر گرفته و کوه محمودآباد (۲۴۷۳ متر) که با مرکز بخش ماربین ۴ کیلومتر فاصله و در منتهی‌الیه شمال باختری بخش قرار دارد.

آب و هوا: دارای آب و هوایی خوب و معتدل و خشک می‌باشد. آب نسبتاً فراوان رود و آب کاریزها و چاه‌ها در لطافت هوا و عمل آوری محصولات کشاورزی و باغی آن اهمیت بسیار دارد تا جایی که سه چهارم خاک این شهرستان را باغستان‌ها تشکیل و یک چهارم راکشتزارها تشکیل می‌دهند.

نژاد و زبان: آریایی‌نژادند و به زبان فارسی و گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک - گیاهان دارویی: گل گاوزبان بو مادران و خاکشی - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ و کبک
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، صنایع دستی و دامداری و پیشه‌وری استوار است. کشاورزی به واسطه حاصلخیزی خاک و نزدیکی به زاینده رود پررونق و کشت آبی و منابع آب علاوه بر زاینده رود چاه‌های ژرف و نیمه ژرف دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تنباکو، تره‌بار، گلابی، بادام، سیب، گیلاس، آلبالو، توت، انگور، زردآلو، شلیل، حبوبات.
صنایع دستی: قالیبافی، پشم‌ریسی، پارچه‌بافی و پشم‌بافی، گیوه‌بافی، کرباس‌بافی، نمد مالی.
صنایع ماشینی: ریسندگی و بافندگی، سنگبری، آردسازی دباغی و کنسروسازی
دامداری به شیوه سنتی پرورش گاو و گوسفند و بز، مرغداری به شیوه صنعتی
خمینی‌شهر (مرکز شهرستان): شهرک خمینی‌شهر (سده سابق) مرکز شهرستان خمینی‌شهر از شهرستانهای استان اصفهان در منطقه ماربین و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان واقع شده و از سه ناحیه متصل بهم به نامهای ورنوسفادران ـ فروشان و خوزان تشکیل گردیده و بوسیله اتوبان در ۱۲ کیلومتری اصفهان و همچنین در مسیر اتوبان شمالی بـه دانشگاه صنعتی و راه اصفهان ـ تهران است ازین گذشته بوسیله دو جاده به اصفهان ـ نجف‌آباد و روستاهای تابع متصل است.«۱۷»
خوانسار: خوانسار در شمال غربی استان اصفهان منطقه‌ایست کوهستانی و مرتفع، ناهمواری نسبی منطقه بسیار زیاد می‌باشد بطوری که اختلاف ارتفاع بین بلندترین نقطه (کوه پنج پنجه ۳۵۷۵ متر) و پست‌ترین نقطه دشت شمال ـ روستای تیدجان ۱۷۵۰ متر حدود ۱۸۲۵ متر می‌باشد.

این شهر از سمت شمال وشرق باشهرستان گلپایگان و از سمت جنوب و غرب با شهرستان فریدن (داران) هم مرز است. شهر خوانسار مرکز شهرستان خوانسار در °۳۳/۱۳ عرض شمالی و طول °۵۰/۱۹ شرقی واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریاهای آزاد ۲۲۵۰ متر است. شهرستان خوانسار در دامنه کوههای زاگرس شرقی و شهر خوانسار در دره باریکی در دامنه کوههای میل «Mil» وگلستان‌کوه واقع است. آب و هوای خوانسار از نوع Bs اقلیم نیمه بیابانی است به علت اینکه معدل درجه حرارت سالانه کمتر از ۱۸ درجه و گرمترین ماه بیش از ۱۸ درجه سانتیگراد می‌باشد بنابراین دارای آب و هوای BSK خواهد بودکه همان آب و هوای استپی حاشیه بیابان (نیمه بیابانی) است و شرایط ملایمتر از خود بیابان می‌باشد. آب و هوای خوانسار به شدت تحت تاثیر توپوگرافی منطقه است و به علت ارتفاع زیاد از سطح دریا دارای تابستانهای معتدل و زمستانهای سرد است.

واقع شدن شهر در پایکوههای مرتفع و جاری بودن رودخانه و وفور چشمه ساران بر کیفیت مطلوب آب و هوای آن افزوده است.

به علت کوهستانی بودن منطقه ریزشهای جوی در زمستان بصورت برف و در بهار بصورت باران می‌باشد. ریزشهای جوی از مهرماه آغاز می‌شود و تا اردیبهشت ماه هر سال ادامه دارد و از خرداد تا شهریور شامل ماههای خشک سال می‌باشند. گاهی نزول بارانهای تابستانه بخصوص در تیر و مرداد باعث سیلابهای تند و ایجاد خسارات بسیار می‌گردد. مقدار متوسط بارش سالانه ۳۰۳ میلیمتر و اغلب به صورت برف است.

میانگین حداکثر مطلق درجه حرارت در طول سال از ۳۱ درجه سانتیگراد متجاوز نبوده و جمع روزهای یخبندان در طول سال حدود ۱۲۱ روز می‌باشد.

خوانسار ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان خوانسار استان اصفهان و مرکز آن شهر خوانسار و دارای ۳ دهستان: ۱ـ پشتکوه، ۲ـ چشمه سار، ۳ـ کوهسار است.

خوانسار (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان و مرکز آن شهر خوانسار و دارای یک بخش (مرکزی) و دارای سه دهستان ۱ـ پشتکوه ۲ـ چشمه‌سار ۳ـ کوهسار است.

زمین‌شناسی: از نظر موقع زمین‌شناسی و نواحی طبیعی ایران، خوانسار جزء بخش مرکزی پیش کوه‌های زاگرس می‌باشد. تشکیلات قابل مشاهده در دره خوانسار را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: ۱ـ تشکیلات آهکی کرتاسه با ارتفاع زیاد ۲ـ شیست‌های ژوراسیک (تپه ماهورها) ۳ـ آبرفت‌های دوران چهارم زمین‌شناسی.

بر اساس اندازه‌گیری‌های انجام شده آب و هوای خوانسار نیمه خشک و ضریب خشکی برابر با ۱۵/۵ می‌باشد. معدل درجه حرارت سالانه خوانسار کمتر از ۱۸ درجه و گرم‌ترین ماه بیش از ۱۸ درجه است. آب و هوای خوانسار به واسطه ارتفاع زیاد از سطح دریا تابستان‌های معتدل و زمستان‌های سرد دارد. رود و چشمه‌های فراوانی بر کیفیت مطلوب آب و هوای آن افزوده است. به علت کوهستانی بودن منطقه ریزش‌ها به صورت برف و در بهار به شکل باران و میزان بارندگی به طور متوسط در سال ۴۱۴/۵ میلیمتر و میانگین حداقل رطوبت در هر ماه ۴۲ درصد است و در همین مدت حداکثر مطلق رطوبت نسبی حدود ۸۶ درصد و حداقل مطلق نیز ۲۳ درصد بوده است.

شهرستان خوانسار با مساحتی حدود ۹۰۰ کیلومتر مربع منطقه‌ای کوهستانی و بلند، ناهمواری‌های نسبی منطقه بسیار زیاد می‌باشد. به طوری که اختلاف بلندی میان بلندترین نقطه و قله پنج پنجه ۲۵۷۵ متر و پست‌ترین نقطه دشت شمال ۱۷۵۰ متر) ۱۸۲۵ متر است.

خوانسار در بخش پیش کوه‌های مرکزی زاگرس در کنار آبراهه طبیعی (رود خوانسار) میان رشته کوه‌های بلند قرار گرفته و به طور کلی بلندی‌های خوانسار به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می‌شود.

بلندی‌های غربی شهرستان خوانسار بلندتر از ارتفاعات شرقی است و همه بلندی‌های شرقی و غربی از سمت جنوب به سمت شمال کاهش می‌یابد. جریان آب‌های سطحی و رودخانه خوانسار نیز در همین جهت می‌باشد. دره خوانسار در امتداد رشته کوه‌های جنوب غربی شمال شرقی میان دو رشته بلندی‌های آهکی کرتاسه قرار دارد. این ارتفاعات در دو سوی دره خوانسار مانع امتدادگسترش تشکیلات شیستی که رخساره‌ی آن‌ها ماهورها است گشته است.

مهم‌ترین عامل فرسایش در منطقه اول فرسایش آب‌های روان و دوم فرسایش بر اثر یخبندان است. فرسایش آب‌های روان در مناطق کوهستانی دره‌های عرضی تنگ و گودی پدید آورده که به آن تنگ و دربند می‌گویند. دره‌ای در جنوب شهرستان وجود دارد که تنها راه ارتباطی میان خوانسار با فریدن و اصفهان است و جاده اصفهان خوانسار و گلپایگان از آن می‌گذرد.

غارها: بیشتر غارهای معروف در سطح شهرستان

در ارتفاع بالای ۲۵۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته از آن جمله است غار اشکافت که در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی خوانسار به ابعاد ۱۰ متر و حدود ۴ متر عرض و انتهای آن به علت کم‌عرض شدن رفتن بدان سخت است. این غار مانند اتاقی بزرگ با سقفی بلند می‌باشد که انتهای آن یکباره تنگ و باریک همراه با سقفی بلند گشته است. در ارتفاعات غربی شهر خوانسار نیز چند غار آهکی از جمله غار اشکفت می‌باشد.

در بخش شمالی دره خوانسار ناهمواری‌های شرقی (تپه ماهورهای شیت ژوراسیک) جهت شرقی - غربی داشته و به صورت مانع طبیعی در برابر آبراهه‌های جنوبی دره خوانسار به ویژه رودخانه خوانسار قرار گرفته است.

آب: ۱ـ آب‌های روان سطحی ۲ـ آب‌های زیرزمینی، آب‌های روان شامل رود خوانسار، مسیل‌های فصلی، چشمه‌ها و کاریزها و جویبارهای ۱۲ گانه شهر خوانسار است.

تعداد چشمه‌های دره خوانسار را بر بالغ ۴۵۰ پنداشته‌اند که منشأ و تغذیه کننده بیشتر جویبارهاست.

آب‌های زیرزمینی، کاریزها که تعداد آن‌ها بسیار و مقدار آبدهی آن‌ها متفاوت و عمق مادر چاه از ۱۰ تا ۲۰ و طول آن‌ها از ۱۵۰ تا ۵۰۰ متر است با این حال قنات لای جند علیا عمق مادرچاهش به ۷۰ متر میرسد.

پوشش گیاهی: خوانسار چون منطقه‌ای است کوهستانی پوشش گیاهیش انواع گون، گز، انگبین و مراتع آن از نوع مراتع ییلاقی استان اصفهان می‌باشد. پوشش گیاهی منطقه شامل زمین‌های زراعی، باغات و درختان میوه و مراتع نسبتاً غنی می‌باشد.

به طور کلی مراتع منطقه از نظر اهمیت عبارت است از مرتع گلستان کوه به مساحت حدود ۹۵۰ هکتار، مرتع گلبهار در جنوب، مرتع دربند در جنوب شرقی و مراتع گردنگاه و ارتفاعات غربی شهر خوانسار، مراتع قلعه ابراهیم و مراتع پشتکوه و غیره.

زندگی جانوری: به علت واقع بودن منطقه حفاظتی موته در شرق شهرستان خوانسار جانورانی چون آهو، پازن، کل و قوچ در ارتفاعات شرقی منطقه حفاظتی موته میان شهرستان‌های خوانسار، گلپایگان، محلات، دلیجان، کاشان و میمه قرار و حدود ۲۲۰۰۰۰ هکتار مساحت دارد. شغال، پلنگ، روباه، کفتار، گربه وحشی، خرگوش، کلاغ، زاغچه و زاغ، کبک، کرکس، عقاب نیز در این سامان به سر می‌برند. جغرافیای خوانسار - حمیدرضا میرمحمدی

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری، پرورش دام و زنبور عسل و هنرهای دستی و ماشینی و پیشه‌وری استوار است.

کشاورزی بیشتر آبی است اما به واسطه کوهستانی بودن منطقه سطح زیر کشت نسبتاً محدود می‌باشد.

گندم، جو، سیب‌زمینی، گردو، زردآلو، گلابی، سیب درختی، گاو، گوسفند، بز و فراورده‌های دامی و طیور، فرش، عسل، میوه، چوب، گز از جمله محصولاتش است.

خور (مرکز بخش): شهرک خور در ۰۶ درجه و ۵۵ دقیقه طول جغرافیائی و در ۴۵ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۸۴۰ متری از سطح دریا قرار دارد. خور مرکز بخش خور و بیابانک از بخشهای شهرستان نائین استان اصفهان است که در ۲۷۰ کیلومتری نائین و در مسیر راه

انارک ـ رباط پشت بادام قرار دارد.
رودخانه‌ای فصلی کم اهمیتی از حدود ۵ کیلومتری شمال خور میگذرد و کوه منفرد عزیزآباد نیز در ۵کیلومتری شمال باختر خور قرار دارد.
آب و هوا: کاملا خشک و معتدل متمایل به گرم، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۶ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۹ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۸۵ میلیمتر میباشد.
خور و بیابانک: از بخش‌های شهرستان نائین استان اصفهان است که از شمال به حومه شاهرود و قسمتی از دامغان، از خاور به طبس، از جنوب به خرانق (از بخش‌های اردکان) محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر خور و شهر دیگرش جندق و دارای سه بخش ۱ـ بیابانک ۲ـ جندق ۳ـ گلستان است.
کوه‌ها: در منطقه‌ای کویری است و بخشی از دشت کویر را در بر دارد تنها در بخشی از مناطق جنوبی و باختری آن کوه‌های پراکنده‌ای وجود دارد ۱ـ شاه کوه (۲۴۵۱ متر بلندی) ۲ـ رشید کوه (۲۱۴۷ متر بلندی) ۳ـ کوه بیاضیه (۲۳۳۰ متر بلندی) دارند.
کان‌ها: خور و بیابانک دارای کان‌های گوناگون بسیار است: ۱ـ معدن گل سرشور در ۱۵ کیلومتری جنوب خور ۲ـ معدن پودر طلق (تالک) در آبادی جندق ۳ـ معدن سنگ مرمر در آبادی آبگرم ۴ـ معدن سرب در ۱۵ کیلومتری جنوب خاوری ایراج ۵ـ رسوبات نمک که مورد بهره‌برداری مردم منطقه است.
آب و هوا: گرم و خشک
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: آویشن، شاتره، روناس - **پوشش گیاهی:** تنها در دامنه کوه‌ها آن هم در فصل‌های مرطوب
جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، آهو و کبک
وضع اقتصادی: بر پایه کشاورزی، باغداری و صنایع دستی استوار است.
با این که خاک خوبی برای کشاورزی دارد از این گذشته آب کاریزها و چشمه‌ها برای کشاورزی وجود دارد و زراعت همیشه آبی است با این حال به واسطه آب هوای ویژه کویری بازدهی چندانی ندارد. گندم، جو، پنبه، ذرت، آفتابگردان، تره‌بار، خرما، انار، انگور، بادام، پسته، مرکبات و زیتون. قالی، جارو، گلیم، ریسمان، حوله، کرباس از فراورده‌های خور و بیابانک می‌باشد.
بخش خور و بیابانک به صورت مثلثی است که رأس آن روستای زرین، جنوبی‌ترین روستای بخش و قاعده‌اش را محمدآباد گورکز و جندق تشکیل می‌دهد. ارتفاع خور از سطح دریا ۱۲۰۰ متر و فاصله‌اش تا اصفهان ۴۲۰ کیلومتر است.
آب وهوای بیابانی با تبخیر زیاد می‌باشد. مقدار باران سالانه‌اش ۱۰۰ میلیمتر است. منابع آب چشمه و کاریزاست که عموماً شور و تلخ به جز روستاهای جنوبی که آب شیرین است اما مقدارش کم ـ کتابهای درسی
دالانکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریدون شهر استان اصفهان و مرکز آن دامنه است.
دشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکزش مهیار است.
دیزیچه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکز آن دیزیچه است.

رامشه: از دهستان‌های بخش جرقویه‌ی علیا شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن رامشه است.

رضوانیه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تیران و کرون استان اصفهان و مرکزش شهرک رضوان شهر است.

رودشت: از دهستان‌های جلگه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن روستای اژیه است.

رودشت شرقی: از دهستان‌های بخش بن‌رود شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز شهری آن کفران می‌باشد.

ریگستان: از دهستان‌های بخش زواره شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن تلک آباد است.

زازران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکزش زازران است و مرکز شهری آن قهدریجان می‌باشد.

زاینده رود شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریدون استان اصفهان و مرکز آن اسکندری است.

زرگان: از دهستان‌های بخش میمه شهرستان برخوارومیمه استان اصفهان و مرکز آن حسن رباط است.

زفره: از دهستان‌های بخش کوهپایه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن زفره است.

زواره: از بخش‌های شهرستان اردستان استان اصفهان مرکز این بخش شهر زواره و دارای ۲ دهستان ۱ـ سفلی ۲ـ ریگستان است.

در منطقه‌ای کویری گرم و خشک در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی اردستان و مرکز آن در ارتفاع ۹۷۸ متری از سطح دریا قرار دارد.

کشاورزی، پیشه‌وری، آهنگری، کارمندی، باغداری و فرشبافی پایه زندگی اقتصادی مردم این سامان است.

کشت آبی: آب کشاورزی و آشامیدنی از کاریز، چاه و آب انبار و لوله کشی فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، پنبه، کنجد، کرچک، تره‌بار، انار، انجیر و خرما و پسته.

پوشش گیاهی: درخت گز، گون کتیرا و گیاهان علوفه‌ای برای چرای دام

جانوران: شغال، روباه، آهو و خرگوش

زیرکوه: از دهستان‌های بخش باغ بهاران شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکزش کچوئیه است.

سحر فیروزان: از دهستان‌های بخش پیربکران شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکز آن سرو فیروزان است و مرکز شهری آن بهاران شهر می‌باشد.

سردسیر: از دهستان‌های بخش بوئین و میاندشت شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز آن قره‌بلطاق است.

سفلی: از دهستان‌های بخش زواره شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکزش شهراب است.

سفید دشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان و مرکزش سفید شهر است.

سمیرم ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن شهر سمیرم و دارای ۳ دهستان: ۱ـ حنا، ۲ـ وردشت، ۳ـ ونک است.

سمیرم سفلی (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان و مرکز این شهرستان شهر دهاقان و یک بخش مرکزی و دارای چهار دهستان ۱ـ قمبوان ۲ـ همگین ۳ـ موسی آباد ۴ـ دره شورست. مرکز این شهرستان در ۲۲ کیلومتری جنوب غربی

شهرستان شهرضا قرار گرفته و در مسیر جاده اصفهان - بروجن می‌باشد.
اقتصاد: مردم این سامان بر کشاورزی همراه با دامپروری است که در سال‌های اخیر به شیوه‌های بازرگانی و علمی در آمده است.
فراورده‌ها: لوبیا چیتی، انگور، خیار، گلابی، گندم، جو، قالی، گلیم، جاجیم و دارای کارخانه‌های گچ و ماسه است.
آب و هوا: سالم و کوهستانی و دارای چشمه‌های پر آب و خوبی است و دارای درختان تنومند حفاظت شده‌ای می‌باشد. این منطقه از نظر وضع طبیعی به دو ناحیه شمالی و جنوبی تقسیم شده است. ناحیه شمالی آن، آب و هوای نیمه‌خشک و میزان بارندگی کم است. ناحیه جنوبی آن دارای آب و هوای کوهستانی است که از آب اندوخته شده در بلندی‌ها برای کشاورزی و دامپروری استفاده می‌شود.
آب و هوای منطقه شهری سمیرم سفلی که در گذشته شکارگاه صفویه بود با وجود درختان تنومند، آب و هوای سالم و کوهستانی همراه با گل‌های بهاری و چشمه‌سارهای اطراف آن مورد توجه مردم اصفهان است. کتابهای درسی
سمیرم (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به شهرستان شهرضا از خاور به شهرستان آباده (استان فارس)، از جنوب و جنوب باختری به شهرستان یاسوج (استان کهگیلویه و بویراحمد) و از شمال باختری با شهرستان بروجن (استان چهارمحال بختیاری) محدود و هم‌مرز است.
کوه‌ها: سمیرم منطقه‌ای است کوهستانی و میان رشته کوه‌های زاگرس قرار دارد. از جمله کودینار می‌باشد که قله دنا ۴۳۶۲ متر بلندی دارد کوه دینار که در جنوب باختری سمیرم قرار گرفته، که بیش از ۳۰ قله بالاتر از ۴۰۰۰ متر دارد. دامنه خاوری آن به سوی سمیرم واقع و از درخت تهی است. اما دامنه‌های باختری رو به سوی شهرستان یاسوج پوشیده از جنگل‌های بلوط و بنه است. شهرستان سمیرم در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد.
گذر از کوه دینار سخت است و تنها یک گردنه به نام گردنه بیژن از شهرستان سمیرم به شهرستان یاسوج می‌توان رفت.
کوه پاچال قفا و بوهرز در باختر، پنچگان و گرم آباد در شمال، آینه قری و مروارید در خاور کوه‌های رگ حنا و چاه حاجی در جنوب را می‌توان برشمرد
رودها: ۱ـ رود ماربرکه که از کوه دنا سرچشمه می‌گیرد پس از گذشتن مسیر خود و پیوستن جویبارهای بسیار رود سمیرم به آن می‌ریزد ۲ـ رود حنا که از دامنه‌های باختری کوه مروارید سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از روستای حنا به رود سمیرم می‌ریزد. ۳ـ رود سمیرم که از جنوب سمیرم گذشته چون رود حنا به آن پیوست به رود خرسان، شاخابه‌ای از کارون می‌ریزد. ۴ـ رود ونک که در جنوب بروجن که در نزدیکی آبادی گندم سرچشمه می‌گیرد و چند آب به آن می‌پیوندد و سرانجام به کارون می‌ریزد. ۵ـ رودهای کوچک فصلی متعددی هستند که از منطقه سمیرم سرچشمه گرفته از نزدیکی‌های این شهرستان می‌گذرند.
چشمه‌سارها کاریزها نیز در آبیاری شهرستان سمیرم نقش مهمی دارند.
آب و هوا: معتدل و کوهستانی با زمستان‌های سرد و پربرف و تابستان‌های خشک و معتدل و میزان ریزش باران از ۴۰۰ تا ۴۵۰ میلیمتر در سال است.

رستنی‌ها: درختان و گیاهان گوناگونی در سمیرم می‌روید. گیاهان دارویی و صنعتی: شیرین‌بیان، گون کتیرا - **پوشش گیاهی:** برای چرای دام مرغزارهای بسیاری در شهرستان سمیرم گسترده است. از این رو گله چرانان کوچ‌نشین به سوی این مراتع می‌شتابند به طوری که سالانه بیش از ۴۰۰۰ چادر سیاه در این سامان برپا می‌شود. پوشش گیاهی این شهرستان گوناگون و بیشتر شامل استپ‌های کوهستانی، مرتع و درختان جنگلی است.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بز کوهی، پلنگ، خرس و گراز، خرگوش و روباه، گرگ، کفتار، عقاب، کبک، کبوتر، کلاغ، بلبل، تیهو، مرغابی و درنا.

این شهرستان در ۱۶۵ کیلومتری جنوب اصفهان میان استان‌های فارس، بویراحمد و کهکیلویه و چهار محال بختیاری به مساحت حدود ۵۲۷۹ کیلومتر مربع قرار گرفته است.

این منطقه که میان سه استان و بر سر راه عشایر قرار گرفته راه‌های با اهمیتی دارد اما چندان گسترش و پیشرفتی نیافته است.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر سمیرم و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ پادنا و دارای ۳ شهر ۱ـ سمیرم ۲ـ حنا ۳ـ ونک می‌باشد.

در وجه تسمیه سمیرم دو روایت است: ۱ـ به قولی سام ابن نوح آن را برافراشت دیگر سام جد رستم.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامپروری، باغداری استوار است از این گذشته چون بر سر راه ایل و سه استان قرار گرفته داد و ستد آن نیز نسبتاً رونق دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، ذرت، حبوبات و دانه‌های روغنی، قالی، جاجیم، چغندر قند، گیاهان علوفه‌ای

شهر سمیرم مرکز این شهرستان است که ۲۴۶۰ متر از سطح دریا بلندی و از راه هوایی با تهران ۴۷۴ کیلومتر فاصله و از راه زمینی ۵۹۰ کیلومتر و تا اصفهان ۱۶۵ کیلومتر فاصله دارد.

سمیرم شهری کوهستانی می‌باشد که شمالش را کوه‌های سیاه و بوهرز و در شمال شرقی کوه‌های چیرچیر و آینه‌قری، در مشرق کوه‌ها چهارقارچ و آبشار و در مغربش کوه‌های چال، بلغار و گبری سر برافراشته‌اند.

نمای شهر کوهستانی، پر درخت و زیبا، بخشی از آن بلند در شیب کوه و بخش دیگر آن در پایین برافراشته شده است.

جنوب سمیرم دشتی است با تپه ماهورها که رودهائی به سوی جنوب غربی روان است در مشرق شهر سمیرم آبشار سمیرم قرار دارد.

این شهرستان در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که ارتفاعاتش و کوه‌های دینار (قله دنا) در جنوب و کوه‌های علی جوق کوه سیاه بهروز، چالقفا و سورمند می‌باشد. دو چشمه معروف دارد ۱ـ چشمه خوانسار ۲ـ چشمه خانعلی

سیستان: از دهستان‌های بخش کوهپایه شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن سگزی = سجزی است.

سیلک: تحقیقات باستان‌شناسی اخیر نشان داده است که انسان عهد حجر که تازه از کوه فرود آمده و در دشت سکونت گزیده بود، بر روی همان مسیر کمانی شکل اطراف کویر نمک استقرار یافته بود.

قرارگاه آدمی که تاکنون شناخته شده در سیلک کاشان بوده است - تپه بزرگ به اعصار اولیه منتهی می‌شود و در تپه‌های کوچک تمدن تا اوایل عصر

آهن می‌رسد، شاید مهم‌ترین اکتشافات این قسمت کشف الواح عیلام اصلی می‌باشد که معین می‌سازد اقلا بیش از دو هزار سال ق - م خط در ایران مرکزی وجود داشته است.

قدیمی‌ترین محل سکونت بشری که در دشت شناخته شده سیلک نزدیک کاشان است.

سیلک تنها نقطه‌ای است درنجد که پیش از عهد هخامنشی مدارک کتبی به دست داده است تصور انسان در سیلک بسیار قدیم‌تر از یونان است.

و همچنین استحکامات جنگی و نیروی دفاعی دهکده ما قبل تاریخی سیلک به حدی برتری داشت که نه تنها با امرای محلی می‌جنگید بلکه در برابر سپاهیان دول بزرگ غرب به ویژه آشوری‌ها مقاومت و محاربه می‌کرد.

در ناحیه سیلک بهتر از سایر نقاط ایران می‌توان سیر تدریجی تمدن بشر را مشاهده کرد و چنین به نظر می‌رسد که این نقطه یکی از قدیمی‌ترین نقاط ایران است که تمدن در آن نشو و نما کرده است.

هنگامی که نواحی شمال دنیای قدیم را یخچال‌های دایمی فرا گرفته بود در ایران باران‌های بسیار تند و سیلاب‌های فراوان دایمی وجود داشته، دریاچه بزرگ در آن تشکیل شده بود.

کهن‌ترین مجسمه انسانی که در فلات ایران (در کاشان) پیدا شده مجسمه کوچکی از جنس استخوان است که به جای دسته چاقوی سنگی به کار می‌رفته این مجسمه متعلق به ۴ هزار و دویست سال پیش از میلاد است و لباس او منحصر به لنگی است که بر کمر خود می‌بسته.

چنین به نظر می‌رسد که در اواسط هزاره چهارم قبل از میلاد مردم سیلک به وجود مس پی بردند در حالی که ساکنان این ناحیه رو به ترقی و تکامل می‌رفتند یک تغییر و انقلاب بزرگ و ناگهانی زندگی آن‌ها را در هم ریخته و این حادثه فوق‌العاده مانند زلزله، جنگ یا آتش‌سوزی به قدری شدید بود که مردم ساکن خود را در تپه شمالی به کلی ترک کردند و یک قشر ضخیم خاکستر هم روی ویرانه‌ها را پوشانده است اما همین که مجدداً دوره سوم زندگی سیلک آغاز می‌شود کوزه‌گری و فلزکاری در این دوره به ترقی شایان نائل می‌گردد تا آن که در دوره چهارم مورد هجوم قبایل غربی قرار گرفته و یکباره زیر نفوذ و استیلای ایلامی‌ها می‌رود.

نمونه‌های آثار مکشوفه از تپه‌های سیلک در موزه ایران باستان و موزه لوور نگهداری می‌شود و از مفاد تحقیقات علمی و منابع موثق بر می‌آید که چشمه فین از دوران ماقبل تاریخ با همین وضعیت و کیفیت کنونی جاری بوده و شهر باستانی سیلک هم که در حوادث طبیعی و تحولات اجتماعی ۷۰۰۰ سال گذشته چندین بار ویران و زیر و رو شده است از برکت این چشمه دوباره معمور و آباد گشته ولی در آخرین مرحله که سکنه بومی آن در زیر توده‌ای خاکستر آتش‌سوزی شهر به دست مهاجمان مدفون یا پراکنده شده‌اند (اوایل هزاره اول ق - م) از بناهای سیلک به جز تپه‌های خاکی باقی نماند. آن‌گاه مهاجمان فاتح ناحیه فین کنونی را مسکن خویش قرار داده و سپس نیز در اطراف چشمه‌های کوچک آن حدود مانند آران دشت، بیدگل، نوش آباد و نیاسر و ورزآباد و غیره آبادی‌هایی پدید آوردند. تاریخ اجتماعی کاشان - حسن نراقی

جانوران: روباه، شغال، گرگ، بزکوهی، نوعی آهو یاجی‌بر JIBIR و کبک

اقتصاد: بر صنعتگری مخصوصاً قالی‌بافی،

کشاورزی، باغداری، دامداری و مرغداری استوار است که قالی کاشان بالاترین رقم صادراتی را دارد درکنار قالی‌بافی تهیه نخ و پشم ۲ـ پارچه‌بافی ۳ـ کارخانه کامواسازی ۴ـ مسگری و قلمزنی ۵ـ زیلوبافی ۶ـ پتوبافی ۷ـ آجرسازی ۸ـ عطر و گلاب‌گیری اهمیت دارد. اما کشاورزی به واسطه ۱ـکمبود ۲ـسفت و شنی بودن خاک (۶۰٪ شن و ۴۰٪ رس) چندان بازده ندارد با این حال فراورده‌هایی چون پنبه و دانه‌های روغنی، تره‌بار، توتون، تنباکو، گندم و جو آن از اهمیتی برخوردار است.

باغداری از کشاورزی سودآورتر است: پرورش گل، به، بادام، پسته، انار، انجیر، توت و انگور نیز از منابع درآمد این شهرستان به شمار می‌رود. چه علاوه بر شیوه سنتی به روش صنعتی نیز پرورش گاو و مرغ و جوجه صورت می‌گیرد.

کوزه‌گری و سفال‌سازی: ساکنان نخستین سیلک زمانی دست به کار سفال‌سازی زده‌اند که هنوز خانه و مسکن سقف‌داری نداشتند. در غارهای مسکونی خود ظرف‌های سیاه و دودزده‌ای را ساخته و به‌کار می‌بردند. سپس کوره‌های ابتدایی برپاکردند که یک نوع ظروف قرمزرنگی را ساخته و حرارت داده‌اند.

لطف و ذوقی که در نظم و ترتیب خانه‌ها نشان داده شده در ظروف گلی جدید نیز منعکس است. پیدایش این ظروف نشانه اختراع چرخ است که عبارت از یک تخته ساده باریک بود که روی زمین قرار می‌گرفت و شخص آن را می‌چرخانید. گیرندگی و تازگی تام این ظروف مربوط به تزئین آن است که با رنگ‌ها مشکی بر زمینه قرمز که به سیاهی می‌زند جانورانی چون پرندگان، گرازها، غزال که در حال جست و خیز است نقش کرده‌اند... و این امر می‌رساند که ایران زادگاه اصلی ظروف منقش است و این اقدام نخستین بار در حدود سال ۴۰۰۰ ق - م تنها به وسیله کوزه‌گر ماقبل تاریخی ایران (سیلک) صورت پذیرفت.

در هزاره چهارم ق - م با اختراع چرخ کوزه‌گری و برپا ساختن کوره آجر و سفال‌سازی پیشرفت محسوس و طرح‌های تازه‌تری در صنعت کوزه‌گری سیلک پدیدار می‌شود. چنان‌که ترقیات و سبک کوزه‌گری فاخری که در هزاره چهارم ق - م در بین‌النهرین شمالی یا آشور آینده پیدا شده از صنعت سفال‌سازی سیلک که بهترین مرکز کوزه‌گری ایران مرکزی بود گرفته شده است. صنعت سفال‌سازی که در تپه بزرگ از دوره‌های پیش از تاریخ و عهد حجر شروع شد در تپه‌های کوچک به اوایل عصر آهن منتهی می‌شود.

مصنوعات فلزی: در سیلک برای نخستین بار در هزاره پنجم ق - م مس مورد استفاده قرارگرفت و پس از پیمودن مراحل آزمایشی آن در آغاز هزاره چهارم ق - م موفق به ذوب کردن مس و ساختن و استعمال انواع اشیاء فلزی شدند.

از دوره مفرغ یعنی اواخر هزاره دوم تزئینات برنزی به تعداد فراوان دیده می‌شود و معمولاً هم دارای کنده‌کاری‌هایی زیبا است در صورتی که تزئینات آهنی به علت زنگ زدگی از میان رفته است.

ورقه‌های نازک نقره که از زیورهای شخصی است در سیلک به تعداد فراوان یافت شده است.

بافندگی: از پاره‌ای آثار به دست آمده در سیلک چنین بر می‌اید که در آغاز صنعت بافندگی برای رشتن و بافتن پارچه الیافی که نوع آن به درستی شناخته نشده دوک‌هایی به کار برده‌اند که از گل و سنگ خارا ساخته شده. تاریخ اجتماعی کاشان -

حسن نراقی

قسمت‌های شرقی و شمال شرقی کاشان مجاور با کویر و در جلگه قرار گرفته، از این رو هوای آن گرمسیر است. اما درجه حرارت متوسط شهر کاشان در سه سال ۳۸ درجه بالای صفر بود.

در سمت غرب، و جنوب که کوهستانی است سردسیر می‌باشد. در دامنه‌های میان نواحی شرق و غرب معتدل است.

آب و آبیاری: یگانه چشمه طبیعی و شادابی که از روزگار باستان مایه آبادانی این ناحیه گشته، چشمه سلیمانیه فین بوده است. بعدها نیز کاریزهای زیادی کنده شده که عمق پاره‌ای از آن‌ها تا ۱۵۰ متر هم می‌رسید و هفت رشته از آن‌ها در کوی و برزن شهر روان بود. آب‌های سیلابی بهاری رودهای قمصر و قهرود نیز به وسیله دو سد که با سنگ و ساروج ساخته شده به مصرف آبیاری حومه شهر می‌رسید. و برای تأمین نمودن آب آشامیدنی اهالی هم در فصل زمستان آب کافی در هفتاد برکه یا آب انبار عمومی شهر ذخیره می‌گردید. از این گذشته از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف نیز بهره‌برداری آغاز شد. کتاب تاریخ اجتماعی کاشان - حسن نراقی

شهرضا ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکز آن شهر شهرضا و دارای ۳ دهستان: ۱ـ اسفرجان، ۲ـ منظریه، ۳ـ دشت است.

شهرضا (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان مرکز آن شهر شهرضا و دارای سه شهر ۱ـ شهرضا ۲ـ منظریه ۳ـ دهاقان و دارای ۳ بخش ۱ـ اسفرجان ۲ـ منظریه ۳ـ دشت است. این شهرستان از شمال به شهرستان مبارکه از جنوب به شهرستان سمیرم و استان فارس، از مشرق به شهرستان اصفهان و از مغرب به استان چهارمحال بختیاری محدود می‌باشد.

شهرضا بر سر راه اصفهان - شیراز واقع، دارای کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی است.

شهرضا سابقاً قمشه نام داشت، شهرضا تقریباً در ۸۰ کیلومتری شهر اصفهان قرار دارد. در حدود نه قرن پیش قصبه قمشه در روزگار سلاطین آل مظفر و شاهزادگان و فرزندان شاه شجاع حصاربندی آن تکمیل گشت. بخشی از این شهرستان جلگه‌ای و قسمت دیگر کوهستانی است.

شهرضا به جز منطقه شمال شرقیش که بیابانی و هموار است بقیه نقاطش را کوهستان‌ها چون حصاری در میان گرفته، از این رو به علت محدود بودن شهرضا به مناطق کوهستانی از غرب و جنوب و از طرف دیگر مناطق پست بیابانی در شمال شرقی، در بیشتر سال بادهای ملایم یا بادهای تند که جهت وزش آن‌ها از سرزمین‌های بلند به سوی شمال و شمال شرقی می‌باشد می‌وزد.

آب و هوا: خشک و ریزش باران آن کم است. ۱ـ نواحی گرم و خشک ۲ـ جنوب و جنوب غربی آب و هوایش کوهستانی و با بارندگی بیشتر ۳ـ آب و هوای منطقه مرکزی با ۱۱۰ میلیمتر سالانه باران می‌باشد. به طور کلی خشک و کم‌باران می‌باشد. منابع آب را بیشتر منابع آب زیرزمینی فراهم می‌کند. شهرضا بر سر یکی از طولانی‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های کشور یعنی، تهران - بوشهر قرار دارد. از طرفی چون در نزدیکی در منطقه ییلاقی عشایر قرار دارد مرکز داد و ستد ایل‌های قشقایی و سمیرم و بویر احمد است.

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، باغداری، دامپروری،

صنایع دستی و پیشه‌وری استوار است.
انگور، کشمش سبز، انار، سیب، بادام، گندم، جو، حبوبات، دام و فراورده‌های دامی، پارچه، فرش، تخت گیوه، قفل، چرم، گیوه از جمله فراورده‌های آن است از این گذشته کارخانه‌های ریسندگی، صابون‌پزی، روغن‌کشی و سفال‌سازی فعالی دارد.

معادن سرب، نمک، خاک سرخ، سنگ مرمر، زغال سنگ، سنگ سیاه در این شهرستان وجود دارد.

صادقیه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکز آن حاجی آباد است.

صفائیه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکزش کهریز سنگ است.

طالخونه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکز آن طالخونه است.

طرق رود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نطنز استان اصهفان و مرکزش طرق است.

عشایر: از دهستان‌های بخش مرکزی فریدن شهر استان اصفهان و مرکز آن قلعه‌ی سرخ است.

علیا: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن بغم می‌باشد.

فریدن ـ بخش مرکزی: شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز آن شهر داران و دارای ۴ دهستان: ۱ـ دالانکوه، ۲ـ ورزق، ۳ـ زاینده رود شمالی، ۴ـ ورزق جنوبی است.

فریدن (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان می‌باشد که از شمال به شهرستان خوانسار، از خاور به شهرستان نجف آباد، از شمال باختری به شهرستان الیگودرز و از جنوب باختری به شهرستان فریدون‌شهر محدود می‌باشد.

این شهرستان در منطقه‌ای کوهستانی و بلند قرار گرفته که اطرافش را کوه‌های بلند در بر گرفته است. از قبیل کوه فردون در جنوب و کوه دالانکوه که شهرهای داران و چادگان در دامنه غربی آن برافراشته شده‌اند. بیشتر کوه‌های این سامان عریان و سنگلاخی اما کوه‌های جنوبی دارای پوشش گیاهی خوبی می‌باشد چون شهرستان فریدن بیشتر کوهستانی است بارندگیش بیشتر به صورت برف است از این رو مراتع خوبی دارد که مورد استفاده دام‌های عشایر می‌باشد.

آب و هوا: در بهار و تابستان معتدل و در زمستان بسیار سرد است. بیشترین درجه حرارت در ۴ ماه از سال ۳۹-۳۱ درجه سانتی‌گراد و در ۱۲۸ روز تقریباً یخبندان و سردترین روزهای سال تا حدود ۳۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر می‌رسد.

به واسطه کوهستانی بودن منطقه فریدن بارندگی به صورت برف می‌باشد آورده‌اند که در منطقه شهرستان فریدن حدود ۲۹۰۰ چشمه دایمی و ۱۹۳۶ چشمه فصلی و مسیل‌های فصلی و حدود ۱۷۰۰ حلقه چاه عمیق و حدود ۷۰۰ چاه نیمه عمیق آب این سامان فعال است.

آب‌های روان: شامل ۱ـ رود زاینده رود ۲ـ قم رود ۳ـ انارباد ۴ـ پلاسجان ۵ـ مرغاب ۶ـ آب میدانک بالا ۷ـ آب میدانک پایین ۸ـ در بند ۹ـ دره‌بید ۱۰ـ آب خرنگستان و حدود ۲۹۰۰ چشمه و نزدیک به ۲۵۰۰ حلقه چاه است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر داران و شهر دیگرش دامنه و دارای ۲ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ بویین و میاندشت. فریدن در سال ۱۳۷۵ تبدیل به شهرستان شد.

رودها: رود زاینده رود که از ۳۰ کیلومتری جنوب خاوری مرکز این شهرستان می‌گذرد. رودهایی چند از کوهستان‌ها سرچشمه گرفته که بیشتر به زاینده‌رود می‌پیوندند. رود مرغاب و آبخورسنگ از جمله این رودهاست. سد زاینده‌رود در فریدن ساخته شده است.

کوه‌ها: ۱ـ دالان کوه در جنوب خاوری ۲ـ کوه یتیم ۳ـ کوه بیدک ۴ـ کوه سفید در جنوب باختری شهرستان فریدن قرار گرفته

نژاد و زبان: آریایی‌نژاد و طوایفی نیز از گرجستان و ارمنستان و جمهوری آذربایجان که در روزگار صفویه به این سامان کوچانده شده‌اند به سر می‌برند و به زبان فارسی با گویش لری و زبان گرجی و زبان ارمنی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادام کوهی، بلوطی، گز - گیاهان خوراکی، دارویی و صنعتی: کرفس کوهی، گل ختمی، گل گاو زبان و قیاق و گون کتیرا -

پوشش گیاهی: برای چرای دام‌ها

جانوران و پرندگان: بز کوهی، آهو، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو

وضع اقتصادی: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری و تا حدی صنایع دستی استوار است. منابع آب برای آبیاری کشتزارها و باغ‌های میوه ۱ـ رود زاینده رود ۲ـ چاه‌های عمیق

فراورده‌های کشاورزی و باغداری: گندم، جو، انگور، سیب زمینی، سیب درختی، زردآلو، آلبالو، گلابی، بادام و گردو

دام و فراورده‌های دامی، قالی، دستکش و جوراب از منابع درآمد این شهرستان است. فریدن منطقه‌ای کشاورزی است ولی بیشتر مردم دامدارند لبنیات آن دارای اهمیت است.

آب زاینده رود و سیلاب‌های فصلی در منطقه فریدن در محلی به نام گاوخونی به زمین فرو می‌رود.

شهر داران مرکز این شهرستان از سطح دریا ۲۳۹۰ متر ارتفاع و تا تهران ۳۱۰ کیلومتر فاصله هوایی و بیشترین درجه حرارت آن تا ۳۵ درجه سانتی‌گراد بالای صفر و در زمستان‌ها تا ۱۸ درجه زیر صفر و میزان متوسط بارندگی ۳۵۰ میلیمتر است.

فریدون شهر: از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به شهرستان فریدن، از جنوب به شهرستان شهر کرد، از خاور به بخش چادگان و از شمال باختری و باختر به شهرستان الیگودرز محدود می‌باشد. بر اساس پیشنهاد وزارت کشور بخش فریدونشهر از شهرستان فریدن جدا و تبدیل به شهرستان گردید و مرکز آن شهر فریدونشهر است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر فریدون شهر، درای یک بخش مرکزی و آن بخش دارای ۵ دهستان (۱ـ برف انبار، ۲ـ پشتکوه موگوئی، ۳ـ پیشکوه موگوئی، ۴ـ چشمه‌ی لنگان، ۵ـ غشائی) است.

رود: رود یلان کوه‌های تتره و چاور در جنوب و جنوب خاوری شهرستان فریدون شهر سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به آب‌های چشمه لنگان، وارد خوزستان می‌شود.

کانها: سنگ باریت، سنگ آهک، سنگ تراورتن و خاک صنعتی.

آب و هوا: معتدل کوهستانی است. پراکندگی باران و برف در طول سال حداقل ۸ ماه و ذخیره برف‌ها تا شروع بارندگی دیگر ادامه دارد. به واسطه‌ی عمق زیاد رودها از آن استفاده‌ای برده نمی‌شود. ایرج افشار سیستانی

نژاد و زبان: آریائی نژادند و گروه گسترده‌ای از

آنان از ایل بختیاری و همچنین اقوام گرجی، ارمنی و ترک در این سامان به سر می‌برند. به زبان فارسی با گویش لری و زبان‌های گرجی، ارمنی و ترکی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها و پوشش گیاهی: درختان ارژن، گز، بلوط، زرشک، بنه ـ گیاهان داروئی و صنعتی: آویشن، بومادران، خاکشی، موسیر، گل گاو زبان و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی از استپ تا چمن زارهای کوهستانی می‌باشد.

جانوران و پرندگان: پلنگ، قوچ، میش، روباه، بزکوهی، شغال، خرگوش، کبک و ماهی.

وضع اقتصادی: بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری و تا حدی صنایع دستی استوار است. آب کشاورزی از رود و چاه‌های عمیق و کاریزها فراهم گشته، غلات و تره بار از جمله محصولاتش است. حدود ۸۰ درصد از مردم به کشاورزی و دامداری سرگرم بودند. دام و فرآورده‌های دامی آن از اهمیت اقتصادی فراوانی برخوردار است. قالی، قالیچه‌ی ابریشمی، جوراب، ژاکت و کلاه نمدی از صنایع دستی آنست.

این شهرستان مرکز ییلاق عشایر چهار لنگ بختیاری است. در این چهار گروه، بختیاری، گرجی، ترک و ارمنی از تیره‌های معروف این منطقه است و هر گروه به زبان قومی خود سخن می‌گویند.

شهرستان فریدون شهر ۳۰۳۷/۵ کیلومتر مربع مساحت و میان استان‌های لرستان، خوزستان و چهار محال بختیاری و در ۱۵۵ کیلومتر مرکز استان اصفهان قرار دارد.

این شهرستان منطقه‌ای است کوهستانی و بلند و کوهستانی ترین منطقه آن ناحیه پشتکوه و پیشکوه موگوئی و آن گاه منطقه‌ی چهار رود است.

ویژگی‌های طبیعی: وجود کوه‌های گاوپیسه که دنباله ارتفاعات مرکزی است، در جنوب این شهرستان، و کوه‌های صُفه و دُنبه و سفید کوه و شاهکوه در شمال آن و عبور زاینده رود به صورت شرقی ـ غربی با ایجاد پیچ و خم وسیعی که از لای بید تا نزدیک دُرجه پیاز ادامه دارد فلاورجان را در برگرفته، در آب و هوای این شهرستان تأثیر بسیار دارد. کتابهای درسی

فریدونشهر ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان فریدون شهر استان اصفهان و مرکز آن شهر فریدون شهر و دارای ۵ دهستان: ۱ـ برف انبار، ۲ـ پشتکوه موگوئی، ۳ـ پیشکوه موگوئی، ۴ـ چشمه‌ی لنگان، ۵ـ عشایر است.

فریدون‌شهر (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به شهرستان فریدن، از جنوب به شهرستان شهرکرد، از خاور به شهرستان چادگان و از شمال باختری و باختر به شهرستان الیگودرز محدود می‌باشد.

شهرستان فریدونشهر ۳۰۳۷/۵ کیلو متر مربع مساحت و میان استان‌های لرستان، خوزستان و چهارمحال بختیاری و در ۱۵۵ کیلومتر مرکز استان اصفهان قرار دارد.

این شهرستان منطقه‌ای است کوهستانی و بلند و کوهستانی ترین منطقه آن ناحیه پشتکوه و پیشکوه موگویی و آن گاه منطقه چناررود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر فریدونشهر، دارای یک بخش مرکزی و آن بخش دارای ۵ دهستان ۱ـ برف انبار ۲ـ پشتکوه موگوئی ۳ـ پیشکوه موگویی ۴ـ چشمه لنگان ۵ـ عشایر است.

بر اساس پیشنهاد وزارت کشور بخش فریدونشهر از شهرستان فریدن جدا و تبدیل به شهرستان

گردید و مرکز آن شهر فریدونشهر است.
رودها: رود یلان از کوه‌های تتره و چادر در جنوب و جنوب خاوری شهرستان فریدون‌شهر سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به آب‌های چشمه لنگان، وارد خوزستان می‌شود.
کوه‌ها: ۱ـ وری ۲ـ شاهان‌کوه ۳ـ خردان ۴ـ ونیزان در محدود شهرستان فریدون‌شهر قرار دارند. چون این شهرستان در منطقه‌ای کوهستانی است، گردنه‌ها و غارها و مراتع فراوانی دارد.
کان‌ها: سنگ باریت، سنگ آهک، سنگ تراورتن و خاک صنعتی
آب و هوا: معتدل کوهستانی است. پراکندگی باران و برف در طول سال حداقل ۸ ماه و ذخیره برف‌ها تا شروع بارندگی دیگر ادامه دارد. به واسطه عمق زیاد رودها از آن استفاده‌ای برده نمی‌شود.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و گروه گسترده‌ای از آنان از ایل بختیاری و همچنین اقوام گرجی، ارمنی و ترک در این سامان به سر می‌برند. به زبان فارسی با گویش لری و زبان‌های گرجی، ارمنی و ترکی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان ارژن، گز، بلوط، زرشک، بنه - گیاهان دارویی و صنعتی: آویشن، بومادران، خاکشی، موسیر، گل گاوزبان و گون کتیرا - پوشش گیاهی از استپ تا چمن‌زارهای کوهستانی می‌باشد.
جانوران و پرندگان: پلنگ، قوچ، میش، روباه، بز کوهی، شغال، خرگوش، کبک و ماهی
وضع اقتصادی: بر پایه کشاورزی، دامپروری و تا حدی صنایع دستی استوار است. آب کشاورزی از رود و چاه‌های عمیق و کاریزها فراهم گشته، غلات و تره‌بار از جمله محصولاتش است. حدود ۸۰ درصد از مردم به کشاورزی و دامداری سرگرم بودند.
دام و فراورده‌های دامی آن از اهمیت اقتصادی فراوانی برخوردار است. قالی، قالیچه ابریشمی، جوراب، ژاکت و کلاه نمدی از صنایع دستی آن است.
این شهرستان مرکز ییلاق عشایر چهار لنگ بختیاری است. چهار گروه، بختیاری، گرجی، ترک و ارمنی از تیره‌های معروف این منطقه است و هر گروه به زبان قوم خود سخن می‌گویند.
ویژگی‌های طبیعی: وجود کوه‌های گاوپیسه که دنباله ارتفاعات مرکزی است، در جنوب این شهرستان، و کوه‌های صُفه و دُنبه و سفیدکوه و شاهکوه در شمال آن و عبور زاینده رود به صورت شرقی - غربی با ایجاد پیچ و خم وسیعی که از لای بید تا نزدیک دُرچه پیاز ادامه دارد فلاورجان را در بر گرفته، در آب و هوای این شهرستان تأثیر بسیار دارد ـ کتابهای درسی
فلاورجان ـ بخش مرکزی: از بخشهای شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکز آن شهر فلاورجان و دارای ۴ دهستان: ۱ـ اشترجان، ۲ـ ابریشم، ۳ـ زازرن، ۴ـ گلستان است.
فلاورجان (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که در ۳۳ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۱۶۱۰ متری از سطح دریا و در دشتی معتدل خشک در ۱۷ کیلومتری جنوب باختری اصفهان و در کنار جاده اسفالته اصفهان - ذوب آهن است و رود زاینده‌رود از خاور فلاورجان می‌گذرد. کوه گردولی در جنوب خاوری و کوه سنگالو در خاور آن قرار دارد. کوه‌های گاوپیسه که دنباله بلندی‌های مرکزی است، در جنوب شهرستان فلاورجان و کوه‌های

صفه و دنبه و سفیدکوه و شاهکوه در شمال این شهرستان سر بر افراشته‌اند. زاینده رود به صورت شرقی - غربی روان است و با ایجاد پیچ وخم وسیعی که از لای بید تا نزدیک درچه پیاز ادامه می‌یابد فلاورجان را در بر گرفته و در آب و هوای آن مؤثر است.

منابع آب: ۱ـزاینده‌رود ۲ ـ چاه‌های عمیق و نیمه عمیق است. در دو طرف زاینده رود بیشه‌زارها و کشتزارهای برنج وجود دارد. کتابهای درسی

اقتصاد: بر کارگری، کشاورزی، باغداری، دامداری و فرشبافی استوار است.

کشت آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه، لوله‌کشی و رودخانه

فرآورده‌ها: گندم، برنج، تره‌بار، گیلاس، آلبالو، هلو، بادام، سنجد، انگور و انار

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک - گیاهان دارویی: گل پنیرک، خاکشی، گل ختمی، کاسنی، پونه، شاه‌تره، خلفه، بارهنگ و بومادران - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: شغال، روباه و خرگوش

تقسیمات کشوری: شهر فلاورجان مرکز شهرستان فلاورجان، دارای دو بخش ۱- بخش مرکزی دارای ۴ دهستان ۱ـ اشترجان ۲ـ ابریشم ۳ـ زازران ۴ـ گلستان ۲ـ بخش پیربکران در سال ۱۳۷۵ فلاورجان تبدیل به شهرستان شد.

این شهر در دشتی، در کرانه زاینده‌رود برافراشته شده و دارای بیشه‌زارهای پهناور می‌باشد، هوای آن معتدل و خشک است. از سطح دریا ۱۶۱۰ متر ارتفاع و از اصفهان ۱۸ کیلومتر فاصله دارد. ایرج افشار سیستانی

قلعه‌بزی: قلعه خان لنجان از سنگ و آجر با ملات ساروج بر روی سه شاخه از ارتفاعات ساخته شده، اصل آن از دوره ساسانی است اما در روزگار سلجوقیان با تغییرات و تصرفاتی تجدید بنا و تعمیر گشت.

بقعه شاهزاده ابوالقاسم: دارای گنبد و ساقه ۸ گوش، صحن بزرگ و در محوطه مرکزی دارای طاق‌نمایی است که دور تا دور محوطه را در بر گرفته روکش گنبد، ساقه و پشت بغل‌های طاقنمای آن کاشیکاری شده است.

ناهمواری‌ها: این شهرستان در دره باز و گسترده زاینده رود و در منطقه‌ای که به لنجان علیا موسوم است قرار گرفته و کوه‌های گاوپیسه که از رشته کوه‌های مرکزی است با جهت شمال غربی، جنوبی در شمال این منطقه قرار گرفته است. کوه‌های غربی آن که مرکز میان لنجان و چهار محال بختیاری است. گردنه رخ، راه ارتباطی این دو منطقه را فراهم ساخته است. کتابهای درسی

آب و هوا: در حد فاصل ناحیه خشک اصفهان و نیمه مرطوب چهار محال بختیاری قرار گرفته و به واسطه کمی باران پوشش گیاهی ناچیزی دارد. کتابهای درسی

لنجان درگذشته سرزمین وسیعی بود که به دو قسمت علیا و سفلی تقسیم می‌شد و هر دو قسمت را لنجانات می‌گفتند. سپس لنجانات بخشی از شهرستان اصفهان به مرکزیت فلاورجان و شامل چهار دهستان ؛ آیدغمیش اشیان، اشترجان، گرکن شد. هیأت دولت با مصوبه‌ای در سال ۱۳۵۶ با ایجاد شهرستانی به نام لنجان به مرکزیت «ریز» که بر اساس همین مصوبه از این زمان زرین‌شهر نامیده می‌شود با بخشهای مرکزی فلاورجان و مبارکه موافقت نمود. در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۹ بخش فلاورجان و سرانجام در سال ۱۳۷۰ بخش مبارکه به

شهرستان تبدیل شدند و لنجان محدود به منطقه‌ای گردید که امروزه شامل دو بخش مرکزی و باغ بهادران به مرکزیت زرین‌شهر است.

عمده‌ترین دلایل سابقه تاریخی و نام لنجان عبارتند از:

۱ـ ابن حوقل سیاح زمان سامانیان می‌نویسد:... از روستاهایی که پیرامون اصفهان را فرا گرفته‌اند لنجان، مهرین، جنبه، کراج، که کاوسان، برخوردار و بر آن است.

۲ـ در کتاب حدود العالم نوشته شده به سال ۳۷۲ هجری آمده است: «خان لنجان شهرکی است خرم و بسیار نعمت و با کشت و برز است.»

۳ـ ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ه) در سفرنامه خود می‌نویسد: «... و از آن جا به یک خان لنجام رسیدیم و بر دروازه شهر نام سلطان طغرل بیک نوشته دیدم و از آن جا به شهر اصفهان هفت فرسنگ بود و مردم خان لنجان عظیم ایمن و آسوده بودند، هر یک به کار و کدخدایی خود مشغول»

۴ـ ابوالفداء (۶۷۲-۷۳۲ ه) نوشته است «خان لنجان، خان معروف است و لنجان به فتح لام و سکون نون و جیم و الف و نون شهری است در نواحی اصفهان»

۵ـ حمدالله مستوفی متوفی به سال ۷۵۰ هجری می‌نویسد: «... ششم ناحیت لنجان، بیست پاره دیه است، گونان و قهدریجان و کلیشاد معظم قرای آن»

۶ـ ابن بطوطه (۷۰۳-۷۷۹ ه) جهانگرد مراکشی که در سال ۷۲۷ هجری از آن عبور نموده گوید «لنجان در شش فرسخی اصفهان است»

۷ـ لسترنج می‌نویسد:... ساحل راست زاینده رود ناحیه بزرگ خان لنجان آخرین نواحی چهارگانه جنوب زاینده رود واقع است. خان لنجان به این نیز مشهور است که چون فردوسی از خشم سلطان محمود غزنوی فرار اختیار کرد به آن شهر پناه برد. شرح پذیرایی والی خان لنجان از فردوسی در نسخه‌های شاهنامه موجود در موزه بریتانیا ذکر شده است.

۸ـ مؤلف نصف جهان تعریف الاصفهان می‌نویسد: «... بلوک هشتم لنجان است... بلوک لنجان در هر دو طرف زاینده‌رود واقع شده و رود از میان آن می‌گذرد.»

۹ـ در طومار معروف شیخ بهایی که درباره تقسیم آب زاینده رود در دوره صفویه تنظیم شده میزان آب لنجان از زاینده رود را شش سهم مشخص شده است»

۱۰ـ در جغرافیای استان اصفهان آمده است: «شهرستان لنجان که مرکز آن زرین شهر است در فاصله ۳۵کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان در دره زاینده رود واقع شده است»

در دیگر منابع تاریخی و جغرافیایی از لنجان همواره به عنوان سرزمینی حاصلخیز و با برکت یاد شده است.اکبر حمامی ـ دبیر آموزش و پرورش زرین شهر.

قلعه سنگی: روستائی است از شهرستان سمیرم با آب و هوایی معتدل خشک پایکوهی که رود شش بلوکی از غرب این روستا می‌گذرد. در این روستا دو حوض بزرگ سنگی در نزدیکی هم به ابعاد ۱۱/۴۵ و عمق ۴ متر وجود دارد. ۲ـ دو کتیبه بر قله‌ی صخره کنده شده یکی به خط پهلوی و دیگری به خط عربی است.

بر دیواره‌ی قله‌ای در این روستا آثاری دیده می‌شود که ظاهراً مربوط به روزگار ساسانیان و اوایل اسلام می‌باشد.

قمصر (بخش): از بخش‌های شهرستان کاشان استان اصفهان که از شمال و خاور به حومه کاشان، از جنوب خاوری به نطنز، از جنوب و جنوب باختری به بخش میمه و از باختر به دلیجان محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر قمصر و شهر دیگر آن جوشقان و کامو دارای دو دهستان ۱ـ جوشقان قالی ۲ـ فهرود است.

رودها: بخش قمصر جنوبی‌ترین بخش کاشان و در منطقه کوهستانی آن قرار دارد و رودهایی که از این بخش سرچشمه می‌گیرد: ۱ـ رود قمصر که از دامنه‌های خاوری کوه گز سرچشمه گرفته، پس از آبیاری نمودن مرکز قمصر، زمین‌های جنوبی کاشان را آبیاری می‌نماید. ۲ـ قهرود به موازات رود قمصر به سوی شمال روان است و زمین‌های کاشان را آبیاری می‌کند. ۳ـ رود جوشقان که از کوه‌های گرگر و کم سفید در دهستان جوشقان قالی سرچشمه گرفته به سوی جنوب روان گشته تا مرکز بخش میمه پیش می‌رود. چشمه‌های نیاسر، چمن بالا و میلاجرد، در بخش قمصر روانند.

کوه‌ها: ۱ـ کوه گرگر (۳۵۸۸ متر بلندی) ۲ـ دره قلاد (۳۲۵۱ متر بلندی) ۳ـ اسبی وچال (۳۵۰۸ متر بلندی)

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خاصی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان تاغ، زبان گنجشک - گیاهان دارویی و صنعتی: بومادران، خاکشی، گل ختمی، کلپوره، آویشن و کتیرا - پوشش گیاهی چرای دام به مقیاس فراوان

وضع اقتصادی: بر پایه باغداری، گلابگیری، قالی‌بافی و دامداری استوار است.

پرورش گل محمدی و تهیه گلاب و عطر در باغ‌های بسیار صورت می‌گیرد. گوجه، سیب، زردآلو، گردو، هلو، گیلاس، به و گلابی از فراورده‌های قمصر است. گندم و جو و تره‌بار در درصد کمی از زمین‌ها کشت می‌شود. کارگاه‌های گلابگیری متعددی در قمصر در کار تهیه گلاب و اسانس و عطر گل سرگرمند به طوری که کارخانه‌ای در قمصر روزانه ۱۵ تن گل محمدی را برای فراهم کردن اسانس و غیره مورد استفاده قرار می‌دهد. قالی‌بافی قمصر نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. پرورش گاو، گوسفند و بز و فراورده‌های دامی آن قابل توجه است.

آبیاری: در مزارع اطراف قمصر به شیوه جوی بندی است، آب را در استخر گرد می‌آورند و با کندن جوی‌ها آب را از استخر به مزارع می‌رسانند زیرا مقدار آب کم است علاوه بر این از کاریزها نیز استفاده می‌برند.

قهاب جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان و مرکز آن گورت می‌باشد.

قهاب شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان و مرکز آن قهاورستان می‌باشد.

قهرود: از دهستان‌های بخش قمصر شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش قهرود است.

کاشان ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکز آن شهر کاشان و دارای ۳ دهستان: ۱ـ میاندشت، ۲ـ کوهپایه و ۳ـ خرم دشت است.

کاشان (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به حومه قم و دریاچه نمک از خاور به اردستان، از جنوب خاوری به شهرستان نطنز، از جنوب به میمه و از باختر به شهرستان دلیجان و کهک از بخش‌های قم محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر کاشان، دارای ۴ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ نیاسر ۳ـ برزک ۴ـ قمصر است.

رودها: شهرستان کاشان دارای آب و هوای گوناگونی است، به طوری که شمال آن که بخش آران و بیدگل و بخشی از حومه کاشان را در برمی‌گیرد، خشک و گرمسیری و قسمتی از نواحی مرکزی و همه نواحی جنوبی شهرستان کاشان کوهستانی و ییلاقی است و رودهای مهم آن: ۱ـ رود قمصر، پس از آبیاری نمودن زمین‌های پیرامون مرکز بخش قمصر به سوی شمال روان است و زمین‌های جنوب شهر کاشان را آبیاری می‌نماید. از روزگاران پیش سدی بر روی آن ساختند.

۲ـ رود جوشقان دو شاخابه است. شاخابه‌ای از کوه کم سفید در دهستان جوشقان قالی و شاخه دیگر از کوه کرگز سرچشمه گرفته و پس از آبیاری مسیر خود در مرکز میمه به هم پیوسته و تا زمین‌های جنوبی همچنان روان است.

چشمه‌هایی چون چشمه فین، چشمه نیاسر، چشمه شاه، چشمه چمن بالا و چشمه میلاخرد کاریزهای متعدد و آب انبارهای بزرگی نیز برای تأمین آب ساخته‌اند به طوری که کاشان حدود ۷۰ آب انبار کوچک و بزرگ دارد.

کوه‌ها: تمرکز کوه‌ها بیشتر در جنوب شهرستان کاشان و از رشته کوه‌های کرکس است و شروع این رشته از شمال باختری کاشان است و مهم‌ترین آن‌ها ۱ـ ولیجان (۳۳۳۰ متر) ۲ـ اردهال (۳۳۶۳ متر) ۳ـ سیاه کوه (۳۰۳۵ متر) ۴ـ دره قلا (۳۲۵۱ متر) ۵ـ کوه کرگز (۳۵۸۸ متر)

نواحی شمالی و خاوری شهرستان کاشان جلگه‌ای است و دشت‌های فین و کاشان راوند و ابوزید آباد می‌باشند.

کان‌ها: ۱ـ آهن در قهرود در ۴۲ کیلومتری کاشان در قمصر ۲۷ کیلومتری باختر کاشان ۲ـ معدن گچ در ۸ کیلومتری کاشان ۳ـ معدن سنگ در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری کاشان ۴ـ زاج سبز در ابوزیدآباد در ۳۰ کیلومتری جنوب خاوری کاشان ۵ـ نمک سنگ در بیشتر نواحی کاشان وجود دارد.

آب و هوا: خشک و نیمه کویری، نیمه شمالی معتدل و نیمه جنوبی سرد است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی خاصی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز، تاغ، زبان گنجشک - گیاهان دارویی و صنعتی: بومادران، گل ختمی، گلپوره، آویشن و گون کتیرا

کاشان (مرکز شهرستان): شهر کاشان مرکز شهرستان کاشان از شهرستانهای استان اصفهان در ۲۷ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۹ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۹۵۰ متری از سطح دریا و در ۲۴۵ کیلومتری تهران در مسیر راه تهران ـ اردستان قرار دارد.

در پیرامون شهر کاشان کاریز و در شهر آب انبارهای بسیار وجود دارد و رود قمصر تا جلگه فین و ... امتداد دارد.

شهر کاشان در جلگه‌ای نسبتاً پهناور قرار گرفته و نزدیکترین کوه به کاشان کوه کلنگ نام و در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری این شهر (بلندی ۲۲۴۸متر) قرار گرفته.

آب و هوا: معتدل و خشک بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۰ درجه زیر صفر و میزان بارندگی حدود ۱۵۰ میلی متر در سال است

صادرات مهم: قالی، زیلو، پتو، پنبه، انواع پارچه،

گلاب، عطر، گل خشک، و انواع شیرینی‌های سنتی و فرش‌های ماشینی.

راهها: ۱ـ راه آسفالته اصلی درجه یک بسوی شمال باختری کاشان ـ تهران ۲۴۵ کیلومتر ۲ ـ راه فرعی درجه یک بسوی جنوب باختری باغشاه ـ فین ۷کیلومتر ۳ ـ راه اصلی بسوی جنوب کاشان ـ قمصر ۳۰ کیلومتر ۴ ـ راه اصلی بسوی جنوب ـ کاشان ـ مورچه خورت اصفهان ۱۵۵ کیلومتر ۵ ـ راه مرکز شهرستان ـ کاشان ـ نطنز کاشان بر سر راه آهن سراسری تهران ـ کرمان نیز قرار دارد.

سیلک: تحقیقات باستان شناسی نشان داده است که انسان عهد حجر که تازه از کوه فرود آمده و در دشت سکونت گزیده بود برروی همان مسیر کمانی شکل اطراف کویر نمک استقرار یافته بود.

قرارگاه انسان که تاکنون شناخته شده درکاشان سیلک بود. تپه بزرگ باعصار اولیه منتهی می‌شود و در تپه‌های کوچک تمدن تا اوایل عصر آهن می‌رسد شاید مهمترین اکتشافات این قسمت کشف الواح عیلام اصلی می‌باشدکه معین می‌سازد اقلاً بیش از دو هزار سال قبل از میلاد خط در ایران مرکزی وجود داشته است.

کهن‌ترین محل سکونت انسان که در دشت شناخته شده سیلک نزدیک کاشان است.

سیلک تنها نقطه‌ای است که در نجد «بلندی» که پیش از روزگار هخامنشی مدارک کهنی بدست آمده است تصور انسان در سیلک بسیار کهن‌تر از یونان است.

و همچنین استحکامات جنگی و نیروی دفاعی دهکده ما قبل تاریخی سیلک به حدی برتری داشت که نه تنها با امرای محلی می‌جنگید بلکه در برابر سپاهیان دول بزرگ غرب مخصوصاً آشوری‌ها مقاومت و جنگ می‌کرد.

در ناحیه سیلک بهتر از سایر نقاط ایران می‌توان سیر تدریجی تمدن بشر را مشاهده کرد و چنین بنظر می‌رسد که این نقطه یکی از کهن‌ترین نقاط ایران است که تمدن در آن کشور نشو و نما کرده است.

هنگامیکه نواحی شمال دنیای کهن را یخچال‌های دائمی فراگرفته بود در ایران بارانهای بسیار شدید و سیلابهای فراوان دائمی وجود داشته دریاچه‌های بزرگ در آن تشکیل شده بود.

رفته رفته آب دریاچه مرکزی خشک و جلگه‌های حاصلخیز مبدل به زمین‌های شوره زار گشت. در نتیجه مردم پیش از تاریخ، جلگه‌های نامبرده را ترک کرده چشمه‌ها و نواحی آب خیز، مانند اطراف چشمه فین را برای سکونت برگزیدند و در همین روزگار است که تپه‌های شمالی سیلک مورد سکونت قرار گرفته باین ترتیب باید چنین تصور کرد که هزاران سال پیش از تشکیل اولین شهر در سرزمین ایران مردمی دراین سرزمین می‌زیسته‌اند.

چنین معلوم می‌شود که در اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد مردم سیلک مس را می‌شناختند در حالیکه ساکنان این ناحیه روبه ترقی و تکامل می‌رفتند یک تغییر و انقلاب بزرگ و ناگهانی زندگی آنانرا در هم ریخت و این پدیده فوق العاده مانند زمین لرزه، جنگ یا آتش سوزی بقدری شدید بوده که مردم خانه‌های خویش در تپه شمالی را بکلی رهاکرده و یک قشر لایه کلفت خاکستر هم روی ویرانه‌ها را پوشانیده بود. اما همین که مجدداً دوره سوم سیلک آغاز می‌گردد کوزه‌گری و فلزکاری درین دوره بترقی شایانی نایل می‌شود تا آنکه در دوره چهارم مورد هجوم قبایل غربی قرار گرفته و یکباره زیر نفوذ و

استیلای عیلامی‌ها می‌رود.

از تحقیقات انجام شده چنین بر می‌آید که چشمه فین از حدود هفت‌هزار سال پیش تاکنون مورد استفاده بوده و هر بار که سیلک ویران گشته باز به برکت همین چشمه دوباره سیلک آبادان گشت، در آخرین مرحله که ساکنان بومی در زیر توده‌های خاکستر آتش سوزی بوسیله مهاجمان از میان رفتند یا گریختند مهاجمان جای بومیان را گرفته و در ناحیه فین کنونی ماندگار گشتند. علاوه‌برین در اطراف چشمه‌های کوچک آنحدود مانند آران دشت، بیدگل، نوش‌آباد، نیاسر، ورزآباد و غیره ماندگار شدند.

سده‌های بسیار از سرگذشت وسرنوشت سیلک و آن نواحی اطلاعات چندان درستی در دست نیست و طبق یک روایت دینی مسیحی که در آن بحقانیت مسیح سخن بمیان آمده چنین سخن رفته: «سه نفر مغ دانشمند زردتشتی که هنگام تولد حضرت عیسی (ع) با هدایای مقدس و گرانبهائی رهسپار به بیت المقدس شدند از شهر کاشان برخاسته و مبدأ عزیمت آن دانشمندان زردتشتی بدین سفر مقدس، شهر کاشان بوده است.»

طبق روایات اسلامی:کاشان در اواخر ساسانی واجد چنان اهمیت و آبادی بوده که توانسته بود سپاهی از سربازان جنگجو بفرماندهی شیرزاد فرمانروای آنجا به میدانهای نبرد با تازیان بفرستد.

هچنین ایستادگی و سر سختی مردم آندیار در برابر سپاهیان ابوموسی اشعری سردار فاتح عرب دلیل واضح مسلمی است بر اینکه در آن روزگار یک جامعه بزرگ و منظم نیرومندی در نواحی کاشان استقرار داشته است.

ابوموسی اشعری که ازگرفتن کاشان نومید شد کوزه‌هائی از عقربهای نصبین را بدرون شهر روانه کردو مردم از این جانوران موذی بجان آمده و تسلیم شدند و اعراب پس از تسلیم شدن بدان تاختند مردم را کشتند، همه اموال و احشام را غارت کردندو جنگجویان را باسیری گرفتند.

پس از اینکه تازیان بر منطقه کاشان چنگ انداختند و مردم این سامان برج و بارو و حصار شهر نداشتند بآسانی مورد مهاجمان بودند تا اینکه یکی از آبادی‌های چهل حصاران را که مکان کنونی کاشان بود مستحکم کردند و به گفته برخی زبیده همسر هارون‌الرشید دستور ساختن برج و باروی شهر کاشان را داد.

تازیان در طول سلطه خویش بر ایران همیشه قیامهای مردمی را باخشونت بسیار در هم می‌شکستند و مردم را می‌کشتند و دارائی‌های آنان راغارت می‌کردند. تا اینکه مرداویج ۱۶ ـ ۳۱۵ هـ ق به دشمنی تازیان برخاست و نواحی مرکزی ایران تا کاشان و اصفهان را تصرف کرد و خاندانش مدت یک قرن بر این سامان فرمان راندند و آنگاه آل بویه بر نواحی مرکزی ایران دست یافتند.

بنوشته ابن رسته که از مردم اصفهان بود «از جمله روستاهای اصفهان دو بخش سردسیر و گرمسیر کاشان که جایگاه آزاد مردان ولا گهر و خداوندان دانش و هنر می‌باشد و هم در آنجا قبیله‌ای تازی نژاد از قوم همدان اهل یمن می‌زیستند و این دو بخش بمنزلهٔ حدی ما بین حوزه‌های عمال قم و اصفهان است.

در ۲۳۹ هـ ق و در ۳۴۶ زمین لرزه و در ۳۴۷ وبانواحی کاشان و اصفهان و ... را آسیب فراوان رسانید.

با روی کار آمدن عضدالدوله دیلمی کاشان رو به رونق و آبادانی نهادو از ۳۶۶ تا ۳۷۳ هـ ق مؤید

الدوله دیلمی فرمانروای اصفهان و کاشان گردید و صاحب ابن عباد وزیر نیز در ترویج دانش کوشید.

بنوشته کتاب مرآت البلدان: «کاشان بلدی است واقع در حد بیابان این شهر عظیم الاسم و قدیم‌الرسم می‌باشد. اطراف آن مزارع وقرای خوب وقنوات عدیده و میاه کثیره دارد. اهالی کاشان با صداقت و دانشمند مخصوصاً در حرف و صنایع و ساختن ظروف مسین و درین بلد معدن سنگ مرمر و لاجوردی دیدم که معدنی بخوبی آن در هیچ بلدی ندیده‌ام...

در اوایل سده پنجم علاءالدوله کاکویه فرمانروای کاشان و اصفهان گشت و در آبادانی قلمرو خویش کوشید.

بنوشته کتاب حدود العالم: «کاشان شهری است بسیار نعمت و از آنجا دبیران وادیبان خیزند».

با روی کار آمدن سلجوقیان کاشان شهری صنعتی و پر اهمیت گشت. آورده‌اند که ابو لؤلؤ که عمر را کشت از مردم کاشان بود و چون به کاشان گریخت مورد محبت و مهر مردم این سامان قرار گرفت.

ابن حوقل چنین آورده است: «کاشان (قاسان) شهرکوچکی است و بناهای آن از گل ساخته شده و همهٔ شهرهای جبال جزری چنین است».

مقدسی درباره کاشان نوشته است: «کاشان را شهری نامور وکهنسال در مرکز کویر می‌دانست وگفت:«پیرامون آن کشتزارهای آباد و کاریزهای فراوان دارد. در ساختمان قمقه ماهرند ... مرکز هلوی خوب است. عقربهای شگفت‌انگیز دارد.

در تقویم البلدان آمده است:«کاشان شهری است پر نعمت در وسط بلاد جبل خراجش بخراج قم افزوده شود.» و بنقل از اللباب کاشان شهری است نزدیک قم و مردمانش شیعی هستند و جماعتی از علما بدان منسوبند.

حمدالله مستوفی آورده است: بنای شهر را به زبیده همسر هارون‌الرشید نسبت داده است برظاهر قلعه‌ای گلین است که آن را فین خوانند. هوایش گرمسیر و آبش از کاریز فین ورودی است که از قهرود و نیاسرآید...)

در نیمه دوم قرن نهم و اول قرن دهم پارچه‌های ابریشمی کاشان شهرت بسیار داشت و شهر نیز پرجمعیت بود. در نیمه دوم قرن دهم زمین لرزه بآن سخت آسیب رسانید. در ۱۱۹۲ نیز زمین‌لرزه به کاشان بیش از پیش آسیب رسانید تا اینکه در روزگار کریمخان بازارش رونق یافت و خندقی بدور شهر کشیدند.

بنوشته شاردن «در هیچیک از شهرهای ایران، مصنوعات و منسوجات مخمل و حریر و تافته و ابریشم و قطعات زربفت و سیم بفت و زری‌های ساده و گلدار و ابریشمی بیشتر ازکاشان و حومه تهیه نمی‌گردد. تنها در یکی از نقاط حومه شهر، هزار نفر کارگر ابریشم بافت کار میکنند. این آبادی آران نام دارد. در فاصله دو فرسخی شهر واقع و از دور همچون شهر زیبائی جلوه‌گراست. دو هزار باب خانه و باغچه و ششصد باغ زیبا دارد.

توماس هربرت در ۱۶۲۸ درباره کاشان چنین گفته است:«کاشان را از حیث عظمت وثروت و زیبائی حقا میتوان دومین شهر ایران نامید. سکنه‌اش قریب ۴۰۰۰ خانوار میباشند.خانه‌ها خوب ساخته شده و داخل بسیاری از آنها گچبری و نقاشی شده است. مساجد و امامزاده‌ها دارای گنبدهای زیبا و برنگ فیروزه‌ای می‌باشد. بازار کاشان خیلی بزرگ و یکنواخت و انباشته از انواع منسوجات ابریشمی و زری‌دوزی و پشمی است

که از حیث بافت و رنگ آمیزی در دنیا بی‌نظیر است. کاروانسرای این شهر بسیار عالی و از تمام کاروانسراهائی که ما در ایران دیدیم بهتر است.»

در تاریخ اجتماعی کاشان آمده است: کاشان مقر قبایل کاسو یا کاشو بوده کلمه کاسو یا کاشو رفته رفته تبدیل به کاسیان کاشیان و سرانجام کاشان شده‌است.

چون نخستین جایگاه آبادانی این ناحیه به دستور شاهان کیانی در کنار چشمه فین کاشان ساخته شده آنرا کی‌آشیان یعنی جای شاهان گفته‌اند.

کاشان از اسامی بتخانه‌هاست و بمعنی نوعی از مسکن می‌باشد که اسم خاص شهر شده است کاشان به خانه‌های تابستانی گفته می‌شود که از چوب و نی ساخته شده است.

کاشان به لغت‌های قدیم معبد و جای جشن و ... بوده است.

بافت تاریخی کاشان: در مجموعه بافت تاریخی و قدیمی کاشان آثار فعالیتهای وسیع و همه جانبه‌ای در فنون مختلف معماری دیده می‌شود که آمیخته با شرایط خاص اقلیمی بوده که با هنرهای سنتی و مصالح محلی آراسته شده است.

در قلب بافت تاریخی، بازار در محور اصلی قرار داشته ومحلات مختلف در دوسوی آن شکل گرفته‌اند. بین محله‌ها، کوچه‌های تنگ پیچ در پیچ به میدانی گشوده می‌شوند. محلات هر یک دارای مسجد، حسینیه، آب‌انبار وگرمابه و بازارچه بودکه در محلات بزرگ به چند برابر می‌رسید. واحدهای مسکونی تنگاتنگ دارای دیوارهای بلند با اتاقهای زمستانی و تابستانی بود.

آثار تاریخی کاشان: بدون شک کاشان پس از اصفهان و شیراز و یزد، از نظر کثرت آثار و ابینه تاریخی در صدر است. بهمین جهت همواره مورد توجه محققان داخلی و سیاحان خارجی بوده و آنان در کتب خود به کرات از گنجینهٔ آثار تاریخی این شهر یادکرده و تصاویر ارزنده‌ای نیز به یادگار گذاشته‌اند.

بقعه سلطان میراحمد: این بقعه در محله‌ای به همین نام، و در خیابان امام خمینی کوچه زیارت قرار دارد و از آثار دوره صفوی به شمار می‌رود. بنا دارای گنبد هرمی شکل، سردر، صحن و ایوان و دو مناره کاشیکاری است. تاریخ ساختمان این بقعه طبق کتیبه کاشی، سال ۹۴۱ هجری قمری است. این بقعه دارای ۵ در نفیس چوبی است که در نهایت ظرافت حکاکی شده و مورخ به سالهای ۹۴۱، ۹۳۳، ۹۱۵، ۱۲۴۱ هجری است.

بقعه سلطان عطابخش: بقعه سلطان عطابخش در خارج دروازه قدیم اصفهان و در خیابان ملاحبیب‌الله شریف واقع شده و بنای اولیه آن طبق نظر باستان شناسان، متعلق به دوره آل بویه می‌باشد.

بقعه چهل دختران: در سمت غرب بقعه سلطان میر احمد و به فاصله صدمتری آن قرار دارد و از آثار قرن هشتم هجریست. در داخل گنبد آثاری از تزئینات کاشی دیده می‌شود.

بقعه ابولؤلؤ: به فاصله دویست متری از خیابان امیر کبیر واقع شده است. تاریخ بنا معلوم نیست لیکن با توجه به تاریخ مندرج بر روی کاشی های روی قبر می‌توان آنرا به دوره ایلخانی نسبت داد.

گنبد و ایوان از آثار دوره صفویه است ولی در دوره قارجاریه، در زمان حکمرانی حسنقلی‌خان برادر فتحعلیشاه و هم چنین توسط محمد حسن‌خان رخت دار حاکم کاشان، در زمان ناصرالدین شاه مرمت شده است.

بقعه شاهزاده ابراهیم: در کنار خیابان امیرکبیر قرار دارد و از آثار دوره قاجاریه است. این بنا دارای گنبد کاشیکاری با دو گلدسته مرتفع، صحن وسیع و با صفا، ایوان آئینه کاری و حرم مزین به گچبری و آئینه کاری و نقاشی است.

بقعه و تکیه طاهر و منصور: از مهمترین تکایای تاریخی کاشان تکیه سرپوشیده طاهر و منصور، در گذری بهمین نام است. طبق نوشته تاریخ قم مدفونین بقعه طاهربن ابوالقاسم بن زید بن‌حسن ابن علی (ع) و فرزندش ابومنصور است.

برفراز بقعه گنبد و گلدسته‌ای کاشیکاری دیده می‌شود. کتیبه روی در تاریخ ۱۱۱۰ هجری را نشان می‌دهد.

بقعه میرنشانه: این بقعه درگذر سه سوک پاقپان و در خیابان محتشم کوچه پاقپان قرار دارد و از آثار دوره صفویه می‌باشد. بنا دارای کتیبه کاشی فیروزه‌ای هرمی شکل است.

علاوه بر شهر کاشان حومه و روستاهای اطراف نیز سرشار از بناهای تاریخی زیباست . از جمله می‌توان به بقعه سلطان علی‌بن محمد باقر در مشهد اردهال، بقعه پیرداوود، بقعه بابا افضل در مرق، بقعه بی‌بی‌شاه زینب در ۳۰ کیلومتری شهر کاشان، بقعه امامزاده محمد و محمد اسماعیل در دروازه امامزاده محمد اوسط در جوشقان، آرامگاه محتشم، قاضی اسد در شهر کاشان اشاره کرد.

مجموعه باباولی: این مجموعه شامل حمام آقا، آب انبار، بازارچه و مسجدمی‌باشد درگذر باباولی واقع شده است مسجد باباولی مشتمل بر صحن وسیع، دو شبستان و دو ایوان ا ست که با کاشی‌های هفت رنگ دوره قاجاریه تزئین شده است.

حمامهای سلطان میراحمد: این مجموعه که از دو حمام بزرگ و کوچک تشکیل شده در جنب خانه بروجردیها و بقعه سلطان میر احمدواقع است. این دو حمام در سال ۱۲۹۲ هجری ساخته شده و دارای سردری کاشیکاری است.

حمام خان: حمام عبدالرزاق خان در بازار بزرگ شهر قرار دارد و در سال ۱۱۸۲ هجری ساخته شده و دارای سردری کاشیکاری، جلوخان زیبا، سربینه‌ای وسیع مزین به کاشیهای فیروزه‌ای می‌باشد.

حمام میرعماد: این بنا که از آثار خواجه عمادالدین محمود شیروانی است، در میدان فیض قرار دارد.

حمام ملاقطب: از جمله حمامهای بزرگ و جالب کاشان است که در نزدیکی مسجد و مدرسه آقا بزرگ قرار دارد. این حمام در سال ۹۶۶ هجری توسط مولانا قطب‌الدین محمد، از دانشمندان قرن دهم ساخته شده است.

مجموعه بازار: از جمله مهمترین آثار تاریخی و دیدنی کاشان مجموعه بازار قدیم این شهر است که بواسطه معماری با شکوه، تعداد مغازه‌ها و سراها، مساجدو حمامها قلب تپنده اقتصادی، اجتماعی شهر به حساب می‌آید. بنای اولیه بازار از آثار عهد صفویه بوده است که در اثر زلزله ۱۱۹۲ هجری ویران گردید، لیکن سه سال بعد مجدداً احیاء و بازسازی گردید. در زمان فتحعلیشاه نیز سراها و تیمچه‌ها و بازارچه‌های متعدد ساخته شد.

تیمچه امین‌الدوله: از زیباترین بناهای مجموعه بازار تیمچه امین‌الدوله است. در چهار سوق بازار واقع شده است. بانی آن فرخ خان غفاری کاشی ملقب به امین‌الدوله است که در سال ۱۲۸۵ آنرا احداث کرده است.

خانه‌های کاشان: علاوه بر بناهای تاریخی،

مذهبی کاشان، این شهر دارای خانه‌های وسیع و قدیمی با تالارهای بزرگ با تزئینات گچبری، نقاشی و آئینه کاری است و به قول توماس هربرت انگلیسی: خانه‌های شهر کاشان بزرگ و عالی و با نقش و نگارهای دلپذیری تزئین گشته است.

این ساختمانهای با شکوه و مفصل عموماً متعلق به زمان قارجاریه و بعضاًاز آثار دوره صفویه‌اند.

خانه بروجردی: یکی از زیباترین خانه‌های کاشان است که توسط جعفر نطنزی یکی از بازرگانان دوره قارجاریه ساخته شده است.

خانه طباطبائی: در محله سلطان میر احمد واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به حساب می‌آید.این بنا در طرف شمال دارای زیرزمینی بزرگ با سقف گنبدی و کادربندی گچی زیبائی است.

مجموعه قلعه جلالی و یخچالهای مجاور: از آثار سلطان جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۵۶) است که در سمت غرب شهر کاشان و متصل به باروی شهر ساخته شده و امروزه در کنار خیابان بخارائی قرار دارد.

قلعه دارای حصار و باروئی ضخیم با هشت برج مدور و مرتفع است. قطر حصار نزدیک ۶ متر در سطح زمین و نزدیک به چهار متر در بالای حصار است.

حصار قدیم کاشان: حصار قدیم کاشان در سمت جنوب غربی شهر کاشان قرار دارد. که در حال حاضر فقط قسمتی از آن در سمت جنوب شرقی در فواصل دروازه‌های اصفهان تا درب فین به صورت برجهای مدور به چشم می‌خورد.

مسجد ومدرسه آقا: این بنا که از مدارس مشهور کاشان است باگنبد عظیم و دو مناره کاشیکاری در حال حاضر بلندترین ابینه تاریخی کاشان محسوب می‌شود.

مدرسه آقا در سال ۱۲۴۸ هجری توسط حاج محمد تقی خانبابا ساخته جهت ادای نماز جماعت ومحل درس و بحث حاج ملاهادی نراقی ملقب به آقا بزرگ ساخته شده است.

این مدرسه که در خیابان فاضل نراقی واقع شده، دارای شبستانهای زمستانی، صحن زیبای دو طبقه، حجرات متعدد می‌باشد. در داخل یکی از ایوانهای غربی قبور متولیان پیشین مسجد قرار دارد.

مسجد جامع: مسجد جامع که یکی از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی کاشان است در خیابان باباافضل کوچه میدان کهنه واقع شده‌است. این بنا دارای گنبدی آجری با مقصوره و ایوان مرتفع، صحن وسیع، شبستانهای بزرگ تابستانی و زمستانی می‌باشد. مناره آجری مسجد تنها قسمت باقی مانده تاریخ دارکاشان از عهد سلجوقی است.

کتیبه آجری به خط کوفی به تاریخ ۴۶۶ هق بر بدنه مناره آجری این مسجد جامع که در شمال شرقی آن ساخته شده است دیده می‌شود.

این جامع در ۱۱۹۴ هـ ق بوسیله استاد باقر اصفهانی تعمیر شده و در ۱۱۹۶ هـ ق با استنباط از اشعار هاتف اصفهانی تعمیر گشت.

از نوشته‌ای بدین مضمون بعد از خرابی زلزله باعث و بانی تعمیر عبدالرزاق خان کتبه عبدالکریم ۱۲۰۷ چنین استنباط می‌گردد که این بنا در تاریخ ۱۲۰۷ هـ ق تعمیر اساسی گردید.

منار زین‌الدین: بانی این مناره، خواجه زین‌الدین یکی از برادران خواجه عمادالدین محمود بوده که در نیمه دوم قرن نهم هجری ساخته شده است. این مناره در اثر زلزله سال ۱۱۹۲ هجری خمیده شد و تا سال ۱۳۱۰ هجری شمسی به همان

صورت باقی ماندلیکن در این سال به دستور فرمانداری و شورای شهر، بیش از نیمی از ارتفاع آن را ویران نمودند. منار زین‌الدین درکنار خیابان ملاحبیب‌اللّه شریف قرار دارد.

مدرسه و مسجد امام خمینی (سلطانی): یکی از بناهای زیبا و معروف شهر کاشان است که درگذر نو (خیابان محتشم) واقع شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود. این بنا از لحاظ دارا بودن سردر،گنبد عظیم آجری و شبستانهای وسیع و حجرات اطراف و کاشیکاریهای زیبا بی‌نهایت جالب است.

ساختمان مدرسه در سال ۱۲۲۱ هجری توسط میرزاابولقاسم اصفهانی حکمران کاشان شروع شد و در سال ۱۲۲۹ پایان یافته است. ایوان بزرگ و اصلی بنا باکاشیهای هفت رنگ مزین شده است.

مسجد میر عماد: این مسجد که در جنوب میدان فیض و درکنار بازار بزرگ شهر کاشان واقع شده در سال ۸۶۸ هجری درزمان جهانشاه قراقویونلو، توسط وزیراو خواجه عمادالدین محمود ساخته شده است. مسجد دارای سر دری عالی و زیبائی با مقرنسکاری‌های گچی است. در زیر گنبد بزرگ مسجد منبری بزرگ با شش پله مزین به کاشیهای معرق قرار دارد. این منبر از آثار عهد سلطان ابوسعید گورکان می‌باشد. در این مسجد فرمانهای متعددی از پادشاهان بر روی الواح سنگی نقر گردیده است.

مسجد تبریزیها: این مسجد در بازارچه ملک واقع شده و از آثار حاج محمد حسن تبریزی مورخ به سال ۱۲۱۳ هجری است. این مسجد دارای سردری کاشیکاری و شبستانی بزرگ می‌باشد.

مسجد وزیر: یکی از بناهای شاه عباس دوم است که در سال ۱۰۵۵ هجری احداث شده است. مسجد دارای صحن و ایوانهای مزین به کاشی است.مسجد وزیر در کوی دروازه اصفهان قراردارد.

مسجد و مدرسه درب یلان: این مسجد در گذر درب یلان واقع شده و از آثار حاج میرمحمد علی کاشانی مورخ به سال ۱۲۳۶ هـ ق است.

بقعه حبیب بن موسی: بقعه حبیب بن‌موسی بن جعفر واقع در کوی پشت مشهد کاشان، از زیارتگاههای معتبر و قدیمی به شمار می‌رود. ساختمان اصلی متعلق به قرن هفتم هجری است که در دوره صفویه مرمت و بازسازی شده است. بقعه مشتمل بر گنبد کاشیکاری، دو مناره زیبا، ایوان وصحن است. مرقد حبیب بن موسی، مزین به کاشیهای کوکبی شش ضلعی منقش به نقوش طلائی از دوره مغول است. سنگ قبر شاه عباس صفوی در سمت راست بقعه قرار دارد از نفایس هنر حجاری به شمار می‌رود.

نقاط دیدنی کاشان: علاوه بر بناهای تاریخی کاشان دارای نقاط دیدنی و گردشگاههای مفرح است که از آن میان می‌توان به پارکهای امام خمینی، پارک جنگلی، پارک ملافتح الله اشاره کرد. باغ فین نیز از تفرجگاههای، کاشان به شمار می‌آید.

- باغ فین و کاخ تاریخی فین: از دیگر نقاط دیدنی و با ارزش تاریخی استان اصفهان باغ فین کاشان است.که در ۶کیلومتری جنوب کاشان و در مجاورت روستای فین قرار دارد. باغ فین از معدود باغ‌های سنتی ایران است که صدها سال به واسطه‌ی برکت چشمه سلیمانیه پابرجا باقی مانده است.

فضای تاریخی باغ فین با درختان کهنسال، برج‌های قدیمی، استخرها، جویباران فراوان و فواره‌های طبیعی که به فواره‌ی سلیمانی معروف است، یکی از زیباترین گردشگاه‌های ایران به شمار می‌آید. موزه‌ی ملی کاشان بنای جدیدی است که در ضلع شمالی باغ فین احداث شده است.

این موزه از یک طبقه شامل چند تالار بزرگ و کوچک و یک زیر زمین نسبتاً وسیع تشکیل شده است و دارای بخش‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و صنایع دستی است.

عتیقه‌های بخش باستان‌شناسی آن حاصل حفاری‌های انجام شده در تپه‌ی سیلک، چغازنبیل، حسنلو، لرستان و... است.

باغ شاه، فین: این مجموعه یکی از مهمترین بناهای تاریخی کاشان به حساب می‌آید که به علت وفور آب چشمه سلیمانی، باغ مشجر زیبا، حوضها و استخر و فواره‌های فراوان و ساختمان حمام تاریخی (قتلگاه امیرکبیر) شهرت دارد.

شترگلوی شاه عباسی که از آثار دوره صفوی است به صورت بنای دو طبقه‌ای می‌باشد که در وسط باغ واقع شده و در وسط آن حوض کاشیکاری زیبائی وجود دارد. دیوار و سقف این بنای زیبا را با نقاشی‌های جالب متشکل از دورنمای شکارگاه و تصاویری از شاهزادگان زینت داده‌اند.

بنای دیگر باغ فین، شترگلوی فتحعلیشاه است که در سال ۱۲۲۱ هجری ساخته شده است. عمارت کریمخانی و حمام معروف فین از بناهای دیگر این مجموعه زیبا هستند. حمام فین دارای سربینه و خزینه می‌باشد. سکوت وهم انگیز حمام مظلومیت بزرگ مرد ایران امیر کبیر و قساوت و خیانت مستبدین و ظالمان راتداعی می‌کند.

در قسمتی از باغ عمارت بزرگ موزه ساخته شده و از دو قسمت اصلی باستان شناسی و مردم شناسی و بخش کوچکی که اختصاص به هنرهای سنتی دارد تشکیل شده است.

صنایع دستی: آوازه شهرت صنایع دستی کاشان دراغلب منابع تاریخی مشهود است. مخمل و تافته و زری و اطلس و پارچه ابریشمی کاشان از قدیم معروف بود تا جائی که ولتر نویسنده فرانسوی، شهر کاشان و منسوجات ابریشمی آنرا با شهر صنعتی لیون همدوش و برابر شمرده است. نام کاشان نیز با قالی آن همراه بوده و قالیهای ابریشمی آن با بافت ظریف و زیبا از معروفیت خاصی برخوردار است.

گلاب قمصر کاشان نیز یکی از ره‌آوردهای کاشان است که از لحاظ مرغوبیت و بو، شهرت جهانی دارد.

کبوتر شرخ: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چادگان و مرکز این دهستان رزوه می‌باشد.

کچو: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن کچو مثقال است.

کرارج: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن دشتی است.

کرچمبو جنوبی: از دهستان‌های بخش بوئین و میاندشت شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز این دهستان بلطاق است.

کرچمبو شمالی: از دهستان‌های بخش بوئین و میاندشت شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز آن کرچ می‌باشد.

کرکس: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

نطنز استان اصفهان و مرکزش طامه است.
کرکوند: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکزش کرکوند است و مرکز شهری آن طالخونچه می‌باشد.
کرون: از بخش‌های شهرستان تیران و کرون و مرکز این بخش شهر عسگران و دارای دو بخش: ۱ـکرون علیا، ۲ـکرون سفلی است.
کرون سفلی: از دهستان‌های بخش کرون شهرستان تیران و کرون استان اصفهان و مرکزش افجان است و مرکز شهری آن عسگران است.
کرون علیا: از دهستان‌های بخش کرون شهرستان تیران و کرون استان اصفهان و مرکزش عسگران است.
کنار رودخانه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گلپایگان استان اصفهان و مرکزش سعید آباد است و مرکز شهری آن گوگد می‌باشد.
کوهپایه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش استرک است و مرکز شهری آن مشکات می‌باشد.
کوهپایه (بخش): از بخش‌های شهرستان اصفهان استان اصفهان است که از شمال به شهرستان اردستان، از شمال خاوری به شهرستان نایین از خاور به شهرستان اردکان، از جنوب به بخش جرقویه و از باختر به حومه اصفهان و شهرستان برخوار و میمه محدود می‌باشد.
وسعت این بخش ۴۸۰۰ کیلومتر مربع است که ناهمواری‌های این بخش شامل دو منطقه است: ۱ـ منطقه هموار (دشت زاینده‌رود) - از کویر سگزی تا باتلاق گاو خونی ادامه دارد. بیش از ۸۰ کیلومتر از (پایین رود) زاینده رود در جنوب این قسمت جریان می‌یابد ۲ـ منطقه بلند - کوه‌های مرکزی ایران در سراسر شمال توده مارشنان قسمتی از مشرق این بخش را پدید آورده، آب و هوای این منطقه مانند دهستان جَبَل، زمستان‌ها سرد و تابستان‌ها معتدل، بارندگی آن کم و دارای پوشش گیاهی استپی و بیشتر از نوع گون است. آب آن کمتر شور است. کتابهای درسی
شهر کوهپایه مرکز بخش کوهپایه ویر نام داشت که به معنی حافظه، هوش و ادراک و بعدها تبدیل به قهپایه به معنی محکم و استوار و آن گاه تبدیل به کوهپایه شد.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر کوهپایه و شهرهای دیگرش سگزی و تودشک و دارای ۴ دهستان ۱ـ تودشک ۲ـ جبل ۳ـ زفره ۴ـ سیستان است. شهر سگزی در ۱۳۷۷/۳/۲۳ به صورت شهر اعلام شد.
رودها: ۱ـ رودهای فصلی کم اهمیت ۲ـ رود زاینده رود که در نواحی جنوبی بخش کوهپایه روان است.
کوه‌ها: بخش کوهپایه از دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای پدید آمده، مناطق شمالی کوهستانی، قسمتی از رشته کوه‌های کرکس را در بر گرفته و کوه‌های مهمش در بخش کوهپایه ۱ـکوه جبل (به بلندی ۳۳۳۰ متر) ۲ـ کوه مارشنان (به بلندی ۲۸۰۰ متر)
کان‌ها: معدن سنگ گچ سگزی در ۳۳ کیلومتری باختر کوهپایه
آب و هوا: معتدل و خشک، نیمه بیابانی و دارای بارندگی کم و پوشش گیاهی آن کوتاه زیرا آب‌های زیرزمینی شور است و در قسمت مرتفع زمستان‌ها سرد و تابستان‌ها معتدل، بارندگی کم، آب‌های زیرزمینی شیرین است.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک، ون و گز - گیاهان دارویی: شیرین‌بیان، پونه و شاه تره - پوشش گیاهی چرای دام
جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بزکوهی، روباه، شغال، گرگ، کبک، تیهو
اقتصاد: برکشاورزی، صنایع کارخانه‌ای و دستی، دامداری استوار می‌باشد و در قلمرو زاینده رود کشاورزی پررونق و روستاهای آبادان دارد. نوع کشت دیمی در شمال و آبی و در جنوب بخش است.
فرآورده‌ها: جو، چغندر قند، پنبه، بنشن، بادام، گردو، میوه‌های سر درختی - تولیدات دستی و کارخانه‌ای ۱ـ قالی و قالیچه ۲ـ ماشینی، نخ‌های بافندگی ۳ـ پارچه‌های کتانی ۴ـ پشم‌ریسی ۵ـ لوله پلاستیکی ۶ـ قند حبه ۷ـ آجر
کوه دشت: از دهستان‌های بخش مرکزی نیاسر شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش ارمک است.
کوهسار: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خوانسار استان اصفهان و مرکز آن رحمت‌آباد است.
کوهستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش بلان است.
کویر: از دهستان‌های بخش کویرات شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان و مرکزش حسین آباد است.
کویرات: از دهستان‌های بخش کویرات شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان و مرکزش ابوزید آباد است.
کویرات: از بخش‌های شهرستان آران و بیدگل و مرکز آن شهر ابوزید آباد و دارای دو دهستان: ۱ـ کویرات، ۲ـ کویر است.
کهرویه: از دهستان‌های بخش سمیرم سفلی شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکزش کهرویه است.
گاوخونی: از دهستان‌های بخش بن رود شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن قورنان است
گرکن: از دهستان‌های بخش گرکن جنوبی شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکزش زیبا شهر می‌باشد.
گرکن جنوبی: از بخش‌های شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکز این بخش شهر خولنجان و دارای دو بخش: ۱ـ گرکن، ۲ـ نورآباد است.
گرکن شمالی: از دهستان‌های بخش پیربکران شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکز آن پیربکران است.
گرمسیر: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکزش موغار است.
گلاب: از دهستان‌های بخش برزک شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش ازوار است.
گلپایگان ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان گلپایگان استان اصفهان و مرکز آن شهر گلپایگان و دارای ۳ دهستان: ۱ـ جلگه، ۲ـ نیوان، ۳ـ کنار رودخانه است.
گلپایگان (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به شهرستان خمین، از جنوب به شهرستان خوانسار و شهرستان فریدن، از خاور به میمه اصفهان و از باختر به شهرستان الیگودرز محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر گلپایگان است و دارای یک بخش مرکزی و سه دهستان است ۱ـ جلگه ۲ـ نیوان ۳ـ کنار رودخانه

شهرستان گلپایگان در فاصله ۳۵۲ کیلومتری تهران و در ارتفاع ۹۲۴ متری از سطح دریا و در ۲۳ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی قرار گرفته و حدود ۲۴۲۱ کیلومترمربع مساحت دارد.
اطراف منطقه گلپایگان راکوه‌های نسبتاً بلندی آن را در میان گرفته و فرسایش چندانی در این ناحیه صورت نگرفته در شمالش کوه الوند و در خاور بلندی‌های دیگری است که بلندترین قله‌اش قله صالح پیامبر و در سراسر باختر این شهرستان را کوهستان‌هائی از جمله کوه جمال فرد و هوای پوشانیده است.
آب و هوا: در بخش‌های کوهستانی، آب و هوایی سردسیری و در جلگه‌ها، معتدل دارد. حداقل سرما در زمستان‌ها ۲۱ درجه زیر صفر و در تابستان‌ها که گرم و خشک است گرما به ۳۷/۵ درجه بالای صفر می‌رسد. میزان بارندگی این سامان حدود ۲۰۰ میلی متر در سال است.
رودها: ۱ـ رود گلپایگان است که از کوه‌های فریدونشهر سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن شاخابه‌هایی به آن از ناحیه خوانسار و روستاهای منطقه عربستان، به طرف دریاچه قم روان می‌گردد و در ۲۲کیلومتری جنوب غربی شهر سدی خاکی برافراشته‌اند تا از آب ذخیره شده پشت سد ۵۵۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی را آبیاری نمایند.
پوشش گیاهی: در بخش‌های کوهستانی استپ کوهی همراه با انواع گون و از باختر به سوی خاور رو به کاهش است. صنوبر، بید، زبان گنجشک، بلوط، نارون، توت، انجیر وحشی، کاج، سپیدار و درختانی چون سیب، گلابی، بادام، آلبالو، گیلاس وگردو زینت‌بخش منطقه و محصولات کشاورزی غلات، چغندرقند، سیب زمینی، علوفه، پنبه، صیفی جات است. ایرج افشار سیستانی
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان بادامک (بادام‌کوهی)، زرشک، انجیر وحشی، گز کویری (رودخانه‌ای) - گیاهان دارویی و صنعتی: آویشن، خاکشی، گل گاوزبان، گل ختمی، شیرین‌بیان، کاسنی، زرین‌کوه، گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران و پرندگان و آبزیان: قوچ، میش، کل، بز، آهو، شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک، تیهو، اردک، سار و ماهی قزل‌آلا
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی و صنایع ماشینی، پیشه‌وری، کارگری و کارمندی و کارهای خدماتی استوار است.
کشاورزی بیشتر آبی (به جز ۹ روستا) که دیم است منابع آب رود و سر گلپایگان چاه‌های ژرف و نیمه ژرف - فرآورده‌ها، گندم، جو، بنشن، چغندرقند، تنباکو و تره‌بار تولید می‌شود.
دامپروری: ۱ـ به صورت سنتی و پرورش گاو، گوسفند و بز ۲ـ گاوداری به شیوه صنعتی ۳ـ مرغداری ۴ـ پرورش زنبور عسل از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.
صنایع دستی: قالی‌بافی، گیوه‌دوزی، قلابدوزی، گلیم بافی و منبت‌کاری
صنایع ماشینی: ۱ـ صنایع فلزی: تولید یخچال، لباس‌شویی سطلی نیمه‌اتوماتیک، اتاق مینی‌بوس ۲ـ صنایع غیرفلزی: گچ، موزائیک و آجر ۳ـ صنایع شیمیایی و دارویی: تهیه و تولید انواع کیسه نایلونی، تولید لوله و پولیکا، تهیه انواع دارو و مواد شیمیایی ۴ـ صنایع نساجی: بافت انواع پارچه‌های پنبه‌ای و تهیه خامه قالی ۵ـ صنایع برق و الکترونیک ۶ـ صنایع سلولزی ۷ـ صنایع غذایی از

جمله پنیرسازی

شهرستان گلپایگان در مغرب کوهپایه‌های مرکزی ایران قرار گرفته و اطرافش را کوه‌های بلند در بر گرفته است که بلندی قله الوند به ۳۰۰۰ متر می‌رسد.

کوه‌ها: ۱ـ کوه الوند در فاصله ۵ کیلومتری ۲ـ انگشت لیس در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال باختری گلپایگان قرار گرفته‌اند. ۲ـ کوه دره سیب (به بلندی ۲۹۴۵ متر) در ۸ کیلومتری باختری شهر گلپایگان ۴ـ کوه ویلو (به بلندی ۳۲۸۵ متر) در ۲۸ کیلومتری جنوب باختری شهرستان گلپایگان ۵ـ کوه قلعه جمال در دو کیلومتری جنوب ۶ـ کوه حاجی ابراهیم در ۶ کیلومتری جنوب گلپایگان قرار گرفته‌اند ۷ـ کوه حاج قارا (به بلندی ۲۴۲۰ متر) در ۱۶ کیلومتری شمال خاوری ۸ـ کوه صالح پیغمبر (قله) در ۳۸ کیلومتری جنوب خاوری شهر گلپایگان قرار دارند.

گردنه هنده در ۲۷ کیلومتری باختری و گردنه مرغ در ۱۳ کیلومتری شمال گلپایگان می‌باشد.

در جنوب گلپایگان غار قلعه جمال در ۵ کیلومتری و تنگه غرقاب (خرقاب) در ۱۷ کیلومتری و تنگ فراخ (فراق) در ۳۰ کیلومتری باختری شهر گلپایگان قرار گرفته‌اند.

کان‌ها: ۱ـ معدن سنگ چینی در ۲۹ کیلومتری شمال خاوری گلپایگان ۲ـ معدن نقره در کوه الوند در ۸ کیلومتری ۳ـ معدن گچ در ۲۳ کیلومتری ۴ـ معدن طلای چاه باغ در ۳۸ کیلومتری قرار دارند.

گلستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فلاورجان استان اصفهان و مرکزش شرودان است و مرکز شهری آن کلیشاد و سودرجان می‌باشد.

لای سیاه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نائین استان اصفهان و مرکزش هماآباد است.

لنجان ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان لنجان استان اصفهان و مرکز آن شهر زرین شهر و دارای ۲ دهستان: ۱ـ آشیان، ۲ـ خرم رود است.

لنجان (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به بخش مارбین و شهرستان نجف‌آباد، از شمال خاوری و خاور به حومه اصفهان، از جنوب خاوری و جنوب به شهرستان شهرضا و از باختر به شهرستان شهرکرد محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر زرین‌شهر وشهرهای دیگر آن ۱ـ سده لنجان ۲ـ ورنامخواست ۳ـ چمگردان ۴ـ فولاد شهر ۵ـ زاینده‌رود و دهستان‌های بخش مرکزی ۱ـ آشیان ۲ـ خرم رود است.

رودها: زاینده رود که از کوهرنگ سرچشمه گرفته به مرداب گاوخونی می‌ریزد، بیشتر جاهای شهرستان لنجان را آبیاری می‌کند.

کوه‌ها: لنجان در محل جلگه‌ای قرار گرفته و تنها کوه‌های خش سفید (۲۴۵۰ متر) و جوزان (۲۳۹۶ متر) در شمال آن هستند. این شهرستان در طول و اطراف زاینده‌رود قرار گرفته، قسمت بالای رود را لنجان بالا و قسمت پایین را لنجان پایین گویند و در همه روستاهای این شهرستان از آب زاینده رود آبیاری می‌شوند.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش اصفهانی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: گیاهان دارویی، خاکشی، شاه تره و گل ختمی – پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، بزکوهی و کبک

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، قالیبافی و دامداری

استوار است.

کشاورزی این شهرستان با استفاده از آب زاینده‌رود و کاریزها و چاه‌های عمیق و ژرف و نیمه‌ژرف فرآورده‌هایی چون: گندم، جو، برنج، بنشن، تره‌بار، دانه‌های روغنی، گیاهان علوفه‌ای و انواع میوه سر درختی مانند سیب، گلابی، به، توت، گردو، فندق و انگور است.

قالی‌های لنجان از ارزش فراوانی برخوردار و از قالی‌های صادراتی است. دامداری و دامپروری (گوسفند، بز، گاو) به شیوه سنتی و مدرن هر دو انجام و دام و فرآورده‌های دامی از منابع سهم درآمد مردم این سامان است.

ماربین سفلی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خمینی شهر استان اصفهان و مرکز آن دستجرد غداده است.

ماربین علیا: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خمینی شهر استان اصفهان و مرکز آن کوشک است.

ماربین وسطی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خمینی شهر استان اصفهان و مرکز آن قرطمان است.

مبارکه ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکز آن شهر مبارکه و دارای ۳ دهستان: ۱ـ طالخونچه، ۲ـ دیزیچه، ۳ـ کرکوند است.

مبارکه (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان، مرکز این شهرستان شهر مبارکه و شهرهای دیگرش ۱ـ دیزیچه ۲ـ طالخونچه ۳ـ کوکوند و دارای یک بخش مرکزی است که سه دهستان دارد ۱ـ طالخونچه -۲ دیزیچه ۳ـ کوکووند

در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک و در ۲۱ کیلومتری جنوب اردستان و ۱۸ کیلومتری باختر جاده اسفالته اردستان - نائین و مرکز آن در ارتفاع ۲۱۸۵ متری از سطح دریا و کوه عرصه در مغرب آن قرار دارد. کشاورزی، دامداری، باغداری و فرشبافی از منابع درآمد مردم این سامان است.

کشت: آبی، آب کشاورزی، و آشامیدنی از کاریز

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، توت، سنجد، بادام، زردآلو، سیب، گلابی، انگور

پوشش گیاهی: گیاهان صنعتی و دارویی و علوفه برای چرای دام

جانوران: گرگ، روباه، شغال، کفتار و خرگوش

ویژگی‌های طبیعی: دشت مبارکه که به وسیله رشته کوه‌های متعدد احاطه شده از جمله ۱ـ کوه خولنجان ۲ـ طالخونچه ۳ـ کوه زرد ۴ـ کوه قلعه بزی

آب و هوا: چون تحت تأثیر آب و هوای کوهستان غرب (چهارمحال) و بیابان‌های داخلی است آب و هوای نیمه بیابانی دارد و به واسطه گذشتن زاینده رود از شمال شهرستان مبارکه موجب اعتدال نسبی آن می‌شود.

زاینده رود در مسیر خود از نیمه شمالی شهرستان مبارکه می‌گذرد و حدود ۲۰ کیلومتر از مسیر این رود در محدوده شهرستان مبارکه قرار دارد و منبع عمده تأمین آب کشاورزی منطقه است و از طریق کانالی که در ۲۴ کیلومتری غرب مبارکه نزدیک روستای چمگردان از این رود منشعب می‌شود که در آغاز به صورت چشمه‌ای از کوه‌های دشت مبارکه سرچشمه گرفته و به صورت رود فصلی وارد دشت مبارکه می‌شود از این گذشته کاریز و چاه‌ها در آبیاری منطقه از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتابهای درسی

محمود آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی

شهرستان اصفهان استان اصفهان و مرکز آن محمود آباد است.

مشهد اردهال: دارای آب و هوایی معتدل و در ۴۷ کیلومتری غرب کاشان و دارای امامزاده‌های چندی می‌باشد از جمله: ۱ـ سلطان علی ابن امام محمد باقر، ۲ـ امامزاده سلطان محمود علوی، ۳ـ قبر سهراب سپهری.

هر ساله در مشهد اردهال مراسم خاصی تحت عنوان قالی شویان برگزار می‌شود.

منظریه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکزش محمود آباد است.

مورچه خورت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان برخوارومیمه استان اصفهان و مرکز آن مورچه خورت است.

موسی آباد: از دهستانهای بخش دهاقان شهرستان سمیرم سفلی استان اصفهان و مرکزش موسی آباد است.

مهردشت: از بخش‌های شهرستان نجف آباد، مرکز این بخش شهر حسنیجه و دو شهر دیگر: ۱ـ دقه، ۲ـ علویچه و دارای دو دهستان: ۱ـ اشن، ۲ـ حسین آباد است.

میاندشت: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش مشکات است.

میمه (بخش): از بخش‌های شهرستان برخوار و میمه استان اصفهان است که از شمال به شهرستان‌های کاشان و محلات و از خاور به شهرستان نطنز، از جنوب به بخش برخوار و شهرستان نجف‌آباد و از باختر به شهرستان گلپایگان محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر میمه و دارای دو دهستان ۱ـ زرگان ۲ـ ونداده است.

رودها: رودهای فصلی متعددی چون ۱ـ رباط ۲ـ چاورک ۳ـ جوشقان ۴ـ دهلر ۵ـ محمودآباد دلقر از کوه‌های اطراف یا از بخش قمصر سرچشمه گرفته و در زمین‌های پیرامون میمه جذب می‌شود.

کوه‌ها: میمه در منطقه‌ای کوهستانی است و کوه‌های آن از رشته کوه‌های زاگرس است تخت سرخ و اشکفت در شمال باختری، بولقوری (۲۹۹۰ متر) و سینه ریز در باختر و نیمه ور و دم سیاه در مرکز قرار دارند.

کان‌ها: ۱ـ معدن طلا ۲ـ معدن سنگ تراورتن ۳ـ معدن سنگ مرمر

آب و هوا: معتدل متمایل به سرد و خشک

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک - گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، گل ختمی، گل گاوزبان، روناس

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، بزکوهی و کبک

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، قالی‌بافی و دامداری استوار است.

کشاورزی به شیوه سنتی و به طریقه آبی - منابع آب ۱ـ رودهای فصلی ۲ـ کاریزها ۳ـ چاه‌های عمیق

فرآورده‌های کشاورزی و باغداری انگور، گندم، بادام، سیب، سیب زمینی، زردآلو، گوجه، هلو، سبزیجات، صیفی‌جات، حبوبات، انار، انجیر

قالی‌های بافت میمه با طرح‌های جالب گاه منحصر به فرد است و اهمیت صادراتی فراوانی دارد. دامداری از گذشته رواج داشته و دام و فرآورده‌های دامی آن نیز در خور اهمیت است.

صادرات: قالی، سنگ تراورتن، سنگ مرمر، انگور و بادام

آبیاری: کرتی بدون فاضلاب، منابع آب مورد استفاده در مزارع و روستاهایی که در دامنه کوه‌های کرکس قرار گرفته، با آب قنات و رودهای فصلی و چاه‌های عمیق و نیمه ژرف آبیاری می‌شود.

نائین ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان نائین استان اصفهان و مرکز آن شهر نائین و دارای ۴ دهستان: ۱ـ بافران، ۲ـ بهارستان، ۳ـ کوهستان، ۴ـ لای سیاه است.

نائین (شهرستان): از شهرستان‌های استان اصفهان است که در کنار کویر مرکزی ایران قرار دارد. از شمال به سمنان و اردستان، از جنوب به باتلاق‌های گاوخونی، از خاور به اردکان و از باختر به اصفهان محدود می‌باشد.

کوه‌ها: در منطقه‌ای که نائین قرار گرفته کوه‌های چندان بلندی وجود ندارد در شمال و شمال باختری ۱ـ کوه دیازبا ۲ـ تخت پاچنار ۳ـ کوه زرد، در جنوب باختری و جنوب نایین ۱ـ کوه میل سره ۲ـ کوه غصه خوران ۳ـ غرسنه ۴ـ زردش ۵ـ مرغ زرد.

کویر سیاه کوه در خاور شهرستان نایین و راه آهن کاشان - کرمان قرار دارد.

رودها: بیشتر رودها فصلی است و تنها رود مهمش زاینده رود می‌باشد که در جنوب نایین از روستاهای قورتان و ورزنه می‌گذرد.

رستنی‌ها: درختان قیچ، گز، گیاهان دارویی و صنعتی، آویشن کوهی و گون‌ها پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: خرگوش، روباه، شغال

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر نائین و شهرهای دیگرش انارک، خور و جندق و دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ انارک ۳ـ خور و بیابانک است.

ارتفاعات نائین به صورت مجموعه‌ای از سراش، محمدیه و زردکوه است که حد فاصل کوه‌های اردستان و یزد می‌باشد.

آب و هوای شهرستان نائین بر دو نوع است: ۱ـ خشک و گرم در ناحیه خور و بیابانک مجاور کویر ۲ـ آب و هوای معتدل کوهستانی در جنوب غربی شهرستان نائین، تفاوت میانگین سردترین ماه سال میان دو منطقه آب و هوایی، تقریباً ۳۰ درجه است. آب نائین از سفره آب‌های زیرزمینی به صورت کاریز، چاه و چشمه فراهم گشته است. کتابهای درسی

نایین مرکز شهرستان در ۵ درجه و ۵۳ دقیقه طول جغرافیایی و در ۵۲ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۵۵۰ متری از سطح دریا قرار گرفته

آب و هوا: معتدل خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها ۳۹ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستان‌ها ۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی به طور متوسط در سال ۱۰۰ میلی‌متر می‌باشد.

اقتصاد: بر کشاورزی، قالی‌بافی، قالیچه و گلیم بافی استوار است. فراورده‌های کشاورزی: گندم، جو، پنبه، پسته و گردو، حبوبات، سیب، توت، زردآلو، انار و خرما - دامداری بیشتر پرورش شتر است که از پشم آن برک می‌بافند.

آب و برق: اطراف نایین شور است و آب آشامیدنی از کاریزی به نام شاهی به شبکه لوله‌کشی فرستاده می‌شود. برق از نیروگاه‌ها در محل تأمین می‌گردد.

راه‌ها: ۱ـ راه اصفهان - نایین ۱۴۰ کیلومتر ۲ـ راه

نائین - کاشان ۲۵۰ کیلومتر ۳ـ راه نائین - انارک ۸۰ کیلومتر است.

نایین: (مرکز شهرستان): شهر نائین مرکز شهرستان نائین از شهرستان‌های استان اصفهان است که از غرب به بخش کوهپایه و از شرق به شهرستان طبس و از جنوب به شهرستان اردکان و خرانق و شهرستان بافق یزد و از شمال به دشت کویر محدودمیباشد. نایین تااصفهان ۱۴۵کیلومتر و تا تهران ۵۰۵کیلومتر فاصله دارد. از این گذشته شهر نایین در مسیر راه یزد به اصفهان و مدتها محل توقف کاروانهای بازرگانی بود. در ۵۰ دقیقه و ۵۳ درجه طول جغرافیائی و در ۵ دقیقه و ۳۲ درجه عرض جغرافیائی قراردارد.

بافت قدیم نایین که دارای وسعتی در حدود ۳۸ هکتاراست ، در جلگه کم و بیش همواری که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۶۰۰ متراست قرار گرفته و فاقد پوشش گیاهی مناسبی است و در شمال، جنوب غربی و شرقی آن چند رشته کوه منفرد قرار گرفته است. آب و هوای شهر کویری است.

گرمای هوا در تابستان حداکثر به ۴۱ درجه صد بخشی و در زمستان به ۹ درجه زیر صفر میرسد.

نجف آباد: از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال به میمه و شهرستان گلپایگان، از خاور به شهرستان لنجان و از باختر به شهرستان فریدن محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر نجف‌آباد و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ مهردشت است. بخش مرکزی دارای ۵ دهستان ۱ـ جوزدان ۲ـ صادقیه ۳ـ صفائیه ۴ ـ اشن ۵ ـ حسین‌آباد است.

رودها: تنها رود تیران که شاخابه‌ای از زاینده رود است در این شهرستان روان می‌باشد این رود هم فقط بخش‌های جنوبی دهستان تیران را آبیاری می‌کند.

کوه‌ها: دشت نجف‌آباد جزئی از جلگه پهناور اصفهان است که کوه‌های کم‌ارتفاع در نواحی شمالی است. ۱ـ کوه پازنان ۲ـ سورمه ۳ـ نسار دربند ۴ـ کوه بلند ۵ـ کوه دوره ۶ـ دوقوزی ۷ـ دهق

کان‌ها: معدن سرب و روی در ۲۵ کیلومتری شمال باختری نجف‌آباد

آب و هوا: معتدل و خشک

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش نجف‌آبادی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان زبان گنجشک، گیاهان دارویی: گل گاو زبان، خاکشی، گلپوره، بومادران و شاتره.

پوشش گیاهی: برای چرای دام پوشش گیاهی وحشی پیازکوهی، کنگر، گز انگبین و اسفند

شهرستان نجف‌آباد بخشی از دشت اصفهان است که ۱۶۰۰ کیلومتر وسعت و مرداب گاوخونی در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی نجف آباد قرار دارد.

آن قسمت که بافت قدیمی شهر را تشکیل می‌دهد بناها از خشت و گل با سقف گنبدی است. نجف آباد دشت محدودی است با شیب نسبتاً ملایم که از غرب به شرق کاهش می‌یابد. اطراف آن را کوه‌هایی متعلق به دوران ترشیاری که جزء پیشکوه‌های داخلی زاگرس است، احاطه کرده بلندی‌های این منطقه تقریباً سه رشته موازی است که از جنوب شرقی به شمال غربی کشیده شده است.

بلندترین ارتفاع این منطقه به نام قله ینچی در جنوب نجف آباد قرار دارد. آب و هوای این منطقه نیمه بیابانی است میانگین بیشترین درجه حرارت

سالانه ۱۲/۸ درجه سانتی‌گراد و میانگین کمترین درجه حرارت سالانه ۶/۲ درجه سانتی‌گراد است. بیشتر بارندگی در فصل‌های سرد و میانگین سالانه‌اش ۱۴۰ میلیمتر است. رودمرغاب (کرون) تنها منبع آب سطحی این شهرستان است که از بلندی‌های دارای در مغرب نجف آباد روان می‌شود و پس از دریافت دو شاخابه کوچک در شمال روستای جوزدان به زاینده‌رود می‌پیوندد. کاریزها و چاه‌ها بقیه آب کشاورزی این شهرستان را فراهم می‌کنند - کتابهای درسی

جانوران و پرندگان: آهو، پلنگ، کفتار، گراز، گربه وحشی، روباه، شغال، گرگ، بز کوهی، کبک، خرگوش، مار، جوجه تیغی با قرقره، هدهد، سبزه قبا، کلاغ و جغد

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، قالی‌بافی و دامداری استوار است.

کشاورزی پررونق و حدود ۷۰٪ مردم به آن سرگرمند - کشت بیشتر آبی است که از کاریز، رود و چاه نیمه ژرف فراهم می‌گردد. از مکانیزاسیون کشاورزی نیز تا حدی سود جسته شده است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، چغندرقند، پنبه، تره‌بار و دانه‌های روغنی، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، سیب، گلابی، به، بادام، پسته، انار و انگور

قالی‌بافی، گلیم‌بافی و جاجیم‌بافی از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.

دامپروری و زنبورداری و مرغداری به شیوه سنتی و تا حدی جدید صورت می‌گیرد.

روش آبیاری کرتی است که از زاینده رود و چاه‌ها و قنات‌ها آبیاری می‌شود.

نجف آباد در دشت نجف آباد که قسمتی از دشت اصفهان و دارای ۱۶۰۰ کیلومتر مربع مساحت است و مرداب گاوخونی در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی آن قرار دارد.

نجف آباد - بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان نجف آباد استان اصفهان و مرکز آن شهر نجف آباد و دارای ۳ دهستان: ۱- جوزدان، ۲- صادقیه، ۳- صفائیه است.

نخلستان: از دهستان‌های بخش خوروبیابانک شهرستان نائین استان اصفهان و مرکز آن مهرنجان است.

نراق (شهر): شهر نراق در شرق شهرستان دلیجان قرار و تا این شهر ۱۸ کیلومتر فاصله دارد. شهر نراق در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد و آب و هوائی معتدل کوهستانی دارد. تابستانهای آن خنک و زمستانهایش سرد. بلندی نراق از سطح دریا ۱۶۵۰ متر و میزان بارندگی سالانه میان ۱۰۰ تا ۲۳۰ میلیمتر است. نراق از نظر تقسیمات کشوری شهر به شمار میرود. و از سال ۱۳۳۹ دارای شهرداری بود. قدمت شهر نراق به بیش ار ۱۰۰۰ سال میرسد و در قدیم مرکز بازرگانی و محل کاروانهای متعدد بود. از آثار تاریخی این شهر مسجد جامع آب انبارهای قدیمی، بازار و دو امامزاده را می‌توان برشمرد. کار بیشتر مردم این سامان کشاورزی و دامداری است. مردم تابستانها از جاهای دور و نزدیک برای استفاده از آب و هوای خوب آن به نراق می‌آیند.

رودها: ۱ - رود نراق که از کوههای اُل در شمال و مشرق منظریه سرچشمه گرفته و از میان شهر نراق میگذرد و آبش در آبیاری به مصرف میرسد. کاریزهای متعددی نیز در نزدیکی شهر روان است.

کوهها: چون شهر در منطقه‌ای پایکوهی قرار دارد کوههایی چون : ۱ - ال در شمال ۲ - کوه پاتاق در یک کیلومتری جنوب شرقی ۳ - منظریه در یک

کیلومتری مشرق شهر، غار چال نخجیر در ۱۰ کیلومتری شهر نراق و گردنهٔ نراق در ۶ کیلومتری شمال شرقی میباشد.

آب و هوا: نسبتاً معتدل و خشک.

فرآورده ها: گندم ، جو، بنشن، بادام، گردو، فندق، سیب، و زردآلو.

آب کشاورزی از رود، کاریز و چاه و آب آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.

وجه تسمیهٔ نراق: در خصوص وجه تسمیهٔ نراق عقاید و نظرهای گوناگونی وجود دارد:

برخی معتقدند نراق به معنای نر یا نره و آن عبارت است از برآمدگی و بلندی زمین است و چون زمانی سلطان آباد (اراک امروزی) را با نام عراق میشناختند و نراق در بلندترین نقطه آن قرار داشت آن را نرّ عراق یا بلندترین نقطه عراق نامیده‌اند که بر اثر مرور زمان و کثرت استعمال نر عراق به نراق تبدیل شده است.

«عده ای دیگر نام نراق را اقتباس از ستاره‌ای میدانند و برخی دیگر از مردم قدیم شهر نام نراق را از حروف درهم ریخته قرآن دانسته و اعتقاد بر این دارند که چون نراق فعلی در زمان گرویدن مردم به اسلام و نابود شدن کفار در اطراف این شهر به وجود آمده است این نام را بر این شهر گذاشته اند اما به نظر میرسد در میان این عقاید،عقیدهٔ اول موافق و جه تسمیهٔ نراق باشد.

تاریخچه نراق: شهر نراق از قدمت تاریخی بسیار طولانی برخوردار است، برخی از مورخان تاریخ نراق را به قبل از اسلام نسبت میدهند، به طوری که معتقدند نراق در محل فعلی نبوده بلکه از هفت دهکده پراکنده تشکیل میشده که این دهکده ها در اطراف نراق در قسمت شمال و جنوب شرقی و غربی آن بوده‌اند.

این دهکده‌های کوچک که ظاهراً مردمی با دین مجوس یا گبر داشته به نامهای گرنیان، بیدمشک علیا، بدمشک سفلی، در چاله سرخ، شمس آباد، کندوقه و... معروف بوده اند، در کنار این دهکده ها آثار زندگی از سفال تا برجها و باروها ونیز قبرهایی به چشم می‌خورد و این آثار در قسمت بیدشکن (سفلی و علیا) بیشتر در معرض دیداست در قسمتی از این محل کوهی به نام کوه کافران قرار دارد که بر فراز آن قلعه ای جهت نگهبانی و سکونت سرگروههای آن قوم قرار داشته و این قلعه در حمله افغانها تخریب شده و فقط تعدادکمی از سنگهای آن همچنان بر فرازکوه باقی مانده است.در کتاب بستان السیاحه قدمت نراق هزار سال ذکر شده و در این مورد آمده است: «نراق بر وزن عراق قصبه مانند و محلی است خاطر پسند از توابع کاشان در دامن کوه اتفاق افتاده، سه طرفش فی الجمله گرفته است و سمت مغربش (دلیجان) به غایت گشاده است و مردمش شیعه مذهبند»

«در قرن اول هجری نراق از لحاظ موقعیت محلی فوق‌العاده مهم و مرکز ساخلوی قوای چریکی منطقه بوده، به طوری که بعد از اشعریین در قم به دست قوای مأمون‌الرشید به وسیلهٔ دیاله متفرق شدند. عبدالله بن احوص از اولاد اشعریین به قلعه چهل حصاران فین مهاجرت نمود و از امام زمان وقت حضرت امام موسی بن جعفر(ع) نماینده و پیشوایی طلب نمود، آن حضرت علی بن محمد باقر(ع) یا فرزنداو را به چهل حصاران اعزام نمودند.

در سال ۲۲۸ هجری شمسی شخصی به نام زبیر که فرمانده قوای چریکی نراق بودکه از طرف خلیفهٔ وقت مأموریت یافت آن حضرت را دفع کند

چون علی بن محمد باقر(ع) در ایام تابستان به قریهٔ خاوه می آمدند لذا در هفدهم پاییز همان سال زبیر با قریب چهارصد نفر قوای چریکی خود از نراق به مشهد اردهال حرکت و آن حضرت را در دره از ناوه شهید کرد که به وسیلهٔ مردم چهل حصاران در محل فعلی که مشهور به مشهد اردهال است دفن (کردند)و اولین بنا روی مرقدشریف آن حضرت به وسیله برکیاق قمی وزیر شاهرخ بن امیر تیمورگورکانی بنا شده است، از آن به بعد نراق محل تجمع فضلا و دانشمندان بوده، از آثار تاریخی آن قرن (۱۲) مسجد جامع نراق است.

به اعتقاد برخی نراق فعلی پس از اسلام توسط شخصی به نام ریش بلند که در آن زمان سمت کدخدایی داشته شکل گرفته است به طوری که مردمان آن در محله سفلای نراق جمع شدند و به خانه سازی پرداختندکه از آن جمله مسجدی با نام مسجد پایین بنا گردید. در دوران شاهان صفوی و قاجاریه نراق در ساختمان سازی و به کار بردن مصالح ساختمانی خاص آن زمان که در این محل تهیه شده است از رونق ویژه ای برخوردار بوده ودر تجارت نیز جلوه ای خاص داشته است به طوری که این شهر از نظر تجارت و قرارگرفتن بر سر راه شهرهای مهمی چون همدان، اراک، کرمانشاه، چاپلق و کاشان شهره بوده است.

کاروانسراهایی که در کنار مجموعه تاریخی بازار قرار دارد به همین منظور بنا شده بودند، بازار نراق که متشکل از راسته بازار و دکانهایی در اطراف و دارای تیمچه است. قدمت و سابقهٔ درخشان تاریخی و تجاری نراق را بیشتر آشکار می‌کند.

نطنز: از شهرستان‌های استان اصفهان است که از شمال و شمال باختری به شهرستان کاشان، از شمال خاوری و خاور به اردستان، از جنوب و باختر به شهرستان اصفهان محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر نطنز و شهر دیگرش بادرود و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ امامزاده آقا علی عبا ۳ـ خالدآباد ۴ـ برزرود ۵ـ کرکس ۶ـ طرق رود.

رودها: تنها رود مهم آن برزرود است که از کوه کلاه برفی باختر روستای ابیانه سرچشمه گرفته و پس از آبیاری چند روستا به نام هنجن نامیده و ادامه مسیر داده و در خاور به زمین‌های اطراف منتهی می‌گردد. چند رود فصلی نیز در نطنز روان است.

کوه‌ها: شهرستان نطنز منطقه‌ای است‌کوهستانی و بخشی از رشته کوه‌های کرکس سراسر این شهرستان به ویژه نواحی مرکزی و باختری را در بر گرفته: ۱ـ کوه کرکس (۳۸۹۵ متر) ۲ـ هیمند ۳ـ کلاجار ۴ـ کلاه برفی ۵ـ ارس هد (۳۱۹۹ متر) ۶ـ علیه شاه

مناطق شمال خاوری نطنز دشت و نیمه کویری، گردنه پلنگ میان‌کوه‌های لاوره و هیمند قرار دارد.

کان‌ها: ۱ـ خاک چینی ۲ـ سرب ۳ـ زغال‌سنگ

آب و هوا: به طور کلی معتدل و خشک به جز مناطق مرکزی که هوا سرد است هوای شهر نطنز سرد و آب کشاورزی و آشامیدنی ازکاریز، چاه و چشمه فراهم‌گشته است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش رایجی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز، بنه - گیاهان دارویی: شاه تره، گل ختمی، گل گاوزبان، خاکشی، پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: بزکوهی، قوچ، میش، روباه،

شغال، خرگوش، گرگ، کبک، تیهو
اقتصاد: بر کشاورزی، قالیبافی، دامداری استوار است حدود یک ششم مردم نطنز به کار کشاورزی سرگرمند. کشت بیشتر آبی و منابع آب کشاورزی رود کاریز و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق است.
فراورده‌ها: گندم، جو، پنبه، تو تون، تره‌بار، بنشن، سیب، گلابی، به، گردو، بادام، انجیر، توت، انار و انگور، صیفی جات، سبزیجات، گیاهان علوفه‌ای، قالی، قالی‌بافی با طرح‌های جالب نطنز خریداران بسیار دارد و برای صدور به خارج مناسب و مرغوب است.
دامداری و پرورش طیور در کنار کشاورزی انجام می‌گیرد و در گذشته نوغان دارای اهمیت بود.
نطنز ـ بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان نطنز استان اصفهان و مرکز آن شهر نطنز و دارای ۳ دهستان: ۱ـ برزرود،
۲ـ کرکس، ۳ـ طرق رود است.
نورآباد: از دهستان‌های بخش گرکن جنوبی شهرستان مبارکه استان اصفهان و مرکزش دهسرخ است.
نیاسر: از بخش‌های شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکز این بخش شهر نیاسر است که در ۱۳۷۶/۳/۱۱ به عنوان شهر اعلام شد، دارای دو دهستان ۱ـ نیاسر ۲ـ کوه‌دشت است.
نیاستر (نیاسر کنونی) اردشیر بابک آن را بنا کرده است و آن چنان بود که چون او از اصفهان باز گردید و ملک اصفهان و اشرف اهل بیت او سرهنگانی او را کشته بود و فرمود تا سرهای ایشان در جوال‌ها نهاده و همراه وی می‌آوردند چون به چشمه نیاسر رسید آن چشمه را دید که آب از سر آن کوه می‌جوشید و بدامن آن فرو می‌رفت. به فرمود تا بدان موضع نزول کردند و از آنکه کسی از پس او آید ایمن شد بعد از آن سروتن به شست... و بفرمود تا بر آن چشمه شهری بنا کردند با آتشکده و آن شهر را نیاسر نام نهادند به سبب قول اردشیر که گفت دهر آئینند حزن آفرینان سر) پس تخفیف کردند و گفتند نیاسر. تاریخ اجتماعی کاشان - حسن نراقی
در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل و در ۳۰ کیلومتری باخترشان و مرکز آن در ارتفاع ۱۶۵۰ متر از سطح دریا و کوه و لم، کوه شیرم آباد در شمال غربی و کوه کلگه در جنوب و غار رئیس در شمال آن قرار دارد.

آورده‌اند که اردشیر بابکان بهنگام گذر از ناحیه نیاسر از چشمه‌های آب آن منطقه که از بالای کوه سرازیر بود خوشش آمد، مدتی در آنجا درنگ کرد و پس از چند روز دستور داد تا در ناحیه کنونی نیاسری برافرازند و آتشکده‌ای نیز در آنجا ساخته شده و بنابا فسانه‌ای شهر تازه، نیاسر نام یافت.
نیاسر: از روستاهای دیدنی در منطقه‌ای بلند و پایکوهی در غرب کاشان با آب و هوایی معتدل، دارای آثار تاریخی متعددی است: ۱ـ لوح کاشی مینایی مسجد روداب نیاسر مورخ به تاریخ ۸۸۴ ه.ق، ۲ـ آتشکده‌ی اردشیر که بنائی است چهار طاقه، ۳ـ امامزاده نیاسر، ۴ـ چشمه‌ی اسکندریه.
اقتصاد: بر پایه کشاورزی، کارگری، باغداری، دامداری و فرشبافی استوار است.
کشت آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه و چشمه
فراورده‌ها: گندم، جو، پنبه، بنشن، تره‌بار، زردآلو، گردو، بادام، سیب و گل محمدی
پوشش گیاهی: درختان انجیر کوهی و بادام کوهی، گیاهان دارویی و صنعتی و گیاهان مرتعی

جانوارن: گرگ، شغال، روباه، خرگوش
نیاسر: از دهستان‌های بخش نیاسر شهرستان کاشان استان اصفهان و مرکزش نیاسر است.
نیوان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گلپایگان استان اصفهان و مرکزش نیوان نار است
وریشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تیران و کرون استان اصفهان و مرکزش وریشت است. **ورزق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکز آن نهرخلج است.
وردشت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن فتح آباد است.
ورزق جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریدن استان اصفهان و مرکزش سفتجان است.
ونداده: از دهستانهای بخش میمه شهرستان برخوارمیمه استان اصفهان و مرکز آن ونداده است و مرکز شهری ان وزوان می‌باشد.
ونک: از شهرهای بخش مرکزی شهرستان سمیرم استان اصفهان است که در ۱۳۷۷/۳/۲۰ تبدیل به شهر شد.
ونک: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن ونک است.
همبرات: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردستان استان اصفهان و مرکز آن کچوسنگ است.
همگین: از دهستان‌های بخش سمیرم سفلی شهرستان شهرضا استان اصفهان و مرکزش همگین است.
یادنا علیا: از دهستان‌های بخش پادنا شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن بیده است.
یادنا وسطی: از دهستان‌های بخش پودنا از شهرستان سمیرم استان اصفهان و مرکز آن کمه است.
ییلاق: از دهستان‌های بخش بوئین و میاندشت شهرستان فریدناستان اصفهان و مرکز آن ازناوله می‌باشد.

شهرک صنعتی: ۱) شهرک پایگاه هشتم، ۲) شهرک سروش بادران، ۳) شهرک صنعتی صفه، ۴) شهرک سگزی، ۵) شهرک رحیم آباد جرقویه، ۶) شهرک صنعتی کوهپایه، ۷) شهرک صنعتی سپید دشت، ۸) شهرک اردستان، ۹) شهرک داران، ۱۰) شهرک اشترجان، ۱۱) شهرک سپهر آباد، ۱۲) شهرک سه راهی اسفرجان، ۱۳) شهرک جوشقان قالی، ۱۴) شهرک صنعتی امیرکبیر، ۱۵) شهرک صنعتی راوند، ۱۶) شهرک زرین شهر، ۱۷) شهرک سه راه علویجه، ۱۸) شهرک رهق، ۱۹) شهرک حسین آباد گاریچه، ۲۰) شهرک ابزاران، ۲۱) شهرک جعفر آباد مورچه خو، ۲۲) شهرک بزرگ صنعتی، ۲۳) شهرک صنعتی هیمه، ۲۴) شهرک سه راه مبارکه، ۲۵) شهرک اسفیدواجان، ۲۶) شهرگ صنعتی گل آرا، ۲۷) شهرک صنعیت موچه خورت، ۲۸) شهرک متنطریه، ۲۹) شهرک صنعتی گل آرا، ۳۰) شهرک شجاع آباد نطنز، ۳۱) شهرک صنعتی پاتله، ۳۱) شهرک صنعتی جرقوبه، ۳۲) شهرک صنعتی هرند، ۳۳) شهرک صنعتی کمشچه، ۳۴) شهرک صنعتی اوره‌ی نطنز، ۳۵) شهرک نجف آباد. ۳۶) شهرک صنعتی رازی، ۳۷) شهرک صنعتی پاتله، ۳۸) شهرک گلپایگان، ۳۹) ناحیه‌ی صنعتی سر آسیاب، ۴۰) شهرک برق و الکترونیک خمینی شهر، ۴۱) منطقه‌ی صنعتی سمیرم، ۴۲) شهرک نجف آباد ۲ (جلال آباد)، ۴۳) شهرک صنعتی دهاقان، ۴۴) شهرک صنعتی دهاقان، ۴۵) شهرک صنعتی خوانسار، ۴۶)

شهرک صنعتی ورزنه، ۴۷) شهرک صنعتی فریدونشهر، ۴۸) شهرک صنعتی نائین، ۴۹) ناحیه‌ی صنعتی داشکسن، ۵۰) ناحیه‌ی صنعتی سعید آباد، ۵۱) ناحیه‌ی صنعتی اژیه، ۵۲) ناحیه‌ی صنعتی هسنجه، ۵۳) ناحیه‌ی صنعتی یزدان، ۵۴) شهرک صنعتی پوره، ۵۵) شهرک صنعتی هرند، ۵۶) شهرک صنعتی بادرود، ۵۷) ناحیه‌ی صنعتی وریشت، ۵۸) ناحیه‌ی صنعتی همت آباد، ۵۹) منطقه‌ی هلال، ۶۰) منطقه‌ی صنعتی انصار، ۶۱) منطقه‌ی نصعتی دولت آباد، ۶۲) منطقه‌ی صنعتی کویر، ۶۳) منطقه‌ی صنعتی خرم.

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان اصفهان: ایجاد دهستان سین به مرکزیت روستای سین.

تغییر مرکزیت دهستان برخوار مرکزی روستای شاپور آباد به روستای محسن آباد.

ایجاد دهستان شاپور آباد به مرکزیت روستای شاپور آباد.

ایجاد بخش حبیب آباد به مرکزیت شهر حبیب آباد.

تغییر نام شهرستان برخوار و میمه به شهرستان شاهین شهر و میمه.

تغیر نام شهر گز از توابع بخش مرکزی شهرستان شاهین شهر و میمه به گز برخوار.

ایجاد شهرستان برخوار به مرکزیت شهر دولت آباد از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر دولت آباد شامل دهستان‌های برخوار مرکزی و سین و بخش حبیب آباد.

شناخت شهر روستای گرگاب مرکز دهستان برخوار غربی از توابع بخش مرکزی شهرستان شاهین شهر و میمه.

شناخت شهر روستای لای بید از توابع بخش میمه شهرستان شاهین شهر و میمه.

شناخت شهر روستای قهجاورستان از توابع دهستان قهاب شمالی بخش مرکزی شهرستان اصفهان.

شناخت شهر روستای جوزدان از توابع دهستان جوزدان بخش مرکزی شهرستان نجف‌آباد به عنوان شهر جوزدان.

مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان اصفهان در سال ۱۳۸۵
گوشت قرمز ۴۳ شیر ۶۰۰ هزار تن
مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان اصفهان در سال ۱۳۸۵
گوشت مرغ ۱۰۰ تخم‌مرغ ۵۴ هزار تن
تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان اصفهان در سال ۱۳۸۴
جمع معادن ۲۳۹ خصوصی ۲۱۷ عمومی ۲۱
مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان اصفهان در سال ۱۳۸۲
کل تعداد بهره‌برداری ۱۷۴۱۲۰ مساحت ۴۲۳۸۵۸ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۸۲۹۷۶ مساحت باغ و قلمستان ۴۲۷۷۱ هزار تن
استان اصفهان در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم گوسفند ۲۸۸۱۹ تعداد دام ۱۰۱۴۸۳۰ مقدار تولید ۸۳۰۶۲۳ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۱۱۴۴ تعداد دام ۷۱۱۳۱ مقدار تولید۲۱۰۱۷ تن
بهره‌برداری‌های کشاورزی استان اصفهان در سال ۱۳۸۲
زراعت ۱۴۴۷۳۲ باغداری۱۰۹۹۹۱ تولید گلخانه‌ای ۱۴۲۳ پرورش ماکیان ۷۷۶۷۴ پرورش زنبور عسل ۲۶۰۶ پرورش دام بزرگ ۵۵۶۷۰ پرورش دام کوچک ۵۰۱۰۷ پرورش کرم ابریشم ۲۱
تعداد سدهای استان اصفهان در مراحل مختلف:
مطالعاتی ۱۹ اجرایی ۴ بهره‌برداری ۱۵ مجموع ۳۸
استان اصفهان در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۴۱۱۸۴۷ جمع مراتع ۶۳۲۸۶۵۵ خوب (متراکم) ۲۸۰۰۷۰ متوسط (نیمه متراکم) ۴۰۳۹۸۸ فقیر (کم تراکم) ۵۶۴۴۵۹۷ پدیده‌های بیابانی ۲۹۸۵۸۲۷
تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان اصفهان: فعال: ۱۴۸ غیرفعال: ۳ در شرف تأسیس: ۵ تعداد کل: ۱۵۶

برخی از منابع کتاب‌های سودمند

ایران سرزمین شگفتی‌های ناشناخته ـ ناشر انجمن ایرانیان
ایرانیان ارمنی ـ اسماعیل رائین
کتاب آشنایی با جامعه عشایری ایران ـ منوچهر ترکمان
کتاب جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان ـ ابوالقاسم انجوی شیرازی
جغرافیای نظامی ایران ـ اصفهان و بختیاری ـ سازمان جغرافیایی
کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ـ دکتر عزت‌الله بیات
عشایر مرکزی ایران ـ دکتر جواد صفی‌نژاد
سفرنامه ابن‌بطوطه ـ ترجمه محمدعلی موحد
نصف جهان ـ محمدمهدی اصفهانی
پارک ملی کویر در اصفهان استان سمنان، استان تهران، استان قم
حمیدرضا بیات ـ هنر یک مجنونیان ـ فریبرز شکرائی ـ سازمان حفاظت محیط زیست
باغهای ایرانی ـ دکتر پرویز نیلوفری
پناهگاه حیات وحش موته ـ محمدتقی معینیان ـ سازمان خفاظت محیط زیست
کتاب پستانداران ایران ـ دکتر اسماعیل اعتماد
اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست
دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش
آداب و سنن اجتماعی فین کاشان ـ اخوان، مرتضی
آشنایی با شهر تاریخی اصفهان ـ هنرفر، لطف‌الله
از اصفهان دیدن کنید
از کاشان تا کاناری (جزایر قناری) ـ رشیدی، امین‌الله

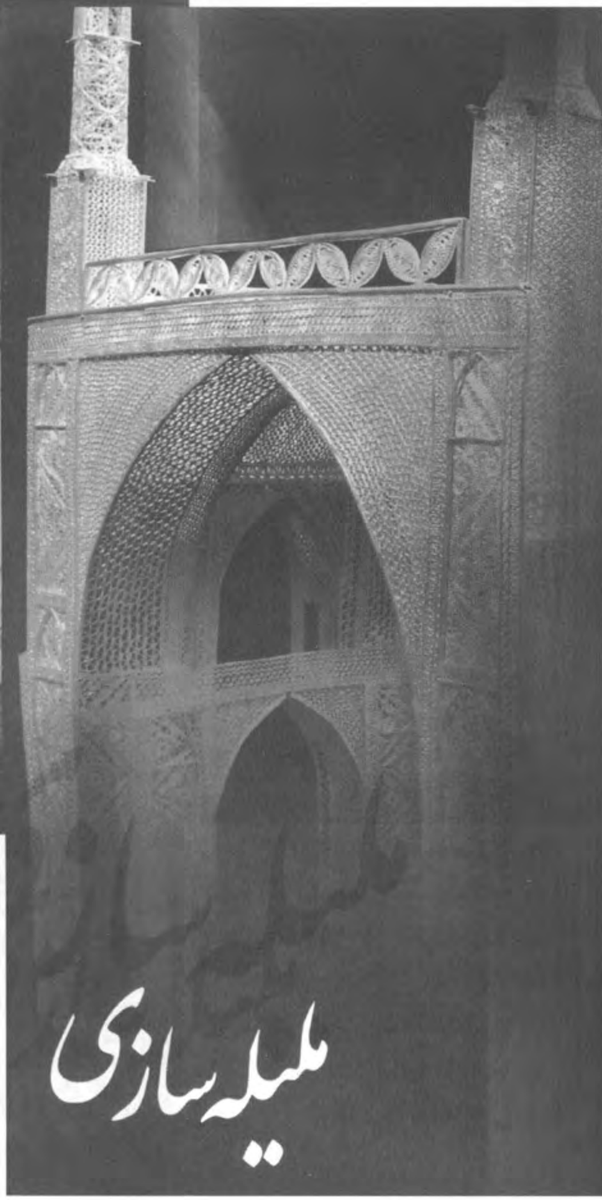
هنر و صنایع دستی اصفهان



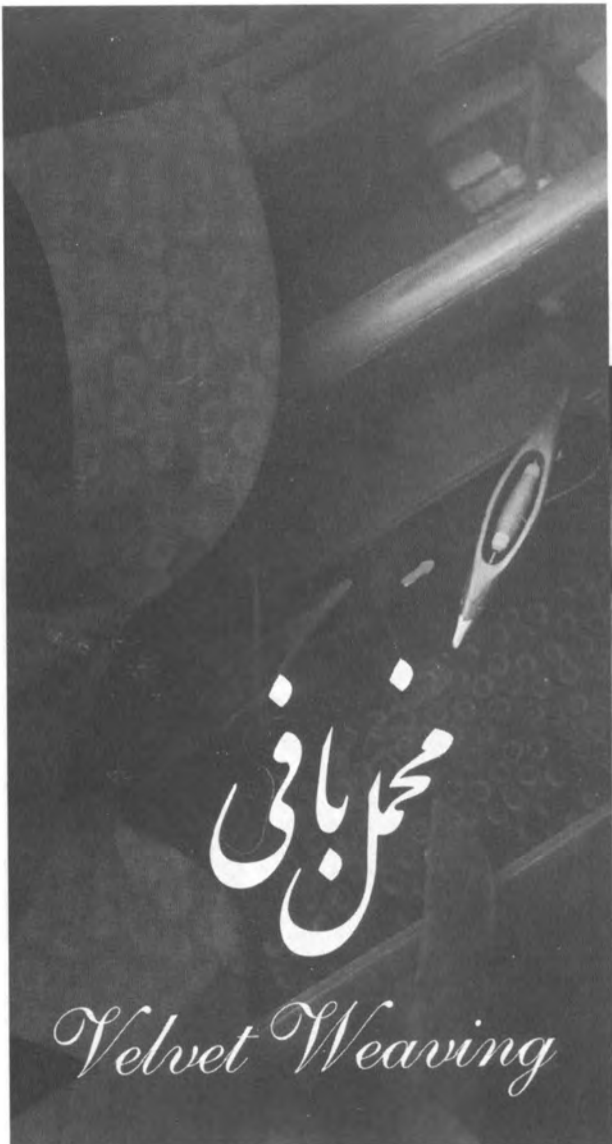


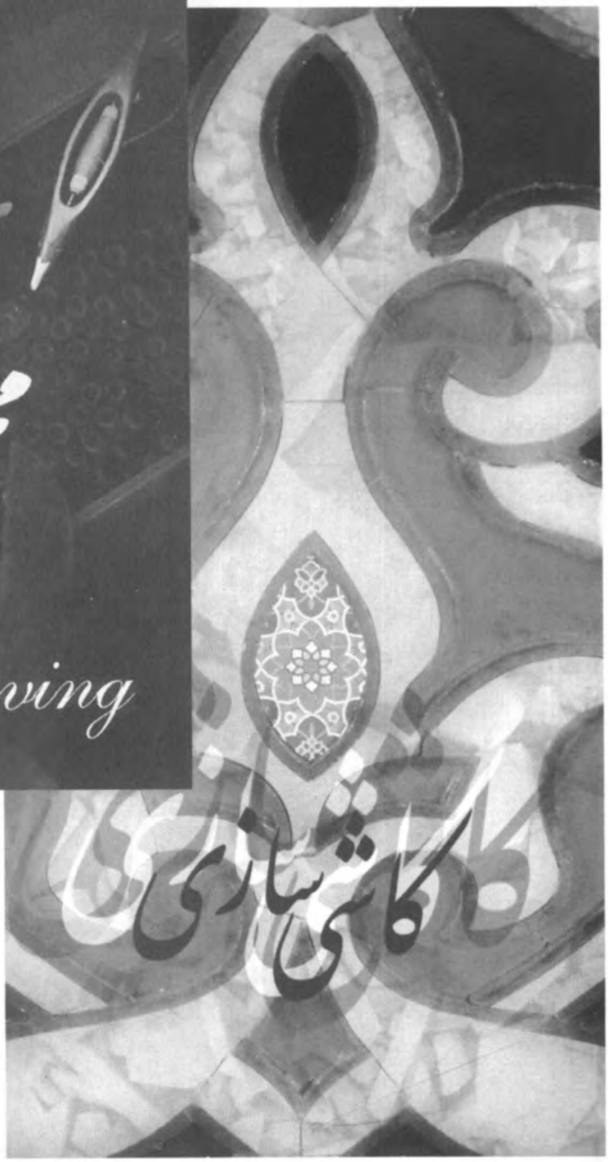
هنر و صنایع دستی اصفهان





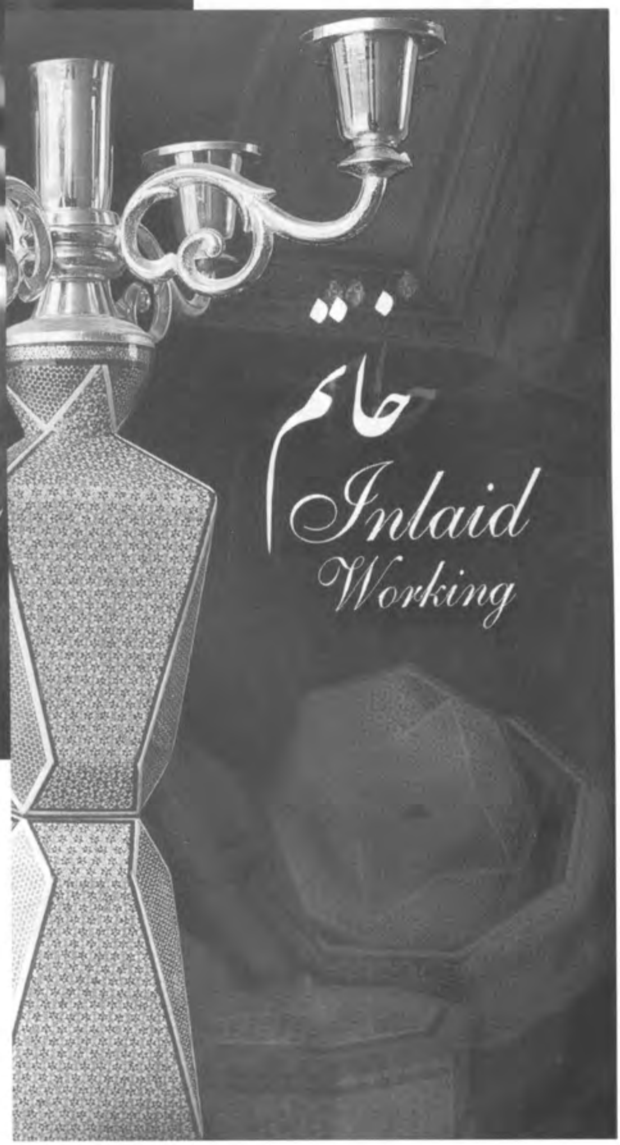
هنر و صنایع دستی اصفهان



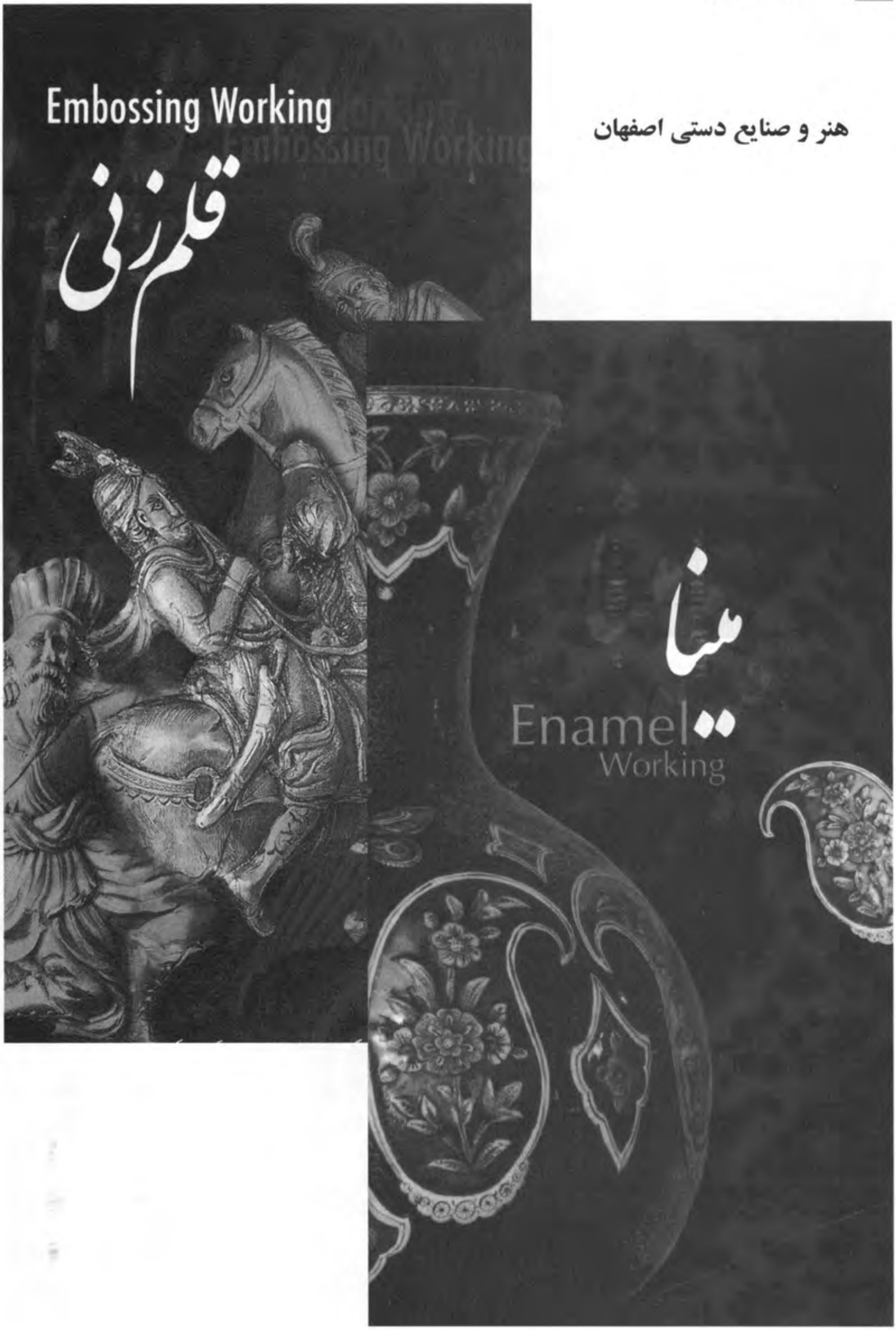


هنر و صنایع دستی اصفهان





هنر و صنایع دستی اصفهان



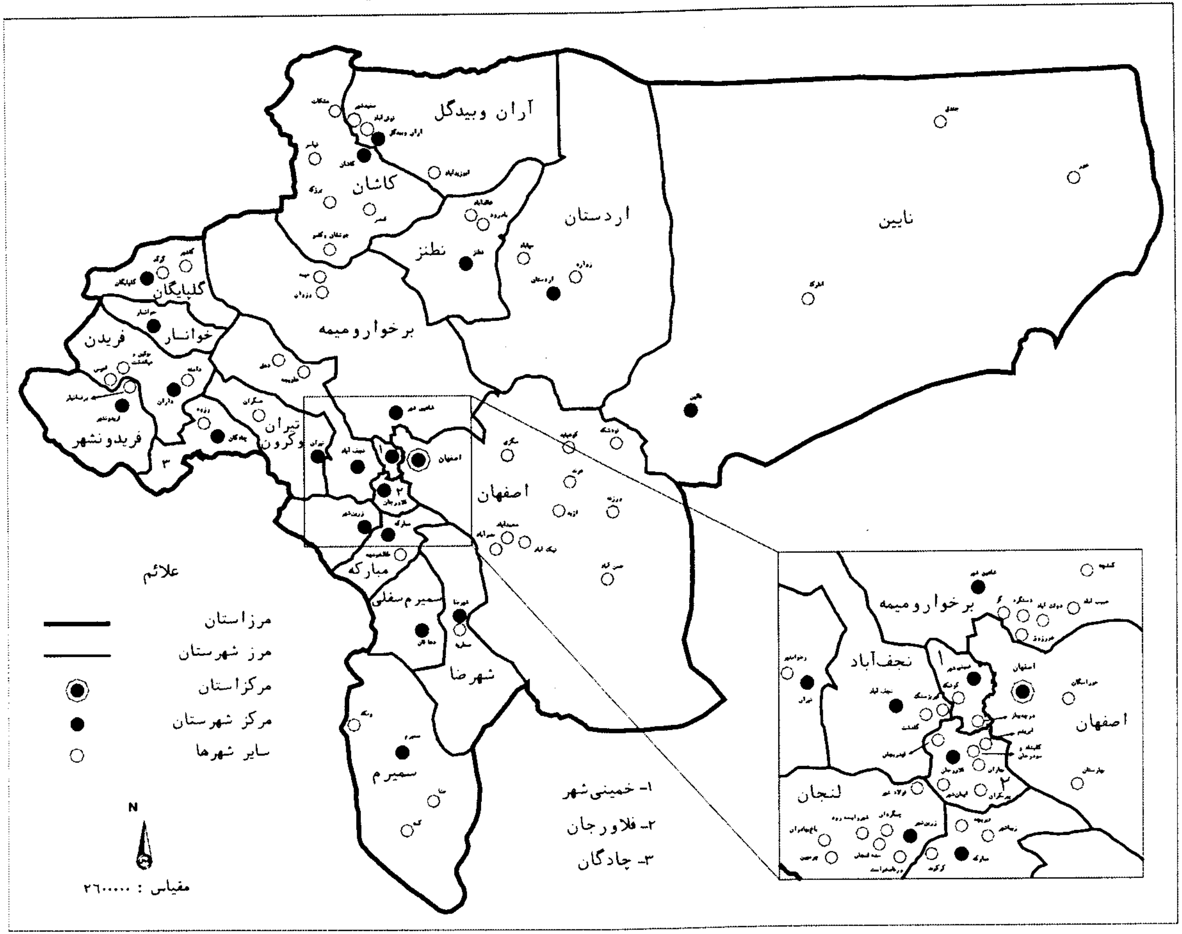


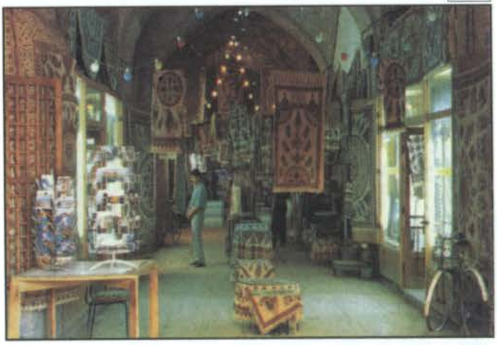
فضاهایی الهام گرفته از صنایع دستی



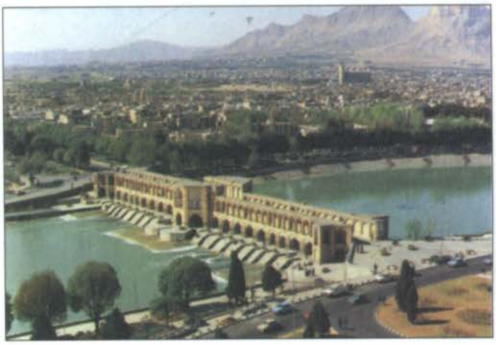
اصفهان از دید سیاحان خارجی
اصفهان از نگاهی دیگر
اصفهان بزرگ: بررسی و تجزیه و تحلیل جمعیت
اصفهان بهانه بود ایرانم ازوست ـ سربندی، علی
اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی ـ شایسته، محمودرضا
اصفهان، شکوه سالها ـ شیرزادی، حسین
اصفهان: شهر چهار فصل، موزه‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند
اصفهان مروارید ایران ـ بلانت، ویلفرد
اصفهان: مشتمل بر چهار فصل تاریخ ـ جغرافیا ـ ابنیه و آثار ـ نورصادقی، حسین
اصفهان موزه همیشه زنده ـ نوربختیار، رضا
اصفهان نصف جهان ـ هدایت، صادق
اصفهان نگین جهان
برجهای کبوتر اصفهان ـ محمودیان، محمد
بسوی اصفهان ـ ویو، لویی‌ماری ژولین
بهشتی در حاشیه کویر: سیر تحول تاریخی و معماری مجموعه ـ فرخ‌یار، حسین
پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی ـ لطفعلیان، محمدحسین
تاریخ اصفهان ـ جابری انصاری، محمدحسن
تاریخ جلفای اصفهان ـ درهوهانیان، هاروتون
تاریخ شهرضا ـ جمالی، مسیح‌الله
تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ـ نیکزاد امیرحسینی، کریم
جغرافیای اصفهان: به ضمیمه یکصد و پنجاه قطعه نقشه ـ شفقی، سیروس
جلوه‌های هنر در اصفهان ـ دهمشگی ـ جلیل
جی باستان و نقش آن در روند شکلگیری اصفهان از ابتدا تا... ـ مرتضایی، محمد
خورشید جی: مقالات، پژوهش‌ها و گزارش‌هایی درباره منطقه ـ جعفریان، رسول
داستان‌های محلی اصفهان ـ فاروقی، عباس
دیدنیهای اصفهان ـ شیخی، الیاس
راهنمای سفر به استان اصفهان ـ بهشتی، اکسانا
زاینده‌رود ـ محمودیان، محمد
سر و ته یک کرباس ـ جمالزاده، محمدعلی
سفرنامه شاردن: (قسمت اصفهان) ـ شاردن، ژان
شاردن و ایران: تحلیلی از اوضاع ایران در قرن هفدهم میلادی ـ کرویس، دیرک‌وان‌در
شهرنشینی در ایران ـ حسامیان، فرخ
عالیقاپو ـ گالدیری، اوژنیو
غذاهای سنتی اصفهان به همراه نکاتی برجسته از بزرگان ـ تبریزی، محمدزمان بن کلبعلی
کوتاه و خواندنی از وقایع اصفهان ـ نصر اصفهانی، علی
گنج پنهان: صنایع دستی استان اصفهان ـ فاطمی، محسن
مساجد جامع ایران: مسجد جامع اصفهان
مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان ـ انصاری، هرمز
مکتب اصفهان در شهرسازی (زبانشناسی عناصر و فضاهای...) ـ اهری، زهرا
نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران ـ عسکرانی، محمدرضا
نگاهی به اصفهان شهر هنر ـ دبیری، پرویز
یادگاران: چهل قطعه ترانه در دستگاه همایون و آواز بیات ـ کامکار، پشنگ

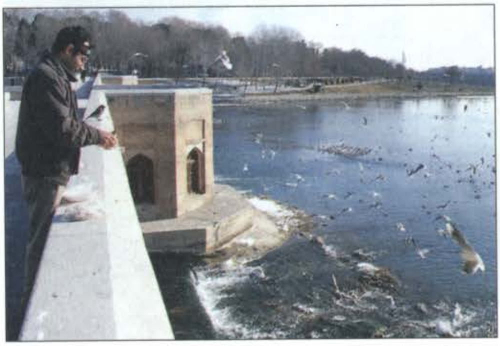
نقشه تقسیمات استان اصفهان به تفکیک شهرستان : ۱۳۸۵

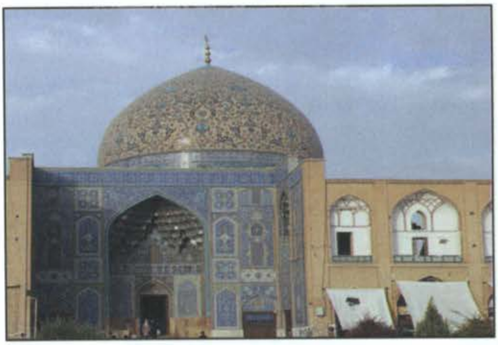



بازار اصفهان


سد چشمه لنگان دم


رود زاینده رود و سی‌سه پل


زمستان و مرغان دریایی در زاینده رود - اصفهان

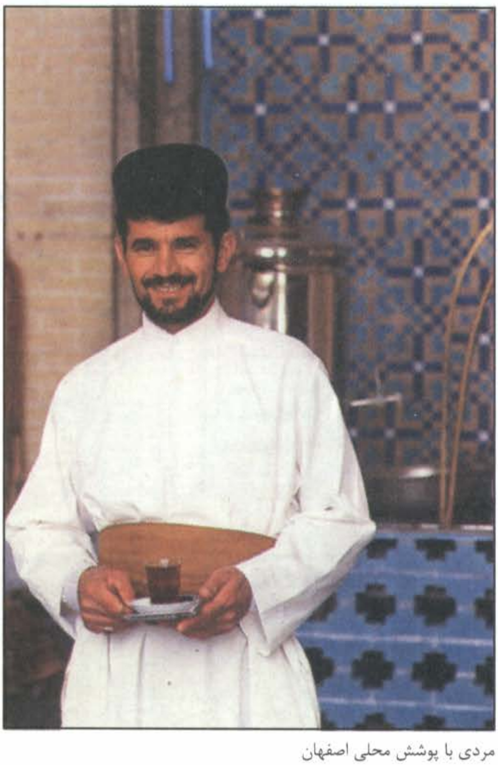

مسجد امام


سی‌و سه پل - اصفهان


پل خواجو - اصفهان



نقاشی روی دیوار - عمارت عالی‌قاپو اصفهان



مردی با پوشش محلی اصفهان



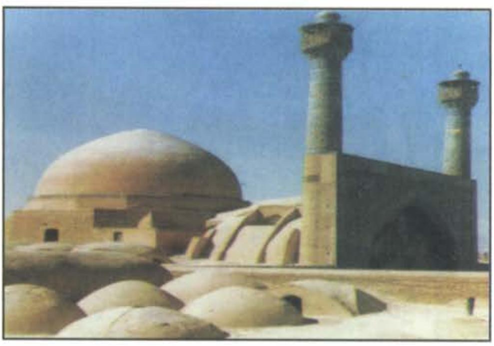
عمارت عالی قاپو - اصفهان



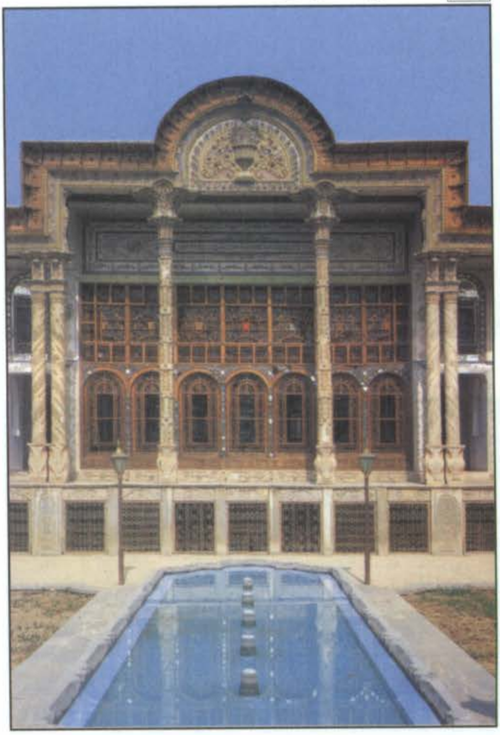
عالی قاپو - اصفهان



عمارت چهل ستون - اصفهان



مسجد جامع - اصفهان



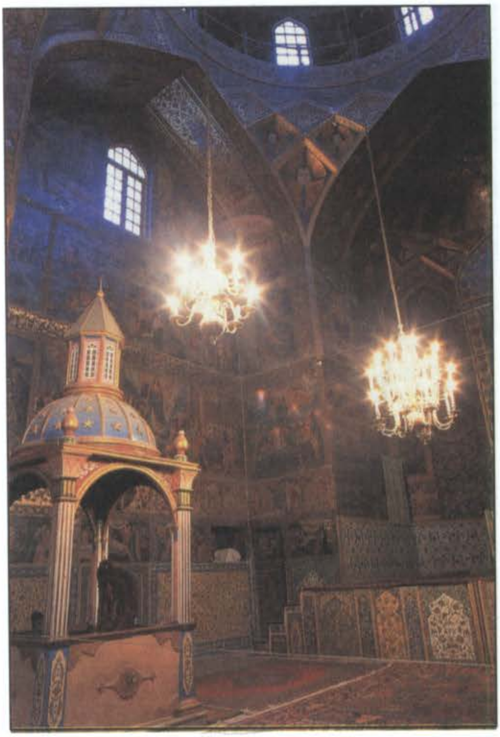
خانه اعلم - اصفهان



خانه طباطبایی



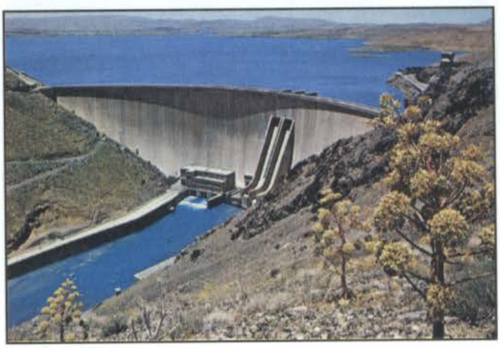
کلیسای وانک - اصفهان



کلیسای وانک - اصفهان



هتل شاه‌عباس - اصفهان



سد زاینده رود - اصفهان

۲۰ استان اصفهان



منار جمبان - اصفهان



پل خواجو - اصفهان



میدان نقش جهان - اصفهان



مینا کاری - صنایع دستی اصفهان



یک قهوخانه سنتی - اصفهان



قاب خاتم‌کاری - صنایع دستی اصفهان



سینی قلم‌کاری - صنایع دستی اصفهان





گلاب‌گیری قمصر کاشان

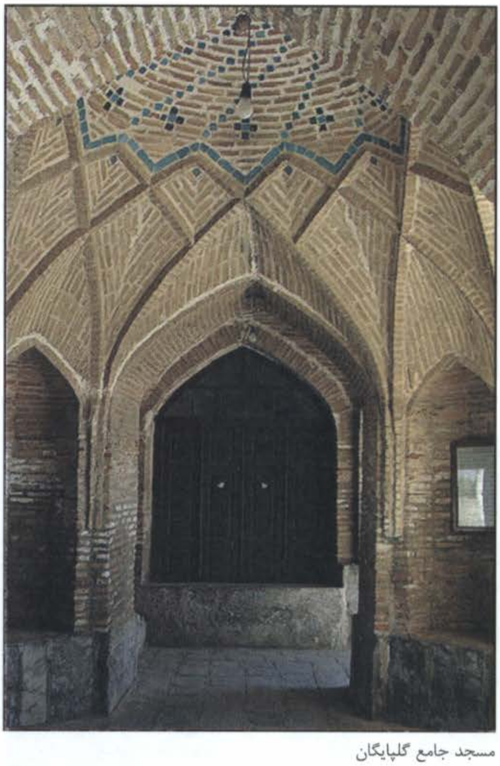




گل و گلاب‌گیری قمصر کاشان



مسجد جامع گلپایگان



مسجد جامع گلپایگان



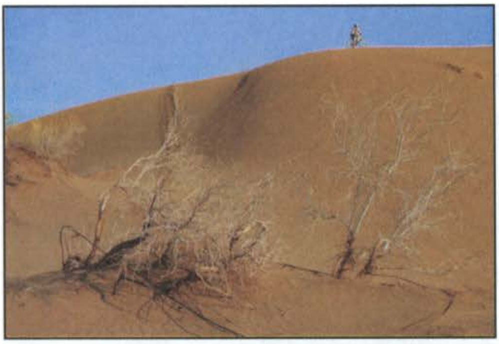
مشهد اردهال - کاشان



خانه عباسیان - کاشان



خانه روستایی - قمصر کاشان



بیابان مرنجاب - کاشان



فرش دستباف ، طرح حضرت سلمیان- صنایع دستی کاشان



آبشار نیاسر - کاشان



منظره روستای نیاسر - کاشان

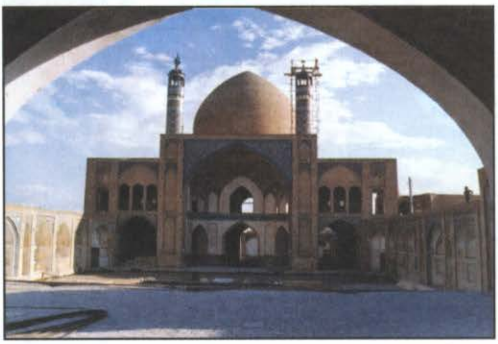

خانه عامری‌ها - کاشان

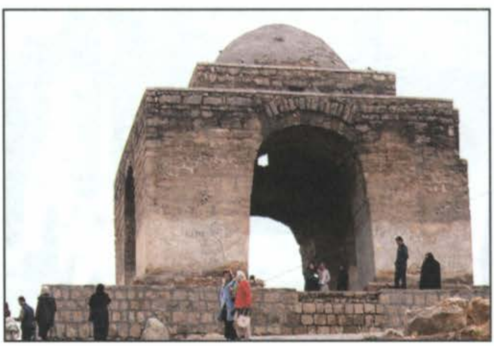

امامزاده هلال لابن - کاشان

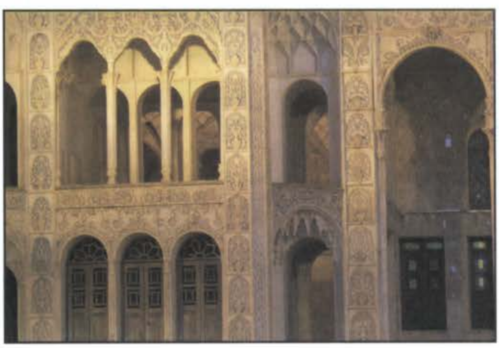

آرامگاه فیروزان - کاشان


باغ فین - کاشان


آتشکده نیاسر - کاشان


مسجد آقابزرگ - کاشان


آتشکده نیاسر - کاشان

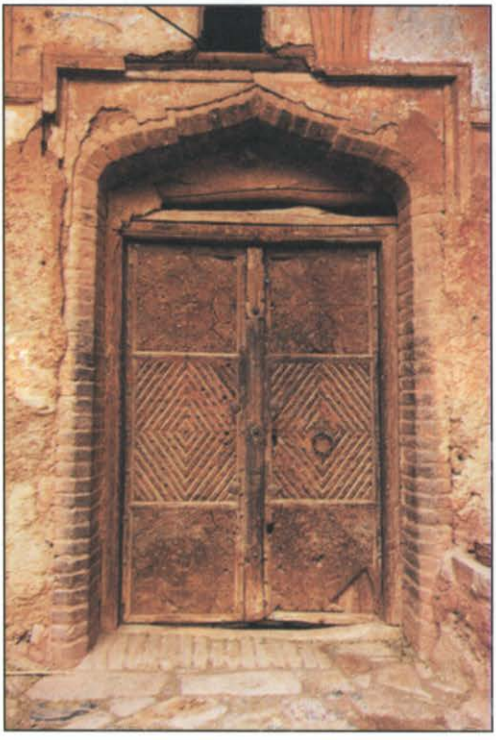

خانه طباطبایی‌ها کاشان

استان اصفهان - روستای ابیانه













همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان ایلام



تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ گردشگاه‌های طبیعی ـ گردشگری در طبیعت ـ آثار تاریخی و گردشگری ـ مردمان و اجتماعات نخستین ایلام ـ عشایر استان ـ آداب و رسوم ـ شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان ایلام براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر ایلام، تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۹ تعداد شهر: ۱۹ تعداد آبادی دارای سکنه: ۷۵۰ کل آبادی‌ها: ۱۰۳۶
جمعیت استان ایلام در سال (۱۳۸۵) ۵۴۵۷۸۷ نسبت به کل کشور ۰/۷۷ بوده است.
مساحت استان ایلام ۲۰۱۳۳ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱/۲۴ است.
تراکم نسبی جمعیت استان ایلام در سال (۱۳۸۵) ۲۷ نفر در کیلومترمربع بوده است.
از تهران تا ایلام (۷۱۰) و از ایلام تا آبادانان (۱۷۲)، ایلام (۰)، ایوان (۳۵)، دره‌شهر (۱۳۵)، دهلران (۲۲۰)، شیروان و چرداول (۲۵)، مهران (۹۰)

که ایران بهشت است یا بوستان / همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از خلیل رحیمی از دره‌شهر

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان ایلام
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اول ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۴ـ۳۵ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN 978-964-6991-35-4

بها: هفتصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ـ
سرزمین و مردم استان ایلام؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۱ ـ ۳۵ ـ ۴
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرة‌المعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرة‌المعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۶۰

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان ایلام براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: ایلام مساحت: ۲۰۱۳۳ تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۹ تعداد شهر: ۱۹ تعداد آبادی دارای سکنه: ۷۵۰ کل آبادی‌ها: ۱۰۳۶

جمعیت استان ایلام در سال (۱۳۶۵) ۳۸۲۰۹۱ نسبت به کل کشور ۰/۷۷ و در سال (۱۳۷۵) ۴۸۷۸۸۶ نسبت به کل کشور ۰/۸۱ و در سال (۱۳۸۵) ۵۴۵۷۸۷ نسبت به کل کشور ۰/۷۷ بوده است.

مساحت استان ایلام ۲۰۱۳۳ نسبت به کل کشور ۱/۲۴ است.

کارگاههای استان ایلام ۴۸۳۶ نسبت به کل کشور ۰/۷۵ است.

درصد میزان شهرنشینی استان ایلام در سال (۱۳۷۵) ۲۳/۵۳ و در سال (۱۳۸۵) ۶۹/۶۰ درصد است.

تراکم نسبی جمعیت استان ایلام در سال (۱۳۶۵) ۱۹ و در سال (۱۳۷۵) ۲۴ و در سال (۱۳۸۵) ۲۷ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان ایلام

مرد و زن ۲۸۸۸ زن ۱۳۴۱ مرد ۱۴۴۷

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان ایلام

مرد و زن ۲۲۰۶ زن ۱۲۰۴ مرد ۱۰۰۲

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان ایلام در سال ۱۳۸۵

جمع ۱۱۲۶ دولتی ۱۰۸۸ خصوصی ۳۸ تولید نهال ۹۵۰

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان ایلام در سال ۱۳۸۵

تعداد بهره‌برداری ۴۵ مساحت گلخانه ۱۰ هکتار

ادامه در صفحهٔ ۵۴۸

فهرست برخی از مطالب

جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان ایلام

سیمای اقلیمی استان: اقلیم استان ایلام هم نظیر هر منطقه‌ی دیگر تحت تأثیر فاکتورهای مهمی همچون ارتفاع، منابع رطوبتی، عرض جغرافیائی و توده‌های هوای مهاجر شکل گرفته و در کنار این عوامل اصلی، عوامل دیگری نیز همچون پوشش گیاهی، فعالیت‌های کشاورزی و نظائر آن هم در محدوده‌های کوچک‌تر بر اقلیم آن تأثیر می‌گذارد.

تأثیرات ارتفاعات بر اقلیم استان: استان ایلام در ناودیس بزرگ زاگرس قرار داشته و از رسوبات دوران اول تا چهارم زمین‌شناسی تشکیل یافته است که تمامی این رسوبات در حرکات کوهزائی به صورت بخشی از سلسله جبال زاگرس به وجود آمده است. شمال و شمال شرقی استان از ارتفاعات بلند شکل گرفته و بخش‌های غربی و جنوب غربی استان از زمین‌های کم ارتفاع و پست تشکیل شده است که منطقه گرمسیر استان را شامل می‌شود.

اختلاف ارتفاع بین دو بخش کوهستانی و پست استان در حدود ۳۰۰۰ متر است که این اختلاف ارتفاع بین دو بخش سردسیری و گرمسیری استان، طبعاً موجب بروز تفاوت‌های فاحش اقلیمی بین دو نیمه استان گردیده است.

مهم‌ترین ارتفاعات استان ایلام، کبیر کوه و دینار کوه می‌باشند و از دیگر ارتفاعات استان می‌توان از سیاه کوه، کوه نخجیر، سرخ کوه و سلسله جبال حمرین نام برد.

تأثیر منابع رطوبتی بر اقلیم استان: منابع آب‌های استان ایلام از دو بخش رودخانه‌ها و آب‌های زیر زمینی تشکیل یافته است.

به علت وجود کوهستان‌های مرتفع در این استان که اکثراً در زمستان پوشیده از برف اند و نیز به سبب ریزش‌های جوی قابل ملاحظه در این استان، رودخانه‌های استان نظیر سیمره، چرداول، سرابله، سراب کلان، گرو، گنجه، سیکان، شیخ مکانی، کنجانچم، گاوی، گدار خوش، چنگوله، دوبرج و... معمولاً پر آب بوده و همراه با منابع آب‌های زیر زمینی که در اشکال چشمه و چاه و قنات مورد بهره برداری قرار میگرند، مجموعاً به عنوان یک عامل مؤثر بر اقلیم استان تأثیر می‌گذارند.

تأثیر عرض جغرافیائی: گستردگی عرض جغرافیائی استان ایلام، یکی از عوامل تعیین کننده در شکل‌گیری اقلیم‌های استان مورد ارزیابی قرار میگیرد. اگر توجه شود که میانگین سالانه‌ی دما در دهلران واقع در نواحی جنوبی استان ایلام ۲۵/۲ درجه‌ی سانتی گراد و میانگین سالانه دمای شهرستان ایلام که در عرض‌های بالاتر جغرافیائی قرار گرفته، ۱۶/۶ درجه‌ی سانتی گراد است، یقیناً دمای نقاط واقع در عرض‌های بالاتر جغرافیائی نسبت به ایلام با هم کمتر بوده و بدیهی است که تأثیر عرض جغرافیائی بر سایر پارامترهای اقلیمی وابسته به تابش خورشید نظیر ساعات آفتابی، تشعشع و غیره، در محور شمالی ـ جنوبی استان نیز به همین ترتیب مؤثر خواهد بود.

تأثیر پوشش گیاهی بر اقلیم استان: به علت کوهستانی بودن استان ایلام و تنوع آب و هوائی آن، بیشتر ارتفاعات استان همانند استان‌های همسایه خود از پوشش گیاهی و جنگلی مناسبی برخوردار است.

با آن که نواحی غرب کشور و از جمله استان ایلام پوشیده از جنگل‌های سرسبز است، اما متأسفانه به

سبب بهره برداری‌های بی رویه از جنگل‌ها و قطع درختان آن‌ها، این جنگل‌ها دارای سیر قهقرائی می‌باشند.
اهمیت و ارزش این جنگل‌ها نه تنها به منظور برداشت فرآورده‌های آن‌ها، بلکه به جهت ارزش‌های غیر مادی آن‌ها نظیر تلطیف هوا، جلوگیری از فرسایش خاک، ایجاد شرایط مناسب زیست برای وحوش و کنترل هرز آب‌ها می‌باشد.
مراتع غنی استان ایلام در ارتفاعات و نواحی سردسیر استان قرار دارد و مجموع جنگل‌ها و مراتع استان بر اقلیم آن تأثیر گذاشته و از اقلیم آن تأثیر می‌پذیرند.
کشاورزی استان: با توجه به این که در حدود ۷۰ درصد وسعت استان ایلام کوهستانی است، بنابراین به حکم طبیعت، زمین‌های زراعتی آن شامل زمین‌های کوهپایه‌ای، سنگلاخی، دشت‌های ناهموار و کم وسعت و نیز حواشی رودخانه‌ها و چشمه‌ها است. در سال هائی که آتش جنگ ایران و دولت متجاوز صدام عراق در این منطقه شعله ور بود. بسیاری از زمین‌های زراعتی به صورت بایر و غیر مزروعی بر جای مانده بود که پس از پایان جنگ به احیاء آن‌ها مبادرت شده است.
باغداری در شهرهای ایلام، شیروان و چرداول از رونق نسبی برخوردار است و در بخش‌های گرمسیری استان درختان خرما و مرکبات به عمل می‌آید.

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی ایلام

غلات هکتار/تن (گندم ۲۴۱۶۰۶،۱۳۳۶۷۶-جو ۶۲۱۹۲، ۶۳۸۴۸- شلتوک ۱۲۹۲۱،۳۲۹۱- ذرت دانه‌ای۲۰۳۲۲۳، ۳۴۱۹۹۷)
حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۲۶۰۸، ۷۰۱۸-لوبیا ۱۶۰، ۱۴۱- عدس ۴۰۹۵، ۲۲۶۹)
محصولات صنعتی هکتار/تن (توتون تو تنباکو ۱۰، ۴- چغندرقند ۶۰، ۲۰۱۳- کلزا ۲۳۴۹، ۱۴۰۹)
سبزیجات هکتار/تن (سیب‌زمینی ۲۱، ۳۲۰-پیاز ۲۷۸، ۱۱۴۹۷-گوجه‌فرنگی ۴۴۹، ۹۰۶۹)
محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۲۸۰، ۵۶۳۷- هندوانه ۳۴۲۳، ۱۱۶۷۰۳- خیار ۶۶۱۴- ۱۵۶۰۵۹)
نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۱۲۵۳، ۱۱۷۱۶)
محصولات: میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس(تک دانه مشهد)، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلوقطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، یاقوتی). میوه‌های خشک: بادام، گردو. میوه‌های نیمه گرمسیری: خرما(استعمران، کبکاب)، انجیر. پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فروت، نارنج، انار. میوه‌های گرمسیری: کنار، زعفران، غیرمثمر.
توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۱/۵۶ درصد رتبه ۱۷ مقدار تولید غلات ۳۴۱۹۹۷ تن رتبه ۲۱ - مقدار تولید حبوبات ۹۵۷۵ تن رتبه ۱۸ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۳۴۶۵ تن رتبه ۲۸ - مقدار تولید سبزیجات ۲۳۹۶۰ تن رتبه ۲۷ - مقدار تولید جالیزی ۲۹۳۹۸۶ تن رتبه ۶ - تولید علوفه ۲۵۳۱۳ تن رتبه ۲۶ - مقدار محصولات باغی ۹۵۸۷ تن رتبه ۳۰ - تولید خرما ۱۵۷ تن رتبه ۱۱ -تولید مرکبات ۱۱۷۲ تن رتبه ۱۲ -وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی ۱۸۶۰۰۰ شاخه گل -

۶۴۰گلدان - درخت و درختچه ۱۸۱۰۰۰ -تولید عسل ۳۰۳۲۹۹کیلو جمع کل سطوح منابع طبیعی ۱۷۸۷۹۴۷ هکتار.

تقسیمات اقلیمی استان: در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده. تقریباً تمامی محدوده‌های واقع در جنوب و غرب استان ایلام دارای اقلیم‌های خشک گرم و خشک معتدل است، به گونه‌ای که مناطق مجاور مرز عراق تحت پوشش اقلیم گرم قرار داشته و مناطق داخلی‌تر استان دارای اقلیم خشک معتدل است که در صورت حرکت از مرز عراق به داخل استان و یا از غرب به شرق استان، به اقلیم‌های ملایم‌تر در بخش‌های شرقی استان برخوردار خواهد شد.
گرچه اقلیم‌های مرطوب و نیمه مرطوب در سطح استان ایلام مشاهده می‌شود، اما این اقلیم‌ها دارای گسترش کمی هستند. در مناطق ارتفاعی و کوهستان‌ها که به موازات مرز عراق و در فاصله نسبتاً زیاد از آن قرار دارند. حتی اقلیم‌های فرا سرد و سرد را هم به صورت محدوده‌های بسیار کوچک می‌توان شناسائی کرد.
شمال استان ایلام تحت پوشش اقلیم‌های نیمه مرطوب سرد و مرطوب فرا سرد قرار داشته و بخش‌های شمال شرق استان دارای اقلیم نیمه خشک سرد است که گسترش آن در خارج از مرزهای ایلام، بخش‌های وسیعی از استان لرستان، از پلدختر تا کوهدشت و تا خرم آباد را هم در بر می‌گیرد.
بخش‌های جنوب غربی و جنوبی واقع در مجاورت استان خوزستان و کشور عراق تحت پوشش اقلیم خشک گرم واقع شده است که شهرهای مهران و موسیان در این اقلیم مستقرند.

اقلیم نیمه خشک سرد به صورت یک باریکه‌ی اقلیمی از گیلانغرب واقع در استان کرمانشاه به درون استان ایلام امتداد یافته که تا بخش‌های انتهائی جنوب شرقی و مرکزی استان تا ناحیه‌ی آبدانان ادامه می‌یابد که در حقیقت بین دو اقلیم نیمه مرطوب سرد و نیمه خشک گرم گسترش یافته است.
با توجه به تأثیر پذیری استان ایلام ازکم فشارهای مدیترانه‌ای و سودانی، میزان بارندگی‌های سالانه در مناطق شمال و شمال شرق استان که در واقع منطقه‌ی سردسیری استان ایلام را تشکیل می‌دهند. از مرز ۶۰۰ میلی متر می‌گذرد و حداقل دمای این نقاط سرد و مرتفع به کمتر از ۱۵- درجه‌ی سانتی‌گراد نزول می‌نماید و به این ترتیب تأثیر سازه‌های مهم اقلیمی نظیر ارتفاع، عرض جغرافیائی و توده‌های هوای مهاجر بر اقلیم استان به روشنی مشهود می‌گردد.
در مناطق غرب و جنوب غرب استان که دشت‌های گرمسیری مهران و دهلران و دشت عباس را شامل می‌شود. میزان ریزش‌های جوی کاهش یافته و ریزش‌های جوی در دهلران به ۲۹۱ و در مهران به ۳۴۶/۹ میلی متر می‌رسد.
حداقل مطلق دمای هوای دهلران ۰/۴- و مهران ۴- و حداکثر مطلق دمای دهلران ۵۰/۶ و مهران ۵۰/۵ درجه‌ی سانتی گراد است.
در ناحیه‌ی شهرستان ایلام نه شرایط اقلیمی نواحی سرد و کوهستانی شمال و شمال شرق استان حاکم است و نه شرایط گرم و خشک مناطق جنوبی استان، بلکه رژیم اقلیمی آن در حد واسط اقلیم‌های سرد شمالی و گرم جنوبی قرار دارد.
میانگین سالانه‌ی بارندگی در شهر ایلام ۶۵۶/۷ میلی متر و حداقل دمای مطلق آن ۱۲/۶- درجه

سانتی گراد است. ایلام مرکز استان، در منطقه اقلیمی نیمه مرطوب سرد قرار داشته و دهلران و مهران و موسیان در اقلیم خشک گرم واقع شده‌اند.

رشته کوه‌ها و ارتفاعات استان ایلام:

ناهمواری‌های استان ایلام از چین خوردگی‌های موازی در جهت شمال غربی و جنوب شرقی به وجود آمده است. این کوه‌ها از رسوبات دوران اول تا چهارم زمین‌شناسی تشکیل گردیده است، ولی شکل‌گیری کلی آن‌ها عموماً به دوران دوم و سوم زمین‌شناسی مربوط است. این کوه‌ها چنان گستردگی دارند و فشرده‌اند که امکان شکل‌گیری دشت‌های میانکوهی در میان آن‌ها فراهم نشده است. شمال و شمال شرقی استان از ارتفاعات و کوهستان‌های بلند تشکیل یافته و نیمه غربی و جنوب غربی آن از نواحی کم ارتفاع با شیبی به طرف غرب شکل گرفته است که دشت‌های وسیع گرمسیر منطقه‌ی مهران ـ دهلران و دشت عباس را شامل می‌شود. ارتفاع این دشت‌ها از ۳۰۰ متر کمتر است. وجود این ناهمواری‌ها که در مجاور سرزمین‌های پست قرار گرفته‌اند، اختلاف ارتفاع این دو نیمه را به حدود ۳۰۰۰ متر می‌رساند.

با توجه به ویژگی طبیعی، شکلی از زندگی اجتماعی پدید آمده است که امروزه به نظام عشایری و ایلی معروف است و مهم‌ترین ارتفاعات استان ایلام، کبیر کوه و دینار کوه می‌باشند.

ـ کبیر کوه: ارتفاعات کبیر کوه به صورت ممتد از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است و بخشی از کوهستان عظیم زاگرس را تشکیل می‌دهد. این رشته کوه از شاخه‌های بسیاری تشکیل یافته است. مرتفع ترین این ارتفاعات، قله‌ای به نام کبیر کوه است که ۲۷۹۰ متر ارتفاع دارد. از این رشته که کوهستان وسیعی را تشکیل داده است، رودخانه‌های فراوانی سرچشمه می‌گیرند و اکثراً به خاک عراق وارد می‌شوند و تعداد دیگری از رودخانه‌ها نیز به رودخانه‌های سیمره و کرخه می‌پیوندند.

ـ دینار کوه: دینار کوه در ۲۵ کیلومتری شمال دهلران ـ آبدانان واقع شده و بلندترین قله‌ی آن ۱۹۵۵ متر ارتفاع دارد. رودخانه‌های آب سیول، آب خزینه، آب گل گل و ده بانه از این کوه سرچشمه می‌گیرند. در قسمت شمال استان ایلام، کوه مانشت وجود دارد که ارتفاع آن ۲۶۲۹ متر است. از این کوه رودخانه‌های مورت و آسازنگان سرچشمه می‌گیرند. دینار کوه از شمال غربی به کوه بانکور و از جنوب غربی به کوه گاوه راه مرتبط است و دامنه‌های شرقی و غربی آن را جنگل‌های بلوط در برگرفته است.

از دیگر رشته‌های کبیر کوه می‌توان کوه‌های نخجیر، سیاه کوه، سرخ کوه و سلسله جبال حمرین را نام برد. سلسله جبال حمرین از بهرام آباد مهران شروع و به جلگه‌ی خوزستان منتهی می‌گردد.

۱ـ چمن گیر، ارتفاع ۲۵۷۸ متر، ۲ـ شره زول، ارتفاع ۲۰۵۰ متر، ۳ـ سرکب، ارتفاع ۲۱۲۰ متر، ۴ـ بانکول، ارتفاع ۲۳۰۴ متر، ۵ـ سامله، ارتفاع ۲۱۵۰ متر، ۶ـ بهار آب، ارتفاع ۱۹۷۰ متر، ۷ـ ملینجه، ارتفاع ۲۱۹۳ متر، ۸ـ شلم، ارتفاع ۲۱۷۴ متر، ۹ـ قلارنگ، ارتفاع ۲۴۷۳ متر، ۱۰ـ بانهراز، ارتفاع ۱۸۲۰ متر، ۱۱ـ اهوران، ارتفاع ۲۱۲۰ متر، ۱۲ـ سرخ خانی، ارتفاع ۲۰۳۰ متر، ۱۳ـ قلاجه، ارتفاع ۲۰۵۰ متر، ۱۴ـ کلک، ارتفاع ۱۸۲۰ متر.

کوه‌های شهرستان ایلام عبارتند از: ملد شاده، گنو،

سم خر، الله خدا، تالوار، بایه، جمالگیر، چکبوره، چپق بابا خان، سفید و... .
کوه‌های شهرستان مهران عبارتند از: سیاه اردلان، سرخ، یک شبه، سه کورند، بلواند، بلیجان، چنچر، سیاه کوه، چنال زرد، زالو آب و ....
کوه‌های شهرستان دهلران عبارتند از: بری کروی، پشته گلاب، دالپری، ممله، کولونرمه، کلاوندی، باریک آب، بته انش، تپه علی گشت، خرگهی، گوتبه، تنیلا و...
کوه‌های شهرستان دره شهر: راواندی، هفت کلک، بنهر، مرزو، سر گچ کوه، سرگچ و...
در میان دو منطقه‌ی کوهستانی کبیرکوه و دینارکوه دشت‌های کم وسعتی وجود دارد که مهم‌تر از همه‌ی دشت‌های حوزه‌ی شهرستان ایلام شامل دشت ایلام، ایوان، شیروان، هلیلان و چرداول است که به علت دسترسی به آب‌های سطحی، شهرک‌ها و آبادی‌های پر جمعیتی را در برگرفته و به همین علت این دشت‌ها بیشترین تراکم جمعیت منطقه را دارد. مهم‌ترین دشت‌های ناحیه‌ی غربی استان عبارتند از: دشت‌های صالح آباد، دهلران، موسیان، محسن آباد نصیریان و دشت عباس که از نوع دشت‌های آبرفتی و رسوبات کناری رودخانه هاست، اغلب این دشت‌ها دارای خاک عمیق رسی هستند.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان ایلام: به علت وجود کوه‌های مرتفع در استان ایلام، که غالباً در زمستان پوشیده از برف اند و فراوانی باران در منطقه و نیز به علت شیب‌های تند، قسمت زیادی از نزولات جوی به صورت سیلاب و رودخانه وارد دشت‌های کم ارتفاع می‌شود. سرچشمه‌ی تعدادی از رودخانه‌های شرقی این استان در استان‌های کرمانشاه و لرستان است. این رودخانه از ارتفاعات شمال و شمال شرقی استان به طرف دشت‌های غرب و جنوب غربی امتداد می‌یابند. با توجه به مسیر رودخانه‌ها آن‌ها را می‌توان به دو دسته مشخص تقسیم کرد.
۱ـ رودخانه‌های شرقی که به سیمره می‌ریزند. ۲ـ رودخانه هایی از دامنه‌ی کبیرکوه سرچشمه گرفته، از مرز ایران گذشته و به رودخانه‌ی دجله در کشور عراق می‌پیوندند.
الف ـ مهم‌ترین رودخانه‌هایی که به سیمره می‌ریزند، عبارتند از: سراب کلان، سراب زنجیره، سرابله، چرداول، گرو، شیخ مکانی، کلم، گنجه و سیکان که از دامنه‌ی شرقی کبیر کوه سرچشمه می‌گیرند و پس از مشروب ساختن اراضی وسیعی از استان به سیمره می‌ریزند.
رودخانه‌ی سیمره: رودخانه‌ی سیمره از حاشیه‌ی شرقی استان ایلام عبور می‌کند و شاخه‌های اصلی آن گاماسیاب ـ قره سو و دو رشته دیگر که از ارتفاعات کامیاران و ماهی دشت سرچشمه گرفته و در ۸۰ کیلومتری کرمانشاه به رشته اصلی می‌پیوندند. این رودخانه از محل اتصال گاماسیاب و قره سو به نام سیمره خوانده می‌شود و تا انتهای حوزه‌ی کرخه حدود ۶۵۰ کیلومتر طول دارد. شعبه‌ی دیگر این رودخانه، چناره در شمال شیروان و رودخانه‌ی کشکان در چم مهر به سیمره متصل می‌گردند و پس از آن کرخه نامیده می‌شود.
ب ـ رودخانه هایی که از غرب کبیر کوه سرچشمه می‌گیرند و پس از مشروب ساختن دشت‌های وسیع به دجله در عراق می‌ریزند. عبارتند از: کنجانچم، گاوی، چنگوله، دو ویرج، سده، تلخاب شماره‌ی ۱ و ۲، گدار خوش.
آب‌های زیر زمینی: برای استفاده از آب‌های زیر

زمینی در سطح استان، در دشت هایی مانند دهلران، مهران، هلیلان و شهرستان‌های ایلام و دره شهر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق با آبدهی نسبتاً مناسبی وجود دارد. تعداد چشمه سارها در مناطق کوهستانی بیشتر و در نواحی جلگه‌ای کمتر است.

معمولاً از آب چشمه‌ها به عنوان آب زراعی استفاده می‌شود. در استان ایلام تعدادی آبشار با فضای طبیعی بسیار زیبا وجود دارند که عبارتند از: آبشار چم آو، آبشار سرطاف و آبشار آبتاف.

رودخانه‌های شهرستان ایلام عبارتند از: آب آسمان‌آباد، آب آفتاب، گنجان چم، گیلان کورگه، آب چیکا، آب زنگاون، چوار، جزمان رود، چرداول، تنگ گراو، شیروان، هزارخانی، خوش، تلخاب، گیلال چیقا چلام، سده، سورک، کازاب، کلال رود و...

رودخانه‌های شهرستان مهران عبارتند از: پیر محمد، گدار خوش، سیاه آب، چنگوله، تنگ خشول، آب تیمه، تلخاب، آب کنات، آب مزاورد، بالشک آب، تاشمورت، کل کلا، آب رگزاه و ....

رودخانه آب آسیاب هم که در محدوده‌ی شهرستان دره شهر واقع شده است، در طول مسیر از دره تنگ و زیبائی که میان کوه «داگه» در شرق و کوه «گوار» در غرب قرار دارد می‌گذرد.

خشکسالی: در استان ایلام در طول ۱۰ سال گذشته ۷۸، جمعاً ۲ بار خشکسالی اتفاق افتاده که بر اثر آن ۱۸۰۰۰ راس دام تلف شده و ۳۵۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت دیده است.

سیل: در طول ۱۰ سال گذشته، وقوع ۳ بار سیل در استان ایلام موجب تخریب ۳۵۲ واحد مسکونی و از دست رفتن جان ۱۲ نفر از مردم استان و تلف شدن ۵۲۸ راس دام شده است. در همین مدت بر اثر وقوع سیل ۱۴۵۸ هکتار از اراضی استان خسارت دیده و ۲۳۳ دهنه پل آسیب پذیرفته و به ۲۱ واحد تولیدی و ۱۷ مکان عمومی و اداری و ۲۲۴۰ کیلومتر از جاده‌های استان خسارت وارد شده و ۲۷ دستگاه وسیله نقلیه آسیب دیده و یا از بین رفته است.

رگبار شدید: در طول ۱۰ سال گذشته، ریزش‌های شدید رگباری در ۴۹ نوبت در استان ایلام، موجب خسارت دیدن ۱۷۵۲ واحد مسکونی در این استان شده است.

زلزله: رخداد ۳ بار زلزله در طول ۱۰ سال گذشته در استان ایلام، موجب از بین رفتن جان دو نفر از مردم این استان شده و به ۱۲۹ واحد بنا خسارت وارد ساخته است.

گردشگاه‌های طبیعی استان ایلام:

در استان ایلام، به علت بارندگی‌های فراوان و همچنین نقش استان به عنوان زهکش آب‌های سطحی سلسله جبال زاگرس، رودخانه‌های متعددی جاری شده و سدهایی نیز بر روی این رودخانه‌ها احداث گردیده است که بیشتر این رودخانه‌ها در مجاورت روستاها و شهرها و کانونهای عشایری جریان دارند. بی نظیرترین تنگه‌های آبی، تنگ کفن ده لا، تنگ سازوبن شیروان، مناظر بدیع و دیدنی حواشی رودخانه‌ها و آبشاری زیبا و بلند که از ارتفاعات صخره‌ای تنگه به داخل رودخانه‌ی سیمره می‌ریزد، چشمه سارهای دائمی، روستاها با آثار باستانی و ارزشمند، دشت‌های سرسبز. پارک‌های جنگلی با چشم اندازهای طبیعی و دل‌انگیز که وجود هر یک زیبائی‌های منحصر به فردی را به نمایش می‌گذارند و جلوه‌های بهاری و پائیزی دریاچه‌ی

دوگانه‌ی سیاه گاو که بین کوه‌های مرتفع و اطراف آن دشت‌های سبز و گلزارهای فرح بخش حاشیه‌ی دریاچه، حواشی زیبای رودخانه‌های استان، دارای جاذبه‌های گردشگری و توریستی قابل توجهی می‌باشد.

دریاچه‌ی زیبای دوگانه سیاه گاو در ۸ کیلومتری سراب باغ آبدانان قرار گرفته است.

در فاصله‌ی ۱۸ کیلومتری مسیر ایلام به صالح آباد در منطقه‌ی ماربره، آبشار بلند و پرآبی از میان تخته سنگ‌ها به پائین سرازیر می‌شود که منظره‌ای روح بخش به وجود می‌آورد و به آبشار چم آو معروف است. آبشار آبناف و آبشار سرطاف هم در زمره‌ی آبشارهای زیبای استان ایلام می‌باشند که از گردشگاه‌های عمومی و مورد توجه مردم ایلام می‌باشد.

غارهای دیدنی استان: در استان ایلام غارهای متعدد و حائز توجهی وجود دارد که همه‌ی حکایت از شگفتی‌های طبیعت دارد از جمله: غار خفاش دهلران، که در سه کیلومتری شمال شرقی شهر دهلران واقع شده است. این غار به علت زندگی میلیون‌ها خفاش در داخل آن، به غار خفاش معروف شده است. غار خفاش دهلران یکی از غارهای کهن دوره‌ی غار نشینی است، که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. غار شگفت انگیزز زینه گان در حدود یک کیلومتر طول دارد و در ۵ کیلومتری جنوب شرقی صالح آباد واقع شده است. این غار رو باز دارای دهلیزهای آبگیر، آب فراوان و پوشش گیاهی سرخس‌ها، جلبک‌ها و گیاهان خودرو، زیبائی شگفت انگیزی دارد و به غار بهشت معروف است.

غارهای ملک و کبوتران دارای ستون‌های زیبای استالاکتیت و استالاگمیت می‌باشند. در حفاری‌های غیر مجاز، از درون غار ملک استخوان‌های انسان و کوزه‌های سفالی به دست آمده است. غارهای قلاپیکه (قلعه‌ی پوکه)، غار انفجاری ایوان و غار تایه گه، نیز از زیبائی‌های طبیعی برخوردارند و از جاذبه‌های گردشگری و توریستی استان ایلام می‌باشند.

گردشگری در طبیعت: جنگل‌های سرسبز استان ایلام چشم اندازهای زیبائی از طبیعت را به نمایش می‌گذارد. درختان سقز و گون، کتیرا، پسته‌ی کوهی، زبان گنجشک، ارغوان، گیلاس وحشی، زالزالک، کیکم، بادام کوهی، کنار و مورد، زیبائی خاصی را به آن منطقه بخشیده‌اند. دره‌ی ییلاقی هفتا و میشخاص «هفت آب» با آن چشمه سارهای خروشان و نزدیکی آن با گردشگاه جنگلی گاوز، زیبائی دشت‌ها و مزارع متنوع آن باعث حیرت گردشگران می‌شود. دره‌ی پر آب هفتا و میشخاص از روستای جعفرآباد از فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری ایلام شروع می‌شود و تا ارتفاعات جنگلی طولاب ادامه دارد.

پارک جنگلی چقا سبز «چقا جنگلی» یکی از پارک‌های طبیعی و فرح بخش است که با درختان جنگلی و پرندگان کمیاب مانند بوتیمار، شرایط مناسبی جهت گردشگران فراهم آورده است.

گردشگاه ییلاقی خوران ایوان نیز یکی از گردشگاه‌های دیدنی با چشمه‌ی آب زلال و درختان کهنسال می‌باشد که در فصل تابستان پذیرای ده‌ها هزار دانش‌آموز است. این گردشگاه در ۷ کیلومتری شهر ایوان قرار دارد.

گردشگاه‌های جنگلی ششدار و گردشگاه منجل، دوستداران طبیعت را در ایام بهار و پائیز به سوی خود جذب می‌نمایند.

گردشگاه جنگلی تنگ دالاو، در تابستان مورد استفاده مشتاقان طبیعت قرار می‌گیرد. گردشگاه جنگلی تجریان، با توجه به آب و هوای منطقه از فصل زمستان تا بهار مورد استفاده واقع می‌شود. وجود گونه‌های مختلف گیاهی و باغات متنوع، و رودخانه‌ی پر آبی که از دامنه‌ی کبیرکوه سرچشمه می‌گیرد، گردشگاه کلم بدره را به یکی از زیباترین مناطق استان ایلام تبدیل کرده است. این منطقه در تمام فصول سال به ویژه در فصل تابستان مورد استفاده گردشگران می‌باشد.

از دیدنی‌های روستای تختان، درخت کهنسال آن می‌باشد که در حدود ۵۰۰ سال عمر، ۵۰ متر ارتفاع و ۴ متر قطر است. قلعه‌ی قیران که بر ناحیه‌ی جنگلی زیبائی به نام ششدار یا ششدان مشرف است چشم‌انداز بی نظیری را در شهر ایلام به وجود آورده است. یکی از دره‌های کم عرض و بسیار مرتفع کم نظیر که در ضلع غربی جاده دره شهر ـ پلدختر قرار دارد، تنگ بهرام چوبین است که علاوه بر زیبائی‌های وصف‌ناپذیر و ارتفاعات جنگلی کبیرکوه، از یادگارهای طبیعی و تاریخی است که در ایام بهار، ایرانگردان، کوهنوردان، علاقمندان به تاریخ و طبیعت را به سوی خود می‌کشاند.

روستاهای استان ایلام که دارای جاذبه‌های گردشگری می‌باشند عبارتند از: روستای زرین آباد، هلیلان، سرتنگ سفلی، موشکان، سرآبله و روستای تنگ قبر.

گردشگاه‌های جنگلی شهرستان ایلام شامل گردشگاه منجل و تنگ ارغوان، مله پنجا و حاجی بختیار، آبزا، گلم زرد و گره چکا در ۶۰ کیلومتری ایلام و در مسیر صالح آباد، قریه مورت، گردشگاه سرتاف در ۶ کیلومتری شهرستان ایلام است.

گردشگاه‌های شهرستان آبدانان: مناظر طبیعی و گردشگاه سهراب، مناظر طبیعی کوه اناران.

گردشگاه‌های شهرستان دره شهر: مناظر طبیعی کبیر کوه، دیدنی‌های رودخانه‌ی سیمره، دره‌ی شیخ مکان، تنگ کافری.

گردشگاه‌های شهرستان شیروان و چرداول: مناظر زیبای تنگ قیر در چرداول، چشم اندازهای کشتزارها و شالیکاری‌های اطراف شهرهای شیروان و چرداول.

گردشگاه‌های شهرستان مهران: رودخانه‌ی کنجان چم در ۶ کیلومتری صالح آباد، گردشگاه جنگلی کنار سد مهران.

و گردشگاه شهرستان دهلران: دریاچه‌ی قیر می‌باشد. ـ **سازمان هواشناسی کشور**

صنایع ایلام

محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۱۵۳ واحد)، ساخت منسوجات (۱۰۰ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۷۰ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۴۸ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۶ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۶۳ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۷۴ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۲ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۳۹ واحد)، بازیافت (۱۳ واحد).

شیر پاستوریزه (۱)، ماست پاستوریزه (۱)، آرد غلات (۳)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۳)، بسته بندی شکر (۲)، قند از شکر (۲)، انواع رب گوجه فرنگی (۲)، نخ پلی استرویسکوز (۲)، قند سفت (۱)، گاز استیلن (۲).

صنایع دستی استان ایلام

مهم‌ترین صنایع دستی استان که به دست هنرمندان زنان و دختران ایلامی و برای اولین بار طرح آن در استان ایلام بافته شده گلیم نقش برجسته است که از نظر اصالت و تولید مهم‌ترین و شاخص‌ترین صنعت دستی و بومی استان بوده و نقش و نگاره‌های آن از طبیعت و تاریخ و فرهنگ این منطقه الهام گرفته است. سایر صنایع دستی مهم استان عبارتند از: فرش کرکی، فرش ابریشم، جاجیم، نمد، گیوه‌بافی، چیت بافی و صنایع چوبی، احرامی، بافت سیاه چادر، گیوه بافی و...

سوغات محلی استان ایلام : مهم‌ترین سوغات محلی در ایلام ۱- روغن حیوانی و کره محلی با طعم بسیار لذیذ. ۲- عسل کوهی و ناب مناطق سورگه و شلم. ۳- کشک، کنجد و گردو. ۴- ترخینه، که با توجه به مواد به کار رفته در آن درمان بسیار خوبی برای سرماخوردگی است. ۵- سقز محلی (شیره درخت بنه که به وفور در کوه‌های استان وجود دارد.) ۶- شیرینی بزی برساق ۷- شیرینی کله کنجی ۸- شیرینی کهک ۹- حلوائی بگل (ترکیبی از پودر کشک و خرما).

معادن: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۳۸ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- ذغال سنگ (۸) ،۲- سنگ، شن و ماسه (۲۹) ،۳- شن و ماسه (۲۰) ،۴- سنگ لاشه (۱) ،۵- سنگ آهک (۲) ،۶- سنگ گچ (۶) ،۷- سایر مواد معدنی (۱) ،۸- پوکه معدنی (۱).

در استان ایلام در سال ۱۳۸۲ میزان بهره‌برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۱۲۹۰۹۵ تن ۲- مخلوط مارن و آهک ۸۱۴۴۲۰ تن ۳- سنگ گچ ۲۰۸۱۹۳ تن ۴- شیل ۲۱۰۰۰ تن

آثار تاریخی و گردشگری:

تپه‌های باستانی مر: تپه‌های باستانی مر در منطقه پنج برابر شمال شهر کلات مور موری از توابع شهرستان آبدانان واقع شده است. این اثر در سال ۱۳۸۲ به وسیله‌ی مدیریت میراث فرهنگی استان ایلام مورد شناسایی قرار گرفته است.

درکمر بند حاشیه‌ی غربی فلات ایران تپه‌های متعددی وجود دارد که از نظر شرایط استقراری و شواهد فرهنگی قابل مقایسه‌اند. تپه‌های موسیان در دهلران، تپه‌های مر در مور موری آبدانان، تپه‌های سید حسن و چگا آهوان در مهران، تپه‌ی گلان در بخش صالح آباد، چگا صیفور در چداول تپه‌های نرگسی وزرنه در ایوان، تپه‌ی سرنی در بخش صالح آباد در محدوده‌ی استان ایلام از جمله‌ی آثاری هستند. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این آثار دارای شواهد و مستندات ادوار پیش از تاریخ تا دوره‌ی تاریخی هستند. هر چند تشخیص قدمت و استقراری تپه‌های به تحقیقات گسترده علمی نیاز دارد و اظهار نظر قطعی در این مورد بدون انجام طرح‌های پژوهشی باستان‌شناسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

موقعیت جغرافیایی: تپه‌های باستانی مر I و II در فاصله‌ی ۷ کیلومتری شمال بخش کلات مورموری از توابع شهرستان آبدانان واقع شده است. زمین‌های کشاورزی جهات مختلف این آثار باستانی را تشکیل می‌دهد و رودخانه پنج برار در غرب اثر جریان دارد.

اقلیم و توپوگرافی محدوده‌ی اثر: دشت نسبتاً وسیع کلات مورموری در کوهپایه‌های جنوب شرقی دینار کوه واقع شده است. قسمت غربی تپه‌ی ماهوری است و تپه‌های باستانی مر در این محدوده از عهد باستان برجای مانده است.

رودخانه پنج برار در مغرب این اثر جریان دارد. بخش مورموری با توجه به شرایط پستی و بلندی‌ها و دیگر عوامل آب و هوایی دارای اقلیم گرم و خشک بوده و از آب و هوای معتدل زمستان و بهار برخوردار است. میزان نزولات جوی نسبت به مناطق کوهستانی شمالی کمتر و کشت محصولات دیمی به دلیل همین شرایط بازده قابل توجهی نداشته است، لذا فعالیت عمده‌ی مردم پرورش دام و دامپروری است.

شرح اثر: ارتفاع تپه‌ی باستانی مر شرقی I از تپه‌ی غربی II بیشتر و ابعاد اثر ۱۰×۲۰×۱۲ متر اندازه‌گیری شده است. چشمه‌ی آب واقع در جبهه‌ی جنوبی تپه‌های مر، منبع تأمین‌کننده‌ی آب این سکونتگاه بوده است. جاده‌ی خاکی موموری به پنج برار راه ارتباطی مر با مرکز بخش مورموری است.

تپه‌ی باستانی مر II در غرب تپه نسبتاً بلند مر شماره‌ی I واقع شده و ابعاد آن ۳×۸۰×۹۰ متر اندازه‌گیری شده که وسعت آن بیشتر از تپه‌ی جانبی است. به دلیل موقعیت توپوگرافی منطقه ارتفاع تپه از جهات مختلف متغیر است به طوری که در جبهه‌ی شمالی ۳ متر، جبهه‌ی غربی ۶ متر و جهات جنوبی و شرقی به ترتیب ۲ و ۱/۵ متر نسبت به زمین‌های پیرامونی ارتفاع دارد. حفاری غیر مجاز در آبریز ضلع غربی، بخشی از یک بنا را در عمق ۲ متری از مصالح و سنگ نمایان ساخته است. دیوارها با استفاده از سنگ لاشه و ملات گچ ساخته شده است، به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از لایه‌ی فوقانی تپه دارای آثار معماری باشد.

سفال تپه‌ی مر I: سفال تپه‌ی باستانی مر از نوع سفال‌های ساده و منقوش با رنگ خمیره قرمز و نخودی است. هر چند تعداد سفالهای منقوش این تپه نسبت به تپه‌ی شماره‌ی IIکمتر می‌باشد ولی نقوش هندسی نقاشی شده بر روی سفال‌ها با سفال تپه‌ی شماره‌ی II همخوانی دارد و قابل مقایسه است.

سفال تپه‌ی مر II: تراکم سفال در تمام سطح تپه ملاحظه می‌شود که انواعی از سفال‌های منقوش و ساده را تشکیل می‌دهد. سفال‌های منقوش با نقش هندسی نقاشی شده از تعدد بیشتری برخوردار است. تعداد اندکی سفال‌های خشن در دامنه‌های تپه دیده می‌شود. در زمین‌های کشاورزی پیرامنی نیز تکه‌های

سفال به طور پراکنده بر سطح زمین ملاحظه می‌شود که به نظر می‌رسد بر اثر فعالیت‌های کشاورزی و شخم زمین‌ها به قسمت‌های دیگر انتقال یافته است. این اثر احتمالاً مربوط به دوره‌ی پیش از تاریخ است و برخی سفال‌های سطح تپه با سفال تپه‌های موسیان دهلران، گلان و چگال آهوان مهران همخوانی دارد و قابل مقایسه است. این ارتباط می‌تواند در مطالعات باستان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. یادآوری می‌گردد تپه‌ی گلان از جمله سکونت‌گاه‌های پیش از تاریخ است که به وسیله‌ی هیئت‌های باستان‌شناسی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. نشریه‌ی فرهنگ ایلام

در ۵ کیلومتری جنوب شهر آبدانان و در میان روستای پشت قلعه، بر بلندای تپه‌ای منفرد که رودخانه‌ی جاری آبدانان از پای آن می‌گذرد، آثار بنای قلعه‌ای به چشم می‌خورد که مردم، آن را به نام پشت قلعه می‌خوانند و هنوز به صورت مدفون و نیمه مدفون پابرجاست. این بنا که مربوط به دوران ساسانی و اسلامی است.

دور تا دور این بنا را بارویی به صورت تقریباً

بیضوی احاطه کرده که بر روی این بارو برجک‌های بلند و دریچه‌های دیده بانی و طاق‌های گهواره‌ای یا هلالی می‌باشند. باروی مذکور به شدت آسیب دیده و در حال حاضر ارتفاع باقی مانده آن در برخی قسمت‌ها حدود ۳ متر می‌باشد.

در منتهی الیه قسمت جنوب و جنوب شرقی محوطه‌ی داخلی بارو، بنای شاه نشین و اتاق‌های مسکونی تعبیه شده که حدود $\frac{1}{4}$ از فضای داخلی محوطه را شامل می‌شود، بخشِ مسکونی قلعه که در بلندترین نقطه‌ی آن قرار گرفته است، اتاق‌ها با طاق‌های گهواره‌ای طاقچه‌ها و طاقنماهایی به صورت نیمه مخروبه قرار دارد که گاه قطر دیوارهای آن به یک متر می‌رسد. در ساخت این بنا از قلوه سنگ‌ها به صورت درهم و گاه رگه چین و از گچ نیم کوب به عنوان ملاط استفاده شده است.

با عنایت به منفک بودن تپه و بنا از سایر تپه ماهورهای غربی، محصور بودن کامل و موقعیت استراتژیک و عدم دسترسی آسان به آن با وجود استحکامات، برجک‌های متعدد دیده بانی، راه و دسترسی به آب (تونل) در مواقع اضطراری و از جمله عواملی است که کاربری نظامی آن را محرز می‌نماید.

در قسمت غربی تپه در فاصله‌ی ۴۳ متری باروی قلعه و در خارج از آن به طرف رودخانه تونلی به طول ۱۳ متر و به ارتفاع ۳ الی ۴ متر تعیین شده که قلعه را به رودخانه مرتبط می‌نماید. این تونل درون صخره‌ها کنده شده و در برخی قسمت‌ها با طاق‌های هلالی ظاهراً مسقف گردیده است. به جهت گذار از قلعه تا تونل بایستی ۳۰ متر فاصله را پیمود که این محل گذر به صورت مستقیم است و هنوز آثار و داغ دیوارهای آن موجود می‌باشد.

آبدانان را به علت وجود سرچشمه‌های آب گوارا، آبدانان عنوان نموده‌اند که مرور ایام به آبدانان مبدل شده است، گرچه قدیم الایام مردم بومی و شهرستان‌های اطراف شهر آبدانان را نام سراب و پشتکوه می‌نامند.

پشتکوه از دیرباز به علت خوبی آب و هوا محل مناسبی جهت قشلاق عشایر آبدانان به صورت دائم ساکن و شروع به آبادانی آن نمودند تا این که در سال ۱۳۵۰ به عنوان مرکز بخش انتخاب شد و به صورت شهری ابتدایی و کوچک به روند حیات خویش ادامه داد تا این که در سال ۱۳۷۶ به عنوان شهرستان انتخاب و معرفی گردید.

بیشتر آثاری که اکنون به صورت مدفون و نیمه مدفون در حوزه‌ی استحفاظی این شهرستان قرار دارد مربوط به دوران ساسانی و اسلامی بوده که اهمیت آن را در این دوران می‌رساند.

موقعیت جغرافیایی روستای پشت قلعه‌ی ۲: روستای پشت قلعه در ۵ کیلومتری جنوب شهر آبدانان قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا برابر ۸۸۰ متر می‌باشد.

آب و هوای این روستا پایکوهی معتدل و خشک بوده که رودخانه‌ی جاری از کنار آن گذشته و به برکت آن بیشتر مردم کشاورز و به صورت کشت دیم و آبی زراعت می‌نمایند.

در ۵ کیلومتری جنوب شهر آبدانان، در حاشیه‌ی جنوب غربی روستای پشت قلعه، حد فاصل روستای مذکور و روستای جابرالانصار (فرهان آباد) تپه‌ای منفرد و نسبتاً مرتفع وجود دارد که رودخانه ـ جاری از پای دامنه ارتفاعات کبیرکوه در منطقه‌ی سراب آبدانان ـ از پای آن

گذشته و با حفر تنگه‌ای در قسمت صخره‌ای تپه، آن را از سایر رشته تپه ماهورهای غربی مجزا نموده است.

ساختار تپه‌ی مذکور صخره‌ای (رگه‌های سنگی) مدفون در زیر لایه‌ای نسبتاً قطور خاک است. این رگه‌ها در جهت شرق و جنوب شرقی کاملاً آشکار و دارای شیب ملایم می‌باشند، منتهی در قسمت جنوب غربی و غرب به دلیل شیب تند و فرسایش حاصل از عوامل طبیعی، باران، رانش و غیره که منجر به ترک خوردگی و متعاقباً ریزش رگه‌های سنگی گردیده این قسمت از تپه، صخره‌ای و به صورت پرتگاهی در آمده که به تنگه‌ی رودخانه منتهی می‌گردد. شایسته است عنوان شود که جریان آب رودخانه و طغیان گاه به گاه آن در فصول بارندگی نیز از جمله عواملی است که در گسترش تنگه و تخریب صخره‌ها خصوصاً در جهت غرب دخالت مستقیم دارد.

وضعیت اثر: بر بلندای این تپه طبیعی آثار قلعه‌ای مستحکم به صورت مدفون و نیمه مدفون و مخروبه، بر جای مانده از تمدن‌های اسبق وجود دارد که به طور قطع انتخاب این تپه و ساخت قلعه بر روی آن به دلایلی چون منفک بودن از سایر تپه‌های همجوار، ارتفاع نسبی آن، موقعیت طبیعی و استراتژیک و مشرف بودن بر کل منطقه و دیدار از چهار جهت اصلی، نزدیکی و دسترسی آسان به آب شیرین جهت استفاده‌ی ساکنین، نزدیکی مصالح و وفور آن در منطقه به صورت طبیعی و غیره شامل می‌شود. با این همه قلعه مذکور دارای بخش‌های متعددی از جمله باروی قلعه را، برجک‌های دیده بانی و نگهبانی، ورودی قلعه اماکن مسکونی و شاه نشین، تونل و پلکان متعلقه بوده است.

۱ـ باروی قلعه: در منتهی الیه دامنه تپه‌ی دیواری دور تا دور آن را فراگرفته که به پلانی بیضوی و شیبی کاملاً ملایم به طرف غرب دارد علاوه بر دیوار به وجود آوردن محوطه‌ی داخلی قلعه، اماکن مسکونی شده در آن راکاملاً محصور نموده است. قطر این دیوار ۱۰۰ سانتی متر و در برخی قسمت‌ها تا ۱۲۰ سانتی متر متغیر بوده که ارتفاع باقی مانده در سالم‌ترین قسمت‌ها در حدود ۳ متر است برای استحکام دیوار، خصوصاً در جهت شمال و شمال شرقی ـ که امکان فرسایش خاک و خالی شدن لایه‌های زیرین دیوار وجود داشته ـ در فواصل تقریباً مساوی تکیه‌گاه‌ها و پشتیبان‌های مدوری تعبیه شده که علاوه بر جلوه‌ی معماری با روی قلعه، مقاومت باروی عظیم قلعه را در برابر رانش و دیگر عوامل طبیعی تثبیت نموده است. بر روی همین پشتیبان‌ها برجک‌های نگهبانی نیز ساخته شده است.

الف: برج‌های نگهبانی: بر روی دیوار بیضوی قلعه، برجک‌هایی به فواصل تقریباً مساوی و به ابعاد ۲۰۰cm×۱۶۰cm با پلانی مربع ساخته شده است. این برحک‌ها دریچه‌ها و طاقچه‌های باز و کوچک و بزرگ در چند جهت داشته که کار دیده بانی را آسان می‌نموده است. در محوطه‌ی داخلی این برجک‌ها علاوه بر طاقچه‌های دیده بانی باز، طاقچه‌های هلالی مسدودی نیز ساخته شده که کاربردهای مختلفی داشته است و جزئی از تزئینات معماری بنا نیز به حساب می‌آید. ورودی هر برج دیده بانی، درگاهی به عرض ۱۰۰ سانتی متر بوده که دارای طاقی هلالی می‌باشد. در حال حاضر آثار هشت برج نگهبانی بر روی دیواره قلعه به صورت پراکنده نیم مخروبه بوده که این برجک‌ها بیشتر در قسمت شمال و شمال شرقی و

در یک دو مورد در قسمت جنوبی دیوار قلعه موجود می‌باشد.

با عنایت به شیوه‌ی معماری و ساختار آن هر برج دیده بانی به وسیله‌ی طاق‌های قوسی شکل (طاق آهنگ) که به شیوه‌ی ضربی اجرا می‌شده مسقف بوده که اکنون تخریب گردیده است. پوشش پشت بام آن نیز لایه‌ای از خاک بوده که هر ساله بازسازی و یا تعویض می‌شده است.

ب: ورودی قلعه؛ بر روی دیواره‌ی شرقی دو تکیه گاه مدور با فاصله‌ای نزدیک به هم ساخته شده که نحوه‌ی اجرای آن با دیگر تکیه گاه‌های موجود متفاوت است.

تونل و پلکان قلعه: در جهت غربی تپه و خارج از محوطه‌ی قلعه، بر روی شیب تند و صخره‌ای تپه و در فاصله‌ی ۴۲ متری باروی غربی قلعه ـ قسمتی که شیب تپه به تنگه و رودخانه‌ی جاری منتهی می‌شود ـ تونلی موجود است که ساخته‌ی دست معماران و حجاران می‌باشد.

این تونل سرپوشیده با شیبی بسیار تند به طول ۱۳ متر و عرض ۱/۵ متر و به ارتفاع ۳ الی ۴ متر به صورت نیمه مخروبه موجود می‌باشد. شاید سنگی بودن ساختار آن باعث عدم تخریب تونل شده است اما فاصله‌ی باقی مانده تا دیوار قلعه که حدود ۴۲ متر می‌باشد، جهت ملایم نمودن شیب تند و سهولت در رفت و آمد معماران اقدام به ساخت راهرو و دالانی مسقف به طاق‌های قوسی و گاه جناقی به عرض تقریبی ۱/۵ متر و به طول ۳۰ متر نموده و آن را با بنای تونل مرتبط نموده‌اند. آن چه مشاهده می‌شود وجود پلکان‌های تقریباً صاف شده و از بین رفته است، منتهی آثار داغ دیوارهای راهرو متصل به تونل و همچنین آثار باقی مانده از پلکان متعلقه کاملاً مشخص می‌باشد.

بر روی این تونل آثار داغ و پی دیوارهای مکانی مربع مربوط به برجک‌های نگهبانی دیده می‌شود که کار حفاظت و کنترل رفت و آمد در این قسمت را بر عهده داشته است. ـ بیان پیرانی ـ نشریه فرهنگ ایلام شماره‌ی ۱۶ و ۱۷ سال ۸۳

عمارت و قلعه والی: قلعه والی در ضلع شمالی خیابان پاسداران در شهر ایلام میان بافت شهر واقع شده است. این اثر تاریخی بر روی تپه‌ای باستانی به نام چغامیرگ ساخته شده است. بنای مذکور به سال ۱۳۲۶ ه. ق در زمان حکومت محمدعلی شاه قاجار و در زمان غلامرضا خان والی به اتمام رسید. وسعت این قلعه ۲۵۰۰ متر مربع و مساحت زیر بنای آن ۱۵۰۰ متر مربع می‌باشد.بنا دارای حیاط مرکزی بوده که اماکن مسکونی آن در امتداد سه ضلع شرقی غربی و شمالی ساخته شده و در ساخت آن از مصالح سنگ و آجر و گچ استفاده شده است. آثار آینه کاری ،گچبری در برخی از اتاق‌ها کاملاً مشخص می‌باشد. قلعه والی دارای تعداد زیادی اتاق کوچک و بزرگ تالار، شبستان و پستو بوده که در هر ضلع آن ۲ زیرزمین جمعاً ۶ زیرزمین تعبیه شده است. در ساخت این بنا از اشکال هندسی در پیشانی دیوارها با استفاده از آجرهای لعاب دار رنگی تزییناتی صورت گرفته است. بنای مذکور در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و عملیات اجرایی تبدیل آن به موزه مردم‌شناسی است.

کاخ فلاحتی: عمارت کاخ فلاحتی یا کاخ کشاورزی در خیابان آیت الله حیدری شهر ایلام در محلی موسوم به باغ کشاورزی یا فلاحتی ساخته شده است. این بنا مربوط به اواخر دوران پهلوی می‌باشد که جهت ساختمان اداری اداره کشاورزی ساخته شده است.در ساخت بنا از سنگ

و آجر وگچ استفاده شده که ستون‌های منقوش گیاهی و حیوانی و انسانی ،زیبایی خاصی به آن داده است. عمارت کاخ فلاحتی در میان باغی بزرگ با درختان کهنسالی چون چنار ،توت و... محصور می‌باشد.

درهٔ ییلاقی هفتا و میش خاص «هفت آب»: درهٔ پر آب و درخت و مصفای میش خاص از روستای جعفر آباد در فاصله ۳۰ کیلومتری ایلام شروع شده و تا ارتفاعات طولاب که در آن جنگل و باغ در هم آمیخته‌اند ،ادامه می‌یابد. درختان گردو ،انواع میوه‌ها، چندین روستا در مسیر ییلاقی دره با مردمانی فعال و مهربان، سرچشمه‌های خروشان چشمه‌ساران متعدد، نزدیک بودن این درهٔ ییلاقی با تفریحگاه جنگلی گاوز ومزارع متنوع آن باعث نشاط و علاقه در بازدید کنندگان از محل می‌گردد.در ۲ کیلومتری این دره ییلاقی و در طول مسیر جادهٔ اصلی ایلام به دره شهر جنگل انبوه و زیبای مله پنجاو، زیبایی خاصی به این مجموعه بخشیده است.دره ییلاقی هفتاو میش خاص با باغات و مزارع یکی از مناطق سرسبز و دیدنی و پر درآمد استان ایلام می‌باشد که محصولات آن کیفیت مطلوبی دارند و در داخل و خارج استان به فروش می‌رسد و باعث رونق اقتصادی منطقه می‌گردد.

دریاچه سد ایلام : سد ایلام یکی از چشم اندازهای بسیار زیبای شهر ایلام است که در سال‌های اخیر با هدف اصلی تأمین آب شرب شهر ایلام به بهره‌برداری رسیده است و به لحاظ وجود جنگل‌های بلوط در حاشیه دریاچه جزء نادرترین دریاچه‌های پشت سد کشور است که جنگل آن را محصور نموده، درکلیه فصول سال به خصوص بهار و تابستان مملو از جمعیتی است که به قصد گذراندن اوقات فراغت خود این محل زیبا را انتخاب می‌کنند.

تنگ ارغوان : در فاصله ۳کیلومتری شمال شرقی ایلام در مسیر تنگه قوچعلی ،تنگ ارغوان در مسیر رودخانه‌ای با گل‌های ارغوانی ،مخصوصاً در فصل بهار زیبایی وصف ناپذیری را به طبیعت و جنگل‌های سرسبز آن دیار بخشیده است و تنوع رنگ آن‌ها چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌سازد. این دره مصفا همواره مورد استفاده مردم استان به منظور گذراندن اوقات فراغت و تفریح قرار می‌گیرد.

کوه قلاقیران : در ۵ کیلومتری غرب شهر ایلام قرارگرفته و مناظر آن دارای زیبایی‌های کم نظیر از جمله تفرجگاه‌های جنگلی ششدار و منجل که اطراف کوه را احاطه کرده منظره زیبایی به وجود آورده است. این کوه به عنوان نماد شهر ایلام معروف و دارای ارتفاع زیادی است.

دره شهر : شهر دره شهر در دامنه کبیر کوه در کنار خرابه‌های شهر تاریخی سیمره و رودخانه خروشان سیمره قرار دارد.این شهرستان دارای استعداد کشاورزی وافری بوده و با توجه به آب فراوان و مراتع انبوه و جنگل‌ها از مهم‌ترین مناطق کشاورزی ایلام به حساب می‌آید. اهمیت تاریخی دره شهر به حدی است که مورخان و تاریخ نگاران در متون از آن جا بسیار نام برده و به آن پرداخته‌اند.

شهر تاریخی سیمره : شهر تاریخی سیمره در حاشیه جنوب شرقی شهر کنونی دره شهر واقع شده است. این اثر تاریخی که بزرگترین محوطه تاریخی در سطح استان را تشکیل می‌دهد بالغ بر ۱۲۰ هکتار وسعت داشته که جزء اولین آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور می‌باشد.

محوطه مذکور طبق مطالعات و کاوشهای انجام گرفته مربوط به قرون اولیه اسلامی می‌باشد. این شهر تاریخی بر اثر وقوع زلزله‌ای به سال ۳۳۴ هق و... خالی از سکنه گردیده است. تاکنون کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه تاریخی صورت گرفته.

طبیعت زیبای منطقه در فصل زمستان و بهار و گچبری‌های به دست آمده در این کاوش و در این شهر تاریخی منحصر به فرد می‌باشد. خانه اربابی، بنای مسجد، اماکن حاشیه سیل بند و اماکن مسکونی حاشیه نشین شهر مکان‌های کاوش شده در کاوش‌های در این محوطه تاریخی می‌باشند.

قلعه شیخ ماخو: قلعه پوراشرف در روستای «ماخو» مکانی در ۷ کیلومتری شرقی شهر دره شهر واقع شده که بنای مذکور توسط سید محمدخان پوراشرف ملقب به اشرف العشایر به سال ۱۳۳۰ ه.ق در زمان سلطنت احمد شاه قاجار بنا گذاشته شد. این بنا در دو طبقه و دارای پلان مربع با پنج برجک نگهبانی می‌باشد. بنای پوراشرف در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و کار مرمت و بازسازی آن انجام شد.

پل تاریخی گاومیشان : پل تاریخی گاومیشان بعد از تلاقی رودخانه‌های کشکان و سیمره بر روی رودخانه سیمره در شهرستان دره شهر و منطقه‌ای موسوم به گاومیشان مرز ایلام به لرستان واقع شده است. این پل بزرگ با ۵ چشمه عظیم و مرتفع به طول ۱۷۵ متر و عرض گذر ۲۰/۸ متر با استفاده از قلوه سنگ و آجر و ملات گچ نیم کوب ساخته شده است که در پایه‌های اصلی آن از بلوک‌های سنگی بزرگ استفاده شده است. پل گاومیشان مربوط به دوران ساسانی بوده و در زمان قاجاریه (خاندان والی) مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. بنای مذکور در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

قلعه میر غلام : در روستای «مهدی آباد» (هاشم آباد سابق) در ۵ کیلومتری غرب شهر دره شهر واقع شده است. بنای قلعه توسط میرزاغلام هاشمی به سال ۱۳۰۳ شمسی در زمان پهلوی و در دره زیبا و دیدنی سیکان در حاشیه رودخانه‌ای به همین نام ساخته شده است. میر غلام یکی از والیان میر در دره شهر در دوران پهلوی بوده است. قلعه میرغلام در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

بنای چهار طاقی : چهار طاقی سرخ آباد در حاشیه جنوبی شهر دره شهر در روستای «سرخ آباد» در محلی موسوم به «تنوره سرخ گچی» واقع شده است. این بنا بر روی آثاری مربوط به قرون اولیه اسلامی ساخته شده است. بنای چهار طاقی مربوط به قرون متأخر اسلامی بوده که برنامه مرمتی آن به پایان رسیده است. این اثر در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

تنگ بهرام چوبینه : حدود ۱۲ کیلومتری شرق شهر دره شهر در مسیر دره شهر به پل دختر و در میان تنگه‌ای عظیم و صخره‌ای منشعب از پا دامنه ارتفاعات کبیر کوه قرار گرفته است. در داخل این تنگه مجموعه‌ای از اماکن مسکونی، بنای شاه نشین، حوضچه‌های سنگی آب و برج باروی جنوبی و شمالی تنگه وجود دارد که زیبایی این محیط طبیعی را دو چندان نموده است. مجموعه مذکور به روایات مربوط به بهرام چوبینه از سرداران دوره ساسانی بوده است. این اثر تاریخی در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. تنگه بهرام چوبینه از زیباترین مکان‌های توریستی موجود در استان می‌باشد.

امامزاده سیف الدین : مشهور به بابا سیف الدین

در ۲۵ کیلومتری شرق شهرستان دره شهر در کنار روستای «ارمو» قرار دارد سبک معماری آن مربوط به دوران اسلامی است و با چشمه ساران پرآب و درختانی از نوع زبان گنجشک که دارای عمر زیاد می‌باشند در حریم بنای امامزاده وجود دارد که همواره مورد احترام مردم می‌باشند. در کنار این امامزاده تپه باستانی و قبور تاریخی نیز وجود دارد.

سراب دره شهر: سراب دره شهر دارای چشمه‌های آب شیرین بوده که آب شرب شهرستان دره شهر را تأمین می‌کند علاوه بر آن دارای آبگیر وسیعی است که قابل شنا می‌باشد که در دهانه تنگه ساخته شده است.

دره ییلاقی کلم: این دره زیبا و سرسبز ییلاقی در روستای «کلم» از توابع بخش بدره شهرستان دره شهر واقع شده است. فاصله این دره زیبا از شهر ایلام ۶۰ کیلومتر است و دارای انواع باغات میوه و رودخانه‌های فصلی و دائمی می‌باشد.

آتشکده سیاهکل: آتشکده سیاهکل یا سه پا تنها آتشکده استان ایلام بود که تقریباً سالم می‌باشد. این اثر تاریخی در روستای سیاهکل از توابع شهرستان ایوان و در حاشیه رودخانه کنگیر ساخته شده است. بنای آتشکده در مسیر راه باستانی قرار گرفته که آثار ساخت و سازهایی چون قلعه، محوطه و بنا در فواصل دور و نزدیک آن موجود می‌باشد. مصالح ساخت بنا قلوه سنگ و گچ نیم کوب بوده که چند فصل کار مرمتی و حفاظتی بر روی آن صورت گرفته است. بنای مذکور در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و مربوط به دوران ساسانی و متعاقباً قرون اولیه اسلامی می‌باشد.

طاق شیرین و فرهاد: طاق سنگی شیرین و فرهاد در تنگه زیبا و طبیعی کوشک در بخش غربی سرچشمه رودخانه دائمی کوشک قرار گرفته است. بنای شیرین و فرهاد بنایی است، که در ساخت آن از سنگ‌های حجیم و بزرگ حجاری شده استفاده گردیده که به صورت خشکه چین به کار رفته است. ورودی بنا در سمت شرق بنا و رو به رودخانه واقع شده است. پشت بام پلکانی و سبک معماری منحصر به فرد بنا و جاذبه‌های طبیعی تنگه از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. بنای مذکور در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

چشمه سفید: این چشمه در قسمت شرق ایوان و در دامنه کوه مانشت قرار دارد. این محل با داشتن دو چشمه آب سرد و گوارا و طبیعت بسیار زیبا، یکی از مراکز تفریحی در فصل تابستان می‌باشد و پوشیدگی منطقه از جنگل بلوط و کوهستانی بودن آن زیبایی منطقه را افزایش داده است.

دره دانوک: این دره یکی از دره‌های بسیار زیبا و بزرگ رشته کوه شرازول می‌باشد که در قسمت جنوب شرقی ایوان قرار دارد.این دره با داشتن طبیعت پوشیده از جنگل و چشمه آب بزرگی که در آن جاری است مرکز بسیار زیبای تفریحی منطقه است و از طرف جاده روستای گلان می‌توان به این دره زیبا دست یافت.

زیارتگاه امامزاده سید عبدالله (ع): در فاصله ۵ کیلومتری شهر ایوان و در دامنه شرازول قرار دارد.بازسازی آن در سال‌های اخیر انجام گرفته است. این زیارتگاه با توجه به قرارگرفتن در دل طبیعت مأمن امنی برای صاحبان اندیشه و دل است.

شیروان و چرداول: وجود رودخانه‌های شیروان و چرداول و سیمره آن را به صورت منطقه‌ای مستعد کشاورزی در آورده و مهم‌ترین محصول

کشاورزی آن برنج می‌باشد. وجود آثار تاریخی بجای مانده از دوران ساسانی باعث گردیده که این شهرستان دارای اهمیت تاریخی باشد.

روستای تنگ قیر : روستای تنگ قیر در بخش مرکزی شهرستان شیروان چرداول واقع شده که دارای آب و هوایی دره‌ای معتدل خشک می‌باشد. رودخانه چنار از شرق روستا می‌گذرد. خرم کوه در جنوب غربی و کوه بان هزار در شمال شرقی روستا واقع شده است ،همچنین تنگ منصوری در شمال شرقی روستا است. وجود کوه‌ها، رودخانه ،تنگ منصوری، پوشش گیاهی مناسب و وجود گیاهان داروئی و حیات وحش از جاذبه‌های طبیعی روستا می‌باشند که نظر بازدیدکنندگان را به سوی خود جلب می‌نماید.

قلعه تاریخی سام : قلعه سام در روستای چم‌بور از توابع بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرداول قرار دارد.قدمت این قلعه به عهد ساسانیان می‌رسد که بر فراز یکی از کوه‌های پیرامون روستای چم بور بنا شده و کوه مزبور نیز به نام سام معروف شده است. در قسمت جنوب غربی قلعه، آثار چهار طاقی یا آتشکده‌ای دیده می‌شود. در کنار قلعه درخت‌های چنار کهنسال با قدمتی حدود ۵۰۰ سال وجود دارند. علاوه بر آن‌ها ،چشمه‌های آب گوارا و همچنین ریشه درختی به نام عود یاهومه که از آن در اعیاد و جشن‌ها استفاده می‌شد ،یافت شده است.

پل کرودویت (پسر و دختر) : این پل تاریخی که قدمت آن به دوره ساسانیان می‌رسد،در روستای چم بور از توابع چرداول واقع شده و توسط سازمان میراث فرهنگی کشور مورد شناسایی قرار گرفته است.

منطقه تفریحی بانکول : کوه بانکول در ناحیه مهراب ،در ۱۰ کیلومتری شمال ایلام واقع شده است. ارتفاع این کوه ۲۳۰۴ متر است. رودخانه‌های مورت ،کنگیر و آب زنگان از کوه بانکول سرچشمه می‌گیرند.این کوه نیمه جنگلی، از شمال غربی به سوی جنوب شرقی با طول ۳۰ کیلومتر و باعرض متوسط ۶کیلومترکشیده شده و از سوی جنوب شرقی به‌کوه مانشت متصل است، راه اتومبیل‌رو کرمانشاه به ایلام از غرب آن می‌گذرد.

روستا و آتشکده موشکان : روستای موشکان در بخش مرکزی شهرستان شیروان چرداول در منطقه میان کوهی قرار گرفته و آب و هوای معتدل خشک دارد.رودخانه چرداول از نزدیکی روستا می‌گذرد.کوه خورمه در ۲ کیلومتری شمال شرق و کوه لینه در ۳ کیلومتری غرب روستا قرار گرفته است.وجود رودخانه ،کوه‌ها ،پوشش گیاهی و حیات‌وحش از جاذبه‌های طبیعی و مهم روستای موشکان به شمار می‌روند.قلعه ساسانی یکی از جاذبه‌های مهم باستانی و تاریخی روستا است.همچنین در این روستا زیارتگاهی به نام امامزاده قاسم وجود دارد.

سنگ نوشته آشوری (گل گل) : سنگ نوشته گل گل ملکشاهی در میان تنگه‌ای صخره‌ای در شمال روستای گل‌گل ملکشاهی از توابع شهرستان مهران و در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر ایلام واقع شده است. این اثر تاریخی که مربوط به تمدن آشور بوده ،در سال ۶۴۵ ق.م پس از انقراض تمدن عیلام توسط آشور بانی پال پادشاه آشور بر سر راه باستانی ساخته شده است. بر روی سنگ نوشته نقش برجسته‌ای به صورت ایستاده و نیم‌رخ حکاکی گردیده است.بر روی این اثر کتیبه‌ای به خط میخی آشوری حک گردیده است.این اثر

توسط آقای پرفسور واندنبرگ در سال ۱۹۷۳ م. شناسایی و ترجمه گردید. اثر مذکور در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

غار زینه‌گان : غار شگفت‌انگیز زینگان در ۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر صالح آباد و در فاصله ۵۲ کیلومتری شهر ایلام قرار دارد. این غار رو باز که بیش از یک کیلومتر طول دارد،دارای آب فراوان ،دهلیزهای آبگیر، قندیل‌های متعدد و آبچک‌های طبیعی و بسیار جالب می‌باشد.

هوای داخل غار بسیار سرد و مطبوع است. در حالی که منطقه صالح آباد در تابستان حدود ۴۰ درجه گرما دارد ،اختلاف هوای بیرون غار با درون آن تقریباً ۵۰ درجه است و به همین دلیل آن را «غار بهشت» نیز می‌نامند. سرخس‌ها ،جلبک‌ها، گل‌ها و گیاهان خودروی داخل غار ،رنگ سنگ‌ها، پیچ وخم داخل غار ،لب‌های به هم دوخته قسمت هایی از سقف غار همه وهمه حکایت از شگفتی های طبیعت دارد. این غار یکی از جاذبه‌های مهم توریستی شهرستان مهران است.

زیارتگاه امامزاده علی صالح (ع) : در بخش صالح آباد شهرستان مهران واقع شده و در فاصله ۴۵ کیلومتری شهر ایلام و در مرکز شهر صالح آباد می‌باشد. بازسازی بنای آن در دوران اخیر انجام گرفته است.

شهر دهلران در دامنه جنوبی و جنوب غربی دینار کوه و در فاصله ۲۲۸ کیلومتری ایلام و ۱۰۰ کیلو متری شهرستان اندیمشک قرار دارد.این شهر بعد از بازسازی به صورت شهری توریستی در آمده و منابع عظیم نفت و اراضی مستعد کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است.

قلعه شاخ (شیاخ): قلعه شیاخ بزرگ‌ترین و منحصر به فردترین بنای استان و غرب کشور بوده که در روستای «بردی»بخش زرین آباد از توابع شهرستان دهلران واقع شده است.بنای مذکور مربوط به دوران ساسانی بود،که در قرون اولیه اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. باروی طویل و عظیم آن به طول ۷۵۰ متر و کانال انتقال آب به داخل قلعه از ویژگی‌های منحصر به فرد آن محسوب می‌گردد.

غار خفاش : این غار در سه کیلومتری شمال شرقی شهر دهلران در دامنهٔ کوهی مشرف به دره و چشمه‌های آبگرم دهلران واقع شده است.این غار به علت زندگی میلیون‌ها خفاش در داخل آن ،به غار خفاش معروف شده است.خفاش‌های آن از نوع دم دار و بزرگ هستند.این غار دهلیزهای وسیعی دارد که عمق بعضی از قسمت‌های آن به ۴۰۰ متر می‌رسد.موضوع مورد توجه این غار وجود تودهٔ عظیم و ضخیم فضلهٔ خفاش در کف غار است که طی هزاران سال پدید آمده است و کشاورزان از آن برای تقویت زمین‌های زراعی استفاده می‌کنند. غار خفاش در فهرست آثار ملی ثبت شده و مورد حفاظت می‌باشد.

غار و استخر طبیعی بیشه دراز : در روستای بیشه دراز از توابع شهرستان دهلران استخر طبیعی و غاری به نام کبوترلان وجود دارد که راه دسترسی به آن‌ها نزدیک و استخر طبیعی آن که یکی از سفره‌های آب زیر زمینی و قابل شرب و مورد استفاده شناگران می‌باشد.

چشمه‌های آبگرم معدنی دهلران : در فاصله ۵ کیلومتری شهرستان دهلران چشمه‌های آبگرم با خواص گوگردی جهت رفع امراض پوستی و دردهای مفاصل و عضلات با داشتن تاسیساتی جهت استفاده برادران و خواهران وجود دارد.

چشمه قیر روان : این چشمه در فاصله ۷

کیلومتری شهرستان دهلران و یکی از پدیده‌های نادر طبیعی در استان ایلام است.

زیارتگاه امامزاده سید ابراهیم (ع) نزدیک روستای بردی در ۱۵ کیلومتری شهر زرین آباد از توابع شهرستان دهلران قرار دارد.سبک اولیه بنای آن مربوط به دوران سلجوقیان بوده و در دوران جمهوری اسلامی بازسازی شده است.

تپه تاریخی پشت قلعه : در سه کیلومتری جنوب شهر آبدانان در حاشیه غربی روستای پشت قلعه بر روی تپه‌ای مخروطی و نسبتاً مرتفع بنایی قرار گرفته که به نام پشت قلعه آبدانان مشهور می‌باشد. این قلعه تاریخی مربوط به دوران ساسانی بوده که دارای برج و بارویی مدور، بنای شاه‌نشین و تونل دسترسی به آب بوده و در ساخت آن از قلوه سنگ و ملات گچ نیم کوب استفاده شده است.بنای مذکور در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و در حال حاضر جزء طرح‌های ملی این سازمان محسوب می‌گردد.

امامزاده سید صلاح الدین محمد : در جنوب آبدانان و در حاشیه رودخانه، بنای مذهبی امامزاده سید صلاح الدین محمد از نوادگان امام محمد باقر(ع) واقع شده است .بنای امامزاده مربوط به قرون ۷و ۸ ه.ق بوده که دارای پلانی مربع و به صورت چهار طاقی بنا گردیده است.برروی این بنا گنبدی بزرگ از نوع گنبدهای پلکانی ساخته شده است. بنای مذکور از مهم‌ترین بناهای مذهبی استان ایلام و شهرستان آبدانان محسوب می‌گردد. این اثر درفهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

دریاچه دوقلوی سیاه گاو : دریاچهٔ دوگانه سیاه گاو در فاصلهٔ ۸کیلومتری سراب باغ آبدانان واقع شده است.اطراف این دریاچه رادشت‌ها و کوه‌های نسبتاً مرتفع فراگرفته است.جلوه‌های بهاری و پاییزی این دریاچه جذاب و دیدنی است.گلزارهای حاشیهٔ دریاچه و پرندگان وحشی آب،گردشگاه جالب توجهی را به وجود آورده‌اند. دو دریاچه زیبا به وسیله کانالی طبیعی به عرض ۸ متر و عمق ۴ متر و به طول ۷۰ متر به هم مرتبط هستند.این دو دریاچه دارای آبی زلال بوده ،به طوریکه می‌توان تا عمق ۳۰ متری آن راکه شبیه آکوایومی پر از ماهی می‌باشد مشاهده کرد. ـ از سازمان میراث فرهنگی ،صنایع دستی و گردشگری استان ایلام

مناطق حفاظت شده‌ی استان ایلام

استان ایلام دارای ۹۸۶۵۲ هکتار منطقه‌ی حفاظت شده و دارای یک اثر طبیعی ملی و ۳ منطقه‌ی حفاظت شده است.

اثر طبیعی دهلران به مساحت ۱۴۸۴ هکتار است که در ۱۳۵۵ تأسیس شد. ـ منطقه‌ی حفاظت شده‌ی مانشت و قلارنگ به مساحت ۲۹۲۴۱ هکتار است که در سال ۱۳۷۵ تأسیس گردید. ـ منطقه‌ی حفاظت شده‌ی قلاجه به مساحت ۴۲۶۰۷ هکتار در ۱۳۷۸ تأسیس گردید و میان استان لرستان و استان کرمانشاه مشترک است. ـ کبیرکوه به مساحت ۱۷۹۲۳ هکتار می‌باشد که در ۱۳۸۰ تأسیس گشت. ـ دینارکوه به سماحت ۴۰۷۷۹ هکتار است که در ۱۳۸۰ تأسیس گردید. در این استان ۵۰۰/۰۰۰ هکتار جنگل و ۱۲۰۱۸۷۹ هکتار مرتع وجود دارد.

مانشت و قلارنگ: این منطقه مساحت ۲۹۲۴۱ هکتار در سال ۱۳۷۵ حفاظت شده اعلام شد. منطقه‌ای است جنگلی وکوهستانی در استان ایلام. دامنه ارتفاعی ۱۱۰۰ تا ۲۶۰۰ متر، دما و

بارندگی متوسط سالانه ۱۲ درجه سانتیگراد و ۶۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه مرطوب معتدل نموده‌اند. گونه غالب جنگل‌های منطقه، بلوط ایرانی با فرم رویشی شاخه و دانه زاد است. دیگر گونه‌های گیاهی مهم منطقه عبارتند از: بنه، بادام، کیکم، زالزالک، انجیر وحشی، ارغوان، آلوچه، زرشک، ریواس، شیرخشت لرستانی، کرکو، کمای لرستانی و رازیانه. پلنگ، خرس قهوه‌ای، بز و پازن، سنجاب ایرانی، گرگ، روباه معمولی، گراز، خفاش، قرقی، شاهین، چکاوک، خروس کوهی، کبوتر جنگلی، صعوه ابرو سفید، کرکس، دلیجه، مار کوتوله پارسی، گرزه مار و قمچه مار مهم‌ترین جانوران منطقه را تشکیل می‌دهند. نزدیکی منطقه به مرکز استان موجب توسعه گردشگری در دره‌های زیبای منطقه و همچنین ورزش کوهنوردی شده است. (۵)

منطقه‌ی شکار ممنوع کولک: این منطقه‌ی کوهستانی از نظر حفظ و احیاء گونه‌های کوهزی نظیر قوچ و میش و بز و پازن مستعد تشخیص داده شده است. منطقه‌ی کولک ۷۶۰۰۰ هکتار مساحت و در شهرستان مهران ـ بخش صالح آباد قرار دارد.

تفریحگاه جنگلی و مصنوع استان ایلام

فاصله از شهر ایلام

۱- تفرجگاه جنگلی تنگ ارغوان .ایلام. ۵ ـ ۳ کیلومتری ایلام. ۲-تفرجگاه جنگلی پشت تونل آزادی .ایلام. ۵کیلومتری شهر ایلام. ۳- تفرجگاه جنگلی ششدار .ایلام. ۵کیلومتری شهر ایلام. ۴- تفرجگاه جنگلی مصنوعی چغاسبز.ایلام. ۳کیلومتری شهر ایلام. ۵- تفرجگاه جنگلی مله پنجاو.ایلام. بخش مرکزی ۴کیلومتری میشخاص در مسیر دره شهر ۴۰ کیلومتری ایلام. ۶- تفرجگاه ییلاقی کلم بدره.بدره. ۶۰کیلومتری ایلام در مسیر ایلام به دره شهر ۷- تفرجگاه ییلاقی و باغات میشخاص.ایلام.بخش مرکزی دهستان میشخاص ۳۵کیلومتری شهر ایلام ۸-تفرجگاه ییلاقی خوران.ایوان. ۴۰کیلومتری شهر ایلام در مسیر ایوان به روستای خوران ۹- تفرجگاه جنگلی منجل.ایلام. ۵کیلومتری شهر ایلام پشت دانشگاه ایلام ۱۰- تفرجگاه تنگ دالاو.ایلام. ۲۵ کیلومتری ایلام به ایوان ۱۱- تفرجگاه جنگلی آبزا.ایلام. ۱۵ کیلومتری شهر ایلام در مسیر جاده چوار به حاجی بختیار ۱۲- تفرجگاه جنگلی ماربره.ملکشاهی. ۲۰کیلومتری ایلام به سد ایلام ۱۳-تفرجگاه مصنوع و طبیعی سد چم گردلان.ملکشاهی. ۲۵کیلومتری شهر ایلام ۱۴- تفرجگاه جنگلی تجریان.ایلام. ۲۰کیلومتری شهر ایلام به منطقه بولی ۱۵- تفرجگاه دامنه کبیر گوه.بدره. منطقه ییلاقی گنجه مسیر ایلام به دره شهر در۴۵کیلومتری ایلام

فهرست شاخص‌ترین اماکن تاریخی استان ایلام

موقعیت:

۱- شهر باستانی سیمره.دره شهر. کنار شهر فعلی دره شهر ۲- قلعه فرهاد آباد.دره شهر. فاصله ۸ کیلومتری دره شهر ۳- قلعه شیخ مکان.دره شهر. فاصله ۵کیلومتری دره شهر ۴- آسیاب آبی شیخ ماخو.دره شهر.فاصله ۵کیلومتری دره شهر ۶- پل گاو میشان.دره شهر. فاصله ۲۵ کیلومتری دره شهر ۷- بنای چهار طاقی .دره شهر. کنار شهر دره شهر ۸- قلعه زینل.دره شهر.فاصله ۵ کیلومتری دره شهر ۹- تنگ بهرام چوبینه.دره شهر.فاصله

۱۵ کیلومتری دره شهر ۱۰- پشت قلعه .آبدانان. آبدانان روستای پشت قلعه ۱۱- قلعه هزار در.آبدانان. شهر آبدانان ۱۲- قلعه کنجانچم.مهران. مسیر ایلام به مهران ۱۳- قلعه والی.ایلام.ایلام خیابان پاسداران ۱۴- کاخ کشاورزی.ایلام.ایلام خیابان آیت اله حیدری ۱۵- سنگ نوشته تخت خان.صالح آباد.مسیر ایلام به صالح آباد نزدیک روستای بانروشان ۱۶- سنگ نوشته آشوری.ملکشاهی.روستای گل گل ملکشاهی ۱۷- سنگ نوشته‌های ۱و۲ قوچعلی.ایلام.ایلام- سبزی آباد ۱۸- شهرتاریخی سیروان.شیروان.شیروان روستای سراب کلان ۱۹- آتشکده سیاهگل.ایوان.روستای سیاهگل ایوان ۲۰- قلعه شاخ.زرین آباد.۷ کیلومتری شهر پهله زرین آباد ۲۱- قلعه اسماعیل خان.ایلام.ایلام بر فراز کوه اسماعیل خان بالاتر از دانشگاه ایلام ۲۲- بنای موشکان.شیروان.منطقه شیروان و چرداول

فهرست تعدادی از غارهای استان ایلام

موقعیت ـ نوع غار:

۱- غار زینه گان.صالح آباد.مسیر ریکا به درگ بان در صالح آباد- طبیعی ۲ـ غار کنار تاریکه.بدره.مسیر ایلام به دره شهر در ارتفاعات کوه سیوان بدره - طبیعی - تاریخی ۳- غار گل‌گل.ملکشاهی.مسیر ایلام به ملکشاهی در نزدیک روستای گل‌گل - طبیعی - تاریخی ۴- غار کنا.ایلام.کوه سیوان در ارتفاعات هانی وان ـ طبیعی - تاریخی ۵- غار رازیانه.بدره.مسیر ایلام به دره شهر در ارتفاعت کوه سیوان بدره - طبیعی ۶- غار چل سین.شیروان - مسیر ایلام به شیروان - طبیعی ۷- غار کناآقاخان.بدره. مسیر ایلام به دره شهر - طبیعی ۸- غار تایه که.ملکشاهی.روستای وری - طبیعی ۹- غار کبوترلان.میمه.مسیر میمه به جاده میانی آبدانان - طبیعی ۱۰-مجموعه غارهای بیشه دراز و استخر طبیعی.دهلران. روستای بیشه دراز - طبیعی - تاریخی ۱۱- غار خفاش.دهلران.۲ کیلومتری آبگرم دهلران -طبیعی ۱۲- غار طلسم.ایوان.۵ کیلومتری روستای سراب ایوان - طبیعی ۱۳- غار کله جوب.ایوان.روستای کله جوب ـ ایوان ۱۴- غار مژاره.آبدانان.روستای گل‌گل مسیر دریاچه دوقلو - طبیعی ۱۵- اشکفت ابدلان.شیروان.پشت تونل آزادی ارتفاعات مانشت کوه - طبیعی - تاریخی ۱۶- غار کول کنی.ماژین. دره شهر دهستان ماژین مسیر پل دختر - طبیعی - تاریخی ۱۷- غار قلاپیکه.دهلران.کوه اناران مسیر ایلام به دهلران - طبیعی ۱۸- غار علی پناه.شیروان.شیروان روستای شاه قلندر - طبیعی - تاریخی

مردمان و اجتماعات نخستین ایران و ایلام :

پیش از ورود و استقرار آریائیان در ایران ،نژاد هائی بومی در این سرزمین می‌زیسته‌اند و استخوانهائی که از عصر حجر باقی مانده است بر این قضیه گواهی می‌دهد که علاوه بر نژاد مدیترانه‌ای نژادهای دیگری مانند استرالیائی و حامی نیز در این منطقه سکونت داشته‌اند و فرهنگهای متفاوتی در آنجا بهم اختلاط یافته است.

آثار زندگی که بر اثر کاوشهائی که در نقاط مختلف ایران خصوصاً منطقه لرستان و ایلام ،از دوره‌های مختلف حجر دیده می‌شود گواه آنست که از حدود چهل هزار سال قبل اقوامی غیر آریائی در

ایران می‌زیسته‌اند و حتماً بعدها در احوال اجتماعی و فرهنگی و حتی نژادی مهاجران تازه رسیده آریائی تأثیری بسیار داشته‌اند ،از جمله این اقوام ایلامیان (در جنوب غربی ایران)، کاسیان (زاگرس - لرستان) ،لولویی (زاگرس -کرمانشاه) و سیاه پوستان ساحل نشین جنوبی را باید نام برد.بسیاری از محققین خارجی معتقدند که نژاد ایرانی از زیباترین نژادهاست و علیرغم اختلاط با نژاد عرب و ترک و تاتار خطوط اصلی سیمای نجیب قدیم خود را حفظ کرده است.

پاره‌ای از ایلات و عشایر امروزی چون کردان و لران شاهد صادقی بر نژاد کهنه و زیبای ایرانی هستند.

قدیمی‌ترین اقوامی که در سرزمین ایلام میزیسته‌اند عبارتند از: ۱-کاسیت‌ها ۲- آریائی‌ها ۳-اوملیاش (اومیلش) ۴-ایلامیان ۵-پارسیان ۶- حلولان (حلیان) ۷- هپارتیت ۹- اقوام‌کنونی ایلام :۱- لران ۲- کردان ۳- عرب‌ها. - ایرج افشار سیستانی

لرهای استان ایلام: ۱- زینی وند ۲-کولیوند ۳- میر ۴- پایروند ۵- پیرائی ۶- تیلاوی ۷- سه سه ۸- کلانتر ۹- امیری ۱۰- سلیورزی ۱۱- حیدروند ۱۲- جودکی ۱۳- سادات روبنی ۱۴- سادات سوراهام ۱۵- سگوند ۱۶- بیرانوند ۱۷- دیناروند ۱۸- سرخه مهری ۱۹- داجی‌وند ۲۰- بازگیر.

عشایر استان ایلام: در استان ایلام منطقه کوهستانی کبیر کوه در شرق و کوه مانشت در شمال ،این استان رابدو بخش ییلاقی و قشلاقی تقسیم کرده است.بلندیهای کبیر کوه محل ییلاق عشایر استان است.طوایف مستقر درایلام در ایلام زمستان رامناطق غربی و جنوبی استان و در جلگه‌های مهران و دهلران میگذرانند.ایلات خزل، ملکشاهی، ارکوازی، شوهان، میش خاص و کرد در استان ایلام زندگی می‌کنند. علاوه بر عشایر استان بخشی از ایلات ترکاشوند، جمیر، زوله از استان همدان و باختران و ایلات حسنوند از لرستان به مناطق قشلاقی این استان کوچ می‌نمایند.

در ۱۳۶۶ عشایر کوچنده دوره ییلاقی ۸۵۷۲ خانوار با جمعیتی حدود ۶۳۰۰۰ نفر و عشایر دوره قشلاقی آن بیش از ۱۰۰۰۰ خانوار با جمعیتی حدود ۷۵۰۰۰ نفر بود. دامداری مهمترین وسیله گذران زندگی عشایر کوچنده است، در سراسر استان در دامنه و مرتفعات زاگرس جنگلهای بلوط پوشش گیاهی را تشکیل داده است که در زندگی این عشایر ابعاد اقتصادی یافته است.

صنایع دستی عشایر استان: ریسندگی و بافتن قالی، گلیم ،سیاه چادر ،خورجین ،طناب ،نمد ،و رویه گیوه است.عشایر ایلام به زبانهای کردی، لری و عربی سخن می‌گویند.»۱

گروههای ایلاتی ایلام : ایلها و کوچ‌نشینان متعددی که در سرزمین ایلام زندگی می‌کنند، در اصل از طوایف مختلف کرد ،لر و عرب بنیان گرفته‌اند و امروز ایلهای معتبر و مهمی را تشکیل می‌دهند.

ییلاق آنان بلوط سان، ششدار ،ایلاچور ،سرآب سالان، مهران، کلازران ،چشمه برین ،قریه شاه و نوروز آباد وقشلاقشان پشت کوه ،صمن پول‌مرز، بلاله ،مرز سومار ،ابهربدر ،چمن بویی ،بدره، مهران، اربندوبیدانه می‌باشد.در زیر به برخی از ایلها و طوایف ایلام اشاره می‌شود :

الف - سوابق ایل: ملک شاهی از ایلهای بزرگ و

معتبر استان ایلام می‌باشد که در بخش ارکواز (بخش ملکشاهی) تابع شهرستان مهران سکونت دارد.
مردم این ایل که از اهالی قدیمی و اصیل منطقه می‌باشند و همچنین دیگر کوچ نشینان ایلام در گذشته یکی از قدیم‌ترین حکومت‌های محلی و تقریباً خود مختار را داشته‌اند ،اما این خود مختاری هرگز به معنای عدم اطاعت از حکومت مرکزی نبوده و از آن در هیچ دوره به نفع خارجیان استفاده ننموده‌اند.
عشایر این منطقه بهترین مدافعین خط مرزی بوده‌اند و هنگام بروز فتنه درکشور عثمانی (ترکیه و عراق امروزی) کوچ نشینان ملک شاهی و مردم سایر ایل‌ها همیشه به طور مؤثر و جدی خط مرزی رابا تدابیر نظامی و سیاسی حفظ کرده‌اند. چنانکه هرگز تجاوز بیگانه در این قسمت از ایران زمین صورت عمل به خود نگرفته است.
ب - تشکیلات اجتماعی و سیاسی: نظام اجتماعی در ایل ملک شاهی بر اساس خویشاوندی استوار بوده و همانند دیگر ایلها، پدر تبار می‌باشند و از تعدادی واحد پدر تبار تشکیل شده است.
زندگی مردم این ایل بسیار ساده می‌باشد و روابط بین اعضاء تا حدی مردمی بوده است.معمولاً از یک نفر که ریاست و رهبری گروهی را به عهده دارد (توشمال = کد خدایا خان) تبعیت می‌کنند.
ج - اقتصاد ایل ملک شاهی: مردم این ایل همانند دیگر کوچ نشینان از طریق پرورش دام و کشاورزی امرار معاش می‌کنند. دامداری مهمترین معیشت مردم ملک شاهی است.
علاوه بر آن از کشاورزی هم غافل نبوده‌اند ولی اساس اقتصاد ایشان را تولیدات دامی و نظام دامپروری تشکیل می‌دهد.
محصولات زراعتی آنان گندم، جو و ذرت می‌باشد، صنایع دستی ایشان شامل :قالی گلیم ،و جاجیم بافی است.
- ایل هلیلان و زردلان: طوایف هلیلان و زردلان با حدود ۵۰۰۰ خانوار عموماً تخته قاپو گردیده، دارای اعتقادات مذهبی علی اللهی می‌باشند، این طوایف به زراعت و فلاحت مشغول هستند. طوایف این ایل شامل :بالاوند ،زرد لانی ،طرهانی، جلال وند و عثمانوند است.
- ایل شوهان: این ایل محل استقرار ثابتی نداشته ولی اغلب اوقات سال در محلی موسوم به تونه استقرار پیدا می‌کنند ،تقریباً تخته قاپو شده‌اند و به امر زراعت و گله داری اشتغال دارند ،محصول زراعتی آنان گندم ،جو وذرت می‌باشد.
قالی ،گلیم و جاجیم صنایع دستی ایشان محسوب می‌شود، وضع گله داری آنان متوسط است ،به امر ییلاق و قشلاق نیز می‌پردازند ،ییلاق آنان بلوط سان و قشلاقشان پشت‌کوه است. ایل شوهان از ۸ طایفه تشکیل گردیده است.
- ایل کرد: طوایف کرد این استان در آبدانان، زرین آباد و قسمت هایی از دهلران، موسیان و مهران سکونت دارند. طوایف کرد منطقه ایلام در سال ۱۳۱۵ شمسی حدود ۱۰۰۰۰ نفر بوده‌اند.
- ایل ایوان: مردم ایل ایوان در بخش ایوان از توابع شهرستان ایلام که در شمال غربی ایلام واقع شده است به سر می‌برند. بیشتر مردم این ایل چادر نشین هستند و به شغل گله‌داری و زراعت مشغولند. زمستانها را در جلگه و تابستان‌ها را در محل‌های ییلاقی خود درکوهستان‌های اطراف به سر می‌برند.
- ایل خزل: مردم این ایل نیز همانند سایر عشایر

منطقه به گله داری و زراعت مشغولند و در گذشته‌های بسیار دور، در چادر مستقر بوده‌اند ولی بعدها به سرزمین ایلام کوچانده شده‌اند. خصلت مردم این ایل به گونه‌ای بوده است که همواره پیوندهای خویشاوندی بر کلیه روابط حاکم است.

- ایل ارکوازی : این ایل در بخش چوار از توابع شهرستان ایلام زندگی می‌کند و شامل ۱۰ طایفه و ۱۶ تیره است.

- ایلات پیشکوه: ۱ - طوایف سلسله که امروزه به الشتر معروف است عبارت اند از: حسن وند، یوسف وند، کلیوند، که از طوایف اصلی اند و هر کدام به طایفه های کوچکتر تقسیم می شوند. ۲ - طوایف دلفان: کاکاوند، موماوند که برخی یکجانشین و بعضی کوچنده هستند. ۳ - طوایف بالا گریوه: که شامل هفت قبیله عمده و چندین طایفه کوچک است. از قبایل عمده آن می توان از بیرانوند، سکوند، بهاروند و پاپی نام برد. ۴ - قبایل رومشکان، امرائی ها و سوری ها هستند. این دو دسته معتقدند که از اعقاب ماهوی سوری و بازماندگان امرای لرستان اند.

این قبایل از نظر ساختمان اجتماعی سنتی، اختلاف چندانی با ایلات و عشایر کرد و عشایر مرکزی ایران (بختیاری ها و کهگیلویه و بویر احمدی) ندارند، جز در برخی اصطلاحات و در رده های تشکیلات سیاسی و اجتماعی و عبارت اند از:

ایل: بزرگترین واحد سیاسی، اجتماعی، از چند طایفه که رهبری آن با ایلخان است.

طایفه: زیر شاخه ایل که ریاست آن با خانواده خوانین است (خان)

تیره: زیر شاخه های طایفه که در رأس آن کدخدا قرار دارد.

دودمو (دودمان) یا «بووه»: از چندین خانواده خویشاوند تشکیل شده و رهبری آن بر عهده ریش سفیدان است.

حونه: کوچکترین واحد اجتماعی و اقتصادی در عشایر لر (در مفهوم خانواده)

ایلات پشتکوه ایلام از عشایر پشتکوه در گذشته به فیلی موسوم بودند، فیلی قبلاً به تمام عشایر لرستان اطلاق می شد. بعد از تقسیم لرستان به دو بخش مستقل، اصطلاح «فیلی» ویژه قبایل و طوایف پشتکوه گردید. از قبایل عمده پشتکوه که برخی از آنها هنوز زندگی ایلی مبتنی بر چادرنشینی را ترک نگفته اند عبارت اند از:

ایل ملکشاهی، ارکوازی، شوهان، میش خاص، بولی، کُرد زرین آباد و ایل خزل.

هریک از ایلات پشتکوه به طوایف فرعی چندی تقسیم می گردند. مثلاً ایل ملکشاهی نخست به دو شاخه اصلی «گچی» و «چمر» تقسیم شده، سپس هر شاخه به طوایف چندی تقسیم گردیده اند. طایفه چمر خود را دو دسته «زوره کو» بمعنی بزرگ ها و «هیرده کو» (کوچک ها) می دانند به علاوه هشت طایفه از شاخه «چمر» خود را «گرزینه ون» می خوانند.

ایل ارکوازی که محل استقرار آن ناحیه چوار است شامل نه طایفه فرعی که هر طایفه از یک تا پنج تیره دارند.

ایل شوهان نیز شامل ۹ طایفه و ۲۱ تیره می باشد که در بخش زرین آباد بین ارکوازی و آبدانان پراکنده اند.

ایل میش خاص که در بخش بدره زندگی می کنند، از طوایف اسکان یافته و مرکب از چهار طایفه است.

ایل بولی در بخش چوارکه از دو طایفه بنام مظفروند و گرگه وند تشکیل شده است.

ایل کرد زرین آباد شامل ۱۶ طایفه.

ایل شیروان از دو طایفه شیروان و زنگوان، تشکیل شده است.

ایل خزل در بخش شیروان و چرداول زندگی می‌کنند و از شش طایفه تشکیل یافته است. شمسی وند، چرداول، هلیلان، مرشدوند، قلی وند، خزل وند.

ساخت سنتی و سلسله مراتب قدرت در ایل ملکشاهی ایلام:

ایل: از ۲۹ طایفه تشکیل یافته است که همگی خود را منسوب به ایل می دانند، رهبری و ریاست ایل در ملکشاهی موروثی است که به «توشمال» معروف است. گاهی مقام توشمالی بین دو برادر تقسیم می‌گردید که از طرف والی به رسمیّت شناخته می شد، از وظایف عمده توشمال افزون بر حفظ امنیّت و نظارت بر امور مختلف ایل جمع آوری مالیات مرسوم را نیز برعهده داشت.

طایفه: طوایف ایل ملکشاهی راکد خدایان سرپرستی می کردند که در برابر توشمال و والی مسئول رفتار طایفه خود بوده و مالیات را جمع آوری می کردند. سمت کدخدائی ارثی بوده ولی گاهی توشمال بنابر مقتضیاتی دست به تغییر کدخدایان می زده است.

بنه مال: که به آن کومال نیز گفته می شود. در ایل ملکشاهی هر طایفه به چند «بنه مال» تقسیم می‌گردد که زیرنظر ریش سفیدان می باشند. اطاعت از تصمیمات ریش سفیدان بنه مال برای رؤسای مال ها الزامی است، هر بنه مال باکومال از چندین مال تشکیل می شود.

مال: کوچکترین واحد اقتصادی و اجتماعی عشایر ملکشاهی است، سرپرستی آن برعهده پدر یا بزرگتر مال است. اجتماع و ترکیب چند مال را که در یک محل استقرار یابند «کُرنگ» نامند. به عبارت دیگر واحد سکونت در ایل ملکشاهی «کرنگ» است که از مجموعه چند مال (خانوار) از ۲ تا ۹ درکنار هم و با رابطه خویشاوندی سببی و نسبی و یا رابطه اقتصادی زندگی می کنند.

- عشایر عرب منطقه ایلام : طوایف عرب از دیرباز به ویژه پس از حمله اعراب تا دوران قاجاریه به ایران مهاجرت کرده و عده‌ای از آنان در ناحیه گرمسیری ایلام ساکن گردیده‌اند و هویت خود را حفظ کرده‌اند، این طوایف از اوایل دوره قاجاریه (۱۷۹۴ میلادی ۱۱۷۳ شمسی) به بعد، بتدریج به ایران مهاجرت نموده‌اند.

در بخش از موسیان در جنوب استان ایلام نیز عشایر عرب زندگی می‌کنند. برخی از طوایف عرب استان ایلام از این قرارند: ۱- طایفه صیفی ۲- طایفه ملخطاوی

۱- اخلاق، عادات: اخلاق و روحیات کسانی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، یکی از دلایل موجودیت ملیت قوم و قبیله در آن ناحیه است. دانشمندان جامعه‌شناس با هم آهنگی، دوام هر جامعه‌ای را با روحیات و آداب و سنت‌های آنان وابسته می‌دانند.

اگر تاریخ کهن ایلام دقیقاً بررسی شود، معلوم می‌گردد که هجوم وحشیانه و بنیان کن هیچیک از اقوام مخالف نتوانسته است سنن بومی و روحیات اخلاقی مردم این ناحیه را درهم بریزد، هنوز بسیاری از آداب و رسوم ایران کهن از دوره‌های ایلامی، اشکانی، ساسانی و......بصورت گوناگون در میان مردم باقی مانده است.

اقوام ایلام، اصیل می‌باشند، در دوستی ثابت قدم،

در برابر مشکلات شجاع و مقاوم هستند از جمله خصلتهای آنان مهمان نوازی، سلحشوری، آزاد منشی، راستگویی، مرزداری و تعصب درمسایل مذهبی است.

مردم ایلام دارای ذکاوت و هوش سرشار می‌باشند و در تیر اندازی، شکار کردن، و پیاده‌روی بی نظیرند. اکثر مردان وزنان خوش هیکل و دارای قامتی بلند و اندامی متناسب و ورزیده می‌باشند.

۲- آیین‌ها: از آداب کهن این منطقه که از قرن‌ها پیش همچنان پابرجاست،گرامی داشتن نوروز و آتش افروزی شب چهارشنبه سوری است،در آخرین چهارشنبه هر سال مردم به ویژه کودکان و جوانان با پوشال و هیزم در چند نقطه آتش روشن می‌کنند و از روی آن می‌پرند و جمله معروف، سرخی تو از من ، زردی من از تو، را تکرار مینمایند و با هلهله و شادی از نوروز استقبال می‌کنند. هنوز در منطقه پشت کوه (ایلام امروزی) آتش قابل احترام است و بر (تژگاه) و آتش آن آب نمی‌ریزند مگر وقتی که بزرگ خانواده بمیرد. به شعله آتش و نور چراغ سوگند می‌خورند. آئین، اعیاد و جشن‌های باستانی با رونق خاص برگزار می‌گردد.

● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان ایلام.

- جمع (۱۷۶۵۲).

۱- ایل ارکوازی (۳۶۹)، ۲- ایل ایوان (۷۸۸)، ۳- ایل بالاوند زردلان (۴۹۲)، ۴- ایل بدره (۸۲۶)، ۵- ایل بولی (۲۲۴)، ۶- ایل بیرانوند (۸۵۹)، ۷- ایل ترک - یارم طاقلو (۳۴۹)، ۸- ایل ترکاشوند (۹۱۹)، ۹- ایل جمهور (۱۵۲)، ۱۰- ایل چعب (۲۱)، ۱۱- ایل حسنوند ۸۸۸)، ۱۲- ایل خزل (۳۸۳)، ۱۳- ایل دلفان نورآباد (۱۱۹۶)، ۱۴- ایل دهبالانی (۱۷)، ۱۵- ایل زنگنه (۵۴۷)، ۱۶- ایل زوله (۴۶۲)، ۱۷- ایل سنجابی (۷۶۷)، ۱۸- ایل شوهان (۳۴۷)، ۱۹- ایل کرد (۰)، ۲۰- ایل کرد - دره شهر (۲۰۶۵)، ۲۱- ایل کلهر (۲۷۰۶)، ۲۲- ایل ملکشاهی (۱۰۴۶)، ۲۳- ایل میشخاص (۳۹۱)، ۲۴- طایفه‌ی مستقل ابزاد (۲۴)، ۲۵- طایفه‌ی مستقل اسلامیه (شاهیوند) (۱۶)، ۲۶- طایفه‌ی مستقل بیرانوند (۶۳)، ۲۷- طایفه‌ی مستقل پنج ستون (۱۱۵)، ۲۸- طایفه‌ی مستقل چم آب (۰)، ۲۹- طایفه‌ی مستقل چنانه (۳۹)، ۳۰- طایفه‌ی مستقل حسن گاوداری (۸۴)، ۳۱- طایفه‌ی مستقل درویشان (۵)، ۳۲- طایفه‌ی مستقل دلفان (۲۱)، ۳۳- طایفه‌ی مستقل دوگر (۱۱)، ۳۴- طایفه‌ی مستقل دیناروند (۳۱)، ۳۵- طایفه‌ی مستقل رماوند (۳۱)، ۳۶-طایفه‌ی مستقل زنگنه (۲۰)، ۳۷-طایفه‌ی مستقل زینی وند (۱۹)، ۳۸- طایفه‌ی مستقل سادات (۳۸)، ۳۹- طایفه‌ی مستقل سادات اهو قلندر (۱۷۴)، ۴۰- طایفه‌ی مستقل ستاروند (۴۰)، ۴۱- طایفه‌ی مستقل سر تنگ مله ماران (۸۲)، ۴۲-طایفه‌ی مستقل سورگه (۴۵)، ۴۳- طایفه‌ی مستقل سیردی (۲۸)، ۴۴- طایفه‌ی مستقل عالی بیگی (۴۸)، ۴۵- طایفه‌ی مستقل عثمانوند (۹۲)، ۴۶-طایفه‌ی مستقل عرب رودبار (۴۹)، ۴۷- طایفه‌ی مستقل علی آباد (۶)، ۴۸- طایفه‌ی مستقل غیاثوند - ایلام (۵۹)، ۴۹- طایفه‌ی مستقل قائد خورده (۹۰)، ۵۰- طایفه‌ی مستقل قاضی خان (۸۰)، ۵۱- طایفه‌ی مستقل قلندر (۳۶)، ۵۲- طایفه‌ی مستقل کولیوند (۰)، ۵۳- طایفه‌ی مستقل کولیوند - ایلام (۱۰۰)، ۵۴- طایفه‌ی مستقل کولیوند - لرستان (۲۱۷)،۵۵- طایفه‌ی مستقل گلان - میرزا (۳۸)، ۵۶- طایفه‌ی مستقل گوراب علیا (۴۷)، ۵۷- طایفه‌ی مستقل

لالا (۲۴)، ۵۸ـ طایفه‌ی مستقل لرنی (۲۰)، ۵۹ـ طایفه‌ی مستقل نسار مله ماران (۵۳).

● **جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان ایلام**

ـ جمع (۱۲۷۱۸۲).

۱ـ ایل ارکوازی (۲۸۲۵)، ۲ـ ایل ایوان (۶۰۴۶)، ۳ـ ایل بالاوند زردلان (۳۴۴۰)، ۴ـ ایل بدره (۶۴۸۵)، ۵ـ ایل بولی (۱۶۵۹)، ۶ـ ایل بیرانوند (۶۱۶۶)، ۷ـ ایل ترک ـ یارم طاقلو (۲۲۸۲)، ۸ـ ایل ترکاشوند (۶۰۲۲)، ۹ـ ایل جمهور (۹۱۲)، ۱۰ـ ایل چعب (۲۰۱)، ۱۱ـ ایل حسنوند (۶۲۳۴)، ۱۲ـ ایل خزل (۳۱۱۳)، ۱۳ـ ایل دلفان نورآباد (۸۶۰۳)، ۱۴ـ ایل دهبالانی (۱۰۴)، ۱۵ـ ایل زنگنه (۳۸۱۶)، ۱۶ـ ایل زوله (۲۸۸۳)، ۱۷ـ ایل سنجابی (۵۰۳۲)، ۱۸ـ ایل شوهان (۲۵۸۹)، ۱۹ـ ایل کرد (۰)، ۲۰ـ ایل کرد ـ دره شهر (۱۶۰۳۴)، ۲۱ـ ایل کلهر (۱۸۰۹۹)، ۲۲ـ ایل ملکشاهی (۷۵۵۳)، ۲۳ـ ایل میشخاص (۲۸۶۳)، ۲۴ـ طایفه‌ی مستقل ابزاد (۱۷۳)، ۲۵ـ طایفه‌ی مستقل اسلامیه (شاهیوند) (۱۳۴)، ۲۶ـ طایفه‌ی مستقل بیرانوند (۵۱۳)، ۲۷ـ طایفه‌ی مستقل پنج ستون (۸۲۳)، ۲۸ـ طایفه‌ی مستقل چم آب (۰)، ۲۹ـ طایفه‌ی مستقل چنانه (۳۵۱)، ۳۰ـ طایفه‌ی مستقل حسن گاوداری (۶۳۸)، ۳۱ـ طایفه‌ی مستقل درویشان (۴۴)، ۳۲ـ طایفه‌ی مستقل دلفان (۱۷۵)، ۳۳ـ طایفه‌ی مستقل دوگر (۷۱)، ۳۴ـ طایفه‌ی مستقل دیناروند (۲۷۰)، ۳۵ـ طایفه‌ی مستقل رماوند (۱۵۳). ۳۶ـ طایفه‌ی مستقل زنگنه (۱۴۲)، ۳۷ـ طایفه‌ی مستقل زینی وند (۳۰۴)، ۳۸ـ طایفه‌ی مستقل سادات (۱۹۰)، ۳۹ـ طایفه‌ی مستقل سادات اهو قلندر (۱۱۹۷)، ۴۰ـ طایفه‌ی مستقل ستاروند (۳۲۵)، ۴۱ـ طایفه‌ی مستقل سر تنگ مله ماران (۶۷۷)، ۴۲ـ طایفه‌ی مستقل سورگه (۳۸۲)، ۴۳ـ طایفه‌ی مستقل سیردی (۲۳۱)، ۴۴ـ طایفه‌ی مستقل عالی بیگی (۳۹۴)، ۴۵ـ طایفه‌ی مستقل عثمانوند (۵۶۹)، ۴۶ـ طایفه‌ی مستقل عرب رودبار (۳۹۱)، ۴۷ـ طایفه‌ی مستقل علی آباد (۶۱)، ۴۸ـ طایفه‌ی مستقل غیاثوند ـ ایلام (۵۰۲)، ۴۹ـ طایفه‌ی مستقل قائد خورده (۷۰۱)، ۵۰ـ طایفه‌ی مسنقل قاضی خان (۶۳۶)، ۵۱ـ طایفه‌ی مستقل قلندر (۳۱۶)، ۵۲ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند (۰)، ۵۳ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ ایلام (۸۶۵)، ۵۴ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ لرستان (۱۶۴۷)، ۵۵ـ طایفه‌ی مستقل گلان ـ میرزا (۲۷۱)، ۵۶ـ طایفه‌ی مستقل گوراب علیا (۳۳۰)، ۵۷ـ طایفه‌ی مستقل لالا (۱۸۵)، ۵۸ـ طایفه‌ی مستقل لرنی (۱۶۵)، ۵۹ـ طایفه‌ی مستقل نسار مله ماران (۳۸۷).

● **خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان**

استان ایلام: (۸۱۲۴) خانوار و (۶۱۱۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۸۵۸) خانوار و (۷۴۲۵۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان آبدانان: (۱۳۸۶) خانوار و (۱۰۷۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶۱۳) خانوار و (۱۲۰۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بیرانوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۲۲) خانوار و (۳۰۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترکاشوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۴) خانوار و (۵۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کرد ـ دره شهر: (۱۲۲۰) خانوار و (۹۴۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی

ییلاق، (۹۳۰) خانوار و (۷۱۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دیناروند: (۳۱) خانوار و (۲۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱) خانوار و (۲۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سادات اهو قلندر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قائد خورده: (۹۰) خانوار و (۷۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۰) خانوار و (۷۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستق قاضی خان: (۴۵) خانوار و (۳۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گوراب علیا: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۷) خانوار و (۳۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ایلام: (۱۲۸۹) خانوار و (۹۷۹۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۹۵) خانوار و (۶۸۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ارکوازی: (۳۰۳) خانوار و (۲۳۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۶۹) خانوار و (۲۸۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایوان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷۳) خانوار و (۱۳۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بدره: (۱۷۹) خانوار و (۱۴۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بولی: (۱۱۵) خانوار و (۸۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل دهبالانی: (۱۷) خانوار و (۱۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

ایل میشخاص: (۳۸۷) خانوار و (۲۸۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل پنج ستون: (۱۱۵) خانوار و (۸۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حسن گاوداری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۴) خانوار و (۶۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سورگه: (۴۵) خانوار و (۳۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵) خانوار و (۳۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل علی بیگی: (۱۹) خانوار و (۱۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ایوان: (۸۵۴) خانوار و (۶۵۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۰۹) خانوار و (۴۶۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ارکوازی: (۶۶) خانوار و (۴۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ایوان: (۷۸۸) خانوار و (۶۰۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۶۷۸) خانوار و (۶۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان دره شهر: (۱۱۷۵) خانوار و (۹۲۴۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۸۴) خانوار و (۷۸۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بدره: (۶۴۷) خانوار و (۴۹۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵۴) خانوار و (۳۵۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بیرانوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۰۳) خانوار و (۸۰) نفر جمعیت

آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترکاشوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷) خانوار و (۲۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل دلفان نورآباد: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کرد ـ دره شهر: (۱۲۲) خانوار و (۹۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ابزاد: (۲۴) خانوار و (۱۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بیرانوند: (۵۴) خانوار و (۴۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱۳) خانوار و (۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دلفان: (۲۱) خانوار و (۱۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱) خانوار و (۱۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل رماوند: (۲۰) خانوار و (۱۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل زینی وند: (۳۸) خانوار و (۳۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۳۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سادات: (۲۴) خانوار و (۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹۰) خانوار و (۱۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ستاروند: (۴۰) خانوار و (۳۲۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۰) خانوار و (۳۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل غیاثوند ـ ایلام: (۲۲) خانوار و (۱۸۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۰۲) خانوار و (۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قاضی خان: (۳۵) خانوار و (۳۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ ایلام: (۱۰۰) خانوار و (۸۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۰) خانوار و (۸۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان دلفان: (۸۶۵) خانوار و (۶۷۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶۰۳) خانوار و (۱۹۵۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بدره: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۸۳۷) خانوار و (۳۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترک ـ یارم طاقلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (؟) خانوار و (۹۰۴۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل چعب: (۲۱) خانوار و (۲۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱) خانوار و (۲۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل حسنوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹) خانوار و (۱۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل دلفان نور آباد: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۶) خانوار و (۲۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زنگنه: (۳۹) خانوار و (۲۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۴۷) خانوار و (۳۸۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زوله: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷۸) خانوار و (۱۷۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شوهان: (۴۶) خانوار و (۳۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۰) خانوار و (۵۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کرد ـ دره شهر: (۷۲۳)

خانوار و (۵۶۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۳۵) خانوار و (۸۹۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کلهر: (۲۶) خانوار و (۷۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۶) خانوار و (۵۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چنانه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳) خانوار و (۱۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عثماوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱) خانوار و (۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عرب رودبار: (۱۰) خانوار و (۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱) خانوار و (۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کولیوند - لرستان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴) خانوار و (۲۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شیروان و چرداول: (۱۱۳۷) خانوار و (۸۶۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۱۴) خانوار و (۶۰۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بالاوند زردلان: (۳۱۲) خانوار و (۲۱۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴۷) خانوار و (۲۳۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خزل: (۳۸۳) خانوار و (۳۱۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۲) خانوار و (۳۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سنجابی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ابزاد: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴) خانوار و (۱۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اسلامیه (شاهیوند): (۱۶) خانوار و (۱۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۱۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حسن گاوداری: (۸۴) خانوار و (۶۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل درویشان: (۵) خانوار و (۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دوگر: (۱۱) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل زنگنه: (۱۹) خانوار و (۱۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹) خانوار و (۱۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سر تنگ مله ماران: (۸۲) خانوار و (۶۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۲) خانوار و (۶۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عرب رودبار: (۳۹) خانوار و (۳۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۸) خانوار و (۳۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل علی آباد: (۶) خانوار و (۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قاضی خان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۰) خانوار و (۶۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قلندر: (۳۶) خانوار و (۳۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱) خانوار و (۲۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گوراب علیا: (۴۷) خانوار و (۳۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل

لالا: (۲۴) خانوار و (۱۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴) خانوار و (۱۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل لرنی: (۲۰) خانوار و (۱۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل نسار مله ماران: (۵۳) خانوار و (۳۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۳) خانوار و (۳۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مهران: (۱۴۱۸) خانوار و (۱۰۲۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۳۴۰) خانوار و (۱۷۲۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بدره: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جمهور: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵) خانوار و (۲۵۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خزل: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴۱) خانوار و (۲۷۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.ایل دهبالانی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷) خانوار و (۱۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل زوله: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شوهان: (۳۰۱) خانوار و (۲۲۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷۷) خانوار و (۲۰۱۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ملکشاهی: (۱۰۴۶) خانوار و (۷۵۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۴۶) خانوار و (۷۵۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میشخاص: (۴) خانوار و (۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۹۱) خانوار و (۲۸۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل پنج ستون: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۵) خانوار و (۸۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عالی بیگی: (۲۹) خانوار و (۲۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۸) خانوار و (۳۹۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قلندر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گلان ـ میرزا: (۳۸) خانوار و (۲۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۲۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

آداب و رسوم

مراسم ازدواج: ۱- **عقد:** روز عقد چند نفر از خانواده داماد به خانه عروس می‌روند و پس ازاخذ شناسنامه دختر ،همراه با یک یا دو وکیل از خانواده به محضر ویا محل (روحانی) منطقه می‌روند و پس از جاری کردن خطبه عقد ،دفاتر به امضاء ذی ربط می‌رسد.

۲- **عروسی** :(**= دوات** Devat =سیر Sir): برای انجام عروسی پس ازکسب اجازه پدر دختر، افراد خانواده طرفین برای شرکت در جشن عروسی دعوت می‌شوند، دعوت شدگان سوار بر اسب و قاطر و استر با جلال و شکوه خاصی ضمن شادی و سرور و ترتیب مسابقه اسب دوانی، به منزل دختر می‌روند و اندکی در منزل توقف می‌نمایند، در اینموقع زنان خانواده ،دختر را برای حرکت آماده می‌کنند، عروس را بر مادیانی سوار می‌کنند و با شکوه و شادی در میان هلهله و خواندن آوازهای محلی و ساز و دهل او را به منزل

داماد می‌برند در جلو منزل فرش یا پارچه‌ای پهن کرده‌اند در کنار این فرش داماد یا برادر داماد ایستاده است بمحض ورود کاروان عروس یکی از آنان عروس را از بالای مادیان پائین می‌آورد و گوسفندی جلوی پای عروس قربانی می‌کنند پس از انجام مراسم قربانی داماد باید عروس را بغل کرده بداخل اطاق ببرد، پس از صرف شام و انجام مراسم مقدماتی پدر داماد یا بزرگ خانواده داماد، دست داماد را می‌گیرد و او را به اطاق عروس می‌برد و دست آنان را در دست یکدیگر می‌گذارد، آنگاه مرسوم است که داماد مبلغی بعنوان «راه شرمانه = روسر مانه» بدختر هدیه می‌کند سپس پدر داماد آنان را بحال خود گذاشته و خود وارد جمع مدعوین می‌شود.

و - نوزاد اول: مراسمی در بین آنان مرسوم نیست، نوزاد اگر پسر باشد بیشتر خوشحال می‌شوند. اطفال در منزل کدخدا ختنه می‌شوند و اسباب طرب از قبیل ساز و دهل و کمانچه در مجالس برپا خواهد بود.

۱۰ - مراسم عزاداری: از قدیم الایام سنت‌ها و روش‌های خاصی در انجام مراسم عزاداری در این سرزمین وجود داشته است. هنگامی که یک نفر فوت می‌کند تمام بستگان دور و نزدیک و خویشان و آشنایان متوفی حتی از دورترین نقاط گردهم جمع می‌شوند و هیچ عاملی حتی کدورت‌های قدیمی نیز نمی‌تواند مانع این اجتماع باشد، موقعیکه اجتماع حاصل شد ابتدا زنان خانواده بنای شیون را می‌گذارند و دو نفر دو نفر مقابل هم قرار می‌گیرند و صورت را با ناخن می‌خراشند و گریه و شیون را با صدای بلند آغاز می‌کنند و هرگاه تازه واردی، وارد مجلس می‌شود این شیون و زاری شدیدتر شده و در مقابل تازه وارد مراسم فوق را از سر گرفته می‌شود.

سپس همه گردهم نشسته و آهنگها و اشعار حزن‌انگیز می‌خوانند که این نوحه خوانی و تعزیه گردانی را به اصطلاح محلی «سور» یا «مویه» می‌نامند. هم زمان با انجام این مراسم عده دیگری از مردان و زنان عزادار بطور جداگانه در گوشه‌ای ایستاده با ساز و دهل آهنگهای غم افزا که در حقیقت همان مارش عزا می‌تواند باشد اجرا می‌کنند و حرکات موزون حزن‌انگیز انجام می‌دهند، بطور کلی این ساز و دهل و این اشعار غم افزا و حرکات حزن آلود را اصطلاحاً چمر می‌نامند.

پس از تغسیل و تدفین و مراجعت، شب اول بنام «شوشوم = شام شب» گوسفندی قربانی می‌کنند و نزدیکان متوفی صرف شام می‌نمایند و سپس بنام «حمر» که منظور از تشریفات سوگواری باشد عموم مردان و زنان را یکروز مجتمعاً به ناهار دعوت می‌نمایند و با ساز و دهل به آهنگ عزا بنام یادبود آن میت، رقص محلی که شیوه شهری ندارد می‌نمایند و همه افراد پس از صرف ناهار و خواندن فاتحه بمنزل خود می‌روند.

نمونه ورزش‌های بومی و محلی استان ایلام - ۱- کشتی دست زیر دست بالا ۲- جلیته روانکی ۳- هرزان ۴- خرپران ۵- دال پلان ۶- هفت سنگ ۷- چوب چزان ۸- اک اکوتن ۹- لنگ گرانی ۱۰- جوزان ۱۱- قرس یا «رسن» ۱۲- هشار - هشارکی ۱۳- کلاه روان

چوب چزان: بازی گروهی است که حداقل بین دو تیم سه نفره انجام می‌شود. محوطه بازی زمینی است با ابعاد ۲۰×۲۰ متر.

خرپران: خرپران در واقع پرش ارتفاع از روی مانع است که یک نوع رکوردگیری مهارتی نیز محسوب

می‌شود، این بازی یا ورزش محلی در اطراف شهرهای ایلام متداول است.

جلیته روانکی: «جلیته» بر وزن «جلیقه» جلیته روانکی ورزش سواری بومی و محلی متداول در مناطق کوهستانی و عشایر نشین استان ایلام است که با شور و هیجان فوق العاده‌ای در منطقه انجام شده و مورد استقبال قرار می‌گیرد.

هشار- هشارکی: هشار با فتحه ه ور از دیرباز در این استان و لرستان متداول است.

بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی هر تیم ۵ نفر انجام می‌شود. موقعیت تیمها با قرعه کشی به صورت مدافع و مهاجم مشخص می‌شود.

قرس: قرس به فتحه ق و رو سکون س، از جمله بازی‌های محلی استان ایلام است که در اکثر بخش‌های این استان مرسوم می‌باشد. نام دیگر این بازی رسن (ریسمان) می‌باشد.

بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی برگزار می‌شود. در این بازی همبستگی و قدرت گروهی مطرح است و در واقع زورآزمایی تیمی است. ازکتاب ورزش‌های سنتی، بومی و محلی.»

۳

رقص محلی در ایلام: فرهنگ کهن ایلام، رسم‌ها، آئین‌ها و هنرهای بلند سالی را، پس از پیمودن نشیب و فرازهای تاریخی و تحمل قبض و بسط‌های گوناگون در درون خویش، نهفته دارد، که ضرورت بازشناسی و معرفی آن‌ها به اهل فن و بصیرت جزو لوازم کار هر صاحب نظری است، تا از این رهگذر لایه‌های غنی فرهنگی شناسانده شوند، بدان شرط که به قول سعدی: «مگر مستمع را بدانم که کیست.»

از جمله‌ی ماندگارترین پدیده‌های سنتی و اجزاء عناصر چشمگیر و دلنواز آن، که یادآور دوران خوش زندگانی به هم پیوسته‌ی گذشتگان این مرز و بو م بوده و همپای سنن سایر اقوام و ملل، با تغییرات و در آمیختگی‌های بیش و کم، با نمونه‌های همگون و همجوار خود، همچنان به عنوان نماد و نشانه‌ی بروز کامیابی‌ها و خوشی‌های زندگی و ابراز شعف و شور درونی پایدار مانده «رقص محلی» است.

با نگاهی به ژرفای تاریخ در ایران درمی‌یابیم که جایگاه هنر رقص نزد اقوام مختلف، قدمتی دیرینه دارد. «رقص در میان مصری‌ها معمول بوده بر دیوار اهرام مقابر مصر، صحنه‌هایی از رقص دیده می‌شود. درکتاب «زبان موسیقی» از واژه‌های «سوئیت» به عنوان فرم متشکل و تکامل یافته از یک سری رقص‌های متفاوت که در بیشتر مناطق اروپا رایج بوده یاد شده است.

رقص با آیین‌های مذهبی نیز همسو بوده است. در لغت نامه‌ی دهخدا به نقل از «قاموس کتاب مقدس» این گونه آمده است که «کار رقص در قدیم الایام مثل زمان حالیه، قصد از آن اظهار علامات فرح و سرور بود و گاهی از اوقات از جمله شعایر دینی بود و فعل مرقوم با صدای اسباب طرب و دایره به انجام می‌رسید.

رقص، به عنوان حلقه‌ای مؤثر در پیوستگی‌ها و تعاملات اجتماعی و عرصه‌های فرهنگی، در جهت ماندگاری و تقویت بسیاری از عناصر همسوی خویش از جمله: موسیقی، رسم سنتی عروسی، علقه‌های عاطفی اجتماعی و شیوه‌های متنوع و مفرح همزیستی، دربستر تاریخی ایلامیان خود را به خوبی نشان داده است.

رقص کردی ایلام به آن «ثلپه رگه alplrrega» درکردی سورانی به آن «هَلْپه رگه halparrka» یا دس گرتن dasgerten جزو قدیمی‌ترین عناصر

سنتی و آداب دل‌انگیز و شادمانه‌های این دیار بوده است.که همانند و همراه سایر رسومات و همچون موسیقی کهن و زبان و گویش و دیگر سنن باستانی از ادامه‌ی حیات خویش باز نایستاده و در پناه کوه‌ها و دره‌ها و جنگل‌ها و نقاط دور، میان ساکنان این مناطق به سیر طبیعی خود ادامه داده است. واژه‌ی «ثلپه رگه» هم ریشه با مصدر «پریدن» فارسی است با این تفاوت که خود معنای بیانگر تأکید یا استعلام است و پسوند «ال» یا «هل» را با خود همراه دارد.

ثلپه رگه و موسیقی کردی: آن چه نباید از نظر دور داشت این است که «موسیقی بومی» که برآمد از صدای همساز و دل نواز سرنا و دهل است، از گذشته‌های دور حلقه‌ی اتصال زوج همیشگی «ثلپه رگه» بوده است.

«موسیقی و رقص، زادگان یک مادرند، این دو مولود عواطف و احساسات اند همان معلمی که گریه خنده را به بشر آموخته، رامشگری را نیز به او یاد داده است» البته جای تأمل است که هر چند در فرآیند تحولات روزمره‌ی فن آوری و وفور صداهای آهنگین و آلات و ابزار جدید موسیقی به نوعی به سایه رفتگی سنتی را گوشرد می‌کند.

سرنا و دهل: سرنا که در گویش محلی بدان «ساز» E می‌گویند، یکی از آلات موسیقی بادی است. نام مرکب آن از «سور Sur» یا «سُر» به معنی عروسی و جشن و سرور و «نای» به معنی نی می‌باشد. در جشن‌ها و اعیاد نواخته می‌شد و صدایی شاداب دارد، طریقه‌ی دمیدن آن بدین شکل است که نفس از بینی کشیده در دهان نگه می‌دارند تا دهان پر شود و سپس از مخرج ساز که «قمیش» نام دارد وارد ساز شده و از سرگشاد آن با تأثیر گذاری موسیقیایی روی سوراخ‌های تعبیه شده بر لوله‌ی مخروطی آن با تناسبی هنرمندانه به وسیله‌ی انگشتان، آهنگ دل انگیزش خارج می‌شود. عمل نوازندگی توسط شخصی به نام «سازه ژه ن sazzan» یا «سازنه چی sazenaci» صورت می‌پذیرد، ایشان انواع نواها و ریتم‌های محلی راکه برگرفته از اشعار و ادبیات و سرودهای کردی است متناسب با هر گونه رقص می‌نوازد.

«دهل dohel» یا «دِی ول Devel» همزاد دیگر سرناست. از آلات کوبه‌ای، طبلی استوانه‌ای شکل بزرگ و دو رویه است که به وسیله‌ی پوست گاو یا گاومیش پوست کشی شده است، بر دو طرف آن تسمه‌ای چرمی بسته شده که بر شانه‌ی آویزان می‌کنند. «دهل کت dohel kot» یا دهل چی «doheci» نام فردی است که با تخصص و هنر ویژه‌ی خود و با کمک مضرابی چپقی یا عصایی که به آن «گرز gorz» گفته می‌شود روی اصلی طبل را می‌کوبد و با کمک مضرابی نازک به نام «ته رکه Ta Reka» که طرز خاصی به پشت دهل نواخته می‌شود ریتم را موزون و خوش نوا می‌گرداند. البته در مراسم بزم و «ثلژه رگه» از ساز سنتی «دوزله dozla» نیز بهره برده می‌شود.

انواع «ثلپه رگه»: «ثلپه رگه» در منطقه‌ی ایلام به گونه‌های مختلفی نمایش داده شده و اجرا می‌گردد و هر گونه‌ی آن سبک، ریتم و نوای موسیقی مخصوص به خود را دارد، برخی از انواع شیوه‌ها مختص به «ثلپه رگه» (G)ی کردی و بعضی نیز برگرفته از گونه‌های رایج فرهنگ‌های همجوار است. وجه مشترک ظاهری همه‌ی گونه‌ها در نوع پیمودن میدان رقص است که افراد گروه در جهت عکس عقربه‌های ساعت می‌چرخند. اما اگر در اینجا بخواهیم به رقصندگان یا ٥ثلپه رگه که ر alparrgakar»های معروف اشاره کنیم شاید بر

اساس تاریخ شفاهی این دیار و به صورت موردی و پراکنده به افراد و طوایف زیادی برخورد کنیم که هر یک زمانی در این هنر زبانزد بوده‌اند اما بنا بر اطلاعات نگارنده در میان ایل ملکشاهی طایفه‌ی «شهر میر» برخوردار از افرادی بوده است که به جهت علاقه‌مندی و تبحر، همیشه به عنوان رقاصان شائق ماهر مطرح بوده‌اند. ناگفته نماند که رقص محلی در دوران انقلاب تا سال‌های پس از جنگ دچار رکود شد ولی بعد از آن کم کم جایگاه اولیه‌ی خود را در ایلام باز یافته و رویکرد آن در میان قشر جوان جامعه تقویت یافته است.

انواع ال پرگه: الف: گونه‌ی «چـی پـی capi»، ۲ـ رقص فه تای، ۳ـ رقص عربی، ۴ـ سبک سی پا، ۵ـ سه‌ی سه ما. ـ نورالدین رحیمی، نشریه‌ی فرهنگ ایلام

موسیقی و رقص بومی ایلام: در موسیقی ایلام از سازهای دوزنه، جفتان، سرنا، شیپور، ضرب، دهل، شمشادهای و کمانچه استفاده می‌شود و این سازها در آیین هایی مانند: عروسی، جنگ و عزا کاربرد دارند. دو صدایی است و قابلیت همراهی با سازهای چند صدایی را دارد. چوبی موسیقی رقص ایلام است و به صورت انفرادی و یا دسته جمعی اجرا می‌شود این موسیقی درگذشته افزون بر کاربرد هنری و موسیقیایی به عنوان آمادگی رزمی و بدنی نیز کارایی داشته است.

«فتا پاشا، لرزانه، سوارسوار، صی سماع، قلاوی، سه حار و گریانه» از جمله نواها و ریتم‌های این نوع رقص است که در مناطق کرد و لرنشین کشور رایج است. هوره نیز موسیقی آوازی مردمان غرب کشور و به ویژه مردم ایلام است. هوره که از آوازها و نیایش‌های اساطیری ایران است. از هزاره‌های قبل از میلاد مسیح تا به امروز رواج دارد. موسیقی آیین‌های سوگواری نوع دیگری از موسیقی در استان ایلام است که در آیین «چمری» با سرنا و دهل اجرا می‌شود و در این مراسم مردم ایل‌ها و روستاها در محلی به نام «چمرجا» جمع می‌شوند و همراه با نوای ساز و دهل و آواز همسرایان نوعی رقص را ارائه می‌دهند. گویند که در نمایش تعزیه در ایام عاشورا را نیز کاربرد فراوان دارد.

پوشاک مردم ایلام: الف – مردان: مردم ایلات و عشایر ایلام، لباس محلی خاص دارند که معمولاً در موقع رقص‌های محلی از آن لباس‌ها استفاده می‌کنند، اغلب یک قمه در پرشال لباس مذکور بسته شده و هر کدام چماق مخصوصی دارند که سر آن شبیه به گرز است و از شال و شانه و دامنه لباس منگوله‌های مخصوصی آویخته شده است. کفشهای آنان یک نوع چارق است که از قدیم مرسوم بوده ولی امروزه دیگر درست کردن آنها صرف ندارد و اغلب از کفش و گیوه مخصوصاً کفشهای لاستیکی گالش مانند استفاده می‌کنند و شالی هم بسر می‌بندند که بی شباهت به عمامه نیست.

ب – زنان: زنان دامنی بپا دارند به اسم (تون بون) که گشاد است و چین زیاد دارد و با نوارهای سیاه و سفید حاشیه دوزی می‌شود، تون بون از قوزک پا تجاوز می‌کند و حدود پانزده متر پارچه برای دوختن آن لازم است، بیشتر رنگهای شاد مانند قرمز و گلهای شلوغ انتخات می‌گردد.

روی تون‌بون پیراهن بلندی می‌پوشند باسم «جوما» که چندان گشاد نیست ،اما از اواسط ران بپائین از بغل چاک دارد و حدود چهار متر پارچه می‌برد.

جلیقه‌ای که رویه‌اش از مخمل و آسترش پارچه می‌باشد و حاشیه‌ای یک ردیف نوار طلائی

بصورت هفت و هشتی دوخته شده و بیشتر برنگ قرمز آلبالوئی است و در زمستان روی جوما می‌پوشند.
«کلاو» نیز از مخمل آستر داری با حاشیه مزین به نوار طلائی است که وسط سر دایره شکل بریده شده و از پشت گوش‌ها به وسیله دو تا قیتان با دو بند زیر چانه گره می‌خورد.
زنان هنگام رفتن دید و بازدید ،چادر سر می‌کنند ولی رو نمی‌گیرند ،رنگ چادر جوانان سفید وپیرزنان تیره است.
۶- زینت آلات: زنان و مردان جوان غالباً انگشتر دارند. پیرمردان انگشتری ندارند و اگر هم داشته باشند، عقیق یا پنج تن است.
زنان در بکار بردن هر چه بیشتر انگشتری مجازند، مردان یک انگشتری بیشتر ندارند، انگشتری مردان اکثراً نقره است. زنان از النگوهای طلا استفاده می‌کنند و دستبندهای نقره‌ای و طلائی بدست می‌کنند.
زنان ایلام گوشواره بخصوص مانند گوشواره مدل کشکولی بگوش می‌آویزند.
۷- نقش زن در جامعه ایلام: زن در جامعه ایلام پا به پای مرد حضور دارد و همچون مرد در زندگی ،تولیدی ،کشاورزی، دامداری نقش مهمی دارد، زن ایلامی زحمتکش وگاه مسئولیتی سنگین‌تر از مرد داشته و علاوه بر مسئولیتهای مادری و کار منزل، کارهای دیگری از قبیل قالی‌بافی، تهیه روغن و کره از شیر گوسفندان ،دوشیدن شیر ،همراه بودن و کمک به مردان در هنگام کوچ دادن گله ودامهااز نواحی صعب‌العبور ویا از رودخانه‌ها را بعهده دارند.
۸- غذای مردم ایلام: غذاهای اهالی ایلام متنوع و عبارتست از:

الف - آش که به آن شوله هم می‌گویند شامل: آش ماست، آش شیر، آش دوغ، آش رشته، شوله بادامی وشووله ناردونگی است.
ب - انواع خورشهای اصیل بومی شامل :خورش سبزی ،خورش مسما و خورش قیمه و غیره.
ج - انواع پلوها مانند: عدس پلو باگوشت ،باقالا پلو باگوشت،و زرشک پلو باگوشت مرغ .
د - انواع کباب از گوشت گاو، گوسفند ،ماهی، جوجه، جوجه را یکمرتبه به سیخ می‌کشند ولی اگر مرغ یا خروس بزرگ باشد تکه‌تکه‌اش می‌کنند تا همهٔ جوانب آن کباب شود.
ه - آبگوشت متداولترین غذای مردم شهرنشین و روستائی است.
و - حلیم یا هریسه، شیر برنج ،فرنی (در ماه مبارک رمضان می‌خورند)
ز - خوراک قارچ ،قارچ در فصل بهار و در مناطق سرد سیر می‌روید، قارچهارا می‌چینند و خشک کرده در فصول مختلف از آن استفاده می‌کنند.
کتاب مردمان ایران - عبدالحسین سعیدیان

نمونه ورزشهای بومی و محلی استان ایلام:
۱ـ کشتی دست زیر دست بالا ۲ـ جلیته روانکی ۳ـ هرزان ۴ـ خرپران ۵ـ دال پلان ۶ـ هفت‌سنگ ۷ـ چوب چزان ۸ـ اک اکوتن ۹ـ لنگ گرانی ۱۰ـ جوزان ۱۱ـ قرس یا «رسن» ۱۲ـ هشار ـ هشارکی ۱۳ـ کلاه‌روان
چوب چزان ـ بازی گروهی است که حداقل بین دو تیم سه نفره انجام میشود. محوطه بازی زمینی است بابعاد ۲۰×۲۰ متر.
خرپران ـ خرپران در واقع پرش ارتفاع از روی مانع است که یک نوع رکوردگیری مهارتی نیز محسوب میشود، این بازی یا ورزش محلی در

اطراف شهرهای ایلام متداول است.
جلیته روانکی ـ «جلیته» بر وزن «جلیقه» جلیته روانکی ورزش‌سواری بومی و محلی متداول در مناطق کوهستانی و عشایرنشین استان ایلام است که با شور و هیجان فوق‌العاده‌ای در منطقه انجام شده و مورد استقبال قرار میگیرد.
هشار ـ هشارکی ـ هشار با فتحه ه ور از دیرباز در این استان و لرستان متداول است.

بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی هر تیم ۵ نفر انجام میشود. موقعیت تیم‌ها با قرعه‌کشی بصورت مدافع و مهاجم مشخص میشود.
قرس ـ قرس به فتحه ق و رو سکون س، از جمله بازیهای محلی استان ایلام است که در اکثر بخشهای این استان مرسوم می‌باشد نام دیگر این بازی رسن (ریسمان) میباشد.

بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی برگزار میشود در این بازی همبستگی و قدرت گروهی مطرح است و در واقع زورآزمائی تیمی است. ازکتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

فرهنگی و دانشگاهی

دانشگاه ایلام: این دانشگاه در ۱۳۶۹ تأسیس شد. آموزشکده کشاورزی ایلام که از ۱۳۵۴ـ۱۳۷۰ از مراکز آموزش عالی دانشگاه رازی محسوب می‌شد در این سال از این دانشگاه جدا شد و به دانشگاه ایلام ملحق گردید. این دانشگاه در حال حاضر با دو دانشکده کشاورزی، علوم انسانی و پایه و آموزشکده دام پزشکی در ۲۹ رشته تحصیلی در دوره‌های روزانه و شبانه در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشجو می‌پذیرد و دانشکده‌های کشاورزی (گروههای آموزشی: علوم دامی، تولیدات گیاهی، مرتع و جنگلداری، ماشین آلات کشاورزی، معماری و کامپیوتر و عمران) و علوم انسانی و پایه (گروههای آموزشی: زبان انگلیسی، الهیات، شیمی، ادبیات، اقتصاد، حسابداری و معارف اسلامی) در آن فعالیت دارند. این دانشگاه هم اکنون دارای یک مجتمع آموزشی و پژوهشی در شهرستان چوار و یک مزرعه آموزشی و تحقیقاتی است.
مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی.
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایلام: تحت عنوان دانشکده‌ی علوم پزشکی تأسیس شد و در سال ۱۳۷۴ به دانشگاه علوم پزشکی تغییر نام داد ـ دولتی

آثار ثبت شده استان ایلام سلیمان تپه (زیرز) سرتپه - ایلامی - کشور عراق
تپه بکسایه - ایلامی - کشور عراق
سبعات خزیر (چهار ریز) - ایلامی - کشور عراق
تپه شیروان (ساسانی - اسلامی) - شیروان
تپه لالار - (ساسانی - اسلامی) - دره شهر
شهر دره شهر - قرون اولیه اسلامی - دره شهر
تپه‌های لارت - (ساسانی - اسلامی) - دره شهر
تپه چشمه ماهی - هزاره ۲ ق-م - شیروان
نقش برجسته گل‌گل ملکشاهی-هزاره ۱ آشورجدید-ایلام
ساختمان مرکز تحقیقات کشاورزی - قاجاریه - ایلام
قلعه والی - اواخر قاجار - ایلام
پل گاومیشان - ساسانی - دره شهر
قلعه کنجانچم - اواخر قاجار - مهران

قلعه هزار درب - (ساسانی - اسلامی) - آبدانان
قلعه جهانگیرآباد-(اواخر قاجار-اوایل پهلوی)-دره شهر
چهار قاپی (چهار طاقی) - قرون اولیه اسلامی -دره شهر
آتشکده سیاهکل - ساسانی - ایوان
قلعه میر غلام هاشمی- اوایل پهلوی- دره شهر
بنا پور اشرف - قاجاریه - دره شهر
تپه علی کش - هزاره ۸ ق-م - دهلران
تپه موسیان - اواخر نوسنگی - برنز قدیم - دهلران
تپه فرخ آباد - ساسانی - دهلران
تپه سبز - نو سنگی -کالکولتیک - دهلران
تپه غران - اشکانی- موسیان
تپه جغا سفید - نوسنگی -کالکولتیک - دهلران
گورستان کان گنبد - پیش از تاریخ - ایلام
تپه تیغن - اسلامی - دره شهر
تپه پامیل - (تاریخی - اسلامی) - دره شهر
تپه قبرستان شهرک ولیعصر - پیش از تاریخ - دهلران
تپه گورستان شیوخ - تاریخی - دهلران
تپه سید اکبر - تاریخی - دهلران
تپه پتک - تاریخی - دهلران
تپه تل یاکوشک ولیعصر - تاریخی - دهلران
تپه ایشان - تاریخی - دهلران
تپه عین صوله (ایشان صوله) - پیش از تاریخ - دهلران
تپه جلیغ - (تاریخی - اسلامی) - دهلران
تپه کزآباد-(پیش‌ازتاریخ - تاریخی) - شیروان و چرداول
چغاصیفور-پیش ازتاریخ تا ساسانی-شیروان و چرداول
پل کرودیت (پل باریکه) - آل بویه - شیروان و چرداول
چغا گلان - پیش از تاریخ - مهران
چغا آهوان - پیش از تاریخ - مهران
تپه چم پایی - هزاره ۳ ق-م - مهران
امرمردگ سورگه - پارینه سنگی - مهران
چغا غلامی - پیش از تاریخ - مهران
چغا قبرستان - اسلامی - مهران
تپه عضیر - (اواخر تاریخی - اسلامی) - مهران
تپه نصیر - پیش از تاریخ تا اسلامی - مهران
محوطه چن جانقلی - پیش از تاریخ - مهران
محوطه مل چگا - هزاره ۳ تا تاریخی - مهران
شهرسیروان-(ساسانی-اسلامی)-شیروان و چرداول
امامزاده مهدی صالح - قرن ۸ ق-م - دره شهر
امامزاده پیر محمد - قرن ۷و۸ ق-م - آبدانان
طاق شیرین و فرهاد - ساسانی - ایوان
تپه چغا شکرالی - (ساسانی - اسلامی) - آبدانان
گوردخمه سیلا (آ- ۵۴) - ساسانی - آبدانان
پناهگاه سنگی تختاب - اشکانی - ساسانی - آبدانان
پناهگاه قلعه سیاه‌گاو (آ- ۵۰) - اشکانی - آبدانان
پشت قلعه آبدانان - (ساسانی -اسلامی) - آبدانان
امامزاده سید صلاح الدین محمد - قرن ۷و۸ - آبدانان
قلعه شیخ مکان - ساسانی - دره شهر
تنگه تاریخی بهرام چوبینه - ساسانی - دره شهر
امامزاده سید ابراهیم - تیموریان - دهلران
تپه مهروان - (تاریخی - اسلامی) - شیروان و چرداول
قبرستان گلال گیس که-پیش‌ازتاریخ-شیروان و چرداول

گورستان و محوطه گرتک - تاریخی -شیروان و چرداول
گورستان و محوطه گرتک-تاریخی-شیروان و چرداول
قبرستان کول سی - پیش از تاریخ - شیروان و چرداول
بقعه امامزاده جعفر - اسلامی - شیروان و چرداول
آتشکده‌چهارطاقی سرابله-ساسانی- شیروان و چرداول
قبرستان(زاغه)آهنگران-تاریخی- شیروان و چرداول
اشکفت صیدمحمد-فراپارینه سنگی-شیروان‌وچرداول
سه‌اشکفت باغله-فرا پارینه سنگی - شیروان و چرداول
قبرستان‌ومحوطه‌تنگ قیر-اشکانی- شیروان و چرداول
پناهگاه‌سنگی‌شباب-فراپارینه‌سنگی‌تانوسنگی‌شیروان‌وچرداول
قبرستان چم قوله - هزاره ۱ ق-م - شیروان و چرداول
سازه‌های آبی تنگ لوله آب - ساسانی - شیروان چرداول
گوردخمه - تاریخی - شیروان و چرداول
پناهگاه‌سنگی‌کوره‌وپله-فراپارینه‌سنگی-شیروان‌وچرداول
قبرستان‌تاریخی کوره ویله-ساسانی-شیروان و چرداول
بقعه امامزاده باقر - اسلامی - شیروان و چرداول
اشکفت نطنز - فراپارینه سنگی - شباب
مجموعه قلعه سام - ساسانی - شیروان و چرداول
سنگ نوشته تخت خان - قاجاریه - ایلام
پشت قلعه چوار - (تاریخی - اسلامی) - ایلام

سنگ نوشته غلامرضا خان والی - قاجاریه - ایلام
پناهگاه سنگی قوچعلی - پیش از تاریخ - ایلام
قبرستان منجل ۲ - تاریخی - ایلام
قبرستان ورکبود - آهن III - ایلام
تپه‌چکاتیکاشان‌هفت‌چشمه-پیش‌ازتاریخ‌وتاریخی-ایلام
بقایای آسیاب آبی گریان - اسلامی - ایلام
محوطه چکاچم باسان مورت - تاریخی - ایلام
تپه میل - تاریخی - ایلام
قلعه قلا قیران - اشکانی تا اسلامی - ایلام
زیستگاه‌صخره‌ای قوچعلی-(نوسنگی-تاریخی) -ایلام
تپه چغا جانیه - اشکانی - ایلام
محوطه قلا قیران - ساسانی تا اسلامی - ایلام
قبرستان منجیل (۱) - تاریخی - ایلام
تپه کوتر سیه - ساسانی - ایلام
گورستان آبزا - تاریخی - ایلام
تپه گل و هار - تاریخی - ایلام
تپه قلعه توت - تاریخی - ایلام
تپه گل‌اولی - پیش از تاریخ - آبدانان
تپه‌خداداد‌هلیوه-(نوسنگی-اشکانی-ساسانی)- آبدانان
قلعه قلانو - (اشکانی - ساسانی) - آبدانان
تپه‌های سبزه حمام - (اشکانی - ساسانی) - آبدانان
چهار طاق مولاب - ساسانی - آبدانان
محوطه پنج برار - تاریخی - آبدانان
تپه چغا پهلنک - تاریخی - ایوان
تپه نرگسی قلعه‌مامه زمان - هزاره ۱- تاریخی - ایوان
تپه زرنه - تاریخی - ایوان
تپه کله جوب ۱ - ساسانی - ایوان
تپه چغا هلشی - (نوسنگی - تاریخی) - ایوان

تپه قلاع - (ساسانی - اسلامی) - ایوان
محوطه جوی زر - (ساسانی - اسلامی) - ایوان
قلعه گوریا - (ساسانی - اسلامی) - ایوان
تپه کله جوب ۲ - ساسانی - ایوان
قلعه شمیران - (ساسانی - اسلامی) - ایوان
فهرست آثار تاریخی استان ایلام در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۵۴۴ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری ایلام: مرد: (۱۵۲۸۷۰ شهری، ۹۸۵۶۰ روستائی)، زن: (۱۴۷۸۲۵ شهری، ۹۳۷۳۵ روستائی).

شهرستان آبدانان: تعداد خانوار ۴۲۲۰۷، جمعیت ۱۹۹۵۱۹، تعداد باسواد ۱۵۱۵۳۶، تعداد بیسواد ۲۳۷۴۹.

شهرستان ایوان: تعداد خانوار ۱۰۰۴۰، جمعیت ۴۷۹۵۸، تعداد باسواد ۳۵۱۷۹، تعداد بیسواد ۸۴۱۰.

شهرستان دره شهر: تعداد خانوار ۱۱۴۸۷، جمعیت ۵۶۸۲۲، تعداد باسواد ۴۱۸۶۹، تعداد بیسواد ۹۴۴۸.

شهرستان دهلران: تعداد خانوار ۱۱۳۷۶، جمعیت ۶۲۲۵۶، تعداد باسواد ۴۱۰۲۳، تعداد بیسواد ۱۱۹۲۱.

شهرستان شیروان و چرداول: تعداد خانوار ۱۵۰۸۷، جمعیت ۷۳۹۷۳، تعداد باسواد ۵۱۱۷۵، تعداد بیسواد ۱۵۷۶۵.

شهرستان مهران: تعداد خانوار ۱۰۹۶۰، جمعیت ۵۷۸۸۹، تعداد باسواد ۳۹۷۴۵، تعداد بیسواد ۱۰۱۶۱.

شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها

آبدانان: بخش مرکزی شهرستان آبدانان و مرکز آن آبدانان و دارای دو دهستان است. ۱ـ جابرالانصار ۲ـ ماسبی

آبدانان: مرکز دهستان آبدانان بخش آبدانان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کبیرکوه و دینارکوه قرار و رود آبدانان درین دهستان جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، برنج

پوشش گیاهی: برای چرای دام

جانوران: گرگ، خرس، گراز، روباه، شغال و خرگوش

آبدانان: از جاهای دیدنی جالب با آب و هوای دلپذیر استان ایلام می‌باشد که در ۳۸ کیلومتری جنوب دره شهر است. آبدانان را ۱ـ کوه کبیر، ۲ـ سیاه کوه، ۳ـ دینار کوه در میان گرفته‌اند از این گذشته دریاچه‌ی دوگانه سیاه گاو بس دیدنی و دلپذیر با حیات وحش جالب و آثار تاریخی مهم: ۱ـ قلعه‌ی هزارانی، ۲ـ پشت قلعه، ۳ـ زیارتگاه صلاح الدین می‌باشد.

آبدانان: در دامنه جنوبی کبیر کوه قرار دارد.این شهرستان دارای منابع کانی فراوان از جمله نفت و گوگرد و زاج است و به خاطر آب فراوان و وجود جنگل‌ها و مراتع دارای سرزمین‌های مستعدکشاورزی می‌باشد. همچنین دامداری دارای اهمیت خاصی است.تمدن باستان در این شهرستان به حدی است که آثار ارزنده تاریخی جای جای آن را فرا گرفته است. محوطه‌های تاریخی جوسیان و پنج برار از جمله شهرهای تاریخی آن می‌باشند.

آبدانان (شهرستان): این شهرستان از نظر

نظامی، کشاورزی و دامداری اهمیت فراوانی دارد و در اطراف دور و نزدیک این شهرستان آثار باستانی فراوانی وجود دارد. - کتابهای درسی از شهرستان‌های استان ایلام مرکز آن شهر آبدانان، دارای ۳ بخش ۱- مرکزی ۲- سراب باغ ۳- کلات می‌باشد و این شهرستان دارای شش دهستان می‌باشد: ۱- جابر انصار ۲- ماسبی ۳- سراب باغ ۴- چم کبوده ۵- آب انار ۶- موز موری

آسمان آباد: شهرستان سرابله ایلام و مرکز آن صیدنظری سفلی و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و خشک شیروان چرادول قرار گرفته. رود آب آسمان آباد جریان و کوه پیان و کوه بانکول در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، چغندر، ذرت

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گون، درختان ارژن، انجیر کوهی، بلوط، پوشش مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش

ابوغدیر: از دهستان‌های بخش موسیان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن ابوغویر است و در منطقه‌ای، دشتی، معتدل خشک قرار گرفته و رود دو ویریج در این دهستان روان است.

فراورده‌ها: گندم، جو

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، و پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: گرگ، کفتار، گراز، شغال، آهو و خرگوش

ارکوازی ARKAVAZI: از دهستان‌های بخش چوار شهرستان ایلام استان ایلام از شمال شرق به شهرستان شیروان و چرداول، از مشرق به شهرستان دهلران و دره شهر، از جنوب به دهلران، از جنوب غربی و باختر به حومه مهران محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این دهستان ارکوازی مورت می‌باشد.

رودها: ۱- یالشک آب ۱- پیرمحمد ۳- رگزاه ۴- تاشمورت ۵- بیوره ۶- گاوی که از کوه‌های کبیرکوه سرچشمه گرفته و همه این رودها وارد خاک عراق می‌گردد. از این گذشته چشمه‌های فراوانی چون چشمه‌دره و چشمه قلعه دره درین سامان جریان دارد.

کوه‌ها: چون بخش ارکوازی در منطقه‌ای دره‌ای قرارگرفته، کوه‌های متعددی آن را در میان گرفته‌اند از جمله ۱- کوه کوماچی (۱۵۲۰ متر) ۲- خردم (۱۶۶۰ متر) ۳- خرمن (۱۵۷۳ متر) ۴- کلک (۱۸۲۰ متر)

آب و هوا: معتدل و خشک

رستنی‌ها: درختان بلوط، کی کم، بادام کوهی، زالزالک، زبان گنجشک، انجیر کوهی، ارغوان، گیلاس وحشی، کنار - گیاهان دارویی و صنعتی و پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: پلنگ، گراز، کفتار، روباه، شغال، خرگوش، جوجه تیغی، راسو، قوچ و میش، بز، عقاب، شاهین، کبک و جغد

ایل بزرگ ملکشاهی از ایل‌های مهم استان ایلام است که در بخش ارکوازی سیزده طایفه‌اش به سر می‌برند: ۱- گچی ۲- خمیس ۳- کله‌وند ۴- رسیله‌وند ۵- باولک ۶- خلیل وند ۷- کاری‌وند ۸- قیطون ۹- کاظم بگ ۱۰- بارپاب ۱۱- باوه ۱۲- صمدتک ۱۳- خوزی‌وند همچنین ایلات شوهان نیز در ارکوازی به سر می‌برند.

درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامپروری قرار دارد.

کشاورزی به شیوه سنتی و کشت به روش آبی و دیمی و آب کشاورزی از چشمه، رود و چاه فراهم

گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، بنشن، آفتابگردان، بامیه، توتون و دام و فرآورده‌های دامی، گردو، هلو، آلو، سیب و انجیر، گلیم و دامداری به شیوه سنتی و به روش صنعتی مورد توجه و اهمیت فراوان مردم این سامان است.
ارمو: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دره شهر استان ایلام و مرکز آن ارمو و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه تخت شیخ مکان و کوه میدان و کوه مله‌کوه در آن قرار و رود دره شهر در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، برنج، گوجه‌فرنگی و خیار
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شاتره، شیرین بیان و گون کتیرا و درختان بلوط، زالزالک، گیلاس وحشی، به، انجیر و بادام کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، کبک، تیهو
اناران: اردهستانهای بخش مرکزی شهرستان دهلران استان ایلام و مرکزش بیشه دراز است.
ایلام: شهرستان ایلام و مرکز استان ایلام سابقاً پشت‌کوه نام داشت و از شهرستان‌های استان کرمانشاهان بود. از طرف مغرب و جنوب غربی به خاک کشور عراق محدود است. رشته کوه کبیرکوه در امتداد شمال غربی و جنوب شرقی این شهرستان قرار دارد.
شهرستان ایلام منطقه‌ای گرمسیر است وجود ارتفاعات کبیرکوه و دیناران و اناران سبب گشته که در این منطقه دو نوع آب و هوای مختلف دیده شود. برخی نواحی کوهستانی آن خوش آب و هوا و معتدل است اما جلگه‌ها عموماً گرم و سوزان است.
در ارتفاعات زیاد برف می‌بارد در ارتفاعات ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ متری برف نمی‌بارد زیرا گرمسیر است. در مناطق پایین‌تر از ۵۰۰ درختان خرما و انار به عمل می‌آید. در نواحی مرزی بادهای خشک عربستان می‌وزد.
آب و هوای این ناحیه در نقاط مختلف به علت پستی و بلندی زیاد متنوع و متغیر است. بخش مرکزی شهرستان ایلام، در جنوب غربی شهر ایلام قرار گرفته که از شمال به ایلام و از جنوب به شهرستان مهران، از مشرق به دهستان میشخاص و از مغرب به بخش جوار محدود است.
شهرستان ایلام به مرکزیت شهر ایلام در ۱۳۰۸ هـ ش در خاور و شمال خاوری ده بالاو در منطقه‌ای که عین آباد نام داشت و در جوار ساختمان‌های به جا مانده از والی، ساخته شد و با توجه به سابقه تاریخی منطقه و تصویب فرهنگستان ایران، ایلام نام یافت.
دیواره‌های سنگی و دامنه‌های جنگلی کوه‌های نشت، سیوان، شلم، سیاه‌کوه به شکل دژی وسیع، شهر و دشت‌های اطرافش را در بر گرفته همین بلندی‌ها و دامنه‌های جنگلی ایلام آب و هوایی معتدل دارد. کتاب‌های درسی
ایلام: بخش مرکزی شهرستان ایلام، استان ایلام است و مرکز آن شهر ایلام و دارای دو دهستان ۱ـ میش خاص ۲ـ ده پایین است.
ایلام (شهرستان): ایلام در دوران ساسانی و اسلامی جزئی از ایالت «ماسبندان» بوده است. این منطقه تا قبل از ورود حسین قلی خان والی به «ده بالا» معروف بوده که هم زمان با حکومت حسین قلی خان ابوقداره، (حسین آباد) نام گرفت. در سال ۱۳۰۹ شمسی با توجه به سابقه تاریخی

منطقه و تصویب فرهنگستان ایران، ایلام نامیده شد. شهر ایلام با واقع شدن در حصاری از کوه‌ها و ارتباط نزدیک شهر با جنگل دارای آب و هوای معتدل کوهستانی است.

ایوان (شهرستان): از شهرستان‌های استان ایلام و مرکز آن شهر ایوان، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی مرکز آن ایوان دارای دو دهستان (۱ـ سراب ۲ـ نبوت) ۲ـ بخش زرنه مرکزش زرنه دارای دو دهستان (۱ـ کلان ۲ـ زرنه) است.

این شهرستان در شمال غربی ایلام قرار گرفته، از شمال به اسلام‌آباد غرب، از جنوب به بخش چوار از شرق به شیروان و از غرب به سومار شهرستان قصر شیرین محدود است. زیبایی‌های طبیعت در این منطقه بسیار چشمگیر بوده و آثار باستانی آن نیز حاکی از تمدن دیرینه تاریخی آن است. مردم این منطقه از ایل کلهر هستند بدین جهت به زبان کلهری تکلم می‌نمایند.

آب و هوای این شهرستان نسبت به پستی و بلندی متغیر است (به طور کلی معتدل نیمه مرطوب) بدین معنی که نقاط کنار رودخانه کنگیر از حدود سترلنگ به پایین گرمسیر و از آن محل به بالا تا حدود اسمیس معتدل و از آن بالاتر به واسطه مرتفع بودن سردسیر است. در زمستان ساکنان منطقه گرمسیری به شغل گله‌داری و زراعت سرگرم و اکثر چادرنشین بودند. مهم‌ترین رود این شهرستان رود کنگیر است که سرچشمه اصلی آن سراب ایوان می‌باشد.

رودها: تنها رود دایمی این شهرستان ۱ـ رود کنگیر است که از کوه‌های بانکول روان و در محل پاسگاه مرزی میان‌تنگ وارد عراق می‌شود ۲ـ مورت ۳ـ گلای رود: چشمه ایوان سراب که در جنوب شرقی شهرستان ایوان روان است.

کوه‌ها: شهرستان ایوان منطقه‌ای است کوهستانی که نواحی شمال و شمال غربی آن را کوه‌های بسیار در بر گرفته است از جمله: ۱ـ کوه تالوار (۱۵۶۰ متر) ۲ـ ساج گوربی (۱۰۳۰ متر) ۳ـ سرخ‌گیری (۱۵۵۰ متر) ۴ـ سوزگیری (۱۱۸۳ متر) ۵ـ کوه بایه (۱۳۸۸ متر) ۶ـ کوه گاومهر (۱۴۵۴ متر) ۷ـ کوه بانکول (۲۳۰۴ متر)

پوشش گیاهی: درختان بلوط، زالزالک، بنه، ارژن، انجیر، گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، شیرین‌بیان و گون - پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: روباه، خرگوش، گرگ، خرس، پلنگ، مار، سنجاب، کبک و تیهو.

زبان: فارسی با گویش‌های کردی و لری و حدود ۱۰٪ عربی

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، دامداری و باغداری کشور قرار دارد.

فراورده‌ها: سیب، گلابی، انار، انگور، هلو، زردآلو، فرآورده‌های دام - گلیم از قبیل پشم و پوست.

ایوان: بخش مرکزی شهرستان ایوان استان ایلام و مرکز آن شهر ایوان و دارای دو دهستان ۱ـ سراب ۲ـ نبوت است.

زرنه: از بخش‌های شهرستان ایوان استان ایلام مرکز آن شهر زرنه و دارای دو دهستان است: ۱ـ زرنه ۲ـ کلان

بدره: از بخش‌های شهرستان دره‌شهر، استان ایلام است که از شمال به شهرستان شیروان و چرداول، از مشرق به شهرستان کوهدشت و از جنوب به حومه دره‌شهر، از جنوب غربی به بخش پهله و از مغرب به بخش ارکوازی محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر بدره و

دارای دو دهستان ۱) دوستان ۲ـ هندمینی است.
رودها: ۱ـ رود سیمره که از دره‌های جنوبی الوند سرچشمه گرفته و از شمال غربی به جنوب شرقی، بخش بدره را آبیاری کرده، آن گاه با نام رود کرخه به سوی خوزستان پیش می‌رود.
کوه‌ها: بدره در منطقه‌ای نیمه‌کوهستانی قرارگرفته و کوه‌های آن عبارت است از:
۱ـ راوندی ۲ـ کبیرکوه
آب و هوا: معتدل و خشک
رستنی‌ها: درختان بادام کوهی، زالزالک، انجیرکوهی، بلوط، پسته‌کوهی -گیاهان دارویی و گیاهان صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: گرگ، شغال، روباه، گراز، بز کوهی، قوچ و میش، تیهو، کبک و درنا
درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری استوار است. کشاورزی کشت آبی و دیمی به شیوه سنتی و آب کشاورزی از چاه، چشمه و رود فراهم گشته.
فرآورده ها: گندم، جو، برنج، بنشن، تره‌بار، آلو، زردآلو، انگور، انار و انجیر و دام و فراورده‌های دامی
بخش دره‌شهر در منطقه کوهستانی است که، رشته کوه‌های کبیرکوه، جنوب و جنوب غربی این بخش را در میان گرفته است.
بدره (مرکز بخش): شهر بدره مرکز بخش بدره از بخشهای شهرستان دره شهر از شهرستانهای استان ایلام و در ۴۷ کیلومتری شمال غربی مرکز شهرستان دره شهر و در مسیر راه اصلی دره شهر و در طول جغرافیایی ۰۲ درجه و ۴۷ دقیقه و در عرض جعرافیائی ۱۸ درجه و ۳۳ دقیقه و در بلندی ۱۰۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد.
آب و هوا: معتدل خشک، بیشترین درجه گرما ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۷ درجه زیر صفر و مقدار باران سالانه بطور متوسط ۴۰۰ میلیمتر است.
بولی: از دهستان‌های بخش چوار شهرستان ایلام استان ایلام و مرکز آن گنجوان است و در منطقه‌ای کوهستانی سرد و سیاه و کوه هوژکو و کوه قیلان در آن سر برافراشته‌اند.
فراورده‌ها: گندم، جو و بنشن.
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن و درختان انجیر کوهی، بادام کوهی، بنه، پوشش گیاهی، مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش.
بیجوند: از دهستانهای بخش هلیلان. شهرستان شیروان وچرد اول استان ایلام و مرکزش بلاوقرسفلی است.
چمزی: از دهستان‌های بخش ملکشاهی شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن گنبد پیرمحمد است و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک و کوه کمر سفیدی و کوه یکشنبه و گردنه خلیج در آن قرار دارد.
فراورده‌ها: گندم و جو.
پوشش گیاهی: گل گاو زبان، گل ختمی و گون کتیرا و درختان بلوط و پوشش گیاهی برای چرای دام. .
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و خرس.
چم کبود: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان آبدانان استان ایلام و مرکزش هزارانی است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کبیرکوه قرار دارد
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: درخت بلوط و پوشش گیاهی

برای چرای دام.
جانوران: گرگ، روباه و کفتار
چوار: روستایی است که در منطقه‌ی کوهستانی و در ۵۰ کیلومتری شهر ایلام با آب و هوایی گرم و مرطوب با آثار تاریخی جالبی است: ۱ـ دژی مربوط به روزگار ساسانی، ۲ـ حمام قدیمی (سفلی)، ۳ـ زیارتگاه حاج بختیار و سید عیسی.
چوار: از بخش‌های شهرستان ایلام استان ایلام مرکز بخش چوار، شهرک چوار است که در ۱۸ کیلومتری شهر ایلام بر سر راه اصلی ایلام - اسلام‌آباد -کرمانشاه واقع گشته بیشتر این منطقه را کوه‌های پوشیده از جنگل در میان گرفته، در نتیجه زمین‌های کشاورزی چندانی ندارد. اما به واسطه مراتع و جنگل‌ها موقع مناسبی برای دامپروری دارد. از دو دهستان و ۵۸ روستا تشکیل گردیده است.

بخش چوار از طرف شمال به شهرستان ایوان، از جنوب به کشور عراق از شرق به بخش مرکزی شهرستان ایلام و از غرب به شهرستان قصر شیرین محدود است.
چوار منطقه‌ای است کوهستانی با آب و هوای سردسیری است. آب آشامیدنی آن از چشمه ورود مورت تأمین می‌شود.
فرآورده‌ها: گندم، جو، حبوبات، برنج و دام و فرآورده‌های دامی است. بیشتر بخش چوار را رشته‌کوه‌های پوشیده از جنگل در برگرفته و دارای زمین‌های کشاورزی اندکی است از این گذشته با داشتن موقع ییلاق و قشلاق مناسب برای دامپروری خیلی خوب می‌باشد ـ کتابهای درسی آثار ساختمانی بزرگی به نام پشت قلعه (قلاع) بر روی یکی از بلندی‌های مشرف به رود و جاده این بخش وجود دارد که بسیار جالب توجه است.

حومه: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان استان ایلام و مرکز آن در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک. کوه دینار، کان‌کچ قرار و رود میمه جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل زرد و کتیرا و درختان بادام کوهی کنار و گز و بلوط و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، گراز، خرس، آهو، روباه و خرگوش
خرسان: از دهستانهای بخش موسیان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن و در منطقه‌ای کویری، گرم و خشک قرار گرفته است.
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: گل ختمی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، کفتار، گراز، روباه و شغال
درود: از دهستانهای بخش موسیان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود دوویزج جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو و تره بار و یونجه
پوشش گیاهی: درخت کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: آهو، گرگ، گراز، روباه، شغال، کفتار و خرگوش
دره شهر: شهرستان دره شهر از استان ایلام است که از شمال غربی به شهرستان شیروان و چرداول و قلعه دره و از شمال و شمال شرقی به شهرستان کوهدشت و ملاوی و از جنوب غربی به بخش پهله محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر

درهشهر است. شهرستان درهشهر دارای دو بخش ۱ـ مرکزی مرکزش درهشهر دارای ۳ دهستان (۱ـ آرمو ۲ـ ماژین ۳ـ زرین‌دشت) ۲ـ بدره مرکز آن بدره دارای دو دهستان است.

رودها: ۱ـ سیکان ماخون ۲ـ رود سیمره که در آبیاری شهرستان دره شهر نقش مهمی دارند. از این گذشته چشمه‌هایی چون سراب فرهاد سراب دره شهر و سراب شیخ ماخون

کوه‌ها: ۱ـ کبیرکوه (۲۷۹۰ متر) ۲ـ مله (۱۹۵۰ متر) ۳ـ کوه شاه احمد (۱۷۵۰ متر) ۴ـ مرزو (۱۴۵۰ متر)

آب و هوا: معتدل و خشک

رستنی‌ها: درختان گردو، انار، کی‌کم و انجیر کوهی -گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: خرس، پلنگ، کفتار، گرگ، روباه، شغال جوجه‌تیغی راسو، سنجاب، کل، بز، قوچ و میش کوهی، عقاب، شاهین، سار، کرکس، تیهو، دارکوب و جغد، ماهی کپور

درآمد: بر پایه کشاورزی، دامپروری و باغداری و صنایع دستی قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، ذرت، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، کنجد، گردو، انار، انگور، سیب، انجیر و دام و فراورده‌های دامی

آب کشاورزی از چاه‌ها و چشمه‌ها و رود فراهم گشته

دامپروری به شیوه عشایری و روستایی (در کنار کشاورزی) صورت می‌گیرد

درهشهر: از شهرستان‌های استان ایلام است که در آبرفت‌های سیمره و در کنار ویرانه‌های باستانی شهری به نام‌های سیمره - داراشهر، شهر در دوسوی مسیر رودخانه درهشهر، در جایی که تپه ماهورهای دامنه شمالی کبیرکوه پایان می‌یابد، ساخته شده، دره شهر کنونی از چند روستای به هم پیوسته پدید آمده، اطراف شهر را کشتزارهای آبی و دیمی حاصلخیر فراگرفته و دارای آب و هوایی معتدل متمایل به گرم می‌باشد.

رودهای سیمره، سیکان و دره شهر و چشمه‌سارهای کوچک و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق تأمین کننده آب این شهرستان است.

شهرستان دره شهر در ۳۳ درجه و ۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۱۱۵۰ متر است. دره شهر در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته، از این رو آب و هوایی معتدل دارد. رود درهشهر که زمین‌های این منطقه را آبیاری می‌نماید از کبیرکوه سرچشمه می‌گیرد.

مزارع دره شهر به وسیله آب رودهای سیمره و سیکان و دره شهر و چشمه‌های کوچک و با آب چاه‌های عمیق و نیمه عمیق آبیاری و در مزارع روستاهای دره شهر برنج، گندم، جو، صیفی جات، علوفه کشت می‌شود.

درهشهر، در یا داراشهر و سیمره بفاصله ۱۲۵ کیلومتری ایلام و ۴۵ کیلومتری پلدختر قرار دارد. این شهر بجای مانده از تمدن دوران ساسانی که آثار میادین و خیابان‌کشی و بازارهای دادوستد در آن در محوطه‌ای ۶۰ هکتاری در کنار شهر فعلی درهشهر مشهود است. بناهای این شهر مربوط به دوران ساسانی می‌باشد که با مصالح قلوه‌سنگ و ملاط گچ (سنگ و ساروج) ساخته شده. تعداد زیادی از طاق‌های قوسی شکل که محل زیست انسان‌ها در آن دوران بوده همچنان پابرجا باقی مانده که افراد محلی هنوز از این اتاقهای سنگی به جای انباری استفاده می‌نمایند. در بلندی نزدیک

به رودخانه این شهر تاریخی آثار یک قلعه بزرگ و در مقابل آن در مسیر جاده آبدانان بر روی یک بلندی مهدی‌آبادکنونی آتشکده چهارتاقی مربوط به دوران یاد شده قرار دارد.

خاک دره‌شهر حاصلخیز بوده و به همین خاطر از روزگاران گذشته این شهرستان مظهر تمدن و ترقی قرار داشته.

با نگاهی به دره‌شهر و عبور از مسیر دره‌شهر به گاومیشان در ضلع شرقی و غربی مسیر اصلی که در حوزه استحفاظی لرستان قرار دارد فروریختگی و از هم پاشیدگی سنگها صراحتاً حکایت از یک زلزله هولناک در طول تاریخ داشته که دره شهر را بکام خود کشیده.

دره‌شهر دیدنی و خاطره‌انگیز است. تنگ بهرام چوبینه ـ قلعه و آسیاب آبی ـ تنگ شیخ مکان ـ تپه‌های باستان تیغن و سرگچله همه و همه از عظمت و اقتدار تاریخی این شهر باستانی سخن می‌گویند. ـ از کتاب ایلام عروس زاگرس ـ صید محمد درخشنده.

یافته‌ها ثابت می‌کند که این شهر در قرون ابتدایی نفوذ اسلام در ایران شکل گرفته است. وقوع زلزله نیز باعث شده است تا شهر در قرن چهارم هجری قمری خالی از سکنه شود. به این ترتیب آثار دست نخورده‌ای از قرن‌های ابتدایی دوره اسلامی در زیر خاک «دره‌شهر» مدفون شده است. نکته دیگری که در این منطقه قابل مشاهده است، نوع تزیینات، شکل معماری و ویژگی‌های هنری این محوطه است. با بررسی دقیق‌تر این آثار، تداوم هنر ساسانی و نفوذ آن در هنر ابتدای دوره اسلامی قابل پیگیری است. استفاده از سنگ و ملاط گچ، طاق‌بندی‌های گهواره‌ای، تزیینات خاص معماری بدون نقوش حیوان و انسان و سفالگری و شیشه‌گری موجود در این محوطه تاریخی، از جمله شواهد موجود برای بررسی تداوم انواع هنر در این سرزمین است.

دشت عباس: از دهستانهای بخش موسیان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکزش دشت عباس است.

دوستان: از دهستان‌های بخش بدره شهرستان دره‌شهر استان ایلام و مرکز آن ولیعصر و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل، خشک و کوه تخت و کوه راوندی و کان سنگ ساختمانی در آن قرار دارد.

فراورده‌ها: گندم و جو و نخود و عدس.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، شیرین‌بیان و گون و درختان انجیر و پسته کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی، گراز، خرس، کبک و تیهو.

ده پایین: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ایلام استان ایلام و مرکز آن چال‌سرا و در منطقه‌ای، معتدل خشک و کوه سورگه، سیاه کوه، کوه‌شلم، کوه چغاجنگه قرار ورود گراوکه که در سطح دهستان جریان دارد به رود خوش می‌ریزد.

فراورده‌ها: گندم، جو، یونجه، انار، سیب و ذرت

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، پونه و گون، درختان بادام کوهی، بلوط، انجیر کوهی، کنار، بنه و پوشش گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، بزکوهی، روباه، خرگوش

دهلران: بخش مرکزی شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن شهر دهلران و دارای یک دهستان ۱ـ اناران است.

دهلران (شهرستان): از شهرستان‌های استان ایلام است که از شمال و شمال خاوری بخش

بدره، از خاور به بخش بدره، از خاور به شهرستان دزفول، از جنوب و جنوب باختری به کشور عراق و از باختر به شهرستان مهران محدود و دارای ۸۶۹۰ کیلومتر مربع مساحت و طبق تقسیمات کشوری شهرستان دهلران شامل سه بخش: ۱ـ مرکزی ۲ـ زرین‌آباد ۳ـ موسیان

رودها: ۱ـرود سیمره ۲ـرود آبدانان ۳ـرود میمه است.

کوه‌ها: دهلران منطقه‌ای است کوهستانی و بلندی‌هایش با جهت شمال باختری جنوب خاوری که از رشته کوه‌های زاگرس تشکیل می‌شود.

این ناحیه از کوه‌های زاگرس که در منطقه شهرستان دهلران قرار گرفته بلندی چندانی ندارد و بلندترین قله‌اش متعلق به کبیر کوه ۲۳۰۰ متر عبارت است از: شمال و شمال خاوری کبیرکوه، دینارکوه، شمال باختری کوه‌های اناران و گچ و در ناحیه مرکزی سیاه کوه، در میان این کوه‌ها دشت خوبی وجود دارد که به وسیله رودهای دووی ریج و میمه آبیاری می‌گردد این دشت‌ها عبارت است از سراب باغ در خاور، سیمره در جنوب و عباسی در مرکز.

معادن: مهمترین منابع زیرزمینی دهلران نفت می‌باشد که بیشتر در نواحی جنوبی آن مورد اکتشاف قرار دارد.

چشمه‌های آبگرم: در دامنه‌های جنوبی دینارکوه و چشمه آبگرم و قیر که از سیاه کوه سرچشمه گرفته و به صورت رود خانه‌ای در حدود ۹ کیلومتری خاور دهلران روان است. شن و ماسه نیز از معادن این شهرستان می‌باشد در جنوب دهلران چند حلقه چاه کشف و مورد بهره‌برداری واقع شده است.

رستنی‌ها: به واسطه این که از شمال به جنوب این شهرستان از بلندی‌های آن کاسته و هوا گرمتر می‌شود، از این رو انواع گیاهان گوناگون سردسیری و گرمسیری در شهرستان دهلران موجود است مثلاً درخت بادام‌کوهی، پسته کوهی، گردوی کوهی، کنار و گز و گیاهان دارویی و صنعتی از جمله بومادران، پونه، گلپوره، گل گاوزبان، گل زونا، گل ختمی، پرسیاوش، آویشن، گلپر و کتیرا می‌باشد.

از این گذشته پوشش گیاهی برای چرای دام بحد وفور در بیشتر نقاط شهرستان دهلران قابل استفاده می‌باشد.

جانوران و پرندگان: از گونه‌های جانوری منطقه گرگ، گراز، روباه، شغال، خرس، پلنگ، خرگوش، کفتار، کبک، تیهو در اکثر رودخانه‌ها ماهی وجود دارد.

وضع اقتصادی: دامداری، کشاورزی، صنایع دستی عمده‌ترین راه گذران زندگی مردم این سامان است.

پرورش گوسفند و بز مهم‌ترین پیشه مردم شهرستان دهلران و فراورده‌های دام و دامی از عمده‌ترین منابع درآمد دامداران این منطقه می‌باشد.

کشاورزی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و فراورده هایش، گندم، جو به طور آبی و دیم است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر دهلران، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی شامل یک دهستان اناران و مرکز آن بیشه دراز است، ۲ـ بخش زرین‌آباد شامل دو دهستان (۱ـ سیدابراهیم ۲ـ سیدناصرالدین) است.

مرکز این شهرستان از قدیم ده لران نام داشته و در دامنه جنوب و جنوب غربی دینارکوه قرار دارد.

منطقه اصلی ساکنان کنونی (بومی‌ها) آبدانان که اینک یکی از شهرستان‌های استان ایلام و در شمال دهلران بوده است و این مردم به صورت کوچ‌نشین می‌زیستند و کار اصلی آن‌ها دام‌داری بود که ییلاق و قشلاق می‌کردند.

شهر دهلران به واسطه موقع نظامی و مساعد بودن زمین‌های اطرافش برای کشاورزی و دامپروری زمینه مناسبی برای اسکان ایلات و عشایر کوچ‌نشین فراهم آورده است.

در زمین‌های کشاورزی به جز اطراف رودخانه بقیه به صورت دیم است.

دهلران (مرکز شهرستان): شهر دهلران مرکز شهرستان دهلران از شهرستانهای استان ایلام است. از روزگاران گذشته ده لُران نام داشته. دهلران در دامنه جنوب و جنوب غربی دینارکوه قرار دارد. در سالهای اخیر پاره‌ای مشکلاتش حل گشت و می‌رفت که بصورت یک شهر زیبای مرزی در آید درین هنگام متجاوزان عراقی به ایران تاختند و قسمت عمده شهر را ویران کردند.

آب و هوا: معتدل و متمایل به گرم است. بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۴۵ درجه صدبخشی و کمترین درجه به سه درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط به ۳۰۰ میلیمتر میرسد.

زردلان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرادول استان ایلام و مرکز آن پیازآباد و در منطقه‌ای تپه‌ای، معتدل خشک و کوه جوله و کوه کوران در آن قرار دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، نخود

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، ختمی و گون کتیرا و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو

زرنه: از دهستان‌های بخش ایوان غرب شهرستان ایلام استان ایلام و مرکز آن ترن و در منطقه‌ای، دره‌ای گرم و خشک و کوه نثار بلالر، تنگه باباگیر و دره باباگیر قرار دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، بنشن

پوشش گیاهی: درختان کی‌کوم، بلوط، انجیر کوهی، پسته و بادام کوهی،گل گاوزبان،گل سفید، شیرین‌بیان، ختمی، بومادران، گون کتیرا و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس، پلنگ و کبک

زرین آباد: از بخش‌های شهرستان دهلران، استان ایلام است که از شمال و مشرق به شهرستان دره‌شهر، از جنوب و جنوب غربی به حومه دهلران و از شمال غربی به بخش ارکوازی محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر پهله، دارای دو دهستان ۱ـ سیدابراهیم ۲ـ سیدناصرالدین است.

رودها: ۱ـرود میمه که ازکبیرکوه سرچشمه گرفته و پس از آبیاری و پیوستن چند شاخابه به آن به سوی جنوب روان است و سرانجام به خاک عراق می‌پیوندد.

کوه‌ها: زرین‌آباد منطقه‌ای نیمه کوهستانی که نواحی شمالی و شمال شرقی آن را رشته کبیرکوه از کوه‌های زاگرس در میان گرفته

آب و هوا: معتدل و خشک

رستنی‌ها: درختان بلوط، بادام کوهی، انجیر کوهی، زالزالک و گیلاس وحشی - گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: بز کوهی، قوچ، میش،

خرس، گراز، کفتار، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، جوجه تیغی، راسو، سنجاب، کبک، تیهو، جغد و دارکوب

نژاد: طوایفی مانند مرادخانی، شکوبیگی، سلیمان خانی، دیناروند، کایدخورده در بخش زرین‌آباد به سر می‌برند.

درآمد: بر پایه کشاورزی، باغداری و دامپروری استوار است. کشاورزی به شیوه آبی و دیم آب کشاورزی از رود چشمه فراهم گشته

فراورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، سیب، انار، زردآلو، گردو و هلو و دام و فراورده‌های دامی

زرین‌آباد از گذشته‌های دور محل سکونت بوده آثار باستانی بسیاری در این سامان وجود دارد. شهرک میمه یکی از جاهای خوش آب و هوا و پرجمعیت بخش زرین‌آباد است.

دژ قلعه شاخ به طول ۵۰۰ و به عرض ۱۰۰ متر با برج‌های دیده‌بانی از جمله آثار تاریخی این سامان می‌باشد.

زریــن‌دشت: از دهســتان‌های بـخش مـرکزی شهرستان دره‌شهر استان ایلام و مرکز آن دشت آباد علیا و در منطقه‌ای، دره‌ای معتدل خشک و کبیرکوه و کوه میدان و کوه باباخان در آن قرار و رود سیکان جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، برنج، علوفه و تره‌بار

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، کاسنی، شیرین‌بیان، شاتره - درختان زبان گنجشک، بلوط، زالزالک، بنه، انجیر و بادام کوهی و پوشش مرتعی

زنگــوران: از دهســتان‌های بـخش شـیروان شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و مرکز آن سرتنگ مله ماران و در منطقه‌ای پـایکوهی، معتدل خشک و کوه لنه و کوه سومه در آن قرار دارد رود زنگاوان در آن جریان دارد.

فراورده‌ها: گـندم، جـو، بـنشن، خـیار، یـونجه، گاودانه و برنج.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین‌بیان، ختمی و گون کتیرا - درختان کی کوم، ارجن و انجیرکوهی و گیاهان مرتعی

جــانوران و پــرندگان: شــغال، گـرگ، روبـاه، خرگوش، کبک و تیهو

سراب: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ایوان استان ایلام و مـرکز آن سـراب است و در منطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک و رودگنگیرکه ازکوه‌های بانکول و شرداول سرچشمه گرفته و به خاک عراق می‌رودکوه بانکول وکوه شیرادزول در این دهستان سر بر افراشته‌اند.

فراورده‌ها: گندم، جو، بنشن

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین‌بیان، گون کتیرا و درختان ارژن، بلوط، انجیر کـوهی، و پـوشش مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش.

سراب باغ: از بخش‌های شهرستان آبدانان استان ایلام به مرکزیت شهر سراب باغ دارای دو دهستان ۱ـ دهستان سراب باغ به مرکزیت سراب باغ ۲ـ دهستان چم کبود به مرکزیت هزارانی

ســراب بــاغ: از دهســتان‌های بـخش کـلات شهرستان آبدانان استان ایلام و مرکز آن سراب باغ است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک و کبیرکوه که سرچشمه رود سیاه گـاو کـه در ایـن دهستان جریان دارد، قرار گرفته.

فراورده‌ها: گندم، جو.

پوشش گیاهی: برای چرای دام.

جانوران: گرگ، کفتار، روباه خرگوش.

سرتنگ سفلی: از روستاهای دیدنی استان ایلام در منطقه‌ای بلند است که رود گـنگِر از جـنوب

روستای سر تنگ سفلی می‌گذرد. کوه‌ها: ۱ـ گاومر در ۵ کیلومتری، ۲ـ کوه‌های بانکول در ۷ کیلومتری این روستا سربرافراشته‌اند.

گذران زندگی مردم این روستا از راه دامداری و بافت قالیچه و جاجیم و کشاورزی و صنایع دستی می‌گذرد، ۱ـ آتشکده‌ای مربوط به دوره‌ی ساسانی، ۲ـ مسجدی قدیمی از آثار تاریخی آن است.

سیدابراهیم: از دهستان‌های بخش زرین‌آباد شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن بردی و در منطقه‌ای، تپه‌ای، معتدل خشک و کوه چولک، کوه گل زرد در آن قرار و رود میمه و رود خربزان در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار

پوشش گیاهی: شیرین‌بیان، گل گاوزبان، شاه‌تره و گون کتیرا، درختان بلوط، زالزالک، بنه، انجیر و بادام کوهی، گیاهان مرتعی

جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، کبک و تیهو

سیدناصرالدین: از دهستان‌های بخش زرین آباد، شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن پهله و در منطقه‌ای، دشتی، معتدل خشک و کوه گل زرد و کان شن و ماسه قرار و رود میمه که از سراب میمه سرچشمه گرفته جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان، پونه و گون کتیرا و درختان بلوط، بنه و بادام کوهی، پوشش گیاهان برای چرای دام

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ و میش

شباب: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرادول استان ایلام و مرکز آن شباب و در منطقه‌ای، پایکوهی، معتدل خشک و کوه خدمه در آن قرار و رود چرداول جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، نخود و عدس

پوشش گیاهی: شیرین بیان و گون کتیرا- درختان انجیر کوهی، ارجن و پوشش گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی، گراز، خرس، کبک و تیهو

شوهان: از دهستان‌های بخش ملکشاهی شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن دول کبود خوشادول و در منطقه‌ای، تپه‌ای معتدل خشک و کوه‌های ۱ـ کبیرکوه ۲ـ اچی‌چال در آن قرار دارد و رود آب کنات در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شاتره، شیرین بیان، گون کتیرا- درختان بلوط، انجیر، بادام کوهی، زالزالک، بنه، کی‌کوم و گیاهان مرتعی

جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو

شیروان: از بخش‌های شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام است که از شمال به حومه سرابله، از جنوب به بدره، از مغرب و جنوب غربی به شهرستان ایلام و از مشرق به شهرستان خرم‌آباد محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهر لومار دارای سه دهستان ۱ـ لومار ۲ـ کارزان ۳ـ زنگوران است.

رودها: ۱ـ رود شیروان که از کوه‌های چرمی، سیوان و سومه‌فر سرچشمه گرفته و به رود سیمره می‌پیوندد. ۲ـ رود سیمره که از دره‌های جنوبی الوند سرچشمه گرفته، از شمال به جنوب پس از آبیاری بخش شیروان وارد خوزستان و دارای نام کرخه می‌شود.

کوه‌ها: ۱ـ کوه لاره (۱۵۴۴ متر) ۲ـ کوه سیوان

(۱۹۰۰ متر)
آب و هوا: معتدل خشک
رستنی‌ها: درختان بادام کوهی، انجیر کوهی، پسته کوهی، کی کم و بلوط -گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: روباه، خرگوش، گرگ، گراز، کبک، تیهو، لک لک و درنا
درآمد: بر کشاورزی، باغداری، دامپروری و پرورش طیور استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی و نوع کشت آبی و دیمی - آب کشاورزی از چاه‌ها و رودها فراهم گشته.
فراورده‌ها: گندم، برنج، جو، بنشن، ذرت، تره‌بار، طیور و دام و فراورده‌های آن
بخش شیروان از دهستان کارزان در مغرب این شهرستان آغاز شده و تا تنگ برنجیان که حد طبیعی شیروان و چرداول در خاور رود سیمره می‌باشد ممتد است. همه زمین‌های این بخش به صورت دره‌ای نسبتاً وسیع میان دو رشته کوه چرمین و لنه از یک سو و مانشت و سیوان از سوی دیگر قرار گرفته که به وسیله رود شیرواول و چشمه‌ها آبیاری می‌شود.
شهرک لومار به واسطه‌ی موقع دلپذیر و جالب طبیعی و آب و هوای مناسب روز به روز رو به پیشرفت است. شیروان بیشتر به واسطه فراورده‌های گوناگون کشاورزی، آب نسبتاً فراوان و خاک حاصلخیز و هوای معتدل اهمیت دارد.
کتابهای درسی
شیروان و چرداول: از شهرستان‌های استان ایلام است که از شمال به شهرستان اسلام آباد غرب از شمال غربی به شهرستان گیلانغرب، از مشرق به شهرستان دلفان، از جنوب شرقی به شهرستان کوهدشت، از جنوب به شهرستان دره شهر و از مغرب به شهرستان ایلام محدود است. در سال ۱۳۶۲ تبدیل به شهرستان شد.
فراورده‌ها: گندم، برنج، جو، بنشن، طیور و دام و فراورده‌های آن.
این بخش، از دهستان کارزان در مغرب این شهرستان آغاز گشته تا تنگ برنجیان که حد طبیعی شیروان و چرداول در شرق رودخانه سیمره است امتداد دارد. همه زمین‌های این بخش به صورت دره‌ای نسبتاً وسیع میان دو رشته کوه چرمین و لنه از یک سو و مانشت وسیوان از سوی دیگر گسترده شده است که به وسیله رودخانه شیروان و چشمه‌سارهای جانبی، آن آبیاری می‌گردد. مرکز این بخش شهرک لومار است با آب و هوایی مناسب و زمین‌های حاصلخیز.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر سرابله، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ هیلان ۳ـ شیروان (بخش مرکزی شامل دو دهستان ۱ـ شباب ۲ـ آسمان آباد است.
رودها: چرداول یک رود دایمی است که از کبیرکوه سرچشمه گرفته و سرانجام به رود سیمره می‌پیوندد.
کوه‌ها: ۱ـکوه قلارنگ (۲۴۷۳ متر) ۲ـکوه قلاجه (۲۰۵۰ متر) ۳ـکوه سبزعمو (۲۲۵۵ متر) ۴ـکوه کلمه جومن (۲۱۸۳ متر) ۵ـکوه ملینجه (۲۱۹۳ متر)
آب و هوا: معتدل نیمه خشک
رستنی‌ها: درختان آلو، انار جنگلی، گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: روباه، شغال، خرگوش، جوجه تیغی، راسو، گرگ، سنجاب، گراز، خرس، عقاب، شاهین، کرکس، تیهو و دارکوب
درآمد: بر کشاورزی، باغداری، دامپروری و

پرورش طیور استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی و نوع کشت آبی و دیمی - آب کشاورزی از رود، چشمه و چاه فراهم گشته.

شیروان و چرداول: بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و مرکز آن شهر سرابله و دارای دو دهستان ۱ـ شباب و ۲ـ آسمان آباد، ۳ـ بیجنوند است.

صالح آباد: از بخش‌های شهرستان مهران استان ایلام است که مرکز آن شهرک صالح‌آباد، دارای یک دهستان (هجراندشت) و مرکز آن ریکا می‌باشد. صالح آباد در دشت نسبتاً پهناور هیثردانه قرار گرفته که در سال‌های پرباران یکی از مناطق حاصلخیز استان ایلام و مناسب کشت غلات به صورت دیم می‌باشد. نخلستان‌های واقع در صالح‌آباد و امیر آباد در صورت تأمین آب کافی از بهره‌وری بیشتری برخوردار خواهد شد. کتابهای درسی

قلعه کنجانچم: این بنا در مسیر جاده ایلام به مهران و در کیلومتر ۲۰ شهر مهران در حاشیه رودخانه کنجانچم واقع شده است. بنای مذکور به سال ۱۳۲۶ ه.ق در زمان غلامرضا والی به عنوان مرکز حکومتی و مسکونی والی در فصل زمستان ساخته شده است. بنای کنجانچم شامل قلعه‌ای با پلان مربع دارای چهار برج دیده بانی می‌باشد. مرمت و بازسازی بنا در دست انجام بوده و در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

کارزان: از دهستان‌های بخش شیروان شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و مرکز آن چشمه پهن است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک وکوه مانشت وکان سنگ مرمر با نکول در آن قرار و رود زنگاون جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، نخود، جو، علوفه، توتون و ذرت.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، آویشن، پونه و گون کتیرا و درختان بادام کوهی، انجیر کوهی، بلوط، کنار، بنه و پوشش گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

کلات: از بخش‌های شهرستان آبدانان به مرکزیت شهر مورموری، دارای دو دهستان: ۱ـ دهستان آب انار به‌مرکزیت آب انار ۲ـ دهستان مورموری به مرکزیت مورموری.

کلان: از دهستانهای بخش زرنه شهرستان ایوان استان ایلام و مرکز آن کلان است.

گچی: از دهستان‌های بخش ملکشاهی شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن مهر است و در منطقه‌ای پاکوهی، گرم و خشک و کوه گل گل قرار و رودی در آن جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، ذرت، بنشن، انگور، انجیر، گردو، انار و سیب.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، ختمی و گون کتیرا و درختان بلوط و زالزالک و کی کم.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، بز کوهی، گراز و خرس.

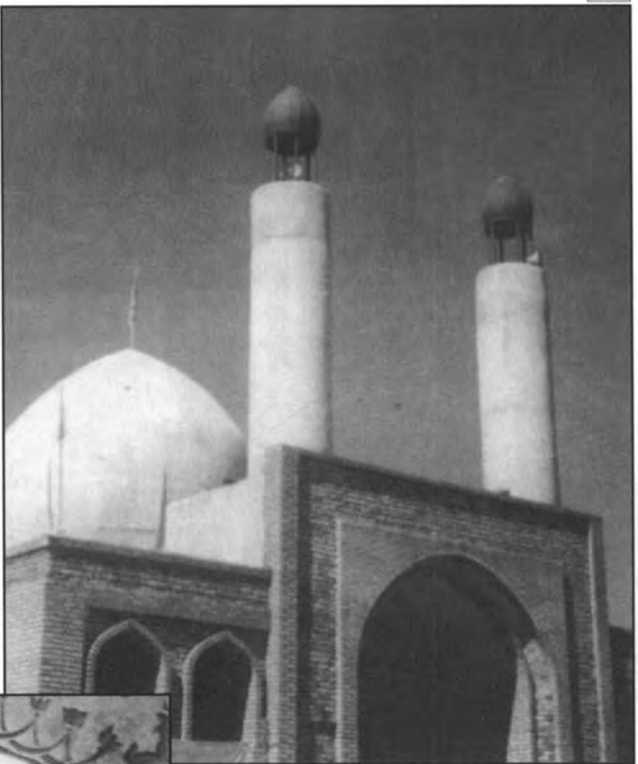
لومار: از دهستان‌های بخش شیروان شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و مرکز آن لومار و در منطقه‌ای، معتدل خشک و کوه یزوله و کوه تلوک و کوه لاره در آن قرار دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین‌بیان، کاسنی و گون، درختان بلوط، انجیر و بادام‌کوهی، و پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ و میش، تیهو و کبک

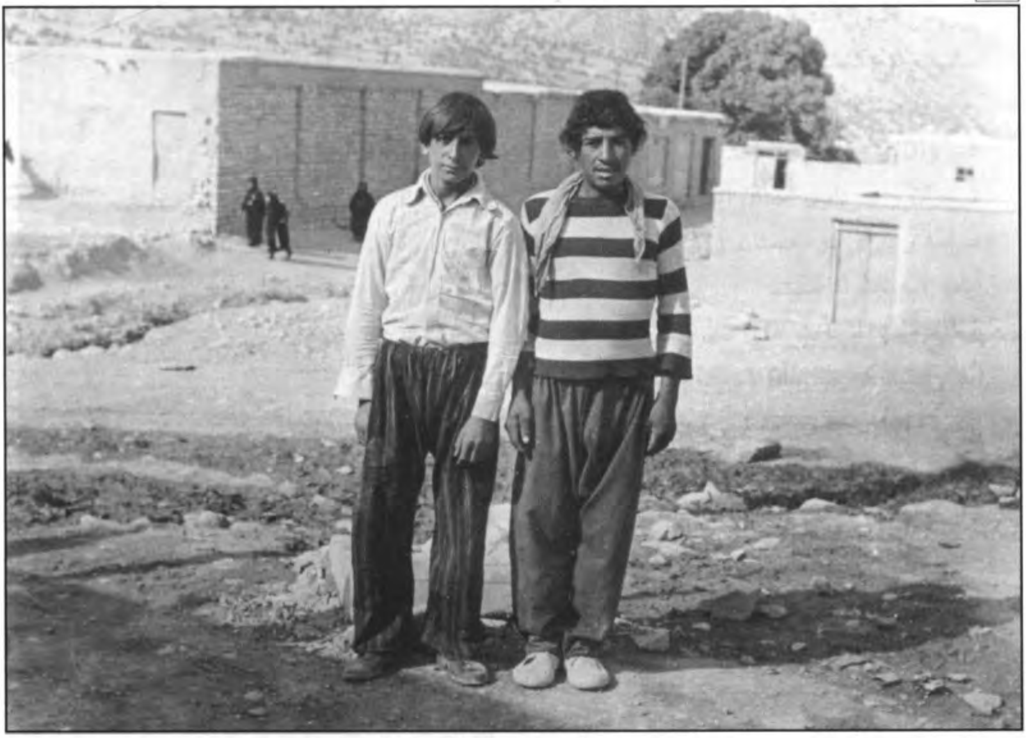
ماژین: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دره شهر استان ایلام و مرکز آن ماژین و در



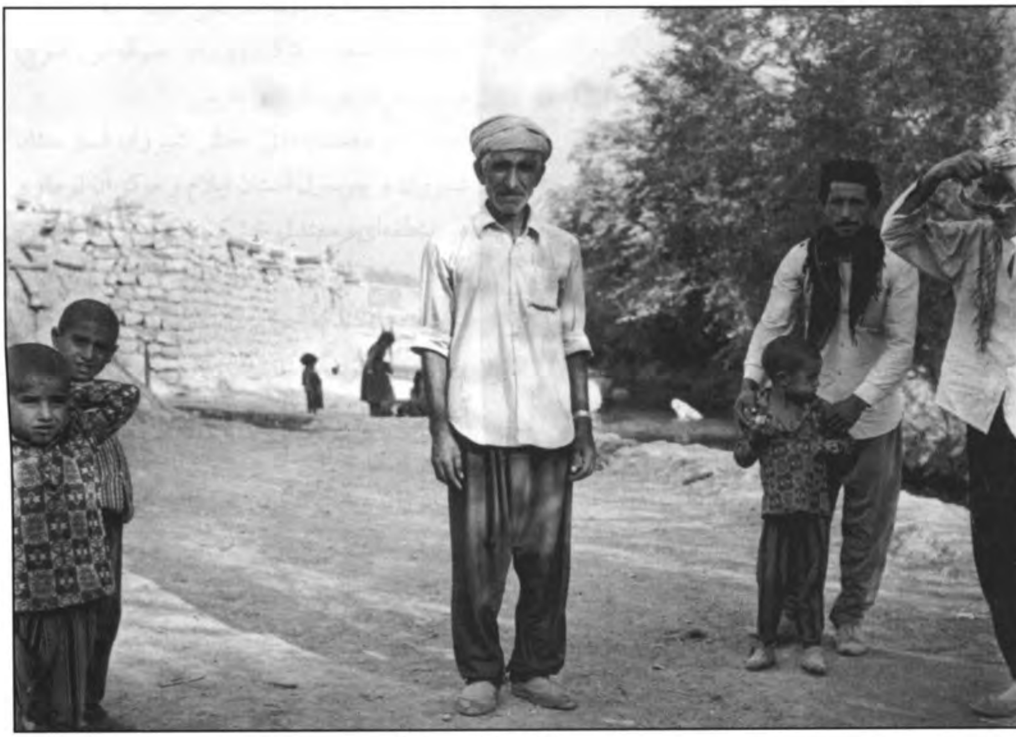
سید ناصرالدین (بخش زرین آباد)



حمام حاج آقا تراب



دو پسر از روستای چوار - ایلام



چهره روستائیان لرنی - ایلام



منظره‌ای از مرکز شهر ایلام



منظره‌ای از مرکز شهر ایلام



کپه کاری توسط دانش‌آموزان ایلامی



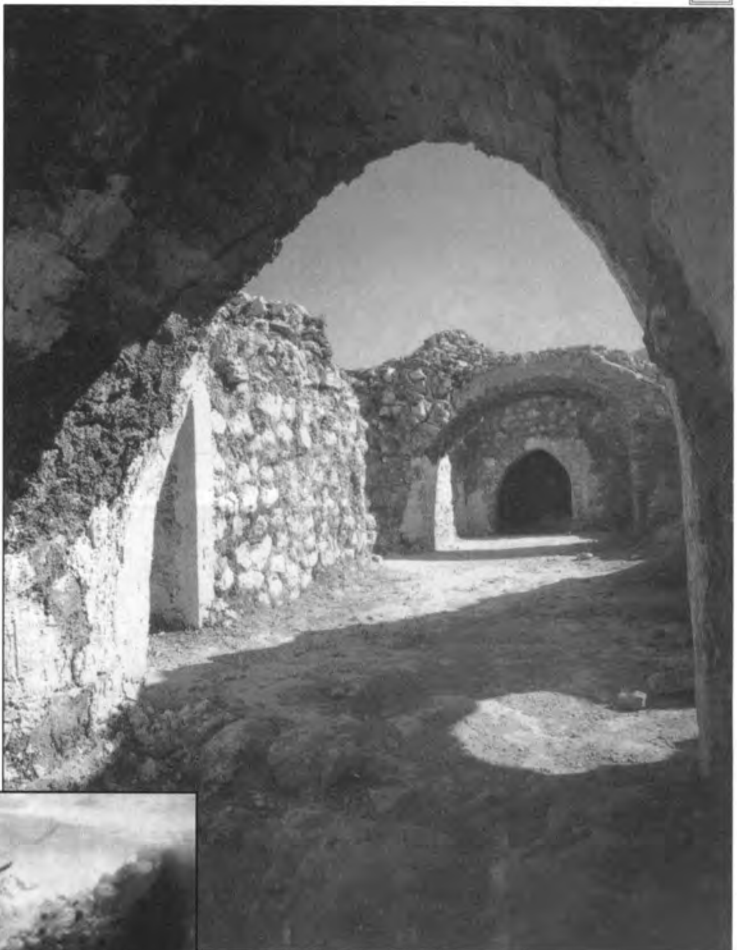
قلعه تاریخی سام



مرگاه هجدان دشت



قلعه کنجانچم



قلعه شیخ ماخو



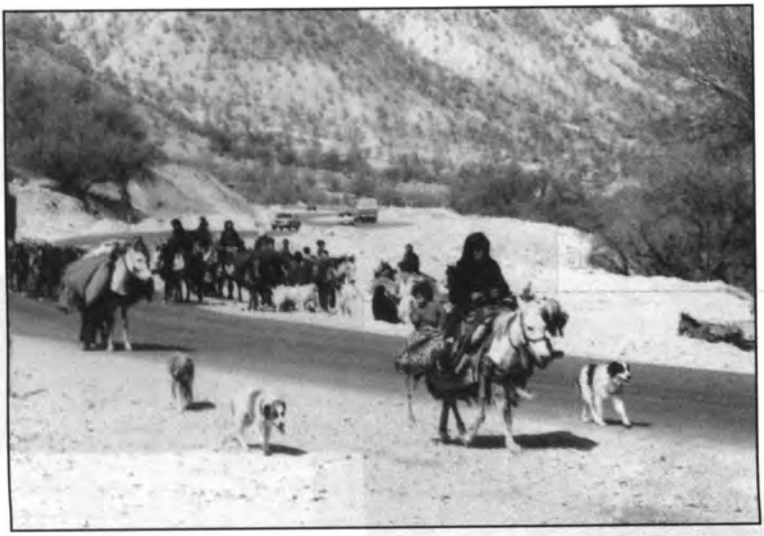
غار و استخر طبیعی بیشه دراز



غار سیوان



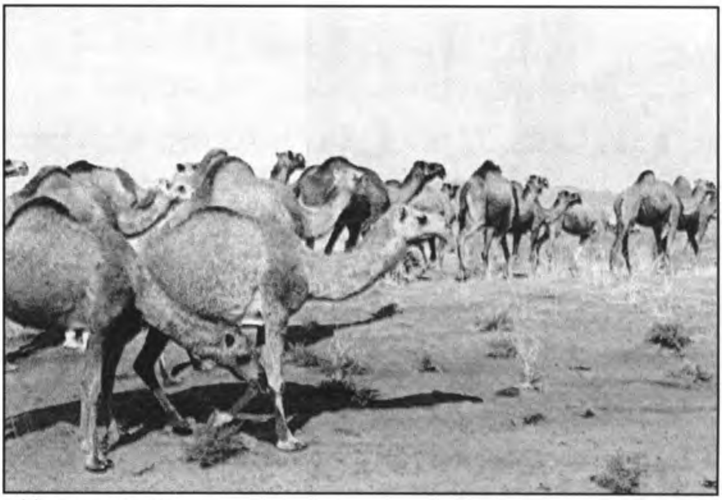
کوچ عشایر



کوچ عشایر



عشایر چادر نشین

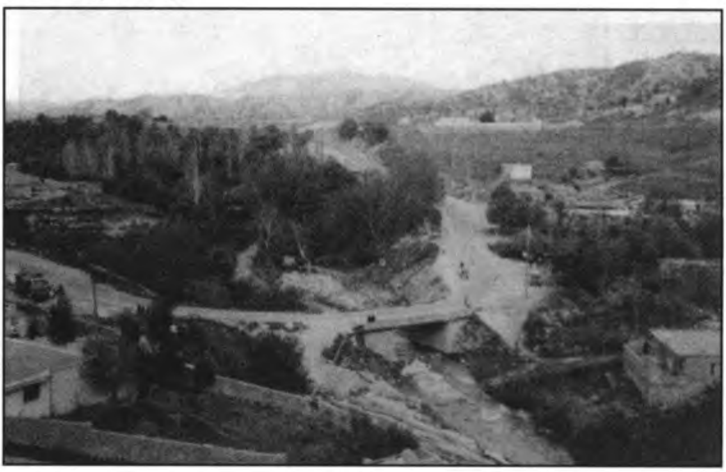


پرورش شتر در بیابان

پل کرودویت (پسر و دختر)

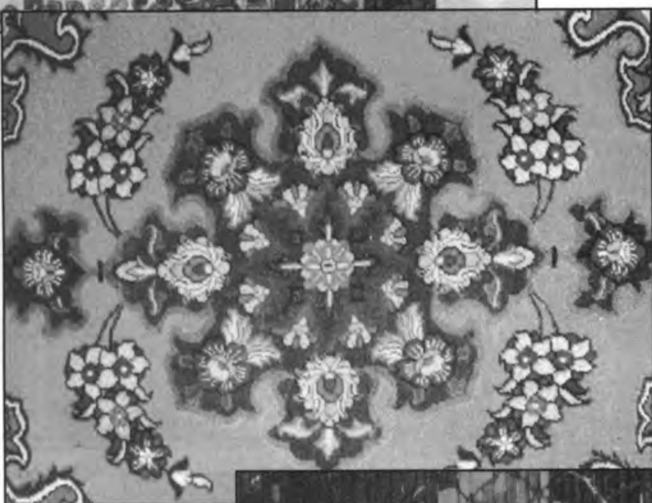


روستای زیبای کُلم

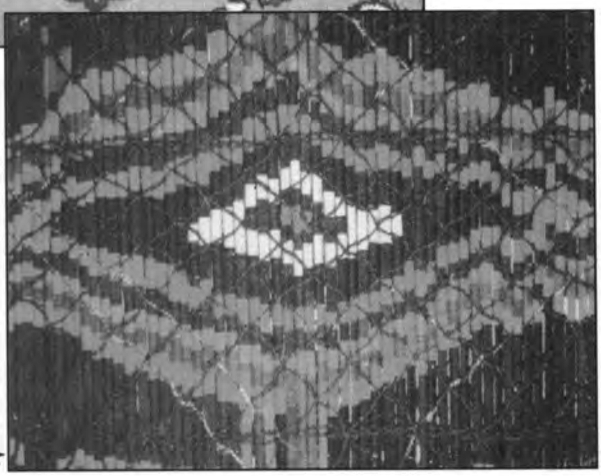




صنایع دستی



گلیم گل برجسته



چیت محلی

منطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک قرار و رود ماژین که از کبیرکوه سرچشمه گرفته و به رود کرخه می‌ریزد در سطح دهستان ماژین روان است.

فراورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار.

پوشش گیاهی: برای چرای دام.

جانوران: گرگ، روباه.

ماسبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آبدانان استان ایلام و مرکز آن انجیره و در منطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک و کبیرکوه و رود سیاه گاو قرار دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو

پوشش گیاهی: درخت بلوط و پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران: خرس، گرگ، شغال، روباه

محسن آب: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن اسلامیه و در منطقه‌ای تپه‌ای، گرم و خشک و رود گاوی که از کوه کلک روان گشته و در این دهستان به رود شور می‌پیوندد و کوه گاوکشه نیز در این دهستان سر برافراشته است.

فراورده‌ها: گندم، جو.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل ختمی، گون کتیرا و پوشش گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش.

ملکشاهی (بخش): یکی از بخش‌های شهرستان مهران است که از مجموعه روستاهای به هم پیوسته‌ای پدید آمده و قلعه دره، میانی‌ترین روستایش می‌باشد. این بخش را کبیر کوه، کوه پشمین، بی‌وره و کوه‌های دیگر در برگرفته و تنها ناحیه کوچکی برای کشاورزی وجود دارد: از این رو گذران مردم این سامان بیشتر از راه دامپروری است. کتابهای درسی.

مرکز این بخش شهرک ارکواز و دارای سه دهستان ۱ـ گچی ۲ـ چمزی ۳ـ شوهان است.

در بلندی ۱۰۹۵ متری از سطح دریا، در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و مشرق چغابل، مله کوه در جنوب و کوه سدن در شمال این بخش قرار دارد. کشاورزی و دامداری راه گذران زندگی مردم این سامان است.

کشت آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.

فراورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار

پوشش گیاهی: درختان انجیر، زالزالک، ون، بلوط و گیاهان دارویی و صنعتی و پوشش گیاهان مرتعی.

جانوران: روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

مور موری: از دهستانهای بخش کلات شهرستان آبدانان استان ایلام و مرکزش مورموری است.

موسیان (بخش): از بخش‌های شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن موسیان و در منطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک و کوه چلبوره و کوه دال پری قرار و رود ویزیج در آن جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو.

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، درخت گز و کنار و پوشش گیاهان برای چرای دام

جانوران: گراز، گرگ، کفتار، شغال و روباه.

مهران: از شهرستان‌های استان ایلام است که از شمال به شهرستان ایلام و از خاور به بخش بدره و شهرستان دهلران از جنوب به شهرستان دهلران و مرز عراق و از باختر به عراق محدود است و در ۳۳ درجه ۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی قرار دارد.

مرکز این شهرستان شهر مهران می‌باشد که در کرانه چپ رودخانه کنجان چم قرار گرفته و با مرز عراق

چندکیلومتر بیشتر فاصله ندارد. شهر مهران سابقاً منصورآباد نام داشت که در ۱۳۰۹ با تصویب فرهنگستان، مهران نامیده شد.

مهران در سال ۱۳۵۵ تبدیل به شهرستان شد و در سال‌های اخیر با آهنگی نسبتاً تندگسترش و رشد یافته است. شهرستان مهران حدود ۴۰۲۹ کیلومتر مربع مساحت و در ۹۷کیلومتری جنوب باختری ایلام و ۸۴۵کیلومتری تهران قرارگرفته از خاور و شمال خاوری به شهرستان‌های دهلران و دره شهر از جانب جنوب و باختر به کشور عراق و در فاصله ۳کیلومتری مرز عراق قرار دارد.

هوای شهرستان مهران گرم است که در تابستان‌ها بر اثر وزش بادهای شمال و شمال خاوری هوا بسیار گرم است و آب شهر از رودخانه گنجانچم تأمین می‌گردد. آب آشامیدنی از رودخانه گاوی فراهم می‌گردد.

رودها: دایمی و فصلی: ۱ـگنجانچم ۲ـگاوی ۳ـ چنگوله ۴ـمیمه ۵ـگدارخوش ۶ـسده ۷ـ تلخاب از غرب کبیرکوه سرچشمه گرفته و پس از سیراب نمودن بسیاری از نقاط این شهرستان به رود دجله در عراق می‌ریزد، از این گذشته شهرستان مهران دارای آب‌های زیرزمینی است.

کوه‌ها: کبیرکوه که رشته‌ای از کوه‌های زاگرس و دارای شاخه‌های متعددی در منطقه ایلام است ۱ـ کوه خلیفه ۲ـکوه سرخ ۳ـکوه سرمیدان ۴ـکوه قلعه آویزان ۵ـکوه گوتین ۶ـکوه سیاه اردلان

آب و هوا: به طور کلی گرم و خشک

رستنی‌ها: درختان گز، نخل، کنار، بنه و ازگیاهان، مورد، خاکشی و برخی نقاط مراتعی برای چرای دام

جانوران: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، گراز و کفتار

وضع اقتصادی: گذران زندگی مردم شهرستان مهران بر پایه کشاورزی باغداری و دامداری استوار است.

منابع آب، رودها، چشمه سارها و آب‌های زیرزمینی، جنس خاک شنی، رسی، آهکی، سیاه خاک و شور و قابل کشت است.

فراورده‌ها: گندم، جو، دام و فراورده‌های دامی

شهرستان مهران

قبلاً منصور آباد نام داشته که در سال ۱۳۰۹ با تصویب فرهنگستان ایران به نام مهران نامگذاری شد.مهران شامل ۳ بخش مرکزی ،ملکشاهی و صالح آباد است.

مهران: بخش مرکزی شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن شهر مهران و دارای یک دهستان است ۱ـ محسن آب از دهستان‌های شهرستان مهران است.

میش خاص: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ایلام استان ایلام و مرکز آن جعفراباد و درمنطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک وکوه شلم و کوه طارم وکوه مله شاده در آن قرار و چشمه سفید جریان دارد.

فراورده‌ها: گندم، جو، بنشن، گردو، زردآلو و انگور

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، پونه و گون کتیرا، درختان بادام کوهی، بلوط، انجیرکوهی، کنار، بنه و پوشش گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش

نبوت: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان ایوان استان ایلام و مرکز آن نبوت است.

نصریان: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن در منطقه‌ای سرکوهی، معتدل، خشک، و کوه اناران و کوه

شاهین لانه قرار و رود نصریان جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، کتیرا و درختان بلوط و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: میش، قوچ، بز کوهی، گرگ و روباه
نهرعنبر: از دهستان‌های بخش موسیان شهرستان دهلران استان ایلام و مرکز آن بریچه و در منطقه‌ای، دشتی معتدل خشک قرار و رود چی‌خواب در آن جریان دارد.
فراورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل ختمی، درختان گز و کنار و پوشش گیاهان برای چرای دام
جانوران: گرگ، کفتار، روباه، گراز و شغال
هجد اندشت: از دهستان‌های بخش صالح آباد شهرستان مهران استان ایلام و مرکز آن ریکا و در منطقه‌ای، دره‌ای معتدل خشک و کوه لوله قله و کوه بانسر و کوه بلواندوکان گچ بلواند در آن قرار دارد و رودخانه‌ی فصلی با نروشان جریان دارد.
فراورده‌ها: گندم، جو، عدس
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، شیرین بیان، درختان انار، انجیر کوهی، انگور درختی و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس، پلنگ و گراز
هلیلان: از دهستانهای بخش هلیلان شهرستان شیروان وچرداول استان ایلام و مرکزش کده است.
هلیلان: از بخش‌های شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و مرکز آن توحید و در منطقه‌ای، پایکوهی معتدل خشک وکوه مله مازو، کوه قلعه سام و کوه هول در آن قرار و رود سیمره جریان دارد.
فراورده‌ها: گندم، جو، نخود و عدس
پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل ختمی، شیرین بیان و گون کتیرا، درختان بلوط، انجیر کوهی، بادام کوهی و پوشش گیاهان مرتعی
جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو
هندمینی: از دهستان‌های بخش بدره شهرستان دره شهر استان ایلام و مرکز آن چشمه شیرین و در منطقه‌ای، تپه‌ای معتدل خشک و کوه راوندی و کوه تخت در آن قرار دارد.
فراورده‌ها: گندم، جو، نخود و عدس
پوشش گیاهی: آویشن، گل ختمی و گون کتیرا، درختان انجیر کوهی، زالزالک، ون، پسته کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی و گراز

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان ایلام:

شناخت شهر روستای دلگشا از توابع دهستان گچی بخش ملکشاهی شهرستان مهران در استان ایلام.

تغییر مرکزیت دهستان چم کبود از توابع بخش سراب باغ شهرستان آبادانان از روستای هزارانی به روستای چم کبود.

شهرک صنعتی: ۱) شهرک صنعتی ایلام، ۲) شهرک صنعتی دره شهر، ۳) شهرک صنعتی دهلدان، ۴) شهرک صنعتی سرابله، ۵) شهرک صنعتی مهران، ۶) شهرک صنعتی ایوان، ۷) شهرک صنعتی آبدانان.

مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان ایلام در سال ۱۳۸۵

گوشت قرمز ۱۷ شیر ۳ هزارتن

مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان ایلام در سال ۱۳۸۵

گوشت مرغ ۱۷ تخم‌مرغ ۳

تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان ایلام در سال ۱۳۸۴

جمع معادن ۳۰ خصوصی ۱۹ عمومی ۱۰

مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان ایلام در سال ۱۳۸۲

کل تعداد بهره‌برداری ۴۷۶۰۴ مساحت ۳۲۲۶۵۵ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۴۸۶۱ مساحت باغ و قلمستان ۴۵۹۸ هکتار

استان ایلام در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۸۶۳۱ تعداد دام ۹۴۶۹۳۶ مقدار تولید ۱۳۲۰۰۹۶ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۶۵۶۶ تعداد دام ۱۸۲۶۳۴ مقدار تولید مو و کرک بز ۸۳۷۸۱

بهره‌برداری‌های کشاورزی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

زراعت ۴۶۷۷۷ باغداری ۱۱۸۸۹ تولید گلخانه‌ای ۴۵ پرورش ماکیان ۲۶۹۰۲ پرورش زنبور عسل ۸۴۲ پرورش دام بزرگ ۱۴۶۳۶ پرورش دام کوچک ۲۳۸۲۴ پرورش کرم ابریشم ۰

تعداد سدهای استان ایلام در مراحل مختلف:

مطالعاتی ۱۲ اجرایی ۳ بهره‌برداری ۱ مجموع ۱۶

استان ایلام در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۶۳۴۴۶۱ جمع مراتع ۱۱۱۲۳۵۷ خوب (متراکم) ۲۷۸۳۵ متوسط (نیمه متراکم) ۴۷۹۷۸۸ فقیر (کم تراکم) ۶۰۴۷۳۵ هکتار پدیده‌های بیابانی ۳۳۹۲۳ هکتار

تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان ایلام: فعال: ۲۳ غیرفعال: ۰ در شرف تأسیس: ۷ تعداد کل: ۳۰

برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی کمیته اولمپیک ایران ـ غلامحسین ملک‌محمدی

پوشاک ایلها، چادرنشینان و روستائیان ـ جلیل ضیاءپور

فهرست پرندگان مهاجر ـ سازمان حفاظت محیط زیست

زمین‌شناسی اقتصادی ایران ـ اطلس زمین‌شناسی ـ سازمان نقشه‌برداری

کتاب صنایع دستی ایران ـ ترجمه‌دکترسیروس ابراهیم‌زاده

ایران سرزمین شگفتی‌های ناشناخته ـ ناشر انجمن ناشران

دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش

اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست

استان ایلام ـ سازمان ایرانگردی و جهانگردی

ایلام و تمدن دیرینه آن ـ افشار سیستانی، ایرج

باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام ـ اسدیان خرم‌آبادی، محمد

تاریخ لرستان در دوران باستان: از آغاز تا اسلام ـ بیرانوندی، حسین

تاریخ و جغرافیای سرزمین کهن با تمدن دیرینه از ارجان ـ کنعانی هندیجانی، عبدالحمید

دره پلنگها (ایلام) ـ بایرامی، محمدرضا

زنان خود سوخته (گزارشی از خودسوزی زنان در ایران) ـ بختیارنژاد، پروین

سفری به دیار اموات، لرستان و ایلام ـ استارک، فریا

سیمای ایلام: سرای صداقت ـ علیزاده، علی

سیمای سیاحتی ایلام ـ صادقی، لطیف

سیمای میراث فرهنگی استان ایلام ـ ناصری، علیرضا

فرهنگ بازیهای محلی ایلام ـ محمدی، آیت

کردی‌ایلامی: بررسی گویش‌بدره‌ـکریمی دوستان، غلامحسین

کلیات راجع به ایلام و آبدانان ـ پیری، تیمور

گذری بر تاریخ ایلام ـ خانی، محمدحسین

نقوش برجسته ایلامی ـ صراف، محمدرحیم

نگاهی به ایلام: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخ، جغرافیایی... ـ افشار سیستانی، ایرج

۲۵ استان ایلام



دریاچه سد ایلام



مرقد مطهر امامزاده سید حسن (ع)



آتشکده چهار طاق



زیارتگاه امامزاده علی صالح (ع)



کاخ فلاحتی



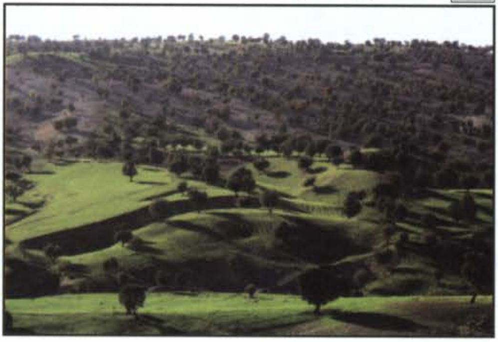
عشایر استان ایلام در حال کوچ



قلعه میر غلام



قلعه والی



جنگل بلوط



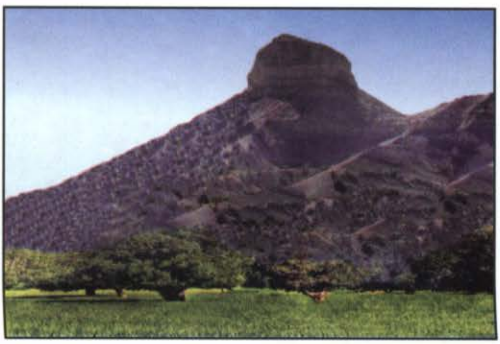
دریاچه سد ایلام



تنگه بهرام چوبینیه



دریاچه دوقلوی سیاه گاو



کوه قلاقیران



پل گاومیشان - شهرستان دره‌شهر



عشایر کردایلام



آتشکده سیاهکل - روستای سیاهکل از توابع شهرستان ایوان



مقبره امامزاده محمد باقر - دوره ساسانی - دره شهر



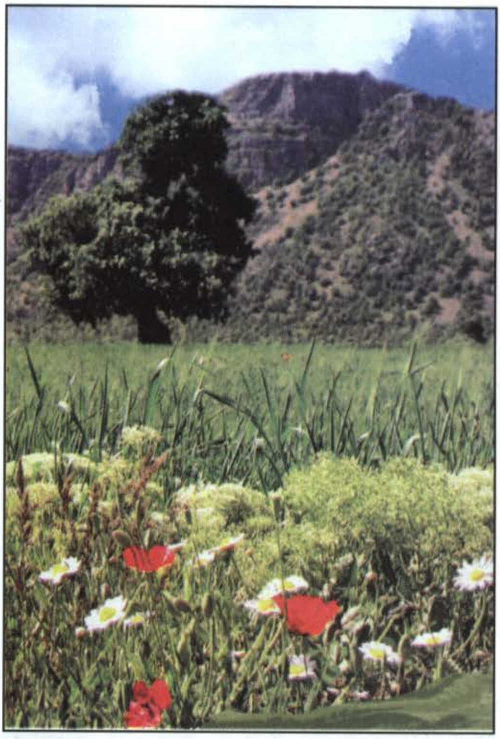
پل هخامنشی - ایلام



قلعه شیاخ - روستای زرین‌آباد - دهلران



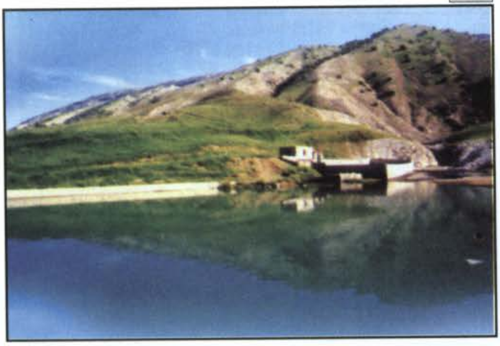
قلعه پور اشرف یا قلعه شیخ ماخو - تنگه شیخ ماخو



طبیعت شیروان چرداول - شیروان



قلعه جهانگیر آباد - دره شهر

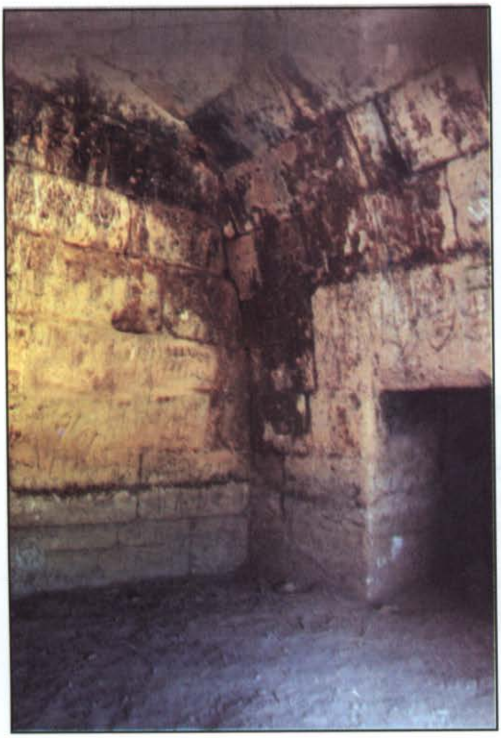

سراب دره‌شهر


شهر تاریخی دورهٔ ساسانی - دره شهر


طبیعت ایلام


از چشمه‌های آب استان ایلام


زنی از عشایر استان ایلام


طاق شیرین و فرهاد - ایوان

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان بوشهر

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان



سیمای اقلیمی ـ تقسیمات اقلیمی ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ مهم‌ترین چشمه‌های آب معدنی ـ سفر به بوشهر از ۴ محور اصلی ـ آثار طبیعی ـ آداب و رسوم ـ موسیقی بوشهر تبلور حماسه و تلاش ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان بوشهر براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:
مرکز استان: شهر بوشهر، تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۲۲ تعداد شهر: ۲۹
تعداد آبادی دارای سکنه: ۶۶۶ کل آبادی‌ها:۸۷۸
جمعیت استان بوشهر در سال (۱۳۷۵) ۷۴۳۶۷۵ نسبت به کل کشور ۱/۲۴ و در سال (۱۳۸۵) ۸۸۶۲۶۷ نسبت به کل کشور ۱/۲۶ بوده است. مساحت استان بوشهر ۳۲۷۴۳ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۲/۰۱ است. تراکم نسبی جمعیت استان بوشهر در سال (۱۳۸۵) ۳۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.
از تهران تا بوشهر (۱۲۲۸) و از بوشهر تا تنگستان (۶۰)، بوشهر (۰)، جم (۲۶۰)، دشتستان (۷۰)، دشتی (۸۰)، دیر (۲۰۰)، دیلم (۱۹۷)، کنگان (۲۰۰)، گناوه (۱۳۰)

که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از فرشته چهل امیرانی، عیسی پاکزاد هنرمند عکاس، معصومه دالوند

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان بوشهر
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۷ـ۳۴ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN

بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان بوشهر؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۱ ـ ۳۴ ـ ۷
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۱۱

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان بوشهر براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: بوشهر مساحت: ۲۲۷۴۳ تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۲۲ تعداد شهر: ۲۹ تعداد آبادی دارای سکنه: ۶۶۶ کل آبادی‌ها:۸۷۸

جمعیت استان بوشهر در سال (۱۳۶۵) ۶۱۲۱۸۳ نسبت به کل کشور ۱/۲۴ و در سال (۱۳۷۵) ۷۴۳۶۷۵ نسبت به کل کشور ۱/۲۴ و در سال (۱۳۸۵) ۸۸۶۲۶۷ نسبت به کل کشور ۱/۲۶ بوده است.

مساحت استان بوشهر ۳۲۷۴۳ نسبت به کل کشور ۲/۰۱ است.

کارگاههای استان بوشهر ۸۴۰۵ نسبت به کل کشور ۱/۳۰ است.

درصد میزان شهرنشینی استان بوشهر در سال (۱۳۷۵) ۰۵/۵۳ و در سال (۱۳۸۵) ۱۶/۶۵ است.

تراکم نسبی جمعیت استان بوشهر در سال (۱۳۶۵) ۲۷ و در سال (۱۳۷۵) ۳۳ و در سال (۱۳۸۵) ۳۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ استان بوشهر

مرد و زن ۱۸۲۳ زن ۱۲۳۵ مرد ۵۸۸

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ استان بوشهر

مرد و زن ۱۵۵۵ زن ۸۹۲ مرد ۶۶۳

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان بوشهر در سال ۱۳۸۵

جمع ۷۵۰ دولتی ۷۵۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۵۰۰ هزار اصله

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان بوشهر در سال ۱۳۸۵

ادامه در صفحهٔ ۶۱۲

فهرست برخی از مطالب

موقعیت جغرافیایی استان بوشهر:

استان بوشهر در جنوب ایران قرار دارد و مساحت آن ۲۵۳۶۰ کیلومتر مربع است بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه‌ی عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرونویچ قرار دارد. از شمال به استان خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، شمال شرقی به استان فارس، جنوب شرقی به استان هرمزگان و از مغرب و جنوب به‌طور کلی با خلیج فارس هم‌مرز است «دارای ۶۲۵ کیلومتر مرز مشترک با خلیج‌فارس است».

آب و هوا: آب و هوای استان بوشهر در نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در قسمت‌های داخلی گرم و خشک بیابانی است متوسط دمای سالانه ۲۷ درجه است بیش‌ترین مقدار آن در تابستان حدود ۵۰ درجه و کم‌ترین مقدار آن در زمستان حدود ۶ درجه است متوسط بارش در استان حدود ۲۱۷ میلی‌متر است.

رشته‌کوه‌های متعددی در استان وجود دارد که معروف‌ترین قلل این ارتفاعات عبارتند از قله‌ی درانگ به ارتفاع ۱۲۲۳ متر، قله‌ی کلات بوریال به ارتفاع ۷۳۰ متر، قله‌ی گچور به ارتفاع ۱۶۰۳ متر کوه گیسکان به ارتفاع ۲۶۰۰ متر، کوه بزپر به ارتفاع ۱۴۲۰ متر ارتفاعات خورموج به ارتفاع ۱۸۰۰ متر و کوه سیاه به ارتفاع ۱۵۰۰ متر، مهم‌ترین رودخانه‌های استان عبارتند از: موند، رودخانه‌ی دالکی، رودخانه‌ی شاپور، رودخانه‌ی حله، رودخانه‌ی اهرم، رودخانه‌ی شور و مهم‌ترین تالاب استان تالاب حله با وسعت ۴۲۶۰۰ هکتار.

زبان اکثریت مردم فارسی است. زبان‌های عربی و ترکی نیر در بعضی مناطق استان رایج است.

هوای استان بیابانی و نیمه بیابانی است که از ویژگی‌های آن دارای دوره‌ی گرمای طولانی ۷ تا ۸ ماهه در طول سال می‌باشد.

ـ مرکز آمار ایران، شهر دریاها ـ اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ راهنمای سیاحتی استان بوشهر

استان بوشهر: استان بوشهر دارای ۹ شهرستان، ۲۲ بخش و ۴۳ دهستان و ۲۹ شهر است.

سیمای اقلیمی استان

سازه‌های مهم اقلیمی استان بوشهر مشتمل بر ارتفاع، عرض جغرافیایی، منابع رطوبتی و توده‌های هوای مهاجر به استان می‌باشند و درکنار سازه‌های اصلی فوق، عوامل دیگری هم نظیر کشاورزی، پوشش گیاهی و فعالیت‌های صنعتی و معدنی تحت عنوان عوامل فرعی مؤثر بر اقلیم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

تأثیر ارتفاعات بر اقلیم استان: ارتفاعات استان بوشهر از دو رشته‌ی اصلی تشکیل یافته است که به موازات هم سر تا سر طول استان را در بر می‌گیرند و رشته‌ی اصلی آن که محدوده‌های شمالی و شرقی استان را می‌پوشاند. دنباله رشته کوه‌های زاگرس است.

ارتفاعات استان بوشهر اکثراً فاقد ارتفاع قابل ملاحظه بوده و به این جهت از توده‌های هوای باران‌زای مهاجر به استان دریافت مناسبی از ریزش‌های جوی ندارند.

ارتفاع کم کوه‌های استان و جهت گسترش آن‌ها سبب گردیده است که ریزش‌های جوی کم در آن‌ها تلفیق نامناسب با جنس خاک‌های این ارتفاعات، گسترش پوشش گیاهی را در این ارتفاعات پایکوه‌ها در حد ناچیزی قرار دهد و به این جهت اغلب کوهستان‌های استان تقریباً به

صورت لخت و یا با پوشش گیاهی ناچیز مشاهده می‌شود.

تأثیر منابع رطوبتی استان: منابع آب‌های استان از سه بخش آب‌های جاری، آب‌های زیرزمینی و پهنه آب‌های خلیج فارس تشکیل شده است.

- آب‌های جاری استان شامل رودخانه‌های دائمی و فصلی است و تنها رودخانه‌های دائمی بیش‌تر چشمه‌های استان گوگردی و تعدادی نیز دارای آب شیرین است.

- منبع عظیم آب‌های خلیج فارس مناطق مجاور استان را تحت تأثیر قرار داده و نوعی تعادل در تغییرات دما و رطوبت این مناطق ایجاد می‌نماید. این تأثیرگذاری سبب گردیده که اختلاف فاحشی بین حداقل‌ها و حداکثرهای دمای هوا در این مناطق به‌وجود نیاید و اصولاً نوسانات بیش از حد دما در سرزمین‌های تحت تأثیر خلیج‌فارس پدیدار نشود.

به علت تداوم وزش باد در مناطق ساحلی تحت تأثیر مکانیزم نسیم دریا و خشکی، که به علت اختلاف دائمی بین دمای سطح آب و خشکی به وجود می‌آید. این مناطق از یک تبادل دمایی و رطوبتی دائمی برخوردارند.

منبع گسترده‌ی رطوبتی خلیج فارس همراه با رودخانه‌ها و چشمه‌ها و سایر منابع آبی استان بر رژیم‌های دما، بارندگی، باد، تبخیر و سایر متغیرهای جوی منطقه و در نهایت بر رژیم اقلیمی استان مؤثر واقع می‌شوند.

تأثیر توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی بر اقلیم استان: استان بوشهر در مجموع دارای اقلیمی گرم است که در بخش‌های ساحلی به صورت گرم و مرطوب و در بخش‌های داخلی استان به‌صورت گرم و خشک می‌باشد. استان بوشهر از استان‌های کم باران کشور است و مهم‌ترین سیستم‌های مؤثر بر آن در فصل زمستان کم‌فشارهای مدیترانه‌ای و سودانی است و پرفشاری‌های شمالی، شمالغربی و سایر مراکز پرفشار نیز در طول فصل‌های سرد سال به گونه‌ای تعدیل یافته بر این استان تأثیر می‌گذارند.

در فصول گرم سال، کم‌فشار حرارتی مستقر بر روی صحاری عربستان، آفریقا و کویر ایران و بر استان بوشهر تأثیر گذاشته و موجب افزایش دمای آن می‌شود.

در ماه‌های گرم سال به ویژه در تابستان مرکز کم فشار هند یا مونسون نیز به صورت محدود مقطعی بر استان بوشهر تأثیر می‌گذارد.

تقسیمات اقلیمی: مناطق وسیعی از استان بوشهر که در حدود ۸۰ درصد از سطح استان را در برمی‌گیرد. تحت سلطه‌ی اقلیم نامناسب خشک گرم واقع شده است و تقریباً تمام نقاط شهری و بندری استان در این نوع اقلیم استقرار دارند.

توزیع جغرافیایی اقلیم‌های استان در اشکال زیر قابل جمع‌بندی است:

اقلیم خشک گرم: اقلیم خشک گرم همچنانکه پیش از این هم اشاره شد، مناطق وسیعی از استان بوشهر را می‌پوشاند که بندر بوشهر، بندر دیلم، بندر گناوه، بندر ریگ، برازجان، اهرم، خورموج، بندردیر، بندر کنگان، شبانکاره و سعدآباد در این نوع اقلیم قرار گرفته‌اند.

اقلیم خشک معتدل: این نوع اقلیم به صورت باریکه‌های اقلیمی در شرق خورموج و شمال اهرم در ناحیه‌ی بوشکان و نواحی ده‌رود بالا و ده‌رود پایین و نیز در شرق کنگان گسترش دارد.

اقلیم فراخشک گرم: محدوده‌ی بسیار کوچکی

در جنوب شرق استان تحت سیطره‌ی اقلیم فرا خشک گرم قرار دارد که بندر عسلویه و خلیج نای‌بند و نیز جزیره‌ی خارک، خارکو از نقاط شاخص آن محسوب می‌گردند.

اقلیم نیمه خشک گرم: این نوع اقلیم به‌صورت باریکه‌ای اقلیمی در شرق و شمالشرق برازجان و در جنوب کنار تخته گسترش دارد. در واقع وجود ارتفاعاتی در نواحی شمال استان سبب پیدایش اقلیم‌های نیمه خشک معتدل و نیمه‌خشک گرم و خشک معتدل در این نواحی از استان گردیده است که گسترش اقلیم‌های نیمه‌خشک را در محدوده‌های وسیعی در استان فارس واقع در شمال استان بوشهر می‌توان مشاهده کرد.

تأثیر کشاورزی و پوشش گیاهی: شوری آب و خاک در بخش‌های وسیعی از استان بوشهر، زمین‌های استان را درگستره‌های وسیعی غیر قابل کشت نموده است و درنتیجه زمین‌های قابل کشت به‌صورت محدوده‌های پراکنده در سطح استان مشاهده می‌شوند.

در استان بوشهر غالب باغداری به احداث نخلستان‌ها اختصاص دارد که در نواحی دالکی، بوشکان، تنگستان، خورموج، خائیز و گنگان به عمل می‌آید.

مراتع استان بوشهر هم به دلیل کمبود بارندگی و طولانی بودن فصل گرم و محدود بودن دوره‌ی بارش درطول سال و نامساعد بودن جنس خاک‌ها و چرای بی‌رویه‌ی دام‌ها، بیش‌تر از نوع متوسط و فقیر است.

در مجموع به‌علت محدودیت در فعالیت‌های کشاورزی و ضعف پوشش جنگلی و مرتعی، عوامل فرعی کشاورزی و پوشش گیاهی به جز در محدوده‌های کوچک خرد اقلیمی، نمی‌توانند بر اقلیم استان مؤثر واقع شوند.

تگرگ: وقوع ۹ بار تگرگ در طول یک سال به ۸ شهر و ۱۴ روستا خسارت وارد ساخته و موجب تلف شدن ۲۷۰ رأس دام و آسیب دیدن محصولات ۲۵۵۰ هکتار از اراضی استان شده است.

سرمازدگی و یخبندان: بر اثر ۵ بار سرمازدگی و یخبندان در استان بوشهر به محصولات ۴۸۵۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد شده است.

گرمازدگی: بر اثر ۶ بار گرمازدگی در طول ۱۰ سال گذشته در استان بوشهر ۷۲۰۰ رأس دام تلف شده و به محصولات ۱۶۸۵۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد شده است.

رگبار شدید: ریزش رگباری در ۶ نوبت در طول ۱۰ سال گذشته در استان بوشهر سبب تلف شدن ۱۱۰۰ رأس دام و از بین رفتن محصولات ۵۲۰۰ هکتار از اراضی استان گردیده است.

سیل: در استان بوشهر در طول ۱۰ سال گذشته با وقوع ۱۰ مورد سیل به ۱۶۳۰۶ واحد مسکونی خسارت وارد شده و ۲۰ نفر جان خود را از دست داده و ۵۳۸۳۹ رأس دام تلف شده و ۱۰۰۵۱۴ هکتار از اراضی استان متحمل خسارت شده است. وقوع سیلاب‌های فوق موجب تخریب ۹۲ دهنه پل، آسیب دیدن ۷ واحد تولیدی و صنعتی و خسارت به ۳۷ واحد اداری یا مکان عمومی و آسیب دیدن ۴۷۵ کیلومتر از جاده‌های استان و خسارت به ۴۹ دستگاه وسیله‌ی نقلیه و آسیب دیدن ۵ واحد سد گردیده است.

تعداد روزهای همراه با گرد و خاک: در شهرستان بوشهر در مجموع، ۸۲ روز از سال توأم با گرد و خاک است که فراوانی آن در ماه‌های گرم سال بیش از سایر ماه‌ها است و از میان ماه‌های

سال خردادماه با ۱۳ روز توأم با گرد و خاک بیش از سایر ماه‌ها در معرض این پدیده است.

زلزله: در یک دوره‌ی آماری ۱۰ ساله در استان بوشهر ۵ بار زلزله به وقوع پیوسته و بر اثر آن‌ها به ۱۴۲۶ واحد مسکونی خسارت وارد شده و ۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند و ۴۵۰ رأس دام تلف شده و به ۴ واحد تولیدی و صنعتی و ۳ واحد اداری یا مکان عمومی خسارت وارد شده است.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان بوشهر

خلیج فارس: سراسر سواحل این استان در کنار خلیج‌فارس قرار دار. خلیج‌فارس نه تنها در آب و هوا و تبخیر و سایر جریانات جوی منطقه مؤثر است. بلکه در وضع آب‌های زیرزمینی خصوصاً چاه‌های کم‌عمق نیز تأثیر زیادی دارد. در زمینه‌ی آب‌های زیرزمینی اخیراً بر اساس یک سلسله مطالعاتی که سازمان آب منطقه‌ای فارس شروع کرده است، دو بخش عمده در استان بوشهر تشخیص داده شده است.

۱ - **منطقه‌ی برازجان:** قسمت اعظم رسوبات آبرفتی از طبقات رسی محتوی آب شور تشکیل شده است که وسعت آن در حدود ۷۶ درصد کل مساحت دشت برازجان است. با وجود این در مناطق ده‌کهنه و آبپخش و شبانکاره سفره آب‌های زیرزمینی شیرینی وجود دارد که چاه‌های حفر شده در آن چهار تا پنج لیتر در ثانیه آبدهی دارند.

۲ - **منطقه‌ی خورموج:** از منابع آب‌های زیرزمینی رسوبات آبرفتی و آهکی این منطقه، جهت قسمتی از آب مورد نیاز شهر بوشهر استفاده می‌شود.

چشمه‌ها و مراکز آب درمانی: در استان بوشهر تعدادی چشمه‌های گوگردی و آب شیرین وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف - چشمه‌های گوگردی دامنه‌های شرقی دشت برازجان که آب آن‌ها دارای ترکیبات گوگردی است. این چشمه‌ها به رودخانه‌ی دالکی می‌ریزند و موجب از بین رفتن کیفیت آب آن می‌شوند.

ب - چشمه‌های آبگرم منطقه‌ی اهرم که جهت معالجه‌ی بیماری‌های پوستی نافع است.

ج - چشمه‌های آب شیرین ناحیه‌ی خائیزاهرم که تعداد آن‌ها نسبتاً زیاد بوده و دارای کیفیت بسیار خوبی هستند. چشمه‌های بنیان پرآب‌ترین چشمه‌های این ناحیه می‌باشند.

د - چشمه‌های منطقه فاریاب که از به هم پیوستن آب آن‌ها در رودخانه‌ی فاریاب تشکیل می‌شود مهم‌ترین چشمه‌ی این منطقه تنگ فاریاب است که اهالی روستای فاریاب برای آبیاری باغ‌های خود از آن استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین چشمه‌های آب معدنی استان بوشهر عبارتند از:

- آب گرم دالکی در ۱۸ کیلومتری شهر برازجان
- آب گرم برازجان، این چشمه در ۱۲ کیلومتری مسیر جاده‌ی برازجان به کازرون قرار دارد.
- آب گرم خانیک ۱ و ۲، این چشمه‌ها در یک کیلومتری روستای خانیک در منطقه‌ی برازجان واقعند.
- آب گرم اهرم (آب باد اهرم)، این چشمه در نزدیکی شهر اهرم در ۶۳ کیلومتری جاده‌ی بوشهر بندرعباس قرار دارد.
- آب‌گرم میراحمد، در ۷۷ کیلومتری مسیر جاده‌ی اهرم به خورموج واقع است.

- آب گرم قوچارک، در ۵ کیلومتری غربی اهرم، در مسیر جاده‌ی بوشهر - بندرعباس قرار دارد.
- آب گرم نیکو، در شمال خورموج و در مسیر جاده‌ی بوشهر - بندرعباس می‌باشد.
- آب گرم گنویه، در کنار جاده‌ی خورموج - دیر واقع است.

مهم‌ترین رودخانه‌های استان: رودخانه‌های استان بوشهر به جز در موارد به‌خصوص که شرایط کامل طبیعی مشتمل بر آب شیرین و شیب مناسب سواحل موقعیت بهره‌برداری را فراهم می‌آورد، در سایر موارد از کیفیت قابل توجهی برخوردار نیستند.

رودخانه‌ی دالکی در قسمت‌های شمالی برازجان باغات و نخلستان‌های وسیعی را مشروب می‌سازد و به واسطه‌ی کیفیت مناسب آب، استفاده‌های کشاورزی زیادی از آن به عمل می‌آید. سد شبانکاره در نزدیکی بخش سعدآباد بر روی این رودخانه احداث شده است.

اطراف سد و پوشش گیاهی بخش شمالی رودخانه، امکانات لازم را جهت بهره‌برداری تفریحی گذران اوقات فراغت مردم و گردشگران فراهم آورده است. رودخانه‌ی‌مند، رودخانه‌ی اهرم و رودخانه‌ی شور، از رودخانه‌های این استان می‌باشند.

آب و هوا: بوشهر در اقلیم گرم و مرطوب صحرائی واقع شده است. نوسان درجه‌ی حرارت در شبانه روز نسبتاً کم است. رطوبت نسبی هوا در این ناحیه در طول سال از همه‌ی نواحی جنوبی ایران بیشتر است.

میانگین بارندگی سالانه در طول سال‌های ۶۳-۱۳۴۳ در بندر بوشهر ۲۴۲/۲ میلی متر است. بارندگی در مهر و آبان شروع می‌شود، اما مقدار آن بسیار کم است، بیشترین ماه‌های بارندگی آذر تا اسفند ماه کمی می‌بارد و بارندگی تقریباً به صفر می‌رسد. در سایر ماه‌ها دیگر باران نمی‌بارد. میزان بارندگی در یک سال به ۶۴ میلی‌متر رسید (۱۳۷۲) و در یک سال (۱۳۷۴) به حداکثر ۵۸۸ میلی متر افزایش یابد. در یکماهه آذر نیز اتفاق افتاده که ۳۳۷ میلی متر باران ببارد و حداکثر بارندگی در یک روز ۱۵۲ میلی متر نیز ثبت شده است.

در این منطقه به خاطر توزیع مناسب بارندگی در ماه‌های سرد سال می‌توان غلات دیم کشت کرد. در اطراف بوشهر مراتع زمستانی در آن چرا می‌کردند. در این منطقه اگر باران زمستانه به موقع در آبان و آذر و دی ماه ببارد و در بهمن و اسفند ماه نیز بارش تکرار شود، زراعت دیم به مقدار شگفت آوری حاصل می‌دهد، ابن بلخی در ذکر ماندستان، که امروزه آن را «بلوک دشتی» می‌نامند و از توابع شهرستان بوشهر است، به همین حقیقت اشاره می‌کند و درباره‌ی این بلوک می‌نویسد: «ریعی «بازده‌ای» دارد چنانک از یک من هزار من تخم دخل باشد ... و هر گاه باران در اول زمستان بارد در آذر ماه و دی ماه آن سال دخل عظیم باشد و نعمت بسیار ...».

مساحت جنگلها و مراتع بیابانها: جنگل ۱۸۷۵۵۰ مرتع ۱۳۰۰۷۰۰ مراتع خوب ۸۶۷۵ مراتع متوسط ۴۱۲۱۲۲ مراتع فقیر ۸۷۹۹۰۳ بیابان ۳۳۱۶۸۲/۱۶ هکتار مساحت گل در کل استان حدود ده هکتار.

سفر به بوشهر از ۴ محور اصلی

استان بوشهر از استان‌هایی است که پتانسیل

بالایی برای گردشگری دارد اما به طور کامل و جامع معرفی نشده‌اند. برای ورود به این استان چند راه وجود دارد.

۱ـ از جنوب استان فارس (محور لامرد ـ گاوبندی ـ عسلویه) و محور مخر ـ بندر سیراف)

در این محور از صخره‌های فوق العاده زیبا و مرجانی خلیج نایبند تا روستاهای هاله و بساتین ادامه دارد، عبور می‌کنید.

فازهای مختلف منطقه ویژه‌ی پارس جنوبی از خلیج نایبند مشخص است. آری می‌توان قدم به نقطه‌ای گذاشت که بین ۸ تا ۱۰ درصد گاز جهان در آن جا واقع شده است. آثار تاریخی شهر سیراف که از بنادر پر رونق ایران باستان (ساسانیان) بوده درخور توجه است. آثار مسجدی که بر روی ویرانه‌های دژ ساسانی برپا شده، گورستان با دخمه‌هایی مشرف بر شهر در دل کوه، قلعه‌ی قدیمی و غیره دیده می‌شود. در ادامه‌ی راه به سمت مرکز استان می‌توان سری به قدیمی‌ترین مسجد استان و قلعه‌ای تاریخی در روستای بردستان بندر دیر زد.

۲ـ از طریق استان خوزستان (محور بهبهان ـ دیلم ـ گناوه)

بندر دیلم که از بنادر پر رونق زمان دیالمه (قرن ۴ و ۵ هجری) بوده، شهر تاریخی «شی» نیز در ۲۰ کیلومتری جنوب دیلم و در نزدیکی خور امام حسن و درکنار آن روستای تاریخی حصار با قلعه‌اش ـ شهر تاریخی مهروبان از سایت‌های تاریخی استان در این محور اند.

بندرگناوه نیز مانند بندر دیلم از مراکز تجاری برای خرید است. تل گنبد، آتشکده بابا کلو، برج خان و پناهگاه‌های صخره‌ای «مال قائد» و «تودیو» از نقاط تاریخی این شهرستان است.

۳ـ از غرب استان فارس (از طریق محور کازرون ـ برازجان)

شهر برازجان با دژ قدیمی آن (کاروانسرای مشیر) که در زمان پهلوی زندان این شهر بوده و محل تبعید برخی فعالان سیاسی، کاخ کوروش در جنوب غرب برازجان، کاخ بردک سیاه در ۱۲ کیلومتری شمال آن، کاخ «تل مر»، معبد آناهیتا، کوشک اردشیر وگور دختر (که به روایتی قبر مادر کوروش است) در منطقه‌ی تنگ ارم (دشت بزپر)، چشمه‌ی آبگرم دالکی در ۱۸ کیلومتری شمال برازجان، غار چهل خانه در شمال سعد آباد و آبشار «زیرا» از آثار باستانی اطراف این شهر هستند.

۴ـ از جنوب غربی استان فارس (محور فراشبند ـ اهرم)

اخیراً محور فیروز آباد ـ اهرم هم با تونل طویلش افتتاح شده است. در میانه‌ی این جاده بازدید از آبشار فاریاب جالب توجه است. در اهرم قلعه‌ی زائر خضرخان که مردم تنگستان در آن به مقاومت در برابر انگلیسی‌ها پرداخته‌اند و یکی از برج‌های آن در اثر گلوله تخریب شده را می‌بینید.

چشمه‌های آبگرم اهرم، میر احمد، نیلو و گلویه، منطقه سرسبز خائیز از دیگر نقاط تفریحی اطراف اهرم است. خانه‌ی رئیس علی دلواری در دلوار، یادآور شجاعت و دلاوری مردم غیور بوشهر در برابر انگلیسی‌ها است. ویژگی بارز این استان، دشت‌های سرسبز آن در فصل بهار است.

دشت‌های شهرهای جم و ریز از این قبیل اند. حمام قاجاریه و قلعه‌ی حیدری از آثار تاریخی در جم، سد و بند قدیمی در روستای دایر و گلو کلات، کوه پردیس، منطقه گودل و بیدخوار و قنات قره چناق که بیشترش در کوه حفر شده از

نقاط تفریحی اطراف جم است.

در جنوب شهر اهرم شهر خورموج قرار دارد که باقی مانده‌ی قلعه خورموج از زمان سلجوقی در داخل شهر و کلات‌مند که‌گویا حالت یک معبد را دارد و قلعه‌ی دختر در بیرون شهر قرار گرفته‌اند.

گورستان «شغاب» از قبرستان‌های قدیمی «ریشهر» بوشهر است.

منطقه‌ی تفریحی چاهکوتاه در جاده‌ی بوشهر ـ برازجان فرعی، شهر احمدی و همچنین جاذبه‌های جزایر این استان به خصوص جزیره‌ی خارک چون آثار باستانی و مناظر طبیعی اش ستودنی است.

خانه‌های قدیمی چون عمارت‌های ملک، گلشن، امیریه، دهدشتی، تنگستانی، حاج رئیس، دبیرستان سعادت و گلستان، آب انبار قوام، کنسولگری انگلیس، آلمان آباد (کنسولگری آلمان‌ها) و غیره در بوشهر نیز به زمان قاجاریه برمی گردد. البته تعدادی از آن‌ها در حال تخریب است (مثل عمارت انگلیسی‌ها و کلیسای ارامنه، تعدادی هم تغییر کاربری داده و به عنوان موزه‌ی مردم‌شناسی یا ساختمان شورای شهر یا چایخانه (آب انبار قوام) تبدیل شده و بعضی‌ها در حال بازسازی است. ـ از نشریه‌ی نگین خلیج فارس

گردشگری و دیدنی‌ها

فهرست برخی از مکان‌های باستانی و دیدنی استان بوشهر: ۱ - بندر سی نیز در حدود ۲۰ کیلومتری بندر دیلم قرار دارد. ۲ - منطقه‌ی باستانی توز در محلی بین روستاهای زیراه، اردشیر آباد و سعدآباد از توابع دهستان‌های دشتستان در حاشیه‌ی رودخانه‌ی شاپور دالکی قرار دارد. ۳ - بندر مهروبان و دیلم در ۲۴ کیلومتری شمال بندر دیلم قرار دارد ۴ - سیراف در جنوب شرقی بندر بوشهر واقع است ۵ - ریشهر در ۸ کیلومتری جنوب شهر بوشهر قرار دارد ۶ - آب انبار قوام در شهر بوشهر واقع است ۷ - آب انبار درخت در ۱۲ کیلومتری برازجان قرار دارد. ۸ - خانه قاضی در محله‌ی بهبهانی بوشهر ۹ - مقبره‌ی انگلیسی در خیابان امام خمینی بوشهر ۱۰ - گورستان شغاب در جنوب شهر بوشهر ۱۱ - گورستان باستانی جزیره‌ی خارک در جزیره‌ی خارک ۱۲ - گورستان باستانی سیراف در شمال غربی منطقه‌ی باستانی ایران ۱۳ - مسجد شیخ سعدون در شهر بوشهر ۱۴ - مسجد بردستان در روستای بردستان ۱۵ - تل مرو در جنوب شهر برازجان ۱۶ - تل طلسمی در جنوب شهر برازجان ۱۷ - تل خندق در شمال شهر برازجان ۱۸ - تل پهن در شمال شهر برازجان ۱۹ - غار چهل‌خانه در شمال سعدآباد برازجان ۲۰ - امام‌زاده میرمحمد حنیفه در جزیره‌ی خارک ۲۱ - امام‌زاده سلیمان در جاده گناوه - دیلم ۲۲ - کلیسای مسیح مقدس در شهر بوشهر ۲۳ - کلیسای قدیمی خارک در جزیره‌ی خارک - سازمان هواشناسی کشور

تجارت دریاییِ بندر سیراف در قرن چهارم هجری: از اوایل قرن سوم هجری به بعد ، حکومت های ایرانی در نقاط مختلف ایران ظهور کردند که از آن میان آل بویه از اقتدار و دوام بیشتری برخوردار بود. شاخهٔ پارسیِ این سلسله که به وسیلهٔ علی (عمادالدوله) بنا نهاده شده بود، به واسطهٔ توسعهٔ قدرت و حوزهٔ حکمرانی، جایگاه مهم‌تری دارد. یکی از نواحی حکومت آنها، بنادر سواحل خلیج فارس شامل مهروبان،

سی نیز نجیرم و سیراف بود که از بن میان سیراف جایگاه ویژه‌ای داشت.

سیراف از نواحی اردشیر کوره بود که سابقهٔ اهمیت آن بـه دوران ساسانی مـی‌رسید وطبق شواهد تاریخی و تصریح جغرافی دانـان قـرون اولیهٔ اسلامی نظیر مقدسی، ابن حوقل، مسعودی و... رونـق تـجاریِ خـود رادر دوران اسـلامی استمرار بخشید. علاوه بر گـواه تـاریخ نـویسان متقدم، کاوشها وپژوهش های پنجاه سالهٔ اخـیر تـوسط افـرادی مـانند لویـی و انـدربرگ، اورل اشتاین، وایت هـاووس و دیگـران نـیز مـوءیید وضعیت درخشـان اقـتصادی سیراف است کـه کشف راه سنگ فرش سیراف به فیروز آباد واشارهٔ مار کوارت به دژ لورياج در آن بندر از آن جمله است. بـا گسـترش بـازرگانی و تـوسعهٔ راه‌هـای تجاری در قرن دوم هجری، بندر اُبله (در نزدیکی بصره‌کنونی) وبندر سیراف (بندر طاهری فعلی در استان بوشهر) نه تنها به مرکز مهم تجاریِ حوزهٔ خلیج فارس با هند و شرق آسیا، بلکه به پایانهٔ کشتی های تجاریِ چین در خلیج فارس تبدیل شدند. شایان ذکر است که وجود مشکلات طبیعیِ کشتی رانی در مصب اروند رود و نزدیکیِ اُوبله به درگیری های مخالفانِ عباسیان با مرکز خـلافت (نظیر قیام زنگیان) باعث شد که سیراف از اُبـله پیشی گیرد ودر حقیقت به تـنها بـندر مـعتبر در تجارت بین المللی بدل گردد. سفر نامهٔ سلیمان سیرافی که در همین زمان تألیف شد، شاهد این مدعاست. ـ غلامحسین نظامی - کارشناس ارشد تاریخ

امیریه، موزه‌ی مردم‌شناسی: عمارت امیریه، واقع در بخش مرکزی بـندر بوشهر یکی از آثارهای تاریخی و از نقاط دیدنی استان است.

ساختمان اصلی «عمارت امیریه» مربوط به دوره‌ی قاجاریه است که نخست به دستور امـیر وقت جنوب، معروف به سید حسین بلدیه بنا شده است. این بنا از دو طبقه تشکیل شده است. در جلوی ساختمان ایوانی بزرگ وجود دارد که دارای دو درگاه ورودی است و در طبقه‌ی بالا بالکنی با جنس چـوب است. وسـط دو درگـاه ورودی از داخل ساختمان اتاق بزرگ در دو طبقه درست شده که احتمالاً برای پذیرایی و یا کنفرانس بوده و دارای چشم اندازی زیبا به بیرون و منظره‌ی دریا است. ساختمان، دارای حیاط مرکزی و تـمامی اتاق‌ها دور تا دور واقع شده‌اند که در هر طبقه ده اتاق وجود دارد. در گوشه‌ی خـاوری راه پـله‌ای برای رفتن به پشت بام ساخته شده است. جنس درها و پنجره‌ها از چوب ساج بوده و حفاظ آن‌ها در جلو است. درها دو لنگه هستند و دارای نقش و نگار هستند. ورودی عمارت دارای چشم اندازی بسیار زیباست و پوشش سقف از چوب صندل یا چـندل است (نـوعی چـوب مـخصوص کـه از هندوستان مومباسا می‌آورده‌اند). ستون‌ها جلو ساختمان نیز از جنس چوب ساج است. در جهت جلوگیری از نفوذ رطوبت (به دلیل نـزدیکی بـه دریا) و موریانه نخست اطراف ستونْ‌ها را با بندی کـه از پـوست درخت نـارگیل درست مـی‌شود پیچانده و سپس روی آن را با گچ تزئین کرده‌اند. چوب‌های کنده‌کاری به‌کار رفته در طارم و نقوش در و پنجره‌ها، گچبری سر درهـا، کـنده کـاری و گوه‌های برنجی بـه کـار رفـته درگـاه ورودی، از عوامل تزئینی بنا هستند. این بنا هم اکنون موزه‌ی مردم‌شناسی است.

۴ قلعه در یک قلعه: قلعه‌ی خورموج یکـی از آثار شکوهمند تاریخی استان بوشهر است.

قلعه‌ی خورموج شامل چهار حصار، چهار قلعه، اندرونی، عمارت مرکزی و قراولخانه و اصطبل بوده است. قسمتی از آن به نام قلعه‌ی محمد خان دشتی و قسمت دیگر آن به نام قلعه‌ی جلال خان معروف بوده است. سبک معماری آن سلجوقی و متأثر از سبک قلعه سازی دوره‌ی ساسانی است که با استفاده از تاق نماها و گچبری در آرایش دیوارها و درون اتاق‌ها بنا شده است.

قلعه‌ی خورموج طی زمان تغییر یافته و روی به ویرانی گذاشته است. این قلعه در سال ۱۳۷۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. این اثر که دارای تزئینات بدیع و منحصر به فردی است، بارها مورد تاخت و تاز قرار گرفته است. این اثر ملی که زمانی با برج‌های متعدد و گوشواره‌های زیبا، هیبت و شکوه خود را به رخ هر رهگذری می‌کشید، امروز در میان انبوهی از ساختمان‌های چند طبقه‌ی شهری محاصره شده است.

حله: این منطقه که در استان بوشهر قرار دارد، در سال ۱۳۵۵ به عنوان پناهگاه حیات وحش و سپس با مساحتی برابر با ۴۴۷۸۳ هکتار منطقه حفاظت شده اعلام شد. منطقه حله با دامنه ارتفاعی صفر تا ده متر از دو بخش خشکی و تالابی تشکیل شده است. بخش تالابی دارای بیشینه عمق ۳/۵ متر می‌باشد. بارندگی و دمای متوسط سالانه ۲۷۰ میلیمتر و ۲۵ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم خشک بیابانی گرم نموده‌اند. ۶۱ گونه گیاهی در منطقه شناسایی شده‌اند. گونه‌های گیاهی اصلی حله عبارتند از: خرما، گز، جگن، نی، نخل مرداب، استبرق، موسیر و انواع شور، رودخانه حله که مرز شمالی و غربی منطقه را تشکیل می‌دهد، بستر مناسبی برای تخم‌ریزی ماهیان محسوب می‌شود. حله از جمله زیستگاههای مهم پرندگان بومی و مهاجر به شمار می‌آید. از جمله گونه‌های مهم جانوری منطقه می‌توان به خفاش دم‌موشی، گراز، گرگ، گربه وحشی، خدنگ کوچک، خدنگ باکلان، دراج، پلیکان خاکستری، لک‌لک، فلامینگو، اردک مرمری، پرستوی دریایی پشت دودی، عقاب ماهی‌گیر، مار جعفری، انواع مارهای دریایی و مار الماسی اشاره نمود. فعالیت‌های عمرانی این ناحیه از جمله احداث سد و جاده کمربندی، بومسازگان منطقه را تهدید می‌کند. (۵)

چراگاه‌ها: وقتی شیرگاوها دوشیده شد آن‌ها را در چراگاه‌ها رها می‌کنند و قبل از غروب آفتاب گاوها که راه خود را می‌دانند به طویله برمی‌گردند. شترهای بارکش در چراگاه‌های مخصوص چرا می‌کنند و صاحبان آن‌ها بار را به چراگاه‌ها می‌برند و بر پشت شترها می‌گذارند. شترهای ماده تحت سرپرستی ساربانان هستند که به چراگاه‌ها برده می‌شوند و در همان چراگاه شیر آن‌ها دوشیده می‌شود.

گوسفندان را شبانان به چراگاه می‌برند چوپانان آبشخورهایی برای آب دادن به گوسفندان به عرض چهار متر و عمق یک متر ساخته‌اند. گوسفندان قبل از غروب آفتاب به آغل برگردانده می‌شوند و فوراً شیر آن‌ها دوشیده می‌شود. بره‌ها به وسیله‌ی دیواری از سیم خاردار از مادران خود جدا نگاهداری می‌شوند. دستمزد چوپانان میزان معینی ندارد. گله هیچ وقت بیش‌تر از چهارصد گوسفند ندارد و هیچ وقت هم گله‌ای از بیست و پنج گوسفند کم‌تر نیست.

ریشهر: ویرانه‌های ریشهر گنجینه‌ای از آثار تمدن دوران ایلامی و ساسانی است که سفال‌های رنگین مربوط به عهد کال کولتیک در آن پیدا شده است.

عمارت ملک: این عمارت مجموعه‌ی ساختمانی است که در محله‌ی بهمنی قرار گرفته مساحت زیر بنای آن ۴۰۰۰ متر مربع می‌باشد از قسمت‌های مختلف تشکیل یافته که در ارتباط با یکدیگر این کاخ توسط معماران فرانسوی ساخته شده است. نوع و سبک ساختمان از سبک ساختمانی متاخر سواحل خلیج فارس که به نام «بنگله» معروف شده است و مربوط به اواخر دوران زند و اوایل دوران قاجار است که به مقتضای احتیاج در دوران قاجار و در زمان اقامت انگلیسی‌ها در فاصله‌ی سال‌های دوران جنگ بین‌الملل اول و سال‌های بعد از آن و اوایل حکومت در آن تغییراتی صورت گرفته، ولی امروز در شرف انهدام است.

آب انبار قوام: ساختمان آب انبار قوام در محوطه‌ی بازی در کنار خلیج‌فارس قرار گرفته و مروط به یکصد و پنجاه سال قبل است که با مصالح محلی در زمان قاجار ساخته شده است اسکلت اصلی و طاق آن از سنگ‌های رسوبی خیلی مقاوم با سه دهانه ستون‌بندی به‌وسیله‌ی چهار طاق پوشیده شده است ۲ متر از آن خارج از زمین و ۲/۶۰ متر در داخل زمین قرار دارد داخل آب انبار با پوشش ساروج بسیار مقاوم ساخته شده است در نمای خارجی به فاصله‌ی معینی پنجره‌هایی به ابعاد ۱۲۰/۹۰ تعبیه شده است که از داخل جلوی آن‌ها با شبکه‌ای از سنگ پوشیده شده است.

خانه‌ی شهید رئیس‌علی دلواری: خانه‌ی شهید رئیسعلی دلواری در ۴۵ کیلومتری بوشهر در روستای دلوار قرار گرفته که پس از تعمیر و نوسازی تبدیل به مجموعه‌ی فرهنگی گردیده که در آینده‌ی نزدیک موزه‌ی مردم‌شناسی استان بوشهر و دیگر فعالیت‌های فرهنگی روستایی در این مکان گردید.

مبارزات شهید رئیسعلی دلواری بر ضد تجاوز انگلیس که به حدود هشتاد و اندی سال پیش برمی‌گردد خاطره‌ای بس شگرف و فراموش ناشدنی از خود برجای گذاشت.

گوردختر: بنای گوردختر در پشت تنگ ارم از توابع شهرستان دشتستان واقع است منسوب به مادرکوروش می‌باشد این بنا بسیار شبیه به مقبره‌ی کوروش کبیر پاسارگاد است و قدمت آن به سده‌ی ششم قبل از میلاد برمی‌گردد.

در این بنا عناصر هنر اورارتوئی همچون پوشش شیروانی و نیز عناصر معماری ایلامی معبد چغازنبیل را می توان دید.

سیراف «بندر طاهری»: در ۲۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر قرار گرفته که اوایل قرن پنجم بندر بزرگ بازرگانی بوده است احتمالاً در دوران ساسانی شناخته شد و متشکل ازکاروانسرا - حمام - کوره سفال‌پزی - قبرستان سنگی - آرامگاه‌های گروهی و مسجدی از قرن هفتم هجری با قلعه‌هایی مربوط به قرن سوم و چهارم هجری است.

بوشهر و مدرسه‌ی سعادت: روزگاری شکوه و جلال ساختمان‌ها و رونق تجاری و بازرگانی بندر بوشهر شهرت جهانی داشت.

اهمیت سرزمین پر گهر بوشهر باعث شد امپراطوری ایلامی، شهر لیان را آن جا به پاکند و پس از آن سلسله‌های پادشاهی هخامنشی، اشکانی و ساسانی به جهت ارتباط با دیگر تمدن‌های آن روزگار، این بندر راگسترش دادند.

نادر شاه افشار که متوجه لزوم نیروی دریایی شده بود اقدام به ایجاد کارخانه‌ی کشتی سازی

تحت نظر (جان التن) انگلیسی کرد و طرح شهر بوشهر توسط شیخ ناصر خان ناخدا باشی کشتی‌های نادر شاهی که از اعراب (ابوقهیره) بود ریخته شد.

در زمان کریم خان زند انگلیسی‌ها اجازه‌ی تأسیس تجارت خانه در بوشهر را کسب کردند.

از آن پس کنسول گری‌ها و نمایندگی‌های تجاری قدرت‌های بزرگ آن زمان در این بندر مستقر شده و به تدریج بناهای بزرگ و متعدد بافت قدیم بوشهر را شکل دادند.

بندر بوشهر (به قول لردکرزن) از روی عرشه کشتی منظره‌ی زیبایی دارد. عمارت چند طبقه سنگی، کوچه‌های سنگ فرش، نخلستان‌های سرسبز و درختان کنار و بابل جلوه غریبی از دور به شهر می‌دهد.

این بندر زیبا و سرافراز نه تنها دارای رونق تجاری بو.ده بلکه از لحاظ فرهنگی نیز از پیشکسوتان علم و هنر به شمار می‌رود.

مدرسه‌ی سعادت که از اولین مدارس ایران است در سال ۱۳۱۷ ه.ق به دستور احمد خان دریابیگی، حکمران بندر بوشهر که خود از فارغ التحصیلان دارالفنون بود تأسیس گردید. در ابتدا دریابیگی در وسط شهر بوشهر خانه نزدیک حسینیه (برحه کازرونی‌ها) منزل حاج محمد حسین صفر را برای این منظور اجاره کرد.

با افزایش تعداد شاگردان خانه‌ای که مدرسه در آن تشکیل شده بود با آن که بیش از ده اتاق داشت، گنجایش بچه‌ها را نداشت. دریابیگی به پیشنهاد اولیاء مدرسه به ویژه برادران سعادت درصدد بنای ساختمانی در خارج شهر برآمد. آن زمان چهار محله دهدشتی، شنبدی، کوتی و بهبهانی مرکز شهر بود.

دریابیگی قطعه زمینی را از ملک التجار جهت احداث مدرسه خارج شهر (بیرون از چهار محله‌ی اصلی) بدست آورد که محدوده‌ی زمین دو هکتار بود و در آن جا شروع به ساختمان مدرسه کرد.

مدرسه که مشتمل بر شش کلاس بزرگ و یک سالن و چهار ایوان (راهروی میان آن‌ها با دیگر اتاق‌ها) بود، به نام (سعادت مظفری) ـ نام پادشاه ایران مظفر الدین شاه، نام برده شد و ایشان در عوض اعانه‌ای برای مدرسه پرداخت می‌کرد.

بافت قدیم بوشهر به واسطه‌ی شرایط اقلیمی گرم و مرطوب دارای بناهایی با خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد است که مدرسه‌ی سعادت نیز در این بافت جای گرفته و از آن مستثنی نیست. اکثر ساختمان‌های بافت قدیم در دو و حتی سه طبقه هستند، اما مدرسه‌ی سعادت در یک طبقه ساخته شده بود. این نوع معماری به (بیت میلانی) مشهور است. ـ مرضیه منصوری‌زاده

آثار طبیعی استان بوشهر

استان بوشهر دارای پارک ملی به مساحت ۳۶۹۰۳ هکتار ـ پناهگاه حیات وحش به مساحت ۹۸۴۸۸ هکتار، دارای یک پارک ملی، یک پناهگاه حیات وحش، دو منطقه حفاظت شده. ـ **پناهگاه حیات وحش خارک و خارکو** به مساحت ۲۳۹۸ هکتار که در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد. ـ **پارک ملی نایبند** به مساحت ۴۹۸۱۵ هکتار که در ۱۳۸۳ تأسیس شد و در قلمرو بوشهر و هرمزگان مشترک است، **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی مُند** به مساحت ۵۳۷۰۵ هکتار است که در سال ۱۳۵۵ تأسیس گردید. استان بوشهر ۳۳۰/۰۰۰ هکتار جنگل و ۸۳۹۱۵۰ هکتار مرتع خوب و ۷۶۰۸۵۰ مرتع متوسط و ۴۰۰/۰۰۰ هکتار مرتع فقیر وجود دارد.

مند: این منطقه مسطح با مساحتی برابر با ۵۳۷۰۵ هکتار از سال ۱۳۵۵ تحت حفاظت قرار گرفت. مجموعه‌ای است از سواحل شنی، تالاب‌ها، خورها، جزایر و دریا در حاشیه خلیج فارس در استان بوشهر. رودخانه‌مند که مرز شمالی منطقه را تشکیل می‌دهد یکی از بزرگترین رودخانه‌های سیلابی کشور بوده و نقش مهمی در تنوع زیستی منطقه دارد. دما و بارندگی متوسط سالانه ۲۸ درجه سانتیگراد و ۱۸۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم خشک بیابانی نموده است. وجود جنگل‌های زیبای مانگرو با گونه غالب حرا در بخش جزر و مدی، جلوه خاصی به منطقه داده است. در اراضی ساحلی گونه‌های گز، کهور، کنار، انجیر، استبرق، انواع شورها، جغجغه، اشک، بهمن و گلرنگ مشاهده می‌شوند. جزایر منطقه‌مند محل مناسبی برای جوجه‌آوری پرندگانی مانند سلیم خرچنگ خور و پرستوی دریایی و تخم‌گذاری لاک‌پشت منقار عقابی محسوب می‌شوند. از دیگر جانوران منطقه می‌توان به آهو، گراز، خدنگ، گرگ، روباه معمولی، شغال، کفتار، تشی، سیاه گوش، گربه جنگلی، کاراکال، خرگوش، کاکایی، اگرت ساحلی، گیلانشاه خالدار، پلیکان خاکستری، بالابان، هوبره، بحری، کبک، تیهو، دیدومک، انواع سارگپه، بزمجه، انواع مارمولک، مارالماسی و یله مار اشاره نمود. وجود جنگل‌های با ارزش مانگرو، پرندگان زیبا، جلوه‌های طبیعی و راه‌های دسترسی مناسب زمینه گردشگری را فراهم نموده است. (۵)

منطقه‌ی شکار ممنوع ۱ـ کوه مُند، این منطقه‌ی کوهستانی که در مجاورت منطقه‌ی حفاظت شده مُند قرار گرفته است در تکمیل غنای زیستی این منطقه‌ی تالابی ـ دشتی می‌تواند مؤثر واقع شود. کوه مُند ۷۵۰۰۰ هکتار مساحت و در ۲۵ کیلومتری شرق بوشهر قرار دارد.

اقتصاد استان بوشهر

محصولات زراعی: مهم‌ترین محصولات زراعی استان گندم، جو، تنباکو، پیاز، کنجد، صیفی و نباتات علوفه‌ای می‌باشد.

محصولات درختی: مهم‌ترین محصول باغداری استان بوشهر خرما می‌باشد نخل از درختانی است که در دوران ماقبل تاریخ نیز در بین‌النهرین کشت می‌شد. در نواحی خرماخیزی مانند جنوب ایران، عراق و آفریقای شمالی است که از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح این درخت را می‌شناخته‌اند و با نحوه‌ی کاشت و بهره برداری از آن آشنا بوده‌اند.

گفته شده که در استان بوشهر حدود ۴ میلیون اصل درخت خرما «نخل» وجود دارد میزان تولیدی خرمای استان بیش از یک هزار تن در سال می‌باشد که علاوه بر مصرف داخلی سالانه مقادیر زیادی خرما به خارج از استان صادر می‌شود.

در بعضی از نقاط استان باغ‌های محدود و کوچک مرکبات نیز به‌صورت پراکنده به چشم می‌خورد.

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۱/۶۱ درصد رتبه ۲۰ مقدار تولید غلات ۱۶۳۹۶۴ تن رتبه ۲۵ – مقدار تولید حبوبات ۱۵ تن رتبه ۳۰ – مقدار تولید محصولات صنعتی ۴۵۶۸ تن رتبه ۲۷ – مقدار تولید سبزیجات ۳۲۸۸۷۰ تن رتبه ۱۴ – مقدار تولید محصولات جالیزی ۱۰۰۵۱۳ تن رتبه ۱۶ –

تولید علوفه ۶۳۵۷ تن رتبه ۲۹ - مقدار تولید محصولات باغی ۱۸۹۶۷۶ تن رتبه ۱۹ - تولید خرما ۱۴۷۰۷۴ تن رتبه ۳ - تولید مرکبات ۴۰۱۴۷ تن رتبه ۸

وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی:

۱۱۷۰۰۰۰شاخه‌گل ۳۰۰۰۰گلدان -گیاهان داروئی ۷۲۰۰۰ - تولید عسل ۵۲۷۱۷۰ کیلو جمع کل سطوح منابع طبیعی ۱۸۱۹۴۹۱ کیلو.

محصولات کشاورزی: همواری زمین سبب شده است که خاک حاصلخیز اراضی مزروعی در آبادی‌های اطراف بوشهر تا حدودی یکپارچه و به هم پیوسته باشد. در گذشته‌ی نزدیک، علاوه بر زراعت دیم «بج = بش = بخس»، زراعت آبی «فاریاب» هم انجام می‌شد. آب لازم برای این نوع زراعت را از چاه‌ها تأمین می‌کردند. گذشته از کشت گندم و جو، که به صورت دیم انجام می‌شد در زمین‌هایی که از آب چاه‌ها آبیاری می‌شد، کشت پنبه، تنباکو، پیاز، کاهو، خیار، هندوانه، خربزه، گوجه فرنگی و انواع سبزی‌ها هم رونق داشت. این محصولات، هم مصرف خانوارهای ساکن این روستاها را تأمین می‌کرد و هم نیازهای بوشهر را حتی، قسمتی از آن را به شیخ نشین‌های جنوب خلیج فارس و بحرین هم صادر می‌کردند.

خرما و فرآورده‌های دامی را هم باید به این محصولات افزود. درگذشته از جمله فرآورده‌های مهم این آبادی‌ها انگور بود که مازاد آن را به بوشهر حمل می‌کردند و این مازاد می‌توانست بخشی از انگور مصرفی شهر را تأمین کند.

تا چند دهه‌ی پیش تعداد بنه‌های انگور در روستاهای اطراف بوشهر در حدود ۱۰۰۰ بنه بود. از این تعداد تقریباً ۱۰۰ بنه در قریه هلیله و بقیه در آبادی‌های دیگر قرار داشت.

کشت سنتی مو: نحوه‌ی کاشت و بار آوردن انگور، که از موقعیت اقلیمی این خطه برخاسته است، نمایش گویائی است از همسازی با محیط و گذشتن از مرز قیود و تنگناهای طبیعت.

انگور را در چاه‌هایی می‌کارند که غالباً دهانه‌یی چارگوش و یا گرد دارد چاه‌ها را در سنگ کنده‌اند. طول این دهانه‌ها اغلب میان ۱/۵ تا ۲ متر متفاوت است. عمق پوسته‌ی سنگ از ۱/۸۰ تا ۴ متر متغیر است.

پس از گذشتن از پوسته‌ی سنگی به طبقات خاک رس می‌رسند که در محل به آن «شل یا خاک چرب» می‌گویند. خاک‌ها را از چاه خارج می‌کنند تا چاه به سطح آب زیر زمینی نزدیک‌تر شود. عمق چاه میان ۶ تا ۱۸ متر نوسان دارد. هر قدر چاه عمیق‌تر باشد و آبخور آن بیشتر، بنه‌ی انگوری که در آن کاشته‌اند بهتر بر می‌دهد. چاه‌های هلیله عموماً چنین است:

برای آماده کردن یک چاه حدود ۳/۵ ماه کار لازم است. باران را از محوطه‌های آبگیر (سرآب) از طریق جوی‌هایی که پیرامون چاه کنده‌اند، به درون چاه هدایت می‌کنند. در اسفند ماه سال دوم یک (پی ته) یا نهال، از بنه‌های بزرگ انگور که ۱/۵ تا ۲ متر درازا دارد، از کمر در خاک می‌نشانند و روی آن خاک می‌ریزند. در فاصله‌ی ۱۰ تا ۱۵ اسفند ماه سال بعد، این شاخه راکه در زمین ریشه دوانده است در می‌آورند و در چاه‌های آماده می‌کارند. سر آن را در بالای چاه می‌گذارند تا به سرعت جوانه بزند و شاخه بپراکند. این شاخه در سال اول تقریباً دو تا سه کیلو انگور می‌دهد. این نهال را «تیم» می‌گویند.

تیم باید با ریشه‌ی اصلی در چاه قوت گرفته و رشد کند. روی همین اصل، نمی‌گذارند جوانه‌ای

یا شاخه‌ای از پائین به آن افزوده شود. شاخه از یک متر و نیم سطح خاک جوانه می‌زند، می‌بالد، از چاه بر می‌آید و به بار می‌نشیند.

انگور به مساحت ۱۵۰ متر مربع چتر می‌زند لاله می‌بندد. دور تنه هم، گاه بسیار زیاد می‌شود و در تنها چاه باز مانده‌ی آبادی هلیله قطر تنه‌ی تاک به ۹۱ سانتی متر می‌رسد.

چاه‌های هلیله بسیار بزرگ بوده و تنوره‌ی آن‌ها وسیع است. هر بنه یک چاه تا ۴ چاه را در برمی‌گیرد. اما در سرتل و بهمن و اطراف آن تا ۱۸ چاه هم در یک حصار و باغ رُز دیده شده است.

میان کشاورزان پیوند مو معمول نیست و نوع انگور نیز محلی و عبارت از انگور سفید، انگور سیاه و انگور کشمشی است. هرس (پت کردن) در درختان همه ساله انجام می‌شود. اما فقط سرشاخه‌ها را هرس می‌کنند. جوانه‌ها را، پس از خروج از چاه، به تدریج روی پایه‌هایی سنگی قرار میدهند که در محل به آن «خَنْ» می‌گویند.

خَن‌ها سنگ چینی هستند که از قالب‌های سنگی مکعب شکل که آن‌ها را از طبقات رسوبی فسیلی جدا می‌کنند و روی هم می‌چینند. بسته به میزان وسعت چتر درخت‌ها، از ۱۲ تا ۱۸ عدد خن در ۳ تا ۶ ردیف و در ۳ قسمت اطراف چاه می‌چینند. متوسط فاصله‌ی خن‌ها از یکدیگر در حدود ۷۰ سانتی متر و متوسط ابعاد خن‌ها ۷۰×۷۰×۹۰ سانتی متر است.

روی خن‌ها را غالباً با شاخه‌های کنار می‌پوشانند و بعد شاخه‌های مو را روی آن‌ها می‌گذارند تا به قول کشاورزان محل «بخار زمین بالا نیاید و بنه را نسوزاند». دور هر بنه انگور را با دیواره‌ای اغلب دایره وار یا مستطیل شکل محصور می‌کنند. این دیواره را با سنگ‌های رسوبی که در ساختن خن‌ها به کار می‌رود، می‌سازند و به آن «خشکه بردی» می‌گویند. بلندی دیوراه سنگ چین یک بالا حدود ۱/۵ تا ۲ متر است. روی را هم با خار کنار می‌پوشانند و خارها را با سنگ محکم می‌کنند. از این طریق از آنرا ورود مال و حیوانات به داخل بنه جلوگیری می‌کنند.

آبیاری: در دو طرف دیواره، بسته به پستی و بلندی زمین و نوع شیب، پشته‌هایی از خاک رس و تخته سنگ به طول ۵۰ تا ۱۰۰ متر و به ارتفاع حدود ۵۰ سانتی متر درست می‌کنند، آب باران‌های زمستانی از طریق نهری به داخل بنه انگور هدایت و به چاه سرازیر می‌شود.

در منطقه‌ی هلیله اغلب چاه‌ها از آب باران پر نمی‌شود بلکه آب به طبقات زیرین نفوذ می‌کند و در سفره‌های زیر زمینی ذخیره می‌شود. حال آن‌که در سایر نقاط، چاه‌ها اغلب به علت نفوذ پذیری لایه‌ها، از آب پر می‌شود. آب سر ریز شده از طریق نهرهایی به داخل چاه‌های دیگر داخل حصار هدایت می‌شود تا داخل چاه سایر بنه‌ها بریزد. به همین منظور چاه‌ها و بنه‌های انگور را، در روستای سر تل و اطراف آن، در یک جهت و در شیبی نزدیک به هم با فاصله نسبتاً کمی از یکدیگر، ساخته‌اند و آن را از این طریق آبیاری می‌کنند.

وجود رطوبت همیشگی در خاک چاه بنه‌ها، مانع نفوذ آب شور به سفره‌ی آب زیرزمینی شده است. علاوه بر این، مانع نیز زهکشی، شوری و قلیائیت خاک را به خود جذب می‌کند و بدین سبب نیز به رغم نزدیکی بنه‌های انگور به دریا، خاک آن‌ها شیرین و حاصلخیز است.

هر بنه‌ی انگور حداقل ۴۰۰۰ متر مربع پهنه

آبگیر یا سراب دارد که در شیب بالا دست به بنه‌ی انگور واقع شده است و آب باران جاری شده بر روی سراب به داخل چاه هدایت می‌شود و درخت انگور را سیراب می‌کند. در زمستان با چهار تا پنج بارندگی چاه انگور هر بار پر از آب می‌شود.

سطح آبگیر بنه‌ای انگور حدود ۴۰۰ هکتار بوده است. هر بنه‌ی انگور به طور متوسط گنجایش ۷۰ متر مکعب آب باران داشته که در سه نوبت بارندگی سالانه حداقل ۲۱۰ متر مکعب آب باران ذخیره می‌کرد. تمامی حدود هزار چاه بنه‌های انگور دیم بوشهر قادر به ذخیره‌ی سالیانه ۲۱۰ هزار متر مکعب از آب باران‌های جاری شده بر پهنه‌ی ناحیه‌ی سبز آباد بوشهر بودند.

هرس (پَتْ کردن): یکی از کارهای اساسی و حساس در نگهداری باغ انگور هرس کردن است که در پانزدهم اسفند ماه هر سال انجام می‌شود. در این عمل، پیوند زدن مرسوم نیست و تکثیر به وسیله‌ی خواباندن شاخه‌ها از کمر در خاک انجام می‌گیرد که پس از ریشه زدن شاخه را بریده و جابه جا می‌کنند. قلمه زدن نیز مرسوم است.

برداشت محصول: از پنجاهم (۲۰ اردیبهشت) اقدام به چیدن غوره می‌کنند تا هفتاد و پنجم (۱۵ خرداد) خوشه‌ها از حالت غوره بیرون آمده و دو مزه می‌شوند از آن هنگام به بعد، یعنی از دهم مرداد چیدن انگور آغاز می‌شود. انگور بر سه نوع است: انگور سفید، انگور سیاه و انگور کشمشی که همانند انگور ریش بابای شیراز است ولی کمی کوچکتر. امروزه تنها تعدادی بنه‌ی انگور سفید در ناحیه باقی مانده است. ـ عباس عبدالله گروسی ـ فرهاد و رهرام ـ مجله‌ی زیتون

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی بوشهر

غلات هکتار/ تن (گندم ۱۵۸۲۳۲، ۱۵۸۲۳۲، جو ۳۱۷۳۰، ۱۸۲۳۸ - ذرت دانه‌ای ۱۸۴۶، ۱۳۲۷۳)

حبوبات هکتار / تن (لوبیا، ۱۲، ۱۵)

محصولات صنعتی هکتار / تن (توتون و تنباکو، ۱۲۶۹، ۱۹۵۵، کلزا، ۸۹۷، ۹۲۸)

سبزیجات هکتار / تن (سیب‌زمینی ۱۶۰، ۲۰۲۴، پیاز ۶۳۷، ۱۱۰۶۵، گوجه‌فرنگی ۹۵۳۵، ۲۸۷۴۰۲)

محصولات جالیزی هکتار / تن (خربزه، ۸۸۴، ۱۵۷۲۸، هندوانه، ۲۶۲۹، ۷۰۷۳۴، خیار ۱۰۰، ۱۲۴۹)

نباتات علوفه‌ای هکتار / تن (ینجه، ۱۳۲، ۱۰۴۷)

محصولات: میوه‌های هسته دار: شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل. میوه‌های دانه ریز: انگور، توت درختی. میوه‌های نیمه گرمسیری: خرما (استعمران، کبکاب، شاهانی)، انجیر، پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فروت، نارنج، انار، زیتون. میوه‌های گرمسیری: موز، انبه و کنار.

ماهیگیری و شیلات: وسعت خلیج‌فارس، عمق مناسب آن، طول زیاد سواحل ایران دمای مناسب آب «حدود ۲۴ درجه‌ی سانتی‌گراد و وجود پلانکتون‌های

زیاد در سواحل و حتی کف این دریا، امکان رشد زیادی از آبزیان را فراهم می‌سازند.

برنامه‌ریزی در زمینه‌ی توسعه‌ی بهره‌برداری از دریا یکی از هدف‌های اصلی توسعه‌ی اقتصادی استان بوشهر به شمار می‌رود.

بنابر پژوهش‌های مؤسسه‌ی تحقیقات خلیج‌فارس، میگوی خلیج فارس، از نظر کیفیت و

دارا بودن پروتئین فراوان یکی از بهترین انواع میگو در جهان است محدوده‌ی اصلی تخم‌ریزی و تکثیر تولید مثل این آبزیان در آب‌های مناسب سواحل استان بوشهر است.

صنایع استان

صنایع بوشهر: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۲۴۴ واحد)، ساخت منسوجات (۱۹ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۲۸ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۳۰ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۲۴ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۴۰ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۶۶ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۳ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۵۲ واحد)، بازیافت (۲ واحد).

روغن صنعتی (۱)، شیر پاستوریزه (۱)، ماست پاستوریزه (۱)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۲)، انواع روغن‌های حاصل از تصفیه‌ی نفت (۱)، بسته بندی شکر (۲)، قند از شکر (۴)، ماکارونی (۲)، چرم مصنوعی (۱)،گاز بوتان (۱)، گاز پروپان (۱)، روغن موتور (۱)، گاز نیتروژن (ازت) (۳)، بلندینگ و بسته بندی روغن‌موتور (۲)، پارافین مایع (۱)، گریس (۱)، وازلین (۱).

صنایع دستی: با توجه به وضعیت خاص اقتصادی در استان بوشهر، صنایع دستی به ویژه صنایع دستی روستایی ازگذشته دارای نقش تعیین کننده و مهمی در معیشت روستاییان منطقه بوده و بیش‌تر ازساکنان نواحی روستایی به علت محدود بودن بخش کشاورزی و بیکاری‌های فصلی ناشی از آن کوشیده اند تا از امکانات موجود و مواد اولیه‌ای که طبیعت در اختیار آن‌ها قرار داده است به عنوان وسیله‌ای برای کسب درآمد بیش‌تر و امرار معاش استفاده کنند و به تولیدی محصولاتی مانند قالی، گبه، عبا، گلیم، حصیر، سفال، گیوه‌دوزی، مشک، دولچه، زنبیل، سبدبافی، توربافی، سوزن‌دوزی، نساجی و مصنوعات رودوزی شده اقدام کنند.

لنج و قایق‌سازی: لنج و قایق سازی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین صنایع دستی بوشهر محسوب می‌شود که سابقه‌ی آن به دوره‌ی افشاریه می‌رسد. نیروی شاغل در این بخش به منحصر به همان «گلافان» (سازندگان لنج و قایق) قدیمی می‌گردد.

مصالح اولیه‌ی مورد نیاز چوب‌های جنگلی مقاوم در مقابل رطوبت برای اسکلت و تخته‌های مرغوب هندی به نام «سای» برای بدنه‌ی آن و بقیه از محل تأمین می‌شود.

گبه‌بافی: برجسته‌ترین صنعت دستی و خانگی استان بوشهر که تقریباً در بیش‌تر نقاط روستایی و حتی شهری رایج بوده و شغل اول یا حرفه‌ی دوم تعداد زیادی از خانوارها محسوب می‌شود بافت گبه است. گبه که به وسیله‌ی پشم خود رنگ مخلوط با موی بز نژادی خاص بافته می‌شود.

در هر یک از روستاها تقریباً تمامی زنان و دختران خانه دار به بافت گبه اشتغال دارند.

در بافت گبه که معمولاً بر روی دارهای قالیبافی و به شیوه‌ی قالی بافته می‌شود تفکیک رنگ پشم از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

پشم‌ها به نسبت نوع رنگی که دارند کاملاً تفکیک و پس از شستشو توسط زنان و دختران و به وسیله‌ی دوک‌های کوچک و قابل حمل ریسیده می‌شود و به صورت نخ‌های چند لای رنگارنگ در می‌آید.

گاهی نیز موی بزهای عدنی راکه از تنوع فوق العاده زیادی برخوردار است با پشم گوسفند مخلوط کرده و به عنوان تار یا جهت دوخت سجاف‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند و در آخرین مرحله به بافت می‌پردازند.

تولیدات گبه مناطق استان بوشهر ضمن تأمین نیازهای داخلی در بازارهای عرضه و معمولاً مسافران سایر نقاط کشور از مشتریان آن محسوب می‌شوند ولی خریدار عمده‌ی آن‌ها ساکنان حوزه‌ی خلیج فارس و امارات عربی هستند که در گذشته چه از طریق سفر به ایران و چه از طریق مبادلات بازرگانی هر ساله مقادیر زیادی از گبه‌های بوشهر را خریداری می‌کردند.

گلیم بافی: تار گلیم زمستانی بخش جم و ریز معمولاً با رنگ‌های جوهری که در برابر عوامل جوی نظیر نور، حرارت، رطوبت و ... فاقد ثبات کافی است رنگرزی می‌شود و همین مسئله به نحو محسوسی از کیفیت و میزان تقاضا برای گلیم‌های تولیدی می‌کاهد.

در حالی که استفاده از رنگ‌های طبیعی که هم دارای قیمت مناسب‌تر و هم دارای ثبات بیشتری است کاملاً مقدور بوده و مواد تعاونی یا رنگ زایی مانند پوست میوه بلوط (جفت)، پوست انار، روناس، چوبک، برگ مو، پوست گردو، قارا (قره قورت) و ... به راحتی در منطقه یافت می‌شود.

این گونه مواد یا مستقیماً رنگ‌های مورد نظر را به دست می‌دهند، مثل روناس و پوست بیرونی گردو که تولید رنگ قهوه‌ای می‌کنند یا در ترکیب با مواد شیمیایی رنگ‌هایی ثابت به وجود می‌آورند مثل پوست گردو که در ترکیب با زاج سفید رنگ خاکی ایجاد می‌کند یا برگ مو و روناس نیز ضمن ترکیب با زاج سفید باعث ایجاد رنگ کرم می‌شوند.

محصول این دار عرضی حدود ۷۵ سانتی متر دارد و طول فرآورده‌ها گاهی به ۶ متر نیز می‌رسد که در پایان کار از وسط نصف و با دوختن قطعات آن در کنار یکدیگر فرشی به ابعاد ۳۰۰ در ۱۵۰۰ سانتی متر به دست می‌آید.

این نوع فرش که معمولاً هر بافنده در روز قادر به تولید یک تخته از آن است در بازارهای بوشهر عرضه می‌شود ولی مصرف کننده‌ی عمده‌ی آن خود روستانشینان هستند.

گلیم‌بافی: تقریباً: در بیش‌تر نقاط روستایی رایج است فصل بافت گلیم معمولاً در زمستان می‌باشد و خانواده‌هایی روستایی درکنار سایر فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری، از اوایل پاییز که فصل چیدن پشم گوسفندان آغاز می‌شود خود را برای شروع کار در زمستان آماده کرده و تدریجاً شستشوی، ریسیدن پشم و رنگرزی را آغاز می‌کنند و اوایل دیماه به کار بافت می‌پردازند.

تار گلیم‌های روستایی اغلب از موی که دارای استحکام بیش‌تری می‌باشد انتخاب می‌شود، ولی پود مصرفی تماماً از پشم است. گلیم یکی از صادرات استان می‌باشد.

قالی بافی: قالی بافی حرفه‌ای است که عشایر منطقه که بیشتر قشقایی ها هستند به این امر اشتغال دارند. قالی های آن‌ها با نقوش ساده است.

رنگ لاکی، برتری خاصی به سایر رنگ‌ها دارد نقش شیر، اژدها، بز، گوزن، مار، قندان، سماور، پله، چهارپا و ... به صورت ساده شده و سمبولیک مشهود است.

نقش‌ها بسیار با مفهوم و زیبا است که به علت گستردگی مجال دیگر می‌طلبد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این صنعت خود

اتکای آن است که بیش از ۹۰ درصد مواد اولیه آن از منابع داخلی تأمین می‌شود و برخلاف دیگر صنایع، احتیاجی به تخصص خارجی نیست تکنولوژی به کار رفته بسیار ساده بوده و نیازی به استفاده از تکنولوژی وارداتی نمی‌شود.

عمده‌ی صنایع دستی خصوصاً فرش دستباف به عنوان یک اثر هنری که جنبه‌های مصرفی نیز دارد شناخته می‌شود. چه در حال و چه درگذشته همواره از فرش‌های دستباف به عنوان سرمایه و پس‌اندازهای قابل حمل و وسیله‌ای برای تأمین اعتبار استفاده شده است.

صنایع دستی، و به خصوص فرش در ایران، صنعتی عمدتاً روستایی است که در اقصی نقاط کشور صورت می‌گیرد به طوری که در سال ۱۳۵۵ از کل تعداد کارگاه‌های کوچک و بزرگ قالیبافی در سطح کشور ۷۵ درصد آن در مناطق روستایی متمرکز بوده‌اند و در سال ۱۳۵۲ از کل روستاها کشور در حدود ۳۳ درصد از آن‌ها، صنعت دستی قالیبافی رایج بوده است.

جاجیم بافی: بافندگان عبا، نیز در صورت دریافت سفارش، به وسیله‌ی دستگاه‌های بافندگی چهاروردی خود و با استفاده از شیوه‌ی بافت عبا نسبت به تولید نوعی جاجیم اقدام می‌کنند، با این تفاوت که نخ مورد استفاده واقع می‌شود در بافت جاجیم از نخ‌های رنگ شده به وسیله‌ی مواد رنگرزی نباتی استفاده به عمل می‌آید.

نمدمالی: نمد یکی از سنتی‌ترین تولیدات منطقه‌ی بوشهر است و درگذشته‌هایی نه چندان دور، تنها در شهر برازجان ۳۵ کارگاه به تولید انواع فرآورده‌های آن اشتغال داشته‌اند، از جمله محصولاتی است که به دلیل سبکی و نمگیر بودنش مورد توجه خاص عشایر و کوچ نشینان است، به طوری که دو استاد کار ۳۵ ساله و ۵۰ ساله در شهر برازجان به تولید نمد اشتغال داشته‌اند و با دستمزدی معادل ۷۵ الی ۸۵ ریال برای هر کیلو پشم نمد تولید می‌کرده‌اند ولی اخیراً مشاهده شد که استادکاران فوق الذکر نیز کارگاه خود را تعطیل کرده و جذب حرفه‌ی دیگری شده‌اند. علت این امر میزان ترقی فوق العاده بهای مواد اولیه، دستمزد و کاهش میزان تقاضا برای تولیدات نمدی است.

معادن

در استان بوشهر میزان بهره برداری از معادن فعال بدین شرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۱۳۹۷۰۰ تن ۲- مارن ۱۰۵۸۰۰ تن ۳- مخلوط کوهی آهکی ۱۸۲۵۰۰ تن ۴- سنگ گچ ۶۷۵۰۰ تن ۵- گچ خاکی ۴۰۰۰۰ تن ۶- نمک آبی ۱۰۰۰ تن ۷- نمک سنگی ۸۰۰۰ تن

در سال ۱۳۸۲ تعداد ۹۲ معدن فعال بدین شرح داشت: ۱- سنگ، شن و ماسه (۹۰)، ۲- شن و ماسه (۲۷) ۳- سنگ لاشه (۳۷)، ۴- سنگ آهک (۱۵)، ۵- سنگ گچ (۱۱)، ۶- نمک (۲).

در استان بوشهر در سال ۱۳۸۲ میزان بهره‌برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- لاشه‌ی ساختمانی ۵۸۷۰۰۰ تن ۲- مالون ۱۵۰۰۰ تن

● سد رئیسعلی دیواری

سد رئیسعلی دلواری در ۶۰ کیلومتری شمال غربی برازجان در استان بوشهر واقع است. این سد از نوع بتنی دو قوسی با هدف تامین آب کشاورزی، تولید برق و کنترل سیلاب بر روی رودخانه شاپور واقع شده است.

مشخصات سد: نوع سد: بتنی دو قوسی، سال شروع: ۱۳۷۵ سال، سال خاتمه: ۱۳۸۶ سال، طول تاج: ۲۴۰ متر، ارتفاع از پی: ۱۱۵ متر، ارتفاع از بستر: ۱۰۲ متر، حجم بدنه سد: ۰/۲۲ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در تراز نرمال: ۶۸۵ میلیون مترمکعب، حجم مفید: ۵۲۴ میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه: ۵۲۰ میلیون مترمکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۱۹/۴۰ مگاوات.

آداب و رسوم

آداب ازدواج: مردم بوشهر سن چهارده سالگی را آغاز دوران مردانگی می‌دانند و وقتی نوجوانی به چهارده‌سالگی رسید به فکر تأمین هزینه‌ی ازدواج می‌افتد و هر قدر که برایش مقدور باشد پول جمع‌آوری می‌کند که به‌مصرف این امر خیر برساند.

ضمناً دختری را به میل خود برای همسری انتخاب می‌کند و حاصل انتخاب خود را به اطلاع والدین خویش می‌رساند، پس از آن که آن‌ها مراتب موافقت خود را اعلام کردند خواستگاری انجام می‌شود. اول پدر و مادر دختر پسر را به عنوان داماد قبول می‌کنند و بعد رفت و آمد پسر به خانه‌ی دختر شروع می‌شود و به نحوی که از او انتظار می‌رود به خدمت پدر عروس مشغول می‌شود و گاه‌گاهی هدایایی هم به خانه‌ی عروس می‌برد.

پس از چند روزی که به این ترتیب گذشت یک دست لباس و یک حلقه‌ی انگشتری و یک جفت کفش برای دختر می‌فرستند و از آن تاریخ آن‌ها نامزد می‌شوند و اصطلاح محلی به این معنی است که «آقای فلان گوش به زنگ دختر آقای فلان است».

با فاصله‌ی زمانی که بستگی به نظر داماد دارد خویشاوندان داماد به منزل عروس می‌روند و درباره‌ی تشریفات عروسی و نحوه‌ی برگزاری جشن مذاکرات به عمل می‌آید و مقدار مهر نیز تعیین می‌شود. مهر روز بعد با نقل و شیرینی به خانه‌ی عروس فرستاده می‌شود.

مراسم عروسی در خانه‌ی داماد برگزار می‌شود. شیخ محل و دوستان داماد دعوت می‌شوند. شیخ دو نفر از معتمدین را به منزل دختر می‌فرستد تا ترتیب برگزاری مراسم جشن را به اطلاع عروس برسانند. در این موقع عروس با زر و زیور و بزک کامل در اطاق خودش می‌نشیند و همه‌ی دوستان در اطراف او هستند. به اطلاع دختر می‌رسد که شیخ می‌خواهد صیغه‌ی عقد را جاری کند و از او سؤال می‌کنند آیا با این مزاوجت موافقت دارد؟ این سؤال چهار بار تکرار می‌شود و بار آخر عروس با گفتن بله رضایت خود را اعلام می‌دارد. معتمدین خبر رضایت دختر را به نزد شیخ می‌برند و شیخ با تلاوت آیاتی از کلام خداوند آن‌ها را زن و شوهر اعلام می‌کند. به محض این که کلمه‌ی بله از دهان دختر بیرون آمد خانه غرق در آوای هلهله و شادی و کف زدن می‌شود. مهمان‌ها مشغول خوردن شیرینی و شربت و کشیدن قلیان می‌شوند و بعد کم‌کم جمعیت متفرق می‌شود.

دستمزد شیخ از طرف داماد پرداخته می‌شود. وقتی سند ازداج نوشته شد و به امضای شیخ رسید. برای داماد ارسال می‌گردد. آن وقت دستمزد شیخ او ارسال می‌گردد.

بعد از این مراسم داماد مرتباً به خانه‌ی عروس می‌رود اما عروس خودش را پنهان می‌کند و داماد موفق به دیدن او نمی‌شود. چند ماهی به این ترتیب می‌گذرد تا مراسم عروسی انجام شود.

قبل از اجرای مراسم عروسی دو دست لباس فاخر ابریشمین یکدست، لباس گلدار و ظروفی مملو از شیرینی به خانه‌ی عروس فرستاده می‌شود. شب قبل از زفاف ظرفی از حنا و مجدداً مقداری شیرینی از طرف داماد به خانه‌ی عروس برده می‌شود شخصی که ظرف حنا را حمل می‌کند با گروهی از خوانندگان و نوازندگان و طبال‌ها احاطه شده است. آن‌ها شادی کنان و پایکوبان به منزل عروس وارد می‌شوند.

در این شب عروس و داماد حنابندان می‌کنند و صبح زود هر کدام جداگانه به حمام عمومی می‌روند. اگر محله‌ی سکونت آن‌ها فاقد حمام عمومی بود در منزل شستشو می‌کردند. بعد از ظهر همان روز داماد سوار بر اسب در معیت دوستانش به سر چشمه می‌رود و در چشمه آب تنی می‌کرد. از چشمه که بیرون آمد لباس دامادی می‌پوشید به خانه برمی‌گردید و در اطاق خواب خود می‌ماند. در تمام مدت برگزاری این تشریفات صدای کف زدن و غریو شادی و هلهله‌ی دوستان و خویشاوندان و همسایگان به گوش می‌رسد و بی‌هدف شلیک می‌کردند.

در شب عروسی مهمانی شام مفصلی در منزل داماد ترتیب داده می‌شد وقتی شام صرف می‌شد مدعوین داماد را به حجله می‌بردند و همگی چراغ و لاله به‌دست به منزل عروس می‌روند.

عروس بر اسبی سوار است و بانوان اطراف او را احاطه کرده‌اند، در حالی که مطربان مشغول نواختن هستند همگی به‌طرف خانه‌ی داماد حرکت می‌کنند. داماد تا جلوی در منزل به استقبال می‌رود و بازوی عروس را می‌گیرد و او را در پایین آمدن از اسب یاری می‌کند.

با جمعیتی که ازدحام نموده است ورود آن‌ها به خانه آسان نیست. در این موقع یکی از خویشاوندان داماد پیشی گرفته عروس را به حجله راهنمایی می‌کند. دست‌های آن‌ها را بر روی هم قرار می‌دهد در گوش آن‌ها دعایی می‌خواند. بعد پاهای عروس و داماد با عطریات خوشبو شتشو داده می‌شود و شست پای عروس به شست پای داماد بسته می‌شود. این کار دقت و مهارت لازم دارد زیرا اگر در وقت بسته شدن شست‌ها بر روی هم قرار بگیرند. بدشگون خواهد بود.

داماد چند سکه‌ی طلا داخل لگنی که پاهای عروس و داماد در آن شسته شده است می‌اندازد جمعیت به تدریج به خانه‌های خود مراجعت می‌کنند. خانه در سکوت فرو می‌رود و وقتی داماد برای اولین بار نقاب از چهره‌ی عروس برمی‌دارد هدیه‌ای به وی تقدیم می‌کند حالا عروس و داماد در حجله تنها هستند. این اطاق معمولاً با پرده‌ای الوان تزئین می‌شود. سپر و شمشیری در گوشه‌ی این اطاق گذاشته شده است. اینجا خوابگاه عروس و داماد است.

تشریفات زایمان: وقتی آثار حاملگی هویدا شد، زن باردار را از خوردن غذاهای سنگین و غیر قابل هضم منع می‌کنند وقتی زن هفت ماهه شد قابله صورتی از مایحتاج را تهیه می‌کند آن را به بازار می‌برند و لوازم خریداری می‌شود و آنوقت شروع به بریدن و دوختن لباس‌های نوزاد می‌کنند. اگر تابستان باشد بچه را روز اول حمام می‌کنند و اگر زمستان باشد بچه را روز هفتم به حمام می‌برند بعد طفل به گهواره منتقل می‌شود. او را چنان محکم با پارچه به گهواره می‌بندند که دیگر قادر به حرکت نیست. مادر هم بعد از اتمام خونریزی به حمام می‌رود. در روز هفتم تولد، بچه را نامگذاری می‌کنند.

وقتی طفل شروع به راه رفتن کرد خلخالی مزین به زنگوله‌های کوچک به پایش بسته می‌شد. صدای زنگوله بچه را به راه رفتن تشویق می‌کند و ضمناً بزرگ‌ترها هم از حرکت بچه آگاه می‌شوند و مواظبت می‌کنند به زمین نیفتد اگر شیر مادر کافی نباشد دایه‌ای برای شیر دادن طفل استخدام می‌کردند. دقت به عمل می‌آید که دایه از بین خانواده‌های خوب و شریف انتخاب شود. معمولاً دایه را تعویض نمی‌کنند و مادام العمر در خدمت می‌ماند اما اگر خواست ترک خدمت کند دستمزد و شیربهای کافی به او می‌پردازند.

برای آن که گرمای هوا و آفتاب به پوست بچه صدمه نزند چندین نوع محلول خوشبو به بدن او مالیده می‌شود با اعتقاد به این که از پاره‌ای از امراض مصون خواهد ماند به طفل ادویه‌جاتی می‌خورانند وقتی بچه مریض باشد دایه را از خوردن بسیاری از غذاها محروم می‌کنند. والدین طفل از همسایگان چاره‌جویی می‌کنند آن‌ها هم انواع داروها را تجویز می‌کنند. گاهی این داروها طفل را معالجه می‌کند و گاهی هم باعث مرگ کودک می‌شود. داروی خیلی رایج، پوست خشخاش، شکر و آب‌جوش است.

آن‌ها که در نزدیکی بوشهر زندگی می‌کنند بچه‌های خود را برای تزریق واکسن آبله به بوشهر می‌آورند. وقتی بچه هشت ساله شد به مدرسه فرستاده می‌شود. در مدرسه قسمتی از وقت طفل صرف خدمت به استاد می‌شود. ابتدا خواندن قرآن را می‌آموزند بدون آن که معنی آن را بفهمند و بعد داستان‌های کوچکی را که به شعر درآمده از بر می‌کنند، مثل داستان موش و گربه و زنبورک طلایی و از این قبیل، بعد اشعار حافظ را می‌خوانند اطفالی که پدران آن‌ها به جنگ و ستیز علاقمندند شاهنامه می‌خوانند.

نحوه‌ی تغذیه: وقتی نماز صبح خوانده شد صبحانه که عبارت از چای شیرین و نان است صرف می‌شود گاهی هم چایی با شیر شیرین می‌شود. بعد از صبحانه قلیان یا سیگار کشیده می‌شود. قبل از ظهر ناشتایی خورده می‌شود که عبارت است از نان و خرما و پیاز با سه نوع سبزی صحرایی به نام کاکل و والک و تاتوله. این سبزی‌ها تمام مدت بهار و زمستان به وفور در صحرا یافت می‌شوند.

یک ساعت بعد از غروب آفتاب شام صرف می‌شود که عبارت است از نان و پیاز و پنیر و گاهی هم آبگوشت. هفته‌ای دو بار برنج خورده می‌شود و معمولاً این برنج را از هندوستان وارد می‌کنند.

زینت آلات بانوان: بازوبندهایی که از گوی‌های کوچک رنگین ساخته شده و گردن بندهایی از سکه‌های مسی و گاهی با آویزهایی از شیشه‌های تراش شده زینت آلات معمولی زنان این ناحیه می‌باشد.

بازوبندهای نقره نیز مرسوم است. بعضی از زنان دماغ بچه‌ها را سوراخ می‌کنند و حلقه‌های نقره‌ای به آن آویزان می‌کنند. زنان ابروهای خود را خالکوبی می‌کنند یک خال تک بر روی چانه و چند خال بر روی بازو می‌گذارند آن‌ها روی سینه‌ی خود را با فرم گلی خالکوبی می‌کنند این خال همیشه به رنگ سبز می‌باشد.

بهترین لباس زنان عبارت است از شلوار بلند، لباس زیر ابریشمین و عبایی راه راه بر دوش که همیشه به رنگ‌های شاد می‌باشند. عبای راه‌راه قرمز شدیداً مورد پسند است.

لباس مردان: پیراهن مردان معمولاً کوتاه است و

یقه‌ی آن دست دوزی شده است. پارچه‌ی پیراهن آن‌ها نخی و از نوعململ ضخیم تهیه می‌شود. لباس زیر مردان همیشه گشاد است و به رنگ سفید یا سیاه می‌باشد. در بوشهر پارچه‌ی لباس مردان با رنگ‌های مختلفی رنگ می‌شود و مردان معمولاً شال نخی به کمر می‌بندند.

در تابستان‌ها مردان عبای نازکی به دوش دارند و در زمستان‌ها پالتوی پشمی می‌پوشند. همه‌ی مردان دارای تفنگ هستند. شمشیر و چوب و چماق به‌طور قطع در اختیار کسانی است که تفنگ ندارند.

آوازخوانان بوشهر: گروهی از کنیزکان سیاه‌پوست نقش مطرب را در بوشهر ایفاء می‌کردند آن‌ها را برای مجلس‌آرایی به عروسی‌ها دعوت می‌کنند طبل و زنگ، وسائل موسیقی آن‌ها می‌باشد. این‌ها معمولاً دایره‌وار می‌نشینند و آواز می‌خوانند و گاهی هم به‌طور دستجمعی از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنند و به خانه‌های اعیان دعوت می‌شوند و مزدی هم می‌گیرند.

عده‌ای از غلامان سیاه نیز هستند که طبل و شیپور می‌زنند و آوازهای دستجمعی می‌خوانند. در روزهای عزاداری، این گروه داخل مردم معمولی می‌شوند و سینه‌زنی می‌کنند با صدای بلند گریه می‌کنند و به این نحو شرکت خود را در عزا به ثبوت می‌رساند.

اعیاد عمومی: در هر روز تعطیل آن‌ها که باهم منسوب و یا محشور هستند در نقطه‌ای اجتماع می‌کنند. همه لباس‌های نو می‌پوشند و برای دیدن و عرض ادب به منزل اشخاص مهم می‌روند. در منزل اعیان با چای و قهوه و قلیان پذیرایی می‌شوند.

موسیقی بوشهر تبلور حماسه و تلاش: بوشهر یکی از مناطق جنوبی ایران است که در حاشیه‌ی خلیج‌فارس قرار دارد و از نظر فرهنگی با منطقه‌ی دشتستان، دارای مشترکات عمیق می‌باشد و برخی اشعار که در بوشهر خوانده می‌شود، در دشتستان نیز رواج دارد. بسیاری از اشعار و مقام‌های موسیقی که در این منطقه، رایج است در ارتباط با مناسبت‌ها و رویدادهای تاریخی است و نوعی ریشه در روزگار گذشته دارد.

بخش مهمی از موسیقی منطقه‌ی بوشهر را نوحه‌ها و آوازهای مراسم عزاداری تشکیل می‌دهد و به گونه‌ای موسیقی حماسی و رزمی به عنوان نماد بارز موسیقی این منطقه تبدیل شده است. این ویژگی هنگامی که با شرایط سخت طبیعی و اقلیمی آن آمیخته می‌شود، فرهنگ و هنر بوشهر را رنگ و جلوه‌ای خاص می‌بخشد که سرشار از حماسه، تحرک، ریتم و تلاش است.

پژوهشگران موسیقی بوشهر به دو بخش عمده‌ی مذهبی و غیرمذهبی با آیینی یا غیرآیینی تقسیم می‌کنند.

در بخش موسیقی آیینی مذهبی بسیاری از آوازهای مذهبی بوشهر اعم از «نوحه» و «ذکر» «بیت‌های عزا» «مصیبت»، «چاوشی» و غیره قرار می‌گیرد، و آوازهای مربوط به «اهل هوا» مانند «لیوا» «زار» و «مشایخ» در چهارچوب موسیقی آیینی غیرمذهبی هستند.

بر اساس این چهارچوب انواع فرم‌های موسیقی بوشهری به قرار زیر است:

بزله خوانی: که هم در عزا و هم در جشن‌ها اجرا می‌شود. بزله به‌صورت دسته جمعی است، یک نفر می‌خواند و بقیه در حالی که دست می‌زنند به او جواب می‌دهند. بزله خوانی با صدای «صلی علی النبی یا هو» شروع می‌شود که به دیگران آمادگی دهد.

شروه خوانی: که با قدمتی نه چندان طولانی به دوره‌ی شاعرانی چون فایز و مفتون برمی‌گردد. شروه که ریشه در رنج‌های مردم این خطه دارد در آواز دشتی خوانده می‌شود.

نوحه‌خوانی: یکی از سرودهای رایج و اصیل منطقه‌ی بوشهر است که از اهمیت خاصی برخوردار است. نوحه خوانی همراه با اشعار مذهبی در ایام سوگواری به اجرا درمی‌آید.

بیت‌خوانی: شکل دیگری از موسیقی محلی بوشهر است که در عزا و عروسی اجرا می‌شود. اما اجرای این موسیقی اختصاص به جوانان دارد. بیت‌خوانی ویژه‌ی مراسم عزا، بیت وارونه است و بیت خوانی مراسم عروسی بین معمولی یا شاد است.

چاووش خوانی: که در دستگاه چهارگاه اجرا می‌شود و به هنگام سفر، به ویژه سفر حج و زیارت می‌خوانند

جنگ نامه یا شاهنامه خوانی: آوازی است که معمولاً در شب‌نشینی‌ها و گردهمایی‌های اهل ادب و فرهنگ اجرا می‌شود شاهنامه خوانی توسط یک تکخوان اجرا می‌شود و همراه جمعی ندارد.

بدین ترتیب موسیقی در منطقه‌ی بوشهر در کلیه‌ی شئون زندگی مردم، از جشن گرفته تا عزا و از کار تا لالایی مادران حضور دارد. ارتباط قوی میان انواع موسیقی و مردم این منطقه به حدی است که در همخوانی‌ها یا همسرایی‌ها یک آمادگی ضمنی طبیعی و غریزی میان اجراکنندگان دیده می‌شود. این تأثیر به گونه‌ای است که حتی کار بر روی دریا بدون نغمه‌ها به زبان محلی «نیمه» تحرک و جنبش لازم را نداشته یا اصولاً امکان‌پذیر نبود. این نغمات نه تنها هنگام کار روی دریا بلکه در برخی مواقع دیگر نیز برای جابه‌جا کردن اشیای سنگین در روی خشکی برای ایجاد هماهنگی در میان کارگران استفاده می‌شده است. پژوهشگران ریشه‌های نغمه‌های شاد این گونه موسیقی را در تأثیرپذیری از سیاهان آفریقایی می‌دانند که در دوره‌ی خاص به‌صورت برده یا کارگر در سواحل جنوب ایران مشغول به کار بوده‌اند.

نغمه‌ها یا نیمه‌های کار بر روی دریا عبارتند از: ۱ - نیمه‌ی میداف ۲ - نیمه‌ی گرگور ۳ - نیمه‌ی بالاکشیده سنگر یا بادبان (شیرا)

در نیمه‌ی میداف از اشعار مفتون و فائز استفاده می‌شود و گاهی نیز بعضی اشخاص در قالب شعر طعنه می‌زند این نوع موسیقی در تهییج احساسات و تقویت نیروی جسمانی تأثیر زیادی دارد.

از فرم دیگر موسیقی بوشهر می‌توان به شبالو، مولودی، چوبی چهاردستماله یا سرپا، چوبی بوشهری، شکمی و بندری اشاره کرد.

سازهای منطقه عبارتند از نی انبان، نی‌جفتی، نی تکی (نی زنا)، بوق، دمام، سنج»

از بازی‌های استان بوشهر - گل شده: (شده یا فتحه، تشدید ک، د) یکی از بازی‌های رایج و متداول استان بوشهر است.

بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی انجام می‌شود، عده‌ی هر تیم از دو نفر به بالا است. محل بازی زمین هموار و مسطحی است که وسعت آن بستگی به وضعیت بازیکنان از نظر سنی و قدرت بدنی دارد و حداقل به ابعاد ۲۰×۵۰ متر می‌باشد. وسیله‌ی بازی عبارت است از یک یا چند چوب دستی به طول ۸۰ تا حداکثر ۱۲۰ سانتی‌متر و قطر ۴ تا ۷ سانتی‌متر و یک عدد توپ کوچک به اندازه‌ی توپ هاکی، سبک توخالی و افراد بزرگ‌تر از توپ‌های توپر محلی که از سنگ،

چرم و پارچه پر شده استفاده می‌کند.»
غذاهای محلی: ماهی در غذای بیش‌تر مردم این استان خاصه سواحل و جزایر آن سهم مهمی دارد مانند قلیه، ماهی شکم گرفته، ماهی سرخ کرده، پلوماهی، چلوماهی، پلو و چلومیگو، ولی مردم قسمت‌های داخلی استان بیش‌تر از رنگینک، دال عدس و رشته استفاده می‌نمایند.
انواع ماهی‌ها: ماهی‌های خوراکی که در سواحل و جزایر استان بوشهر صید می‌شوند عبارتند از: حلوا سفید، شوریده، راشگو، سنگسر، ماهور، شیرماهی، قباد، سرخو، شِعری، ششوم، سه بیتی، خارو، گواف، مید، صبور، انگز و ده‌ها نوع دیگر.

دانشگاهی و فرهنگی

دانشگاه خلیج فارس: این دانشگاه با نام دانشگاه بوشهر در ۱۳۷۱ فعالیت خود را آغاز کرد و در حال حاضر با چهار دانشکده مهندسی، علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، وکشاورزی و منابع طبیعی و یک مرکز تحقیقات با نام مرکز مطالعات و پژوهش‌های خلیج فارس و یک دبیرستان شبانه‌روزی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. نام آن در راستای حفظ هویت ملی ـ اسلامی خلیج فارس و به دلایل تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، علمی و سیاسی در ۱۳۷۵ به دانشگاه خلیج فارس تغییر یافت.
دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با گروه‌های آموزشی: مدیریت صنعتی، مدیریت بازرگانی ،حسابداری، زبان و ادبیات عرب،کتابداری، زبان انگلیسی، معارف اسلامی)، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی (با گروههای آموزشی مهندسی مکانیک،مهندسی عمران،مهندسی دریا،مهندسی شیمی و صنایع گاز) دانشکدهٔ علوم پایه (با گروههای آموزشی ریاضی ،فیزیک و شیمی محض) و مرکز مطالعات و پژوهش‌های خلیج فارس (با گروههای پژوهشی مطالعات تاریخی، محیط زیست شیلات) در این دانشگاه فعالیت دارند.
دوره‌های تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر: در سال ۱۳۶۲ آموزشکده‌ی مامائی نرجس تأسیس و در سال ۷۳ آموزشکده‌ی مذکور به دانشکده‌ی پرستاری، مامائی تغییر نام یافت. در همین سال سازمان منطقه‌ای به آن متصل و به دانشکده‌ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ارتقا یافت و در سال ۷۴ دانشکده به دانشگاه تبدیل شد ـ دولتی

آثار ثبت شده استان بوشهر

ریشهر قدیم - ایلامی - بوشهر
منطقه سیراف- (ساسانی - اسلامی) - بندر سیراف
خانه قاضی - زندیه - بوشهر
دژ برازجان - قاجاریه - برازجان
گور دختر - هخامنشی - برازجان
خانه رئیس علی دلواری - اواخر قاجار - دلوار
تپه گورستان شغاب - هزاره ۱ ق-م - بوشهر
مسجد بردستان - قرن ۹ ه-ق - دیر
کاروانسرای دالکی - قاجاریه - برازجان
نیایشگاه‌مند - (اشکانی ـ ساسانی) - دشتی
قلعه زائر خضر خان (کلات اهرم) - اواخر قاجار - اهرم
امامزاده عبدالمهیمن - قاجاریه - بوشهر
عمارت ملک بوشهر - اواخر قاجار - بوشهر

کلیسای خارک - ساسانی - بوشهر
بقعه میر محمد حنفیه - قرن ۹ ه-ق - بوشهر
مسجد و گورستان پالمیریان - ساسانی - بوشهر
عمارت گلشن - قاجاریه - بوشهر
عمارت طبیب - قاجاریه - بوشهر
مجموعه حاج رئیس - قاجاریه - بوشهر
عمارت امیریه - قاجاریه - بوشهر
بافت شهر بوشهر - افشاریه - بوشهر
عمارت شیرینه - قاجاریه - دشتی
عمارت دهدشتی - قاجاریه - بوشهر
پل مشیر - (قاجاریه - پهلوی اول) - بوشهر
امامزاده سلیمان‌بن‌علی-(صفویه - قاجاریه) - بندرگناوه
مدرسه سعادت - قاجاریه - بوشهر
حسینیه خان - قاجاریه -گناوه- بندر ریگ
تل پی تل - ایلامی - بوشهر
حمام جم - قاجاریه - جم- محله ولایت
حمام ملک - قاجاریه- بوشهر
مقبره شیخ حسین چاهکوتاهی - قاجاریه بوشهر
قلعه آقاخان لیراوی - قاجاریه - دیلم
گورستان مهاجمین انگلیسی - قاجاریه - بوشهر
بقعه شیخ منصور خزاعی - تیموری - دشتستان
محوطه بندر تاریخی مه رویان - اسلامی - دیلم
خانه مرادی - قاجاریه - بوشهر
عمارت سبزآباد (کنسولگری انگلیس)-قاجاریه- بوشهر
قلعه محمد خان دشتی - قاجاریه - خورموج
عمارت مصلحیان (کتابخانه ارشاد) - قاجاریه - بوشهر
ساختمان قند و شکر - اواخر قاجار - بوشهر
مجموعه چهل خانه - تاریخی - دشتستان
آب انبار قوام - قاجاریه - بوشهر

تپه قلعه ـنصوری (قلعه شیخ)- قاجاریه -کنگان
خانه جان نثار- قاجاریه - بوشهر
خانه سید مهدی بلادی - قاجاریه - بوشهر
عمات گمرک (هفت بنگله) -قاجاریه ـ بوشهر
کوشک اردشیر - ساسانی - براز جان
عمارت کوتی - ساسانی - بوشهر
قلعه محمد خان دشتی - قاجاریه - دشتستان
کاخ کوروش - هخامنشی - برازجان
کاخ بردک سیاه - هخامنشی - برازجان
کاخ سنگ سیاه - هخامنشی -بوشهر
تجارتخانه ایرانی - قاجاریه - بوشهر
عمارت کازرونی - اوایل قاجار - بوشهر
مسجد جمعه - قاجاریه - بوشهر
حسینیه حاج سید محمد کازرونی -اواخرقاجار - بوشهر
امامزاده پیر چهل گزو - اسلامی - خورموج
قلعه بردستان - اسلامی - دیر
محوطه محمد آباد - تاریخی - دشتستان
تپه تل تل - (تاریخی - قرون اولیه اسلامی) - گناوه
تپه تل کم - (ساسانی - اسلامی) - دیلم
تپه تل مهد حیدر - (ساسانی - اسلامی)-گناوه
عمارت طاهری - قاجاریه - بوشهر
تپه تل تاریخی شهید - هخامنشی - دشتستان
تپه تل بردی - قاجاریه - تنگستان
عمارت علوی - اواخر قاجار - بوشهر
محوطه دستک -(ساسانی - اسلامی) - بوشهر
محوطه ماه میرو - (تاریخی -اسلامی) - بوشهر
گورستان سر تل - تاریخی -بوشهر
گورسیبویه - اسلامی - کنگان
آرامگاه گورستان صخره‌ای سیراف (ساسانی-اسلامی)
مسجد جامع سیراف - قرن ۲ه.ق کنگان

تل برافتو - (تاریخی اسلامی) - گناوه
آثار سد و بند دو دوره - ساسانی - دشتستان
قلعه حسن علی بیگ - ساسانی - دشتستان
قصر دختر تنگ ارم - ساسانی - دشتستان
آتشکده چم نرگسی - ساسانی - دشتستان
تل چیتو - (تاریخی - اسلامی) گناوه
تل گوری - (ساسانی - اسلامی) - گناوه
گورستان امامزاده - پیش از اسلام - بوشهر
پناهگاه مال قائد - (مغول - ایلخانی) - گناوه
محوطه چه باغ - تاریخی - بوشهر
کلیسای ارامنه گریگوری - قاجاریه بوشهر
محوطه جابرج - ساسانی - گناوه
آب انبارهای تنگ ارم - ساسانی - دشتستان
مسجد غریب - قاجاریه - بوشهر
حسینیه حاج مریم - قاجاریه - بوشهر
خانه حاج ابراهیم چاپی - قاجاریه - بوشهر
خانه مهربان - قاجاریه - بوشهر
خانه عبدالرسول جمالی - قاجاریه - بوشهر
ساختمان اداره امور اتباع خارجی - قاجاریه - بوشهر
عمارت کمندی - قاجاریه - بوشهر
خانه فرح بخش - قاجاریه - بوشهر
عمارت آسیایی - قاجاریه - بوشهر
خانه نجفی - قاجاریه - بوشهر
قلعه ملک منصور خان شبانکاره‌ای - قاجاریه - شبانکاره
خانه ابراهیم امیری - قاجاریه - بوشهر
مسجد المهدی - قاجاریه - بوشهر
قنات کت خاش - ساسانی - برازجان
قلعه دختر لاور ساحلی - اسلامی - دشتی
قلعه زندان - (ساسانی - قرون اولیه اسلامی) - بردخون
بناهای تنگ شهدا - ساسانی - دشتستان
آسیاب آبی گزکی - قاجاریه - خورموج
قلعه داراب خان - قاجاریه - دشتی
چاه سنگی جبرانی ۱ - (ساسانی - اسلامی) - دیر
چاه سنگی جبرانی ۲ - اسلامی - دیر
آثار سنگی شاهزاده ابوالقاسم -(ساسانی-اسلامی)- دیر
چاه رمیله - ساسانی - دیر
آسیاب آبی تنگ فاریاب - قاجاریه - دشتستان
خانه رجب پور - قاجاریه - بوشهر
خانه شهربانو رحیم پور - قاجاریه - بوشهر
عمارت تنگستانی - قاجاریه - بوشهر
خانه صمیمی - قاجاریه - بوشهر
خانه اداره اوقاف - قاجاریه - بوشهر
خانه حاج رئیس - قاجاریه - بوشهر
خانه حاج ابراهیم صالحی مطلق - قاجاریه - بوشهر
خانه حسین کرمی - قاجاریه - بوشهر
خانه سید حسام موسوی - قاجاریه - بوشهر
خانه رفیعی - قاجاریه - بوشهر
خانه طایی - قاجاریه - بوشهر
خانه محمد کاظم بناریان - قاجاریه - بوشهر
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
فهرست آثار تاریخی استان بوشهر در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۲۴۶ واحد می‌باشد.

بوشهر: تعداد شهرستانها ۷ بخش ۱۶ تعداد شهر ۱۱ تعداد دهستان ۳۰ مساحت پارکهای جنگلی - فضاهای سبز و ذخیره‌گاه‌های جنگلی کل مساحت ۱۸۷۵۵۰ هکتار - فضای سبز ۴۱۱۰۰ ذخیره ۳۳ هکتار بوشهر فضای سبز ۴۲۵
تنگستان جنگلی ۷۴

طول و عرض جغرافیایی شهرستانها : ۱۳۸۵

شهرستان	طول شرقی				عرض شمالی			
	حداقل		حداکثر		حداقل		حداکثر	
	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه
کل استان	**۵۸**	**۵۲**	**۸**	**۵۰**	**۱۷**	**۳۰**	**۱۷**	**۲۷**
بوشهر	۱۰	۵۱	۴۰	۵۰	۴۶	۲۹	۴۶	۲۸
تنگستان	۳۵	۵۱	۵۸	۵۰	۳۸	۲۹	۱۵	۲۸
دشتستان	۰	۵۲	۴۵	۵۰	۴۵	۲۹	۴۲	۲۹
دشتی	۱۰	۵۲	۱۰	۵۱	۴۵	۲۸	۱۰	۲۸
دیر	۵	۵۲	۱۵	۵۱	۲۰	۲۸	۵۰	۲۷
دیلم	۳۸	۵۰	۸	۵۰	۱۷	۳۰	۴۶	۲۹
کنگان	۵۸	۵۲	۴۸	۵۱	۵۱	۲۸	۱۷	۲۷
گناوه	۵۳	۵۰	۸	۵۰	۴۶	۲۹	۱۰	۲۹
جم	...	...	...	...	...	...	...	...

مأخذ : مرکز آمار ایران

طول و عرض جغرافیایی کنگان مربوط به شهرستان کنگان و جم می باشد .

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری

بوشهر: مرد: (۲۶۹۸۰۸ شهری، ۱۴۹۰۲۹ روستائی)، زن: (۲۴۷۵۶۴ شهری، ۱۲۳۷۸۶ روستائی).

جمعیت استان بوشهر

شهرستان بوشهر: تعداد خانوار ۵۳۱۷۳، جمعیت ۲۲۵۲۹۷، تعداد باسواد ۱۷۷۳۲۶، تعداد بیسواد ۱۰۱۶۱.

شهرستان تنگستان: تعداد خانوار ۱۴۶۲۰، جمعیت ۶۳۷۳۵، تعداد باسواد ۴۶۲۰۷، تعداد بیسواد ۱۰۳۵۳.

شهرستان جم: تعداد خانوار ۸۴۱۲، جمعیت ۳۸۵۷۸، تعداد باسواد ۲۹۰۱۱، تعداد بیسواد ۴۵۳۵.

شهرستان دشتستان: تعداد خانوار ۴۷۷۷۳، جمعیت ۲۲۶۹۰۵، تعداد باسواد ۱۶۷۲۳۳، تعداد بیسواد ۳۱۷۵۹.

شهرستان دشتی: تعداد خانوار ۱۵۴۶۵، جمعیت ۷۴۸۹۸، تعداد باسواد ۵۲۵۲۶، تعداد بیسواد ۱۱۶۶۷.

شهرستان دیر: تعداد خانوار ۱۰۰۳۶، جمعیت ۴۸۶۳۶، تعداد باسواد ۳۶۲۸۲، تعداد بیسواد ۷۱۲۴.

شهرستان دیلم: تعداد خانوار ۶۳۶۲، جمعیت ۲۹۴۵۱، تعداد باسواد ۲۲۴۴۶، تعداد بیسواد ۳۵۷۷.

شهرستان کنگان: تعداد خانوار ۱۵۲۲۰، جمعیت ۹۵۳۴۹، تعداد باسواد ۶۳۳۳۹، تعداد بیسواد ۱۰۷۴۶.

شهرستان گناوه: تعداد خانوار ۱۷۷۰۱، جمعیت ۸۳۴۱۸، تعداد باسواد ۳۶۳۳۹، تعداد بیسواد ۱۰۴۸۷.

تقسیمات کشوری: این استان دارای نه شهرستان (۱ ـ بوشهر ۲ ـ تنگستان ۳ ـ جم ۴ ـ دشتستان ۵ ـ دشتی ۶ ـ دیر ۷ ـ دیلم ـ ۸ ـ کنگان ۹ ـ گناوه و بیست و دو بخش و بیست و نه شهر و چهل و سه دهستان می‌باشد و طبق آخرین آمار سرشماری (۱۳۸۵) نفر می‌باشد.

شهرستانها، بخش‌ها و دهستان‌ها

آبدان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دیر استان بوشهر و مرکزش آبدان است.

و در منطقه‌ای دشتی گرم خشک و کوه سرچشمه قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، خرما و مرکبات.

پوشش گیاهی: کاسنی، گل زرد و خاکشی، گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو و گراز.

آبکش: از دهستان‌های بخش بردخون شهرستان دیر استان بوشهر و مرکزش آبکش و در منطقه‌ای دشتی، گرم خشک و رودمند در این دهستان جریان و کوه درنگ در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو و خرما

پوشش گیاهی: گل‌زرد و تخم شربتی و درختان کنار و گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

آب و هوای بسیار خوب در فصل بهار، موقعیت بندری ویژه‌ی اقتصادی

مکان‌های دیدنی جزیره‌ی خارک، کاخ هخامنشی بردک سیاه در ۱۲ کیلومتری شمال برازجان، عمارت ملک خانه رئیسعلی دلواری، کاخ کوروش، گوردختر، آب‌انبار قوام، قبر ژنرال انگلیسی، کوشک اردشیر، گورستان ژنرال‌ها (قبرستان امپریالیسم) کلیسای مسیح مقدس سیراف، ریشهر، چشمه‌های آبگرم دالکی و میراحمد.

سوغات: انواع صنایع دستی از جمله گلیم، گبه، انواع ماهی، خرما، میگو، مسقطی

ارم: از دهستان‌های بخش ارم شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش تنگ ارم است.

ارم: از بخش‌های شهرستان دشتستان، استان بوشهر مرکز آن، شهر تنگ ارم، دارای دو دهستان (۱ - ارم ۲ - هرود) است که مرکز دهستان ارم تنگ ارم که یک مرکز شهری نیز می‌باشد و مرکز دهستان دهرود، دهرود سفلی می‌باشد.

امام حسن: از بخش‌های شهرستان دیلم استان بوشهر است که مرکز آن در ۱۳۷۸/۷/۷ تبدیل به شهر گشت. مرکز آن بخش شهر امام‌حسن است که سابق مهرگان نام داشت دارای دو دهستان (۱ - لیراوی جنوبی ۲ - لیراوی میانی) است.

شهر امام حسن قرار گرفته است همچنین کوه بنک در جنوب شرقی بخش امام حسن واقع است.

دامداری و کشاورزی و کارگری وسیله‌ی زندگی مردم این سامان می‌باشد.

فرآورده‌های عمده‌ی گندم، جو، دام و فرآورده‌های دامی

پوشش گیاهی: درخت کنار و پوشش مرتعی برای چرای دام.

جانوران: پلنگ، گرگ، گراز، کفتار و خرگوش

این بخش در ارتفاع ۱۵ متری سطح دریا،

ساحلی، گرم مرطوب در ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی بندر دیلم قرار گرفته است، خلیج فارس در یک کیلومتری این بخش قرار دارد.
مردم این استان به زبان فارسی سخن می‌گویند.
انگالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بوشهر استان بوشهر و مرکز آن کره بند است. و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب قرار گرفته
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: درختان گز و کنار
جانوران: آهو، شغال، روباه، خرگوش، گراز و گرگ و کفتار
اهرم: از نقاط دلپذیر با آب و هوای معتدل گرم و مرطوب با چشمه‌های متعدد و دارای باغ‌های نارنگی، لیمو ترش و لیمو شیرین است. از این گذشته آثار ۱ـ دو دژ نظامی گلین به جا مانده، ۲ـ امامزاده جعفر، ۳ـ مقبره‌ی زینت الشهدا از جاهای دیدنی آن است.
اهرم: از دهستان‌های بخش اهرم شهرستان تنگستان استان بوشهر و مرکزش بازوئی و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک قرار گرفته است.
فرآورده‌ها: خرما، تنباکو، گندم و جو
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، کاسنی و آویشن و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو و پازن و قوچ، میش، بزکوهی، گراز و کبک
باغک: از دهستان‌های بخش اهرم شهرستان تنگستان استان بوشهر و مرکزش شورکی و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک و کوه بیرمی و کان گنج در آن قرار گرفته
پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، بزکوهی، گراز و پلنگ
برازجان (مرکز شهرستان)
شهر برازجان مرکز شهرستان دشتستان از شهرستانهای استان بوشهر و در طول جغرافیائی ۳۱ درجه و ۵۱ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۱۶ درجه و ۲۹ دقیقه و در بلندی ۶۵ متری از سطح دریا و در ۷۲ کیلومتری شهر بوشهر مرکز استان بوشهر و در مسیر راه کازرون ـ بوشهر است که در جلگه‌ای قرار گرفته و در نزدیکی آن کوه و رود مهمی وجود ندارد.
آب و هوا: گرم و خشک بیشترین درجه گرما ۴۸ و بیشترین درجه سرما ۵ درجه بالای صفر و میزان بارندگی سالانه کمتر از ۲۰۰ میلیمتر است.
بردخون: از بخش‌های شهرستان دیّر از استان بوشهر است که از خاور و جنوب خاوری به بخش مرکزی شهرستان دیّر از شمال به شهرستان دشتی و از باختر و جنوب باختری و جنوب به خلیج فارس محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر بردخون، دارای دو دهستان (۱ - بردخون ۲ - آبکش) است. مرکز برخودن بردخون و مرکز آبکش، آبکش می‌باشد.
رودها: ۱ - رودمند، نخست قره آغاج دور نام داشته در منطقه‌ی قیروکارزین، رود کارزین، پس از طی مسیرهای پرپیچ و خم و باز و درگاه گفته می‌شود و در طول مسیر خود رود شور و رودهای کوچک دیگر به آن می‌پیوندند و در شهرستان دشتی رودمند نامیده شده و پس از گذشتن از ۸ کیلومتری شمال باختری بردخون نو به خلیج فارس می‌ریزد.
کوه‌ها: کوه‌های امیردیوان و درنگ به هم متصلند،

امیر دیوان در ۸ و درنگ در ۱۵ کیلومتری خاور بردخون‌نو قرار دارد و ادامه‌ی کوه درنگ به سوی شمال خاوری بردخون‌نو است که ارتفاع بلندترین قله‌اش ۱۰۲۵ می‌باشد.

کوه بخش جنوبی رشته‌کوه‌مند در فاصله‌ی ۱۶ کیلومتری شمال باختری بردخون نو قرار گرفته که به سوی شمال باختری امتداد دارد. خلیج فارس در ۲۰ کیلومتری باختر و جنوب باختری مرکز این بخش واقع است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختانی چون (کنار) گز و کهور

گیاهان دارویی: خاکشی، کاسنی، گل‌زرد، تخم شربتی - پوشش گیاهی تنکی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، خرگوش، شغال، گراز، کفتار، کبک و تیهو و پرندگان مهاجر چون درنا و فلامینکو و از آبزیان انواع ماهی در خلیج فارس

وضع اقتصادی: بر کارگری، ماهیگیری، کشاورزی و دامداری و پیشه‌وری استوار است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، خرما و فرآورده‌های دامی

بَرّدخون: از دهستان‌های بخش بردخون شهرستان دیر استان بوشهر و مرکزش بردخون و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک قرار گرفته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، خرما و مرکبات

پوشش گیاهی: درختان گز و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، خرگوش، آهو، قوچ و میش

بندر بوشهر: این بندر در شبه جزیره‌ی مرجانی بوشهر واقع شده که هنگام مد دریا به شکل جزیره در می‌آید. در چنین مواقعی، راه برازجان به بوشهر که از سطح زمین بلندتر شناخته شده و آب آن را فرانمی‌گیرد، تنها خط ارتباطی زمینی میان این شبه جزیره با سایر نقاط استان است.

خاکی حاصلخیز، به طول ۲۳ و عرض ۳ تا ۵ کیلومتر، در قسمت جنوبی این شبه جزیره و در امتداد دریا گسترده است. دهکده‌های اطراف بندر بوشهر در مجاورت یکدیگر بر این خاک مستقرند.

جنس خاک از طبقات رسوبی جوان و بدون تکامل پروفیلی تشکیل شده است. در اطراف بهمن و هلیله، عمق خاک بیشتر و ساختمان آن تقریباً تکامل یافته‌تر است، اما جنس خاک در طبقات زیرین سنگین و غالباً نفوذناپذیر است.

شعاع آبادی بوشهر را پهنای خاک حاصلخیزی که در جنوب آن گسترده است تعیین می‌کند. به علت قابلیت‌های زراعی این خاک، آبادی‌های بوشهر تماماً در جنوب بندر و نزدیک به هم واقع شده است. فاصله‌ی دورترین روستا تا بندر ۲۳ کیلومتر است، برخی از این آبادی‌ها، به ترتیب فاصله از بندر بوشهر، عبارتند از: لیل، باغ ملا، باغ شیخ گل، خواجه‌ها، ریشهر، امامزاده، دواس، بهمن، سرتل، رونی، هلیله، تنگک که همگی در ناحیه‌ی سبزآباد واقع اند.

هوای این آبادی‌ها برای سکونت سازگارتر از هوای بوشهر است. شغل اغلب اهالی این روستاها کشاورزی بوده است، اما از سه دهه پیش اشتغال در بخش‌های خدمات و صنعت و اختصاص یافتن بخش مهمی از مرغوب‌ترین و حاصلخیزترین زمین‌ها به فعالیت‌های دیگر باعث رکود کشاورزی شده است.

بیش از ۶۰ درصد اراضی مزروعی آباد و نخلستان‌ها را به تأسیسات پایگاه‌های هوائی و دریائی و نیروگاه برق اتمی اختصاص داده‌اند و آن

راکاملاً از حالت زمین زراعی در آورده‌اند. امروزه تنها ۰/۵ درصد از جمعیت فعالی که در آبادی‌های یاد شده به کشاورزی اشتغال دارند و حدود ۱ درصد اراضی مزروعی باقی مانده زیرکشت انواع محصولات است.

بوالخیر: از دهستان‌های بخش دلوار شهرستان تنگستان استان بوشهر و مرکزش بوالخیر است.

بوشکان: از بخش‌های شهرستان دشتستان، مرکز آن کلمه، دارای دو بخش (۱ - پشت کوه ۲ - بوشکان) است. مرکز دهستان بوشکان، ده بوشکان و مرکز دهستان پشتکوه روستای کلمه است.

در منطقه‌ای دشتی، خشک در بلندی ۵۵۸ متری از سطح دریا و در ۸۰ کیلومتری جنوب غربی فراشبند قرار دارد.

کوه سیاه در ۵کیلومتری جنوب شرقی این بخش سربرافراشته است.

بوشکان: از دهستان‌های بخش بوشکان شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش بوشکان است و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه سیاه در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، مرکبات و خرما

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، گل‌زرد و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش و گراز

بوشهر (مرکز شهرستان)

شهر بندری بوشهر در ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیائی و ۵۸ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۹ متری از سطح دریا، بندر بوشهر مرکز شهرستان بوشهر و مرکز استان بوشهر میباشد.

بندر بوشهر بصورت شبه جزیره‌ای است بر کرانه خلیج فارس، در اطراف این شبه جزیره خورهای سلطانی، لشکری و پودر اهمیت دارد.

بوشهر شهر فعلی بوشهر که در راس شبه جزیره قرار دارد گسترش یافته قسمتی است که در آغاز فعالیت، حدود آن از حصار یا دیواری که نزدیکی گمرک فعلی تا ساحل جنوبی نزدیک آب انبار قوام و مسجد (فیل) ادامه داشت. این دیوار در محل خیابان نادر دارای ۲ دروازه بود که تردد و آمد و رفت مردم از این محل انجام می‌گرفت، کاروانهای تجاری در پشت این دیوار متوقف می‌شدند. در حقیقت این حصار، جایگزین حصار یا دیوار قبلی بوشهر شد که تقریباً ویران شده بود، بانی آن (شیخ ناصر آل مذکور) ناخدا باشی کشتیهای نادر شاه بود که به امر نادر به آبادی و عمران بوشهر پرداخت.

بوشهر (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان استان بوشهر که مرکز آن بوشهر است و دارای دو دهستان (۱ - انگالی ۲ - حومه) می‌باشد مرکز دهستان انگالی کره‌بند و مرکز حومه چغادک که چغادک یک مرکز شهری نیز می‌باشد.

بوشهر (شهرستان): از شهرستان‌های استان بوشهر است که از شمال باختری به توابع بهبهان (از شهرستان‌های استان خوزستان)، از شمال به شهرستان‌های دشتستان، از خاور به فیروزآباد، از جنوب خاوری به لار، از جنوب به گاوبندی (از بخش‌های شهرستان لنگه) و از سرتاسر نواحی باختری به خلیج‌فارس محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: بندر بوشهر مرکز شهرستان بوشهر و مرکز استان بوشهر، دارای دو بخش (۱ - بخش مرکزی با دو دهستان (۱ - انگالی ۲ - حومه) ۲ - بخش خارک) و ۳ شهر (۱ - بوشهر ۲

- چغادک ۳ - خارک) است.
فاصله‌ی بوشهر تا تهران ۱۲۱۵ کیلومتر و دارای فرودگاه نیز می‌باشد.
رودها: ۱ - رودمند نخست به نام قره آغاج است که از کوه‌های باختری شیراز سرچشمه گرفته پس از آبیاری مناطق جنوبی شیراز و منطقه‌ای از فیروزآباد وارد شهرستان بوشهر شده در ۵ کیلومتری جنوب کبکان به خلیج فارس می‌ریزد. ۲ - رود حله که از به هم پیوستن دو رود شاپور و دالکی در شهرستان دشتستان پدید آمده در ۵۰ کیلومتری شمال بندر بوشهر (دهستان حله) به خلیج فارس می‌ریزد. ۳ - رود شور که از کوه‌های شمالی کازرون سرچشمه گرفته و تا شهرستان گناوه امتداد یافته و در ۱۸ کیلومتری جنوب بندر ریگ به خلیج فارس می‌ریزد. ۴ - رود دره‌گپ تا کنار
کوه‌ها: شهرستان بوشهر در کناره‌ی خلیج‌فارس در شمال باختری - جنوب خاوری قرارگرفته به جز قله‌مند به بلندی ۷۸۹ متر بلندی قابل توجهی ندارد.
کان‌ها: در پاره‌ای از مناطق شهرستان بوشهر ذخایر نفتی وجود دارد.
آب و هوا: به‌طورکلی گرمای مرطوب - این استان به واسطه‌ی کمی ارتفاع و نزدیکی به خط استوا منطقه‌ای گرمسیر، در قسمت جنوبی هوا گرم و مرطوب و در قسمت شمال (استان) رطوبت هوا کمتر و در معرض بادهای گرم سوزان و ۷ ماه از سال گرم و پنج ماه معتدل است. درجه‌ی حرارت گاهی تا ۵۰ درجه بالای صفر و در زمستان تا ۱۰ درجه بالای صفر، رطوبت هوا در مرداد و شهریور روزها بیش از ۴۰ و شب‌ها بیش از ۸ تا ۱۰ درجه است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی همراه با گویش لر بختیاری سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گز، کهور وکنار - گیاهان دارویی: کرچک، آویشن، پوشش گیاهی برای چرای دام در حد بسیار اندک
جانوران و پرندگان: روباه، قوچ، میش، آهو و پرندگان دریایی، ماهی، شیر، شوریده، حلوا، سفید، قباد و سنگسر
وضع اقتصادی: بر کشاورزی و ماهیگیری استوار است - فرآورده‌های کشاورزی لیمو، خرما، گندم، جو، تره‌بار - ماهیگیری از منابع پردرآمد ماهیگیران است.
صنایع دستی: حصیر، جاجیم، گلیم، ظروف گلین و سفالین - صنایع ماشینی: موزاییک سازی، ساخت سکوی دریایی، ساخت و تعمیر کشتی، ریسندگی و بافندگی.

در ۱۱۴۶ هـ ق نادرشاه بوشهر را با استقرار نیروی دریایی در خلیج فارس رونق و نام نادری داد. برای ساختن کشتی از جنگل‌های شمال ایران چوب آوردند گرچه کار کشتی سازی رونقی نیافت اما در بوشهر گام‌های بلندی در ترقی آن برداشته شد تا جاییکه جای بندرعباس را گرفت و کریم‌خان زند نیز بر رونق بوشهر بیش از بیش افزود. تا جایی که کالاهای فراوانی در بوشهر صدور یا وارد می‌شد و بوشهر به وسیله‌ی جاده‌ی کاروان‌رو به شیراز پیوست در ۱۲۷۳ هـ. ق انگلیسی‌ها بوشهر را اشغال کردند و مدتی بر این سامان نفوذ تجاری و نظامی و سیاسی داشتند.
بوشهر از سطح دریا چندان ارتفاعی ندارد و در هنگام جزر بیش‌تر نقاط بوشهر تنها یک متر از سطح دریا بلندتر است.

پشتکوه: از دهستان‌های بخش بوشکان شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش کلمه است.

تمیمی: از دهستان‌هایی شهرستان کنگان استان بوشهر و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب رودی قرار دارد. از باختر گاوبندی روان گشته و دره بلند در آن قرار گرفته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، خرما، تنباکو و تره‌بار.

پوشش گیاهی: آویشن و مور تلخ، درختان گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بزکوهی و گراز.

تنگستان: از شهرستان‌های استان بوشهر است که از باختر به خلیج‌فارس و بندر بوشهر، از خاور و شمال خاوری به شهرستان بوشهر و از جنوب به شهرستان دشتی محدود است.

تقسیمات کشوری: در تصویب‌نامه‌ی شماره ۲۴۵۴ مورخ ۵۸/۱۱/۲۷ بخش تنگستان به‌صورت شهرستان درآمد مرکز این شهرستان شهر اهرم، دارای دو بخش (۱ - مرکزی، مرکز آن اهرم دارای دو دهستان (۱ - اهرم ۲ - باغک) است. ۳ - دلوار ۴ - بوالجیر، دو شهر: ۱ ـ اهرم ۲ ـ دلوار است.

رودها: ۱ - رود بهوش یا اهرم که از چشمه‌سارهای دو روستای تنگ زرد و فاریاب سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از جنوب شهر اهرم به هنگام پرآبی سرانجام در شمال خاوری شهر بوشهر به خلیج‌فارس می‌ریزد. ۲ - رودخشک این رود در فاصله‌ی ۴ کیلومتری جنوب خاوری اهرم به رود بهوش می‌پیوندد. ۳ - رود شور (سور) آب کمی دارد سرچشمه‌اش آبمعدنی روستای آب بوئی (دامنه باختری کوه بیرمی) است و با جهت کلی شمالی به جنوبی در ۲کیلومتری جنوب باختری آبادی مسیله فخری به رودمند می‌ریزد.

کوه‌ها: ۱ - در شمال خاوری اهرم و در فاصله‌ی ۴ کیلومتری، کوه قلعه دختر قرار گرفته و بلندترین قله‌اش از سطح دریا ۱۲۲۰ متر و امتدادش شمالی، جنوبی است. ۲ -کوه آتشگاه در فاصله‌ی ۱۳ کیلومتری خاوری اهرم قرار گرفته، امتداد آن شمال باختری به‌جنوب خاوری و بلندترین قله‌اش ۱۹۵۰ متر می‌باشد ۳ - کوه سرخ در فاصله‌ی ۱۴ کیلومتری خاور اهرم قرار گرفته است. ۴ - رشته کوه‌مند در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری باختر و جنوب باختری اهرم با امتداد شمال باختری، جنوب خاوری می‌باشد.

کان‌ها: ۱ - معادن فعال شن و ماسه ۲ - غیر فعال نفت، گوگرد، سنگ کچ و سنگ ساختمانی در چشمه‌ی آب معدن اوبا که دارای گوگرد است در فاصله‌ی ۱/۵ کیلومتری شمال خاوری اهرم قرار دارند و دو ۱ - ۲ - آبگرم میراحمدی روستای آب در ۱۲ کیلومتری جنوب خاوری (یا جنوب) اهرم که به‌صورت سدی خاکی و کوچک است.

آب و هوا: این شهرستان تقریباً خشک و گرم - آب و هوا به قولی بسیارگوناگون است و هر قدر به نواحی جنوبی نزدیک‌تر باشد گرم‌تر می‌شود و در برخی مناطق تا حدی معتدل و از این رو امکان تولید انواع مختلف محصولات کشاورزی در این منطقه را فراهم آورده است با اینحال آب و هوای تنگستان در زمستان‌ها معتدل و تابستان‌ها ملایم است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند به زبان فارسی باگویش محلی معروف به تنگ‌سیری سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان کنار، انجیر، بادام کوهی، بنه

(بنک) کهور و گز - گیاهان دارویی خاکشی، گل‌گاوزبان، آویشن، مورتلخ، آویشن، مورتلخ، بومادران، سربرده، سربرنجا، کاسنی، پوشش گیاهی قسمت کوهستانی برای چرای دام‌ها

شهرستان تنگستان که حوضه‌ی آبریز آن به سوی شمال‌شرقی و شرق کوه‌های‌مند است. دارای دو بخش مرکزی و ساحلی است. بخش مرکزی (اَهرم) آبادی‌های مهمی چون چغادک، بُنه گر، تُل سیاه، چاه پیر، باغک و محمود احمدی را شامل است. بیش‌تر به دامپروری وکشاورزی ماهیگیری و داد و ستد با کشورهای سواحل جنوبی خلیج‌فارس سرگرمند. کتاب‌های درسی.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، آهو، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کفتار، شغال، پلنگ، جوجه‌تیغی، کبک، تیهو، و آهوبره، و از آبزیان انواع ماهی در خلیج‌فارس

وضع اقتصادی: برکشاورزی، دامداری، کارگری، ماهیگیری، پیش‌روی و کار بر روی لنج‌ها استوار است.

آب کشاورزی از چشمه‌سارها، رود بهوش، چاه‌های معمولی و عمیق، بیش‌تر کشاورزی، به واسطه‌ی کمی آب به‌صورت دیم از جمله گندم، جو، خرما، مرکبات، تنباکو و تره‌بار است.

قالی‌بافی در سال‌های اخیر در این شهرستان مورد توجه قرار و برای گسترش آن اقداماتی صورت گرفته.

در خائیز منطقه‌ی کوهستانی شهرستان تنگستان مرکبات فراوانی به عمل می‌آید و تعداد درختان خرمای این شهرستان به بیش از ۲۵۰۰۰۰ اصله می‌رسد.

شهرستان تنگستان از لحاظ تولید خرما و مرکبات بعد از شهرستان دشتستان و در مقام دوم قرار دارد.

تنگستان (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان تنگستان استان بوشهر و مرکز آن اهرم است و دارای دو دهستان (۱ - اهرم ۲ - باغک) است.

ثلاث: از دهستان‌های شهرستان کنگان استان بوشهر و در منطقه‌ای کرانه‌ای گرم و مرطوب و تپه قلعه در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تنباکو، خرما و تره‌بار

پوشش گیاهی: درخت بادام کوهی و گیاهان داروئی چون آویشن و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، گراز، ماهی، قرقاول و کبک

جم: از شهرستان‌های استان بوشهر است که از شمال به شهرستان‌های فیروزآباد و بوشهر، و از خاور به شهرستان لار و از جنوب به حومه‌ی کنگان و از باختر به شهرستان دیر محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر جم، دارای دو دهستان (۱ - جم ۲ - ریز) است. این شهرستان دارای ۵ دهستان است: (۱ - جم ۲ - کوری ۳ - انارستان ۴ - تشان ۵ - ریز) رود فصلی جم در شمال باختری بخش جم روان است - کوه سمرگان در خاور، کوبینجو در شمال باختری و کوه پردی در جنوب باختری این بخش قرار گرفته.

کان‌ها: گاز طبیعی که در حال بهره‌برداری است.

کوه‌ها: ۱ - سمرکان در خاور ۲ - کوه بیخو در شمال باختری ۳ - کوه پردی در جنوب باختری قرار گرفته است.

آب و هوا: به‌طور کلی گرم مرطوب است.

نژاد و زبان: آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش بندری و عربی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز، کنار و کهور - گیاهان

دارویی: آویشن، آلپه، صبرزرد و دیمه - پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها
جـــانوران و پـــرندگان: گـــراز، کـــفتار، گـــرگ، جوجه‌تیغی، خرگوش، بزکوهی و کبک
وضع اقتصادی: بر دامداری و کشاورزی استوار است. فرآورده‌هایش دام و فرآورده‌های دامـی - گندم، جو، تـنباکـو، کشت بـیش‌تر آبـی و آب کشاورزی از چـاه‌های مـعمولی و رود و کـاریز فراهم می‌گردد.
جم: مرکز بخش در ۱۹ درجه و ۵۲ دقیقه طول جـغرافـیایی و ۵۰ درجـه و ۲۷ دقـیقه عـرض جغرافیایی و ارتفاع ۷۴۰ متر از سطح دریا، جم، مرکز بخش جم.
رودها: در شمال باختری رود فـصلی جـم و در اطراف بخش آب کاریزها روان می‌باشد.
آب و هوا: گرم و مرطوب، بیش‌ترین درجه‌ی گرما در تابستان ۴۵ درجه و کم‌ترین درجه‌ی گرما در زمستان ۷ درجه بالای صفر و میزان باران سالانه ۱۲۰ میلی‌متر می‌باشد.
تیره‌های جم و ریز از طایفه‌ی شش بلوکی از جمله عشایر پرکوچروئی هستند که در جم و اطراف در زمستان‌ها به‌سر می‌برند.
آب آشامیدنی از چاه معمولی فراهم گردیده است.
راه: تنها یک راه به‌طول ۸۰ کیلومتر مرکز بخش جم را به بندر کنگان پیوند داده است.
جم: بخش مرکزی جم دارای دو دهستان است. (۱ - دهستان جم ۲ - دهستان کوری)
جم: از دهستان‌های بخش جم شـهرستان جـم اســتان بـوشهر و مـرکزش جـم و در مـنطقه‌ای پایکوهی گرم خشک و سیاه کوه و کوه تل هرمی در آن قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تنباکو، خرما و تره‌بار

پوشش گـیاهی: آویشـن، درخـتان گـز و کـنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خـرگوش، گـراز و بزکوهی
چغاپور: از دهستان‌های بخش کاکی شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکزش بادوله است و در منطقه‌ای دشتی گرم قرار گرفته و رودمـند کـه از کوه‌های شمال شرقی دشت ارژن روان گشته از این دهستان می‌گذرد و به خلیج فارس می‌پیوندد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، خرما
پوشش گیاهی: آویشن، کـاسنی و درخت گـز و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز
حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شـهرستان بوشهر استان بوشهر و مرکزش چغادک است و در منطقه‌ای کرانه‌ای گرم مرطوب قرار گرفته است.
پوشش گیاهی: درخت گز
جانوران: ماهی
حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شـهرستان بوشهر استان بوشهر و مرکزش کره‌بند است.
حیات داوود: از دهسـتان‌های بـخش مـرکزی شهرستان گِناوه استان بوشهر و مرکزش مـحمد صالحی است و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب و رود دره گپ در آن جریان وکوه تـاوه‌چال در آن قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و خرما، تره‌بار و فرش
پوشش گیاهی: کاسنی، گل بنفشه و درختان گز و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: روباه، گراز، شغال، کفتار و خرگوش
خارک: از بخش‌های شهرستان بوشهر مـرکز آن شهر خارک است جزیره‌ی خارک که وسعتش با جزیره‌ی خارکو جمعاً ۲۴۸۰ هکتار است و در

عرض جغرافیایی ۲۹ درجه، ۲۹ دقیقه‌ی شمالی و طول ۵۰ درجه، ۲۰ دقیقه و ۳۹ ثانیه‌ی شرقی گرینویچ قرارگرفته است و در شمال شرقی خلیج فارس در نزدیکی بوشهر و در فاصله‌ی تقریباً ۵۵ کیلومتری بندر بوشهر و در ۳۵ کیلومتری بندر ریگ و ۳۷ کیلومتری بندرگناوه قرار و از جزیره‌ی خارکو ۵ کیلومتر فاصله دارد. طول جزیره‌ی خارک ۸ کیلومتر و درکم‌ترین عرض ۳/۵ کیلومتر است.

خارک جزیره‌ای است مرجانی و اگر برخی ناهمواری‌های آن را نادیده بگیریم همچون کاسه سنگ پشتی است ک از آب بیرون آمده است. به جز دشت مسطح کوچک و تنگی که در گوشه‌ی شمال شرقی‌اش قرار دارد و از قدیم‌ترین ایام تاکنون مرکز آبادی و محل و مسکن و آبادی بوده است بقیه‌ی جزیره از یک پوشش سنگی، شکاف‌های عظیم و ریزش‌های وهم‌انگیز مفروش است. سنگی تیره و آهکی و نرم که برای کندن آن به کلنگ نوک‌تیز نیازی نیست.

در این جزیره رودخانه و جویباری وجود ندارد. تنها در فصل بهار سیلاب‌هایی که از ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند و در فصول دیگری به کلی خشک است. مدت کوتاهی در این جزیره جریان دارد. جزیره دارای چندین چشمه و قنات است. اما از مدت‌ها پیش دستگاه‌های آب شیرین‌کن به‌کار در این جزیره مشغول می‌باشند.

در بخش باختری، شمال باختری و مرکزی زمین صاف و مسطح، اما درکرانه‌های شمالی و خاوری زمین ماسه‌ای و دارای شیب ملایم اما دو سوی دیگر کرانه بلند با بریدگی‌های با شیب تند می‌باشد.

نام جزیره‌ی خارک در منابع تاریخی از یک قرن پیش از میلاد به میان آمده است. بنابراین خارک تاریخی کهن حتی پیش از تاریخ یاد شده دارد. در روزگار یونانیان، اشکانیان و ساسانیان و در روزگار اسلامی و بعد از آن مرتباً سخن به میان آمده است.

پرتغالی‌ها نیز که بر برخی از مناطق خلیج‌فارس از جمله خارک دست یافته بودند را در ویرانی این جزیره سخت کوشیدند تا اینکه شاه عباس اول صفوی آنان از منطقه بیرون راند. چندی بعد هلندی‌ها و آنگاه فرانسویان و انگلیسی‌ها بر خارک تاختند. در جریان جنگ جهانی اول و دوم انگلیسی‌ها بر جزیره‌ی خارک چنگ انداختند.

درآمد مردم جزیره‌ی خارک تا قبل از ایجاد تأسیسات نفتی از راه صید مروارید وکشاورزی و ماهیگیری وکشتی‌داری بود. مجله بندر و دریا ـ ملک رضاملک‌پور

خرموج (مرکز شهرستان): شهر خرموج در ۲۳ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و در ۳۹ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۶۰ متری از سطح دریا قرار دارد. خرموج مرکز شهرستان دشتی و یکی از شهرهای بوشهر است که بسوی شمال باختری از طریق جاده تا شهر اهرم تا چغادک (دو راهی بوشهر ـ برازجان) ۶۵ کیلومتر و تا بوشهر ۸۶ کیلومتر وبسوی جنوب خاوری از طریق جاده تاکاکی ۴۰ کیلومتر و تا شهر کنگان ۱۱ کیلومتر و در مسیر جاده بوشهر ـ کنگان قرار دارد که بشهرهای ساحلی هرمزگان می‌پیوندد.

خرموج (بخش مرکزی): شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکزش خرموج است و در منطقه‌ای دشتی و گرم و خشک و دره‌ی حاجی

قرار و کان گچ در آن قرار دارد.
دارای ۲ دهستان (۱ - مرکزی ۲ - خرموج ۳ - شنبه و طوج) است.
در شهر خرموج مرکز شهرستان دشتی امامزاده میرام یا پسرچغ گرو و قلعه‌ی خورموج قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم و جو
پوشش گیاهی: خاکشی و درختان کنار و گز و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز
دالکی: از دهستان‌های شهرستان دشتستان استان بوشهر است مرکز آن دهستان دالکی می‌باشد که در ۱۳۷۸/۷/۷ تبدیل به شهر شد.
از سطح دریا ۱۰۰ متر بلندی دارد، پایکوهی، گرم مرطوب در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهر برازجان و در مشرق جاده‌ی کازرون - برازجان است.
رود داکلی در باختر شهرک دالکی روان است که از کوه‌های خانی یک و دشت ارژن سرچشمه گرفته و سرانجام به خلیج فارس می‌پیوندد.
کوه نرود در ۲ کیلومتری مشرق دالکی و معدن گچ در خاور آن قرار و باتلاق حوره دندی در کیلومتری باختر و گردنه‌ی آب میخک در ۵ کیلومتری شمال آن قرار دارد.
اقتصاد: اقتصاد بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و باغداری استوار است.
کشت آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از چشمه و رود فراهم گشته است.
پوشش گیاهی: درختان بادام کوهی و گیاهان مرتعی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: پلنگ، گرگ، روباه، گراز و کبک
درواهی: از دهستان‌های بخش شبانکاره شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش درواهی است.

دشتستان: از شهرستان‌های استان بوشهر است که از شمال به نورآباد ممسنی از خاور به فیروزآباد و از جنوب به اهرم و بندر بوشهر و از باختر به بندرگناوه محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر برازجان، دارای ۸ شهر ۱ - برازجان ۲ - دالکی ۳ - سعدآباد ۴ - وحدتیه ۵ - شبانکاره ۶ - آب بخش ۷ ـ کلمه ۸ ـ تنگ ارم و دارای ۵ بخش ۱ - مرکزی ۲ - سعدآباد ۳ - شبانکاره ۴ - ارم ۵ - بوشکان است. دارای ۱۱ دهستان می‌باشد: ۱ - حومه ۲ - دالکی ۳ - زیارت ۴ - ارم ۵ - دهرود ۶ - بوشکان ۷ - پشتکوه ۸ - زیرراه ۹ - وحدتیه ۱۰ - شبانکاره ۱۱ - درواهی
رودها: ۱ - رود دالکی و شاپور - (شیرین) در دشتستان روان است که دالکی از کوه‌های فراشبند فیروزآباد و رود شاپور از کوه‌های شمالی کازرون سرچشمه گرفته‌اند. این دو رود پس از آبیاری زمین کشاورزی شهرستان دشتستان در ۱۲ کیلومتری شمال باختری برازجان در محلی به نام دو رودگاه به هم می‌پیوندند و از آنجا به نام رود حله به‌سوی باختر روان گشته و سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد.
کوه‌ها: رشته کوهی در خاور شهرستان دشتستان قرار گرفته که کوه‌های مهم آن عبارت است از: ۱ - کوه نرو ۲ - راه وال ۳ - لرده ۴ - نخاه ۵ - کیسه کان - گردنه‌ی امام رضایی در شمال و گردنه‌ی آب محک در شمال خاوری دشتستان قرار دارد.
کان‌ها: سنگ گچ در ۷۵ کیلومتری برازجان قرار گرفته است.
آب و هوا: گرم و نسبتاً خشک، در نقاط شرقی و جنوب شرقی که کوهستانی است کمی معتدل و در نقاط جلگه بسیار گرم و خشک می‌باشد و در تابستان گاه از ۴۸ تا ۵۰ درجه بالای صفر و در

زمستان حداقل به ده درجه بالای صفر می‌رسد.
کمارجی،کمالی و خسروی از جمله طوایفی است که در این شهرستان به سر می‌برند.
رستنی‌ها: درختان گز، بادام کوهی، بن و کنار و در برخی دره‌ها مراتع
جانوران و پرندگان: آهو، قوچ و میش، بزکوهی، کبک و تیهو
اقتصاد: کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری و قالی‌بافی از منابع مهم درآمد مردم است.
شهرستان دشتستان از نظر تولید خرما و مرکبات در استان بوشهر در مقام اول قرار و دو میلیون و پانصد از میلیون اصله نخل در استان بوشهر در شهرستان دشتستان قرار دارد.
جلگه‌ی دشتستان از نظر آب و هوایی در منطقه‌ی گرم و خشک قرار گرفته، هر چه از جنوب غربی به‌سوی شمال شرقی پیش برویم، به واسطه‌ی افزایش ارتفاع زمین‌ها، از گرما کاسته و بر حاصل‌خیزی مزارع افزوده می‌شود. این جلگه که در حد فاصل کوهستان‌های شرقی گیگان و کرانه‌های ساحلی و رود دالکی قرار گرفته است با اینکه چشمه و آب روان دائمی در سطح نیست اما آب‌های زیرزمینی مورد استفاده برای کشاورزی است. -کتاب‌های درسی
کشاورزی دشتستان بیش‌تر مکانیزه است تا سنتی -کشت آبی حدود ۳۰٪ و دیم حدود ۷۰٪ است.
فرآورده‌ها: تنباکو،گندم، پنبه، جو، خرما، مرکبات و تره‌بار.
آب و هوای بسیار خوب در فصل بهار، موقعیت بندری ویژه‌ی اقتصادی: مکان‌های دیدنی جزیره‌ی خارک، کاخ هخامنشی بردک سیاه در ۱۲ کیلومتری شمال برازجان، عمارت ملک، خانه رئیسعلی دلواری، کاخ کوروش، گوردختر، آب‌انبار قوام، قبر ژنرال انگلیسی، کوشک اردشیر، گورستان ژنرال‌ها (قبرستان امپریالیسم) کلیسای مسیح مقدس سیراف، ریشهر، چشمه‌های آبگرم دالکی و میراحمد.
سوغات: انواع صنایع دستی از جمله گلیم، گبه، انواع ماهی، خرما، میگو، مسقطی
صنایع دستی: دستبافی، حصیربافی، گبه‌بافی، نمدمالی، سوزندوزی، گلیم‌بافی، قالیبافی، کرگوربافی، عبا بافی، کپو بافی، معرق، ساخت و سازهای سنتی، سفالگری، طراحی فرش.
دشتستان (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکز آن شهر برازجان و دارای ۳ دهستان (۱ - دالکی ۲ - حومه ۳ - زیارت) است.
دشتی: از شهرستان‌های استان بوشهر و مرکز آن شهر خرموج است که از خاور به شهرستان فیروزآباد استان فارس، از شمال به شهرستان‌های دشتستان و تنگستان، از جنوب به شهرستان‌های دیر،کنگان از باختر به رشته کوه‌مند محدود است.
شهرستان دشتی که حوضه‌ی آبریز منظم‌تری به سوی جنوب غرب دارد، دارای دو بخش مرکزی خرموج و کاکی است. در این شهرستان به جز محمدآباد که در نزدیکی خرموج می‌باشد، تقریباً همه‌ی روستاهای مهم آن از جمله چاوشی، درازی، فقیه حسنان و فقیه احمدان در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های کار قرار دارد. دامپروری و کشاورزی از منابع مهم درآمد اهالی است. -کتاب‌های درسی.
دشتی (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکز آن خرموج و دارای ۳ دهستان (۱ - مرکزی ۲ - خرموج ۳ - شنبه و طسوج) است.
دلوار: روستائی است مشهور به واسطه‌ی

دلاوری‌هـای رئـیسعلی دلواری کـه در بـرابـر انگلیسی‌ها مردانه جـنگید. خـانه‌اش اکـنون بـه صورت موزه در آمده، ایـن روسـتا دارای آب و هوای گرم و مرطوب است.

دلوار: از بخش‌های شهرستان تـنگستان اسـتان بوشهر، مرکز آن شهر دلوار، دارای دو دهستان (۱ - بوالخیر ۲ - دلوار) است.

میان کوه‌مند و خلیج فارس (خلیج هـلیله) قـرار گرفته، یعنی کوه‌مند در ۳کیلومتری مشرق خلیج فارس، در فاصله‌ی ۲ کیلومتری مغرب آن واقع شده است. در ۲۵ کیلومتری بـرازجـان و در ۴۲ کیلومتری بوشهر قرار گرفته است.

منابع نفت و گاز در ۳۸ کیلومتری جنوب شرقی (خط مستقیم) دلوار و ۷کیلومتری مشرق روستای چاه‌پهن خط‌الرأس کوه قرار دارد که فعلاً استفاده نمی‌شود و علاوه بر این دارای مـعادن نـمک و سنگ گچ می‌باشد.

آب و هوا: گـرم و مـرطوب، حـداکـثر گـرما در تابستان‌ها ۵۰ درجه و در زمستان‌ها تا ۱۵ درجه بالای صفر و بارندگی سالانه به‌طور مـتوسط از ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیمتر است

فرآورده‌ها: خرما، گندم و جو

پوشش گیاهی: درخت کنار، گز و بادام کوهی و گیاهان دارویی چون گل‌گاوزبان و خاکشی.

جانوران و پـرندگان: قـوچ و مـیش، بـزکوهی، شغال، گـرگ، روبـاه، خرگوش، کـفتار، پـلنگ، یوزپلنگ و گراز و کبک و تیهو.

دلوار (مرکز بخش): شهرک دلوار در ۰۴ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی قرار گرفته است.

شهرک دلوارکه مرکز بخش ساحلی شهرستان تنگستان از شهرستانهای استان بوشهر مـیباشد، میان کوه مند و خلیج فارس (خلیج هلیله)کوه مند در ۳ کـیلومتری خـاور و خـلیج فـارس در ۲ کیلومتری باختر این شهرک قرار دارد.

آب و هوا: گرم و مرطوب، بیشترین درجه گـرما ۵۰ درجه در تابستانها، و ۱۵ درجه بالای صفر در زمستانها، میزان بارندگی بطور متوسط سالانه از ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیمتر است.

دهرود: از دهستان‌های بخش ارم شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش دهرود سفلی است.

دیر: از شهرستان‌های استان بوشهر است کـه از شمال به شهرستان خورموج از خاور به شهرستان‌های کنگان، از جنوب و جنوب باختری به خلیج‌فارس و از باختر به‌شهرستان خورموج محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان، بندردیر، دارای ۴ بخش (۱ - مرکزی، مرکز آن بندر دیر) و دارای دو دهستان (۱ - آبدان ۲ - حومه) است ۳ - آبکش ۴ - بردخون.

دیر: از شهرستان‌های استان بوشهر است کـه از شمال به شهرستان خورموج، از خاور به شهرستان کنگان، از جنوب و جنوب باختری به خلیج فارس و از باختر به شهرستان خورموج محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان، بندر دیر، دارای ۴ بخش (۱ - مرکزی، مرکز آن بندر دیر) و دارای دو دهستان (۱ - آبـدان ۲ - حـومه) ۳ - آبکش ۴ - بردخون

رودها: رود فصلی بردستان در این سامان روان است که چندان اهمیتی ندارد.

بندر دیر از جمله بنادر درکرانه خلیج فارس است که راه ساحلی از بندر بوشهر به بندر لنگه و بنادر دیگر خلیج‌فارس می‌رود. و نزدیک پنجاه‌کیلومتر شمال غربی بندر طاهری قرار دارد.

در بندر دیر دژی قدیمی، نـیمه ویـرانـه بـه نـام

جلال‌خان حاکم وجود دارد که تاریخ بنایش به بیش از دو قرن پیش می‌رسد در آن برجی مدور ساده‌ای است که ظاهراً آن را از آجر و گچ و خاک ساخته بودند و بدنه‌ی خارجیش به‌صورت ترک‌های مدور است.

این بندر در ۲۰۸ کیلومتری بوشهر و دارای لنگرگاه خوب با عمق کافی آب، برای لنج‌ها است و همچنین دارای بازار و چند نخلستان است.

کوه‌ها: شهرستان دیر تقریباً در منطقه‌ی همواری قرار دارد و ارتفاعش از سطح دریا به طور متوسط از چهار متر بیش‌تر نیست.

رستنی‌ها: درختان گز، کهور و کنار - گیاهان دارویی: درمنه، برنجاسف و گل زرد - پوشش گیاهی اندکی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: گرگ، کفتار، آهو، جوجه‌تیغی، پازن و کبک

وضع اقتصادی: بر پایه‌ی ماهیگیری، بازرگانی و تا حدی اندک کشاورزی قرار گرفته آب کشاورزی به وسله‌ی آب چاه نیمه‌عمیق فراهم و بیش‌تر محصولات به‌شیوه‌ی دیم فراهم می‌گردد. فرآورده‌های شهرستان دیر گندم، تنباکو، جو، تره‌بار و انواع ماهی و میگوست.

دَیِّر (مرکز شهرستان): شهر بندری کوچک دیّر مرکز شهرستان دیر از شهرستانهای استان بوشهر است. این بندر در ۲۰۸ کیلومتری شهر بوشهر قرار دارد و دارای بندرگاه خوب با عمق کافی آب، برای لنج‌هاست، همچنین دارای بازار، کاروانسرا و چند نخلستان و تعدادی چاه کم عمق آب شیرین است که بازده این چاهها چندان زیاد نیست.

بیشتر مردم به ماهیگیری و بازرگانی و پیله‌وری سرگرم هستند.«۲۰»

شهر بندری دیّر در طول جغرافیایی ۵۸ دقیقه و ۵۱ درجه و در عرض جغرافیایی ۵۱ دقیقه و ۲۷ درجه و در بلندی ۱۲ متری از سطح دریا قرار دارد.

دیر (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان دیر استان بوشهر و مرکز آن بندر دیر و دارای دو بخش (۱ - ابدان ۲ - حومه) است.

دیر مرکز شهرستان: در ۵۱ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیایی و در ۵۰ درجه و ۲۷ درجه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۴ متری از سطح دریا قرار دارد.

بندر دیر مرکز شهرستان دیر از شهرستان‌های استان بوشهر است که در ۲۰۸ کیلومتری جنوب خاوری بندر بوشهر و دیر در ۶ کیلومتر شمال خاوری رود فصلی بردستان قرار گرفته است.

آب و هوا: گرم و مرطوب، بیش‌ترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها ۴۶ درجه و کم‌ترین درجه‌ی گرما در زمستان‌ها ۱۰ درجه بالای صفر و میزان بارندگی به‌طور متوسط حدود ۱۵ میلی‌متر است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به‌زبان فارسی و عده‌ای به زبان عربی سخن می‌گویند. آب آشامیدنی از چاه‌های نیمه عمیق پس از پمپاژ و پالایش به شبکه‌ی لوله‌کشی شهر فرستاده و برق منطقه‌ای استان فراهم گردیده راه دیر - کنگان به سوی خاور به‌طول ۲۷ کیلومتر است.

دیلم: از شهرستان‌های استان بوشهر که از شمال به شهرستان بهبهان، از خاور به ماهور میلانی (از بخش‌های شهرستان ممسنی)، از جنوب خاوری به حومه‌ی گناوه، از جنوب و باختر به خلیج فارس و از شمال باختری به هندیجان از بخش‌های شهرستان ماهشهر محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر بندری دیلم، دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - امام حسن) دارای ۴ دهستان ۱ - لیراوی شمالی ۲ - حومه ۳ - لیروای جنوبی ۴- لیراوی میانی

رودها: تنها رود زهره که مرز شمالی این بخش را با شهرستان بهبهان را تشکیل می‌دهد.
کان‌ها: معدن شن و ماسه در ۲۰ کیلومتری باختر بندر دیلم و دو معدن سنگ در ۳۰ و ۳۵ کیلومتری شمال خاوری بندر دیلم وجود دارد.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش لری و بندری سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان نی، گز، تاک، بلوط و گیاهان دارویی: هلیله، درمنه و شاتره و پوشش گیاهی برای چرای دام (در بلندی‌های شمالی)
جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، کفتار و انواع پرندگان دریایی.
وضع اقتصادی: درآمد و راه گذران زندگی مردم این سامان بیش‌تر به داد و ستد و آنگاه کشاورزی و ماهی‌گیری وابسته است.
دیلم (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان دیلم استان بوشهر و مرکز آن بندر دیلم و دارای چهار دهستان
(۱ - لیراوی شمالی ۲ - حومه ۳ - لیراوی جنوبی ۴ - لیراوی میانی) است.
دیلم، بندر (مرکز شهرستان دیلم)
بندر دیلم یا دیله در ۷۲ کیلومتری جنوب بهبهان و در ۲۱۷ کیلومتری شمال غربی بوشهر قرار دارد. تا پیش از ویرانی و از میان رفتن مهروبان که در انتهای راه باستانی معروف اصفهان - مهروبان قرار داشت، این بندر با شهرهای بازرگانی مهمی ارتباط داشت. دلیل نامگذاری این بندر بدرستی مشخص نیست. شاید از نام دیلمون که نام قدیمی جزیره بحرین است، گرفته شده باشد. ویرانه‌های بندر مهروبان در چهار فرسنگی شمال دیلم هنوز باقی است.
پیشه بیشتر مردم این بندر، صید ماهی و تجارت و کارهای فصلی در کشورهای عربی خلیج فارس است. «۲۰»
بندر دیلم پس از بندر ویرانه مهروبان به بندر آباد کنونی دیلم می‌رسیم. فاصله از بندر بوشهر تا بندر دیلم ۳۶ فرسخ است. این بندر در دشت واقع شده و در شمال آن به مساحت ۱۸ کیلومتر ارتفاعاتی در امتداد خاوری و باختری بنام استخر و بعداً ابوالهوا که میانهٔ شهرک دیلم و بهبهان قرار دارد، کشیده شده است و ارتفاعات دیگری تا مشرق بندر ریگ امتداد دارد. عمق ساحل آن کم است و بندرگاه آن غیر محفوظ است و در موقع وزش باد جنوب خاوری حفاظی ندارد. پس از ویرانی مهروبان همه بازرگانی وارداتی و صادراتی بهبهان با این بندر بود. از قدیم این بندر از توابع بلوک لیراوی و بلوک لیراوی تا سال ۱۳۳۱ هـق جزو حوزه و سرجمع ولایت بهبهان بود. بیشتر بازرگانان و مردم ساکن شهر دیلم بهبهانی هستند.
در ۲۴ کیلومتری شمال این بندر در کنار گنبد گچی کوچک آرامگاهی بنام شاه عبدالله، ویرانه‌های بندر قدیمی "مهروبان" REVEPSE - که روزگاری از لحاظ رونق و عظمت تجاری پهلو به پهلوی بندرهای هرمز، سیراف و ریشهر می‌زده است - قرار دارد گر چه عمر تجارت در بندر دیلم را ظاهراً به بیش از ۲۰۰۰ سال می‌رسانند اما بر ما مسلم نیست که در هنگام بازدید ناصر خسرو از بندر مهروبان در قرن ۵ هجری قمری یعنی حدود ۱۰۰۰ سال پیش، آیا بندر دیلم نیز وجود داشته است یا نه، بدون شک آبادی دیلم وجود داشته اما حد فاصلی بوده است بین مهروبان و شی‌نیز (روستای حصار امروز) که این هر دو، از رونق خاصی برخوردار بوده‌اند.
رود حله: از دهستان‌های بخش ریگ شهرستان

گناوه استان بوشهر می‌گذرد و مرکز آن چهار روستایی است و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب قرار و رود حله که از به هم پیوستن رود دالکی و شاپور پدید می‌آید در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم و جو و تره‌بار

پوشش‌گیاهی: درخت گز و گیاهان دارویی و گیاهان مرتعی.

جانوران: خرگوش، روباه و گراز

ریز: از دهستان‌های بخش ریز شهرستان جم استان بوشهر، مرکزش ریز و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک و کوه ریز کوه در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، مرکبات، خرما و انار

پوشش گیاهی: درخت گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و آهو

ریز: از بخش‌های شهرستان جم، مرکز آن ریز دارای ۳ دهستان است: ۱ - نارستان ۲ - تشان ۳ - ریز.

ریگ: از بخش‌های شهرستان گناوه استان بوشهر است که در ارتفاع یک متری از سطح دریا و برکرانه‌ای گرم، مرطوب و در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی بندر گناوه کرانه‌ی خلیج‌فارس قرار گرفته است و مرکز این بخش بندر ریگ است. دارای دو دهستان است (۱ - حیات داود ۲ - رودحله) مرکز حیات‌داود محمد صالحی و مرکز حله چهار روستایی است.

اقتصاد بر پایه‌ی کشاورزی، ماهیگیری، کارگری و دامداری استوار است. کشت آن دیم، آب آشامیدنی از آب‌انبار، فرآورده‌ها، گندم، جو و تره‌بار است.

پوشش گیاهی: درخت کنار، گیاهان بارهنگ، گل گاوزبان و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران روباه و گراز.

زیارت: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دشتستان استان بوشهر، مرکزش زیارت است. و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب، کوه‌مند در آن قرار و رودمند در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو و خرما

پوشش گیاهی: درخت گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و آهو

زیرراه: از دهستان‌های بخش سعدآباد شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکزش نظرآقا است و در منطقه‌ای جلگه‌ای گرم مرطوب قرار و شاخابه‌هایی از رود شیرین در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو و خرما

پوشش گیاهی: درخت گز و گیاهان مرتعی

ساحلی: از مناطق شهرستان تنگستان استان بوشهر است که از خاور به رشته‌کوه‌مند از باختر به خلیج فارس و از شمال به شهرستان بوشهر محدود است.

کان‌ها: در فاصله‌ی ۳۸ کیلومتری (خط مستقیم) جنوب خاوری دلوار، ۷کیلومتری خاور روستای پهن، خط‌الرأس کوه‌مند منابع نفت و گاز وجود دارد.

در فاصله‌ی ۳ کیلومتری خاور دلوار (دره نمکی) معدن نمک در اطراف دلوار معدن سنگ گچ وجود دارد که از نمک با شیوه‌ی مکانیکی و از گچ با روش ابتدایی استخراج می‌کنند.

آب و هوا: گرم ومرطوب

نژاد و زبان: آریایی‌نژاد و به زبان فارسی با گویش محلی (تنگسیری) سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان کنار، گردو و بادام کوهی - گیاهان دارویی: گل گاوزبان، خاکشی، درمنه، تخم‌شربتی، کرچک، گل زرد و کاسنی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بزکوهی، شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کفتار، پلنگ، یوزپلنگ، گراز، کبک، تیهو و پاره‌ای پرندگان دریایی و آبزیان خلیج فارس.
وضع اقتصادی: بر ماهیگیری، کارگری، کار روی لنج‌ها، کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی به‌صورت دیم انجام می‌شود. خرما، گندم، جو و دام و فرآورده‌های دامی از محصولاتش است.
سعدآباد: از بخش‌های شهرستان دشتستان استان بوشهر است که از شمال به شهرستان‌های ممسنی، از خاور به بخش خشت و کمارج از بخش‌های کازرون، از جنوب به شهر برازجان و بندر بوشهر و از باختر به بندرگناوه محدود است.
سعدآباد یکی از بخش‌های مهم شهرستان دشتستان است. رودشاپور از شمال آن می‌گذرد و دارای زمین‌های حاصل‌خیزی می‌باشد. در اطراف سعدآباد درختان خرما و درختان دیگر فصلی، مناظر طبیعی زیبایی را پدید آورده‌اند که نسبت به دیگر نقاط استان بوشهر، سرسبزتر به نظر می‌رسد، سعدآباد از نظر نوع و کیفیت و میزان تولید خرما، در استان بوشهر مقام اول را دارا است. -کتاب‌های درسی
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر سعدآباد و رود حله می‌گذرد و در ۷کیلومتری جنوب شهر سعدآباد در محلی به نام دو رودگاه به رود الکی می‌پیوندد و رود حله را تشکیل می‌دهد که سرانجام به خلیج‌فارس می‌ریزد.
دشت‌ها: ۱ - دشت گور ۲ - دشت وسیعی در نواحی باختر و جنوب باختری که غالباً پوشیده از نخل است.
آب و هوا: گرم و نسبتاً خشک
جانوران: آهو، بزکوهی، قوچ و میش، گرگ و کفتار
اقتصاد: کشاورزی و پرورش نخل و دامداری و حصیر و سبدبافی.
فرآورده‌ها: گندم، جو، مرکبات، خرما، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی، حصیر، سبد.
شبانکاره: از بخش‌های شهرستان دشتستان، مرکز آن شبانکاره دارای دو دهستان (۱ - شبانکاره ۲ - درواهی) است.
سد معروف شبانکاره در این بخش در نزدیکی قریه در واهی روی رودخانه‌ی شاپور برافراشته شده و قسمتی از روستاهای جنوبی این منطقه را آبیاری می‌کند.
شبانکاره: از دهستان‌های بخش شبانکاره شهرستان دشتستان استان بوشهر و مرکز آن شبانکاره است و در منطقه‌ای دشتی، گرم مرطوب و رود شبانکاره و رود شور در آن جریان و کوه مورگچی و کوه تاوه سیاه و کوه بونسار و دره‌ی عنبری در آن قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو
پوشش گیاهی: درخت کنار و برخی گیاهان دارویی چون کاسنی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: گرگ، گراز، کفتار، روباه و خرگوش
شنبه و طسوج: از دهستان‌های بخش خورموج شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکزش شنبه است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک و رشته‌کوه سرتنگ و کوه‌گچ در آن قرارگرفته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تنباکو، تره‌بار و خرما
پوشش گیاهی: آویشن، خاکشی، گل‌زرد، گل‌گاوزبان و پوشش مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، قوچ، میش، گراز، و کبک
طاهری: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

کنگان استان بوشهر و مرکزش طاهری است.
طسوج: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکز آن سرمک و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک قرار گرفته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، مرکبات، خرما، انگور و انار
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، گل‌زرد و آویشن و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز
عسلویه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کنگان استان بوشهر و مرکزش عسلویه است.
عسلویه: از بخش‌های شهرستان کنگان، مرکز آن عسلویه، دارای دو دهستان ۱ - عسلویه ۲ - نای بند به مرکزیت چاه‌مبارک و دارای دو شهر است. ۱ - عسلویه ۲ - نخل تقی
جغرافیای تاریخی و سیاسی منطقهٔ عسلویه: بر اساس شواهد موجود، اعراب کوچ کننده از سرزمین نجد عربستان که رهسپار عمان شده بودند، شامل طوایف و قبایل غیر ایلاتی بودند که برای معیشت بهتر، راهیِ کرانه‌های شرقیِ خلیج فارس شدند و در نقاط مختلف عَمان سکونت اختیار کردند.

سال‌ها بعد، طایفه هایی از آنان که بیشتر تمیمی و مالکی بودند، به صورت جماعت و دسته‌هایی از مسقط، راهیِ منطقهٔ عسلویه شدند و در قریه‌ها و روستاهای آنجا که طبیعت بهتری داشت، متمرکز گردیدند. آنان در اوایل دولت قاجار، از ضعف حکومت مرکزی استفاده کرده و به تاخت و تاز در کرانه‌های خلیج فارس پرداخته و بعضاً با خود مختاری، حکومت برخی از بلوکات آنجارا در اختیار گرفتند و مذاهب تسنن وزبان عربی را در آن خطه رواج دادند سرانجام در سالهای اخیر، تمام این بلوکات زیر نظر حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس درآمد و امروز این بندر (عسلویه) با توجه به صنایع نفت وگاز، با شتابی اعجاب انگیز به بزرگترین قطب اقتصادی - انرژی ایران تبدیل می شود.

مطالعه در جغرافیای سیاسی و تاریخی منطقه، منجر به شناسایی مطلوب اقلیمی و ویژگیِ طبیعت هر منطقه می گردد.

امروزه، ارزش انرژی های کانی بر کسی پوشیده نیست و وجود حوزه های وسیع نفت وگاز در کرانه های خلیج فارس و فلات قاره وبخش عظیمی از کشورمان، موجب گردیده که توجه جهانیان و شرکت های بزرگ صنایع نفت و گاز و سرمایه گذاری در این صنایع حیاتی وسود آور را بیش از پیش به خود جلب نماید.

یکی از مهم‌ترین پروژه های استراتژیکیِ دولت ایران در سالیان اخیر، پروژهٔ عظیم تحقیقاتی و اکتشافیِ نفت وگاز در سواحل دریای بو شهر به ویژه در مناطق کنگان و عسلویهٔ استان بو شهر می‌باشد.
قلعه‌ی خرموج ... بنایی است عظیم و رفیع که از چهار حصار قلعه و یک اندرونی و یک عمارت مرکزی و تعدادی قراولخانه پدید آمده، اصل بنا چهار و پنج مرتبه بوده و دارای عمارت گوشواره فوقانی زیبایی بوده که مشرف بر شهر و جلگه بوده است و برای لطافت هوا و مقاصد نظامی و دیده‌بانی از آن استفاده می‌شده است.
.... پی‌ها و شالوده‌ی دیوارها و عمارات از سنگ و گچ و ملاط و ساروج است ولی در ضلع غربی و در انتهای شمالی آن آثار عمارتی از سنگ و گچ و بسیار قطور و جسیم دیده می‌شود که قلعه و دیوارهای آن حقیر می‌نماید.
قلعه‌ی خرموج یکی از آثار شکوهمند گذشته‌های

دور در این سرزمین است که با تطورات تاریخی دوران تغییر یافته و به‌صورت ویرانه‌های پرجلال امروزی درآمده است. کلات مقبره یا معبد مذبح کلات از آثار تایخی مهم خرموج است .... نقشه‌ی اصلی مقابر کلات متأثر از مقابر فنیقی است و احتمال بسیاری می‌رود که گنبد مخروطی و دخمه‌ها جانشین چاه مربع شکل مستطیل شده باشد.... احمد اقتداری.

کاکی: از بخش‌های شهرستان دشتی در استان بوشهر است که از جنوب به شهرستان دیر و از خاور، شمال خاوری، شمال باختری و باختر به بخش مرکزی شهرستان دشتی محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر کاکی، دارای ۳ بخش (۱ - چغاپور ۲ -کاکی ۳ـکیگان) است.

بخش کاکی در دشتی قرار گرفته که در خاورش کوه نمک و در باختر آن رودمند روان است. امتداد کوه نمک شمال باختری، جنوب خاوری و بلندیش ۱۴۸۵ متر از سطح دریا می‌باشد. در دامنه‌ی این کوه (خاورکاکی) معدن شن و ماسه‌ای است که مورد بهره‌برداری قرار گرفته از این گذشته از این کوه سنگ نمک نیز می‌توان استخراج کرد. رودمند از خاور کوه نمک به‌سوی شمال باختری روان است و از شمال همین کوه به سوی جنوب میچرخد و از ۹ کیلومتری باختر کاکی به سوی جنوب ادامه می‌یابد.

آب و هوا: گرم و خشک

نژاد و زبان: نژاد و زبان آریایی نژادند حدود ۹۰٪ سفید و ۱۰٪ سیاه‌پوست هستند. از این گذشته تعدادی عشایر کوچنده ایل قشقایی که به ترکی سخن می‌گویند در زمستان‌ها در بخش کاکی ماندگار می‌شوند. به جز عشایر مزبور بقیه به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادام کوهی، انجیرکوهی، کنار، کهور، گز

گیاهان دارویی: گل‌گاوزبان، کاسنی، خاکشی، گل‌زرد، تخم شربتی و بنگو

پوشش گیاهی: برای چرای دام تا حدی دارد.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بزکوهی، آهو، پلنگ، روباه، خرگوش، شغال، کفتار، کبک، تیهو و آهوبره

وضع اقتصادی: بر کشاورزی، دامداری و کارگری استوار است. کشاورزی بیش‌تر دیم است تا آبی - آب کشاورزی از چاه‌های سطحی (معمولی) و به وسیله‌ی پمپ به بالا کشیده و فراهم می‌شود. گندم، جو، خرما، گوجه فرنگی و دام و فرآورده‌های دامی از محصولاتش است. گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی و حصیربافی در کارگاه‌های خانگی متداول می‌باشد.

کاکی: از دهستان‌های بخش کاکی شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکزش کاکی و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم خشک قرار و رودمند در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، خرما و تره‌بار

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، کاسنی و درختان گز و کنار و پوشش مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، قرقاول و تیهو

کبگان: از دهستان‌های بخش کاکی شهرستان دشتی استان بوشهر و مرکز آن زیارت است و در منطقه‌ای کرانه‌ای، گرم، مرطوب و کوه‌مند و دره‌ی گیل گیلو. کان گچ و کان گاز و نفت در آن قرار دارد.

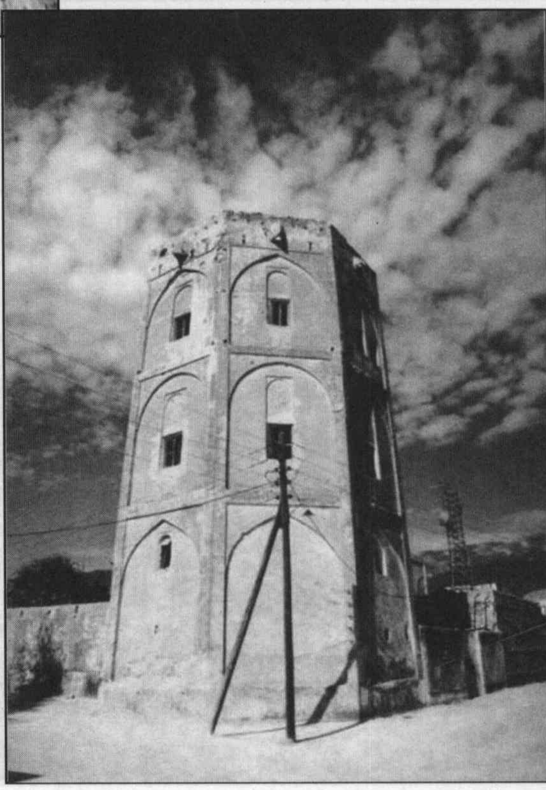
فرآورده‌ها: گندم، جو و خرما

پوشش گیاهی: آویشن، گل‌زرد، کاسنی، درخت



نقش برجسته داریوش در برازجان

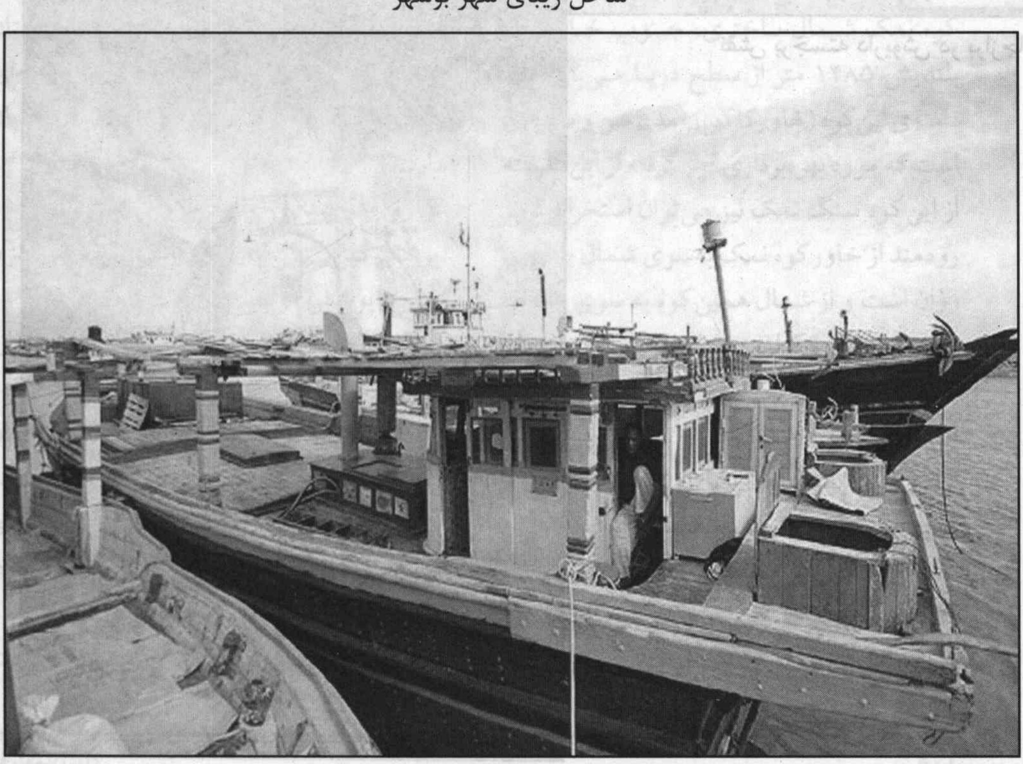
برج قلعه خورموج

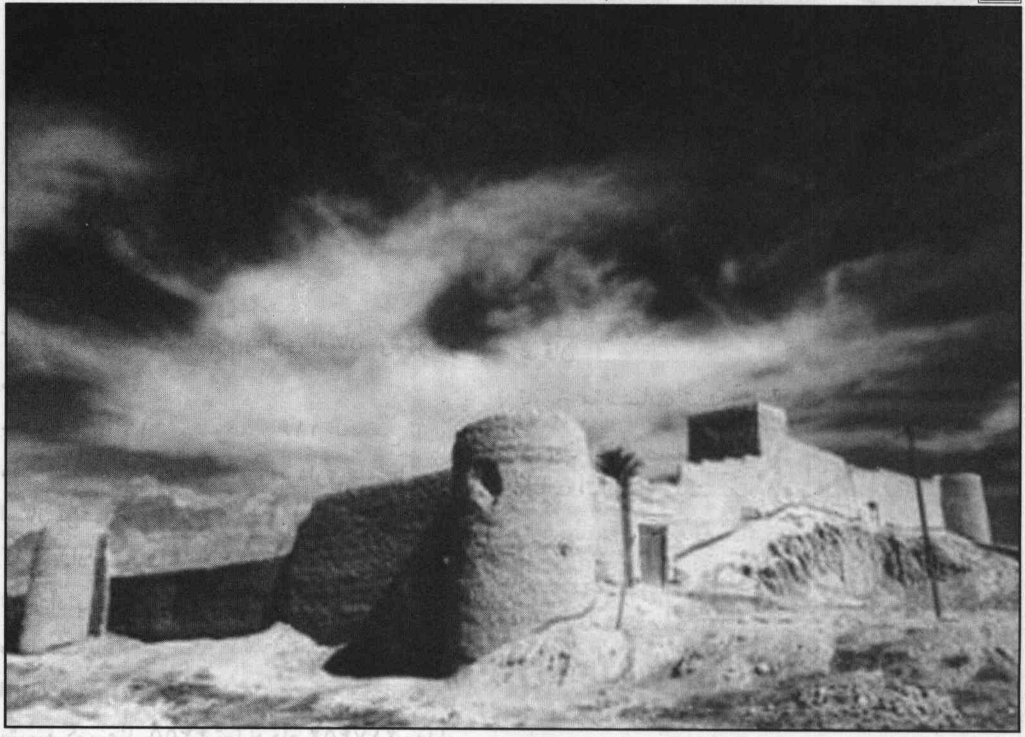


استان بوشهر

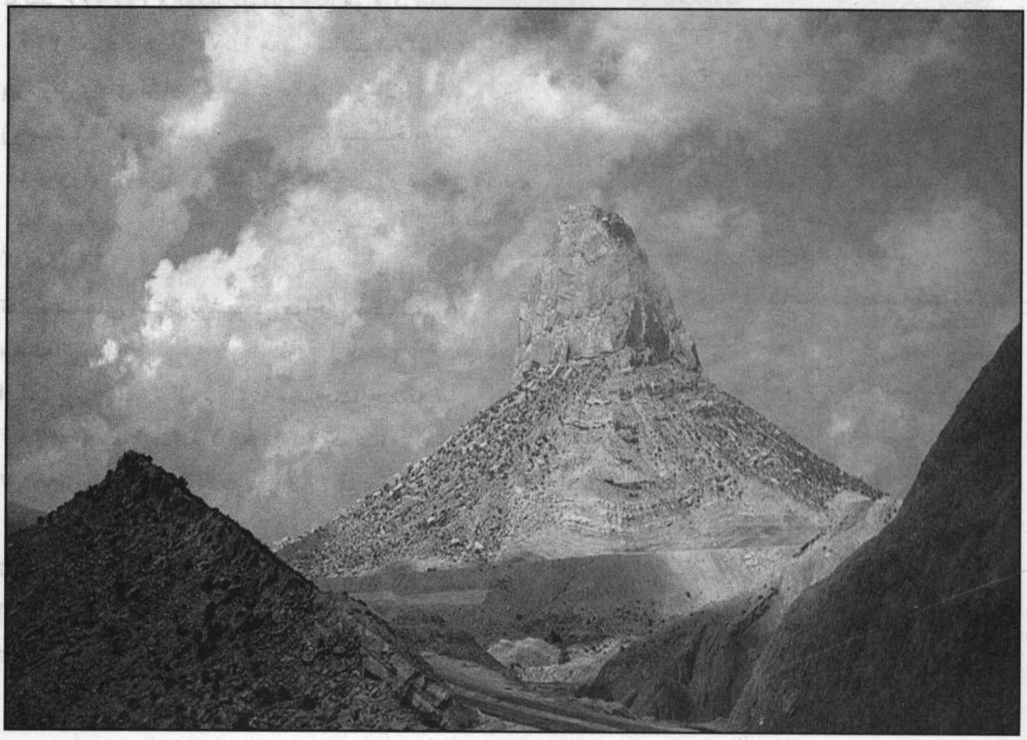


ساحل زیبای شهر بوشهر





برازجان



کوه پدری

تعداد بهره‌برداری ۱۱ مساحت گلخانه ۳
مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان بوشهر در سال ۱۳۸۵
گوشت قرمز ۱۴ شیر ۶۴ هزار تن
مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان بوشهر در سال ۱۳۸۵
گوشت مرغ ۱۲ تخم‌مرغ ۰
تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان بوشهر در سال ۱۳۸۴
جمع معادن ۱۱۹ خصوصی ۱۱۶ عمومی ۳
مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان بوشهر در سال ۱۳۸۲
کل تعداد بهره‌برداری ۳۱۸۹۰ مساحت ۳۴۸۶۴۱ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۸۳۱۰ مساحت باغ و قلمستان ۲۵۷۰۴
استان بوشهر در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۴۴۵۵ تعداد دام ۲۱۷۴۵۲ مقدار تولید ۲۲۶۰۶۶ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۲۲۷۱ تعداد دام ۱۵۷۰۱۵ مقدار تولید ۶۵۳۸۲
بهره‌برداری‌های کشاورزی استان بوشهر در سال ۱۳۸۲
زراعت ۲۲۱۶۴ باغداری ۳۰۵۲۱ تولید گلخانه‌ای ۱۱ پرورش ماکیان ۲۶۵۶۹ پرورش زنبور عسل ۱۵۱ پرورش دام بزرگ ۱۰۶۹۲ پرورش دام کوچک ۲۴۴۲۹ پرورش کرم ابریشم ۰
تعداد سدهای استان بوشهر در مراحل مختلف:
مطالعاتی ۵ اجرایی ۰ بهره‌برداری ۱ مجموع ۶
استان بوشهر در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۲۰۴۳۰۶ جمع مراتع ۱۲۶۲۹۹۵ خوب(متراکم) ۸۷۷۷متوسط(نیمه‌متراکم)۴۰۹۲۰۸فقیر(کم تراکم) ۸۴۵۰۱۰ پدیده‌های بیابانی ۳۳۱۶۸۲
تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان بوشهر: فعال: ۴۷ غیرفعال: ۲ در شرف تأسیس: ۳ تعداد کل: ۵۲

برخی از کتاب‌های سودمند و منابع

کتاب آسمان ایران ـ هرمان نوردول ـ ترجمه سیمین سمیعی
کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی کمیته ملی المپیک ایران ـ غلامحسین ملک‌محمدی
جغرافیای نظامی ایران ـ علی رزم‌آرا
سرزمین‌های خلافت شرقی ـ ترجمه محمود عرفان
تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران ـ دکتر حسین محبوبی اردکانی
کتاب ایرانویج ـ دکتر بهرام‌فر، وشی
رام‌اردشیر، اولین پایگاه دریائی ـ محمدرضا میرباقری
دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش
آئین شروه‌سرایی ـ حمیدی، جعفر
ادبیات عامیانه استان بوشهر ـ رضایی، عبدالله
بازی‌های محلی استان بوشهر. بانضمام ورزش و سلامت انسان ـ برجاس، اسماعیل
تعزیه در استان بوشهر ـ عرفان، حیدر
جنوب، از بوشهر تا جاسک ـ کسرائیان، نصرالله
دشتستان در گذر تاریخ ـ فخرایی، محمدجواد
سنگستان ـ احمدری ریشهری، عبدالحسین
سنگستان عقاید و رسوم عامه مردم بوشهر ـ احمدی ریشهری ـ عبدالحسین
شعر دشتی و دشتستان ـ زنگویی، عبدالمجید
شناسنامه شهرهای استان بوشهر ـ جمالی، رحیم
فرهنگ‌نامه بوشهر ـ حمیدی، جعفر
گزارشهای سالانه سرپرسی کاکس کنسول انگلیس ـ کاکس، پرسی زاخاریا
موسیقی بوشهر ـ کوکرتز، یوزف
میرمهناوشهردریاهاـزنگنه،حسن گردآورنده‌ومترجم



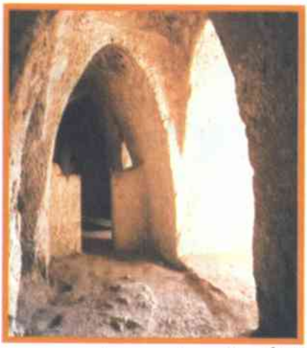
قلعه طاهری



منظره ای از بندر بوشهر



کشتی در بارانداز بندر بوشهر



آتشکده کوه مند - حومه خورموج



آتشکده کوه مند



یک منظره طبیعی از استان بوشهر



دیّر مسجد جامع بردستان



کشتی های ماهیگیری



زنی بوشهری در حال فرش بافی



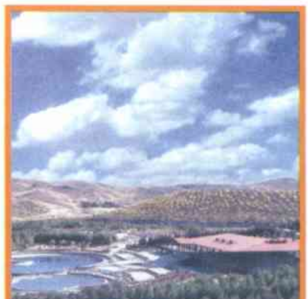
دختری از بوشهر



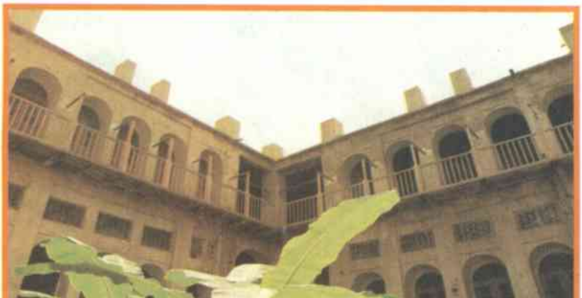
مردان و کودکان حصیر باف استان بوشهر



آثاری بجا مانده از شهر باستانی سیراف



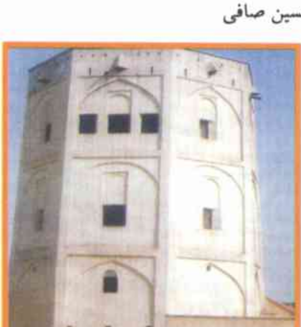
نمائی از تاسیسات بندری



از بناهای شهر بوشهر - عکاس سید حسین صافی



برخی از ساختمان های نسبتا قدیمی شهر بوشهر



برج قلعه خرموج



تصویری از نمای خارجی یکی از بناهای قدیمی بوشهر



یک منظره از نخلستان های شهرستان جم



یک کشتی در حال پهلو گرفتن در بندر



منظره ای از یک کشتی در حال بارگیری - بندر بوشهر



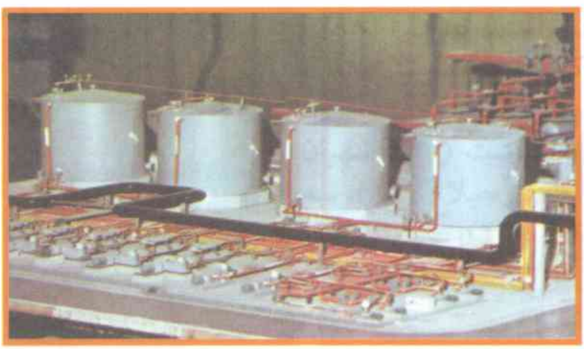
نهادن بسته های سنگین کالا در تریلی های بزرگ



منظره ای دیدنی از نخلستان



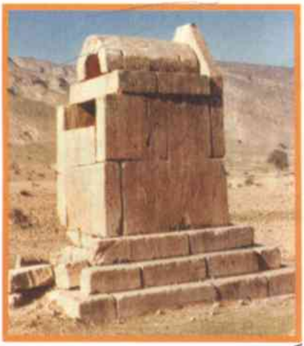
منظره ای عمومی از محل بارانداز بندر بوشهر



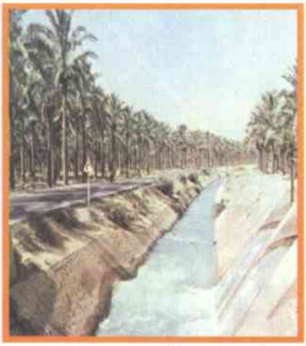
تاسیساتی نفتی در استان بوشهر



منظره از دو کشتی در بندر بوشهر



گور دختر هخامنشی - دشتستان



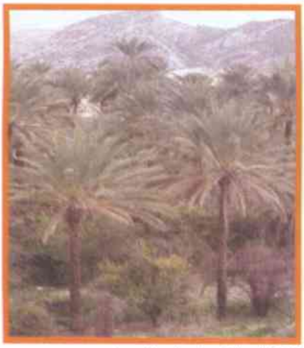
کانال آبرسانی - آب پخش برازجان



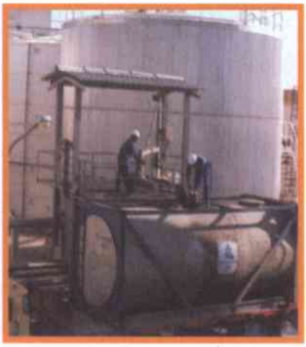
منظره ای از یک کشتی نفت کش



منظره ای از کامیون های در حال بارگیری در بندر بوشهر



از نخلستان های استان بوشهر



یکی از دستگاه های بزرگ حمل و نقل در بندر بوشهر



منظره ای از کوه پدری شهرستان جم - استان بوشهر

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان تهران

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان



سیمای اقلیمی - دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی - مهم‌ترین چشمه‌های آب معدنی - گردشگاههای طبیعی - پارک‌ها - برج‌ها - کاخ‌ها - شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها، تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان تهران براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:
مرکز استان: شهر تهران، تعداد شهرستان: ۱۳ تعداد بخش: ۳۵ تعداد شهر: ۵۱ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۲۱۲ کل آبادی‌ها: ۱۵۳۶
جمعیت استان تهران در سال (۱۳۸۵) ۱۳۴۲۲۳۶۶ نسبت به کل کشور ۱۹/۰۴ بوده است. مساحت استان تهران ۱۸۸۱۴ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱/۱۶ است. تراکم نسبی جمعیت استان تهران در سال (۱۳۸۵) ۷۱۳ نفر در کیلومترمربع بوده است.
تهران: اسلام‌شهر (۳۲)، پاکدشت (۳۳)، تهران (۰)، دماوند (۷۱)، رباط‌کریم (۴۴)، ری (۲۲)، ساوجبلاغ (۸۲)، شمیرانات (۱۱)، شهریار (۳۸)، فیروزکوه (۱۴۵)، کرج (۴۴)، نظرآباد (۹۲)، ورامین (۴۷)

که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از استاد ناصر میزبانی عکاس هنرمند

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان تهران
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۳۰۰۹۶ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۰ـ۳۳ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸
بها: هزارو ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان تهران؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۰ـ۳۳ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۵۷

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان تهران براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: **تهران** **مساحت:** ۱۸۸۱۴ تعداد شهرستان: ۱۳ تعداد بخش: ۳۵ تعداد شهر: ۵۱ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۲۱۲ کل آبادی‌ها: ۱۵۳۶

جمعیت استان تهران در سال (۱۳۶۵) ۸۰۹۵۱۷۴ نسبت به کل کشور ۱۶/۳۷ و در سال (۱۳۷۵) ۱۰۳۴۳۹۶۵ نسبت به کل کشور ۱۷/۲۲ و در سال (۱۳۸۵) ۱۳۴۲۲۳۶۶ نسبت به کل کشور ۱۹/۰۴ بوده است.

مساحت استان تهران ۱۸۸۱۴ نسبت به کل کشور ۱/۱۶ است.

کارگاههای استان تهران ۴۹۵۲۱ نسبت به کل کشور ۷/۶۸ است.

درصد میزان شهرنشینی استان تهران در سال (۱۳۷۵) ۱۶/۸۶ و در سال (۱۳۸۵) ۳۴/۹۱ است.

تراکم نسبی جمعیت استان تهران در سال (۱۳۶۵) ۴۳۰ و در سال (۱۳۷۵) ۵۵۰ و در سال (۱۳۸۵) ۷۱۳ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان تهران

مرد و زن ۵۴۴۳۵ زن ۲۶۴۹۸ مرد۲۷۹۳۷

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان تهران

مرد و زن۶۰۶۲۶ زن ۲۷۵۱۱ مرد۳۳۱۱۵

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان تهران در سال ۱۳۸۵

جمع ۰ دولتی ۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۳۹۷ هزار اصله

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان تهران در سال ۱۳۸۵

ادامه در صفحهٔ ۷۵۳

فهرست برخی از مطالب

استان تهران: طول شرقی حداقل ده دقیقه و ۵ درجه و حداکثر ۱۰ دقیقه و ۵۳ درجه و حداقل عرض شمالی ۵۲ دقیقه و ۳۴ درجه و حداکثر ۲۱ دقیقه ۳۶ درجه

شهرستان تهران دارای ۱۴۹۷ کیلومتر مربع و پرجمعیت‌ترین استان تهران و پرجمعیت‌ترین شهر کشور (شهر تهران) است، بیش‌تر مساحت شهرستان تهران را شهر تهران در بر گرفته است.

جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان تهران

استان تهران توسط رشته‌کوههای البرز از استانهای گیلان و مازندران جدا شده است و درحقیقت ارتفاعات البرز همچون سدی بین استان تهران و استانهای شمالی کشور قرار گرفته است که طبعاً نحوه استقرار ارتفاعات البرز بر شرائط طبیعی و اقلیمی استان تهران بسیار تاثیر می‌گذارد.ارتفاع رشته‌کوههای البرز به طرف شرق افزایش می‌یابد و در البرز مرکزی به بلندترین نقطه خود یعنی قله دماوند با ارتفاع ۵۶۷۱ متر می‌رسد.

دشت‌های وسیع استان تهران در محدوده های ورامین ،کرج و تهران گسترش یافته و شهر ها وشهرکهای اقماری متعددی را درحوزه های خود به وجود آورده‌اند. دشت های استان تهران از هشتگرد آغاز شده و تا دشت ورامین ادامه می‌یابند.قسمتی از این دشت با ارتفاع ۷۹۰ متر در جنوب استان ،پست‌ترین نقطه استان را در بر می‌گیرد.

مناطق جلگه‌ای و دشت‌های استان تهران با شیبی ملایم از شمالشرقی به طرف جنوبغربی کشیده شده و به سبب هموار بودن این مناطق ،شرائط مناسب جهت فعالیت‌های کشاورزی و سایرفعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی به وجود آمده است و به این جهت این مناطق به کانونهای زیستی پر جمعیت استان تبدیل شده است.

سیمای اقلیمی استان: سیمای اقلیمی استان تهران به سبب استقرار استان در موقعیت‌های متفاوت جغرافیائی که در یکطرف آن بلندترین قله ایران یعنی دماوند با ارتفاع ۵۶۷۱ متر ایستاده است و در سوی دیگر آن دشت هائی با ارتفاع کمتر از ۸۰۰متر گسترده است .از عوامل و فاکتورهای متعددی همچون ارتفاع، عرض جغرافیائی ،توده‌های هوای مهاجر ،منابع رطوبتی ،پوشش گیاهی، فعالیت‌های کشاورزی و توسعه صنایع تاثیر می‌پذیرد که درمجموع ۴۰ فاکتور نخست را به عنوان عوامل اصلی شکل دهنده اقلیم استان بر می‌شمارند و عوامل بعدی را تحت عنوان عوامل فرعی موثر بر اقلیم استان مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

شهر تهران که امروزه مرکز کشور جمهوری اسلامی ایران است در زمان‌های قدیم یکی از روستاهای واقع در پیرامون شهر بزرگ ری بود. تهران پس از ویران شدن ری توسط مغولان، شروع به رشد کرد. در حال حاضر، تهران مرکز کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، ادارات و مراکز علمی کشور می‌باشد و علاوه بر آن، مرکز ثقل سیاسی و اداری کشور طی ۲۰۰ سال اخیر به شمار می‌رود. این شهر از طریق فرودگاه بین المللی مهر آباد با تمام شهرهای ایران که دارای فرودگاه هستند و بسیاری از شهرهای مهم جهان ارتباط هوائی دارد. تهران از طریق سه ترمینال مسافربری در شرق، غرب و جنوب تهران و خطوط راه آهن با تمامی ایران در ارتباط می‌باشد.

در شهر تهران موزه‌ها، گالری‌های هنری، اماکن مذهبی،مراکزورزشی و تفریحی،سینماها و

مراکز گوناگون تفریحی و فرهنگی وجود دارد. همچنین گردشگاه‌های اطراف شهر، به ویژه نقاط خوش آب و هوای ارتفاعات البرز، در روزهای تعطیل جمعیت زیادی را به اطراف رودخانه‌های کرج، جاجرود و لار می‌کشاند. پیست‌های اسکی آبعلی، گاجره، دیزین و شمشک وعده‌گاه ورزش‌های زمستانی است.

کاخ نیاوران، کاخ سلطنت آباد، عمارت کلاه فرنگی، میدان آزادی، عمارت باغ فردوس، کاخ مرمر، مسجد مشیر السلطنه، پامنار، خوضخانه‌ی باغ نگارستان، سر در باغ ملی، کلیسای سورپ گروگ، کاخ گلستان، کاخ شمس العماره، کاخ بهارستان، عمارت تخت مرمر، مدرسه‌ی خان مروی، مدرسه‌ی سپهسالار، مسجد امام خمینی، مسجد جامع رجبعلی، برج طغرل، برج نقاره خانه، تپه میل (در تهران)، حضرت عبدالعظیم، آتشکده‌ی ری، تپه‌ی چشمه علی، زندان هارون (در ری)، برج میرانک، کاخ سلیمانیه، غار ارنگه، قلعه‌ی صمصام (در کرج)، درکه، آبشار اسون، امامزاده صالح و آبشار شکر آب (در شمیران)، دریاچه‌ی تارومحج، غارهای گل زرد، بیوک آغا، کاروانسرای شاه عباسی و غیره، از مهمترین جاذبه‌های گردشگری تهران محسوب می‌گردد. - سازمان نقشه‌برداری کشور.

تاثیر ارتفاعات بر اقلیم استان: فاکتور ارتفاع به عنوان مهمترین عامل در شکل‌گیری اقلیم وزیر اقلیم‌های استان تهران بر بسیاری از شرائط جغرافیایی، اقلیمی، زیست محیطی و عرصه‌های اقتصادی ـاجتماعی استان تاثیر می‌گذارد و به این سبب از اهمیت بسیار زیادی در این ارتباط بر خوردار است.

استان تهران در دامنه‌های جنوبی بخش مرکزی سلسله جبال البرز قرار گرفته است .این بخش از ارتفاعات البرز ،مرتفع‌ترین قلل البرز را به خود اختصاص داده است که در حقیقت بخش‌های شمالی و شمالشرقی استان تهران را تشکیل می‌دهد .ارتفاع کوههای این بخش به سمت شرق افزایش یافته و ارتفاع قله‌هااز مرز ۵۰۰۰ متر گذشته و در قله دماوند به مرز ارتفاعی ۵۶۷۱ متر از سطح دریا می‌رسد.

از قلل دیگر این ارتفاعات می‌توان از قله "پالان گردن "و "چیگرو " نام برد. این قلل مرتفع مانع عبور توده‌های هوای مرطوب از آن سوی البرز به طرف آن می‌گردند.

ارتفاعات کندوان و کوههای طالقان در بخش شمالغربی استان تهران تا محل تلاقی رود خانه الموت به رود خانه طالقان کشیده شده و به مثابه دیواری عظیم دو اقلیم شمال و جنوب البرز را از یکدیگر متمایز نموده‌اند.درقسمت‌های شمالشرقی نیز این ارتفاعات با نام رشته کوههای فیروزکوه و سوادکوه تا دره رودخانه فیروزکوه که از شعباب اصلی حبله رود است، امتداد دارد.

از ارتفاعات بخش مرکزی در منطقه جنوبی البرز می‌توان از ارتفاعات لواسانات و قره‌داغ و دماوند نام برد. ارتفاعات شمیرانات با قله توچال با ارتفاع ۳۹۳۳ متر و کوههای کهار نیز از جمله ارتفاعات استان تهران در این بخش است. در قسمتهای جنوب و شرق تهران، کوههای حسن آباد، بی بی شهربانو، و قصر فیروکوه استقرار دارند که همواره با سایر ارتفاعات بر شمرده، اقلیم استان تهران تحت تاثیر مداوم خود قرار می‌دهند.

تأثیر منابع رطوبتی بر اقلیم استان: منابع آبها نیز به عنوان یک فاکتور مهم در شکل‌گیری اقلیمی هر منطقه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. منابع آب

استان تهران، تحت عناوین آبهای سطحی، آبهای زیـرزمینی و دریـاچه‌ها و سـدها دسته‌بندی می‌شوند.

– در بخش نخست، رودخانه‌های استان قرار دارند که مهمترین آنها عبارتند از جاجرود، حبله‌رود، رودخانه کرج، رود لار، رود شور و رود خانه طالقان که این منابع رطوبتی بر حسب ظرفیت و گستردگی خود در مقیاسات کوچک و متوسط، اقلیم استان را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

در بخش دوم آبهای زیر زمینی قرار دارند که در اشکال چاهها ،قنوات و چشمه‌ها موردبهره برداری قرار می‌گیرند و به تغییر سیمای اقلیمی استان کمک می‌کنند.

سومین بخش از منابع رطوبتی استان تهران را دریاچه‌ها و آب پشت سدها تشکیل می‌دهند که مهمترین آنها عبارتند از دریاچه‌های تار وممج،دریاچه سد لار، دریاچه سد امیر کبیر ودریاچه سد لتیان که هر یک از آنها با آبیاری بخش‌های وسیعی از زمین‌های اطراف خود در رویش و پوشش گیاهی استان و نیز با انجام فرآیند تبخیر از سطح آنها ،بر اقلیم استان تاثیر می‌گذارند.

مرکز پر فشار سیبری : منطقه فیروزکوه از استان تهران ،یکی از گذرگاههای توده‌های هوا از شمال البرز به جنوب آن است.منشاءبارندگیهای اصلی این منطقه را می‌توان در قالبی کلی در سیستم‌های پر فشار و کم فشار زمستانه که از این منطقه عبور می‌کنند. جستجو نمود که پر فشارهای بر آمده از سیبری یکی از آنها است که برودت هوا وریزش‌های سنگین برف را در آن موجب می‌گردد و در این حالت جریان باد شمالشرقی منطقه را فرا می‌گیرد.این منطقه از استان تهران دارای ۱۶۵ روز یخبندان در طول سال است.

پر فشار سیبری علاوه بر منطقه فیروزکوه در ماههای سرد سال تمام استان تهران راتحت تاثیر امواج سرمائی خود قرار می‌دهد و ریزش‌های سنگین برف را در ارتفاعات استان تهران موجب می‌گردد.

پر فشار سیبری بر روی دشت پوشیده از برف و یخ سیبری تشکیل می‌شود و هوای سرد سنگین را از نواحی شمالشرق کشور وارد ایران می‌نماید.در فصل‌های سرد سال توده‌های هوای برخاسته از دشت‌های سیبری پس از مهاجرت به عرض‌های پایین‌تر جغرافیایی ،از بخش جنوبشرقی کشور و بطور مشخص از روی استان خراسان به داخل کشور سرازیر شده و موجب تلاطم جوی و افت دماو بروز سرما و بارندگی‌های غالباً منجمد در ارتفاعات اغلب مناطق تحت نفوذ خود می‌گردد. نفوذ توده‌های هوای سیبریائی هر چند در مدخل ورودی خود در استان خراسان اکثراً موجب افت دما و ورزش بادهای سرد و گاهی نیز سبب بارندگی می‌گردد، اماپس از پیمایش دریای خزر که در این زمان دارای شرایط دمایی گرم‌تری نسبت به توده هوای سیبریائی است، از رطوبت دریای خزر تغذیه نموده و بارندگی‌های سنگین پاییزه شمال ایران، به ویژه گیلان و غرب مازندران را به وجود می‌آورد.

مرکز پرفشار کلاهک قطبی: این مرکز پرفشار در نواحی کلاهک قطب شمال تشکیل می‌شود و از طریق اروپای شرقی با ایجاد زبانه پرفشار از نواحی آذربایجان وارد کشور می‌شود. توده‌های هوای برآمده از این مرکز پرفشار حامل هوای سرد و خشک است و در فصل زمستان همراه با بادهای سرد گزنده می‌باشد.

به سبب فعالیت این مرکز پرفشار، وزش

بادهای سرد شمالی دمای هوا را به سرعت کاهش داده و بخش‌های مرتفع شمال غرب و غرب کشور را تا ۳۰ درجه سانتی گراد زیر صفر دچار برودت می‌کند. در سال هایی که دامنه فعالیت این مرکز پرفشار زیاد باشد، سرمای شدیدی را بر استان تهران هم تحمیل می‌نماید.در مجموع جریانات سرد شمالی که دمای هوا را به سرعت کاهش می‌دهند، بخش اعظم کشور و استان تهران را از ماه آبان تا اردیبهشت تحت تاثیر قرار داده و موجب ریزش برف، در ارتفاعات کشور می‌گردند.

مرکز پرفشار آزر: این مرکز پرفشار روی جزایر آزر شکل می‌گیرد و از دو طریق ممکن است وارد کشور شود. ابتدا ممکن است پس از عبور از روی اروپا به ویژه جنوب اروپا وارد کشور شود و یا از طریق افریقا حرکت کرده و پس از طی مسافتی جغرافیای ایران را تحت نفوذ خود قرار دهد.

این سیستم پرفشار پس از عبور از روی دریای خزر و کسب رطوبت کافی و صعود بر دامنه‌های شمالی البرز، در امتداد دره فیروزکوه مبادرت به ریزش می‌نماید. فعالیت مرکز پرفشار آزر، بخش‌های دیگری از استان تهران را هم تحت نفوذ خود قرار می‌دهد و بارندگی هایی را به وجود می‌آورد.

سیستم کم فشار مدیترانه‌ای: مهم‌ترین سیستم باران زا در استان تهران، کم فشارهای برخاسته از دریای مدیترانه است. دریای مدیترانه علاوه برآنکه محل عبور سیستم‌های کم فشار است، خود نیز محل تشکیل کم فشارهای باران زا است که پس از تشکیل به سمت شرق به حرکت در می‌آیند و عموماً بر روی قبرس زبانه‌ای ایجاد کرده و این زبانه‌های کم فشار از روی کشور ترکیه عبور کرده و وارد کشور ایران می‌شوند و بر نواحی تحت نفوذ خود تاثیر می‌گذارند.

سیستم‌های بر خاسته از روی مدیترانه و اقیانوس اطلس که ماهیتاً جنب حاره‌ای دریائی هستند و به سمت کشور ایران حرکت می‌کنند،در فصل زمستان همراه با کم فشارهای باران زا ،بیش از ۶۰ در صد بارندگیهای فلات ایران موجب می‌گردند و در سطح استان تهران بیش از نیمی از بارندگیهای سالانه را پدید می‌آورند که ریزش‌های آنها در مناطق پست و جلگه‌ای ،آبگین و در ارتفاعات به صورت ریزش برف است.

سیستم کم فشار سودانی : منطقه سودان در افریقا به علت مجاورت با منطقه حاره به طور نسبی دارای موقعیت کم فشار است.در فصل‌های سرد سال با نفوذ زبانه پر فشار به نواحی شمالی سودان و ریزش هوای سرد درآن منطقه ،کم فشار سودان تقویت شده و از دریای سرخ رطوبت جذب می‌نماید.در واقع این سیستم در ابتدا فعال نمی‌باشد و فاقد جبهه است، اما به تدریج که بر روی دریای سرخ کشیده می‌شود.با توده هوای آن منطقه برخورد کرده و فعال می‌شود که عموماً پس از شکل‌گیری ،یا از طریق خوزستان وارد ایران می‌شود و یا پس از عبور از روی عربستان و کویت و توقف کوتاه بر روی خلیج فارس و کسب رطوبت کافی، استانهای جنوبی کشور و گاهی تا نواحی مرکزی ایران واستان تهران را تحت تاثیر قرار می‌دهد و پس از آن به طرف شرق و جنوب شرق کشیده می‌شود.

ریزش‌های ناشی از فعالیت کم فشار سودانی در ارتفاعات استان تهران به صورت برف و در دشت‌ها وجلگه‌های استان بصورت باران است.

ویژگیهای خرد اقلیمی منطقه کرج : درمقیاس

کلی، منطقه کرج نیز همانند بخشهای دیگر استان تهران در فصول سرد سال متاثر از سیستم‌های شمالی، شمالغربی، غربی و به ویژه جنوبغربی بوده و ریزش‌های جوی آن تابعی از فعالیت این سیستم‌ها می‌باشد. بارندگیهای این منطقه از ماههای آبان و آذر آغاز وتا اواسط اردیبهشت ماه ادامه می‌یابد. در واقع سیستم‌های باران زای موثر در این بخش از استان تهران ،غالباً همان سیستم‌های باران زای عمومی در سطح استان تهران است ،اما از نقطه نظر ویژگیهای خرد اقلیمی دور بودن کرج از دشت کویر نیز موجب برودت و رطوبت بیشتر این منطقه نسبت به تهران در فصول سال، به ویژه در تابستان می‌گردد.

در ناحیه سد کرج به دلیل دره‌ای بودن موقعیت جغرافیائی این ناحیه و تقویت جریانات سیکلونیک در آنجا که به دلیل چرخش باد جلوی جبهه گرم از سمت جنوبی به سمت موافق باچرخش سیکلونیک ونیز وجود رطوبت حاصل از ذخیره آب موجود در محل صورت می‌گیرد.ریزش‌های جوی این ناحیه تشدید شده و از سایر نقاط کرج بیشتر است.از طرفی هم به علت وجود جریانات همرفتی (convective) در این ناحیه ناپایداری حاصل، ابرهای جوششی را در داخل ابرهای پوششی (نیمبواستراتوس) تولید می‌نماید که به نوبه خود موجب تشدید بارندگی می‌گرددو میزان ریزش‌های جوی در ناحیه سد کرج بیشتر از سایر نقاط کرج است. مشابه وضعیت فوق در دره فرح زاد (امام زاده داوود) و نیز دره دربند و پس قلعه که در این نقاط نیز با اغلب سیستم‌ها بارندگی پدید می‌آید، مشاهده می‌شود.

تاثیر پوشش گیاهی و کشاورزی بر اقلیم استان: گذشته از چهار عامل اصلی ارتفاع، عرض جغرافیایی، منابع رطوبتی و توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی که اساس شکل‌گیری اقلیم استان را تشکیل می‌دهند، عوامل دیگری نیز تحت عنوان فرعی در ساختار اقلیم استان تهران موثرند که از آن جمله می‌توان از پوشش گیاهی و کشاورزی و فعالیت‌های صنعتی استان نام برد.

به سبب آنکه وضعیت اقلیمی دشت‌ها و جلگه‌های اطراف تهران، به ویژه جنوب آن نیمه صحرائی با بارندگی کم و فصل خشک طولانی می‌باشد، پوشش گیاهی در این ناحیه مناسب نبوده و فقط بهنگام فصل بهار و سالهای پرباران، به علت وجود دمای مناسب و آب کافی دارای یک دوره کوتاه رشد و نمو قابل ملاحظه‌ای است که این امر به صورت کوتاه‌تر در مورد برخی از گیاهان چند ساله نیز در اوائل پائیز اتفاق می‌افتد و در سایر فصل‌ها تنها خارها و بوته‌های استپ‌های صحرایی و نیمه صحرایی مخصوصاً در ادامه ارتفاعات دیده می‌شوندکه در میان آنها به صورتی نادر، پهن برگان خاردار یا گیاهان یکساله مشاهده می‌گردند.

مراتع استان تهران نیز به علت چرای بی رویه دام، ظرفیت مفید خود رااز دست داده که به دنبال آن فرسایش خاک و آمادگی منطقه جهت آسیب پذیری از سیلابها فرا رسیده است.

پوشش جنگلی این استان هم به صورت جنگلهای نامنظم از بقایای جنگلهای بنه و گونه هایی نظیر زالزالک، زرشک، انجیر، گوجه وحشی و غیره به صورت پراکنده دیده می‌شوند.

طی دهه‌های اخیر با ایجاد جنگلهای مصنوعی در اطراف شهر تهران، سعی شده است تا شهرهای

استان تهران را از هجوم خاک و شن محافظت نمایند که تداوم این سیاست تا حدودی می‌تواند اضمحلال پوشش گیاهی و جنگلی استان را مرتفع سازد.

در مجموع پوشش گیاهی و کشاورزی در سطح استان تهران به عنوان یک عامل فرعی بطور نسبی براقلیم استان تاثیر می‌گذارند.

تأثیر فعالیت‌های صنعتی بر اقلیم استان:
استان تهران به تنهایی در حدود نیمی از واحدهای صنعتی کشور را در خود متمرکز نموده است. توسعه این صنایع بیشتر در امتداد راههای ورودی به تهران، خصوصاً در مسیر تهران-کرج، تهران - دماوند، تهران - ساوه و تهران - قم تمرکز یافته‌اند. با توجه به اینکه شهر تهران دارای موقعیت خاص جغرافیایی است (ارتفاع زیاد از سطح دریا و اختلاف ارتفاع در شمال و جنوب آن) و از شرایط نامناسب بافت شهری برخوردار است و وسایل نقلیه بسیار زیادی در طول شبانه روز در آن به فعالیت مشغولند بادهای غربی در تمام طول سال دود کارخانجات و سایر عوامل آلاینده را به سطح شهر تهران وارد می‌سازد. در مجموع دارای شرایط بسیار نامساعد زیست محیطی بوده و آلودگی هوای آن در سالهای اخیر با محتوای گازهای سمی به صورت بسیار خطرناک عمل می‌نمایدکه تغییرات بسیار چشمگیر محیط و اقلیمی را در آن موجب گردیده است. بهرحال گسترش لجام‌گسیخته تمدن صنعتی در این شهر و عوارض ناشی از آن با جغرافیای تهران بزرگ در آمیخته و در یک سازگاری ناخوشایند هر روز انسان و طبیعت و اقلیم را به آرامی مسموم و نابود می‌سازد.

به علت اختلاف ارتفاع در شمال و جنوب تهران، در طول شب و روز جریان هوای کوه به دشت و دشت به کوه در محدوده شهر به عمل می‌نماید. شهر تهران در دره جنوبی البرز واقع شده است و پس از غروب آفتاب، نواحی کوهستانی شهر به علت سنگی بودن بیشتر از دشت تهران که از جنس خاک است. سرد شده و هوای سرد به تدریج و به آرامی به پایین حرکت می‌کند و کلیه خاک و دود و آلودگی روی شهر تهران را با خود به طرف جنوب شهر برده و به صورت ابر عظیمی انباشته می‌سازد. این ابر غلیظ بهنگام صبح به خوبی در جنوب تهران قابل رویت است. در طول روز از آغاز طلوع خورشید هوای جنوب شهر به آرامی به طرف شمال شهر و مناطق مرتفع آن حرکت می‌نماید و این حرکت و انتقال تا نیمه شب ادامه می‌یابد. به این سبب بهنگام صبح دید افقی در جنوب شهر بسیار کم و تراکم آلاینده‌ها بسیار است و بر عکس، بهنگام عصر تا نیمه شب دید افقی به علت انتقال هوای آلوده به شمال شهر، در این ناحیه کم و تراکم آلاینده‌ها بسیار می‌باشد. رخ داد فوق در اصطلاح هواشناسی پدیده آناباتیک وکاتاباتیک نامیده شده و مانند نسیم جریان دریا و خشکی در مقیاس محلی و زمانیکه یک جریان جبهه‌ای وجود نداشته باشد اتفاق می‌افتد.

در ماههای سرد سال به علت وجود وارونگی دما بر شدت آلودگی هوا در سطح شهر تهران افزوده می‌شود و در صورت فقدان جریانات جوی سیستمی ،ممکن است به علت ساکن بودن هوا هر روز بر شدت آلودگی هوا افزوده گردد.

شرایط نامطلوب فوق موجب بروز پدیده هایی نظیر باران‌های اسیدی و بسیاری از نابهنجاریهای اقلیمی گردیده که اثرات مهلکی بر

محیط زیست و اقلیم حیاتی برجای گذاشته است که عوارض آن جمعیت متراکم شهری را مورد تهاجم خود قرار داده و همه ساله تعداد زیادی از افراد به علت آسیب پذیری از این آلودگی‌ها قربانی آن می‌گردند که آمار موجود در این رابطه بسیار نگران کننده و حتی وحشتناک است.

تراکم جمعیت و ساختمانها و برجها واحدهای تولیدی و صنعتی و ترافیک سنگین، از شهر تهران یک جزیره حرارتی (heat island)به وجود آمده است که به نوبه خود بر اقلیم این شهر تاثیر می‌گذارد. در طول سالهای اخیر فضولات سمی بسیاری از کارخانجات در سطح استان تهران پس از راه یافتن به آبهای سطحی و رودخانه‌ها موجب هلاکت بسیاری از آبزیان و اختلاف در اکوسیستم‌های این استان گردیده است که بازتاب آن قهراًبه طبیعت باز می‌گردد.

تگرگ: وقوع تگرگ طی ۱۰ سال گذشته در استان تهران به محصولات ۳۵۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد نموده است.

سرمازدگی و یخبندان: سرمازدگی و یخبندان در ۴ نوبت در طول ۱۰ سال به تلف شدن ۱۰ هزار راس دام در استان تهران منجر شده است.

گرمازدگی :گرمازدگی در طول ۱۰ سال گذشته موجب تلف شدن ۲۵۰۰۰ راس دام در سطح استان تهران شده است.

سیل: در طول ۱۰ سال گذشته وقوع ۵ بار سیل در استان تهران به ۷۰۰ واحد مسکونی و ۴۰ هزار هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته و موجب از بین رفتن جان یک نفر از مردم استان و تلف شدن ۱۲۰۰ راس دام و تخریب ۱۰ دهنه پل گردیده است. سیل‌های استان تهران همچنین موجب آسیب دیدن ۸ واحد اداری و مکان عمومی و ۴۰۰ کیلومتر از جاده‌های استان گردیده است.

رشته کوهها و ارتفاعات استان تهران: رشته کوههای البرز اساساً بر اثر حرکات کوهزایی دوره ترشیری، در سه مرحله اولیه، میانی و نهایی چین خورده و بالا آمده‌اند. آتشفشانیها و زمین لرزه‌های متعددی که همراه با این چین خوردگی بوده‌اند. سبب ناآرامی حرکات کوهزایی گشته و در نهایت ساختمان نسبتاً پیچیده‌ای را پدید آورده‌اند. آن بخش از کوههای البرز که در این استان واقع شده‌اند، دارای لایه‌های سه دوره اصلی زمین‌شناسی می‌باشند. بطور کلی دیواره مرکزی این کوهها بیشتر از سنگهایی تشکیل شده است که در دوره پالئوزوئیک و مزوزوئیک به وجود آمده‌اند. گرچه در میان آنها کوه دماوند که بسیار جوان است یک استشنا می‌باشد. دیواره جنوبی این کوهها بیشتر از سنگهایی تشکیل شده است که تاریخ پیدایش آنها، اغلب به دوره ترشیری مربوط می‌شود.

سه عامل در شکل‌گیری کوههای البرز نقش عمده‌ای داشته‌اند:

۱- جنس لایه‌های مختلف سنگهای تشکیل دهنده

۲- چگونگی ساختمان زمین‌شناسی

۳- ویژگی‌های کلی آب و هوای منطقه

دشتهای استان تهران براساس مطالعات انجام یافته، در دوره کواترنری بدین ترتیب حاصل گشته‌اندکه در مرحله اول عواملی مانند باد، باران و آبهای جاری سبب تخریب ارتفاعات شمالی استان و پر شدن گودالهای جنوبی آن شده‌اند. در مرحله دوم پس از اندکی چین خوردگیهای جزیی در رسوباتی که گودالها را پر کرده‌اند، عوامل آب و

هوایی و زیست محیطی در سطح آنها تغییرات فیزیکی و شیمیایی را به وجود آورده و سبب پیدایش خاکهای فعلی شده‌اند
استان تهران در جنوب بخش مرکزی رشته کوههای البرز، که در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان با جهت غربی - شرقی کشیده شده‌اند، قرار دارد که رشته اصلی آنها به سه دیواره تقسیم می‌گردد.

دیواره شمالی - این دیواره بطور کلی در استان مازندران قرار دارد و ارتفاعات محدودی از این دیواره در استان تهران می‌باشد.

دیواره میانی - دیواره میانی مرتفع‌ترین قسمت رشته کوه البرز مرکزی است و عموماً حد شمالی استان را تشکیل می‌دهد. ارتفاع کوهها در این دیواره روبه مشرق افزایش یافته و بلندی قله‌ها ۵۰۰۰ متر نیز تجاوز می‌کند، و در نهایت در قله دماوند به ۵۶۷۱ متر می‌رسد. طبق آخرین مطالعات انجام یافته، در میان کوههای این استان، مخروط عظیم آتشفشانی دماوند، جوانترین کوه بوده و واکنون مراحل پیش از خاموشی کامل را می‌گذراند. که از ویژگی‌های این مراحل خروج گازهای گوگردی و چشمه‌های آب معدنی است. از دیگر قلل معروف این کوهها می‌توان "چیگرو" و "پالان گردن" را نام برد. این دیواره عظیم کوهستانی که مهمترین مانع در برابر نفوذ رطوبت دریای خزر به استان تهران می‌باشد، بصورت کوههای کندوان و پس از آن کوههای طالقان در شمال غربی استان، تا محل اتصال رود شمال غربی استان، تا محل اتصال رود الموت به طالقان رود، ادامه می‌یابد.
در شمال شرقی نیز این دیواره به نام رشته ارتفاعات فیروزکوه که از جنوب دامنه‌های شرقی آن می‌گذرد، امتداد می‌یابد. در شرق دره فیروزکوه که پس از دریافت شعباتی از حبله‌رود نامیده می‌شود، رشته ارتفاعات شهمیرزاد شروع می‌گردد که سیستم چین خوردگی آنها با ارتفاعات مرکزی البرز تفاوتهای اساسی داشته و می‌توان آنها را بخش غربی رشته کوههای البرزشرقی دانست.

دیواره جنوبی - این دیواره سومین بخش از ارتفاعات البرز مرکزی است که رودخانه‌های جاجرود و کرج آنها را بریده و به سه قسمت جدا از هم تقسیم می‌کند. این سه قسمت عبارت‌اند از:
الف- کوههای لواسانات که بین دره‌های رود دماوند و جاجرود قرار دارند و در شمال به دره رودلار محدوداند. دنباله این کوهها در شرق جاده آبعلی به نام قره داغ و دماوند تا دره حبله رود امتداد یافته‌اند .
ب - کوههای شمیرانات که بین سرچشمه‌های جاجرود و کرج قرار دارند و بلندترین نقطه آنها قله توچال با ارتفاع ۳۹۳۳ متر است.
ج- کوههای کهار که از غرب دره رودخانه کرج شروع شده و در جنوب طالقان رود و به موازات آن ادامه دارند و سرانجام از شمال غربی استان خارج می‌شوند. علاوه بر این سه دیواره کوهستانی ،در جنوب و شرق استان تهران کوههایی با ارتفاع کمتر وجود دارند که مهمترین آنها کوههای حسن آباد و نمک در جنوب بی بی شهر بانو و القادر در جنوب شرقی و ارتفاعات قصر فیروزه در شرق از آن جمله‌اند، همچنین ارتفاعات کوه قوچ در جنوب رود دماوند از دیگر کوههای پراکنده جنوب البرز در این استان است.
ارتفاعات اطراف تهران یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری است که در تمام فصل‌های سال، به ویژه در بهار و تابستان جمعیت بسیاری را از سطح

استان تهران و سایر استانهای دیگر و حتی از کشورهای خارجی به سوی خود جلب می‌نماید.

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان:
در استان تهران قناتها و چشمه‌های متعددی وجود دارند که در گذشته در تامین آب مورد نیاز مناطق شهری و روستایی سهم بسزایی داشته‌اند،لیکن امروزه با استفاده از امکانات جدیدی از قبیل دو سد امیرکبیر و لتیان ،تنها چشمه‌های آب معدنی که بیشتر در شمال شرقی استان متمرکزند ،اهمیت دیرین خود را حفظ نموده‌اند .مهمترسن این چشمه‌ها عبارتند از: ۱ـ چشمه آبعلی بین دو روستای آبعلی و مبارک آباد ۲ـ چشمه آب البرز در جنوب شرقی آبعلی ۳ـ چشمه علی در شهر ری ۴ـ چشمه علی در شمال شهر دماوند ۵ ـ چشمه قلعه دختر در ۲ کیلومتری شمال غرب جاده تهران ـ آمل ۶ ـ چشمه وله ـ گچ سر در جنوب غربی گچ سر ۷ ـ چشمه هرمس ـ اسک در دهکده اسک در دهکده و در فاصله ۹۵ کیلومتری جاده تهران ـ هراز ۸ ـ آب معدنی شاه دشت کرج در ۳۵ کیلومتری جنوب کرج ۹ ـ چشمه‌های آب گرم لاریجان در امتداد دره ۵۵ کیلومتری لار

جغرافیای تاریخی استان تهران: استان تهران با ۱۹۱۹۶ کیلومتر مربع وسعت، یکی از کوچک‌ترین استان‌های کشور است. این استان با داشتن ۱۲ شهرستان بیشتر ین تعداد جمعیت را نسبت به دیگر استان‌ها در خود جای داده است. استان تهران در جنوب بخش مرکزی رشته کوه‌های البرز قرارگرفته و از ناحیه‌ی فیروزکوه در شرق تا هشتگرد در غرب وسعت دارد.
در مجموع سه عامل جغرافیائی در ساخت کلی اقلیم استان تهران مؤثر است. این سه عامل عبارتند از:
- وجود دشت کویر در جنوب شرقی استان.
- رشته کوه‌های البرز در شمال.
- بادهای مرطوب و بارانزای غربی.

به طور کلی، آب و هوای استان در مناطق کوهستانی از نوع معتدل و در دشت‌های آن نوع نیمه صحرائی با ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. رودخانه‌های کرج، جاجرود، حبله رود، رود شور، رود لار، طالقان رود، کن، قره چای، هراز و سولقان در استان تهران جریان دارد.

آبرفتهای جنوب تهران:
شناخت ویژگی‌های ژئوتکنیک لرزه‌ای آبرفت‌ها به منظور بررسی اثرات ساختگاهی و ریز پهنه بندی لرزه‌ای مناطق شهری از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعه‌ی خصوصیات ژئوتکنیکی و دینامیکی آبرفت‌های محدوده‌ی جنوب تهران با وسعت ۴۸۰ کیلومتر مربع و در محدوده‌ی مختصات جغرافیایی ۳۴°۳۵' الی ۴۲°۳۵' شمالی و ۱۶°۵۱' الی ۳۲°۵۱' خاوری، موضوع تحقیق حاضر بوده است. تأثیر فرآیندهای آب و هوایی از یک سو و فعالیت‌های تکتونیکی جوان از سوی دیگر سبب برجای گذاشته شدن رسوبات آبرفتی متنوع در دشت تهران شده است. خصوصیات زمین‌شناسی عمومی آبرفت‌های گستره‌ی تهران توسط محققین زیادی مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال و علیرغم انجام فعالیت‌های عمرانی و حفر گمانه‌های اکتشافی متعدد در این آبرفت‌ها، ویژگی‌های ژئوتکنیکی و ژئوفیزیکی آن‌ها به ویژه در مقیاس منطقه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعه‌ی حاضر با تلفیق داده‌های ژئوتکنیکی

حدود ۷۰۰ حلقه گمانه با اعماق ۵ الی ۱۰۰ متر و اطلاعات لرزه‌ای بدست آمده از کاوش‌های ژئوفیزیکی در ۵۷ نقطه از نواحی جنوبی دشت تهران، ۱۵ مقطع ژئوتکنیک لرزه‌ای دو بعدی از آبرفت‌های جنوب تهران تهیه گردیده است. در این مقاطع که بصورت خاوری ـ باختری و به فاصله‌ی یک کیلومتر از همدیگر تهیه شده‌اند، ویژگی‌های دینامیکی و ژئوتکنیکی لایه‌های خاک و روند تغییرات این پارامترها در اعماق مختلف نشان داده شده است. بررسی مقاطع مذکور نشان می‌دهد که عمق سنگ کف لرزه‌ای از شمال به جنوب منطقه افزایش یافته و خاک‌های منطقه از نظر بافت و سرعت موج برشی از تنوع بیشتری برخوردار می‌شوند. همچنین تأثیر گسل شمال ری و ادامه‌ی گسل شمالی جنوبی پونک در تغییرات به وجود آمده در عمق سنگ بستر لرزه‌ای و سطح آب زیرزمینی در مقاطع تهیه شده قابل توجه می‌باشد. مجله‌ی علوم زمین ش ۴۵ و ۴۶

بی‌آبی مشکل عمده تهران: یکی از وسائل حفاظتی شهرها در هجوم دشمن خندق بود که به‌دور شهر حفر کرده و در آن آب می‌بستند و یکی از آنها خندق دور شهر تهران بود.

قلعه محصوره‌ای خانواده‌نشین در خارج شهر بود که در داخل هریک خانه‌هائی ساخته شده افرادی در آن که غالباً نفرات یک خانواده یا ایل و قبیله بودند زندگی می‌کردند.

به‌تدریج قلعه‌های مذکور از سکنه خالی شده مردم آن به‌شهرها روآورده و متروک افتاد جزء خالصه‌جات دولت شد، مانند (قلعه‌مرغی) محل فرودگاه قلعه مرغی (قلعه حسن خان) که امروز جزو یکی از شهرهای اقماری درآمده طبقات پائین و مهاجران آذربایجانی در آن زندگی می‌کنند.

(قلعه ارمنی‌ها) یکی در حوالی ونک و یکی دیگر در شرق تهران شمال کوه بی‌بی‌شهربانو.

(قلعه دولت‌آباد) در شرق جاده راه‌آهن تهران - ری (ماشین‌دودی) که تقریباً نوسازی شده به‌صورت شهرک درآمد.

(قلعه منصورآباد) در غرب جاده حضرت عبدالعظیم.

مهم‌ترین چشمه‌های آب معدنی استان عبارت است از:

اسک ـ چشمه‌های آب‌های معدنی: روستای اسک که در ۳۵ کیلومتری آبعلی و در کنار جاده‌ی آبعلی ـ آمل قرارگرفته دارای پنج چشمه‌ی اصلی به فاصله‌ی ۲۰ تا ۲۰۰ متری یکدیگر و در پنج حوض جداگانه جریان دارند. این آب‌ها هم چنین آب گوگردی که به مقادیر خیلی کم از نقاط دیگر تپه خارج می‌شود در مسیر خود رسوب سفید کربناته آهکی به جا مانده، در این رسوب به مقدار کمی کربنات منیزیم وجود دارد.

گازهائی که قسمت اعظم آن‌ها انیدرید کربنیک و اسید سولفیدریک است از مظهر چشمه برمی خیزد و آن را جوشان جلوه می‌دهند و بوی هیدروژن سولفوره در اطراف پراکنده است.

نتیجه‌ی بررسی و آزمایش آب‌های معدنی اسک کلا و چشمه هرمس آن‌ها را در ردیف آب‌های معدنی کلر و بیکربناته کلسیک و منیزین گاز دار و سولفوره نیم گرم می‌باشد. دکتر محمد جواد جنیدی

آب گرم لاریجان: ۱ـ آب گرم گوگردی، یکی از این دو چشمه خیلی گرم و گوگردی که مشهورترین چشمه‌های آن معروف به آب گرم است. آب آن در ردیف آب‌های معدنی گوگردی خیلی گرم است.

آب آهـــن: آب از دو چشـمه‌ی اصـلی خـارج می‌شود چشمه‌ی سمت چپ رسوب اخرائی آهن در مسیرش به جا گذاشته اما در چشمه‌ی سمت راست لخته یا رسوب مشاهده نمی‌شود.
آب آهـن در ردیـف آب‌هـای مـعدنی سـولفاته کلسیک و منینزین آهن دار سرد است.
چشمه‌ی معدنی استراباکو در راه آسفاله آبعلی - آمل قرار دارد و نتیجه‌ی بـررسی‌ها، آب آن در ردیف آب‌های معدنی سولفاته و بیکربناته کلسیک نیم گرم است.
چشمه‌ی معدنی عمارت در کنار غربی بستر رودخانه‌ی هراز در نزدیکی آمـل است. قسمت اعظم آب این چشمه از زیر رسوب‌های آبـرفتی کرانه‌ی غربی رود و کناره‌ی راست جاده به طول ۴ متر خارج مـی‌شود. آب آن در ردیـف آب‌هـای معدنی بیکرباناته کلسیک گازدار سرد است. دکتر محمد جواد جنیدی
چشمه‌ی معدنی حسنک‌در در ۶/۲ کیلومتری گچسر کرج و در ۸ کیلومتری گچسر در بستر رود کرج و دارای یک حوض کوچک سیمانی، آب آن در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک گازدار سرد است.
چشمه‌ی ولو در جنوب غربی هـتل گـچسر در شمال غرب روستای وله، آبش از دهانه‌ای که با تکه سنگ‌های آهکی ساخته شده ظاهر می‌شود و جویبار بـزرگی را تشـکیل مـی‌دهد، آبـده آن در حدود ۶/۵ لیتر در ثانیه است. آب این چشمه در ردیف آب‌های معدنی بیکربناته و سولفاته کلسیک و گوگردی سرد است.
چشمه علی در ۷/۵ کیلومتری جـنوب شـرقی تهران و در شهر ری قرار گرفته، مظهر چشمه علی در محل برخورد رسوب‌های آهکی سخت کـوه چشمه علی با رسوب‌های تخریبی و آبرفتی دوران چهارم که در جنوب چشمه واقع شده قرار دارد.
آب چشمه علی بررسی شده و در ردیف آب‌های کلر و بیکربناته و سولفاته کلسیک سرد است.
چشمه‌ی آبعلی یا چشمه‌ی اعلاء در کنار جاده قدیم آبـعلی ـ مـبارک آبـاد قـرار دارد ـ نـتیجه‌ی بررسی و آزمایش آبعلی و آب حمام ـ در ردیف آب‌های مـعدنی بـیکربناته و سـولفاته کـلسیک مـخلوط آهـن دار و گـاز دار سـرد هسـتند ولی باقیمانده خشک آب حمام بیشتر از باقیمانده‌ی خشک آب‌علی و مقدار آهن آب حمام نصف آهن چشمه آبعلی می‌باشد و منینزین آهن دار و گازدار سرد است.

چشمه‌های:
چشمه علی: تا قبل از سال ۱۳۱۹ ه.ش که اولین استخر تهران شروع به کارکرد مردم از چشمه علی برای آب تنی استفاده می‌کردند.
بعدها چشمه علی مکانی برای قالی شویی ساکنان اطراف چشمه علی گردید. این چشمه در داخل شهر ری قرار دارد. در منابع تاریخی از تپه کنار این چشمه با نام‌های «نهر سورین» و «نهر روده» هم نامبرده شده است. در روزگار پیش مردم ری این چشمه را مکروه و شوم می‌دانستند چون معتقد بودند شمشیری که یحیی بن زید (به جرم مخالفت با خلفای اموی) را با آن کشتند در ایـن چشـمه شسته‌اند.
چشمه‌ی اعلاء: چشمه در شمال غـربی شـهر دماوند در فاصله ۳۵۰۰ متری از مرکز شهر یکی از تفرج گاه‌ها و نقاط دیدنی شهر دماوند بوده کـه مورد استقبال شدید مردم می‌باشد و در فرهنگ عمومی مردم نیز جایگاه ویژه دارد.

این مکان شامل چشمه‌ی آب گوارایی است که مظهر آن از زیر صخره‌ی سنگی بزرگی می‌باشد. در قدیم آب این چشمه بخشی از مزارع و باغات دماوند را مشروب می‌کرده ولی امروزه مورد استفاده کارخانه‌ی آب معدنی دماوند است. محل چشمه و اطراف آن پوشیده از درختان بلند و فضای سرسبزی است که مجموعه را تبدیل به فضای مصفایی کرده و جمعیت زیادی را در فصول مختلف سال و به خصوص تعطیلات به خود جلب می‌نماید.

چشمه‌ی قلعه دختر: این چشمه در دو کیلومتری شمال غربی جاده تهران ـ آمل در محل پل دختر بین گردنه‌ی امامزاده هاشم و پلور در فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری تهران است. آب چشمه برای بیماری‌های دستگاه گوارشی، کبد، لوزالمعده و ... مفید است، در ارتفاعات از زمین خارج و به سوی جاده و سپس رودخانه سرازیر می‌شود. وجه تسمیه چشمه به خاطر وجود قلعه‌ای به همین نام است.

چشمه‌ی هملون: در حد فاصل بین روستاهای جیرود و میگون دره و تنگه‌ای به سمت جنوب و به سپس به سمت غرب منتهی می‌شود، که به عنوان دره‌ی هملون نامیده می‌شود که از یک سو به شهرستانک و از سویی دیگر به گردنه‌ی دیزین منتهی می‌شود. چشمه‌ی هملون در این قسمت واقع شده و به فواصل کم و زیاد چشمه سارهای دیگری وجود دارند که آب جاری شده از آن‌ها به داخل رودخانه‌ی میگون جاری می‌شود. وجود دره‌هایی به طول ۴ کیلومتر و آب دائمی همواره مأمن گردشگران و طبیعت گردان منطقه بوده و هست.

چشمه‌ی آبعلی هراز: چشمه‌ی آب معدنی آب‌علی در شمال روستای آبعلی و در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی تهران در کنار بستر رودخانه‌ی مبارک آباد از زمین می‌جوشد. تاکنون مظهر چشمه چندین بار تغییر مکان داده است. در حال حاضر آب چشمه با لوله به کارخانه منتقل می‌شود و پس از بسته بندی به مصرف خوراکی می‌رسد. خواص درمانی این آب رفع درد دستگاه گوارش، کبد، لوزالمعده و روده و برای تنظیم کلسترول و اسید اوریک مفید است. وجود CO_2 در آب این چشمه موجب تنظیم دستگاه گوارش و هضم سریع غذا می‌شود.

چشمه گله گیله: این چشمه در بالاترین نقطه‌ی روستای شهرستانک در مسیر جاده کرج ـ چالوس قرار دارد و فاصله‌ی آن تا شهر تهران در حدود ۱۰۰ کیلومتر است. در فاصله‌ی کمی از کاخ شهرستانک چشمه گله گیله قرار دارد که از پر آب‌ترین چشمه‌های منطقه به شمار می‌رود.

چشمه‌ی وهین: این چشمه با میزان آب تقریباً ثابت در طول سال در حاشیه‌ی روستای وهین شهرستان فیروزکوه واقع شده و آب جاری شده چشمه از طریق دره‌ای که در جهت شرقی ـ غربی امتداد یافته و آب را به یکی از سرشاخه‌های حبله رود می‌رساند. آب چشمه وهین در شمار آب‌های سبک بوده و در طول مسیر جریان آب، مناظر طبیعی بدیع و زیبائی واقع شده که چشم هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌نماید.

چشمه‌ی تیز آب: این چشمه در ۵۳ کیلومتری تهران در کنار جاده‌ی آبعلی واقع شده و فاصله‌ای اندک با چشمه‌ی اعلاء دماوند دارد. چشمه از موقعیت خاصی برخوردار و همواره آب آن مفید است.

چشمه وله: این چشمه در جنوب غربی گچسر و

در شمال غربی روستای وله در فاصله‌ی دو کیلومتری گچسر قرار گرفته است.

چشمه‌ی آب معدنی خُمده: در حدود ۱۳ کیلومتر جنوب غربی فیروزکوه و در نزدیک ایستگاه قطار مهاباد قرار دارد. پیرامون چشمه در سال‌های اخیر با ایجاد دیواری محصور و محل جوشیدن چشمه تبدیل به استخر گردیده. هر ساله در فصل تابستان هزاران نفر از نقاط دور و نزدیک جهت شستن تن و بدن به آن جا مراجعه و زنان و مردان هر یک طی ساعات مقرر به نوبت در آن به آب تنی می‌پردازند. آب چشمه خمده خنک و برای بیماری‌های پوستی و سنگ کلیه مفید است.

چشمه‌ی سنگ سیاه: شهرستان دماوند به دلیل موقعیت خاص جغرافیائی و طبیعی دارای چشمه سارها و رودخانه‌های فراوانی می‌باشد. یکی از چشمه‌های پر آب، چشمه‌ی سیاه سنگ است. این چشمه پس از آن که از دل زمین می‌جوشد به طرف دره‌ی مجاور جاری و در طول مسیر مناظر زیبا و بدیعی را پدید آورده است، از جمله این مناظر می‌توان به چند آبشار بزرگ و کوچک اشاره نمود.

سدهای تهران

کلیات: طرح چند منظوره‌ی سد طالقان در راستای دستیابی به اهداف توسعه‌ی اقتصاد ملی و به منظور استفاده بهینه از پتانسیل منابع آب سطحی رودخانه‌ی طالقان در تلفیق با رودخانه‌ی زیاران و در ۲ مرحله مطالعه و طراحی شده است.

مرحله‌ی اول: سد انحرافی سنگبان، تونل انتقال آب از دره طالقان به زیاران، سد انحرافی زیاران و کانال انتقال آب زیاران به دشت قزوین، که کلاً احداث شده و در حال بهره‌برداری می‌باشد.

مرحله‌ی دوم: شامل اجرای سد مخزنی طالقان و نیروگاه مربوطه

محل طرح طالقان: در دره طالقان، جنوب رشته کوه البرز می‌باشد.

اهداف: با احداث سد مخزنی طالقان، دسترسی به موارد ذیل امکان‌پذیر خواهد شد:

کنترل و تنظیم جریان‌های سطحی رودخانه‌ی طالقان

تأمین آب مورد نیاز برای کشاورزی دشت قزوین

تأمین بخشی از آب مشروب شهر گسترش یافته‌ی تهران و آب کشاورزی دشت‌های شهریار و رباط کریم

بالارفتن سطح زندگی، رفاه احتماعی، امنیت، توازن و خودکفایی اقتصادی

استفاده از پتانسیل برقابی به عنوان هدف جنبی و ثانویه

تقویت آبخوان‌های آبرفتی دشت قزوین توسط تغذیه‌ی مصنوعی

مشخصات

هیدرولوژی:

مساحت حوزه‌ی آبریز:	۹۶۰ کیلومتر مربع
متوسط بارندگی سالانه	۶۱۵ میلی‌متر
متوسط دبی سالانه رودخانه:	۱۶/۳ مترمکعب بر ثانیه

مخزن

تراز عادی سطح آب مخزن	۱۷۸۰ متر بالاتر از سطح دریا
حجم کل مخزن:	۴۲۰ میلیون متر مکعب
حجم مفید مخزن:	۳۲۹ میلیوت متر مکعب
سطح مخزن:	۱۲/۸ کیلومتر مربع
آبدهی سالانه برای آبیاری:	۲۷۸ میلیون متر مکعب
آبدهی سالانه برای مصارف شهری:	۱۵۰ میلیون مترمکعب

آبدهی سالانه برای تغذیه‌ی مصنوعی: ۲۰ میلیون متر مکعب
جمع آبدهی سالانه: ۴۶۰ میلیون متر مکعب

سد

نوع:	خاکی با هسته‌ی رسی
ترازتاج:	۱۷۸۹ متر بالاتر از سطح دریا
ارتفاع از بستر رودخانه:	۱۰۱ متر
طول تاج:	۱۰۰۰ متر

سرریز:

نوع:	شوت آزاد
سیل‌طراحی:	۲۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه

تونل انحراف آب:

قطر داخلی:	۷ متر
شیب:	۱/۴۹ متر
طول:	۶۷۰ متر

نیروگاه:

ظرفیت نصب:	۱۸ مگاوات
متوسط تولید سالانه:	۶۱ جیگاوات ساعت

قسمت‌های مختلف انواع طرح انتقال آب لوراک - سوهانک:

تونل لواسان: این تونل در حدفاصل بین لوراک و افجه واقع شده طول آن ۶۳۵۰ متر و قطر تمام شده‌ی آن ۳/۶ متر می‌باشد پوشش آن بتن مسلح و ظرفیت آب گذری آن ۱۸/۵ متر مکعب بر ثانیه است.

مخزن افجه: این مخزن در انتهای تونل لواسان به منظور تعادل هیدرولیکی سیستم احداث می‌گردد، ظرفیت آن حدود ۸۰۰۰ متر مکعب می‌باشد.

خط لوله‌ی فولادی: این خط از مخزن افجه شروع و پس از عبور از کنار شهر لواسان به ورودی تونل قوچک لشکرک منتهی می‌شود، این خط لوله، فولادی بوده و قطر داخلی آن ۲ متر و ضخامت آن ۱۲ میلی‌متر می‌باشد. طول این خط ۸۲۰۰ متر و به صورت ۲ خط کنار هم اجرا می‌شود. ظرفیت آبگذری دو خط مجموعاً همانند تونل لواسان ۱۸/۵ متر مکعب بر ثانیه است.

تونل قوچک: این تونل از لشکرک شروع و پس از عبور از زیر گردنه‌ی قوچک به منطقه‌ی سوهانک در شمال شرقی تهران (محل تصفیه خانه شماره ۵ تهران) ختم می‌گردد، طول این تونل ۵۱۵۰ متر و قطر تمام شده‌ی آن ۳/۶ متر و پوشش آن همانند تونل لواسان بتن مسلح می‌باشد. ظرفیت آب گذری این تونل ۱۸/۵ متر مکعب در ثانیه می‌باشد.

نیروگاه زیرزمینی لوارک: در انتهای تأسیسات موجود لار و قبل از تونل لواسان نیروگاه برق آب زیرزمینی لورک با دو واحد ۲۳ مگاواتی جمعاً به قدرت ۴۶ مگاوات پیش‌بینی شده است.

موقعیت جغرافیایی: ساختگاه سد ماملو بر روی رودخانه‌ی جاجرود در ۲ کیلومتری پایین دست محل الحاق رودخانه‌ی دماوند به جاجرود و حدود ۵۰ کیلومتری شرق تهران واقع گردیده است.

اهداف طرح: کنترل سرریزهای سد لتیان و جمع‌آوری و ذخیره‌ی آورد حوزه‌ی میانی و رودخانه‌ی دماوند به منظور تأمین آب شرب تهران و صنعت و کشاورزی منطقه

مشخصات حوزه‌ی آبریز

حوزه‌ی آبریز	دامنه‌های البرز جنوبی
رودخانه‌ی اصلی:	جاجرود
رودخانه‌ی فرعی:	دماوند
مساحت حوزه:	۱۷۵۰ کیلومتر مربع

میانگین بارندگی: ۲۵۰ میلی‌متر
متوسط آورد سالانه رودخانه: ۲۹۷ میلیون متر مکعب
حداکثر سیل ۱۰۰۰۰ ساله: ۲۵۰۰مترمکعب‌برثانیه
حداکثر سیل محتمل PMF ۳۰۰۰ متر مکعب بر ثانیه

مشخصات سد ماملو

نوع سد: خاکی با هسته رسی
تراز کف: ۱۲۲۲ متر
تراز تاج: ۱۳۰۸ متر
تراز نرمال: ۱۳۰۳/۵ متر
ارتفاع از کف: ۸۶ متر
ارتفاع از پی ۱۰۷ متر
طول تاج: ۸۰۷ متر
ضخامت تاج: ۱۰ متر
حجم بدنه: ۷/۲ میلیون متر مکعب
سطح مخزن در تراز نرمال: ۸کیلومتر مربع
ظرفیت تنظیم سالانه: ۲۲۰ میلیون متر مربع

تأسیسات وابسته

سازه انحراف موقت: تونل با قطر داخلی ۷/۴ متر
حداکثر ظرفیت انحراف: ۵۶۰ متر مکعب بر ثانیه
نوع استفاده: انحراف موقت و تخلیه‌ی عمقی
طول سریز: ۴۸۰ متر
عرض: ۱۸ متر
ارتفاع دیوار: ۱۸ متر
دبی حداکثر: ۲۱۶۰ متر مکعب بر ثانیه
ارتفاع برج آبگیر: ۶۴ متر
قطر تونل آب بر: ۳ متر
رقوم آبگیری: در تراز ۱۲۵۴، ۱۲۷۰ و ۱۲۸۰
دهلیز: ۱۳۰ متر قطر ۳ متر
تونل: ۱۷۵ متر قطر ۴ متر
پستانک: ۴۵ متر

تاریخچه‌ی احداث سد: کارهای تحقیقاتی و اکتشافی سد در سال ۱۳۳۰ شمسی آغاز گردیده و پس از تأیید و تصویب فازهای مطالعاتی اجرای سد در سال ۱۳۵۳ آغاز و در سال ۱۳۶۱ به پایان رسیده است.

موقعیت سد: سد لار در استان مازندران و در فاصله‌ای ۷۵کیلومتری از تهران و ۱۰۰کیلومتری از آمل احداث گردیده است.

ویژگی‌های فنی سد مخزنی لار

نوع سد خاکی با هسته‌ی رسی
ارتفاع از پی ۱۰۵ متر
ارتفاع از بستر رودخانه ۱۰۷ متر
طول تاج ۱۱۵۰ متر
گنجایش کل مخزن ۹۶۰ میلیون متر مکعب
گنجایش سفید مخزن ۸۶۰ میلیون متر مکعب
مساحت دریاچه: در ارتفاع ۲۵۳۱ متر برابر ۲۹ کیلومتر مربع
نوع سرریزها سریز اضطراری ساحل چپ با ظرفیت ۹۸۰ متر مکعب در ثانیه سرریز کلاسیک ساحل راست‌با ظرفیت ۱۲۰ متر مکعب در ثانیه

سد لتیان: در سال ۱۳۴۲ عملیات احداث سد لتیان بر روی رودخانه‌ی جاجرود که از جنوب البرز سرچشمه می‌گیرد، آغاز شد و در سال ۱۳۴۶ به بهره‌برداری رسید.

هدف از احداث این سد که در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری شمال شرقی تهران قرار گرفته است، علاوه بر تأمین آب شرب تهران، تأمین آب زراعی دشت ورامین و هم‌چنین تولید متوسط سالانه ۷۰۰۰۰ مگاوات ساعت انرژی برق - آبی جهت شبکه‌ی سراسری می‌باشد متوسط سالانه‌ی آب رودخانه که از حوضه‌ی آبریزی به وسعت ۹۶۸۰۰ هکتار زمین می‌گردد، حدود ۳۵۰ میلیون متر مکعب است. آب مورد نیاز ورامین از طریق رودخانه -به طور متوسط ۲۰۰ میلیون متر مکعب

و آب مورد نیاز تصفیه خانه تهران پارس از طریق تونل ۹/۵کیلومتری، سالانه به میزان ۲۹۰ میلیون متر مکعب ارسال می‌شود.
در ادامه‌ی توسعه‌ی منابع آب شرب برای مصرف روزافزون تهران بزرگ از سال ۱۳۶۷ نیز سالانه به طور متوسط ۱۴۰ میلیون متر مکعب آب از سد لار، از طریق تونل انتقال لار - کلان به‌طول ۲۰ کیلومتر به نیروگاه کلان و از آنجا به مخزن سد لتیان انتقال داده شده است، که این توسعه باعث بالا رفتن حجم آب قابل تنظیم سد لتیان به میزان ۴۱۰ میلیون متر مکعب شده است. سازمان آب منطقه‌ای تهران

زمین‌شناسی

زمین‌شناسی نئوژن و کواترنری: در محدوده‌ی دشت طبس سنگ‌های رسوبی نئوژن به صورت تاقدیس‌هایی رخنمون یافته‌اند. این سنگ‌های رسوبی شامل حدود ۵۰۰ متر لایه‌های رسی - سیلتی در بخش زرین خود هستند که به سمت بالا وکوهپایه به تدریج با تناوب لایه‌های ماسه سنگی به لایه‌های کنگلومرایی با ستبرای مشابه تبدیل می‌گردند و به نظر ناپیوستگی نه چندان آشکاری بین دو بخش ذکر شده به چشم می‌خورد. ویژگی‌های نهشته‌های کواترنری که در دره‌های پیشانی کوهستان بر روی رخنمون سنگ‌های پالئوزوئیک و زموزوئیک و در دشت بر روی رسوبات نئوژن بر جای گذاشته شده‌اند. مجله‌ی علوم زمین

شناسایی اشکال ژئومورفولوژیک کوه آتشفشانی دماوند و قابلیت‌های زیست محیطی آن با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و GIS

بزرگ‌ترین شکل مورفولوژیک ایران، همان چشم انداز کوهستانی آن است. در مناطق کوهستانی چشم‌اندازهای گوناگونی وجود دارد که هر یک به لحاظ فرآیندهای مؤثر در پیدایش، از نظر زمان و چگونگی شکل‌گیری و همچنین نحوه‌ی فرسایش آن‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. در مجموعه‌ی کوهستانی ایران شاخص‌ترین شکل مخروط آتشفشانی دماوند است. کوه آتشفشانی دماوند از دیدگاه زمان سنجی زمین‌شناسی، پدیده‌ای جوان است، همچنین طبق نظریه‌ی تکاملی چرخه‌ی فرسایش در ژئومورفولوژی نیز مخروط دماوند در مرحله‌ی جوانی به سر می‌برد که تحولات اقلیمی در کواترنر سبب بروز ویژگی‌های
منحصر به فردی در آن شده است. پیامدهای این تحولات، حرکات دامنه‌ای فراوان، بار جامد رودخانه و آبراهه‌ها، شکل‌گیری پادگانه‌های رودخانه‌ای و پدیده‌های فرسایشی مختلفی است. در حالی که ایران دارای آب و هوای خشک و نیمه خشک است، در این ناحیه اشکال یخچالی، مجاور یخچالی و مرطوب کاملاً به چشم می‌خورد. همچنین تفاوت لیتولوژی و فرایندهای مختلف باعث تفاوت شدید فرسایش در دامنه‌ها شده است. در این پژوهش برای اولین بار به شناسایی اشکال ژئومورفولوژیک آتشفشان دماوند و قابلیت‌های محیطی آن، هدف مهم و خاص این بررسی است. مخروط آتشفشانی دماوند با ۵۶۱۹ متر ارتفاع از سطح دریا و ۴۵۰ متر مربع مساحت، یک آتشفشان مختلط یا ساتراتوولکان است که در بخش لاریجان از توابع استان مازندران واقع شده و از دیدگاه ساختمانی نیز در شرق البرز مرکزی روی یک پایه رسوبی قرار گرفته است. در این پژوهش بر اساس

پدیده‌های ژئومورفولوژی و نوع داده‌های مورد نیاز در منطقه‌ی مطالعاتی از روش‌های مختلفی جهت تحقیق و به دست آوردن اطلاعات استفاده شده است. ماهنامه زمین‌شناسی و معدن - سازمان زمین‌شناسی

کاربرد روش‌های ژئودتیکی در کنترل پدیده‌ی زمین لغزش «طرح کنترل ژئودتیکی زمین لغزش روستای باریکان شهرستان طالقان»

از دیدگاه زمین‌شناسی به حرکت توده‌های بزرگ سنگ و خاک، زمین لغزش گفته می‌شود. در این حرکات توده‌ی مورد نظر به صورت ناگهانی یا به طور بطئی از مکان اصلی خود جدا شده و بر روی سطح شیبدار می‌لغزد. از عوامل مؤثّر در ایجاد زمین لغزش‌ها و حرکات مواد دامنه‌ای می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱- نیروی ثقل، ۲- درجه‌ی شیب دامنه، ۳- وزن کلی توده‌ی جدا شده، ۴- جنس مواد واریزه‌ای، ۵- جنس سنگ‌های بستر دامنه، ۶- مقدار آب موجود در توده و سطح ایستابی آن، ۷- وجود رودخانه در پای دامنه، ۸- شرایط اقلیمی و وجود یخبندان، ۹- لرزه خیزی ناحیه‌ی مورد مطالعه و ۱۰- وجود گسله‌ها و شکستگی‌های فعّال.

زمین لغزش در مناطق شهری و روستائی باعث حرکت زمین و ایجاد تخریب در بناهای مسکونی، راه‌ها، مراتع، دکل‌های برق، لوله‌های نفت‌گاز و ... می‌شود. به طور کلی اثر این پدیده در مقیاس محلّی می‌باشد.

روستای باریکان در ۵ کیلومتری غرب مرکز بخش طالقان در جنب محور آسفالته‌ی زیاران - شهرک قرار دارد. از نظر زمین‌شناسی این روستا بر روی نهشته‌های جوان کواترنری مشتمل بر مارن - رس قرار دارد که در قسمت جنوبی روستا رسوبات مادسون، سیلت استون با سن نئوژن همراه با میان لایه‌های ژیپسی دیده می‌شود.

به دلیل وجود پتانسیل بالقوه‌ی زمین لغزش در نواحی مختلف بخش طالقان تاکنون به کرّات این رویداد در روستاهای جزن، جزنیان، کش، ایزمان و ... مشاهده وگزارش شده است. وضعیت خاص زمین‌شناسی، توپوگرافی، آب‌های سطحی و زیر زمینی منطقه را می‌توان به عنوان پارامترهای مهم و اساسی در وقوع زمین لغزش‌های متعدد این ناحیه دانست.

ضمناً وجود زمین لغزش‌های قدیمی با سن حدود ۱۰۰۰۰ سال و فعالیت مجدد آن‌ها در اثر فرآیندهای زمین ساختی نظیر زلزله‌ی سال ۶۹ رودبار منجیل را نباید از نظر دور داشت.

بالا بودن سطح ایستابی آب زیرزمینی در منطقه‌ی مورد مطالعه، که به صورت تراوشی نمایان می‌باشد همراه با جاری شدن آب‌های سطحی آبراهه‌های فرعی در جهت گرادیان هیدرولیکی از جنوب به شمال روستا سبب شکستگی و حرکت سطحی رسوبات رسی - مارنی می‌گردد که عمدتاً به صورت رانش سطحی زمین همراه با شکستگی‌ها اثرات مخرب خود را بر روستای باریکان بر جای گذاشته است.

نشست‌های متفاوت زمینی ناشی از عدم تحمّل یکنواخت بار توسط بستر در گوشه و کنار منطقه‌ی مطالعاتی به صورت فرورفتگی‌ها و جابه جائی‌های عمودی نمایان می‌باشد. به عنوان مثال وجود سازه‌ای سنگین مانند منبع آب با حجم آب تقریبی ۴۳۰۰ متر مکعب در جنوب روستا احتمالاً نقش مهمی در تسریع پتانسیل رانش

داشته است. از دیگر عوامل مؤثّر در رانش روستا می‌توان استفاده از روش آبیار سنتی غرقابی در منطقه و نفوذ بیش از حد آب در اثر مازاد نیاز گیاه به زمین را نام برد.

استان تهران: سازند کرج در منطقه‌ی نسبتاً گسترده‌ای از البرز مرکزی برونزد دارد. این سازند متعلق به ائوسن میانی بوده و به طور عمده از توفیت‌های سبز و شیل‌های دریایی تشکیل شده است. با توجه به مشاهدات صحرایی انجام شده، سازند کرج مجموعه‌ای ناهمگن از توف، توفیت، شیل، سنگ‌های رسوبی مختلف و انواع گدازه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

داده‌های صحرایی گردآوری شده در زمینه‌ی محیط تشکیل توالی آتشفشان ـ آواری سازند کرج نشان می‌دهد که بخش‌هایی از این توالی ستبر در گستره مورد مطالعه، عمدتاً در یک محیط نیمه ژرف و ژرف تشکیل شده است. تغییرات رخساره‌ها در جهت قائم و جانبی و ساختارهای رسوبی مختلف از جمله لایه بندی تدریجی، فرو ریزش، لایه بندی، درهم، قالب شیاری و ... نشان دهنده‌ی آن است که جریان‌های آشفته و توده‌ای در تشکیل بخش‌هایی از سازند کرج نقش اساسی داشته و حمل محصولات آذر آواری از منطقه‌ی کم ژرفا (فلات قاره) توسط این جریان‌ها صورت گرفته است. کانال‌های زیر دریایی که با رسوبات توده‌ای و اولیستولیت پر شده‌اند (رخساره‌ی F) در بخش بالایی خود با توالی هائی نازک لایه و ریز دانه شونده به سمت بالا (Upward thinning fining) همراهند. بخش عمده‌ای از شیل‌های سازند کرج به صورت شیل‌های پلاژیک و همی پلاژیک (رخساره‌ی G) در بخش‌های شمالی منطقه مورد مطالعه یافت می‌شوند. توالی‌های که به سمت بالا نازک لایه و یا ستبر لایه می‌شوند و همچنین توالی‌های بومای کامل (رخساره‌های A-F) و یا ناقص در سازند کرج فراوان است. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که محیط رسوبگذاری سازند کرج یک بادزن زیر دریایی (Submarine fan) است. داده‌های جمع آوری شده در رابطه با تعیین جهت جریان‌های دیرینه (Paleocurrents) نشان می‌دهند که جهت این جریان‌ها از جنوب به شمال بوده است.

سازند کرج با ستبرای افزون بر ۳۳۰۰ متر گسترش وسیعی در البرز مرکزی دارد. برونزدهای این سازند در خاور، شمال و شمال باختر تهران و همچنین شمال کرج مورد بررسی و نمونه برداری قرار گرفت. از داده‌های صحرایی و آزمایشگاهی جمع آوری شده، برای پی بردن به چگونگی تشکیل این این توالی آتشفشانی ـ آواری ستبر استفاده شده است. مقاطع مختلفی دراین سازند پیمایش و داده‌های مختلف آن گردآوری شده است. مجله‌ی علوم زمین

سازند بادامو (توآرسین بالایی ـ باژوسین میانی) به طور عمده دربردارنده‌ی سنگ آهک و شیل است و در منطقه‌ی زرند (شمال باختر کرمان) گسترش دارد. در این منطقه سازند بادامو به گونه‌ی هم شیب و با کنگلومرای قاعده‌ای بر روی سازند آب حاجی (دومین سازند از گروه شمشک) قرار دارد و مرز آن با سازند هجدک در بالا (چهارمین سازند از گروه شمشک) هم شیب و ناگهانی (گاه تدریجی) است.

حرکات سیمرین پیشین در اواخر تریاس میانی و پسین (کارنین ـ نورین) نقش مهمی در سرگذشت زمین‌شناسی ایران در زمان ژوراسیک

داشته است. حرکت صفحه‌ی ایران (قاره‌ی سیمری) به سمت شمال خاور و برخورد آن با صفحه‌ی توران (قاره‌ی اوراسیا) در زمان تریاس پسین (کوهزایی سیمرین پیشین) به بسته شدن دریای هرسی نین (پالئوتتیس) در شمال ایران انجامید.

منطقه‌ی مورد مطالعه در حوزه‌ی زغالی کرمان (شمال و شمال خاور کرمان) قرار دارد. سازند بادامو سومین بخش گروه شمشک است که به طور هم شیب و ناپیوسته بر روی سازند آب حاجی قرار دارد. این سازند در منطقه‌ی کرمان به گونه هم شیب و تدریجی، گاه به طور کامل ناگهانی، با سازند هجدک پوشیده می‌شود.

ستبرای سازند بادامو در ناحیه‌ی مورد مطالعه بین ۳۰ تا ۱۸۰ متر است که در امتداد شمال باختر ـ جنوب خاوری کشیده شده و شیبی در حدود ۲۵ تا ۳۰ درجه به طرف شمال خاوری دارد. مجله‌ی علوم زمین

قله‌های تهران

قله‌ی جانستون ۴۱۰۰ متر (البرز مرکزی) جاده‌ی جاجرود ـ فشم ـ زایگان ـ آب نیک.

این قله در البرز مرکزی و در شمال غربی کوه خرسنگ و در جنوب رشته بلندی‌های خلنو دومین قله‌ی بلند البرز مرکزی قرار گرفته است. سراسر اطراف جنوبی خرسنگ و جانستون را یک نوار صخره‌ای خرد و نا استوار فرو پوشانیده است. دشت جانستون و قله‌ی بلند آن از پی تنگه‌ی صخره‌ای به راستی دیدنی است.

قله‌ی خشچال ۴۱۸۰ متر (البرز غربی) قزوین ـ دره‌ی الموت ـ زواردشت. دره‌ی الموت از غرب بلندی‌های شیر برم تا رودبار و منجیل دارای قلل متعدد و برفچال‌ها و یخچال مهم متعدد دارد.

سلسله ارتفاعات شمال این دره: ۱ـ قله‌ی آتشفشانی درفک، ۲ـ خرم دشت، ۳ـ سرخه کوه هیر، ۴ـ زیور چال، ۵ـ خشچال، ۶ـ سیالان، ۷ـ قله‌ی نرگش و در انتهای خط الرأس‌های جنوبی منطقه‌ی تخت سلیمان و در جنوب دره‌ی نیز خط الرأس طولانی کوه‌های شمالی قزوین ـکه به خط الرأس کوه‌های ساوجبلاغ می‌رسد.

قله‌ها: ۱ـ کندیگان، ۲ـ سیالان، ۳ـ مجموعه ارتفاعات تخت سلیمان و در جنوب کوه سربلند شاه البرز در غرب ۱ـ زیور چال، ۲ـ سرخه کوه هیر و در شمال دره‌ی اشکورات سماموس ۱ـ فک، ۲ـ دیلمان.

علم کوه ـ قله به بلندی ۴۸۵۰ متر (البرز غربی) ـ جاده چالوس ـ مرزن آباد (کلاردشت) حسن کیف، رودبارک.

منطقه‌ی کوهستانی تخت سلیمان و علم کوه واقع در منتهاالیه جناح شمال شرقی البرز غربی، در جنوب شهرستان چالوس قرار دارد. این رشته کوه‌ها به دلیل داشتن قلل بالای ۴۴۰۰ متر، وجود دیواره‌ی بلند شمالی علم کوه و یخچال‌های بزرگ از جمله مناطق بسیار مهم برای صعود کوهنوردان در فصول مختلف سال است.

یخچال‌ها: ۱ـ هفت خان، ۲ـ خرسان، ۳ـ علم چال، ۴ـ چالون، ۵ـ مرجیکش.

قله‌ها: ۱ـ تخت سلیمان ۴۷۵۰، ۲ ـ خرسان شمالی ۴۷۵۰، ۳ـ سیاه کمال ۴۵۰۰، ۴ـ چالون ۴۵۰۰.

قله‌ی دماوند ۵۶۷۱ متر، جاده هراز ـ پلور ـ گزنگ یال شمال شرقی.

بزرگ‌ترین آتشفشان ایران، قله‌ی دماوند به بلندی ۵۶۷۱ متر با یخچال‌های دیرپا با صخره‌هائی

استوار سربرافراشته است.

دماوند قله‌ای منفرد و تنهاست که از یک سو چشم به جنگل‌های سبز مازندران و از سویی کویر بزرگ ایران، قله‌ی دماوند، قله‌ای است که تنها از یک سمت آن یعنی یال بزرگ شمال غربی به سایر قله‌ها متصل است. این ارتفاع در کناره‌ی شمالی دره‌ی هراز در منطقه‌ی لاریجان قرار گرفته و حالت مخروطی و مدورش مایه‌ی پدیدار شدن یال‌های مختلف در جهات خاص جغرافیائی آن گشته است.

دماوند دارای یخچال‌ها و برفچال‌های متعددی است که دور تا دور آن را پوشانده‌اند. از جمله یخچال بزرگ یخار شرق دماوند. رود دلیجان و رود تلخ رود و رود هراز روانند.

گمان می‌رود آتشفشان دماوند در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل خاموش شده باشد. درجه‌ی برودت هوا در قله‌ی دماوند، در تابستان بین ظهر تا ۴ بعد از ظهر در حدود ۴ درجه زیر صفر است. دامنه‌ی قله در ارتفاع ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ متری یکسره از گل‌های شقایق پوشیده می‌شود.

تنگه‌ی واشی - فیروزکوه: دره‌ی واشی در ۲۰ کیلومتری شمال غرب شهرستان فیروز کوه در روستای جلیزجند قرار دارد. در میانه‌ی راه دره حجاری‌های بازمانده از دوره‌ی قاجاریه با نقش شاه قاجار در حال شکار دیده می‌شود. اندکی دورتر از حجاری‌های تنگه‌ی به یک منظره بسیار زیبای طبیعی به وسعت ۳۰۰ هکتار باز می‌شود که دور تا دور آن با شیب‌های بلند کوه‌ها و تنگه‌ی دیگری که چشمه از آن جاری است احاطه شده است و منطقه رابه یک آمفی تئاتر تبدیل کرده است.

سی چال قله به بلندی ۳۷۵۰ متر (البرز مرکزی)، جاده‌ی جاجرود - فشم - در بند سر گردنه‌ی دیزین.

بلندترین پیست اسکی ایران و یکی از قله‌های هموار البرز مرکزی و در جنوب منطقه‌ی دیزین و شمال آبادی آهار کوهی است.

شاه‌البرز - قله ۴۲۵۰ متر (البرز غربی)، طالقان - شهرک - حسن جون، از بلندترین قله‌های طالقان و در سمت شمالی است. یال‌های موازی شمالی جنوبی و دیواره‌های ریزشی شمالی، وجود یخچالی بزرگ در دامنه‌ی شمالی قله و برکه‌های کوچک آبگیر در بالای خط الرأس‌های قله‌های سات و شیر بشم است. این خط الرأس شرقی - غربی در منطقه‌ای به نام گردنه‌ی شیر بشم محل اتصال شاخه‌ی فرعی جناح جنوب شرقی تخت سلیمان است و شاه البرز و سات را به آن ملحق می‌سازد. علی مقیم - سلیم شالوم - راهنمای صعود به قله‌های ایران است.

قله‌ی خُلِنو ۴۳۷۵ متر (البرز مرکزی) جاده‌ی جاجرود - فشم - زایگان - لالون یا دومین قله‌ی بلند البرز مرکزی است که در قلب این کوهستان قرار دارد. خلنو یکی از صعودهای زمستانی دشوار را به همراه دارد زیرا حجم زیادی برف در مسیر آن قرار دارد در قسمت شمال برج خلن و، قله‌ی مخروطی به بلندی ۴۳۵۰ وجود دارد. دریاچه‌ی بزرگ خلنو و در اطراف آن قله‌های آزاد کوه، یخچال، کانکوه و در قسمت‌های غربی خط الرأس تخت سلیمان در شرق سراسر البرز قلل البرز مرکزی از پالون‌گردن تا دماوند و از دماوند تا آتشکوه و توچال دیده می‌شود.

کاسونک - قله ۳۶۵۰ متر (البرز مرکزی) جاده‌ی جاجرود - فشم جاده‌ی گرمابدر - گرمابدر.

این قله در منطقه‌ی لار (خاتون بارگاه) کوهستانی

نسبتاً منفرد است که گردنه‌ی شیورکش آن را از سوی جنوب به قله‌های پیرزن کلوم و مهرچال متصل می‌سازد و از شمال نیز توسط گردنه‌ی یونزار به قله‌های خاتون بارگاه و خرسنگ می‌پیوندد.

قله‌ی آزاد کوه ۴۳۵۵ متر ـ جاده‌ی چالوس، گچسر ـ جاده‌ی دیزین وارنگرود. آزادکوه قله‌ای از رشته‌کوه‌های البرز مرکزی و سومین قله‌ی بلند آن است. این قله و بلندی‌های یخچال، کمانکوه، سرماهو، چورن ،نارچو، سوتک و سرخاب در کنار هم سر برافراشته‌اند. از شمال وروشت، تخت سلیمان ـ کهار و تازکمانکوه و سرماهو و یخچال ـ خط الرأس هرزه کوه در جنوب، خلنو، پالون گردن نرگس. دماوند و باز در شمال خط الرأس کوه گرگ و سرانجام وروشت دیده می‌شود.

سماموس ـ قله رامسر ـ آخوند محله ـ جواهرده ـ لپاسر.

قله‌ای بر فراز خزر، سماموس، قله‌ای بر فراز جنگل‌های گلستان، مازندران و گیلان و بلندترین قله‌ی امتداد کرانه‌های دریا و رامسر که نقطه‌ای سرسبز و خرم و ییلاقی است.

غارهای تهران

غار هملون در ۶ کیلومتری شمال میگون (استان تهران) در جاده‌ی شمشک دره‌ی تنگ و گودی است که مردم محلی به آن هاملون می‌گویند و چون این دره دارای حفره‌ها و غارهای زیادی است از دور سوراخ سوراخ به نظر می‌رسد.

در جلومد خل اصلی غار، دهانه‌ی طاق مانندی است که به منزله‌ی دهانه‌ی خارجی محسوب می‌شود، پس از عبور از مدخل، تالار بزرگی به طول ۱۲/۲۰ و عرض ۸/۲۰ و بلندی ۲/۱۵ متر قرار دارد.

غار هملون بزرگ در ارتفاع ۱۵۰ متری دامنه‌ی کوه قلهک محاذی غار کوچک هملون، غار بزرگ قرار دارد. دهانه این غار ۲/۳۵ و ارتفاع ۲/۵ متر و در دل صخره‌ای به بلندی ۲۵۲۵ متری از سطح دریا رو به جنوب قرار دارد. دهانه‌ی غار با شیب ملایمی رو به پائین رفته و پس از چند متر وارد محوطه‌ی وسیعی می‌شود.

این غار از یک تالار بیسار بزرگ سنگی به طول ۴۵/۵ عرض ۲۱ و بلندی ۵ متر پدید آمده است.

غار تخت در ۱۲ کیلومتری شمال جاده‌ی تهران ـ همدان روستائی متروکه به نام قلی آبادکه تنها دژی ویران و کوچکی با دیوارهای فروریخته و چند خانه‌ی روستائی قرار دارد. در گوشه‌ای از این روستا کوه کوچکی وجود دارد که به آن کوه گنج می‌گویند.

دهانه‌ی غار به طول ۱/۵ و عرض ۱ متر به سوی جنوب غربی قرارگرفته و در ۲ متری دهانه، پس از پله‌ی کوتاهی، راهروی سنگی باریک رسانیده است به درازای ۸ متر که باید خمیده از آن گذشت. در انتهای راهرو، دهانه‌ی اصلی غار شروع می‌شود، و از این جا می‌توان آزادانه گذشت. این دالان در حوالی ۲۸ متری، در یک اتاقک زیبای دو متری آهکی که اطرافش را ستون‌های چکیده (استالاگمیت) فراگرفته و حوضچه‌ی آب زلالی در کف آن وجود دارد.

غارهای طبیعی و تاریخی استان تهران

غار آتشان: غار آتشان در شمال شرقی روستای آتشان از توابع فیروزکوه و در سینه‌کش ارتفاعات منطقه قرار دارد. تمام خاک و سنگ‌های حاشیه‌ی دامنه به رنگ سرخ و بسیار سست می‌باشد. این

غار مربوط به استقرارگاه قبل از اسلام بوده و توسط ساکنان منطقه کنده شده است. غار آتشان یک ورودی اصلی داشته و چندین روزنه و فضای کوچک در گرداگرد آن تعبیه شده است.

غار اسبول: در ه‌ی اسبول در شرق اوشان قرار دارد که در آن سه غار وجود دارد. دهانه‌ی سمت راست بزرگ‌تر و دو دهانه‌ی سمت چپ که روی هم واقع شده‌اند، کوچک‌تر هستند. در هیچ نقطه از غار کنده‌کاری نشده و غار طبیعی می‌باشد. تنها قطعات سفال لعابدار مربوط به قرن ۹ و ۱۰ در آن مشاهده می‌شود.

غار یخ مراد: از دیدنی‌ترین غارهای استان تهران است که در فاصله‌اند که از جاده‌ی کرج - چالوس و در نزدیکی روستای کهنه ده قرار دارد. داخل غار در تمام طول سال دارای قندیل‌های یخ بوده و مردم بر این عقیده‌اند که این قندیل‌ها مراد و آرزوی آن‌ها را برآورده می‌کند. دهانه‌ی غار ۹/۵ متر و ارتفاع آن ۳ متر است. غار دارای سه تالار بزرگ و سه یخچال زیر زمینی و نیز چند قسمت دیگر و هفت حلقه چاه است. عمر غار حدود ۵۰ میلیون سال تخمین زده شده است.

غار انبهون: در نزدیکی زرین دشت (فیروزکوه) قرار دارد در ابتدای ورود به این غار بقایای بنایی قدیمی به چشم می‌خورد. طول غار ۲۷ متر است.

غار بورنیک: غار بورنیک در فاصله‌ی ۱۳۵ کیلومتری شرق تهران و در فاصله‌ی ۲۳ کیلومتری فیروزکوه و ۶ کیلومتری هراز قرار دارد دهانه‌ی غار ۱۵×۱۰ متر و ارتفاع آن ۶ متر و ارتفاع محل غار از سطح دریاها حدود ۱۹۵۰ متر است. مجموعه غار بورنیک از سه تالار بزرگ شکل گرفته و بر فراز هر یک، تاقدیس‌هایی بلند جلب توجه می‌نماید.

غار سنگ دروازه: این غار در ضلع شرقی روستای لارک و بر بالای ارتفاعات سنگ دروازه، شرق آبعلی واقع شده است. وسعت غار ۵۰۵ متر و عمق آن حدود ۶ متر می‌باشد.

غار بزج: این غار در فاصله‌ی ۱۲۰ کیلومتری غرب تهران و در منطقه‌ی طالقان واقع است. از این غار در گذشته جهت پناهگاه بهره گرفته شده است و آثار دست‌کنده و محل دیدبانی ونشیمن و استراحتگاه در غار دیده می‌شود. طول غار در حدود ۲۵ متر است.

غاهای تنگه هملون: این غارها در تنگه‌ی هملون در نزدیکی میگون قرار دارند که یکی از آن‌ها با دهانه‌ی حدود ۳ متر و ارتفاع یک متر و عمق حدود ۲۰ متر است و دیگری حدود ۲/۵ متر دهانه و ۱/۵ متر ارتفاع است که در ابتدای ورودی آن با فضایی به ابعاد ۶×۴ متر و ارتفاع ۲/۵ متر رو به رو می‌شویم.

غار کافرولی: در جاده‌ی تهران - آمل در دره‌ی هراز نزدیک آب اسک واقع شده. طول غار حدود ۳۷۰ متر و دارای شعب متعدد و کوچک است. از روستای اسک تا دهانه‌ی غار حدود یک ساعت پیاده فاصله است. داخل غار فاقد استالاگمیت و استالاکمیت است.

غار پشت تندیر: غار پشت تندیر در روستای جلیزجند فیروزکوه و در نزدیکی تنگه واشی واقع است. این غار یکی از مکان‌های استقراری هزاره‌های قبل از میلاد بود. در ارتفاعات تنگه واشی داخل یک فرورفتگی غار پشت تندیر واقع و بقایای زندگی در آن مشاهده می‌شود. در مقابل ورودی سنگ چین‌های جدیدی به چشم می‌خورد ولی داخل غار نیز نشانه‌هایی از کنده کاری و حفاری به چشم می‌خورد.

غار وهین: در سینه‌کش کوهی موسوم به وهین در ۵کیلومتری زمداران فیروزکوه غار وهین قرار دارد که دارای دهانه‌ی وسیعی است که آن را با دیواری به ارتفاع ۵ متر و عرض متغیر ۲ تا ۴ متر و با مصالح گل، سنگ و خشت مسدود کرده‌اند و روزنه‌هایی برای دیده بانی در آن تعبیه نموده‌اند. وسعت درونی غار ۴×۷ متر بوده و سفالینه‌های داخل غار مربوط به هزاره‌ی اول قبل از میلاد تا دوره‌ی سلجوقی است.

غار پلنگ کلی: غار پلنگ کلی در شرق شهر رودهن و در روستای سادات محله‌ی دماوند واقع شده است. غار در بین ارتفاعات روستای سادات محله دربین صخره‌های بزرگ واقع و دارای دهانه‌ای به نسبت بزرگ است. با توجه به خصوصیات ظاهری غار و موقعیت قرارگیری آن می‌توان حدس زد که در روزگاران باستان از آن به عنوان سکونت نیز بهره گرفته‌اند.

گسل‌های تهران

۱. **گسل شمال:** این گسل با طول تقریبی ۳۵ کیلومتر، در شمال تهران (در مغرب از کن تا لشگرک در شرق) امتداد دارد و در اکثر نقاط این گسل مرز مشخصی بین توف‌های سبز سازندکرج و رسوبات آبرفتی دیده می‌شود. این گسل در دو مقطع دیگر نیز دیده می‌شود که عبارت اند از:

الف) گسل کاظم آباد: در دو کیلومتری کلاک در شمال اتوبان کرج ـ تهران با امتداد شمال غرب ـ جنوب شرق.

ب) گسل دره‌ی لشکرک: در غرب جاده‌ی آسفالته‌ی لشکرک که در نتیجه‌ی آن توفهای سبز سازند کرج روی سازند هزار دره دیده می‌شود.

۲. **گسل گرمدره:** در جنوب گرمدره و شرق کاروانسرا سنگی و جنوب جاده‌ی تهران واقع است.

۳. **گسل فرح زاد:** که به صورت یک گسل دو شاخه با امتداد شمال غرب ـ جنوب شرق دیده می‌شود.

۴. **گسل‌های جنوب شرق فرح زاد:** که در ۲ کیلومتری جنوب شرقی آبادی فرح زاد، از نوع معکوس با زاویه‌ی زیاد و شیب ۶۰ درجه به طرف شرق است.

۵. **گسل‌های شرق فرح زاد:** که با امتداد شمالی ـ جنوبی در ۲۰۰ متری شرق روستای فرح زاد قرار دارند و مقدار آن‌ها هشت عدد و از نوع معکوس هستند.

۶. **گسل سعادت آباد:** در غرب اوین و در ۵۰۰ متری شمال بیمارستان سعادت آباد با امتداد شمال شرق ـ جنوب غرب.

۷. **گسل ایوبی:** در کناره‌ی شمالی اتوبان شیخ فضل الله نوری (ایوبی) و ۲۰۰ متری شمال غربی ساختمان‌های ونک پارک و نفت شهر با امتداد شرقی ـ غربی.

۸. **گسل ونک پارک:** در جنوب اتوبان شیخ فضل الله نوری (ایوبی) و ۲۰۰ متری ساختمان‌های ونک پارک و ۵۰۰ متری شمال ساختمان‌های .A.S.P که از چهار گسل شمالی ـ جنوبی تشکیل شده است.

۹. **گسل‌های مسیر مترو:** در تونل احداث شده برای متروی تهران که امتداد شمالی ـ جنوبی و طول ۲۸۰۰ متر در تپه‌های عباس آباد حفر شده است. تعدادی گسل‌های متقاطع دیده می‌شود.

۱۰. **گسل تلویزیون:** که مقطع اصلی آن در خیابان آفریقاست ولی اخیراً در انتهای اتوبان رسالت نیز ادامه‌ی این گسل به طرف شرق

مشاهده می‌شود.

۱۱. گسل سوهانک: در یک کیلومتری شمال غرب سوهانک، چهار گسل با مشخصات تقریباً یکنواخت، در دو حفاری دیوار ما نند دیده شده است. در ترانشه‌ی شرقی غربی ۲ گسل عادی با شیب ۵۰ـ۷۰ درجه به طرف شرق و جابجائی ۱/۵-۱ متر دیده می‌شود. در ترانشه‌ی شمالی جنوبی نیز دو گسل با شیب ۶۰-۷۰ درجه به طرف جنوب و جابجائی حدود ۱/۵ متر دیده می‌شود.

۱۲. گسل‌های تلوپائین: در ۳کیلومتری جنوب آبادی تلو، درکناره‌ی غربی مسیر جاده‌ی لشگرک به آبعلی دو گسل با امتداد شمالی ـ جنوبی، به موازات یکدیگر و با فاصله‌ی ۲۵ متر با یکدیگر قرار دارند.

۱۳. گسل سرخه حصار: در ۲ کیلومتری شمال سرخه حصار در محل خاک برداری اتوبان جدید آبعلی ـ تهران دو گسل با شیب ۲۰-۲۵ درجه و امتداد شمال شرق ـ جنوب غرب دیده می‌شود.

۱۴. گسل جاجرود: اثر این گسل در کناره‌ی شمالی جاده‌ی آسفالته‌ی تهران آبعلی در ۶ کیلومتر پس از سرخه‌حصار، امتداد تقریبی شمال شرقی ـ جنوب غربی مشاهده می‌شود. ـ ازکتاب زمین‌شناسی ایران ـ دکتر علی درویش زاده ـ مهین محمدی

طبیعت ـ رودخانه‌ها

رود کرج: پر آب‌ترین رود دامنه‌های جنوبی کوهستان البرز و در ۴۰ کیلومتری غرب تهران از کانون آب‌گیر خرسنگ کوه سرچشمه می‌گیرد. از این کانون دو شاخه وارنگ رود و لات رود (ولایت رود) به سمت مغرب جریان می‌یابند. پس از پیوستن این دو به یکدیگر ،رود گچسر در پای کوه کندوان به آن متصل می‌شود و در ادامه مسیر خودبه سمت جنوب ،شاخه‌های متعددی به ویژه از ساحل شرقی رود به آن می‌پیوندد که از مهمترین آنها شعب شهرستانک، ارنگه و کندوان را می‌توان نام برد. طول رودخانه کرج در حدود ۲۲۰ کیلومتر و میانگین مجموع آب سالانه آن، بیش از ۲۵۰ میلیون متر مکعب است. آب این رود از بارشهای فصل سرما و ذوب برفهای کوهستانی در فصل گرما تامین می‌شود. حداکثر مقدار آب آن در اوایل فروردین ماه و حداقل آن در اواخر شهریور ماه است. به منظور تنظیم آب رودخانه کرج و ذخیره آب حاصله از طغیان رودخانه و تامین آب و برق شهر تهران، سد بزرگ امیرکبیر بر روی این رودخانه ساخته شد که علاوه بر تامین بخش مهمی از آب آشامیدنی شهر تهران ۷۵۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی پایین دست را آبیاری می‌کند، اطراف رودخانه کرج و سد کرج یکی از مراکز مهم گردشگری استان تهران است.

حبله رود: این رود خانه از فیروزکوه،سوادکوه و کوه‌های شهمیرزاد سرچشمه می‌گیرد و مهمترین شعبه‌های آن ،نمرود ،رود خانه گرمسار ،دلی چای و هویر است.این رود خانه دشت گرمسار را سیراب می‌کند و پس از آن به سوی نمکزارهای شرق حوض سلطان جاری می‌شود.سواحل سر شاخه‌های این رود ارزش‌های گردشگاهی مناسبی دارد.

رودخانه شور: رود خانه شور از کوههای سلطانیه، قزوین سر چشمه می‌گیرد و پس از آبیاری ابهر ،قزوین ،ساوجبلاغ و تهران به رود خانه کرج می‌پیوندد.رودخانه شور یا ابهر رود به دلیل داشتن نمک در پایین دست ،برای کشاورزی

مناسب نیست.از شاخه‌های آن می‌توان به خرقان وخشکـه رود اشاره کرد.سر شاخه‌های این رودخـانه نیز دارای ارزش‌هـای سیاحتی و گردشگری است.

جاجرود: این رودخانه از ارتفاعات کلون بستک در بلندی‌های خرسنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور روستای بزرگ فشم ،شعبه میگون نیز به آن می‌پیوندد و در روستای اوشان شعبه دیگری به نام آهاررا دریافت می‌نماید.پیش از ورود جاجرود به جلگه ورامین ،یک شعبه دیگر بنام رود دماوند به آن متصل می‌شود و زمین‌های دشت ورامین را سیراب مـی‌کند و بـه انتهای رودخانه کرج می‌پیوندد.روی این رودخانه سدی به نام لتیان ساخته شده است و مانند رودخانه کرج از گردشگاههای زیبای استان است.

رود خانه لار: این رودخـانه در شمال شرقی استان تهران از کوههای برف گیر و پرباران کلون بستک که ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد ودر شرق و شمال شرقی استان تهران قرار دارد، سرچشمه می‌گیرد و به همین جهت ،بسیار پر آب است.این رودخانه دارای شاخه‌های فراوانی مانند دلی چای ،آب باران و سفید آب است.در دو سوی رودخانه لار مرتع‌ها و چراگاه‌های طبیعی و گسترده با حدود ۶۰ کیلومتر طول و شش تا هفت کیلومتر عرض وجود دارد. اما بـه دلیل سرمای زیاد شمار آبـادی‌های پیرامـون ایـن رود نـاچیز است. در شاخه‌های رودخانه لار ماهی قزل‌آلا فراوان است. روی این رود خانه یک سد ساخته شـده است. منطقه‌ای که ایـن رود در آن جـا جـریان دارد از گردشگاههای بسیار مهم استان به شمار می‌آید و مورد استفاده گسترده مردم تهران قرار می‌گیرد و ماهیگیری یکی از تفریحات رایج گردشگران در این رودخانه و سد آن است.

طالقان رود: این رودخانه از کوههای کندوان و کهار بزرگ سرچشمه می‌گیرد و شعبات علی زان و خسبان که از کوههای تخت سلیمان سرچشمه می‌گیرند به آن می‌ریزند و سپس در دره طالقان به سمت مغرب جریان می‌یابند و بعد از آن با نام طـالقان رود بـه سفید رود مـی‌پیوندند. طـول رودخانه ۱۸۰ کیلومتر است و سواحل آن به ویژه در بـخش‌های بـالا دست، دارای ارزش‌هـای تفریحی و جهانگردی است.

گردشگاههای طبیعی استان تهران:

رودخانه‌ها، چشمه‌سارها، دریاچه‌های طبیعی تار و ممج، دریاچه‌های پشت سدهای امیرکبیر، لار و لتیان، آبشارها، پارک‌های جنگلی طبیعی و مصنوعی، ارتفاعات زیبا و پیست‌های اسکی برای تفریحات زمستانی، غارها و روستاهای طبیعی، دره‌های ییلاقی و خـوش آب و هـوا، در زمـره مـهمترین و زیـباترین جلوه‌های طـبیعی و از جاذبه‌های تفرجگاهی و گردشگری استان تهران می‌باشند.

سنگان: کلمه‌ی سنگان از دو جز ترکیب یـافته است. «سنگ» و «ان» معنی جزء اول معلوم است. اما جزء دوم یعنی «ان» در آخـر نـام بسیاری از دیه‌های و آبادی‌ها افزوده شده و معنی «سرزمین»، «محل» و «اقامتگاه» را می‌دهد و گاهی تغییر شکل یافته و به صورت «ین» درآمده است.

موقع و حدود: سنگان منطقه‌ای است کوهستانی که در شمال غربی تهران و در انتهای دره‌ی سبز و خرم رودخانه‌ی کن واقع شده و از توابع کـن و شمیران است. جاده‌ی عمومی آن از راه تهران ـ کن و سپس در امتداد مسیر رودخانه‌ی کن به سمت

شمال غربی در حدود سه فرسنگ پیش می‌رود، راهی است کوهستانی و پر پیچ و خم و گاهی با فراز و نشیب‌های تند که تقریباً صعب العبور است. جاده گاهی از قعر رودخانه و زمانی از فراز ارتفاعات می‌گذرد.

فاصله‌ی تهران ـ سنگان اندکی بیش از پنج فرسنگ و ماشین‌رو است، در بین سنگان ـ کن دیهی دیگر قرار دارد به نام سولقان که از سنگان بزرگ‌تر است ولی هوای آن گرمتر از سنگان است.

کوه‌ها: اطراف سنگان را کوه‌های بسیار مرتفع فرا گرفته و به شکل یک قلعه یا دژ طبیعی درآمده است. کوه‌های آن تمام سنگی و دارای یک پوششی از خاک است که تقریباً از نیمه‌های دامنه‌ی آن شروع می‌شود. از قله به سمت پائین بر ضخامت خاک افزوده می‌شود ولی روی هم رفته هیچ‌گاه ضخامت خاک از چندین متر تجاوز نمی‌کند. بنابراین در آن جا نمی‌توان چاه یا قنات جهت آبیاری حفر کرد.

آب‌ها: منابع آب سنگان از چشمه سارهای طبیعی تأمین می‌شود، و میزان آن بستگی به زیاد و کم بودن بارندگی زمستانی دارد. در سنگان، مانند دیگر نقاط ایران نظم و ترتیب خاصی جهت بارندگی وجود ندارد و معمولاً بارندگی از ماه سوم پائیز شروع می‌شود و گاهی تا نیمه‌های خرداد ادامه پیدا می‌کند لیکن بعلت نوک تیز بودن کوه‌ها و سنگی بودن آن‌ها باران و برف نمی‌تواند در داخل کوه‌ها نفوذ نموده و مخازن بزرگ آب در زیر زمین به وجود آورد. بدین جهت با وجود بارندگی نسبتاً کافی، آب این منطقه کم است و تکافوی آبیاری باغ‌ها را نمی‌کند. اوایل بهار رودخانه‌ها به قدری پر آب است که حتی قاطر هم قادر به گذشتن از آب نیست ولی اکثر سال‌ها آب آن در اواخر تابستان به زحمت و اشکال زمین‌ها را سیراب می‌کند. به خصوص در چند سال اخیر به مناسبت احداث باغ‌های جدید و تبدیل زمین‌های مزروعی به باغ مشکل آب را در سنگان بسیار زیاد کرده است.

آب و هوا: آب و هوای سنگان بسیار لطیف و خنک است. بعلت ارتفاع زیاد، در فصل‌های بارندگی اغلب برف می‌برد، ولی هیچ گاه سرمای آن ناراحت کننده نیست. علت این است که کوه‌های بلند اطراف آن از نفوذ بادهای شدید و ناراحت کننده در داخل آن جلوگیری می‌کند.

تقریباً بیش از شش ماه سال را مردم از کرسی استفاده می‌کنند. یعنی یک ماه و نیم از پائیز، سه ماه زمستان و یک ماه و نیم گاهی دو ماه از بهار.

هوای سنگان به خصوص در تابستان مطبوع و دلکش است. به علت خنکی هوا کمتر اتفاق می‌افتد که در شبهای تابستان بدون لحاف بتوان خوابید.

در سنگان تعدادی زیاد چشمه‌های آب خنک وجود دارد که آب بعضی از آن‌ها حتی در مرداد ماه به قدری خنک است که دست را بیش از چند لحظه نمی‌توان در آن‌ها نگه داشت. سنگان در کنار چشمه‌های خنک و باغ‌های مصفا و دلگشا و با وزش نسیم‌های فرحبخش و دل‌انگیز، تابستان زیبائی را به همراه دارد.

گیاهان کوهی: الف: گیاه هائی که به مصرف علوفه حیوانات می‌رسد: کُما ـ کَریش ـ هُولُوبُو ـ وَنک ـ کُرزَنگ ـ لَم (ریواس پیر شده که دیگر به درد خورش نمی‌خورد) کُوروا ـ جاشیر ـ گوش بُزَگ ـ سرگولگ خاکی ـ مُورجوگ ـ گُرزْ ـ مِنْجَر ـ سرهَویجَک ـ هَلَرگ ـ کُرود عباسی ـ سنخ ـ وَل دوغَک ـ خرگوشک ـ میشگ ـ مُورَک ـ قُلُه ـ صابونک ـ اِسپِرِسَگ (در تهران معروف به شیرین

بیان است که مورد استفاده‌ی داروئی دارد) بِرنجَک (ریشه‌ی آن پیاز دارد و در اول بهار در می‌آید) گل حَسرت (در پائیز گل می‌کند گویا وجه تسمیه آن هم به همین جهت است) کاسه بِشگِنَگ - بوِگ - کُمَگ - شِکر لاله - گل سیفیدک - درمنَه.

ب: گیاهانی که به مصرف غذائی می‌رسد: آقا جَواش - والوک (والک) سیرَک - پیازک - سیرکوهی - کَلَمَک - نون گرمَک - لُرچُک - لُواس (ریواس) ماروالُوک - انجیمَک.

حیوانات وحشی: این ناحیه بنا به موقع خاص خود محلی مناسب جهت زندگی حیوانات وحشی خاصه گرگ - شغال - روباه - سمور و به ندرت پلنگ و خرگوش و مار می‌باشد که اغلب باعث ایجاد خسارت و زیان می‌گردند.

محصولات درختی: اساساً موقعیت سنگان طوری است که محصولات زمینی از قبیل: گندم - جو - سیب زمینی و ... کمتر کشت می‌شود و تا آن جا که ممکن است باغ‌های میوه ایجاد شده است. باغ‌های آن در دامنه‌ی کوه قرار گرفته لذا کمتر به زمین‌های مسطح که دارای عرض زیادی باشد برخورد میکنیم. زمین‌ها را به وسیله‌ی دیوار چینی که با سنگ رودخانه انجام می‌گیرد مسطح می‌کنند. البته این خود متضمن خرج زیادی است (جمع آوری مقادیر زیادی سنگ، روی هم رفته چیدن و مرمت آن‌ها)، ولی به واسطه‌ی فعالیت و پشتکار مردم فعال آن، امروزه این ناحیه به صورت یکی از زیباترین دیه‌های اطراف تهران در آمده است. میوه‌های این ده از نوع میوه‌های مناطق نسبتاً سرد است. گیلاس - آلبالو (که قابل ملاحظه نیست) سیب و هلو از میوه‌های معروف و رایج این منطقه است که درآمد عمده‌ی مردم را تشکیل می‌دهد. دیگر از میوه‌های پر بها گلابی و شاه میوه است که البته عمومیت ندارد.

نگهدار طیور در قدیم بسیار رایج بوده است. در هر خانه‌ای دامداری - نگهداری پرندگان اهلی، زنبورداری از دیگر منابع درآمد اهالی است.

خصوصیات نژادی: اهالی این ده تقریباً متوسط القامه و گندمگون و توپر می‌باشند. رنگ موی اکثر آن‌ها سیاه یا خرمائی رنگ است با این تفاوت که اهالی محله‌ی پائین سفید چهره و چشمان عده‌ی زیادی از آن‌ها زاغ و رنگ موی آن‌ها مایل به بور است.

آداب عروسی: پسر هنگامی که به سن رشد می‌رسد، دختر مورد نظر را برمی‌گزیند و قضیه را با مادر خود که با وی بیش از پدر احساس صمیمت می‌کند در میان می‌گذارد. مادر هم مطلب را به شوهر گفته سپس پدر با فامیل نزدیک خود در این باره مشورت می‌کند. پس از این که همگی موافق و متفق القول شدند قرار می‌گذارند که ده - دوازده نفر جهت طرح موضوع با پدر دختر، به خانه‌ی آن‌ها بروند. پس از صحبت‌های مقدماتی پدر داماد موضوع را با این طرز بیان می‌کند: «آیا ممکن است پسر ما را به غلامی قبول کنید؟»، اگر پدر دختر مایل باشد و دختر هم قبلاً به کسی قول داده نشده باشد می‌گوید: «از شما بهتر چه کسی است شما خود صاحب اجازه هستید». پس از موافقت خانواده‌ی دختر صحبت درباره‌ی نقدینه ومهریه شروع میشود. طبق معمول پدر دختر مبلغ را بالا می‌گیرد و خانواده‌ی پسر برعکس، تا این که ریش سفیدان و اهل محل پا درمیانی کرده و حد متعارفی را تعیین می‌نمایند. پس از آن که مبلغ مهریه قطعی شد، یک یا دو جعبه شیرینی و کله قند را که خانواده‌ی پسر همراه آورده‌اند در میان می‌نهند و به اصطلاح کام شیرین می‌کنند. این

جعبه شیرینی را خانواده‌ی پسر با خود به همراه می‌آورد و اگر توافق به عمل نیامد با خود باز پس می‌برند! اگر دختر خواستگاری شده مدتی درخانه‌ی پدر بماند، داماد ملزم است که در هنگام عید لباس و پیراهن و کفش و گوشواره هدیه ببرد. اهالی محله‌ی پائین و محله‌ی سر، سیزدهم ماه زمستان یکدست لباس مخصوص فصل به دختر تقدیم می‌دارند.

هنگامی که دختر و پسر جهت عروسی کردن آماده شدند، از طرف خانواده‌ی داماد انجام دادن عروسی را اطلاع می‌دهند. و در حدود ده روز قبل از عروسی نقدینه را با عده‌ای از فامیل داماد با یک کله قند و یک جعبه شیرینی به خانه‌ی عروس می‌برند. بردن کله قند و شیرینی الزام آور است والّا کدورت ایجاد می‌شود. سپس طرفین هرکدام برای خرید و تدارک کار خود به تهران می‌آیند وقتی جهیزیه مهیا شد آن‌ها را در طبق هائی میگذارند تا زن‌های خانواده‌ی داماد که جهت حمل آن‌ها آمده‌اند، آن‌ها را به خانه‌ی داماد ببرند و زن‌های ده با هلهله و شور این کاروان را همراهی می‌کنند.

یک شب قبل از عروسی در خانه‌ی دختر مراسم حنابندان به عمل می‌آید. حنا را از خانه‌ی داماد در طبقی گذارده و می‌برند و زن‌های ده همگی به شاد باشی گوئی می‌آیند. در قدیم رسم بود که زن‌ها بنا بر وسع خود مبلغی در جامی که نهاده بودند می‌ریختند و زنی که میاندار بود مبلغ و نام شخص را با صدای بلند اعلام می‌کرد. از آداب متروکه یکی هم مراسم «سرقیچی» و آن بردن لباس عروس شب قبل از عروسی بود. بدین صورت که زن‌های ده گرد می‌آمدند و هرکدام به فراخور خود مبلغی می‌دادند. ضمناً در شبی که منزل عروس حنابندان است، جوان‌های ده جمع می‌شوند و داماد را به حمام می‌برند معمول است که حمامی ده دم در گرمابه می‌ایستد و پس از گرفتن مبلغی قابل ملاحظه در را می‌گشاید. وقتی داماد از حمام بیرون آمد اسفند دود می‌کنند و پای افشانی می‌کنند و بعد از این مقدمات عروسی بر پا می‌شود. سپس از طرف خانواده‌ی داماد تمام اهالی چهار محل را برای شرکت در جشن عروسی دعوت می‌کنند و مدت عروسی بنابر توانائی و قدرت مالی داماد ممکن است یک شب یا دو شبانه روز باشد که در این مدت به تمام مدعوین ناهار و شام داده می‌شود. روز دوم یک ساعت قبل از ناهار لنگی به گردن داماد می‌بندند و مردهای ده به اضافه‌ی زن‌های نزدیک به داماد هر یک مبلغی قابل ملاحظه در آن می‌اندازند. میاندار مبلغ و نام شخص را با صدای بلند اعلان می‌دارد. وجهی که عاید می‌شود تقریباً برابر خرجی است که در تمام مدت عروسی شده است. این عمل جوان‌ها را به عروسی کردن تشویق می‌کند و هم از تحمیل خرجی کمرشکن به دوش داماد می‌کاهد.

پس از این که شام شب آخر داده شد، عده‌ای از خانواده‌ی داماد قباله را با مبلغی پول (در حدود بیست تومان) در دستمالی گذارده جهت آوردن عروس به خانه‌ی آن‌ها می‌روند و دختر را سوار قاطر می‌کنند. شادی و هلهله اهل ده را حدی نیست. عروس را پس از این که مقداری راه آمد نگه میدارند تا داماد به پیشواز بیاید. داماد مقداری که آمد او را نگه می‌دارند تا عروس جلوتر آید و بر سر این موضوع مدت‌ها سخن می‌رود و خواهش‌ها می‌شود که گاهی هم منجر به ایجاد حوادث نامطلوبی می‌گردد. وقتی به هم رسیدند داماد سیبی به طرف عروس پرتاب می‌کند. پس از رسیدن به خانه‌ی داماد عروس را به حجله

می‌برند.

اعیاد: سنگانی‌ها مراسم نوروز را در روزگاران قدیم مفصل‌تر از امروز برپا می‌داشتند. از چند روز به عید مانده زن‌ها نان شیر مال (نانی که در خمیر آن به جای آب شیر می‌ریختند) و توتک (نان‌های کوچک و شیرین) می‌پختند و مقدار زیادی تخم مرغ پخته و رنگ کرده نیز آماده می‌کردند. مجله

دریاچه‌ی بزنگان: دریاچه‌ی بزنگان (کل بی بی) بزرگ‌ترین دریاچه‌ی طبیعی استان خراسان است که در شرق حوضه‌ی رسوبی کپه‌ی داغ، در شمال شرق ایران، واقع شده است. این دریاچه در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری غرب جاده‌ی سرخس و حدود ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق شهرتسان مشهد واقع شده است. این دریاچه از شمال و شمال شرق به رسوبات کم ارتفاع ماسه سنگی و شیلی قرمز رنگ سازند پسته لیق (باسن پالئوسن) و از جنوب و جنوب غربی به ارتفاعات آهکی و مارنی سازند کلات (باسن کرتاسه فوقانی، ماستریشین) محدود می‌باشد. محیط این دریاچه در حدود ۳۳۰۰ متر مربع و مساحت تقریبی آن در حدود ۶۹۰۰۰۰ متر مربع (۶۹ هکتار) است. ارتفاع متوسط دریاچه از سطح دریا تقیباً ۸۵۰ متر می‌باشد. شیب دریاچه در تمام جهات بسیار تند بوده اما در بخش غربی بسیار ملایم است. حداکثر عمق دریاچه در فصل زمستان ۱۳ متر و در سایر فصول حدود ۱ متر و عمق متوسط آن در حدود ۸ متر تخمین زده شده است.

زمین‌شناسی منطقه: ناحیه‌ی مورد مطالعه در حوضه‌ی رسوبی کپه‌ی داغ در شمال شرق ایران قرار دارد. این حوضه به طول ۶۰۰ و عرض ۲۰۰ کیلومتر بر اثر حرکات بعد از تریاس میانی و پس از الحاق فلات ایران و توران به یکدیگر تشکیل شده است. از زمان ژوراسیک میانی به بعد این حوضه توسط دریای وسیع و کم عمق اپی کونتیننتال پوشیده شده و رسوبات ضخیم (حدود ۱۰ کیلومتر) و نسبةً ممتد دریائی تا قاره‌ای با سن ژوراسیک تا ائوسن در آن بر جای گذاشته شده است. حوضه‌ی رسوبی کپه داغ یک حوضه‌ی نسبةً آرام بوده و هیچ گونه فعالیت ولکانیکی در این حوضه رخ نداده است. رسوبات این ناحیه از اواخر میوسن تحت تأثیر فرایندهای کوهزائی اواخر آلپ قرار گرفت که نتیجه‌ی آن به صورت چین خوردگی‌هایی در منطقه ظاهر شده است. روند کلی چین خوردگی‌های و امتداد طبقات در حوضه‌ی کپه داغ شمال غرب ـ جنوب شرق بوده و جهت عمومی شیب لایه‌ها به طرف شمال شرق است. روند کلی گسل‌های اصلی نیز شمال غربی ـ جنوب شرقی است. احتمالاً بعضی از این گسل‌ها در نفوذ و هدایت آب‌های زیر زمینی نقش مؤثری داشته‌اند.

بارندگی: گزارش ست کوپ از مرکز سرخش و آمارهای برداشت شده در طی یک دوره‌ی ۲۹ ساله در ایستگاه بزنگان حاکی است که میزان بارندگی در شرق حوضچه‌ی کپه داغ در فصول سال متغییّر بوده و حداکثر آن در ماه‌های بهمن تا اواخر فرودین (میانگین ۴۷ میلیمتر) و حداقل بارندگی مربوط به ماه‌های خرداد تا اوایل مهر ماه (میانگین ۴ میلیمتر) است. متوسط سالیانه بارندگی در طی یک دوره‌ی آماری ۲۹ ساله در ایستگاه بزنگان ۲۲۰ میلیمتر اندازه‌گیری شده است.

پوشش گیاهی اطراف دریاچه: در سواحل دریاچه‌ی بزنگان گونه‌های گیاهی متنوعی

تشخیص داده شده است. مهم‌ترین این گونه‌ها عبارتند از: مرغ ونی از تیره‌ی گندمیان، گوشاب از تیره‌ی بارهنگ آبی، بارهنگ آبی از تیره‌ی بارهنگ و یارسلام از تیره‌ی جگن، بید علفی از تیره‌ی گل مغربی، گز از تیره‌ی گز، افوربی ترکمنیکا از تیره‌ی فرفیون و سالاویا ماکروسیفون از تیره‌ی نعناع.

شواهد زمین‌شناسی و مشاهدات تجربی حاکی از این است که بخش عمده‌ای از آب دریاچه توسط چشمه‌های فعال واقع در کف دریاچه تأمین می‌شود. وجود آنومالی اکسیژن در بعضی از نقاط کف دریاچه حاکی از خروج آب از طریق سنگ کف دریاچه است.

خواص فیزیکوشیمیائی آب دریاچه: کیفیت آب عمدتاً به مقدار شیمیائی محلول و اجزای بیولوژیکی موجود در آب بستگی دارد. آب دریاچه‌ی بزنگان سبز رنگ، قلیائی و لب شور تشخیص داده شده است. سبزی رنگ آب دریاچه را می‌توان به حضور فوق العاده زیاد فیتوپلانکتون‌ها که گروه وسیعی از جلبک‌های آبزی را تشکیل م یدهند نسبت داد. فیتوپلانکتون‌ها یکی از عوامل اصلی تأمین کننده‌ی غذای زئوپلانکتون‌ها و ماهیان محسوب می‌شوند. فراوانی وجود فیتوپلانکتون‌ها در دریاچه‌ی بزنگان موجب فراوانی انوع ماهی‌ها به ویژه ماهی‌های نوع کپور شده است. دریاچه‌ی بزنگان یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های ایران و بزرگ‌ترین دریاچه‌ی طبیعی استان خراسان، در محل توپوگرافی پست ناشی از تفاوت لیتولوژی بین سازند ماسه سنگی و شیل کم مقاوم پسته لیق و ارتفاعات صخره ساز آهکی سازند کلات تشکیل شده است و هیچ نشانی از منشأ تکتونیک آن وجود ندارد.

آب این دریاچه عمدتاً از منابع جنوبی یعنی ارتفاعات صخره ساز سازند مزدوران که شیب آن به طرف دریاچه است، تأمین می‌شود. آب دریافتی پس از عبور از خلال سیستم‌های کارستی و درز و شکاف‌های متعدد سنگ‌های کربناته‌ی سازند مزدوران، در امتداد شکستگی‌های اصلی و آبرفت‌های منطقه‌ی عبور کرده و سرانجام راهش را به طرف بستر نهایی کل بی بی باز نموده و از طریق چشمه‌های کارتی و درز و شکاف‌های متعدد سنگ‌های کربناته‌ی سازند مزدوران، در امتداد شکستگی‌های اصلی و آبرفت‌های منطقه عبور کرده و سرانجام راهش را به طرف بستر نهائی کل بی بی باز نموده و از طریق چشمه‌های سطحی و یا توسط چشمه‌های فعال (شبه آرتزین) واقع در کف دریاچه به آن وارد می‌شود. وجود آنومالی اکسیژن در بعضی از نقاط کف دریاچه حاکی از خروج آب از طریق سنگ کف دریاچه است. بخشی از نزولات جوی پس از نفوذ به داخل ارتفاعات کلات که دارای درزها و شکاف‌های فراوانی است در امتداد سطوح تراوشی متعدد واقع در پای دامنه سازند کلات به دریاچه وارد می‌شود. بخش ناچیزی از آب دریاچه نیز از طریق بارش‌های مستقیم و یا سیلاب‌ها تأمین می‌شود. دریاچه عمدتاً بر روی رسوبات کربناته سازند کلات قرار گرفته است. وجود مارن فراوان در کف دریاچه حاکی از ادامه‌ی لایه‌های مارنی سازند کلات و نیز رسوبات مارنی و شیلی پسته لیق است که موجب ناتراوایی رسوبات کف دریاچه می‌شوند.

آب دریاچه سبز رنگ، قلیائی و لب شور تشخیص داده شده است. سبزی رنگ آب دریاچه احتمالاً به علت وجود فیتوپلانکتون‌ها است. فراوانی

فیتوپلانکتون‌ها که از عوامل اصلی تأمین کننده‌ی غذا می‌باشند موجب فراوانی ماهی‌ها در این دریاچه شده است. فصل نامه تحقیقات جغرافیائی ـ دکتر محمد حسین آبادی

دریاچه‌های تار و ممج : آب‌های این دریاچه‌ها از رودخانه هایی تامین می‌شود که از سمت شمال جریان می‌یابند. در فصل زمستان، آب دریاچه‌ها یخ می‌بندد و یخبندان آنها در برخی از سال‌ها تا اردیبهشت ادامه می‌یابد. چشم انداز سواحل و اطراف دریاچه بسیار زیبا است. دریاچه‌های تار و ممج روی محور چین دار میان دو رشته کوه قره داغ (با ارتفاع ۴۰۸۰ متر) در شمال وکوه زرین (با ارتفاع ۳۸۳۵ متر) در جنوب واقع شده است. دره هایی از هر یک از این دریاچه‌ها منشعب می‌شود. این دره‌ها در شرق به سوی فیروزکوه و دره والی چای و در غرب به سوی شهر دماوند کشیده می‌شوند. دریاچه‌ها چشم اندازی دل فریب دارند و برای تفریحات آبی از جمله شنا و قایقرانی مناسب اند.کوه نوردی در دو قله جنوبی و شمالی مسلط بر دریاچه‌ها امکان یک گردش چهار - پنج ساعته را میسر می‌کند. از فراز این قله‌ها می‌توان چشم اندازهایی جذاب و با صفا را در طبیعت استان تهران مشاهده نمود.

دریاچه سد لار : این منطقه به دلیل نزدیکی به قله دماوند هوای خنک و چشم اندازهایی زیبا دارد و ورزش‌های آبی مانند شنا و اسکی روی آب در این دریاچه امکان‌پذیر است. دریاچه سد لار در ۸۴کیلومتری تهران واقع شده است و مشتاقان بسیاری همه ساله از آن بازدید می‌کنند.

دریاچه سدامیرکبیر : این دریاچه در مسیر رودخانه کرج تشکیل شده است و وسعت آن ۴۰۰۰ هکتار و در کیلومتر ۲۳ جاده کرج - چالوس در تنگه واریان است و اهمیت بسیاری در جلب سیاحان و گذران اوقات فراغت دارد. هوای پیرامون این دریاچه در تابستان‌ها خنک و مطبوع است و انبوهی مسافر، برای گردش و بهره گیری از چشم اندازهای زیبای آن به این منطقه می‌روند. در این دریاچه فعالیت‌های ورزشی و تفریحی مانند ماهیگیری، قایقرانی، اسکی روی آب، شنا و پرواز با کایت انجام می‌شود. این گردشگاه به سبب نزدیکی به تهران، مسافران و گردشگران بسیار زیادی را به سوی خود جلب می‌کند.

دریاچه لتیان : این دریاچه در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی تهران است و دارای ۳۳۰ هکتار وسعت است. این دریاچه علاوه بر زیبایی‌های طبیعی خود محل پرورش انواع ماهی‌ها نیز هست. کرانه‌ها و پیرامون این دریاچه گردشگاهی گسترده است که مردم از آن بهره می‌گیرند. از دیگر دریاچه‌های استان می‌توان از دریاچه آهنگ در کناره جاده فیروزکوه به سیمین دشت به وسعت نیم هکتار و دریاچه زیار در کناره جاده هراز به وسعت ۲/۵ هکتار نام برد.

سواحل رودخانه‌ها : بیشتر رودخانه‌های استان از کوههای البرز سرچشمه می‌گیرند و آب آنها حاصل باران وبرفی است که در این مناطق انباشته می‌شود. کناره‌ها و سواحل این رودخانه‌ها جایی مطلوب برای گذران اوقات فراغت مردم منطقه است و تقریباً در همه سال به نسبت موقعیت اقلیمی و جغرافیایی از آنها استفاده می‌شود. مهمترین این رودخانه‌ها عبارتند از: رودخانه کرج، رودخانه جاجرود، حبله رود، رود لار، رود شور یا ابهر رود، طالقان رود.

چشمه گله گیله (گیله گیله) : چشمه گیله گیله،

در مرتفع‌ترین نقطه روستای شهرستانک در مسیر جاده کرج - چالوس قرار دارد و فاصله‌اش تا تهران در حدود ۱۰۰ کیلومتر است. شهرستانک در فاصله ۱۲ کیلومتری جاده اصلی کرج واقع شده است و با دو ساعت پیاده‌روی از طریق آن، می‌توان به "قصر ناصری" که یادگار عهد ناصرالدین شاه است، رسید.

در فاصله کمی از این بنای ییلاقی، چشمه گله گیله قرار دارد که یکی از پر آب‌ترین چشمه‌های منطقه است و از ارزش تفریحی و سیاحتی بسیار مناسب برخوردار است.

پارک جنگلی لویزان : پارک لویزان با وسعتی معادل ۱۱۰۰ هکتارکه عموماً دارای کاربرد تفریحی و گردشگری است،از شمال به قوچک ،از جنوب به شمس آباد ،از غرب به ده لویزان واز شرق به پادگان خاتم‌الانبیاء محدود می‌شود. پارک لویزان از گردشگاههای بزرگ استان تهران، به ویژه شهر تهران است و افراد زیادی در ایام تعطیلات از آن استفاده می‌کنند.

پارک جنگلی چیتگر : پارک جنگلی چیتگر از بزرگترین پارک‌های جنگلی استان است. این پارک با ۱۴۵۰ هکتار زمین پردرخت، وجود یک پیست ویژه دوچرخه سواری، از شمال به زمین‌های چیتگر، از جنوب به اتوبان کرج، از غرب به پیکان شهر و از شرق به منطقه خرگوش دره محدود می‌شود. این بوستان فضایی بسیار مطلوب برای گذران اوقات فراغت و استراحت آخر هفته مردم دارد که در بیشتر فصل‌های سال هم از آن استفاده می‌شود.

پارک جنگلی وردآورد : این پارک با ۱۰۲۰ هکتار وسعت، دومین پارک جنگلی استان تهران است که در محدوده کوههای وردآورد در حدفاصل اتوبان کرج و پادگان سپاه قرار دارد. در سطح استان چند پارک جنگلی دیگر نیز وجود دارد که بیشتر آنها کاربرد گردشی دارند. از جمله این پارک‌ها پارک سوهانک با ۲۰۰ هکتار مساحت، پارک غزال با ۹۷۵ هکتار در شمال شرقی تهران، پارک سرخه حصار با ۸۵۰ هکتار در شرق، پارک توسکا با ۳۰۰ هکتار در جنوب شرقی و پارک خجیر با ۱۲۰ هکتار در شمال شرق تهران واقعند. جنگلهای طبیعی دامنه جنوبی رشته کوه البرز در فصل‌های مساعد سال، از گونه‌های متفاوت گل نسترن و شقایق‌های وحشی پوشیده می‌شود و چشم اندازی بسیار بدیع و زیبا می‌آفرینند و محیطی سالم را برای گردشگری مردمی خسته از شهر دودآلود تهران فراهم می‌سازد.

مراکز تفریحی : مراکز تفریحی که مورد استفاده ساکنین شهر تهران و شهرکها و شهرهای مجاور آن قرار می‌گیرند عبارتند از: مسیرهای کوهنوردی شمال تهران، اسکی در آبعلی، دیزین و گاجره، شکارگاه قصر فیروزه (محدوده حفاظت شده)، تله کابین توچال، ورزشگاههای آزادی (در غرب تهران)، ورزشگاه شهید شیرودی و پارک‌های کوچک و بزرگی که در گوشه وکنار شهر پراکنده شده‌اند.

مسیر دماوند : مناسب‌ترین راه رسیدن به قله دماوند از طریق روستای پلور در جاده هراز است. بلندترین قله رشته کوههای البرز دماوند است که ۲۶ یال دارد که چهار مسیر آن به عنوان راههای اصلی شناخته شده است. مسیرهای پر رفت و آمد دماوند عبارتنداز: ۱ـ مسیر جنوبی از جاده هراز - پلور - ده رینه ۲ـ مسیر غربی از جاده هراز - پلور - جاده سد لار - دشت ورارو ۳ـ مسیر شمالی از

جاده هراز - آب گرم لاریجان - دهنان دل - منطقه چمن -گوسفندسرا ۴ـ مسیر شمال شرقی از جاده هراز - پلور - آب گرم لاریجان - ده گزنک ۵ـ قله دماوند در ۷۵کیلومتری شمال شرق تهران است و ۵۶۳۶ متر از سطح دریای مازندران و ۵۶۷۱ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارد. در فصل بهار دامنه‌های دماوند در ارتفاعات یکسره، از گل‌های شقایق پوشیده می‌شود.

از جاذبه‌های دامنه و کوهپایه آن، غار اسک (در ۳ کیلومتری پلور ،خارج از جاده و در مسیر صعود به قله دماوند) و غار گل زرد (۱ کیلومتر مانده به پلور، در مسیر قله) است. ناحیه لاریجان از دیدنی‌ترین نقاط این منطقه است، که دارای فضای روستایی جذاب و چشمه‌ها و حمام‌های آب گرم معدنی می‌باشد. از دیگر مناطق دیدنی دماوند، دشت " ورارو " است که با هشت متر برف در فصل زمستان رکورد دار است و در تابستان جایی بسیار مناسب برای گذران اوقات فراغت است. محدوده دشت لار از توانایی‌های ارزشمند طبیعت است که نه تنها برای کوهنوردان، که برای شیفتگان طبیعت نیز دارای جذابیت است.

تفرجگاههای زمستانی: دامنه جنوبی البرز که به کوهستان توچال شهرت دارد، وعده گاه اصلی کوهنوردان و ورزشکاران تهران است. پناهگاهها و جان پناههای توچال از شرق به غرب عبارت است از: ۱ـکلک چال، ۲ـشروین، ۳ـشیر پلا، ۴ـ اسپید کمر و ۵ـ پلنگ چال که همگی آنها مشرف به تهران‌اند. علاوه بر تله سی‌یژ کوچکی که منطقه دربند دارد، تله کابین توچال دارای بالابر صندوقی است و پیست توچال نیز مکان قابل اسکی روی برف این منطقه است. بلندیهای شمال شهر تهران که در فصل زمستان زیر پوشش برف قرار می‌گیرند، جای مناسبی برای ورزش زمستانی اسکی هستند. برف‌گیری این مناطق به حدی است که می‌توان تا پایان فروردین ماه در آن اسکی کرد. درگوشه هایی از این منطقه، پیست‌های خصوصی نیز دایر است که امکاناتی مانند: تله کابین ،تله سی یژ،و تله اسکی بشقابی دارند. **پیست دربند** در ۵۶کیلومتری شمال شرقی تهران و پیست خور در جاده کرج ـ چالوس که ارتفاع آن از سطح دریا ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ متر است. **پیست شمشک** در ۵۸ کیلومتری شمال شرق تهران قرار دارد و ۳۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. طول این پیست ۳۰۰۰ متر و زمان مناسب برای اسکی در آن اوایل دی تا پایان اردیبهشت ماه است. **پیست توچال** که در ایستگاه هفت تله کابین توچال، در ارتفاع ۳۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. **پیست آبعلی**، در جاده هراز به فاصله ۵۰ کیلومتری تهران قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۸۰۰ متر است. امکانات آموزشی این پیست، آن را به مناسبترین مکان برای یادگیری اسکی تبدیل کرده است.

این پیست هم چنین دارای یک لژ خانوادگی به نام محمدی و شامل دستگاهی است که می‌تواند ۱۵-۱۴ نفر را به قله ببرد. این دستگاه در ابتدای پیست قرار دارد. پیست آبعلی دارای امکاناتی مانند زمین تنیس، سوارکاری، پرش با کایت، هتل و سه رستوران و تیم پزشکی است. زمان مناسب برای اسکی در این ناحیه اوایل دی تا اواخر اسفند است.

پیست دیزین، در جاده چالوس در ۶۰کیلومتری تهران قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۳۸۰۰ متراست. از امکانات آموزشی و زمین‌های تنیس، والیبال، زمین بازی کودکان، بلندیهایی برای کوهنوردی و راهپیمایی و اسب سواری دارد.

همچنین دارای مسیرهایی برای دوچرخه سواری و شش رستوران است. این پیست زیر نظر سازمان ایرانگردی و جهانگردی اداره می‌شود. پیست دیزین دارای پیست اسکی روی چمن نیز می‌باشد که طول آن ۶۵۰ متر است. از دیگر مناطق دیدنی استان دره‌ها می‌باشند.

آب انبارهای استان تهران

آب انبار علی آباد: این آب انبار در روستای علی آباد باغ خاص از توابع شهرستان ورامین واقع شده است. ورودی آب انبار در سمت شرق با تاق هلالی واقع و مصالح آب انبار از آجر و گل رس است. آب انبار علی آباد تا اواخر دوره‌ی قاجار فعال بوده ولی امروزه به دلیل بی توجهی به ویرانه‌ای تبدیل شده است.

یخچال علی آباد: در روستای علی آباد ورامین مجموعه‌ای از تأسیسات تاریخی و فرهنگی وجود دارد که یخچال علی آباد یکی از این آثار تاریخی به شمار می‌رود. علاوه بر بنای یخچال، این مجموعه شامل آب انبار و دیواری برای انبار آب در پشت آن، یخ بستن و سپس انتقال یخ به درون یخچال است.

یخچال حکیم آباد: این یخچال در حاشیه‌ی جنوب شرقی روستای متروکه‌ی قشلاق آباد واقع و در نوع خود یکی از شاخص‌های معماری منطقه فشاپویه به شمار می‌رود. بنای اصلی آن مربوط به دوره‌ی قاجار بوده و یکی از سالم‌ترین یخچال‌های منطقه به حساب می‌آید. بخش زیرین با آجرکار شده و پس از پایه‌ها، دیوارهای یخچال به صورت پلان مخروطی تبدیل شده و در نهایت به روزنی ختم می‌شود. گنبد یخچال به شکل مطبق طراحی و اجرا شده است.

یخچال کلین: این یخچال به فاصله‌ی اندکی از بقعه‌ی شیخ کلینی قرار دارد. این یخچال مانند دیگر یخچال‌های موجود در استان تهران دارای گودال یخ، گنبد، ورودی، محل تهیه‌ی یخ و ... است. از نظر مواد و مصالح این یخچال دارای دو نوع معماری است به طوری که بخش زیرین آن که همواره با آب و یخ در ارتباط بوده با مصالح سنگی و قسمت فوقانی آن با خشت‌هایی در ابعاد ۴×۲۴×۲۴ کار شده است. گنبد یخچال به صورت مطبق و سطح بیرونی آن با کاهگل اندود شده است.

آب‌انبار قدیمی آراد فشاپویه: به دلیل موقعیت قرارگیری روستای آراد در مناطق کم باران، ساکنان سالهای دور اقدام به ساخت آب انبار جهت ذخیره‌ی نزولات جوی نموده‌اند. این آب انبار با در نظرگرفتن ساختار و فرم معماری که در آن رعایت شده قابل توجه و تعمق است. از عناصر معماری این آب انبار می‌توان به گنبد، نورگیرهای موجود و بادگیر اشاره کرد. بادگیرها را جهت خنک نگهداشتن آب داخل آب انبار ساخته‌اند که نقش به سزائی در خنکی آب و تهویه‌ی هوای داخل آب انبار را به خود اختصاص داده است. وجود آجر چینی در وردی و بخش بیرونی گنبد و مخزن آب انبار از موارد دیدنی این آب انبار است.

آب انبار سید اسماعیل: بنای آب انبار در محدوده‌ی بازار تهران، محله‌ی سید اسماعیل واقع شده و مربوط به دوره‌ی قاجار است. این بنا در زمان آبادانی بیش از ۱۰۰۰ متر مربع مساحت داشته که امروزه به جز مخزن بقیه بخش‌های آن از بین رفته‌اند. حجم کل مخزن ۱۱۶۸۵ متر مکعب و ظرفیت آبگیر آن ۷۵۰۰ متر مکعب است. راه

پله‌ی بنا با ۴۳ پله از کوچه‌ی سید اسماعیل همراه با پاگردهای متعدد به محوطه‌ی پاشیر می‌رسد. پاشیر به ابعاد ۱۲ متر مربع، در گذشته دارای سرشیر بزرگ بوده است. بر روی آب انبار کاروانسرا، بار انداز و هم چنین بادگیرها و روزنه‌های مربوط به مخزن قرار داشته است.

یخچال‌های رباط کریم: هر دو یخچال تاریخی، فرهنگی با مصالح خشت و چینه و اندود کاهگل در ضلع غربی بافت تاریخی شهر رباط کریم با پلان مدور در دل زمین قرار گرفته است.

یخچال نجم آباد: در یک کیلومتری روستای نجم آباد در میان زمین‌های کشاورزی روستا آثاری از یک یخچال قدیمی وجود دارد. آن چه از یخچال باقی مانده بخشی از سقف آن است که خشتی بوده ولی پایه‌ها و قسمت‌هائی که یخ و آب در آن ریخته می‌شده آجری است.

آب انبار حصار گلی: در شرق جاده‌ی پیشوا به مبارکیه در دو کیلومتری شرق جاده‌ی اصلی روستائی به نام حصار گلی قرار دارد. آب انبار حصار گلی ۲۷ کیلومتر با ورامین فاصله داشته و تا اواخر دوره‌ی قاجاریه مورد بهره برداری قرار می‌گرفته است. مصالح بنا از آجر و ملات گچ بوده و راه دسترسی به مخزن آب از یک ردیف پلکان آجری است.

آب انبار معیر: این آب‌انبار در کنار مسجد، باغ معیرالممالک در ضلع شرقی میدان وحدت اسلامی تهران قرار دارد. در حال حاضر به دلیل کم توجهی بخش عمده‌ی این آب انبار تخریب و فضاهای داخلی آب انبار برای مصارف تجاری بهره برداری می‌شوند. زمان ساخت آب انبار معیر مربوط به دوره‌ی قاجار بوده و نام بنا برگرفته از نام بانی آن می‌باشد.

یخچال حصار کوچک: در ابتدای ورودی روستای حصارکوچک در جنوب جاده‌ی آسفالته و در جنوب شرقی شهرستان ورامین واقع شده، این یخچال به طورکامل سالم مانده است. ورودی یخچال در ضلع شمالی بنا قرار گرفته و دارای تاق هلالی شکل است.

این بنا از نظر فرم و عملکرد با دیگر یخچال‌های موجود در روستاهای هم جوار قابل مقایسه است. از آن جا که بخشی از دیوار یخچال با مصالح خشت و گل شکل گرفته ولی در دوره‌های بعد از آجر نیز برای تعمیرات بهره گرفته‌اند.

سایر آب انبارها: از دیگر آب انبارهای تهران می‌توان به آب انبار سنگلج، آب انبار قصر بهرام، آب انبار سید عبدالله دزفولی، آب انبار امامزاده یحیی، آب انبار بازارچه‌ی نو، آب انبار صاحب دیوان، آب انبار حاج علی، آب انبار رضاقلی‌خان، آب انبار حاج محمد کریم و ... اشاره نمود.

پارک‌های تهران

پارک ارم: مجموعه‌ی پارک ارم با ۷۰ هکتار وسعت در ۵ کیلومتری شهرک غرب شهر تهران و کنار بزرگراه تهران ـ کرج واقع و دارای مرکز تفریحی برای کودکان است.

دریاچه‌ی این پارک با ۸ هکتار وسعت دارای امکانات قایقرانی، اسکی روی آب و ... است.

پارک نیاوران: پارک نیاوران با وسعت ۶۳۰۰۰ متر مربع تا سال ۱۳۴۸ صاحبقرانیه نام داشت، ولی اکنون یکی از بهترین و مجهزترین پارک‌های تهران به شمار می‌رود. این پارک دارای کتابخانه، کانون زبان، آمفی تئاتر روباز، زمین بازی کودکان و فضای مخصوص ورزش است.

پارک جمشیدیه: مرتفع‌ترین پارک تهران با

فضائی کوهستانی و در عین حال دنج و دلچسب و نیز در مسیر عبور کوهپیمائی ارتفاعات شمالی تهران قرار دارد. پارک جمشیدیه دارای مکان‌هایی نظیر تخت‌های چوبی برای اطراق، جویبار چشمه‌های طبیعی، تراس بزرگ و ... است.

پارک رفتگر: با شکل گرفتن محله‌ی نواب در طرح توسعه‌ی آن نظر بر این است که سراسر حاشیه‌ی بزرگراه چمران از شمال تا جنوب با ایجاد پارک ممتد به فضای سبز تبدیل شود که باغ راه خوانده می‌شود. پارک رفتگر در تقاطع چمران - جلال آل احمد نخستین قدم در این راه است.

پارک ساعی: پارک ۱۲ هکتاری ساعی را مهندس کریم ساعی استاد دانشگاه و مدیر عامل بنگاه جنگل‌ها در سال ۱۳۲۴ بنا نهاد پارک ساعی دارای مجموعه‌ای آموزشی - تفریحی و نمونه‌هایی از جانوران و پرندگان است و میان این مجموعه آبشارها و برکه‌هایی ایجاد شده با باغ‌های ژاپنی و آب نماهای متعدد به وجود آمده است.

پارک بعثت: این پارک ۵۳ هکتاری در محلی ساخته شده که روزگاری گود کوره‌پز خانه و آجرپز خانه تهران بود. محوطه‌ای که به صورت جزیره در وسط دریاچه‌ای برای بازی کودکان در نظر گرفته شده، دریاچه‌ای برای قایقرانی، قطاری تفریحی که از نقاط دیدنی پارک عبور می‌نماید. استخر، محل نگهداری ماهی‌ها، پرندگان، آبشار، از شاخصه‌های این پارک است.

پارک ساحلی دارآباد: تنها پارک تهران که در ساحل رودخانه احداث شد، در طراحی محیط ۱۰۰۰۰۰ متر مربعی آن از پارک ساحلی زاینده رود در اصفهان الهام گرفته شده این پارک دارای زمین بازی کودکان و چندین میز پینگ پنگ است.

پارک بهجت آباد: در زمینی یک هکتاری که قبلاً محل خانه‌های افراد ضعیف جامعه بود احداث شده است. یکی از مشخصات اصلی این پارک وجود مجسمه ابوعلی سینا است. این پارک در خیابان کریم‌خان‌زند نبش خیابان حافظ قرار دارد.

پارک شفق: پارک شفق یکی از پارک‌های زیبای تهران به شمار می‌رود که از ابتدا بر پایه‌ی طرح مشخص و نقشه‌ی دقیق ساخته شده است. بانی آن دکتر رضازاده شفق الگوی بعضی پارک‌های فرانسه را در نظر داشت. وی در سال ۱۳۴۳ اقدام به ساخت آن نمود.

پارک ملّی کویر: منطقه‌ی حفاظت شده پارک ملی کویر با مساحت یک میلیون هکتار در حوزه‌ی ورامین قرار گرفته این پارک با گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری و تپه ماهورها زیبائی خاص دارد. در این پارک مجموعه‌ای ارزشمند تاریخی - فرهنگی شامل: قصر بهرام، کاروانسرای عین الرشید و حرم سرای شاه عباسی و کانال سنگی انتقال آب است.

پارک طالقانی: پارک عباس‌آباد یا طالقانی روی تپه‌های عباس‌آباد که پارک جنگلی است، احداث شده است. این پارک علاوه بر موقعیت زیبا، محل مناسبی برای پیاده‌روی است. وسعت پارک طالقانی در حدود ۳۰۰ هزار متر است.

پارک بهاران: پارک بهاران علاوه بر فضای سبز، دارای مجموعه‌ی ورزشی، سینما تئاتر، کتابخانه، فرهنگسرا و سایر امکانات فرهنگی و تفریحی است.

این مجموعه شامل استخر، سونای خشک و بخار، جکوزی، سالن بدن سازی و حوضچه و ... است.

پارک شطرنج: این پارک در خیابان آجودانیه

تهران واقع است و دارای وسعت ۳۵۰۰ متر مربع می‌باشد.

علاوه بر صفحه‌های شطرنج در گوشه و کنار پارک و روی زمین، کف دو سالن قلعه مانند (شبیه رخ شطرنج) به شکل زمین‌های شطرنج طراحی شده است.

پارک ملی آن به مساحت ۳۵۱۲۹ هکتار، اثر طبیعی ملی ۳۸۰ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ۲۶۷۱۱۶ هکتار، جمع ۳۰۲۶۲۵ هکتار - سه پارک ملی، سه منطقه‌ی حفاظت شده، در مجموع شش. - **پارک ملی خجیر** به مساحت ۹۹۷۱ هکتار، **پارک ملی سرخه حصار** به مساحت ۹۱۶۱ هکتار که هر دو در سال ۱۳۶۱ تأسیس گشت. **- منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ورجین:** این منطقه کوهستانی با مساحت ۲۶۹۰۷ هکتار واقع در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی در جوار شهر تهران، از سال ۱۳۶۱ تحت حفاظت قرار گرفته است. دامنه ارتفاعی ۱۷۰۰ تا ۳۹۰۰ متر، متوسط دما و بارندگی سالانه ۵ درجه سانتیگراد و ۷۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم‌های مدیترانه‌ای گرم و نیمه مرطوب معتدل نموده‌اند. تنوع زیستی جانوری و گیاهی بسیار زیاد از ویژگی‌های منطقه محسوب می‌شود. ۵۷۷ گونه گیاهی و ۱۶۲ گونه جانوری در ورجین شناسایی شده‌اند. از جمله گونه‌های مهم گیاهی منطقه می‌توان به ارس، بید، زبان گنجشک، تنگرس، گون، آسای دماوندی، آویشن، ریواس، گل ماهور، گاوزبان، کلاه میرحسن دماوندی و انواع گندمیان اشاره نمود. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: قوچ و میش البرز، بز و پازن، پلنگ، گراز، کفتار، کبک، کبک دری، عقاب دشتی و افعی البرزی، افعی دماوندی، ماهی قزل آلای خال قرمز و سیاه ماهی این منطقه نقش گذرگاه ارتباطی جانوران به ویژه قوچ و میش رابین البرز مرکزی و پارک ملی لار ایفا می‌کند. ویژگی‌های زیستگاهی و تنوع زیستی زیاد منطقه، آن را به یک آزمایشگاه طبیعی برای پژوهشگران مبدل ساخته‌اند. چشمه‌های فراوان، رودهای پرآب، هوای ییلاقی، پوشش گیاهی متنوع، چشم اندازهای بدیع و همجواری با شهر تهران، زمینه‌های جلب بیش از ظرفیت گردشگران را به منطقه فراهم نموده‌اند.(۵)

- منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جاجرود به مساحت ۵۵۱۱۸ هکتار که در سال ۱۳۶۱ تأسیس شد. در استان تهران ۲۸۸۷۰ هکتار جنگل و ۱۷۹۵۰۰۰ هکتار مرتع و ۴۰۰/۰۰۰ بیابان وجود دارد.

منطقه‌ی شکار ممنوع گاوده: از شکارگاه‌های شناخته شده‌ی قدیمی است و شرایط بسیار مساعدی برای تجمع حیات وحش و احیاء ارزش‌های از دست رفته دارد. این منطقه به مساحت ۳۸۵۰۰۰ هکتار است و در فیروزکوه قرار دارد.

آبشارها:

آبشار کلارود: آبشار کلاررود در روستائی به همین نام در بخش طالقان قرار دارد. این آبشار در میان دره‌ای پر از درختان سرسبز و شاداب قرار گرفته و در طول سال دارای طراوت خاص است. با توجه به موقعیت قرارگیری آبشار در آبریز آن، حوضچه‌ای بزرگ تشکیل شده و آبنمائی زلال و زیبا را به نمایش گذاشته است.

آبشار شکر آب: آبشار شکر آب در بخش رودبار قصران شهرستان شمیران واقع شده است. برای

رسیدن به آن باید پس از طی گردنه‌ی لشگرک به سمت شهر اوشان ادامه مسیر بدهیم. پس از طی کردن شهر اوشان و روستای آهار به منطقه‌ی شکرآب می‌رسیم. آبشار در بین دره‌ای سرسبز قرار گرفته و ارتفاع کمی دارد.

آبشار ورزان: در جاده چالوس که پا می‌گذاریم پس از طی پیچ‌های متعدد به قسمتی می‌رسیم که با عنوان پل خواب معروف شده است. از داخل پل خواب جاده خاکی جدا می‌شود که پس از ۷ کیلومتر به روستای ورزان می‌رسد. جاده خاکی، پرپیچ و خم ولی مناظر بسیار سرسبز و باصفائی دارد. به فاصله‌ی اندکی از روستا در داخل دره‌ای نسبتاً عمیق آبشاری جریان دارد که در بین اهالی به آبشار ورزان یا روزات شهرت یافت و شهره عام و خاص است.

آبشار خور: در بین دره‌های فراوان جاده چالوس - کرج قبل از روستای خوزنکلاه به سمت راست جاده، تغییر مسیر داده و پس از گذشتن از روستای ارنگه به روستای خور می‌رسیم. در این روستا علاوه بر وجود پیست اسکی زیبا، آبشارهای متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها آبشار خور با آبریز و مناظر زیبای طبیعی به چشم می‌خورد.

آبشار کفترلو: آبشار در بین دره‌های سرسبز ضلع شمالی روستای کندعلیا واقع و در بین اهالی با عناوین کبوترخوان و کفتر خوان نیز ذکر نام می‌شود. برای دستیابی به آن ابتدا می‌باید روستای کندعلیا را به سوی ارتفاعات پشت سرگذاشته و سپس از جاده‌ای خاکی که دره‌ای با رودخانه‌ای کم آب در حاشیه‌ی آن قرار دارد طی طریق نمائیم. پیرامون دره مملو از باغات و مزارع کوچک و بزرگ به همراه تعداد اندکی خانه ییلاقی است. در انتهای راه مالرو در مقابل دیدگان مبهوت تماشاگر آبشاری در نهایت زیبائی و لطافت ظاهر می‌شود که نشان از هنر نمایی خالق دارد. ارتفاع آبشار به نسبت بلند و در آبریز آن حوضچه‌ای تشکیل شده تا جذابیت طبیعت بکر منطقه را دو چندان نماید.

آبشار ناران: در حدود ۷۰۰ متری شمال محله‌ی ناران لواسان کوچک قرار دارد که ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۹۸۶ متر است. آبشار ناران ۱۰ تا ۱۵ متر ارتفاع دارد و در فصل بهار که آب آبشار زیاد است، ریزش آب منظره بسیار زیبا و دلفریبی را پدیدار می‌نماید جریان دائمی آب بر روی صخره‌ی سنگی شیارهای عمیقی را به وجود آورده که در نوع خود زیبا و جذاب است.

آبشار کن: ارتفاعات شمال غربی شهر تهران همواره از تأمین کننده‌های اصلی آب تهران و برخی نقاط مجاور آن بوده است، در این بین منطقه‌ی کن و سولقان به دلیل داشتن دره‌های پر آب و مخازن طبیعی ذخیره آب از نقاط زیبای طبیعی و یکی از تفرج‌گاه‌های شهر تهران به شمار می‌رود. آبشار کن در بین دره‌ی کن از مهم‌ترین آبشارهای زیبای منطقه است.

آبشار دوقلو: در ارتفاع ۲۷۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد جهان قرار دارد که در زیر پناهگاه شیر پلا واقع شده است. با توجه به موقعیت قرارگیری آبشار دو قلو یکی از زیباترین آبشارهای ناحیه‌ی شمیران به شمار می‌رود. این آبشار از ذوب برف‌های ارتفاعات البرز در شمال شهر تهران به وجود آمده است.

آبشار لاریجان: در فاصله‌ی ۷۰ کیلومتری شرق تهران واقع و برای رسیدن به آن ابتدا امامزاده هاشم را طی نموده و در حاشیه‌ی روستای لاریجان به آبشار فوق می‌رسیم. این آبشار یکی از چندین آبشار منطقه‌ی دماوند و فیروزکوه می‌باشد

که در نوع خود جذاب و دیدنی می‌باشد.
آبشار کُر: آبشار در فاصله‌ی ۷۰۰ متری ضلع شمال شرقی روستای کرکبود و در میان دره‌ای عمیق که آب آن از شمال غرب به طرف جنوب شرق جریان دارد قرار گرفته، آب آبشار پس از ریزش بر صخره‌ی سنگی کف دره جاری شده و پیچش و جریان آن جلوه‌ی بسیار زیبائی را فراهم می‌آورد. در طرفین آبشار و در زیر صخره‌های کوه صخره‌هایی به صورت طبیعی ایجاد شده که گفته می‌شود، در قدیم آن‌ها را با احداث تیغه‌هایی به صورت اتاقک‌هایی مجزا درآورده بودند. نقل است که در این فضاها خوشنویسان، کاتبان و نسخه نویسان قرآن کریم در آن جا اسکان یافته و قرآن و منابع دیگر اسلامی و ادبی را می‌نوشتند.
آبشار طالون: دره‌ی سرسبز کن و سولقان در ضلع شمال غربی شهر تهران همواره یکی از نقاط پر تردد و گردش‌پذیر منطقه بوده و هست. این مسیر علاوه بر آن که دارای جذابیت فراوان طبیعی می‌باشد، وجود امامزاده داود (ع) درانتهای دره‌ی کن و سولقان رونق بیش از اندازه‌ای به آن داده است. در کنار جاده‌ی امامزاده داود (ع) و در یک مسیر فرعی آبشار زیبائی با عنوان طالون قرار دارد که علاوه بر آبریز چشم نواز، چشم اندازهای طبیعی فراوانی در طول دره به وجود آورده است.
آبشار آسکان: در ضلع جنوبی روستای آسکان از توابع طالقان دره‌ای وجود دارد که جلوی آن را صخره‌ی سنگی یکپارچه‌ای به صورت دیوار مسدود کرده است. از فراز این صخره آب دره یاد شده به سمت جنوب جریان دارد و آبشار زیبا و جذابی را پدید آورده است.
آبشار بزج: در فاصله‌ی ۶۵۰ متری ضلع غربی روستای بزج از توابع طالقان و بر فراز دره‌ی عظیمی که از شمال به جنوب آبریزان آن می‌باشد قرار دارد.
آبشار مرتفع بزج دارای سه طبقه بوده و به ترتیب قسمت پائین آن حدود ۳۰ متر، قسمت دوم ۵ متر و قسمت سوم ۴ متر ارتفاع می‌باشد.
جریان آب چشمه‌های ضلع شمالی آبشار از فراز صخره‌هایی که آبشار تشکیل داده است منظره بسیار زیبا و جذابی را پدید آورده است.

امامزاده‌ها

محله امامزاده یحیی بقعه حضرت امامزاده یحیی ـ شهر تهران ـ استان تهران: بقعهٔ مقدس امامزاده یحیی و امامزاده محمد دارای صحن وسیع و مسجد و ایوان و رواق و ضریح و حرم آئینه کاری و سرداب و گنبدکاشی مخروطی شکل و سقاخانه و ساختمانهای دیگری می‌باشد. قدیمی‌ترین اثر منقول این بقعه تاریخی که ساختمان‌اصلی بنای آن نیز به دوره مغول نسبت داده می‌شود صندوق چوبین روی مرقد می‌باشد که دارای تاریخ ۸۹۵ هجری قمری است. همچنین لوحه برنجی مرقد در زمره اشیاء نفیس این بقعه به شمار می‌رود.
امامزاده ابوطالب: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رباط‌کریم استان تهران و مرکز آن آدران است.
امامزاده زید (ع) ـ شهر تهران ـ استان تهران: بقعهٔ امامزاده زید که دارای صحن و ایوان و رواق آئینه کاری،گنبدکاشیکاری، و متعلقات دیگری در جنبین بنا می‌باشد مدفن سید زیدبن زین‌العابدین بن حسین‌بن علی علیه‌السلام است. قدیمی‌ترین تاریخ این بقعه بر روی مرقد (شهر رجب ۹۲۰ هجری قمری) و کتیبه دیگری است که به خط

نسخ برجسته در بالای مرقد باقیمانده تاریخ پایان کتیبه آن هم ماه رجب سال ۹۲۰ هجری قمری است.

بنابراین می توان بنای اصلی بقعه را متعلق به دوران صفوی و اوایل قرن دهم هجری قمری دانست.

در داخل بقعه و روی در خاتم که از ایوان به داخل حرم منتهی می‌شود دو تاریخ ۱۲۹۷ و ۱۳۰۹ هجری قمری خوانده می‌شود، این دو تاریخ که در پایان دو کتیبه کاشی نقش شده است معرف تعمیرات بنا در قرن سیزدهم هجری قمری می‌باشد. درمجاورت بقعه اطاق آئینه کاری دیگری است که محل مدفن عده‌ای از معاریف گذشته است.

بقعه امامزاده قاسم (ع) ـ شمیرانات ـ استان تهران: بنای بقعه برج هشت ضلعی آجری است، که دارای صحن و حرم و ایوان و رواق و گنبد کاشی کاری می‌باشد. صندوق چوبی مرقد متعلق به زمان شاه طهماسب اول صفوی است (۹۳۰ ـ ۹۸۴ هجری قمری) ایوان بنا و ضریح چوبین مرقد از ابنیه قرن سیزدهم هجری قمری است.

در اطراف صندوق به خط ثلث برجسته آیاتی از کلام‌اللّه مجید حک شده. در روی دو ضلع شرقی و غربی صندوق کتیبه‌ای به خط نستعلیق خوانده می‌شود.

صندوق دارای تاریخ سال ۹۶۳ هجری قمری است.

بنای اصلی بقعه متعلق به قرن دهم هجری قمری و زمان صفویه است لیکن این بنا و گنبد به کرات تعمیر شده است (سال ۱۲۲۴ هجری قمری) کاشیکاری کنونی روی گنبد از اقدامات اخیر اداره کل باستان‌شناسی است.

آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم: حضرت عبدالعظیم حسنی، از نوادگان امام حسن (ع)، امام دوم شیعیان می‌باشد.

بنای بارگاه حضرت عبدالعظیم در آغاز تنها حرم بود اما به مرور متعلقات دیگری مشتمل بر حرم‌ها، رواق‌ها، مسجدها، ایوان‌ها و صحن‌های متعدد بر آن افزوده شد. احترام و تقدیس ویژه‌ای که مردم برای حضرت قائل بوده‌اند

موجب خاکسپاری بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این مکان شده است.

بازارهای تهران

بازار بزرگ تهران: مجموعه‌ی بازار تاریخی تهران در ضلع جنوبی خیابان ۱۵ خرداد در بافت قدیمی و تاریخی واقع شده و چون گذشته مهم‌ترین مرکز تجاری و بازرگانی تهران به شمار می‌رود. بازار تهران به همراه دیگر بناهای تاریخی محدوده‌ی خود مانند: مسجد جامع، مسجد امام، مسجد سید عزیزالله، امامزاده زید، سقاخانه‌ی نوروز خان، تکیه‌ها و ... از مجموعه‌های مهم تاریخی و فرهنگی شهر تهران محسوب می‌شود. ساخت بنای اولیه‌ی بازار به دوره‌ی شاه تهماسب صفوی و همزمان با ساخت برج و بارو و دروازه‌های شهر تهران در حدود سال‌های ۹۳۰ ـ ۹۴۸ ه.ق مربوط است.

در دوره‌ی ناصرالدین شاه بر تعداد راسته‌ها و رسته‌های بازار افزوده شد و تعدادی سرا و تیمچه معتبر ساخته شد که مانند دیگر مجموعه بازار تهران به صنوف و فعالیت‌های خاص اختصاص داشت. در این دوره بخش‌های اصلی بازار عبارت بودند از: بازار کفاش‌ها، فرش فروشان، عباس‌آباد، امیر، زرگرها، ساعت فروشان، بین‌الحرمین،

چهارسوق بزرگ و کوچک، چهل‌تن و .... علاوه بر این در نقاط دور و نزدیک بازار، بازارچه‌هایی ساخته شد که محلات مختلف شهر را تغذیه می‌کرد. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بازارچه معیر و قوام الدوله که به بازارچه دوقلو مشهورند اشاره کرد. از بازار کربلایی عباسعلی گمرکچی، بازار نایب‌السلطنه و ... فقط نامی باقی مانده است. در حال حاضر بخش‌های قدیمی و جالب توجه بازار تهران عبارتند از: سردر بازار در سمت سبزه میدان، بازار امیر، چهار سوق بزرگ، تیمچه‌های حاجب الدوله، علاءالدوله، قیصریه، مهدیه و هم چنین بخش هائی از بازار که در ارتباط با مسجد امام، مسجد جامع و بناهای تاریخی دیگر قرار دارد، اشاره داشت.

بازار شهر ری: بازار شهر ری در مدخل ورودی اصلی حیاط حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) قرار گرفته و برخی نقاط آن مربوط به دوره‌ی صفویه می‌باشد ولی بسیاری از بناهای بازار فعلی مربوط به دوره‌ی قاجاریه بوده و طی سال‌های اخیر و قبل از آن چندین بار مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. بخشی از بازار دارای گنبدهای متعدد بوده و غرفه‌های آن مملو از اجناس متفاوت از قبیل مهر، تسبیح، جانماز، پارچه، اغذیه، فالوده و ... است.

بازار تجریش: بازار تجریش از ضلع جنوبی پل تجریش شروع می‌شود و تا ابتدای میدان قدس ادامه می‌یابد. این بازار اگر چه از نظر معماری، فرم و ساختار بناها از کیفیت بالایی برخوردار نبوده و همانند بازارهای تاریخی شهرهای کهن از شاخصه‌ها و نمادهای معماری آن چنانی بهره نگرفته ولی در نوع خود از نظر تاریخی، موقعیت قرارگیری و وجود مسجد، امامزاده و ... همواره مورد توجه بوده است. خود میدان تجریش مجموعه‌ای از مراکز اداری، تجاری، مسکونی و ... به علل و عوامل متعدد تقریباً دست نخورده باقی مانده است. در داخل بازار انواع فروشگاه‌های اغذیه، پوشاک و ... با ناهماهنگی خاصی که در عین حال مجموعه‌ای منظم را به وجود آورده‌اند قرار دارد.

بازارچه‌ی مروی: بازارچه‌ی مروی یا خان مروی در یکی از کوچه‌های خیابان ناصر خسرو واقع شده است. بازار مروی به دلیل نزدیکی به مجموعه‌ی اصلی بازار و تردد بسیاری از خریداران و عابران از کنار آن همواره مورد توجه بوده و از رونق خاصی برخوردار است.

این بازارچه از دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار به یادگار مانده و امروزه نیز یکی از مجموعه‌های ارزشمند بافت قدیمی بازار تهران به شمار می‌رود. در بازار خان مروی محصولات زینتی بیش از بقیه‌ی اجناس به فروش می‌رسد و عموماً محلی برای جمع شدن اقوام عرب زبان است.

چهار سوق بزرگ و کوچک: چهار سوق کوچک و بزرگ از معروفترین چهار سوق‌های بازار تهران است. این بازار در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و یکی از مجلل ترین چهار سوق‌ها به شمار می‌رود. در زمان فتحعلی شاه با ساخت چهار سوق مجموعه بازار به طرف شمال غرب و غرب توسعه یافت به طوری که به تدریج حد فاصل بین ارگ و مسجد جامع به بخش پر رونق بازار تبدیل شد و معروف‌ترین و معتبرترین سراها و تیمچه‌ها در این محدوده فعال شدند. چهار سوق بزرگ در بازاری به همین نام قرار گرفته و فضائی هشت ضلعی است که با گنبد مدور به نسبت کوتاهی پوشیده شده و سطح داخلی آن

دارای گچ کاری است. این بنا در سال ۱۲۲۲ ه.ق ساخته شده است.

تیمچه حاجب الدوله: تیمچه در بازار بزرگ تهران و جنب مسجد امام قرار دارد و یکی از مجموعه بناهای ارزشمند تاریخی بافت قدیمی بازار به شمار می‌رود. تیمچه در دوره‌ی ناصر الدین شاه قاجار ساخته شد و از ارزش‌های معماری ویژه‌ای برخوردار است. بانی تیمچه حاج علی خان حاجب الدوله بوده و در دوره‌ی اخیر در فضای داخلی این بنا، مجموعه‌ی تجاری جدیدی ساخته‌اند که اصالت و صورت قدیمی بنا را دگرگون کرده است.

سبزه میدان: بنای اولیه سبزه میدان که در سمت شمالی مجموعه بازار بزرگ تهران و در حاشیه‌ی جنوبی خیابان ۱۵ خرداد قرار دارد، مربوط به اوایل دوره‌ی صفویه است. اما در دوره‌ی قاجاریه و سال ۱۲۶۸ ه.ق به دستور امیر کبیر، حاج علی خان مقدم مراغه‌ای (حاجب الدوله) تعمیرات بسیار عمده‌ای در وضعیت ظاهری و ساختاری سبزه میدان داد. این میدان در دوره‌های مختلف یکی از مراکز مهم مذهبی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی تهران و حتی می‌توان گفت، ایران بوده و بسیاری از اجتماعات و مراسم مذهبی و سیاسی در آن اجرا شده است. در ضلع جنوبی سبزه میدان سردر زیبائی وجود دارد که به راسته‌های مختلف بازار راه می‌یابد. این سردر از دهانه‌های اطراف که به مغازه‌ها اختصاص دارد، وسیع‌تر و پرکارتر است.

سرای امیر: بازار و سرای امیر از بخش‌های جالب توجه مجموعه‌ی بازار است. که در حدود سال‌های ۱۲۶۷ـ۱۲۶۸ ه.ق از اموال میرزا تقی خان امیر کبیر، توسط شیخ عبدالحسین (شیخ العراقین) به همراه مسجد و مدرسه‌ای معروف به شیخ عبدالحسین ساخته شده و عواید آن وقف مسجد و مدرسه شده است ـ سازمان میراث فرهنگی استان تهران.

برج‌ها:

برج علاءالدین ـ شهر ورامین ـ استان تهران: برج آجری علاءالدین که در عداد مقابر تاریخی می‌باشد، دارای بدنه مدوری به ارتفاع ۱۲ متر است، ساختمان این برج شامل سی‌ترک آجری بدون پشت بند است، بلندی گنبد دو پوشه مخروطی شکل آجری آن ۵ متر می‌باشد. در حدفاصل بدنه برج و گنبد یک رشته قطار زیبایی که مزین به کاشی فیروزه‌ای و کتیبه تاریخی است قرار گرفته، سردر آن در بدنه غربی برج ساخته شده است و دارای یزده‌بندهایی می‌باشد. سردر دیگری در سمت شرقی آن دیده می‌شود. نکته مهم هنری این بنا تزیین خارجی برج است، که با کاشیهای فیروزه‌ای و شمسه‌های آجری (اختلاط رنگ فیروزه و لاجورد و آجری) زینت خاصی به این برج داده است، تاریخ ساختمان مقبره علاءالدین در حدود نیمه دوم قرن هفتم (۶۸۰ هجری قمری) است.

برج طغرل: برج طغرل از مهم‌ترین برج‌های مقبره‌های استان تهران بوده و مغز دیواره‌های آن از خشت و نمای بیرونی آن از آجر است و پلانی خورشیدی دارد. برج بر روی سکویی مدور ساخته شده و قطر آن ۲۱/۲۰ متر و ارتفاع آن ۲۰/۵۰ متر است. این بنا همراه با تزئینات آجری در پیشانی آن نشان از همزمانی بنا با دوره‌ی سلجوقی دارد. نشانی: شهر ری ـ محله‌ی ابن بابویه

برج شبلی: بر فراز تپه‌ای مشرف به شهر دماوند بنایی از قرن پنجم هجری به جای مانده که به برج شیخ شبلی معروف است.
گنبد برج از نظر ساختار دارای هشت ترک که با یک شکستگی تند به طرف پائین متمایل می‌شود، نشان از بناهای قرون پنجم هجری دارد.
برج علاءالدوله: برج آرامگاه علاءالدوله به صورت یک بنای منفرد در شمال مسجد جامع ورامین قرار دارد. از نظر تاریخی بنای برج متعلق به دوره‌ی ایلخانی و مقارن با سال‌های آخر سلطنت ارغون خان مغول می‌باشد.
برج آرامگاهی کردان: برج آرامگاهی کردان با مصالح آجر و ملات در روستای کردان حدود ۲۲ کیلومتری کرج واقع است و یکی از بناهای ارزشمند منطقه به شمار می‌رود. بنای برج کردان دارای پلانی مدور هرماه با شیار در قسمت بیرونی و پلانی هشت ضلعی در داخل می‌باشد. گنبد بنا از نوع دو پوش بوده و بر اساس شواهد موجود متعلق به قرون ۵ و ۶ هجری است.
برج نقاره خانه: برج کوچکی که نقاره خانه نام دارد بر بالای دامنه‌ی کوهی در نزدیکی شهر ری قرار دارد. مصالح اصلی آن، سنگ، گچ و آجر بوده و براساس شواهد موجود و کتب، سبک و ساختار معماری برج در دوره‌ی سلجوقی ساخته شده و درگذشته تزئیناتی همراه باکاشی های زرین فام در این برج وجود داشته که در حال حاضر اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود.
برج دیده بانی مزداران: در شمال روستای مزداران و در یک کیلومتری زرین دشت قرار دارد. قدمت برج به قرون ۷ و ۸ هجری تعلق داشته و دارای پلانی هشت ضلعی است. بر روی هر یک از اضلاع داخلی برج تاق نمایی تعبیه شده که دارای تزئینات است. مصالح به کار رفته در آن شامل؛ قلوه سنگ، سنگ لاشه، ملات گچ و ساروج و در بعضی نقاط آجر است.
برج اینانج: این برج در دامنه‌ی کوه طبرک و کمی پائین‌تر از برج نقاره خانه واقع شده و شامل محوطه‌ای وسیع و مدور است که قطر دایره آن حدود ۳۶ متر می‌باشد. این محل به حسام الدین سنقر اینانج منصوب است که در سال ۵۴۸ شمسی به دست غلامان خود کشته شده و پیکر او را روز بعد در دامنه‌ی کوه طبرک یعنی محل فعلی برج دفن کردند.
برج سنگی میدانک: برج در کیلومتر ۶۰ جاده چالوس ـ کرج در کنار روستای میدانک قرار دارد. این برج دارای پلانی هشت ضلعی است که در هر ضلع آن تاقنمایی تعبیه شده و در ضلع غربی ایوانی سنگی به برج الحاق شده است. برج میدانک دارای گنبدی دو پوش بوده که پوشش روی آن به مرور زمان فرو ریخته است. بنای فعلی متعلق به قرون ۸ و ۹ هجری می‌باشد.
برج سنگی بادرود: در منتهی الیه شمالی روستای بادرود قرار دارد و قدمت آن به قرون ۷ و ۸ هجری می‌رسد. نمای بیرونی این برج دوازده ضلعی و دارای گنبدی به شکل پیازی است. در ورودی در قسمت شمال بوده و پلان داخلی برج ده ضلعی می‌باشد که در داخل هر ضلع قاب مستطیل شکل با قوس جناغی طراحی و اجرا شده است. سازمان میراث فرهنگی کشور
برج میلاد: برج میلاد از رایج‌ترین فرم برج‌های دنیاست که همه شفت‌های گردی دارند که هسته مرکزی آن ارتباطات را برقرار می‌کند و این پوسته مخروطی شکل که اکثر برجهای دنیا به این شکل هست این نمای ایده اولیه طرح هست. برج میلاد

با ارتفاع ۴۳۵ متر در رده چهارم برج‌های تلویزیونی دنیا از لحاظ ارتفاع قرار خواهد گرفت. پروژه از چهار بخش اصلی به شرح زیر تشکیل شده است.

۱-پی و بدنه اصلی برج Foundation - Shaft: پی برج شامل یک پی گسترده به قطر ۶۶ متر و به ضخامت ۳/۵۰ - ۴/۵۰ متر است. همچنین سازه انتقالی (transition) از روی پی تا تراز صفر پروژه ادامه دارد. در تراز صفر فاصله باله‌های شفت از هم ۲۸ متر بوده در طبقات رأس با حذف باله‌ها به ۱۶ متر (به صورت هشت ضلعی) می‌رسد. کاربری بدنه اصلی برج تأمین کلیه ارتباطات عمودی در پروژه و البته انتقال نیروها است. بدنه برج دارای شفت میانی هشت ضلعی با چهار باله‌ای با زاویه می‌باشد که ۳۱۵ متر شفت بتنی است که قطر بین ۱۶ - ۲۸ متر دارد و در ۲۴۰ متری باله‌ها تمام شده و شفت میانی به شکل هشت ضلعی ادامه می‌یابد.

۲- لابی Lobby: لابی ساختمانی است شامل دو زیرزمین در محدوده سازه انتقالی و همکف و سه طبقه بر روی آن که کاربری تجاری. خدماتی دارد. لابی با اسکلت بتنی طراحی شده و حدود ۲۰۰۰۰۰ متر مربع زیر بنا دارد.

۳- رأس برج: شامل ۱۲ طبقه با کاربردهای خدماتی، فنی، توریستی و ارتباطی است. در حدود ۱۳۰۰۰ متر مربع مساحت دارد. رأس برج امکان بازدید در ترازهای ۲۶۱/۶۵ و ۳۰۲/۵۵ و چهار طبقه میان این دو سطح را به مهمانان مجموعه می‌دهد. ساختمان رأس که یک سازه فلزی و سبدی شکل است دوازده طبقه است. یک رستوران گردان با ظرفیت ۶۰۰ نفر و قطر ۶۰ متر در آن قرار گرفته است. مقطع رأس برج از ۲۴۰ متر شروع می‌شود. در طبقه اول، منطقه دور از آتش است که راههای فرار از بلایا مخصوصاًآتش آن‌ها را سریعتر تخلیه کنیم. هر کسی که بالاست قدرت پایین آمدن از ۲۴۰ پله را ندارد. ایده‌ای که در این طرح بود در پایین‌ترین طبقه اینجا بخشی را داریم که ما به آن می‌گوییم منطقه امن از آتش که در صورت وقوع آتش‌سوزی افراد مسیرهای معینی را طی کرده از پله می‌آیند و در این طبقه جمع می‌شوند. آسانسورهایی با سرعت بالا و سیستم هوشمند ساختمان مردم را تخلیه می‌کنند. طبقه دوم الکترونیک است که هیجانی‌ترین بخش پروژه هست. چون دو تا نیم طبقه دارد که کف تا سقف طبقات ۴/۸۰ متر است و می‌توانید تصور کنید ما یک دیواره شیشه‌ای به ارتفاع ۱۶ متر خواهیم داشت که روبروی هم باز می‌شوند و می‌شود از آن بالا به شهر نگاه کرد. روی آن، یک رستوران گردان داریم و در طبقات دید به شهر، شبکه تلویزیونی، ارتباطی، یک رستوران اختصاصی وجود دارد. یک طبقه دیگر تأسیسات است.

۴- دکل آنتن: بر فراز آخرین طبقه و در روی بدنه اصلی برج، دکل آنتن به ارتفاع ۱۲۰ متر ساخته شده، که از فولاد خاص طراحی شده است. این دکل برای جانمایی گیرنده‌ها و فرستنده‌های تلویزیونی. مخابراتی طراحی شده است و از تراز ۳۱۵ تا ۴۳۵ متر ادامه دارد. از مجله ساخت شهر - دکتر محمدرضا حافظی

مساجد تهران

مسجد جامع تهران: مسجد جامع در مرکز بازار و نزدیک مسجد امام خمینی (ره) قرار دارد. فاصله‌ی بین این مسجد و مسجد امام خمینی (ره)

را بازار بین الحرمین می‌نامند. تاریخ دقیق ساخت مسجد معین نیست ولی از شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که در عهد شاه عباس دوم در سال ۱۰۷۴ ه.ق به اهتمام فردی به نام رضی الدین ساخته شده است.

مسجد سید عزیز الله: داخل بافت قدیمی بازار تهران قرار دارد. صحن و شبستان آن مزین به کاشی‌های معرق و مساحت مسجد حدود ۱۵۰۰ متر مربع و تمام آن موقوفه است. براساس کتیبه‌های موجود بنای اصلی مسجد در زمان فتحعلی شاه قاجار ساخته شده ولی در سال‌های ۱۳۱۰ ه.ق و بعد از آن علاوه بر الحاقات، تزئینات و تعمیراتی در آن صورت گرفته است.

مسجد جامع دماوند: این مسجد با ستون‌های آجری و سنگی به سبک بناهای ساسانی بنا شده است. از آثار قدیمی این مسجد تنها مناره‌ی آن است که مربوط به دوره‌ی مغول می‌باشد. در بالای ستون‌های شبستان مسجد، نام شاه اسماعیل اول صفوی و تاریخ ۹۲۷ هق حک شده است. در مسجد فوق آثاری از دوره‌ی صفویه‌ی باقی مانده بود ولی بر اثر مرمت‌های انجام شده از بین رفته‌اند.

مسجد جامع ورامین: این مسجد در مرکز شهر ورامین قرار دارد و نمونه‌ی کاملی از مساجد چهار ایوانی زمان سلطان محمد الجاتیو به شمار می‌رود. در ابتدای محور طولی بنا، سردر ورودی و پشت آن دو ایوان در محور غربی قرار دارند. پشت ایوان اصلی نیز گنبد خانه قرار دارد. تسلط گنبد با قدرت و تناسب زیبا، بر نمای ساختمان و ارتباط با ایوان جلوی آن از ویژگی‌های این مسجد است سر در به شکل زیبایی با کاشی منقوش به اسلیمی، گره‌ی چینی و رنگ‌های آبی و لاجوردی استادانه کار شده این مسجد دارای دو مناره می‌باشد که روی پایه‌های طرفین استوار شده است.

مسجد قبا: مسجد قبا در شمال شهر تهران و در خیابان شریعتی ابتدای خیابان قبا قرار دارد این مسجد با الهام از معماری ایرانی و اسلامی توانسته در طول حیات خود شاهد وقایع بسیار سیاسی و اجتماعی گردد. مسجد قبا با گنبدی مدور و رفیع، کاشیکاری فیروزه‌ای رنگ که دور تا دور آن را خطوط کوفی و دیگر تزئینات فرا گرفته است، چشم بیننده را به سوی خود جلب می‌نماید. بدنه مسجد به وسیله سنگ پوشیده شده و در شمار معدود بناهائی قرار دارد که از لحاظ ساختار و تزئینات قابل مطالعه و دقت است.

مسجد الجواد: این مسجد در میدان هفت تیر تهران قرار دارد و یکی از اولین مساجد مدرن ایران به شمار می‌رود ساختمان مسجد از دو بخش شبستان و سالن سخنرانی تشکیل شده است. سالن سخنرانی و نمازخانه به صورت مخروطی از اضلاع متقاطع تشکیل شده که از راس به طرف قاعده پهن‌تر می‌شود. بازی هنرمندانه‌ی سازندگان بنا با مصالح سیمان و جا نمایی پنحره‌ها در اضلاع متقاطع مسجد بنا را از نظر بصری برای بیننده قابل توجه نموده است.

مسجد معزالدوله: مسجد معزالدوله تهران با الهام از ساختار مساجد دوره‌ی قاجار در هسته‌ی مرکزی شهر تهران یعنی محله‌ی عودلاجان که یکی از محلات چهارگانه و پررونق دوره‌ی قاجار بوده، قرار دارد. مسجد معزالدوله از لحاظ ساختار معماری همانند مساجد قدیمی و قرون قبل ساخته شده ولی در تزئینات آن معماران و سازندگان تلاش نموده‌اند، جنبه‌های عرفانی و روحانی موضوع را بیش از دیگر مساجد در

معرض تماشای بینندگان قرار دهند. ترکیب خاص مسجد در تزئینات موجود یعنی بهره‌گیری از اجرای آجر کاری و کاشی کاری بـه هـمراه هـنر تلفیقی در جای خود مورد توجه می‌باشد.

مسجد امام‌حسن عسکری (ع) لواسان: ایـن مسجد در مرکز بافت روستا قرار گرفته که حدود ۲۱۸۶ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد جهان است. مسجد دارای سه سفره انداز و دو ردیف ستون سه تایی در جهت شمالی ـ جنوبی به شکل مربع با تاق و تویزه‌هایی با قوس جناغی است که مساجد دوره‌ی ایلخانی را به یاد می‌آورد. مصالح اصلی بنا سنگ لاشه، ملات گچ سنتی و ساروج است. با توجه به طرح بنا و پایه‌ها، تاق و تویزه‌ها و قوس موجود می‌توان قدمت مسجد را به قرون ۵ و ۶ ه.ق نسبت داد، مسجد دارای سه در منبت کاری شده است که طبق نوشته روی یکی از درها به دستور شاه تهماسب صفوی ساخته شده است.

مسجد حضرت رسول: مسجد حضرت رسول (ص) یکی از بناهای قرن حاضر بوده ولی با توجه به هنرنمائی معماران و سازندگا آن یکی از مساجد زیبای شهر تهران به شمار می‌رود. این بنا با دو مناره رفیع و گنبد مـتناسب بـا بـنا هـم چـنین بهره‌گیری از تزئینات کاشیکاری در بخش مناره و گنبد و برخی از سطوح داخلی بنا و هم چنین به کارگیری از هنر مقرنس کاری و شمسه بندی از نکات قابل توجه این مسجد معاصر می‌باشد.

مسجد نمایشگاه بین المللی: با توجه به رونـق شهر سازی و شهر نشینی در نقاط شمالی تهران و نیازمندی شهر به نمایشگاه دائمی، مسئولین وقت تصمیم گرفتند در حاشیه‌ی جنوبی اتوبان شهید چمران نمایشگاه دائمی بین المـللی را احـداث نمایند. با توجه به نیاز نمایشگاه به مسجد و دیگر تأسیسات، در حیاط اصلی آن، مسجدی با سبک و سیاق جدید به عنوان مسجد حضرت ابراهیم (ع) بنا گردید.

این مسجد اگر چه از مساجد جـدید بـه شـمار می‌رود ولی طرح کلی و شاخصه‌های مـعماری مسجد به قرون متأخر بازگشته و مناره آن همانند مساجد قرون اولیه اسلامی احداث شده و در نوع خود بی‌نظیر است.

کاروانسراهای استان تهران

کاروانسرای ینگه امام: در روستای ینگه‌ی امام به فاصله‌ی ۱۰۰ متری جاده‌ی کرج ـ قـزوین قـرار دارد. طرح کلی بنا مستطیل شکل و طول خارجی آن ۹۶ متر و عرض آن ۶۷/۷۰ متر است. از چهار ضلع آن کاروانسرا تنها ضلع شرقی وضعیت اصلی خود را حفظ کرده است در داخل کاروانسرا حیاط وسیعی وجود دارد که با صفه‌هایی در چهار گوشه بنا به هشت ضلعی تبدیل شده و چنان می‌نماید که در بنای آن از طرح مساجد یا مدارس چهار ایوانی پیروی شده باشد.

کاروانسرای رباط کریم: در فاصله‌ی ۶ کیلومتری جاده‌ی ربـاط کـریم بـه سـاوه قـرار داشـته و از کاروانسراهای برون شهری مـحسوب مـی‌شود. پلان بنا به سبک چهار ایوانی و در دو جانب ایوان اتاق‌هایی به شکل مستطیل و به صورت قرینه وجود دارد که تعداد آن‌ها در مـجموع ۲۴ اتـاق می‌رسد. اجزای کاروانسـرا عـبارتند از: سـردر و ایوان ورودی اتاق‌ها، ساختمان مرکزی، برج‌ها و آب انبار و مصالح آن شامل: لاشه سنگ، ملات گچ و آهک است.

کاروانسرای گدوک: در ۱۷ کلومتری منتهی الیه شمال شرقی فیروزکوه در منطقه‌ای مـوسوم بـه

گدوک واقع شده است. از بقایای معماری عصر صفویه می‌باشد. کاروانسرا در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و در صورت مرمت و احیاء می‌تواند مجتمع توریستی و فرهنگی مناسبی برای گردشگران داخلی و خارجی باشد.

کاروانسرای حاج کمال: کاروانسرای فتحعلیشاهی رباط کریم در مسیر جاده تهران ساوه قرار گرفته و به سبک کاروانسراهای دو ایوانی است. ورودی کاروانسرا از ایوان غربی و ایوان شرقی به عنوان شاه نشین کاربرد داشت. این کاروانسرا دارای یک حیاط مرکزی با اتاق‌های ایوان دار است که دور تا دور حیاط احداث شده‌اند. در پشت اتاق‌ها سالن‌های طولانی به عنوان بار انداز تعبیه شده و عمده مصالح به کاررفته در بنا؛ سنگ، آجر، ملات گل و گچ است.

کاروانسرای کنار گرد: یکی از بناهای با ارزش دوره‌ی صفویه به شمار رفته و در طی سال‌های اخیر به انحاء مختلف مورد استفاده گوناگون قرار گرفته و عوامل محیطی و استانی باعث تخریب‌های مکرر آن شده است. از فضاهای اصلی این کاروانسرا می‌توان به: ورودی‌ها، دالان اصطبل، حجره‌ها، حیاط مرکزی و خصوصی، آب انبار، ایوان جمعی و خصوصی، آبریزگاه، ورودی پشت‌بام و ... اشاره داشت. کاروانسرا دارای تزئیناتی در حیاط اصلی، حیاط الحاقی، جناق‌ها، جرزها، حجره‌های ایوان‌ها دیده می‌شود. مصالح اصلی بنا شامل: سنگ، آجر، ملات، کاهگل و ... است.

رباط شاه عباسی امین آباد: در مرکز روستای امین آباد و در ۲۴ کیلومتری غرب شهر فیروزکوه قرار دارد که قدمت آن به دوره‌ی صفویه می‌رسد. این بنای مستطیل شکل دارای سه ردیف گنبد و دیگری دارای هفت گنبد در ردیف میانی و در نهایت ردیف آخر ۴ گنبد دارد. ورودی در سمت شرق بنا بوده و مصالح آن شامل: سنگ لاشه، قلوه سنگ و ملات ساروج است.

کاروانسرای عین الرشید: این کاروانسرا در ۱۵۲ کیلومتری جنوب شرقی تهران، در محدوده‌ی پارک ملی کویر مرکزی قرار گرفته است. پلان کاروانسرا مربع و به صورت چهار ایوانی بوده که پیرامون حیاط و اتاق‌های ساخته شده در چهار گوشه بنا، چهار برج مدور و حد فاصل برج‌ها در جهات شمالی، جنوبی و غربی دارای یک نیم برج است. ورودی اصل بنا در ضلع شرقی و دارای سردری رفیع با تزئینات آجری و کاشی است. مصالح کاروانسرا؛ آجر، سنگ و گچ و نمای داخلی و خارجی آن از آجر و سکوسازی اطراف، از قلوه سنگ‌های آذرین است.

کاروانسرای شاه عباسی: بنای فوق متعلق به دوران صفوی و به سبک بناهای چهار ایوانی است. مساحت کل بنا ۳۰۰۰ متر مربع و مساحت حیاط مرکزی ۹۰۰ متر مربع است، ورودی در قسمت شمالی بنا بوده و دور تا دور حیاط مرکزی با ۲۱ حجره ایوان دار طراحی شده است. در این کاروانسرا پنج بارانداز برای نگهداری کالا و استقرار همراهان و نگهبانان کاروان‌ها در نظر گرفته شده است.

کاروانسرای قصر بهرام: این کاروانسرا در فاصله‌ی سی کیلومتری شمال شرقی کاروانسرای عین الرشید و در ۱۵۴ کیلومتری تهران قرار دارد. بنای کاروانسرا از دوران صفوی به جای مانده و به عباس آباد نیز شهرت دارد. نقشه‌ی این کاروانسرا به صورت چهار ایوانی بوده و اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی و اصطبل‌ها در پشت آن قرار دارد.

حیاط مرکزی به صورت هشت ضلعی با ۲۴ اتاق در اطراف می‌باشد. سازمان میراث فرهنگی تهران

قصر بهرام ورامین: این کاروانسر که نام عجیب ولی با مسمای قصر بهرام را بر آن نهاده‌اند با سنگ‌های سفید مایل به کرم رنگ پوشیده شده است. برج‌های چند وجهی تعبیه شده در گوشه‌های بنا و هم چنینی سر در ورودی آن که به سمت شمال باز شده است به شکلی استادانه با سنگ تراش خورده نماسازی شده‌اند. حیاط مرکزی، حجرات در اطراف و اصطبل‌ها در پشت آن همان پلان غالب کاروانسراهای ایران است که البته در این کاروانسرا از ایوان جنوبی نیز به عنوان ورودی به منظور امکان دسترسی سریع به کوه استفاده می‌شده است که از ویژگی‌های این بنا به شمار می‌رود.

کاروانسرایی چهار ایوانی که ایوان غربی آن جایگاهی شاهانه دارد. جوی آب ساخته شده از سنگ که از چشمه‌ای در دل کوه را به حوض وسط حیاط می‌رسانده، حدود پنج کیلومتر تا سرچشمه امتداد یافته است. مهم‌ترین ویژگی این بنا هدایت آب از دوردست و آوردن آن به درون کاروانسرا و ساختن شگفت‌انگیزترین کولر آبی جهان برای استراحت پادشاهی است که در دوره‌ی او معماری ایران به اوج افتخارات و شکوه گذشته خود بازگشت.

در زیر ایوان غربی فضائی وجود دارد که از میانه جوانب آن دو هواکش به اتاق پشت ایوان که به وسیله‌ی دری چوبی از بخش جلوی ایوان جدا شده است راه می‌برد. آب پس از وارد شدن به کاروانسرا به سوی زیر زمین سرازیر می‌شده است که شیب آن به انتهای این فضا تمایل دارد. سوراخی نیز برای خروج آب در گوشه‌ی شمال غربی آن تعبیه کرده‌اند. بدنه‌ها را تا ارتفاع حدود ۵۰ سانتیمتر با ساروج اندوده‌اند و زاویه‌ی قائمه‌ی بین دیوار و کف را به صورت یخ درآورده‌اند. ظاهراً می‌باید حجم وردی و خروجی آب به صورتی پیش بینی شده باشد که آب از ارتفاع اندود، بالاتر نرود، بدین ترتیب در روزهای تحمل‌ناپذیر تابستان، هوای گرم پس از ورد به این فضا خنک شده و از طریق هواکش‌ها به شاه‌نشین می‌رسیده است.

سکوهای مقابل کانال هدایت هوا که برای نشستن ساخته شده‌اند نمایانگر آن است که از این آب برای زدودن گرد و خاک سفر و استحمام و شست و شو نیز استفاده می‌شده است.

در بین شیوه‌های استفاده از آب برای خنک کردن هوای گرم و خشک که در معماری ایران به تناسب اقلیم‌های مختلف مرسوم بوده است، این مورد نمونه‌ای استثنائی است. در مواردی تعبیه‌ی حوضچه آب در زیر بادگیرها مشاهده می‌شود اما استفاده از آب با حجم زیاد و به صورت روان و با چند کاربری، منحصر به قصر بهرام است.

در نزدیکی قصر بهرام کاروانسرای دیگری به نام عین الرشید وجود دارد که به جز قسمت ازاره که با سنگ ساخته شده بقیه‌ی بنا با استفاده از آجر شکل گرفته است. آب انبار بزرگی در گوشه‌ی شمال شرقی این بنا وجود دارد که گنبد آن فروریخته است. حجم بالای ذخیره‌ی آب این آب انبار نشان از تردد بالای کاروانیان از این مسیر دارد. بنای دیگری که به حرمسرا موسوم است و حدود ۳۰ کیلومتر جاده سنگ فرش که روی زمین‌های باتلاقی فاصله‌ی بین قصر بهرام تا گرمسار ساخته شده است، مجموعه‌ای شگفت‌انگیز را در طبیعت زیبای کویر با آسمان

پاک آن ایجاد کرده است. ـ از روزنامه‌ی پارسه

قلعه‌های استان تهران

قلعه‌ی ایرج: این قلعه در نزدیکی روستای عسگر آباد از توابع ورامین قرار دارد. مساحت قلعه ۲۴۰ هکتار و ارتفاع متوسط دیوار قلعه ۱۵ متر است. در اطراف قلعه به فاصله‌ی ۱۰۰ متر سنگرهایی قرار دارد. پلان قلعه به شکل مستطیل و مصالح آن از خشت و گل است و در نوع خود یکی از بزرگ‌ترین قلعه‌های ایران به شمار می‌رود. طبق شواهد تاریخی قدمت قلعه به ۳۰۰۰ سال قبل می‌رسد.

دژ رشکان: یکی از دژهای محافظ هسته اولیهٔ ری که در چهار سوی ری ساخته شده بود، دژ رشکان است. دژ رشکان با ساختاری متشکل از لاشه سنگ و ساروج، از نظر قدمت به دوره‌ی اشکانیان می‌رسد. بخش اصلی قلعه تا دوره‌ی قاجاریه وجود داشته ولی امروزه قسمت اعظم آن تخریب شده است.

قلعه‌ی فیروزکوه: در مرکز شهر فیروزکوه واقع و مربوط به دوره‌ی ساسانی است. قلعه‌ی فیروزکوه شامل ؛ شهر قدیم فیروزکوه، بخش دوم شامل تعدادی خانه با دیوارهای خشتی ،برج، آب انبار و چاه آب و بخش سوم که از پشت دروازه و دیوار عظیم بخش دوم آغاز و تا انتهای کوه امتداد می‌یافته در بالاترین قسمت کوه ارک حکومتی بوده ساخته بودند. مصالح به‌کاررفته شامل خشت و گل برای خانه‌ها و سنگ لاشه و ساروج برای برج‌ها و استحکامات بوده است.

دختر قلعه تنگ گسیل: در فاصله‌ی ۵۲ کیلومتری کرج ـ چالوس واقع است. قسمت‌های زیادی از قلعه در حال تخریب و ویرانی است. و تنها بخش‌های بسیار کمی از دیوارهای آن به صورت جدا از هم باقی مانده است. مصالح به کار رفته در این قلعه سنگ و ساروج است، ولی وجود آجرهای پراکنده در اطراف نشان می‌دهد در ساخت قلعه از آجر نیز بهره گرفته‌اند.

سرخ قلعه طرود: در ۱۶ کیلومتری شرقی شهر فیروزکوه واقع و قدمت آن به دوره‌ی ساسانیان و قرون ۴و ۵ ه.ق می‌رسد. این قلعه دارای ۸ برج دفاعی بوده و بالاترین طبقه‌ی آن دارای فضاهایی جهت دیده بانی ساخته شده است. طبقه‌ی دوم دارای اتاق‌ها، فضاها و راهروها و طبقه‌ی اول به صورت زیر زمین و شامل اتاق‌های متعدد است. بلندترین نقطه قلعه‌ی برج قرمز رنگ مدور است. مصالح به‌کار رفته در بنا شامل خشت خام و چینه است.

قلعه‌ی کامین: قلعه‌ی کامین در روزگاران بسیار دور مأمن بسیاری از ساکنان منطقه‌ی ری بوده ولی با توجه به حوادث طبیعی و انسانی از جمله، زلزله‌ها، جنگ‌ها و ... باعث گردیده آن چه از قلعه‌ی کامین برای ما به ارث مانده، تنها تلی از خاک باشد. قلعه‌ی کامین در اصل قلعه‌ای چهار برجی ساخته شده از خشت و چینه است. قدمت اولیه‌ی تپه به اواخر دوره‌ی تاریخی و اوایل دوره‌ی اسلامی می‌رسد.

قلعه‌ی تبرک: قلعه‌ی تبرک یکی از بناهای قرون اولیه اسلامی یعنی دوران خلفای عباسی به شمار می‌رود که در داخل بارو و حصار ری قدیم قرار دارد. اگر چه قلعه‌ی تبرک امروزه کاملاً تخریب شده ولی با توجه به قرارگیری برج نقاره خانه بر فراز دامنه‌ی آن امروزه آن را به عنوان کوه نقاره خانه ذکر نام می‌کنند.

قلعه‌ی پشت تندیر: قلعه‌ی پشت تندیر تنگه‌ی واشی در ارتفاعات غربی تنگه‌ی واشی مشت بر

گذرگاه قرار دارد. قدمت قلعه با توجه به شواهد موجود مربوط به هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد تا اواخر دوره‌ی ایلخانی است. غالب معماری قلعه‌ی مدفون در خاک بوده و تنها قسمت جنوب غربی آن یک برج می‌باشد قابل مشاهده است. مصالح به‌کار رفته در این قلعه شامل: سنگ لاشه و ملات گچ و ساروج است.

قلعه‌ی امامه: در جهت شمال روستای امامه قرار گرفته و حدود ۲۵۰۰ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد جهان است. این قلعه بر فراز صخره‌ی سنگی احداث شده که در میانه‌ی دو شاخه‌ی شرقی و غربی باغ تنگه واقع است. از شواهد و قرائن چنین برمی آید که قلعه‌ی امامه در زمان آبادانی شامل دو قسمت مجزا بوده است. در این قلعه بقایای اتاق‌ها، برج و بارو، حصار دفاعی، غار، قنات یا آب انبار، ارک و حاکم نشین دیده می‌شود. با توجه به نمونه سفال‌های یافته شده از سطح و پیرامون قلعه، قدمت آن حداقل به دوره‌ی اوایل اسلامی می‌رسد.

قلعه‌ی نوخالصه: در حاشیه‌ی شهرهای ورامین، ری، رباط کریم، اسلام شهر و برخی دیگر از شهرهای حاشیه‌ی تهران قلعه‌هایی وجود دارد که رونق اصلی آن‌ها تا سال‌های اخیر ادامه داشته و در داخل آن‌ها گروهی کشاورز و دامدار به زندگی خود ادامه می‌دادند. یکی از این قلعه روستاها، قلعه‌ی نوفشاپویه است. این قلعه در نوع خود دارای وسعت زیاد بوده و تا چند سال پیش چندین خانوار در آن سکونت داشتند.

دژ گلخندان: این دژ در روستایی به همین نام در بالای تپه‌ای عظیم، مشرف به محل تلاقی دو رودخانه بومهن و رودهن واقع است. اسلوب بنا یادآور بناهای دوره‌ی ساسانی بوده و حصار بزرگ آن از قلوه سنگ‌های درشت، دور تا دور دژ مستطیل شکل را فراگرفته است. در چهار گوشه‌ی آن نیز چهار برج توپر برای استحکام و دفاع بهتر جای دارد. داخل قلعه اتاق‌های متعدد، تالارها و آب انبارهایی وجود دارد.

قلعه‌ی گبری: این قلعه از قلعه‌های محافظ ری قدیم بوده که در حد فاصل جنوب شرقی ری قدیم و میدان معلم شهر ری امروز واقع است. قدمت قلعه به دوره‌ی اشکانی یعنی حدود ۲۲۵۰ سال قبل می‌رسد. از این قلعه علاوه بر دیوار قلعه چندین برج دیده بانی بر جای مانده است.

قلعه‌ی سرخه حصار: در دامنه‌ی ارتفاعات مشرف به بیمارستان سرخه‌حصار در حاشیه‌ی شرقی تهران قرار دارد. اضلاع قلعه حدود ۱۵ متر و دو برج نیمه مدور در اضلاع شرقی و جنوبی آن مشهود است.

قلعه متعلق به قرون ۵. ۶ ه.ق یعنی دوره‌ی سلجوقی است و مصالح به کار رفته در آن سنگ، قلوه و گل است.

قلعه‌ی کیقباد: به فاصله‌ی ۳ کیلومتری شمال غرب روستای هرنج طالقان قرار دارد. بنا مربوط به دوره‌ی اسماعیلیه بوده و تنها بقایای آن دوره شامل دیوارهایی از ملات ساروج می‌باشد.

در وسط محوطه حیاط حوض سنگی به چشم می‌خورد که به احتمال زیاد برای جمع آوری آب باران و برف بوده است. سازمان میراث فرهنگی استان تهران

میادین تهران

میدان امام خمینی (ره): میدان امام خمینی (ره) یا میدان توپخانه‌ی تهران قبل از توسعه‌ی آن، در سال ۱۲۸۴ ه.ق میدان ارک فعلی بود. میدان

توپخانه جدید در مقابل ارک ناصرالدین‌شاه به دستور میرزا تقی خان امیر کبیر تجدید بنا گردید. وقتی حصار ارک سلطنتی را تعمیر می‌کردند محمد ابراهیم خان وزیر نظام، این میدان را به طور رسمی میدان توپخانه نامید. این میدانرا در دو طبقه احداث و در وسط آن حوضی ایجاد نمودند. امروزه تنها در ضلع شرقی آن ساختمان بانک تجارت از گذشته باقی مانده و خیابان‌های امام خمینی (ره)، فردوسی، لاله زار، ناصر خسرو، امیر کبیر، اکباتان و باب همایون به آن ختم می‌شود.

میدان ولیعصر: یکی از شلوغ‌ترین و معروف‌ترین میادین تهران و ایران است. میدان ولیعصر (عج) با توجه به ساختار معماری، جایگاه بناها و موقعیت قرارگیری میدان در مرکز شهر تهران از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. خیابان شمالی و جنوبی آن ولیعصر (عج) و خیابان کریم خان زند در ضلع شرقی و در غرب آن بلوار کشاورز واقع شده‌اند. بناهایی نظیر ساختمان صنایع دستی، مرکز خرید ایرانیان، سینما قدس، چندین بازار بزرگ مدرن، سینما قدس، چندین بازار بزرگ مدرن و دیگر بناها در پیرامون آن نشان از سبک‌های معماری، معاصر و جدید دارد.

میدان آزادی: بنای برج آزادی تهران در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در مبدأ ورودی غربی شهر تهران طراحی و ساخته شد. این بنا علاوه بر زیبائی و استواری خاص، چشم هر تازه واردی را به خود جلب می‌نماید. ارتفاع نهایی برج ۴۵ متر و سطح زیر بنای آن ۴۰۰ متر مربع می‌باشد. علاوه بر تأسیسات و فضاهایی که در برج و قسمت زیرین آن در نظر گرفته شده می‌توان به موزه، نمایشگاه و کتابخانه آن اشاره داشت. مهندس حسین امانت با تلفیق زیبائی از معماری ایرانی و سبک‌های نوین توانست این بنای به یاد ماندنی را طراحی و اجرا نماید.

میدان حسن آباد: تا قبل از این که میدان حسن آباد احداث گردد محل میدان در خارج از تهران و در حاشیه‌ی یکی از گورستان‌های قدیمی تهران قرار داشت تا این که میرزا یوسف آشتیانی صدر اعظم دوره‌ی ناصر الدین شاه تصمیم گرفت میدانی در آن نقطه احداث نماید و بر اساس همین تصمیم در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ شمسی چهار ساختمان مجزا در چهار طرف میدان با اقتباس از آثار پالادیو معمار معروف عصر رنسانس ایتالیا میدانی در اوج هنر و زیبائی در اوج هنر و زیبائی احداث گردید. پس از اتمام ساخت میدان میرزا یوسف آشتیانی آن را به نام فرزندش میراز حسن مستوفی الممالک، میدان حسن آباد نامید.

سبزه میدان: سبزه میدان به دلیل قرارگیری در حساس‌ترین نقطه‌ی مرکزی شهر تهران و سابقه‌ی طولانی آن در تاریخ سیاسی، مذهبی و اجتماعی ایران، نقطه‌ی عطفی در تاریخ شهر تهران محسوب می‌شود. در ابتدا این میدان فضای محصوری بود که محل اتصال ارک به محلات قدیمی تهران محسوب می‌شود. در دوره‌ی پهلوی اول تغییرات زیادی در آن صورت گرفت و به شکل امروزی در آمد لازم به ذکر است که این میدان در ابتدا یعنی زمان صفویه میدان تخت پل نامیده می‌شد ولی بعدها به سبزه میدان مشهور گردید.

میدان راه آهن: این میدان در تقاطع خیابان کارگر، ولیعصر و شوش واقع شده است. با شکل‌گیری خیابان‌های جدید در سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۶

میدان راه آهن ایجاد شد و به شکل میدان مستطیل درآمد. بناهای موجود دربدنه میدان دارای سبک و شیوه‌ی یکسان و به شیوه‌ی معماری خاص دوران خود ساخته شده‌اند. بناهای این میدان تحت تأثیر سبک آلمان‌ها در زمان جنگ جهانی دوم در ایران بوده و معمار آن طاهر زاده بهزاد به خوبی از عهده‌ی کار برآمده است.

میدان مشق: عمارت قزاقخانه هسته‌ی اولیه مجموعه میدان مشق است که در دوره‌ی فتحعلی شاه به عنوان پادگان نظامی در شمال شهر تهران عهد صفوی بنیان نهاده شد. عمارت نظامی میدان مشق که بعدها به عمارت قزاقخانه موسوم شد، چندین دوره ساخت و ساز را شامل و عمده‌ترین تغییرات انجام شده در آن دوره ناصرالدین شاه و پهلوی اول بوده است. به تدریج در فضای باز مقابل این عمارت بناهای دولتی نظیر: کاخ شهربانی، کاخ وزارت خارجه، موزه‌ی ملی ایران، ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس و ... بنا شد.

میدان ونک: در قسمت شمال شهر تهران در تقاطع چندین خیابان که اصلی‌ترین آن‌ها خیابان ولیعصر است واقع شده، وجود چندین بنا در حاشیه‌ی آن، شلوغی و رفت و آمد عابران و خودروها از یک سو و آرامش فواره و حوض وسط میدان تناسب و هماهنگی خاصی بین آن‌ها پدید آورده است.

میدان بوعلی سینا (میدان چه کنم): هفت خیابان از هر سو به این میدان راه می‌یابند روشندلان، ۲۰ متری دروازه‌ی شمیران، خورشید، کیوان، سپاه، گرگان و خیابان مازندارن. وجه تسمیه‌ی این میدان به این دلیل است که هر کس وارد آن می‌شود، نمی‌داند که با توجه به تعدد خیابان‌هایی که میدان منتهی می‌شود، کدام مسیر را انتخاب نماید.

میدان محمدیه: میدان محمدیه یا میدان اعدام در گذشته در خارج از شهر تهران قرار داشت و بناهای متعددی نظیر محمدیه، اعدام و پاتاپوق داشته است. درگذشته چوبه داری در وسط میدان بود که مجرمین را به دار مجازات می‌آویختند. امروز بقایای معماری دوره‌های گذشته در بدنه‌ی میدان به خصوص در ضلع شمال غربی آن توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌نماید. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران

کلیساهای تهران

کلیسای حضرت مریم: از سال‌های ۱۹۳۰ میلادی به بعد که تعداد ارامنه تهران فزونی گرفت دست اندرکاران اقدام به ساخت کلیسایی با سبک و سیاق معماری ارمنی در تهران گرفتند. پس از تهیه‌ی طرح اولیه، نقشه‌ی کلیسا مورد تأیید مقامات شهری قرار گرفت و در سال ۱۹۳۸ میلادی توسط یکی از خیرین ارمنی ساخته و در سال ۱۹۴۵ میلادی به نام مریم مقدس به دست شادروان گاره گین کاتولیکوس به نام کلیسای حضرت مریم تقدیس شد.

کلیسای انجیلی: با گسترش تهران در سال ۱۲۸۴ ه.ق ارامنه تهران از کلیسای کوچک دروازه قزوین که در سال ۱۸۷۶ میلادی توسط یک مبلغ مذهبی تأسیس شده بود تغییر مکان دادند و در منطقه‌ی حسن آباد، کلیسای انجیلی توسط میسیونر مذهبی آمریکائی ساخته شد. بعدها این کلیسا با وسعت بیشتر کاربری فرهنگی یافت و مدرسه‌ی آمریکائی‌ها در آن شروع به کار کرد.

مدرسه در سال ۱۳۱۹ ه.ش به امر پهلوی اول بسته

و تأسیسات فرهنگی آن به وزارت فرهنگ ایران واگذار شد.

کلیسای میناس مقدس: در سال‌های قبل از ۱۸۷۵ میلادی حدود ۱۲۰۰ نفر از ساکنان ده ونک از اقلیت ارمنی بودند، به همین دلیل در سال ۱۸۷۵ میلادی محرابی به نام سورپ میناس در قطعه زمینی که مستوفی الممالک به ارامنه اهداء گردیده بود احداث گردید.

در این کلیسا طی روزهای اجرای مراسم عشاء ربانی، دعای نیایش برگزار می‌شود. هر سال در روز میناس مقدس در این کلیسا آئین و مراسمی خاص برپا می‌شود.

کلیسای گریگور لوساوریچ مقدس (گریگور روشنگر مقدس): بنای کلیسای سورپ گریگور مقدس در سال ۱۹۸۲ میلادی د رمحله‌ی زیتون مجیدیه تهران ساخته و در ژانویه ۱۹۸۳ میلادی به دست شادروان آرداگ مانوکیان تقدیس شد. از ویژگی‌های این کلیسا بلندی یا ارتفاع گنبد آن نسبت به سایر کلیساهای ارامنه‌ی ایران است.

کلیسای سورپ تارگمانچاس: پس از آن‌که تعداد زیادی از ارامنه در سال ۱۹۴۵ میلادی در منطقه‌ی وحیدیه تهران ساکن شدند. به دلیل مشکلاتی که در تردد و دوری مسافت تا دیگر کلیساها تحمل می‌کردند در سال ۱۹۶۲ میلادی پس از زلزله خرقان شورای بین المللی کلیسا شش هزار متر مربع از اراضی وحیدیه تهران را خریداری و با همکاری شورای ارامنه خانه‌هایی برای سکونت و همین طور کلیسایی برای برگزاری مراسم در سال ۱۹۶۸ میلادی احداث و آن را با عنوان سورپ تارگمانچاس نامگذاری و به دست پیشوای مذهبی ارامنه تهران تقدیس شد.

کلیسای سرکیس مقدس: در سال ۱۹۶۱ میلادی انجمن دوستداران کلیسا تصمیم به ساخت کلیسای جدیدی گرفت و درهمین راستا پیشوای مذهبی ارامنه از فرد نیکوکاری خواست تا هزینه بنای این ساختمان را بپردازد. به همین منظور شورای خلیفه گری تهران در انتهای خیابان نجات اللهی (ویلای سابق) زمینی را خریداری و در سال ۱۹۶۴ میلادی کلنگ آن به زمین زده شد و پس از شش سال به بهره‌برداری رسید. معماری کلیسا همانند معماری سنتی دیگر کلیساهای ارامنه است. ناقوس در دو طرف گنبد بزرگ مرکزی قرار دارد. محراب در شرق کلیسا قرار گرفته و در قسمت غربی سه درب کلیسا باز می‌شود و در کوچک از زیر برج‌های ناقوس و یک در بزرگ در وسط طراحی و اجرا شده است. این کلیسا بزرگ‌ترین کلیسای ارامنه‌ی تهران و به احتمال زیاد ایران است.

کاخ‌های استان تهران

کاخ شمس العماره: این کاخ در ضلع شرقی مجموعه کاخ گلستان واقع شده است. محوطه کاخ گلستان به فرمان ناصر الدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۴ ه.ق بنا شده است. شمس العماره عمارتی پنج طبقه بوده که طبقه‌ی چهارم و پنج آن به صورت دو برج مجزا از هم قرار دارند. طبقه‌ی اول بنا به ایوان و تالار پذیرائی و دو گوشواره در طرفین آن اختصاص دارد و طبقات فوقانی هر یک به شیوه‌ای متفاوت تزئین شده‌اند.

کاخ صاحبقرانیه: در میان باغی وسیع در یکی از کاخ‌های مجموعه‌ی نیاوران، در شمال شرقی تهران ساختمانی قرار دارد که قدیمی‌ترین بخش آن به دوره‌ی فتحعلی شاه می‌رسد. مجموعه حوضخانه و کرسی خانه‌ی بی نظیر صاحبقرانیه،

تالارهای جهان نما و آینه همراه با تابلوهای نقاشی نفیس و گرانبها و اشیاء به نمایش گذاشته شده در آن از شاخصه‌های این کاخ به شمار می‌روند.

مجموعه تاریخی و فرهنگی سعد آباد: مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد در پهنه‌ی پر طروات کوهپایه‌های توچال و دره‌ی سرسبز دربند و در بخش شمالی تهران با مساحتی در حدود ۱۱۰ هکتار قرار گرفت است. این منطقه در دوره‌ی قاجار محل سکونت ییلاقی شاهان این دوره بوده ولی پس از سال ۱۲۹۹ (ه.ش) در وسعتی تازه و الحاق باغ‌های مختلف به محل اقامتگاه تابستانی پهلوی اول اختصاص یافت و کاخ و کوشک‌های متعددی در جای جای آن ساخته شد. در دوره پهلوی ۱۸ کاخ کوچک و بزرگ در سعد آباد ساخته شد. تمامی این مجموعه پس از انقلاب اسلامی تبدیل به موزه شد. برخی از عمارت‌ها به شکل کاخ موزه، همانطور که بود مانند کاخ ملت و کاخ سبز به نمایش گذاشته شده است و برخی دیگر به موزه تبدیل شدند. موزه‌های موجود و فعال این مجموعه عبارتند از: موزه‌ی پژوهشی مردم‌شناسی، موزه‌ی آبکار، موزه‌ی هنرهای زیبا، کاخ موزه‌ی ملت، کاخ موزه‌ی سبز، موزه‌ی نظامی، موزه‌ی بهزاد، موزه‌ی ملی آب، موزه‌ی خط و کتابت میرعماد، موزه‌ی استاد فرشچیان و موزه‌ی هنر ملل.

کاخ نیاوران: محمد شاه قاجار در دهکده‌ی نیاوران عمارتی ییلاقی ساخت. ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۲۶۷ ه.ق این عمارت را ویران و به جای آن توسط حاجب الدوله عمارتی ساخت و آن را قصر نیاوران نامید. این قصر که به مرور زمان شکل گرفت دارای دو طبقه بود. شاه نشین در طبقه‌ی اول و تالار آینه در طبقه‌ی دوم قرار داشت. بعد از سی سال ناصرالدین شاه خود را صاحبقران خواند و این قصر را صاحبقران نامید. علاوه بر آن به دستور پهلوی دوم برای سکونت ساخته شد.

کاخ مظفری: این کاخ در ضلع جنوبی شهر اوشان واقع و دارای دو طبقه است که در دوره‌ی سلطنت مظفرالدین شاه قاجار ساخته شده است. بنای کاخ به صورت برون گرا احداث و گرداگرد آن در طبقه‌ی اول و دوم ایوانی در نظر گرفته شده که ستون‌های چهار ضلعی و گرد در کنار همدیگر بار طبقات را تحمل می‌کنند. طبقه‌ی دوم دارای ستون‌های گردی است که شالوده‌ی اصلی آن را چوب تشکیل داده که روی آن با گچ اندود شده است. ساختمان از نظر ایستائی و مقاومت آسیب چندانی ندیده و در صورت مرمت و تعمیرات لازم تبدیل آن به موزه منطقه‌ای بسیار مناسب است.

کاخ احمد شاهی: این بنا در شمال شهر تهران و خیابان شهید باهنر (نیاوران) واقع شده است ساختمان کاخ مربوط به اواخر دوره‌ی قاجار و در شمال کاخ صاحبقرانیه قرار دارد. طرح بنا به صورت کوشکی بوده و در دو طبقه دارای ایوان‌هایی در طبقه‌ی فوقانی ساخته شده است و در سطح نمای آن از آجرهای منقوش پیش ساخته بهره گرفته‌اند.

کاخ شهرستانک: این بنا در زمان ناصرالدین شاه و به دستور وی به عنوان تفرجگاه ییلاقی ساخته شده است. کاخ شهرستانک از دو ساختمان مجزای بیرونی و اندرونی تشکیل شده است. بنای بیرونی شامل تالار وسیع و از اتاق‌های متعددی شکل گرفته بود که اکنون بسیاری از آن‌ها بازسازی شده است.

کاخ سلیمانیه: این بنا در زمان فتحعلیشاه قاجار و

به دستور وی ساخته و به نام پسرش سلیمان میرزا، سلیمانیه نامگذاری شد. این کاخ تنها یادگار باقی مانده از مجموعه کاخ‌ها و باغ‌های تاریخی واقع در دانشکده‌ی کشاورزی کرج می‌باشد. اهمیت این بنا به لحاظ دو تابلوی دیواری با نقش‌های شاهان و سران قاجار و گچبری‌های نفیس در تالار اصلی آن می‌باشد در ضلع شرقی، بقایایی از کاخ برج به چشم می‌خورد.

کاخ موزه‌ی سبز: کاخ شهوند که اکنون کاخ موزه‌ی سبز نامیده می‌شود یکی از یباترین کاخ‌های مجموعه‌ی سعد آباد تهران است. معمار این کاخ میرزا جعفر معمار باشی بوده و در نمای خارجی آن از سنگ‌های سبز صدفی کمیاب استفاه شده و وجه تسمیه‌ی آن به همین سبب است. این کاخ دارای گچبری و آینه کاری‌های زیبایی بوده و ساختمان آن در دو طبقه احداث شده است. طبقه‌ی اول شامل پله، ورودی تالار آینه، ناهارخوری، اتاق کار و اتاق پذیرائی است. طبقه‌ی دیگر که در سال ۱۳۵۰ شمسی بازسازی شده شامل سالن پذیرائی، دو اتاق خواب با سرویس و سالن ناهار خوری می‌باشد.

کاخ مرمر: به دستور رضاشاه ساختن این کاخ با زیربنای ۲۸۷۰ مترمربع ساخته شد و فضای سبز اطرافش بالغ بر ۳۵۴۶۲ متر می‌باشد معماری این ساختمان دو طبقه، تلفیقی از معماری شرقی و غربی است. این کاخ در خرداد ۱۳۴۹ برای تشکیل موزه در نظر گرفته و در ۱۳۵۵ به موزه تبدیل و در ۱۳۵۹ آماده برای دیدار عموم گشت. استادان و هنرمندانی که در ساخت و تزئین این ساختمان همکاری داشتند: ۱ - استاد یزدی (کاشیکار) حسین لرزاده (معمار) محمدحسین صنیع‌خاتم، استاد حیدر عمواغلی و استاد حسین طاهرزاده بهزاد.

کاخ موزه، مروارید (کاخ شمس پهلوی): در مجتمع فرهنگی - تفریحی مهرشهر کرج قرار دارد. این ساختمان مدور با برجی حلزونی شکل با ۱۵۰۰ متر مربع زیر بنا در محوطه‌ای به وسعت ۱۷۰ که ۴۰ هکتار آن را فضای سبز در برگرفته، طراحی و اجرای ساخت این کاخ توسط مهندسان ایتالیایی و آمریکایی صورت گرفته است.

این ساختمان که طبقات آن با شیب ملایم به یکدیگر مربوط می‌شوند، به سبک مدرن ساخته شده و سقف آن عمدتاً از شیشه‌ی مصنوعی (فایبرگلاس) است. کاخ دارای امکانات تفریحی شامل استخر، سینما، آب‌نما، محل نگهداری پرندگان کمیاب باغچه و... است. در ضلع شرقی این بنا، دریاچه‌ی بزرگ و زیبایی قرار دارد که چشم‌انداز جالبی دارد.

اشیاء و تزئینات داخلی، کاخ همه خارجی است.

کاخ موزه‌ی گلستان: در روزگار صفویه و شاهی شاه‌عباس اول، برای نخستین بار مجموعه‌ای شامل چهارباغ و یک عمارت دیوانی و یک چنارستان و در محل ارگ دولتی ساخته شد تا اینکه کریم‌خان در ۱۱۶۳ هـ ق درین محل ارگی ساخت. حصار و باروئی برافراشت در ۱۳۶۸ هـق ناصرالدین شاه قسمت شرقی باغ گسترش یافت. مجموعه‌ی کاخ‌های ضلع شمالی باغ گلستان شامل تالار موزه، سراسری ورودی، تالار آینه، تالار برلیان، تالار عاج، و تالار موزه پیش از قسمت‌های دیگر ساخته شد. تالار موزه در ۱۲۹۴ هـ. ق به تقلید از موزه‌های اروپایی ساخته شد و در ۱۳۴۵ هـ ش برای بازدید مهمانان خارجی و رسمی به کاخ موزه تبدیل شد.

کاخ موزه‌ی نیاوران: مجموعه کاخ‌های نیاوران

محل سکونت شاهان قاجاریه بود و اینک دو کاخ صاحبقرانیه و کاخ احمدشاه به جا مانده است در روزگار پهلوی الحاقاتی به این مجموعه افزوده شد از جمله کاخ اصلی نیاوران و مدرسه‌ی سلطنتی.

طرح ایجاد کاخ اصلی نیاوران با ۲۰۰۰ متر مربع زیر بنا در وسط باغی به مساحت پنج هکتار در ۱۳۲۷ آغاز گشت و پس از مدتی وقفه ساخت ساختمان‌ها دوباره آغاز گردید و در ۱۳۴۶ بهره‌برداری از آن شروع شد در ۱۳۶۵ این ساختمان برای دیدار عموم به‌عنوان کاخ موزه گشوده شد.

کاخ موزه‌ی صاحبقرانیه: میان باغ پهناوری، یکی از کاخ‌های مجموعه‌ی نیاوران، در قرن سیزدهم و در روزگار قاجاریه کاخ صاحبقرانیه با سبک معماری و تزئینات داخلی بس جالب است.

این کاخ دارای کرسی‌خانه و حوض‌خانه و... است در همه‌ی تالارها و اتاق‌های این کاخ مجالس نقاشی، تصاویر، تابلوهای گرانبها و اشیاء نفیس زینت یافته است.

تالار جهان‌نما و تالار آینه آن از اهمیت خاصی برخوردار است که در آن تابلوها و آثار هنری ارزنده‌ای به معرض نمایش گذاشته شده است.

کاخ موزه‌ی رجعت و عبرت (کاخ مادر): این کاخ محل اقامت مادر شاه بود که در سال ۱۳۴۵ ساختمانش به پایان رسید در ۱۳۶۳ به کاخ موزه‌ی رجعت و عبرت اختصاص یافت این موزه از دو طبقه و یک زیرزمین تشکیل گشته، زیرزمین شامل سالن سینما و اتاق‌های پذیرایی و خواب و.... است نوع آثار: اشیای نفیس شامل فرش، مبل، لوستر و... است.

کاخ موزه‌ی سبز (کاخ شهوند): این موزه در بلندترین نقطه‌ی سعدآباد میان سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ ه. ش به دستور رضا شاه ساخته شد.

ساختمان این کاخ با رعایت اصول معماری سنتی ایران ساخته شده و از نظر تزئینات داخلی با کاخ‌های دیگر تفاوت اساسی دارد. گچ‌بری‌ها، تذهیب روی دیوارها، خاتم‌کاری، و... از ویژگی‌های معماری داخلی این بنا می‌باشد. در ۱۳۵۱ ه. ش، زیر زمین کاخ با اقتباس از معماری مدرن بازسازی شده به پذیرایی از مهمانان خصوصی محمدرضاشاه اختصاص داشت. کاخ موزه‌ی سبز در ۱۳۵۹ برای بازدید عموم گشایش یافت. نوع موزه: کاخ موزه - نوع آثار و فرش‌های ایرانی، انواع مبل، ظروف چینی، لوسترهای نفیس خارجی و...

کاخ موزه‌های سعدآباد: محوطه‌ی سعدآباد مساحتی حدود ۱۴۰ هکتار است که از شمال به ولنجک، از جنوب به میدان تجریش، از مشرق به دربند و از مغرب به دامنه‌ی کوه‌های کولک‌چال محدود است.

سعدآباد در روزگار قاجاریه از هفت محله تشکیل می‌شد. در ۱۳۰۰ ه. ق پس از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان در بازدیدی که از دربند نمود از آب و هوای خوب آنجا خوشش آمد، این باغ و باغ‌های مجاور را از سردار بدر (از مالکان بزرگ بود) اجاره کرد دیری نگذشت که مالک آن سعدآباد را به دو بخشید و رضاخان بقیه‌ی باغ‌های اطراف آن را گرفت و در روزگار محمدرضا شاه این را به کاخ ییلاقی خود و وابستگانش اختصاص داد.

سعدآباد دارای ۱۸ کاخ است که پس از انقلاب اسلامی هفت کاخ آن از جمله کاخ سفید (موزه‌ی ملت) مادر (موزه‌ی رجعت و عبرت) شهرام (موزه‌ی نظامی)، شهناز (موزه‌ی تاریخ طبیعی)

وزارت دربار (موزه‌ی هنرهای زیبا) شهوند (موزه‌ی سبز) کاخ شمس (موزه‌ی پژوهشی مردم‌شناسی) برای بازدید عموم به موزه و کاخ تبدیل گشته است.

کاخ موزه‌ی هنرهای زیبا: کاخ موزه‌ی هنرهای زیبا، ساختمانی است در سه طبقه که قبلاً به کاخ سیاه شهرت داشت. این کاخ در رژیم سابق مقر وزارت دربار بود. این بنا در ۱۳۵۹ برای نشان‌دادن تابلوهای نفیس نقاشی (گردآوری شده از مجموعه کاخ‌ها) به موزه‌ی هنرهای زیبا تبدیل گشت. نوع موزه: اختصاصی - نوع آثار نقاشی نقاشان ایران و سایر کشورهای جهان از سده‌ی ۱۶ به‌بعد.

کاخ موزه‌ی ملت (کاخ سفید): از مهم‌ترین کاخ‌های مجموعه‌ی سعدآباد است که در ۱۳۱۰ ساخته و در ۱۳۱۸ مورد بررسی واقع شد.

در ابتدا این کاخ بنا بود به وزارت دربار اختصاص یابد اما شاه آن را محل سکونت خود قرار داد. بعدها محمدرضا شاه آن را به عنوان یک کاخ تشریفاتی ساخت و در ۱۳۴۵ تغییرات فراوانی در آن داده شد از آن به عنوان کاخ تشریفاتی استفاده می‌کرد.

این کاخ ۴۴۷۲ مترمربع مساحت شامل سه طبقه و ۵۴ تالار و اتاق است. معماری نمای خارجی آن به سبک معماری آلمانی و معماری داخلی آن تلفیقی از معماری بیزانسی، روسی و ایرانی است، تزئینات و گچ‌بری‌های به کار رفته در این کاخ در نوع خود بی‌نظیر است. در ۱۳۶۱ تبدیل به موزه شد. نوع آثار: اشیای نفیس متعلق به کاخ است.

اقتصاد:

برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار

محصولات زراعی تهران

غلات هکتار/ تن (گندم ۶۶۵۳۱، ۳۱۸۸۸۷- جو ۴۰۹۰۵، ۱۵۰۷۸۱)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۴۲، ۱۱۸- لوبیا ۴۶۹، ۵۸۲- عدس ۲۷۸، ۱۰۳)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۱۴۱۱، ۴۴۸۹)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۲۵۹۳، ۴۷۵۶۸- پیاز ۲۸۲، ۱۰۹۵۴-گوجه‌فرنگی ۷۶۲۹، ۲۹۳۱۵۴)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۱۰۰۲، ۳۶۲۴۱- هندوانه ۶۴۵، ۲۸۶۶۹- خیار ۱۹۸۶، ۴۶۸۲۲)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۱۲۰۸۰، ۱۵۳۶۶۴)

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۱/۷۴ درصد رتبه ۱۴ - مقدار تولید غلات ۴۶۹۶۶۸ تن رتبه ۱۸ - مقدار تولید حبوبات ۸۰۳ تن رتبه ۲۷ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۵۴۸۵ تن رتبه ۲۵ - مقدار تولید سبزیجات ۷۳۲۷۴۶ تن رتبه ۸ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۲۱۳۵۱۲ رتبه ۱۱ - تولید علوفه ۲۱۲۵۱۱۱ تن رتبه اول - مقدار تولید محصولات باغی ۱۰۱۶۰۱۴ تن رتبه ۵ - مقدار ۱۳۶۸ تن پسته رتبه ۱۱

وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی : ۷۷۹۰۳۷۰ شاخه گل ۱۵۴۳۴۷۷ گلدان ۳۲۹۰۲۵۲ اصله میزان گیاهان فصلی و نشائی ۱۸۶۹۳۷۲ بوته تولید زعفران ۱۲۵ کیلو تولید گیاهان داروئی ۱۶۶۶۲۹۸۵ کیلو - تولید عسل ۹۰۰۸۱۴کیلو - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۱۴۰۳۲۴۴ کیلو.

محصولات: میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده، سفید ارومیه)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، شاهرودی، یاقوتی)،

توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد). میوه‌های سردسیری: زالزالک، زرشک، سماق، ازگیل). میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، خرمالو، زیتون.زعفران، گلستان، غیرمثمر.

معادن تهران: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۱۹ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- ذغال سنگ (۱) ،۲- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۲) ،۳- منگنز (۱) ،۴- بوکسیت (۱) ،۵- سنگ، شن و ماسه (۱۰۳) ،۶- شن و ماسه (۵۱) ،۷- سنگ تزئینی (۲) ۸- سنگ آهک (۱۳) ،۹- سنگ گچ (۱۰) ،۱۰- بنتونیت و گل سرشور (۲) ،۱۱- مواد معدنی و شیمیایی (۱۰) ۱۲- سولفات سدیم (۸) ،۱۳- باریت (۲) ،۱۴- نمک (۱) ،۱۵- سایر مواد معدنی (۲) ،۱۶- سیلس (۲).

در استان تهران در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۶۱۴۷۴۶۰ تن ،۲- لاشه آهکی ۴۰۰۰ تن ،۳- مخلوط مارن و آهک ۱۵۰۰۰۰۰ تن ،۴- سنگ گچ ۷۳۵۰۰۰ تن ،۵-گچ خاکی ۶۸۵۰۰ تن ،۶- بنتونیت ۱۹۰۰۰ تن ،۷- سولفات سدیم ۳۴۳۸۸ تن ،۸- باریت ۲۴۵۰ تن ،۹- نمک آبی ۳۵۰۰ تن ،۱۰- سیلیس ۱۲۰۰۰۰ تن.

برخی از صنایع تهران: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۳۲۰۸ واحد)، ساخت منسوجات (۲۰۷۸ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۳۷۴ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۴۶۵ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۱۵۲ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۱۶۲۵ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۳۷۴ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۲۶۳ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۲۶۸۴ واحد)، بازیافت (۴۷ واحد).

کنسانتره‌ی روی (۲)، سنگ قیمتی (۱)، میکا (۱)، کشتارگاه انواع دام‌ها (۲)، کشتارگاه صنعتی طیور (۲۰)، روغن صنعتی (غیرخوراکی) (۲)، انواع روغن نباتی و حیوانی (روغن کشی و تصفیه) (۵)، تولید روغن نباتی جامد (۱۰)، انواع محصولات از سویا (۱)، شیر پاستوریزه (۴۸)، ماست پاستوریزه (۶۴)، آرد غلات (۲۷)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۷۶)، بسته بندی شکر (۲۴)، قند از شکر (۸)، ماکارونی (۱۰۲)، چای خشک بسته بندی شده (۵۱)، انواع رب گوجه فرنگی (۷۴)، نمک طعام (۳)، رنگرزی خامه‌ی قالی (۱)، فرش ماشینی (۱۴)، چرم گاوی (۱)، کاغذ کرافت (۲)، روغن موتور (۲۷)، روغن هیدرولیک (۶)، تصفیه‌ی روغن سوخته (۱)، بلندینگ و بسته بندی روغن موتور (۱)، گریس (۱۰)، پارافین مایع (۵)، وازلین (۱۰)، انواع قیر (۵)، قیر سفت (۱).

صنایع دستی تهران: خاتم‌سازی، قلمزونی روی فلزات، فلزکاری با مس، شیشه‌گری، سفال و سرامیک، حصیر و بامبوبافی، مصنوعات چرمی، نقاشی روی چرم، نمدمالی، پارچه دست‌باف پنبه‌ای ـ ابریشمی، نقاشی و تراش روی شیشه، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، زیلوبافی، نقره‌کاری، معرق چوب، صنایع چوبی، منبت چوب، عروسک‌سازی، قالیبافی، ساخت سازهای سنتی، صنایع سنگی، زمودگری یا چلنگری، مرصع‌کاری، سرمه‌دوزی، مینیاتور، طراحی فرش، فیروزه‌کوبی، پاپیه‌ماشه، چهل تکه دوزی، عروسک مومی، سوزندوزی، چاپ کلافه‌ای،

لباس محلی، تذهیب

فرهنگی، دانشگاهی

دانشکده علمی - کاربردی پست و مخابرات: این دانشکده در ۱۳۶۴ در تهران و اصفهان با هدف رفع نیازهای فنی و تخصصی وزارت پست و تلگراف و تلفن تاسیس شد.

دانشکده صنعت آب و برق شهید عباس پور: این دانشکده در ۱۳۴۸ با نام مرکز آموزش برق شروع به کار کرد و در ۱۳۶۰ به مجتمع آموزشی و پژوهشی شهید عباس پور و در سال ۱۳۷۰ به دانشکده صنعت آب و برق شهید عباس پور تغییر نام داد. این دانشکده وابسته به وزارت نیرو است. گروههای آموزشی آن عبارتند از: مهندسی برق،مهندسی نیروگاه، مهندسی آب، مهندسی آب و فاضلاب، مهندسی کامپیوتر،کنترل و ابزار دقیق، علوم پایه، مدیریت.

مرکز تازه‌های صنعت برق نیز مرکز تحقیقاتی این دانشکده است.

دانشکده صنعت تکنولوژی هواپیمایی کشور: دانشکده صنعت هواپیمایی کشور به عنوان قدیمی‌ترین مرکز تربیت و تامین نیروی انسانی ماهر و متخصص در ۱۳۲۸ ایجاد گردید. گروههای‌آموزشی آن عبارتند از الکترونیک هواپیمایی، مخابرات هواپیمایی، تعمیر و نگهداری هواپیما، مراقبت پرواز، پژوهشهای هواپیمایی،زبان،علوم پایه،کامپیوتر،آموزش‌های تخصصی

دانشکده روابط بین الملل امور خارجه: این دانشکده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جهت بازسازی و تبدیل موسسه روابط بین الملل در ۱۳۶۱ تاسیس شد این دانشکده در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته روابط سیاسی،حقوق کنسولی ، دیپلماسی،سازمان بین‌المللی و مطالعات منطقه‌ای دانشجو می‌پذیرد. و وابسته به امور خارجه است.

دانشکده صدا و سیما: مدرسه عالی تلویزیون و سینما در ۱۳۴۸ ایجاد شد که در مقطع کاردانی دانشجو می‌گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مرکز آموزش فنی و سپس در ۱۳۶۱ به دانشکده صدا و سیما وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. هدف آن تربیت نیروی انسانی در زمینه فنی و تولیدی صدا و سیماست. گروههای آموزشی آن تولید، فنی، ارتباطات عمومی، فرهنگ و معارف اسلامی، زبان و رایانه‌اند.

دانشکده خبر: این دانشگاه که زیر مجموعه دانشگاه جامع علمی - کاربردی و وابسته به سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران است در ۱۳۷۴ تاسیس شد. گروهای آموزشی آن عبارتند از: خبرنگاری، عکاسی خبری، زبان خارجه . دانشکده امور اقتصادی

این دانشکده در ۱۳۶۷ در پی تاسیس دبیرستان و سپس آموزشگاه عالی وزارت امور اقتصادی و دارایی و با هدف تربیت نیروی کار آمد جهت اشتغال در این وزارتخانه و سازمانهای وابسته تاسیس گردید.

گروههای آموزشی: اقتصاد، ریاضی و آمار و کامپیوتر، حسابداری و حسابرسی، دروس عمومی و پایه، مدیریت و امور بیمه، مدیریت و امور بانکداری، مدیریت و امور گمرکی، مالی و مالیاتی، حقوق مالی.

مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، و

کارشناسی ارشد.
دانشگاه الزهراء: این دانشگاه با نام مدرسهٔ عالی دختران در ۱۳۴۳ تأسیس شد و در سال تحصیلی ۱۳۵۴ـ ۱۳۵۵ تبدیل به دانشگاه شد، و از ۱۳۵۶ با دانشکده‌های علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، علوم مدیریت و اقتصاد به فعالیت خود ادامه داد. با پیروزی انقلاب اسلامی به نام مقدس حضرت زهرا سلام ا... علیها، الزهرا نامیده شد. در ۱۳۶۵ چهار دانشکده آن به دانشکده‌های علوم پایه، علوم اجتماعی و اقتصاد، ادبیات و هنر تبدیل گردید. در ۱۳۷۳ دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، تربیت بدنی، و فنی و مهندسی به آن اضافه شدند. دانشکـدههای الهـیات و ادبـیات (گـروههای آموزشی: زبان انگلیسی، زبان فـرانسـه، ادبیات فارسی، مطالعات خانواده، تاریخ، علوم قرآن و حدیث، فقه و مبانی حقوق اسلامی، تـاریخ و تمدن اسـلامی، فـلسفه و کـلام اسـلامی، زبـان وادبیات عرب)، دانشکدهٔ تربیت بدنی (گروههای آموزشی :دبیری تربیت بدنی و عـلوم ورزشـی ،تربیت بدنی و علوم ورزشی)، دانشکدهٔ عـلوم اجتماعی و اقتصاد (گروههای آموزشی: مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی و اقتصاد)، دانشکدهٔ علوم پایه (گروههای آموزشی: ریاضی، فیزیک ،شیمی، زیست‌شناسی)، دانشکدهٔ علوم تربیت و روان‌شناسی (گروههای آموزشی: علوم تربیتی، روان‌شناسی، کتابداری) دانشکدهٔ فنی و مهندسی (گروههای آموزشی مهندسی صنایع، مهندسی کامپیوتر) دانشکدهٔ هـنر (گـروههای آمـوزشی: طراحی صنعتی، صنایع دستی ،نقاشی، طراحی لباس، چـاپ پـارچـه و ارتـباط تـصویر) در آن فـعالیت دارنـد. پـژوهشکدهٔ زبـان (گـروههای پژوهشی مطالعات خـانواده، عـلوم اجـتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی) از مراکز تحقیقاتی آن است.
مقاطع تحصیلی: کارشناسی و کارشناسی ارشد.
دانشگاه امام حسین علیه السلام: این دانشگاه در ۱۳۶۵ تأسیس شد و از ۱۳۶۶ به عنوان دانشگاه جـامع مـتشکل از دانشکـده‌های عـلوم پـایه، مهندسی، علوم پزشکی و علوم انسانی، رسمیت یافت. در ۱۳۶۹ دانشکدهٔ علوم پایهٔ نظامی به آن اضافه شد و با تبدیل دانشکدهٔ علوم پزشکی به دانشگاه علوم پزشکی بقیة‌الله الاعظم (ع)، رسماً از دانشگاه مذکور جدا شد.
دانشکده‌های آن عبارت اند از: دانشکـدهٔ عـلوم نظامی (گروههای آموزشی: علوم نظامی، علوم انسانی، علوم پایه، مدیریت نـظامی و دژبـان)، دانشکـدهٔ عـلوم انسـانی (گـروههای آمـوزشی: جغرافیا ،مدیریت و آمار، حقوق و علوم سیاسی، حسابداری و اقتصاد علوم تربیتی و روان‌شناسی، ادبیات و زبان‌های خارجی و علوم اجـتماعی)، دانشکدهٔ علوم پایه (گروههای آموزشی: ریاضی، آمار، شیمی، فیزیک، زیست شناسی، اطلاعات نظامی، تربیت بدنی و جنگ‌های نوین)، دانشکدهٔ فنی و مهندسی (گـروههای آمـوزشی: عـمران، مکانیک، کامپیوتر، صنایع و برق)، پـژوهشکدهٔ فنی و مهندسی (گروههای پژوهشی: برق، صنایع، مکانیک و مهندسی شیمی)، پژوهشکدهٔ عـلوم انســانی (گـروههای پـژوهشی: مـدیریت، حسابداری، ادبیات و علوم اسلامی، علوم تربیتی ظ، عـلوم اجـتماعی و تـاریخ عـلوم سیاسی)، پژوهشکدهٔ علوم دفاعی (گـروههای پـژوهشی: اقتصاد دفاع، علوم سیاسی، روابط بـین المـلل، مطالعات جنگ، امنیت ملی ، اطلاعات جغرافیای نظامی و مطالعات ایران)، پژوهشکدهٔ علوم پایه

(گروههای پژوهشی: ریاضی، فیزیک و زیست‌شناسی). مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی،کارشناسی ارشد و دوره‌های آموزشی شبانه

دانشگاه پیام نور: نظام آموزش از راه دور ایران از سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۰ در دانشگاههای ابوریحان و آزاد ایران ایجاد شد. در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۶۰ این دو دانشگاه در مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی پس از تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی در ۱۳۶۴ و ادغام مجتمع آموزشی مذکور در این دانشگاه، اجرای انجام امور مربوط به مراکز آموزش نیمه حضوری به دانشگاه علامه طباطبایی واگذار گردید و در ۱۳۷۶ اساسنامه دانشگاه پیام نور به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این دانشگاه در حال حاضر با ۴۴ مرکز و ۲۳ واحد و ۲ دانشکده در ۲۱ رشته تحصیلی در نقاط مختلف کشور به فعالیت و آموزش است.

دوره‌های تحصیلی: کاردانی و کارشناسی

دانشگاه تربیت مدرس: این دانشگاه با هدف تربیت اعضای هیئت علمی و محققان مؤمن و متعهد به انقلاب اسلامی و متخصص در رشته‌های مورد نیاز دانشگاه و مراکز آموزش عالی و تحقیقات کشور در ۱۳۶۰ تأسیس شد. این دانشگاه دارای هشت دانشکده و پنج مرکز تحقیقاتی است. دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده فنی و مهندسی (گروههای آموزشی: مهندسی برق، مهندسی پزشکی و کنترل، مهندسی کامپیوتر، مهندسی شیمی، مهندسی صنایع، مهندسی عمران، مهندسی معدن ، مهندسی مکانیک، مهندسی مواد)، علوم انسانی (گروه‌های آموزشی: زبان آلمانی، فرانسه و انگلیسی، زبان ادبیات فارسی، عربی، فلسفه و کلام اسلامی، الهیات، علوم قرآن و حدیث، علوم اقتصاد، باستان‌شناسی، تاریخ، علوم تربیتی، تربیت بدنی، و علوم ورزشی، جامعه‌شناسی، حسابداری، روان‌شناسی، زبان شناسی، سنجش از دور و اطلاعات جغرافیایی، علوم سیاسی، علوم کتابداری، تعلیم و تربیت اسلامی، حقوق خصوصی ،حقوق جزا و جرم‌شناسی، علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل، مدیریت بازرگانی، مدیریت دولتی، مدیریت صنعتی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای طبیعی و انسانی، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری)، علوم پایه (پروژه‌های آموزشی: آمار، بیوشیمی، بیوفیزیک ،ژنتیک، علوم گیاهی، ریاضی، زمین‌شناسی، شیمی، و فیزیک)، پزشکی (گروه‌های آموزشی: آمار حیاتی، آموزش بهداشت، پرستاری، انگل‌شناسی، بهداشت حرفه‌ای، بهداشت محیط، تکنولوژی رادیولوژی، خون‌شناسی، علوم تشریح، حشره‌شناسی پزشکی، فیزیوتراپی، ایمن‌شناسی، باکتری شناسی، فیزیولوژی، قارچ‌شناسی، ویروس‌شناسی، بیوشیمی بالینی و مامایی)، هنر(گروههای آموزشی: پویانمایی، شهرسازی ،کارگردانی، مدیریت پروژه ساخت، نقاشی، ادبیات نمایشی، ارتباط تصویری (گرافیک و پژوهش هنر) کشاورزی (با گروههای آموزشی: مهندسی کشاورزی، آبیاری و زه‌کشی، اصلاح نباتات، اقتصاد کشاورزی، باغبانی، زراعت، بیماری‌شناسی گیاهی، پرورش و مدیریت، تولید، ترویج و آموزش کشاورزی، خاک‌شناسی، علوم دامی، علوم صنایع غذایی، مکانیک ماشین‌های کشاورزی و تأسیسات آبیاری) دانشکده منابع

طبیعی نور (با گروه‌های آموزشی آبخیزداری، جنگلداری، علوم و صنایع چوب و کاغذ، محیط زیست، مرتع داری، هواشناسی)، دانشکده علوم دریایی (باگروههای پژوهشی، شیلات، بیولوژی ماهیان دریا و فیزیک دریا)، مراکز تحقیقاتی این دانشگاه عبارت‌اند از: مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران (با گروههای پژوهشی اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران و توسعه، اقتصادکشاروزی، اقتصاد برنامه ریزی)، مرکز مطالعات افریقا شناسی، مرکز تحقیقات بین المللی زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی و مرکز تحقیقات چابهار.
دروه‌های تحصیلی: کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی

دانشگاه تربیت معلم تهران: دانشگاهتربیت معلم، اولین مرکز آموزش عالی کشور است که در ۱۲۹۸ به نام دار المعلمین مرکزی تأسیس شد. دارالمعلمین مرکزی در ۱۳۰۵ به دارالمعلمین عالی، در ۱۳۱۲ به دانشسرای عالی تغییر نام داد، که در ۱۳۴۶ به شکل یک مؤسسه مستقل تحت نظارت وزارت علوم و آموزش عالی قرار گرفت. و سرانجام در ۱۳۵۴ دانشگاه تربیت معلم نامیده شد. دانشسرای عالی سنندج و یزد، مدرسه عالی علوم اراک، و مدرسه علوم کاشان همه تحت پوشش این دانشگاه قرار داشتند و در ۱۳۶۲ دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی و بخشی از مجتمع دانشگاهی علوم در این دانشگاه ادغام شدند. در ۱۳۶۶ شعبه دانشگاه سبزوار و در ۱۳۶۸ شعبه دانشگاه تبریز تأسیس شدند و در ۱۳۶۸ طبق مصوبه شورای گسترش دانشگاهها تمام این شعبه‌ها از این دانشگاه جدا و مستقل گردیدند. دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده علوم (با گروههای آموزشی زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی (باگروههای آموزشی روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، بنیادهای آموزش و پرورش، مدیریت، علوم تربیتی (با گروههای آموزشی روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، بنیادهای آموزش وپرورش، مدیریت ،علوم تربیتی، تکنولوژی)، ادبیات و علوم انسانی (با گروه‌های آموزشی تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، زبان و ادبیات فارسی، ادبیات عرب، معارف اسلامی الهیات)، شیمی (با گروه‌های آموزشی ریاضی مهندسی کامپیوتر)، تربیت بدنی (با گروههای آموزشی: تربیت بدنی خواهران وبرادران). مؤسسه تحقیقاتی تربیتی از جمله مراکز تحقیقاتی این دانشگاه به شمار می‌روند.
دروه‌های تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی .

دانشگاه رازی: دانشگاه رازی با نام دانشکده علوم و در چهار رشته ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی در ۱۳۵۱ ایجاد شد و از آن‌جا که دانشکده دام‌پروری ایلام و دانشکده تربیت دبیر سنندج تحت نظارت نهاد آموزش عالی کرمانشاه فعالیت می‌کردند در سال ۱۳۵۴ نام دانشکده علوم به دانشگاه رازی تغییر یافت. هم اکنون این دانشگاه با چهار دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با گروه‌هایی آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب، علوم سیاسی، کتابداری، حسابداری، جغرافیا، الهیات، زبان انگلیسی و مشاوره و اقتصاد)، دانشکده علوم (با گروهای آموزشی ریاضی، فیزیک، زیست شناسی، آمار و شیمی)، دانشکده فنی و مهندسی (با گروه‌های آموزشی مهندسی شیمی، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی عمران و معماری)،

دانشکده کشاورزی (باگروههای آموزشی: زراعت و اصلاح نباتات، علوم دامی، ترویج و آموزش کشاورزی، آبیاری و گیاهپزشکی)، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی (باگروه‌های آموزشی تربیت بدنی) و آموزشکده دام پزشکی و مرکز آموزش عالی قصر شیرین (با گروه‌های آموزشی منابع طبیعی و جنگلداری) فعالیت می‌کنند.

دوره‌های تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترایِ تخصصی.

دانشگاه تهران: دانشگاه تهران اولین دانشگاه در ایران است که دربهمن ماه ۱۳۱۳ با شش دانشکده ادبیات و علوم انسانی، حقوق و علوم سیاسی، پزشکی، علوم، الهیات و معارف اسلامی و فنی رسماً کار خود را آغاز نمود. در حال حاضر نیز دارای شانزده دانشکده، در دو مجتمع آموزشی و بیست مؤسسه و مرکز آموزشی تحقیقاتی است. دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده اقتصاد (یا گروههای آموزشی: اقتصاد کشاورزی، باغبانی، ترویج و آموزش کشاورزی، علوم صنایع غذایی، علوم دامی، گیاه پزشکی، ماشینهای کشاورزی، خاکشناسی، زراعت و اصلاح نباتات و پژوهش بیوتکنولوژی کشاورزی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با گروه‌های آموزشی جغرافیا، تاریخ، باستان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب، فرهنگ و زبان‌های باستانی)، دانشکده الهیات (باگروه‌های آموزشی علوم قرآن و حدیث، فقه و مبانی حقوق اسلامی، فلسفه و کلام اسلامی، تاریخ تمدن اسلامی، ادیان و عرفان تطبیقی و فقه شافعی)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی (با گروه‌های آموزشی روشها و برنامه‌های آموزشی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مبانی روانی آموزش و پروشش، کتابداری واطلاع رسانی ،روان‌شناسی، مبانی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (با گروه‌های آموزشی مهندسی شیمی، عمران، علوم پایه، سلولزی، معدن، نقشه‌برداری، مکانیک، صنایع ،برق و کامپیوتر، متالورژی، و مواد)، دانشکده زبانهای خارجی (باگروه‌های آموزشی زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی، ایتالیایی، آلمانی، واردو)، دانشکده تربیت بدنی باگروه‌های آموزشی مبانی علوم انسانی، علوم زیست‌شناسی و طب ورزشی)، دانشکده هنرهای زیبا (با گروه‌های آموزشی معماری، شهرسازی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و موسیقی)، دانشکده محیط زیست (با گروههای آموزشی عمران، مهندسی محیط زیست، برنامه ریزی مدیریت آموزش محیط زیست و مهندسی طراحی محیط)، دانشکده علوم (با گروه‌های آموزش شیمی، فیزیک، ریاضی و علوم کامپیوتر، زیست شناسی، بیوتکنولوژی و زمین‌شناسی)، دانشکده منابع طبیعی (باگروه‌های آموزشی احیای مناطق خشک وکوهستانی، جنگلداری و اقتصاد جنگل، شیلات و محیط زیست، علوم و صنایع چوب و کاغذ)، دانشکده دام پزشکی (با گروه‌های آموزشی بهداشت و کنترل مواد غذایی، میکروبیولوژی و فارماکولوژی)، دانشکده علوم اجتماعی (با گروههای آموزشی جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، دبیری، تعاون، جمعیت‌شناسی، ارتباطات و توسعه) و دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.

مجتمع آموزش عالی ابوریحان (با گروههای آموزش فنی و کشاورزی، تولیدات گیاهی، عمران روستایی ،گیاه‌پزشکی و علوم دامی) و مجتمع

آموزش عالی قم (با گروه‌های آموزشی حقوق، مدیریت دولتی، فلسفه، الهیات و ادبیات عرب) از مراکز وابسته به دانشگاه هستند. مراکز تحقیقاتی دانشگاه عبارت‌اند از: مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی (با گروه‌های پژوهشی علوم کشاورزی، منابع طبیعی، علوم زمین، علوم انسانی، هنر و فنی مهندسی)، مرکز جنگل آموزشی تحقیقاتی و پژوهشی خیر رودکنار، مؤسسه مطالعات و تحقیقاتی علوم اجتماعی (با گروه‌های پژوهشی مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی و مسائل شهری و زنان)، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی (با گروه‌های پژوهشی مسائل توسعه‌ای و اقتصادی)، مرکز تحقیقات باغبانی، بیمارستان آموزشی و پژوهشی، ایستگاه دام‌پروری، بانک ژن غلات و حبوبات، موزه جانورشناسی، مؤسسه باستان شناسی (با گروه‌های پژوهشی باستان‌شناسی پیش از تاریخ باستان‌شناسی دوران تاریخ، باستان‌شناسی دوران اسلامی و اسناد و کتیبه)، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک (با گروه‌های پژوهشی آموزشی سلولی مولکولی)، مؤسسه ژئوفیزیک (با گروههای پژوهشی فیزیک فضا، فیزیک زمین) دوره‌های تحصیلی: کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی.

دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی: دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی از دانشگاه‌های زیر مجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که به منظور توسعه آموزش‌های علمی ـ کاربردی ایجاد شده و هدف آن فراهم آوردن موجباتی برای مشارکت سازمانها و دستگاههای اجرایی، بخش‌های دولتی و غیر دولتی در امر آموزش عالی است. این دانشگاه مسئولیت برنامه ریزی، سازماندهی، پشتیبانی، کارشناسی عملیاتی و اطلاعاتی آموزشهای علمی ـ کاربردی و همچنین نظارت و ارزشیابی مراکز و مؤسسات مجریان آموزش‌ها را به عهده دارد. دانشگاه برای انجام وظایف خود دارای یک سازمان مرکزی در تهران و یک واحد استانی در مرکز هر استان است. واحد استانی عهده‌دار انجام وظایف دانشگاه در استان مربوطه بوده و علاوه بر فعالیت در جهت گسترش آموزش‌های علمی ـ کاربردی مورد نیاز استان، بر دوره‌های علمی ـ کاربردی در حال اجرا در سطح استان نظارت خواهد نمود.

تحصیل در دانشگاه جامع کلیه دوره‌های علمی ـ کاربردی رسمی در مقاطع مختلف با نظارت دانشگاه در مراکز و موسسات آموزش عالی دارای مجوز در سطح کشور اجرا می‌شود. پذیرفته شدگان در دانشگاه جامع، جهت تحصیل به مراکز و مؤسسات آموزش عالی مزبور معرفی می‌شوند. دانشگاه جامع در طول اجرای دوره بر فرایند آموزشی نظارت داشته و نهایتاً پس از ارزیابی لازم مدارک تحصیلی دانش آموختگان را صادر می‌کند.

فعالیت‌های دانشگاه جامع دانشگاه فعالیت‌های خود را رسماً از سال ۱۳۷۳ آغاز نموده و در حال حاضر بالغ بر ۱۲۱۹۰۷ هزار دانشجو دارد. این دانشگاه در سال ۱۳۸۳ برای ۲۱۳ رشته آموزشی در ۷۷۳ کد رشته اقدام به پذیرش ۳۶۴۸۳ هزار دانشجو در مقاطع کاردانی، کارشناسی پیوسته و ناپیوسته نموده است و در دوره‌های پودمانی ۴۰ هزار دانشجو می‌پذیرد. این دانشگاه آموزشهای مزبور را در بیش از ۴۰۰ مؤسسه و مرکز آموزش عالی علمی ـ کاربردی با بیش از ۲۸۰ عضو هیأت علمی و ۴۳۴۹ عضو مدرس علمی ـ کاربردی دارای مجوز اجرا می‌نماید.

روشهای اجرای آموزش‌های علمی ـ کاربردی در دانشگاه با توجه به ماهیت علمی ـ کاربردی، دوره‌های تحصیلی برنامه‌ریزی شده به روش‌های زیر اجرا می‌شود.

الف ـ اجرای ترمی مستمر ـ در این روش دوره‌های تحصیلی همانند سایر دانشگاه‌ها اجرا می‌شود و دانشجو از طریق آزمون سراسری دانشگاه جامع پذیرفته شده و به مراکز و مؤسسات آموزش عالی دارای مجوز اجرای دوره معرفی می‌گردد. دانشجو تحصیلات خود را در چند ترم تحصیلی به پایان رسانده و مدرک تحصیلی دانشگاه را در مقطع مربوطه کسب می‌کند.

ب ـ اجرای پودمانی ـ هر پودمان تعدادی واحد درسی (حدود ۹ واحد) مربوطه به یک تخصص یا مهارت است که داوطلب پس از ثبت نام در پودمان و گذراندن واحدهای آن گواهینامه رسمی آن پودمان را دریافت می‌کند. تعدادی پودمانها در یک زمینه تخصصی حسب برنامه مصوب، یک دوره تحصیلی را تشکیل می‌دهند با گذراندن همه پودمانها در یک زمینه تخصصی حسب برنامه مصوب، یک دوره تحصیلی را تشکیل می‌دهند. با گذراندن همه پودمانها، یک اجرای پودمانی انعطاف پذیری زیاد داشته و دانشجو می‌تواند هر پودمان را در هر زمان در یکی از مراکز و مؤسسات آموزش عالی دارای مجوز بگذراند. در روش پودمانی آزمون سراسری وجود ندارد و در طول تحصیل نیز دانشجو از معافیت تحصیلی برخوردار نخواهد بود. ـ وزارت علوم، تحقیقات فناوری

دانشگاه شاهد: در راستای پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در ۶ فروردین ۱۳۶۵ مبنی بر رسیدگی به امور فرهنگی و تحصیلی فرزندان شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان جنگ تحمیلی وانقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد در مهر ماه ۱۳۶۹ با پذیرش ۱۶۵ دانشجو در هفت رشته تحصیلی کار خود را آغاز نمود. این دانشگاه غیر انتفاعی و با شخصیت حقوقی مستقل دارای هشت دانشکده است و در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای دانشجو می‌پذیرد. دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده پزشکی (با گروه‌های آموزشی فیزیولوژی، انگل‌شناسی، بهداشت پزشکی اجتماعی، روان پزشکی، بیوشیمی و فارماکولوژی)، دانشکده دندان پزشکی (با گروه‌های آموزشی اندودنتیکس، ترمیم، اطفال، پریودنتولوژی، ارتودنسی، پروتزهای دندانی، تشخیص و بیماریهای دهان و رادیولوژی)، دانشکده علوم پایه (با گروه‌های آموزشی زیست‌شناسی، ریاضی، و فیزیک)، دانشکده کشاورزی (با گروه‌های آموزشی زراعت و اصلاح نباتات، باغبانی و گیاه‌پزشکی)، دانشکده علوم انسانی (با گروه‌های آموزشی تربیتی، علوم اجتماعی ،روان‌شناسی، کتابداری، حقوق، مدیریت، و الهیات و معارف اسلامی)، دانشکده فنی و مهندسی (با گروه‌های آموزشی مهندسی برق، رایانه، مهندسی پزشکی)، و دانشکده هنر (با گروه‌های آموزشی نقاشی)، با ارتباط تصویری و پژوهش هنر).

بیمارستان شهید مصطفی خمینی و بیمارستان حضرت زینب (س) وابسته به بیمارستانهای علوم پزشکی این دانشگاه هستند.

دانشگاه شهید بهشتی: این دانشگاه در ۱۳۳۸ با نام دانشگاه ملی تاسیس شد و از ۱۳۳۹ با دانشکده‌های معماری و شهر سازی . بانکداری و علوم اقتصادی - مالی فعالیت آموزشی خود را شروع نمود .

قبل از انقلاب اسلامی به صورت ملی و از محل اخذ شهریه اداره می‌شد. از ۱۳۵۸ دانشگاه دولتی شده و از ۱۳۶۲ به دانشکده شهید بهشتی تغییر نام داد. این دانشگاه دارای ده دانشکده به شرح زیر است که در مقاطع مختلف تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با نه گروه آموزشی)، دانشکده حقوق (با چهار گروه آموزشی)، دانشکده علوم (با سه گروه آموزشی)، دانشکده علوم اداری (با سه گروه آموزشی)، دانشکده علوم اقتصادی (با دو گروه آموزشی)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی (با چهار گروه آموزشی)، دانشکده علوم زمین (با دو گروه آموزشی)، دانشکده معماری و شهر سازی (با چهار گروه آموزشی)، دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر (با دو گروه آموزشی).

گروه تربیتی و گروه معارف اسلامی از مراکز آموزشی عالی وابسته به این دانشگاه هستند.

مرکز تحقیقات شیمیایی، مرکز تحقیقات علوم اداری، مرکز تحقیقات علوم اقتصادی، مرکز تحقیقات معماری و شهر سازی، پژوهشکده لیزر (با دو گروه پژوهشی) نیز در این دانشگاه فعالیت دارند.

دانشگاه صنعتی امیرکبیر: این دانشگاه در ۱۳۳۷ با نام دانشکده صنعتی در چهار رشته مهندسی مکانیک، نساجی، شیمی و راه و ساختمان کار خود را شروع نمود. در ۱۳۴۴ به دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران و در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه صنعتی امیر کبیر تغییر نام داد. این دانشگاه در حال حاضر دارای چهارده دانشکده، دو مرکز آموزش عالی وابسته و هفت مرکز تحقیقاتی است. در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده مهندسی برق (شامل گروههای آموزشی قدرت، الکترونیک، مخابرات و الکترونیک)، دانشکده مهندسی پزشکی (شامل گروههای آموزشی بیوالکترونیک، بیومکانیک و بیو مواد) دانشکده مهندسی پلیمر (شامل گروههای آموزشی پلیمر، صنایع رنگ)، دانشکده ریاضی و کامپیوتر (شامل گروههای آموزشی ریاضی محض، ریاضی کاربردی، علوم کامپیوتر، معدن)، دانشکده مهندسی معدن، متالورژی و نفت (شامل گروههای آموزشی متالورژی صنعتی، متالورژی استخراج، استخراج معدن، اکتشافات معدن، مکانیک سنگ و اکتشافات استخراج و حفاری نفت)، دانشکده مهندسی مکانیک (شامل گروههای آموزشی طراحی جامدات، حرارت و سیالات، ساخت و تولید، طراحی کاربردی و تبدیل انرژی)، دانشکده مهندسی عمران (شامل گروههای آموزشی سازه، خاک رس، مهندسی آب، سازه‌های هیدرولیک، راه و ترابری و زلزله)، دانشکده مهندسی کامپیوتر (شامل گروههای آموزشی نرم‌افزار، سخت‌افزار، معماری، سیستمهای کامپیوتری و هوش مصنوعی)، دانشکده فیزیک و علوم هسته‌ای (شامل گروههای آموزشی فیزیک، مهندسی هسته‌ای و مهندسی پرتوپزشکی)، دانشکده شیمی (شامل گروههای آموزشی پتروشیمی، صنایع غذایی، مهندسی شیمی پیشرفته، مهندسی بیوالکترونیکی، مهندسی مخازن)، دانشکده مهندسی صنایع (شامل گروههای آموزشی تولید صنعتی، برنامه ریزی و تحلیل سیستمها، مهندسی صنایع سیستمهای اقتصادی، اجتماعی و مدیریت

سیستم و بهره‌وری) ، دانشکده مهندسی نساجی (شامل گروههای آموزشی تکنولوژی ، نساجی، شیمی نساجی ، علوم الیاف و مدیریت نساجی) ، دانشکده مهندسی هوا و فضا (شامل گروههای آموزشی آیرودینامیک، جلوبرندگی، سازه و مکانیک پرواز).

مراکز آموزش عالی واحد تفرش (شامل گروههای آموزشی مهندسی برق ، ریاضیات ، مهندسی عمران و مهندسی صنایع)، مرکز مهندسی کشتی سازی و صنایع دریایی (شامل گروههای آموزشی معماری کشتی، مهندسی دریایی، مهندسی اقیانوس و تکنولوژی زیر آبی و مهندسی سواحل و بنادر) از مراکز آموزش عالی این دانشگاه هستند.

مرکز تحقیقاتی این دانشگاه عبارتند از: مرکز تحقیقات فناوریهای نو (شامل گروههای پژوهشی روباتیک و اتوماسیون، مکاترونیک ، آینده‌شناسی)، مرکز تحقیقات سیمان، پژوهشکده علوم و فنون امیرکبیر (شامل گروههای پژوهشی مهندسی آموزشی ، استراتژی و توسعه انرژی و اسانس و عصاره)، مرکز تحقیقات الیاف مصنوعی و صنایع نساجی (شامل گروههای پژوهشی تکنولوژی نساجی، شیمی نساجی و علوم الیاف)، مرکز تحقیقات برق و الکترونیک (شامل گروههای پژوهشی تکنولوژی و اطلاع رسانی ، جنگ های الکترونیکی و رادار، مخابرات دیجیتال ، اتوماسیون و کنترل دیجیتال) ، مرکز تحقیقات صنایع غذایی، و قند (شامل گروههای پژوهشی مهندسی صنایع غذایی ، بیوتکنولوژی غذایی و مهندسی بیوشیمی) ، مرکز تحقیقات مهندسی صنایع و بهره‌وری (شامل گروههای پژوهشی تولیدات صنعتی ،گروه سیستمها و کامپیوتر ،گروه بهره‌وری).

دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی: این دانشگاه ابتدا در ۱۳۰۷ با تاسیس دانشکده مخابرات کار خود را در محل فعلی دانشکده مهندسی برق آغاز نمود. در پی تصویب ستار انقلاب فرهنگی در ۱۳۵۹ با ادغام نه مرکز آموزش عالی (مدرسه عالی فنی ، دانشکده نقشه برداری، موسسه آب‌شناسی ، موسسه عالی تکنیکوم (نفیسی) تهران ، دانشکده هواشناسی و علوم جوی ، دانشکده مخابرات ، مدرسه عالی ساختمان ، دانشگاه کار و پیشه ، تربیت دبیر فنی پلی تکنیک تهران ، دانشگاه علوم و فنون، مجتمع آموزشی وزارت راه ، مجتمع تکنولوژی تهران و مدرسه عالی تلویزیون و سینما)، مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی به وجود آمد که در ۱۳۶۲ نام آن به دانشگاه فنی و مهندسی و در ۱۳۶۷ به دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی تغییر یافت . این دانشگاه در حال حاضر دارای پنج دانشکده و دو مرکز تحقیقاتی است . به علاوه، در مقاطع تحصیلی کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی دانشجو می‌پذیرد .

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده مهندسی مکانیک (باگروههای آموزشی حرارت و سیالات، طراحی جامدات ، ساخت و تولید طراحی کاربردی ، طراحی سیستمهای تعلیق ، خودرو ، فرمان و بدنه ، سازه و بدنه خودرو ، مهندسی فضایی ، مهندسی مواد ، مکانیک) ، دانشکده مهندسی برق (شامل گروههای آموزشی الکترونیک ، قدرت ، مخابرات ، کنترل) دانشکده مهندسی علوم پایه (شامل گروههای آموزشی فیزیک ، شیمی ، ریاضی ، فیزیک هسته‌ای و فیزیک حالت جامد)، دانشکده مهندسی عمران (شامل گروههای آموزشی مهندسی آب ، مهندسی

عمران، مهندسی نقشه برداری، مهندسی زلزله، مهندسی سازه، مهندسی سازه‌های هیدرولیکی، مهندسی مکانیک خاک و پی، مهندسی محیط زیست، مهندسی سنجش از راه دور سیستم اطلاعات جغرافیا، ژئودزی)، دانشکده مهندسی صنایع (باگروههای آموزشی مهندسی صنایع) مرکز علوم و فنون و مرکز مشاوره و تحقیقات دفتر مرکزی از مراکز تحقیقاتی وابسته به این دانشگاه‌اند.

دانشگاه صنعتی شریف: این دانشگاه در ۱۳۴۴ با نام دانشگاه صنعتی تهران و با چهار دانشکده مهندسی مکانیک، برق، شیمی، و متالورژی تاسیس شد. در حال حاضر، این دانشگاه دارای هفت دانشکده مهندسی، سه دانشکده علوم پایه، شش مرکز آموزشی و پنج مرکز تحقیقاتی است و در دوره های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجومی پذیرد.

دانشکده‌های این دانشگاه عبارت اند از: دانشکده مهندسی عمران (شامل گروههای آموزشی محیط زیست، زلزله، حمل و نقل، سازه ژئوتکنیک و سازه هیدرولیکی)، دانشکده مهندسی صنایع (شامل گروههای آموزشی تولید صنعتی و تحلیل سیستم)، دانشکده ریاضی (شامل گروههای آموزشی کاربرد در کامپیوتر، کاربرد در آمار، ریاضی محض) دانشکده شیمی (شامل گروههای آموزشی شیمی کاربردی، شیمی معدنی، شیمی آلی، شیمی تجزیه و فیزیک)، دانشکده فیزیک (شامل گروههای آموزشی فیزیک کاربردی و محض) دانشکده برق (شامل گروههای آموزشی الکترونیک، کنترل، مخابرات، قدرت، مهندسی پزشکی)، دانشکده مهندسی شیمی (شامل گروههای آموزشی بیوتکنولوژی، صنایع غذایی، محیط زیست، جدا سازی، مهندسی پزشکی، فرایند، کنترل، کاتالیست و پلیمر)، دانشکده مواد (متالورژی) (شامل گروههای آموزشی استخراجی، صنعتی و فیزیک مواد)، دانشکده مکانیک (شامل گروه‌های آموزشی جامدات سیالات، کشتی سازی، هوافضا، هسته‌ای، بیومکانیک و ساخت و تولید)، دانشکده کامپیوتر (شامل گروههای آموزشی نرم‌افزار، سخت‌افزار، هوش مصنوعی و معماری کامپیوتر)، دانشکده مدیریت و سیستم‌های بهره‌وری) دانشکده هوا فضا.

پژوهشکده الکترونیک (شامل گروههای پژوهشی مهندسی پزشکی، امنیت اطلاعات، کنترل صنعتی، سیستمهای ابزار دقیق و پردازش سیگنال مدارهای مجتمع)، مرکز تحقیقات آب و انرژی (شامل گروههای پژوهشی آب، محیط زیست و انرژی)، مرکز تحقیقات بیو شیمی، مرکز محاسبات (شامل گروههای پژوهشی امنیت شبکه، مطالعات اینترنت و نرم افزارهای کاربردی از مراکز تحقیقاتی وابسته به این دانشگاه هستند.

دانشگاه صنعتی مالک اشتر: این دانشگاه در ۱۳۶۵ تاسیس گردید و سپس در پی یکصد و چهل و دومین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی عنوان آن از مرکز آموزش عالی ابتدا به دانشگاه علوم و صنایع دفاعی، و سپس به دانشگاه صنعتی مالک اشتر تغییر نام داد. این دانشگاه دارای شخصیت حقوقی مستقل و زیر نظر موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده‌های علوم کاربردی، مواد، برق، مکانیک، صنایع و هوا فضا باگروههای آموزشی علوم پایه (سه رشته) و فنی

مهندسی (ده رشته). این دانشگاه پنج مرکز آموزشی دارد.
پژوهشگاه علوم و تکنولژی دفاعی شامل پژوهشکده‌های زیر سطحی، هواپیمایی، الکترونیک، فیزیک، و مواد از مراکز تحقیقاتی وابسته به این دانشگاه‌اند.
مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد.
دانشگاه علامه طباطبائی: این دانشگاه در ۱۳۶۳ از ادغام دو مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی و علوم اداری و بازرگانی ایجاد شد که هر یک ار آنها از ادغام چند موسسه آموزش عالی در ۱۳۵۸ به وجود آمده بودند.
این دانشگاه در حال حاضر شامل دانشکده‌های علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد، روان‌شناسی و علوم تربیتی، حسابداری و مدیریت، ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی و موسسه آموزش عالی بیمه اکو است و در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیرد. مرکز آموزش از راه دور نیز که تحت پوشش دانشگاه بود از ۱۳۶۶ از آن جدا شده و با عنوان دانشگاه پیام نور فعالیت دارد.
دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده علوم اجتماعی (شامل گروههای آموزشی ارتباطات اجتماعی، پژوهشگری اجتماعی، تعاون و رفاه اجتماعی، مددکاری اجتماعی، امور فرهنگی و برنامه ریزی اجتماعی)، دانشکده علوم و حقوق سیاسی (شامل گروههای آموزشی حقوق و حقوق بین الملل و علوم سیاسی) دانشکده اقتصاد (شامل گروههای آموزشی اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، اقتصاد کشاورزی و آمار)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی (شامل گروههای آموزشی روان‌شناسی بالینی، روان شناسی کودکان استثنایی، روان‌شناسی تربیتی، آموزش و پرورش، تکنولوژی آموزشی، زیست‌شناسی، کتابداری، تربیت بدنی، سنجش و اندازه‌گیری، مدیریت آموزشی و مشاوره و راهنمایی)، دانشکده حسابداری و مدیریت (شامل گروههای آموزشی مدیریت دولتی، مدیریت بازرگانی و بیمه، مدیریت صنعتی، مدیریت جهانگردی و حسابداری)، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی (شامل گروههای آموزشی زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، معارف اسلامی، مترجمی فرانسه، زبان اسپانیولی، ادبیات فارسی، فلسفه و ادبیات عرب)
مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو (شامل گروههای آموزشی مدیریت بیمه) وابسته به این دانشگاه است.
مقاطع تحصیلی: کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی
دانشگاه علم و صنعت ایران: دانشگاه علم و صنعت ایران در ۱۳۰۸ با نام هنر سرای عالی در خیابان ۳۰ تیر (قوام السلطنه سابق) که محل مدرسه ایران و آلمان بود کار خود را شروع کرد. در ۱۳۳۶ به چهار راه کالج، محل فعلی دانشگاه صنعتی امیر کبیر منتقل شد و با عنوان هنر سرای عالی فنی در رشته‌های برق و ماشین دانشجو گرفت. در ۱۳۴۲ با نام هنر سرای عالی نارمک به نارمک، محل فعلی دانشگاه انتقال یافت. در ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه علم وصنعت ایران تغییر نام داد.
این دانشگاه علاوه بر پردیس مرکزی دارای دو واحد اقماری فعال در شهرهای اراک و بهشهر

است. پردیس مرکزی شامل دوازده دانشکده و سه گروه مستقل است .دانشگاه با ۳۳گرایش در مقطع کارشناسی و ۴۸گرایش در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در ۲۵ زمینه تخصصی فعالیت دارد .

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده برق (شامل گروههای آموزشی الکترونیک، قدرت، مخابرات، کنترل، مهندسی پزشکی، کامپیوتر)، دانشکده مواد و متالورژی (شامل گروههای آموزشی ریخته گری، آموزش تولیدات فلزات غیر آهنی، آموزش سرامیک، متالورژی صنعتی استخراجی)، دانشکده متالورژی (شامل گروههای طراحی جامدات، حرارت و سیالات، مواد، تاسیسات، ساخت و تولید، بیو مکانیک و هوا فضا)، دانشکده صنایع (شامل گروههای آموزشی تکنولوژی صنعتی، ایمنی صنعتی، برنامه ریزی و تحلیل سیستمها، مهندسی صنایع، مدیریت سیستم بهره‌وری، مهندسی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی، مدیریت اجرایی)، دانشکده مهندسی عمران (شامل گروههای آموزشی آب و سازه، ترابری، نقشه برداری، مکانیک خاک، برنامه حمل و نقل، سازه‌های هیدرولیکی و محیط زیست)، دانشکده ریاضی (شامل گروههای آموزشی ریاضی محض و کاربردی)، دانشکده مهندسی شیمی (شامل گروههای آموزشی شیمی، شیمی معدنی، طراحی فرایندها و بیولوژی)، دانشکده فیزیک (شامل گروههای آموزشی فیزیک اتمی و مولکولی، فیزیک هسته‌ای و فیزیک حالت جامد)، دانشکده معماری و شهر سازی (شامل گروههای آموزشی معماری، شهر سازی، مرمت، طراحی صنعتی، هنر و فن و ساختمان)

مقاطع تحصیلی: کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی

واحدهای اقماری: واحد اراک با چهار گرایش و واحد بهشهر با سه گرایش .

واحد اراک مقطع کارشناسی: مهندسی عمران (نقشه بر داری)، مهندسی مکانیک (تاسیسات، ساخت و تولید)، مهندسی معدن (اکتشافات)

واحد بهشهر مقطع کارشناسی: مهندسی کامپیوتر (نرم‌افزار)، مهندسی صنایع (تولید صنعتی)، ریاضی کاربردی

مرکز تحقیقاتی این دانشگاه عبارت از: پژوهشکده الکترونیک (با سه گروه پژوهشی ابزار دقیق، نیمه هادی، طراحی مواد)، آزمایشگاههای تخصصی با هفت نفر عضو هیئت علمی که برای توسعه صنعت الکترونیک از سال ۱۳۷۵ فعالیت خود را آغاز نمود .

پژوهشکده خود رو (با دو گروه پژوهشی در مورد هواپیما، هلی کوپتر، قطار انواع اتومبیل و اندازه‌گیری سرعت با سیم داغ، اندازه‌گیری فشار در تونل با دو مسائل آیرودینامیکی) فعالیت دارد.

مرکز تحقیقات معماری و شهر سازی (شامل گروههای پژوهشی معماری و شهر سازی).

پژوهشکده سبز (با سه گروه پژوهشی انرژی‌های تجدیدناپذیر، محیط زیست، مدیریت انرژی با همکاری بیش از بیست نفر از اعضای هیئت علمی) به فعالیت پژوهشی اشتغال دارد. ساختمان پژوهشکده نخستین ساختمان خورشیدی ایران است که گروه انرژی خورشیدی و دانشگاه آن را طراحی و اجرا نموده است. مرکز تحقیقات سیمان از ۱۳۷۴ فعال شده است. مرکز تحقیقات مواد در زمینه سرامیک پیشرفته، آلومینیوم، دیرگدازها، ریخته گری، و مواد جدید فعالیت دارد. انستیتو فیزیک کاربردی با وزارت دفاع فعالیت مشترک دارد. مرکز تحقیقات کامپوزیت ایران مشترک با

ستاد ریاست جمهوری از ۱۳۷۷ شروع به فعالیت کرده است.مرکز تحقیقات کربن ایران، مشترک با پژوهشگاه صنعت نفت و انستیتو خدمات فنی و بهداشتی با وزارت بهداشت و درمان است و مرکز تحقیقات فناوری اطلاعات و پنجاه آزمایشگاه تحقیقاتی در زمینه‌های علوم و مهندسی از دیگر مراکز پژوهشی این دانشگاه است .

ایـن دانشگاه یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های کتاب‌هاو نشریات علمی و فنی و مهندسی کشور را دارد .

دانشگاه هنر: این دانشگاه در ۱۳۵۹ در پی تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از ادغام هنرستان عالی موسیقی، هنرکده موسیقی ملی، دانشکده هنرهای تزئینی، دانشکده هنرهای دراماتیک، و دانشگاه فارابی با نام مجتمع دانشگاهی هنر ایجاد گردید. دوره‌های تحصیلی آن نیز کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی است .

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده موسیقی (شامل گروههای آموزشی موسیقی نظامی، موسیقی، آهنگ سازی)

دانشکده سینما. تئاتر (شامل گروههای‌سینما و نمایش، انیمیشن، سینما، ادبیات نمایشی و کارگردانی نمایش)، دانشکده هنرهای تجسمی (شامل گروههای آموزشی ارتباط تصویری، نقاشی، شهر سازی، مجسمه سازی و عکاسی) دانشکده‌های هنرهای کاربردی (شامل گروههای آموزشی صنایع دستی، طراحی چاپ پارچه، پژوهش هنر، تصویر سازی)

دانشکده‌ی حفاظت و بهداشت کار: این دانشکده ابتدا با نام مؤسسه‌ی عالی حفاظت و بهداشت کار و سپس در سال ۶۸ با نام دانشکده‌ی حفاظت و بهداشت کار فعالیت خود را آغاز نمود. با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص در حفاظت و بهداشت کار تأسیس شده است ـ دولتی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی است.

دانشکده‌ی صنعت آب و برق: این دانشکده در سال ۱۳۴۸ تحت عنوان مرکز آموزش برق شروع به‌کار نمود و در سال ۱۳۶۰ با نام مجتمع آموزشی و پرورشی شهید عباسپور به کار خود ادامه داد تا این که از سال ۱۳۷۰ با شروع دوره‌های رسمی مهندسی علمی ـ کاربردی با عنوان دانشکده‌ی صنعت آب و برق به فعالیت پرداخت.

دانشکده‌ی علمی ـ کاربردی پست و مخابرات: به منظور رفع نیاز فنی و تخصصی وزارت پست و تلگراف و تلفن و شرکت‌های وابسته به‌کارشناسان و متخصصان علمی ـ کاربردی در اجرای آئین نامه تأسیس مؤسسات آموزش عالی وابسته به سازمان‌های دولتی مصوب جلسه مورخ ۶۴/۴/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس گردیده است ـ دولتی و وابسته به وزارت پست، تلگراف و تلفن است.

مؤسسه‌ی آموزش عالی خیام: از سال ۱۳۷۳ اقدام به پذیرش دانشجو نموده است. غیر دولتی

مرکز آموزش عالی کتابداری: این مرکز وابسته به کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی است و در حال حاضر تربیت کارشناسان این کتابخانه را عهده دار است. علاوه بر آن دوره‌های آموزشی کوتاه مدت کتابداری که در دو سطح عمومی و تخصصی در مرکز برگزار می‌شود و مورد استفاده کتابداران سراسر کشور قرار می‌گیرد ـ دولتی و وابسته به کتابخانه‌ی ملی ایران

مؤسسه‌ی آموزش عالی پژوهش صنایع ایران: در سال ۱۳۷۴ از شورای عالی انقلاب فرهنگی

مجوز دریافت نموده و ۳۰٪ سهام آن مربوط به سازمان صنایع ملی ایران (دولتی) و ۷۰٪ بقیه مربوط به ۱۵۴ نفر از محققان و اساتید دانشگاه‌ها می‌باشد. غیر دولتی (غیر انتفاعی)

مؤسسه‌ی آموزش عالی سجاد: مؤسسه‌ی آموزش عالی سجاد قبل از اخذ مجوز با نام مرکز تحقیقات سجاد از سال ۱۳۶۸ شروع به کار کرد. در سال ۱۳۷۵ در رشته‌های الکترونیک و کامپیوتر نرم‌افزار با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت آموزشی خود را شروع کرده و در سال ۱۳۷۶ با دریافت مجوز رشته (کامپیوتر ـ سخت‌افزار) در این رشته نیز فعالیت دارد. پژوهش در این مؤسسه جایگاه خاصی احراز نموده است. غیر دولتی و وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مؤسسه‌ی آموزش عالی مهندسی عمران و آبادانی روستاها: در سال ۱۳۷۵ به نام مؤسسه‌ی آموزش عالی مهندسی عمران و توسعه‌ی روستاها تأسیس شده است و ۱۱۶ نفر دانشجو در دوره‌ی کارشناسی و ۹۰ نفر در دوره‌ی کاردانی و در مجموع ۲۰۶ نفر دانشجو مشغول به تحصیل هستند. غیر دولتی

پژوهشکده‌ی علوم زمین: هدف از تأسیس پژوهشکده، کمک به افزایش توان و اطلاعات علمی از طریق استفاده ره چه مطلوب‌تر امکانات بالفعل و بالقوه‌ی نیروی انسانی کار آمد و همکاری با سایر مؤسسات پژوهشی داخلی است.

پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله: پژوهشگاه با اهداف پژوهش، فناوری و آموزش در کلیه‌ی زمینه‌های مرتبط با زلزله‌شناسی، مهندسی زلزله و بحران‌های ناشی از زلزله و ارائه‌ی پیشنهادات و راهکارهای عملی و کمک به اجرای آن‌ها برای کاهش خطرهای ناشی از زلزله و گسترش فرهنگ ایمنی در برابر زلزله در کشور و منطقه ایجاد شده است.

پژوهشگاه پلیمر ایران: انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و همکاری در تربیت محقق به منظور دستیابی به دانش فنی لازم در طراحی، تولید، توسعه و کاربرد مواد و مصنوعات پلیمری اعم از لاستیک‌ها، پلاستیک‌ها، کامپوزیت‌ها، انواع الیاف مصنوعی، رزین‌ها و ... جهت نیل به خودکفائی و ایجاد زمینه‌های

رشد اقتصادی از مهم‌ترین اهداف پژوهشگاه می‌باشد ـ دولتی

پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات): هدایت و پشتیبانی پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه‌های علمی تحت پوشش ـ ارائه‌ی فرصت‌های علمی تحت عنوان فوق دکتری (**Post DOC**) برای دانشمندان جوان عمدتاً ایرانی ـ ارائه‌ی دوره‌های دکتری در رشته‌های علمی تحت پوشش پژوهشگاه که در دانشگاه‌های ایران زمینه‌ی تعلیم و تعلم مناسبی ندارند، مانند فیزیک پلاسما و منطق ریاضی، دائر کردن و ارائه‌ی خدمات شبکه‌ی اطلاع رسانی برای محققان پژوهشگاه ـ به روز نگهداری کتابخانه و تأمین اسناد مورد نیاز پژوهشگران ـ برقراری دوره‌های فشرده‌ی علمی، سمنیارها و کارگاه‌های تخصصی.

مرکز علوم جوی و اقیانوسی: مرکز علوم جوی و اقیانوسی، از سال ۱۳۷۱ به عنوان دبیرخانه شورای عالی اقیانوس‌شناسی کشور فعالیت داشته است. همچنین این مرکز، به منظور تربیت نیروی متخصص با دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی و از نظر فعالیت‌های بین المللی با سازمان

جهانی **WMO**، کمیسیون بین الدول اقیانوس‌شناسی **IOC** و با کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای خزر از طریق برنامه‌های پژوهشی و توسعه‌ی علمی و فنی همکاری دارد.

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران: اهداف کلی سازمان، حمایت از محققان، پژوهشگران و مخترعان در زمینه‌های علوم ،فنی و مهندسی است و مأموریت اصلی آن گسترش و ایجاد فناوری ملی می‌باشد و تنها سازمان تحقیقات کاربردی کشور محسوب می‌شود.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام که حامل معارف و فرهنگ اسلامی است. پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مأثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسلهای آینده ـ رواج زبان فارسی و گسترش قلمرو آن در داخل و خارج ـ ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران: نیل به استقلال علمی و فرهنگی و توسعه‌ی علوم و فنون وتقویت روح پژوهشی و ارتقای سطحی علمی و فرهنگی کشور و دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌ی دانش از طریق فعالیت‌های جمعی و جذب و حمایت و تشویق دانشمندان و محققان برجسته.

فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی: نیل به استقلال علمی و فرهنگی و توسعه‌ی علوم و فنون پزشکی ـ تقویت روح پژوهش و ارتقای سطح علوم پزشکی کشور ـ دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌ی دانش پزشکی از طریق فعالیت‌های جمعی حمایت و تشویق دانشمندان و محققان برجسته.

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی: به منظور پاسداری از میراث و هنر اسلامی و ملی و پیشنهاد سیاست‌ها، راهبردها و دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌ها و نیز ارتقای فرهنگ اسلامی برای مقابله با تهدیدات فرهنگ مهاجم، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد.

موزه ملک: در مجموعه‌ی ملک سالن‌های متعددی به اشیاء نفائس و مواریث پر ارج فرهنگی اختصاص یافته است. از آن جمله:

۱ـ سالن سکه حاوی قدیمی‌ترین مسکوکات از عصر لیدی، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، و دوره‌ی اسلامی به ویژه سکه ولایتعهدی حضرت رضا (ع).

۲ـ سالن فرش در بردارنده‌ی بهترین بافته‌های عمواغلی، حاج عبدل، صابر و مشیری از مشهد، صیرفی از اصفهان و حبیبیان از نائین.

۳ـ سالن تمبر شامل قدیمی‌ترین تمبرها از ۱۸۳ کشور جهان و انواع تمبرهای نفیس.

۴ـ سالن‌های آثار هنری شامل بهترن تابلوهای نقاشی از کمال الملک و دیگر هنرمندان جهان، ابزار نجومی، هنرهای سنتی (چوبی، فلزی و سنگی)، قلمدان و مینیاتور.

۵ـ کشکول و تبر زین و پیراهن منسوب به شاه عباس صفوی. .

۶ـ دو عدد گلدان قدیمی از شاهکارهای کارخانه‌ی سور فرانسه ممهور به مهر قصر تویلری.

۷ـمیز و صندلی‌های آبنوس و فوفل کار هنرمندان هندوستان و سوریه.

۸ـ سه قطعه از کتیبه‌های قدیمی پرده‌ی خانه‌ی کعبه (ملیله دوزی).

۹ـ اشیاء و تصاویری از رجال علمی، فرهنگی و

سیاسی از جمله عینک و تصویر مرحوم ملاهادی سبزواری.

۱۰ـ فرامین و دست نوشته‌های سلاطین و قباله‌ی ازدواج میرزا تقی‌خان امیرکبیر و عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین شاه.

کتابخانه و موزه‌ی ملی‌ملک

از قدیمی‌ترین کتب خطی موجود در کتابخانه:

۱ـ جزئی از قرآن مجید به خط کوفی، منصوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) که بر پوست آهو تحریر و تمام اوراق دارای متن و حاشیه است.

۲ـ الاصول بالاسطقسات اقلیدس، تحریر ۳۴۳ ه.ق، و موضوع آن نجوم است.

۳ـ الفوز الاصغر، تألیف ابن مسکویه، تحریر ۴۱۰ ه.ق، موضوع کتاب مذکور فلسفه و کلام است.

۴ـ مجموعه، شامل سه رساله‌ی تألیف ابی نصر فارابی، به خط حسین المسیح المتطبب الفارقی، تحریر ۴۶۳ ه.ق.

از دیگر نفائس این کتابخانه:

۱ـ قرآن به نسخ و ثلث، تحریر یاقوت مستعصمی.

۲ـ قرآن به نسخ، تحریر وصال شیرازی.

۳ـ قرآن به نسخ و ثلث، تحریر علاءالدین تبریزی.

۴ـ قرآن به نسخ، تحریر حسین بن عسکر ارسنجانی.

۵ـ اربعین شیخ بهایی، به خط ملاصدرا.

۶ـ بحارالانوار، تألیف علامه مجلسی با بعضی جملات به خط مؤلف.

۷ـ تهذیب الاحکام، تألیف شیخ طوسی به خط حسین بن عبدلصمد حارثی همدانی (پدر شیخ بهائی) و تصحیح شهید ثانی.

۸ـ عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تألیف تقی‌الدین محمد بن معین‌الدین اوحد دقاقی، تحریر ۱۰۲۴ ه.ق.

۹ـ مروج الذهب مسعودی، تحریر ۸۶۷ ه.ق.

۱۰ـ شاهنامه‌ی بایسنقر میرزا.

۱۱ـ تألیفات ابوعلی سینا، بالغ بر ۱۰۴ کتاب و رساله‌ی خطی.

۱۲ـ مرقعات و مکتوبات به خط خوش نویسان مشهور مانند میرعلی هروی، میرعماد، عبدالرشید، میرزا احمد نیریزی، درویش عبدالمجید طالقانی، علیرضا عباسی، سلطان محمد نور، بایسنقر، یاقوت مستعصمی و ... .

موزه دانشکده‌ی علوم (موزه فاطمی): در سال ۱۳۳۳ توسط دکتر مصطفی فاطمی تأسیس گردید و در ۱۳۳۸ گشایش یافت و به نام این استاد نامیده شد

در ۱۳۵۰ فضای موزه گسترش یافت و در این موزه مجموعه‌ی تقریباً کامل از گونه‌های پرندگان ایران گردآوری شد که به دو صورت آزمایشگاهی و تاکسیدرمی نگهداری و ارائه شد.

علاوه بر پرندگان، حشرات، خزندگان، ماهیان، دو زیستان و سخت‌پوستان نیز در این موزه نگهداری گشته است.

موزه‌ی ماشین‌های کشاورزی: در ۱۳۶۸ به منظور معرفی و حفاظت ابزار و وسایل سنتی کشاورزی و روند تکامل آن‌ها موزه‌ی ملی ماشین‌های کشاورزی به وسیله‌ی وزارت کشاورزی ایجاد گشت.

نتیجه‌ی تجربیات سال‌های دراز جامعه‌های کشاورزی در ایران هماهنگ کردن وسایل کار با شرایط محیطی و فرهنگی در این موزه ارائه گشته و در کنار این ابزار ماشین‌های جدید کشاورزی از ابتدایی‌ترین نوع آن تاکنون به معرض دیدگذاشته شده است.

موزه‌ی زمین‌شناسی: این موزه در ۱۳۴۵ بر پایه‌ی نمونه‌هایی از سنگ‌ها، سنگواره‌ها، کانی‌ها و اشیای دیگر که ضمن تحقیقات زمین‌شناسی به دست آمده بود و با استفاده از امکانات سازمان زمین‌شناسی از چهار بخش تشکیل گردیده است.
۱ - بخش ابزار و وسایل قدیمی و معدن‌کاری، ۲ - بخش سنگ‌ها، ۳ - کانی‌ها، ۴ - سنگواره‌ها

موزه‌ی نیروی هوایی: در ۱۳۵۱ با زیربنای ۸۴۰ متر مربع در محوطه‌ای به وسعت ۵۳۰۰۰ متر مربع تأسیس گشت.

در طبقات مختلف انواع هواپیماهای قدیمی ماکت هواپیماها تجهیزات پروازی و مدل‌ها به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی جانورشناسی کرج: ساختمان این موزه در داخل محوطه‌ی دانشکده‌ی کشاورزی کرج قرار دارد که در ۱۳۰۸ به وسیله‌ی وزارت کشاورزی وقت با همت جلال افشار تأسیس و از ۱۳۲۴ زیر نظر دانشگاه تهران فعالیت نموده

این موزه در دو طبقه و هفده گالری، حاوی مجموعه‌های گوناگونی از مهره‌داران و بی‌مهرگان، حشرات، خزندگان، پرندگان، پستانداران و.... است.

کاخ موزه میان پشته (نمایشگاه نظامی دریایی)
ساختمان تاریخی میان‌پشته در یکی از زیباترین محله‌های بندر انزلی کنار دریای خزر قرار گرفته، در ۱۳۰۳ از مالک روسی آن گرفته شد و تا سال ۱۳۱۰ تحت تعمیر بود و تا ۱۳۴۸ موزه‌ی نظامی دریایی زیر نظر نیروی دریایی شد. پس از مدتی تعطیل در ۱۳۶۴ بازگشایش یافت.

این موزه از دو طبقه تشکیل شده در سراسر بنا تزئینات زیبا اعم از گچ‌بری و نقاشی‌های دیواری دیده می‌شود - وسایل رزم، ماکت‌های کشتی و اشیاء متعلق به کاخ از جمله آثار موجود در این کاخ است.

موزه‌ی پست: ساختمان اداره‌ی کل پست تهران در ۱۳۱۳ به پایان رسید. در ۱۳۳۳ در طبقه‌ی دوم این ساختمان موزه‌ای به نام پست برپا گشت، اما رفته‌رفته جای اداره‌ی کل پست تنگ‌تر و موزه‌ی پست تا ۱۳۶۷ جز نامی از آن برجا نبود، در این سال موزه‌ی پست به‌راه افتاد آثار و اشیای قدیمی مربوط به مبادلات پستی شامل انواع وسایل توزیع، صندوق امانات، مهرها، صندوق‌های پستی، تمبرها و وسایل تحریر سنتی، اسناد و مدارک پستی قدیم و نیز مجموعه‌ی کامل و ارزشمندی از تصاویر و عکس‌های ادوات قدیمی دولتی و وسایل حمل و نقل پستی (اسب، قاطر، گاری، ماشین) و وسایل قدیم فنی مخابراتی از انبارهای اداره‌ی مرکزی و شهرستان‌ها طی برنامه‌ی زمان‌بندی شده گردآوری و پس از طبقه‌بندی در موزه‌ی پست که طی دو سال مرمت و بازسازی اساسی گشایش یافت.

ساختمان موزه از دو طبقه و یک زیرزمین تشکیل شده و معماری آن تلفیقی از معماری آلمانی و اسلامی است.

در طبقه‌ی اول، سیر تاریخی تمبرها از قدیمی‌ترین ایام در ایران تا به امروز، وسایل حمل و نقل محموله‌های پستی به نمایش گذاشته شده و طبقه‌ی دوم به تمبرهای خارجی و وسایل مراسلات پستی شامل مهر، ترازو، و مخابرات مکتوب از مورس تا ماهواره

موزه‌ی پست دارای سالن سمع و بصری و کتابخانه‌ی اختصاصی می‌باشد.

موزه‌ی سیزده آبان (موزه‌ی صنعتی‌زاده): این ساختمان در اوایل پهلوی اصطبل شهرداری بوده،

در ۱۳۲۵ هـ. ش با همت استاد هنرمند علی‌اکبر صنعتی‌زاده در یک طبقه‌ی موزه تشکیل شد، در این موزه تندیس شخصیت‌های علمی و ادبی و تیپ‌های مختلف اجتماعی در صحنه‌هایی چشمگیر و زیبا همراه با صد پرده‌ی نقاشی آبرنگ و کار خود استاد به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی دفینه: در ۱۳۶۸ به منظور حفاظت از آثار و اشیای نفیس تاریخی و هنری مصادره شده موزه‌ای با نام موزه‌ی دفینه ایجاد گشت.

این موزه از یک طبقه تشکیل شده و آثاری چون سفالینه‌های ایرانی از هزاره‌ی پنجم ق. م و مجموعه‌های چینی و بلور تندیس‌های گوناگون به نمایش درآمده است.

موزه‌ی تاریخ طبیعی: در ۱۳۶۶ در محل سابق ساختمان سازمان محیط زیست گشایش یافت این موزه شامل چهار طبقه است که بر اساس گونه‌های مختلف گیاهی و عناصر زیستی موجود و نیز بر حسب سیر تحولی تاریخی آثار پدید آمده است طبقه‌ی اول شامل صحنه‌ها و فضاهایی است که به ترتیب جایگاه کره‌ی زمین در منظومه‌ی شمسی را، مراحل تحول و تکوین حیات، انواع بیوم‌ها و عناصر زیستی) همراه با نمونه‌های گیاهان ایرانی

طبقه‌ی دوم: این بخش شامل قسمت‌های ویژه‌ی بی‌مهرگان، مهره‌داران، سنگواره‌ها و کانی‌ها استدر این بخش دو صحنه‌ی دیواره از یک زیستگاه تالابی و یک زیستگاه تخیلی پیش از تاریخ به نمایش درآمده است.

طبقه‌ی سوم: نمونه‌های متعددی از پستانداران قاره‌های جهان با درنظر گرفتن جهات علمی در این طبقات در معرض دید بینندگان است.

موزه‌ی تاریخ طبیعی: (مؤسسه‌ی گیاه‌شناسی و دفع آفات نباتی)

در ۱۳۲۳ زیر نظر وزارت کشاورزی برای نگهداری علمی گونه‌های گیاهی و جانوری با نام موزه‌ی تاریخ طبیعی ایجاد شد، در این موزه بیش از یک میلیون گونه‌های جمع‌آوری شده حدود ۲۵۰۰۰ گونه‌ی آن شناسایی شد ساختمان سه طبقه‌ی این موزه بخش‌های: الف - جانوران مضر کشاورزی ب - سوسک‌ها، پروانه‌ها، ملخ‌ها، جوربالان و ناجوربالان، گیاهان اختصاص یافته است.

موزه‌ی گیاهان دارویی سنتی: این موزه در ۱۳۷۰ گشایش یافت، در این موزه حدود ۲۱۷ نمونه‌ی گیاه مربوط به بازار دارویی سراسر ایران گردآوری شده است در بخش‌های مختلف این موزه انواع گوناگون گل و گیاه، ریشه، برگ، گردآوری گشته است.

موزه‌ی نظامی (کاخ شهرام): موزه‌ی نظامی ساختمان دو طبقه‌ای است که محل اقامت پسر اشرف پهلوی بود. این ساختمان در ۱۳۶۲ به موزه‌ی نظامی تبدیل گشت. محدوده‌ی فضای بیرون موزه نیز برای ارائه‌ی ادوات جنگی حجیم مورد استفاده قرار گرفته است. دو موزه‌ی نظامی پوشاک نظامیان و سلاح‌ها و ادوات و ابزار جنگی از دوره‌ی مادها تا بامروز به شیوه‌ی علمی طبقه‌بندی شده و به نمایش گذاشته شده است.

تن پوش‌های رزمی ایرانی در ادوار مختلف تاریخی سلاح گرم از روزگار صفویه تا عصر حاضر، سلاح‌های سده‌ی هشتم هجری

کاخ موزه‌ی تاریخ طبیعی (سعدآباد): این کاخ محل سکونت دختر سابق شاه بود و شامل سه طبقه و یک زیرزمین است. در ۱۳۶۰ با تغییرات لازم به موزه تبدیل شد. در این موزه تاریخ طبیعی آثار جانوران تاکسیر رمی نگهداری می‌شود.

موزه‌ی هنرهای معاصر: ساختمان موزه‌ی هنرهای معاصر که در خرداد ۱۳۵۶ گشایش یافت. معماری آن تلفیقی است از شیوه‌ی معماری سنتی و معماری مدرن

این موزه دارای سه طبقه و چندین گالری است که آثار و اشیاء ارائه شده در این گالری‌ها به مناسبت‌های مختلف تغییر می‌کند و درین سه گالری آثار هنرمندان معاصر ایرانی و خارجی به نمایش گذاشته می‌شود.

این موزه‌ی هنری دارای کتابخانه‌ی تخصصی، کارگاه عکاسی و سالن‌های سخنرانی است.

خانه‌ی صبا (موزه‌ی صبا): در ۱۳۵۳ به منظور بزرگداشت از ابوالحسن صبا موسیقی‌دان برجسته، بخشی از خانه‌ی پدری وی به عنوان موزه‌ی صبا گشایش یافت.

این موزه در ضلع غربی خیابان ظهیرالاسلام قرار و پنج اتاق، یک زیرزمین و حیاط کوچکی که پس از تعمیر به صورت موزه درآمد.

در این موزه مجموعه‌ی سازهای متعلق به صبا شامل دو ویلون، یک سه تار، یک سنتور، نی، تار، کمانچه، ضرب و دف، اشیای دیگر، از جمله کتاب‌ها و تألیفات نامه‌ها، اسناد و نوشته‌های رسمی، عکس‌ها، تابلوهای نقاشی و غیره دیده می‌شود. در این موزه نمونه‌هایی از نقاشی‌های صبا نیز وجود دارد. این موزه از نوع موزه‌ی اختصاصی و بیوگرافیک است. غرفه‌ای که در آن پوشاک محلی سراسر ایران همراه با پیکرهائی در آن گردآوری گشته است.

شهرک سینمایی صدا و سیما (شهرک غزالی): در ۱۳۵۸ ساختمان شهرک سینمایی غزالی با ده هکتار مساحت برای بازسازی صحنه‌هایی از تهران قدیم (حدود ۱۲۰ سال پیش) آغاز گشت و با فراهم شدن مجموعه‌ی عکس‌هایی از ساختمان‌ها، عمارات دولتی، محلات و خیابان‌های قدیم تهران آن روزگار طرح‌های اولیه‌ی این شهرک فراهم گشت و در اختیار چند دکوراتور قرار گرفت.

طراحی نمای عمارت، مغازه‌ها، محلات و گذرگاه‌ها با توجه به عکس‌های موجود آن روزگار، سعی شد که ساختمان‌های تاریخی و معروفی که در گذر زمان شاهد حوادث و جریان‌های مختلف بوده بازسازی شود.

شهرک غزالی شامل سه مجموعه است:

۱ - خیابان لاله‌زار، ساختمان شهرداری و میدان توپخانه‌ی قدیم.

۲ - قسمتی که به لاله‌زار متصل شده شامل محلات قدیمی تهران مانند عودلاجان، پامنار و راسته بازار تهران است.

۳ - صحنه‌سازی‌های تشکیلات سربداران که در فاصله کمی پشت محلات قدیمی تهران قرار گرفته است

کیلومتر ۱۴ جاده‌ی مخصوص

نمایشگاه دائمی هواپیمایی: در ۱۳۶۵ طرح تشکیل نمایشگاه دائمی هواپیما به وسیله‌ی وزارت دفاع برای ارتقای سطح اطلاعات عمومی و آشنایی با تئوری پرواز و اصول آن به اجرا درآمد و با گردآوری هواپیماهای اولیه و از رده خارج شده، هسته‌ی اصلی نمایشگاه پی‌ریزی گردید.

در این نمایشگاه از آغاز تأسیس سازمان هواپیمایی کشور از جمله هواپیماهای داکوتا و ب - ۲۶ نیز قطعات انواع هواپیماها و موتور آن‌ها به نمایش گذاشته شده فیلم‌های مربوط به پرواز کایت و بالن نیز برای آگاهی بیش‌تر بازدیدکنندگان نمایش داده می‌شود.

نمایشگاه هنرهای نمایشی و سنتی آسیا: این نمایشگاه در یکی از سالن‌های تالار وحدت برپا شده و مجموعه‌ای است از عروسک‌ها، ماسک‌ها، لباس‌ها، و سازهای موجود که مظهر و گلچین از هنرهای نمایشی و سنتی خاور زمین است که توسط ژرژپامپانو (استاد هنر دانشگاه سوربن پاریس) در این نمایشگاه گردآوری و به معرض نمایش گذاشته شده است.

در این نمایشگاه ۴۸۱ عروسک ۷۴ ماسک، ۱۶ کلاه، یک پرده‌ی نقالی، ۶۳ ساز، ۱۰ عروسک و وسایل صحنه‌ای از ۱۲ کشور ایران، هند، مالزی، اندونزی، برمه،کامبوج، تایلند، ژاپن، چین، تبت و ترکیه است.

مجموعه‌ی فرهنگی آزادی: این مجموعه با مساحت ۵ هکتار در میدان آزادی تهران و شامل قسمت‌هایی به این قرار است: برج با بلندی ۵۰ متر که بخش اصلی موزه را تشکیل می‌دهد و معماری آن تلفیقی از معماری دوره‌ی ساسانی و اسلامی است.

سالن سمعی و بصری که بر اساس نقشه‌ی ایران طراحی شده است. در این بخش به نمایش گذاشته شده است و بازدیدکنندگان به وسیله‌ی نقالّه‌ی مکانیکی از این سالن بازدید می‌کنند.

تالارهای نمایشگاه‌های آثار هنری و گالری‌هایی که به منظور برپایی نمایشگاه‌های موقت در نظر گرفته شده است.

سالن دیواره با ۱۲ غرفه به نمایش فعالیت در زمینه‌ی کشاورزی صنایع دستی، صنعت مدرن و... اختصاص دارد. دارای کتابخانه، سالن سینما، می‌باشد.

موزه‌ی جواهرات ملی: در ۱۳۱۶ هش قسمت عمده‌ی جواهرات از کاخ‌های سلطنتی به بانک مرکزی ایران برای تماشای عموم گذاشته شد و چون خزانه‌ی مذکور گنجایش این جواهرات را نداشت. در ۱۳۳۴ یک طبقه در محله‌ی فعلی ساخته شد و در اواخر ۱۳۳۹ گشایش یافت.

موزه‌ی سکه: در ۱۳۴۱ در ساختمان مرکزی بانک سپه در یک طبقه تأسیس گشت این موزه دارای یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین مجموعه‌های سکه‌های قدیمی در سراسر جهان است.

در این موزه مجموعه‌ی سکه‌های ایرانی از روزگار هخامنشی تاکنون به نمایش گذاشته شده علاوه بر این سکه‌های فنیقی، بابلی، هندی و.... وجود دارد.

موزه ملی ایران (موزه‌ی ایران باستان): این موزه با زیربنای ۲۷۴۴ متر مربع نخستین موزه‌ی علمی ایران است که آثار مربوط به تمدن و هنر پیش از تاریخ را از هزاره‌ی ششم ق - م و دوره‌ی اسلامی در آن به نمایش گذاشته شده است. این موزه از نظر ارزش، اهمیت، کثرت، و قدمت اشیاء از موزه‌های مهم دنیا است.

ساختمان این موزه در ۱۳۱۴ زیر نظر آندره گدار فرانسوی آغاز شد و ۱۳۱۶ گشایش یافت - شامل دو طبقه، دارای تأسیسات جنبی شامل تالار سخنرانی، تالار نمایش، کتابخانه و.... است.

طبقه‌ی اول به آثار پیش از تاریخ و دوره‌ی تاریخی اختصاص دارد و طبقه‌ی دوم آثار دوره‌ی اسلامی به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی هنرهای تزئینی: این موزه در ۱۳۴۰ در یک ساختمان قدیمی با معماری سنتی در خیابان امیرکبیر گشایش یافت و در ۱۳۵۲ به محل فعلی ساختمانی است که در ۴ طبقه و یک زیرزمین است، منتقل شد.

طبقه‌ی اول به بخش اداری و طبقه‌ی دوم به بافته‌ها اختصاص دارد و بخش سوم شامل ۳۸ غرفه و پنج بخش خاتم‌کاری، کنده‌کاری روی چوب، نقاشی لاکی، آثار فلزی و شیشه‌ای است، و در طبقه‌ی چهارم آثار نقاشی و خط به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی آبگینه و سفالینه‌های ایران: این ساختمان در وسط باغی به وسعت ۷۰۰۰ متر ساخته شد، تا سال ۱۳۳۲ مسکونی بود، آنگاه به سفارت مصر فروخته و در ۱۳۵۵ به موزه تبدیل شد.

ساختمان هشت ضلعی موزه با زیربنای ۱۰۴۰ متر مربع از دو طبقه و یک زیرزمین وسیع تشکیل شده است.

موزه‌ی آبگینه دارای پنج تالار مخصوص آثار هنری، کتابخانه و سالن سمعی و بصری می‌باشد.

موزه‌ی هنرهای ملی ایران: در ضلع شمالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جنب سازمان برنامه در ۱۳۰۹ هـ. ش تبدیل به موزه و همان سال افتتاح شد. در این موزه نفیس‌ترین و جالب‌ترین آثار هنرهای سنتی ایران به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی فرش ایران: این موزه در دو طبقه و یک زیرزمین در ساختمانی هشت ضلعی به سبک معماری مدرن و با در نظرگرفتن شرایط خاص نگهداری علمی و صحیح فرش ساخته شده است.

این موزه در ۱۳۵۶ گشایش یافت.

در این موزه فرش‌ها و گلیم‌های نفیس و ارزشمند ایرانی که بیش‌تر آثار هنرمندان تبریز، کاشان، اصفهان، لرستان، کردستان، کرمان و بختیاری می‌باشد به معرض نمایش دیدارکنندگان گذاشته شده. قدیمی‌ترین فرش این موزه مربوط به روزگار صفویه است که ۴۵۰ سال قدمت دارد و کار یک نفر استاد هنرمند تبریزی است.

این موزه دارای کارگاه مرمت، کلاس‌های آموزشی، سالن سخنرانی و نمایش فیلم، انبار طبقه‌بندی شده، علمی، کتابخانه و در نوع خود بی‌نظیر است.

موزه‌ی رضا عباسی: این موزه در ۴ طبقه با سبک معماری مدرن به نام هنرمند بزرگ رضا عباسی نامیده شده، در ۱۳۵۶ گشایش یافت و شامل سه بخش پیش از تاریخ، دوره‌ی تاریخی و دوره‌ی اسلامی است. مجموعه‌های موجود در ایران است.

دارای کتابخانه‌ی تخصصی، سالن سینا، سالن نمایشگاه‌های موقت، انبار طبقه‌بندی شده است.

موزه‌ی مردم‌شناسی: هسته‌ی اصلی این موزه‌ی در ۱۳۱۴ هـ. ش در فضای کوچکی در اداره‌ی عتیقات وزارت فرهنگ وقت با اشیاء و آثار اندکی پدید آمد تا این‌که در ۱۳۱۶ به ساختمان قدیمی با معماری سنتی واقع در خیابان بوعلی (ارامنه‌ی سابق) انتقال یافت و با عنوان بنگاه مردم‌شناسی گشوده شد.

تا در ۱۳۴۷ به علت کمی جا به کاخ ابیض و مجموعه‌ی کاخ‌های گلستان منتقل گردید و پس از نوسازی و تعمیرات لازم موزه‌ی جدید گشوده شد.

ساختمان این موزه در ۲ طبقه و در برگیرنده‌ی صحنه‌های زندگی واقعی مردم آداب و رسوم مردم ایران درگذشته و پیکره‌هایی با پوشاک‌های محلی و صحنه‌سازی‌های گوناگون از حرفه‌های سنتی - کارگاهی نیز برای مجسمه‌سازی و خیاطی و کتابخانه‌ی تخصصی دارد.

موزه‌ی پژوهشی مردم‌شناسی: بنای موزه‌ی پژوهشی مردم‌شناسی در ۱۳۶۳ گشایش یافت.

این موزه دارای دو طبقه و یک زیرزمین بود که در طبقه‌ی اول اسناد و قباله‌ها و ابزار سنتی کتابت و در طبقه‌ی دوم اشیای متعدد مردم‌شناسی شامل وسایل صید و شکار، کشاورزی، دامداری، بافندگی، و.... به نمایش گذاشته شده بود. زیرزمین موزه به آرشیو علمی، کتابخانه و کارگاه‌های مربوط اختصاص داشت.

اشیای این موزه طی سال‌ها و ضمن تحقیقات مردم‌شناسی از نقاط مختلف کشور گردآوری شده بود با این حال اشیاء سنتی فراوانی گسترده نشده است.

موزه‌ی تنوع زیستی: به منظور ایجاد یک مجموعه‌ی علمی و در راستای وظایف قانونی سازمان حفاظت محیط زیست، ساختمان جدید موزه ملی تاریخ طبیعی ایران با حفظ چارچوب طرح جامع پارک طبیعت پردیسان تهران و مطالعه‌ی ساختار موزه‌های معتبر جهان و با تلفیق مفاهیم پر ارزش معماری ایرانی در حال ساخت است. در گام نخست به منظور ایجاد نمایشگاه تخصصی گونه‌های گیاهی و جانوری جهان، موزه‌ی تنوع زیستی طراحی و اجرا شده است. این موزه در تاریخ ۲۶ فروردین سال ۱۳۸۳ افتتاح شد.

بخش‌های اصلی موزه: موزه‌ی تنوع زیستی در هشت بخش اصلی مدیریت می‌شود: ۱- سالن اجتماعات، ۲- غرفه‌ها، ۳- صحنه‌های بازسازی شده‌ی طبیعت، ۴- جزایر میانی، ۵- قوس انتهایی، ۶- دنیای زیر آب، ۷- فروشگاه کتاب، ۸- محوطه و تسهیلات رفاهی.

در موزه تنوع زیستی تقسیم بندی بر اساس سیستم قاره‌ای - زیستگاهی بوده که در این سیستم نمونه‌های متعدد در غرفه‌های مختلف عرضه خواهند شد.

۱- غرفه نمونه‌های منقرض شده، ۲- غرفه‌ی ایران، ۳- غرفه‌ی دیرین‌شناسی، ۵- غرفه‌ی قاره‌ی آسیا، ۶- غرفه‌ی قاره‌ی اروپا، ۷- غرفه‌ی قاره‌ی آمریکا، ۸- غرفه‌ی قاره‌ی اقیانوسیه، ۹- غرفه‌ی قاره‌ی جنوبگان، ۱۰- غرفه‌ی قاره‌ی شمالگان.

صحنه‌های طبیعت: فضای موزه‌ی تنوع زیستی با الهام از طبیعت ایران، جهان و زیستگاه طبیعی جانوران همراه با نمونه‌ها و تصاویر زیر از جانوران و گیاهان طراحی شده است: ۱- کویر و بیابان‌های ایران - زیستگاه یوز آسیایی، آهو و گور ایرانی، ۲- کوهستان‌های آسیای مرکزی - زیستگاه قوچ آرگالی، ۳- کوهستان‌های اروپا (آلپ مرکزی و شرقی) - زیستگاه شاموآ، ۴- بیابان‌های شمال آفریقا - زیستگاه قوچ بربری.

جزایر میانی: نمادی سمبولیک از دو بال یک سنجاقک می‌باشد: - بال اول شامل تنوع زیستی ایران از شمال البرز تا دامنه‌های جنوبی آن. - بال دوم شامل تنوع زیستی جهانی از بیابان‌های آفریقا تا قطب شمال.

خلیج فارس و دنیای زیر آب: با توجه به اهمیت زیست گاه بزرگ خلیج فارس، این بخش با صحنه‌هایی از پوشش گیاهی و جانوری، ایجاد امواج، طلوع و غروب آفتاب و دنیای زیر آب، در جهت خلق اثری زیبا از این خلیج همیشه فارس می‌باشد.

بخش دیرین‌شناسی: - نمایش زیستگاهی از منطقه‌ی فسیلی مراغه با بازسازی نمونه‌های مربوطه و نیز نمایش دوره‌های مختلف دیرینه‌شناسی. - سازمان حفاظت محیط زیست

دروازه‌ی تهران بازمانده از دوره‌ی قاجار

دروازه‌ای با شکوه که به سر در باغ ملی معروف

است در سال ۱۳۴۰ هجری قمری در مدخل میدان مشق سابق محل نظامی قشون عهد قاجار ساخته شد و پس از اندک زمانی بسیاری از زمین‌های میدان مشق به باغ ملی اختصاص یافت.

تخت رستم ـ شهرکرج ـ استان تهران: بقایای آتشکده سنگی عهد اشکانی و ساسانی بنام تخت رستم شامل صفه بزرگی است که در دامنه تپه‌ای به ارتفاع تقریبی ۴۰ متر از کف جلگه باگنبد و ایوان و اطاقی هنوز باقی می‌باشد. همچنین آثار سکویی دو طبقه بر فراز تپه دیده می‌شود، این سکو بنظر می‌رسد که محل افروختن آتش بوده است.

سینما در تهران: تا حدود سنوات ۱۳۰۰ شمسی محلی به‌نام سینما در تهران وجود نداشت و سینما همان جعبه شهرفرنگی خودمانی بودکه عکسهائی را از مجلات خارجی بریده پشت سرهم چسبانده پشت ذره‌بین‌های بزرگ سه‌گانه که جلوی آن بود نمایش می‌دادند و نمایش‌های دیگر منحصر بود به‌تآترهای روحوضی، تآترهای سیاسی شعرگونه و مانند آن تا آنکه فیلم سینما ظهور کرد. نخست در سالن گراندهتل و بعد از آن در میدان حسن‌آباد و میدان وحدت اسلامی روی پرده به‌نمایش گذاشته شد. خالی از لطف نیست که بدانید این پدیده را مردم نخست «سیم‌نما» می‌نامیدند.

فهرست آثار ثبت شده استان تهران

شهر دماوند و اطراف آن - دماوند
برج مقبره موسوم به طغرل - سلجوقی - ری
مسجد جمعه - ایلخانی - ورامین
برج مقبره علاء الدین - قرن ۷ ه.ق - ورامین
امامزاده یحیی - قرن ۸ ه.ق - ورامین
تپه چشمه علی و قلعه - پیش از تاریخ تا اسلامی - ری
کوه نقار خانه - سلجوقی - ورامین
تپه مرتضی گرد - پیش از تاریخ - تهران
مرکز شهر سلجوقی و دیالمه - سلجوقی - ورامین
مسجد جمعه - سلجوقی - دماوند
چال تلخان - ساسانی - تهران
مقبره بی بی شهر بانو - اسلامی - تهران
امامزاده زید - اسلامی - تهران
مسجد سپهسالار - قاجاریه - تهران
عمارت نظامیه و نقاشیهای آن - قاجاریه - تهران
آتشکده تخت رستم - (اشکانی - ساسانی)- شهریار
امامزاده جعفر- صفویه - پیشوا
امامزاده حسین (ع) - مغول - ورامین
کاخ سلیمانیه -قاجاریه -کرج
آستانه‌حضرت عبدالعظیم(ع)(مغول صفویه-قاجاریه)ری
آتشکده و تپه میل - ساسانی - ری
زندان هامون (زندان خان)- قرن ۴ ه.ق -تهران
بقعه سید اسماعیل - قرن ۹ و ۱۳ ه.ق - تهران
منار واقع در محله پامنار - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مدرسه سپهسالار قدیم - قرن ۱۳ ه.ق -تهران
مدرسه خان مروی -قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مدرسه و مسجد شیخ عبدالحسین - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مسجد حاج رجبعلی -قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مسجد سید عزیزالله - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
عمارت تخت مرمر - قرن ۱۲ و ۱۳ ه.ق - تهران
کاخ گلستان - قرن ۱۲و ۱۳ ه.ق - تهران
دو بنای سلطنتی در سلطنت آباد - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
کاخ صاحبقرانیه (نیاوران)- قرن ۱۳ ه.ق - تهران
بقعه امامزاده هاشم - صفویه - دماوند

عمارت کلاه فرنگی عشرت آباد - قاجاریه - تهران
بقعه امامزاده کبری و ام صغری - اواخر صفویه - کرج
بقعه امامزاده سلیمان - از قرن ۷ تا ۹ ه.ق - اشتهارد
بقعه امامزاده رحمن و امامزاده زید - از قرن ۷ تا ۹ - کرج
بقعه امامزاده قاسم - صفویه - شمیرانات
بقعه امامزاده صالح - قرن ۷ و ۸ ه.ق - میدان تجریش
برج شبلی - قرن ۵ ه.ق - دماوند
بقعه امامزاده عبدالله و خیل الله - قرن ۸ ه.ق - دماوند
بقعه امامزاده عبداله و عبیداله - سلجوقی و مغول - دماوند
بقعه سر قبر آقا - قاجاریه - تهران
تپه ازبکی - هزاره ۴ ق.م - ساوجبلاغ
بقعه و درختان کهنسال شاهزاده حسین - تیموری - کرج
بنای شهیاد (برج آزادی) - قرن ۱۴ - تهران
حجاریهای تنگ واشی - قرن ۱۳ - فیروزکوه
امامزاده سلطان مطهر - قرن ۹ ه.ق - بومهن
دروازه محمدیه - تهران
امامزاده یوش - تیموری - شمیرانات
امامزاده احمد - قرن ۷ و ۸ هجری - شمیرانات
تپه و قبرستان اصلان - ساسانی و اسلامی - بومهن
آرامگاه رضاشاه - معاصر - ری
کاخ فرح آباد - قاجاریه - تهران
کاروانسرای کنار گرد - زندیه - ری
عمارت باشگاه بانک ملی ایران - قاجاریه - تهران
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - کرج
یخچال خلیلی - معاصر - تهران
تپه‌های خرم آباد - هزاره ۱ ق.م - ساوجبلاغ
تپه بالکی - هزاره ۳ تا ۲ ق.م - شهریار
خانه مستوفی الممالک - اواخر قاجار - تهران
مجموعه بازار تهران - (صفویه - قاجاریه) - تهران
چهار سوق بزرگ بازار تهران - (زندیه - قاجاریه) - تهران
موشلان تپه (اسماعیل آباد) - هزاره ۵ ق.م - ساوجبلاغ
ساختمان مجلس شورای ملی - قاجاریه - تهران
کاخ مرمر - پهلوی - تهران
کلیسای سورپ گورک - اواخر صفویه - تهران
مسجد آقا محمود - اواخر صفویه - تهران
مسجد امام خمینی - قاجاریه - تهران
تپه حصارک لواسان - هزاره ۵ تا اسلامی - شمیرانات
مجموعه تپه‌های کهریزک - هزاره ۱ ق.م - تهران
بقعه شاهزاده محمد - قاجاریه - ورامین
امامزاده عبدالله آئینه ورزان - قرن ۸ ه.ق - دماوند
موزه هنرهای ملی - تهران
مدرسه دارالفنون - قاجاریه - تهران
مسجد قندی - قاجاریه - تهران
موزه ایران باستان و کتابخانه ملی - معاصر - تهران
عمارت کلاه فرنگی و ندامتگاه مرکزی - قاجاریه - تهران
خانه امام جمعه - قاجاریه - تهران
آشیانه قدیمی فرودگاه قلعه مرغی - معاصر - تهران
بقعه امامزاده عبدالقهار - معاصر - کرج

مسجد جامع - قاجاریه - تهران
بقعه ابن بابویه - قاجاریه - ری
منزل شهید رجایی - معاصر - تهران
ساختمان کوشک - (اواخر قاجار - معاصر) - تهران
حسینیه جماران - معاصر - شمیرانات
خانه حضرت امام خمینی (ره) - معاصر - شمیرانات
عمارت باغ فردوس - قاجاریه - شمیرانات
منزل مشیرالدوله پیرنیا - قاجاریه - تهران
مدرسه فیلسوف الدوله - قاجاریه - تهران
برج آب بانک ملی - قاجاریه - تهران
سردر قورخانه تهران - قاجاریه - تهران
امامزاده معصوم (س) - (صفویه - قاجاریه) - تهران
کاخ شهرستانک - قاجاریه - شهرستانک
مسجد مجدالدوله - قاجاریه - تهران
موزه و کتابخانه ملک - قاجاریه - تهران
تپه واوان - اشکانی - اسلامشهر
مجموعه کاخ موزه سعدآباد-قاجاریه‌تامعاصر-شمیرانات
باغ و سفارت ایتالیا - قاجاریه - تهران
بازار شهر ری - اواخر قاجار - ری
عمارت سردر باغ ملی - اواخر قاجار - تهران
میدان حسن آباد - قاجاریه - تهران
قلعه گبری - (ساسانی - قرن ۳و۴ ه.ق) - ری
مدرسه البرز - پهلوی - تهران
باغ و گورستان ظهیرالدوله - قاجاریه - شمیرانات
بقعه جوانمرد قصاب - قاجاریه - ری
منزل حضرت آیت الله طالقانی - معاصر - طالقان
موزه آبگینه و سفالینه - قاجاریه - تهران
مجموعه میرزاابوالحسن معمارباشی - قاجاریه - تهران
بقعه شیخ عبدالله طرشتی - قرن ۸ ه.ق - تهران
مجموعه کاخ نیاوران - قاجاریه و پهلوی - شمیرانات
مدرسه محمدیه - زندیه - تهران
باغ و عمارت عین الدوله - قاجاریه - تهران
خانه پرفسور حسابی - اواخر قاجار - تهران
خانه پرفسور عدل - پهلوی - تهران
باغ نگارستان - قاجاریه - تهران
آرامگاه مرحوم سید محمد طباطبایی - قاجاریه - ری
خانه امیر خسرو افشار - پهلوی اول - تهران
میدان مشق - قاجاریه - تهران
خانه نظام‌السلطان‌ودرخت چنارک - قاجاریه - لواسانات
کاروانسرای ینگه امام - صفویه - ساوجبلاغ
عمارت مسعودیه - قاجاریه - تهران
تپه مافین آباد - هزاره ۵و۴ ق.م - اسلامشهر
مقبره آقا شیخ هادی نجم‌آبادی - قاجاریه - تهران
تپه مرد آباد (ماهدشت) - از هزاره ۵تاهزاره۳ - مردآباد
تپه پرندک -(پیش از تاریخ - تاریخی) - رباط کریم
قره تپه - هزاره ۵و۴ - قرن ۶و۸ ه.ق - شهریار
آق تپه - هزاره ۴و۳ ق.م - مهرشهر
تپه سفالی معمورین - از هزاره ۶ تا ۱ ق.م - ری
حسینیه آقا سید هاشم - قاجاریه - تهران
باغ و سفارت انگلیس - قاجاریه - تهران
نقش برجسته چشمه علی - قاجاریه - ری
امامزاده عبدالله - (صفویه - قاجاریه) - ری
خانه مرحوم دکتر سیاوش شقاقی - اواخر قاجار

- تهران
مهدکودک سابق دانشگاه تهران - قاجاریه - تهران
بیمارستان وزیری نجم - قاجاریه - تهران
ساختمان گیو - تهران
بنای فرهنگی - تاریخی - قاجاریه - تهران
دانشگاه تهران - پهلوی - تهران
عمارت اعلم السلطنه - قاجاریه - تهران
خانه هدایت - اواخر قاجار - تهران
عمارت کوشک فخرالدوله - قاجاریه - تهران
دبیرستان فیروز بهرام - پهلوی اول - تهران
عمارت کلیسای طاطاوس - قاجاریه - تهران
موزه حیات وحش هفت چنار - پهلوی اول - تهران
خانه فاضل عراق - قاجاریه - تهران
امامزاده سید نصرالدین - (صفویه - قاجاریه) - تهران
کلیسای انجیلی (پطرس مقدس) - قاجاریه - تهران
مجموعه معیر - قاجاریه - تهران
گورستان ارامنه - اواخر قاجار - تهران
سقاخانه گذرقلی - قاجاریه - تهران
عمارت کلاه فرنگی (بی سیم) - پهلوی - تهران
تپه کلمه - اسلامی - کرج
تپه وسطر - اسلامی - کرج
تپه خاتون لر - اسلامی - جاده شهریار به اشتهارد
تپه سیاب - اسلامی - بزرگراه تهران به ساوه
تپه یقه - پیش از تاریخ - جاده رباط کریم به شهریار
دژگل خندان - ساسانی - دماوند
تپه جوقین - اسلامی - وحیدیه
تپه شیرین آباد - اسلامی - کرج
تپه اسلامی ارسطو - پیش از تاریخ - شهریار
تپه فردوس - اسلامی - کرج
امامزادگان عبدالله، عبدالقهار، عبدالجبار -(صفویه-قاجاریه
مدرسه و کلیسای ژاندارک - اوایل پهلوی - تهران
خانه و موزه مقدم - اواخر قاجار - تهران
ساختمان صندوق بانک ملی ایران - پهلوی - تهران
سرخ قلعه سر انزاء - ساسانی - فیروزکوه
تپه کیکاور - اسلامی - کرج
چخماق تپه - پیش از تاریخ - تهران
تپه آلارد - پیش از تاریخ - کرج
امامزاده احمد و محمد طارس - قرن ۸ ه.ق- فیروزکوه
گنبد گبری طارس (برج سنگی) - اسلامی - فیروزکوه
بقعه امامزاده حسین رضا - تیموری - ورامین
پل فیروزکوه - پهلوی اول - فیروزکوه
رباط سنگی امین آباد - صفویه - فیروزکوه
خانه دکتر مصدق - قاجاریه - نظرآباد
امامزاده عسگری شهرآباد - قاجاریه - فیروزکوه
امامزاده هادی ینگی امام - (صفویه، قاجاریه)- ساوجبلاغ
فهرست آثار تاریخی استان تهران در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۸۵۶ واحد می‌باشد. - سازمان میراث فرهنگی وگردشگری

فهرست برخی از آثار تاریخی استان تهران
شهر دماوند و اطراف آن - دماوند
برج مقبره موسوم به طغرل - سلجوقی - ری
مسجد جمعه - ایلخانی - ورامین
برج مقبره علاء الدین - قرن ۷ ه.ق - ورامین
امامزاده یحیی - قرن ۸ ه.ق - ورامین
نام اثرقدمت‌محل

تپه چشمه علی و قلعه - پیش از تاریخ تا اسلامی - ری
کوه نقار خانه - سلجوقی - ورامین
تپه مرتضی گرد - پیش از تاریخ - تهران
مرکز شهر سلجوقی و دیالمه - سلجوقی - ورامین
نام اثرقدمت‌محل
مسجد جمعه - سلجوقی - دماوند
چال تلخان - ساسانی - تهران
مقبره بی بی شهر بانو - اسلامی - تهران
امامزاده زید - اسلامی - تهران
مسجد سپهسالار - قاجاریه - تهران
عمارت نظامیه و نقاشیهای آن - قاجاریه - تهران
آتشکده تخت رستم - (اشکانی - ساسانی)- شهریار
امامزاده جعفر- صفویه - پیشوا
امامزاده حسین (ع) - مغول - ورامین
کاخ سلیمانیه -قاجاریه -کرج
آستانه‌حضرت عبدالعظیم(ع)(مغول صفویه-قاجاریه)ری
آتشکده و تپه میل - ساسانی - ری
زندان هامون (زندان خان)- قرن ۴ ه.ق -تهران
بقعه سید اسماعیل - قرن ۹ و ۱۳ ه.ق - تهران
منار واقع در محله پامنار - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مدرسه سپهسالار قدیم - قرن ۱۳ ه.ق -تهران
مدرسه خان مروی -قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مدرسه و مسجد شیخ عبدالحسین - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مسجد حاج رجبعلی -قرن ۱۳ ه.ق - تهران
مسجد سید عزیزالله - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
عمارت تخت مرمر - قرن ۱۲ و ۱۳ ه.ق - تهران
کاخ گلستان - قرن ۱۲و ۱۳ ه.ق - تهران
دو بنای سلطنتی در سلطنت آباد - قرن ۱۳ ه.ق - تهران
کاخ صاحبقرانیه (نیاوران)- قرن ۱۳ ه.ق - تهران
بقعه امامزاده هاشم - صفویه - دماوند
عمارت کلاه فرنگی عشرت آباد - قاجاریه - تهران
بقعه امامزاده کبری و ام صغری - اواخر صفویه - کرج
بقعه امامزاده سلیمان - از قرن ۷ تا۹ ه.ق - اشتهارد
بقعه امامزاده رحمن و امامزاده زید - از قرن ۷تا۹ -کرج
نام اثرقدمت‌محل
بقعه امامزاده قاسم - صفویه - شمیرانات
بقعه امامزاده صالح - قرن ۷و ۸ ه.ق - میدان تجریش
برج شبلی - قرن ۵ ه.ق - دماوند
بقعه امامزاده عبدالله و خیل الله - قرن ۸ ه.ق - دماوند
بقعه امامزاده عبداله و عبیداله-سلجوقی ومغول - دماوند
بقعه سر قبر آقا- قاجاریه - تهران
تپه ازبکی - هزاره ۴ ق.م - ساوجبلاغ
بقعه و درختان کهنسال شاهزاده حسین -تیموری -کرج
بنای شهیاد (برج آزادی) -قرن ۱۴ - تهران
حجاریهای تنگ واشی - قرن ۱۳ - فیروزکوه
امامزاده سلطان مطهر - قرن ۹ ه.ق - بومهن
دروازه محمدیه - تهران
امامزاده یوش - تیموری - شمیرانات
امامزاده احمد - قرن ۷و ۸ هجری - شمیرانات
تپه و قبرستان اصلان - ساسانی و اسلامی - بومهن

آرامگاه رضاشاه - معاصر - ری
کاخ فرح آباد - قاجاریه - تهران
کاروانسرای کنارگرد - زندیه - ری
عمارت باشگاه بانک ملی ایران - قاجاریه - تهران
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - کرج
یخچال خلیلی - معاصر - تهران
تپه‌های خرم آباد - هزاره ۱ ق.م - ساوجبلاغ
تپه بالکی - هزاره ۳ تا ۲ ق.م - شهریار
خانه مستوفی الممالک - اواخر قاجار - تهران
مجموعه بازار تهران - (صفویه - قاجاریه) - تهران
چهار سوق بزرگ بازار تهران - (زندیه - قاجاریه) - تهران
موشلان تپه (اسماعیل آباد) - هزاره ۵ ق.م - ساوجبلاغ
ساختمان مجلس شورای ملی - قاجاریه - تهران
کاخ مرمر - پهلوی - تهران
کلیسای سورپ گورک - اواخر صفویه - تهران
مسجد آقا محمود - اواخر صفویه - تهران
مسجد امام خمینی - قاجاریه - تهران
تپه حصارک لواسان - هزاره ۵ تا اسلامی - شمیرانات
مجموعه تپه‌های کهریزک - هزاره ۱ ق.م - تهران
بقعه شاهزاده محمد - قاجاریه - ورامین
امامزاده عبدالله آئینه ورزان - قرن ۸ ه.ق - دماوند
موزه هنرهای ملی - تهران
مدرسه دارالفنون - قاجاریه - تهران
مسجد قندی - قاجاریه - تهران
موزه ایران باستان و کتابخانه ملی - معاصر - تهران
عمارت کلاه فرنگی و ندامتگاه مرکزی - قاجاریه - تهران

خانه امام جمعه - قاجاریه - تهران
آشیانه قدیمی فرودگاه قلعه مرغی - معاصر - تهران
بقعه امامزاده عبدالقهار - معاصر - کرج
مسجد جامع - قاجاریه - تهران
تقعه ابن بابویه - قاجاریه - ری
منزل شهید رجایی - معاصر - تهران
ساختمان کوشک - (اواخر قاجار - معاصر) - تهران
حسینیه جماران - معاصر - شمیرانات
خانه حضرت امام خمینی (ره) - معاصر - شمیرانات
عمارت باغ فردوس - قاجاریه - شمیرانات
منزل مشیرالدوله پیرنیا - قاجاریه - تهران
مدرسه فیلسوف الدوله - قاجاریه - تهران
برج آب بانک ملی - قاجاریه - تهران
سردر قورخانه تهران - قاجاریه - تهران
امامزاده معصوم (س) - (صفویه - قاجاریه) - تهران
کاخ شهرستانک - قاجاریه - شهرستانک
مسجد مجدالدوله - قاجاریه - تهران
نام اثرقدمت‌محل
موزه و کتابخانه ملک - قاجاریه - تهران
تپه واوان - اشکانی - اسلامشهر
مجموعه کاخ موزه سعدآباد-قاجاریه‌تامعاصر- شمیرانات
باغ و سفارت ایتالیا - قاجاریه - تهران
بازار شهر ری - اواخر قاجار - ری
عمارت سردر باغ ملی - اواخر قاجار - تهران
میدان حسن آباد - قاجاریه - تهران
قلعه گبری - (ساسانی - قرن ۳و۴ ه.ق) - ری
مدرسه البرز - پهلوی - تهران

باغ وگورستان ظهیرالدوله - قاجاریه - شمیرانات
بقعه جوانمرد قصاب - قاجاریه - ری
منزل حضرت آیت الله طالقانی - معاصر - طالقان
موزه آبگینه و سفالینه - قاجاریه - تهران
مجموعه میرزاابوالحسن معمار باشی - قاجاریه - تهران
بقعه شیخ عبدالله طرشتی - قری ۸ ه.ق - تهران
مجموعه کاخ نیاوران - قاجاریه و پهلوی - شمیرانات
مدرسه محمدیه - زندیه - تهران
باغ و عمارت عین الدوله - قاجاریه - تهران
خانه پرفسور حسابی - اواخر قاجار - تهران
خانه پرفسور عدل - پهلوی - تهران
باغ نگارستان - قاجاریه - تهران
آرامگاه مرحوم سید محمد طباطبایی - قاجاریه - ری
خانه امیر خسرو افشار - پهلوی اول - تهران
میدان مشق - قاجاریه - تهران
خانه نظام‌السلطان‌ودرخت چنارک - قاجاریه - لواسانات
کاروانسرای ینگه امام - صفویه - ساوجبلاغ
عمارت مسعودیه - قاجاریه - تهران
تپه مافین آباد - هزاره ۵و۴ ق.م - اسلامشهر
مقبره آقا شیخ هادی نجم‌آبادی - قاجاریه - تهران
نام اثرقدمت‌محل
تپه مرد آباد (ماهدشت) - از هزاره ۵تاهزاره۳ - مردآباد
تپه پرندک -(پیش از تاریخ - تاریخی) - رباط کریم
قره تپه - هزاره ۵و۴ - قرن ۶و۸ ه.ق - شهریار
آق تپه - هزاره ۴و۳ ق.م - مهرشهر

تپه سفالی معمورین - از هزاره ۶ تا ۱ ق.م - ری
حسینیه آقا سید هاشم - قاجاریه - تهران
باغ و سفارت انگلیس - قاجاریه - تهران
نقش برجسته چشمه علی - قاجاریه - ری
امامزاده عبدالله - (صفویه - قاجاریه) - ری
خانه مرحوم دکتر سیاوش شقاقی - اواخر قاجار - تهران
مهدکودک سابق دانشگاه تهران - قاجاریه - تهران
بیمارستان وزیری نجم - قاجاریه - تهران
ساختمان گیو - تهران
بنای فرهنگی - تاریخی - قاجاریه - تهران
دانشگاه تهران - پهلوی - تهران
عمارت اعلم السلطنه - قاجاریه - تهران
خانه هدایت - اواخر قاجار - تهران
عمارت کوشک فخرالدوله - قاجاریه - تهران
دبیرستان فیروز بهرام - پهلوی اول - تهران
عمارت کلیسای طاطاوس - قاجاریه - تهران
موزه حیات وحش هفت چنار - پهلوی اول - تهران
خانه فاضل عراق - قاجاریه - تهران
امامزاده سید نصرالدین - (صفویه - قاجاریه) - تهران
کلیسای انجیلی (پطرس مقدس) - قاجاریه - تهران
مجموعه معیر - قاجاریه - تهران
گورستان ارامنه - اواخر قاجار - تهران
سقاخانه گذرقلی - قاجاریه - تهران
عمارت کلاه فرنگی (بی سیم) - پهلوی - تهران
تپه کلمه - اسلامی - کرج
تپه وسطر - اسلامی - کرج
تپه خاتون لر - اسلامی - جاده شهریار به اشتهارد
تپه سیاب - اسلامی - بزرگراه تهران به ساوه

تپه یقه - پیش از تاریخ - جاده رباط کریم به شهریار
دژگل خندان - ساسانی - دماوند
تپه جوقین - اسلامی - وحیدیه
تپه شیرین آباد - اسلامی - کرج
تپه اسلامی ارسطو - پیش از تاریخ - شهریار
تپه فردوس - اسلامی - کرج
امامزادگان عبدالله، عبدالقهار، عبدالجبار - (صفویه - قاجاریه) فیروزکوه
مدرسه و کلیسای ژاندارک - اوایل پهلوی - تهران
خانه و موزه مقدم - اواخر قاجار - تهران
ساختمان صندوق بانک ملی ایران - پهلوی - تهران
سرخ قلعه سر انزاء - ساسانی - فیروزکوه
تپه کیکاور - اسلامی - کرج
چخماق تپه - پیش از تاریخ - تهران
تپه آلارد - پیش از تاریخ - کرج
امامزاده احمد و محمد طارس - قرن ۸ ه.ق - فیروزکوه
گنبد گبری طارس (برج سنگی) - اسلامی - فیروزکوه
بقعه امامزاده حسین رضا - تیموری - ورامین
پل فیروزکوه - پهلوی اول - فیروزکوه
رباط سنگی امین آباد - صفویه - فیروزکوه
خانه دکتر مصدق - قاجاریه - نظرآباد
امامزاده عسگری شهرآباد - قاجاریه - فیروزکوه
امامزاده هادی ینگی امام - (صفویه، قاجاریه) - ساوجبلاغ

سازمان میراث فرهنگی وگردشگری

موزه‌ی ملی ایران (موزه‌ی ایران باستان) (تهران) - موضوع: باستان‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۱۶

موزه ملی ایران (موزه‌ی دوران اسلامی) (تهران) - موضوع: فرهنگ و هنر در دوران اسلامی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۷۵

موزه‌ی مردم‌شناسی (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: مردم‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

عکس‌خانه (آلبوم خانه) (تهران، کاخ گلستان) موضوع: عکس‌های دوران قاجار - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

حوضخانه (تهران) - موضوع: نقاشی‌های اروپائی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

نگار خانه (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: نقاشی‌های کمال الملک - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

موزه‌ی مخصوص (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: هنری، تاریخی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

ایوان تخت مرمر (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: زندیه

تالار آینه (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

تالار الماس (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

تالار برلیان (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

تالار عاج (تهران، کاخ گلستان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس:

قاجاریه
چادر خانه (تهران، کاخ گلستان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قاجاریه
خلوت کریمخانی (تهران، کاخ گلستان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: زندیه
شمس العماره (تهران، کاخ گلستان) ـ موضوع: معماری، هنر (خوشنویسی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قاجاریه
کاخ صاحبقرانیه (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی و تاریخی نیاوران) ـ موضوع: معماری، تاریخی، هنری (قالی، قالیچه، تابلوهای نقاشی، خوشنویسی، مجسمه، آثار تاریخی دوره‌ی صفویه، قاجار و .... ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۷، دوره‌ی ناصرالدین شاه
موزه‌ی جهان نما (تهران، مجموعه‌ی تاریخی و فرهنگی نیاوران) ـ موضوع: تاریخی، هنری (مجموعه آثار هنری شامل تابلوهای نقاشی ایرانی و خارجی، مجسمه، عاج، آثار تاریخی از ایران و هند و ...) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۷
کاخ نیاوران (تهران) ـ موضوع: مجموعه‌ی قالی و قالیچه، نقاشی، مجسمه، آثار هنری کشورهای مختلف (عاج و ...) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۶۵، بنا ۱۳۴۷
کوشک احمد شاهی (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی نیاوران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قاجاریه
موزه‌ی آب (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخ سعد آباد) ـ موضوع: سازه‌های سنتی آب ـ سازمان وزارت نیرو ـ تأسیس ۱۳۷۸
موزه‌ی بهزاد (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی مینیاتورهای استاد حسین بهزاد ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۲، بنا از دوره‌ی پهلوی اول
کاخ سبز (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی قالی، نقاشی، مجسمه، گوبلن، عاج و ... ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا از دوره‌ی پهلوی اول
موزه‌ی فرشچیان (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی آثار استاد فرشچیان ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۸۰، بنا از دوره‌ی پهلوی اول
موزه‌ی مردم‌شناسی (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: پوشاک، وسایل روشنائی، تابلوهای نقاشی قهوه خانه‌ای، نسخ خطی، غرفه‌ی صید و صیادی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۳، بنا از دوره‌ی پهلوی اول
کاخ موزه‌ی ملت (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی قالی، نقاشی، مجسمه، گوبلن، عاج و ... ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۵۹
موزه‌ی مینیاتور آبکار (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی مینیاتورهای استادکلارا آبکار ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۳، بنا از دوره‌ی پهلوی اول

موزه‌ی میرعماد (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: مجموعه‌ی آثار تاریخی خوشنویسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۶، بنا از دوره‌ی پهلوی اول

موزه‌ی هنرهای زیبا (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: آثار نقاشی از هنرمندان بنام ایرانی و اروپائی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۶۱

موزه‌ی نظامی (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: سلاح‌های گرم و سرد از دوره‌های مختلف تاریخی و ... ـ سازمان عقیدتی سیساسی ارتش جمهوری اسلامی ایران ـ تأسیس ۳۱ شهریور ۱۳۶۲

موزه‌ی هنر و ملل (تهران، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی سعد آباد) ـ موضوع: تاریخی، هنری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۵۹

موزه‌ی هنرهای ملی (تهران) ـ موضوع: هنری، تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۰۹

موزه‌ی فرش ایران (تهران) ـ موضوع: تاریخی، هنری (قالی، قالیچه، گلیم و بافته‌های ایرانی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی رضا عباسی (تهران) ـ موضوع: باستان‌شناسی، هنری، تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی آبگینه و سفال‌های ایرانی (تهران) ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی (آثار شیشه‌ای و سفالینه) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۵۹، قاجاریه

موزه‌ی نقاشی پشت شیشه (تهران) ـ موضوع: مجموعه تابلوهای نقاشی پشت شیشه ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۷

موزه‌ی سکه بانک سپه (تهران) ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی (انواع سکه‌های تاریخی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۴۲

موزه‌ی پست و تلگراف و تلفن (تهران) ـ موضوع: تاریخچه‌ی پست، تمبر و مخابرات ـ وزارت پست و تلگراف و تلفن ـ تأسیس ۱۳۶۹، بنا ۱۳۰۷

موزه‌ی سیزده آبان (تهران) ـ موضوع: هنری، مجسمه و تابلو ـ سازمان هلال احمر ـ تأسیس ۱۳۲۶

کتابخانه، مرکز اسناد و موزه‌ی مجلس شورای اسلامی (تهران) ـ موضوع: تاریخی، هنری (تابلو و کتب خطی) ـ مجلس شورای اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۹

تماشاگه تاریخ (تهران) ـ موضوع: تاریخی، هنری (مجموعه تابلوهای نقاشی، قالی، مینیاتور و ...) ـ بنیاد مستضعفان و جانبازان ـ تأسیس ۱۳۷۵

تماشاگه پول (تهران) ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی (تحول پول و نمونه‌های مختلف آن) ـ بنیاد مستضعفان و جانبازان

تماشاگه زمان (تهران) ـ موضوع: تاریخی، هنری و علمی (ابزار زمان سنج از آغاز تاکنون) ـ بنیاد مستضعفان و جانبازان

موزه‌ی هنرهای معاصر تهران (تهران) ـ موضوع: هنری (مجموعه تابلوهای نقاشی از هنرمندان معاصر ایران و جهان) ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی جواهرات ملی (تهران) ـ موضوع: تاریخی (انواع جواهرات تاریخی) ـ بانک مرکزی

جمهوری اسلامی ایران
موزه‌ی تهران‌شناسی (موزه‌ی هنر زمان) (تهران) ـ موضوع: تاریخی ـ شهرداری تهران ـ تأسیس ۱۳۷۶
موزه‌ی علوم دانشگاه تهران (تهران) ـ موضوع: علمی (نمونه‌ی انواع جانوران) ـ دانشگاه تهران ـ تأسیس ۱۳۳۸
موزه‌ی صنعت برق ایران (تهران) ـ موضوع: علمی (وسایل روشنائی و تجهیزات تولید برق) ـ وزارت نیرو ـ تأسیس ۱۳۷۴
عکاسخانه‌ی شهر (تهران) ـ موضوع: هنری ـ شهرداری ـ تأسیس ۱۳۷۴
موزه‌ی پروفسور حسابی (تهران) ـ موضوع: شخصیت (پروفسور حسابی) ـ بنیاد پروفسور حسابی ـ تأسیس ۱۳۷۱
موزه‌ی فرهنگ و جامعه (تهران) - موضوع: مردم‌شناسی (اشیاء امانی از موزه‌ی ملی) ـ دانشگاه تهران ـ تأسیس ۱۳۷۹
موزه و مجموعه‌ی فرهنگی برج آزادی ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
خانه‌ی استاد حسین بهزاد (تهران) - موضوع: آموزشگاه هنرهای سنتی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۰
خانه‌ی صبا (تهران) ـ موضوع: شخصیت (استاد ابوالحسن صبا) ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ تأسیس ۱۳۵۶
موزه‌ی خانه‌ی شهید رجائی (تهران) ـ موضوع: شخصیت ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۲
نمایشگاه اسناد ملی ایران (تهران) ـ موضوع: تاریخی (اسناد و عکس‌های تاریخی) ـ سازمان اسناد ملی ـ تأسیس ۱۳۷۸
موزه‌ی ملی ملک (تهران) ـ موضوع: هنری، تاریخی ـ آستان قدس رضوی
موزه‌ی سینما ـ موضوع: صدسال تاریخ سینمای ایران ـ شهرداری (بنیاد سینمای فارابی)
موزه‌ی آثار برگزیده‌ی صنایع دستی (تهران) ـ موضوع: هنری (آثار برگزیده‌ی صنایع دستی جامعه) ـ وزارت صنایع (سازمان صنایع دستی)
موزه‌ی موسیقی (تهران) ـ موضوع: هنری (نمایش سازه‌های ایرانی) ـ سازمان شهرداری (بخش توسعه فضاهای فرهنگی)
موزه‌ی ملی تاریخ علوم پزشکی (تهران) ـ موضوع: علمی (پزشکی) ـ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه تهران
موزه‌ی مرکز نمایش‌های هوائی (تهران) ـ موضوع: علمی (فرهنگی) ـ سازمان صنایع هوایی
موزه‌ی یادمان یاران (تهران) ـ موضوع: موقوفات و هدایا ـ آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک
موزه‌ی سنگ (تهران) ـ موضوع: علمی ـ دانشگاه شهید بهشتی
موزه‌ی فرش رسام عرب زاده (تهران) ـ موضوع: هنری (فرش) ـ معاونت اجتماعی شهرداری تهران ـ تأسیس ۱۳۷۳
موزه‌ی هدایای ریاست جمهوری (تهران) ـ موضوع: هدایا (هنری) ـ نهاد ریاست جمهوری ـ تأسیس ۱۳۶۲
موزه‌ی زمین‌شناسی (تهران) ـ موضوع: علمی ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور
موزه‌ی نمایشگاه دائمی نقشه (تهران) ـ موضوع: علمی (اطلاعات جغرافیائی) ـ مرکز

اطلاعات جغرافیائی شهرداری تهران
خانه‌ی وثوق (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
خانه‌ی امام جمعه‌ی تهران (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
موزه‌ی حج (تهران) ـ موضوع: هنری (صنایع دستی) ـ سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری
سردر باغ ملی (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
موزه‌ی تاریخ طبیعی ایران (تهران) ـ موضوع: علمی (زمین‌شناسی، جانورشناسی، گیاهشناسی، دیرین‌شناسی، بوم‌شناسی) ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۶۶
موزه‌ی تاریخ طبیعی سرخه حصار (تهران) ـ موضوع: علمی (جانورشناسی، گیاهشناسی، دیرینه‌شناسی) ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۷۸
موزه‌ی تاریخ (تهران) ـ موضوع: علمی، تاریخی ـ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
مرکز تحقیقات علوم گیاهی (هرباریم) (تهران) ـ موضوع: علمی ـ دانشگاه تهران (دانشکده‌ی علوم)
مجموعه‌ی گونه‌های گیاهی (هرباریم) (تهران) ـ موضوع: علمی (مجموعه گونه‌های گیاهی) ـ وزارت جهاد کشاورزی ـ تأسیس ۱۳۴۷
باغ وحش (تهران) ـ موضوع: علمی (جانوران، پرندگان و خزندگان زنده)
موزه‌ی طبیعت و حیات وحش دار آباد (تهران) ـ موضوع: حیات وحش ـ شهرداری
موزه‌ی حیات وحش هفت چنار (تهران) ـ موضوع: تاریخ طبیعی (علمی) ـ شهرداری
موزه‌ی جانورشناسی (تهران) ـ موضوع: علمی ـ گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران ـ تأسیس ۱۳۰۷
کاروانسرای رباط کریم (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
دژ رشکان (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
چشمه علی (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
برج طغرل (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
برج نقارخانه (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
کاروانسرای شاه عباسی (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
تپه میل (تهران) ـ موضوع: محوطه‌ی باستانی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور
مسجد جامع (تهران) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور

آداب و رسوم:
سرگرمی‌های عمومی در تهران: شرقی‌ها از هر نوع تفریح چشم نواز لذت می‌برند. چنانکه برای ایرانیان هیچ تفریحی لذت‌بخش‌تر از آتشبازی نیست. هیچ حادثه‌ای شاد به حساب نمی‌آید مگر آن‌که با آتش‌بازی توأم باشد. در همه‌ی اعیاد و جشن‌ها از جمله از سه عید بزرگ ملی – نوروز، تولد یا جلوس شاه بر تخت سلطنت، و همچنین اعیاد مذهبی و جشن‌های خانوادگی آتشبازی تفریحی الزامی است. در حقیقت حتی خانواده‌های فقیر هم از خریدن چند ترقه به چند شاهی عاجز نیستند. بیش از آنچه

اسب دوانی انگلیسی‌ها را به هیجان می‌آورد و رقابت قایق‌سواران و نیزیها و گاوبازی اسپانیا را سرگرم می‌کند، آتشبازی مورد علاقه‌ی تهرانی‌ها است. شاه نیز از این تفریح غافل نیست و در هر گونه تشریفاتی که جنبه‌ی عمومی داشته باشد سازندگان وسائل آتشبازی، بیش‌تر برای خوشامد شخص او تا راضی کردن مردم، به فعالیت می‌پردازند. تاکنون بیش‌تر آتش‌بازی‌ها در خیابان اصلی منتهی به کاخ شاه اجراگردیده است. در این خیابان است که آتش زدن انواع ترقه، فشفشه و ستاره و غیره مردم را به تحسین وا می‌دارد. هر تماشاچی در این میان باران جرقه و فشفشه همچون پیران فرقه‌ی نصیری خود را آرام و جراحت‌ناپذیر نشان می‌دهد. همه‌ی مردم، از مرد و زن و توانگر و بینوا و جوان و پیر در این تفریح شرکت می‌کنند. مردم عادی در قسمتی از دو خیابان گرد می‌آیند که معبر حیوانات بارکش است و شخصیت‌ها و اروپایی‌ها در خیابان وسط جای می‌گیرند که اختصاص به عبور پیادگان و اسب سواران و کالسکه‌ها دارد. موزیک نظامی و ارکستر ملی با صدای فشفشه‌ها و ترقه‌ها و فریادهای شادی مردم هم‌آهنگی می‌کنند.

مراسم شب یلدا:

در انزهای Anzeha فیروزکوه: به شب یلدا شال هشو می‌گویند. در این شب مردم محل به خانه‌ی همدیگر می‌روند. صاحبخانه برای مهمان‌هایش از همه رقم میوه به‌خصوص قیسی، برگه، هسته‌ی شیرین بود داده، گردو و انگور می‌آورد. جوانان محل در این شب رسمی دارند که به نام «شال انداختن» و به این ترتیب که یک دستمال نسبتاً بزرگ را چهار گره می‌کنند و به سر طنابی گره می‌زنند و بر بالای بام خانه‌ها می‌روند. دستمال چهار گره را از بالای بام به صحن خانه یا اطاق آویزان می‌کنند و چند لگد به بام خانه می‌زنند. صاحبخانه مقداری آجیل، شیرینی در دستمال می‌گذارد و دستمال را تکان می‌دهد. صاحب دستمال می‌فهمد که توی دستمال چیزی ریخته‌اند. آن را بالا می‌کشد و چیزهایی که در آن ریخته شده است در کیسه‌ای که همراه دارد می‌ریزد و بعد می‌رود بالای بام خانه‌ی دیگری و به این ترتیب به همه‌ی خانه‌های آبادی سر می‌زند و شال می‌اندازد. این کار تا نیمه‌های شب ادامه دارد. این رسم را دلدادگان و نامزدداران خیلی دوست دارند. زیرا فرصتی است تا پنهان از همگان هدایایی بدهند و بگیرند.

انزاها: یکی از نقاط خوش آب و هوای فیروزکوه که زمستان طولانی و پربرف دارد انزاها Anzeha است. مردم این نقطه شب‌های زمستان به خانه‌های همدیگر می‌روند و تا پاسی از شب می‌نشینند و قصه‌ها و سرگذشت‌هایی برای یکدیگر تعریف می‌کنند و در اواسط شب‌نشینی شبچره می‌آورند. شبچره عبارت است از مرکبات از قبیل پرتقال، سیب، انار و گلابی و از خشکبار مانند برگه، گردو و فندق که صاحب‌خانه در بشقاب می‌ریزد و در سینی بزرگی می‌گذارد و برای مهمان‌ها می‌آورد و همگی در حالی که زیر کرسی داغ برای یکدیگر صحبت می‌کنند و یا سرگذشت‌ها و افسانه‌های قدیمی مانند جنگ رستم با دیو سفید یا امیر ارسلان نامدار خودشان را مشغول می‌کنند. البته شب‌نشینی این دسته جنبه‌ی تفریح دارد و به غیر از خندیدن و قصه گفتن کار دیگری نمی‌کنند و میزبان وظیفه دارد بعد از چند شب به خانه‌ی هر یک از آن‌ها که به منزلش آمده‌اند برود تا آن‌ها بار دیگر بیایند را پس نداد

معلوم می‌شود که مایل به رفت و آمد با طرف نیست.
ظرف غذای هر کس هم جدا باشد. رسم است که باید در شب چله هر کسی در خانه‌ی خودش باشد و عقیده دارند چنانچه ماهی را قسمت نکنند و ظرف هر کسی هم جدا نباشد در زمستان آن سال به افراد آن خانواده خیلی سخت می‌گذرد و بر عکس اگر ظرف هر نفر جدا باشد زمستان خوبی در پیش خواهند داشت و رزق و روزی سال آینده‌شان فراوان خواهد بود. بعد از این که شام خورده شد. مقداری از پولک یا فلس‌های ماهی را که قبل از پختن ماهی از آن تراشیده‌اند در یک سینی می‌ریزند و خوب می‌شویند و تمیز می‌کنند و به سر سفره می‌آورند. سپس سفره را جمع می‌کنند و این سینی را جای سفره قرار می‌دهند آن وقت پدر یا مادر یا بزرگ‌تر خانواده به یکی از بچه‌ها که از همه کوچک‌تر باشد اشاره می‌کند تا مقداری از پولک‌ها را بردارد بعد مقدار پولکی را که در دست بچه است می‌شمارند. اگر جفت در آمد خوب است و زمستان بارندگی فراوان خواهد شد. به همین علت اگر به‌طور اتفاق برای یک نفر پیش آمد بدی رخ بدهد دیگران به او می‌گویند: «فلانی! مگر خدای نکرده شب چله طاق آوردی؟» اگر طرف بگوید: «بله طاق آوردم» می‌گویند: «خدا بزرگ است برو شکر کن» اما اگر بگوید: «نه جفت آوردم» می‌گویند: «انشاءالله که در همه سال جفت بیاری».

نمونه‌ی بازی‌های استان تهران: ۱ - الک و دولک (سه نوع) ۲ - توپ کا ۳ - گرگم به هوا ۴ - همه گرگه ۵ - خلاصی (قلعه) ۶ - بالابلندی ۷ - قایم باشک (سک سک) ۸ - شیر دیدم ۹ - میخک ۱۰ - چوس خورک ۱۱ - یکی پی دو پی (جفتک چارکش) ۱۲ - خیابونک (خیابونی) ۱۳ - سه سنگ قمی ۱۴ - تخت تخت منه ۱۵ - خروس جنگی ۱۶ - یک قل دو قل ۱۷ - سیخم میخم ۱۸ - عمو زنجیرباف ۱۹ - حمومک مورچه داره ۲۰ - اتل متل ۲۱ - گرگم و گله می‌برم ۲۲ - گاوگوساله فینگلی ۲۳ - دوک بازی ۲۴ - تیله انگشتی ۲۵ - تیل به تیل ۲۶ - ترنابازی ۲۷ - دوزبازی (دو نوع) ۲۸ - لی‌لی (دو نوع) ۲۹ - هفت سنگ ۳۰ - زو ۳۱ - گانیه ۳۲ - داژبال ۳۳ - دستش ده ۳۴ - آتیش اداره بالاترک.

دستش ده: بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی برگزار می‌گردد. هر چه تعداد بازیکنان بیش‌تر و فضای بازی بازتر و وسیع‌تر باشد، بازی از شور و هیجان بیش‌تری برخوردار خواهد بود.

میخک: بازی گروهی است که بین دو دسته با نفرات مساوی، هر تیم ۴ تا ۶ نفر انجام می‌شود، این بازی بدون وسیله بوده و به فضای چندانی نیاز ندارد.
داوری بازی به عهده‌ی یک نفر می‌باشد که داوطلبانه و با توافق دو تیم و با عنوان «میخ» انتخاب می‌شود.

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری تهران:
مرد: (۵۷۷۷۵۰۲ شهری، ۵۶۱۰۹۸ روستائی)،
زن: (۵۵۰۱۸۹۵ شهری، ۴۸۵۳۳۷ روستائی).

جمعیت استان تهران

شهرستان اسلامشهر: تعداد خانوار ۱۱۴۰۰۹، جمعیت ۴۴۸۸۶۴، تعداد باسواد ۳۶۱۳۰۰، تعداد بیسواد ۴۴۴۵۴.
شهرستان پاکدشت: تعداد خانوار ۶۱۲۳۴،

جمعیت ۲۴۲۶۹۱، تعداد باسواد ۱۸۱۶۸۳، تعداد بیسواد ۳۰۸۳۲.
شهرستان تهران: تعداد خانوار ۲۳۱۳۰۰۲، جمعیت ۷۹۷۵۶۷۹، تعداد باسواد ۶۸۳۱۵۶۶، تعداد بیسواد ۴۸۰۷۱۷.
شهرستان دماوند: تعداد خانوار ۲۷۴۱۹، جمعیت ۹۸۰۵۳، تعداد باسواد ۷۴۰۲۷، تعداد بیسواد ۱۳۷۴۶.
شهرستان رباط کریم: تعداد خانوار ۱۴۹۴۴۴، جمعیت ۶۱۴۵۸۶، تعداد باسواد ۴۶۰۷۷۷، تعداد بیسواد ۷۹۴۶۲.
شهرستان ری: تعداد خانوار ۷۱۷۱۱، جمعیت ۲۹۷۷۱۱، تعداد باسواد ۲۱۷۴۵۳، تعداد بیسواد ۴۳۹۱۳.
شهرستان ساوجبلاغ: تعداد خانوار ۵۷۴۹۷، جمعیت ۲۱۵۹۹۱، تعداد باسواد ۱۶۶۴۶۰، تعداد بیسواد ۲۸۶۹۱.
شهرستان شمیرانات: تعداد خانوار ۱۱۱۷۸، جمعیت ۳۸۳۱۱، تعداد باسواد ۲۹۷۸۱، تعداد بیسواد ۵۱۳۵.
شهرستان شهریار: تعداد خانوار ۲۷۳۸۲۶، جمعیت ۱۰۴۷۳۶۴، تعداد باسواد ۸۳۰۱۶۲، تعداد بیسواد ۱۰۶۳۰۷.
شهرستان فیروزکوه: تعداد خانوار ۱۰۴۱۴، جمعیت ۳۹۲۸۴، تعداد باسواد ۲۸۸۹۱، تعداد بیسواد ۵۹۵۰.
شهرستان کرج: تعداد خانوار ۴۷۲۳۶۵، جمعیت ۱۷۳۲۲۷۵، تعداد باسواد ۱۴۳۲۵۲۱، تعداد بیسواد ۱۳۰۴۸۲.
شهرستان نظرآباد: تعداد خانوار ۳۲۳۷۳، جمعیت ۱۲۸۷۲۵، تعداد باسواد ۹۸۳۰۳، تعداد بیسواد ۱۷۵۹۰.
شهرستان ورامین: تعداد خانوار ۱۳۴۵۳۸، جمعیت ۵۴۲۸۳۲، تعداد باسواد ۴۰۸۱۸۶، تعداد بیسواد ۷۷۴۱۷.

شهرستانها، بخش‌ها و دهستان‌ها

استان تهران دارای ۱۲ شهرستان ۳۱ بخش و ۷۳ دهستان و ۴۲ شهر است.

آدران: از دهستان‌های بخش آسارا شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن آدران است.

آسارا: از بخش‌های شهرستان کرج، مرکز آن شهر آسارا دارای ۳ دهستان (۱ - آسارا ۲ - نساء ۳ - آدران) است.

آفتاب: از بخش‌های شهرستان تهران و مرکز شهری آن شهر آفتاب و دارای ۲ دهستان ۱ - خلازیر ۲ - آفتاب می‌باشد.

ابر شیوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دماوند استان تهران و مرکزش سربندان است و در منطقه‌ای میانکوهی سرد خشک و کوه‌کور چشمه قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، زردآلو و سیب.

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، کاسنی، درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، گراز و کبک.

احمدآباد: از دهستان‌های بخش نظرآباد شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش احمدآباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، یونجه، چغندر و تره‌بار.

پوشش گیاهی: خاکشی، غازایاقی، کاسنی، شنگ، کنگر و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

احمدآباد مستوفی: از دهستان‌های بخش مرکزی اسلامشهر استان تهران و مرکز احمدآباد مستوفی است و در منطقه‌ای دشتی خشک معتدل قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، سیب، انگور، گلابی، هلو و تره‌بار.

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، خاکشی، شیرین‌بیان، کرچک، درخت زبان‌گنجشک و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

اخترآباد: از دهستان‌های بخش ملارد شهرستان شهریار استان تهران و مرکزش اخترآباد است.

ارجمند: از بخش‌های شهرستان فیروزکوه، مرکز آن شهر ارجمند، دارای دو دهستان (۱ - قزمانچای ۲ - بلوک است.

اسلام‌شهر: از شهرستان‌های استان تهران است که از شمال به حومه‌ی تهران، از خاور به شهرستان ورامین، از جنوب به شهرستان قم و از باختر به شهرستان شهریار محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر اسلامشهر، دارای دو بخش (۱ - بخش مرکزی دارای دو دهستان: ده عباس، احمدآباد مستوفی ۲ - چهاردانگه دارای دو دهستان (۱ - چهاردانگه ۲ - فیروز بهرام) مرکز شهری آن عبارت است از اسلامشهر ۲ - چهاردانگه.

رودکرج مهم‌ترین رودی است که در بخش اسلام آباد روان است.

آب و هوا: معتدل و خشک

رستنی‌ها: گیاهان دارویی و صنعتی، گل ختمی، خاکشی، گون و کتیرا.

پوشش گیاهی: پوشش گیاهی برای چرای دام در برخی از فصل‌ها

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، گرگ، خرگوش

زبان ترکی، فارسی با گویش‌های کردی و لری

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و باغداری و دامداری استوار است. کشاورزی و باغداری به شیوه‌ی سنتی و نوع کشت آبی و دیمی می‌باشد. آب کشاورزی از چاه‌های ژرف فراهم گشته. جنس خاک شنی و رسی است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انگور، سیب، گلابی، زردآلو، دامپروری و پرورش مرغ و خروس از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.

اسلام‌شهر: از بخش‌های شهرستان اسلامشهر استان تهران و مرکز آن اسلامشهر و دارای دو دهستان: (۱ - ده‌عباس ۲ - احمدآباد مستوفی) است.

اسماعیل‌آباد: از دهستان‌های بخش گلستان شهرستان رباط کریم استان تهران و مرکز آن اسماعیل‌آباد است.

امامزاده ابوطالب: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رباط‌کریم استان تهران و مرکز آن آدران است.

بالا طالقان: از دهستان‌های بخش طالقان شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش جوستان است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمخشک و کوه‌های سرخه سنگ، هزار خال و تاربارکش و لاواسان دره و دره‌ی نو سر و گردنه داماش قرار و رود زغال‌کش در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، عدس، لوبیا، گردو و سیب

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، ختمی، خاکشی، پونه، کاسنی، گل ماهور، سیرکوهی، گون، درخت کاج کوهی و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک

برغان: از دهستان‌های بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکز آن برغان است. و دره‌ای معتدل و خشک و کوه دروار و تنگه‌ی یگان قرار و رود دروار در این دهستان جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب، گلابی، گیلاس، آلبالو و گردو.
پوشش گیاهی: آویشن، چای‌کوهی، گل‌گاوزبان و گیاهان مرتعی.
جانوران: بزکوهی، قوچ، میش، شغال، گرگ، روباه، خرگوش.
بهنام پازوکی جنوبی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ورامین استان تهران و مرکز آن باقرآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک.
فرآورده‌ها: گندم، جو، پنبه، تره‌بار، انار، بنشن، انگور و توت.
پوشش گیاهی: خاکشی، گل‌گاوزبان و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
بهنام سوخته جنوبی: از دهستان‌های بخش پیشوا شهرستان ورامین استان تهران و مرکز آن جلیل‌آباد است و در منطقه‌ای کویری گرم خشک قرار دارد. شاخابه‌ای از رود جاجرود از این دهستان می‌گذرد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انار و انجیر.
پوشش گیاهی: خاکشی، بارهنگ، پنیرک و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
بهنام عرب جنوبی: از دهستان‌های بخش جوادآباد شهرستان ورامین استان تهران و مرکز آن جوادآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انار و انگور.
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان و خاکشی، درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
بهنام وسط شمالی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ورامین استان تهران و مرکز آن باغ خواص است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، پنبه، بنشن و تره‌بار.
پوشش گیاهی: خاکشی، کاسنی، بارهنگ، اسپند و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.
بی‌بی سکینه: از دهستان‌های بخش ملارد شهرستان شهریار استان تهران و مرکزش شهرآباد است.
پایین طالقان: از دهستان‌های بخش طالقان شهرستان ساوجبلاغ استان تهران است. و در منطقه‌ای برکوهی، سرد نیمه مرطوب و کوه دو دوران گردن و کوه چاله‌دشت، کوه زلخانی و کوه خونی دوش و دره طالقان رود و دره مگس لانه و دره بنگاه دره و گردنه چاله دشت قرار و رود طالقان رود (شاهرود) جریان دارد.
فرآورده‌ها: عدس، گندم، جو، انگور، گردو، سیب و گیلاس
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، بومادران، شیرین بیان، غازایاقی، آویشن، ریواس، گون و روناس و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، خرس، پلنگ، گراز و کبک
پاکدشت: از شهرستان‌های استان تهران است که مرکز آن شهر پاکدشت می‌باشد در ۱۳۷۶/۳/۲۷ تبدیل به شهرستان شد.
این شهرستان دارای دو بخش (۱ - بخش مرکزی

دارای سه دهستان (۱ - حصار امیر ۲ - فرون آباد ۳ - فیلستان) ۲ - بخش شریف آباد، مرکزش شریف‌آباد، دارای سه دهستان (۱ - شریف‌آباد ۲ -کریم آباد ۳ - جمال‌آباد)) است. مرکز شهریش شهر پاکدشت می‌باشد.

پشتکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فیروزکوه استان تهران و مرکزش سرانزا است و در منطقه‌ای میانکوهی سرد و خشک و کوه شاه‌سلیمان قرار دارد.

رود هویر در این دهستان جریان دارد و به حبله‌رود می‌پیوندد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، گلابی و تره‌بار.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی

جانوران: بزکوهی، شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

پلنگ‌آباد: از دهستان‌های بخش اشتهارد شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن پلنگ آباد است.

پیشوا: از بخش‌های شهرستان ورامین، مرکز این بخش شهر پیشوا، دارای دو دهستان (۱ - عسکریه ۲ - بهنام سوخته جنوبی) است

شهر پیشوا در ۵۰ کیلومتری جنوب تهران، دارای تمدنی کهن از پیش از اسلام بوده است. پیشوا در دامنه‌ی تپه‌ای سرسبز و پوشیده از جنگل مصنوعی قرار دارد.

کان ماسه در سه کیلومتری جنوب باختری شهر پیشوا قرار دارد

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، کارگری و پیشه‌وری استوار است. کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو و تره‌بار.

پوشش گیاهی: گیاهان دارویی مانند کاسنی، خاکشی و بارهنگ و پوشش مرتعی برای چرای دام.

جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

پیشوا: شهری است در ۵۰ کیلومتری جنوب تهران، با پیشینه‌ای کهن که برابر پژوهش‌های انجام گرفته توسط گروه‌های باستان شناس، در دوره‌ی پیش از پیدایش زرتشت، دارای تمدنی چشمگیر بوده است. کشف گورستان ۳۰۰۰ ساله در سال‌های اخیر، مؤید این ادعا است. این شهر در دوران پیش از اسلام، از رونق و آبادانی برخوردار بوده است.

مرقد مطهر امام‌زاده جعفر، در این شهر قرار دارد.

پیشوا: در دامنه‌ی تپه‌ای سرسبز و پوشیده از جنگل مصنوعی قرار دارد. این شهر دارای دو بافت قدیمی و جدید است. بازار سر پوشیده‌ی شهر، که نبض اقتصادی شهر و حومه است، در بافت قدیمی شهر قرار دارد.

بافت جدید که برخوردار از معماری مدرن است، در دشت کنار مزارع باغ‌های انار و انجیر قرار گرفته است.

پیشوا دارای فرهنگ، بهداشت و امکانات ورزشی متعادلی است. وجود مرکز فنی حرفه‌ای، مرکز تربیت معلم دختران، سالن ورزشی سرپوشیده، میدان عمده، فروشی میوه و تره بار، پارک جنگلی، شهربازی و بیمارستان بیانگر توسعه‌ی چشمگیر شهر است.

گورستان سه هزارساله: کشف این گورستان باستانی حکایتگر تاریخ دیرینه و سه هزار ساله‌ی «پیشوا» است. پژوهش‌های باستان‌شناسی با توجه به چگونگی تدفین، فرم و ساخت ظروف سفالین و اشیاء مفرغی نهفته در این گورستان بیانگر آنند که اینان مهاجرینی بوده‌اند که از سرزمین‌های

شمال و شمال غربی به ایران زمین راه یافته‌اند. مهاجرین به زندگی پس از مرگ باور داشته نزدیک به پنج سده در اینجا زیسته‌اند.
از شگفتی‌های این گورستان سه هزارساله، ۴ دوره تدفین است که تنها در این نقطه از دنیا شناخته شده است.
پارک جنگلی پیشوا، در ارتفاعات مشرف به شهر واقع گردیده و مجموعاً با، توسعه‌ی درختکاری که اخیراً انجام شده، حدود شصت هکتار فضای سبز می‌باشد.
این پارک که در حاشیه‌ی کویر مرکزی واقع شده، بر پایه‌ی برنامه‌ریزی به عمل آمده، به عنوان یک مجموعه‌ی وسیع تفریحی و فرهنگی طراحی شده که هم‌اکنون دارای امکاناتی همانند: شهربازی، رستوران، سینمای تابستانی، کمپینگ‌های خانوادگی، آب‌نما، تلفن عمومی، کتابفروشی کودک و نوجوانان و زمین ورزشی فوتبال می‌باشد.
فضای سبز پارک جنگلی پیوسته به زیارتگاه امام زاده جعفر (ع) پارک جنگلی به عنوان بهترین تفریحگاه مورد استقبال و بهره‌گیری مردم ورامین و زیارت کنندگان قرار گرفته است.
تارود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دماوند استان تهران و مرکزش مراء است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و زردکوه قرار و رود دماوند که از کوه دماوند سرچشمه گرفته از این دهستان می‌گذرد و به رود جاجرود می‌پیوندد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، سیب، گردو، گلابی، و گیلاس.
پوشش گیاهی: بومادران، خاکشی، درختان زبان گنجشک، افرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز، خرس و کبک.
تنکمان: از دهستان‌های بخش نظرآباد شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش تنکمان است.
تهران: از شهرستان‌های استان تهران، از شمال به شهرستان شمیرانات و شهرستان کرج، از جنوب به شهرستان ری، از خاور به بخش لواسانات (شهرستان شمیرانات) و شهرستان ورامین و از باختر به شهرستان کرج محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان و مرکز استان تهران، شهر تهران، دارای دو بخش (۱ - بخش مرکزی که مرکزش شهر بومهن و دارای یک دهستان به نام سیاهرود ۲ - بخش کن که مرکز آن شهر کن و دهستان آن سولقان است)
رودها: ۱ - رود دارآباد از کوه دارآباد، در شمال خاوری نیاوران سرچشمه گرفته ۲ - رود جعفرآباد از کوه‌های کلک چال و سوهانک سرچشمه گرفته ۳ - رود درکه از ۴ کیلومتری جنوب باختری توچال روان می‌شود. ۴ - رودکن از شمال خاوری امامزاده داوود و گردنه‌ی سرلت سرچشمه می‌گیرد ۵ - رود سرخه حصار از شمال روستای همه‌سین در خاور تهران روان می‌گردد.
به جز رودکن برای چهار رود دیگر کانال‌هایی در شهر تهران ساخته شده.
کوه‌ها: سراسر شمال باختری تهران یعنی با بلندی‌های البرز مرکزی محدود گشته بقیه‌ی کوه‌های شمال تهران در منطقه‌ی شمیرانات قرار دارد.
مناطق جنوبی تهران را دشت گسترده ری در بر گرفته و نواحی مرکزی شهرستان تهران در دامنه‌ی کوه‌های البرز مرکزی قرار دارد ۱ - بلندترین قله‌ی این کوه‌ها قله‌ی توچال به بلندی ۳۹۵۷ متر و در ۷ کیلومتری (خط مستقیم) دربند قرارگرفته ۲ -کوه

کلک چال ۳ - کوه دارآباد ۴ - کوه سوهانک.
کان‌ها: ۱ - سنگ آهک ۲ - سنک سبزبدل آباد و درکه و فرحزاد
آب و هوا: منطقه‌ی جنوبی تهران به‌سوی شهر ری متمایل به‌گرم و خشک منطقه‌ی مرکزی معتدل و هوای ناحیه‌ی شمالی متمایل به سرد است.
تهران که در تابستان گرم و از زمستان‌ها نسبتاً معتدل، میانگین درجه حرارت زمستان ۴/۳ درجه‌ی سانتی‌گراد است ارتفاع تهران از سطح دریا ۱۱۹۱ متر و شهر تهران میان دو رود کرج و جاجرود که از دامنه‌های البرز سرچشمه می‌گیرند قرار دارد.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های مختلف فارسی، ترکی، کردی، لری، گیلکی، عربی، بلوچی، ارمنی و.... سخن می‌گویند. با این حال زبان فارسی جنبه‌ی عمومی و رسمی دارد.
رستنی‌ها: درختان و درختچه‌های: ۱ - زرشک ۲ - بنه ۳ - سروکوهی ۴ - سماق ۵ - بادام‌کوهی ۶ - گیلاس وحشی - گیاهان دارویی و صنعتی: گل‌گاوزبان، گل بنفشه، گل ختمی، درمنه، خاکشی، کاسنی، آویشن، مورد، شیرین بیان، گون کتیرا، کنگر و شنگ - پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: قوچ، میش، کل، بز، آهو، گراز، گرگ، کفتار، شغال، روباه، خرگوش، کبک، کبک دری و تیهو
اقتصاد: در تهران زمینه‌های اشتغال گوناگونی وجود دارد: ۱ - پیشه‌وری بازرگانی، صنعتگری، ۲ - طبقه‌ی حقوق‌بگیر
کشاورزی با گسترش شهر تهران مناطق زیر کشت و باغداری بسیاری از نواحی شهرستان تهران از میان رفته و در آن‌ها ساختمان‌های مسکونی یا صنعتی و غیره برافراشته شده و آنچه از باغ‌ها و کشتزارها تاکنون به جا مانده به وسیله‌ی کاریزها و چشمه‌سارها و چاه‌های ژرف آبیاری می‌گردد.
صنایع: الف - صنایع دستی (کارگاه‌های هنری) منبت‌کاری، خراطی، قالی و گلیم‌بافی، خاتم‌سازی، قلمزنی، طراحی، کاشی و سرامیک سازی نقاشی ومجسمه سازی.
ب - صنایع ماشینی: ۱ - گروه وسایل نقلیه: کارخانه‌های ایران خودرو، ایران‌کاوه، ایران وانت، پارس خودرو، خدمات اتومبیل سپیک ایران، خدمات فنی زامیاد، سهامی ایران - تولید اتومبیل سایپا گروه صنعتی خاور لیلاند موتور ایران
۲ - گروه ماشین‌سازی: صنایع ماشین‌آلات دورودگری و رادیاتور فولادی شوفاژ حرارت مرکزی و ماشین‌های ساختمانی (ماشین رول)
۳ - گروه ساخت تجهیزات کارخانجات: آکام فلز، اسکلت‌های فلزی مخازن تکنوسیتی، تکنوتاژ، تولیدات ادوات و ماشین‌آلات تولیما، سهامی خاص، سهامی عام، سولیران، صنایع ماشین‌آلات آسفالت ایران (تیتان) صنایع معدنی پارس، فیروزا، کارخانجات، کمک فنر، ایندامین
۴ - گروه ریخته‌گری و آهنگری چدن چکش خوار (مالیبل) سهامی خاص ایرفو، سهامی خاص کارخانجات تولیدی زر، صنایع چدنی ایران (پارس متال) و لوله‌ی ماشین‌سازی ایران.
۵ - گروه نوردو تغییر شکل فلزات: کارخانه‌های لوله و پروفیل سازی پارس، دورال، کارخانه‌های پروفیل، نیمه سبک، صنعتی سینتا و نورد و تولید قطعات فولادی
صنایع غذایی: شیر پاستوریزه و پاک، روغن نباتی جهان، بیسکویت سازی، نوشابه‌ها، کنسرو و

مرباسازی، صنایع نساجی و چرم - صنایع سلولزی، صنایع کانی، صنایع فلزی، صنایع برق و الکترونیک - صنایع متفرقه

تهران بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان تهران استان تهران و مرکز آن شهر بومهن و دارای یک دهستان: (سیاهرود) است.

جوادآباد: از بخش‌های شهرستان ورامین استان تهران می‌باشد که از شمال به حومه‌ی ورامین، از جنوب به شهرستان قم، از خاور به شهرستان گرمسار و از باختر به شهرستان ری (بخش فشاپویه) محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر جوادآباد دارای دو دهستان (۱ - بهنام عرب جنوبی ۲ - بهنام وسط جنوبی) است مرکز شهری آن شهر جوادآباد می‌باشد.

رودها: ۱ - رودکرج ۲ - رود جاجرود که از رشته کوه‌های البرز مرکزی سرچشمه گرفته، در منطقه‌ی جنوب باختر این بخش به هم می‌پیوندند و سرانجام به دریای نمک می‌ریزد.

رودگلو از ۱۵ کیلومتری جنوب خاوری جوادآباد روان است و سرانجام به دشت کویر می‌رود.

کوه‌ها: مناطق شمالی بخش جوادآباد دشتی و مناطق جنوبی کویری است.

کان‌ها: ۱ - معدن سنگ استرانسیون ۲ - معدن سولفات دو سود (شوره) ۳ - معدن باریت ۴ - معدن گچ

آب و هوا: تابستان‌ها گرم و خشک و زمستان‌ها سرد است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان تاغ و بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی درمنه، زیره و آنغوزه - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: آهو، گورخر، گراز، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، سمور، کفتار و کبک

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنعت استوار است. کشاورزی بیش‌تر آبی و آب آبیاری از چاه‌های ژرف، کاریزها و در برخی مواقع از رود فراهم می‌شود.

دامداری به‌صورت سنتی پررونق است و دام‌ها در محل یا به صورت نیمه کوچ‌رو پرورش داده می‌شود.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و پنبه، دام و فرآورده‌های دامی

صنایع: ۱ - صنایع دستی: قالیبافی با طرح کاشی و نقش میناخوانی ۲ - صنایع ماشینی: تریکو، گچ، پلاستیک، پوشاک

جمال آباد: از دهستان‌های بخش شریف‌آباد شهرستان پاکدشت استان تهران و مرکز آن جمال آباد است.

جمال‌الدین: از دهستان‌های بخش نظرآباد شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش جمال‌الدین است.

جمع آبرود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دماوند استان تهران و مرکزش آبسرد و کیلان شهرش ودر منطقه‌ای دشتی سرد خشک است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و لوبیای سبز،

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، بومادران و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

جوقین: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران و مرکز آن جوقین است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، سیب و توت
پوشش گیاهی: گل ختمی، خاکشی و درختان زبان گنجشک و عرعر و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
چندار: از بخش‌های شهرستان ساوجبلاغ مرکز آن شهر هشتگرد دارای دو بخش ۱ - مرکزی، مرکز آن هشتگرد ۲ - چندار به مرکزیت کوهسار دارای چهار دهستان است، ۱ - سعیدآباد به مرکزیت سعیدآباد ۲ - هیو به مرکزیت هیو ۳ ـ برغان به مرکزیت برغان ۴ - چندار به مرکزیت کوهسار
چندار: از دهستان‌های بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکز آن چندار است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه‌خشک و کوه کله کتر و کوه زرس کوه و دره‌ی چال باغ و تپه‌ی سنگردان و تپه‌ی بور سنبوره و تپه‌ی زرد بند و تپه‌ی قراول قرار و رود دولیان در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، لوبیا، سیب‌زمینی، کدو، سیب، گیلاس، گردو، توت، آلبالو و گلابی.
پوشش گیاهی: بارهنگ، گل حسرت، ریواس، قارچ، گون، روناس، و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک
چهارباغ: از بخش‌های شهرستان ساوجبلاغ مرکز آن شهر چهارباغ، دارای دو دهستان (۱ - چهاردانگه ۲ - رامجین) است.
چهاردانگه: از دهستان‌های بخش چهارباغ شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکز آن چهاردانگه است.
چهاردانگه: از دهستان‌های بخش چهاردانگه شهرستان اسلامشهر استان تهران و مرکزش چهاردانگه است.
حبلرود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فیروزکوه استان تهران و مرکزش آتشان است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه آشناهون و کوه نستم قرار و رود دلی چایی در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب، تره‌بار، انگور، گلابی، طیور، عسل.
پوشش گیاهی: بومادران، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی و کبک.
حسن‌آباد: از دهستان‌های بخش فشاپویه شهرستان ری استان تهران و مرکزش حسن‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب، تره‌بار، انگور، گلابی، طیور، عسل
پوشش گیاهی: بومادران، شیرین‌بیان و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی و کبک
حسن‌آباد: از دهستان‌های بخش فشاپویه شهرستان ری استان تهران و مرکزش حسن‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و تره‌بار
پوشش گیاهی: پونه، خاکشی، کرچک و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه و خرگوش
حصارامیر: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان پاکدشت استان تهران و مرکز آن حصار امیر است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، انجیر، انار و انگور
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

خلازیر: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ری استان تهران و مرکزش خلازیر است و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و انگور
پوشش گیاهی: خاکشی، پونه، کرچک و گیاهان مرتعی
جانوران: روباه، خرگوش و کبک
دانش: از دهستان‌های بخش قدس شهرستان شهریار استان تهران مرکزش دانش است در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک
درکه: موقعیت دره‌ی کوهستانی درکه - محدوده‌ی مطالعه‌ی بین طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه قرار دارد. درکه در شمال غربی تهران و بر روی مخروط افکنه رودخانه‌ی درکه مشرف به حصارک و از جنوب به اوین و سعادت آباد و از شمال به ارتفاعات توچال و شاه‌نشین محدود می‌باشد از نظر ارتفاعی بین حداقل ۱۵۹۰ متر در جنوبی‌ترین نقطه و حداکثر ۳۹۴۴ متر توچال و طول دره قریب ۶ کیلومتر است.
شرایط اقلیمی: عوامل مختلفی در زندگی بشر مؤثر می‌باشد که در بین آن‌ها نقش شرایط آب و هوایی از همه مهم‌تر است.
انسان از تولد تا آخرین لحظات زندگی تحت تأثیر آب و هوای محیط خود است نوع غذا، لباس، مسکن و حتی گاهی رفتار انسان ممکن است تحت نفوذ آب و هوا قرار گیرد.
مطالعات آب و هوایی در مقیاس ماکرو (منطقه‌ی تهران و ارتفاعات شمالی) از جهت بررسی کلی برنامه‌ریزی مؤثر می‌باشد لیکن در طرح پارک، میکروکلیما و مطالعات دقیق آفتاب‌گیری، سایه‌باران، درجه حرارت، رطوبت، شیب، جهت ارتفاعات و عوامل دیگری از جمله جنس زمین، نوع سنگ، پوشش خاک، جنگل، مرتع و حتی انواع گیاهان نقش اصلی دارد.
با ارتفاع گرفتن در طول مسیر دره، تغییرات محسوس آب و هوایی حاصل می‌شود و قریب ۵ ماه از سال آب و هوایی سرد یخبندان است میانگین درجه‌ی حرارت در گرم‌ترین ماه‌های سال از ۲۰ تا ۲۷ درجه تجاوز نمی‌کند میانگین نزولات جوی نزدیک به ۵۰۰ میلی‌متر در سال می‌باشد در ارتفاعات به‌صورت برف می‌بارد.
شرایط طبیعی: درکه یک دره‌ی شمالی - جنوبی است که از دو طرف با ارتفاعات محصور می‌باشد. ارتفاعات شرقی مرتفع‌ترین در طول مسیر رودخانه درکه که از ارتفاعات توچال و چشمه‌های مسیر درکه سرچشمه گرفته از شمال به جنوب در حرکت است در حاشیه‌ی رودخانه بسیاری از محدوده‌ها پوشش درختان جنگلی وجود دارد یک جاده‌ی باریک کوهستانی تنها مسیر ارتباطی به ارتفاعات پلنگ چال و سایر قله‌های مسیر با توجه به شرایط طبیعی و عوارض با پل‌های باریک در عرض رودخانه جابه‌جا می‌شود. در حاشیه‌ی رودخانه محدوده‌هایی به‌صورت تراس، پوشیده از درختان است. جهت ارتفاعات شرقی - غربی و امکان آفتاب‌گیری نورگیری دارای محدودیت است.
مورفولوژی دره‌ی درکه: منطقه از دو ستیغ موازی با امتداد تقریبی شمالی - جنوبی تشکیل شده که در فاصله مابین دو ستیغ، دره‌ی طویلی با مشخصات توپوگرافی بسیار متنوع دیده می‌شود و

شامل چشم‌اندازهای متفاوت به محدوده‌هایی با پوشش گیاهی و یا عاری از آن می‌باشد.
مظاهر آب‌های زیرزمینی به اشکال مختلف زمینه‌های مناسبی را برای آبرسانی و پروژه‌های - ساختمانی فراهم می‌آورد. این دره به دو قسمت کوهپایه‌ای جنوب متشکل از شیب‌های ملایم‌تری می‌باشد. دامنه‌های خط‌الرأس‌ها، شیب‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد همین خصوصیت استعداد عمرانی بیش‌تری را برای منطقه فراهم آورده است. دو ستیغ موازی مذکور در انتهای شمالی خود به ستیغ اصلی و طویل‌تری با امتداد غرب به شمال غرب - شرق، جنوب شرق ختم می‌شود که دامنه‌ی شمالی این قله توچال (۳۹۴۴ متر) را شامل شده است و اکثر اوقات سال پوشیده از برف است.
وجود توده‌های آذرین بیرونی و لایه‌های نفوذی آذرین با بیرون‌زدگی خاص خود، کاملاً مشهود می‌باشد. در تصویر ماهواره‌ای دو محدوده‌کشیدگی تصویری به چشم می‌خورد حاکی از وجود ساخت‌های طاقدیسی یا ناودیسی در محل مذکور است. سیستم زهکشی منطقه دارای یک قسمت اصلی با بخش‌های فرعی می‌باشد قسمت اصلی که درمرکز تصویر واقع است حجم زیادی از آب‌های سطحی منطقه را خارج می‌سازد و از دامنه‌ی جنوبی ستیغ اصلی (شرقی - غربی) سرچشمه‌گرفته تا پس از به هم پیوستن شاخه‌های فرعی به دره و رودخانه‌ی اصلی ریخته و از آن‌جا به ده اوین و توسط زهکشی شهری تخلیه می‌گردد.
باقی آب‌های سطحی از بخش‌های جانبی (شرقی - غربی) که به نسبت کوچک‌ترند زهکشی می‌شوند. قسمت غربی آب‌ها را به دره و رودخانه فرحزاد هدایت می‌کند و از آنجا به داخل تهران و ناحیه‌ی شرقی آب‌های خود از طریق دره‌ی کاره دلواز به کانال‌های شهری منطقه‌ی زعفرانیه تهران جاری ساخته و از آن‌جا وارد سیستم زهکشی شهری می‌شود.
دماوند: از شهرستان‌های استان تهران است که از شمال به شهرستان قائم شهر و بابل و آمل، از جنوب به شهرستان گرمسار، از جنوب باختری به شهرستان ورامین، از خاور به شهرستان سمنان و از باختر به شهرستان شمیرانات محدود می‌باشد.
کوه‌های البرز در شمال شهر دماوند، دارای دو بخش (۱ - مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ - تارود ۲ - جمع‌آبرود ۳ - ابرشیوه) ۲ - رودهن مرکز آن شهر رودهن، دارای دو دهستان (۱ - آبعلی ۲ - مهرآباد) است.
این شهرستان در سال ۱۳۱۶ ه. ش از بخش‌های تهران و از ۱۳۲۵ به شهرستان تبدیل شد.
رودها: ۱ - رود دماوند که سرچشمه‌ی آن از کوه‌های شمال و خاور شهر دماوند است. ۲ - سیاه‌رود که از کوه کبود (خاور لواسانات بزرگ) و شمال آبعلی سرچشمه گرفته و در محلی به نام سیاه‌سنگ رود دماوند و سیاه‌رود می‌پیوندد و در ۱۰ کیلومتری شمال پارچین به رود جاجرود متصل می‌شود.
دریاچه‌ای تار و هویر که از چشمه‌سارهای کوه‌های سیاه‌چال و قره‌داغ به وجود آمده، و به فاصله‌های ۱۴ و ۱۵ کیلومتری خاور شهر دماوند قرار دارند.
کوه‌ها: بلندترین کوه‌های زرین کوه در فاصله‌ی ۱۳ کیلومتری خاور و کوه میان‌رود به بلندی ۳۶۳۵ متر در ۵ کیلومتری شمال و شمال خاوری ۲ - کوه چنگیز چال به بلندی ۴۰۱۰ متر ۳ -

قره‌داغ به بلندی ۴۰۷ متر در ۱۴ کیلومتری دماوند قرار دارند.

در برفی که از بلندی‌های شهرستان دماوند برف دائـــمی وجـــود دارد. دره‌هـــای بـــاصفا و چشمه‌سارهای آن به شهرستان دماوند دلفریبی خاصی داده است.

قله‌ی دماوند حدود ۳۵ کیلومتری شمال شهر دمـاوند و در مـحدوده‌ی شهر لاهیجان سر برافراشته است.

کان‌ها: ۱ - معدن کائولون کریتون ۲ - خـاک صنعتی کور ۳ - مـعدن دولومیت ۴ - مـعدن سیلیس ۵ - سنگ ساختمانی ۶ - سنگ آهک

آب و هوا: تابستان‌ها معتدل و زمستان‌ها سرد است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی محلی با گویش محلی سخن می‌گویند

رستنی‌ها: درختان اورس (سرو کـوهی) انـجیر، زرشک، بادام کوهی، گیاهان دارویی و صنعتی، گل‌گاوزبان،کاسنی،گل ختمی، خاک‌شی، قدومه، گـل بـنفشه، شـیرین بـیان، بـاریجه، بـومادران، بیدمشک، گون کتیرا، روناس و پـوشش گـیاهی برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بزکوهی، شوکا، پلنگ، خرس، گراز، کفتار، گربه‌ی وحشی، گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک، تیهو و قرقاول.

اقتصاد: بـر کشـاورزی و بـاغداری، دامـداری، پیشه‌وری و صنایع دستی استوار است کشاورزی به صورت دیم و آبی صورت می‌گیرد برای آبیاری باغ‌ها از چشمه سارها، رودها و چاه‌های ژرف و نیمه‌ژرف استفاده می‌شود. تره‌بار، گندم، علوفه، ســـیب، گـــلابی، مـــیوه‌های ســـردسیر، دام و فرآورده‌های دامی به شیوه‌ی صنعتی و سنتی هر دو انجام می‌شود.

صنایع دستی: جاجیم، گلیم، قالی، خـورجـین، جوراب پشمی، شال، در و پنجره‌سازی، تـراش کاری، مـبل‌سازی و آهـنگری و نـجاری نـیز از اشتغالات مردم شهرستان دماوند است.

دماوند بخش مرکزی: از بـخش‌های شـهرستان دماوند استان تهران و مرکز ان شهر دماوند و دارای ۳ دهستان (۱ - تـاررود ۲ - جـمع آبـرود ۳ - ابرشیوه) است

ســنگ‌شناسی و آتشــفشانی‌شناسی دمــاوند: استراتو ولکان دماوند از تناوب فازهای انفجاری و گدازه‌ای در کواترنری تشکیل شـده است. آتش فشان مزبور عمدتاً بر روی نهشته‌های مزوزوئیک (سازندهای شمشک و لار) بر پا شده و مواد آتش فشانی آن (گدازه و آذر آواری) مساحتی نزدیک به ۴۰۰ کیلومتر مربع را می‌پوشاند. سنگ‌های آتش فشانی دماوند را می‌توان به سه رخساره‌ی بازیک، میانه و اسیدی تفکیک کرد، که شامل بازالت‌های آلکالن اولیوین دار، تراکی بازالت، تراکی آندزیت، تـراکیت و سـنگ‌های آذرآواری وابسته است. سنگ‌های بـازیک مـربوط بـه فـازهای اولیـه‌ی فعالیت دماوند اند، در حالی کـه تـراکـیت‌ها در مراحل نهایی فعالیت آتش فشان از ماگمای تفریق یافته ناشی شده‌اند. اکثر سنگ‌هایی که ساختمان اصلی دماوند را می‌سازند در محدوده‌ی تراکـی آندزیت قرار دارند که به سمت تراکیت تـحول می‌یابند.

مطالعات ژئوشیمیایی سنگ‌های دماوند نشان می‌دهد که کلیه‌ی آن‌ها در قلمرو سری آلکالن قرار دارند و محدوده‌ی پیوسته‌ای از بازالت آلکالن تا تراکیت نشان می‌دهند. از این بررسی‌ها روشـن می‌شود که انواع سنگ‌های آتشفشانی دماوند از

یک ماگمای مادر و در نتیجه‌ی پدیده‌ی تفریق حاصل شده‌اند. در این نمونه‌های پدیده‌ی غنی شدگی از آهن (Fenner trend) ملاحظه نشده و تفریق در شرایط فشار بخشی کافی اکسیژن تحقق یافته است. ضمن تفریق ماگمایی کاهش منیزیم و نیکل و افزایش آلکالن‌ها نیز سریع و چشمگیر است. بررسی نسبت آلکالن‌ها و ضریب آلکالینیته معلوم می‌دارد که به طور کلی ماگمای تشکیل دهنده‌ی سنگ‌های آذرین دماوند از نوع بازالتی آلکالن سدیک است که ضمن تحمل پدیده‌ی تفریق در مراحل نهایی (تراکی آندزیت‌ها ـ تراکیت‌ها) گرایش پتاسیک یافته است. از نظر ژئودینامیک ماگمای تشکیل دهنده‌ی آتش فشان دماوند با ماگماتیسم آلکالن درون قاره‌ای که بر روی پلاتفرم‌ها در مراحل آخر کوه زایی به وجود می‌آیند قابل مقایسه است. منشأ ماگما از لایه‌ی بارور (Fertile) گوشته‌ی زمین بوده و به نظر می‌رسد که گسل‌های عمیق منطق امکان خروج ماگمای آلکالن را در یک رخداد کششی فراهم ساخته باشند. مجله علوم زمین شماره‌ی ۷

دوبلوک: از دهستان‌های بخش ارجمند شهرستان فیروزکوه استان تهران و مرکز آن سله‌بن است.

ده‌عباس: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسلامشهر استان تهران و مرکزش ده‌عباس است.

رامجین: از دهستان‌های بخش چهارباغ شهرستان ساوجبلاغ استان تهران که مرکزش رامجین است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

رود فصلی کردان از این دهستان می‌گذرد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، گلابی، سیب، گیلاس و آلبالو

پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، ختمی، قدومه و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، روباه، خرگوش

رباط کریم: از شهرستان‌های استان تهران از خاور و جنوب به شهرستان ری، از شمال به بخش شهریار کرج و از باختر به شهرستان ساوه متصل است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر رباط کریم، دارای ۲ بخش (۱ - بخش مرکزی دارای دو دهستان (۱ - منجیل آباد ۲ - امامزاده ابوطالب) ۲ - بخش گلستان دارای ۲ دهستان (۱ - میمنت ۲ - صالح آباد) ۳ - بخش بوستان به مرکزیت نسیم‌شهر و دارای دو دهستان ۱ - اسماعیل آباد ۲ - همدانک

رودها: ۱ - رود شور که از کوه‌های اطراف شهر آوج، ابهر و جنوب قزوین خاوری سرازیر شده از ۸ کیلومتری جنوب شهر رباط کریم می‌گذرد و به دریاچه‌ی حوض سلطان می‌پیوندد. ۲ - رود فصلی شاه‌چائی که شاخابه‌ای از رود کرج است از ۸ کیلومتری خاور رباط کریم می‌گذرد.

کوه‌ها: منطقه‌ی مرکزی خاور و شمال دشتی و منطقه‌ی باختری به‌صورت تپه ماهور (نیمه کویری) است.

کان‌ها: معدن منگنز در ۶ کیلومتری باختر رباط کریم مورد بهره‌برداری قرار دارد.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و بومیان به زبان فارسی و مهاجران به زبان ترکی و گویش لری سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز - پوشش گیاهی برای چرای دام

جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، شغال، روباه و خرگوش

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و کارگری و پیشه‌وری استوار است. کشاورزی بیش‌تر آبی

است و دارای اهمیت فراوان و باغداری نیز پررونق می‌باشد که از چاه‌های ژرف آبیاری می‌شود.
گندم، جو، تره‌بار، ذرت، تخمه آفتابگردان، انگور، سیب، گلابی، گیلاس
دامداری به صورت سنتی و صنعتی هر دو صورت می‌گیرد دامداری صنعتی از رونق و اهمیت برخوردار است.
رباط کریم: از بخش‌های شهرستان رباط کریم استان تهران و مرکز آن شهر رباط کریم و دارای دو دهستان: (۱ - منجیل آباد ۲ - امامزاده ابوطالب) است و درمنطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، سیب و تره‌بار
پوشش گیاهی: درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
رزکان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران و مرکز آن رزکان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: سیب، انگور، گلابی و شلیل
پوشش گیاهی: خاکشی، شیرین بیان، پونه، درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک
رودبار قصران: از بخش‌های شهرستان شمیرانات استان تهران، از شمال به بخش بلده شهرستان نور، از جنوب به شمال شهر تهران (تجریش) از خاور به بخش لواسانات و از باختر به شهرستان کرج محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر فشم، دارای یک دهستان است.
رودها: رود جاجرود از رشته کوه‌های البرز مرکزی سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد.
بخش رودبار قصران در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد: ۱ - قله‌ی توچال با بلندی ۳۹۵۷ متر در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری فشم می‌باشد ۲ - کوه پی‌استخر به بلندی ۳۴۸۸ متر در ۵ کیلومتری شمال فشم ۳ - کوه دملا در ۲ کیلومتری شمال و کوه حاجیه آفتاب کوه در یک کیلومتری جنوب باختری فشم قرار دارند.
تنگه‌ی امامه در جنوب خاوری فشم قرار گرفته است.
کان‌ها: ۱ - زغال‌سنگ ۲ - سنگ گچ ۳ - معدن فسفات
آب و هوا: سردسیری ییلاقی است.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش مازندرانی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گلابی کوهی، انجیر، گردو، سروکوهی، زرشک و اوجا گیاهان دارویی، گل گاوزبان، گل ختمی، مورد، گل بنفشه، خاک شی، باریجه، قدومه، آویشن، کاسنی و شیرین بیان، پوشش غنی گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: قوچ، میش، بزکوهی، آهو، خرس، گراز، کفتار، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو
اقتصاد: بر پایه‌ی باغداری، دامداری و زنبور عسل استوار است.
عده‌ای از مردم نیز در کارخانه‌های تهران به کار اشتغال دارند.
فرآورده‌ها: سیب، گیلاس، آلبالو، گلابی و گردو، دام و فرآورده‌های دامی و عسل
رودبار قصران: از دهستان‌های بخش رودبار قصران شهرستان شمیرانات استان تهران و مرکزش حاجی آباد است. و در منطقه‌ای میانکوهی

سرد خشک و کوه عسلک، کان زغال‌سنگ قرار و رودهای گرمابدر و آبنیک در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، سیب، گلابی، گردو، گیلاس، آلبالو و تره‌بار

پوشش گیاهی: گل گاوزبان، گل بنفشه، قدومه، درختان زبان گنجشک، اوجا و گیاهان مرتعی.

جانوران: پلنگ، بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه، خرگوش، شغال و کبک

رودهن: از بخش‌های شهرستان دماوند، مرکز آن شهر رودهن، دارای دو دهستان ۱ - آبعلی ۲ - مهرآباد است مراکز شهری آن ۱ - رودهن ۲ - آبعلی می‌باشد در ۱۸۰۰ متری سطح دریا و در منطقه‌ای میانکوهی و در ۲۵ کیلومتر مشرق تهران قرار و آب و هوای معتدل دارد.

رود آه از میان شهر رودهن می‌گذرد - کوه مرغک چرون در ۳ کیلومتری مشرق و کوه سید مجله در ۲ کیلومتری شمال شرقی رودهن سربرافراشته است. دره حاجی در دو کیلومتری رودهن واقع گشته است.

سنگ چینی و سنگ سبز از کانی‌های بخش رودهن می‌باشد.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، پیشه‌وری، زنبورداری، و فرشبافی، استوار است.

کشت، آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، چشمه و چاه فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب درختی، هلو، گیلاس، زردآلو، آلو قطره طلا، لوبیا، بنشن و تره‌بار

پوشش گیاهی: درختان زبان گنجشک و پوشش مرتعی برای چرای دام

جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش

شعبه‌ای بزرگ و فعال از دانشگاه اسلامی در رشته‌های گوناگون با دانشجویان بسیار در رودهن برپا گشته است.

ری: از شهرستان‌های استان تهران، از خاور به شهرستان ورامین از جنوب به شهرستان قم و از باختر به شهرستان کرج و ساوه محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر ری، دارای سه بخش ۱ - بخش مرکزی (با دو دهستان ۱ - خلازیر ۲ - غنی‌آباد) ۲ - فشاپویه مرکز آن حسن‌آباد (با دو دهستان ۱ - حسن‌آباد ۲ - وهن‌آباد) ۳ - کهریزک (با دو دهستان ۱ - قلعه‌نو ۲ - کهریزک) است.

رودها: ۱ - رود کرج در هنگام پرآبی (در زمستان و اوایل بهار) از ۲۰ کیلومتری جنوب باختری شهر ری می‌گذرد و پس از پیوستن به جاجرود به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد ۲ - جاجرود نیز از ۲۰ کیلومتری جنوب خاوری شهر ری می‌گذرد ۳ - رود شور با به هم پیوستن خر رود و ابهر رود و تعدادی رودهای کوچک با جهت کلی شمال باختری به جنوب خاوری از ۶ کیلومتری جنوب باختری حسن‌آباد (مرکز بخش فشاپویه) می‌گذرد و به شوره زار خاور حوض سلطان فرو می‌رود. ۴ - رود سرخه حصار که از کوه سرخه حصار واقع در ۴ کیلومتر شمال روستای همه‌سین سرچشمه می‌گیرد، از خاور شهر ری می‌گذرد و پس از آبیاری به رود جاجرود می‌پیوندد.

کوه‌ها: کوه بی‌بی شهربانو در شمال خاوری و کوه آزاد در ۲۱ کیلومتری جنوب باختری شهر ری قرار دارند.

گردنه‌ی حسن‌آباد در ۲۲ کیلومتری جنوب باختری شهر ری و تپه غار در شمال روستای قلعه نو حاج موسی در ۴ کیلومتری جنوب باختری

شهر ری قرار دارند.
کان‌ها: ۱ - منگنز ۲ - سولفات دو سود ۳ - کوارتزیت ۴ - سنگ آهک ۵ - معادن شن و ماسه
آب و هوا: شهر ری در دشت جنوبی تهران قرار گرفته، و دارای آب و هوای معتدل مایل به خشک است. اهمیت جغرافیایی آن در این است که در منطقه‌ی حاصل‌خیزی میان نواحی کوهستانی و بیابان قرار گرفته و از گذشته‌های دور پل ارتباطی میان باختر و خاور ایران بوده است.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی و ترکی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گز - گیاهان دارویی: خاک شی، گل‌گاوزبان، کاسنی، کرچک و پونه، پوشش گیاهی تنک در زمین‌های بایر و اطراف کشتزارها برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، شغال، روباه، خرگوش، جوجه‌تیغی، کبک، تیهو و سار
اقتصاد: بر پایه‌ی بازرگانی، صنعتی، کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی به شیوه‌ی حدود ۵۰٪ مکانیزه و بقیه نیم مکانیزه و سنتی می‌باشد. باغداری این شهرستان پررونق است آبیاری کشتزارها و باغ‌ها از چاهای ژرف و نیمه‌ژرف و کاریزها صورت می‌گیرد و از رود کن نیز برای از میان بردن کمبود آب فشارپویه سود جسته شده است.
فرآورده‌ها: گندم، گیاهان، علوفه‌ای، پنبه، چغندرقند و ذرت و تره بار، سیب، گوجه، آلو، زردآلو، هلو، آلبالو، گلابی.
دامداری ودامپروری شهرستان ری به شیوه‌ی سنتی و صنعتی و نیمه صنعتی رونق فراوانی دارد. مرغداری تولید گوشت و تخم‌مرغ در اقتصاد منطقه با اهمیت است. پالایشگاه بزرگ تهران، روغن پارس واسو، چیت‌بافی ری گلیسیرین و صابون‌سازی دولتی (اتکا) ریسندگی و بافندگی ممتاز ایران، توری‌بافی ایران، بنز خاور، ریسندگی الیاف، سیمان ری، کنسروسازی، شمشاد، روغن ورامین، کفش، روغن نباتی، ظروف لعابی، پلاسکوسازی، پنبه‌پاک کنی، سازنده‌ی بخاری و دستگاه‌های نفت‌سوز، آجرپزی، رادیاتورسازی، کارخانه‌ی فیلترسازی و....
ری: تومان ری این تومان را شهری سوای ری نبوده است اکنون که ری خراب است ورامین شهر آنجا است و مواضع دیگر.... هر یک قصبه شده و حقوق را دیوانی آنجا هفت‌صد تومان بوده و ملک ری به عظمتی بوده که برای حکومتش عمر سعد مزد کشتن امام حسین (ع) را خواست.
ری از اقلیم چهارم و ام‌البلاد ایران است و به جهت قدمت آن را شیخ‌البلاد خوانند.

شهر ری را شیث‌ابن آدم (ع) ساخت هوشنگ پیشدادی عمارت آن افزود و شهری بزرگ شد بعد از خرابی منوچهر پسر ایرج پسر فریدون تجدید عمارتش کرد باز خراب یافت المهدی عباسی احیای عمارت آن کرد و شهر عظیم شد چنانکه گویند سی‌هزار مسجد و دو هزار و هفتصد و پنجاه مناره در آن بود دور با رویش دوازده هزار گام است... در فترت مغول به کلی خراب شد و در عهد غازان خان درواندک عمارتی افزوده شده جمعی ساکن گردید.... نزهة
ری سرزمینی است کهن و قدمتش بنا بر قرائن و شواهد موجود به حدود قرن هفتم و هشتم ق - م می‌رسد. ری در کتاب وندیداد آمده است. دوازدهمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم....
ری در تقسیمات پیش از اسلام جزء ماد بزرگ

بوده و مادراگیان یا مادرزادی نامیده می‌شده، ری به هنگام سلطنت اشکانیان اقامتگاه بهاری آنان بود.
ری در قرن چهارم هجری از بزرگ‌ترین مراکز چهارگانه‌ی ایالت جبال بوده است.
شهرستان ری در دشت قرار گرفته و فقط بخش شرقی این شهرستان را کوه‌های کم‌ارتفاع بی‌بی شهربانو در بر گرفته است. مساحت این شهرستان ۲۶۷۸ کیلومتر مربع است.
ری (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان ری استان تهران و مرکز آن شهر ری دارای دو دهستان (۱ - خلازیر ۲ - غنی‌آباد) است.
ساوجبلاغ: از شهرستان‌های استان تهران، مرکز آن شهر هشتگرد، دارای ۵ بخش ۱ - مرکزی مرکز آن هشتگرد دارای دو دهستان (۱ - سعیدآباد ۲ - هیو) ۲ - چندار ۳ - چهارباغ ۴ - نظرآباد ۵ - طالقان است.
مساحت این شهرستان حدود ۳۱۰۵ کیلومتر مربع بخش شمالیش (طالقان) کوهستانی و منطقه‌ی جنوبی این شهرستان (بخش مرکزی) دشتی می‌باشد. بخش طالقان از سه دهستان ۱ - بالا طالقان ۲ - پایین طالقان و میان طالقان پدید آمده که تقریباً در حاشیه‌ی رود طالقان خالی از جمعیت است. بخش مرکزی ساوجبلاغ که در جنوب کوه‌های البرز قرار دارد بیش‌تر از نواحی هموار دشتی رونق یافته و کشاورزیش از رونق خاصی برخوردار و مرکز شهر هشتگرد تقریباً از مناطق صنعتی به شمار می‌رود.
ساوجبلاغ (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان ساوجبلاغ و مرکز آن شهر هشتگرد و دارای ۲ دهستان (۱ - **سعیدآباد** ۲ - هیو) است.
سعیدآباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران و مرکزش سعیدآباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک رود فصلی از این دهستان می‌گذرد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار
پوشش گیاهی: کاسنی، خاکشی و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
سعیدآباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکز آن سعیدآباد است.
سولقان: از دهستان‌های بخش کن شهرستان تهران استان تهران و مرکزش سولقان است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه گندم چال قرار گرفته

رود سنگان در این روستا جریان دارد و سرانجام به رود کرج می‌پیوندد.
فرآورده‌ها: سیب، گیلاس، آلبالو، هلو، گردو
پوشش گیاهی: شیر خشت، گل گاوزبان، چال کوهی، آویشن و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، شغال و خرگوش
سیاهرود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تهران استان تهران و مرکزش بومهن است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه دره رود و گردنه‌ی امامزاده هاشم قرار و رود دره‌رود از این دهستان می‌گذرد و به رود هراز می‌پیوندد.
کوه اشک ریزه، کوه فراخه کوه و کان گچ
فرآورده‌ها: تره‌بار، گندم، جو، سیب و یونجه
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، گل‌بنفشه، کاسنی و گیاهان مرتعی.
جانوران: بزکوهی، گراز، گرگ، روباه، خرگوش، شغال، خرس، پلنگ، کبک و قرقاول.
شریف آباد: از بخش‌های شهرستان پاکدشت استان تهران مرکز آن شهر شریف‌آباد دارای ۳ دهستان (۱ - شریف‌آباد ۲ - کریم‌آباد ۳ -

جـمال‌آباد) است. مـرکز آن شـهر شـریف‌آباد می‌باشد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انار و انگور

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خروگوش و کبک

شمیرانات: از شهرستان‌های استان تهران است که از شمال به شهرستان نـور و آمـل از خـاور بـه شهرستان دماوند، از جـنوب بـه شـهر تـهران و شهرستان ورامین، از جنوب باختری به بخش کن و از بـاختر بـه شـهرستان کـرج مـحدود است. شهرستان شمیرانات در دامنه‌ی جنوبی البرز قرار گرفته است.

مشرق و شمال آن را کوه‌های شمیران (از جـبال البرز) واقع شده) قله‌ی توچال در آن قرار دارد. از شمال به استان گلستان و از مشرق به دماوند و از جنوب به تـهران و از مـغرب بـه تـهران و کـرج محدود است.

شهرستان شمیرانات در شمال شهر تـهران قـرار گرفته و منطقه‌ای کوهستانی است مساحت این شهرستان ۱۱۵۹ کیلومتر مـربع و کـوچک‌ترین شهرستان استان تهران می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز آن تجریش، ۱۵۵ مـتر بـلندتر از سـطح دریـا دارای دو بـخش (۱ - لواسانات با دو دهستان (۱ - لواسان بزرگ ۲ - لواسان کوچک) ۲ - رودبار قصران با یک دهستان رودبار قصران

رودها: رود جاجرود که از کوه‌های البرز مرکزی سرچشـمه مـی‌گیرد، پس از گـذشتن از فشم و پیوستن شاخابه‌هایی چند بـا آن از جـمله: رود گرمابدر رود لالان، رود شمشک و رود آهار در جنوب شهرستان ورامین و سرانجام به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد.

کوه‌ها: شهرستان در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که کوه‌های متعددی در این سامان سربرافراشته‌اند: ۱ - کوهی که بلندترین قله‌اش توچال ۳۹۵۷ متر بلندی دارد. این کوه در ۷کیلومتری دربند می‌باشد ۲ - کوه سیاه به بلندی ۳۹۱۲ متر ۳ - کـوه‌لار به‌بلندی ۳۷۳۰ متر از بخش لواسانات ۴ - کوه هم هِن به‌بلندی ۳۶۰۸ متر ۵ - کوه پـی‌استخر بـه بلندی ۳۴۸۸ متر از بخش رودبار قصران.

گردنه‌ی قوچک در ۵ کیلومتری قوچک شـمال خاوری محدوده‌ی مرکز شهرستان و مشرف به گلندوک قرار گرفته است.

کان‌ها: ۱ - سنگ سبز درکه در بخش مرکزی ۲ - سنگ آهک مازنی درکوه جاجرود ۳ - لاشه سنگ ساختمانی جاده‌ی لشکرک ۴ - سنگ گـچ ۵ - معدن زغال‌سنگ درلوک و در خاتون بارگا ۶ - معدن فسفات

آب و هوا: سرد و خشک در زمستان و در تابستان معتدل است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فـارسی بـا گویش گوناگون سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان و درختچه‌های گلابی، انجیر، گردو، گـیلاس وحشـی، بـادام کـوهی، زرشک، سروکوهی، سماق و اوجا، گیاهان دارویی: گـل گاوزبان، گل بنفشه، گل ختمی، خاک‌شی، آویشن، کاسنی، مورد، شـیرین‌بیان، بـاریجه و قـدومه، پوشش گیاهی، غنی و فراوان برای چرای دام.

جانوران و پرندگان: قوچ، میش، کل و بز، شوکا، خرس، گراز، ماهی قزل‌آلا و سوف، رنگین کمان، عروسک‌ماهی، ماهی سیاه در سد لتیان پرورش داده می‌شود.

اقتصاد بر کشاورزی و دامداری و صنعت استوار است. گندم، جو، تره‌بار، سیب، گـلابی، آلبـالو،

گـیلاس، زردآلو، خـرمالو، تـوت، از جـمله فـرآوردههـای آن است. آب کشاورزی از رود، چشمه فراهم گشته است.
دامداری به واسطهی وجود مراتع خوب اهمیت دارد. زنبور عسل و طیور نیز پرورش داده میشود.
صنایع: کارخانههای گوناگون فراوانی چون مواد غذایی، بستهبندی، تور و جوراب بـافی، لوازم آرایش، پلاستیک، ریختهگری، موزائیک سازی، فلزکاری و لعاب کاری، مرکبسازی، قالیبافی و برخی دیگر از صنایع دایر و فعال است.
شهرآباد: از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان فیروزکوه استان تهران و مرکزش شهرآباد است.
شهریار: از بـخشهای شـهرستان اسـتان تـهران میباشد که از خاور به بخش کـن از شـهرستان تهران و بخش کهریزک از شهرستان ری، از باختر به بخش اشتهارد از شهرستان کرج و بخش زرند از شهرستان ساوه از شمال به بخش مرکزی کرج و از جنوب به بخش رباط کریم محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر، شهریار دارای ۳ بخش (۱ - مرکزی با ۶ دهستان ۱ - جوقین ۲ - رزکان ۳ - فردوس ۴ - قائمآباد ۵ - مویزه ۶ - سعیدآباد) ۲ - مـلارد ۳ - قـدس) و شـهر ۱ - شهریار ۲ - شاهدشهر ۳ - فردوسیه ۴ - ملارد ۵ - قدس ۶ - وحیدیه ۷ - صباشهر ۸ - صفادشت.
رودهـا: ۱ - رود کـرج از رشـته کـوههای البـرز سرچشمه گرفته و با پیوستن رود شهرستانک به آن و آبیاری کرج، شهریار، و رباط کریم و پیوستن به جاجرود به دریاچهی نمک میریزد. در تابستان از برخی از شاخابههای رود کرج کشتزارها و باغهای شهریار، آبیاری میشود.
کوهها: در بخش دشتی پهناور حاصلخیزی قرار دارد که از باختر و جـنوب بـاختریش کـوههای کوچک کمارتفاعی سر برافراشتهانـد: ۱ - کـوه تخت رستم به بلندی ۱۲۸۱ متر در ۱۳ کیلومتری جنوب باختری ۲ - کوه تخت کیکاوس به بلندی ۱۲۰۵ متر ۳ - کوه آقداغ به بلندی ۱۴۰۱ متر در ۱۱ و ۱۴ کیلومتری باخترند.
آب و هوا: معتدل و نسبتاً خشک
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فـارسی بـا گویش محلی ترکی سخن میگویند.
رستنیها: درختان انار جـنگلی، بـادام کـوهی - گیاهان دارویی: خاکشی، گل ختمی و شیرین بیان، پوشش گیاهی برای چرای دام.
جـانوران و پـرندگان: گـرگ، روبـاه، شـغال، خرگوش، جوجهتیغی، کبک و قرقاول
اقـتصاد: بـر پـایهی کشـاورزی دامـداری، و صنعتگری استوار است. کشاورزی به واسـطهی حاصلخیزی خاک پر بازده و کشت بیشتر آبی است و باغداری نیز اهمیت دارد. آب کشاورزی و باغداری علاوه بر رود کـرج از چاههای ژرف و کاریزهای فراوانی استفاده میشود و آبیاری از نوع غرقابی و پشتهای است.
دامداری به شیوهی صنعتی است.
فرآوردهها: انواع میوه از جمله انگور، پنبه، چغندر قند، غلات و ترهبار، دام و فرآوردههای دامی به ویژه شیر، مرغ و تخممرغ.
صنایع: بیش از ۲۰۰ کارخانهی صنعتی و تولیدی در این بخش فعال و مشغول به کار است. از قبیل تـولید کـفش، الیـاف، دارو، لاسـتیک، رنگ، ریختهگری
نقاط شهری این شهرستان عبارت است از: ۱ - شاهدشهر ۲ - شهریار ۳ - صباشهر ۴ - اندیشه ۵ - وحیدیه ۶ - باغستان ۷ - فردوسیه
شهرستان شهریار با جمعیتی بیش از یک میلیون

نفر متشکل از دو بخش مرکزی و رباط‌کریم که بر اساس تقسیمات کشوری شامل پنج شهر ۱ - شهریار ۲ - رباط‌کریم ۳ - شهر قدس ۴ - ملارد ۵ - اکبرآباد و ۱۱ دهستان می‌باشد.

این شهرستان با مساحت تقریبی ۱۵۲۵ کیلومتر مربع از شمال به کرج، از شمال شرق به تهران، از شمال غرب به اشتهارد، از جنوب شرق به ری و اسلام‌شهر و از جنوب به زرند و ساوه محدود و بین ۵۰/۲ تا ۵۰/۱۴ درجه طول شرقی ۳۵/۲۸ تا ۳۵/۴۴ درجه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این منطقه با آب و هوایی نیمه خشک دارای تابستان‌های گرم و زمستان‌های نسبتاً سرد است و حداکثر دمای هوا در تابستان به ۴۰ درجه‌ی سانتی‌گراد و حداقل برودت در زمستان به ۷- درجه سانتی‌گراد می‌رسد.

این شهرستان با متوسط بارندگی ۲۰۰ میلی‌متر، شرایط جغرافیایی و اقلیمی مساعد، حاصل‌خیزی خاک و سطح بالای اراضی زیرکشت محصولات متنوع کشاورزی و باغ‌های میوه به عنوان یکی از محورهای اصلی اقتصاد کشاورزی استان تهران به شمار آمده و با توجه به معادن غنی موجود همچون خاک رس - شن و ماسه - نمک - سیلیس و منگنز همسو با توسعه‌ی عمومی کشور گام‌های سازندگی را برمی‌دارد.

شهریار از جمله مناطقی است که ریشه در دل تاریخ ایران‌زمین داشته و در دوره‌های مختلف مردم خونگرم، مهمان‌نواز، سلحشور و متدین این منطقه در مقابل یورش‌ها و حکومت‌های جور، حرّیت خویش را پاس داشته است.

شهریار از جمله مناطقی است که دارای سابقه‌ی چند هزار ساله بوده و به علت داشتن آب و هوای دلپذیر زمین‌های مستعد کشاورزی همواره مورد توجه قرار گرفته است.

آثار باستانی: ۱ - تخت رستم و تخت کیکاوس دوره‌ی ساسانی واقع در روستای قجر

۲ - پل تاریخی دختر دوره‌ی ساسانی واقع در روستای بادامک

۳ - تپه‌ی باستانی جوقین دوره‌ی ساسانی واقع در دهستان جوقین

۴ - کاروانسرای تاریخی دوره‌ی قاجار واقع در شهر رباط کریم.

۵ - قلعه‌ی باستانی فرارت دوره‌ی ساسانیان واقع در روستای بیدگنه

۶ - تپه‌ی باستانی فرارت دوره‌ی ساسانی واقع در روستای فرارت

۷ - قبرستان بیدگنه قرن ششم هجری واقع در روستای بیدگنه

۸ - شهر تاریخی معمورین قرن ششم هجری واقع در شهر رباط کریم

۹ - پل تاریخی بازارک واقع در روستای بازارک

۱۰ - کاراتپه دوره‌ی ساسانیان واقع در روستای قره‌تپه

۱۱ - باغ نو در دوره‌ی قاجار واقع در دهستان امامزاده ابوطالب

۱۲ - تپه‌های ده‌حسن، کیکاور، حصارساتی، زمان‌آباد، پرندک، فردوس، خاوه، بالابان، بیارک، ملک اعلم، رزکان، پیغمبر، چخماق، حصارک، حسین‌آباد، حصار شالپوش، نصیرآباد، سبزدشت، بازارک، میمون‌آباد.

بقاع متبرکه: امامزاده بی‌بی سکینه (س) از بقاع متبرکه‌ی منطقه است و ساختمان آرامگاه این حضرت در منتهی‌الیه غربی شهریار در دهستان بی‌بی سکینه زیر نظر هیأت امناء اداره می‌شود که با

نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه مورد بازسازی قرار گرفته و در سال ۷۲ ضریح آن حضرت توسط هنرمندان اصفهانی طراحی و نصب گردیده است.

شهریار: از بخش‌های شهرستان شهریار استان تهران و مرکز آن شهر شهریار و دارای ۶ دهستان: (۱ - جوقین ۲ - رزکان ۳ - فردوس ۴ - قائم‌آباد ۵ - مویزه ۶ - سعیدآباد) است.

صالح آباد: از دهستان‌های بخش گلستان شهرستان رباط کریم استان تهران و مرکز آن صالح‌آباد است.

صفادشت: از شهرستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران است که در ۱۳۷۷/۳/۱۹ تبدیل به شهرستان گشت.

طالقان: از بخش‌های شهرستان ساوجبلاغ استان تهران مرکز آن شهرک، دارای ۳ دهستان (۱ - بالا طالقان ۲ - میان طالقان ۳ - پایین طالقان) است. مرکز آن شهر طالقان است.

رودها: ۱ - طالقان رود که از حاشیه‌ی جنوبی شهر می‌گذرد و به شاهرود می‌پیوندد.

کوه‌ها: این بخش در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته است از این رو کوه‌هایی چند آن را در بر گرفته‌اند. ۱ - پیناش (۳۲۰۰ متر) ۲ - زرد گل چای (۲۸۰۰ متر) ۳ - درچنگ (۳۸۰۰ متر)

کان‌ها: ۱ - معدن مس زرین مس در روستای انبلید ۲ - معدن مس در روستای پراچان - ۲ معدن گرانیت ۱ - معدن گرانیت پراچان ۲ - معدن گرانیت روستای خورانک - معدن گچ جبال در روستای لمبران.

آب و هوا: نسبتاً سرد و نیمه خشک.

پوشش گیاهی: گیاهان دارویی چون گل حسرت، پیازکوهی، اسپرزه، بارهنگ، گیاهان صنعتی: روناس، گون کتیرا.

جانوران و پرندگان: خرس، گراز، روباه، خرگوش، گرگ، شغال، جوجه تیغی، موش خرما، لک‌لک، کبک دری، سار، بلدرچین، قوش، مرغ ماهیخوار.

اقتصاد: بیش‌تر بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری و پرورش طیور استوار است.

فرآورده‌ها: تره‌بار، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، سیب درختی، گردو، گلابی، انگور، گیلاس و آلبالو.

صنایع کارخانه‌ای: فیلتر هوای بیمارستانی، متقال بافی، لامپ‌سازی (مهتابی)، یخچال‌سازی، صنایع کارگاهی، راویز، جوراب، لولا، فایل، پرده توری، نوار پرده کرکره.

آثار تاریخی: ۱ - قلعه‌ی ارژنگ که از سنگ و ساروج در ۵۵۴ هـ ق در جنوب روستای میناوند ساخته شده ۲ - قلعه‌ی منصوریه، شمال شرقی روستای کولج از سنگ ساخته اما اکنون ویران گشته ۳ - قلعه‌ی هرنج تنها سنگ هایی از آن به جا مانده است ۴ - قلعه‌ی جزینان دربند، بقایائی از سنگ و ساروج آن به جا مانده ۵ - قلعه‌ی یرک در روستای یرک

عسگریه: از دهستان‌های بخش پیشوا شهرستان ورامین استان تهران و مرکز آن عسگرآباد عباسی است. و در منطقه‌ای کویری گرم خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار

پوشش گیاهی: خاکشی و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

غنی‌آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ری استان تهران و مرکزش غنی‌آباد است.

فردوس: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران و مرکز آن فردوس است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک

رود فصلی
فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، گلابی، سیب، هلو و زردآلو
پوشش گیاهی: خاکشی، ختمی، پونه و گیاهان مرتع
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
فرون آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان پاکدشت استان تهران و مرکز آن فرون‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه و تره‌بار
پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک
فشاپویه (بخش): از بخش‌های شهرستان ری، از شمال به بخش کهریزک، از جنوب به شهرستان قم، از خاور به شهرستان ورامین، و از باختر به بخش زرند شهرستان ساوه، و از شمال باختری به بخش رباط کریم شهرستان کرج محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن حسن‌آباد، دارای دو دهستان (۱ - حسن‌آباد ۲ - وهن آباد) است.
رودها: ۱ - رود کرج با جهت شمال باختری به جنوب خاوری از دو کیلومتری شمال خاوری حسن آباد (مرکز بخش فشاپویه) می‌گذرد و سرانجام به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد. ۲ - رود شور (از به هم پیوستن خررود و ابهررود پدید می‌آید و با جهت شمال باختری به جنوب خاوری از ۶ کیلومتری جنوب باختری حسن آباد می‌گذرد و سرانجام به شوره‌زار می‌ریزد.
کوه‌ها: به صورت تپه ماهور و در منطقه‌ی مرکزیش یعنی در مسیر رود کرج دشتی و در منطقه‌ی شمالی کوه آزاد به بلندی ۱۴۲۸ متر و در ۹ کیلومتری شمال خاوری حسن‌آباد است.
گردنه‌ی حسن‌آباد در ۸ کیلومتری شمال خاوری مرکز بخش است.
کان‌ها: معدن سولفات دو سود در ۲۸ کیلومتری جنوب خاوری حسن‌آباد قرار گرفته است.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی و ترکی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان گز پوشش گیاهی تنک برای چرای دام
جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، شغال، روباه و خرگوش
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری است. کشاورزی به‌صورت دیمی و آبی هر دو انجام و آب آبیاری آبی از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته دامداری به شیوه‌ی سنتی و صنعتی انجام می‌شود.
گاوداری‌های صنعتی و مرغداری آن پراهمیت است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، تره‌بار، دام، فرآورده‌های دامی و مرغ و تخم‌مرغ
فیروزبهرام: از دهستان‌های بخش چهاردانگه شهرستان اسلامشهر استان تهران و مرکز آن فیروزبهرام است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، یونجه، شبدر، سیب، انگور و هلو
پوشش گیاهی: پونه، خاکشی، کرچک و گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک
فیروزکوه: از شهرستان‌های استان تهران، از شمال به شهرستان سوادکوه، بابل و آمل (استان مازندران) از باختر به بخش مرکزی شهرستان دماوند، از جنوب به شهرستان‌های سمنان و گرمسار و از خاور به بخش مهدی‌شهر از

شهرستان سمنان محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر فیروزکوه، دارای دو بخش (۱ - مرکی دارای سه دهستان ۱ - شهرآباد ۲ - پشتکوه ۳ - حبلرود) ۲ - ارجمند دارای دو دهستان (۱ - قزقانچای ۲ - دوبلوک) است.
رودها: رود فیروزکوه از دو شاخابه به گورسفید و ساواسی از کوه‌های خاور شمال مرکز بخش فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد ۲ - رود نیمرود در ۱۲ کیلومتری جنوب باختری فیروزکوه ازکوه‌های کتوزان و میشینه مرگ سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به رود فیروزکوه حبله‌رود نام می‌یابد.
در مسیر حبله‌رود شاخابه‌های چندی به آن می‌پیوندد و پس از گذشتن از ۵ کیلومتری خاور گرمسار به نمکزار می‌ریزد.
بخش فیروزه در منطقه‌ای کوهستانی جنوب رشته کوه‌های البرز ساخته شده ۱ - فیروزکوه در خاور به مرکز بخش ۲ ـ کوه‌پل در ۴ کیلومتری آن قرار گرفته که بلندترین قله‌اش ۲۶۸۹ متر بلندی دارد ۳ - کوه تپه‌مراد به بلندی ۳۲۱۹ متر ۴ - کوه هرمزکو به بلندی ۳۲۴۳ متر در ۱۵ و ۱۷ کیلومتری خاوری فیروزکوه می‌باشند ۵ - کوه نواس با بلندی ۲۸۲۹ در ۵ کیلومتری ۶ - کوه آب باریک با بلندی ۳۰۷۰ متر در ۱۶ کیلومتری ۷ - کوه سنگ آب با بلندی ۳۲۶۹ متر در ۲۱ کیلومتری جنوب شهر قرار دارند.
کان‌ها: معدن سنگ شیشه، معدن سرب
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان اورس (سروکوهی، زرشک، انجیر و بادام کوهی) گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، کاسنی، گل ختمی، خاکشی، قدومه، گل بنفشه، شیرین بیان و گون کتیرا ۱ - پوشش گیاهی غنی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، خرس، گراز، کفتار، گربه‌ی وحشی، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک و تیهو، قرقاول و کبک
اقتصاد: برپایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری، استوار است - کشاورزی به شیوه‌ی آبی و دیم انجام می‌شود آب کشاورزی از چشمه‌ها و رودها فراهم می‌شود. دامداری و پرورش زنبور عسل از منابع درآمد مردم این سامان است.
کارخانه تأمین کننده‌ی ماسه ریخته‌گری نیز یکی دیگر از منابع درآمد است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، زردآلو، سیب، گلابی، گردو، گیلاس، انگور و آلبالو، عسل.
فیلستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان پاکدشت استان تهران و مرکز آن فیلستان است. و در منطقه‌ای کویری گرم خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: پنبه، گندم، لوبیا، انار، انجیر، توت، تره‌بار و فرش.
پوشش گیاهی: خاکشی، کاسنی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرک، روباه، خرگوش و کبک.
قائم‌آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار استان تهران و مرکز ان قائم‌آباد است.
قدس: از بخش‌های شهرستان شهریار، مرکز آن شهر قدس، دارای دو دهستان (۱ - دانش ۲ - هفت جوی) است.
قزقانچای: از دهستان‌های بخش ارجمند شهرستان فیروزکوه استان تهران و مرکز ان ارجمند است. و در منطقه‌ای میانکوهی سرد و خشک و زرین کوه قرار دارد.
رود نیم‌رود در این روستا جریان دارد و سرانجام به کویر گرمسار می‌ریزد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، شبدر، تره‌بار، گیلاس و سیب.
پوشش گیاهی: درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی.
جانوران: پلنگ، بزکوهی، گراز، خرس، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
قلعه نو: از دهستان‌های بخش کهریزک شهرستان ری استان تهران و مرکزش قلعه نو است و در منطقه‌ای کویری سرد خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو و تره‌بار.
پوشش گیاهی: خاکشی، سبزی صحرایی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.
کرج: از شهرستان‌های استان تهران، دارای سه بخش ۱ - مرکزی با ۷ دهستان (۱ - کمال آباد ۲ - گرمدره ۳ - محمدآباد ۴ - آدران ۵ - آسارا ۶ - نساء ۷- پلنگ‌آباد) نقاط شهری آن عبارت است از ۱ - کرج ۲ - کمال‌شهر ۳ - ماهدشت ۴ - محمدشهر ۵ - گرمدره ۶ - مشکین دشت ۷ - اشتهارد) ۲ - اشتهارد مرکز آن اشتهارد ۳ - آسارا مرکز آن آسارا می‌باشد.
کرج: شهرستان کرج از شمال به نوشهر از مشرق به تهران از جنوب به ری و ساوه و از مغرب به قزوین محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۲۰ متر است. فاصله‌ی آن از تهران ۴۱ کیلومتر و محل انشعاب راه‌های مهم کشور است. رود کرج، رود طالقان و رود شهرستانک در آن جریان دارد. سد کرج در شمال این شهرستان بر روی رود کرج ساخته شده است.
بخش مرکزی کرج: از بخش‌های شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن شهر کرج و دارای ۳ دهستان (۱ - کمال‌آباد ۲ - گرمدره ۳ - محمدآباد) است.
کریم‌آباد: از دهستان‌های بخش شریف‌آباد شهرستان پاکدشت استان تهران، مرکز آن کریم‌آباد است و در منطقه‌ای کویری گرم خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار.
پوشش گیاهی: خاکشی، سبزی صحرایی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک
کمال‌آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن کمال‌آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، گلابی، سیب، گلابی، گیلاس، آلبالو و توت
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، گل‌بنفشه، خاکشی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال و روباه.
کن: از بخش‌های شهرستان تهران، مرکز آن شهر کن دارای یک دهستان به نام سولقان است.
کهریزک: از بخش‌های شهرستان ری استان تهران، از شمال به شهرهای تهران و ری از جنوب به بخش فشاپویه از خاور به شهرستان ورامین و از باختر به شهرستان کرج محدود است. باقرشهر و کهریزک از نقاط شهری آن است.
تقسیمات کشوری: مرکز آن کهریزک، دارای دو دهستان (۱ - قلعه‌نو ۲ - کهریزک) است.
رودها: رود فصلی کن از دو کیلومتری شمال خاوری امامزاده داوود و جنوب گردنه سرلت از رشته کوه‌های البرز سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به رود کرج می‌پیوندد.
کوه‌ها: بخش کهریزک در دشت پهناور حاصل‌خیزی قرار گرفته، کوه بی‌بی شهربانو به بلندی ۱۵۳۵ متر در ۱۴ کیلومتری شمال خاوری

و کوه آزاد به بلندی ۱۴۲۸ متر در ۱۱ کیلومتری جنوب شهرک کهریزک قرار گرفته است.
گردنه‌ی حسن‌آباد در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری و تپه غار در ۷ کیلومتری شمال کهریزک قرار دارد.
کان‌ها: معدن کوارتزیت در ۱۵ کیلومتری شمال خاوری شهرک کهریزک است که مورد بهره‌برداری قرار دارد.
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های گوناگون و ترکی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: گیاهان دارویی و خوراکی: خاکشی، کاسنی، پونه، کرچک و کنگر.
جانوران و پرندگان: شغال، خرگوش، روباه و جوجه‌تیغی.
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری و کارگری استوار است کشاورزی با کشت آبی و آبیاری با آب کاریزها و چاه‌های ژرف فراهم گردیده است.
دامداری به شیوه‌ی سنتی و صنعتی هر دو انجام می‌شود. از این گذشته صنایع دستی مخصوصاً قالی‌بافی تا حدودی رونق دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و گیاهان علوفه‌ای و دام و فرآورده‌های دامی.
کهریزک: از دهستان‌های بخش کهریزک شهرستان ری استان تهران و مرکزش کهریزک است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور و توت.
پوشش گیاهی: خاکشی، سبزی صحرایی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.
گرمدره: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن گرمدره است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک کوه قلعه عبدالله‌خان قرار دارد.
رود کرج ازین دهستان می‌گذرد.
فراورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، سیب، گلابی، گیلاس.
پوشش گیاهی: نعناع، خاکشی، کاسنی و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، روباه، خرگوش و کبک.
گلستان: از بخش‌های شهرستان رباط کریم، مرکز آن شهر گلستان، دارای سه دهستان (۱ - اسماعیل‌آباد ۲ - میمنت ۳ - صالح‌آباد) است.
بخش گلستان دارای سه مرکزیت شهری است (۱ - گلستان ۲ - صالح‌آباد ۳ - نصیرآباد).
لواسانات: از بخش‌های شهرستان شمیرانات استان تهران است که از شمال به بخش بلده شهرستان نور، از شمال خاوری به بخش لاریجان شهرستان آمل، از جنوب به شهرستان ورامین و شهرستان ری، از خاور به بخش مرکزی شهرستان دماوند و از باختر به شهر تهران و بخش رودبار تهران شهرستان شمیرانات محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر لواسان، دارای دو دهستان (۱ - لواسان بزرگ ۲ - لواسان کوچک) است.
رودها: رود جاجرود که از کوه‌های جانستون و صندون از رشته کوه‌های البرز سرچشمه گرفته پس از گذر از شهرک فشم، شاخابه‌هائی چند به آن می‌پیوندد و در منطقه‌ای به نام لتیان سدی به بلندی ۱۰۷ متر و به ظرفیت ۹۵ میلیون متر مکعب برافراشته شده رود جاجرود پس از گذشتن از سد لتیان و پیوستن به رود دماوند در ۱۰ کیلومتری شمال پارچین وارد جلگه‌ی ورامین گشته در آبیاری منطقه نقش مهمی دارد. و سرانجام به رود کرج می‌پیوندد و آنگاه به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد.
کوه‌ها: کوه‌هایی چند از رشته کوه‌های البرز از جمله: ۱ - کوه سیاه به‌بلندی ۳۹۱۲ متر ۲ - کوه

لار به بلندی ۳۷۳۰ متر به ترتیب در ۱۰ و ۸ کیلومتری شمال گلندوک (مرکز بخش لواسانات) ۳ -کوه جاجرود به بلندی ۲۶۴۹ متر در جنوب خاوری ۴ -کوه بندک ۵ -کوه هزاردره در جنوب گلندوک قرار دارند.
گردنه‌ی قوچک در باختر گلندوک (لشکرک) و گردنه‌های سور در ۷کیلومتری و گردنه‌ی افجه در ۱۰ کیلومتری شمال گلندوک قرار دارند.
کان‌ها: ۱ - خاک سفید (برای کاشی‌سازی) ۲ - سنگ تراس جاجرود ۳ - سنگ لاشه‌ی ساختمانی ۴ - سنگ گچ
نژاد و زبان: آریایی نژادند و در برخی از جاها به زبان فارسی با گویش مازندرانی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: سروکوهی، زرشک، انجیر و بادام کوهی -گیاهان دارویی، گل گاوزبان، گل بنفشه، خاکشی، آویشن، کاسنی و شیرین بیان، پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: قوچ، بزکوهی، شوکا، پلنگ، خرس، گراز، کفتار، گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو و چند نوع ماهی در سد لتیان.
اقتصاد: بر پایه‌ی باغداری و دامداری، کشاورزی و برخی صنایع استوار است. آبیاری باغ‌ها و کشتزارها از چشمه‌ها و رودها از کاریزها سود جسته می‌شود.
فرآورده‌ها: بنشن، تره‌بار، گندم، جو، گیلاس، سیب، آلبالو، هلو و گردو.
قالی بافی تا حدی در بخش لواسانات رواج دارد و ظاهراً مصرف محلی دارد.
صنایع مهم: ۱ -کارخانه‌ی تولید سیم ظرفشویی ۲ - کارخانه‌ی چسب موکت ۳ - کارخانه‌ی سیمان سفید دماوند ۴ - کارخانه‌ی گچ ۵ - کارخانه‌ی رنگ‌سازی ۶ -کارخانه‌ی دیسک‌سازی ۷ -کارخانه‌ی تراشکاری ۸ - کارخانه‌ی ریخته گری ۹ - کارخانه‌ی ساخت شیرهای گاز

لواسان بزرگ: از دهستان‌های بخش لواسانات شهرستان شمیرانات استان تهران و مرکزش لواسان بزرگ است. و در منطقه‌ای میانکوهی سرد خشک و کوه خوراندن و کوه آرا، زردکوه، کوه دورشک، تنگه کریم و کان گچ، گردنه سریک و چراگاه‌ها زردکوه و رود شاه‌نشین در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: سیب، گیلاس، آلبالو، گردو، گندم و جو
پوشش گیاهی: گل بنفشه، گل گاوزبان، گیاهان مرتعی
جانوران: شغال، بزکوهی، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

لواسان کوچک: از دهستان‌های بخش طالقان شهرستان شمیرانات استان تهران و مرکزش افجه است و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه دشته و کوه گرچال و گردنه‌ی افجه و شیشه دره و چراگاه گرچال دشته قرار و رود افجه در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره، بنشن، سیب، گیلاس، آلبالو، گردو و هلو
پوشش گیاهی: گل‌گاوزبان، ختمی، آویشن، پونه و درخت زبان‌گنجشک و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، قوچ، میش، بزکوهی، خرگوش و کبک.

محمدآباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن محمدآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، سیب، گیلاس، گلابی و تره‌بار.
پوشش گیاهی: ختمی، خاکشی، شیرین‌بیان و پونه و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

ملارد: از بخش‌های شهرستان شهریار، مرکز آن شهر ملارد، دارای ۳ دهستان (۱- ملارد، ۲-

بی‌بی‌سکینه ۳ - اخترآباد) است. دارای دو مرکز شهری است ۱- ملارد ۲ - صفادشت.

ملارد: از دهستان‌های بخش ملارد شهرستان شهریار استان تهران و مرکزش ملارد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، گلابی، سیب، زردآلو و تره‌بار.

پوشش گیاهی: خاکشی، بارهنگ، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، روباه و خرگوش.

منجیل‌آباد: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رباط کریم استان تهران و مرکز آن منجیل‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، انگور، سیب، سیب‌زمینی.

پوشش گیاهی: خاکشی، ختمی، پونه و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

مویز: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهریار و استان تهران و مرکز آن ده مویز است.

مهرآباد: از دهستان‌های بخش رودهن شهرستان دماوند استان تهران و مرکزش مهرآباد است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، سیب، تره‌بار و بنشن.

پوشش گیاهی: گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز.

میان طالقان: از دهستان‌های بخش طالقان شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش شهر طالقان است. و در منطقه‌ای برکوهی، سرد نیمه خشک وکوه پیلابور وکوه دهلو وکوه ماست خیل و کوه سه کله و دره‌ی آرتون دره و دره امامدره و دره‌ی سیدآباد و تپه‌ی زردکندان قرار و رود حسنجون در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: یونجه، لوبیا، سیب‌زمینی، سیب و گردو.

پوشش گیاهی: گل تعلب، بومادران، گل حسرت، بارهنگ، خاکشی، ریواس، گون، روناس و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

میمنت: از دهستان‌های بخش گلستان شهرستان رباط‌کریم استان تهران و مرکز آن نصیرآباد است.

نجم‌آباد: از دهستان‌های بخش نظرآباد شهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکزش نجم‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت، یونجه، سیب، تره‌بار، زردآلو، گوجه سبز، آلوزرد، انگور و توت.

پوشش گیاهی: خاکشی، گل‌گاوزبان، ختمی و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه وخرگوش.

نساء: از دهستان‌های بخش آسارا شهرستان کرج استان تهران و مرکز آن نساء است. و در منطقه‌ای دره‌ای سردنیمه خشک و کوه بالیچال و کوه زردکمر و کوه نواکوه و دره همند و دره طالقان و تپه‌ی خزنو قرار گرفته و کان گرانیت در آن قرار دارد. طالقان رود از این دهستان می‌گذرد.

فرآورده‌ها: یونجه، سیب و گردو.

پوشش گیاهی: ثعلب، بومادران، گل حسرت، بارهنگ، خاکشی، ریواس، سماق، گون، روناس و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

نظرآباد: از بخش‌های شهرستان ساوجبلاغ مرکز آن شهر نظرآباد، دارای چهار دهستان (۱ - جمال‌الدین ۲ - تنکمان ۳ - نجم آباد ۴ - احمدآباد) است.

شهر نظر آباد مرکز شهری آن نظرآباد است.

در منطقه‌ی دشتی، معتدل خشک در شمال غربی هشتگرد قرار دارد.
زبان: فارسی با گویش لری، ترکی و کردی.
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری و پیشه‌وری، مرغداری، و فرشبافی استوار است.
کشت: کشت آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه‌ها و کاریزها فراهم می‌شود.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، ذرت، هلو، سیب، گلابی، زردآلو و انگور سبزیجات و تره‌بار.
پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: شغال، روباه و خرگوش.
ورامین: از شهرستان‌های استان تهران است که از شمال به شهرستان‌های دماوند و شمیرانات، از شمال باختری به شهر تهران، از جنوب به‌شهرستان قم از خاور به شهرستان گرمسار و از باختر به شهرستان ری محدود می‌باشد.
ورامین یکی از چهار ناحیه‌ی ری بوده است آبادی ورامین از زمانی شروع شد که تومان ری رو به ویرانی نهاد، و ورامین به‌جای آن قرار گرفته و مرکزیت آن‌جا را تحت‌الشعاع خود قرار داد.
ورامین از پرجمعیت‌ترین مراکز نواحی ری بود ولی این شهر در آغاز قرن نهم رو به ویرانی نهاد و بعدها تهران که در قرن هفتم تنها دهکده‌ای بود جای ورامین را گرفت.
دشت ورامین در حقیقت یک انبار غله برای ساکنان تهران به شمار می‌رفت از انواع محصولاتی که در این دشت حاصل‌خیز پرورش می‌یابد می‌توان پنبه‌ی فیلستان و غله و خربزه و محصولات دیگری مانند روغن، قند تهیه می‌شود.
این شهرستان ۲۲۸۸ کیلومتر مربع مساحت و آب جاجرود سابقاً ورامین را آبیاری می‌کرد.
تقسیمات کشوری: مرکز آن شهر ورامین دارای سه بخش ۱ - مرکزی مرکز آن قرچک (با دو دهستان ۱ - بهنام پازوکی جنوبی ۲ - بهنام وسط شمالی) ۲ - جوادآباد ۳ - پیشوا می‌باشد.
رودها: رود جاجرود پس از سرچشمه گرفتن از مناطق کوهستانی رشته کوه‌های البرز و دریافت شاخابه‌های متعدد و گذشتن از سد لتیان در ورود به ورامین به چند شاخابه تقسیم و مورد آبیاری کشتزارها در بهار و تابستان واقع و سرانجام در محل سالاریه به رود کرج متصل و آنگاه وارد دریاچه‌ی نمک می‌شود.
کوه‌ها: شهرستان ورامین بیش‌تر در منطقه‌ای دشتی و کویری قرارگرفته اما در منطقه‌ی شمالی آن، رشته کوه‌های جنوبی البرز، سربرافراشته‌اند.
۱ - کوه پارچین به بلندی ۱۴۰۸ متر در ۱۶ کیلومتری ۲ - کوه چلویک به بلندی ۱۷۰۷ متر در ۲۰ کیلومتری ۳ - بلندی‌های قره‌آغاج در ۲۵ کیلومتری شمال خاوری شهر ورامین قرار گرفته‌اند.
کان‌ها: ۱ - معدن شن و ماسه ۲ - معدن سولفات دو سود (شوره)
آب و هوا: بیش‌تر معتدل و خشک، بخش جنوبی گرم و خشک
نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: بادام کوهی، گیاهان دارویی و خوراکی، خاکشی، گل ختمی، بارهنگ، درمنه، کنگر و شنگ - پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران و پرندگان: گرگ، گراز، روباه، خرگوش، کفتار، قوچ، میش، بزکوهی، گورخر، سمور، شغال و کبک
اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، صنعتگری و دامداری استوار است.
کشاورزی به واسطه‌ی حاصل‌خیزی خاک و وجود آب (بیش‌تر آبی) با استفاده از چاه‌های بسیار

فراوان ژرف و نیمه‌ژرف و رود جاجرود و کاریزها از رونق فراوانی برخوردار است. باغداری نیز ۴٪ زمـین‌های زیـر کشت را در بـردارد - دامـداری بیش‌تر به شیوه‌ی سنتی است اماگاوداری صنعتی نیز پراهمیت است.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، میوه و پنبه - دام و فرآورده‌های دامی.

صنایع: ۱ - صنایع دستی، قالی بافی با طرح قمی و کاشی و غیره به وسیله‌ی زنان بافته می‌شود. ۲ - صنایع کارخانه‌ای: کارخانه‌های روغن کشی، کارخانه‌ی قند، کارخانه‌ی چینی بهداشتی، کـارخـانه‌ی گـچ، کـارخـانه‌ی سیم‌سازی، کـارخـانه‌ی اجـاق‌سازی، کارخانه‌ی ریسندگی، کارخانه‌ی تریکوبافی، کارخانه‌ی مرباسازی، کـارخـانه‌ی دستمال‌سازی، کـارخـانه‌ی یـخ‌سازی، کـارخـانه‌ی مـلامین‌سازی، کـارخـانه‌ی بلورسازی، کارخانه‌های آجر و آجر ماشینی، کارخانه‌ی کـفش و لاسـتیک‌سازی، کـارخـانه‌ی مـقواسـازی، کارخانه‌ی رنگ سازی، کارخانه‌ی ماکارونی سـازی، کارخانه‌ی پلوپزسازی، کارخانه‌ی پیچ و مهره‌سازی، کارخانه‌ی سماورسازی - پرورش طیور بـه شـیوه‌ی صنعتی از اهمیت فراوانی برخوردار است و واحدهای متعدد مرغداری مشغول به کار است.

ورامین: از بخش‌های شـهرستان ورامـین اسـتان تهران و مرکز آن شهر قرچک و دارای دو دهستان: (۱ - بهنام پازوکی جـنوبی ۲ - بـهنام وسـطی شمالی) است.

وهـن آبـاد: از دهسـتان‌های بـخش فشـاپویه شهرستان ری استان تهران و مرکزش وهن‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، انگور، انار و تره‌بار

پوشش گیاهی: درخت زبـان‌گنجشک و گـیاهان مرتعی.

جانوران: گرگ، شغال، روباه و خرگوش

هفت‌جوی: از دهستان‌های بخش قدس شهرستان شهریار استان تهران و مرکز آن هفت‌جوی است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار دارد. رود کرج از این دهستان می‌گذرد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ذرت و تره‌بار.

پوشش گیاهی: خاکشی، پونه و گیاهان مرتعی

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

هیو: از دهسـتان‌های بـخش مـرکزی شـهرستان ساوجبلاغ استان تهران و مرکز آن هیو است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه‌خشک و کوه نمار و کوه اسبی‌داران و تپه‌ی کهریزگر و سفید دره و دره‌خور و دشت قزوین قرار و رود فصلی سفیدرود در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره‌بار، سیب، گردو و گلابی، آلوچه و آلبالو

پوشش گیاهی: خاکشی، کنگر، قارچ، پونه، گون و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

پرند: شهر جدید پرند یکی از پـنج‌شهر جـدید تصویبی در منطقه شهری تهران است. همسایگی شهر جدید پرند با فرودگاه بین‌المللی امام‌خمینی و دیگر مزایای ارتباطی در منطقه از قبیل دسترسی به راه‌آهن سراسـری کشـور و جـاده‌های تـرانـزیتی اصلی می‌باشد. محل اراضـی ایـن شـهر در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی رباط کریم و ۴۰ کیلومتری شهر تهران به سوی شهر ساوه، هـمسایهٔ غـربی فرودگاه بین‌المللی امام‌خمینی و در حاشیه شمالی رودخانه شور قرار دارد. جاده ترانزیتی تـهران - ساوه و راه‌آهن سراسری تهران - خرمشهر از میان اراضی آن گذشته و شهر را به دوپاره اصلی تقسیم می‌کند. از نظر اقلیمی این اراضی در منطقه کویر جنوب تهران واقع شده و به واسطه اندک بودن میزان بارندگی و طولانی بودن فصل خشک دارای

خصوصیات اقلیمی گرم و خشک و نیمه بیابانی است.

دماوند (مرکز شهرستان)

شهر دماوند مرکز شهرستان دماوند از شهرستانهای استان تهران، در ۵۵ کیلومتری خاور تهران و در یک کیلومتری راه اصلی تهران ـ قائم‌شهر (جاده فیروزکوه) است.

آب و هوا: سردسیری و ییلاقی، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه سرما در زمستانها ۲۰ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۵۰ میلیمتر است.

ورامین (مرکز شهرستان)

شهر ورامین مرکز شهرستان ورامین از شهرهای استان تهران است که در حدود چهل کیلومتری تهران و در ۳۷ دقیقه و ۵۱ درجه طول جغرافیائی و در ۲۰ دقیقه و ۳۵ درجه عرض جغرافیائی قرار دارد.

تهران (پایتخت)

شهر تهران مرکز شهرستان تهران و مرکز استان تهران و پایتخت ایران، در دامنه رشته کوههای البرز مرکزی که بسوی شمال، جنوب، شرق و غرب گسترش یافته است قرار دارد.

رودهای فصلی دارآباد، جعفرآباد و درکه بوسیله کانال‌های بزرگی که در مسیرشان در شهر تهران ساخته شده از آن میگذرند.

کوهها: رشته کوههای البرز در حدود ۲۰ کیلومتری مرکز شهر تهران قرار دارد.

آب و هوا: ناحیه جنوبی تهران متمایل بگرم و خشک، منطقه مرکزی معتدل و منطقه شمالی مایل بسرد، حداکثر درجه گرما در تابستانها ۴۱ درجه بالای صفر و در زمستانها ۸ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۲۲۵ میلیمتر، تعداد روزهای یخبندان بطور متوسط ۵۲ روز در سال و متوسط رطوبت نسبی حدود ۳۵ درصد است.

شهر تهران بزرگ (تهران، ری، شمیرانات) بر پایه تقسیم‌بندی شهرداری به ۲۰ منطقه تقسیم گشت و حدود ۵۶۷/۲ کیلومتر مربع مساحت دارد.

نژاد و زبان: ۷۰٪ آریائی نژاد و حدود ۳۰٪ از نژادهای گوناگون، بزبان فارسی، ترکی، کردی، عربی، ارمنی و غیره با گویش‌های مختلف سخن می‌گویند. اما زبان گفتگو و رسمی فارسی است.

فرآورده‌ها: ۱ـ تولیدات صنایع غذایی ۲ـ تولیدات صنایع نساجی و چرم ۳ـ تولیدات صنایع سلولزی ۴ـ تولیدات صنایع شیمیائی و داروئی ۵ـ تولیدات صنایع کانی غیر فلزی ۶ـ تولیدات صنایع فلزی ۷ـ تولیدات صنایع برق و الکترونیک ۸ـ تولیدات معدنی.

صادرات: روغن نباتی، بیسکویت و دیگر شیرینی‌جات، پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی، تریکو، کفپوش، موکت، پتو، حوله، انواع پوشاک، جوراب، کفش، چمدان، چرم، برزنت، الیاف مصنوعی، کاغذ و مقوا، کاغذ دیواری، مواد بهداشتی و ضد عفونی کننده، فرآورده‌های نفتی، سموم دفع آفات گیاهی، مصالح ساختمانی و لوازم بهداشتی منزل، شیشه، کاشی و سرامیک، اتومبیل، کامیون، اتوبوس، مینی‌بوس، وانت، لوازم خانگی، رادیو، تلویزیون، یخچال، باتری، لامپ، در و پنجره، اجاق گاز ....

واردات: غلات و فرآورده‌های آن، بنشن، انواع تره‌بار، برنج، فرآورده‌های شیری، قند و شکر، چای، انواع ماهی، کنسرو، کمپوت، عسل، دام، برنج، تخم مرغ، گیاهان داروئی و صنعتی، پنبه، پشم، انواع پارچه، فرشهای دست بافت و ماشینی، انواع چوب و تیرآهن بازرگانی خارجی (صادرات کشور).

تهران بزرگ و پرجوش و خروش که مرکز و قلب ایران لقب گرفته، با جمعیتی بالغ برده میلیون نفر، پر دود و ترافیک سنگین شهری با مشخصه اکثر شهرهای بزرگ دنیا در دامنه سلسله جبال البرز در ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و

۴۱ دقیقه عرض شمالی واقع شده است.
اولین کتابی که نام تهران بهصراحت در آن آمده است کتاب فارسنامه ابن‌بلخی است که از میوه‌های آن به‌نیکوئی یاد می‌کند. به‌هرحال تهران قریه‌ای بیش نبوده است و امروز آن قریه به‌تهران بزرگ تبدیل گشته است. بد نیست به‌بهانه دویستمین سالگرد مرکزیت تهران که ابتداء توسط آغامحمدخان‌قاجار به‌پایتختی برگزیده شد نگاهی به‌گذشته این شهر پرماجرا داشته باشیم.
تهران تا آخر سال ۱۲۹۹ شمسی که کودتای رضاخان در آن به‌وقوع پیوست تغییری در وضعیت و حدود و امور ساختمانی و اوضاع و احوال اجتماعی مردم که از عهد ناصرالدین شاه به‌بعد به‌وقوع پیوسته بود، و امورکلی‌اش تفاوتی با زمانهای قبل از آن نیافته بود. در زمان ناصرالدین شاه تنها دگرگونی که در آن به‌عمل آمد یکی حصار یعنی حد و حدود و خندق و دروازه‌های آن بود که به‌عقب‌ترکشانده شده و شهر از ۱۲ کیلومتر مربع به ۲۴ کیلومتر مربع وسعت یافت.
در این زمان با خندقی که به‌دور آن حفر شده بود، همراه دروازه محدوده شهر را مشخص می‌نمود و محصوره آن متشکل بود از خندق شمالی آن: در محل فعلی انقلاب (شاهرضای سابق)(که اولین خیابان شرقی، غربی مهندسی‌ساز مستقیم که با عرض ۴۵ متر و طول ۹ کیلومتر غرب و شرق شهر را به‌جاده کرج و راه مازندران پیوند می‌داد. خیابانی منحصر به‌فرد بود که مدتها نیز دومین آن به‌وجود نیامده بود، اگر مشابهاتی یافته است.
با سه دروازه به‌اسامی دروازه شمیران در حوالی پیچ‌شمیران و دروازه دولت در چهارراه خیابانهای سعدی و انقلاب (شاهرضای سابق) که خیابان سعدی را خیابان لختی می‌گفتند چراکه در اثر خلوتی و عدم تردد در آن خیابان مردم را لخت می‌کردند.

دروازه یوسف‌آباد چهارراه کالج تلاقی خیابانهای حافظ و شاهرضای سابق.
۱- دروازه فرح‌آباد ابتدای خیابان دوشان‌تپه یا (دروازه دوشان‌تپه) که به‌خیابان ژاله معروف بود.
دروازه دولاب: مقابل خرابات (انتهای خیابان ادیب‌الممالک و بعد دروازه خراسان: واقع در شرق میدان خراسان اول جاده مسگرآباد.

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان تهران: ایجاد دهستان تنکمان شمالی به مرکزیت روستای بختیار در تابعیت بخش تنکمان شهرستان نظرآباد.
تغییرنام دهستان نجم‌آباد از بخش تنکمان شهرستان نظرآباد و الحاق به بخش مرکزی همین شهرستان.
شناخت شهر روستای تنکمان بخش تنکمان از توابع شهرستان نظرآباد.
شهرک صنعتی:۱) شهرک صنعتی فیروزکوه، ۲) شهرک صنعتی اشتهارد، ۳) شهرک صنعتی عباس آباد، ۴) شهرک صنعتی نظر آباد، ۵) شهرک صنعتی شمس آباد، ۶) شهرک صنعتی جدید فیروزکوه، ۷) شهرک صنعتی چرمشهر، ۸) شهرک صنعتی سالاریه، ۹) شهرک صنعتی خوارزمی، ۱۰) شهرک صنعتی نصیر آباد، ۱۱) شهرک صنعتی شن زار، ۱۲) شهرک صنعتی بهارستان، ۱۳) شهرک صنعتی پرند، ۱۴) شهرک سپهر نظر آباد، ۱۵) شهرک صنعتی هشتگرد، ۱۶) شهرک صنعتی صفا دشت، ۱۷) **شهرک صنعتی سیمین دشت، ۱۸) شهرک صنعتی تصوب.**

تعدادبهره‌برداری۱۰۰۱ مساحت‌گلخانه۴۹۷هکتار

مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان تهران در سال ۱۳۸۵

گوشت قرمز ۳۳ شیر ۷۷۷

مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان تهران در سال ۱۳۸۵

گوشت مرغ ۱۰۷ تخم‌مرغ ۱۹۰ هزارتن

تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان تهران در سال ۱۳۸۴

جمع معادن ۱۴۵ خصوصی ۱۳۹ عمومی ۶

مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان تهران در سال ۱۳۸۲

کل تعداد بهره‌برداری ۷۳۳۳۰ مساحت ۲۲۱۲۵۶ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۵۳۷۹۷ مساحت باغ و قلمستان ۴۱۹۷۹ هکتار

استان تهران در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم وگوسفند ۱۱۶۳۷ تعداد دام ۷۲۱۴۹۲ مقدار تولید ۷۴۹۳۷۱ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۲۶۳ تعداد دام ۲۸۲۶ مقدار تولید۲۵۳۸

بهره‌برداری‌های کشاورزی استان تهران در سال ۱۳۸۲

زراعت ۲۹۹۷۴ باغداری ۵۷۶۵۴ تولید گلخانه‌ای ۱۰۰۰۱ پرورش ماکیان ۱۹۰۷۱ پرورش زنبور عسل ۱۱۳۵ پرورش دام بزرگ ۱۳۰۴۰ پرورش دام کوچک ۱۱۸۲۸ پرورش کرم ابریشم ۲

تعداد سدهای استان تهران در مراحل مختلف:

مطالعاتی ۲ اجرایی ۲ بهره‌برداری ۹ مجموع ۱۳

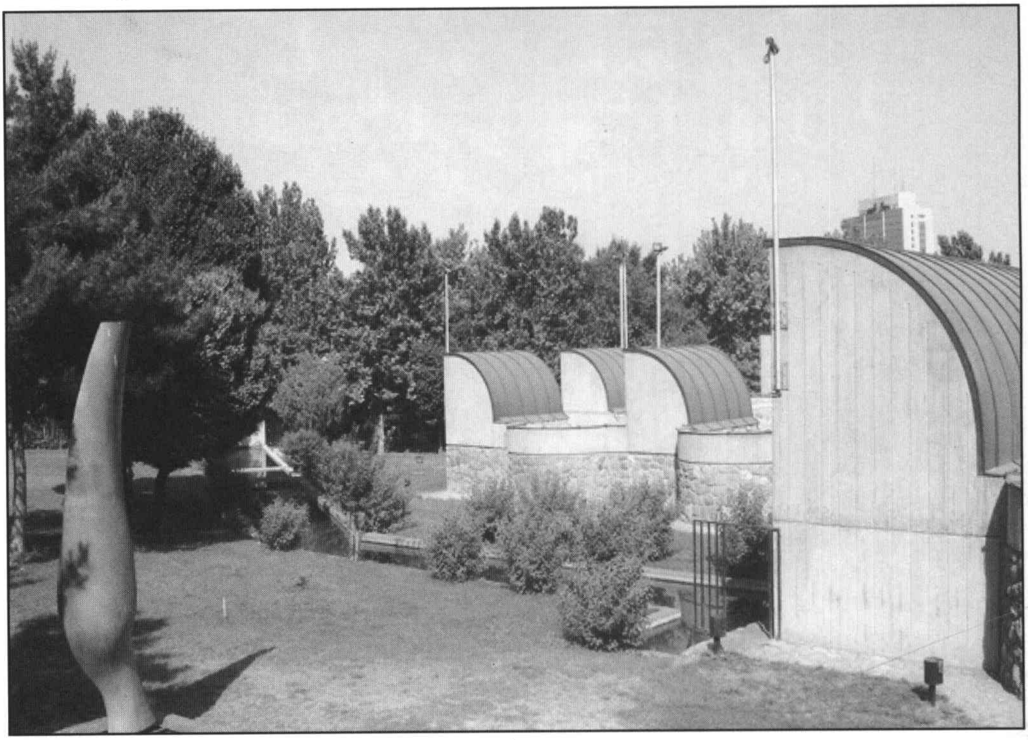
استان تهران در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۲۶۱۲۴ جمع مراتع ۱۲۱۸۴۴۷ خوب (متراکم) ۴۰۱۳۱۹ متوسط (نیمه متراکم) ۴۷۸۳۲۰ فقیر (کم تراکم) ۳۳۸۸۰۸ پدیده‌های بیابانی ۱۵۶۶۲۳ هکتار

برخی از مآخذ و کتاب‌های سودمند

کتاب سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)
کتاب سفرنامه‌خانم‌کارلاسرنا-ترجمه‌غلام‌رضاسمیعی
ایرانویچ - دکتر بهرام فره‌وشی
سفرنامه کلاویخو - ترجمه مسعود رجب‌نیا
ایران باستان - حسن پیرنیا
مجموعه مناطق جاجرود، پارک ملی سرخه‌حصار، پارک ملی خجیر - منطقه حفاظت شده محیط زیست - سازمان محیط زیست
زندگی اقتصادی - اطلس زمین‌شناسی
تهران - موزه زیبائی‌ها
ایران به زبان انگلیسی - دکتر علی رحیم‌پور
شناخت شهرهای ایران - عبدالحسین سعیدیان
آثار تاریخی طهران - مصطفوی، محمدتقی
از خشت تا خشت - کتیرائی، محمود
از شهر تهران چه میدانیم - باختری
از همین روزن گشوده به دود - زم، محمدعلی
ایران قدیم و تهران قدیم - نجمی، ناصر
پژوهشنامه:مجموعه‌مقالات‌پژوهشی‌اداره‌کل‌میراث‌فرهنگی
تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار - شهری‌باف، جعفر
تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای گلستان - ذکاء، یحیی
تهران به روایت تاریخ - نوربخش، مسعود
تهران پایتخت شاهنشاهی ایران
تهران، در آئینه زمان - سیفی فمی تفرشی، مرتضی
تهران در تصویر - ذکا، یحیی
تهران در گذرگاه تاریخ - زاوش، ح.م
تهران در گذشته و حال - کریمان، حسین
تهران در یک نگاه - شهرداری تهران، اداره کل روابط عمومی
تهران سه هزارو دویست ساله براساس کاوشهای باستان - کامبخش فرد، سیف‌الله
تهران، ظهور یک کلان شهر - مدنی‌پور، علی
تهران قدیم - حسن‌بیگی، محمدرضا
جغرافیای تاریخی تهران - معتمدی، محسن
دانشگاه‌تهران (راهنمای دانشگاه‌تهران) - دانشگاه‌تهران
راهنمای شهر تهران -
روش دکتر جردن - ناصر، شکرالله



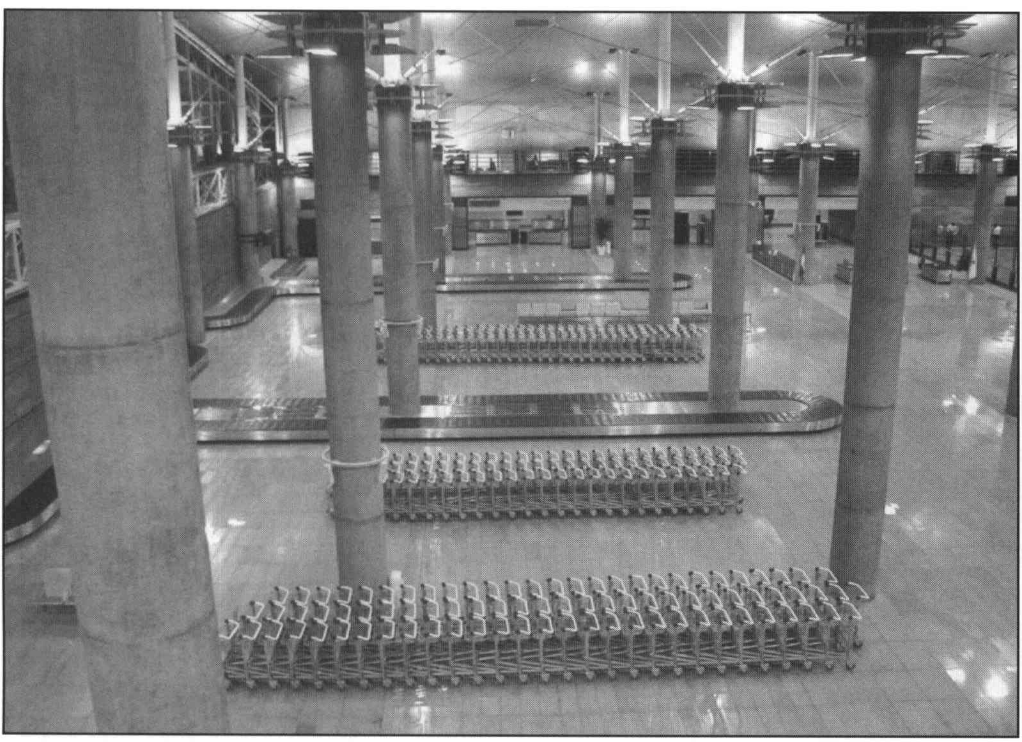
ساختمان تئاتر شهر



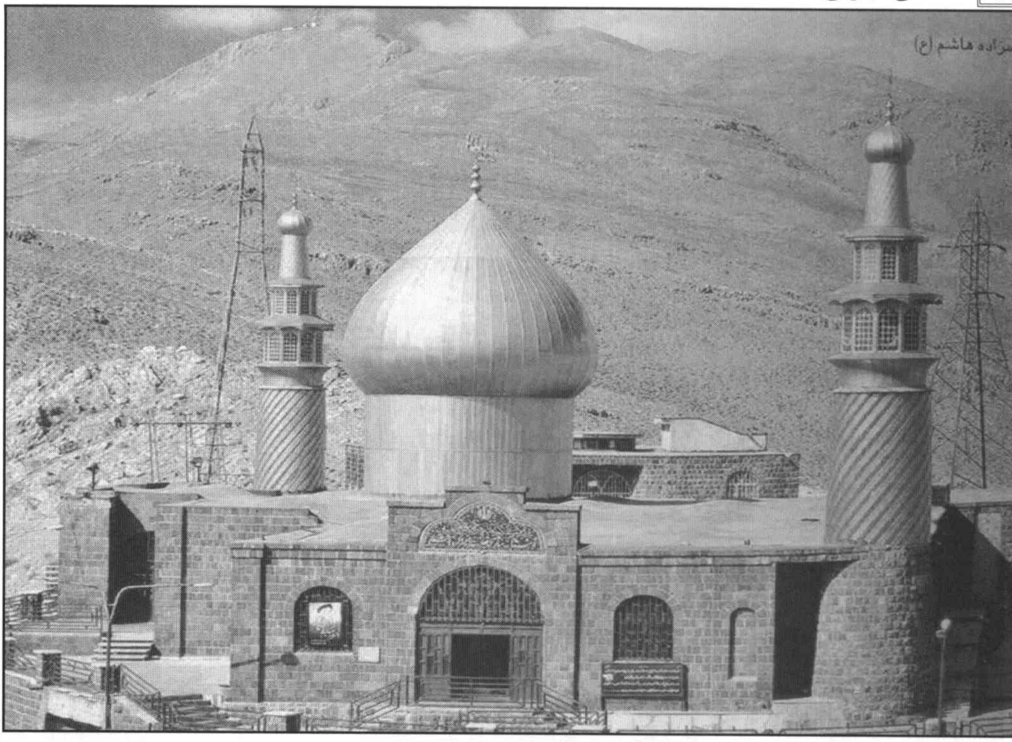
موزه هنرهای معاصر



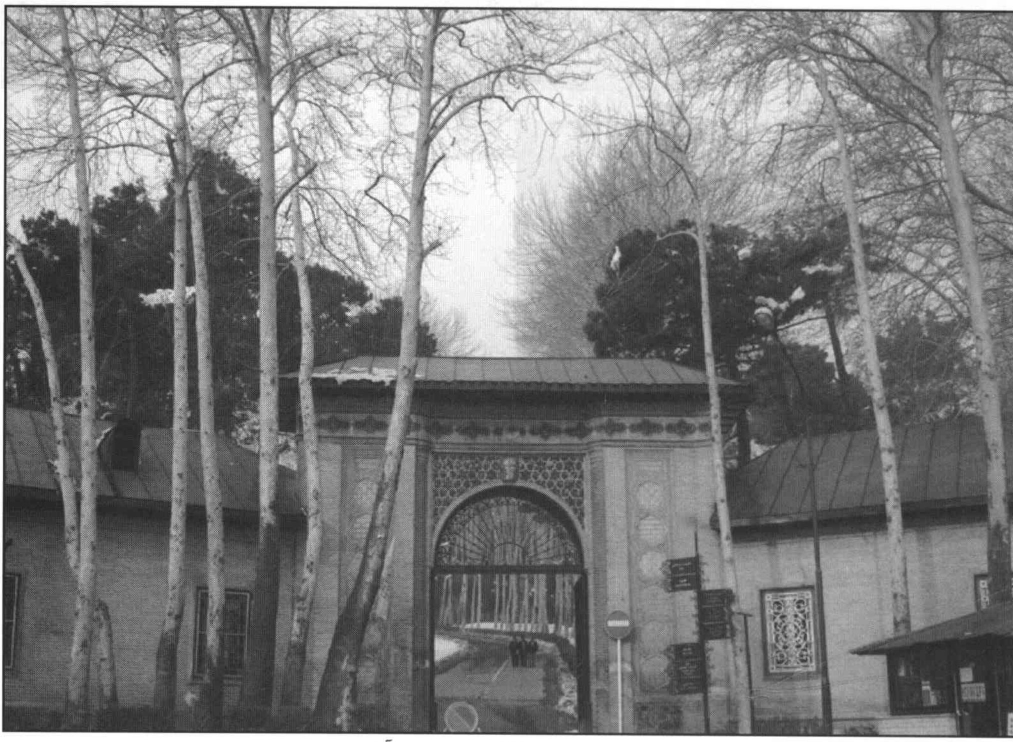
کاخ نیاوران، کوشک احمد شاهی



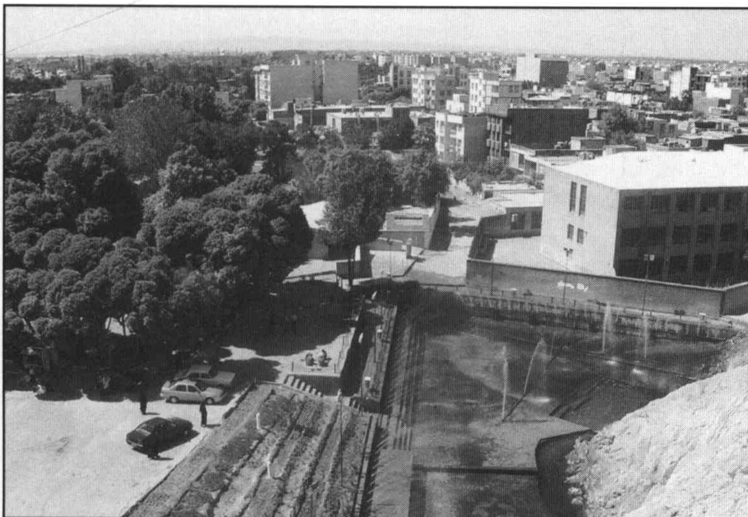
سالن فرودگاه امام خمینی



امامزاده هاشم - جاده فیروزکوه

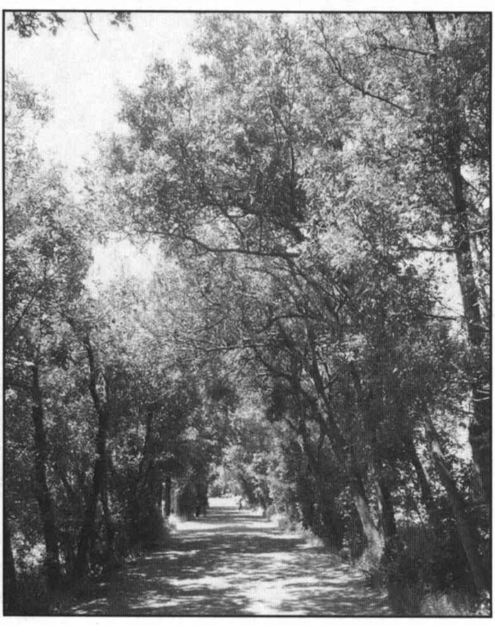


سر در ورودی کاخ موزه سعدآباد



چشم‌اندازی از شهر ری

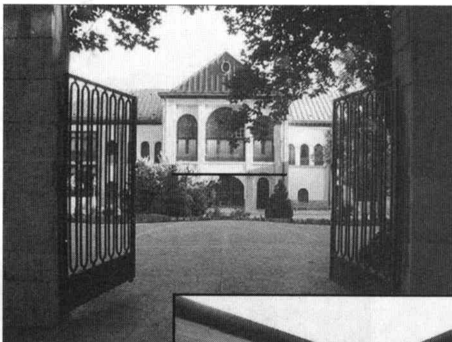




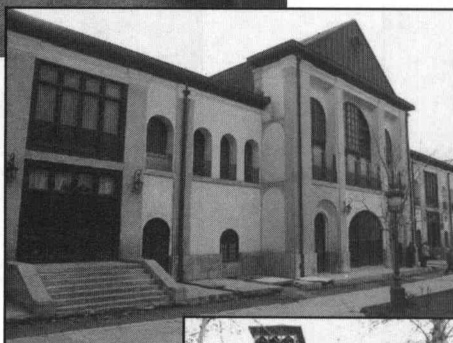
خیابانی از شهریار



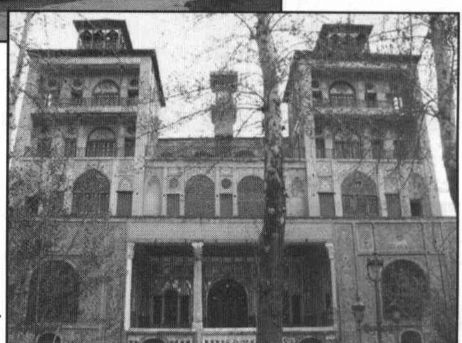
سر در باغ ملّی



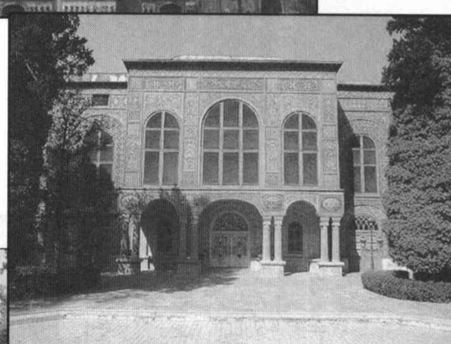
کاخ یاحبقرانیه



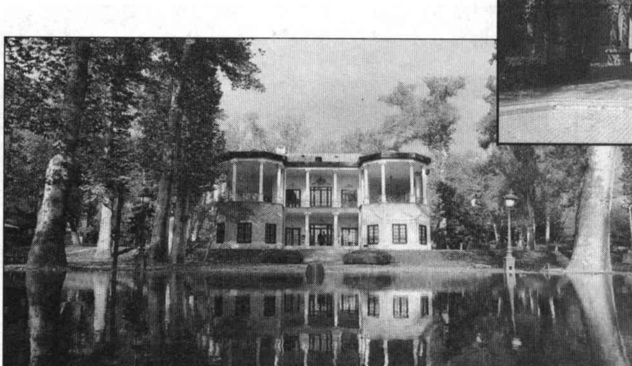
کاخ صاحبقرانیه



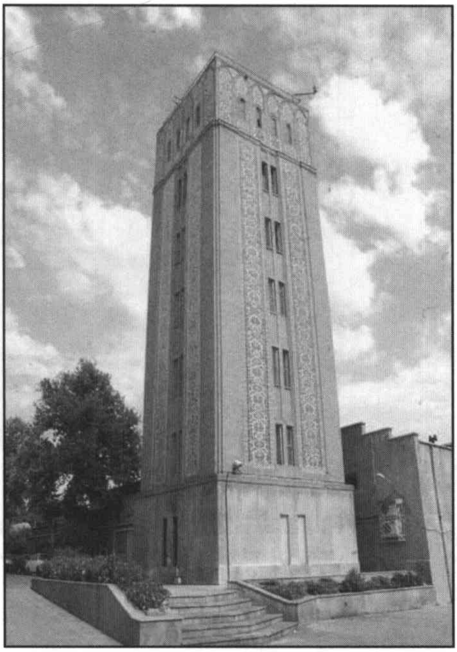
کاخ شمس‌العماره

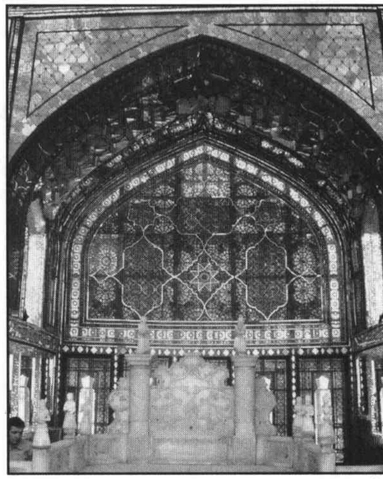


کاخ گلستان

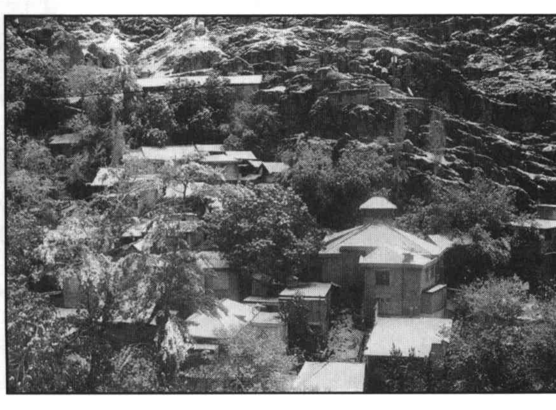


کاخ نیاوران


برج آب بانک ملّی


تخت مرمر


منظره‌ای از پارک جمشیدیه


منظره‌ای از درّه و روستای درکه



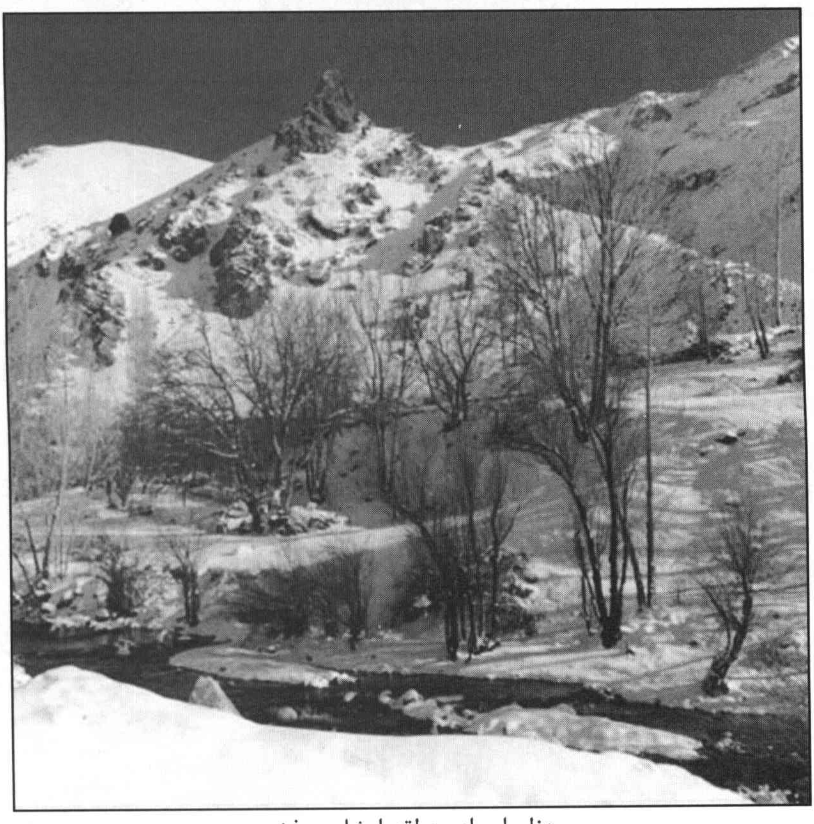
شهرستان طالقان



منظر قدیمی از میدان توپخانه



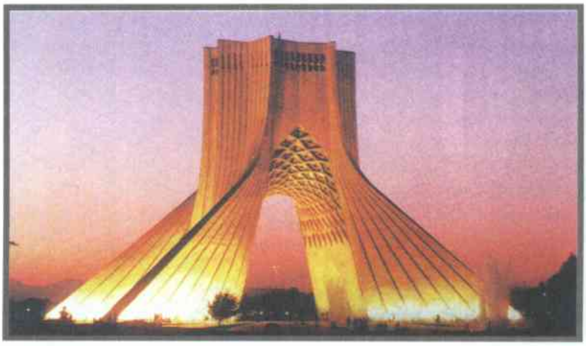
اسکی بازی در پیست دیزین



منظره‌ای از منطقه اوشان و فشم



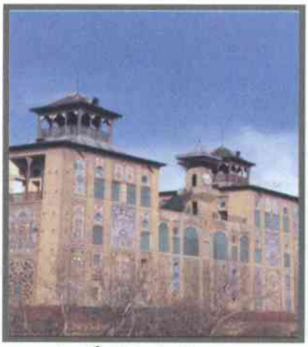
تله کابین توچال



میدان آزادی



نمایی از قله دماوند



عمارت شمس العماره کاخ گلستان



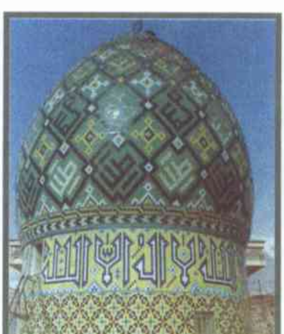
میدان ارگ



تابلوی نقاشی در موزه سعدآباد



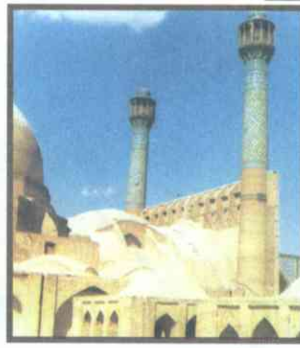
امامزاده سید اسماعیل



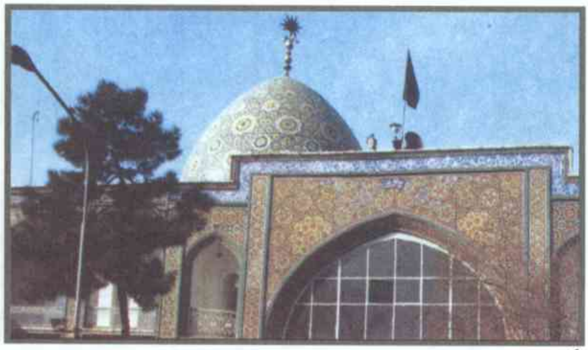
امامزاده قاسم

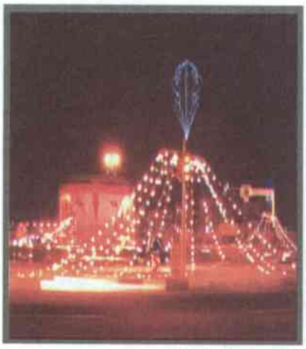


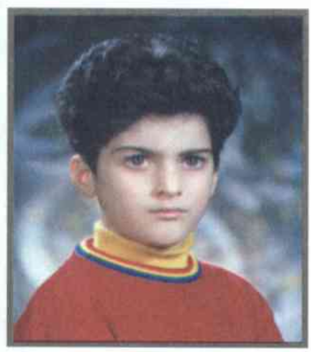
امامزاده یحیی


مسجد جامع


سردر باغ ملی


یکی از مساجد تهران


منظره ای از تهران


کودکی از مردم تهران


چشمه علی و باروی قدیمی در نزدیکی شهرری


نمائی از قله دماوند


منظره ای از تهران



یکی از بزرگراه های تهران



سد کرج - راه چالوس



اداره کل کاخ موزه های تهران



تابلوی نقاشی شیران در موزه سعدآباد



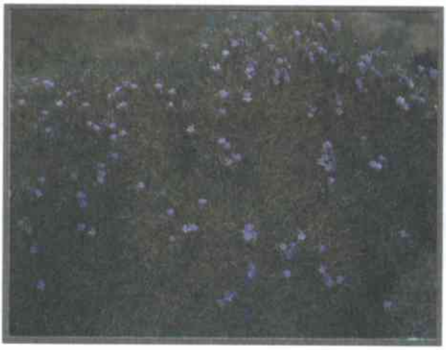
تابلوی نقاشی میوه در موزه سعدآباد



قله و دامنه کوه دماوند



گل هائی از دامنه کوه دماوند



منظره ای از گل های دامنه کوه دماوند









درکه و چهار فصل - از استاد رحیم صادق الوعد



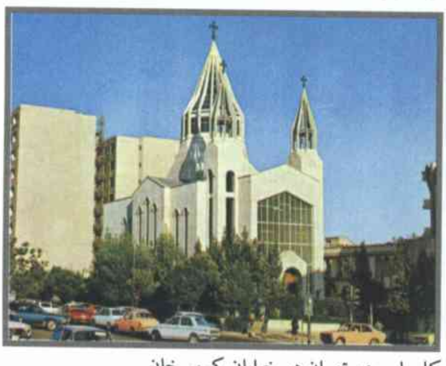
کوشک احمد شاهی - نیاوران



موزه ایران باستان



کاخ گلستان



کلیسایی در تهران در خیابان کریم خان



خانه ی دکتر شقاقی در خیابان کوشک تهران



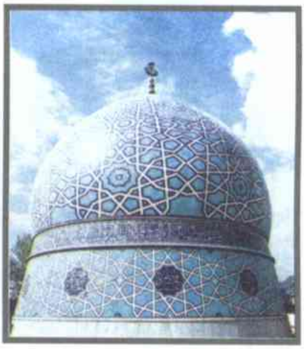
یک کارگاه صنعتی - تهران



برج طغرل شهرری



برج میلاد تهران



امامزاده صالح تجریش



قلعه ملک بهمن جاده فیروزکوه



دریاچه سد کرج



منظره ای از کوه های شمال تهران با عده ای کوهنورد



منظره ای از یک مغازه ظروف مسی



کارگاه صنایع دستی مسگری



دخترک قالیباف از ورامین تهران



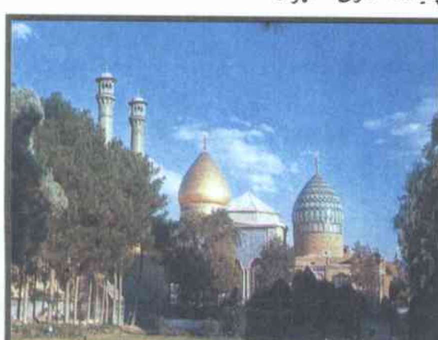
صنایع دستی - بازار فرش تهران



چایخانه آذری - تهران



آتشکده ری از دوره ساسانی



حضرت عبدالعظیم - شهرری



طرح یکی از پروژه های جدید شهرسازی


منظره ای از استان تهران


نمائی از کوه دماوند

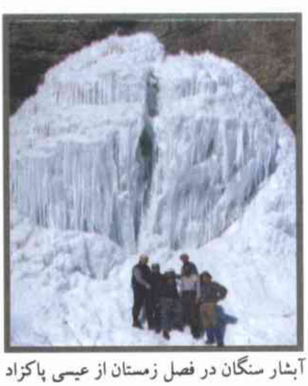

نمائی از ساختمان های جدید تهران


سقا در تهران خیلی قدیم


منطقه کوهستانی - اطراف تهران


نیروگاه گازی دماوند


نمائی از عمارت بانک شاهی و دروازه ورودی به خیابان چراغ برق در دوره قاجاریه

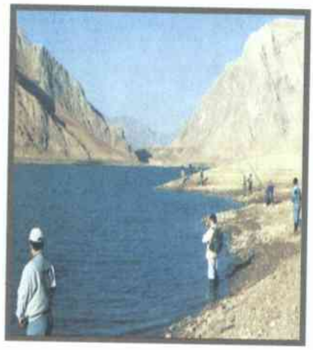

آبشار سنگان در فصل زمستان از عیسی پاکزاد



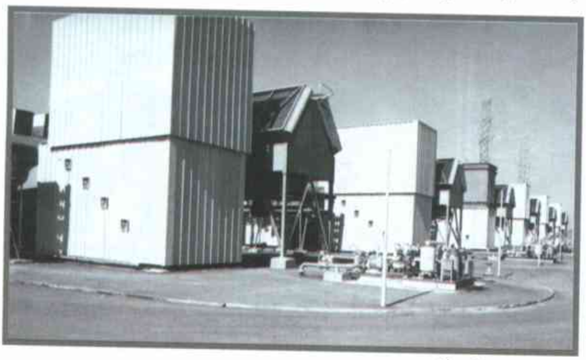
تنگه واشی- تابلو حکاکی شده در سنگ - شکارگاه فتحعلیشاه(عکس از عیسی افشار)



یکی از پست های برق اطراف تهران



دریاچه سد لار



تاسیسات نیروگاه گازی ری



شهرستانک - تهران



در حال گلکاری



مجلس شورای اسلامی - تهران



تهران در شب

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان چهارمحال و بختیاری

تألیف:

عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ تقسیمات اقلیمی ـ گردشگاههای طبیعی ـ پارک‌ها و مناطق حفاظت شده ـ آداب و رسوم ـ شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان چهارمحال و بختیاری براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهرکُرد، تعداد شهرستان: ۶ تعداد بخش: ۱۷ تعداد شهر: ۲۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۸۳۹ کل آبادی‌ها: ۱۰۴۴، مساحت استان چهارمحال و بختیاری ۱۶۳۲۲ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱/۰۰ است.

از تهران تا شهرکرد (۵۴۳) و از شهر کرد تا اردل (۶۸)، بروجن (۶۲)، شهرکرد (۰)، فارسان (۳۴)، کوهرنگ (۸۸)، لردگان (۱۶۰)



که ایران بهشت است یا بوستان همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از مصطفی خوشابی، حسین هاتفی فارمد، دکتر عزیز مؤمنی، محمدحسن بنایی، محمد بای‌بردی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین‌ومردم استان چهارمحال و بختیاری
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۳ـ۳۲ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN
بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان چهارمحال و بختیاری؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۳ـ ۳۲ـ ۶۹۹۱ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۰۴

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان چهارمحال و بختیاری براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهرکُرد مساحت: ۱۶۳۳۲ تعداد شهرستان: ۶ تعداد بخش: ۱۷ تعداد شهر: ۲۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۸۳۹ کل آبادی‌ها: ۱۰۴۴

جمعیت استان چهارمحال و بختیاری در سال (۱۳۶۵) ۶۳۱۱۷۹ نسبت به کل کشور ۱/۲۸ و در سال (۱۳۷۵) ۷۶۱۱۶۸ نسبت به کل کشور ۱/۲۷ و در سال (۱۳۸۵) ۸۵۷۹۱۰ نسبت به کل کشور ۱/۲۲ بوده است.

مساحت استان چهارمحال و بختیاری ۱۶۳۲۲ نسبت به کل کشور ۱/۰۰ است.

کارگاههای استان چهارمحال و بختیاری ۱۰۰۳۹ نسبت به کل کشور ۱/۵۶ است.

درصد میزان شهرنشینی استان چهارمحال و بختیاری در سال (۱۳۷۵) ۰۵/۴۵ و در سال (۱۳۸۵) ۵۵/۵۱ است.

تراکم نسبی جمعیت استان چهارمحال و بختیاری در سال (۱۳۶۵) ۳۹ و در سال (۱۳۷۵) ۴۷ و در سال (۱۳۸۵) ۵۲ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان چهارمحال و بختیاری

مرد و زن ۲۷۲۷ زن ۱۳۵۷ مرد ۱۳۷۰

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان چهارمحال و بختیاری

مرد و زن ۳۳۸۷ زن ۲۰۳۸ مرد ۱۳۴۹

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۵

جمع ۶۰۰ دولتی ۶۰۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۴۵۰ هزار اصله

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۵

تعداد بهره‌برداری ۳۷ مساحت گلخانه ۶

ادامه در صفحة

فهرست برخی از مطالب

جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان چهار محال و بختیاری

سیمای اقلیمی استان: استان چهارمحال و بختیاری علیرغم وسعت کم، از تنوع اقلیمی چشمگیری برخوردار است و به جز اقلیم‌های خشک و فراخشک بسیاری از انواع اقلیم‌ها در سیستم‌های طبقه بندی اقلیمی مختلف در این استان مشاهده می‌شود. فاکتورهای متعددی بر رژیم اقلیمی استان تاثیر می‌گذارند که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

نقش ارتفاعات در شکل‌گیری اقلیم استان: این استان در مجموع منطقه‌ای است کوهستانی با سلسله جبال زاگرس که از شمال غربی به طرف جنوب شرقی امتداد دارد و بلندترین نقطه استان در زردکوه بختیاری به ارتفاع ۴۵۳۶ متر و پست‌ترین نقطه آن در ناحیه شرقی استان واقع شده است. از ارتفاعات مهم استان می‌توان از زردکوه، سبزکوه، بزکوه، کارکنان، منگشت، سالداران، جهان بین و کوژیک نام برد.

این ارتفاعات اغلب پوشیده از برف بوده و جزء کانونهای آبگیر دائمی ایران محسوب می‌گردند و سرچشمه دو رودخانه بزرگ کارون و زاینده رود می‌باشند.

توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی موثر بر استان چهار محال و بختیاری

معمولاً فاکتورهای موثر بر اقلیم یک منطقه به دو دسته عوامل اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. عوامل اصلی سازنده اقلیم یک منطقه شامل ارتفاع، عرض جغرافیایی، دوری و نزدیکی به منابع آبها، توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی است و عوامل مشتمل بر تاثیر پوشش گیاهی و مرتعی، فعالیتهای کشاورزی، فعالیتهای صنعتی و معدنی و برخی دیگر از عوامل موثر بر اقلیم آن منطقه است.

توده‌های هوای مهاجر و سیستم‌های هواشناسی برخاسته از آنها از جمله عوامل مهم بر شکل‌گیری اقلیم یک منطقه است.

استان چهار محال و بختیاری با برخورداری از ارتفاعات قابل ملاحظه و جهات مناسب گستردگی این ارتفاعات، از توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی وارده بر سطح استان به نحو مفید و موثری بهره‌گیری می‌نماید و به این سبب در اغلب فصول سال از ریزش‌های جوی نسبتاً مناسبی بهره‌مند است.

منشاء عمده بارندگی استان، جریان‌های هوای مرطوب و باران زایی است که به همراه مراکز کم فشار مهاجر از سمت مدیترانه، سودان در افریقا و دریای سرخ و خلیج فارس، اطلس شمالی و دریای سیاه به منطقه می‌رسند.

سیستم‌های هواشناسی وارده از غرب و جنوب غرب به منطقه به هنگامیکه یک مرکز کم فشار سودانی فعال در منطقه عربستان مستقر باشد، بسیار فعال عمل نموده و تاثیرات آن به مراتب شدت می‌یابد، زیرا بادهای جنوبی و جنوب شرقی در جلوی sudan low گرما و رطوبت را از اقیانوس هند و خلیج فارس وارد منطقه نموده که به علت صعود از ارتفاعات جنوبی زاگرس بارندگیهای شدیدی را پدید می‌آورد که طبعاً در زمستان به صورت برف سنگین در سطح استان ریزش می‌نماید.

با توجه به اختلاف ارتفاع در سطح استان، زمان و مکان بارندگیها از شرایط یکسانی پیروی نمی‌نماید و به این لحاظ میانگین بلند مدت سالانه بارندگی در سطح استان نوسانی از ۲۵۰ تا ۱۴۹۱

میلی متر را طی می‌نماید و در ارتفاعات مجاور کوهرنگ میزان سالانه بارندگی در حدود ۱۸۰۰ میلی متر بر آورد می‌شود.

بخش‌های سردسیر استان نظیر شهرکرد گاهی از اوقات در فصل سرد جزء سردترین نقاط کشور به شمار آمده و افت دما تا ۳۲- درجه سانتی گراد زیر صفر در شهرکرد و تا ۳۴/۵- درجه سانتی گراد در دزک کاهش می‌یابد. بخش‌هایی از استان که در مجاورت استان خوزستان واقع شده است، دارای آب و هوای نسبتاً معتدل و در تابستان گرم است و تحت تاثیر جریانات گرم خوزستان قرار می‌گیرد.

میانگین سالانه دما در چهارمحال و بختیاری در حدود ۱۱ درجه سانتی گراد است.

تقسیمات اقلیمی استان : وجود کوهستانهای متعدد و مرتفع در استان چهارمحال و بختیاری و پی آمدها و تبعات اقلیمی آنها که به صورت بارش فراوان در اشکال برف و باران و پایین بودن دما و تبخیر نمایان می‌گردد، موجب گردیده تا این استان یکی از شاخص‌ترین استانهای کشور از نقطه نظر ذخایر آبی محسوب گردد.

زردکوه با ارتفاع ۴۵۳۶ متر و کوه مافارون با ارتفاع ۳۴۵۹ متر در شمال غرب استان،کوه میشی با ارتفاع ۳۹۰۳ متر و کوهستان هفت چشمه با ارتفاع ۳۹۷۲ متر در غرب استان و کوه ریگ با ارتفاع ۳۶۶۱۴ متر در جنوب و کوه هزار دره با ارتفاع ۳۸۶۲ متر در جنوب شرق استان چهارمحال و بختیاری، اقلیم‌های خیلی مرطوب را در این نواحی از جغرافیای استان به وجود آورده‌اند.

در استان چهارمحال و بختیاری اقلیم‌های نیمه خشک در وضعیت اقلیت قرار دارند و وسعت قابل ملاحظه‌ای از استان را اقلیم‌های مدیترانه‌ای، مرطوب و خیلی مرطوب با طیف دمایی سرد و فراسرد در برگرفته است. ارتفاعات مجاور کوهرنگ یکی از بیشترین میانگین‌های بارش سالانه کشور را بر می‌گیرد که در حدود ۱۸۰۰ میلی متر است.

پدیده برف که در گستره‌های وسیعی از کشور پدیده‌ای کمیاب است، در این استان به عنوان ریزشی معمولی است به گونه‌ای که در بخشهای وسیعی از این استان بیش از ۵۰ درصد بارندگیها به ریزش برف تعلق دارد.

شهرکرد که یکی از مرتفع‌ترین شهرهای کشور است، در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده دارای اقلیم نیمه خشک سرد، بروجن دارای اقلیم مدیترانه‌ای فراسرد، لردگان دارای اقلیم نیمه خشک سرد، اردل و فارسان دارای اقلیم مرطوب سرد و هفشجان دارای اقلیم نیمه مرطوب سرد است.

گستره‌های اقلیمی استان چهارمحال و بختیاری در اشکال زیر قابل تقسیم بندی است :

اقلیم‌های مرطوب سرد : بخش‌های شمال و شمال غرب استان با امتداد به سمت نواحی مرکزی استان تحت سیطره اقلیم‌های مرطوب سرد و خیلی مرطوب سرد قرار دارد که نواحی کوهرنگ، اردل، فارسان و ارتفاعات زردکوه و کوهستان‌های میلی و مافارون و هفت چشمه را در بر می‌گیرد.

اقلیم نیمه مرطوب سرد : این نوع اقلیم به شکل گسترده باریکی از بخش‌های شمالی استان به طرف مرکز و جنوب شرق استان گسترش یافته و در بخشهایی از جنوب و جنوب غرب استان نیز توسعه یافته است. ناحیه هفشجان در این نوع اقلیم

واقع شده است.

اقلیم نیمه خشک سرد: اقلیم نیمه خشک سرد در بخشهای شمال شرق و شرق استان گسترش دارد و باریکه‌ای از این نوع اقلیم در جنوب غربی استان نیز قابل شناسایی است. شهرستانهای شهرکرد و لردگان در این نوع اقلیم استقرار دارند.

اقلیم مدیترانه‌ای فراسرد: این نوع به صورت باریکه‌ای اقلیمی در شرق استان قابل شناسایی است که گسترش آن به داخل استان اصفهان تا ناحیه سمیرم امتداد دارد. شهرستان بروجن و نواحی اطراف آن در این نوع اقلیم قرار گرفته است.

بلایای طبیعی:

۱ ـ **توفان رعد و برق**: توفان رعد و برق یکی از پدیده‌های جوی است که آگاهی از رخ داد آن می‌تواند در زمینه‌های مختلف و در امر گردشگری بسیار مفید باشد.

در مرکز استان چهارمحال و بختیاری در هر سال تقریباً ۶ تا ۷ روز توام با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در ماههای فروردین و اردیبهشت بیش از سایر ماههای سال است.

در کوهرنگ و بروجن به ترتیب ۲۶ و ۲ روز از سال توام با توفان رعد و برق است که به این ترتیب منطقه کوهرنگ نسبت به شهرکرد و بروجن بیشتر در معرض این پدیده قرار می‌گیرد.

در کوهرنگ ماههای اسفند و فروردین و آبان و آذر به طور متوسط ۴ تا ۵ روز توام با توفان رعد و برق است. بر حسب آمار و اطلاعات دریافت شده از وزارت کشور در طول ۱۰ سال گذشته در استان چهارمحال و بختیاری وقوع توفانهای رعد و برق به ۵ شهر و ۱۳۵ روستا آسیب رسانده و ۴۲۱ واحد مسکونی به علت توفان دچار خسارت شده است. در همین مدت ۵۲۷ هکتار از اراضی استان به سبب وقوع توفان دچار خسارت شده و ۲۷ مکان عمومی و اداری بر اثر توفان آسیب دیده است. تلفات جانی ناشی از حادثه در این مدت ۱۵ نفر در سطح استان بوده است.

۲ ـ **خشکسالی**: در طول ۱۰ سال گذشته ۴ بار در استان چهارمحال و بختیاری خشکسالی اتفاق افتاده است که بر اثر آن ۲۰۴۵ راس دام تلف شده و ۳۵۷۷۲۷ هکتار از اراضی استان دچار خسارت شده است و بر اثر وقوع خشکسالی در این مدت ۲۰ واحد تولیدی و صنعتی استان متحمل زیان شده است.

۳ ـ **کولاک برف**: در این استان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ با وقوع ۳ بار کولاک برف، تعداد ۵ روستا و ۷۵ واحد مسکونی آسیب دیده و ۸ نفر انسان جان خود را از دست داده است. تعداد تلفات دام در این دوره ۷۸۹ راس بوده است. بر اثر وقوع این پدیده جوی در مدت ۱۰ سال گذشته ۴ وسیله نقلیه نیز دچار حادثه و خسارت شده است.

۴ ـ **تگرگ**: در طول ۱۰ سال گذشته بارش تگرگ در استان چهار محال و بختیاری موجب خسارت به ۸ روستا شده و با تلف نمودن ۲۰ راس دام به ۶۹ هکتار از اراضی نیز آسیب رسانده است.

۵ ـ **سرمازدگی و یخبندان**: بر اثر وقوع سرمازدگی و یخبندان در ۱۲ نوبت طی ۱۰ سال گذشته در استان چهارمحال و بختیاری به ۱۵ شهر و ۲۳۲ روستا وارد شده و ۳,۸۱۱,۲۱۹ هکتار از اراضی مزروعی استان آسیب دیده است.

۶ ـ **رگبار شدید**: وقوع ۱۹۲ بار رگبار شدید طی ۱۰ سال گذشته در استان چهارمحال و بختیاری

منجر به خسارت در ۱۲ شهر و ۵۱ روستا شده و علاوه بر آسیب رساندن به ۲۹۲ واحد مسکونی موجب از بین رفتن ۴۳۷ راس دام شده است.

زلزله، سیل و رانش زمین از جمله بلایای طبیعی است که در طول ۱۰ سال گذشته موجب تلفات جانی و خسارات و آسیب‌های مالی فراوان در این استان شده است.

کوهها و ارتفاعات استان چهارمحال و بختیاری:

این استان در مجموع منطقه‌ای است کوهستانی با سلسله جبال زاگرس که از شمال غربی به طرف جنوب شرقی امتداد دارد و بلندترین نقطه استان در زردکوه بختیاری به ارتفاع ۴۵۳۶ متر و پست‌ترین نقطه آن در ناحیه شرقی واقع شده است. ارتفاعات مهم استان عبارتند از: زردکوه، سبزکوه، بزکوه، کارکنان، منگشت سالداروان جهان بین و کوه رنگ.

این ارتفاعات اغلب پوشیده از برف بوده و جزء کانونهای آبگیر دائمی ایران و سرچشمه رودخانه‌های دائمی کارون و زاینده رود می‌باشند.امتداد این ارتفاعات از شمال غرب به جنوب شرق بوده و هر چه از غرب به طرف شرق پیشروی شود از میزان ارتفاعات و تراکم کوهها کاسته شده و به دره‌های باز و دشتهای نسبتاً وسیع ختم می‌شود.

شرق استان از دشت‌های محدود نظیر دشت لار ،دشت فرادنبه ،دشت کیار و دشت خانمیرزا تشکیل شده است.در جنوب غربی و جنوب شرقی استان نیز دشتهای نسبتاًوسیعی نظیر لردگان ،فلارد و گندمان وجود دارد .اکثر چین خوردگیهای این استان مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی است به همین دلیل دارای ارتفاعات بلند و جوان و ممتد و پیوسته است ،که از طبقات آهکی تشکیل گردیده است.

در منطقه چهار محال و بختیاری ۱۶ قله مهم با ارتفاع بیش از ۳۵۰۰ متر وجود دارد.اسامی قله‌های استان چهار محال و بختیاری عبارتند از: ۱- سالدارون حدود ۴۰۰۰ متر ارتفاع ۲ - کوه سوخته حدود ۴۰۰۰ متر ارتفاع ۳- شاه شهیدان حدود ۴۰۰۰ تا ۴۱۰۰ و ۴۲۲۰ متر ارتفاع ۴- هفت تنان بالای ۴۰۰۰ متر ۵-کلونچی با ارتفاع ۳۹۸۸ متر ۶- بره‌های دلانک ۷- خشک رودکوه ۸- زرد کوه ۹- نیله رود ۱۰- تخت شاه ۱۱- رزی کوه ۱۲- کلار ۱۳- سر سبز ۱۴- زاغه کوه ۱۵- شاه نشین ۱۶- خاکستری کوه ۱۷-کمیسیان ۱۸- نهر کوه ۱۹- سفیدون ۲۰- رباط کوه ۲۱- بونه ۲۲- شاهان ۲۳-کریور کوه ۲۴- سبز کوه

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان :

منابع آبی استان از دو بخش آبهای جاری و آبهای زیرزمینی تشکیل شده است.آبهای جاری استان با توجه به کوهستانی بودن آن وداشتن ارتفاعات برفگیر از رودخانه‌های پر آب و دائمی تشکیل یافته است، بخصوص زردکوه به عنوان یک کانون آبگیر دائمی شناخته می‌شود و سرچشمه دو رودخانه دائمی ایران زاینده رود و کارون است.

توجه به ارتفاعات که از شمال غربی به جنوب شرقی است ،شبکه آبهای روان منطقه به دو قسمت تقسیم می‌شود.

یکی به سمت حوزه زاینده رود سرازیر شده و بخش دیگر حوزه کارون علیا را بوجود می‌آورد.قسمتی از آبهایی که از ارتفاعات شمال غرب استان سر چشمه گرفته و به سمت شرق

جریان می‌یابند، پس از اتصال به یکدیگر رودخانه زاینده رود را تشکیل می‌دهند و پس از طی مسیر طولانی در شرق، از منطقه خارج وبه باتلاق گاوخونی منتهی می‌گردند.آبهای حوزه کارون نیز به سوی استان خوزستان جریان می‌یابند.

تونل کوهرنگ که در جنوب چلگرد حفر گردیده قسمتی از آب کوهرنگ را پس از اتصال به شاخه میان رودان رود دیمه وصل می‌نماید.بخش اعظم استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه‌های کارون محسوب می‌گردند که از اتصال سه شاخه اصلی و چندین شاخه فرعی تشکیل می‌شود و از مرکز تا جنوب و مغرب این منطقه را در بر می‌گیرد.شاخه‌های اصلی رود کارون عبارتند از:

آبهای کوهرنگ و بازفت در غرب و شمال غربی استان، آبهای کیاروونک شمالشرقی و شرق، رودخانه‌های مار بره و خرسان در جنوب شرقی و شرق منطقه و آب منج که به کارون می‌ریزد.آبهای زیرزمینی استان با توجه به وضعیت خاک استان دارای تقسیماتی است که در اشکال مختلف مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

در استان چهار محال و بختیاری حدود ۲۰۰ رودخانه بزرگ و کوچک و ۹۵۳ چشمه همراه با شبکه گسترده نهرها و جویبارهای دو رودخانه وسیع و پر آب کارون وزاینده رود جریان دارند.

اسامی رودخانه‌های مهم منطقه عبارتند از :رودخانه کیار، رودخانه آق بلاغ، آب ونک، رودخانه کره، رودخانه سبز کوه خانمیرزا، رود خانه چله خانه، رودخانه لردگان، رودخانه گرم، رود خانه خرسان، رود خانه بازفت، رودخانه کارون، آب کوهرنگ، آب کری، آب جونقان، آب جهان بین، آب دره کل، زاینده رود، آب‌های گرلگ، کته، صمصامی، منج و سر آب .دیگر منابع آبی استان تالاب‌ها، آبشارها و چشمه‌ها می‌باشند.

ارتفاعات این استان از شمال به جنوب به قرار زیر است: ۱ـ سلسله جبال زاگرس از غرب استان به جنوب غربی کشیده و قله‌ی زردکوه با ارتفاع ۴۵۴۸ متر در دهستان بازفت قرار دارد. ۲ـ کوه جهان بین در جنوب شهرکرد. ۳ـ سفیدکوه در بازفت. ۴ـ پنجه کوه در شمال شرقی شهرکرد. ۵ـ سبز کوه در دهستان گندمان. ۶ـ- ارتفاعات پشتکوه و میانکوه در دیناران.

مهم‌ترین رودخانه‌های این استان عبارتند از: ۱ـ رودخانه‌ی زاینده رود که از سلسله کوه‌های زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و از شمال به استان اصفهان جاری است.

۲ـ رودخانه کارون که سرچشمه‌ی اصلی آن زردکوه است و از غرب استان به طرف جنوب غربی جریان دارد و به استان خوزستان می‌ریزد. این رود در داخل استان دارای شعبه‌هائی چون رودخانه‌ی بازفت، رودخانه‌ی دوآب و رودخانه‌ی دوپلان می‌باشد.

۳ـ رودخانه‌های داخلی استان که کم آب ترند مثل رودخانهٔ جونقان، جهان بین و ده چشمه.

آب و هوای این استان به علت داشتن کوه‌های مرتفع دارای زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های معتدل می‌باشد. حداقل درجه‌ی حرارت گاهی به ۳۰ درجه زیر صفر و حداکثر به بیش از ۴۰ درجه‌ی سانتی گراد بالغ می‌گردد. ارتفاع نقاط مسکونی از سطح دریا به بیش از ۲۰۰۰ متر می‌رسد (شهر کرد ۲۰۶۶ متر)، میزان بارندگی گاهی به ۵۰۰ میلیمتر بالغ گردیده است.

بختیاری‌ها: در منطقه‌ی مرکزی ایران و در دامنه‌ی کوه‌های زاگرس، در محدوده همه یا

بخش‌هائی از استان‌های چهارمحال بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان ایل بزرگ بختیاری زندگی می‌کنند.

مردمان این ایل سال‌ها به صورت عشایری کوچرو از ییلاق به قشلاق کوچیده‌اند. گرچه این حرکت اکنون کمرنگ شده و مشکلات مختلف مانع آن شده است.

در روزگار باستان سرزمین کنونی بختیاری به عیلام یا عیلم مسکن لر بزرگ و لرستان به کشو (مسکن لر کوچک) معروف بوده است. در ۲۴ قرن قبل اهالی این دو منطقه متحد شده به کلده و بابل حمله (کرده) و آن جا را متصرف شده و چندین قرن بر آن جا حکومت می‌کردند در قرن ۲۰ ق ـ م ایرانیان از مشرق رسیده و چندین قرن به آن جا فرمان راندند. در این احوال ایرانیان از مشرق کشور عیلام تاختند و آن را تصرف کردند. سرزمین عیلام بعدها انشان یا امزان نام یافت. شنیدلر گفته اوجا همان بختیاری است گوتی‌ها که طایفه‌ای از ساکنان قدیم زاگرس بودند در همسایگی لوبی‌ها که ساکنان بلندی‌های زاگرس بودند به سر می‌بردند، برخی لولوبی‌ها را همان لرها دانسته‌اند.

بختیاری‌ها دارای سابقه و تاریخ چند هزار ساله هستند که از زمان صفویه آشکارتر گشته، برخی عقاید و اندیشه‌های ایرانیان قدیم در بین آنان گویش، آداب و رسوم حتی لباس آنان نیز دلایلی بر این مدعا است. عباس قنبری

گردشگاههای طبیعی استان چهارمحال و بختیاری:

به اقتضای طبیعت منطقه، فراوانی چشمه‌ها و تالاب‌ها، آبشارها و رودخانه‌های متعدد از جاذبه‌های با ارزش طبیعی این سرزمین به شمار می‌آیند و واجد اهمیت گردشگاهی قابل توجهی هستند. شبکه مویرگی چشمه‌ها و رودهای منطقه تمامیمی وسعت آن را فراگرفته‌اند و حاشیه هر رود و چشمه‌ای جلوه گاه شگفت‌انگیز و زیبایی است که مانند سینه فیروزه‌ای در جای جای آن می‌درخشد. بیش از صد چشمه و بیست رودخانه که فضای هرکدام زیباتر از دیگری است، امکانات قابل توجهی برای بهره برداری سیاحتی فراهم می‌آورند.

۱ـ **سواحل زاینده رود** : استفاده از گردشگری و مسافرت به این منطقه معمولاً از ماه اردیبهشت آغاز و به مدت پنج ماه تا اواخر شهریور ادامه می‌یابد. گردشگران این منطقه در در حاشیه‌های مشجر و باغهای زیبای زیبای اطراف آن اقامت می‌کنند. امکانات گردشگری موجود در سراسر سواحل زاینده رود تنها به مجتمع گردشگری سامان خلاصه می‌شود که در مواقع هجوم مسافران پاسخگوی انبوه بازدید کنندگان نمی‌باشد. تمامی مسیر زاینده رود از قراقوش تا چلوان در مجاورت سامان، از جاذبه‌های اصلی این ناحیه و کانون عمده گردشگری استان به شمار می‌آید.

۲ـ **کناره‌های رودخانه بازفت** : کناره‌های رودخانه بازفت یکی از بزرگترین و بدیع ترین امکانات توریستی منطقه است. کناره‌های طولانی این رودخانه در کنار انبوه‌ترین و دست نخورده‌ترین محدوده‌های جنگلی با چشم اندازهای زیبا و چشمگیر، روز به روز ارزش و اهمیت گردشگری بیشتری خواهد یافت. این رودخانه در مسیری طولانی از جنگل‌ها، دره‌ها و گردنه‌های پر پیچ و خم می‌گذرد و پس از سیراب

کردن آبادی‌های فراوان و خلق زیبایی‌های شگفت‌انگیز به رودخانه کارون سرازیر می‌شود. کناره‌های این رودخانه از زیباترین مسیرهای جلب جهانگرد محسوب می‌شود که در هر فصل از سال دارای جاذبه‌های خاص خود است. در بالای این رودخانه گردنه چری باعظمت و زیبایی منحصر به فردی واقع شده است که به جهت طبیعت بی‌نظیرش، ناحیه توریستی جالب توجه و بی‌مانندی به شمار می‌آید.

- **زیباییهای اطراف رودخانه لردگان** : اغلب رودخانهای چهارمحال و بختیاری دارای ماهی‌های متنوع و گوناگون است که مهمترین آنها سیاشاکولی از خانواده کپور ماهیان است. در سالهای اخیر پرورش ماهی قزل آلا هم رواج یافته است. حواشی رودخانه لردگان که محل مزارع و شالیزارها است، چشم اندازهای بسیار جالب توجهی دارد و از این نقطه نظر به ویژه در فصول پاییز و زمستان بسیار زیبا و دیدنی است. به مجموعه جاذبه‌های آبی فوق دریاچه‌های سد کوهرنگ و سد زاینده رود رانیز باید اضافه کرد که هر یک امکانات تفریحی چشم‌گیری ایجاد کرده‌اند.

- **سواحل رودخانه کارون** : سواحل رودخانه کارون تقریباً سرتاسر منطقه را در بر می‌گیرد، از شگفتی‌های طبیعت این ناحیه به شمار می‌آید، که قرارگاه آبادی‌ها و محل اتراق طوایف ایل بختیاری است و نبض حیات اجتماعی و اقتصادی آنان را در خود متمرکز کرده است. این رودخانه از دره بسیار زیبایی عبور می‌کند که اغلب نقاط آن از جنگل‌های بلوط پوشیده شده است.

امکانات تفریحی نظیر ماهیگیری، قایقرانی، شنا و استراحت گاههای اطراف آن همراه با فضاهای عشایری، جاذبه‌های گردشگری آن را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد.

- **آبشار دیدنی دره عشق** : آبشار دره عشق که ارتفاع آن به بیش از صدمتر می‌رسد، از درون کوه با سرعت زیادی جریان می‌یابد. در زیر آبشار، فضای وسیعی وجود دارد که امکان ایجاد تاسیسات لازم برای گردشگری را فراهم می‌آورد. این آبشار بین دو روستای دره عشق و دورک شاهپوری معروف به دورک اناری قرار گرفته که هر دو دارای انارستانهای بزرگ و مزارع شالیزاری سرسبز می‌باشند.

چند آبشار زیبا و دیدنی دیگر هم در این استان وجود دارد که به نامهای آبشار آتشگاه و آبشار کردی سبزکوه و آبشار قزل معروف اند که هر یک به نوبه خود منظره بدیعی را پدید آورده‌اند.

- **تالاب‌ها** : از دیگر جاذبه‌های طبیعی این استان تالاب‌های آن است که هر لحظه از طبیعت تالاب‌ها، تابلوهای طبیعی متعددی را عرضه از طبیعت تالاب‌ها، تابلوهای طبیعی متعددی را عرضه می‌کنند که از هر زاویه، بخشی از زیبایی‌های طبیعت را به نمایش می‌گذارند.

عمده‌ترین تالاب‌های استان چهار محال وبختیاری عبارتند از: تالاب سولگان (سوله جان) - تالاب چغار خور - تالاب گندمان

- **چشمه‌ها** : بیشترین تعداد چشمه‌ها در بخش‌های شمالی و شرقی منطقه، خصوصاً در اطراف سامان و حوزه امام زاده حمزه علی و گندمان قرار دارد که دو مرکز اصلی جذب جهانگردان در تابستان به شمار می‌آیند. معروف‌ترین این چشمه‌ها در سطح استان، چشمه سندگان، در مال خلیفه، برم لردگان در لردگان، ده

چشمه یا پیر غار در نزدیک فارسان، چشمه دیمه در نزدیکی چلگرد و چشمه سیاه سرد در نزدیکی بروجن است که در فاصله ۶ کیلومتری بروجن قرار دارد و از زیباترین نقاط گردشگاهی چهارمحال و بختیاری است.

از دیگر گردشگاههای استان چهارمحال و بختیاری عبارتند از: ۱- نواحی سیاحتی دشت لاله در ۱۰۰ کیلومتری شهر کرد ۲- ناحیه سیاحتی دریاچه و سد زاینده رود واقع در منطقه شمالی شهرکرد ۳- نواحی گردشگری برم لردگان و سایر چشمه‌های لردگان ۴- گردشگاه مرداب بن واقع در هفشجان ۵- گردشگاههای گردبیشه، باغچه گردو بر آفتاب واقع در بروجن ۶- مجتمع توریستی سامان واقع در ۲۶ کیلومتری شمال شهرکرد ۷- ناحیه سیاحتی دره عشق و ارمند واقع در بخش پیشکوه و میانکوه در جنوب استان ۸- ناحیه سبزدره ایل راه زیارت واقع در بین کوههای کلارده و کوه سوخته - دزپات ۹- نواحی سرسبز و تفریحی اطراف رودخانه‌های کارون و زاینده رود ۱۰- ناحیه تفرجگاهی دشت بروجن

موقعیت منطقه‌ی کوهرنگ:

۱ـ از نظر جغرافیائی: کوهرنگ مرکز شهرستان (کوهرنگ) بین طول جغرافیائی ۰۸´ و ۵۰° و عرض جغرافیائی ۲۸´ ۳۲° با ارتفاع ۲۴۸۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است.

کوهرنگ در شمال غربی استان چهارمحال بختیاری در منطقه‌ی کوهستانی قرار گرفته که رشته کوه‌های متعددی آن را احاطه کرده است و معروف‌ترین آن‌ها زردکوه بختیاری می‌باشد که در جنوب و جنوب غربی این منطقه قرار گرفته رودخانه‌ی زاینده رود در جنوب شرقی این منطقه که از تونل کوهرنگ سرچشمه می‌گیرد عبور کرده و به استان اصفهان سرازیر می‌شود.

هم چنین کوه معروف کارکنان که در زمان شاه عباس قرار بود آب رودخانه‌ی کوهرنگ به وسیله‌ی ترانشه‌ای که معروف به ترانشه‌ی شاه عباس است و شکاف عمیقی دراین کوه به وجود آوردند تا بلکه بتوانند آب رودخانه کوهرنگ را به زاینده رود الحاق نمایند و این ترانشه در جنوب غربی مرکز کوهرنگ قرار گرفته است.

۲ـ از نظر تاریخی: کوهرنگ نام دره‌ی رودخانه‌ای است که از زردکوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد. از مغرب به استان چهارمحال بختیاری به طرف استان اصفهان جاری می‌شود و سرچشمه‌ی اصلی به نام کوهرنگ است در خصوص آب کوهرنگ یا کارون و کرن که در کتب مختلف نام برده شده تمامی منظورشان همین رودخانه است که از نواحی زردکوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد و این دو چشمه دوآب هر یک اسم خاصی دارند. یعنی اولی را کوهرنگ و دومی را کرن و به نام چشمه‌ی محمودی تلفظ می‌شود که در عالم آرای عباسی نیز گفته شده است.

در برهان قاطع نوشته شده است که (نخجیر که اسم است برای مطلق شکار و بز کوهی و گاو دشتی به معنی رنگ و حالیه از قرار تقریر الوار این کوه (زرد کوه) شکارگاه خوبی است از این جهت مرسوم گردیده است. اگر چه اصطلاح عموم مردم امرزوه نیست که رنگ را به معنی شکار یا بزکوهی استعمال کنند محتمل است که قبل از این نامیده شده است.

دیگر این که کوه‌های این منطقه مختلط و رنگارنگ است و هر قسمتی از آن از حیث خاک و سنگ علف به رنگ مخصوص است از این جهت

کوهرنگ می‌نامند.

جاذبه‌های توریستی کوهرنگ: استان چهار محال بختیاری از یک قسمت کوهستانی و از یک قسمت جلگه‌ای تشکیل یافته است. قسمت جلگه‌ای آن شامل مزارع سبز خرم و باغات وسیع می‌باشد و قسمت کوهستانی آن را ارتفاعات متعددی تشکیل می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها سلسله کوهها از جمله رشته کوه زردکوه بختیاری است که رودخانه‌های کارون و زاینده رود از آن سرچشمه می‌گیرند.

هنگامی که فصل بهار می‌رسد طبیعت زیبا و کوه‌های سر به فلک کشیده منطقه‌ی چهار محال بختیاری مسحورکننده است. طبیعتی بکر که محل ییلاق و قشلاق اکثر طوایف بختیاری است. انسان در این جا به سرزمینی پا می‌گذارد که همه چیز آن حالت طبیعی و آزاد چند هزار ساله خود را حفظ کرده است. در جای جای این سرزمین دشت‌های زیبائی را می‌توان دید که پر از لاله‌های بلند و واژگون است. جاذبه‌هایی که این منطقه از چهار محال بختیاری دارا می‌باشد را می‌توان به طور خلاصه به شرح ذیل نام برد:

۱ـ آب و هوا: اقلیم کوهرنگ تابستان‌های معتدل و زمستان‌های بسیار سردی دارد. که اعتدال هوا در تابستان‌ها یکی از جاذبه‌های بسیار مهم در جذب توریست از مناطق مرکزی می‌تواند باشد و احداث راه‌های چهار محال بختیاری به خوزستان نقش بسزائی در این امر ایفا خواهد نمود.

۲ـ زردکوه: یکی از دشت‌هائی که طراوت محیط و زیبائی گل هایش انسان را از خود بی خود می‌کند، کوهپایه‌ای است در منطقه‌ی کوهرنگ به نام زردکوه، کوهی باگل‌های زرد در پائین و خاک زرد در بالای کوه.

زردکوه در ۷۳ کیلومتری غرب شهرکرد و در تقاطع ´۲۲ و °۳۲ عرض شمالی و ´۵ و °۵۰ طول شرقی سر بر آسمان افراشته است و کوهنوردان هر یک در مورد بلندترین نقطه‌اش سخنی دارند.

سلسله جبالی که زردکوه در آن قرار دارد زاگرس است که از شمال غربی تا جنوب شرقی میهن بزرگ ما به طول ۱۶۰۰ کیلومتر از دامنه‌ی آرارات و سر حد ایران و ترکیه تا شمال تنگه‌ی هرمز کشیده شده است.

در این سلسله جبال تعدادی از مرتفع‌ترین قله‌های ایران از جمله دنا با ۴۴۰۹ متر ارتفاع، زردکوه با ۴۲۱ متر، اشترانکوه با ۴۱۵۰ متر ارتفاع وجود دارد و کوتاه‌ترین این سلسله جبال کبیرکوه است که به عکس نامش فقط ۲۷۹۰ متر ارتفاع دارد.

محدوده‌ی زردکوه متشکل از کوه‌های شاه شهیدان کوهرنگ است که نام هر یک دلیل خاص خود را دارد، کوه اصلی یا زردکوه بختیاری تا اواخر قرن نوزدهم میلادی منطقه‌ای بود دست نیافتنی و معمولاً افراد بیگانه به داخل آن راهی نداشتند، درست مانند تبت در چین که به دلیل شرایط طبیعی و سیاسی حاکم بر آن مدت‌ها بر روی افراد خارجی بسته بود.

با این که امروزه محدودیتی برای ورود به سرزمین چهارمحال بختیاری و صعود به زردکوه وجود ندارد. هنوز هم این منطقه وسیع از نظر طبیعی منطقه‌ای بکر و تقریباً ناشناخته است.

در این سرزمین با هر گامی که برداشته شود گویا به سرزمین اسرارآمیز یخچال‌های طبیعی، چشمه سارهای گوناگون و دریاچه‌های بزرگ و کوچک پای می‌گذاری و وجود قلعه‌های باستانی متعلق به دوره‌ی ساسانی و هخامنشی حالت

اسرارآمیز آن را بیشتر تقویت می‌کند. در ارتفاعات زرکوه می‌توان شیرهای سنگی عظیمی را دید که در سراشیب کوه‌ها با گذشت زمان هم چنان برپا ایستاده‌اند و سلحشوری جوانان دلیر و صاحب نام ایل بختیاری را به نمایش می‌گذارند.

قدیمی‌ترین سنگی که در صعود به زردکوه می‌توان دید حدود ۳۱۴ سال قدمت دارد این سنگ‌ها نشانی از گورستان‌های قدیمی دارد و انواع ساده تا پر نقش و نگار در آن جای جای این سرزمین به چشم می‌خورد این سنگ‌ها زمانی برای تزئین یا تشخیص گورستان‌ها نصب می‌شده‌اند.

۳ـ ارتفاعات: در دامنه‌های سلسله جبال آن با ۱۶ قله بالای ۳۵۰۰ متر ارتفاع محل مناسب برای ورزش، لذت بردن و استراحت است. شش قله این سلسله جبال با نام‌های زردکوه، هفت تنان، کوه سوخته، شاه شهیدان، به دلیل زیبائی برای کوهنوردان بیشتر لذت بخش است.

۴ـ پهنه‌های وسیع برف با ارتفاع و شیب مناسب: اقلیم کوهرنگ از نظر نزولات جوی مرطوب نامیده شده است. برف یکی از مهم‌ترین عناصر بارش در این منطقه است. برف سطح زمین را پوشیده و باعث انعکاس نور خورشید و در نتیجه عدم جذب انرژی کافی می‌شود و باعث پایداری برف می‌شود. با توجه به وضعیت اقلیمی پیست‌های اسکی در مقیاس‌های مختلف برای ورزش زمستانی در منطقه فراهم شده است و هم چنین وجود یخچال‌های طبیعی را در منطقه ایجاد نموده است که از جاذبه‌های بسیار مهم در امر توریسم می‌باشد.

۵ـ غارها: از جمله غارچما که به صورت یخی می‌باشد و طول آن حدود ۱۲۰۰ متر است.

۶ـ چشمه سار زیبای منطقه: از جمله چشمه‌ی بسیار زیبا و دیدنی کوهرنگ که سرچشمه‌ی اصلی رود زاینده رود می‌باشد و دیگری چشمه دیمه و آب معدنی جنب آن می‌باشد که عامل بسیار مهم در جذب توریست می‌باشد به غیر از چشمه‌ی دیمه در منطقه‌ی کوهرنگ چشمه‌ی ماربره نیز وجود که در امر توریسم پذیری می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید. به طور کلی در منطقه‌ی کوهرنگ آب‌های زیر زمینی عمدتاً به شکل چشمه‌های جوشان از زیر زمین می‌جوشند این چشمه‌ها به طور طبیعی از زیر زمین جوشیده ونواحی اطراف خود را سیراب می‌نمایند و یا به صورت مصرف عشایر منطقه و یا روستا استفاده می‌شود که مهم‌ترین این چشمه‌ها همان طور یکه نامبرده شد چشمه‌های کوهرنگ می‌باشد که سرچشمه‌ی زاینده رود می‌باشد و چشمه‌ی چپ که آب مصرفی کوهرنگ و قسمتی از کشاورزی کوهرنگ را تأمین می‌کند چشمه‌ی سرده در خود مرکز کوهرنگ که به مصرف کشاورزی می‌رسد و چندین چشمه کوچک دیگر...

۷ـ دشت لاله: در جای، جای این سرزمین دشت‌های زیادی را می‌توان دید که پر از لاله‌های بلند و واژگون است. هنوز هم این منطقه وسیع از نظر طبیعی منطقه‌ای بکر و تقریباً ناشناخته و از جمله‌ی آن‌ها دشت لاله (دارای لاله‌های واژگون) که در ۲۱ کیلومتری کوهرنگ واقع شده است.

۸ـ جاذبه‌های ناشی از احداث تونل‌های کوهرنگ: در حال حاضر در منطقه‌ی کوهرنگ برای انتقال آب سرچشمه‌های کارون به زاینده رود احداث شده است که منحصر به این منطقه می‌باشد. علی الخصوص تونل شماره‌ی (۱) که

دارای منظره‌ی بسیار زیبا و بدیع می‌باشد.
۹ـ پیست‌های اسکی: پیست‌های اسکی در مقیاس‌های مختلف برای ورزش‌های زمستانی.
۱۰ـ بازارهای عشایری: در دوره‌ی ییلاق داد و ستد عشایری در بازارهای این منطقه بسیار جذاب و دیدنی می‌باشد. چلگرد در کنار زردکوه یکی از زیباترین مناطق چهارمحال بختیاری است که در فصل سرد زمستان مناسب‌ترین محل را برای دوستداران اسکی و ورزش‌های زمستانی فراهم می‌کند و در تابستان بازار آن بسیار دیدنی و خالی از لطف نیست.
۱۱ـ مشاهده‌ی زندگی عشایر: در پهنه‌ی ایران جوامعی زندگی می‌کند که از نظر اقتصاد غالب معیشتی به سه دسته «شهرنشین»، «روستانشین» و «کوچنده» (عشایری) تقسیم می‌شوند دو دسته اول که در تمام کشورهای جهان دیده می‌شود ولی رد پای تاریخی دسته‌ی سوم که اقتصاد غالب آن بر فرآورده‌های دامی استوار است. از آسیای وسطا تا خاورمیانه و هاله‌های اطراف آن گسترده است. این کوچندگان تا به امروز به جای مانده‌اند وتقویم زندگی آن‌ها بر کوچ سنتی استوار است.

کوچ سنتی عبارت است از جابجائی کوچنده‌ها با احشام و نیازهای اولیه و ابتدایی، زندگی در منطقه‌ی کوهرنگ به علت آب و هوای مطبوع در تابستان وجود مراتع خوب یکی از مناطق کوچ نشین ایران می‌باشد که می‌توان به راحتی زندگی این قشر را از نزدیک مشاهده نمود درنتیجه این منطقه می‌تواند به‌کانونی در این زمینه جهت جلب توریسم باشد.
۱۲ـ زندگی جانوری: خصوصیات اقلیمی و جغرافیائی منطقه‌ی همراه با کوهستانی بودن آن یکی از نقاط مستعد جهت زندگی جانوری می‌باشد. جانوران و پرندگان آن پلنگ ـ خرس قهوه‌ای ـ بزکوهی ـ قوچ ـ میش ـ گرگ ـ روباه ـ خرگوش ـ کبک دری ـ کبک، چیل ـ تیهو و مرغابی را میتوان نام برد.
۱۳ـ صنایع دستی: صنایع دستی عشایر میتواند نقش بسیار مهمی در جذب توریست در منطقه ایفا نماید.
اقتصاد: اقتصاد در منطقه‌ی کوهرنگ بر پایه‌ی دامداری است که عموماً این دام پس از بازگشت از قشلاق در بازار کوهرنگ به فروش می‌رسد که مقدار زیادی ازگوشت قرمز کشور را تأمین می‌کند و از طرف دیگر منابع آب در این منطقه به علت دارا بودن بهترین آب دنیا در صدد صدور به خارج از کشور می‌باشند. این آب که به نام آب معدنی دیمه معروف است در منطقه‌ی کوهرنگ واقع شده است.
راه‌ها در منطقه‌ی کوهرنگ: الف: راه آسفالته کوهرنگ به شهر کرد به طول ۸۵ کیلومتر که از شهرهای فارسان وبابا حیدر و سورشجان می‌گذرد.
ب: راه آسفالته کوهرنگ به دیمه و از آن جا به چادگان و فریدون شهر به طول ۸۵ کیلومتر.
ج: راه شوسه کوهرنگ به مسجد سلیمان به طول ۲۳۱ کیلومتر
د: راه شوسه آسفالته کوهرنگ به اردل به طول ۹۰ کیلومتر
هـ: راه‌های فرعی که در منطقه‌ی کوهرنگ بین دهات و روستاها واقع شده‌اند.
گردشگری: توریسم در جهان امروز به عنوان گردش‌های تفریحی و سازمان دادن رفت و آمد و دیدارها تلقی نمی‌شود. بلکه توریسم یک صنعت است همانند صنایع ابزار و لوازم صنعتی لازم

دارد. از سوی دیگر صنعت توریسم با صنایع، حرفه و پیشه‌های متعدد پیوسته است رشد تورست از یک جهت درگرو رشد آن‌ها است از طرف دیگر موجب رشد آن‌ها می‌شود. توریسم با علوم انسانی و رشته‌های متعدد آن مثل جامعه‌شناسی،زبان‌شناسی،قوم‌شناسی و هنرهای دستی و فرهنگ‌های ملل متعدد ارتباط مستقیم دارد. بنابراین توریسم همانند یک علم و یک فن و صنعت اصیل برای رشد و پیشرفت نیاز به تحقیق دارد. با توجه به این مسائل توریسم در کشورمان می‌تواند منبع سرشار ارزی و درآمد غیر نفتی به شمار آید از طرف دیگر هویت ملت ایران به ملت‌های دیگر شناسانده می‌شود و جهانگردان واقعیت‌های جامعه مان را به میان مردم خود ببرند.

حمیدرضا وارثی ـ مجله‌ی سپهر

پارک‌ها و مناطق حفاظت شده استان چهار محال بختیاری: این استان دارای پارک ملی به مساحت ۴۳۷۲ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۱۱۷۳۲۵، جمعاً به مساحت ۱۲۱۶۹۷ هکتار از مناطق چهارگانه‌ی یک پارک ملی، یک اثر طبیعی ملی، سه منطقه‌ی حفاظت شده، در مجموع پنج. ـ **پارک ملی تنگ صیاد** به مساحت ۲۲۸۹۶ هکتار، ـ **اثر طبیعی لاله‌ی واژگون** به مساحت ۳۸۰ هکتار که در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد. ـ **سبزکوه** به مساحت ۵۴۲۹۸ هکتار است که در ۱۳۶۹ تأسیس گردید. ـ **هلن** به مساحت ۴۰۱۳۱ هکتار است که در سال ۱۳۷۸ ایجاد گشت. در این استان ۳۰۷۰۰۰ هکتار جنگل و ۱۰۹۳۰۰۰ هکتار مرتع وجود دارد.

منطقه‌ی شکار ممنوع، شیدا: این منطقه با سیمای فیزیوگرافیک متنوع خود شرایط مساعدی برای حفظ و احیاء گونه‌های کوهزی نظیر بز و پازن و قوچ و میش دارد. وسعت آن ۱۰۸۰۰۰ هکتار و در شمال و شمال غربی شهرکرد قراردارد.

آداب و رسوم

مراسم عروسی در ایل بختیاری

«عروسی» نیز همچون سایر پدیده‌های اجتماعی در ایل بختیاری از ویژگی‌هائی برخوردار است. زیرا دلایل ازدواج و کیفیت و چگونگی آن با جوامع شهری و گاهی حتی روستائی متفاوت می‌باشد.

همکاری صمیمانه زن از لحظه‌ی ازدواج تا دم مرگ با همسر خود در امور مختلف زندگی و به ویژه‌ی نقش زن در «تولید» و کارکرد اقتصادی خانواده و هم چنین ایجاد پیوندهای مستحکم فامیلی و در نتیجه ایجاد تعادل در روابط سیاسی ـ اجتماعی، گزینش وی را به گونه‌ای ویژه می‌گرداند. بنابراین انتخاب همسر و شوهر تقریباً با نظر اطرافیان صورت می‌گیرد (البته باید توجه داشت که استثنائاتی نیز در این ارتباط به وجود آمده) و بندرت خواست طرفین ـ البته طی یک فرایندی خاص ـ عامل برخی از ازدواج‌ها می‌گردد، لازم به یادآوری است که ماجرای «ناف برون» نیز مؤید این نکته است که سرنوشت برخی از زن‌ها وشوهرها حتی قبل از تولد آنان توسط والدینشان تعیین می‌شود.

صرف نظر از موارد نادر و استثنائی، عروسی در ایل بختیاری مسیری زیبا و دیدنی را طی می‌کند.

طرح موضوع: پس از اظهار تمایل پسر برای ازدواج و یا متقاعد کردن وی توسط اطرافیان،

بزرگ‌ترها پا درمیانی کرده و تا آخرین مرحله نظارت بر چگونگی و اجرای مراسم را از نظر دور نمی‌دارند.

در اولین اقدام از طرف خانواده‌ی پسر اقدامات احتیاطی صورت می‌گیرد و از زن سالمند و مورد اطمینانی به نام «که خدادزه Kah xodadoze» می‌خواهند که نزد خانواده‌ی دختر رفته و با مادر دختر به طور محرمانه موضوع را در میان گذارد. در این موقع مادر نیز با شوخی و به شیوه‌های خاص از دختر نظر خواهی کرده تا درباره‌ی ازدواجش از حداقل رضایت او اطمینان حاصل نماید و در صورت مساعد بودن نظر دختر، مادر نیز ارزیابی‌های دیگر را انجام داده و موضوع را با پدر دختر در میان می‌گذارد. پدر دختر نیز به نوبه‌ی خود زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مادی این وصلت را سنجیده و به همسر خود نتیجه را اعلام می‌کند. مجموعه‌ی این حوادث در رفت و آمدهای مکرر «که خدادزه» اتفاق می‌افتد.

سرانجام در آخرین بار «که خدادزه» به طور علنی به خانه‌ی پدر عروس آینده رفته و می‌گوید که خانواده‌ی داماد و تنی چند از بزرگان و بستگان وی می‌خواهند به مهمانی شما بیایند. موافقت خانواده‌ی دختر نوعی موافقت اصولی با انجام این وصلت تلقی می‌شود، هر چند که خطر بر هم خوردن ازدواج تا لحظات آخر و به دلایل گوناگون برجای خود باقیست.

خواستگاری: در مراسم مهمانی پدر داماد و داماد و برادران و عموها و دایی‌ها و سایر بستگان نزدیک او می‌بایست حضور داشته باشند. حضور پدر داماد ضروری است و وجود داماد نیز به منظور ارزیابی‌های پدر و مادر و احتمالاً خود عروس لازم است.

پس از صرف غذا مسن‌ترین عضو خانواده‌ی داماد که بیشتر مورد احترام است لب به سخن می‌گشاید و با مقدمه‌ای غرض از مراسم مهمانی را مجدداً یادآور شده و با واژه‌های سنجیده و مناسبی خطاب به پدر عروس و اگر پدر نداشته باشد، برادر بزرگ او پیرامون خلق و خوی و شایستگی‌های داماد و خانواده‌ی او توضیحاتی داده و سپس می‌گوید آیا او را به غلامی یا نوکری قبول می‌کنید؟ در صورت موافقت از طرف خانواده‌ی عروس گفته می‌شود که: اختیار دارین! نور چشم است! برادر است!

خودتان صاحب اختیارید! و مجلس اظهار شادمانی می‌کند و با شیرینی و چای از مجلس پذیرائی می‌شود و همه سعی می‌کنند که جریانات و حوادث خنده دار و شیرین بیان کنند تا سایرین را بخندانند! بعضی‌ها نیز خود را به داماد می‌رسانند و زیر گوش وی شوخی‌هایی را طرح می‌کنند و از این لحظه داماد را «شادوا Sa duva» صدا می‌زنند.

در همین اثناء زنان که در اتاق و چادر مجاور هستند از جریانات با خبر می‌شوند و آن‌ها نیز با کل زدن اظهار شادمانی می‌کنند و از این لحظه عروس را «بی عروس» یعنی «بی بی عروس» صدا می‌زنند.

گاهی در مراسم مهمانی پس از شنیدن جواب مثبت، موضوع «کاغذگرون» مطرح می‌شود. یعنی صورت مجلسی گرفته شده و ماجرا بر روی کاغذ آورده می‌شود. شیربها و مهریه را مشخص می‌کنند و گاهی نیز فقط بر روی کاغذ چنین آورده می‌شود که، در حضور مهمانان با عروسی دختر و پسر موافقت شده است و حضار امضاء می‌کنند و

بقیه‌ی مراسم به جلسات بعد موکول می‌شود.

در صورتی که درهمین جلسه «چند و چون» قضیه بخواهد روشن شود، مسئله خودی بودن و غریبه بودن (برون طایفه‌ای یا درون طایفه‌ای بودن) و مسائل خانوادگی مربوط به خانواده‌ی داماد و مسائلی نظیر این‌ها در نظر گرفته می‌شود و پس از حل این قضایا چگونگی اجرای مراسم مورد نظر خواهد بود.

پس از این مرحله داماد بر اساس یک سنت قدیمی ماجرا را به اطلاع فامیل و بستگان خود می‌رساند و آن‌ها نیز به فراخور حال خود پول، گوسفند، هیزم، قند، چای، روغن و به وی هدیه می‌دهند تا داماد با آن وسایل بساط عروسی را پهن نماید. این مراسم را «اوزی گشتن دوا (uzy gastan dova)» می‌گویند.

مراسم عروسی کنون: یک روز قبل از دعوت مدعوین، خانواده‌ی داماد وسائل مورد نیاز جشن عروسی از هیزم گرفته تا گوسفند و غیره را تهیه کرده و به خانه‌ی عروس می‌برند. این وسایل را مجموعاً باروباروزی (baro baruzy) می‌نامند. هنگام بردن این وسایل سروده‌های شاد محلی خوانده و مرتب (کل و گاله) می‌زنند.

به دنبال فراهم شدن مقدمات برگزاری مراسم، نوبت به خبر کردن «توشمال» می‌رسد. با اولین نوائی که از سر نای توشمال به گوش می‌رسد، بچه‌ها فوراً جمع شده و با نواختن خسرو و شیرین که معمولاً توشمال جهت آگاهی برای شروع مراسم می‌نوازد، زن و مرد، دختر و پسر، دسته دسته سر می‌رسند و دایره وارگرد هم جمع می‌شوند و شروع به رقص‌های محلی با نت‌های متفاوت می‌نمایند.

زنان و دختران لباس‌ها و زیورآلات و عطرهایشان را که مدت‌ها در چمدان‌ها به انتظار چنین روزی نگهداری کرده بودند، به تن کرده و وارد مراسم می‌شوند. لباس‌های صورتی، سبز، آبی و قرمز و دستمال‌ها و «می‌نا»های رنگارنگ و شلوارها و دامن‌های چین دار، دایره‌ی شادی را بسیار زیباتر می‌کنند. مردان نیز شال و قبا کرده و شلوارهای دبیت و کلاه‌های سیاه نوکه آن را کج گذاشته و اصطلاحاً به آن درجه‌ی ۸۰ می‌گویند و چوقا و شال سفید و پاپیچ وگیوه‌ی ملکی مجهز و آماده، خندان و شاداب دستمال به دست وارد حلقه‌ی رقص می‌شوند.

رقص‌ها به طورکلی بر دو نوعند: ۱ـ دستمال بازی، ۲ـ ترکه بازی یا چوب بازی، دستمال بازی نیز خود شامل عروس بازی، سرباز بازی (نظام بازی)، مجسمه و... می‌شود.

شرح یک رقص: یکی از انواع رقص‌ها «چوب بازی» یا «ترکه بازی» است که مخصوص مردان است و همان طورکه قبلاً ذکر شد جوانان آماده از هر سو گرد آمده تا با یکدیگر مبارزه کنند و در مراسمی شاد شرکت نمایند. رقص خشن، پر اضطراب و در عین حال برای بازیگران و حتی تماشاچیان سرشار از نشاط و شادابی و هیجان است.

در حالی که علاقه‌مندان و منتظران نوبت شرکت در بازی دایره وار ایستاده‌اند. دو نفر بازیگر که غالباً افرادی ماهر می‌باشند، برای گرم کردن مجلس واردگود می‌شوند. یک نفر مهاجم و نفر دیگر مدافع. مهاجم چوبی را که از درخت انار یا بید یا توت یا غیره است و ممکن است از شب قبل برای جلوگیری از شکسته شدن در آب خیسانده شود، بدست دارد و مدافع چوبی محکم و بلند را که به آن «درک darak» گفته می‌شود بدست

می‌گیرد و اجازه‌ی استفاده از دست دیگرش را نیز برای مهار کردن حمله حریف دارد.

مانور آغاز می‌شود و دو حریف که جز شرکت در یک مراسم شاد و رقص هدفی دیگر ندارند، به جان یکدیگر می‌افتند! و سعی می‌کنند از کوچک‌ترین فرصتی برای ضربه زدن به پای یکدیگر استفاده نمایند. در مقررات بازی اجازه داده نمی‌شود که از زانو به بالا ضربه وارد شود و بازیگر ماهر قصدش ضربه زدن به «قوزک پا»ی حریف است چه در آن صورت است که خون فوران خواهد زد! و تماشاچیان به وجد آمده و غرور بازیگر ارضاء می‌شود!

به هر حال ممکن است حمله چند بار تکرار شود ولی ضربه تا وقت مناسب وارد نشود و با فریادهای‌های و هوی و نگاه کردن در چشمان یکدیگر و تکان دادن دست دیگر به جای دستی که آماده‌ی ضربه زدن است، برای اغفال حریف برای این که چوب و درک را که باید در دفاع از خود استفاده کند به کنار زده و وی بتواند ضربه‌ی خود را وارد نماید. پس از وارد نمودن ضربه چوب‌ها عوض می‌شود. کسی که ترکه را در دست داشت آن را به حریف داده و درک را از وی می‌گیرد.

اگر ضربه حریف را مهار کرده باشد، چوب را در دست می‌چرخاند و کلاه خود را جابجا کرده و تلاش زیادی در تخریب روحیه‌ی حریف یا حریف بعدی به کار می‌برد و همان عملیاتی راکه قبلاً شرح دادیم دوباره تکرار می‌گردد ولی تکلیف درک معلوم نیست. اگر حریف ضربه‌ی سختی خورده باشد، چه برای نجات وی از مهلکه و چه گاهی جهت انتقام‌جوئی بازیگر ماهر دیگری درک را برمی دارد و دیگر اجازه‌ی ادامه‌ی بازی را به بازیگر ضربه خورده نمی‌دهد تا وی محترمانه از بازی بیرون رفته و به ترمیم خود بپردازد.

گاهی برای برداشتن درک درگیری و کشمکش و جدالی برپا می‌شود. به هر حال این رقص خشن ممکن است ساعت‌ها ادامه یابد.

سایر ماجراها: مراسم توشمال بستگی به وضعیت اقتصادی خانواده‌ی داماد دارد و از دو ساعت برای طبقات فرودست تا هفت شبانه روز برای متمولان متفاوت است. ضمناً در طول مراسم گاهی عروس خانم را نیز اطرافیان جهت دیدن مراسم همراهی می‌نمایند و نیز «شادوا» اغلب توسط بستگانش به رقص و به ویژه ترکه بازی دعوت می‌شود.

معمولاً در ایل بختیاری به خاطر جلوگیری از خرج‌های مکرر عروسی را (یه آش یه کاسه) ya as ya kaseha می‌کنند و عقد و عروسی را یکجا انجام می‌دهند. به همین مناسبت در صورتی که عاقدی جهت عقد وجود داشته باشد، به مراسم آمده و صیغه‌ی عقد را می‌خواند و پس از آن عروس را به خانه‌ی داماد می‌برند گاهی عروس و داماد و بستگان آن‌ها قبل از فرا رسیدن روز آخر مراسم خود به شهر می‌روند و عقد می‌نمایند و مجدداً به ایل باز می‌گردند، ولی اغلب عاقد را به عروسی دعوت کرده و او را پس از اجرای مراسم به خانه‌اش باز می‌گردانند.

به هر حال روز بردن عروس روز اوج مراسم است. پس از صرف غذا و انجام رقص و آواز، داماد باید اجازه‌ی بردن عروس را که غرق در لباس‌های محلی با رنگ‌های شاد است از ولی او اخذ نماید و به همین دلیل مناسبت می‌بایست با صدای بلند طوری که سایرین بشنوند به ولی او بگوید:

اجازه می‌فرمائید تا عروس را حرکت دهیم؟ و پس از اخذ مجوز یکی از بستگان عروس نیز کمر او را با پارچه‌ای که در آن نبات و یا قند گذاشته می‌شود می‌بندد تا شاد کام گردد. و سپس داماد افسار اسبی زیبا و آذین شده را گرفته و قلاب می‌گیرد تا عروس سوار بر اسب شود و سپس او را به دور اجاق پدر عروس گردانده و پسری خردسال را بر پشت و یا بغل او می‌گذارند تا در زایمان اول پسری بزاید.

مادر و سایر بستگان عروس در میان کل زدن‌ها و سر و صداهای اطرافیان اغلب اشک می‌ریزند.

سپس داماد عروس را سوار بر اسب کرده و در میان هلهله و پایکوبی به سمت خانه‌ی خود روانه می‌شود و در بین راه در مکانی مناسب مسابقه‌ی اسب دوانی شروع می‌شود. با رسیدن عروس به محل زندگی داماد، همراهان با هم دم می‌گیرند که: هی بردیمس، هی بردیمس، دست دوما سپردیمس.

یعنی: هی! عروس را بردیم، هی عروس را بردیم، او را دست داماد سپردیم.

و پس از پیاده شدن از اسب گوسفندی راکشته و عروس روی خون آن پا گذاشته وارد خانه می‌شود و یک انگشت از خون گوسفند را بر پیشانی عروس و داماد می‌مالند تا از چشم زخم در امان باشند.

همراهان دائم صلوات می‌فرستند و شادی می‌کنند و اسپند دود می‌کنند و همچنان آب و آینه بر در می‌گذارند تا عروس در آن پا گذاشته و به چادر و یا خانه‌ی داماد وارد شود. پس از استقرار عروس اطرافیان هرکدام به فراخور حالشان مبلغی پول را جهت «روگشونی rugosoni» به عروس می‌دهند، که تقریباً همان «کادوئی» است که در شهر به عروس و داماد داده می‌شود و عروس نیز به نوبه‌ی خود به اطرافیان دستمال و جوراب و لچک برای آن‌ها می‌فرستند. سپس اطرافیان از داماد و بستگان او خداحافظی کرده و تبریک و شادباش گویان به خانه‌های خود باز می‌گردند. ولی بستگان نزدیک هم چنان باقی می‌مانند تا از گوشت گوسفند ذبح شده نیز نصیبی ببرند. مراسم شب «زفاف» در بین بختیاری‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

پس از سه روز خانواده‌ی دختر، عروس و داماد را دعوت می‌کنند که به آن «پانگونی» یا «پاگشونی» (paneguni یا pagosuni) گفته می‌شود. یعنی پای عروس و داماد را به خانه‌ی خود باز می‌کنند و هدیه‌ای را نیز برای عروس خریداری و به او می‌دهند. و پس از آن سایر بستگان عروس نیز او را به خانه‌ی خود دعوت می‌نمایند و مراسم عروسی به پایان رسیده و زندگی مشترک دختر و پسری جوان و ایلیاتی رو به آرامش می‌گذارد. هر چند که حوادث عروسی از قبیل کم بودن غذا، نرسیدن غذا، کم توجهی‌های احتمالی، دعوت ننمودن و یا فراموش کردن برخی از افراد جهت شرکت در مراسم و سایر مسائل تا سال‌ها تحت عنوان «گله‌گمنه gelay gemne» دوام می‌یابند و موجبات «گلایه» را همواره فراهم می‌سازند. ـ کیانوش کیانی هفت لنگ

● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان چهار محال بختیاری.

جمع (۴۹۰۷۸).

۱ـ ایل بختیاری (۲۷۱۷۲)، ۲ـ ایل بویر احمد ـ سفلی (۳۸۸۳)، ۳ـ ایل جرقویه (۵۷۴)، ۴ـ ایل

قشقائی (۱۷۴۴۹)،

● جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان چهار محال بختیاری.

جمع (۳۲۲۰۹۶)، ۱ـ ایل بختیاری (۱۸۱۵۰۵)، ۲ـ ایل بویر احمد ـ سفلی (۲۶۴۳۸)، ۳ـ ایل جرقویه (۳۱۷۸)، ۴ـ ایل قشقائی (۱۱۰۹۷۵).

● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان

استان چهار محال بختیاری: (۱۹۵۶۱) خانوار و (۱۳۲۳۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱) خانوار و (۵۰۸۴۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. شهرستان اردل: (۳۲۶۴) خانوار و (۲۳۱۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۲۱) خانوار و (۵۴۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۳۲۶۴) خانوار و (۲۳۱۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۲۱) خانوار و (۵۴۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بروجن: (۶۸۷) خانوار و (۴۲۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۹) خانوار و (۳۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۱۹۹) خانوار و (۱۳۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۹) خانوار و (۳۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۳۲۰) خانوار و (۱۷۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۱۶۸) خانوار و (۱۱۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شهرکرد: (۱۶۰) خانوار و (۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۱۶۰) خانوار و (۱۱۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان فارسان: (۸۸۵۷) خانوار و (۶۱۹۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۹۹) خانوار و (۳۴۴۸۰ نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۸۸۵۷) خانوار و (۶۱۸۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۹۹) خانوار و (۳۴۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان لردگان: (۶۵۹۳) خانوار و (۴۱۸۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵۵۸) خانوار و (۴۱۶۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۶۵۶۵) خانوار و (۴۱۶۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۵۵۸) خانوار و (۴۱۶۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۲۸) خانوار و (۱۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

برآورد سطح ،تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی چهارمحال و بختیاری

غلات هکتار/ تن (گندم ۶۶۷۵۱، ۱۴۶۸۰۱- جو۲۰۳۰۶، ۳۲۵۷۵- شلتوک ۴۴۸۲، ۱۹۶۳۰)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۲۱۸، ۱۲۳۸- لوبیا ۷۰۹۰، ۱۷۶۵۶- عدس ۲۷۹۱، ۳۳۲۱)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (چغندر قند ۳۲۷۱، ۱۰۲۱۴۴-کلزا ۳۴۷، ۴۱۱)

سبزیجات هکتار/تن (سیب زمینی ۴۹۲۴، ۱۴۸۶۸۰- پیاز ۲، ۱۰۰-گوجه فرنگی ۵۸، ۲۹۰۰)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (یونجه ۱۶۵۴۰،

۱۵۴۱۴۴- شبدر ۶۴۷۵، ۱۴۶۸۷۴)

محصولات: میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: سماق. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، زیتون. توت نوغان، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۱/۱۵ درصد رتبه ۲۱ - مقدار تولید غلات ۱۹۹۰۰۷ تن رتبه ۲۳ - مقدار تولید حبوبات ۲۲۳۶۶ تن رتبه ۱۱ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۱۰۲۶۴۶ تن رتبه ۱۴ - مقدار تولید سبزیجات ۱۵۱۷۰۰ تن رتبه ۲۴ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۱۶۵۷۱ تن رتبه ۲۹ - تولید علوفه ۳۷۰۶۲۴ تن رتبه ۱۳ - مقدار تولید محصولات باغی ۱۲۵۴۰۵ رتبه ۲۶

وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی: ۱۳۷۳۹۰۰ شاخه گل ۱۶۶۰۰ گلدان ۸۶۶۵۰۰ اصله تولید زعفران ۱۲۰۵ کیلو -گیاهان داروئی ۹۲۰ کیلو - تولید عسل ۷۰۰۶۲۶ کیلو - جمع کل سطوح منابع طبیعی ۱۳۶۳۴۸۳ هکتار.

محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۳۳۳ واحد)، ساخت منسوجات (۱۱۱ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۴۸ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۵۱ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۱۶ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۱۱۴ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۷۲ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۹۸ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۵۹ واحد).

معادن فعال: در سال ۱۳۸۲ تعداد ۴۴ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- سنگ، شن و ماسه (۴۴)، ۲- شن و ماسه (۴)، ۳- سنگ تزئینی (۱۶)، ۴- سنگ لاشه (۲۱)، ۵- سنگ گچ (۲)، ۶- کائولن، خاک نسوز و... (۱).

در استان چهار محال و بختیاری در سال ۱۳۸۲ میزان بهره‌برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سایر مرمریت کوپ ۲۸۰۲۷۵ تن ۲- لاشه ی ساختمانی ۱۵۷۹۹۰۵ تن

صنایع: کشتارگاه صنعتی طیور (۱)، شیر پاستوریزه (۲)، ماست پاستوریزه (۳)، آرد غلات (۳)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۸)، شکر از چغندر قند (۱)، بسته بندی شکر (۱)، قند از شکر (۱)، ماکارونی (۵)، انواع رب گوجه فرنگی (۲)، نمک طعام (۱)، رنگرزی خامه‌ی قالی (۱)، انواع قیر (۱)، قیر سفت (۱).

صنایع دستی استان چهارمحال و بختیاری: نمدمالی، گیوه‌دوزی، کلاه‌نمدی، چوقابافی، گلیم‌بافی، بافت سیاه چادر، قالیبافی، سوزندوزی، قفل و ادوات، سفالگری، مرمت و تکمیل فرش، تذهیب، قلمزنی، پشتی محلی، مکرومه‌بافی، گبه‌بافی، مجسمه‌سازی، دوخت سنتی، جاجیم‌بافی، کارت‌بافی، منبت، قلمکار

سوغات چهارمحال و بختیاری

خوراکیها: انگور، قارابشکن، قارچ، گز، انواع پولک، عسل زردکوه، نبات، کرفس، فرآورده‌های شیری، بلوط، نان محلی، گردو

پوشاک: شلوار کُردی، گیوه، کلاه‌نمدی محلی، پوشاکهای زنانه محلی، سرانداز

وسائل زندگی: گلیم، قالی، جاجیم، زیرمنقلی، توبره، بقچه سوزن‌دوزی، نمد، کیسه حمام،

گلاب‌پاش، گلدان، آجیل‌خوری، انواع تنگ بلور،لیوان، نمکدان، سفیداب

فرهنگی ـ دانشگاهی

دانشگاه شهرکرد: در سال ۱۳۵۶ با عنوان دانشکده دامپزشکی شهرکرد با پذیرش ۲۰ نفر دانشجو در رشته دامپروری فعالیت خود را شروع کرد. در بهمن ماه سال ۱۳۵۶، ۵۰۰ نفر دانشجو در رشته‌ی زراعت و دامپروری به جمع دانشجویان قبلی آن اضافه گردید و به همین ترتیب تا سال ۱۳۵۸ به فعالیت خود به عنوان مؤسسه‌ی آموزشی وابسته به دانشگاه اصفهان ادامه داد. در هنگام بازگشائی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲ به آموزشکده کشاورزی شهرکرد تبدیل شد و زیر نظر دانشگاه صنعتی اصفهان فعالیت داشت تا این که در بهمن ماه سال ۱۳۶۷ به محتمع آموزش عالی شهرکرد زیر نظر دانشگاه صنعتی اصفهان تبدیل و سپس در سال ۱۳۷۰ مستقل و فعالیت آن با رشد و توسعه‌ی قابل ملاحظه‌ای به عنوان دانشگاه شهرکرد تداوم یافت ـ دولتی

آثار ثبت شده استان چهار محال و بختیاری

تپه اسکندری و تپه‌های‌اطراف - پیش از تاریخ
تپه شهر کهنه -پیش از تاریخ - شهرکرد
تپه قلعه کهنه - پیش از تاریخ واسلامی - شهرکرد
مسجد اتابکان - اتابکان - شهرکرد
مسجد جامع فرخ شهر - اواخر صفویه - شهرکرد
خانه اسد بختیاری - پهلوی اول - شهر کرد
مسجد خان - قاجاریه - شهر کرد
قلعه جونقان - اواخر قرن ۱۳ ه.ق - جونقان
قلعه دزدک - قاجاریه - شهر کرد
پل زمانخان - (صفویه - قاجاریه) - شهرکرد
خانه آزاده - قاجاریه - شهرکرد
مسجد جامع چالشتر - قاجاریه - شهرکرد
قلعه سورک - اواخر قاجار - شهرکرد
مسجد جامع محب علی بیگ - افشاریه -کیان
قلعه چالشتر - قاجاریه - شهرکرد
حمام پرهیزگار - قاجاریه - شهرکرد
سقاخانه حضرت ابوالفضل - قاجاریه - شهرکرد
کتیبه‌های مشروطیت پیر غار - قاجاریه - فارسان
اطاق آئینه شهرکرد - قاجاریه - شهرکرد
عصار خانه حاج حسین صالحی - معاصر - فرخشهر
قلعه یوسف خان امیر مجاهد - قاجاریه - شهرکرد
کاروانسرای اللّه آباد ساغند - صفویه
بنای تاق سنگی خان اوی (جونقان) - ایلخانی - فارسان
امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون - قاجاریه - شهرکرد
آسیاب آبی پل زمان خان - قاجاریه - سامان
حمامین درب امامزاده - قاجاریه - شهرکرد
قلعه چالشتر - شهرکرد
محوطه دشت آباد لردگان -(ایلخانی-تیموریان)- لردگان
بردگوری دزداران ۱ - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری دزداران ۲ـ تاریخی -کوهرنگ
بردگوری دزداران ۳ـ تاریخی - فارسان
بردگوری دزداران ۷ - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری دزداران ۸تا۱۱ - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری دزداران ۱۲و۱۳ - تاریخی - فارسان
بردگوری دزداران ۱۴و۱۵ - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری امیرآباد ۱و۲ - تاریخی - فارسان
بردگوری کوفی ۱ - تاریخی - فارسان

بردگوری کوفی ۲ - تاریخی - فارسان
بردگوری بهمن آباد ۱تا۵ تاریخی - فارسان
بردگوری بهمن آباد ۶ - تاریخی - فارسان
بردگوری آلیکوه ۱و۲ - تاریخی - اردل
بردگوری آلیکوه ۳ - تاریخی - اردل
بردگوری کاج ۱ - تاریخی - اردل
بردگوری کاج ۲ - تاریخی - اردل
بردگوری کاج ۳ - تاریخی - اردل
بردگوری کاج ۴ - تاریخی - اردل
بردگوری سرپیر ۱تا۵ - تاریخی - اردل
بردگوری سرپیر ۶ - تاریخی - اردل
بردگوری دشتک - تاریخی - اردل
بردگوری زرمیتان - تاریخی - اردل
بردگوری چهراز - تاریخی - اردل
بردگوری بهشت آباد - تاریخی - اردل
پل خراجی - قاجاریه - شهرکرد
برج و باروی قلعه چالشتر - قاجاریه - شهرکرد
حمام مکتب خانه بروجن - قاجاریه - بروجن
مسجد جامع نقنه - تیموریان - بروجن
پل تاریخی مصلی - قاجاریه - بروجن
برج و باروی قلعه چالشتر - اسلامی- روستای طرق رود
مسجد حاج شیخ علی - قاجاریه - بروجن
مجموعه خان حفیظی - اواخر قاجار - بروجن
گورستان ارامنه شرق قلعه ممکا - قاجاریه - شهرکرد
گورستان ارامنه گشنیزجان - قاجاریه - شهرکرد
گورستان ارامنه گلو گرد - (صفویه - قاجاریه) - بروجن
گورستان ارامنه غرب آقبلاغ - اواخر قاجار - بروجن
گورستان ارامنه وستگان - (صفویه - قاجاریه) - بروجن
گورستان ارامنه شمال‌آقبلاغ -(صفویه-قاجاریه)-بروجن
گورستان ارامنه بلداجی - قاجاریه - بلداجی
گورستان ارامنه ماموره - (۱۹۸۰-۱۸۷۰ م) - بروجن
گورستان ارامنه لیواسگان - (۱۸۵۳ - ۱۸۸۳ م) - بروجن
گورستان ارامنه سناجان - ۱۸۸۰ م - بروجن
گورستان ارامنه گوشکی - (صفویه - قاجاریه) - لردگان
گورستان سینی - صفویه - لردگان
بردگوری چری ۱ - (هخامنشی - سلوکی) - فارسان
امامزاده سید سعیدچلیچه-(صفویه -قاجاریه)- فارسان
پل بهشت آباد - صفویه - اردل
امامزاده حلیمه خاتون سرپیر-(صفویه- قاجاریه)- اردل
سنگ نبشته پل مروارید - صفویه - اردل
گورستان آبسرده - (صفویه - قاجاریه) - اردل
بردگوری شلیل علیا ۱ - هزاره ۱ ق.م - اردل
بردگوری شلیل علیا ۲ - (هخامنشی - سلوکی) - اردل
بردگوری تنگ شلیل - (هخامنشی - سلوکی) - اردل
بردگوری ده کهنه - (هخامنشی - سلوکی) - اردل
بردگوری سرخون قیصری (هخامنشی-سلوکی)- اردل
بردگوری دهنو - (هخامنشی - سلوکی) - اردل
بردگوری شلیل سفلی - (هخامنشی - سلوکی) - اردل

امامزاده بابا پیر احمد بن - (صفویه - قاجاریه) - بن
کـتیبه گـر نـوشته هـفشجان - هـزاره ۴ ق.م - هفشجان
سنگ نبشته رخ - صفویه - فرخ شهر
گورستان گهرو - صفویه -گهرو
گورستان ارامنه شمال قلعه ممکا - قـاجاریه - شهرکرد
گورستان هفشجان - صفویه به بعد - هفشجان
گورستان ارامنه حاجی آباد - قاجاریه - شهرکرد
گورستان سرتشنیز - قاجاریه - شهرکرد
گورستان ارامنه سپرک - قاجاریه - شهرکرد
کلیسای ارامنه معموره - قاجاریه - بروجن
تپه پوزه و محوطه مجاور - پـیش از تـاریخ - بروجن
تپه بیژگرد ۱و محوطه مجاور - اسلامی - بروجن
مجموعه کهنه ارگ - تاریخی - بروجن
تپه محمد مراد - تاریخی - بروجن
تل مزاری و محوطه مجاور-تاریخی- بروجن
تپه علی شاملو - اسلامی - بروجن
تپه محمدی - تاریخی - بروجن
تپه بیژگرد ۲ - پیش از تاریخ - بروجن
گورستان گندمان - صفویه (به بعد) -گندمان
گورستان مورچگان - صفویه - بروجن
گورستان نقنه - (صـفویه افشـاریه قـاجاریه) - بروجن
گورستان فراد نبه - صفویه (به بعد) - فراد نبه
گورستان ارامنه کنرک علیا - قاجاریه - بروجن
گورستان کردشامی - صفویه - بروجن
حمام بلداجی - قاجاریه - بلداجی
بردگوری تنگ قرات ۴و۵ - تاریخی اردل
بردگوری تنگ قراب ۳ - تاریخی - اردل
بردگوری سرمور - تاریخی - اردل
بردگوری‌های تنگ لشتر - تاریخی - اردل
گورستان لشتر - صفوی تا قاجار - اردل
بردگوری‌های تنگ قراب ۶ و ۷ - تاریخی - اردل
بردگوری‌های تنگ قراب ۱ و ۲ - تاریخی - اردل
بردگوری‌های گردنه سیلا سیلا - تاریخی - اردل
مجموعه بـردگوری‌های لاخشک - تـاریخی - اردل
بردگوری لشتر ۱ - تاریخی - اردل
تپه چگا دیناران - هزاره ۱ ق.م - اردل
بردگوریهای چـال گـوری ۱ تـا ۳ - تـاریخی - کوهرنگ
برد گوری سرتنگ مسن ۱ - تاریخی - لردگان
گورستان و امامزاده بوگر - (صفویه - قاجاریه) - لردگان
کاروانسرای قلعه مدرسه - ایلخانی - لردگان
قلعه چهار طاقی منج - ایلخانی - لردگان
حمام اردل - قاجاریه - اردل
قلعه اردل - قاجاریه - اردل
حمام ناغان - قاجاریه - ناغان
تکیه بختیاری‌ها - قاجاریه - اردل
بازارچه لحاف دوزان - قاجاریه - شهر کرد
پل کنرک - قاجاریه - بروجن
غسالخانه و مسجد ابوذر - قاجاریه - بلداجی
قنات ارمنی ماموره - قاجاریه - بروجن
گورستان سناجان - صفویه - بروجن
مسجد امام خمینی - اواخر قاجار - بلداجی
قنات خانی ماموره - قاجاریه - بروجن
سنگ نبشته تلخه دان - قاجاریه -کوهرنگ
قنات دره برجی - قاجاریه - سورشجان
گورستان خدرآباد-اواخر صفویه-اواخر قاجار- بروجن

بردگوری سرتنگ مسن ۲ - تاریخی - لردگان
گورستان و امامزاده کران - صفویه - فارسان
بردگوری گوذلک - تاریخی - اردل
قنات بالا قلعه ممکا - قاجاریه - شهرکرد
قنات پایین قلعه ممکا - قاجاریه - شهرکرد
حجاری صخره‌ای گهرو - ساسانی -گهرو
بردگوری تشنوی - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری تلخه دان ۱ - تاریخی -کوهرنگ
بردگوری تلخه دان ۴-۳-۲ - تاریخی -کوهرنگ
گورستان دهنو سفلی - قاجاریه -کوهرنگ
بردگوری ترکی - تاریخی -کوهرنگ
قلعه هوره - قاجاریه - شهرکرد

فهرست آثار تاریخی استان چهارمحال و بختیاری در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۳۱۱ واحد می‌باشد. - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

موزه‌ی تاریخی طبیعی شهر کرد: در ۱۳۶۴ در ساختمان جدید التأسیس سازمان محیط زیست نمایشگاهی دائمی برپا گردید. این نمایشگاه بر پایه‌ی گونه‌های مختلف گیاهان، جانوران، پرندگان، فسیل‌ها تشکیل گشته است.

هلن:این منطقه با مساحت ۱۴۱۳۱ هکتار در سال ۱۳۷۸ حفاظت شده اعلام شد. منطقه‌ای است جنگلی کوهستانی با دره‌های عمیق و پرآب در استان چهارمحال و بختیاری. رودخانه کارون مرز شمالی و شرق منطقه را تشکیل می‌دهد. دامنه ارتفاعی ۱۱۰۰ تا ۳۲۰۰ متر - دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۵ درجه سانتیگراد و ۵۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه مرطوب و مرطوب معتدل نموده‌اند. گونه غالب جنگل‌های هلن، بلوط ایرانی است. از دیگر گونه‌های مهم منطقه می‌توان بنه، انجیر وحشی، زبان گنجشک، گردو، بیدمشک، بید، گز، سنجد، بادام کوهی، انار، کلخنگ، زالزالک، گون، شن، کلاه میرحسن، برگ بویی و شکر تیغال رانام برد. گونه‌های جانوری عبارتند از سنجاب ایرانی، خرس قهوه‌ای، بز و پازن، شغال، گرگ، تشی، کفتار، پری شاهرخ، کبک، زاغ نوک زرد، دلیجه، چکاوک، دم جنبانک خاکستری، عقاب طلایی، سنگ چشم، سبز قبا، حواصیل، حواصیل خاکستری، کبک دری، سس ماهی، ماهی کپور، بزمجه، آگاما و افعی. چشم اندازهای بدیع، جنگل‌های زیبا، رودخانه‌های پرآب، آبشارهای متعدد، چشمه‌های فراوان و راه‌های دسترسی مناسب دارد. (۵)

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری چهارمحال و بختیاری: مرد: (۲۰۲۲۰۹ شهری، ۱۸۵۴۱۰ روستائی)، زن: (۱۹۹۸۴۱ شهری، ۱۸۴۱۲۸ روستائی).

جمعیت استان چهار محال و بختیاری

شهرستان اردل: تعداد خانوار ۱۴۴۷۴، جمعیت ۷۰۳۸۱، تعداد باسواد ۴۶۱۵۵، تعداد بیسواد ۱۵۲۵۹.

شهرستان بروجن: تعداد خانوار ۲۷۹۶۳، جمعیت ۱۱۵۲۸۶، تعداد باسواد ۸۷۶۵۸، تعداد بیسواد ۱۵۷۴۱.

شهرستان شهرکرد: تعداد خانوار ۹۱۲۷۳، جمعیت ۳۶۸۴۶۶، تعداد باسواد ۲۸۵۲۹۹، تعداد بیسواد ۴۴۴۹۷.

شهرستان فارسان: تعداد خانوار ۱۹۸۷۸، جمعیت ۹۰۹۸۰، تعداد باسواد ۶۸۹۰۱، تعداد بیسواد ۱۲۰۴۸.

شهرستان کوهرنگ: تعداد خانوار ۵۹۸۰، جمعیت

۳۵۵۲۰، تعداد باسواد ۲۰۱۰۵، تعداد بیسواد ۹۰۴۳.

شهرستان لردگان: تعداد خانوار ۳۴۶۰۳، جمعیت ۱۷۷۲۷۷، تعداد باسواد ۱۱۶۱۲۷، تعداد بیسواد ۳۷۶۲۰.

شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها

اردل: از شهرستان‌های استان چهار محال بختیاری است که از شمال به شهرکرد، از باختر به ایذه، از خاور به گندمان (از بخش‌های شهرستان بروجن) و از جنوب به شهرستان لردگان محدود است.

تقسیمات: مرکز این شهرستان شهر اردل، شهرستان اردل دارای دو بخش (۱ـ مرکزی دارای چهار دهستان، ۱ـناغان، ۳ـدیناران، ۴ـمشایخ ۵ـ پشتکوه) است. ۲ـ بخش میانکوه است. و دهستان‌های میانکوه: ۱ـ شلیل، ۲ـ میانکوه.

آب و هوا: معتدل مایل به سرد و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه‌ی گرما در زمستان‌ها هفت درجه زیر صفر است و میزان بارندگی اردل به طور متوسط ۵۰۰ میلی متر است.

رودها: ۱ـ شاخه‌ای از رود کارون از ۳ کیلومتری شهر اردل می‌گذرد. این رود که از زرد کوه بختیاری سرچشمه گرفته و در جهت شمال بجنوب در جریان می‌باشد، در باختر اردل به نام آب بهشت آباد است که برشته‌ی اصلی کارون می‌پیوندد. ۲ـ رود سبز کوه که از بلندی‌های سبز کوه روان و در ۱۵ کیلومتری جنوب خاوری مرکز بخش اردل سرچشمه گرفته از ۵ کیلومتری جنوب این شهر می‌گذرد و بر رود کارون می‌ریزد.

کوه‌ها: شهرستان اردل میان کوه‌های زاگرس که از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده، قرار دارد. ۱ـ کوه سوخته (۲۹۹۸ متر) در شمال خاوری مرکز شهرستان اردل، ۲ـکوه هزارگزی در ۵ کیلومتری شمال خاوری شهر اردل، ۳ـ کوه کرکره (بلندی ۳۰۱۲ متر) در خاور شهر اردل، ۴ـ کوه سالدارون (بلندی ۳۶۲۱ متر) در ۱۰ کیلومتری شمال باختری مرکز بخش اردل، ۵ـ سیاه کوه در ۵ کیلومتری جنوب خاوری مرکز شهرستان اردل، ۶ـکوه سرتنگ در ۱۰ کیلومتری جنوب مرکز بخش اردل، ۷ـ کوه هفت پیران در ۶ کیلومتری جنوب باختری شهر اردل، ۸ـکوه هفت چشمه (بلندی ۳۹۷۲ متر) در ۴۰ کیلومتری جنوب باختری شهر اردل، ۹ـ سبز کوه (بلندی ۳۵۲۷ متر) در ۴۰کیلومتری جنوب خاوری مرکز شهرستان اردل.

نژاد و زبان: آریانی نژادند و به زبان فارسی با گویش لری سخن می‌گویند. عشایر بخش اردل از ایل بزرگ بختیاری، شاخه هفت لنگ است.

رستنی‌ها: درختان زالزالک، بن، تاکه، گز، انجیر، بلوط، کاج و گیاهان داروئی و صنعتی: گل برنجاسف، گل گاو زبان، زاند، اندش، کنگر، و گون کتیرا پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها.

جانوران و پرندگان: گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز، گربه‌ی وحشی، قوچ، میش، بز کوهی، عقاب، کبک، انواع ماهی.

وضع اقتصادی: برکشاورزی، دامپروری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی به شیوه‌ی سنتی دیم و آبی انجام می‌شود.

منابع آب اصلی آبیاری کشاورزی رودها، چشمه‌ها و کاریز هاست. دامداری نیز به شیوه‌ی سنتی و با چرای دام‌ها در مراتع از جمله چراگاه دینارون در باختر شهر اردل انجام می‌گردد.

صنایع دستی: قالی، خرسک، گلیم، جاجیم و خورجین و چوقا درین سامان به وسیله زنان بافته می‌شود.

رود آب بهشت آباد از ۳ کیلومتری باختر شهر اردل می‌گذرد و کوه‌های سوخته، هزارگزی کرکره، سیاه کوه و هفت پیران در اطراف شهر قرار دارد.

(اردل) بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان اردل استان چهار محال بختیاری و مرکز آن شهر اردل و دارای ۴ دهستان (۱ـ پشتکوه، ۲ـ ناغان، ۳ـ دیناران، ۴ـ مشایخ) است.

اردل (مرکز بخش): در ۳۹ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیائی و درجه ... و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی، در ارتفاع ۱۸۰۰ متری از سطح دریا و مرکز بخش اردل از شهرستان بروجن از شهرستانهای استان چهار محال بختیاری و در فاصله ۸۶ کیلومتری بروجن و ۹۵ کیلومتری جنوب باختری شهرکرد و در مسیر جاده ارتباطی استان خوزستان به استان چهار محال بختیاری قرار دارد.

آب و هوا: معتدل مایل به سرد و خشک است و بیشترین درجه حرارت در تابستانها ۳۵ درجه و کمترین درجه حرارت در زمستانها ۷ درجه زیر صفر و میزان باران سالانه اردل به طور متوسط ۵۰۰ میلی متر می‌باشد.

اردل بواسطه خوشی آب و هوا از دیر باز مورد توجه خوانین بختیاری بود و ازینرو این منطقه را برای ییلاق خود برگزیدند.

ارمند: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن ارمند علیا است.

امامزاده حمزه علی: از دهستان‌های بخش بلداجی شهرستان بروجن استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن آفبلاغ است.

بارز: از دهستان‌های بخش منج شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکزش مدرسه است.

بازفت: از بخش‌های شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال بختیاری، مرکز آن چمن گلی، دارای دو دهستان: ۱ـ دهستان بازفت به مرکزیت چمن گلی، ۲ـ دهستان دوآب به مرکزیت صمصامی است.

بروجن بخش مرکزی: از بخش‌های شهرستان بروجن استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن شهر بروجن و دارای یک دهستان (حومه) است.

بروجن (شهرستان): از شهرستان‌های استان چهار محال بختیاری است که از شمال به شهرستان شهرکرد، از جنوب و جنوب باختر به استان کهگیلویه و بویر احمد (شهرستان یاسوج)، از شمال باختری به شهرستان ایذه استان خوزستان و از خاور به شهرستان‌های شهرضا و سمیرم استان اصفهان محدود است:

کوه‌ها: ۱ـ رشته‌کوه برآفتاب (بلندی ۳۰۲۸ متر در باختر) ۲ـ کوه گندمان (بلندی ۳۱۲۱ متر)، ۳ـ کوه سیاه (بلندی ۲۸۳۱ متر) در جنوب، ۴ـ کوه عبدالنبی (بلندی ۲۷۰۲ متر) در جنوب خاوری، ۵ـ کوه قلدرزی (بلندی ۲۷۶۱ متر).

در ۱۰ کیلومتری جنوب باختری بروجن دشت پهناور دشت حلوائی و در باختر دشت سفید قرار دارند. کشت زارها و مراتع در این دشت‌ها دامن گسترده‌اند و در ۳۶ کیلومتری جنوب باختری بروجن بیشه‌ای به نام بیشه چغاخور که رود چغاخور از این جا سرچشمه می‌گیرد. در ۲۴ کیلومتری جنوب شهر بروجن باتلاق نیزار گندمان یا کتک وجود دارد.

رودها: ۱ـ آب دره‌های سبزکلار و گندمان از این بیشه خارج و به سوی جنوب بروجن روان می‌گردد، ۲ـ رودکوچکی به این آب می‌پیوندد که در نتیجه رود آقبلاغ پدید می‌آید ـ مسیر این رود شمالی جنوبی می‌باشد و سرانجام این آب‌ها به کارون می‌پیوندد، آب حدود ۴۰۰ رشته کاریز و تعداد فراوانی چاه به مصرف کشاورزی می‌رسد.
آب و هوا: تابستان‌ها معتدل و زمستان‌ها بسیار سرد همراه با ریزش برف فراوان است.
رستنی‌ها: گیاهان کتیرا، آنغوزه، گزانگبین در کوه‌های این شهرستان می‌روید.
جانوران و پرندگان: بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، خرس، گرگ، روباه و گراز.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر بروجن، دارای ۳ بخش (۱ـ مرکزی، دارای یک دهستان به نام حومه، ۲ـ گندمان، ۳ـ بلداجی) است.
بروجن (مرکز شهرستان): شهر بروجن در ۱۷ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۲۲۲۰ متری از سطح دریا و در ۶۲ کیلومتری جنوب خاوری شهرکرد و در ۶۰ کیلومتری شهرضا و در ۱۳۰ کیلومتری لردگان و در ۹۴ کیلومتری اردل قرار دارد.

شهر بروجن با اینکه در دشت قرار گرفته اما کوه سیاه سرد در جنوب، کوه اشکفت در جنوب خاوری، کوه سفید و کوه عبدالنبی در خاور و کوه برآفتاب در باخترش قرار گرفته.
آب و هوا: در تابستانها معتدل و در زمستانها سرد و بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۴ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها گاهی به ۲۵ درجه زیر صفر و ریزش باران بطور متوسط سالانه به ۴۳۰ میلی‌متر می‌رسد.
بلداجی: از بخش‌های شهرستان بروجن استان چهار محال و بختیاری، مرکز آن شهر بلداجی، دارای دو دهستان (۱ـ چغاخور، ۲ـ امامزاده حمزه علی) است.

مرکز این بخش شهر بلداجی که ۲۲۴۰ متر از سطح دریا بلندی و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی شهر بروجن و ۱۵ کیلومتری جاده شوسه بروجن - لردگان و شهر چغاخور از باختر شهر بلداجی می‌گذرد قرار دارد. کوه آفتاب در شمال خاوری، کوه کلار در جنوب و جنوب شرقی و کوه سه قلات در شمال و نیزارکتک در جنوب قرار دارد.
طوایف صفیان، لج مورک، چهار بنچه و کیش خالی، ایل بختیاری از بخش بلداجی می‌باشند.
اقتصاد: بر پایه دامداری، کشاورزی، و فرشبافی استوار است.
کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، یونجه، انگور، بادام، گردو و زرد آلو.
پوشش گیاهی: گیاهان صنعتی، گون کتیرا، گز انگبین و تره کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران: بزکوهی، قوچ، میش و پلنگ.
بن: از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری است که در ۳۱ کیلومتری شمال غربی شهرکرد قرار دارد. از شمال به زاینده رود، از جنوب به هرچگان، از شرق به سامان، و از غرب به روستای لاطان محدود است.
جمعیت: در سال ۱۳۷۵، شهربن ۱۱۰۱۵ نفر جمعیت داشت که ۵۵۰۴ نفر مرد و ۵۵۱۱ نفر زن

و مرکب از ۲۳۳۰ خانوار بود.

از نواحی کشاورزی و دامپروری استان است. مردمش به زبان ترکی و فارسی سخن می‌گویند. مردم این منطقه علاوه بر کشاورزی و دامپروری، مقداری از درآمد خود را از طریق صنایع دستی فراهم و تأمین می‌کنند. «۱۹»

بِن: از بخش‌های شهرستان شهرکرد استان چهار محال بختیاری مرکز آن شهر بن، دارای دو دهستان (۱ـ وردنجان، ۲ـ زاینده‌ی رود جنوبی) است.

در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۲۸ کیلومتری شمال باختری شهرکرد و شهر بن در ارتفاع ۲۱۹۵ متری از سطح دریا و کوه بن در جنوب و کوه لاطان در ۳کیلومتری شمال آن قرار دارد.

اقتصاد: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، زنبورداری و فرشبافی استوار است.

کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی ازکاریز از لوله کشی و چاه فراهم گشته است.

فرآورده‌ها: گندم، جو ،بنشن، تره بار، شبدر، یونجه، بادام، گردو، گیلاس، آلبالو و انگور.

پوشش گیاهی: گیاهان داروئی، صنعتی و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

پشتکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردل استان چهار محال و بختیاری و مرکز آن رستم آباد است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه بر آفتاب قرار و رود سبزکوه در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، برنج و تره بار.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، گل بنفشه، شیرین بیان و کاسنی درخت بلوط و کنار و گیاهان مرتعی.

جانوران : شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

جوانمردی: از دهستان‌های بخش خانمیرزا شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکزش جوانمردی است.

جونقان: شهر جونقان از شهرهای استان چهار محال و بختیاری است که در ۴۲ کیلومتری شهرکرد، میان کوههای جهان بین و سالداران واقع شده و دارای دشت بسیار وسیع و حاصلخیزی است که شهر جونقان در قسمت‌های شمالی این دشت برافراشته شده است.

شهر از نظر کشاورزی و دامپروری اهمیت دارد و بواسطه وجود دشت حاصلخیز جونقان، اخیراً پیشرفتهایی نموده.

چغاخور: از دهستان‌های بخش بلداجی شهرستان بروجن استان چهار محال بختیاری و مرکزش اورگان است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک، کوه کلار، باتلاق، چغاخور در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، بنشن، شبدر، یونجه، تره بار، گردو و فرش با نقش خشتی.

پوشش گیاهی: برنجاسف، قدومه و گیاهان مرتعی.

جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، قوچ و میش و کبک.

چلگرد (مرکز بخش شوراب): شهر چلگرد از بخشهای شهرستان فارسان استان چهارمحال و بختیاری در ۸ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیائی و ۲۸ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۲۴۸۰ متری از سطح دریا و در ۵۰ کیلومتری شمال باختری فارسان است.

آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۰ درجه زیر صفر و میزان ریزش بارندگی سالانه حدود ۵۰۰ میلیمتر می‌باشد.

آب کشاورزی از رود و چشمه سارها و آب آشامیدنی پس ازکلریزه شدن بشبکه لوله کشی آب روانه میشود.

حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهرکرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن نامنج است.

حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بروجن استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن نقنه است.

خانمیرزا: از بخش‌های شهرستان لردگان است و مرکز آن شهر آلونی دارای دو دهستان: ۱ـ جوانمردی به مرکزیت جوانمردی، ۲ـ دهستان خانمیرزا به مرکزیت آلونی می‌باشد.

خانمیرزا: از دهستان‌های بخش خانمیرزا شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکزش آلونی است.

درواهان: از دهستان‌های بخش گندمان شهرستان بروجن استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن کردشامی است.

دستگرد: از دهستان‌های بخش کیار شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن دستگرد امامزاده است.

دشت زرین: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال بختیاری و مرکزش صالح آباد دشت زری است.

دوآب: از دهستان‌های بخش بازفت شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن صمصامی است.

دیناران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردل استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن لیرابی است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک وکوه بیکولی و کوه دردان قرار و رود بیدآب در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو و برنج.

پوشش گیاهی: گشنیز کوهی، کتیرا، درخت بلوط و گیاهان مرتعی.

جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، بزکوهی، گراز، خرس و کبک.

ریگ: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن کلار است.

زاینده رود جنوبی: از دهستان‌های بخش بن شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن حیدری است.

سامان: از دهستان‌های بخش سامان شهرستان شهرکرد، استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن شوراب صغیر است.

سامان: از بخش‌های شهرستان شهر کرد استان چهار محال بختیاری مرکزش شهر سامان، دارای دو دهستان (۱ـ سامان، ۲ـ هوره) است. در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهر کرد و مرکز این بخش در ۱۹۶۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

زاینده رود از شمال آن می‌گذرد وکوه پنجه در ۳ کیلومتری جنوب و کوه شیراز در ۳ کیلومتری باختری شهر سامان سر بر افراشته‌اند و گردنه زره در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر سامان قرار گرفته.

اقتصاد: کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری،

پیشه وری، ماهیگیری، زنبور داری، مرغداری و فرشبافی از منابع درآمد مردم این سامان است.
کشت: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی ازکاریز، چاه و لوله کشی.
فرآورده‌ها: برنج، گندم، جو، پنبه، انگور، بادام، تره بار و بنشن.
پوشش گیاهی: گیاهان داروئی چون قدومه، کاسنی، گل گاو زبان، گیاهان صنعتی چون گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
جانوران: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، بز کوهی.
شلیل: از دهستان‌های بخش میانکوه شهرستان اردل استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن شکرآباد است.
شوارب تنگزی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن چلگرد است.
شوداب: بخش مرکزی از بخش‌های شهرستان فارسان از استان چهارمحال بختیاری از بخش‌های است که از شمال به شهرستان‌های فریدن و فریدون شهر، از جنوب به استان خوزستان از خاور به شهر کرد و از باختر به استان خوزستان (مسجد سلیمان) محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: این بخش تنها بخش شهرستان فارسان و مرکز آن فارسان دارای دو بخش: ۱- میزدج سفلی به مرکزیت چلیچه و میزدج علیا به مرکزیت بابا حیدر است.
رودها: ۱- رود زاینده رود، در مسیر خود به موازات آب کوهرنگ روان است و پس از پیوستن به رود آب خور ورود کوهرنگ توسط تونل کوهرنگ که در جنوب چلگرد کنده شده، تغییر مسیر داده و در خاور اصفهان به باتلاق گاو خونی می‌ریزد. ۲- رودکارون که بیشترش از خاک چهار محال بختیاری سرچشمه می‌گیرد، پس از دریافت آب کوهرنگ بازفت، کیار، ماربره، خرسان، آب منج وارد خوزستان سپس وارد خلیج فارس می‌گردد.
کوه‌ها: چون شورداب در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته، از این رو کوه‌های متعددی آن را در میان گرفته از جمله: ۱-زردکوه بختیاری (بلندی ۴۲۲۱ متر)، ۲-کوه میلی (بلندی ۳۹۰۳ متر).
نژاد و زبان: آریائی نژاد و از ایل بختیاری و به زبان فارسی با گویش لری سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان بلوط، بادام کوهی، انجیر کوهی، گیاهان صنعتی و داروئی، خوراکی، گل ختمی، گل گاو زبان، قدومه، ریواس و موسیر و گون کتیرا و پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها.
جانوران و پرندگان: پلنگ، خرس قهوه‌ای، بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه، جوجه تیغی و کبک.
وضع اقتصادی: بر دامداری استوار است، کشاورزی، صنایع دستی پس از دامداری از منابع درآمد مردم این سامان است. دام و فرآورده‌های دامی، فرآورده‌های کشاورزی و جاجیم، گلیم، چوقا (نوعی پوشاک)، خورجین، سیاه چادر.
شهرکرد (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن شهر شهرکرد و دارای دو دهستان (۱- طاقانک، ۲- حومه) است.
شهر کرد (شهرستان): از شهرستان‌های استان چهار محال و بختیاری می‌باشد که از شمال به شهرستان فریدن، از جنوب به شهرستان لردگان و از شمال خاوری و خاور به شهرستان لنجان، نجف آباد و از باختر به کوه‌های زاگرس مرکزی و

شهرستان مسجد سلیمان محدود است. شهر کرد در ۵۴۴ کیلومتری تهران قرار دارد.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر کرد، دارای ۵ بخش (۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ طاقانک، ۲ـ حومه)، ۲ـ لاران، ۳ـ سامان، ۴ـ بن، ۵ـ کیار است و دارای یازده دهستان در سطح شهرستان می‌باشد.
رودها: ۱ـ زاینده رود در ۹۵ کیلومتری شهر کرد سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن شاخابه‌های متعدد و آبیاری شهرستان شهر کرد، زرین شهر سرانجام پس از ۳۰۰ کیلومتر به مرداب گاوخونی می‌ریزد.
کوه‌ها: ۱ـ کوه لاتان، ۲ـ کوه سید ضیاءالدین در شمال، ۳ـ کوه هزارگز در جنوب، ۴ـ کوه برات در خاور، ۵ـ کوه هورسیان در باختر این شهر قرار دارند.
کانها: گچ، در ۴۹ کیلومتری و آهک در ۱۲ کیلومتری شهر کرد.
رستنی‌ها: درختان بلوط، زبان گنجشک، پسته‌ی وحشی (بنه)، بادام و سماق ـ گیاهان داروئی و صنعتی: مرزنگوش، گل گاو زبان، شیرین بیان و گون کتیرا.
جانوارن و پرندگان: پلنگ، خرس قهوه‌ای، بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، سمور، کبک، مرغابی و تیهو.
وضع اقتصادی: بر پایه دامپروری، کشاورزی و صنایع استوار است، از این گذشته صنایع جدید قند سازی، نساجی، گاوداری و مرغداری با شیوه‌ی غیر سنتی از منابع درآمد مردم این سامان است.
دام و فرآورده‌های دامی، فرآورده‌های کشاورزی چون گندم، جو، سیب زمینی، چغندر قند، بنشن، کشمش، تولیدات صنایع دستی: قالی، نمد، کلاه.
طاقانک: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن طاقانک است.
فارسان (شهرستان): از شهرستان‌های استان چهار محال و بختیاری می‌باشد که از شمال خاوری به شهر کرد، از باختر به شهرستان مسجد سلیمان و از جنوب به شهرستان بروجن محدود می‌باشد.
تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر فارسان دارای یک بخش (مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ میزدج علیا، ۲ـ میزدج سفلی) است.
رودها: ۱ـ رود سراب در شمال باختری فارسان سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری این شهرستان به رود جونقان می‌پیوندد.
کوه‌ها: فارسان در منطقه‌ای دشتی قرار گرفته. اما کوه‌های متعددی آن را در میان گرفته‌اند: ۱ـ کوه چوبین در ۲۵ کیلومتری شمال باختری، ۲ـ کوه لاخرسان در جنوب باختری که از رشته کوه‌های زاگرس است.
کانها: حدود ۱۸ معدن گچ و آهک و شش معدن سنگ ساختمانی وجود دارد که دستی و مکانیکی بهره برداری می‌شود.
نژاد و زبان: آریائی نژادند و از طوایف بابادی، هفت لنگه، گله داران سنجری و بهداروند ایل بختیاری می‌باشند. به زبان فارسی با گویش لری - ترکی سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان انجیری، بادام کوهی، بلوط، گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، برنجاسف، قدومه، کاسنی، آویشن و گشنیز کوهی و گون کتیرا پوشش گیاهی آن‌ها مراتع جالب و خوبی را در منطقه برای چرای دام پدید آورده است.

جانوران و پرندگان: پلنگ، خرس، قوچ، میش، بز کوهی، گرگ، گربه‌ی وحشی، مرغابی و کبک.
وضع اقتصادی: بر کشاورزی و دامپروری و تا حدی صنایع دستی استوار است: آب کشاورزی از کاریزها، چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و رودها فراهم می‌گردد.
فرآورده‌های کشاورزی: گندم آبی و دیم، پیاز، بنشن، سیب زمینی، یونجه و شبدر، دامداری به شیوه‌ی ییلاق و قشلاق رواج دارد و دام و فرآورده‌های دامی آن دارای اهمیت است.
قالی، جاجیم، نمد، گیوه از جمله تولیدات صنایع دستی شهرستان فارسان است.
فلارد: از بخش‌های شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری به مرکزیت مال خلیفه، دارای دو دهستان (۱ـ پشتکوه به مرکزیت دره‌ی نامدار، ۲ـ فلارد به مرکزیت مال خلیفه) است.
کوهرنگ (شهرستان): از شهرستان استان چهارمحال بختیاری، مرکز آن چلگرد دارای دو بخش: ۱ـ بخش بازفت، ۲ـ بخش مرکزی و دارای پنج دهستان است: ۱ـ بازفت، ۲ـ دوآب، ۳ـ دشت زرین، ۴ـ شوراب تنگزی، ۵ـ میان کوه موگوئی.
کیار: از بخش‌های شهرستان شهر کرد استان چهار محال بختیاری است که از شمال به شهرکرد، از جنوب به شهرستان اردل از خاور به شهرستان بروجن و از شمال باختری به شهرستان فارسان محدود است.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر شلمزار، دارای ۳ دهستان (۱ـ کیار غربی، ۲ـ کیار شرقی، ۳ـ دستگرد) است.
رود: رود شلمزار، پس از آبیاری بخش کیار وارد خاک خوزستان می‌شود.
کوه‌ها: ۱ـ کوه یمری در خاور و شمال خاوری، ۲ـ کوه چرغان در جنوب، ۳ـ کوه سوخته در جنوب باختری.
کانها: معدن سنگ مرمر، در روستای گهروم شلمزار معدن شن و ماسه.
مراتع: در میان کوه‌های چزغان و کوه سوخته را قرار گرفته تالاب چغاخور در دامنه‌ی کوه کلار و در ۳۹ کیلومتری جنوب بخش کیار قرار گرفته جای پرندگان گوناگون مهاجر و تحت حفاظت محیط زیست.
آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه‌ی گرما در زمستان‌ها ۸ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه حدود ۳۲۰ میلی متر می‌باشد.
نژاد و زبان: آریائی نژادند و به زبان‌های فارسی با گویش لری و ترکی بختیاری سخن می‌گویند.
رستنی‌ها: درختان پسته وحشی (بنه) زالزالک، کیکم، انجیر کوهی و سماق، گیاهان داروئی و صنعتی: شیرین بیان، بولاغ اوتی، مرزنگوش، برنجاسف و گون کتیرا - پوشش گیاهی: چراگاه‌های بسیار خوب برای چرای دام‌ها.
جانوران و پرندگان: بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، خرس قهوه‌ای، گرگ، روباه، کبک، مرغابی، باقرقره و عقاب.
وضع اقتصادی: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری استوار می‌باشد، گندم، جو، یونجه، تره بار میوه هائی چون انگور، بادام و گردو و دام و فرآورده‌های دامی و ۷۵٪ کشت آبی است.
صنایع دستی: گلیم بافی، جاجیم بافی، نمدمالی، چوقابافی و جوراب و دستکش بافی.
گندمان (بخش): از بخش‌های شهرستان بروجن استان چهار محال بختیاری است که از شمال به بخش حومه، شهرستان بروجن و بخش کیار شهر کرد، از باختر به شهرستان اردل، شهرستان بروجن و از جنوب به شهرستان لردگان محدود و هم مرز می‌باشد.
کوه‌ها: ۱ـ کوه برآفتاب (بلندی ۳۰۲۸ متری) در شمال باختری، ۲ـ کوه گندمان (بلندی ۳۱۲۱ متر) در خاور، ۳ـ رشته کوه‌های کلار و چرو (بلندی ۳۶۳۵ متر). گردنه‌ی حلوائی میان کوه برآفتاب و گندمان قرار گرفته که راه بروجن و گندمان از آن می‌گذرد.
رودها: ۱ـ رود آقبلاق از ۴ کیلومتری گندمان می‌گذرد و آبش به مصرف کشاورزی می‌رسد. این رود آن‌گاه به سوی جنوب پیش می‌رود و جویبارهائی چند

بدان می‌پیوندد و سرانجام بنام رود ونک به سوی باختر روان و وارد کارون می‌شود.
آب و هوا: معتدل و خشک.
رستنی‌ها: درختان چنار، تبریزی، گیاهان داروئی و خوراکی و صنعتی: گل گاو زبان، پر سیاوش، شاه تره و بابونه، کرفس، کنگر و گون کتیرا.
جانوران و پرندگان: قوچ، میش، پلنگ، گرگ و کبک.
اقتصاد: بر کشاورزی، دامداری و فرشبافی استوار است. فرآورده‌های کشاورزی دام و فرآورده‌های دامی و قالی و قالیچه.
گندمان (مرکز بخش): شهرک گندمان مرکز بخش گندمان است که در ۱۷ کیلومتری جنوب باختری بروجن قرار گرفته است.
گندمان بر سه راه بروجن ـ لردگان و در ۰۹ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۲ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیائی و به دشت قرار گرفته.
آب آشامیدنی و کشارزی از رود، چشمه، چاه و پس از پالایش به وسیله‌ی شبکه‌ی لوله کشی شهری روانه خانه‌ها می‌شود.
تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر گندمان، دارای دو دهستان (۱ـگندمان، ۲ـدرواهان) است.
لار: از دهستان‌های بخش لاران شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن هارونی است.
لاران: از بخش‌های شهرستان شهرکرد، استان چهارمحال بختیاری است که مرکز آن شهر سورشجان، دارای دو دهستان (۱ـ لار، ۲ـ مرغملک) است.
لردگان: از شهرستان‌های استان چهار محال بختیاری و مرکز آن شهر لردگان در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه بادامستان در آن قرار و رود خرسان جریان دارد. کوه سنگ، گردنه چهار طاق، غار مکتب خانه از ارتفاعات آن است و دارای کان گچ می‌باشد.
دارای چهار بخش: ۱ ـ مرکزی ۲ ـ خانمیرزا ۳ ـ فلارد ۴ ـ منج و در مجموع دارای ده دهستان می‌باشد.
فرآورده‌ها: برنج، گندم، جو.
پوشش گیاهی: درخت بلوط و گیاهان مرتعی.
جانوران و پرندگان: روباه، خرگوش، قوچ، میش، بزکوهی، گراز و کبک.
لردگان (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن شهر لردگان و دارای ۴ دهستان (۱ـ ریگ، ۲ـ سردشت، ۳ـ میلاس، ۴ـ ارمند) است.
لردگان (شهر و شهرستان): شهر لردگان مرکز ناحیه سه دهستان و تنها کانون شهری موجود در جنوب استان چهار محال بختیاری است. این شهر در دامنه‌ی جنوبی کوه‌های آثار عجم و آب باغ، در ۳۱ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد.
شهر در جلگه‌ای به وسعت تقریبی ۲۴ کیلومتر مربع قرار گرفته که رودخانه‌های خانمیرزا و چله خانه، در شمال و جنوب آن جریان دارد. این جلگه در گذشته‌ای نه چندان دور کاملاً پوشیده از جنگل‌های بلوط بوده و امروزه نیز گرداگرد مرتفع شهر را جنگل‌های بلوط در برگرفته است. شهر لردگان با اقلیمی نیمه مرطوب گرم، در قلب جنگل‌های زاگرس و در میان سرشاخه‌های بکر کارون دارای جاذبه‌های ارزشمندی برای سیاحت و گذران اوقات فراغت است.
لردگان با ارتفاعی در حدود ۱۷۰۰ متر از سطح دریا دارای اقلیمی نیمه مرطوب گرم با زمستان‌های نیمه سرد است. میانگین سالانه بارندگی ۵۰۶ میلیمتر، میانگین سالانه دما ۱۵ درجه سانتیگراد و میانگین تغییرات سالانه دما ۲۴/۴ درجه سانتی گراد و در فصل زمستان ۵/۶ درجه‌ی سانتی گراد، و در فصول بهار و پائیز به ترتیب ۱۸/۶ و ۱۰/۳ درجه‌ی سانتی گراد است.
میزان تبخیر سالانه لردگان حدود ۲۰۸۹ میلیمتر و میانگین کلی رطوبت نسبی هوا بین ۲۸/۵ تا ۶۵/۵ درصد متغیر است.
لردگان که در متون تاریخی از آن به عنوان لردجان نام برده شده، یکی از مراکز سیاسی با اهمیت در سردسیر جانکی بوده است. قلعه‌ی آن دژی معتبر به ویژه در عصر اتابکان لر بوده، که خرابه‌های آن

اکنون در کنار برم باقی است.

لردگان شهری کم جمعیت است و سکنه آن را اکثراً عشایر اسکان یافته‌ای تشکیل داده‌اند که عمدتاً به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند. وسعت شهر حدود ۱۱۰ هکتار است که نیمی از آن را فضاهای سبز، اراضی بایر و زمین‌های مزروعی تشکیل می‌دهد.

مرغملک: از دهستان‌های بخش لاران شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن مرغملک است.

مشایخ: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردل استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن دوپلان است.

منج: از بخش‌های شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری، مرکز آن شهر منج، دارای دو دهستان (۱ـ منج، ۲ـ بارز) است.

منج: از بخش‌های شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری به مرکزیت منج، دارای دو دهستان (۱ـ دهستان بارز به مرکزیت مدرسه، ۲ـ منج به مرکزیت منج) می‌باشد.

میانکوه: از دهستان‌های بخش میانکوه شهرستان اردل استان چهار محال بختیاری و مرکزش ده کهنه است و در منطقه‌ای معتدل خشک و کوه اندشلان در آن قرار و رود آب سرخون جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، برنج، شبدر، جاجیم و گلیم.

پوشش گیاهی: گل گاو زبان، قدومه، گشنیز کوهی، ریواس و گیاهان مرتعی.

جانوران و پرندگان: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، بز کوهی و کبک.

میانکوه: از بخش‌های شهرستان اردل استان چهارمحال بختیاری، مرکز آن شهر سرخون، دارای دو دهستان (۱ـ میانکوه، ۲ـ شلیل) است.

میانکوه موگوئی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن خویه است.

میزدج سفلی: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فارسان استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن چلیچه است.

میزدج علیا: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فارسان استان چهارمحال بختیاری و مرکزش باباحیدر است.

میلاس: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن گوشه است.

ناغان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اردل استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن ناغان است.

وردنجان: از دهستان‌های بخش بن شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن وردنجان است.

هوره: از دهستان‌های بخش سامان شهرستان شهر کرد استان چهارمحال بختیاری و مرکز آن هوره است.

شهرک‌های صنعتی: ۱) شهرک صنعتی شهر کرد، ۲) شهرک صنعتی دستگرد امامزاده، ۳) شهرک صنعتی بهرام آباد، ۴) شهرک صنعتی هفشجان، ۵) شهرک صنعتی خصوصی تشنیز، ۶) شهرک صنعتی سامان، ۷) شهرک صنعتی فرخشهر، ۸) شهرک صنعتی بن، ۹) شهرک صنعتی بروجن، ۱۰) شهرک صنعتی سفید دشت، ۱۱) شهرک صنعتی سفید دشت، ۱۲) شهرک صنعتی فرادبنه، ۱۳) شهرک صنعتی بلداجی، ۱۴) شهرک صنعتی جونقان، ۱۵) شهرک صنعتی لرگان، ۱۶) شهرک صنعتی ناغان، ۱۷) شهرک صنعتی سندگان، ۱۸) ناحیه‌ی صنعتی سورشجان، ۱۹) ناحیه‌ی صنعتی اردل، ۲۰) ناحیه صنعتی گهرو.

اصلاحات تقسیمات کشوری در استان چهارمحال و بختیاری: شناخت شهر روستای نقنه در تابعیت بخش مرکزی شهرستان بروجن در استان چهار و محال بختیاری.

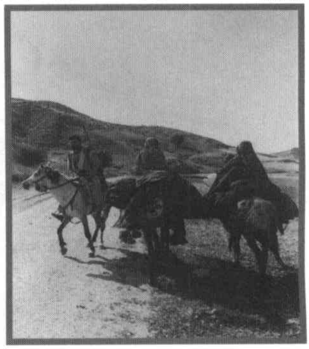
ایجاد بخش ناغان از ترکیب دهستان‌های ناغان و مشایخ به مرکزیت شهر ناغان.

ایجاد شهرستان کیار به مرکزیت شهر شلمزار از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر شلمزار متشکل از دهستان‌های کیار شرقی، کیار غربی و دستگرد و بخش ناغان به مرکزیت شهر ناغان.

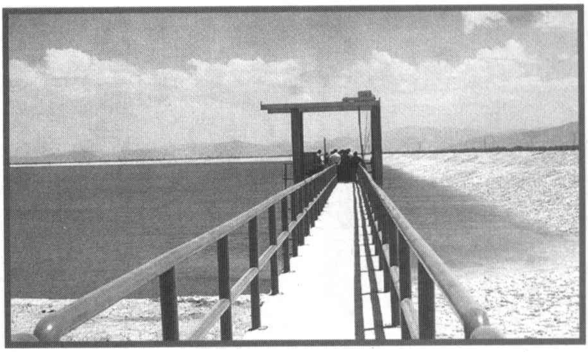
مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۵
گوشت قرمز ۲۲ شیر ۱۹۱ هزار تن
مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۵
گوشت مرغ ۱۵ تخم‌مرغ ۲
تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۴
جمع معادن ۶۱ خصوصی ۵۹ عمومی ۲
مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۲
کل تعداد بهره‌برداری ۵۴۵۸۶ مساحت ۱۹۴۸۱۳ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان۲۴۲۷۷ مساحت باغ و قلمستان ۱۶۱۱۸ هکتار
استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۳۸۳۸ تعداد دام ۶۹۳۶۰۶ مقدار تولید ۵۷۰۹۵۵ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۴۰۰۶ تعداد دام ۱۰۴۰۴۱ مقدار تولید۳۸۶۶۹
بهره‌برداری‌های کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۲
زراعت ۴۶۹۶۱ باغداری ۲۹۷۲۹ تولید گلخانه‌ای ۳۷ پرورش ماکیان ۳۵۲۴۰ پرورش زنبور عسل ۱۳۴۹ پرورش دام بزرگ ۲۸۳۵۱ پرورش دام کوچک ۲۲۰۲۸ پرورش کرم ابریشم ۰
تعداد سدهای استان چهارمحال و بختیاری در مراحل مختلف:
مطالعاتی ۱۵ اجرایی ۸ بهره‌برداری ۵ مجموع ۲۸
استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۳۳۵۶۵۴ جمع مراتع ۹۰۸۱۵۲ خوب (متراکم) ۱۸۲۳۱۵ متوسط (نیمه متراکم) ۳۹۰۸۲۳ فقیر (کم تراکم) ۳۳۵۰۱۳ پدیده‌های بیابانی ۱۱۸۸۹۳
تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان چهارمحال و بختیاری: فعال: ۴۱ غیرفعال: ۰ در شرف تأسیس: ۰ تعداد کل:۴۱

برخی از کتاب‌های سودمند

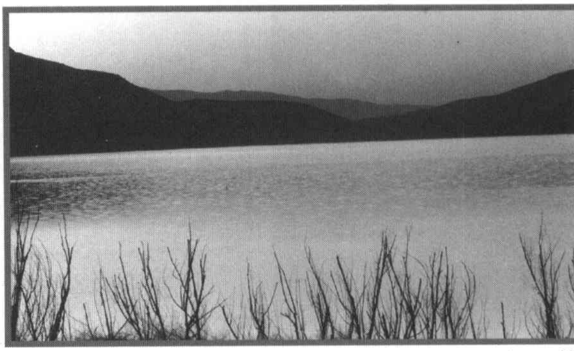
کتاب هفته ـ منوچهر شیخانی
تاریخ بختیاری ـ سردار اسعد بختیاری
سفرنامه دوراند ـ ترجمه علی‌محمد ساکی
بختیاری ـژان‌پیر دیگار ـ ترجمه‌اصغرکریمی ـهوشنگ‌پورکریم
سفرنامه از خراسان تا بختیاری ـ هانری رنه دالمانی ـ ترجمه فره‌وشی (مترجم همایون)
سفرنامه خوزستان ـ عبدالغفار نجم‌الملک
ایل‌نشینی در ایران ـ اصغر کریمی
جغرافیای مفصل ایران ـ بهمن میرزا کریمی
جغرافیای مفصل ایران ـ مسعود کیهان
عشایر ایران ـ کریم گودرزی
شناخت سرزمین بختیاری ـ کریم امیرحسینی نیکزاد
کتاب جغرافیای انسانی ـ دکتر جواد صفی‌نژاد
نگاهی به صنایع دستی ایران از سازمان صنایع دستی
دفتربرنامه‌ریزی‌کتابهای‌درسی‌وزارت‌آموزش‌وپرورش
بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین در بوته تاریخ محسنیان
اطلس‌مناطق‌حفاظت‌شده‌ایران‌سازمان‌حفاظت‌زیست
افسانه‌های چهارمحال و بختیاری
امثال و اصطلاحات چهارمحال ـ فاضلی، محمد
بازیهای محلی استان چهارمحال و بختیاری ـ کیوانی، مژگان، گردآورنده
بختیاریها، بافته‌ها و نقوش ـ قاضیانی، فرحناز
برنامه: گوشه‌هایی از فرهنگ مردم هفشجان ـ هاشمی هفشجانی، محمد
تاریخ بختیاری: خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار ـ سردار اسعد بختیاری، علیقلی بن
تاریخ‌وتمدن‌چهارمحال‌وبختیاری‌ـآهنجیده،اسفندیار
ترانه‌هاومثل‌ های بختیاری ـ عبداللهی‌موگویی، احمد
جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری
جنبش وطن‌پرستان اصفهان وبختیاری (تاریخ مشروطه ایران) ـ دانشور علوی، نورالله
چهارمحال بختیاری و تمدن دیرینه آن ـ آهنجیده، اسفندیار
سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان
فرهنگ‌سیاسی‌عشایرجنوب‌ایران‌ـخسروی،عبدالعلی
قلاع استان چهارمحال و بختیاری ـ آخوندکی سورکی، اردشیر
گونه‌شناسی مسکن روستائی: چهارمحال و بختیاری ـ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
تاریخ بختیاری ـ سپهر، عبدالحسین بن هدایت‌الله



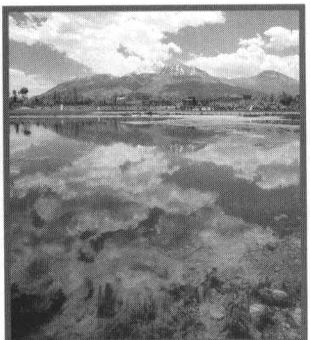
کوچ بختیاری ها



سد حسنلو



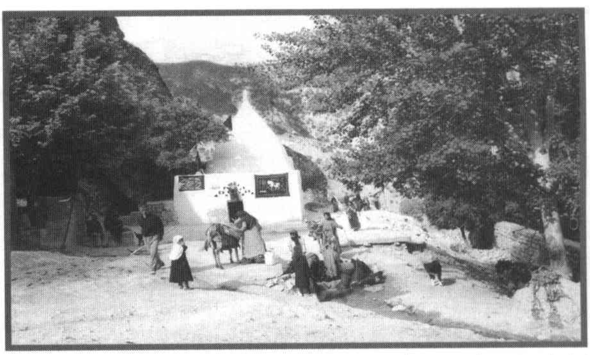
تالاب چغاخور - شهرستان بروجن



چشمه و آبگیر برم لردگان - کنار بقایای شهر تاریخی لردگان



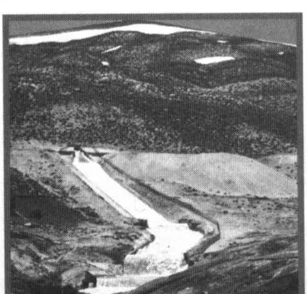
صنعت کشاورزی



امامزاده شهسوار - روستای شهسوار

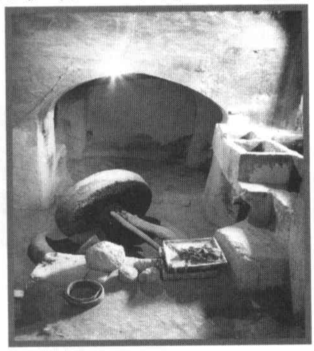


منظره ای از سد کوهرنگ

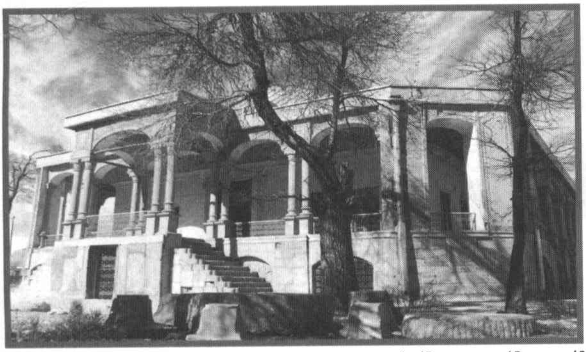


تونل کوهرنگ

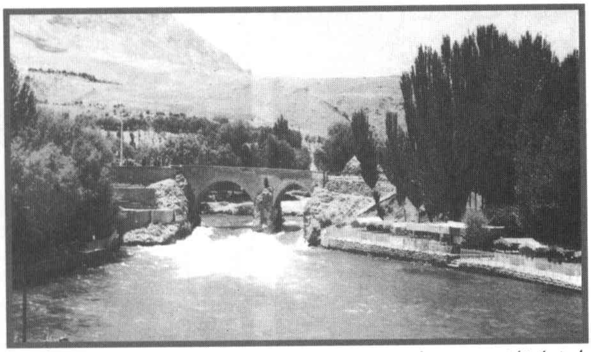
۸.۹ استان چهارمحال و بختیاری



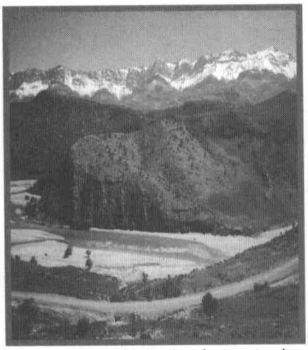
عصارخانه فرخ شهر - قاجاریه



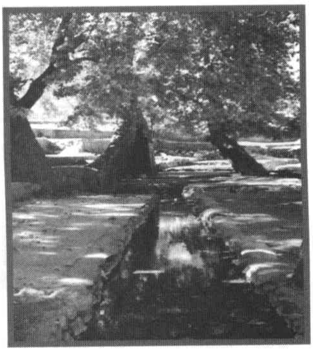
قلعه جونقان - دوره قاجار



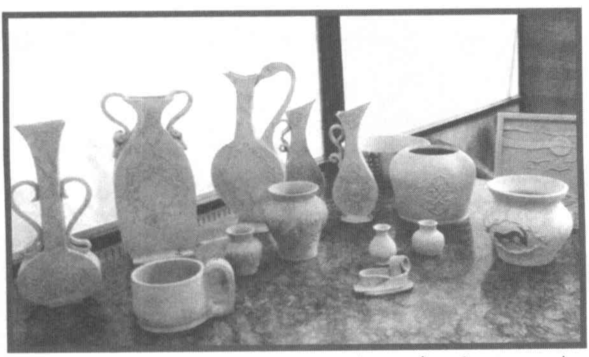
پل زمانخان - دوره صفویه



منظره ای از طبیعت بازفت



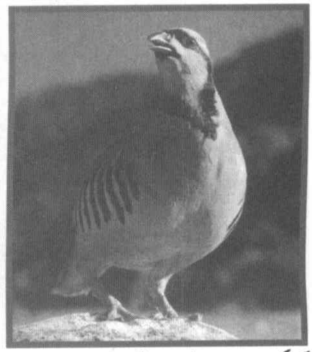
چشمه سیاه سرد



صنایع دستی چهارمحال و بختیاری



دشت لاله



کبک پرنده زیبای منطقه



مجسمه شیر سنگی



منطقه حفاظت شده سبزکوه



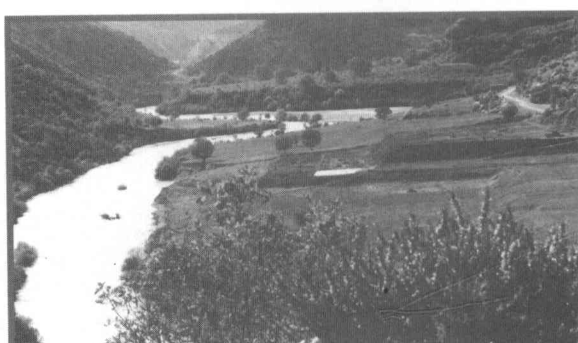
یک منظره طبیعی زیبا از چهارمحال و بختیاری



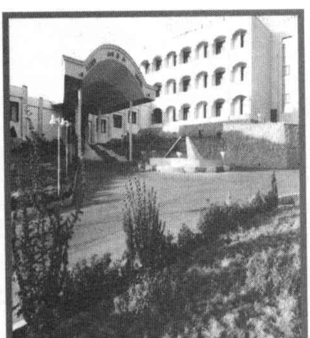
آبشار آتشگاه



منظره ای از طبیعت بازفت



چشم اندازی از طبیعت زیبای منطقه اردل



از هتل های چهارمحال و بختیاری



تصویری از یک فرش دست باف



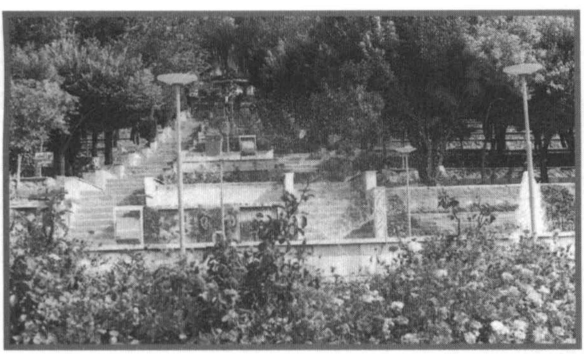
چند تن از مردمان چهارمحال و بختیاری



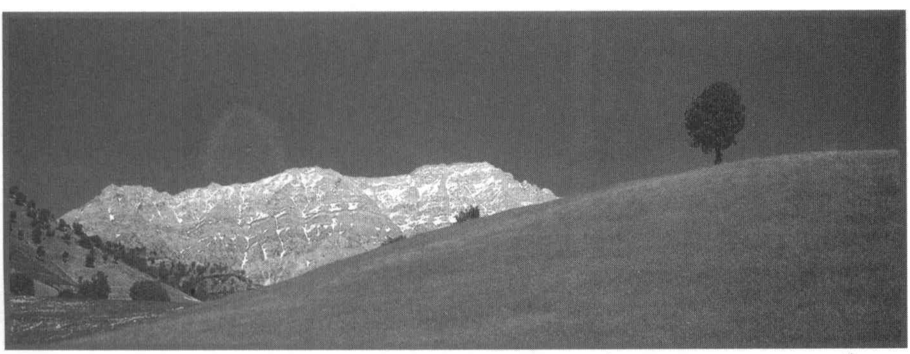
چشمه برم لردگان



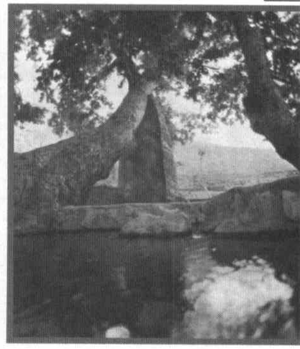
تصویری از گل لاله واژگون



پارک شهر - شهرکرد



دامنه زاگرس - چهارمحال بختیاری - عکس از علیرضا شیپوری



چشمه سیاسرد - بروجن



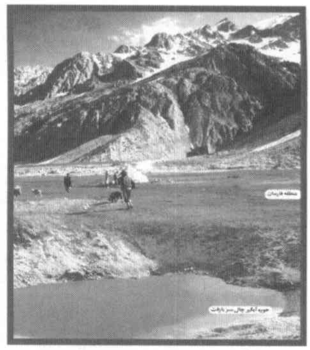
عشایر بختیاری - چهارمحال و بختیاری



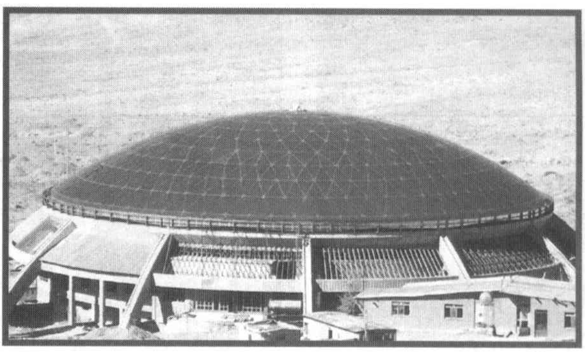
دستگاه نقاله در خدمت کوچ عشایر



لاله سرنگون



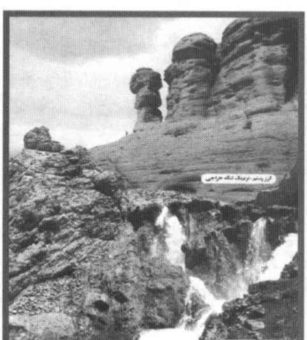
حوزه آبگیر چال سبز بازفت



ورزشگاه شهرکرد

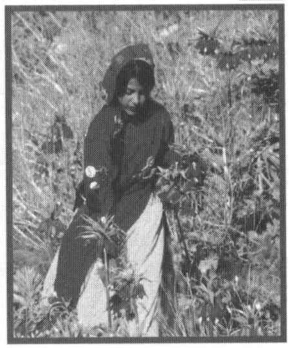


طبیعت منطقه میانکوه (سرخون) - شهرستان اردل

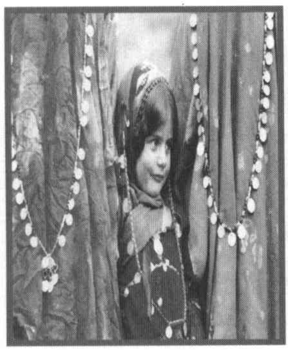


آبشار شیخ علیخان نزدیک کوهرنگ

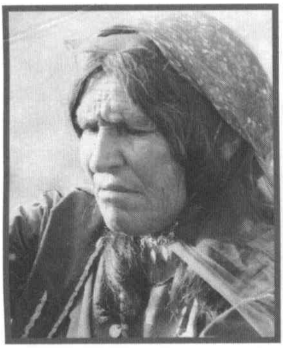
۸.۷ استان چهارمحال و بختیاری



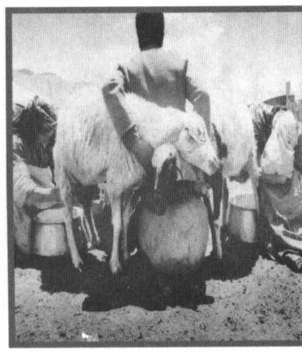
دختری از چهارمحال و بختیاری



دختری از چهارمحال و بختیاری



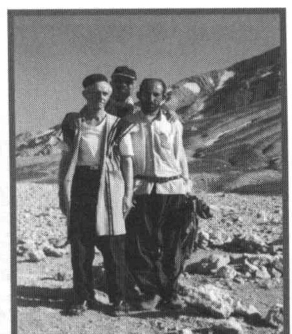
زنی از چهارمحال و بختیاری



در حال دوشیدن شیر



زنان بختیاری - عکس از داود وکیل زاده



پناهگاه میشه چال زردکوه - عکس از عیسی پاکزاد افشار



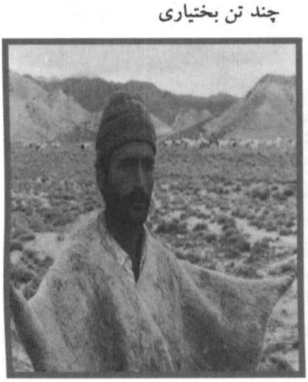
امامزاده دو معصوم - قاجاریه - شهرکرد



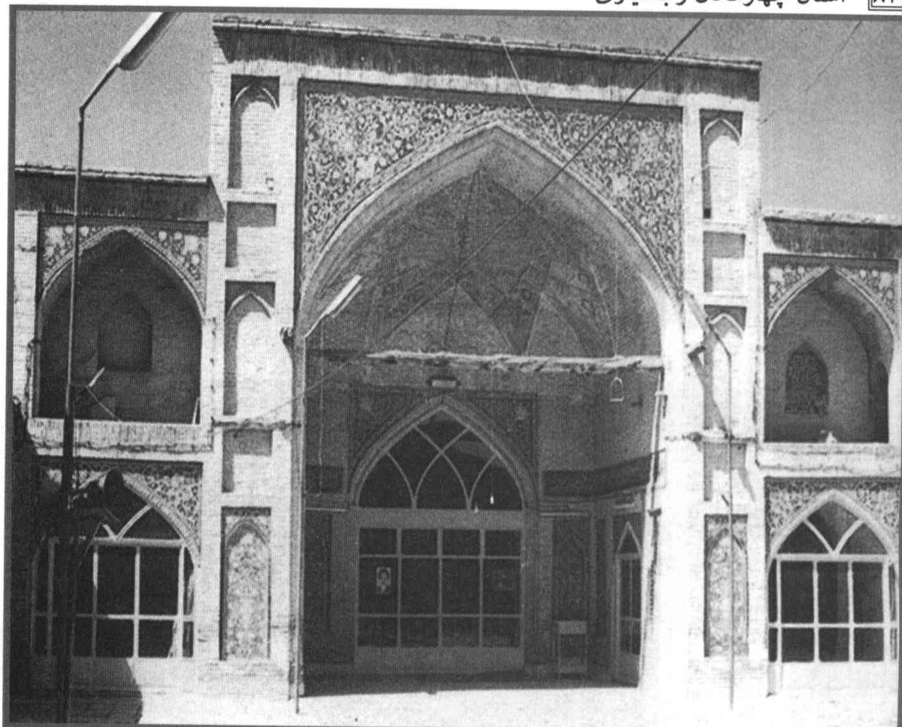
چند تن بختیاری



زنی بختیاری سوار بر اسب



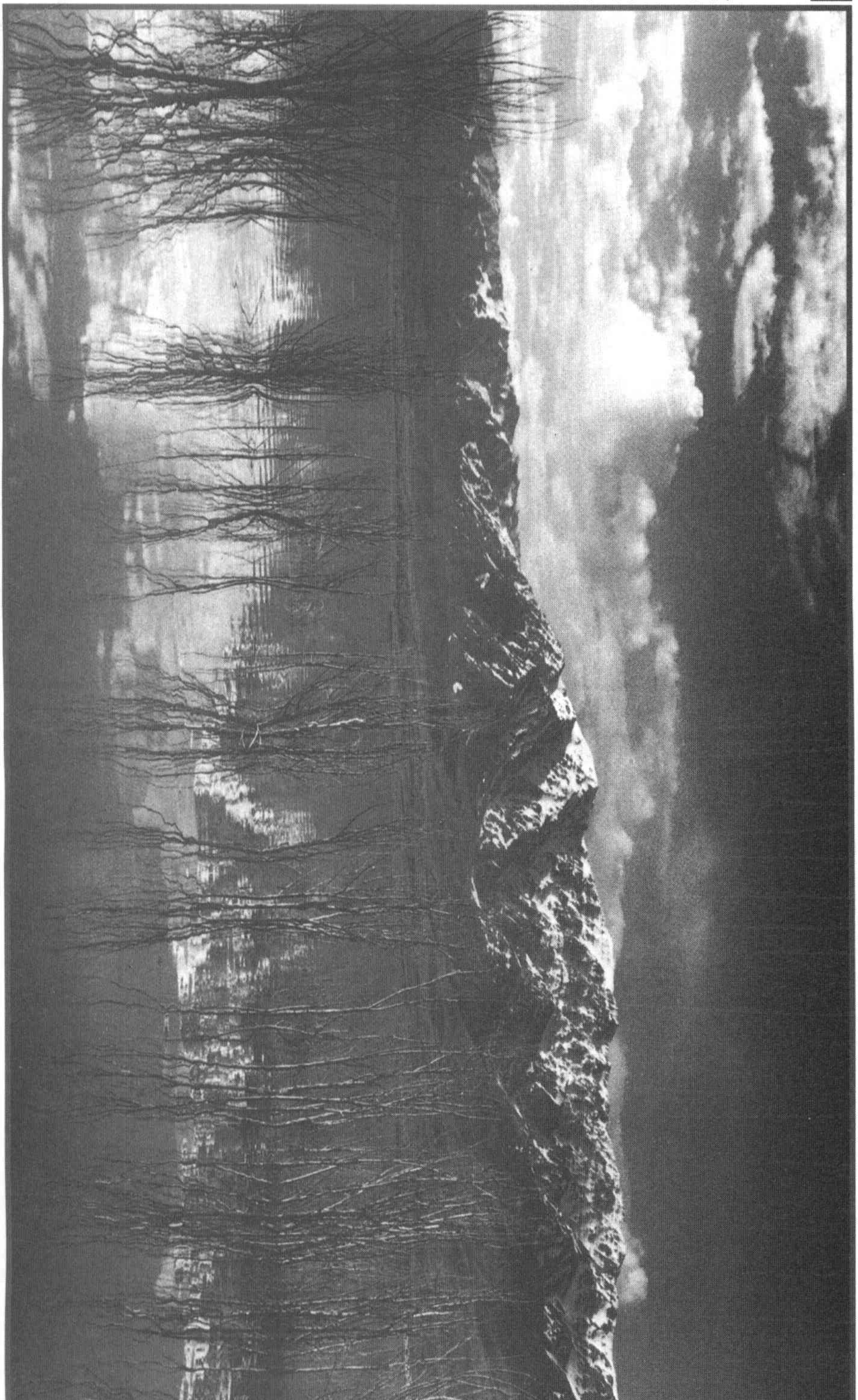
چوپانی از چهارمحال و بختیاری



مسجد جامع شهرکرد



امامزاده حمزه علی



تالاب چغاخور



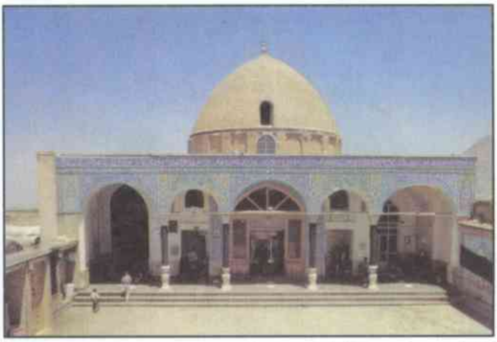
قلعه دزک - دوره قاجاریه ۳۵ کیلومتری شهر کرد



قلعه جونقان - شهر کرد



مسجد جامع شیخ علی - قاجاریه - شهر بروجن



امام‌زاده دو معصوم - قاجاریه - شهر کرد



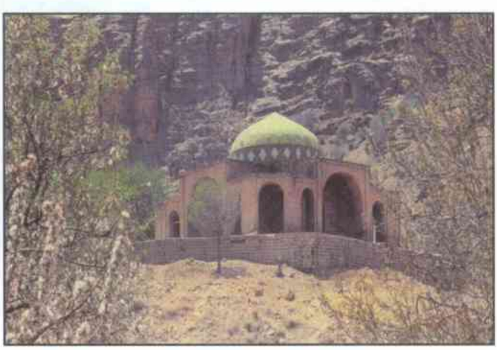
شبستان مسجد جامع - قاجاریه - شهر کرد



منزل ستوده - دوره قاجاریه - شهرکرد



سقاخانه ارباب میرزا - قاجاریه - شهر کرد

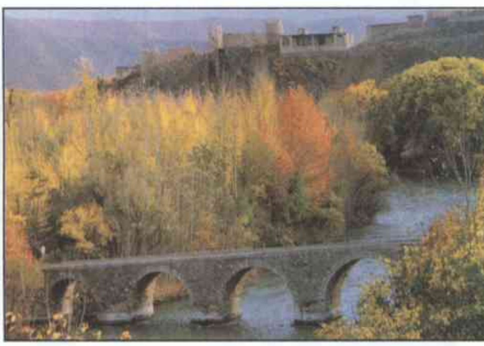


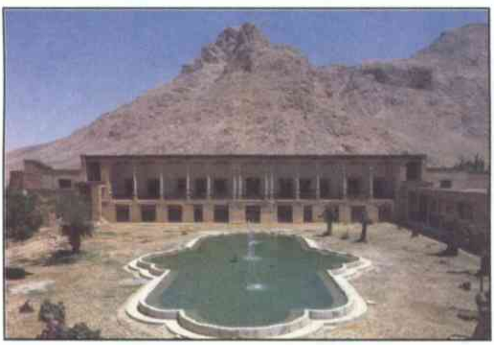
امام‌زاده عبدالله - قاجاریه - روستای سورک - ۴۰ کیلومتری شهر کرد


میدان انقلاب - شهر کرد

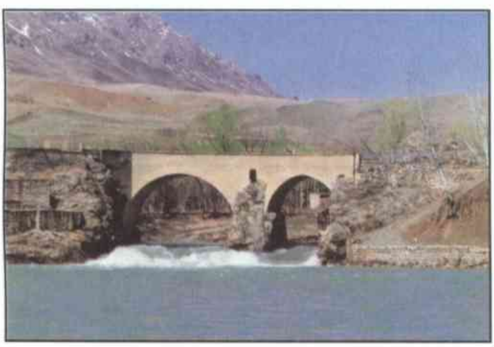

چشمه دیمه - شهرستان کوهرنگ

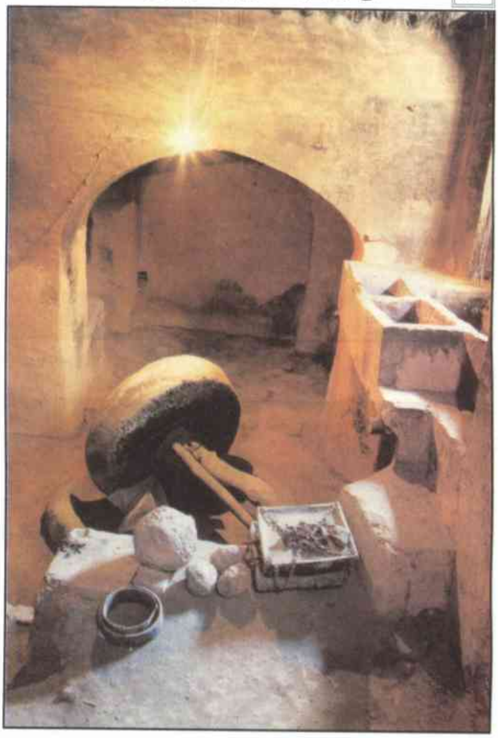

طبیعت منطقه میانکوه (سرخون) - شهرستان اردل


پل هوره - هوره

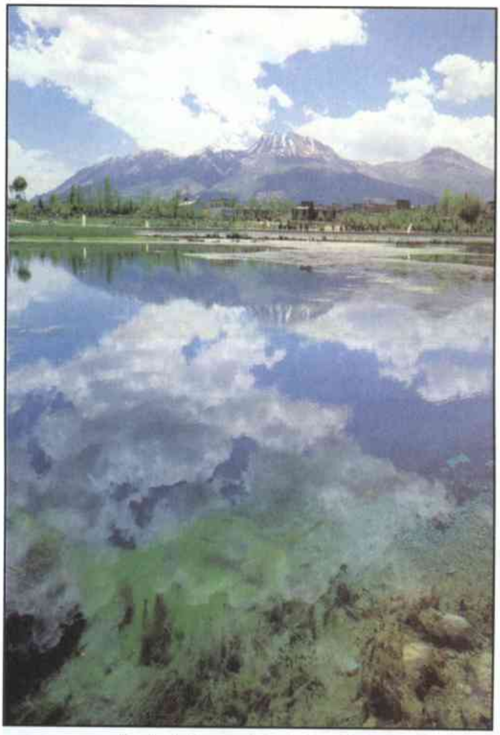

قلعه سورک - دوره قاجاریه - شهر کرد


تونل کوهرنگ - کوهرنگ


پل زمانخان - صفویه - ۷ کیلومتری شهر سامان



عصارخانه فرخ شهر - قاجاریه - فرخ شهر



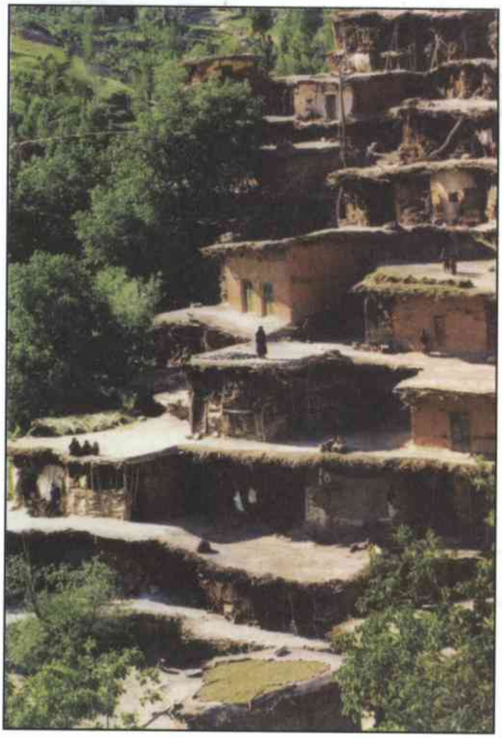
چشمه و آبگیر برم لردگان - کنار بقایای شهر تاریخی لردگان



امامزاده شهسوار - روستای شهسوار - ۳۵ کیلومتری شرق لردگان



تالاب چغاخور - بروجن

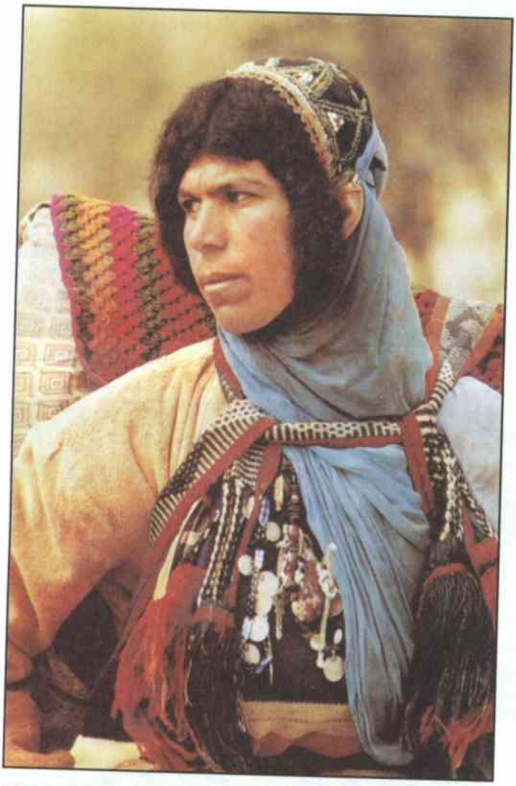


روستای سرآقا سید





زنان عشایری







نمونه از فرش‌های دستباف زیبای (طرح سرو - کاج چالشتر)





همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

سرزمین و مردم استان خراسان جنوبی

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سرزمین و مردم ـ گردشگری و جاذبه‌های گردشگری ـ جاذبه‌های طبیعی در بیرجند و نقاط دیگر استان ـ مسیرهای گردشگری ـ آداب و رسوم ـ مردم‌شناسی ـ شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان خراسان جنوبی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر بیرجند، تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۸ تعداد شهر: ۲۰ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۸۱۵ کل آبادی‌ها:۲۸۷۲
جمعیت استان خراسان جنوبی در سال (۱۳۸۵) ۶۳۶۴۲۰ نفر نسبت به کل کشور ۰/۹۰ بوده است. مساحت استان خراسان جنوبی ۸۸۴۰۴ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۵/۴۳ است.
از تهران تا بیرجند (۱۳۱۳) و از بیرجند تا درمیان (۱۰۰)، بیرجند (۰)، سرایان (۱۵۹)، سربیشه (۶۶)، فردوس (۱۹۲)، قائنات (۱۰۰)، نهبندان (۲۰۰)



که ایران بهشت است یا بوستان   همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عبدالله اسکویی، ابراهیم عبدالله‌زاده، علی پورخیری از وزارت نیرو

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان خراسان جنوبی
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۷۹‍۶۹‍۳۰‍۶۲‍۱۲‍۰۹‍۱ ـ ۰۹۶‍۳۰‍۴۴‍۸۸ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۶ـ۳۱ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN

بها: یکهزار تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان خراسان جنوبی؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۶ـ ۳۱ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۲۵

ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

مشخصات عمومی استان خراسان جنوبی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: بیرجند مساحت: ۸۸۴۰۴ تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۸ تعداد شهر: ۲۰ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۸۱۵ کل آبادی‌ها: ۲۸۷۲

جمعیت استان خراسان جنوبی در سال (۱۳۶۵) ۵۵۸۸۶۶ نسبت به کل کشور ۱/۱۳ و در سال (۱۳۷۵) ۵۳۵۴۸۱ نسبت به کل کشور ۰/۸۹ و در سال (۱۳۸۵) ۶۳۶۴۲۰ نسبت به کل کشور ۰/۹۰ بوده است.

مساحت استان خراسان جنوبی ۸۸۴۰۴ نسبت به کل کشور ۵/۴۳ است.

کارگاههای استان خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی ۸۰۲۳۷ نسبت به کل کشور ۱۲/۴۴ است.

درصد میزان شهرنشینی استان خراسان جنوبی در سال (۱۳۷۵) ۹۲/۴۰ و در سال (۱۳۸۵) ۳۳/۵۱ است.

تراکم نسبی جمعیت استان خراسان جنوبی در سال (۱۳۶۵) ۶ و در سال (۱۳۷۵) ۶ و در سال (۱۳۸۵) ۷ نفر در کیلومترمربع بوده است.

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان خراسان جنوبی

مرد و زن ۸۹۷ زن ۷۱۸ مرد ۱۷۹

تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان خراسان جنوبی

مرد و زن ۲۲۷۶ زن ۱۴۲۵ مرد ۸۵۱

مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵

جمع ۲۱۸ دولتی ۲۱۴ خصوصی ۵ تولید نهال ۳۳۲

ادامه در صفحهٔ ۹۰۷

فهرست برخی از مطالب

سرزمین و مردم خراسان جنوبی

واژه‌ی خراسان xor_asan در پهلوی xvarasan به مفهوم مشرق است که در مقابل آن مغرب قرار دارد. در متون قدیم جغرافیائی آورده شده است که خراسان نام اقلیم و مملکت می‌باشد و همچنین خراسان را سرزمینی نورانی یا طالع نوشته‌اند که نام آن ترکیبی است از دو لفظ «خور» و «آسان» که به معنی برآمد نگاه آفتاب می‌باشد.

قدمت طولانی این سرزمین را باید ناشی از موقعیت جغرافیائی آن دانست به گونه‌ای که دره‌ها و دهلیزهای این ناحیه، راه ورودی بسیاری از اقوام و ملل بوده که در نتیجه‌ی آن حکمرانان و سلاطین و حکومت‌ها، اداره‌ی آن را بدست گرفته‌اند. آن طور که مسلم است حدود و مساحت خراسان در طول تاریخ اندازه‌ی ثابتی نداشته و در دوره‌های مختلف مرزها و ثغوری متغیر به خود دیده است.

اختلافاتی که بین سلطان محمد خوارزمشاه و خلیفه‌ی بغداد حادث شد با سودجوئی و فرصت‌طلبی افرادی چون چنگیز زمینه را برای هرگونه هجوم غیر منتظره که می‌توان «سنت تخلف‌ناپذیر تاریخ» تعبیر نمود، مهیا ساخت. ویرانی‌ها و خرابی‌های حادث شده در خراسان شرایط و اوضاعی را پیش آورد که اگر بگوئیم به دوره‌ی فترت می‌مانست، به خطا نرفته‌ایم. به گزارش ابن اثیر «مغولان آبادترین و بهترین بخش‌های روی زمین را که از لحاظ عمران و جمعیت بر همه جا برتری داشت و مردمش از همه جهانیان نیکخوتر و خوش رفتارتر بودند در مدتی نزدیک به یک سال گرفتند و هیچ کس را در آن شهرها زنده نگذاشتند.»

صاحب جهانگشای جوینی نیز گزارش جانداری از هجوم مغول به خراسان می‌دهد. بدین گونه که سپاه پیش قراول چنگیز با هدف نابودی سلطان خوارزمشاهی به سوی خراسان گسیل شدند تا مانع از هر گونه اتحاد و اتفاق اشراف و بزرگان یا سلطان فراری برآیند. اما یمه و سبتای فراتر از حد مسئولیت خود از اهالی شهرها می‌خواهند که به ایلی تن دهند.

نیشابور در مقابل این سپاه به طور سرزبانی قبول ایلی کرد و همین طور قرای شرقی طوس مانند نوقان نیز به ربقه‌ی ایلی تن دادند، اما شهر طوس و دیههای اطراف چون جواب شفافی ندادند کشتار و قتلی به افراط یافتند، سرسبزی و خرمی مرغزارهای رادکان با چشمه‌های جوشان و رویایی اش، آن جا را از آسیب مغولان مصون کرد و سبتای شخنه‌ای به آنان تحمیل نمود. اما ساکنان خبوشان و اسفراین کشتاری بی حد یافتند.

یکی از شیوه‌های که مغول‌ها در جنگ‌ها از آن سود می‌جستند استفاده از نیروهای حشری بود و این از مناطقی به دست می‌آمد که قبول ایلی می‌کردند. به طوری که می‌شنویم از نواحی ابیورد و سرخس و نسا و غیر آن حدود هفتاد هزار لشکری به عنوان حشری فراهم کردند تا بتوانند مرو را متصرف شوند.

بنا به گفته جوینی، نیشابور جزء چهار شهر مهم خراسان بود و اهمیت تسخیر این شهر چنان بود که بسیاری از مورخین در این باب قلم زده‌اند. شبانکاره‌ای کشته شدن تغاجار داماد چنگیز خان را در حین محاصره‌ی آن‌جا از بخت بد نیشابوریان می‌داند چراکه دختر چنگیز بعد از آن حکم کرد تا سر جنبانی را در آن شهر زنده نگذارند. به نظر می‌رسد سبزوار قبل از نیشابور تا وان کشته شدن داماد چنگیز را پرداخت نموده باشد به طوری که برخی از مغولان متوجه‌ی سبزوار شده و قریب به

هفتاد هزار نفر را به قتل رسانده و برخی متوجه‌ی طوس گردیدند و آن جا را نیز ویران نمودند. در این جمله آرامگاه امام رضا (ع) و مقبره‌ی هارون الرشید خراب شد و به صورت ویرانه‌ای در آمد.

در خلال همین وقایع گفته می‌شود که سقوط وکشتار شهرهای طوس و نیشابور توسط مغولان، باتبانی تنی چند از سادات و علویان تحقق یافته است. هر چند این گفتار را نمی‌توان از اتهامات گروه سنیان به دور دانست. اما این عمل می‌توانست ناشی از تحمیل شرایط زمان و ریشه در اختلافات مذهبی گذشته باشد.

در ارتباط با تکاپوهای اسماعیلیان نیز گفته شده است که در سال ۶۲۷ هجری قمری خبر ناتوانی جلال الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی پیشوای اسماعیلیان برای مغولان فرستاده شد. اما همانطور که در منابع آمده این مانع از آن نشد که الموت، آشیانه‌ی بزرگ اسماعیلیان تقریباً بیست سال بعد، توسط هلاکوخان از هم نپاشد. روی هم رفته درباره‌ی تحرکات اسماعیلیان بعد از سقوط الموت اینگونه اظهار نظر شده است: «چنین به نظر می‌رسد که پس از حمله‌ی هلاکو، در هیچ یک از شهرهای بزرگ خراسان، اسماعیلیان باقی نمانده تنها در حدود سه سده بعد خیرخواه هراتی از اسماعیلیان ساکن مشهد یادکرده است. به طورکلی اوضاع خراسان بعد از حمله‌ی مغول بسیار ناامید کننده گردید. به روایت ابن اثیر که خالی از اغراق نمی‌باشد: «در نتیجه‌ی این چپاول آن استان چنان تهی شد که دیگر پرنده در آنجا پر نمی‌زد». پس از حمله‌ی اولیه‌ی قوم تاتار، خراسان کاملاً ویران شد و تقریباً فاقد جمعیت گردید و شهرها به «سرزمین‌های بلاساکن و بلاصاحب» تبدیل شد و هیچ اداره‌ی منظمی برای رسیدگی به امور خراسان باقی نماند.» - از کتاب تاریخی پژوهشی - حمید رضا ولی زاده

تجزیه خراسان

در قدیم این استان از شمال تا سواحل رود جیحون و از مشرق قسمت اعظم از افغانستان کنونی جزو آن بود. در قسمت‌های شمالی خراسان خوارزم، خیوه، مرو و در قسمت شرقی خراسان قدیم هرات و اطراف آن قرار داشت.

از زمان نادرشاه هر وقت ازبکان و سایر بیگانگان قدرت و فرصتی می‌یافتند بر این منطقه می‌تاختند البته قبل از نادر نیز مغول‌ها و تیموریان خطه خراسان را بنابودی و ویرانی جبران‌ناپذیری انداختند.

در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار، شاه خیوه بر خراسان تاختن گرفت و تا سرخس پیش راند اما بزودی از ایرانیان شکست خورد و عقب‌نشینی کرد.

چندی بعد ترکمن‌ها نیز به خراسان حمله‌ور شدند و ایرانیان را شکست دادند. روسیه نیز در آن اوقات که فکر تصرف نقاط شمالی ایران را در سر داشت حمله ازبکان را بهانه قرار داد و شهرهای خیوه، تاشکند، سمرقند، بخارا را متصرف شد و از آن تاریخ این مناطق از خاک ایران مجزا و ضمیمه روسیه شد.

در سال ۱۳۸۳ استان خراسان به سه استان تقسیم گشت: ۱ ـ خراسان رضوی ۲ ـ خراسان جنوبی ۳ ـ خراسان شمالی

به عقیده مردم اوجفلوی در سرزمین ایران جمعاً باید سه طبقه راکه ممتازتر از همه هستند، مورد توجه قرار داد: نخست ایرانیان بومی، که مشخص نمودن وضع زندگی آنان و دریافتن رسوم و آداب آنها مهمتر از همه بوده و طبعاً مورد توجه‌کامل ماست، دوم پارسیان مستعمره‌نشین و سرانجام نوبت به بردگان پارسی می‌رسد. رنگ موهای سر و صورت تاجیکی‌ها بومی عموماً

قهوه‌ای و احیاناً تک‌تک به رنگ‌های روشن‌تر یا قرمز نیز بوده است.

خانیکوف اظهار نموده است که رنگ موی سر و صورت آنان مشکی و اغلب بلند بالا و رشید بوده‌اند بنا به عقیده وی تاجیکی‌ها دارای دیدگانی درشت و تیره، بینی خوش‌فرم، دهانی فراخ، پیشانی پهن و گشاده و بطور کلی ساختمان و استخوان‌بندی آنان سنگین‌تر و درشت‌تر از ایرانیان باختری بوده است. شاو دربارهٔ نژاد تاجیک گوید:

«تاجیکی‌ها، اساساً مردمی بسیار زیبا با پیشانی‌هائی بلند، دیدگانی تیز و نگاهی ژرف بوده‌اند. لب بالائی آنان باریک، موهای ریش آنها بلند و پرپشت و اغلب قهوه‌ای رنگ و گاهی هم قرمزرنگ بوده است. تفاوت عمدهٔ جسمی آنان با هندیان اصیل شمالی تنها در درشتی بدن و صورت بوده است.

«... غلچه‌ای‌ها یا تاجیک‌های کوه‌نشین را عموماً زیبا و خوبروی، با موهائی سیاه و گاه‌گاه به رنگ‌هائی مثل سرخ و بور توصیف نموده‌اند. از نشان‌های ویژه ظاهری آنان ترکیب و شکل سر و جمجمه بزرگ آنان است که به ندرت در تاجیکی‌های خالص و شهرنشین دیده می‌شود.» مسکن و ماوای اصلی غلچه‌ای‌ها در کوههای بلند گرداگرد فرغانه می‌باشد...

زبان غلچه‌ای ارتباط نزدیکی با زبان ایرانیان خاوری کهن داشته به همین دلیل شباهت زیادی نیز به زبان اوستایی دارد.» ـ نقل از کتاب عصر اوستا تالیف اشپیگل ـ و بندشمن، سن‌جانا ـ ترجمه مجیدرضی.

استان خراسان جنوبی: در تابستان سال ۱۳۸۳ استان خراسان با تصویب مجلس شورای اسلامی به ۳ استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی تقسیم گردید که باعث شد استان خراسان شمالی با مرکزیت بجنورد، استان خراسان رضوی با مرکزیت مشهد و استان خراسان جنوبی با مرکزیت بیرجند ایجاد شوند.

خراسان جنوبی در شرق ایران با وسعتی حدود ۸۹۸۳۰ کیلومتر مربع در ۳۴ درجه و ۶ دقیقه و ۴۲ ثانیه عرض شمالی، ۵۲ درجه و ۱۲ دقیقه و ۱۳ ثانیه‌ی طول شرقی، ۳۰ درجه و ۱۵ دقیقه و ۲۸ ثانیه عرض جنوبی و ۵۷ درجه و ۵۶ دقیقه و ۱۷ ثانیه طول غربی قرار گرفته است.

این استان حدود ۵/۴ درصد از مساحت کل کشور را در برگرفته است و از لحاظ وسعت هشتمین استان کشور می‌باشد و جمعیتی حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر را در خود جای داده است.

از نظر تقسیمات کشوری نیز استان خراسان جنوبی از شرق با کشور افغانستان هم مرز است. در شمال نیز، همسایه‌ی استان خراسان رضوی می‌باشد. در شمال غربی و غرب هم محدود به استان یزد و در جنوب غربی نیز به استان کرمان و از جنوب نیز به استان سیستان و بلوچستان محدود می‌شود.

مرکز استان هم با هر یک از مراکز استان‌های هم جوار (مشهد، یزد، کرمان و زاهدان) فاصله‌ای حدود ۵۰۰ کیلومتر دارد. از شهرهای مهم استان هم می‌توان به قاینات، خوسف، اسدیه، نهبندان، سربیشه و ... اشاره داشت. این استان به ۴ شهرستان بیرجند، قاینات، نهبندان و سربیشه تقسیم گردیده است.

منابع اقتصادی استان بیشتر دامداری و کشاورزی می‌باشد که از لحاظ کشاورزی (به دلیل موقعیت خاص منطقه) برای کشت برخی از انواع گیاهان، این استان موقعیت منحصر به فردی را برای خود به وجود آورده است. از این کشت‌ها

می‌توان به زعفران اشاره داشت، که به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی این گیاه ارزشمند شناخته می‌شود. به صورتی که بیش از ۹۵٪ زعفران تولید ایران و بیش از ۶۰٪ زعفران تولیدی کل جهان از این ناحیه به دست می‌آید. در تولید زرشک نیز این استان، بزرگ‌ترین تولیدکننده در کشور می‌باشد و به دلیل همین ویژگی‌ها است که می‌توان خراسان جنوبی را سرزمین طلای سرخ نامید.

طبیعت: این استان از نظر ناهمواری‌ها به دو قسمت کوهستانی و مرتفع و پست و هموار تقسیم می‌شود. کوه‌های این منطقه عمدتاً جوان و مربوط به دوره‌های دوم و سوم زمین‌شناسی هستند. مهم‌ترین این کوه‌ها عبارتند از: رشته‌کوه باقران، که با یکصد کیلومتر طول و سیزده کیلومتر عرض، در جنوب بیرجند قرار دارد و در جهت شمال غرب - جنوب شرق از نزدیک خوسف شروع می‌شود و تا سربیشه ادامه می‌یابد.

رشته‌کوه مومن آباد هم رشته‌کوهی در جهت شمال غرب - جنوب شرق می‌باشد و دویست کیلومتر امتداد دارد.

رشته کوه شکر آب هم در جهت غرب به شرق ،در شمال بیرجند قرار دارد و ارتفاع بلندترین نقطه آن ۲۲۱۲ متر است. کوه‌ها و قلل منفردی هم وجود دارند که به صورت پراکنده می‌باشند. مناطق پست و هموار هم شامل دشت‌ها و زمین‌های همواری است که در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی شهر بیرجند و عمدتاً در فاصله رشته کوه‌های باقران و مومن آباد که به صورت دو رشته کوه موازی از شمال غرب به جنوب شرق امتداد یافته‌اند، قرار دارند. این دشت‌ها از نظر گله داری، کشاورزی و احداث راه‌های ارتباطی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. از مهم‌ترین دشت‌های منطقه، دشت بیرجند (در فاصله‌ی دو کوه، باقران و مؤمن آباد) است محدوده‌ی این دشت از روستای مود در شرق شروع می‌شود و تا خوسف با شیب چهار درصد در جهت غرب ادامه می‌یابد.

در این استان مناطقی نیز به عنوان مناطق شکار ممنوع از طرف سازمان حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته شده است که عبارتند از: منطقه‌ی شکار ممنوع در میان که در شهرستان سربیشه و بخش درمیان قرار دارد. منطقه‌ی شکار ممنوع شاسکوکه در محدوده‌ی قاینات می‌باشد. منطقه‌ی شکار ممنوع آرک و گرنگ که اطراف شهر بیرجند می‌باشد. منطقه‌ی شکار ممنوع چیک و زیدر که مناطقی از سربیشه را در میان می‌گیرد و منطقه شکار ممنوع مرزی ایران و افغانستان که شامل بیست کیلومتر از نوار مرزی است.

۱ - مشخصات طبیعی: استان خراسان جنوبی با وسعتی بیش از ۸۲ هزار کیلومترمربع، بین مدار جغرافیایی ۳۰ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۷ درجه و ۵۷ دقیقه و تا ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

استان خراسان جنوبی از شمال به خراسان رضوی و از شرق به طول حدود ۳۳۰ کیلومتر دارای مرز مشترک باکشور افغانستان بوده و از غرب به استان یزد و از جنوب به استانهای سیستان و بلوچستان و کرمان محدود می‌باشد.

از لحاظ وضع ارتفاعات، ارتفاعات خراسان جنوبی امتداد شمالی - جنوبی دارند. بلندترین نقطه استان قله باقران در ۳۶۱۵ متری و پست‌ترین نقاط استان در دشت کویر با ارتفاع

۶۵۰ متر از سطح دریا واقع شده است.

۲ ـ تقسیمات کشوری: براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵ دارای ۶ شهرستان، ۱۶ بخش، ۱۷ شهر و ۴۲ دهستان بوده است.

۳ ـ آب و هوا: استان دارای آب و هوای نیمه صحرایی ملایم تا آب و هوای گرم صحرایی می‌باشد.

وضع جوی ایستگاههای هواشناسی برحسب ماه در سال ۱۳۸۵ : بشرویه

ماه	دمای هوا (درجه سانتیگراد)				
	معدل حداکثر	معدل حداقل	حداکثر مطلق	حداقل مطلق	متوسط
فروردین	۲۶/۷	۱۰/۱	۳۴/۴	۳/۲	۱۸/۴
اردیبهشت	۳۶/۴	۱۹/۲	۴۰/۴	۱۰/۰	۲۷/۸
خرداد	۳۶/۶	۱۹/۵	۴۰/۸	۱۵/۰	۲۸/۰
تیر	۴۱/۳	۲۴/۹	۴۴/۴	۱۹/۸	۳۳/۱
مرداد	۴۰/۱	۲۲/۵	۴۴/۶	۱۳/۸	۳۱/۳
شهریور	۳۵/۱	۱۵/۹	۳۹/۴	۸/۰	۲۵/۵
مهر	۳۳/۰	۱۵/۰	۳۷/۰	۱۲/۲	۲۴/۰
آبان	۲۵/۱	۱۰/۴	۳۲/۶	۳/۶	۱۷/۷
آذر	۱۰/۹	۰/۱	۱۴/۸	-۵/۲	۵/۵
دی	۱۰/۰	-۲/۲	۱۶/۴	-۷/۸	۳/۹
بهمن	۱۶/۰	۳/۷	۲۳/۴	-۲/۴	۹/۹
اسفند	۱۶/۷	۳/۶	۲۴/۴	-۱/۲	۱۰/۲

ماه	بارندگی ماهانه (میلیمتر)	حداکثر بارندگی در یک روز (میلیمتر)	رطوبت نسبی (درصد)		تعداد روزهای یخبندان	ساعات آفتابی (ساعت)	حداکثر سرعت وزش باد (متر بر ثانیه)
			ساعت ۶:۳۰	ساعت ۱۲:۳۰			
فروردین	۴/۷	۲/۴	۵۴	۲۹	۰	۲۱۷/۲	۷
اردیبهشت	۵/۸	۵/۸	۴۳	۲۳	۰	۲۵۶/۵	۸
خرداد	۰/۰	۰/۰	۳۶	۱۷	۰	۳۷۵/۷	۱۰
تیر	۱۲/۱	۱۲/۱	۲۸	۱۵	۰	۳۴۸/۲	۸
مرداد	۰/۰	۰/۰	۲۹	۱۳	۰	۳۲۲/۷	۸
شهریور	۰/۰	۰/۰	۳۷	۱۶	۰	۲۸۰/۶	۱۰
مهر	۰/۰	۰/۰	۴۲	۲۲	۰	۲۳۴/۸	۶
آبان	۱۵/۷	۱۱/۹	۶۵	۳۴	۰	۲۰۰/۳	۶
آذر	۱۷/۲	۷/۵	۷۹	۵۵	۱۶	۱۳۹/۶	۶
دی	۲/۵	۱/۸	۸۱	۵۰	۲۲	۱۵۹/۹	۱۰
بهمن	۱۹/۰	۶/۰	۷۵	۴۶	۵	۱۷۳/۹	۱۳
اسفند	۱۳/۳	۳/۹	۷۷	۴۴	۴	۱۸۴/۹	۱۰

مأخذ: مرکز آمار ایران

مناطق زیستی خراسان جنوبی عبارتند از:
مناطق شکار ممنوع درمیان در حوزه شهرستانهای سربیشه و درمیان، منطقه شکار ممنوع شاسکوه و دشت اسفندن در حوزه شهرستان قاین و منطقه حفاظت شده جنگلی آرک و گرنگ در حوزه شهرستان بیرجند که از قابلیت‌های زیستگاهی و اکولوژیکی منحصر به فردی برخوردار می‌باشند. منطقه شکار ممنوع درمیان به عنوان زیستگاه شاخص قوچ و میش و منطقه شکار ممنوع شاسکوه نیز به عنوان زیستگاه شاخص کل و بز در حوزه خراسان جنوبی مطرح می‌باشد.
در زیستگاههای فوق‌الذکر علاوه بر گونه‌های شاخص گونه‌های گیاهی و جانوری با ارزش دیگری نیز یافت می‌شوند که بر غنای زیستی منطقه می‌افزایند. منطقه حفاظت شده جنگلی آرک و گرنگ نیز به عنوان ذخیره‌گاه گیاهان حفاظت شده‌ای همچون بنه و بادام‌کوهی و گیاهان یکساله متعدد، با ارزش اکولوژیکی بالا بوده است.
عنصر مهم، یعنی کوههای بلند و دشتهای وسیع از مهمترین عوامل تأثیرگذار اقلیم استان خراسان جنوبی است. از نظر پوشش گیاهی در ناحیه ایران تورانی واقع گردیده است و از نظر تنوع گیاهی، این ناحیه از بیشترین تعداد گونه‌های گیاهی برخوردار می‌باشد. بنابراین برچسب سیمای طبیعی منطقه و نوع پوشش گیاهی، نوع گونه‌های جانوری موجود در مناطق نیز متفاوت خواهد بود. اکوسیستم‌های مناطق کویری از قابلیت‌ها و ارزشهای اکولوژیک بالایی برخوردار می‌باشند. وجود گونه‌های گیاهی و جانوری خاص و طبیعت منحصر به فرد آن، این مناطق را در زمره پر ارزش‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی قرار داده است. با عنایت به وضعیت آب و هوایی این مناطق و وجود چشم‌اندازهای خاص آن طبیعی قرار داده است. با عنایت به وضعیت آب و هوایی این مناطق و وجود چشم‌اندازهای خاص آن از جمله پدیده شنهای روان ووجود گونه‌های گیاهی و جانوری سازگار با سخت‌ترین شرایط اقلیمی می‌واند این مناطق را به یکی از جذاب‌ترین مناطق طبیعت‌گردی کشور تبدیل نماید. ـ حمید صالحی

منطقه: شاسکوه (پیشنهادی حفاظت شده)
موقعیت جغرافیایی: منطقه شاسکوه بین ۱۰´´ ۳۱´ ۵۹° و ۱۵´´ ۵۹´ ۵۹° طول شرقی و ۰۰´´ ۳۶´ ۳۳° و تا ۰۰´´ ۵۵´ ۳۳° عرض شمالی واقع گردیده است. از نظر تقسیمات کشوری در شهرستان قاین واقع شده است.
وسعت (به هکتار) و دامنه تغییرات ارتفاع: وسعت منطقه ۷۱۴۰ هکتار و حداکثر ارتفاع منطقه ۲۸۲۳ متر می‌باشد.
وضعیت طبیعی (توپوگرافی، اقلیم، منابع آبی):
توپوگرافی منطقه: منطقه عمدتاً از تپه ماهور، کوهها و صخره‌های مرتفع تشکیل شده و دارای چشمه‌سارهای زیادی است. که در سطح منطقه پراکنده شده و چندین آبشخور در آن ساخته شده است.
پوشش گیاهی: سیمای عمومی مناطق کوهستانی را بنه و خینجوک و درمنه تشکیل می‌دهد.
علاوه بر آن گونه‌های مختلف گیاهی در منطقه وجود دارد که ارزش اکولوژیکی، حفاظتی، دارویی و تغذیه‌ای دارند.

حیات‌وحش منطقه:
پستانداران منطقه: کل و بز، قوچ و میش، آهو، گرگ، کفتار، شغال، روباه، سمور، تشی، خرگوش،

گربه وحشی، روباه شنی، کاراکال، خارپشت ایرانی، خارپشت گوش بلند، خفاش نعل اسبی بزرگ، خفاش بال سفید، ول، حفار ایرانی، جرد ایرانی، جربیل بزرگ، جربیل هندی، پامسواکی بزرگ، پایکاو...

پرندگان منطقه: هوبره، زاغ‌بور، کوکر (سینه سیاه و سینه سفید)، کبک، تیهو، بالابان، بحری، شاهین، کرکس، هما، دلیجه، عقاب طلایی، عقاب صحرایی، سارکپه معمولی، سبزه‌قبا، زنبورخوار (معمولی و گلوخرمایی)، پرستو شکم سفید، سسک درختی کوچک، سسک نیزار، توکای باغی، طرقه آبی، طرقه کوهی، سنگ چشم، کلاغ ابلق، کلاغ نوک سرخ، کلاغ سیاه (غراب)، زاغی، سار، گنجشک سانان، جغد کوچک، شاه بوف، مرغ حق جنوبی، قمری، کبوتر، چلچله بیابانی، چلچله، چکاوک (کاکلی، طوق، کوچک)، هدهد، شبگرد هندی، مگس‌گیر راه‌راه، سسک (بیابانی، جنبان)، سهره (مغولی، صورتی، نوک سرخ، طلایی)، کمرکولی بزرگ و...، خزندگان و دوزیستان، آگاما، آژیلیس، آگاما، بزمجه، مارکرمی شکل، تیرمار، آلوسر، مار خالدار، افعی پلنگی، مار شتری، افعی شاخدار، مار جعفری، کور مار شنی، وزغ، وزغ مرمری، قورباغه، لاک‌پشت مهمیزدار شرقی، لاک‌پشت افغانی و...

منطقه حفاظت شده آرک و گرنگ:

مختصات: عرض جغرافیایی ۴۹ دقیقه و ۳۲ درجه تا ۰۱ دقیقه و ۳۳ درجه و طول جغرافیایی ۴۰ دقیقه و ۵۸ درجه تا ۵۴ ۵۸

وسعت منطقه: ۳۰۰۰۰۰ هکتار

محدوده جغرافیایی: ۵۲ کیلومتری غرب بیرجند و ۱۷ کیلومتری شمال شهر خوسف

ویژگیهای منطقه: منطقه موردنظر بین دو رشته کوه آرک و گرنگ قرار گرفته و دارای آب و هوای گرم و خشک بوده‌که کوهستانی بودن منطقه، منابع آب نسبتاً فراوان، دره‌ها و چشم‌اندازهای زیبا همراه با پوشش گیاهی از تنک تا متراکم از منابع با ارزش این منطقه محسوب می‌گردند. پوشش گیاهی منطقه علی‌رغم خشکسالی‌های پیاپی از انبوهی بسیار خوبی برخوردار بوده است بطوری که از گیاهان مرتعی (یک تا چند ساله) تا انواع درختان و درختچه‌ها را می‌توان به راحتی در جمعیت‌های قابل توجه مشاهده کرد. حیات وحش عمده منطقه شامل: کل و بز، کبک، با قرقره و...

این منطقه به استناد نامه شماره ۷۷۵۲ـ۱۱ مورخ ۸۵۶۲۰ به تصویب بیست و هفتمین جلسه شورایعالی حفاظت محیط زیست رسیده است.

مساحت نسبت به کل استان: منطقه مذکور ۰۴۲ درصد مساحت کل استان را شامل می‌شود.

منطقه: پیشنهادی حفاظت شده درمیان

وسعت منطقه: ۸۰۰۰۰ هکتار

مختصات جغرافیایی: بین عرض جغرافیایی ۳۲۵۸ و ۳۲۳۶ و طول جغرافیایی ۷۰۰۱ و ۴۰۵۹

محدوده جغرافیایی: ۶۸ کیلومتری بیرجند و ۲۵ کیلومتری شمال شهرستان سربیشه

• **ویژگی‌های منطقه:** توپوگرافی منطقه عمدتاً کوهستانی و صخره‌ای و در بعضی نقاط تپه ماهوری می‌باشد. ارتفاعات منطقه شامل ارتفاعات جوزان، کوه کنده‌ای، اره کوه، کوه قلعه حسن صباح، تیغ سیاه، نقطه ارتفاع خلیل‌آباد و قله نصرالدین می‌باشد و دارای چشمه‌سارهای متعدد منطقه از قبیل چشمه سوخته و چشمه پونه‌ای، چشمه چهار درختی، چشمه و آبشخور خلیل‌آباد،

چشمه‌های جوزان، گل‌گز، سیه‌لاخی، چشمه تک گماهی چشمه پاگدار و آبشار می‌باشد. از رودهای منطقه درمیان‌که همگی فصلی می‌باشند می‌توان به رود کلاته شادی، رودگل میران، رود طبسین، رود کنده‌ای، رود کال سرخ و رود راتودر اشاره نمود.

مساحت نسبت به کل استان: منطقه مذکور یک درصد مساحت کل استان را شامل می‌شود.

منطقه: تالاب کجی نمکزار نهبندان

وسعت منطقه: ۲۲۷۶۵ هکتار

وضعیت طبیعی:

توپوگرافی: منطقه عمدتاً به صورت دشتی و هموار بوده و در منتهی‌الیه شمال و تا حدودی شمال غرب منطقه رشته‌کوهی با نام باران و بهاران کشیده شده است که جزء محدوده نقشه اصلی تالاب نیست ولی باعث گردیده تا منطقه دارای تنوع اکوسیستمی گردد.

اقلیم: منطقه از نظر آب و هوایی در ناحیه خشک و نیمه خشک قرار دارد.

تالاب کجی نمکزار نهبندان شوره‌زاری وسیع در ۷۵کیلومتری شمال شهر نهبندان است که به دلیل پایین بودن سطح ارتفاع آن نسبت به مناطق اطراف محل تجمع زه‌آب منطقه گردیده است و با توجه به اینکه شوری خاک آن نیز زیاد می‌باشد به دریاچه نمکی تبدیل گردیده است. از آنجایی که در نیمی از فصول سال دارای آب بوده، محل امنی برای پرندگان مهاجر آبزی می‌باشد و همه ساله تعداد زیادی از پرندگان مهاجر را در خود جای می‌دهد و نیز دارای برآمدگیهای خشکی همراه با پوشش گیاهی مناسب برای تخمگذاری پرندگان می‌باشد. سیمای طبیعت گردی خراسان جنوبی - اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی.

گردشگری و جاذبه‌های گردشگری و گردشگاههای استان خراسان جنوبی

پارک ملی در خراسان جنوبی، رضوی و شمالی ۱۱۳۰۰۰۰ هکتار جنگل و ۱۲۵۰۰۰۰۰ هکتار مرتع و ۱۲۶۰۰۰۰۰ هکتار بیابان وجود دارد.

بیرجند: - مجموعه‌ی باغ و عمارت اکبریه: انتهای خیابان معلم، میدان موزه.

میدان موزه: - مجموعه‌ی باغ و عمارت رحیم آباد: انتهای خیابان مدرس.

مدرس:

- مدرسه‌ی شوکتیه: خیابان شهید منتظری (خاکی)
- قلعه‌ی پائین شهر: خیابان جمهوری.
- ارگ کلاه فرهنگی: خیابان مطهری.
- حسینیه‌ی مدرسه‌ی نواب: میدان چهار درخت.
- بند دره: کیلومتر ۲ انتهای خیابان مدرس، رشته کوه باقران.
- بند عمر شاه: کیلومتر ۸ جنوب شهر بیرجند.
- سنگ نگاره کال جنگال: ۳۴ کیلومتری جنوب غربی بیرجند.
- مزار شهدای دره‌ی شیخان: میدان آزادی، بلوار امام رضا.

قاین:

- مقبره‌ی بوذر جمهر قاینی: ۵ کیلومتری جنوب قاین، دامنه‌ی کوه ابوذر.
- مسجد جامع قاین: شهر قاین.
- قلعه‌ی آفریز: ۶۵ کیلومتری جنوب غربی قاین.
- قلعه کوه: ۵ کیلومتری جنوب شهر قاین.
- آرامگاه ابوالمفاخر: یک کیلومتری جنوب شهر قاین.
- امام زاده زیدالنار: ۶۵ کیلومتری جنوب غربی قاین.
- مسجد جامع خضری: یک کیلومتری شهر جدید خضری.

نهبندان:
- آسبادهای نهبندان.
- قلعه‌ی شاهدژ: ۵ کیلومتری شهر نهبندان.
- قدمگاه حضرت ابوالفضل (ع): ۸۰ کیلومتری شرق نهبندان.
- مزار سید علی: ۹۰ کیلومتری شهر نهبندان.

خوسف:
- آرامگاه حسام خوسفی: واقع در شهر خوسف.
- مسجد جامع خوسف: واقع در شهر خوسف.

سرایان:
- کاروانسرای سرایان.
- مقبره‌ی توران شاه: حاشیه‌ی جنوبی شهر سرایان.
- مسجد جامع سه قلعه: واقع در بافت قدیمی شهر سه قلعه.
- برج حصار سه قلعه: ۴۵ کیلومتری شهر سرایان.
- برج حصار سه قلعه: واقع در جنوب شهر سه قلعه.
- آب انبار سفلی: پائین شهر سرایان. از ماهنامه‌ی گردشگری ایرانا

منطقه‌ی گردشگری بند دره: بند تاریخی دره در منطقعه‌ی کوهستانی از رشته کوه‌های باقران در فاصله‌ی ۸ کیلومتری از شهر بیرجند قرارگرفته در زمان حکمرانی حشمت الملک در اواخر دوره‌ی زندیه احداث شده است. ساختمان بند دره با پیروی از شیارهای واقع در کوه و در مناسب‌ترین قسمت دره روی طبقات رسوبی کف رودخانه شکل گرفته است.

ارتفاع این سازه آبی ۱۵/۵ متر و طول آن برابر ۳۵ متر است. هم چنین گنجایش نگهداری آب در آن ۱۵۰۰۰۰ متر مکعب در آب‌گیر پشت بند می‌باشد.

ساختمان بند با مصالحی چون سنگ‌های شکسته شده کوه‌ها و آجرهای ۲۰ سانتی متری مربع شکل با آهک و در بعضی نقاط با ساروج احداث شده است که با توجه به گذشت زمان مقاومت خوبی از خود نشان داده است.

این بند یک سازه‌ی وزنی بوده و جهت تقویت دیواره‌ی بند، پشت بند عظیمی احداث شده است. در وسط دیواره‌ی بند یک محفظه‌ای عمودی به شکل چاه وجود دارد که در هر یک متر ارتفاع به سمت بند سوارخی (دریچه‌ای) تعبیه شده که به داخل راه دارد.

بند دره در یک صد و بیست و اند سالی که از ساختش می‌گذرد چند بار مرمت شده و آخرین بار دیواره‌ی آن را اندکی بلندتر کرده‌اند. این بندر هنوز بر جا و کارا می‌باشد و روستاهای شمالی خود را که در آب ریزش قرار دارند مشروب می‌کند. منطقه‌ی مذکور که در سفر هیئت دولت به عنوان منطقه‌ی نمونه گردشگری به تصویب رسید با مساحتی در حدود ۱۵۰ هکتار که حدود ۵۰ هکتار زمین‌های مسطح و ۱۰۰ هکتار کوهپایه می‌باشد، با سرمایه گذاری شرکت پویش بیرجند در حال شکل‌گیری می‌باشد.

آسبادهای نهبندان: شرایط دشوار طبیعی از مناطق کویری و بیابانی ایران باعث شده تا مردم کویر نشین از ابتکار و خلاقیت خود استفاده کرده و با حداکثر بهره گیری از عوامل و شرایط طبیعی آن را در اختیار خود در آورند. آسبادهای نهبندان از جمله این خلاقیت‌ها هستند که در اکثر مناطق جنوب خراسان به خصوص روستاهای شهرستان نهبندان دیده می‌شوند. منطقه‌ی نهبندان به دلیل گسترش دامنه‌ی بادهای ۱۲۰ روزه‌ی سیستان تا این منطقه، از این نظر امتیاز ویژه‌ای دارد. بیشترین

تعداد آسبادها در داخل شهر قرار داشته است. از دیگر روستاهای این شهرستان که دارای آسباد می‌باشند می‌توان از روستاهای چهارفرسخ، گوند، خوانشرف، میغان و ... نام برد.

منطقه‌ی ییلاقی بند امر شاه: در جنوب شهرستان بیرجند و در حاشیه‌ی ارتفاعات باقران (سه کیلومتری شهر بیرجند) منطقه‌ای به نام بند امر شاه وجود دارد که از دیر زمان وجود بند (سد تاریخی به بند امر شاه معروف شده است. این منطقه از شهرک سجاد شهر بیرجند دارای جاده آسفالته به مسافت ۳ کیلومتر می‌باشد وجود مناظر و چشم اندازهای زیبا و طبیعی و روستاهای پراکنده در داخل منطقه و جاری بودن آب در مسیر دره به همراه ارتفاعات زنجیره‌ای ترکیبی از جاذبه را به وجود آورده است. مسافران زیادی در ایام تعطیلات به منطقه مراجعه می‌نمایند. در حال حاضر دو پروژه‌ی گردشگری در قالب مجتمع اقامتی و تفریحی در منطقه در حال احداث می‌باشد.

باغ اکبریه: باغ اکبریه بیرجند در انتهای خیابان معلم، روستای اکبریه، قرار گرفته است. این باغ با وسعتی در حدود ۴۵۰۶۹ متر مربع در بستری کوهستانی واقع شده و متشکل از ۲ بنا می‌باشد که قدیمی ترین آن ساختمانی متعلق به حشمت‌الدوله پدر ابراهیم شوکت‌الملک که تاریخ احداث آن به اواخر دورهٔ زندیه و اوایل دورهٔ قاجاریه (۱۳۶۴ - ۱۳۰۰ هق) برمی‌گردد. بنای دیگری که در این مجموعه واقع است ساختمان تشریفات می‌باشد. این باغ به عنوان محل سکونت، پذیرایی و انجام امور دیوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ساخت این مجموعه از اوایل دورهٔ قاجار تا اواخر دوره قاجار و در چند مرحله انجام شده است. این مجموعه شامل چند عمارت است که قدیمی‌ترین آن مربوط به عمارت حشمت‌الملک در منتهی‌الیه شرقی، که شامل دو طبقه است می‌باشد. طبقه همکف که دارای دو دالان و راهرو نسبتاً طویل است و ارتباط میان سه بخش مهم مجموعه، یعنی باغ اصلی، باغ جنوبی و اصطبل را برقرار می‌کند.

عمارت مرکزی در جبههٔ غربی و با عملکرد تشریفات و پذیرایی از مهمانان که تقریباً به عنوان هسته مرکزی باغ به حساب می‌آید از تزیینات و چشم‌انداز بسیار عالی برخوردار است. این کوشک در دو طبقه ساخته شده است که دارای تزیینات منبت، مشبک و نیز ارسی با شیشه‌های رنگی، تزیینات گچی با طرحهای اسلیمی و هندسی می‌باشد.

وجود درختان بلند قامت کاج در دو طرف خیابان و نیز خیابانهای منتهی به خیابان اصلی عمارت مرکزی بر زیبایی و طراوات باغ و نمای آن افزوده است.

باغ جنوبی واقع در جبههٔ جنوبی و کوچکتر از باغ شمالی است. این باغ بوسیله فضاهایی چون فضاهای خدماتی، عمارت مرکزی و دیوارهٔ غربی اصطبل احاطه شده است. یکی از عناصر مهم، استخر نسبتاً بزرگ با طرح مربع است که بخش عمده فضای باغ را به خود اختصاص داده است. استخر در وسط دارای سکویی مربع شکل است.

درختان موجود در این باغ شامل کاج، انار و توت می‌باشد و گوشه‌هایی از باغ گلهای تاج خروس به چشم می‌خورد. از جبههٔ جنوبی این باغ ورودی به روستای اکبریه تعبیه شده است. ـ فاطمه حیدری ـ هما ایرانی بهبهانی.

باغ شوکت‌آباد ـ باغ شوکت‌آباد در ۱۰ کیلومتری

شرق بیرجند، در کنار راه بیرجند به زاهدان، روستای شوکت‌آباد، قرار گرفته است. این باغ با وسعتی در حدود ۸/۵ هکتار در سال ۱۳۷۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

این باغ دارای ورودی‌ها، عمارت اندرونی، فضاهای خدماتی، اصطبل، یخچال و برجهای نگهبانی می‌باشد.

عمارت اصلی باغ در ضلع جنوبی و با محور شرقی ـ غربی بنا شده است. این عمارت دارای ۳ بخش است. ۱ ـ حوضخانه ۲ ـ بخش مرکزی ـ اتاقهای ضلع شرقی و غربی حوضخانه

بخش اندرونی باغ که جنوبی‌ترین قسمت باغ است از لحاظ طرح و معماری شباهت زیادی به خانه‌های مسکونی بافت بیرجند دارد. این فضا شامل: حیاط، ایوان، هشتی، فضاهای ارتباطی، راهروها و اتاقهای متعدد در چهار ضلع حیاط می‌باشد. ایوان در ضلع جنوب دارای دو ستون با مقطع دایره و دو نیم ستون می‌باشد. در مرکز حیاط، حوضی با طرح ۸ ضلعی و چهار باغچه کوچک در اطراف به چشم می‌خورد که درختان کاج در آنها کاشته شده است.

فضاهای خدماتی شامل: سرویس بهداشتی، مطبخ، حمام، اتاق‌های خدمه و نگهبانان است که در گوشه جنوب شرقی و نیز در ضلع جنوب عمارت اصلی قرار دارد.

این باغ در چهار گوشه دارای برجهای نگهبانی است.

درختان موجود در باغ شامل درختان تزیینی، سایه‌دار و میوه‌دار از جمله چنار، کاج، سرو، هلو، انار، توت، زردآلو و تاک می‌باشد. درختان باغ بیشتر از گونه کاج می‌باشند که در میان آنها درختان عرعر، انار و گردو به همراه بوته‌های گل چون شقایق، محمدی به چشم می‌خورد. ـ فاطمه حیدری ـ هما ایرانی ـ بهبهانی

باغ کلات نادری: باغ کلات نادری در شهر کلات، شمال شرقی مشهد، در بستری کوهستانی، در میان دو رشته کوه قرار گرفته است: یکی همان است که با نزدیک شدن به شهر کلات چشم‌اندازی حصارگونه دارد و شهر در این حصار قرار دارد و دیگری در سمت شمال است.

مجموعه باغ و عمارت خورشید برای آرامگاه نادر شاه افشار به سال ۱۱۶۰ هـق به دستور وی ساخته شده است. این بنا بعدها در دورانی که آل جلایر (سده سیزدهم هـق) در این منطقه حکمرانی داشته با تغییرهای اندکی به صورت کاخ مورد استفاده قرار گرفت.

عمارت خورشید با معماری ویژه ایرانی، با بخشی استوانه‌ای شکل (۲۰/۹۴ متر از کف زیرزمین و ۱۱/۳۰ متر بلندتر از پوشش طبقه هم کف) ساخته شد. سنگهای پرحجم و سنگین بنا، که موضوع آن‌ها انواع میوه‌های گرمسیری و پرندگانی چون طوطی است. گفته می‌شود احتمال دارد سنگ تراش‌های این بنا را نادرشاه از هند آورده باشد زیرا میوه‌هایی چون موز، آناناس و... در آن زمان در ایران وجود نداشته است تا سنگ تراشان ایرانی توانسته باشند شبیه آنها را حجاری کنند.

از نظام کاشت باغ بجز یک ردیف چنار کهنسال در باغچهٔ غربی باغ و در کوچه غربی باغ که جزو عرصه باغ بوده ۲۲۰ اصله درخت چنار کاشته شد که اکنون باغ با این درختان شکل گرفته است. فاطمه حیدری ـ هما ایرانی بهبهانی.

جاذبه‌های طبیعی در بیرجند:

پوشش گیاهی: در شهرستان بیرجند به لحاظ تأثیر

عوامل مختلف جوی، عامل ارتفاع و وجود اقلیم‌های کوچک، پوشش گیاهی و به تبع آن تنوع جانوری مختلفی وجود دارد:

اقلیم کوهستانی: این بخش به علت ارتفاع زیاد و شرایط جوی مناسب، تنوع گیاهی بیشتری دارد و درختان و درختچه‌های بنه، بادامشک و انجیر کوهی در آن یافت می‌شود. مناطق جنگلی این اقلیم که مناظر چشم نوازی دارند. عبارتند از: جنگل‌های بنه و بادامشک منطقه‌ی آرک و گرنگ، جنگل‌های بادامشک الله در و مناطق رویشی بنه در شمال گزیک.

اقلیم نیمه بیابانی و کوهپایه‌ای: این اقلیم شامل مناطق تپه‌ی ماهوری و دشت‌های مرتفع تر است. درگذشته در این مناطق جنگل‌های تنک بنه وجود داشت. وجود تک درختان، زیبائی این دشت‌ها را دو چندان کرده است. جنگل‌های این مناطق از گونه‌های درختچه‌ای تاغ، گز و قیچ با پوشش گونه‌های مرتعی گون، درمنه و انواع گیاهان داروئی است. مناطق جنگلی «نقاب» در نزدیکی خوسف و جنگل «قیچ» حسین آباد غیناب به عنوان جنگل‌های طبیعی. در مناطق سلم آباد، سربیشه، پهواز، سرچاه عماری و دشت ماژان جنگل‌های دست کاشت تاغ وجود دارد.

اقلیم بیابانی: به علت دما و تبخیر زیاد پوشش گیاهی در این مناطق کم است. در برخی مناطق که شوری خاک بالا است، زمین‌های بسیار مسطح و سفید پوشی که «دق» نامیده می‌شوند، مناظر چشم نوازی را به وجود آورده‌اند. مانند دق‌های «حوض بند» و «کجوند» بین خور و فردوس و دق دشت «گیو و اکبر آباد». رمل‌ها و شن‌های روان در حاشیه‌ی غربی شهرستان بیرجند نیز مناظر زیبائی را به وجود آورده‌اند. از طرف دیگر خروجی حوضه‌های آبریز بیرجند در نزدیکی خور، نیزاری به وسعت سیصد هکتار به وجود آورده که مأمن تعداد قابل توجهی از وحوش است.

آثار و جاذبه‌های طبیعی دره‌ی مردانشاه:

دره‌ی سرسبز مردانشاه در جنوب خضری واقع شده که به علت باورها و اعتقادات مردم، این دره یک مکان تفریحی ـ مذهبی محسوب می‌شود. همین مسأله باعث شده تا پوشش گیاهی آن تا حد زیادی حفظ و سرسبزی دلپذیری را به این دره ارزانی دارد. این مکان به علت نزدیکی به شهر خضری و مناظر زیبای آن می‌تواند مکان مناسبی برای گذران اوقات فراغت و تفریح برای ساکنین شهر خضری دشت بیاض باشد. علاوه بر این دره باغ دهنه، کلاته اکبری، کلاته بادامک و کلاته چنار از مهم‌ترین مراکز تفریحی و ییلاقی در خضری محسوب می‌شوند که میتوانند مورد استفاده گردشگران نیز واقع شود.

نتیجه گیری: بر اساس مستندات تاریخی و آثار به جا مانده از دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان استنباط نمود که شهر خضری دشت بیاض از گذشته‌های دور دارای سابقه تمدنی درخشان بوده و یکی از مراکز مهم سکونتی در جنوب خراسان بزرگ و قهستان آن زمان محسوب می‌شده است. وجود آثار تاریخی به جا مانده از دوره‌های مختلف و موقعیت مناسب این شهر به دلیل واقع شدن در مسیر ارتباطی سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی، موقعیت ویژه‌ای به آن بخشیده است. تنوع جاذبه‌های مختلف گردشگری اعم از طبیعی، تاریخی، زیارتی و سیاحتی در این شهر و حومه‌ی آن می‌تواند، توان بالائی از صنعت گردشگری را ارائه

کند و با توجه به درآمد زائی و اشتغال زائی صنعت گردشگری در شکوفائی اقتصاد این شهر نقش قابل توجهی داشته باشد. ـ جواد مکانیکی ـ دکتر مفید شاطری

بنای آرامگاه ابوالمفاخر: بنای آرامگاه ابوالمفاخر در حاشیه‌ی شهر قاین واقع شده است. این بنا محل دفن ابو محمد حسن ابن منصور از دانشمندان و رجال سیاسی زمان غزنویان است که مدتی وزارت بهرامشاه غزنوی را بر عهده داشته است. تاریخ ساخت بنا به درستی معلوم نیست اما در اواخر دوره‌ی قاجار تعمیراتی در آن صورت گرفته است.

آرامگاه بوذر جمهر قاینی: بنای تاریخی بوذر جمهر قاینی در فاصله‌ی ۳کیلومتری جنوب شهر قاین در دامنه‌ی شیب شمال شرقی کوه ابوذر قرار گرفته است. این بنا در حقیقت مجموعه‌ای است شامل بنای آرامگاه که حالت مرکزیت و محوریت دارد و فضاهای خدماتی و اقامتی است. این بنا محل دفن حکیم و شاعر نیمه‌ی دوم سده چهارم و در اوایل سده پنجم ه.ق همزمان با حکومت غزنویان ابو منصور قسیم ابن ابراهیم قاینی معروف به بوذر جمهر است. در خصوص تاریخ ساخت این بنا اطلاع دقیقی در دست نیست اما در دوران قاجار تعمیراتی به روی آن صورت گرفته است. به خصوص تزئینات موجود در زیر پوشش بقعه که شامل کاربندی‌های گچی است، به دوران قاجار تعلق دارد. در کنار بقعه و در داخل مجموعه، درخت بنه کهنسالی دیده می‌شود که به احتمال فراوان همزمان با بنای اولیه آرامگاه کاشته شده است.

منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری بوذر جمهر قاینی: در فاصله‌ای حدود ۲کیلومتر در جنوب و جنوب شرقی شهر قاین ارتفاعات بوذر جمهر و قلعه‌ی کوه قرارگرفته است. حد فاصل ارتفاعات مذکور و شهر قاین مساحتی در حدود ۹۰ هکتار زمین مسطح قرار دارد که از حیث سرمایه گذاری منطقه بسیار مستعد می‌باشد. در منتهی الیه دامنه‌ی کوه‌ها مقبره‌ی بوذر جمهر قاینی از بزرگان و مشاهیر و بالاتر از آن بر روی ارتفاعات قلعه‌ی کوه قاین قرار دارد. منطقه‌ی مذکور به دلیل مشرف بودن بر شهر قاین و هم جواری با ارتفاعات از پتانسیل‌های بسیار مستعدی جهت رونق صنعت گردشگری برخوردار است.

روستای افین: روستای افین از مراکز مهم شهرستان تاریخی قاین در ۸۵کیلومتری جنوب شرقی قاین قرارگرفته است. این روستا چندین اثر تاریخی از جمله مسجد جامع، قلعه، بافت تاریخی، کاروانسرا، آسیاب‌های آبی، برج‌ها، حوض‌ها و ... مجموعه‌ای از جاذبه‌های تاریخی را در خود جای داده است که به دلیل قرارگرفتن در حاشیه‌ی ارتفاعات و همجواری با درختچه‌های زرشک مجموعه بی نظیری از جاذبه‌های مختلف را با خود به همراه دارد.

روستای خور: روستای خور در ۸۵ کیلومتری غرب شهرستان بیرجند واقع در حاشیه‌ی جاده‌ی بیرجند ـ کرمان قرار گرفته است. وجود آثار معماری با ارزشی از جمله بافت تاریخی و منحصر به فرد به همراه قلعه‌ها، برج‌ها، مساجد قدیمی و انواع بادگیرها چشم انداز تاریخی زیبائی به روستا داده است ضمناً قرارگرفتن در حاشیه‌ی کویر لوت ایران از دیگر مزایای آن می‌باشد.

روستای فورگ: روستای فورگ از توابع شهرستان درمیان در شرق شهرستان بیرجند در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری شهر اسدیه قرار دارد. قلعه‌ی تاریخی و

مشهور فورگ به همراه چشم اندازها و جاذبه‌های طبیعی روستای مذکور، آن را در ردیف روستاهای پر رونق گردشگری قرار دارد.

روستای چنشت: روستای چنشت از توابع شهرستان سربیشه در ۶۰کیلومتری جنوب شرقی شهر بیرجند مرکز استان قرارگرفته است. روستای مذکور که در داخل ارتفاعات جنوب شهرستان بیرجند قرار گرفته است. به دلیل مورفولوژی خاص و موقعیت جغرافیائی آن و هم چنین داشتن مردمی با آداب و رسوم ویژه، وجود امامزاده سید حامد علوی و دو غار معروف، کلکسیونی از انواع جاذبه‌های گردشگری را در خود جای داده است که در اغلب ایام سال گردشگران زیادی از استان و خارج از استان را در خود جای می‌دهد.

روستای ماخونیک: در فاصله‌ی ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان سربیشه شگفت‌انگیز ماخونیک قرار دارد که همه ساله محققان، پژوهشگران، مردم‌شناسان و باستان شناسان زیادی را به این روستا می‌کشاند. روستای مذکور به دلیل داشتن مردمی با ویژگی‌های خاص، شیوه‌ی زندگی و آداب و رسوم در زمره‌ی روستاهای شگفت‌انگیز محسوب می‌شود.

روستای ماخونیک هیچ سابقه‌ی تاریخی مکتوب ندارد و فقط کلنل چارلز در زمان ناصر الدین شاه در کتاب سفرنامه خراسان و سیستان به توصیف منطقه‌ی ماخونیک که احتمالاً مشتمل بر همین ۱۲ روستا بوده پرداخته است.

منطقه‌ی ماخونیک متشکل از ۱۲ آبادی است که روستای ماخونیک بزرگ‌ترین آن هاست. معمولاً تمامی ساکنین این ۱۲ روستا را در شهر به عنوان ماخونیکی می‌شناسند. این روستاها عبارتند از: ماخونیک، کفار: چاپنسر، توتک، سفالبند، سولابست، لجونک، (سفلی و علیا) کلاته بلوچ، دامدامه و میشی نو، خارستو، جلارو، اهالی این روستاها از نظر مذهب، معیشت، شیوه‌ی زندگی و اوضاع اجتماعی با یکدیگر وجه اشتراک زیادی دارند ولی غالب این روستاها اصل و نسب خود را از روستای ماخونیک می‌دانند و گفته شده که افرادی از ماخونیک رفته و این روستاها را تشکیل داده‌اند.

روستاهای مصعبی و کریمو: در ۲۰ کیلومتری شمال شهر سرایان ارتفاعات زنجیره‌ای قرار گرفته‌اند که مناطق خوش آب و هوائی در داخل آن پدید آمده‌اند. منطقه‌ی زیبا و ییلاقی مصعبی و کریمو که در حال حاضر دو روستای متفاوت به نام‌های مذکور می‌باشند به دلیل داشتن مناظر و چشم‌اندازهای زیبا و دره‌های سر سبز و هم چنین دو آرامگاه امامزاده سلطان کریم شاه و سلطان مصیب مسافر زیادی به آن جا مراجعه می‌نمایند.

تاریخچه منطقه هلالی: از دیرباز به علت برخوردار بودن از پوشش درختان بنه و چشم اندازهای زیبا و دره‌های با صفا مورد توجه مردم دیار جنوب خراسان بوده است. سوابق تاریخی حاکی از آن است که در نواحی دشتی این منطقه آهو در گله‌های بیش از ۱۰۰ تا ۲۰۰ راس به چرا مشغول بوده و علاوه بر آهو گونه جبیر که امروز نسل آن در معرض تهدید، و یوزپلنگ آسیایی که در معرض انقراض قرار گرفته‌اند، در گذشته دور از زیستمندان این عرصه طبیعی بوده‌اند.

بیشترین آسیب و تخریب را منطقه طی یکصدسال گذشته از ناحیه بروز خشکسالی‌های متوالی و به میان آمدن تفنگ و خودروهای سریع الحرکت بخصوص موتور سیکلت دیده و متحمل گردیده است. اگرچه گذشت زمان و حرص

سیری‌ناپذیر انسان، امروز این منطقه را از وجود چنین گونه‌های باارزشی محروم نموده است، ولی هنوز هم به خاطر نوع ساختمان زمین وشرایط توپوگرافیکی آن از جایگاه زیستی با ارزشی برخوردار می‌باشد.

گزارشات حاکی از آن است که این منطقه بخاطر غنای طبیعی باارزش آن همیشه مورد توجه حکام و شکارچیان رسمی منطقه بوده و بعنوان یکی از شکارگاههای خوب آن نواحی مطرح بوده است.

همین ویژگیها کارشناسان و علاقمندان به طبیعت را تشویق نمودتا به منظور حفظ آنچه که باقی مانده است و به امید تجدید حیات مجدد و بازگشت رونق گذشته حرکتی سازنده را آغاز نمایند. این حرکت و تلاش که نهایتاً منجر به توجه کارشناسان محیط زیست به منطقه یاد شده گردیده، اداره کل محیط زیست خراسان را بر آن داشت تا با دیدی تازه به منطقه نگاه کرده و شرایط منطقه را از نظر ارزش‌های زیست محیطی بررسی نماید.

نتیجه بررسیها که حاکی از وجود پتانسیلهای مثبت در منطقه یاد شده بود باعث گردید پیشنهاد ممنوعیت شکار منطقه به سازمان حفاظت محیط زیست ارائه گردد. و پس از بررسی عملاً از سال ۱۳۷۶ برای مدت ۵ سال به عنوان منطقه تیراندازی ممنوع مورد موافقت قرار گرفت.

سالها کنترل و حفاظت بر ویژگیهای باارزش زیست محیطی منطقه افزوده و جمعیت جانوری آن در حال حاضر تثبیت گردیده است. برابر آخرین گزارش در سال ۸۰ جمعیت گونه‌های جانوری شاخص مثل قوچ و میش وکل و بز و آهو حدود ۳۰۰ راس برآورد گردیده و این در حالی است که قبل از شروع حفاظت این گونه‌ها به ندرت دیده می‌شدند. منطقه در حال حاضر از نظر ویژگیهای اکولوژیکی از جایگاه با ارزشی برخوردار شده است و براین اساس پیشنهاد ارتقاء آن به سطح منطقه حفاظت شده اعلام و در دستور کار سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفته است.

محیط طبیعی هلالی : منطقه هلالی در گستره خود ترکیبی از مناطق کوهستانی، دشتی و تپه ماهوری می‌باشد. دشت بیش از ۲/۳ درصد مساحت نواحی شمالی و شمال شرقی منطقه را فراگرفته است. ارتفاع منطقه از پست‌ترین نقطه آن در نواحی شمال و شرق که دارای ارتفاعی حدود ۱۱۰۰ متر می‌باشد، با شیبی حدود ۱/۵ درصد به سمت جنوب و غرب منطقه افزایش می‌یابد.

تپه ماهورهای پست با اختلاف ارتفاعی از ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ متر و مسیلهای فراوان وکم عمق از ویژگیهای نواحی دشتی منطقه است که جلوه‌ای خاص به منطقه بخشیده است.

نواحی کوهستانی منطقه قسمتهای جنوب و غرب منطقه را فراگرفته است. بلندترین نقطه این ارتفاعات قله‌ای است بر فراز کوه امرودکان در منتهی الیه جنوب منطقه که از فراز آن قسمت اعظم منطقه قابل رویت است.

از دیگر کوه‌های منطقه می توان کوه کلات، کوه النگ، کوه سیاه و کوه کمر زرد را نام برد که در فصول مختلف و جمعاً در طول حدود ۳۰کیلومتر قرار گرفته‌اند. ارتفاع از بلندترین نقطه به سمت شمال منطقه با شیب حدود ۳/۵ درصد تا رسیدن به مناطق تپه ماهوری کاهش می‌یابد.

تپه ماهورها که مرز بین دشت و کوهستان را به خود اختصاص داده‌اند عموماً با بافتهای ریز و

درشت تا سنگی و از ارتفاع ۱۳۰۰ متر تا ۱۵۰۰ متر در محدوده وسیعی دیده می‌شوند.

دره‌های امرودکان، آهنگ، سیب و جنوباً با جهت شرقی غربی مهمترین دره‌های منطقه را تشکیل می‌دهند که به خاطر وجود جریان دائمی در آنها چشم اندازهای زیبا برخوردار شده‌اند.

وجود درختان کهنسال و تعدادی چشمه هر چند که از جریان پایه بالایی برخوردار نیستند بر ویژگیهای اکولوژیکی این دره‌ها افزوده و جلوه‌های خوبی را ایجاد نموده است.

جامعه جنگلی بنه بسته به شرایط محیطی منطقه از تنک تا متراکم در اکثر نقاط دیده می‌شود. تنوع و گستردگی پوشش گیاهی در داخل این دره‌ها علاوه بر ایجاد چشم اندازهای پر جذبه بر تنوع زیستی منطقه اثر مثبت گذاشته و گونه‌های جانوری در این دره‌ها از تنوع بیشتری برخوردار شده‌اند.

شرایط اقلیمی منطقه هلالی: منطقه هلالی بر اساس طبقه بندی دومارتن از اقلیم خشک و بیابانی با تابستانهای گرم و زمستانهای سرد برخوردار می‌باشد. متوسط درجه حرارت سالانه حدود ۱۴ درجه سانتیگراد است. گرمترین ماه سال تیرماه با میانگین ۳۴/۹ درجه سانتیگراد و سردترین ماه، دی ماه با میانگین ۳/۱ - درجه سانتیگراد ثبت شده است. حداقل مطلق درجه حرارت برای منطقه در دی ماه ۳۲- و حداکثر مطلق در تیرماه ۴۶ درجه سانتیگراد گزارش شده است که این به معنای اختلاف شدید درجه حرارت فصول مختلف سال می‌باشد. بارندگی منطقه از رژیم یکنواختی برخوردار نیست و بیشترین میزان بارش که متوسط سالانه آن حدود ۱۷۰ میلیمتر است در زمستان اتفاق می‌افتد.

منابع آب منطقه: ارتفاعات منطقه به علت گسترش محدود سازندهای پالئوزوئیک و نفوذ توده‌های ولکانیکی و آندزیتی از نظر ذخیره و تغذیه منابع آب چندان قابل توجه نیستند. بر این اساس در این منطقه رودخانه‌ای که از جریان دائمی برخوردار باشد دیده نمی‌شود.

چشمه‌های فصلی در سالهای خشک شامل آن قسمت از منابع آبی منطقه می‌گردد که در حالت عادی اگرچه از میزان آبدهی آنها به مقدار زیادی کاسته می‌گردد ولی کاملاً خشک نمی‌گردند. منتهی همین چشمه‌ها چنانچه خشکسالی ایجاد شود مخصوصاً اگر برای ۲ تا ۳ سال تداوم داشته باشد فقط طی فصل زمستان تا حداکثر اوایل تابستان دارای آبدهی هستند و بعداً خشک می‌گردند.

چشمه‌های مهم هلالی: ۱- چشمه جمال ۲- چشمه خدر ۳- چشمه نیزار ۴- چشمه شور ۵- چشمه آقانور ۶- چشمه قاچ کوه زرد ۷- چشمه میرزا محمد ۸- چشمه مالو ۹- چشمه زرد ۱۰- چشمه کردکه ۱۱- چشمه روک بالا ۱۲- چشمه روک پایین ۱۳- چشمه چنارون ۱۴- چشمه صخره انجیر ۱۵- چشمه نای قیبه ۱۶- چشمه بن جوز ۱۷- چشمه گل ۱۸- چشمه توقی ۱۹- چشمه قرشماری ۲۰- چشمه سیقی سنو ۲۱- چشمه لوک سیاه ۲۲- چشمه آسمانی ۲۳- چشمه تک چاه ۲۴- چشمه سبقی زیبر ۲۵- چشمه سرخو

کانونهای جمعیتی و سکونتگاهها: منطقه هلالی بین شهرهای گناباد، بجستان و فردوس قرار گرفته و تعداد ۲۹ روستا با جمعیتی حدود ۸۳۴۴ نفر در داخل حاشیه منطقه واقع گردیده‌اند که ۹ روستا در مرز و حاشیه منطقه و بقیه در داخل منطقه واقع شده‌اند و در زمینه‌های کشاورزی و دامداری

فعالیت دارند.

زمین‌شناسی هلالی: منطقه هلالی از نظر ژئومورفولوژی به سه واحد کوهستان، تپه ماهور و دشت تقسیم می‌گردد. کوهستانهای منطقه در قسمتهای جنوب تا جنوب غربی واقع شده‌اند. بلندترین و پست‌ترین نقطه منطقه به ترتیب در منتهی الیه جنوبی با ارتفاع حدود ۲۶۰۰ متر و در منتهی الیه شمالی با ارتفاع حدود ۱۳۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته‌اند.

از جنوب به سمت شمال با شیبی حدود ۴۰٪ از ارتفاع کوهستانهای منطقه کاسته می‌گردد. پوشش گیاهی در قسمتهای جنوبی کوهستانهای منطقه بیشتر از قسمت شمالی آن می‌باشد. کوهستانها حدود ۳۰٪ و تپه ماهورها حدود ۵۰٪ منطقه را در بر گرفته‌اند.

تنوع جانوری منطقه شکار ممنوع هلالی: از حیات وحش منطقه هلالی تا حدودی پرندگان و پستانداران و خزندگان مطالعه شده و به سایر راسته‌ها مانند حشرات، بند پایان و دوزیستان توجهی نشده است. شرایط آب و هوایی، وضعیت توپوگرافی (دشتی و کوهستانی) و تنوع پوشش گیاهی منطقه را محیط مناسبی برای زندگی انواع خزندگان نموده است بطوریکه از ۸ خانواده و ۱۱۲ گونه سوسمارهای ایران ۵ خانواده شامل ۶ گونه agamaidae، ۴ گونه gekkonidae، ۷ گونه varanidae، در این منطقه وجود دارد و از راسته مارها که در ایران شامل ۷ خانواده و ۶۳ گونه خشکزی و ۹ گونه دریایی هستند دراین منطقه چهار خانواده شامل یک گونه از boidae و ۷ گونه شامل celubridae، و سه گونه از viperidae و یک گونه elapidae شناسایی شده‌اند.

پرندگان منطقه شکارممنوع هلالی: beardsof helaly protected area

پرندگان از اجزای اصلی اکوسیستم‌ها بوده و در میان مهره داران به سبب برخورداری از قدرت پرواز صاحب وسیعترین زیستگاه‌ها بوده و از مشخصه‌های مهم اکولوژی محیط محسوب می‌شوند. منطقه شکار ممنوع هلالی به دلیل برخورداری از دو نوع اکوسیستم کوهستانی و دشتی زیستگاه بسیار مناسبی برای انواع پرندگان بوده بطوریکه از ۵۰۲ گونه پرنده شناسایی شده در کشور ۸۳ گونه آن در حدود ۱۶/۵٪ پرندگان کشور بصورت بومی، مهاجر و مهاجر عبوری در فصول مختلف سال در این منطقه مشاهده می‌شوند که حدود ۵۰/۶ ٪ آن مهاجر و ۶،۵٪ آن مهاجر عبوری هستند. از پرندگان شکاری منطقه سارگپه پابلند، عقاب طلایی، بالاابان، بحری و دلیجه بومی و بقیه مهاجر هستند.

از پرندگان خانواده قرقاول (ماکیان سانان) که زیستگاهشان مناطق کوهستانی و دشتی بوده و مورد توجه هستند دو گونه کبک و تیهو و از خانواده هوبره که پرندگانی بزرگ باگردن و پاهای نسبتاً بلند و رنگ خاکستری تا سفید و سیاه و باقدرت پرواز زیاد میباشند و ازکوکرها سه‌گونه و از کبوترها دو گونه که همگی بومی این منطقه هستند مشاهده میگردد.

خانواده قرقاول (ماکیان سانان) : ۱- کبک ۲- تیهو ۳- هوبره

از خانواده شبگردها که حشره خورهایی هستند و در نورکم (غروب) نیز فعال بوده و دارای نوک کوچک، دهان بزرگ که برای صید حشرات در حال پروازکاملاً بازو با سرو چشمهای درشت و گردن کوتاه می‌باشند، از خانواده بادخورک که دارای رنگ سبز و شفاف و بالهای دراز و نوک تیز

هستند و از خانواده‌های سبز قبا و هدهد به صورت مهاجر گونه‌های زیر مشاهده می‌شوند.

از دسته گنجشک سانان و چکاوک‌ها که کـه پرندگان کوچک تا متوسط جثه و خوش آواز و عمدتاً به رنگهای خاکی، قهوه‌ای و خاکستری هستند و از پرستوها که پرندگانی کوچک جثه باریک اندام، دهان گشاد و نوک کوتاه هستند و از دم جنبکها گونه‌های زیر مشاهده می‌شوند.

خانواده پرستو - چکاوک - دم جنبانک :از خانواده‌های سنگ چشم - سار - کلاغ - صعوه - سسک و گونه‌های زیر در این منطقه قابل رویت هستند.

خانواده سنگ چشم، سار، کلاغ، صعوه: از سسک‌ها که پرندگانی پرجنب و جوش با بالهای نوک گرد و کوتاه و نوک باریک و جثه کوچک هستند، از مگس گیرها که پرندگانی کوچک با رنگهای خاکی قهوه‌ای و سیاه سفید با نوک تخت مناسب گرفتن حشرات می‌باشند گونه‌های زیر دیده می‌شود.

خانواده توکا : گونه‌های مربوط به این خانواده از جمله پرنده‌های زیبایی هستند که در میان آنها بهترین خوانندگان عالم نظیر بلبل،گلو آبی، توکای سیاه، توکای باغی وجود دارد. دم اغلب آنها مستطیل شکل بوده و اغلب از حشرات،کرم، میوه و دانه گیاهان تغذیه می‌کنند. خانواده کمرگلی که پرندگانی کوچک اندام بادم کوتاه هستند از دیگر گونه‌های موجود در منطقه است.

از خانواده سهره که پرندگانی کوچک با نوک کوتاه و مخروطی با پرواز موجی هستند و بر حسب نوع در زیستگاههای مختلف زندگی می‌کنند. ۵ گونه از زردپرها که بسیار شبیه سهره‌ها هستند و دمشان دراز و پروازشان سریع و موجی است ۳ گونه و از گنجشک‌ها که آنها نیز سهره مانند هستند و دارای منقار کلفت و مخروطی و پروازشان قوی و مستقیم و موجی است ۵ گونه در منطقه زیست می‌کنند.

پستانداران منطقه : پستانداران سراسر کره زمین شامل سه گروه تخمگذاران، کیسه داران و جفت داران هستند و پستانداران ایران به گروه جُفت داران تعلق دارند. پستانداران تکامل یافته‌ترین موجودات می‌باشند و بدنشان از مو پوشیده شده و دارای پستان هستند و به علت خون گرم بودنشان قادرند دمای بدنشان را تقریباً ثابت نگه دارند و به همین علت بیشترین سازگاری را با محیط‌های مختلف که از لحاظ فاکتورهای مهم آب، غذا، امنیت و پناهگاه تامین هستند دارا می‌باشند. در ایران ۱۴۹ گونه پستاندار خشکزی به علاوه ۱۱ گونه دریایی شناسایی شده‌اند. منطقه هلالی به دلیل دارا بودن دو اکوسیستم کویری و کوهستانی از تنوع جانوری خوبی برخوردار بوده و زیستگاه مناسبی برای پستانداران بومی مناطق استپی کشور می‌باشد. در این منطقه از راسته حشره خواران یک گونه خارپشت ایرانی و از خفاشها ۳ گونه و از راسته جوندگان ۱۰ گونه و راسته گوشتخواران که در رأس هرم اکولوژیکی منطقه قرار دارند ۸ گونه شامل پلنگ، گرگ، کفتار، روباه، شغال، گربه وحشی، کاراکال، سمور و از علفخواران چهارگونه شامل قوچ، میش، کل و بز، آهو، گراز در این منطقه زیست می‌کنند.

راسته گوشتخواران carnivora : گوشتخواران خصوصیات متفاوتی با یکدیگر دارند. پاره‌ای از آنها کوچک و پاره‌ای عظیم الجثه می‌باشند. تعدادی از آنها کم خوراک هستند و تعدادی نیز غذای زیادی مصرف می‌کنند. راسته گوشتخواران

در ایران شامل ۶ خانواده و ۲۹ گونه می‌باشد. اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان

تاریخچه : پیشرفت تکنولوژی و به موازات آن استفاده غیر عاقلانه از مواهب طبیعت لطمات شدیدی را بر پیکره طبیعت و محیط زیست انسانی وارد نموده است. این حرکت نابخردانه که بدون توجه به اصول بهره وری پایدار و اصل پایداری اکوسیستم‌ها مسیر خود را طی نموده تا کنون منجر به نابودی تعداد زیادی از گونه‌های گیاهی و جانوری گشته است.

آگاهی از پیامدهای خطرناک تخریب محیط زیست کشورهای جهان را بر آن داشت تا نسبت به این مسئله حساسیت نشان دهند و مناطقی از خاک کشور خود را به منظور حفظ و بقای گونه‌های گیاهی و جانوری تحت کنترل و حفاظت قرار دهند که مناطق حفاظت شده و پارکهای ملی از این گونه می‌باشند. اگرچه قرق کردن مناطقی از هر کشور از گذشته‌های دور تحت عنوان نخجیرهای اختصاصی سلاطین و ملوک مطرح بوده و تحت کنترل و حفاظت قرار می‌گرفته است، ولی آنچه که امروز انسان را وا داشته تا این مناطق را کنترل نماید نه فقط بحث شکار و سودجویی مطرح می‌باشد بلکه هدف عالی‌تر آن حفاظت از این گونه‌ها است که امروز در سایه تکنولوژی پیشرفته موجود شدیداً آسیب‌پذیر گشته است. منطقه حفاظت شده سالوک نیز بر همین اساس از سال ۱۳۵۲ تحت حفاظت قرار گرفته است. این منطقه که با حدود ۱۶۰۰۰ هکتار مساحت در شمال غربی شهر اسفراین واقع شده است از نظر تاریخی نیز دارای بعضی آثار با ارزش می‌باشد که به صورت قلعه‌های باستانی مربوط به قبل و بعد از اسلام دیده میشود. از بهترین این اثرها می توان از قلعه معروف سالوک یا صعلوک در شمال غربی منطقه نام برد که در انتهای دره زاری و بر فراز صخره‌های صعب العبور سالوک بنا گشته است. به این اثر که به عنوان یک دژ نظامی از آن بهره برداری می‌شده است، در زمان حمله مغول مورد تاخت و تاز قرار گرفته ولی علی رغم تلاش زیاد موفق به تسخیر آن نشدند. این منطقه که از نظر تیپ‌های گیاهی و گونه‌های جانوری از تنوع مطلوبی برخوردار بوده است پس از شناسایی و معرفی به استناد مصوبه شماره ۴۸ مورخ ۵۲/۹/۲۰ شورایعالی حفاظت محیط زیست بعنوان منطقه حفاظت شده سالوک رسماً آگهی می‌گردد. از آن تاریخ تاکنون منطقه شاهد تحولات مثبتی در روند افزایش گونه‌های گیاهی و جانوری بوده، به‌گونه‌ای که امروز یکی از مناطق شاخص نه تنها در استان بلکه در سطح کشور می‌باشد.

آثار باستانی و جاذبه‌های گردشگری غار فارسان: در ۸۸ کیلومتری شمال غرب قاین و ۵ کیلومتری شمال روستای نغوری، بر دامنه‌ی جنوبی یک کوه بزرگ، سه دهنه غار وجود دارد. یکی از این غارها که بزرگ‌ترین غار نیز بوده است در گذشته‌های بسیار دور فرو ریخته و از آن تنها یک هلال پل مانند پیشانی باقی مانده است. سقف این غار ضخامت زیادی نداشته و بر اثر زلزله فرو ریخته است. کف این غار بسیار ناهموار و شیب دار است و به همین دلیل صخره‌ها ریزش کرده و به پای کوه غلتیده و آثار احتمالی کف غار نیز به مرور زمان شسته شده و اثری از لایه‌های استقرار وجود ندارد.

در سمت چپ این دهانه‌ی پل مانند، غار دیگری وجود دارد که دارای فضای وسیع و دهلیزهای فرعی متعدد است. تالار اولیه‌ی آن

بسیار رفیع است و حدود ۸ متر ارتفاع دارد و سقف آن به شکل خرپشته‌ای می‌باشد. در ابتدای این تالار حوض نسبتاً بزرگی وجود دارد که در حال حاضر تنها گوشه‌ای از آن نمایان است و بقیه قسمت‌های آن در زیر توده‌های خاک و سنگ پنهان است. این حوض از مصالح سنگ و آجر و ساروج ساخته شده و به احتمال قوی مربوط به دوره‌ی سلجوقی می‌باشد.

در این دوره فدائیان اسماعیلی، هر غار و قلعه‌ای را که دور از دسترس بوده و جهت سکونت مناسب بوده، در اختیار گرفته و از آن استفاده کرده‌اند.

این غارها دارای لایه‌های باستانی قابل کاوش می‌باشد. سفال‌های پراکنده اکثراً مربوط به دوره‌ی سلجوقی است و سفال‌های صدر اسلام، دوره‌ی تاریخی و پیش از تاریخ نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود. این غارها حداقل از دوره‌ی میان سنگی مورد توجه انسان بوده و از ان به عنوان یک سکونت گاه امن استفاده می‌شده است. غار فارسان علاوه بر این که از دیدگاه باستان‌شناسی حائز اهمیت است، از نظر دارا بودن عارضه‌ی پل مانند زیبای آن که تنها اثر باقیمانده از غار بزرگ می‌باشد درخور توجه است. این غار حداقل در بیست هزار سال پیش بر اثر یک زلزله‌ی مهیب فروریخته است. در شرایط آب و هوائی فعلی هیچ گونه اثری از آب جاری و یا چشمه در نزدیکی این غارها وجود ندارد ولی در داخل غار وجود بقایای یک حوض مؤید تلاش انسان برای دسترسی به آب می‌باشد. این پدیده‌ی جغرافیائی از توان‌های بالقوه گردشگری شهر خضری دشت بیاض محسوب می‌شود که بازدید از آن برای گردشگران می‌تواند جذابیت خاصی داشته باشد.

مسجد جامع خضری: این بنای تاریخی ـ مذهبی مقدس به استناد کتیبه سردر آن، در سال ۱۲۳۰ ه.ق. حدود ۲۰۰ سال قبل توسط فردی به نام میر سمعی بنا شده است. بنای اولیه آن با خشت و گل بوده است و در سال ۱۳۴۱ ه.ش. توسط مرحوم کربلائی حسن بهشتی تجدید بنا شده است. در زلزله ۹ شهریور ه.ش. تخریب شده و مجدداً توسط نامبرده در سال ۱۳۵۱ ه.ش تجدید بنا می‌گردد. در کتیبه‌ی سردر مسجد جامع خضری اشعاری وجود دارد که در آن به بانی مسجد به نام میرسمیع و همچنین سال اتمام بنا که ۱۲۳۰ ه.ق. بوده، اشاره گردیده است.

این مکان شامل دو قسمت است: یکی مسجد و دیگری حسینیه که کاملاً چسبیده به هم هستند و در ظاهر یک واحد محسوب می‌شوند. زیربنای مسجد ۵۶۵ متر و زیربنای حسینیه ۳۸۵ متر است که در مجموع ۱۰۰۰ متر مربع زیر بنا دارند.

علاوه بر مسجد، آب انبار بسیار بزرگی که به قدمت خود مسجد می‌باشد، در نزدیکی مسجد وجود دارد که این آب انبار به هنگام بازسازی مسجد بازسازی شده است و تا چندی قبل آب سرد شیرین و گوارایی را برای تشنگان فراهم می‌کرده و هم اکنون نیز مورد استفاده واقع می‌شود. این آب انبار، تنها آب انبار سالم از جمله آب انبارهای متعددی است که در شهر خضری در گذشته وجود داشته است. بنابراین حفظ این اثر به عنوان یک اثر تاریخی ـ باستانی از اهمیت برخوردار است (شهرداری خضری دشت بیاض، سال ۱۳۸۱: ۶).

مسجد حاج شیخ: این مسجد در سال ۱۳۳۰ ه.ق. به وسیله‌ی پیش نماز ده، حاج غلام رضا حیدری، که زمین آن را شخصی به نام حیدر علی واگذار

کرده بود، ساخته شد. این مسجد هم دارای حسینیه بوده و از نظر موقعیت درگذشته چون در کنار مظهر قنات بوده، مورد توجه بیشتر اهالی قرار می‌گرفته و اکثر مراسم بجز ایام محرم در این مسجد برگزار می‌شده است.

مسجد جامع دشت بیاض: دشت بیاض به عنوان یکی از نقاط تاریخی مهم در قاینات، دارای عناصر طبیعی ویژه‌ای بوده که از قدمت زیادی برخوردار است. مسجد جامع دشت بیاض یکی از این عناصر است.

به استناد قدیمی‌ترین سند وقفی موجود در نمایندگی اوقاف و امور خیریه خضری دشت بیاض، بنای اولیه ساخت این مسجد به ۹۲۰ه.ق. می‌رسد و بانی آن، امیر رفیع الدین می‌باشد. این مسجد دارای ۸۰۰ متر مربع مساحت بوده‌که ۳۰۰ متر مربع آن صحن و بقیه زیر بنا بوده است. علاوه بر ایوان، دارای خانه‌ها و رواق هائی (پیش ایوان) بوده که در مواقع سوگواری، زنان برای نشستن از آن استفاده می‌کردند. ارتفاع ایوان آن حدود ۱۱ متر بوده ولی گویا درگذشته ارتفاعش بیشتر بوده که بر اثر زلزله حدود ۳ متر از ارتفاع آن‌کاسته شده است. در ساختمان این بنا از آجر و خشت استفاده شده و قطر دیوار ایوان آن نزدیک به یک متر و نیم بوده است.

زیارتگاه امام زاده عبدالله کارشک: در کتاب انساب رضوی (نسخه‌ی خطی به شماره‌ی ۵:۳۵۹۱)، درخصوص نسب این امام زاده است: «امام زاده عبدالله فرزند موسی الجون بوده، کنیه موسی ابوالحسن و چون لون مبارکش اندکی به سیاهی مایل بود او را جون لقب نهاد و عقب او از دو پسر است، عبدالله که شیخ صالح گفتندی و او را رضا نیز لقب داده بودند. مأمون می‌خواست او را ولیعهد سازد، ابا نموده بگریخت و در بادیه اقامت نمود تا همانجا دعوت حق را لبیک اجابت نمود».

قلعه‌ی دختر: قلعه‌ی معروف به قلعه‌ی دختر در جنوب خضری روی کوهی واقع شده است. دیوارهای اطراف قلعه با سنگ و ملات ساروج ساخته شده و اطاق‌هایی با پوشش سقف سنگی، دور تا دور قلعه را احاطه کرده است و در یک قسمت آن آب انبار بزرگی وجود داردکه به دلیل ریزش پر شده است. احتمالاً این قلعه از بقایای قلاع اسماعیلیه در منطقه‌ی قاینات می‌باشد.

قلعه‌ی جعفری: قلعه‌ی جعفری در دشت خضری و در جانب شرق خضری واقع شده است. این مکان بنا به اعتقاد ساکنین محل قبل بر این، محلی آباد بود و دارای هفت رشته قنات بوده است. بنا به اطلاعات محلی قنات مشهور به جعفری، قبل از ورود اعراب مسلمان به منطقه به قنات گبری مشهور بوده و بیانگر این است‌که این مکان حداقل قبل از اسلام دارای سکنه بوده که احتمالاً بر اثر حوادث طبیعی از قبیل زلزله، آبادی و رونق خود را از دست داده است. تحقیقات باستان‌شناسی در این منطقه می‌تواند‌گوشه هائی از تمدن ناشناخته در این محل را روشن سازد.

قلعه‌ی کهنه‌ی قدیمی میم: از دیگر آثار قدیمی میم، قلعه است که به نظر می‌رسد یک نوبت مخروبه شده و مجدداً با دیوار و برج و باروی گلی ساخته شده است. قسمتی از ساختمان‌های داخل قلعه تا دهه‌ی ۴۰ شمسی به عنوان انبار غله و کاه مورد استفاده اهالی قرار می‌گرفت و افراد معدودی هم در قلعه سکونت داشتند. در دیوارهای برخی از خانه‌های متروک قلعه، خمره‌های سفالی زیادی نصب گردیده که گویا برای ذخیره آب و یا غله از

آن‌ها استفاده می‌شده است.

قلعه و برج و باروهای خضری: به منظور حفاظت ساکنین شهر در مقابل حملات اقوام خارجی بخصوص در دوره‌ی ترکمن تازی، قلعه‌ای بزرگ در غرب خضری به نام قلعه خان ساخته شده بود که هر خانوار در درون آن برای خود خانه‌ای داشته است. این قلعه توسط محمد ناصر خان ثقفی رئیس طایفه که در این محل ساکن بود ساخته شده است. به هنگام حمله‌ی دشمن و ناامنی، ساکنین به داخل قلعه پناه برده و درب آن به وسیله‌ی سنگ بزرگی بسته می‌شد. دور تا دور این قلعه برج هائی جهت مراقبت وجود داشت. در حد فاصل خضری تا دشت بیاض سه برج به نام‌های برج خان، برج میانی و برج قلعه وجود داشت. علاوه بر این، در دشت خضری نیز برج‌های متعددی ساخته شده بود که به هنگام وقوع خطر و هجوم اقوام مهاجم، نگهبانان به کمک علائمی از قبیل دود یا آتش ساکنین را مطلع می‌ساختند. از جمله برج‌های سطح دشت نیم بلوک می‌توان به برج‌های آغال کاهی، برج سنگر، برج کله کنده، برج کربلائی علی حسین خان و برج پنبه‌ای اشاره نمود.

قنات دشت بیاض: دشت بیاض در گذشته دارای قنات‌های بیشتری بوده است، به طوری که در گزارش اسمیت (۳۴۵:۱۸۷۶) که مربوط به سال ۱۸۷۲ م. می‌شود، آمده است: «دشت بیاض دارای چهار قنات بود که یکی از آن‌ها که گفته می‌شود توسط گبرها (زرتشتیان) ساخته شده بود، هیچگاه خشک نمی‌شد.»

مناطق حفاظت شده در بیرجند

منطقه‌ی شکار ممنوع آرک و گرنگ: این منطقه تپه‌ی ماهوری و کوهستانی دارای جنگل‌های بنه و بادامشک زیبائی است و از تنوع جانوری عمده‌ای برخوردار است. گونه‌ی جانوری قابل توجه در این منطقه، کل و بز است و دیگر گونه‌های پستاندار نظیر قوچ و میش، کفتار، گرگ، روباه و انواع پرندگان از قبیل عقاب، هما، دلیجه، قرقی، کبک، تیهو و کمر کلی نیز در آن یافت می‌شود.

منطقه‌ی شکار ممنوع درمیان: به لحاظ وفور قوچ و میش در ارتفاعات درمیان و هم چنین سایر پرندگان و پستانداران در این محل منطقه شکار ممنوع ایجاد شده است.

آبشارها

آبشار گیوک (بیرجند): این آبشار در انتهای دره‌ای سرسبز قرار دارد و مجموعه‌ای از چندین آبشار است و مرتفع‌ترین آن‌ها هشت متر ارتفاع دارد.

آبشار چهارده (بیرجند): این آبشارها در انتهای دره‌ای به همین نام در ارتفاعات باقران در شمال بیرجند قرار دارند. در اولین و مرتفع‌ترین این آبشارها آب از ارتفاع حدود هفت متری به پائین سرازیر می‌شود.

قنات‌ها:

بیرجند: در حال حاضر در شهرستان بیرجند ۱۳۵۳ رشته قنات بایر و دایر وجود دارد. مهم‌ترین این قنات‌ها عبارتند از:

قنات قصبه: این قنات که مادر چاه آن در دشت بجد قرار دارد و هنوز جاری است، در شرقی‌ترین نقطه‌ی شهر و مظهر آن درست در مقابل حسینیه شوکتیه است. آب این قنات چون از لایه‌های نمکی عبور می‌کند، شور است. از این آب برای کشاورزی استفاده می‌شود و قنات قصبه از جمله‌ی

قنات‌های قدیمی است که پیش از ظهور اسلام به دست زردشتیان و همزمان با قنات گناباد احداث شده است.

قنات کوشه (عباس آباد): ایـن قـنات کـه از کوهپایه‌های شـمالی و شـمال غـربی بـیرجـند سرچشمه می‌گیرد، در جنوب غربی محل معروف پائین شهر ته ده جاری است و مظهر آن در پایاب این محله قرار دارد. آب این قـنات از آب قـنات قصبه کم‌تر و شورتر است و به هیچ وجه قـابل آشامیدن نیست.

قنات خیرآباد: به جز این دو قنات که هر دو در دامنه شیب جنوبی تپه‌ی شهر جـاری است، در محله خیرآباد از آب کاریز روستائی به نام خیرآباد هم استفاده می‌شد. این قنات را «میرزا محمد علی» نامی که در اواخر سده‌ی سیزدهم شمسی مستوفی قاین بود، ساخت و مـقداری از آب آن را بـرای حمام، تکیه و مصلی و کاروانسرایی که ساخته بود، وقف کرده بود.

چشمه‌های آب معدنی

چشمه‌های آب معدنی بیرجند:

– چشمه‌ی آب گرم لوت: ۱۰۰ کیلومتری غرب شهرستان بیرجند.

- چشمه‌ی آبترش سربیشه: در ۷۰ کیلومتری شرق بیرجند.

- آب‌گرم ابراهیم رضا: شهرستان سرایان.

آرامگاه ابن حسام خوسفی شاعر مـعروف: ۲۵ کیلومتری غرب بیرجند شهر خوسف.

چشمه‌های آب گرم: گرماب (آب جوش) واقع در محل فدشک بخش خوسف، گـرماب واقـع در روستای نصر الدین بخش در میان، کل ترش واقع در کلاته محمد بیک، کل ترش واقع در جـاده‌ی نهبندان، آب معدنی سیاه دره‌ی واقـع در کـلاته سلیمان، گوآب روستای خوسف و کل آب ترش شهرستانک بخش خوسف دهستان براکوه.

مسیرهای گردشگری استان خراسان جنوبی:

مسیر بیرجند ـ مزارکاهی ـ روستای چنشت.

وجود امامزاده بی بی زینب خاتون در روستای ییلاقی مزار کاهی ـ جاده‌ی پر پیچ و خم ییلاقی مسیر ـ بازدید از روستاهای زیبا و کوهستانی چنشت از روستاهای هدف و گردشگری استان ـ بازدید از دو غار معروف و زیارت امامزاده سید حامد علوی در روستای فرهنگی و تاریخی چنشت.

مسیر بیرجند ـ اسدیه ـ قلعه‌ی فورگ ـ روستای درمیان.

بازدید از بناهای تاریخی محور بیرجند ـ اسدیه‌ی شهر اسدیه و بازدید از قلعه‌ی تاریخی فورگ واقع در روستای گردشگری فورگ و دیـدن مـناظر و چشم اندازهای روستای درمیان.

مسیر بیرجند ـ قاین.

مسیر مذکور شریان‌های اصلی محور جنوب به شمال کشور بـالعکس است. بـازدید از بـناهای تاریخی و طبیعی شهر قاین.

بیرجند ـ خوسف ـ روستای خور.

بازدید از بافت تاریخی شهر خوسف و آرامگاه ابن حسام خوسفی شاعر معروف و بازدید از روستای تاریخی خور از روسـتاهای هـدف گـردشگری استان.

بیرجند ـ سربیشه ـ روستای ماخونیک.

بـازدید از روسـتای تـاریخی و شگـفت‌انگیز ماخونیک و معادن بازالت سربیشه.

بیرجند ـ سرایان ـ مـنطقه‌ی یـیلاقی مـصعبی و کریمو.

بازدید از بناهای تاریخی شهر سرایـان و دیـدن

مناظر و چشم اندازهای مسیر سرایان ـ کاخک و روستاهای زیبا و فرهنگی، مذهبی و کریمو و زیارت دو امامزاده‌ی معروف سلطان کریم شاه و امامزاده مصیب.

آداب و رسوم

رقص و موسیقی: ویژگی موسیقی این نواحی حرکات ریتمیک و نمایشی آن است. موسیقی در این منطقه به ویژه در شهرستان بیرجند از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. این شهرستان دارای رقص‌ها و موسیقی‌های بسیار متنوعی است. ریتم‌های پنج ضربی متداول در این منطقه دارای ویژگی‌های خاص خود است که در دیگر مناطق کشورمان مرسوم نیست.

سازهای محلی که مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز عبارتند از: دهل، سرنا، دایره و نی که معمولاً توسط خود نوازندگان ساخته می‌شوند. برخی قطعات موسیقی ویژه رقص‌های محلی در این منطقه عبارتند از: اصیل، ناره ناره، چنشتی، چپ و راست، شیرجه، احوال، سه ضرب و ... علاوه بر این‌ها رقص‌هایی هم وجود دارد که چون رقصندگان آن‌ها به چوب بازی هم می‌پردازند در ردیف چوب بازی به حساب می‌آیند.

موسیقی مقامی: در جنوب خراسان و شرق خراسان (مناطق بیرجند و تایباد و تربت‌جام) که موسیقی کویر جاری است و مؤلفه‌های خاص منطقهٔ خودش را دارد و نیز به دلیل همجواری با کشور افغانستان مشترکاتی از جهت فرهنگ موسیقیایی با آن کشور دارد و مقام‌های محلی مشترکی بین هنرمندان افغانستان و شرق خراسان اجرا می‌شود و برای پژوهش و تحقیق در این منطقه قابل تأمل است و سازهای مختلفی که سرآمد آنها دو تار است، در بین هنرمندان جنوب و شرق خراسان رواج دارد. شهرهای جنوب (بیرجند و گناباد و...) علاوه بر اینکه موسیقی کویری شرق در آن جا جریان دارد و دوبیتی‌های سرحدی، موسیقی آن دیار رنگ و بوی بلوچی و افغانی بیشتر به خود گرفته است و از جهت فرهنگی خصوصاً موسیقی تداخل صورت گرفته است. ـ مجتبی قیطاقی.

آئین‌های پیش از نوروز در خراسان جنوبی: ۱ـ تهیه‌ی پوشاک، کفش و کلاه، ۲ـ فراهم کردن آذوقه و بنه، ۳ـ سمنو پزان، ۴ـ سبزه کاران، ۵ـ شیرینی پزان، ۶ـ نان پزان، ۷ـ حنابندان، ۸ـ کدورت زدائی، ۹ـ پرداخت دین، ۱۰ـ فاتحه خوانی، ۱۱ـ چهارشنبه سوری در عصر روز سه شنبه، مردم در کوچه‌ها، جلوی خانه‌ها، حیاط منازل، حاشیه‌ی میدان‌ها آتش برپا می‌کنند و از روی آن می‌پرند و سرودهای مختلفی می‌خوانند: زردی برو / سوری بیا / ای غم برو / شادی بیا، نکبت برو / روزی بیا یا می‌گویند سردی ما از تو / گرمی تو از ما.

جوانان تا پاسی گذشته از شب دور آتش شادی می‌کنند و تا آتش خود به خود خاکستر و خاموش نشود، آن را خاموش نمی‌کنند ...، ۱۲ـ خانه تکانی، ۱۳ـ مراسم شاه مولائی، جمع آوری و پخش کمک‌ها میان کم درآمدها، ۱۴ـ بارکشان در آستانه‌ی نوروز و خانواده‌ی داماد برای عروس و عروس برای داماد هدایائی طی مراسم خاصی می‌برند.

مراسم تحویل سال: گستردن خوان نوروزی که مشهورترین آن سفره هفت سین است. این سفره تا پایان جشن نوروز گسترده می‌ماند.

آئین‌های پس از تحویل سال: ۱ـ زیارت اهل

قبور، ۲ـ عید دیدنی، ۳ـ بازی‌های عید، ۴ـ تشله بازی (تیله بازی)، ۴ـ گردو بازی (شبیه تیله بازی) پله زنی یا پلی دوانی، ۵ـ توبازی (طناب بازی)، ۶ـ تخم مرغ بازی، ۷ـ گلی گو، ۸ـ مراسم بی بی گردی، ۹ـ سیزده بدر.

مراسم سیزده بدر: تقریباً همه‌ی مردم روز سیزده نوروز در خانه‌ی ماندن را نحس می‌دانند و تلاش می‌کنند به هر صورتی که شده اگر چه تا فضای سبز کوچک یا باغ و بوستان هم باشد، بروند و به اصطلاح قدم روی سبزه گذاشته نحوست سیزده را به در کنند. نقل به اختصار از مقاله‌ی حسن زنگوئی ـ فصل‌نامه‌ی فرهنگ خراسان جنوبی

آداب و رسوم در بیرجند

مراسم ازدواج در بیرجند: ازدواج در این منطقه در سه مرحله‌ی نامزدی، عقد و عروسی صورت می‌گیرد. پس از انتخاب دختر و موافقت دو خانواده، خانواده‌ی پسر هدایایی از جمله یک جفت کفش که در هر لنگه آن یک شاخه نبات می‌گذارند و هدایای دیگر مانند انگشتری یا پارچه، مقداری شیرینی و ... می‌فرستند و به این ترتیب دختر را برای پسرشان نامزد یا به گفته بیرجندی‌ها «دنشونی» می‌کنند. پس از طی زمان نامزدی ـ بسته به خواست طرفین ـ برای مراسم عقد زمان مناسبی را انتخاب می‌کنند. شب قبل از عقد مراسمی به نام «بارکشان» انجام می‌شود. در این مراسم لوازم مورد نیاز شب عقد را به خانه‌ی عروس می‌برند.

در شب عقد، زنان نزدیک دو خانواده در خانه‌ی عروس جمع می‌شوند، بر روی سفره عقد دو شمعدان، دو آلاله، یک جلد قرآن، یک جانماز، یک پیاله عسل، یک کاسه بلور پر از آب که روی آن برگ سبزی انداخته‌اند، چند تخم مرغ آب پز رنگ شده، دو کله قند و چند شاخه گل می‌گذارند.

شب بعد از عقد که به «شب سلام» معروف است ،داماد همراه نزدیکانش به خانه‌ی عروس می‌رود. در این شب خانواده‌ی عروس با خواربار و هدایایی که داماد در شب بارکشان فرستاده است، برای میهمانان شام تدارک می‌بینند. یک روز قبل از عروسی مراسم «حناروان» و «حنابندان» انجام می‌شود.

شب عروسی به شب عروس کشان «شو عروس کشا» یا شب عروس بران «شو عروس برا» معروف است. در این شب مردان و زنان هر دو خانواده و دوستان نزدیک آنان برای مراسم عروسی به خانه‌ی داماد دعوت می‌شوند و پس از صرف شام راهی خانه‌ی عروس می‌شوند و در آن جا با شیرینی و شربت پذیرایی می‌شوند. سپس با اجازه‌ی پدر عروس او را به خانه‌ی داماد می‌آورند و هنگام ورود عروس گوسفندی را پیش پای او قربانی می‌کنند و به او پیشکشی می‌دهند. صبح روز بعد داماد به دست بوسی پدر عروس می‌رود و عروس نیز پس از چند روز به عنوان پاگشا به خانه‌ی پدر خود، پدر داماد و خویشاوندان رفته و از آن‌ها بازدید می‌کند. روز بعد از جشن عروسی، مراسم «پاتختی» با حضور زنان فامیل انجام می‌شود. در این مراسم با شربت، شیرینی، میوه و ... از میهمان‌ها پذیرایی می‌کنند و به شادی و پایکوبی می‌پردازند.

مراسم شب یلدا (شب چله، شو چله): مردم بیرجند مانند سایر نقاط ایران شب آغازین فصل زمستان را گرامی داشته و جشن می‌گیرند. در این شب کوچک‌ترها در خانه‌ی بزرگ خانواده گرد آمده و صاحب خانه از آنان با انواع شیرینی، آجیل

و میوه به ویژه هندوانه و انار پذیرایی می‌کنند و بر این باورند که اگر در شب یلدا هندوانه بخورند از گرمای تابستان در امان خواهند بود.

شب نشینی شب چله در بیرجند رونقی ویژه دارد. در این شب بسیاری از مردم دور هم جمع می‌شوند و برنامه‌ی «کف زدن» را اجرا می‌کنند. «کف» نوعی شیرینی است که با هم زدن آب چوبک و شیرین کردن آن درست می‌شود.

مراسم کف زنی: در این مراسم مقداری چوبک (پشمشویه، بیخ) نکوبیده را چند بار در آب می‌جوشانند و آب آن را بیرون می‌ریزند. این کار را آن قدر تکرار می‌کنند تا آب جوشیده چوبک بی رنگ شود و هیچ طعمی نداشته باشد. این آب را می‌گذارند سرد شود. سپس آن را در تغار بزرگی می‌ریزند و با دسته چوبی که «دسته گز» نامیده می‌شود، به هم می‌زنند. این کار را آن قدر ادامه می‌دهند تا آب چوبک کف کند و کف آن سفت و سخت شود. آن گاه مقداری شیره‌ی انگور یا شیره‌ی شکر را به تدریج به آن اضافه می‌کنند و هم می‌زنند تا خوب مخلوط و شیرین شود. وقتی کف آماده شد، آن را در ظرف می‌کشند و روی آن پودر مغزگردوی کوبیده، بادام یا پسته می‌پاشند و با سر انگشت می‌خورند. کفی که با این روش درست می‌شود، خوراکی لذیذ، شیرین و معطر است.

مراسم کف زدن از سرگرمی‌های شب یلدا است. هر چند در سایر شب‌های زمستان هم برخی برای تفریح و سرگرمی کف می‌زنند، ولی این مراسم در شب یلدا از رونقی خاص برخوردار است و همه حاضران به ویژه جوانان به نوبت در زدن کف شرکت می‌کنند.

تمنای باران: اتلو، متلو / ای خدا باروکو / بارون اوشالوکو / اتلوی ما تشنه شده / ورکوو ور پشته شده / اوی غدیرش مایه / چمچیه شیرش مایه / ایی نیم کوی لاله زار / او نیم کوی لاله زار / خیمه زده ترک هزار / بلوچا سرمتن /کلی مرا شکستن / خدگی گو ور بستن / ای خدا باروکو / ور چوی چوپونو کو /گندم د زیر خاکه / از تشنگی هلاکه / بارش میایه گل مشو /گندم داور بی دل مشو / یا رب بده ته بارو / به حق شای مردو.

اعیاد مذهبی: مردم بیرجند نیز مانند سایر ایرانیان روزهای میلاد پیامبراکرم (ص)، مبعث و عید قربان و عید فطر را گرامی می‌دارند و در این روزها جشن‌هایی برپا می‌کنند. در بیرجند در اعیاد فرخنده به ویژه در شب میلاد و مبعث حضرت رسول (ص) در برخی از مساجد، تکایا و منازل شهر جشن گرفته میشود و معابر، سردر مساجد و خانه‌ها را چراغانی و با آویختن قالی، قالیچه، پرده و پارچه‌های زینتی به دیوارها، این مراکز را تزئین می‌کنند و با شربت، شیرینی، نقل، چای و ... از مردم پذیرائی می‌نمایند و با افشاندن گلاب و دود کردن اسفند و کندر فضای جشن را عطر آگین و خوش بو می‌سازند. مداحان درباره این روزها و مناقب آن حضرت می‌گویند و شاعران یا راویان اشعاری را می‌خوانند و مردم با صلوات‌های بلند و مکرر، مجلس را به جنب و جوش می‌آورند و بدین ترتیب شادی و سرور خود را از میلاد و مبعث حضرت رسول اکرم (ص) ابراز و ارادت خود را به آن حضرت آشکار می‌کنند.

در بامداد هر یک از این دو روز، مردم برای عرض تبریک به خانه‌ی علمای بزرگ شهر و بزرگان خانواده‌های خود می‌روند تا از میمنت و برکت این روزها پیامبر گرامی اسلام است. روز ولادت با سعادت حضرت امام جعفر صادق(ع) نیز هست و شیعیان در این روز جشن و سرور

دوگانه دارند.

در دو عید دیگر یعنی عید قربان و عید فطر، با به جا آوردن اعمال مذهبی و خواندن دعاهای ویژه این روزها و رفتن به دیدن بزرگان و روحانیان شادی خود را نشان می‌دهند. علاوه بر این کسانی که قصد ازدواج دارند، می‌کوشند در یکی از این شب‌ها و شب‌های مبارک دیگر مراسم عقد و عروسی خود را برگزار کنند.

به جز این چهار عید بزرگ، شیعیان بیرجند مانند دیگر هم کیشان خود در سایر نقاط ایران، روز هجدهم ذی‌الحجه (روز غدیر خم)، مراسم با شکوهی را به مناسبت عید سعید غدیر، ولادت حضرت علی (ع)، ولادت حضرت فاطمه (س)، ولادت امام حسن (ع)، ولادت امام حسین (ع)، ولادت امام رضا (ع)، و ولادت حضرت قائم (ع) برگزار می‌کنند. در این روزها جشن‌ها و چراغانی‌های بزرگ و مفصل برگزار می‌شود.

در این میان جشن‌های شب پانزدهم شعبان شکوهی دیگر دارد. در این شب فرخنده علاوه بر جشن و چراغانی، مراسم آتش بازی هم اجرا می‌شود و بر بالای بام حسینیه شوکتیه انواع آتش بازی‌ها صورت می‌گیرد.

دید و بازدید برای تبریک گفتن و تبرک جشن نیز از دیگر مراسم این روزها است.

از کتاب سیمای میراث فرهنگی بیرجند ـ گردآوری رقیه زعفرانلو ـ حمزه حمزه

بازی‌ها: گله بازی: «گله» گلوله سنگی یا فلزی به اندازه‌ی توپ تنیس است. در این بازی یک گلوله را در محل خاصی تعبیه می‌کنند و بازیکنان سعی می‌کنند با گلوله‌ی خود آن را بزنند. این بازی شباهت زیادی به بازی بولینگ امروزی دارد.

تشله (تیله) بازی: تشله گلوله‌ی کوچکی از جنس شیشه یا سنگ و به اندازه‌ی یک فندق است. این بازی به طور نشسته و بین دو نفر انجام می‌شود. در این بازی حفره‌های کوچکی در زمین تعبیه کرده و بازیکنان تلاش می‌کنند تشله‌ی دیگری را نشانه بگیرند و به حفره‌ی آخر برسند.

بجول بازی (قاب بازی): این بازی در بین بزرگ سالان بیش‌تر معمول است. بجول (قاپ) استخوان مکعب مستطیل شکلی است که در بین دو قوزک پا قرار دارد و دارای چهار وجه است. هر وجه به یکی از اسامی شاه، دزد، اسب و عشق نامیده می‌شود.

چوب بازی: این بازی به وسیله دو یا سه نفر اجرا می‌شود. هر نفر یک چوب به طول شصت سانتی متر در دست می‌گیرد. در بازی دو نفره، چوب‌ها را به هم می‌زنند و در بازی سه نفره، نفر وسط چوب هایش را یک بار به چوب نفر اول و یک بار به چوب نفر دوم می‌زند. این بازی با آهنگ و ریتمی خاص اجرا می‌شود. چوب‌بازهای خوسف و «رکات» از مهارت خاصی برخوردارند.

شوبازی (دلقک بازی): این بازی چون در شب انجام می‌شود، به این نام معروف است. در این بازی یک نفر لباس ژنده و پشت و رو می‌پوشد و شالی را به سر و صورت خود می‌بندد. سپس با طنابی که به کمر او بسته‌اند، از روی دیوار آویزان می‌شود و آرام آرام پائین می‌آید. شوباز با حرکات دلنشین دیگران را می‌خنداند و وقتی به زمین نزدیک شد، شروع به رقص می‌نماید و مشتی آرد از جیب خود بیرو ن می‌آورد و به سر و صورت اطرافیان می‌پاشد.

کوتش خرابه: بازی گروهی است، افراد به دو گروه تقسیم می‌شوند: افراد یک گروه در غیاب گروه دیگر کوت (تل)هایی از خاک درست

می‌کنند، سپس فریاد می‌زنند «کوتش خرابه». اگر گروه دیگر موفق به پیداکردن کوت‌ها شوند، جای خود را با گروه اول تعویض می‌کنند.

سایر بازی‌های متداول در بیرجند عبارتند از: دستمال بازی، پله دوانی، جنت بازی (لی لی بازی)، هش هش، اتل متل، تپ تپ خمیر، خاله بازی، کلاغ پر و ....

موسیقی: ویژگی موسیقی جنوب خراسان حرکات ریتمیک و نمایشی آن است. موسیقی در این منطقه به ویژه در شهرستان بیرجند از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. این شهرستان دارای رقص‌ها و موسیقی‌های بسیار متنوعی است. ریتم‌های پنج ضربی (سه تایی و دوتایی) متداول در این منطقه دارای ویژگی‌های خود است و در دیگر نقاط ایران مرسوم نیست. در منطقه قهستان و بیرجند ترانه‌ها و آوازهای زیبا و حماسی‌ترین رقص‌ها و آهنگ‌های سازی و آوازی رواج دارد.

سازهای محلی بیرجند عبارتند از: دهل، سرنا (ساز)، دایره و نی که معمولاً توسط خود نوازندگان ساخته می‌شوند.

برخی قطعات موسیقی ویژه‌ی رقص‌های محلی در این منطقه عبارتند از: اصیل، ناره ناره، چنشتی، چپ و راست، شیرجه، احوال، سه ضرب و ... علاوه بر رقص‌های انفرادی، دو نفره و گروهی، رقص‌های دیگری نیز وجود دارد که چون رقصندگان آن‌ها به چوب بازی نیز می‌پردازند، در ردیف «چوب بازی‌ها» به حساب می‌آیند. این رقص‌ها پیچیده و سخت هستند و نیاز به مهارت، تمرین و انعطاف بدن دارد.

آهنگ‌های ویژه‌ی چوب بازی عبارتند از: آزاد، کنار به خاک، وسط به خاک، پک پک، دست به خواب، پشت و گندم کاری.

آهنگ‌های متداول و قدیمی این منطقه نیز عبارتند از: عروس کشو (عروس کشان)، محمل، روش (شبیه مارش است)، نصر و جو (نصر و جان)، کوچه باغی، سبزه نمکی، غلام پخش، پیش باز، لالایی استقبال (خوش آمدگویی) و غیره.

نوعی دو بیتی خوانی موسوم به (فراغی) نیز در این منطقه رواج دارد: روستائیان دایره وار دور هم می‌نشینند و هر یک با خواندن دو بیت از اشعار محلی به بیان هجران و فراق خود می‌پردازند. شیوه‌ی خواندن یکسان و تکراری است و هر فرد بیت آخر را به گونه‌ای می‌خواند که نفر بعد از لحن خواندن آن می‌فهمد که نوبت اوست و باید فراغی را ادامه دهد.

رقص

رقص دوره: افراد به صورت دایره وار می‌رقصند و در حین رقصیدن به یکدیگر نزدیک شده و از هم فاصله می‌گیرند. این رقص توسط زنان و مردان انجام می‌شود.

رقص اصولی: مانند چوب بازی است؛ با این تفاوت که به جای چوب افراد دست هایشان را به یکدیگر می‌زنند.

رقص مجمعه: مجمعه به معنی سینی یا طبق گرد و مسی است. در این رقص یک نفر چراغ گردسوزی را روی یک سینی می‌گذارد و سینی را روی پیشانی خود گذاشته و با آهنگ خاصی می‌رقصند.

پوشاک

پوشاک مردان: سرپوش: کلاه نمد: جنس آن از نمد و بغل‌های آن لبه دار است.

شب کلاه: جنس آن از کرک و پشم و به رنگ‌های سیاه و سفید است. در بیرجند درست می‌شد و روی آن مندیل می‌بستند.

مندیل: شالی سفید یا سیاه است که طول آن حدود پنجاه سانتی متر و جنس آن از قمیس است.
کلاه دور دار: دور تا دور آن لبه دارد و از جنس پشم است.
کلاه پهلوی یا شاهپوری: جلوی آن لبه‌گرد دارد و بیش‌تر به رنگ‌های تیره است. این کلاه را بیش‌تر جوانان بر سر می‌گذارند.
کلاه قرص: از کلاه پهلوی کمی تنگ‌تر است و در روستای چنشت به دور تا دور آن تسبیح و مهره‌ی آویزان می‌کنند.
عرقچین: شبیه عرقچین امروزی است، ولی اطراف آن را گل دوزی می‌کردند. پر از نقش و نگار بود.
کلاه ترمه: جنس آن از ابریشم قرمز بود و دور آن شیرازه داشت. این کلاه را طبقه‌ی اعیان به سر می‌گذاشتند.
گردن پیچ یا لنگته: مانند شال بود و آن را به‌گردن می‌بندند. جنس آن از کرک است.
تن‌پوش: جلیغه: بدون آستین و جلوی آن باز و دکمه دار است. پشت جلیعه از پارچه‌ی آستری است.
پیراهن: جنس آن ازکرباس و به رنگ‌های سفید، تیره و خاکستری است. پیراهن بدون یقه و جلوی آن بسته است و فقط بالای آن دو یا سه دکمه دارد. بعضی اوقات دکمه‌ی بالای آن را در بغل گردن می‌گذاشتند.
قمیس: از پیراهن بلندتر و از دو پهلو باز است. تا زیر زانو را می‌پوشاند و به آن لباس افغانی هم می‌گویند.
لباده: از روی شانه تا زیر زانو را می‌پوشاند و جلوی آن باز است و سه یا چهار دکمه دارد. جنس آن از کرک و بیشتر به رنگ خاکی است.
نیم تنه: مانند کت‌های امروزی و بیش‌تر به رنگ‌های تیره است. پالتو، لباس زمستانی است. جنس آن از پشم و بیش‌تر به رنگ‌های سبز، کبود و آبی است.
شلوار (تمبان): جنس آن ازکرباس و رنگ‌های آن متفاوت و پاچه‌های آن گشاد است. به آن شلوار گشاد، بیژامه، لباس افغانی و شلوار دو لنگه نیز می‌گویند. شلوار دو لنگه از شلوار عادی خیلی گشادتر است.
قارت (جقه): شبیه کت ولی آستین‌ها و قد آن از کت بلندتر است. جنس یقه از پشم است.
قبا: بدون یقه و بیش‌تر به رنگ‌های سبز و قهوه‌ای است. از روی دوش تا زیر زانو را می‌پوشاند. سر آستین آن دکمه دار و جلوی آن دو یا سه دکمه دارد و بقیه‌ی آن باز است.
سینه بند: شبیه جلیغه ولی جلوی آن بسته است.
مچ پیچ: جنس آن از پارچه است و مردان آن را به مچ دستشان می‌بستند.

پاپوش

شامل گیوه، کفش ساده، ارسی، کولی، پوتین، کفش چوبی، کفش پونار، کفش چارق، کفش چیت و کفش تخت آجی است. این کفش‌ها در محل ساخته می‌شود و برخی نمونه‌های آن هنوز در روستاها متداول است.

پوشاک زنان

سرپوش: چهارقد: مانند روسری‌های امروزی ولی از آن بزرگ‌تر است. جنس آن از پنبه و بیش‌تر به رنگ سفید است.
دستمال: آن را روی چهار قد و به پیشانی می‌بستند و بیش‌تر رنگ‌های تیره به ویژه قرمز آن متدوال بوده است.
روبند: پارچه‌ای و نازک بود و به وسیله‌ی دو بند به

دور سر بسته و در جلو صورت آویزان می‌شد.
کلوته: به آن کلاه پول هم می‌گفتند و قسمت جلوی آن را با انواع سکه‌های نقره‌ی قدیمی تزئین می‌کردند.
کوسه: شبیه چهار قد ولی از آن نازک‌تر بود و در تابستان‌ها استفاده می‌شد.
عرقچین: شبیه عرقچین‌های امروزی بود و روی آن‌نقش و نگار داشت.

تن پوش

پیراهن یا (پهره): از روی شانه تا زیر زانو را می‌پوشاند و جلوی آن به اندازه‌ی سه دکمه باز است. در برخی نقاط نوع بدون دکمه آن نیز رایج است.
دالاق: شبیه جوراب است و از نوک پا تا کمر را می‌پوشاند. کمر آن بند دارد و دور کمر بسته می‌شود.
شلیته: نوعی دامن چین‌دار و بسیار گشاد است و از کمر تا زیر زانو را می‌پوشاند.
شلوار: جنس آن کرباس و گشاد و بلند است. به آن شلوار تخته دار و شلوار دو لنگه نیز می‌گویند.
یل: شبیه جلیغه و از آن بلندتر است. از مخمل و پارچه‌های قیمتی درست می‌شود و آن را با زیور آلات تزئین می‌کنند. جلوی یل باز است و معمولاً آن را در شب عروسی و یا زنان اعیان می‌پوشانند.
چادر: بیش‌تر به رنگ‌های سفید و سیاه گل دار و شبیه چادرهای امروزی است. در روستای سربیشه چادر چهار گوش است و در روستای چنشت از چادر معمولی کوچک‌تر و کوتاه‌تر است و فقط از پشت سر آویزان می‌شود.
پاپوش: شامل کفش تبلک دار، گرجی، گالش، کفش سوز و کفش ساده است. هم چنین در بیرجند نوعی جوراب بافته می‌شود که به جوراب هفت رنگ معروف است.
زیورآلات: الچیش (به نوعی انگشتر معمولی و کم بها گفته می‌شود. این انگشتر را «الچیشک» نیز می‌نامند)، النگو، انگشتر، ایاره (ایاره / یاره: دستبند زینتی)، بازوبن (بازوبند)، پولک، تاج سر (تاج / تاجی که بر سر می‌گذاشتند)، جقه (نوعی تاج)، چوری (نوعی النگو صدفی و شیشه‌ای که معمولاً از هند می‌آورند)، خار (میله‌ای ظریف و بسیار کوچک قیمتی که آن را روی پره‌ی بینی می‌گذارند)، خفتی (نوعی گردنبند چسبان)، خلخال (حلقه‌ای فلزی از طلا یا نقره که در پا می‌کردند)، دسبن (دستنبد: رشته‌ای از طلا که به شکل زنجیر ساخته می‌شود و آن را به دست می‌بندند)، زرگلویی (زیر گلویی: زیوری که به سنجاق چارقت در زیر گلو آویزان می‌کنند)، سنجاق (آن چه در زیر گلو به چارقد می‌بندند که آن را نگه دارد)، سنجاق موگیر (سنجاقی که به مو می‌بندند)، شستی (انگشتری بی نگین مانند حلقه)، کشکول (زیوری از طلا یا نقره به شکل «کشکول» که به سنجاق چارقد آویخته می‌شود)، گرده بن (گردن بند)، گلوبن (گلوبند، گردنبند)، گشواره (گوشواره)، ماره (مهره، مهره‌های زینتی که انواع گوناگون دارد، مانند دلربا، کهربا، مرجان، مورش که به آن «مورشکی» می‌گویند و دانه‌هایی ریز است)، ماشوره (ماسوره که در آن دعا می‌گذارند)، ملیله، منجق (منجوق: مهره‌های ریز و کوچک)، منگلی (نوعی دستبند و النگوی زینتی)، نگی (نگین مانند برلیان، الماس، زمرد، یاقوت، زبر جد، لعل، فیروزه، باباقوری و ...)، هلقه (حلقه: انگشتر حلقوی بی نگین) و ....

خوراک

پلو و خورشت‌ها: پلو گاورس: برای تهیه‌ی این غذا مقداری گاورس (ارزن) را پوست گرفته و مغز آن را در آب می‌پزند و آن را آبکش می‌کنند و از آن مانند برنج یک نوع پلو تهیه می‌کنند. چون ارزن بسیار خشک است، این پلو را با نوعی قورمه که از گوشت‌های بسیار چرب گوسفند مانند «قلوه گا» و «پیشناف» می‌پزند، می‌خورند.

بلغور پلو (قلور پلو): در بیرجند به بلغور «قلور» می‌گویند. گندم را بلغور می‌کنند و آن را اندکی بو می‌دهند و از آن مانند برنج آبکش دم می‌کنند.

ساوری: گندم را با آب می‌پزند و آن را در ظرف‌هایی در آفتاب پهن می‌کنند تا خشک شود. بعد آن را بو می‌دهند و آن را آسیاب می‌کنند تا بلغور شود. این بلغور را «ساوری» می‌نامند. ساوری را نیز مانند «قلور» می‌پزند که به آن «ساوری» می‌گویند. اگر به آن برنج نیز اضافه کنند، به آن «ساوری پلو» می‌گویند.

قورمه: معمول‌ترین و پرمصرف‌ترین خورشتی که در بیرجند پخته می‌شود، «قورمه» نام دارد. برای تهیه‌ی این خورشت، گوشت را در روغن و پیاز سرخ می‌کنند و مقداری آب به آن می‌افزایند و می‌جوشانند. وقتی گوشت نیم پز شد، مقداری لپه به آن اضافه می‌کنند و می‌گذارند خوب بپزد، بعد مقداری، نمک و زعفران به آن می‌زنند و می‌گذارند که خورشت به روغن بنشیند و آب آن خوب بجوشد. قورمه در حقیقت «خورشت لپه» است.

سایر خورشت‌های بیرجند عبارتند از: خورشت آلو، خورشت به، خورشت ریواس، خورشت سماروغ و ....

خوراک‌ها: بادنجان: برای تهیه‌ی این خوراک، بادنجان‌ها را با پوست «گرد بر» می‌کنند و یا آن‌ها را پوست کنده و از درازا به دو یا چهار قسمت تقسیم می‌کنند و در روغن سرخ می‌نمایند. بعد مقداری آب، سیر کوبیده، نمک و ادویه به ویژه زعفران به آن می‌افزایند و می‌گذارند آب آن بجوشد و به روغن بیفتد. این نوع خوراک بادنجان را معمولاً با نان ترید شده در قروت (کشک) می‌خورند. این غذا را «قروت بادنجان» می‌نامند.

تاس کباب: مواد غذائی و طرز پخت «تاس کباب» در بیرجند با سایر نقاط ایران فرقی ندارد و آن را از گوشت، دنبه، پیاز، سیب زمینی، به، آلو بخارا، زردچوبه، نمک، زعفران و گاه اندکی شکر و آب می‌پزند.

خاگینه برگ پیازچه: برای تهیه این خاگینه مقداری برگ سبز پیازچه را با کارد ریز می‌کنند و آن را با زرده و سفیده تخم مرغ به هم می‌زنند و در روغن می‌پزند.

دلبندی: جگربند گوسفند را در بیرجند «دلبری» می‌نامند. برای تهیه‌ی این خوراک دل، جگر سیاه، جگر سفید، قلوه‌ها و خرخره گوسفند را «قلیه» می‌کنند و آن را با مقدار زیادی پیاز داغ و آب می‌پزند.

آبگوشت (اوگوش): برای تهیه‌ی این غذا گوشت گوسفند را با پیاز، نخود و لوبیا، لیمو عمانی، گوجه فرنگی، سیب زمینی، نمک، زرد چوبه، زعفران و روغن می‌پزند. آبگوشت از جهت این که ماده‌ی غذائی خاصی بدان بیفزایند یا نیفزایند انواعی داشته که هنوز هم در بیرجند معمول است.

آبگوشت آلو: به این آبگوشت به جای لیمو با گوجه فرنگی، آلوی بخارا می‌افزایند و به آن «اوگوشت آلو» می‌گویند.

آبگوشت کله پاچه: در بیرجند کله و پاچه‌ها را ابتدا در تنور نانوائی می‌گذارند، تا پشم یا موی

آن‌ها بسوزد و پوستشان برشته شود. آن گاه آن را می‌شویند و در دیگ می‌گذارند و به آن آب، پیاز، سیر، نخود، لوبیا و گاهی گندم و شیر و انواع ادویه مانند زعفران، زرد چوبه، فلفل و نمک اضافه می‌کنند و می‌پزند. در بیرجند سیرابی را که بدان (اشکمبه) می‌گویند خوب تمیز می‌نمایند و آن را با کله و پاچه توأماً می‌پزند. از این رو طعم و مزه آبگوشت کله پاچه‌ای که در بیرجند پخته می‌شود، با نقاط دیگر ایران تفاوت دارد.

از دیگر آبگوشت‌های بیرجند می‌توان آبگوشت سبزی و ساده و ... را نام برد.

آش‌ها: آش ابو دردا: این آش از رشته آرد گندم، روغن، انواع دانه‌ها و سبزی‌های داروئی تهیه می‌شود و پیش از آن‌که جنبه‌ی غذائی داشته باشد، جنبه‌ی داروئی دارد. آش ابو دردا در حقیقت نوعی آش رشته است که آرد و بنشن آن را از خانه‌های همسایگان و آشنایان فراهم می‌کنند و آن را با مراسمی خاص می‌پزند.

آش اماج: ماده‌ی اصلی این آش، آرد گندم است که آن را با کمی روغن «سرشته» و از سوراخ‌های غربالی ریز یا الک درشتی رد می‌کنند. به این دانه‌های آرد که از سوراخ‌های غربال یا الک رد می‌شود، «اماج» می‌گویند. این آش با مراسمی خاص همراه با دعا و نیایش پخته می‌شود.

آش پولانی (پلونی): این آش را نیز از آرد گندم تهیه می‌کنند. ابتدا کمی آب به آرد می‌زنند تا نم دار شود، سپس آن را «سرشته» کرده، از غربال ریز یا الک بزرگ می‌گذارنند و به جای رشته از این دانه‌های آرد استفاده می‌کنند و روغن، آب و تخم گشنیز، سیر و بر آن می‌افزایند.

آش رشته: چاشنی این آش در بیرجند «قروت» است و گاهی آب انار که آن را در داخل آش می‌پزند. مقدار نسبتاً زیادی بنشن (عدس، لوبیا، نخود و ...) را آب پز می‌کنند. مقداری از آن را داخل دیگ آش می‌ریزند و مقداری را با گوشت چرخ کرده گلوله شده (کله گنجشکی) در پیاز داغ تفت می‌دهند و نعنا داغ هم تهیه می‌نمایند.

آش بلغور (قلور): این آش را از بلغور گندم می‌پزند و دانه‌هایی مانند نخود، عدس، لوبیا، ماش و مقداری گوشت (به ویژه گوشت پر چرب)، روغن، سیر و نمک بر آن می‌افزایند. این غذا را هم برای مصرف شخصی وهم به صورت نذری می‌پزند.

آش آلو: آش آلوئی که در این آش می‌ریزند، آلوی بخارا است و گاه ممکن است به جای آن از «آلوچه» نیز استفاده کنند که در این صورت به آن «آش آلوچه» می‌گویند.

سایر آش‌های بیرجند عبارتند از: آش برنج، آش سبزی، آش شلغم، آش شله قلمکار، آش ماست، آش ماش، آش جو، آش ارزن، آش ساده، آش عدس و ....

اشکنه‌ها: اشکنه‌ی تخم مرغ: برای تهیه‌ی این غذا پس از آن که آب اشکنه به جوش آمد، چند تخم مرغ خام را در آن می‌شکنند و نمک، زرد چوبه، فلفل و گاه زعفران هم در آن می‌ریزند و خوب به هم می‌زنند تا تخم مرغ‌ها پخته شود.

اشکنه‌ی سیر (نان جوش، ناجوش): در تهیه‌ی این اشکنه به جای پیاز از سیر کوبیده استفاده می‌کنند. این غذای ساده در روستاهای دور و نزدیک بیرجند بسیار تهیه و مصرف می‌شود. در شهر قبل از آن که آب اشکنه به جوش آید، مقداری پیازچه خرد شده، زرد چوبه، زعفران و گاهی تخم مرغ هم به آن می‌افزایند و وقتی به جوش آمد، مقداری ـ متناسب با آب اشکنه ـ نان

«خشکه» و کناره‌های باقیمانده‌ی نان‌ها را خرد می‌کنند و در آن می‌ریزند.

اشکنه‌ی شنبلیله: این اشکنه را با افزودن برگ خرد شده‌ی شنبلیله به مایع جوش آمده‌ی اشکنه می‌پزند و انواع ادویه و نمک به آن می‌افزایند.

اشکنه‌ی شیره: به شیره انگور مقداری آب اضافه می‌کنند تا رقیق شود و با آن اشکنه می‌پزند و به آن گاهی تخم مرغ هم می‌افزایند.

اشکنه‌ی عدس: عدس را آب پز کرده، چرخ می‌کنند و یا در هاون می‌کوبند و آن را با پیاز، روغن ـ و گاهی کمی آرد ـ تفت می‌دهند. سپس مقداری متناسب آب به آن می‌افزایند و نمک و ادویه در آن می‌ریزند. سایر اشکنه‌های بیرجند عبارتند از: اشکنه‌ی گردو، اشکنه گشنیز، اشکنه‌ی گوجه‌ی فرنگی، اشکنه‌ی نبات و ....

قروت‌ها

قروت خنک: گاهی قروت آبگون را سرد مصرف می‌کنند. ابتدا مقداری سبزی‌های خوردنی مانند تره، نعناع، ریحان را خرد و ساطوری می‌کنند و در آن می‌ریزند. هم چنین مقداری سیر کوبیده، خیار خرد شده و نمک نیز به آن می‌افزایند و نان در آن ترید می‌کنند و می‌خورند. به این غذاکه بیش‌تر در تابستان خورده می‌شود «قروت خنک» می‌گویند.

قروت گرم: این نوع قروت در حقیقت نوعی اشکنه است. نخست با پیاز یا سیر و روغن پیاز داغ و سیر داغ درست می‌کنند و قروت مایع را در آن می‌ریزند و به اندازه‌ی لازم نمک به آن اضافه می‌کنند و آن را حرارت می‌دهند تا خوب گرم و داغ شود و «موج» کند، ولی نباید به جوش بیاید و گرنه ترش می‌شود. قروت گرم را گاهی با یک ماده‌ی غذائی دیگر می‌خورند مانند بادمجان، کدو و سبزی‌های پخته مانند اسفناج، سلمه و شیر مرغ که آن‌ها را در پیاز داغ یا سیر داغ سرخ می‌کنند. سایر قروت‌های بیرجند عبارتند از: کشک، مستابه، نخود آب و ....

نان‌ها

نان پتیر (پتیرو) (نُن پتیر / پتیرو): پتیر یا پتیرو به نان لواشی گفته می‌شود که از خمیر «ورنیامده» پخته می‌شود. این نوع نان هنگامی که خشک می‌شود، سخت و جویدن آن اندکی دشوار است.

نان شاهی: شاهی از بهترین خمیر «ورآمده»، ولی ترش نشده و در مناسب‌ترین درجه‌ی حرارت تنور پخته می‌شود. این نوع نان بهترین نوع لواش است.

نان پستابی: پستابی در حرارت و گرمای «پست» و کم تنور پخته می‌شود. این نان در مدت نسبتاً مدیدی بی آن که کپک بزند، یا طعم آن دگرگون شود قابل نگه داری است.

نان خشکی: «خشکی» نوعی لواش تشریفاتی است که خمیر آن را با اندکی روغن و شیر (یا هردو) و زعفران درهم می‌کنند و آن را ورز می‌دهند. از این نان لذیذ و بسیار نرم بیش‌تر برای صبحانه و یا افطار ماه مبارک و در میهمانی‌ها استفاده می‌شود.

نان ته تغاری: نانواها خمیرهایی که به دیوارهای تغارهای خمیرگری و ته آن‌ها می‌چسبد را با «تغار تراش» می‌تراشند و آن‌ها را به شکل «کاج» گرد و کلفت در می‌آورند و آن‌ها را در ته تنور نزدیک به کف آن به دیوار تنور می‌چسبانند یا تکیه می‌دهند و می‌گذارند خوب «مغز پخت» شود. این نان را نانوا برای خودش درست می‌کند.

تافتان / تافتوتن (تفتا): «تافتان» در بیرجند به نوعی نان گفته می‌شود که خمیر آن را با شیر،

روغن و آب تهیه می‌کنند و روی آن را با «پیسه» منقش و با شیر، زعفران رنگین و معطر می‌نمایند. این نوع نان ویژه‌ی صبحانه یا افطار است و جنبه‌ی تشریفاتی دارد و آن را در تنور با گرمای متعارف می‌پزند.

جوین (جوی): این نان از آرد جو تهیه و آن را به صورت قرص (گرد) در می‌آورند و در تنور می‌پزند. این نان را بیش‌تر روستائیان مصرف می‌کنند.

سایر نان‌های این استان عبارتند از: نان لواش، نان ته تنوری، نان دو آتشه، نان نو جوش، نان کوله، نان روغن جوش، کماچ، نان جان جانی، نان زردی، نان ترشی، انواع پتیر، نان قلفی، نان گاورسی، نان جو، نان سمنو، نان شلغمی، نان کلمبه، نان سرپیازی، نان کنجدی، نان سرقلفی، نان تاتران، نان لمبه، نان تاب‌های و ....

شیرینی‌ها: نان زنجبیلی، نان روور کرده، نان چرخی، کلمبه، کلوچه‌ی قندی، نان لوله‌ای، کله کنو (شاه دانه)، نان نارگیلی، نان گردوئی، نان برنجی و .... از کتاب سیمای میراث فرهنگی بیرجند ـ گردآورنده رقیه زعفرانلو ـ حمزه حمزه ـ معاونت معرفی و آموزش ـ سازمان میراث فرهنگی کشور

صنایع دستی: در خراسان جنوبی نیز همانند بسیاری از نقاط کشور صنایع دستی، از دیرباز با زندگی مردم عجین گردیده است. خالقان این آثار به صورتی بسیار زیبا و هنرمندانه، ظرافت، زیبایی و هنر را در تار و پود زندگی مردم تنیده‌اند.

برخی از این آثار که در این منطقه، توسط هنرمندان و صنعتگران محلی خلق می‌شوند عبارتند از: سفالگری، رنگرزی، آهنگری، مسگری، حصیر بافی، سبد بافی، نمد مالی، زیلو بافی، پارچه بافی، نوغان داری، ریسندگی، گلیم بافی، جاجیم بافی، زرگری، دباغی، سوزن دوزی، ملیله دوزی، قلاب بافی و .... ولی از میان تمامی این صنایع برخی در این منطقه بیشتر رونق و پیشرفت داشته است.

در ادامه اشاره‌ی مختصری به آن‌ها داریم.

«مود» یکی از روستاهای بیرجند است و مرکزی مهم برای قالی بافی این منطقه، قالی بافته شده در این روستا از ارزشمندترین انواع قالی‌ها به شمار می‌رود و مرغوبیت آن در جهان شهره است. و این مرغوبیت بیشتر مدیون استفاده از پشم محلی، شستشوی خوب، رنگرزی و بافت عالی می‌باشد. روستای درخش نیز از دیگر مراکز قالی بافی ناحیه است و بسیاری از قالی‌های بافته شده در این ناحیه را می‌توان در موزه‌هایی همچون موزه‌ی فرش ایران و مجموعه آستان قدس رضوی دید.

پارچه بافی نیز در این دیار از دیرباز متداول بوده است و بافته‌هایی همچون: قدیفه، بقبند، چادر شب، سارق، صافی، دستار خان، چهار پوظشانه، کرباس، لنگ و ... تولید می‌شوند.

ساقه‌های لطیف و ظریف گیاهانی همچون بید، بادامشک (بادام کوهی)، گز و ... باعث بافته شدن سبدهای زیبایی همچون شلغم شوی، گربه تاز، قفس پرندگان، کباره، کالک بیز و ... می‌شوند.

سفالگری نیز در برخی نقاط به ویژه روستای شاهلیره متداول است و انواع لوازم و ظروف توسط سفالگران این دیار ساخته می‌شود.

سوغات: خراسان جنوبی سرزمین طلای سرخ، همانطورکه قبلاً گفته شد این عنوان به دلیل تولید محصولات ارزشمندی چون زرشک و به خصوص زعفران در این استان است و باعث

گردیده آوازه‌ی آن فراتر از ایران هم پیچیده شود. مسافرین این منطقه علاوه بر موارد فوق حجم عظیمی از سوغات، هدایا و تحفه‌ها را می‌بینند، که هر کدام به نحوی، با کیفیت مثال زدنی خود ارمغانی از این دیارند و برخی از این سوغات و ارمغان‌ها را می‌توان آلو بخارا، عناب، سنجد، بادام کوهی، گردو، کشک سیاه، کشک زرد، کشک زیره‌ای، برگه هلو، قره قروت و ... نام برد. علاوه بر تمامی موارد یاد شده قالی هم از دیگر سوغات پرآوازه‌ی این دیار می‌باشد.

مردم‌شناسی:

مردم‌شناسی و نژاد: بر اساس اسناد کهن، این منطقه زیستگاه یکی از اقوام ایرانی نژاد به نام ساکارت بوده است. و به دلیل وضعیت آب و هوایی و اقلیمی خاص خود چندان مورد توجه و تاخت و تاز افراد بیگانه قرار نگرفته و نژاد و زبان مردم این خطه کمتر دچار آمیختگی و اختلاط گردیده است. گویش بیرجندی از لحاظ شمار واژه‌ها و تنوع آن‌ها یکی از گویش‌های پرمایه زبان فارسی است. و در واژگان آن نسبت به زبان فارسی رسمی، نشانه‌های کمتری از واژه‌های بیگانه مانند واژه‌های عربی، ترکی و ... دیده می‌شود.

اغلب مردم این ناحیه شیعه دوازده امامی هستند و روابط متقابل میان شیعیان و اهل تسنن بسیار دوستانه است.

به طور کلی فرهنگ عامه، اعیاد، جشن‌ها، آئین‌های سوگواری، اعتقادات و باورهای مردم این ناحیه با تفاوت‌هایی، کم و بیش تشابه به سایر نقاط دارد.

از بازی‌های متداول که در این منطقه طرفداران خاص خود را دارد و مورد توجه قرار می‌گیرند، می‌توان به کله بازی، تشیله (تیله) بازی، بجول بازی (قاب بازی)، چوب بازی، شوبازی (دلقک بازی)، کوتش خرابه و ... را نام برد.

پوششی که مردم به عنوان لباس و پوشاک مورد استفاده قرار می‌دهند عبارتند از: کلاه نمدی، شب کلاه، مندیل، کلاه دوره دار، کلاه پهلوی یا شاهپوری، عرقچین، کلاه ترمه، گردن پیچ یا لنکته، جلیقه، پیراهن، قمیس، لباده، نیم تنه، شلوار (تنبان)، قارت (جقه)، سینه بند، مچ پیچ و گیوه است که برای آقایان مورد استفاده قرار می‌گیرد و از پوشاک خانم‌ها هم می‌توان به چارقد، دستمال، روبند، گلوته، کوسه، عرقچین، پیراهن یا پهره، دالاق، شلیته، شلوار یل، چادر، کفش تبلک دار، کرجی، گالش، کفش سوز و ... اشاره داشت.

برخی از زیور آلات خانم‌ها را نیز می‌توان الچین، النگو، جقه، چوری، ملیله، منجق، انگشتر، اباره، بازوبن، پولک، تاج سر، خفتی، خلخال، خفه بن، دسبن، زرکلویی، سنجاق، سنجاق موگیر، شستی، کشکول، کرده بن، کلوبن، گشواره، ماره، ماشوره، منگلی، نگی، هلقه و ... نام برد.

قبایل عرب در خراسان: به روزگار بنی امیه، قبایل عرب بسیاری از عراق و بعدها شام به خراسان کوچانده شدند. این مهاجرت‌ها در راستای اهداف اقتصادی و جهانگشایانه روی می‌داد. دو مهاجرت نخست، در سال‌های ۴۷ هجری (۶۶۷ م) و ۵۱ هجری (۶۷۱ م)، در زمان حاکمیت زیادبن ابیه در عراق (۵۳ هجری (۶۷۳ م) - ۴۴ هجری (۶۶۴ م))، از سوی وی مدیریت شد. این دو مهاجرت نیز اهدافی اقتصادی و نظامی داشت. مهاجرت سال ۴۷ هجری با هدف

مهار ناآرامی‌های قبیله‌ای ناشی از تقسیم عطا در بصره و پایان بخشیدن به بن بست نظامی تازیان در خراسان انجام شد.

به رغم انجام مهاجرت سال ۴۷ هجری و اصلاحات زیاد در دیوان، زمینه‌ی ناآرامی در عراق هم چنان قوی بود. هم زمان، تازیان د رخراسان با مشکلات نظامی تازه‌ای رو به رو شده بودند. حاکم عراق، چاره‌ی هر دو مشکل را در مهاجرتی تازه یافت. از این روی، او در سال ۵۱ هجری (۶۷۱ م)، ۵۰۰۰۰ خانوار از قبایل کوفه و بصره را به خراسان کوچاند.

جایگاه خراسان در استراتژی بنی‌امیه: تعیین استراتژی مهاجرت از سوی امویّان، به ویژه در مورد خراسان، با اهداف اقتصادی و نیز جهانگشایانه‌ی آنان ارتباط داشت: حکومت بین امیه، حکومتی اشرافی و به پشتیبانی قبایل عرب متّکی بود، برای اداره‌ی خود به ثروت کلان نیاز اشت. هزینه‌های کلان برای فرونشاندن شورش‌های اموی ستیزانه نیز بر این نیاز می‌افزود. افزون بر افزایش درآمدهای مالیاتی، فتوحات بهترین راه برآورده ساختن این نیاز بود. فتوحات هم به نیروهای تازه نیاز داشت و این خود به افزایش مهاجرت‌ها انجامید.

فتوحات به تنهایی به پاسخ گوئی نیازهای اقتصادی بنی امیه نبود و اریستوکراسی حاکم به زودی دریافت که برای حفظ و افزایش سرچشمه‌های درآمد، بهتر است به جای ادامه‌ی حمله‌های تاراجگرایانه، سیاست نگهداری بهتین سرزمین‌های فتح شده را برگزینند. گزینش چنین سیاستی، مهاجرت تازیان به آن سرزمین‌ها و ماندگار شدن آنان در آن‌ها را بایسته می‌نمود. ثغور (ایالت‌های مرزی)، بهترین سرزمین‌های فتح شده به شمار می‌رفت و تازیان هم مهاجرت به آن‌ها را ترجیح می‌دادند. زیرا در آن جا آنان امکان ادامه‌ی فتوح را داشتند و تجارت شکوفا بود. خراسان نمونه‌ی ممتاز چنین سرزمین‌هایی بود. آن ایالت، مرزی، تجارتی شکوفا نیز داشت. مرو، مرکز آن ایالت، در مسیر جاده‌ی ابریشم (دانیل، ۱۳۸۳ ه: ۱۱) و هم نزدیک زمین‌های کشاورزی پهناور و مرغوب جای گرفته بود. بر پایه‌ی آن چه که گذشت، خراسان و مرکز آن برای مهاجرت و ماندگار شدن تازیان بسیار مناسب می‌نمود. ناگفته نماند که معاویه هم در این باره نگرشی خوشبینانه داشت. از نظرگاه او، مهاجرت و ماندگار شدن تازیان در میان ایرانیان، آمیزش دو نژاد تازی و پارسی را در پی داشت و این خود به گسترش زبان و فرهنگ تازی و نیز توسعه‌ی اسلام می‌انجامید.

حاکم عراق برای اهداف فراگیرتر، قبایلی راکه تبار مشترک داشتند، به گروه‌های قبیله‌ای بزرگ‌تر تقسیم کرد. شمار این گروه‌ها در بصره پنج و در کوفه چهار عدد بود. در بصره، هرگروه خمس ($\frac{1}{5}$) خوانده می‌شد و در برگیرنده‌ی چندین قبیله بود.

مهاجرت به مرو: نارضایتی افراد نام‌نویسی نشده در دفاتر دیوانی به برخی ناآرامی‌ها در عراق انجامید. همزمان، اعراب در خراسان نیز با دشواری‌های نظامی رو به رو بودند.

گسیل بسیاری از ناراضیان به خراسان، افزون بر پایان یا کاهش ناآرامی در عراق، موقعیت نظامی اعراب در خراسان را بهبود می‌بخشید. از این روی، زیاد بر آن شد تا ۵۰۰۰۰ خانوار از ناراضیان دو مصر (شهر): کوفه و بصره را برای ماندگاری دائمشان در خراسان، بدان سامان گسیل دارد. یک انگیزه‌ی احتمالی زیاد از اتّخاذ چنین تصمیمی، وجود قبایل عربی بود که در عملیّات

سال ۶۷ هجری (۶۶۷ م) به خراسان گسیل شده و در آن جا ماندگار شده بودند. زیاد امیدوار بود که ۵۰۰۰۰ خانوار نیز بان اندکی تشویق، مایل به ماندن در خراسان شوند. ناگفته نماند که قبایل کوفه برای نخستین بار در عملیّات نظامی در خراسان شرکت می‌جستند.

نخستین اقدام زیاد، در این مورد، برکناری غالب بن فضاله از سمت فرماندهی نیروهای عرب در خراسان و گماردن ربیع بن زیاد حارثی به سال ۴۱ هجری (۶۷۱ م)، به جای وی بود. فرمانده‌ی جدید از جنگجویان با سابقه در جبهه‌ی خراسان به شمار می‌رفت و نخستین مأموریتش جا به جا کردن ۵۰۰۰۰ خانوار یاد شده به خراسان و اسکان آنان در آن جا بود. جنگجویان، خانواده‌های خود را هم به همراه داشتند. از این روی، شمار مهاجران سال ۵۱ هجری (۶۷۱ م) باید بیش از ۲۰۰/۰۰۰ تن بوده باشد. ربیع عملیّات مهاجرت را رهبری کرد و از آن جا که اعراب نمی‌خواستند مرو به یک مصر (شهر) تبدیل شود، مهاجران در روستاهای پیرامون آن شهر و طبق پیمان نامه‌ی مرو در خانه‌های مردم محلّی اسکان یافتند.

ناگفته نماند که یکی از اهداف این مهاجرت، کاستن از ناآرامی‌های قبیله یا در خراسان بود: رقابت و دشمنی دیرینه‌ی میان اعراب عدنانی (شمالی) و قحطانی (اعراب جنوبی)، در میان اعراب مهاجر به خراسان نیز گسترش یافته بود. چاره‌ی دشوار پدید آوردن گونه‌ای موازنه میان اعراب عدنانی و قحطانی در خراسان بود. ۵۰۰۰۰ خانوار مهاجر که از وفاداران به بنی امیه بودند، از قبایل گونه گون بوده و بی طرف به شمار می‌رفتند. بدین روی، گسیل آنان به خراسان به موازنه‌ای نسبی میان عدنانیان و قحطانیان انجامیده، ناآرامی‌ها کاهش می‌یافت.

پیشرفت‌های نظامی: اسکان خانوارهای مهاجر در خراسان، بی تردید گامی مهم در راستای آغاز یک سیاست تهاجمی تازه در آن بخش از امپراطوری به شمار می‌رفت. اهداف نظامی اصلی این اقدام، حفظ فتوحات پیشین در منطقه و تدارک نیرو برای ادامه‌ی فتوحات در آن جا بود. ربیع پس از انجام مأموریّت جا به جائی، بی درنگ به سوی بلخ پیشروی نمود و با مردم آن شهر پیمان صلح بست. ربیع سپس به سوی بازمانده‌های ارتش امیر نشین‌های هفتالی بادغیس، هرات و پوشنگ روی آورده، آنان را تا قهستان تعقیب و سرکوب کرد (همان جا). وی طیّ دوره‌ی حکمرانی خود در خراسان (۶۷۳م / ۵۳ هجری - ۶۷۱ م/ ۵۱ هجری)، توانست سلطه‌ی عب را تا بلخ گسترش دهد. پس از ربیع، فرزندش عبداللّه بن ربیع که در سال ۵۳ هجری (۶۷۳ م)، پس از پدر، چند ماهی جانشین وی گردید، سلطه‌ی یاد شده را تا کرانه‌ی جیحون گسترش داد و پیمان‌های صلحی را با آمل وزم منعقد نمود. ربیع و فرزندش مرو را پایگاه خود ساخته و همواره پس از انجام مأموریّت‌های نظامی بدان باز می‌گشتند.

ماندگار شدن تازیان در خراسان: خوش بینی دو سویه‌ی فاتحان و مردم محلّی نسبت به یکدیگر و طبیعت بیابان خراسان، از عوامل مهمّ ماندگار شدن مهاجران در آن سرزمین بود: خراسانیان از هر حکومت نیرومندی که امنیّتشان را تضمین نموده، اسقتصاد منطقه را سامان می‌بخشید و از منافع آنان در برابر دیگر گروه‌ها حمایت می‌نمود، استقبال می‌کردند. آنان برای برخورد با ترکان به کمک اعراب نیاز داشتند. فاتحان نیز خواهان حفظ

امنیّت منطقه و جلوگیری از حملات اقوام همسایه به آن بودند. این واقعیّت‌ها رفتار نیک مردم محلّی با فاتحان (هر چند که عمومیّت نداشت) و رفتار یاد شده خوش بینین فاتحان درباره‌ی مردم محلّی را در پی داشت. باید افزود که تازیان از موقعّت خوب اقتصادی خراسان و فرصت‌های بی مانند آن برای ثروت اندوزی نیز، به خوبی آگاه بودند. طبیعت منطقه هم برای اعراب جاذبه‌ی نیکوئی بود: خراسان به لحاظ طبیعی با عربستان همانندی بسیار داشت. ویژگی های جغرافیایی آن سرزمین بیش از هر جای دیگر با روحیّات تازیان سازگار مـی‌نمود. دکتر مـحمدرضا رحـمتی ـ ورود و سکـونت عـرب‌ها در خـراسـان بـه طـور دقـیق مشخص نیست که در کدام قسمت‌های خراسان بزرگ سکَونت نمودند. بنابراین این مـقاله قـابل توجه در خراسان جنوبی آورده شده است.

زنان طایفه‌ی بهلولی: تداوم بخش حیات و هویت ایلی و آداب و رسوم آنان

طایفه‌ی بـهلولی از مـهم‌ترین عشـایر خـراسـان جنوبی می‌باشند که بالاترین درصد عشایر ایـن خطه را به خـود اخـتصاص داده‌انـد. بـهلولی‌ها مردمی مسلمان و شیعه مذهب بوده، بـه زبـان فارسی تکلّم مـی‌کنند. از مـهم‌ترین ویـژگی‌های شخصیتی مردان و زنان ایـن طـایفه: شـجاعت، غیرت و سلحشوری است. (میرنیا، ۱۷۴:۱۳۶۹) در مورد این خصوصیات سفرنامه‌های بیگانگان و آثار برخی از شرق شناسان مطالبی آمده است. در این آثار افزون بر ویژگی‌های فـوق بـه هـنرهای دستی این طایفه از جمله فرش‌ها و قالیچه‌های زیبائی که توسط زنان ایلیاتی بافته می‌شود، نیز اشاراتی شده است. (گابریل، ۲۴۱:۱۳۷۱)

کار ویژه‌ی زنان بهلولی در جـامعه‌ی ایـلی: در جامعه‌ی عشایری ایران، زنان بخش عـظیمی از نیروی فعّال و مولّد را تشکیل می‌دهند که تداوم زندگی کوچ نشینی و حیات ایلی به حضور آن‌ها وابسته است. این زنان، هم دوش مردان و گاهی هم فراتر از آنان در فعالیت‌های اقتصادی، نـقش اساسی ایفا می‌کنند. افزون بر وظایف متعددی که در همه‌ی جوامع بر عهده‌ی زنان است این گروه در امر دامداری، تولید فرآورده‌های دامی و تولید سوخت از فضولات دامی مشارکت دارند. بنابراین زنان عشایر از جمله افرادی هستند که در رده بندی میزان مشارکت در تولید و سهم پذیری در اشتغال مولد از سایر زنان جامعه‌ی ما سهم بیشتری را در اختیار دارند. وظایف زن عشایری در خانه داری و در فرآیند تولید دامداری و صنایع دستی چنان در هم آمیخته است که گوئی مکمل یکدیگر هستند (علیزاده، بیرجندی، ۶۹:۱۳۸۴).

پژوهش‌های علمی دربـاره‌ی نـقش زنـان در اقتصاد عشایری نشان می‌دهد که میزان فـعالیت زنان عشایر در زمینه‌های اقتصاد تولیدی و غیر تولیدی، بیشتر از مشابه آن در نزد مردان است.

زنان بهلولی نیز همانند سایر زنان عشایر نقش مهمی در تداوم حیات خانوار و در نتیجه حیات طایفه‌ی خویش دارند. مردان ایلیاتی بدون زنان نمی‌توانند به حیات ایلی خود ادامه دهند؛ دلیل ازدواج‌های زودرس در میان این طایفه، این مسأله بوده که، به دلیل اهمیت و جایگاه مهم زنان در بقای طایفه، مردان هرچه زودتر باید ازدواج کنند تا در صحنه‌ی زنـدگی از هـمیاری و کـمک‌های همسر خویش بهره گیرند. (سام آرا، ۲۳:۱۳۷۲) یک زن بهلولی، علاوه بر خانه داری، رسیدگی به دام‌ها، تولید انواع فرآورده‌های دامی از قبیل: کره،

ماست، دوغ، کشک، روغن و غیره را نیز بر عهده دارد؛ هم چنین در هنگام بروز بیماری در خانواده به شیوه‌ی سنتی و با بهره‌گیری از داروهای گیاهی، عهده دار درمان بیمار می‌شود.

زنان بهلولی از رشادت، شجاعت و سلحشوری برخوردارند. به دلیل خطرات احتمالی ناشی از هجوم متجاوزان، داشتن سلاح یک ضرورت است. در طی مطالعات میدانی، پیرزنی نود ساله در بند آخوند مشاهده شد که با وجود کهولت سن، به راحتی تفنگ در دست می‌گرفت و با طرز استفاده از آن نیز آشنا بود. به دلیل مجاورت برخی از سکونتگاه‌های طایفه با نقاط مرزی و بروز خطرات احتمالی، بیشتر زنان در تیر اندازی مهارت دارند و از توانائی مقابله با مهاجمین برخوردارند.

در فرآیند تولید صنایع دستی نیز ـ که از مکانیسم‌های اقتصاد عشایری است ـ زنان مشارکت دارند و مواد اولیه صنایع دستی و هنرهای بومی معمولاً از مواد دامی (پشم، مو، پوست) فراهم می‌گردد. (محمدی، بی تا: ۳۴) و حضور زنان در تمامی مراحل تولید مواد اولیه و ساخت این صنایع آشکار است.

فعالیت‌های زنان بهلولی در تولید صنایع دستی شامل دو مرحله‌ی اساسی است: ۱ـ ریسندگی پشم و مو. ۲ـ بافندگی.

محصولات تولیدی حاصل از این مراحل عبارتند از: قالیچه، سیاه چادر یا پلاس، گلیم، جاجیم، خُرجین، چنته، کیف و غیره.

زن بهلولی از پارچه‌ها و لباس‌های مستعمل نیز زیر انداز شبیه گلیم می‌بافد، به این ترتیب که پارچه‌ها و لباس‌های کهنه و مندرس را به شکل نوارهائی با اندازه‌های مشخص، برش داده و این نوارهای برش داده شده را که هر یک دارای رنگی خاص هست به شکل تار و پود به هم می‌بافند و در انتها یک زیر انداز رنگارنگ که کاربرد عمده‌ی آن برای گستردن بر کف اتاق است به دست می‌آید. (سعیدپور، ۱۳۷۱)

در هنگام بافت، هیچ طرح و نقشه‌ای در مقابل چشم و فرا روی آن‌ها نیست، نقش‌های روی قالیچه با الهام از طبیعت و تراوش طرح‌های ذهن و دل زن بهلولی است و در همه این‌ها سادگی و بی پیرایگی زیست ایلی آشکار می‌باشد و همه این آثار تجلی قدرت آفرینندگی زن ایلیاتی است، اینجاست که سخن کسانی که هستی را تجلی غریزه‌ی آفریدگاری انسان و نمایشگر آفرینش‌های او می‌دانند، مصداق واقعی می‌یابد. (شریعتی، ۱۳۶۶: ۲۰)

صنایع دستی عشایری به دلیل همه‌ی ویژگی‌هایی که از آن یاد کردیم از جذابیت خاصی در داخل و حتی خارج از مرزهای کشور ما برخوردارند. برخی از صاحبنظران، امروزه از اضمحلال الگوهای زیست عشیره‌ای و کوچ نشینی سخن می‌گویند، ممکن است روزی این گونه زندگی متوقف یا متحول شود، اما محصولات و صنایع دستی و هنر عشیره‌ای می‌تواند استمرار و تداوم یابد. هنرهای بومی و ملی یکی از راه‌های اثبات هویت، ابراز وجود و نقطه تمایز ما از دیگری است. بنابراین، زن ایلیاتی با آفرینش‌های هنری‌اش در تقویت هویت عشیره‌ای و در نتیجه هویت ملی نقش اساسی ایفا می‌کند. در شرایط کنونی، جهان و با توجه به فرادستی غرب در همه‌ی عرصه‌ها، فرهنگ‌های دیگر در صورتی توان رقابت با این هژمونی را خواهند داشت که قواعد و منطق پیروزی را در این رقابت بیاموزند.

در منطق رقابت چهار ملاک عمده وجود دارد که به افزایش برتری حریف کمک می‌کند:
۱ـ عقلائی بودن ۲ـ زیبائی ۳ـ عملی بودن ۴ـ اتکا به قدرت

منظور از عقلائی بودن، داشتن توانائی لازم برای اقناع عقل خود بنیاد بشری است. زیبائی یعنی جلب احساسات و عواطف آدمیان. منظور از عملی بودن، سربلندی در آزمون و تجربه است. و اما اتکا به قدرت یعنی در دست داشتن ابزارهای عینی برای وادار کردن دیگران به پذیرش الگوهای مورد نظر خود. (فرشی، ۱۳۷۹: ۴۰۲)
درست است که کشورهای ژیرامونی، در مقایسه با کشورهای مرکز، چندان تسلطی بر ابزار و فن آوری لازم جهت عرضه‌ی پیام خود به جهانیان ندارند؛ اما ملاک‌های دیگر چندان دور از دسترس نیست. هنر عشیره‌ای در طول تاریخ خود به خاطر همه‌ی ویژگی هایی است که ذکر آن گذشت به ویژه پیوند آن با طبیعت، می‌تواند مخاطبان فراوانی داشته باشد. افزون بر این، هنر ایلیاتی نقش مهمی را در احیا و تداوم هویت ملی ما ایفا می‌کند. درست است که اقوام و طوایف هر یک دارای خرده فرهنگ‌های خاص خود هستند اما در مجموع همه‌ی آن‌ها دارای رگه‌ها و وجوه مشترک فراوانی می‌باشند، که در هویت و فرهنگ ملی تجلی می‌یابد. بهلولی‌ها هم مانند تمام عشایر از جایگاه ویژه‌ای به لحاظ فرهنگی و هویت ملی برخوردارند. (امان اللهی، ۱۳۸۳:۳۰۳)

زیورآلات زنان بهلولی: کاربرد زیورآلات در نزد زنان و حتی مردان دلایل گوناگونی دارد، ما در صدد ورود به مباحث خاص روان‌شناسی نیستیم اما مهم‌ترین دلیل آن، حس زیبائی دوستی است. زیبائی را صفت و خاصیتی دانسته‌اند که چون در شیئی وجود داشته باشد آن را پسند خاطر و مطبوع طبع بیننده قرار می‌دهد. (دورانت، ۱۳۶۵:۹۹)
اما در نزد بهلولی زیور فقط برای جلوه گری و مورد پسند واقع شدن نیست. بلکه زینت آلات، هدف انتفاعی و معنوی نیز دارند. مهره‌های رنگی که گردنبند و سربند زنان را می‌آراید در هنگام ضرورت به عنوان مرهم، دارو و یا به منظور برکت مال، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مسئله خود نشانگر پیوند و ارتباط زنجیروار همه‌ی اجزای زندگی ایلیاتی است. در این ارتباط، زن بهلولی واسطه العقد اجزا و شالوده اساسی زندگی به شمار می‌آید و می‌توان او را عامل تلفیق کارکرد عناصر تعیین کننده حیات ایلی دانست.

تنوع زیورآلات و شیوه‌ی آراستن، معرف شخصیت، پایگاه اجتماعی یا طبقاتی (عثمانی، ۱۳۷۱:۴۰) زنانی است که به این وسیله می‌خواهند خود را از دیگران متمایز و مشخص سازند. زیورآلات زنان بهلولی با باورهای معنوی و سنت‌های اجتماعی آنان پیوند دارد.

مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌تواند ما را با این باورها آشنا کرده، پژوهشگر را در دست یابی به ریشه‌های عقیدتی و عوامل اجتماعی ـ فرهنگی مؤثر در کاربرد این نوع آرایه‌های یاری دهد. (طیبی، ۱۳۷۱، ۱۹۰)
زیورآلات زن بهلولی شامل: گردن بند، چوری (دستبند)، حمایل و انگشتری می‌باشد. این زینت آلات با مهره‌های رنگی، سکه‌های نقره (بیشتر مربوط به دوره‌ی قاجاریه) و آویزهای ظریفی از نقره تزئین شده است. مهره‌های مذکور هر یک از خاصیت و فایده‌ای برخوردارند. آگاهی از این فواید و حکمت کاربرد این آرایه‌ها، زمینه‌ی مناسبی را جهت آشنائی با ارزش‌ها، اعتقادات و

باورهای عامه، فراهم می‌سازد. زهرا علیزاده بیرجندی

جغرافیای تاریخی:

ساکارتها: ساکارتها (یکی از اقوام ایرانی) در ناحیه‌ی قهستان (نام قدیم ناحیه‌ی جنوب خراسان) می‌زیسته‌اند و گواه این مطلب نیز کتیبه‌های هخامنشی است که این منطقه را بخشی از چهاردهمین ساتراپ هخامنشی به حساب می‌آورد.

اسناد و مدارک معتبر تاریخی (که از آن جمله و یکی از معتبرترینشان، کتیبه و سنگ نگاره‌های کال جنکال می‌باشد) نشان می‌دهد که قهستان از ایالت‌های شاهنشاهی اشکانی بوده و خوسف نیز ساتراپ نشین همین منطقه بوده است.

این نواحی در دوران ساسانیان هم بسیار آباد و معتبر بوده و کتیبه و سنگ نگاره‌های لاخ مزار در روستای کوچ بیرجند حاکی همین موضوع است. در این کتیبه و سنگ نگاره‌هاو نوشته‌هایی به خط پهلوی ساسانی و صحنه‌ی بزم و عروسی قباد با دختر آخشنواز به چشم می‌خورد.

مورخان فتح قهستان، توسط عرب‌ها را به سال ۲۹ ه.ق می‌دانند که اداره این ناحیه به دست عباسیان افتاد و چندی نیز در قلمرو طاهریان بود. در همان زمان بود که یعقوب لیث صفاری این نواحی را فتح کرد و تا سال ۲۹۹ ه.ق این منطقه به دست صفاریان افتاد. پس از آن نیز امرای محلی سیستان به اداره‌ی ناحیه پرداختند و از زمان حسن صباح نیز تا تهاجم سپاه هلاکوخان حکام اسماعیلیه این ناحیه را در دست داشتند که به واسطه موقعیت خاص، پس از الموت این ناحیه مقر اصلی این فرقه بوده است.

بعد از حمله‌ی هلاکوخان مغول نیز، به سبب فعل و انفعالات سیاسی و نیز جنگ‌ها و نزاع‌های مختلف (که بیشتر با اسماعیلیان اتفاق می‌افتاد) شهرهای این ناحیه به ویرانی کشیده شد. همین امر در سده‌های ۶ و ۷ هجری از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و تمامی این عوامل موجب می‌شود که از دوران‌های مختلف تاریخی آثار و ابنیه با ارزشی در این ناحیه به جای بماند.

بیرجند: از دیدگاه کارشناسان بین‌المللی و داخلی، بیرجند دومین کانون بزرگ شرق کشور در استان خراسان جنوبی است. بیرجند در طول تاریخ خود در مبادلات سیاسی، نظامی ابرقدرت‌ها (قبل از جنگ بین المللی اول انگلیس و روسیه) برای حفظ هندوستان نقش استراتژیکی و ژئوپولیتیکی و نظامی و اقتصادی بزرگ در صحنه منطقه‌ای و بین المللی (ایران و هندوستان آن زمان و افغانستان) بازی کرده است. نقشی که مسلماً جز مشهد هیچ شهر خراسان به عهده نداشته است. در مواردی بیرجند حتی نقش مهم‌تری از مشهد برای انگلیس‌ها داشته است. در قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس‌ها توافق کردند که مشهد در حوزه‌ی نفوذ روس باشد، ولی بیرجند راکه برای آن‌ها در حکم دروازه‌ی هند بود از آن خود نگه داشتند. نقش تاریخی بیرجند و اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی و ویژگی‌های دفاعی که این شهر در خود دارد، باعث شده که کارشناسان مسائل بین المللی نقش ویژه‌ای را در مواقع بحران‌های منطقه‌ای برای این شهر قائل شوند.

به دلیل تحولات اخیر منطقه‌ای و تحرکاتی که در کشورهای پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی در جریان است روز به روز به اهمیت استراتژیکی و نقش‌های فراملی بیرجند افزوده خواهد شد.

بیرجند یکی از کانون‌های اصلی است که به دلیل موقعیت استراتژیکی خود در آینده لاجرم نقش مهم‌تری را در امنیت ملی و منافع فراملی ما در کل شرق کشور عهده دار خواهد گردید.

هر گونه عدم توجه به دومین کانون شرق خراسان و یکی از چهار کانون اصلی شرق طرح حفاظتی و سامان دهی یک اثر نامید.

موقعیت استراتژیکی بیرجند: رشد و توسعه‌ی بیرجند علاوه بر وجود امکانات طبیعی آن (نسبت به شهرهای مرزی شرق کشور) مدیون موقعیت استراتژیکی بی مانند آن است. شهر بیرجند در طول یک قرن به عنوان بزرگ‌ترین شهر ایران واقع در مرز هندوستان انگلستان (در دوره‌ی استعمار انگلیس بر هند) ایفای نقش کرده است. در طول چندین دهه بیرجند شاهد حضور نمایندگان سیاسی کشورهای انگلیس و روس بوده است. در زمان جنگ اول جاسوسان آلمانی در منطقه‌ی بیرجند فعال بوده‌اند. علاوه بر حضرر نمایندگان سیاسی قدرت‌های بزرگ قبل از جنگ بین المللی دوم (یعنی روس و انگلیس) نمایندگان نظامی و اقتصادی این کشورها نیز (بانک شاهنشاهی) در بیرجند فعال بوده‌اند بنابراین بیرجند مدت‌ها علاوه بر اجرای نقش ملی خود و مرکزیت اداری یک ناحیه پهناور، نقش‌های متعدد بین المللی را نیز عهده دار بوده است.

در طول چندین قرن بیرجند مرکزیت استان یا ولایت قهستان بوده است. از اواسط قرن ۱۳ هجری تا سال ۱۳۱۶ بیرجند نقش مرکزیت اداری منطقه‌ای وسیع‌تر از قهستان یعنی سیستان و قهستان شامل شهرستان‌های زابل، نهبندان، بیرجند و قاین فعلی را به عهده داشته است و اداره‌ی امور مرز افغانستان را تا محدوده‌ی فعلی شهرستان خواف حل و فصل می‌کرده است. امرا و حکام بیرجند نقش بسیار مهم و نسبتاً مثبتی را در تعیین خطوط مرزی ایران و افغانستان به حکمیت انگلیس عهده دار بوده‌اند. در طول چندین دهه بیرجند نقش بزرگ‌ترین دروازه اقتصادی شرق ایران با هندوستان و یا انگلستان آن زمان را عهده دار بوده است.

در همین راستا در طول بیش از یک قرن بیرجند دومین کانون (پس از مشهد) بلا منازع سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اداری کل شهرستان‌های مرزی شرق کشور از چابهار تا سرخس بوده است.

بیرجند در طول بیش از یک قرن از حدود ۱۸۳۰ و به ویژه پس از جنگ دوم هرات ۱۸۵۷ م - ۱۲۷۳ ق. (طبق ماده‌ی ۶ قرارداد صلح) تا سال ۱۹۴۵ نقش مهمی را در امنیت ملی و فراملی ایران و پاسداری و حراست از مرزهای شرقی ایران ایفا کرده است. در شرایط فعلی که تحرکات منفی و مخالف امنیت ملی و فراملی ما در کشورهای شرق و شمال شرقی فعال شده است باید بر نقش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیرجند افزوده شود.

از نظر جغرافیایی و فاصله‌ها، بیرجند موقعیت ممتازی را دارد.

۱- شهر بیرجند در نیمه‌ی راه زاهدان به مشهد واقع شده است «فاصله‌ی زمینی آن تا مشهد و زاهدان به ترتیب ۴۸۶ و ۴۵۸ کیلومتر است» فاصله‌ی بیرجند به خط مستقیم هوایی از زاهدان حدود ۴۰۰ و از مشهد حدود ۳۷۵ کیلومتر است.

۲- فاصله‌ی این شهر تا مرز افغانستان در حد مطلوب دفاعی یعنی به خط مستقیم حدود ۱۲۰ کیلومتر است (در این فاصله هیچ شهر دیگری وجود ندارد).

۳- بیرجند دقیقاً در نیمه‌ی راه مرز ایران و افغانستان قرار دارد. اگر خطی از بیرجند به مرز افغانستان عمود شود این خط مرز افغانستان را تقریباً نصف می‌کند. (طول مرز ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر است).

۴- اگر از بیرجند خط مستقیمی به مرز افغانستان وصل کنیم و این خط را به داخل افغانستان ادامه دهیم تقریباً افغانستان به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. این خط اگر به داخل پاکستان ادامه یابد از حدود ۵۰ کیلومتری جنوب شهرهای راولپندی و اسلام آباد می‌گذرد و مستقیماً به جامو در کشمیر وصل می‌گردد.

۵- بیرجند بیش از هر شهر دیگر ایران می‌تواند اشراف کامل بر قندهار، پایتخت زمستانی و عملاً دومین شهر افغانستان داشته باشد (توجه شود که قندهار بیش از هر شهر دیگری به طالبان گرایش نشان داده و ملا عمر رئیس طالبان مدت‌ها در قندهار مستقر بوده است).

۶- بیرجند اکنون مهم‌ترین شهر جنوب خراسان است که به کویته مرکز بلوچستان پاکستان و یکی از گروه‌های عمده راه‌های شوسه و راه آهن پاکستان شرقی نزدیک است.

در گذشته روابط نزدیک بین بلوچستان پاکستان و بیرجند برقرار بوده و از جمله ازدواج‌های سیاسی بین دو خاندان حکومتی منطقه صورت گرفته است. امیر علم خان خزیمه سوم (حشمت الملک) (فوت ۱۸۹۱ م - ۱۳۰۹ ق) و سر نوروز خان خارایی که امیر منطقه کلات پاکستان فعلی به مرکزیت کویته بود هر دو به دامادی یک خانواده در آمده بودند. از این لحاظ میر علم خان توجه به خصوصی به این منطقه همجوار خود داشت.

۷- اگر به نقشه‌ی ایران توجه شود دو شهر بیرجند و اصفهان واقع در دو طرف کویر مرکزی ایران درست در یک عرض جغرافیایی قرار دارند در حقیقت:

اگر خط مستقیمی از اصفهان به مرز افغانستان عمود شود تنها شهری که سر راه واقع می‌شود شهر بیرجند است. اگر هواپیمایی از شرق وارد کشور شود و از نزدیک‌ترین راه به سوی اصفهان حرکت کند هیچ شهری جز بیرجند در سر راه آن نیست.

۸- فاصله‌ی هوایی مستقیم تهران به بیرجند ۷۵۰ کیلومتر است. اگر از شهرهای محدوده‌ی تهران (گرمسار) بگذریم هیچ شهر مهمی که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد و یا دارای فرودگاه و پادگان نظامی باشد در سر راه مستقیم تهران بیرجند وجود ندارد.

۹- اگر خط مستقیمی را بین هرات و بندر بوشهر، ۲ شهری که از نظر سیاسی در تاریخ ما همبستگی کامل دارند (محاصره‌ی هرات توسط ارتش ایران و حمله‌ی انگلیس به بوشهر برای رفع محاصره‌ی هرات) وصل کنیم بیرجند دقیقاً در روی این خط قرار میگیرد در طول ۱۰۵۰ کیلومتر فاصله بین دو شهر هیچ شهری با جمعیت بیش از ۲۰۰۰۰ نفر واقع نیست (البته شهرهای شیراز و یزد با فاصله‌ی حدود ۱۲۰ کیلومتر از این خط واقع می‌شوند).

۱۰- اگر مثلث زاهدان، کرمان، بیرجند را رسم کنیم بیرجند در رأس شمالی این مثلث قرار دارد بدین طریق بیرجند اشراف کامل به یک منطقه‌ی بیابانی وسیعی دارد که کویرهای حاشیه‌ی شرقی آن مرزهای افغانستان است و کویرهای حاشیه‌ی غربی آن از منابع مهم استراتژیکی مثل معادن آهن و مس بافق و زرند برخوردار است و راه آهن بافق

به کرمان در ضلع غربی آن واقع است. در حقیقت بیرجند نه تنها می‌بایست امنیت مرزهای شرقی را حفظ کند بلکه حراست از دامنه‌ی شرقی راه آهن استراتژیکی کرمان، بافق را نیز عهده دار است.

۱۱ـ اگر مثلثی با زوایای بیرجند ـ کرمان، کرمان ـ یزد و یزد ـ بیرجند ترسیم کنیم در این فضای وسیع که از دامنه‌ی غربی آن راه استراتژیکی کرمان به خراسان (راه دیهوک) و بخشی از راه یزد به طبس می‌گذرد هیچ شهری که حراست منطقه را در خراسان به عهده بگیرد جز بیرجند وجود ندارد.

۱۲ـ از همه مهمتر آن که بیرجند همیشه پشتیبان و محافظ سیستان بوده است و امروز با تحرکات ضد تشیع که در کشورهای شرقی ما می‌گذرد بیرجند باید بتواند حراست و محافظت و پشتیبانی نظامی استراتژیکی و لجستیکی سیستان را به عهده بگیرد.

در قرن گذشته اگر دخالت بیرجند نبود، سیستان که توسط افغان‌ها تصرف شده بود، به طور کامل از ایران جدا می‌شد.

در سال ۱۲۴۴ هجری شمسی مطابق با ۱۸۶۵ میلادی ابراهیم خان از سرداران بلوچ سیستان سرزمین‌های تحت فرمانروایی خود را در بخش خاوری و شمال استان هیرمند به تابعیت امیر شیر علی خان امیر افغانستان در آورد و دولت یاران به دولت بریتانیا که عملاً با این کار موافق بود در پاسخ شکایت ایران نوشت «بریتانیا به این مسأله علاقه‌ای ندارد، دو طرف می‌توانند با توسل به زور اسلحه حقوق خود را در سیستان ترمیم کنند.»

با دریافت این نامه امیر علم خان حشمت الملک به بخش اشغال شده سیستان از سوی افغانان در خاور دلتای هیرمند حمله برد و آن سرزمین‌ها را همان سال به ایران بازگرداند. سیستان از آن تاریخ به طور رسمی در حکومت مرزداری نیمه مستقل خزیمه ادغام شد و به دلیل حساسیت استراتژیک ویژه‌ای که پیدا کرد در مقام «ولیعهدنشین» آن حکومت مرزداری خود مختار خزیمه به مرکزیت بیرجند به وجود آورد. پیش از آن دوران، حکومت مرزداری سیستان در دست خانواده‌ی کیانی بود و آنان خود را از بازماندگان کیانیان افسانه‌ای می‌شمارند.

امیر علی علم خان خزیمه پسر بزرگ خود، امیر علی اکبر خان حسام الدوله دوم را به عنوان «نایب الحکومه» روانه‌ی سیستان کرد و او تا آخر عمر در این مقام و در مقام «امیر سیستان» باقی ماند. وی در اواخر زندگی به بیرجند، مرکز حکومت خود مختار مرزداری خزیمه و قاینات بازگشت و پسر جوان خود، امیر معصوم خان حسام‌الدوله سوم را مأمور سرپرستی امور سیستان کرد. این وضع تا سال ۱۳۱۶ هـ ش (۱۹۳۷ م) ادامه یافت. در آن سال امیر معصوم‌خان خزیمه از امیری قاینات و سیستان استعفا داد و به حکومت مرزداری نیمه مستقل خزیمه در قاینات و سیستان پایان داد. در آن تاریخ بود که سیستان و بلوچستان در هم ادغام شد و به گونه‌ی استان جداگانه‌ای در نظام سیاسی نو ایران درآمد.

درست است که از سال ۱۳۱۶ سیستان به مرکزیت زابل جزئی از استان سیستان و بلوچستان است ولی رابطه فرهنگی و اداری چندین قرنه سیستان با قهستان و روابط مذهبی و موقعیت استراتژیکی سیستان، ما را وامی دارد که همیشه بیرجند را به عنوان یک مرکز پرقدرت پشتیبان سیستان تلقی کنیم.

اختلافات مرزی ما در منطقه‌ی سیستان با

افغانستان و به ویژه مسأله‌ی آب هیرمند که هرگز به طور قانونی و به صورت بادوام حل نشده است بر حساسیت منطقه می‌افزاید لذا بیرجند به عنوان پرقدرت‌ترین کانون جمعیتی شیعه نشین نزدیک به سیستان می‌تواند و باید از این منطقه حساس دفاع کند.

۱۳ـ شهر بیرجند با اکثریت مطلق جمعیت شیعه خود در منطقه سنی نشین شرق کشور قرار دارد و جمعیت دهستان‌های شرقی این شهرستان نیز از برادران اهل تسنن هستند لذا این شهر می‌تواند به عنوان یک کانون فرهنگی بزرگ شیعه در یک منطقه‌ی سنی نشین و درعین حال یک کانون فرهنگی برادران اهل تسنن ایران عمل کند. در حقیقت این شهر می‌تواند کانون منطقه‌ای باشد که وحدت و وفاق اسلامی در آن تجلی کند.

لازم است این شهر ساماندهی برادران اهل تسنن را عهده دار شود تا در مقابل نفوذ وهابیت ایستادگی نمایند. رسالت فرهنگی بیرجند برای تشیع و به خصوص برای برادران اهل تسنن در دفاع از حقانیت اسلام در مقابل تحرکات وهابیت و دفاع از حاکمیت ایران اسلامی، کاری بسیار سنگین و خطیر است. حوزه‌ی علمیه‌ی بیرجند باید توسعه یابد و تقویت گردد و بیرجند باید به صورت مرکزی برای ایجاد وفاق اسلامی برای اهل تسنن و تشیع درآید.

۱۴ـ باید بیرجند به صورت یک کانون اصلی برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب فراملی ضد حاکمیت ملی ومنافع فراملی در آید و این شهر مهم‌ترین شهر شرق کشور پس از مشهد است که موقعیت استراتژزیکی آن این نقش را برآن تحمیل می‌کند. بیرجند یک کانون اصلی دفاع از امنیت ملی ما در حفظ و حراست مرزهای شرقی و بیابان‌های وسیع بین زاهدان ـ کرمان، بیرجند ـ بافق و یزد است.

موقعیت دفاعی بیرجند: شهر بیرجند در ارتفاع ۱۴۸۰ متری از سطح دریا قرار دارد. در صورتی که خط مرزی در ارتفاع ۷۰۰ متر واقع شده است. شهر از سه طرف درکوه‌ها محاصره شده است. از طرف شرق در فاصله‌ی ۱۲۰ کیلومتری مرز افغانستان تا شهر ارتفاعات شمالی جنوبی مؤمن آباد (درمیان) با قلعه‌ی ۲۷۸۷ متری، چون دیواری بیرجند را در مقابل تهاجمات شرق محافظت می‌کند. اختلافات ارتفاع خط مرزی تا شهر بیرجند (بیش از ۷۰۰ متر) و وجود کوه‌ها و تپه‌های قابل دفاع میان راه، موقعیت دفاعی ممتازی را در مقابل تهاجمات نظامی از سوی شرق ایجاد کرده است.

کوه‌های باقران با قله‌ی ۲۵۹۵ متری و با جهت شمال غربی و جنوب شرقی در ۵ کیلومتری جنوب شهر واقع است و شهر را در مقابل تجاوزات نظامی از طرف جنوب حفاظت می‌کند. در شمال کوه‌های شاه ناصر با ارتفاع بیش از ۲۳۰۰ متر خط دفاعی مناسبی را به وجود آورده است. از طرف شرق، شهر بیرجند به کویر لوت مرتبط می‌گردد در حقیقت کوه‌ها از سه سو که احتمال خطر نظامی دارد شهر را در برگرفته است و خطوط دفاعی مناسبی را ایجاد کرده است.

ارتفاع نسبتاً زیاد شهر از سطح دریا، وجود منابع نسبتاً مهم آب (نسبت به منطقه‌ی بیابانی و کویری جنوب خراسان) آب و هوای ملایمی را نسبت به بیابان‌های وسیع جنوب خراسان برای شهر به ارمغان آورده است.

بیرجند: بیرجند با ۶۸۱۷۷کیلومتر مربع وسعت، جنوبی‌ترین و وسیع‌ترین شهرستان استان خراسان قبل از تقسیم به استان است و از شمال به

قـاینات و فـردوس، از شـرق بـه مـرز ایـران و افغانستان، از جنوب شرقی به زابل، از جنوب به زاهدان و کرمان و از مغرب به طبس و فردوس محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۶۵ متر می‌باشد.

ناحیه‌ای که بیرجـند جـزء کـوچکی از آن را تشکیل می‌داد «قهستان» (کهستان ـ کوهستان) نام داشت. در اسطوره‌های تاریخی، بنای قهستانرا به سام پسر نریمان نسبت می‌دهند و آن را بخشی از قلمرو فریدون، پنجمین پادشاه پیشدادی می‌دانند.

در بیرجند آثاری از وجود تمدن زرتشتیان نیز به دست آمده است که نشان می‌دهد زرتشتیان به این نواحی مهاجرت کرده‌اند.

قلاعی که از این دوران در بیرجند باقی مانده است، حضور طولانی فرقه‌ی اسماعیلیه را در آن قرون آشکار می سازد. با رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره‌ی صفوی، این شهر مـورد تـوجه بیشتری قرار گرفت و رو به آبادی نهاد.

مهم‌ترین آثار تاریخی بـیرجـند عـبارتند از: مسجد جامع (مرکز شهر)، آرامگاه حکیم ابو حامد (شاعر)، قلعه‌ی پائین شهر، ساختمان اکبریه (آئینه کاری)، ارگ بیرجند، قلعه‌ی قدیمی (خوسف)، قلعه‌ی فورگ، مقبره‌ی ابن حسام و از غارهای آن غار «حنشت» است.

تعداد روزهای همراه با گرد و خاک: پـدیده‌ی گرد و خاک علاوه بر تأثیر منفی برروند برخی فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی و صنعتی بـر شرایط زیستی و اقلیم آسایش انسـان دارای اثـر نامطلوب می‌باشد. میانگین سالانه تعداد روزهای همراه با گرد و خاک در بیرجند ۲۱ روز در سال است که فراوانی وقوع آن در ماه‌های گـرم سـال بیشتر از ماه‌های سرد سال می‌باشد. میانگین تعداد روزهای همراه با گرد و خاک در دی و بهمن ماه یک روز و در اسفند ماه ۳ روز می‌باشد و تعداد آن در فروردین، اردیبهشت و خرداد ۲ روز می‌باشد و تعداد روزهای توأم با گرد و خاک در تیرماه ۴ روز، در مـرداد ۳ روز و در شـهریور یک روز می‌باشد و تعداد آن در مهر، آبان و آذر ناچیز و کمتر از یک روز می‌باشد.

میانگین ماهانه‌ی تعداد روزهای توأم با گرد و خاک در بیرجند اعلام شده است.

تعداد روزهای با دید افقی ۲ کـیلومتر و کـمتر: پدیده‌هایی نظیر مه، گرد و خاک، کولاک برف و بارندگی شدید موجب کاهش دید افقی می‌شوند. بررسی آمار و اطلاعات مربوط به تعداد روزهائی که در شهر بیرجند دید افقی مساوی یا کمتر از ۲ کیلومتر است، در شهر بیرجند به طور متوسط در ۸ روز از سال دید افقی در وضعیت مساوی یا کمتر از دو کیلومتر قرار دارد که فراوانی آن در ماه‌های سرد سال بیشتر از سایر ماه‌ها می‌باشد و دی ماه بیشترین و خرداد، شهریور، مهر و آبان کمترین مقادیر ماهانه‌ی آن را در اختیار دارند.

نقش استراتژیکی بیرجند در جنگ بین‌المـللی اول و دوم: هـمانطور کـه گـفته شـده مـوقعیت استراتژیکی و تدافعی این شهر نظر انگلیس‌ها را به خود جلب کرد از اواسط قرن ۱۹ به خصوص از سال ۱۸۵۷ م به بعد کارشناسان نظامی انگلیس، بیرجند و هرات را به عنوان دروازه‌ی هندوستان تلقی کردند. آن‌ها به دولت متبوع خود پـیشنهاد کردند در قراردادهایی که بریتانیا باروسیه و با ایران و یا هر کشور ثالث دیگری منعقد می‌کند نباید بیرجند را از دست بدهد. بیرجند باید در حوزه‌ی نفوذ بریتانیا و در فضای امنیتی هندوستان باشد.

گزارشات منطقه‌ی شـرق مـیانه‌ی ایـران بـه

مرکزیت بیرجند شامل منطقه‌ای که از طرف جنوبی به زاهدان فعلی (دزداب× از شرق به مرز فعلی افغانستان و از شمال به خطی که بعداً در سال ۱۹۰۷ خط شمالی منطقه نفوذ انگلیس یعنی خط بیرجند گزیک) را تشکیل می‌دهد و از غرب به کویر لوت محدود است فوق محرمانه و ویژه امور نظامی تلقی گردید و هرگز به چاپ نرسید. این امر بیانگر حساسیت منطقه تحت نفوذ بیرجند (یا شرقی میانه ایران) برای مسائل استراتژیکی و نظامی و حفاظت از هند انگلیس است.

اهمیت بیرجند باعث حضور نیروهای نظامی ایرانی و خارجی در این شهر گردید.

ژنرال سرپرسی سایکس می‌نویسد: «حکام بیرجند از جنوب خواف تاکویر سیستان و از قله‌ی کوه‌های تون (فردوس) تا مرز افغانستان را تحت حکومت خویش داشتند و مأمور اجرای سیاست‌های دولت مرکزی ایران در سیستان بودند و در بیرجند نیروی مجهزی شامل یازده توپ و یک هزار سوار و دو هزار پیاده داشتند. در جنگ جهانی دوم انگلیس‌ها یک خط نظامی (کوردون) به فرماندهی سرتیپ ر.ای دایر در شرق ایران مستقر کردند و مرکزیت آن را در بیرجند قرار دارند. این خط در همه حال دارای یک اسکادران سوار نظام هندی متمرکز در بیرجند بود.

نتیجه: این مختصر اهمیت استراتژیکی و نظامی و دفاعی فوق العاده بیرجند را یادآوری می‌کند. خروج انگلیس از هند و ایجاد کشورهای مستقل هند و پاکستان و آرامش نسبتاً طولانی حاکم بر افغانستان تا کودتای داود اغتشاشات عراق و جنگ تحمیلی و مسائل خلیج فارس باغث گشته است تا اهمیت مرزهای شرقی و کانون‌های اصلی حافظ منافع ملی ما در شرق تا اندازه‌ای در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گیرند. اما در شرایط فعلی با تحولاتی که در کشورهای واقع در شرق کشور ما و آسیای میانه حادث شده است. با تحولاتی که در کل آسیا حادث خواهد شد با نفوذ وهابیت مهاجم به کشورهای شرقی و پان ترکیسم لائیک به آسیای مرکزی، شرق و شمال کشور از حساسیت‌های امنیتی ویژه‌ای برخوردار شده است.

امنیت ملی و منافع فراملی ما ایجاب می‌کند به شرق کشور و توسعه‌ی عمومی آن بیشتر توجه کنیم. برای توسعه و رشد یک منطقه احتیاج به یک سری کانون‌های رشد و توسعه است. بیرجند به دلایلی که بر شمرده شد از اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی عظیمی برخوردار است.

بیرجند از موقعیت استراتژیکی بی نظیری برخوردار است این شهر در هر صورت پایدار است و می‌ماند. رونق این گونه شهرها مرهون خاندان‌ها نیست، اهمیت خاندان‌ها مرهون موقعیت آن‌هاست،

با دید کارشناسی، بیرجند دومین کانون مهم خراسان و یکی از چهار کانون اصلی شرق کشور است. توجه به توسعه‌ی این شهر و حوزه‌ی نفوذش مایه قوت امنیت ملی و فراملی ماست.

خوشبختانه در شرایط فعلی بیرجند از جمیع عوامل لازم، مثل جمعیت، شبکه‌ی راه‌ها، امکانات خدماتی (آموزشی، دانشگاهی، رفاهی، بانکی، نظامی، فرودگاهی و ...) را برای احراز مرکزیت استان خراسان جنوبی داراست. هیچ شهر و شهرستانی جز مشهد، واقع در خراسان از نظر موقعیت ممتاز استراتژیکی و نقش آن در امنیت ملی و فرا ملّی با این شهرستان همسان نیست. ـ دکتر محمد حسین پاپلی استاد دانشگاه فردوسی مشهد

اقتصاد:

بر آورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی خراسان جنوبی

غلات هکتار/ تن (گندم ۶۳۸۴۵، ۷۲۲۲۹- جو ۱۳۷۱۲، ۲۹۵۰۷- ذرت دانه‌ای ۹۶، ۳۶۷)

حبوبات هکتار/تن (نخود ۱۰۲۶، ۵۸۷- لوبیا ۱۱۴، ۱۰۲- عدس ۳۳۲، ۲۹۶)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۸۱۶۷، ۱۷۵۸۷- توتون و تنباکو ۷، ۹- چغندر قند ۴۶۰۹، ۱۲۲۵۱۸-کلزا، ۲۶۹، ۳۴۵)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب زمینی ۳۷۰، ۷۰۲۳- پیاز ۱۹۶، ۳۰۵۸-گوجه فرنگی، ۳۳۳، ۵۴۸۹)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۳۲۵۱، ۲۹۸۶۱- هندوانه ۵۱۷۳، ۲۶۹۰۱- خیار ۷۱، ۱۴۴۴)

نباتات علوفه‌ای هکتار/تن (یونجه ۲۹۷۲، ۱۷۳۱۶- شبدر ۱، ۲۳)

محصولات: میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، سنجد. میوه‌های سردسیری:
زرشک، عناب. میوه‌های نیمه گرمسیری: خرما (کبکاب)، انجیر، پرتقال، انار، خرمالو، زیتون. گیاهان دارویی: زیره سبز. توت نوغان، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ادرصد رتبه ۲۶ - مقدار تولید غلات ۱۰۲۱۰۴ تن رتبه ۲۹ - مقدار تولید حبوبات ۹۹۲ تن رتبه ۲۶ - مقدار محصولات صنعتی ۱۴۱۴۸۶ تن رتبه ۱۱ - مقدار تولید سبزیجات ۱۷۲۴۳ تن رتبه ۳۰ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۶۰۶۹۴ تن رتبه ۲۱ - مقدار تولید علوفه ۱۶۵۳۲۴ تن رتبه ۲۰ - مقدار تولید محصولات باغی ۴۹۶۸۹ تن رتبه ۲۹ - تولید پسته ۳۳۹۱ تن رتبه ۸ - تولید خرما ۳۵۳ تن رتبه ۱۰

وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی : ۲۸۴۷۸۰۰ شاخه گل ۹۶۳۵۶۵ اصله تولید زعفران ۵۸۶۳۰ کیلو گرم گیاهان داروئی ۱۶۴۷۰ کیلو - تولید عسل ۱۷۷۴۰ کیلو.

صنایع خراسان جنوبی: محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۱۰۷ واحد)، ساخت منسوجات (۲۷ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۸ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۱۵ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۲ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۲۳ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۴۵ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۶ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۸ واحد).

صنایع: روغن خام پنبه دانه (۳)، شیر پاستوریزه (۱)، ماست پاستوریزه (۲)، انواع کیک و بیسکوئیت وکلوچه (۷)، ماکارونی (۶)، انواع رب گوجه فرنگی (۱)، رنگرزی خامه‌ی قالی (۱).

معادن و زمین‌شناسی

معادن: در استان خراسان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره‌برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سایر مرمرکوپ ۲۱۰۰۰ تن ۲- مرمریت قرمز کوپ ۷۴۵۸۱ تن ۳- مرمریت قرمز لاشه ۲۰۰۰ تن ۴- مرمریت سفید کوپ ۶۶۱۷۱ تن ۵-

مرمریت سفید لاشه ۳۱۲۱۸ تن ۶- مرمریت سفید فکی ۳۰۰۰ تن ۷- سایر مرمریت کوپ ۳۹۹۰۰ تن ۸- سایر مرمریت لاشه ۱۵۰۰ تن ۹- گرانیت ۱۷۱۵۸۹ تن ۱۰- چینی ساده ۵۴۵۴۴ تن ۱۱- بازالت ۴۰۱۰ تن ۱۲- سایر سنگ‌های تزئینی ۳۶۳۲۷ تن ۱۳- لاشه ی ساختمانی ۱۹۳۱۵۷ تن ۱۴- مالون ۲۲۶۷۰۰ تن ۱۵- پوزولانا ۱۵۰۰۰۰ تن

چاله‌ی قائن: چاله‌ی قائن که به طرف مشرق و به داخل چاله‌ی کف زهکشی می‌شود، منطقه‌ای است باریک و به وسیله‌ی رشته کوه‌های بلندی که تا ۱۸۰۰ متر از سطح کویر مجاور ارتفاع دارند محصور است. ارتفاعات شمال چاله از سنگ‌های دوره‌ی میوسن و ارتفاعات بخش مرکزی و جنوب غربی آن از مواد آتشفشانی و یا مواد کلاسیک متعلق به دوره‌ی ائوسن تشکیل شده است. فعالیت مخروط‌های افکنه در بخش غربی و شرقی این چاله به طور قابل ملاحظه‌ای موجب کاهش سطح این کویر گردیده است.

این کویر از نوع کویرهای رسی بوده و سطح آن به طور قابل ملاحظه‌ای به وسیله‌ی شیارهای فرسایشی بریده شده است، به طوری که لکه‌های تیره در سطح کویر و کانال‌های موجود بر روی عکس‌های هوائی نشان می‌دهد، حتی در ماه اوت ۱۹۵۶ میزان قابل ملاحظه‌ای آب در سطح کویر وجود داشته است.

بر روی صفحاتی که دارای بریدگی‌های کمتری هستند چند روستا دیده می‌شود که اطراف آن‌ها را اراضی چهار گوش و تیره رنگی فراگرفته است. عدم وجود رشته‌های قنات بر روی این صفحات نشان دهنده‌ی آن است که آب زیر زمینی در این منطقه کافی بوده و دارای کیفیت مناسبی است.

چاله‌ی کف (قائن) ـ خراسان جنوبی: چاله‌ی کف آب اضافی چاله‌ی قائن را دریافت می‌دارد. قسمت اعظم بخش‌های حاشیه‌ای این کویر را سنگ‌های دوره‌ی میوسن تشکیل می‌دهند که به طور ضعیفی چین خورده و در بعضی نقاط نیز گسل برداشته است. طبقات تبخیری صفحات مجاور بازوی شمال شرقی کویر به طور پیچیده‌ای بریده و شسته شده است.

فرو رفتگی موجود در داخل صفحات کوهستانی همانند کانال هائی است که به طرف کویر سرازیر شده و به وسیله‌ی نمک پر شده است.

سیستم زهکشی اخیر این چاله در سه بخش اصلی متمرکز است. مهم‌ترین آن‌ها در انتهای انشعابات رودخانه شمال غربی (از کویر قائن) واقع شده و بخش دوم و سوم آن در انتهای شرقی و غربی بازوی شمال شرقی کویر قرار گرفته‌اند.

۸۵ درصد سطح این کویر را صفحات رسی و ۱۶ درصد آن را نمکزار موجود در بازوی شمال شرقی و بالاخره کمتر از یک درصد این کویر را حوزه‌ی خیس فراگرفته است.

چاله‌ی یزدان: چاله‌ی یزدان که قسمت اعظم آن در خاک افغانستان قرار دارد چاله‌ای است وسیع و تقریباً صاف. فقط تعداد محدودی ارتفاعات پراکنده مرکب از سنگ‌های تبخیری دوره‌ی میوسن و سنگ‌های آتشفشانی دوره‌ی ائوسن و سنگ‌های آذرین سطح آن را پوشانده است. حد آبی جنوب غربی آن را بلندی‌های آهکی دوره یکرتاسه که ۲۰۰۰ متر بالاتر از سطح هستند قرار گرفته است. قسمت قابل توجهی از سطح کویر یزدان را تپه‌های ماسه‌ای و مخروط‌های افکنه

پوشانیده است. سطح این کویر را عموماً صفحات رسی بریده شده به وسیله‌ی رودخانه‌های داخلی همراه با حوزه‌های خیس و کپه‌هایی از گیاهان فرآتیک فرا گرفته است.

چاله‌ی اسماعیل آباد: چاله‌ی اسماعیل آباد در جنوب شرقی بیرجند در حد واسط ارتفاعات غربی شامل رسوبات دوره‌ی پالئوسن همراه با مواد آتشفشانی و آذر آواری و رشته کوه‌های گسل خورده شرقی، مرکب از مواد آتشفشانی دوره‌ی ائوسن که به طرف شمال منحرف گردیده است قرار دارد. بین منطقه‌ی شمال غربی و گسل‌های بریده شده مقداری سنگ از دوران ائوسن نیز دیده می‌شود. این دشت به وسیله‌ی یک گذرگاه باریک پست با صفحات جنوبی و پوشیده از مواد شنی مخروط افکنه در ارتباط هستند. ارتفاع بلندترین قلل اطراف این چاله ۲۷۴۸ متر از سطح دریا و یا ۱۴۰۰ متر از سطح کویر، یا ۱۰۷۰ متر از سطح تنگه می‌باشد.

۸۱ درصد سطح کویر اسماعیل آباد را صفحات رسی و سیزده درصد آن را حوزه‌ی خیس پوشانده است و ۶ درصد سطح آن را نمکزار گوشه‌ی پست شمال شرقی آن تشکیل داده که به طور فصلی دریاچه‌ی کم عمق آن را فرا می‌گیرد.

نتایج ناهمسانگری مغناطیس‌پذیری خراسان جنوبی: اندازه‌گیری ناهمسانگردی مغناطیس‌پذیری فنی مناسب برای کمی کردن فابریک مغناطیسی یک توده‌ی نفوذی با استفاده از مغزه‌های استوانه‌ای به قطر ۲۵ میلی متر و طول ۵۰ تا ۱۰۰ میلی متر است. منشأ فابریک‌های مغناطیسی در گرانیت‌ها، سوگیری بلورهای دارای خواص مغناطیسی در ماگما پیش از تبلور کامل آن است.

تکامل ماگما را می‌توان در چهار مرحله‌ی جدایش، صعود، جایگیری و سردشدگی خلاصه کرد. به محض این که ماگما شروع به تبلور کند، بافت‌های ماگمایی شکل می‌گیرند و به طور پیوسته تکمیل شده و بازتاب کننده‌ی حالت دگرشکلی در هر مرحله می‌باشند. اطلاعات هندسی درباره‌ی جریان یافتن و سرد شدن ماگما، به ویژه در رابطه با جایگیری و دگرشکلی بعدی، توسط ساخت‌کانی‌ها ثبت می‌شود. اصولاً فابریک توسط شکل، سوگیری و توزیع مکانی کانی‌ها و شرایط مکانیکی زمان تشکیل کانی‌ها تعریف می‌شود. اهمیت فابریک برای سنگ‌های ماگمایی، مشابه دیگر سنگ‌ها بوده و گویای نوعی دگر شکلی است که سوگیری و شکل بیضوی دگر شکلی (پهن شدگی یا فشردگی) را شرح می‌دهد. مجله‌ی علوم زمین

گسل نهبندان (Nb): گسل نهبندان در حد شرقی بلوک لوت قرار دارد و به صورت چندین گسل با روند شمالی ـ جنوبی است که در امتداد و به موازات یکدیگر کشیده شده‌اند و طول آن‌ها ۷۵۰ کیلومتر ذکر شده است (نبوی ۱۳۵۵). این گسل‌ها، جداکننده‌ی بلوک لوت از فلیش‌های شرق ایران هستند.

در قسمت شمالی این گسل دو شاخه شده است. شاخه‌ی غربی آن در امتداد افیولیت ملانژهای حاشیه‌ی شمال شرقی و شاخه‌ی شرقی آن در جهت شمالی ادامه پیدا می‌کند. آخرین حرکت این گسل در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲ موجب ویرانی و انهدام خانه‌های مسکونی در شهرستان نهبندان و اطراف آن شد.

گسله‌های راستالغز دارای متغیرهای فراوانی

بوده که در طول گسل تغییرات آن‌ها یکسان نمی‌باشد، از جمله مهم‌ترین متغیرها، تغییرات میزان جابجایی و عرض پهنه برشی می‌باشند. مطالعه‌ی این متغیرها بر روی سیستم گسله راستالغز نهبندان در خاور ایران و اندازه‌گیری آن‌ها بر روی مدل‌های تجربی در آزمایشگاه نشان می‌دهد که بیشترین میزان جابجایی و بیشترین عرض پهنه برشی در بخش میانی گسله‌های راستالغز روی می‌دهد. از بخش میانی به طرف پایانه‌های گسله از میزان جابجایی به صورت نمایی کاسته می‌شود، آهنگ کاهش میزان جابجایی و عرض پهنه برشی را می‌توان در رابطه‌ی $Y=C.e^{\gamma d}$ بررسی کرد. ضریب کاهش پذیری γ از سرشاخه‌های فرعی بخش انتهایی گسله‌های راستالغز کوچک‌تر از بخش اصلی گسله می‌باشد. به طرف پایانه گسله‌های راستالغز هم مقدار جابجایی و هم عرض پهنه برشی به سمت صفر میل می‌کند. در مدل تجربی بر روی ماده‌ی فلکسی گلاس نیز مشاهده گردید که بیشترین میزان جابجایی و عرض پهنه برشی در بخش میانی گسله بوده و به طرف پایانه‌ها از مقدار آن به صورت نمایی کاسته شده و به صفر می‌رسد. مقایسه منحنی‌های جابجایی بر حسب مسافت و با عرض پهنه برشی بر حسب مسافت به دست آمده در طبیعت و آزمایشگاه نشان می‌دهد که منحنی‌های داده‌های آزمایشگاهی به نسبت متقارن در حالی که منحنی‌های داده‌های طبیعی نامتقارن می‌باشند. این اختلاف به دلیل همگنی نمونه آزمایشگاهی و ناهمگنی پوسته قاره‌ای که در آن گسله راستالغز رخ داده می‌باشد. شکل منحنی‌های جابجایی بر حسب مسافت یا عرض پهنه‌ی برشی بر حسب مسافت تقریباً سهمی است.

گسله‌های راستالغز یکی از مهم‌ترین عناصر ساختاری مؤثر در دگرشکلی پوسته‌های قاره‌ای هستند. شاید گسله راستالغز مسبب زمین لرزه ۱۸۸۸ نیوزیلند (**Sylvester 1988**) از اولین گسله‌های راستالغز مطالعه شده باشد که به دنبال آن گسله‌های دیگر نیز شناسایی شدند. مبنای شناسایی این گسله‌ها ابتدا مشاهده‌ی جابجایی افقی بر روی سطح زمین بود که به دنبال آن زمین شناسان متغیرهای دیگری از این گسله‌ها را مورد نظر قرار داده و به مطالعه دقیق آن‌ها پرداختند. توجیه صدها کیلومتر جابجایی در طول تاریخ زمین‌شناسی بر روی این گسله‌ها کمی دشوار به نظر می‌رسد و همچنین وجود ساختمان‌های پیچیده فشاری و کششی در طول این گسله‌ها وجود تله‌های نفتی در پهنه‌ی برشی همراه با این گسله‌ها در تمام نقاط دنیا و لرزه خیز بودن اکثر گسله‌های راستالغز از ویژگی‌های بارزی هستند که مطالعه‌ی این گسله‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند. اگر چه بعد سوم این گسله‌ها هنوز به طور کامل شناخته نشده یا رفتار حرارتی و مکانیکی آن‌ها در پوسته‌های اقیانوسی و به خصوص در پوسته‌های ناهمگن قاره‌ای جای بحث فراوانی دارد، اما بررسی متغیرهای سطحی این گسله‌ها می‌تواند بخشی از رفتار پیچیده گسله‌های راستالغز را روشن نماید. در این مطالعه نیز کوشش شده تا تغییرات جابجایی در طول گسله‌های راستالغز و همچنین تغییرات عرض پهنه برشی را با استفاده از مطالعات صحرایی بر روی گسله راستالغز نهبندان و کارهای تجربی آزمایشگاهی مورد بررسی قرار داده و روابط بین این متغیرها بیان شود. برای این منظور بر روی بخش شمالی سیستم گسله نهبندان از ده کیلومتری جنوب شهر نهبندان به سمت

شمال (کم و بیش بخش میانی گسله) در ۴۲۰ نقطه اندازه‌گیری بر روی مقدار جابجایی و عرض پهنه‌ی برشی صورت گرفته است. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۷ و ۳۸

گسل هررود: می‌توان گفت که رودخانهی هریرود در مرز ایران و افغانستان و رودخانه‌ی تجن در مرز ایران و ترکمنستان شوروی در طول این گسل جریان دارد. اثر این گسل در ناحیه‌ی ترکمنستان شوروی و کوه‌های اوران قابل تشخیص است. در قسمت شرقی این گسل بلوک هلمند در افغانستان قرار دارد.

بیرجند: بخش اصلی توده گرانیتوییدی شاه کوه (جنوب بیرجند) از دو واحد مونزوگرانیت ـ گرانودیوریت و سینوگرانیتی تشکیل شده است که آنکلاوهای بزرگ میکروگرانیتی را در بر می‌گیرند. گرانیت‌های گرایزنی به طور محدود در بخش خاوری توده‌ی رخنمون داشته و تعداد کمی از دایک‌های داسیتی، آندزیتی و آپلیتی و همچنین رگه‌های کوارتز ـ تورمالین کانه دار نسبتاً فراوانی این توده گرانیتی را قطع کرده‌اند.

توده‌ی گرانیتی شاهکوه به صورت یک نوار کشیده به طول تقریباً ۵۰کیلومتر و پهنای ۱۲-۱۰ کیلومتر با روند شمال باختری ـ جنوب خاوری در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شهرستان بیرجند (خاور ایران) واقع است. این توده با رویه‌ای بیش از ۵۰۰ کیلومتر مربع بخشی از بلوک لوت را تشکیل داده و دارای مختصات جغرافیایی ۴۷ ۳۱° ـ ۳۰ ۳۱° شمالی و ۳۱ ۵۹° ـ ۱۲ ۵۹° خاوری می‌باشد. مجله‌ی علوم زمین ش ۴۱ ـ ۴۲

خراسان جنوبی: کمربند ساختاری خاور ایران یک کوهزاد درون قاره‌ای با روند تقریبی شمالی ـ جنوبی است. قدیمی‌ترین سنگ‌ها در این بلوک مربوط به قبل از سنومانین می‌باشند. شواهد چینه شناختی و سنگ شناختی نشانگر آغاز حرکات کششی بین قطعات قاره‌ای ایران و افغانستان در کرتاسه آغازین است. این نیروهای کششی موجب تشکیل حوضه‌های رسوبی خاور ایران و سبب ظهور افیولیت‌ها در این ناحیه‌ی گردید.

حوضه‌های رسوبی یاد شده در کرتاسه‌ی پایانی بسته شده و حوضه‌های پیش بوم **(Foreland)** در تمامی درازنای سنوزوییک بر منطقه حاکم می‌شوند.

در مورد چگونگی تکامل ساختاری در این منطقه نظرهای گوناگونی ابراز شده است ولی با توجه به ساختار ناحیه‌ی مورد بررسی و ارتباط آن با دیگر بخش‌های بلوک لوت شاید بتوان مدل ساختاری گسله قلعه سرخ ـ نوزاد راکه خود یکی از شاخه‌های منشعب از گسله‌ی اصلی نه **(Neh)** است را به عنوان یکی از عوامل، جهت چگونگی تشکیل و جایگیری سنگ‌های دگرگون ناحیه و ظهور افیولیت‌ها دانست. قطعه‌ی گسله قلعه سرخ ـ نوزاد در خاور محدوده‌ی نقشه ۱:۱۰۰۰۰۰ سربیشه، گسله‌ای

است راستالغز با جابجایی راستگرد در شاخه اصلی و در برخی چپگرد در شاخه‌های فرعی خود. تکوین ساختاری این قطعه گسله در قالب سیستم **Riedel** وگل ساخت‌های مثبت و منفی در بخش‌های تراکمی و کششی است.

تمرکز تنش در محل تلاقی قطعات مختلف و پایانه اینگونه گسله‌ها و رهایی این تنش‌ها از عوامل بارز زمین لرزه‌های اخیر است. مجله‌ی علوم زمین ش ۲۹ و ۳۰

فرهنگی ـ دانشگاهی

موزه‌ها و مراکز فرهنگی بیرجند:

موزه‌ی علوم و تاریخ طبیعی بیرجند: تاریخ تأسیس: ۱۳۸۲، ساعت بازدید: پنج شنبه‌ها و جمعه‌ها ۱۹-۱۶، تعطیلات: دوشنبه‌ها.

موزه‌ی مردم‌شناسی نهبندان: این موزه در خانه‌ی سلطانی از خانه‌های تاریخی شهر نهبندان و در داخل بافت تاریخی این شهر واقع شده است. کار مرمت خانه سالاری از سال ۱۳۸۲ آغاز شده و در سوم شهریور سال ۱۳۸۴ موزه به بهره برداری رسید. قسمت‌های مختلف موزه عبارتند از: نمایشگاه عکس‌های بناهای تاریخی، لباس‌های محلی، مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی، قالی‌بافی و نخ‌ریسی. ـ از ماهنامه‌ی گردشگری ایرانا

موزه‌ی باستان‌شناسی: این موزه با وسعت ششصد متر مربع زیر بنا در طبقه‌ی دوم عمارت اکبریه، در انتهای خیابان معلم بیرجند قرار دارد و از بخش‌های مهمی چون بخش سفال، سکه، فلز، قرآن و کتابت، اسلحه و ابزار جنگ و میراث خاندان علم ـ که توسط بنیاد مستضعفان در اختیار موزه بیرجند قرار داده شد ـ شکل گرفته و نشانگر سیر تاریخی از هزاره‌ی سوم ق.م تا دوره‌ی قاجاریه است.

موزه‌ی باستان‌شناسی با توجه به غنای فرهنگی منطقه، جمعیت جوان، وجود دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و مسافرت هزاران گردشگر به این منطقه در سال ۱۳۷۱ راه اندازی شد و بعد از موزه‌ی مشهد، مهم‌ترین موزه‌ی باستان‌شناسی استان خراسان است.

سفال‌ها، سکه‌ها، بیشترین آثار این موزه را تشکیل می‌دهند. مجموعه سفال‌ها، دوره‌های مختلف تاریخ از سفال‌های نخودی هزاره‌ی سوم ق.م، سفال‌های خاکستری هزاره‌ی اول میلادی تا سفال‌های لعابدار دوره‌ی اسلامی را در بر می‌گیرد و نیز سکه هائی از پارتیان، الیمایی‌ها و ساسانیان قبل از اسلام، سکه‌های دوران‌های مختلف اسلامی تا دوره‌ی قاجار را شامل می‌شود.

موزه‌ی مردم‌شناسی: در این موزه گوشه‌ای از معیشت، مشاغل و حرفه‌های منطقه‌ی جنوب خراسان که در گذشته‌ای نه چندان دور مرسوم بود و اکنون منسوخ شده، به نمایش گذاشته شده است. از قسمت‌های مهم این موزه می‌توان به مراسم عروسی، کشاورزی، سفالگری، عطاری، کفاشی، دستاسی (آسیاب دستی)، حکیم باشی، پارچه بافی، نخ ریسی و آهنگری اشاره کرد.

این موزه با هدف پیوند نسل جوان با سنت‌های گذشته ایجاد شد و قدمت اشیای موجود در آن حدود یک صد سال است.

موزه‌ی علوم و تاریخ طبیعی: در منطقه‌ی بیرجند به دلیل وجود آب و هوای خشک و کویری گونه‌های متفاوتی از جانوران اعم از پرندگان، پستانداران، خزندگان و ... وجود دارند.

در موزه‌ی تاریخی طبیعی واقع در مجموعه‌ی شوکت آباد در پنج کیلومتری شرق بیرجند، گونه‌هایی از حیات وحش اعم از بومی و یا غیر بومی در قالب چند مجموعه به نمایش درآمده است.

پرندگان: این مجموعه شامل دال سیاه، بحری، لیل، کبک، تیهو، دراج، هوبره، چاخ‌لق، حواصیل ارغوانی، کفچه نوک، لک لک سیاه، آنقوت، تنجه، غواص گلوسیاه، کشیم گردن سرخ، کشیم بزرگ، پلیکان پا خاکستری، پلیکان سفید، اردک

سرحنایی، اردک سرسبز، اردک فیلوش و ... است.
پستانداران: در این مجموعه حیواناتی نظیر گربه‌ی وحشی، گربه‌ی پالاس، روباه معمولی، قوچ اوریال، قوچ البرز مرکزی، کل و گونه‌هایی از خزندگان و دوزیستان و ... به نمایش گذاشته شده است.
فسیل‌ها: این مجموعه شامل فسیل‌های شاخص و فسیل‌های غیر شاخص و رخساره‌اند. این فسیل‌ها بین دوازده تا پانصد میلیون سال قدمت دارند و شامل گونه‌های متعددی از شاخه اسفنج‌ها، شاخه‌ی مرجان‌ها و کیسه تنان، نرم تنان، بند پایان، بریوزوا، کرم‌های بند بند، بازو پایان، خارپوستان، برانکیوترماتا و نیز گونه‌های زیادی از فرامینفرها است و چند نمونه فسیل گیاهی که از دوران‌های سنوزوئیک، مزوزوئیک و پالئوزوئیک در این بخش به نمایش در آمده‌اند. ـ از کتاب سیمای فرهنگی شهرستان بیرجند ـ معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور ـ گردآوری رقیه زعفرانلو ـ حمزه حمزه ـ طراحی و تدوین و اجرا فرزانه فقیه‌زاده

فهرست موزه‌ها و بناهای تاریخی استان خراسان جنوبی

ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۱، بنا صفویه

ـ موزه‌ی بیرجند (بوستان موزه) (بیرجند) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۲، قاجاریه

ـ موزه‌ی مشاهیر و مفاخر ملی بیرجند (بیرجند) ـ موضوع: مفاخر و مشاهیر بیرجند ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۲

دانشگاه بیرجند: شورای گسترش آموزش عالی، در تاریخ ۱۳۵۴ با ایجاد مؤسسه‌ی آموزش عالی بیرجند موافقت نمود و متعاقب آن در سال ۱۳۵۶ با پذیرش ۹۳ نفر دانشجو در رشته‌های فیزیک ـ شیمی و زمین‌شناسی فعالیت آموزشی خود را شروع کرد. در سال ۱۳۶۸ به مجتمع دانشگاهی بیرجند و در سال ۱۳۷۱ به دانشگاه بیرجند تغییر نام داد ـ دولتی

دانشگاه علوم پزشی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند: در سال ۶۵ با نام دانشکده‌ی علوم پزشکی بیرجند تأسیس شد در سال ۷۲ به دانشگاه علوم پزشکی تغییر نام داد ـ دولتی

آثار تاریخی خراسان جنوبی: تا اواخر سال ۱۳۸۵ بیش از ۳۴۲ اثر مهم تاریخی این استان به ثبت رسیده است که برخی از آنها شامل مسجد جامع قاین، حسینیه شوکتیه، حسینیه بهرمان، بقعه امامزاده زید ابن موسی، قلعه نهبدان، رباط آصف، مسجد جامع پائین‌شهر، مسجد جامعه درخش مربوط به دوره صفویه (در روستای درخش، بخش قهستان شهرستان درمیان) می‌باشد.

یک سنگ نگاره و کتیبه پهلوی اشکانی در بیرجند: با قدمت دو هزارساله در بیرجند کشف شد، بر روی این سنگ‌نگاره نقش ۳۸ جانور از قبیل اسب، بز کوهی، قوچ و پرنده مشاهده می‌شود. این سنگ‌نگاره بر کنار یک رود و در دره‌ای به نام استاد تنگل در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند قرار دارد.

آثار ثبت شده استان خراسان جنوبی

مسجد جامع قاین - قرن ۸ ه.ق - قائن
حسینیه شوکتیه - قاجاریه - بیرجند
حسینیه بهرمان - قاجاریه - بیرجند
یخچال شوکت آباد - قاجاریه - بیرجند
مصلی بیرجند - قاجاریه - بیرجند

ارگ کلاه فرنگی - (اوایل زندیه - اواخر قاجار)- بیرجند
مسجد جامع میغان - صفویه تا قاجار- نهبندان
خانه پردلی - قاجاریه - بیرجند
بنای خواجه خضر - قاجاریه - بیرجند
حسینیه نواب - صفویه - بیرجند
ارگ حاجی آباد - قاجاریه - بیرجند
منزل آراسته - قاجاریه - بیرجند
مدرسه معصومیه - قاجاریه - بیرجند
مسجد جامع هندوالان - تیموری - بیرجند
بقعه امامزاده زیدبن موسی -(قرن ۳و۴-صفویه)- قائنات
قلعه نهبندان - (اشکانی - اسلامی) - نهبندان
مسجد جامع خوسف - (تیموری - صفویه)- خوسف
باغ وکوشک امیر آباد - قاجاریه - بیرجند
رباط آصف - قاجاریه - بیرجند
باغ و مقبره حسام الدوله - قاجاریه - بیرجند
مقبره ابن حسام خوسفی - قاجاریه - خوسف
مسجد جامع پایین شهر - قاجاریه - بیرجند
حسینیه آراسته - اواخر قاجار - بیرجند
مسجد جامع درخش - صفویه - درمیان
سنگ نگاره لاخ مزار - پیش از تاریخ تا اسلامی - بیرجند
مسجد جامع افین - تیموری - قائنات
حسینیه حاجیه آمنه - قاجاریه - بیرجند
قلعه شاهدژ (نهبندان)- سلجوقی (اسماعیلیه) - نهبندان
مجموعه اکبریه - اواخر زندیه تا قاجاریه - بیرجند
مجموعه و باغ شوکت آباد - قاجاریه - بیرجند
مجموعه محله چهار درخت - قاجاریه - بیرجند
باغ بهلگرد - قاجاریه - بیرجند
مقبره شیخ ابو المفاخر - قرن سیزدهم - قائنات
آب انبار چهاردرخت حاج محمد جعفر-قاجاریه- بیرجند
مسجد جامع چهار درخت - اواخر قاجار - بیرجند
حمام چهار درخت - قاجاریه - بیرجند
سنگ نگاره‌های کال جنگال - تاریخی - خوسف
باغ و عمارت رحیم آباد - قاجاریه - بیرجند
حسینیه محبان الزهرا(س) - قاجاریه - بیرجند
بوذر جمهر قائینی - صفویه - قاین
حسینیه گود -(تیموری - قاجاریه) - بیرجند
خانه غلامرضا حسین جعفر - اواخر قاجار - بیرجند
یخچال بهلگرد - قاجاریه - بیرجند
خانه فرهنگ - (اواخر قاجار - اوایل پهلوی) - بیرجند
آب انبار محسن زاده - قاجاریه - بیرجند
خانه لاله - (قاجاریه - پهلوی) - بیرجند
آب انبار ملک - قاجاریه - بیرجند
کنسولگری انگلیس (منظریه) -قاجاریه -بیرجند
خانه مادر علم - قاجاریه - بیرجند
غار فارسان - (تاریخی - اسلامی) - قائنات
خانه مالکی -قاجاریه - خوسف
خانه حاج عباس بهمنی - پهلوی اول - بیرجند
خانه جوان - پهلوی اول - بیرجند
مدرسه ابن حسام خوسفی - قاجاریه - خوسف
خانه اشرفی - قاجاریه - خوسف
خانه انبار کربلایی خدیجه - قاجاریه - خوسف
خانه رضا قلی خلیلی - اواخر قاجار- بیرجند
قلعه فورگ - صفویه - درمیان
مسجد علی آباد - صفویه - بیرجند

مسجد عسگری - صفویه - بیرجند
خانه کربلایی افضل بیگ رفیعی -صفوی-قاجار- خوسف
خانه خدا بخش خلیلی - اواخر قاجار - بیرجند
آس بادهای رومه - اواخر قاجار - نهبندان
مدرسه علمیه آیت الله آیتی - اواخر قاجار - بیرجند
خانه حسن قلی خلیلی - اواخر قاجاریه - بیرجند
حسینیه خور - صفویه - بیرجند
آسیاب بادی - قاجاریه - نهبندان
خانه کربلایی اسحاق قارنی - قاجاریه - قائن
خانه محمد قلی بیگ خلیلی - پهلوی - بیرجند
مجموعه عمارت مود - (زندیه - قاجاریه) - سربیشه
خانه فاطمی - پهلوی - بیرجند
خانه آقا رای فرد - پهلوی اول - بیرجند
آسبادهای چهار فرسخ - ساسانی - نهبندان
تپه چهارفرسخ - ساسانی - نهبندان
قلعه خور - صفویه - بیرجند
مسجد آیت الله آیتی - قاجاریه - بیرجند
خانه استاد سید غلامرضا سعیدی - پهلوی - درمیان
خانه میرزا احمدخان خلیلی نوغاب - قاجاریه - بیرجند
خانه سرپرچی - اواخر قاجار - خوسف
خانه علوی - زندیه - بیرجند
آب انبار حاج رفیع - قاجاریه - بیرجند
خانه کربلایی محمد علی بیگ - اواخر قاجار - بیرجند
خانه نخعی - اواخر قاجار - بیرجند
خانه سرهنگ - اواسط قاجار - خوسف
مسجد محله (باب الحوائج) - پهلوی - خوسف
قلعه قدیمی شوسف - اسلامی - شوسف
آب انبار خور - صفویه - بیرجند
رباط کوهک رود بالا - صفویه - سربیشه
کوشک علی آباد (ارگ سپهری) - اوایل قاجار - بیرجند
خانه یاوری (سربیشه) - (قاجار - پهلوی) - سربیشه
مسجد محله پایین - اواخر قاجار - خوسف
ارگ بهارستان (باغ زرشکی) - افشاریه - بیرجند
مسجد حسینی (بالا ده) - قاجاریه - خوسف
خانه غلامرضابیگ نخعی - قاجاریه - بیرجند
قلعه سنگی بندان - اسلامی - نهبندان
قلعه میغان - (تاریخی - اسلامی) - نهبندان
آسبادهای خوانشرف - قاجاریه - نهبندان
محوطه دژکاسگان - قاجاریه - نهبندان
قلعه تیغدر - اسلامی - نهبندان
محوطه و قلعه طبسین - اسلامی - نهبندان
حوض انبارهای میغان - اواخر قاجار - نهبندان
قلعه اکرم آباد - (صفویه - قاجاریه) - نهبندان
مسجد چهارده معصوم - قاجاریه - سربیشه
مسجد گنجی (امام حسین) - (قاجار-پهلوی) - سربیشه
مسجد چهکندوک - قاجاریه - سربیشه
آسباد گوند - قاجاریه - نهبندان
قلعه گوند - قاجاریه - نهبندان
قلعه زینل آباد - تیموریان - نهبندان
قلعه چهکندوک - قاجاریه - بیرجند
حسینیه طوفانی - قاجاریه - بیرجند
غار پل خیر - پیش از تاریخ - قائنات
رباط چاه حوض - قاجاریه - بیرجند
آرامگـــــــاه

آیت‌الله‌شیخ‌هادی‌هادوی(قاجار-پهلوی)-بیرجند
رباط زردان - (صفویه - قاجار) - قائنات
مزار رایک - (صفویه - قاجار) - قائنات
رباط چاهک - صفویه - قائنات
قلعه خوانشرف - قاجاریه - نهبندان
مسجد پخت - زندیه - سربیشه
مسجد همچ - (اواخر صفویه - اوایل قاجاریه) - بیرجند
خانه اژدری - پهلوی - بیرجند
قلعه قدیمی خوسف - افشاریه - خوسف
ساختمان امنیه (ژاندارمری) - پهلوی - شوسف
مسجد عاشورا خانه - صفویه - نهبندان
مدرسه هدایت - پهلوی اول - نهبندان
مسجد گلستان - اواخر قاجار - نهبندان
قلعه کلاته محمد خان - اوایل قاجار - نهبندان
حمام کارشک - (صفویه - قاجاریه) - قائنات
خانه هادوی - قاجاریه - بیرجند
خانه صفاریان - قاجاریه - بیرجند
خانه شریف - اوایل پهلوی - بیرجند
قلعه هاجر آباد - صفویه - قائنات
آسیادهای همند - قاجاریه - نهبندان
مسجد عثمان ذوالنورین - قاجاریه - درمیان
بند النگ - قاجاریه - بیرجند
خانه نورانی - (اواخر قاجار - اوایل پهلوی) - بیرجند
خانه ادهمی - (اواخر قاجار - اوایل پهلوی) - بیرجند
آسیادهای طبس مسینا - قاجاریه - درمیان
خانه مالکی - اوایل پهلوی - بیرجند
خانه طالبی - اواخر قاجار - بیرجند
موقوفه لیلی حسین جعفر - (صفویه -پهلوی) - بیرجند
منزل اعتمادنیا - اوایل پهلوی - بیرجند
تپه سردر - (تاریخی - اسلامی) - بیرجند
تپه ته کندوک کلاته سلیمان-پیش از تاریخ - سربیشه
برج چشمه مولید - (تاریخی - صفویه) - بیرجند
خانه مهرور - قاجاریه - بیرجند
تپه دهنو - تاریخی - بیرجند
قبرستان آسو - (تیموریان - صفویه) - بیرجند
قلعه دختر گاویج - تاریخی - درمیان
قبرستان بجد - اسلامی - بیرجند
تپه پل عباس آباد - تاریخی - درمیان
تپه قلعه تگاب شاخن - تاریخی - بیرجند
خانه کوزه گران - پهلوی - بیرجند
قلعه حسین قاینی - سلجوقیان - قائن
منزل حقیقی - زندیه - قائن

فهرست آثار تاریخی استان خراسان جنوبی در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۴۵۵ واحد می‌باشد. - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

جمعیت مرد و زن روستائی و شهری خراسان جنوبی: مرد: (۱۴۷۵۱۵ شهری، ۱۳۸۶۷۰ روستائی)، زن: (۱۴۳۶۷۹ شهری، ۱۳۶۳۶۷ روستائی).

جمعیت استان خراسان جنوبی

شهرستان بیرجند: تعداد خانوار ۶۰۲۴۰، جمعیت ۲۴۰۸۹۴، تعداد باسواد ۱۶۹۵۶۶، تعداد بیسواد ۲۹۰۱۳.

شهرستان درمیان: تعداد خانوار ۱۲۸۹۳، جمعیت ۵۳۷۹۴، تعداد باسواد ۳۴۶۱۴، تعداد بیسواد ۱۰۳۱۸.

شهرستان سرایان: تعداد خانوار ۹۱۴۰، جمعیت ۳۵۴۵۹، تعداد باسواد ۲۴۶۷۸، تعداد بیسواد ۶۳۱۹.

شهرستان سربیشه: تعداد خانوار ۱۰۱۱۹، جمعیت ۳۹۴۶۱، تعداد باسواد ۲۳۱۴۹، تعداد بیسواد ۹۸۴۶.

شهرستان فردوس: تعداد خانوار ۱۷۵۳۹، جمعیت ۶۳۴۹۷، تعداد باسواد ۴۶۴۴۴، تعداد بیسواد ۸۷۰۴.

شهرستان قائنات: تعداد خانوار ۳۵۷۸۳، جمعیت ۱۴۳۵۱۶، تعداد باسواد ۹۲۸۳۸، تعداد بیسواد ۲۷۹۴۷.

شهرستان نهبندان: تعداد خانوار ۱۳۵۴۱، جمعیت ۵۹۷۹۹، تعداد باسواد ۳۵۰۴۰، تعداد بیسواد ۱۳۳۳۸.

تقسیمات کشوری استان خراسان جنوبی

این استان طبق تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵ دارای شش شهرستان: ۱- بیرجند مرکز استان ۲- درمیان ۳- سربیشه ۴- نهبندان ۵- قائنات ۶- سرایان و دارای شانزده بخش: ۱- بخش مرکزی بیرجند ۲- بخش خوسف ۳- بخش مرکزی شهرستان درمیان ۴- بخش گزیک ۵- بخش قهستان ۶- بخش مرکزی سربیشه ۷- بخش مود از شهرستان سربیشه ۸- بخش مرکزی شهرستان نهبندان ۹- بخش شوسف ۱۰- بخش مرکزی شهرستان قائنات ۱۱- بخش زهان ۱۲- بخش زیرکوه ۱۳- بخش سده ۱۴- بخش نیمبلوک ۱۵- بخش مرکزی شهرستان سرایان ۱۶- بخش سه قلعه و دارای ۴۲ دهستان و دارای ۱۷ مرکز شهری می‌باشد.

شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌ها

آیسک: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سرایان و مرکز آن آیسک است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود فصلی شور در این بخش جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، پنبه، زعفران، تره‌بار، زردآلو، توت، انگور، انار و فرش با طرح کاشانی و نقش جوشقانی

پوشش گیاهی: شاه‌تره و خاکشی و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال و خرگوش

ارسک: از دهستان‌های بخش بشرویه شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن ارسک است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه جعفری در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، پنبه، ارزن، کنجد، تره‌بار، انگور،انار، زردآلو، توت، هلو، انجیر و فرش با طرح ترکمنی

پوشش گیاهی: آویشن و گیاهان مرتعی

جانوران: بزکوهی، قوچ، میش، شغال، روباه، آهو، خرگوش و کبک

القورات: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان و مرکز آن جامی‌آباد است.

باغستان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن باغستان علیا است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، زعفران، تره‌بار، زردآلو، بادام،گردو و سیب

پوشش گیاهی: شاه تره،گل زونا،گلپوره و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال و خرگوش

باقران: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن امیرآباد است.

براکوه: از دهستان‌های بخش خوسف بخش خوسف شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن گل است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک و کوه رج قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار

پوشش گیاهی: کلپوره و مخلصه و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال و خرگوش

براکوه (دهستان): در این دهستان با توجه به کوهستانی بودن منطقه بیشترین سطح زیرکشت را باغات به خود اختصاص داده و محصول غالب باغی به خود اختصاص داده و محصول غالب باغی آن‌به ترتیب بادام، عناب، آلو و زردآلو و گردو می‌باشد و جمعاً معادل ۲۵۰ هکتار را شامل می‌شود.

محصولات زراعی این منطقه به ترتیب زعفران، گندم و جو می‌باشد البته محصولاتی نظیر: نخود، عدس، سیب زمینی در حد خود مصرفی مورد کشت و کار قرار می‌گیرد. این دهستان دارای ۲۷۰ رشته قنات و یا چشمه با دبی متوسط ۱۰ لیتر در ثانیه می‌باشد. بیشترین سطح زیر کشت را در این دهستان زعفران با سطحی معادل ۱۵۰ هکتار و گندم و جو با ۱۲۰ هکتار به خود اختصاص داده است و متوسط عملکرد آن به ترتیب ۷ کیلوگرم زعفران خشک و ۳/۲۰۰ تن گندم در هکتار می‌باشد.

به لحاظ کوهپایه‌ای بودن دهستان براکوه، آب استحصالی آن متأثر از بارندگی سالانه می‌باشد و در سال‌های خشک (بارندگی کم) قنوات و چشمه سارها به شدت تحت تأثیر کم آبی قرار می‌گیرند که برای رفع این معضل مهار آب‌های سطحی و اجرای طرح‌های آبخیزداری می‌تواند راه گشای مشکل باشد.

برون: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن برون است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار دارد و کوه سیاه و کوه برگز در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، زعفران، انگور، زردآلو، سیب، ابریشم و فرش

پوشش گیاهی: کلپوره، شاه تره، کتیرا و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال، بزکوهی، قوچ و میش

بشرویه: از بخش‌های شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی است که از شمال به بجستان (از بخش‌های گناباد) و از خاور به حومه فردوس از جنوب به حومه طبس و از باختر به دستگردان (از بخش‌های طبس) محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر بشرویه دارای ۳ دهستان ۱ـ ارسک ۲ـ رقه ۳ـ علی جمال است.

کوه‌ها: ۱ـ کوه نیزار به بلندی ۲۹۱۲ متر است که حد فاصل این بخش با شهرستان طبس می‌باشد. این کوه به طول ۱۲۰ کیلومتر از شمال باختری به سوی جنوب خاوری کشیده شده و در نواحی جنوبی به این کوه، کوه جمات می‌گویند.

آب و هوا: گرم و خشک

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان گز، تاغ و بنه - گیاهان دارویی و صنعتی: بابونه، بومادران، آویشن، آنغوره و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام چندان خوب نیست.

اقتصاد: بر کشاورزی و قالیباقی است و - کشاورزی به شیوه سنتی و نوع کشت آبی می‌باشد که از چاه‌های عمیق و نیمه عمیق فراهم می‌گردد.
فرآورده‌ها: زعفران، پنبه، دانه‌های روغنی، گندم، زیره، انار، پسته، بادام و گردو - درکنار کشاورزی دامداری نیز صورت می‌گیرد و دام و فراورده‌های دامی آن از منابع درآمد مردم این سامان می‌باشد قالی و قالیچه در بالا بردن سطح درآمد مردم بشرویه اهمیت به مراتب بیشتر از دامداری دارد.
دشت بشرویه در حد فاصل ارتفاعات توده لوت در شرق و کوه‌های شتری (منطقه طبس) در غرب واقع شده است. قدیمی‌ترین سازندهای شناخته شده در این حوضه آهک و دولومیت پرمین و آهک و دولومیت تریاس است که در شمال شرقی در دامنه ارتفاعات غرب دشت اغلب از نهشته‌های شیل و ماسه سنگ و آهک مارنی و آهنک ریفی زوراسیک پوشیده شده است.
بلندی‌های شرق و جنوب دشت از سنگ‌های آذرین دوران سوم تشکیل شده است به علاوه سنگ کف بشرویه نیز از این تشکیلات ساخته شده است.

رسوبات دوران چهارم زمین‌شناسی شامل تراس‌ها آبرفت‌ها و اریزه‌ها، شن‌های روان و رسوبات کویری است که مناطق پست و سطح دشت را فرو پوشانیده است کلفتی این رسوبات آبرفتی به ۱۵۰متر می‌رسد. ـکتاب فردوس و رتون دکتر محمدتقی یاحقی خدیجه بوذرجمهری
عملیات اجرائی در بافت تاریخی بشرویه: کوچه‌های پرپیچ و خم، نماهای کاهگل، سقف‌های گنبدی و بادگیرها از خصوصیات عمده‌ی فضاهای مسکونی بشرویه هستند. کل بافت تاریخی بشرویه به لحاظ حفظ کوچه‌ها، گذرها و معماری منحصر به فرد، دارای ارزش حفاظت است. به گفته کرم‌پور تعدادی از بناهای تاریخی این محدوده شامل مسجد، آب‌انبار و مدرسه‌ی علمیه‌ی میان‌ده، حسینیه‌ی حاج علی اشرف، منزل مستوفی، خانه‌ی ملا عبدالله تونی و در سال جاری سال‌های گذشته مرمت شده اما با توجه به ارزش‌های خاص تاریخی و فرهنگی بافت و با توجه به آن که طرح راهبردی و بهسازی میدان امام‌خمینی (ره) واقع در بافت تاریخی از سوی شهرداری بشرویه و سازمان خراسان جنوبی تهیه شده است.

بافت تاریخی شهر کویری بشرویه، یکی از معدود بافت‌های دست نخورده‌ای است که آثار معماری و ویژگی‌های شهری آن از دوره‌ی صفویه تاکنون باقی مانده‌است. خانه‌های مسکونی خشتی و گلی با ایوان‌های هلالی و جناغی و فضاسازی‌های مختلف، کوچه‌های پرپیچ و خم، مراکز مذهبی و عمومی مانند، مسجدها، تکیه‌ها و آب‌انبارها، از عناصر این بافت هستند. امروزه تعداد محدودی از خانه‌های چهار ایوانی هلالی با حیاط مرکزی گرد و هشت ضلعی که از قدیمی‌ترین خانه‌های ایرانی است در این بافت باقی مانده‌که وجود بادگیر از مشخصه‌های مشترک تمام خانه‌های قدیمی است.
بشرویه (مرکز بخش): شهر بشرویه مرکز بخش بشرویه در ۲۵ درجه و ۵۷ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۲ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۸۷۱ متری از سطح دریا و در ۱۰۲ کیلومتری جنوب باختری فردوس و در مسیر راه رباط خوشاب ـ طبس میباشد.
بشرویه در منطقه‌ای دشتی قرار گرفته، کوه تیزار نزدیکترین کوه باین شهر یعنی در ۱۵

کیلومتریش قرار دارد.

از آب مسیل‌ها در فصل بهار جویبارهائی پدید آمده آب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نواحی خاوری و شمالی بشرویه نمکزارهای پهناوری دامن گسترده.

آب و هوا: گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۶ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۷ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه در حدود ۱۴۰ میلی متر است.

آب کشاورزی از چاههای عمیق و آب آشامیدنی از کاریزها فراهم گردیده، پس از اینکه آب کاریزها در مخازن گرد و کلریزه گردید وارد شبکه لوله کشی شهر میشود. برق مصرفی از ژنراتورهای منصوب در محل فراهم گشته.

بندان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی و مرکز آن معدن حاجات است.

بیرجند (بخش مرکزی): از بخش‌های مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن شهر بیرجند و دارای ۷ دهستان: (۱ـ القورات ۲ـ باقران ۳ـ فشار رود ۴ـ کاهشنگ ۵ ـ تربت ۶ ـ شاخنات ۷ـ شاخن) است.

بیرجند (شهرستان): از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی و مرکز این استان می‌باشد که از شمال به شهرستان‌های تربیت حیدریه و گناباد، از خاور به کشور افغانستان از جنوب به شهرستان‌های زاهدان و کرمان و از باختر به شهرستان‌های طبس و فردوس محدود است. شهرستان بیرجند حدود ۳۱۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت و در جنوب استان خراسان در مسیر جاده مشهد - زاهدان و در ارتفاع حدود ۱۴۶۵ متری از سطح که اطرافش را کویر در بر گرفته قرار دارد.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر بیرجند، دارای ۲ بخش ۱ـ بخش مرکزی که مرکز آن شهر بیرجند ۲ـ خوسف و دارای ۱۰ دهستان (۱ـ القورات ۲ـ باقران ۳ـ فشار رود ۴ـ براکوه ۵ـ کاهشنگ ۶ـ شاخنات ۷ـ شاخن ۸ـ خوسف ۹ـ قلعه زری ۱۰ ـ جلگه ماژان

رودها: رودهای فصلی بسیار در شهرستان بیرجند روان است: ۱ـ رود دائمی فصلی بیرجند یا شاهرود که در بخش‌های حومه بیرجند و خوسف به سوی خاور روان می‌باشد ۲ـ رود دائمی گریجگان در بخش خوسف و با جهت جنوب خاوری به سوی شمال باختری روان است. کاریزهای متعددی نیز در شهرستان بیرجند مورد استفاده می‌باشد.

کوه‌ها: ۱ـ کوه باغاران (۲۵۹۵ متر) در حومه بیرجند ۲ـ کوه شاه (۲۶۳۳ متر) در بخش خوسف دشت‌هایی چون خوسف و سرچاه انباری و نمکزار گرماب در باختر بیرجند تاکویر لوت دامن کشیده میان رشته کوه‌ها و بلندی‌های پراکنده این منطقه، دشت‌های وسیعی وجود دارد که در آن کاریزها و چاه‌های فراوانی حفر گردیده و در نتیجه کشاورزی این مناطق با داشتن فراورده‌های فراوان متنوع و پررونق است.

کوه شیشه آن به واسطه شفافیت که از سنگ طلق ترکیب یافته همیشه مورد توجه خارجیان می‌باشد.

کان‌ها: مس، سنگ شیشه، سنگ مرمر، سنگ آهن و سنگ طلا

آب و هوا: به طور کلی معتدل متمایل به گرم و خشک اما در مناطق کوهستانی معتدل و بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها حدود ۴۰ درجه و زمستان‌ها از ۱۰ تا ۶ درجه زیر صفر می‌باشد.

سفره‌های آب زیرزمینی این شهرستان مایه رونق کشاورزی آن است.

ویژگی‌های طبیعی: رشته کوه باقران در جنوب و کوه شاه در حاشیه کویر و نیز کوه‌های دیگر در این منطقه قرار دارند. در میان این بلندی‌ها دره‌های وسیع و دشت‌های حاصلخیز قرار دارد.

آب و هوای بیرجند بیابیانی و نیمه بیابانی است رودها عموماً فصلی و اتفاقی است و اختلاف حداکثر و حداقل مطلق به ۵۷ درجه می‌رسد. کتابهای درسی

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بیرجندی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بنه و گز

گیاهان دارویی و صنعتی: گل زونا، گل گاوزبان، شیرین‌بیان، درمنه ترکی، شاه‌تره، خاکشی، ریواس، روناس

پوشش گیاهی: برای چرای دام، پوشش گیاهی از نوع بیابانی کویری است.

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، کفتار، خرگوش، آهو، بز کوهی، کبک، تیهو و سینه‌سیاه

اقتصاد: بر کشاورزی، قالی و قالیچه‌بافی و دامداری استوار می‌باشد. کشاورزی از رونق برخوردار و شیوه سنتی و مکانیزه هر دو معمول - نوع کشت بیشتر آبی و منابع آب چاه‌های ژرف، رود و کاریز و فراورده‌های کشاورزی: زعفران، گندم، جو، چغندر قند، پنبه، انواع تره‌بار، بنشن، گردو، سیب، آلو و زردآلو - قالی و قالیچه نیز از منابع درآمد مردم بیرجند است. دامداری به صورت سنتی با پرورش گوسفند، بز و گاو و شتر انجام می‌شود. فرهنگ جغرافیائی

کارخانه‌های قند قهستان، صابون‌سازی

معادن: سرب، مس، نقره، طلا، پنبه نسوز، گِل سفید، سنگ‌آهن

یک شهرک صنعتی در ۱۱ کیلومتری شهر بیرجند برپا شده است که در آن ۱۳۰ رشته صنایع فلزی، غذایی، شیمیایی و نساجی و غیره دایر گشته است. ـ کتاب‌های درسی

بیرجند (مرکز شهرستان): شهر بیرجند مرکز شهرستان بیرجند از شهرستانهای خراسان و در ۱۳ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۴۸۰ متر از سطح دریا قرار و در ۵۰۵ کیلومتری جنوب مشهد و در مسیر راه مشهد ـ شوسف قرار دارد.

رود فصلی بیرجند که از کوههای خاوری در بخش در میان بیرجند سرچشمه گرفته، پس از پیوستن چند شاخابه بآن، در بخش خوسف (شاهرود) نامیده شده و در باختر این بخش به نمکزار گرماب می‌پیوندد.

آب و هوا: معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۰ درجه زیر صفر است.

پترکان: از دهستان‌های بخش زیرکوه شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن شاهرخت است.

پسکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قائن در استان خراسان جنوبی و مرکز آن قومنجان است.

پیشکوه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن بیهود است.

جلگه ماژان: از دهستان‌های بخش خوسف شهرستان بیرجند و مرکز آن ماژان است.

چنشت روستایی با خصوصیات ویژه: این

روستا با ویژگی‌های معمولاً واقع شده است و مرکزیت منطقه‌ای متشکل از ۱۲ روستا را داراست. این روستاها از نظر مذهب، معیشت، شیوه‌ی زندگی و اوضاع اجتماعی موجود اشتراک زیادی با یکدیگر دارند. ویژگی جالب توجه در روستای ماخونیک قوام و دوام سنتها، آداب و رسوم و حتی مسکن است که کاملاً دست نخورده باقی مانده‌اند. معماری روستای ماخونیک بسیار ساده و ابتدایی است که با مصالح موجود از جمله سنگ در فضاهایی کوچک و محدود ایجاد شده و در آن به حداقل‌ها اکتفا شده است.

موقعیت جغرافیایی: شهرستان سربیشه با مساحتی حدود ۶۴۶۹/۳۰۹ کیلومتر مربع در ۶۶ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بیرجند - زاهدان واقع گردیده است. از شمال و غرب به بیرجند و از جنوب به نهبندان از شرق به کشور افغانستان با ۷۰ کیلومتر مرز مشترک، در ۵۵۱ کیلومتری مرکز استان خراسان رضوی واقع گردیده است جمعیت شهرستان حدود یک پنجم جمعیت شهری و مابقی جمعیت روستایی و عشایری هستند. این شهرستان دارای ۴۸۰ روستا و دو بخش: ۱- بخش مرکزی به مرکزیت سربیشه شامل دهستان‌های دُرح و مؤمن آباد، ۲- بخش مود به مرکزیت مود شامل دهستان‌های نهارجان و مود می‌باشد.

آب و خاک: منابع استحصالی آب شهرستان شامل ۵۲۴ قنات، ۵۶ چشمه‌ی آب دائمی، جمعاً با آب دهی ۱۸۵۰ لیتر در ثانیه و ۱۲۵ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق با آب دهی ۲۵۰۰ لیتر در ثانیه.

قالیبافی: صنعت قالی بافی در این شهرستان سابقه‌ای دویست ساله دارد و در حال حاضر تعداد ۶۰۰۰ نفر بافنده با ۲۴۲۰ که در این میان فرش مود شهرت جهانی دارد و زینت بخش موزه‌ها و کلکسیون‌های مخصوص جهان می‌باشد.

منابع طبیعی: منابع طبیعی شهرستان با بیش از ۶۲۹۲۲۰ هکتار به عنوان ثروت ملی و پشتوانه‌ی قوی برای بنیه اقتصادی شهرستان تلقی می‌گردد. که دارای ۱۵ مرتع به مساحت ۸۰۰۰۰ هکتار دارای پروانه‌ی مرتعداری و ۵۰۰۰۰ هکتار احیاء شده است و در این زمینه از ایستگاه تولید نهال و احیاء مراتع حسین آباد غیناب سربیشه از کمک‌های بین المللی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد بهره‌مند می‌باشد. - از مجله‌ی آوای بیرجند

حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن خانوک است.

حومه: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گناباد استان خراسان جنوبی و مرکز آن بیلند است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، زعفران، پنبه، چغندرقند، زردآلو، هلو، انار، سیب، به، انگور، انجیر و فرش

پوشش گیاهی: شاه تره، خاکشی، گل ختمی و گیاهان مرتعی

جانوران: روباه، خرگوش، آهو، شغال و کبک

خوسف (دهستان): از دهستان‌های بخش خوسف شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن خوسف است و در پایکوهی معتدل خشک، کوه کته کوه، کوه دو کوهه کوه فدشک و کوه باقران در آن قرار دارد و رود بی‌بیان جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ارزن، تره‌بار، انار، پسته و زردآلو

پوشش گیاهی: کلپوره، و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال و خرگوش، آهو و کبک

این دهستان با داشتن ۶۳ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق با دبی متوسط ۲۰ لیتر در ثانیه سطحی معادل ۱۲۰۰۰ هکتار از اراضی مستعد کشاورزی را به خود اختصاص داده است محصول زراعی غالب این منطقه گندم، جو، پنبه، ارزن و یونجه می‌باشد و سطح زیر کشت آن‌ها به ترتیب گندم و جو ۷۵۰ هکتار، پنبه ۳۰۰ هکتار، ارزن ۱۸۰ هکتار، یونجه ۱۵۰ هکتار می‌باشد. این دهستان به دلیل توسعه‌ی دامداری کشت محصولات علوفه‌ای از جایگاه خاصی برخوردار است.

این دهستان از قدیم‌الایام محصول انگور و انار آن زبانزد عام و خاص بوده و می‌باشد که بیشترین سطح زیر کشت باغات را به خود اختصاص داده است و سطح زیر کشت آن جمعاً معادل ۴۵۰ هکتار می‌باشد.

خوسف: از بخش‌های شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی می‌باشد که از شمال به سرایان (از بخش‌های فردوس) و از خاور به حومه بیرجند از جنوب به شهرستان نهبندان و از باختر به قسمتی از توابع طبس محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این بخش شهر خوسف دارای چهار دهستان ۱ـ جلگه ماژان ۲ـ خوسف ۳ـ برَاکوه ۴ـ قطعه زری است و مرکز شهری آن خوسف می‌باشد.

رودها: ۱ـ رود شور، بیرجند یا شاهرود که از کوه‌های درمیان مخصوصاً کوه بندر در خاور بیرجند سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از شهرهای بیرجند و خوسف در باختر به کویر لوت می‌ریزد. ۲ـ رود گریبجکان که از کوه شاه در جنوب خاوری خوسف سرچشمه گرفته با ادامه جهت به سوی شمال باختری در مرکز بخش خوسف به رود شور (شاهرود) می‌پیوندد.

کوه‌ها: ۱ـ کوه گرنگ (۲۲۲۵ متر) در شمال ۲ـ کوه رچ (۲۴۷۲ متر) در خاور ۳ـ کوه شاه (۲۶۳۳ متر) در جنوب خاوری ۴ـ کوه زرد که در آن غار طولانی بنام چلشت وجود دارد.

دشت‌ها: دشت خوسف در مرکز گرماب دشت در باختر دشت خور و دشت جنگل در شمال، دشت سمیر عمیری دشت خیرآباد و دشت فیض‌آباد و دشت گیربجطان

کان‌ها: معدن مس قلعه زری در ۱۵۰ کیلومتری جنوب باختری خوسف

آب و هوا: معتدل و فوق العاده خشک

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بیرجندی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادامشک، بنه، گز و تاغ

گیاهان دارویی: گل زونا، شاه تره، خاکشی و درمنه ترکی

پوشش گیاهی: برای چرای دام

جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، قوچ، بزکوهی، کبک، تیهو و سینه سیاه

اقتصاد: بر کشاورزی، دامداری و فرش بافی استوار است. کشاورزی بیشتر به شیوه سنتی و آبیاری زمین‌های زیرکشت با آب رود و کاریزها انجام می‌گیرد.

فرآورده‌ها: گندم، پنبه، زعفران، چغندرقند، تره‌بار، بنشن و انار

دامداری در درجه دوم اهمیت در اقتصاد خوسف قرار دارد و پشم و برخی دیگر از فراورده‌های دامی آن صادر می‌شود.

فرش بافی نیز در تأمین درآمد مردم خوسف سهمی عمده دارد. از این گذشته کارخانه ریسندگی و بافندگی در خوسف وجود دارد.

تاریخ مختصر خوسف: منطقه‌ی خوسف از قدمتی دیرین برخوردار بوده و بالطبع آثار به جای مانده از گذشتگان در این منطقه بسیار است. شواهد باستانی و تاریخی حکایت از آن دارد که پیشینه خوسف به قبل از اسلام می‌رسد. به‌گونه‌ای که بر اثر تکامل به رشد و تطور زیستی مدنیت یافته و بدین ترتیب تجمعی انسانی در مسیر کویر خراسان و در حاشیه‌ی شاهرود به وجود آمده است.

در اخبار ایران از ابن اثیر آمده که عبدالله بن عامی در سنه‌ی ۲۹ و ۳۰ ه‍ ق از بصره به راه افتاد و پس از تصرف بخشی از قهستان به خوسف و طبس نیز رسید. همچنین در تواریخ روایات گوناگونی پیرامون رخدادهای این ناحیه به صورت ذیل (چکیده) آمده است:

- در سال ۶۷۰ ه‍ ق عمربن ابی منصور به آن جا لشکر کشید.
- در سال ۶۸۸ ه‍ ق برادران طفان و هونشیر ملک با لشکر انبوهش به قهستان آمد و خوسف و بقیه‌ی آبادی‌ها را به تصرف درآورد.
- در مجمع الانساب آمده است در سنه‌ی ۷۳۶ ه‍ ق ملک معزالدین از خویشان ملوک سیستانی قلعه‌ی خوسف را ضبط کرده است.
- در سنه‌ی ۸۱۶ ه‍ ق امیر اردشیر نخعی از امرای سلطان شاهرخ میرزای گورکانی بر نواحی خوسف امارت و حکومت داشته است.
- در اشعار ابن حسام در سال ۸۳۵ ه‍ ق حاکمان محلی دیگری مانند امیرزاده عبداللطیف سطان یوسف و ... حکمرانی می‌کرده‌اند.
- در سنه‌ی ۸۷۴ ه‍ ق خوسف تحت سیطره حاکمان دست نشانده شیخ زاهدکارمی بوده است.
- در زمان نادرشاه و همزمان با حکومت امیر اسماعیل خان خزیمه در قائنات، خوسف تحت حاکمیت حاجی اکبر بوده‌که بعدها به یک سلطان و بعد از وی به محمد رضا خان و بعدها به کاظم خان و پس از وی نیز به محمدرضا خان دوم مشهور به سرهنگ مقارن با حکومت امیر علم خان پدر شوکت الملک و جد اسدالله علم رسید.
- خوسف تا سال ۱۲۷۸ ه‍ ق زیر تاخت و تاز ترکمانان بوده و سپس تحت حکومت مرکزی قرار گرفت.

و سخن آخر در این مورد این که آن چه از تاریخ سیاسی منطقه بر می‌آید گواه این است که ایل نخعی در بیشترین اعصار حکمرانان بلامنازع منطقه بوده‌اند و نقش تعیین کننده‌ای در ترویج مذهب تشیع و به عنوان یگانه مذهب مردم این سامان داشته‌اند چراکه آنان خود را از احفاد مالک اشتر نخعی می‌دانسته‌اند و شاید ظهور شاعری پر آوازه درعرصه‌ی ادبیات والایی و دینی چون مولانا ابن حسام خوسفی بی نسبت با جو سیاسی و شیعی حاکم بر منطقه‌ی خوسف نباشد.

آثار تاریخی: مطابق آمار موجود و بر اثر تلاش و پیگیری مدیریت میراث فرهنگی شهرستان در این منطقه بیش از ۳۰ اثر تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور و تحت حفاظت است.

از میان آثار ثبت شده‌ی خوسف می‌توان به: ۱ـ سنگ نگاره‌ی کال جنگال، ۲ـ مسجد جامع خوسف، ۳ـ آرامگاه ابن حسام، ۴ـ خانه‌ی تاجور، ۵ـ خانه‌ی علوی، ۶ـ خانه‌ی سرهنگی، ۷ـ قلعه‌ی خوسف، ۸ـ خانه‌ی خلیلی، ۹ـ مسجد جامع گل، ۱۰ـ گرمابه‌ی خور و ... اشاره کرد.

خوسف منزلگاه شعر و موسیقی: این دو هنر خداداد از دیرباز با سرشت مردمان دیار گل‌های نرگس در آمیخته و کمتر فردی را در این منطقه میتوان یافت که بهره‌ای هر چند اندک از آن نداشته

باشد.

خوسف (مرکز بخش): شهر خوسف تنها مرکز وجود شتر در شهرستان بیرجند است. از میان چهار دهستان این وسیع‌ترین بخش استان، دو دهستان خوسف و قلعه‌ی زری شامل مناطق فدشک، خور، سروباد، نوغاب، مسل آباد حامی، دهنرود، همند، سرچاه شور، سرچاه عماری، علی آباد زارعین، فیض آباد، صمد آباد، بصیران، معدن، سیب چاه، حوزه‌ی پرورش شتر می‌باشد.

با عنایت به طی طریق شبانه روزی این حیوان شگفت‌انگیزگاه و بیگاه حوزه تا شهرستان‌ها و استان‌های همجوار چون فردوس، طبس، نهبندان، کرمان و یزد گسترش می‌یابد. شتر از دیرباز با زندگی مردمان این دیار سخت درآمیخته بوده است.

ولی اکنون مراتع بسیار مساعد برای شترداری در حوزه‌ی دو دهستان خوسف و قلعه زری باعث شده است که پرورش شتر به صورت سنتی ازاهمیت بسزایی برخوردار باشد.

آن چه در این خصوص در درجه اول اهمیت می‌باشد توجه خاص مسئولین بدین امر هست تا با حمایت از شترداران منطقه و هدایت آن‌ها به سوی پرورش صحیح و علمی این حیوان که با اندک توجهی از بازدهی بالایی برخوردار است، گامی مؤثر به سوی توسعه و اشتغالزایی برداشته شود. ـ مجله‌ی آوای بیرجند

شهرک خوسف مرکز بخش خوسف، از بخشهای شهرستان بیرجند، استان خراسان، در ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیائی و در ۴۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۳۰۰ متری از سطح دریا و در ۴۲ کیلومتری جنوب باختری بیرجند و در مسیر راه بیرجند ـ فدشک قرار دارد.

آب و هوا: معتدل و متمایل به گرم و خشک و بسبب نزدیکی به کویر، اختلاف گرما و سرمای تابستان و زمستانش بسیار است. بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۲ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۰ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه خوسف حدود ۲۲۰ میلیمتر است.

درح: از دهستان‌های بخش سربیشه شهرستان بیرجند استان خراسان و مرکز آن درح است.

درمیان: از دهستان‌های بخش درمیان شهرستان بیرجند استان خراسان و مرکز آن درمیان است.

درمیان: از شهرستان‌های بیرجند استان خراسان جنوبی می‌باشد که از شمال به قائنات، از خاور به کشور افغانستان، از جنوب به شهرستان نهبندان و از باختر به حومه بیرجند محدود است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر اسدیه، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ گریک ۳ـ قهستان و ۶ دهستان ۱ـ درمیان ۲ـ طبس مینا ۳ـ گزیک ۴ـ فخررود ۵ـ قهستان ۶ـ مؤمن‌آباد است.

رودها: رودهای فصلی متعددی در این بخش روان است: ۱ـ رود جاجنگ ۲ـ درمیان ۳ـ علی‌آباد ۴ـ پورنگ ۵ـ مچانو ۶ـ شور ۷ـ بباغ سگی ۸ـ سرچشمه رود بیرجند در بخش درمیان است که پیش از شهر بیرجند، بخشی از بخش درمیان را آبیاری می‌کند.

کوه‌ها: به طور کلی این بخش نیمی کوهستانی و نیمی جلگه‌ای است، اما بخش کوهستانی از بخش جلگه‌ای پرجمعیت‌تر است. بخش درمیان، میان دو رشته کوه یکی در مرکز و دیگری در خاور بخش سر برافراشته است. رشته کوه مرکزی: ۱ـ کوه مین‌آباد ۲ـ بندر (۲۷۸۷ متر) ۳ـ کوه زیری ۴ـ

کوه اسپیدی ۵ـ کوه همره ۶ـ کوه رضا ۷ـ سیاه‌کوه ۸ـ کوه نمدان (۲۱۲۰ متر) پدید آمده

نواحی جلگه‌ای: ۱ـ دشت طبس ۲ـ مینا ۳ـ حسین‌آباد در خاور ۴ـ اسدآباد ۵ـ نوغاب در شمال ۶ـ سریشه در جنوب باختری

آب و هوا: معتدل متمایل به سرد و خشک

نژاد و زبان: آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش بیرجندی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادامشک، بنه، بادام کوهی و زرشک --گیاهان دارویی و صنعتی: گل زونا، شاه تره، خاکشی، شیرین‌بیان و آنغوزه - پوشش گیاهی: برای چرای دام

جانوران و پرندگان: بز کوهی، قوچ، آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک، و سینه سیاه

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، قالی‌بافی و دامداری استوار است. وضع کشاورزی خوب و ۳۰٪ زمین مناسب و مستعدکشاورزی است. نوع کشت، بیشتر آبی و منابع آب کاریزها، رود، چشمه‌هاست.

فرآورده‌ها: گندم، جو، چغندر قند، زرشک، پنبه، تره‌بار، زعفران، زیره و گردو

قالی‌بافی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد چون بافت و طرح‌های خوب و جالب گوناگون دارد از اقلام صادراتی به شمار می‌رود.

دامداری به شیوه سنتی است که گوسفند، بز، گاو، شتر پرورش داده می‌شود.

آثار تاریخی درمیان: درمیان به مرکزیت شهر اسدیه، از لحاظ وجود آثار فرهنگی و تاریخی از غنی‌ترین شهرهای جنوب خراسان به شمار می‌رود.

وجود تعداد زیادی تپه‌ها و محوطه‌های باستانی پراکنده در منطقه قلعه‌های اسماعیلی، آسبادها، مساجد و ... نشان دهنده‌ی سابقه‌ی تمدن با عظمت آن است. روستای طبس مسینا و مناطق اطراف آن در فاصله‌ی حدود ۳۰ کیلومتری شرق شهر اسدیه از لحاظ تاریخی و باستان‌شناسی منطقه‌ای بسیار غنی می‌باشد.

مسجد جامع هندوالان: مسجد جامع هندوالان از بناهای دوره‌ی تیموری و از مهمترین و با شکوه‌ترین بناهای تاریخی اسدیه می‌باشد.

و از ویژگی‌های معماری آن می‌توان به سر در ورودی، گنبد، خانه‌ی صحن و شبستان ستوندار اشاره نمود.

قلعه‌ی فورگ: قلعه‌ی فورگ در ده کیلومتری جنوب شهر اسدیه واقع شده است. این قلعه تاریخی از بناهای دوره‌ی افشاریه می‌باشد که در زمان نادرشاه به وسیله‌ی میرزا رفیع خان، حاکم محل احداث گردید.

آرامگاه سلطان ابراهیم رضا (ع): بنای تاریخی آرامگاه سلطان ابراهیم رضا (ع) در روستای آبگرم گزیک قرار دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری بنا طاقنماهایی در چهار طرف بنا همچنین گنبد و گنبد خانه و درهای آن می‌باشد.

مسجد جامع درخش: بنای مسجد جامع درخش در داخل روستای درخش، شامل ایوانی رفیع و دو ایوانچه در دو طرف و یک صحن می‌باشد.

عمده‌ی تزئینات بنا شامل رسمی بندی و تزئینات چلیپایی است. این بنا در سال ۹۲۱ ه.ق بنا شده است.

قلعه‌ی کل حسن صباح: این قلعه مهم‌ترین مرکز فدائیان اسماعیلی در منطقه‌ی کوهستان و اولین مرکز عمده‌ی اسماعیلیان در ایران به شمار می‌آید.

آسبادهای طبس مسینا: شرایط دشوار طبیعی مناطق کویری و بیابانی ایران باعث شده تا مردم کویر نشین از ابتکار و خلاقیت خود استفاده و با

حداکثر بهره‌گیری از عوامل و شرایط طبیعی، آن را در اختیار خود درآورند. آسبادهای طبس مسینا از جمله این ابتکارات است. این آسبادها در بخش‌های مختلف بافت روستا به صورت ردیفی قرار دارد.

آسبادها از لحاظ معماری دارای دو طبقه می‌باشد طبقه‌ی فوقانی محل قرار گرفتن و چرخش پره‌ها و طبقه‌ی تحتانی محل ذخیره‌ی گندم و آرد نمودن گندم است.

قلعه‌ی طبس مسینا: این بنای عظیم خشت و گلی قلعه‌ای است مدور با برج‌های متعدد و بزرگ که دور تا دور آن را خندقی فرا گرفته است. قلعه‌ی تاریخی طبس با پلان مدور دارای حدود ۱۵۰ متر قطر می‌باشد. در قسمت ورودی این قلعه برجی بزرگ به ارتفاع حدود ۱۱ متر و قطر بیش از ۱۵ متر وجود دارد. در سطح خارجی این برج تعداد زیادی روزنه دیده بانی و تیر کش دیده می‌شود این بنا از آثار دوران اسلامی به شمار می‌رود.

قلعه‌ی دختر نوغاب: از ویژگی‌های معماری این قلعه برج‌ها، حصار، آب انبار، راهروهای ارتباطی، تالارها و اتاق‌های متعدد می‌باشد. این بنا نیز مانند سایر قلعه‌های اسماعیلی به تبعیت از شکل و وضعیت توپوگرافی و شیب کوه بنا شده است.

به گونه‌ای که بخش‌های مختلف آن در شیب کوه و به صورت پلکانی بنا شده است. این بنا از قلعه‌های دفاعی فدائیان اسماعیلی به شمار می‌رود و با توجه به نام قلعه شاید بقایایی از دوران ساسانی نیز در خود داشته باشد.

قلعه‌های مسلمانان و کافران: بر فراز قله‌های کوه‌های واقع در مشرق روستای گسک دو قلعه‌ی عظیم در مقابل یکدیگر قد برافراشته‌اند، این قلعه‌ها که یکی به نام قلعه‌ی مسلمانان و دیگری به نام قلعه‌ی کافران مشهور است از قلعه‌های عظیم سنگی دوران اسماعیلی و دوران قبل از اسلام به شمار می‌رود. قلعه‌ی مسلمانان دارای حصار برج - آب انبار - اتاق‌ها و راهروهای متعدد، مسیر ورود سواره نظام به داخل قلعه، کوره پخت آجر و سد ذخیره آب می‌باشد و قلعه‌ی کافران دارای بخش‌های کمتری می‌باشد.

مهم‌ترین بخش آن دروازه‌ی ورودی آن است که بقایای آن قابل مشاهده است. - مجله‌ی آوای بیرجند

درمیان (مرکز بخش): شهرک درمیان مرکز بخش درمیان از بخشهای شهرستان بیرجند استان خراسان، در ۵۳ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۹۰۰ متر از سطح دریا و در ۱۰۸ کیلومتری خاور شهر بیرجند و در ۱۰ کیلومتری باختر راه اسدآباد - بیشه میباشد.

آب و هوا: نسبتاً سرد و متمایل به خشک، بیشترین درجه گرما، در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۴ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه حدود ۱۷۰ میلی‌متر است.

مازان (دهستان): این دهستان به صورت جلگه‌ای و دارای حوزه‌ی آبریز وسیعی می‌باشد و در قسمت جنوبی رشته کوه باقران واقع شده است.

این دهستان دارای ۷۳ حلقه چاه عمیق و نیم عمیق می‌باشد با دبی متوسط ۳۰ لیتر در ثانیه می‌باشد. محصول غالب این منطقه به ترتیب گندم، پنبه، چغندقند و ارزن می‌باشد. شایان ذکر است به لحاظ مستعد بودن منطقه چند سالی است که کشت ذرت علوفه‌ای و سود آور علوفه‌ای و

همچنین گلرنگ که جزو دانه‌های روغنی می‌باشد از جایگاه خاص برخوردار شده است و جمعاً سطحی معادل ۱۳۰ هکتار را به خود اختصاص می‌دهد.

همچنین توسعه‌ی باغات بالاخص پسته و عناب قابل ملاحظه می‌باشد و سطحی معادل ۱۵۰ هکتار را شامل می‌شود.

زهان: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قائنات استان خراسان رضوی و مرکز آن زهان است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه دو شاخ و کوه چیل و کوه گازکان و کان خاک نسوز و گوگرد در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، زعفران، زیره سیاه و آلو

پوشش گیاهی: بومادران، گل گاوزبان، گل زونا و آویشن

جانوران: گرگ، روباه، پلنگ، بز کوهی، قوچ و میش

زیرکوه: از دهستان‌های بخش زیرکوه شهرستان قائنات استان خراسان رضوی و مرکز آن حاجی‌آباد است. و در منطقه‌ای معتدل خشک قرار دارد و کوه گازکان، کوه محمدآباد و کوه داریج، کوه اردکول، کوه کرکسار و کوه سفیدک و شنزارهایی به نام ریگ شوری و ریگ بلند قرار و رود فصلی کرک در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، زعفران، انگور، توت، زردآلو، انجیر، سیب و پنبه

پوشش گیاهی: کلپوره، بومادران، شاه تره و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، پلنگ، بزکوهی، قوچ و میش

زیرکوه: از بخش‌های شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن شهر حاجی‌آباد و دارای ۳ دهستان ۱ـ پترکان ۲ـ زیرکوه ۳ـ شاسکوه می‌باشد.

سده: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قائنات استان خراسان و مرکز آن سده است.

سرایان: از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی و مرکز آن سرایان است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه سیاه و کوه بیم در آن قرار دارد.

این شهرستان از شمال به گناباد، از خاور و جنوب خاوری به قائنات و خوسف (از بخش‌های شهرستان بیرجند)، از جنوب و جنوب باختری به شهرستان طبس و از باختر و شمال باختری به حومه فردوس محدود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: مرکزش شهر سرایان، دارای ۳ دهستان ۱ـ آیسک ۲ـ سه قلعه ۳ـ مصعبی است.

رودها: رود دائمی ندارد تنها چند رود فصلی در این بخش روان است.

کوه‌ها: نواحی شمالی شهرستان سرایان تا بخشی از خاور آن کوهستانی و نواحی مرکزی و جنوبی به ویژه جنوب باختری، دشتی و کویری است. ۱ـ کوه بیم ۲ـ کوه قراوگانه ۳ـ کوه سیاه ۴ـ کوه کمرسیاه

آب و هوا: معتدل و خشک و نیم‌کویری

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بادامشک و زبان گنجشک - گیاهان دارویی

جانوران و پرندگان: گرگ، آهو، روباه، شغال، بز کوهی، و سینه سیاه

اقتصاد: بر پایه کشاورزی، قالی‌بافی، دامداری استوار است. کشت ۸۰٪ آبی و ۲۰٪ دیمی، ۹۰٪ کشاورزی به شیوه سنتی و ۱۰٪ مکانیزه و آب کشاورزی بیشتر از کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه

ژرف فراهم گشته قالی‌بافی و قالیچه‌بافی نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.
فرآورده‌ها: زعفران، گندم، جو، پنبه، زعفران، تره‌بار، چغندر قند، زیره، انگور و بادام، دام و فراورده‌های دامی
ارتفاعات شرق و کوه‌های منفرد داخل دشت از شیت، ماسه سنگ سبز ژوراسیک و آهک‌های خاکستری رنگ کرتاسه ساخته شده است. این تشکیلات در تغذیه دشت نقش مؤثر دارند. در دامنه بلندی‌های منطقه نهشته‌های مارنی، کنگلومرائی نئوژن و پلیتوس گسترش داشته و سنگ کف دشت را نیز تشکیل می‌دهد. در حاشیه ارتفاعات شرقی به ویژه در شرق بُستان سرایان سنگ‌های آذرین ائوسن دیده می‌شود. در بلندی‌های غرب سنگ‌های آندزیتی بازالتی دوران چهارم رخنمون دارد که سنگ کف این قسمت از دشت را نیز تشکیل می‌دهد.
رسوبات دوران چهارم تشکیل‌دهنده تراس‌ها مخروط افکنه‌ها، شن‌های روان و رسوبات کویری و واریزه‌ها می‌باشد که مناطق کم‌ارتفاع و سطح دشت را می‌پوشاند ضخامت آبرفت در حاشیه شرقی بیش از ۳۰۰ متر است. فردوس ورتون یاحقی - بوذرجمهوری
سربیشه: از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی دارای ۴ دهستان ۱ـ درح ۲ـ مؤمن آباد ۳ـ نهارجان ۴ـ مود است. و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ مود به مرکزیت مود و مناطق شهری آن سربیشه و شهر مود است.
در بلندی ۱۸۲۰ متری از سطح، در منطقه‌ای پایکوهی و دامنه‌ای، معتدل خشک، در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند و کنار جاده بیرجند - شوسف قرار دارد.

کوه‌ها: ۱ـ کوه کلاغی در ۳ کیلومتری شمال غربی ۲ـ کوه کفتاری در ۶ کیلومتری مشرف ۳ـ کوه سرتخت راست در ۳ کیلومتری جنوب شرقی آن قرار گرفته است. کشاورزی، باغداری، دامداری و فرشبافی از منابع درآمد اهالی است. کشت، آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی در کاریز و چاه فراهم گشته است.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، توت، زردآلو، سیب و عناب
پوشش گیاهی: زرشک، درخت زبان گنجشک، گیاهان دارویی و پوشش گیاهی برای چرای دام
جانوران: گرگ، روباه و خرگوش
ابنیه تاریخی: بخش سربیشه مربوط به ادوار قبل و بعد از اسلام هستند و آثار تاریخی این منطقه بیانگر غنای فرهنگی و سابقه‌ی تمدن این منطقه است.

برخی ابنیه تاریخی این شهر عبارتند از:
مسجد بزرگ (چهارده معصوم): از ویژگی‌های معماری این مسجد میتوان به شبستان ستوندار با پوشش گنبدی، نمای ایوان و ستون‌های وابسته به آن اشاره نمود. فضای داخلی شبستان دارای شش ستون چهار ضلعی است که حد فاصل ستون‌ها به وسیله‌ی طاق، فضایی مناسب برای پوشش گنبدی سقف فراهم نموده است. این مسجد متعلق به دوره‌ی قاجاریه است.
مسجد پخت: در روستایی به همین نام و در دامنه‌ی رشته کوه باقران قرار دارد. عناصر معماری آن شامل سردر ورودی، دهلیز صحن و شبستان ستوندار می‌باشد. فضای داخلی شبستان دارای شش ستون قطور چهار ضلعی به ارتفاع حدود ۱۷۰ سانتی متر می‌باشد و سقف آن به وسیله‌ی دوازده گنبد پوشش یافته است.

تزئینات به‌کار رفته در بنا بیشتر شامل تزئینات کاربندی و پوشش سردر ورودی می‌باشد. با استناد برکاربندی کتیبه نصب شده بر در ورودی شبستان، این بنا در سال ۱۱۹۱ ه ش توسط محمدخان خزیمه ساخته شده است.

قلعه‌ی کهنه سربیشه: این بنای عظیم دارای برج‌ها و حصارهای متعددی است. با توجه به ویژگی‌های معماری و کیفیت ساخت آن احتمالاً شکل‌گیری اولیه این قلعه در دوران صدر اسلام بوده و در قرون متمادی تا دوره‌ی قاجار مورد استفاده بوده است.

بنیان قلعه بر روی شالوده‌ای از سنگ‌های بزرگ و نامنظم شکل گرفته است. قلعه درگذشته دارای فضاهای داخلی متعددی بوده که اکنون اثری از آن‌ها بر جای نیست. به دلیل فرسایش و تخریب‌های صورت گرفته، ارتفاع اصلی حصار بیرونی مشخص نیست.

مجموعه عمارات و باغ مود: حصار خارجی باغ به شکل چهارضلعی است و برج‌های متعدد در فواصل مشخص، حصار قلعه را تقویت می‌نمایند. از این برج‌ها که تعداد آن‌ها به بیست عدد می‌رسد جهت دیده بانی و نگهبانی نیز استفاده می‌شده است.

گرداگرد حصار، خندقی وجود داشته که در بعضی نقاط آثار آن هنوز پیداست. در داخل باغ بقایای عمارتی بزرگ با تزئینات نقاشی زیبا دیده می‌شود. نقاشی‌ها بر روی گچ ترسیم شده و شامل نقوش، ژرندگان، گل و اسلیمی می‌باشند.

در مرکز باغ و محل تقاطع دو خیابان طولی و عرضی، بنایی وجود دارد که متعلق به اواخر دوره‌ی قاجاریه و اوایل پهلوی است. سایر بخش‌های مجموعه به خصوص عمارت اصلی، برج‌ها و حصار متعلق به دوره‌ی صفویه هستند.

سه قلعه: از دهستان‌های بخش سرایان شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن سه قلعه است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره‌بار، توت و سیب

پوشش گیاهی: خاکشی، شاه تره و گل ختمی و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش

شاخن: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان و مرکز آن شاخن است.

شاخنات: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن گازار است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک، کوه کافری قرار و رود فصلی بوته در آن جریان دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار و زعفران

پوشش گیاهی: بومادران، شاه‌تره و گیاهان مرتعی

جانوران: آهو، بزکوهی، قوچ و میش، گرگ، روباه و خرگوش

شاسکوه: از دهستان‌های بخش زیرکوه شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن آبیز است.

شوسف: از دهستان‌های بخش شوسف شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی و مرکز آن شوسف است.

شوسف: از بخش‌های شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی و مرکز آن شهر شوسف دارای دو دهستان ۱ـ شوسف ۲ـ عربخانه است.

طبس مسینا: از بخش‌های شهرستان درمیان استان خراسان جنوبی است که دارای دو دهستان ۱ـ قهستان به مرکزیت قهستان ۲ـ فخررود به

مرکزیت گسک می‌باشد.
قهستان در دوره‌های تاریخی مختلف به عنوان یک واحد جغرافیایی مهم و شناخته شده مطرح بوده و حدود آن تقریباً با محدوده کوهستانی شرق ایران انطباق داشته است. واژه قهستان در زبان پهلوی و پارسی کوهستان و نام ناحیه‌ای در شرق ایران زمین آمده که تازیان پس از حمله به ایران، آن را قوهستان و سپس قهستان تلفظ کرده‌اند. دکتر ریچاردفرای
سرزمین قهستان به معنی شهرهای کوهستانی است که برکناره بیابان مابین نیشابور و هرات واقع است و در آن شهرهایی همچون قائن قرار دارد که بزرگترین شهر آن جاست و دیگر جنابدوتون و قوهستان و طبس است که این طبس دو تاست یکی طبس التمر و دیگر طبس العناب و هر دو بر کناره کویر، دو دروازه خراسان‌اند. کتاب النخبة دمشقی
قهستان در دوره اشکانیان از ایالات اشکانی و خوسف ساتراپ نشین این منطقه بود.
در روزگار ساسانی از ایالات آباد و معتبر بود و در هجوم اعراب آسان‌ترین راه دسترسی به سیستان از شمال غرب، یعنی از راه قهستان یا هرات و اسفزار بود. قهستان از شمال به نواحی جنوبی نیشابور و از جنوب شرقی به سیستان و از غرب و جنوب به کویر و از شمال شرقی به هرات و از جنوب غربی به کرمان و یزد محدود بود.
طبس مسینا: از دهستان‌های بخش درمیان شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن طبس مینا است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود درمیان جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار، توت، زردآلو، فرش
پوشش گیاهی: کلپوره، آویشن و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک
عربخانه: از دهستان‌های بخش شوسف شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی و مرکز آن دهک است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه خیری در آن قرار و رود سالاری در آن جریان دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و سنجد
پوشش گیاهی: کلپوره، شاه‌تره و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک و تیهو
علی جمال: از دهستان‌های بخش بشرویه شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی و مرکز آن غنی‌آباد است.
فخررود: از دهستان‌های بخش درمیان شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن گسک است.
فردوس: از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی می‌باشد که از شمال به شهرستان گناباد، از خاور به شهرستان قائنات، از جنوب خاوری به خوسف (از بخش‌های بیرجند) و از جنوب و باختر به شهرستان طبس محدود است.
دارای ۱۳۲۷۷ کیلومتر مربع مساحت به مرکزیت شهر فردوس واقع می‌باشد که دارای دو بخش مرکزی و بشرویه و ۶ دهستان به نام‌های باغستان، برون، حومه، علی جمال، رقبه وارسک و ۸۹۶ آبادی می‌باشد که ۱۶۶ آبادی آن دارای سکنه بوده و فاصله‌ی این شهر تا مرکز استان ۲۰۰ کیلومتر است. در سر شماری عمومی ۶۳ هزار نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، شهرستان فردوس دارای ۶۳ هزار و ۵۰۰ نفر جمعیت بوده که از این ۶۹/۵ درصد در نقاط شهری و ۳۰/۵ درصد در

نقاط روستائی زندگی می‌کنند و از نظر پراکندگی جمعیت حدود ۶۳ درصد در بخش مرکزی و ۳۷ درصد در بخش بشرویه زندگی می‌کنند و در حال حاضر ۸۳ درصد جعیت این شهرستان از نعمت سواد برخوردارند.

یکی دیگر از مهمترین پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های این شهرستان وجود دو منطقه نمونه‌ی گردشگری شهر تون و بافت تاریخی بشرویه و وجود ۱۸۰ اثر تاریخی شناسائی شده و ۷۵ اثر تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور می‌باشد که قرارگرفتن قدیمی‌ترین مسجد، آب انبار، حمام و مدارس علمیه‌ی استان خراسان جنوبی در این شهرستان حاکی از پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگ غنی این شهر تاریخی است. وجود آبگرم معدنی فردوس به عنوان یکی از مجموعه‌های مطرح آب گرم معدنی در کشور با خواص درمانی شفـ بخش و بسیار مؤثر در درمان و بهبودی بعضی امراض و قرار گرفتن آن در حاشیه‌ی جاده ترانزیت و محور ارتباطی استان‌های جنوبی کشور به خراسان رضوی و خراسان جنوبی و کشورهای آسیای میانه در زمره‌ی مهم‌ترین پتانسیل‌های گردشگری شهرستان و استان و شمال شرشق کشور قرار دارد. بافت تاریخی بشرویه به عنوان قدیمی‌ترین بافت خشت و گل استان که زندگی در آن جاریست و شهر تاریخی تون و روستای ییلاقی و هدف گردشگری باغستان علیا در فردوس در زمینه‌ی جاذبه‌های گردشگری و میراث فرهنگی در سطح استان حرف اول را می‌زند.

توانمندی‌های شهرستان در بخش کشاورزی،به لحاظ تولید محصولات باغی مقام دوم استان را داراست و در تولید برخی محصولات نیز مقام اول سطح زیر کشت و تولید استان را به خود اختصاص داده است که از جمله آن محصول انار است که بیش از ۶۲ درصد سطح زیر کشت انار در سطح استان به میزان ۲۲۶۷ هکتار بوده و تولید آن در سال ۱۳۸۶ در فردوس حدود ۲ هزار تن می‌باشد که بالغ بر ۳۰ درصد آن، به کشورهای کره، ژاپن و سایر کشورهای اروپائی و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس صادر می‌شود. بیش از ۵۳ نوع محصول باغی و زراعی در این شهرستان کشت می‌شود که مهم‌ترین محصولات کشاورزی شهرستان شامل انار، زعفران، پسته، گندم، جو، پنبه، بادام، زرد آلو و زیره می‌باشد که حدود ۸۰ درصد از کل محصولات سطح زیر کشت این شهرستان را تشکیل می‌دهد و محصول زعفران و انار فردوس جنبه‌ی صادراتی دارد. وجود بیش از ۲۶۰ هزار رأس دام سبک و بیش از ۸ هزار رأس دام سنگین و تولید ۱۳ هزار تن شیر و ۱۸۰۰ تن گوشت قرمز، ۱۹۶۰ تن تخم مرغ را از جمله توانمندی‌های شهرستان در بخش دام و طیور می‌باشد. بخش صنعت و معدن و توانمندی‌های فردوس است. وجود شهرک صنعتی با مساحت ۲۰۰ هکتار واقع در بهترین نقطه‌ی جغرافیائی با امکانات و زیر ساخت‌های مورد نیاز و آماده جهت سرمایه گذاری و همچنین ۳۲ واحد تولیدید و صنعتی فعال و ۹ واحد معدنی فعال از دیگر توانمندی‌های شهرستان می‌باشد. منابع طبیعی و حوزه‌های آبخیز در سطح شهرستان نیز از دیگر پتانسیل‌های شهرستان فردوس است. از کل سطح شهرستان ۵۵۶ هزار هکتار سطح حوزه‌های آبخیز می‌باشد که در ۲۳ هزار هکتار عملیات آبخیزداری انجام شده و بالغ بر ۵۰ میلیون متر مکعب آب مهار شده است و همچنین

یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های مشارکت مردمی بیابان زدائی کشور در حال اجرا است.

اقتصاد شهرستان از ایام قدیم بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری بوده که در حال حاضر به دلیل خشکسالی های پی در پی در ۹ سال گذشته و سرمازدگی، ارزانی قیمت محصولات کشاورزی و کمبود منابع آبی، کشاورزان و دامداران شهرستان را دچار بحران معیشتی نموده و این شهرستان را به یکی از شهرستان‌های با بالاترین میزان مهاجر فرست در سطح منطقه تبدیل کرده است. کمبودها و نیازهای این شهرستان، عدم توجه به جاذبه‌های بالقوه‌ی شهرستان مانند گردشگری و میراث فرهنگی، صنعت و معدن، کشاورزی و عدم قرار گرفتن فردوس در لیست مناطق محروم و کمتر توسعه یافته کشور است.

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر فردوس، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی (۱ـ باغستان ۲ـ برون ۳ـ حومه) ۲ـ سرایان ۳ـ بشرویه است.

رودها: کال نمک تنها رود دایمی این شهرستان است، رودهای دیگر فصلی و بیشتر از سه ماه آب ندارند.

کوه‌ها: رشته‌ای کوه از شمال خاوری فردوس آغاز گشته تا نواحی جنوبی دهستان سرایان کشیده شده، از این گذشته کوه‌های منفرد پراکنده‌ای در شمال باختری و در باختر قرار گرفته، غارهای طولانی چندی در کوه‌های شمال باختری وجود دارند.

کان‌ها: ۱ـ معدن گل سفید در ۶۰ کیلومتری جنوب خاوری فردوس ۲ـ معدن گل سفیدکوه روغن‌گران در ۷ کیلومتری شمال خاوری فردوس ۳ـ معدن سنگ گچ در ۱۸ کیلومتری شمال فردوس

آب و هوا: معتدل و خشک - آب و هوای کویری، دارای آب و هوای متغیر - در بخش کوهستانی، زمستان‌ها سرد، تابستان‌های معتدل و در منطقه دشتی تابستان‌ها گرم حجتی گاه تا ۴۷ درجه بالای صفر در تابستان‌ها می‌رسد. مقدار ریزش متوسط باران از ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر می‌باشد.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خراسانی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درخت زبان گنجشک - گیاهان دارویی: گل زونا، ترنجبین

جانوران و پرندگان: روباه، شغال، خرگوش، گرگ، آهو و کبک

اقتصاد: بر پایه کشاورزی و قالیبافی استوار است. کشاورزی و باغداری شهرستان فردوس سنتی و نوع کشت آبی و منابع آب کاریزها، رود فصلی، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف

فرآورده‌ها: زعفران، زیره، گندم، جو، پنبه، تره‌بار، برخی از دانه‌های روغنی، انگور، انار، بادام، سیب، زردآلو، هلو و محصولات جالیزی و قالی و قالیچه از منابع مهم درآمد مردم این سامان است که با طرح و نقش‌های جالبی بافته می‌شود.

مساحت کل زمین‌های شهرستان فردوس ۲۲۰۰۰۰۰ هکتار است که ۵۳٪ آن‌ها بیابانی و ۲۲/۷ زمین‌های مرتعی و تنها ۲/۷٪ زمین‌های کشاورزی است از کل ۶۰۰۰۰ هکتار زمین زراعی تقریباً نیمی به صورت آیش و بقیه زیر کشت که از آن‌ها ۷۵٪ آبی و ۲۵٪ دیم است.

شهرستان فردوس در دامنه کوه‌ها و در دشت واقع شده و کویر نمک در مغرب و بخشی از شمال این شهرستان امتداد دارد، ارتفاع آن ۱۲۹۷ متر از سطح دریاست. چون این شهرستان نزدیک کویر مرکزی و کویر لوت قرار گرفته منطقه شمالیش آب و هوای کوهستانی و منطقه دشتی آن

پست و در کناره کویر می‌باشد. ـ ایرج افشار سیستانی

شهرستان فردوس میان دو رشته کم‌ارتفاع کوه کلات و کوه سیمان و کوه زول در مشرق و کوه شتری طبس در مغرب واقع شده است. این ناحیه به علت مجاورت باکویر مرکزی و لوت دارای آب و هوایی صحرایی و خشک است و به دو بخش آب و هوایی کوهستانی (شمالی) و دشت (جنوبی) تفکیک می‌شود.

بخش کوهستانی: این ناحیه در شمال و شمال شرقی شهرستان فردوس قرار دارد و دارای تابستان‌های نسبتاً معتدل با متوسط درجه حرارت روزانه ۲۵-۲۰ درجه سانتی‌گراد، زمستان‌های سرد با درجه حرارت ۱۰-۵ درجه سانتی‌گراد بارندگی در نواحی کوهستانی این شهرستان بیش از دشت و میان ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر در سال و بیشتر در زمستان و بهار می‌بارد. شب‌ها به علت جریان هوای سرد کوهستان به سوی کویر نسبتاً خنک می‌شود.

بخش جنوبی: شامل دشت‌های کم ارتفاع و نواحی حاشیه کویر است این بخش دارای تابستان‌های گرم که متوسط آن ۲۵ تا ۳۰ درجه اما حداکثر مطلق گاهی ۴۷ درجه سانتی‌گراد و میزان متوسط بارندگی در این منطقه میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیمتر است.

فشار و بادها: فشار اتمسفر در عرض جغرافیایی ۴۵ درجه و در هوای صفر درجه سانتی‌گراد و در ارتفاع سطح دریا به هنجار نامیده می‌شود و میزان آن برابر ۱۰۱۳ میلی‌بار است. حداکثر فشار هوا در شهرستان فردوس در آذرماه است و منحنی ۱۰۲۶ میلی‌بار دقیقاً از شهر فردوس می‌گذرد و با گرم شدن هوا فشار هوا کاهش می‌یابد.

بادها: آب و هوای خراسان متأثر از جریان هوایی است که کشور ایران را تحت تأثیر این سه مرکز پرفشار قرار می‌گیرد:

۱ـ جریان مرکز پرفشار سیبری و آسیای مرکزی در زمستان که اثرات سرمای آن تا نواحی جنوبی خراسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲ـ جریان غربی اقیانوس اطلس که در زمستان و بهار سبب ایجاد بادهای مرطوب و باران‌زا شده و با پیش‌روی به سوی مشرق از شدت و رطوبت کاسته می‌شود.

۳ـ جریان مرکز فشار اقیانوس هند و جریان شمال غربی در تابستان با توجه به این سه جریان عمده دو نوع باد در فردوس می‌وزد.

الف) بادهای دائمی ب) بادهای موسمی

فشارود: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن کندر است.

قائن: تحلیل عوامل جوی در شهرستان قائن: قائن با ارتفاع ۱۳۷۰ متر از سطح دریا در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده دارای اقلیم خشک سرد می‌باشد که میانگین حداقل دمای هوا در سردترین ماه سال آن ۴/۳- درجه‌ی سانتی گراد و حداکثر دمای هوای آن در گرم‌ترین ماه سال ۳۲/۸ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد.

دمای هوا: دمای هوا و پارامترهای مربوط به آن از عوامل مؤثر بر فعالیت‌های مختلف در سطح استان و شهرستان می‌باشد.

تغییرات ماهانه‌ی پارامترهای دما در قائن: اطلاعات مربوط به تغییرات پارامترهای دمای هوا در طول ماه‌های مختلف سال در قائن در یک دوره‌ی بلند مدت آماری ارائه شده است. میانگین حداقل‌های دما، میانگین حداکثرهای دما، میانگین

ماهانه‌ی دما، حداقل دو حداکثر مطلق دما می‌باشد.

میانگین حداقل‌های دما: بررسی و مطالعه‌ی میانگین حداقل‌های دمای هوای قائن مبین آن است که مقدار این پارامتر در ماه‌های آذر، دی و بهمن به کمتر از صفر می‌رسد. میانگین حداقل‌های دمای هوا در قائن در دیماه ۴/۳-، در بهمن ۲/۱- و در اسفند ۱/۸ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که روند صعودی آن به سمت بهار محسوس است و در فصل بهار با گرم شدن هوا بر مقدار این پارامتر باز هم افزوده می‌شود و مقدار آن در فروردین به ۷، اردیبهشت به ۱۰/۷ و در خرداد ۱۴/۵ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. مقدار میانگین حداقل‌های دما در تیرماه با رقم ۱۶/۹ درجه‌ی سانتی گراد به بالاترین مقدار در طول سال می‌رسد و پس از آن به آرامی رو به کاهش می‌گذارد. مقدار این پارامتر در مرداد به ۱۳/۸ و در شهریور به ۸/۴ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. در فصل پائیز باز هم از مقدار این پارامتر کاسته شده و مقدار آن در مهر ماه به ۳/۱، در آبان به ۰/۵ و در آذر ماه به ۲/۱- درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

میانگین سالانه حداقل‌های دمای هوای قائن ۵/۷ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد.

میانگین حداکثرهای دما: مطالعه‌ی میانگین حداکثرهای دمای هوای قائن مشخص می‌سازد که کم‌ترین مقدار این پارامتر به میزان ۸/۷ درجه‌ی سانتی گراد و بیشترین آن به مقدار ۳۲/۸ درجه‌ی سانتی گراد به ترتیب در اختیار دی و تیر ماه می‌باشد و در عبور از فصل زمستان به سمت بهار به تدریج بر مقدار این پارامتر افزوده می‌شود. میانگین حداکثرهای دمای هوا در بهمن ماه ۱۰/۶ و در اسفند ۱۵ درجه‌ی سانتی گراد است.

با شروع فصل بهار در قائن مقدار این پارامتر به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و مقدار آن در فروردین ماه به ۲۲، در اردیبهشت ماه به ۳۲/۳ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. در فصل تابستان میانگین حداکثرهای دمای ماهانه به اوج خود می‌رسد و مقدار آن در تیر ماه رقم ۳۲/۸ درجه‌ی سانتی گراد را در بر می‌گیرد که پس از آن تدریجاً و به آرامی از مقدار میانگین حداکثرهای دمای هوای قائن کاسته می‌شود. مقدار این پارامتر در مرداد به ۳۱/۳ و در شهریور ماه به ۲۸ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. با فرا رسیدن فصل پائیز و با خنک شدن هوا مقدار این پارامتر با شتاب بیشتری کاهش می‌یابد و مقدار آن در مهر، آبان و آذر به ترتیب به ۲۲/۳، ۱۸/۹ و ۱۲/۲ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. میانگین سالانه حداکثرهای دمای هوای قائن ۲۱/۸ درجه‌ی سانتی گراد است.

میانگین ماهانه‌ی دما: میانگین ماهانه دمای هوا که از معدل‌گیری بین حداقل‌ها و حداکثرهای دمای هوا در طول یک ماه بدست می‌آید، بهترین معرف وضعیت کلی دمای ماهانه‌ی یک نقطه می‌باشد.

بررسی و مطالعه‌ی میانگین دمای هوای قائن مبین آن است که مقدار این پارامتر در دی ماه به عنوان سردترین ماه سال برابر ۲/۲ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که با عبور از فصل سرد زمستان به سمت بهار تدریجاً بر مقدار آن افزوده می‌شود و مقدار آن در بهمن ماه به ۴/۲ و در اسفند به ۸/۴ درجه‌ی سانتی گراد افزایش می‌یابد. این روند صعودی در فصل بهار هم ادامه یافته و مقدار میانگین ماهانه دمای هوای قائن در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد به ترتیب به ۱۴/۵، ۱۹/۲ و ۲۳/۴ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

در فصل تابستان تیر ماه با دمای ۲۴/۹

درجه‌ی سانتی گراد بیشترین مقدار این پارامتر را در طول سال به خود اختصاص داده. سپس رو به کاهش می‌گذارد و مقدار آن در مرداد به ۲۲/۵ و در شهریور به ۱۸/۲ درجه‌ی سانتی گراد کاهش می‌یابد. این سیر نزولی در فصل پائیز تداوم یافته و مقدار میانگین ماهانه دمای هوای قائن در مهر ماه به ۱۲/۷، در آبان به ۹/۷ و در آذر به ۵ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد که این سیر نزولی تا پایان دی ماه ادامه داشته و بعداً رو به افزایش می‌گذارد.

میانگین سالانه‌ی دمای هوای قائن ۱۳/۷ درجه‌ی سانتی گراد است.

حداقل مطلق دما:حداقل مطلق و حداکثر مطلق دما در واقع کمترین و بیشترین ارقام به وقوع پیوسته دمای هوا در طول یک دوره‌ی آماری یک نقطه می‌باشد. در شهر قائن حداقل مطلق دمای هوا در طول دوره‌ی آماری بلند مدت ۲۲/۶- درجه‌ی سانتی گراد بوده است و هیچ گاه دمای این شهر به کمتر از این مقدار نزول ننموده است. مطالعه‌ی حداقل مطلق دمای هوای قائن طی دوره‌ی آماری بلند نشان می‌دهد که مقدار این پارامتر از اول مهر لغایت اردیبهشت با رقم منفی به ثبت رسیده است و فقط در چهار ماه خرداد، تیر، مرداد و شهریور دارای مقدار مثبت می‌باشد. حداقل مطلق دمای هوای قائن در دی، بهمن و اسفند به ترتیب ۲۲/۶-، ۱۵/۸- و ۹/۶- درجه‌ی سانتی گراد بوده است و کمترین مقدار دمای ثبت شده در فروردین ماه ۴/۶-، در اردیبهشت ۱/۶-، در خرداد ۶/۴ درجه‌ی سانتی گراد بوده است. حداقل مطلق دمای به وقوع پیوسته در تیر، مرداد و شهریور به ترتیب ۱۰، ۴/۲ و ۴/۰ درجه‌ی سانتی گراد بوده است و مقدار این پارامتر در مهر ماه ۹-، در آبان ۱۱/۸- و در آذر ۱۵/۸- درجه‌ی سانتی گراد بوده است.

حداکثر مطلق دما: مطالعه‌ی حداکثر مطلق دمای هوای قائن نشان می‌دهد که بیشترین دمای ثبت شده در طول دوره‌ی آماری قائن ۴۰/۶ درجه‌ی سانتی گراد بوده است و هرگز دمای هوای این شهر به بالاتر از این مقدار نرسیده است. حداکثر مطلق دمای هوای قائن در دی ماه ۲۱، در بهمن ۲۲ و در اسفند ماه به ۲۶/۶ درجه‌ی سانتی گراد بوده است و مقدار این پارامتر در فروردین ماه ۳۳/۲، در اردیبهشت ۳۶/۸ و در خرداد ۴۰/۶ درجه‌ی سانتی گراد به ثبت رسیده است و بالاترین دمای ثبت شده در قائن در تیر ماه ۴۰/۲، در مرداد ۳۶/۸ و در شهریور ۳۷ درجه‌ی سانتی گراد بوده است.

مطالعه و بررسی دمای هوای شهر قائن بیانگر آن است که این شهر در گرم‌ترین ماه‌های سال تا حدود زیادی از تنش‌های محدودکننده‌ی حرارتی برکنار می‌باشد و گرمای تابستان آن قابل تحمل است اما در برخی از ماه‌های سرد زمستان سرمای سخت و گزنده تا اندازه‌ای به عنوان یک عامل محدود کننده برای برخی فعالیت‌های کشاورزی، عمرانی، صنعتی و گردشگری تلقی می‌گردد. مطالعه‌ی میانگین ماهانه دمای هوای قائن در طول ۱۲ ماه سال مبین آن است که از اوایل فروردین تا آخر مهر ماه مناسب‌ترین زمان برای مسافرت و بازدید از مناظر طبیعی و آثار تاریخی و مذهبی این شهر می‌باشد.

تغییرات فصلی دمای هوا در قائن: با توجه به موقعیت جغرافیائی و اقلیمی شهرستان قائن، فرا رسیدن فصل‌ها در این شهر کمتر با تغییرات شدید آب و هوائی همراه است و عبور و گذر فصل‌ها به آرامی و به صورت تدریجی و کم تنش در آن

صورت می‌گیرد ولی هر فصلی دارای رنگ و بوی خاص خود می‌باشد. زمستان در قائن تقریباً سرد و سرمای هوای این شهر در بعضی از ماههای زمستان میتواند برای پاره‌ای از فعالیت‌ها مانند کشاورزی، عمرانی و حتی گردشگری محدودیت ایجاد نماید که تدریجاً به بهار می‌گراید. بهار قائن ملایم و مطبوع است و گرمای تابستان قائن قابل تحمل است. پائیز در این شهر خنک می‌باشد که به استقبال زمستان می‌رود.

با استناد به آمار و اطلاعات مربوط به دمای هوا در فصل‌های مختلف سال در استان‌های خراسان و شهر قائن، میانگین دمای هوای قائن در فصل زمستان به عنوان سردترین فصل برابر ۴/۹ درجه‌ی سانتی گراد است و میانگین دمای هوای فصل بهار و تابستان قائن به ترتیب ۱۹/۱ و ۲۱/۹ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که اوج اعتدال دمائی برای مسافرت ودیدار از مناظر طبیعی و آثار مذهبی و تاریخی قائن می‌باشد.

میانگین دمای هوای پائیز قائن ۹/۲ درجه‌ی سانتی‌گراد می‌باشد که معرف هوای خنک متمایل به سرد می‌باشد.

تعداد روزهای یخبندان: وقوع یخبندان ممکن است برای پاره‌ای از فعالیت‌های کشاورزی، عمرانی، صنعتی، گردشگری و غیره به عنوان یک عامل محدود کننده تلقی گردد و در روند اجرای برنامه‌های اقتصادی ـ اجتماعی یک منطقه مشکلاتی ایجاد نماید. از این جهت توجه به این عامل اقلیمی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

مطالعه و بررسی تعداد روزهای یخبندان قائن نشان می‌دهد که دی ماه قائن با ۲۶ روز یخبندان در ماه بیشترین روزهای یخبندان در ماه را در بین ماه‌های سال به خود اختصاص می‌دهد و تعداد روزهای توأم با یخبندان در بهمن ۲۰ و در اسفند ۱۱ روز در ماه می‌باشد و تعداد روزهای یخبندان فروردین ۲ روز می‌باشد و در اردیبهشت‌ماه در قائن به ندرت یخبندان رخ می‌دهد و در ماه خرداد و در فصل تابستان، قائن فاقد یخبندان است و میانگین ماهانه‌ی تعداد روزهای توأم با یخبندان در مهر ماه ۷، در آبان ۱۴ و در آذر ۲۲ روز در ماه می‌باشد.

میانگین سالانه یخبندان قائن در طول دوره‌ی آماری بلند مدت معادل ۱۰۲ روز در سال است.

رطوبت هوا: تابش دائمی خورشید بر سطح آب‌های کره‌ی زمین موجب تبخیر بخشی از آن‌ها شده و به این ترتیب آب اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها منبع اصلی تأمین رطوبت هوا محسوب می‌گردند. بخش دیگری از رطوبت هوا از طریق تبخیر از سطح خاک و تبخیر و تعرق گیاهان و موجودات زنده تأمین می‌شود.

وضعیت رطوبت نسبی هوا در قائن: با توجه به شرایط جغرافیائی و اقلیمی قائن و تأثیر پذیری آن از کویر مرکزی، نم نسبی این شهر نسبت به مناطق شمالی استان‌های خراسان کمتر می‌باشد.

اطلاعات مربوط به میانگین ماهانه‌ی نم نسبی و میانگین حداکثرهای نم نسبی و میانگین حداقل‌ها نم نسبی قائن، مطالعه‌ی پارامترهای نم نسبی قائن با شروع فصل پائیز همزمان با هجوم سیستم‌های جوی مرطوب و باران زا به استان خراسان و شهر قائن، تدریجاً بر مقدار نم نسبی هوای این شهر افزوده می‌شود و با ادامه‌ی فصل سرد فعالیت توده‌های هوا و سیستم‌های مرطوب باران زا ضمن کاهش دمای هوای قائن، رطوبت نسبی هوا افزایش می‌یابد و با فرا رسیدن فصل بهار و گرم شدن هوا در مقدار نم نسبی هوا کاسته

شده و بر این اساس د رقائن بیشترین مقدار میانگین ماهانه‌ی نم نسبی به میزان ۵۷ درصد به دیماه تعلق دارد و کم‌ترین آن به میزان ۲۵ درصد در اختیار خرداد و شهریور می‌باشد. مقدار میانگین ماهانه‌ی نم نسبی هوای قائن در بهمن ماه به ۵۴ و در اسفند به ۵۲ درصد می‌رسد و مقدار این پارامتر در فروردین، اردیبهشت و خرداد به ترتیب ۴۵، ۳۳ و ۲۵ درصد می‌رسد.

در فصل تابستان مقدار نم نسبی هوا در حد ماه خرداد می‌باشد و مقدار میانگین ماهانه‌ی نم نسبی هوای قائن در تیر و مرداد ۲۶ و در شهریور ۲۵ درصد می‌باشد که از این پس بر مقدار این پارامتر افزوده می‌شود و مقدار آن در مهر ماه به ۳۱، در آبان به ۳۷ و در آذرماه به ۵۱ درصد افزایش می‌یابد و این سیر صعودی تا پایان دی ماه تداوم دارد.

میانگین سالانه‌ی نم نسبی هوای قائن ۳۸ درصد می‌باشد.

بررسی میانگین حداکثرهای نم نسبی هوای قائن نشان می‌دهد که بیشترین مقادیر مربوط به میانگین حداکثرهای نم نسبی بر ماه‌های سرد و مرطوب و کم‌ترین مقادیر آن بر ماه‌های گرم و خشک انطباق دارد. بدین گونه بیشترین مقدار این پارامتر به میزان ۷۸ درصد مربوط به اسفند ماه و کم‌ترین مقدار آن به میزان ۳۷ درصد متعلق به تیر و شهریور ماه می‌باشد.

میانگین سالانه حداکثرهای رطوبت نسبی هوای قائن ۵۷ درصد می‌باشد.

روزهای همراه با برف یا مخلوط برف و باران در قائن: بارندگی‌های قائن عموماً به صورت باران (آبگین) می‌باشد ولی در برخی از ماه‌های سرد سال که توده‌های هوای پرفشار سرد سیبری و قطبی به این شهر گسترش می‌یابد ضمن کاهش دمای هوا شرایط ریزش برف در این شهر فراهم می‌گردد.

در قائن به طور متوسط ۸ روز از سال توأم با برف یا مخلوط برف و باران می‌باشد که فراوانی آن در دی و بهمن بیش از سایر ماه‌های سال است و میانگین ماهانه تعداد روزهای برفی قائن در ماه‌های دی و بهمن ۳ روز و در اسفند ماه یک روز در ماه می‌باشد و اصولاً در فصل بهار و تابستان و مهر ماه در قائن برف ریزش نمی‌کند و در آبان ماه ندرتاً در این شهر برف ریزش می‌کند و تعداد روزهای برفی آذرماه یک روز در ماه می‌باشد.

تعداد روزهای همراه با گرد و خاک: وقوع گرد و خاک علاوه بر تأثیر نامطلوب بر انسان و محیط زیست، گاهی اوقات باعث ایجاد مشکلاتی در برنامه‌ها شده و جریان امور شهری را با اختلال مواجه می‌سازد. اطلاعات مربوط به تعداد روزهای توأم با گرد و خاک در استان خراسان و شهر قائن آمده است.

بر اساس آمار میانگین سالانه تعداد روزهای همراه با گرد و خاک در قائن ۳۲ روز می‌باشد که فراوانی وقوع آن در ماه‌های گرم سال بیشتر از سایر ماه‌ها می‌باشد. میانگین تعداد روزهای همراه با گرد و خاک قائن در دی و بهمن یک روز و در اسفند ۳ روز است و تعداد روزهای همراه با این پدیده در فروردین، اردیبهشت و خرداد ۳ روز می‌باشد و فراوانی آن در تیر ماه ۶ روز، در مرداد ۴ روز و در اسفند ۳ روز در ماه می‌باشد و تعداد روزهای همراه با گرد و خاک در مهر و آبان یک روز و در آذر ماه ۲ روز می‌باشد.

قائنات: از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی می‌باشد که از شمال به شهرستان خواف و

شهرستان تربت‌حیدریه و شهرستان گناباد از خاور به افغانستان، از جنوب به بخش‌های درمیان (از توابع بیرجند) و از باختر به سرایان (از بخش‌های سرایان) محدود است. این شهرستان از نظر طبیعی دو وضع دارد ۱ـ منطقه کوهستانی، در شمال و شمال غربی به نام قهستان و منطقه‌ای که دشت‌های قائن، اسلام‌آباد و خضری را شامل است. جغرافیای کامل ایران

شهر قائن در مرکز خراسان جنوبی در مسیر راه گناباد - بیرجند قرار گرفته است. این شهر از شمال به روستای فیروزآباد، از جنوب به کلاته عبدالرحمتی، از مشرق به کوه امام جعفری و از غرب به کلاته مقتدر محدود می‌باشد. بلندی این شهر از سطح دریا ۱۲۴۰ متر و فاصله‌اش تا تهران ۷۵۳ کیلومتر می‌باشد. شهر قائن در دشت قرار دارد با این حال چند کوه آن را در میان گرفته‌اند. ایرج افشار سیستانی

تقسیمات کشوری: مرکز این شهرستان شهر قائن، دارای ۵ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۵ دهستان (۱ـ قائن ۲ـ بسکوه ۳ـ سده ۴ـ زهان ۵ـ پیشکوه) ۲ـ زهان ۳ـزیرکوه ۴ـ سده ۵ـ نیمبلوک ۱۳ دهستان: (۱ ـ افین ۲ـ کرغند ۳ـ نیمبلوک ۴ـ آیسک ۵ـ مصعبی ۶ـ سه قلعه ۷ـ دو کوهه ۸ـ آفریز)

رودها: ۱ـ رودهای فصلی که چندان اهمیت ندارند. ۲ـ رود دائمی قائن یا کال خونیک در شمال که از کوه‌های شمال باختری سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر به سوی خاور به رود شور می‌پیوندد. ۳ـ کال سده که از کوه گینو در جنوب دشت سده سرچشمه گرفته. پس از آبیاری این دشت به سوی باختر ادامه می‌یابد و در زمین‌های کشاورزی اطراف روستای چاهک فروکش می‌کند.

کاریزها و چشمه‌های بسیار نیز در این شهرستان روان است.

کوه‌ها: این شهرستان پوشیده از بلندی‌هایی است که با جهت شمال باختری - جنوب خاوری قرار دارد و دشت‌های بسیار در میان این کوه‌ها قرار گرفته، ۱ـ سیاه کوه (۲۵۱۹ متر) ۲ـ اندریک ۳ـ اراز (۲۶۱۹ متر) ۴ـ سیاهو در شمال باختری ۵ـ درترنر ۶ـ کوه ورزق ۷ـ کشمنوری (۲۵۱۵ متر)

دشت‌ها: ۱ـ قائن ۲ـ میم دشت ۳ـ شاه‌آباد ۴ـ بیاض ۵ـ اسفندن ۶ـ خطیبی

کان‌ها: سنگ مرمر در ۵۸ کیلومتری شمال باختری قائن

آب و هوا: معتدل و خشک، بیشتر درجه گرما در تابستان‌ها تا ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها تا ۱۰ درجه زیر صفر، متوسط بارندگی یالانه ۲۰۰ میلیمتر است.

نژاد و زبان: آریایی نژادند و به زبان فارسی سخن می‌گویند.

رستنی‌ها: درختان بنه -گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، گل زونا، شاه تره، کلپوره، گل مریم، چل گیاه، زرشک، ترنجبین، خاکشی، ریواس - پوشش گیاهی برای چرای دام به حد کافی

جانوران و پرندگان: شغال، روباه، خرگوش، گرگ، کبک، تیهو و سینه سیاه

اقتصاد: بر کشاورزی، دامداری و قالی و قالیچه بافی استوار است.

کشاورزی به شیوه سنتی و مکانیزه هر دو انجام می‌شود. نوع کشت بیشتر آبی برای آبیاری زیر کشت از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف، کاریزها و رودها سود جسته می‌شود.

فرآورده‌ها: زعفران، گندم، جو، چغندر قند، پنبه، انواع تره‌بار، آلو، زردآلو، گردو، سیب، گلابی،

گوجه، انجیر و توت دامداری به شیوه سنتی و بیشتر شامل گوسفند، بز،گاو و شتر می‌باشد. قالی و قالیچه‌ها قائنات از اهمیت فراوانی برخوردار است.

قائنات (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان استان خراسان جنوبی و مرکز شهر قائن است و دارای ۵ دهستان: ۱ـ قائن ۲ـ پسکوه ۳ـ سده ۴ـ زهان ۵ـ پیشکوه است.

قلعه زری: از دهستان‌های بخش خوسف شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن علی‌آباد است.

قلعه زری (دهستان): این دهستان در قسمت جنوبی بخش خوسف واقع شده که به دلیل بعد مسافت با مرکز شهر و از طرفی زهدار بودن قسمتی از اراضی مورد استفاده و همچنین مشغول بودن اکثریت اهالی به دامداری، کشاورزی آن در مقایسه با دیگر دهستان‌ها از رونق چندانی برخوردار نمی‌باشد.

قهستان: از دهستان‌های بخش درمیان شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن درخش است.

کاهشنگ: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن مرک است.

کرغند: از دهستان‌های بخش نیمبلوک شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن کرغند است.

گزیک: از دهستان‌های بخش درمیان شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی و مرکز آن گزیک است.

ماخونیک: این روستا در منطقه‌ای کوهستانی و در دامنه‌ی جنوبی کوه ماخونیک واقع شده است و مرکزیت منطقه‌ای متشکل از ۱۲ روستا را داراست. این روستاها از نظر مذهب، معیشت، شیوه‌ی زندگی و اوضاع اجتماعی موجود اشتراک با یکدیگر دارند. ویژگی جالب توجه در روستای ماخونیک قوام و دوام سنت‌ها، آداب و رسوم را داراست. این روستاها از نظر مذهب، معیشت، شیوه‌ی زندگی و اوضاع اجتماعی با یکدیگر دارند. ویژگی جالب توجه در روستای ماخونیک قوام و دوام سنت‌ها، آداب و رسوم و حتی مسکن است که کاملاً دست نخورده باقی مانده‌اند. معماری روستای ماخونیک بسیار ساده و ابتدایی است که با مصالح موجود از جمله سنگ در فضاهایی کوچک و محدود ایجاد شده و در آن به حداقل اکتفا شده است.

مصعبی: از دهستان‌های بخش سرایان شهرستان‌های استان خراسان رضوی و مرکز آن مصعبی است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، ارزن، پنبه، تره‌بار، زردآلو و بادام

پوشش گیاهی: شاه تره، گل زونا، کلپوره و گیاهان مرتعی

جانوران: گرگ، روباه، شغال، آهو، کبک و سینه سیاه

مؤمن آباد: از دهستان‌های بخش سربیشه شهرستان بیرجند استان خراسان رضوی و مرکز آن سلم‌آباد است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار دارد و سیاه کوه و کوه مین‌آباد (مؤمن آباد) در آن قرار دارد.

فرآورده‌ها: گندم، جو، تره‌بار و فرش با طرح بیرجندی

پوشش گیاهی: درمنه، آویشن، شاه تره و گیاهان

مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک و تیهو
نهارجان: از دهستان‌های بخش سربیشه شهرستان بیرجند استان خراسان رضوی و مرکز آن کلاته سلیمان است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه باقرار در آن قرار دارد.
فرآورده‌ها: گندم، جو، یونجه، تره‌بار
پوشش گیاهی: کلپوره، بومادران، گل زونا و گیاهان مرتعی
جانوران: گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک
نهبندان: از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی است که از شمال و باختر به شهرستان بیرجند و از خاور به افغانستان، شهرستان زابل و از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان محدود و در بلندی ۱۲۶۰ متری از سطح دریا و در فاصله ۶۸۸ کیلومتری شهر مشهد قرار دارد. مرکز آن شهرستان شهر نهبندان دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ شوسف و دارای ۵ دهستان ۱ـ بندان ۲ـ منعان ۳ـ نه ۴ـ شوسف ۵ـ عربخانه است.
کوه شاه در بخش مرکزی و کوه هاری به لندی با بلندی ۲۰۷۸ متر در قسمت شرقی شهرستان نهبندان قرارگرفته و مناطق غربی و جنوب غربی آن را کویر لوت در بر گرفته است.
شهر نهبندان از سطح دریا ۱۱۹۶ متر بلندی و تا مشهد ۷۰۳ کیلومتر فاصله دارد. شهر نهبندان در منطقه‌ای کویری، خشک و کم آب قرارگرفته، این شهر در دشتی برافراشته شده که سراسر مناطق شرقی جنوبی و غربی آن را زمین‌های کشاورزی در بر گرفته است.
نهبندان (بخش مرکزی): از بخش‌های شهرستان نهبندان استان خراسان و مرکز آن شهر نهبندان است و دارای ۵ دهستان ۱ـ بندان ۲ـ میغان ۳ـ نه ۴ـ شوسف ۵ـ عربخانه می‌باشد و مرکز شهری آن شوسف است.
تحلیل عوامل جوی در شهرستان نهبندان: نهبندان با اقلیم خشک معتدل جزء نواحی گرم استان خراسان جنوبی می‌باشد و میانگین سالانه‌ی دمای آن از اکثر نقاطی ارائه شده است بیشتر می‌باشد.
دمای هوا: دمای هوا به عنوان یک فاکتور مهم و مؤثر درکلیه‌ی برنامه ریزی‌های استانی و شهری و از جمله در امور جهانگردی و گردشگری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
میانگین حداقل‌های دما: مطالعه و بررسی میانگین حداقل‌های دمای هوای نهبندان در طول ماه‌های مختلف سال مبین آن است که کم‌ترین مقدار این پارامتر در دی ماه معادل ۰/۶ درجه‌ی سانتی گراد است که با گذار از فصل زمستان به طرف بهار به تدریج بر مقدار این پارامتر افزوده می‌شود و میانگین حداقل‌های دمای هوا در بهمن ماه به ۲/۵ و در اسفند ماه به ۶/۲ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. با فرا رسیدن فصل بهار و گرم شدن هوا مقدار میانگین حداقل‌های دما با شتاب بیشتری افزایش می‌یابد و مقدار آن در فروردین ماه به ۱۲/۷، در اردیبهشت به ۱۷/۸ و در خرداد به ۲۲/۹ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.
مقدار این پارامتر در تیر ماه به اوج خود در طول سال می‌رسد و پس از آن رو به نزول می‌گذارد. میانگین حداقل‌های دما در تیرماه به ۲۵/۷، در مرداد به ۲۳/۴ و در شهریور ماه به ۱۶/۹ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد و با آغاز فصل پائیز و عبور بیرجند به سمت فصل سرد، کاهش

این پارامتر سیر نزولی بیشتری یافته و مقدار آن در مهر ماه به ۱۰/۴، در آبان به ۵/۹ و در آذر ماه به ۲/۳ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

میانگین سالانه حداقل‌های دمای هوا در نهبندان ۱۲/۳ درجه‌ی سانتی گراد است.

میانگین حداکثرهای دما: مطالعه‌ی آمار و اطلاعات میانگین حداکثرهای دمای هوای نهبندان در طول ماه‌های مختلف سال بیانگر آن است که کمترین و بیشترین مقدار این پارامتر به ترتیب به ماه‌های دی و تیر ماه مربوط می‌شود و میانگین حداکثرهای دمای هوای نهبندان در دیماه ۱۲/۲، در بهمن ۱۴/۵ و در اسفند ماه ۱۸/۸ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که دارای روند صعودی به سمت بهار می‌باشد.

در فصل بهار مقدار این پارامتر به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و مقدار آن در فروردین ماه به ۲۶/۷، در اردیبهشت به ۳۳/۲ و در خرداد ماه به ۳۷/۳ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. در فصل تابستان و در تیر ماه مقدار میانگین حداکثرهای دما به اوج خود در طول سال می‌رسد و پس از آن تا اول پائیز تدریجاً و به آرامی رو به کاهش می‌گذارد بنابراین میانگین حداکثرهای دمای هوای نهبندان در تیر ماه ۳۸/۱، در مرداد ۳۷ و در شهریور ۳۳/۶ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد. با شروع فصل پائیز و با سرد شدن هوا مقدار این پارامتر با شتاب سریع‌تری کاهش می‌یابد و مقدار آن در مهر ماه به ۲۷/۶، در آبان به ۲۲/۲ و در آذر ماه به ۱۴/۷ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

میانگین سالانه حداکثرهای دمای هوا در نهبندان ۲۶/۳ درجه‌ی سانتی گراد است.

میانگین ماهانه‌ی دما: بررسی میانگین‌های ماهانه‌ی دمای هوای نهبندان نشان می‌دهد که میانگین ماهانه دمای هوای این شهر در دی ماه ۶/۴ درجه‌ی سانتی گراد می باشد که در بهمن ماه به ۸/۵ و در اسفند به ۱۲/۶ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد. مقدار این پارامتر در فروردین افزایش قابل توجهی یافته و به ۱۹/۷ درجه در اردیبهشت به ۲۵/۵ و در خرداد به ۳۰/۱ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

با فرا رسیدن فصل تابستان میانگین ماهانه‌ی دما بیشترین ارقام ماهانه را در طول سال کسب نموده و مقدار آن در تیر ماه به ۳۱/۹ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد و پس از آن به آرامی رو به کاهش می‌گذارد. مقدار این پارامتر در مرداد به ۳۰/۲ و در شهریور ماه به ۲۵/۳ درجه‌ی سانتی گراد کاهش می یابد و در فصل پائیز باز هم از مقدار این پارامتر به طور قابل توجهی کاسته شده و مقدار آن در مهر ماه به ۱۹، در آبان به ۱۴/۱ و در آذرماه به ۸/۵ درجه‌ی سانتی گراد می‌رسد.

میانگین سالانه‌ی دمای هوای نهبندان ۱۹/۳ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد.

حداقل مطلق دما: حداقل و حداکثر مطلق دما در حقیقت کمترین و بیشتری ارقام به وقوع پیوسته دمای هوا در طول دوره‌ی آماری یک نقطه می‌باشد. در نهبندان در طول دوره‌ی آماری آن، کمترین مقدار دمای ثبت شده به میزان ۱۰/۲- درجه‌ی سانتی‌گراد بوده است و هیچ گاه دمای نهبندان به کمتر از آن نزول نکرده است.

بررسی آمار حداقل مطلق دما در طول ماه‌های مختلف سال طی دوره‌ی آماری نهبندان نشان می‌دهد که این پارامتر در دی ماه به رقم ۶/۱-، در بهمن به رقم ۶/۶- و در اسفند به رقم ۴/۴- درجه‌ی سانتی گراد رسیده است. در فصل بهار و

تابستان هرگز دمای هوای نهبندان به زیر صفر نرفته است و حداقل مطلق دمای هوا در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد به ترتیب ۱، ۴/۲ و ۱۴/۸ درجه‌ی سانتی گراد بوده است و کم‌ترین دمای ثبت شده در نهبندان در تیر ماه ۱۷/۸، در مرداد ۱۴/۲ و در شهریور ۸/۴ درجه‌ی سانتی گراد بوده و در طول ماه‌های مهر، آبان و آذر حداقل مطلق دمای نهبندان به ارقام صفر، ۴/۸-، و ۱۰/۲- درجه‌ی سانتی گراد رسیده است.

حداکثر مطلق دما: حداکثر دمای رخ داده در طول دوره‌ی آماری نهبندان در دی ماه ۲۳/۶، در بهمن ۲۲/۸ و در اسفند ۳۰/۴ درجه‌ی سانتی گراد بوده است و در فصل بهار در ماه فروردین مقدار حداکثر مطلق دمای اتفاق افتاده برابر ۳۶/۶، در اردیبهشت ۴۰/۶ و در خرداد ماه ۴۳/۲ درجه‌ی سانتی گراد بوده است.

حداکثر مطلق دمای هوای نهبندان در تابستان در تیرماه ۴۳، در مرداد ۴۲/۸ و در شهریور ۴۰/۸ درجه‌ی سانتی گراد رخ داده است و مقدار این پارامتر در مهر ماه ۳۵/۶، در آبان ۲۹/۸ و در آذر ماه ۲۵/۲ درجه‌ی سانتی گراد بوده است.

بالاترین رقم ثبت شده دمای هوا در نهبندان برابر ۴۳/۲ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که در خرداد ماه رخ داده است.

بررسی دمای هوای نهبندان نشان می‌دهد که نهبندان در سردترین ماه‌های سال تا حدود زیادی از تنش‌های محدودکننده‌ی حرارتی به دور بوده و از گزند سرماهای سخت زمستانه در امان می‌باشد. اما گرمای هوا در برخی از ماه‌های گرم و تابستان به عنوان یک عامل بازدارنده برای فعالیت‌های گوناگون محسوب می‌شود.

مطالعه‌ی میانگین ماهانه‌ی دمای نهبندان در طول ۱۲ ماه سال نشانگر آن است که در اکثر ماه‌های سال شرایط مناسب دمائی برای انجام امور مختلف از جمله گردشگری در نهبندان فراهم می‌باشد.

تغییرات فصلی دمای هوا در نهبندان: نهبندان جزء نقاطی از استان خراسان جنوبی می‌باشد که در آن دو فصل گرم و فصل خشک اقلیمی قابل تشخیص می‌باشد. فصل گرم آن از اول بهار تا اول مهر ماه و فصل خنک آن شامل پائیز و زمستان می‌باشد.

بر اساس آمار میانگین دمای هوا در فصل‌های مختلف نهبندان، میانگین دمای هوای فصل زمستان ۹/۲ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که نشانه‌ی هوای گرم می‌باشد در برخی از ماه‌های تابستان گرمای هوا آزار دهنده است. میانگین دمای هوای فصل پائیز نهبندان ۱۳/۹ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد که هوای خنک و ملایمی را معرفی می‌نماید.

با توجه به مطالب ارائه شده بهترین زمان جهت مسافرت به نهبندان از اول پائیز تا اول اردیبهشت است.

تعداد روزهای یخبندان: روزهای یخبندان و تعداد آن در طول سال به عنوان یک عامل بازدارنده برای برخی از فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در یک ناحیه محسوب می‌شود.

مطالعه و بررسی تعداد روزهای یخبندان نهبندان مبین آن است که دی ماه با ۱۶ روز یخبندان در ماه بیشترین روزهای یخبندان در ماه را در بین سایر ماه‌های سال در اختیار دارد و تعداد روزهای توأم با یخبندان در بهمن ماه ۸ روز و در اسفند یک روز است و در فصل بهار و تابستان اصولاً نهبندان بدون یخبندان است و میانگین

ماهانه تعداد روزهای یخبندان در مهر ماه ناچیز، در آبان ۲ روز و در آذرماه ۱۰ روز در ماه می‌باشد.

میانگین سالانه تعداد روزهای یخبندان در نهبندان ۳۸ روز در سال است.

رطوبت هوا: جریان وزش بادها رطوبت موجود در هوا را به مناطق مختلف منتقل می‌کند، از این جهت جو زمین همواره دارای مقداری رطوبت است. میزان رطوبت و بخار آب در جو زمین متفاوت بوده و امکان دارد در مناطقی نظیر نواحی ساحلی حاره‌ای مقدار آن زیاد و در مناطق خشک و کویری مقدار آن بسیار کم باشد.

وضعیت رطوبت نسبی هوا در نهبندان: اطلاعات مربوط به میانگین ماهانه نم نسبی، میانگین حداکثرهای نم نسبی و میانگین حداقل‌های نم نسبی در طول ماه‌های مختلف سال در نهبندان ارائه شده است. مطالعه و بررسی رطوبت نسبی هوای نهبندان نشان می‌دهد که نهبندان جزء مناطق خشک استان خراسان جنوبی می‌باشد، به طوری که میانگین‌های سالانه پارامترهای مختلف رطوبت نسبی نهبندان نسبت به کلیه‌ی مناطقی که آمارشان از مقدار کمتری برخوردار می‌باشد.

بررسی میانگین ماهانه نم نسبی هوای نهبندان مشخص می‌سازد که با آغاز فصل پائیز که مقارن با شروع فعالیت سیستم‌های جوی مرطوب و باران‌زای مدیترانه‌ای و سودانی و گسترش آن‌ها به استان خراسان و نهبندان است، مقدار میانگین ماهانه نم نسبی تدریجاً رو به افزایش می‌گذارد و با تشدید فعالیت سیستم‌های مذکور در طول ماه‌های سرد ضمن کاهش دما مقدار نم نسبی هوا به حداکثر خود در طول سال می‌رسد و در ماه‌های گرم سال که تهاجم توده‌های هوای مرطوب به منطقه کاهش می‌یابد میزان نم نسبی هوا هم نظم پیدا می‌کند به نحوی که کمترین مقادیر رطوبت نسبی هوا بر ماه‌های گرم سال انطباق دارد.

میانگین ماهانه نم نسبی هوای نهبندان در دی ماه ۵۷، در بهمن ۵۰ و در اسفند ۴۴ درصد است که دارای سیر نزولی به سمت بهار می‌باشد. در فصل بهار باز هم از مقدار میانگین ماهانه نم نسبی کاسته شده و مقدار این پارامتر در تیر ماه ۱۵ و در مرداد ۱۴ درصد است که مقدار نم نسبی در مرداد ماه در نهبندان کم‌ترین مقدار در طول سال می‌باشد که پس از آن تدریجاً بر مقدار آن افزوده می‌شود و مقدار آن در شهریور ماه به ۱۶ درصد می‌رسد. در فصل پائیز باز هم بر مقدار میانگین ماهانه نم نسبی هوای نهبندان افزوده شده و مقدار آن در مهر ماه به ۲۲، در آبان به ۳۱ و در آذر ماه به ۵۱ درصد می‌رسد.

میانگین سالانه نم نسبی هوای نهبندان ۳۱ درصد است.

نیمبلوک (بخش): از بخش‌های شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی و مرکز آن شهر خضری دشت بیاض و دارای دو دهستان ۱ـ نیمبلوک ۲ـ کرغند است.

از جمله بخش‌های با قدمت تاریخی کهن در شهرستان قاینات در استان خراسان جنوبی محسوب می‌شود. موقعیت مناسب طبیعی و برخورداری از دو عارضه دشت و کوهستان در مجاورت یکدیگر در این ناحیه، باعث شده تا در طول دوره‌های تاریخی همواره مورد توجه اقوام و حکومت‌های مختلف قرار گیرد. از نظر تاریخی وجو مکان هائی با نام‌های قدیمی، همچون: «کوه لکرگاه و تگ خروج» در شمال غربی بخش و آبادی‌های مهمی همچون: «کوه خضری، فتح آباد،

اسفیان، مزدآباد، کراشک، مناواج (بیناباج) و ثغوری» که معرف موقعیت مرزی آن جاست؛ همگی حکایت از پیشینه‌ی کهن این منطقه دارد. نام آبادی‌های دیگری همچون: «میم، بازان، صلایانی، گریمنج، کرغند» و بسیاری از نام‌های دیگر نیز،گواه قدمت تاریخی این منطقه می‌باشد.

شواهد تاریخی و مدارک مربوط به سابقه‌ی تمدنی منطقه بیانگر آن است که سکونت انسان در این منطقه به دوره‌های قبل از میلاد می‌رسد و آثار زندگی شهری، حداقل از دوره‌ی ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی در شهر فارس وجود دارد. بر اثر حوادث طبیعی بخصوص زلزله، در طول تاریخ جمعیت این شهر دچار نوسان بوده ولی آنچه روشن و واضح است، جمعیت پذیری فارس در تمامی دوره‌های تاریخی، بخصوص پس از اسلام می‌باشد به ویژه که کثرت علما و بزرگان که منسوب به این شهر هستند بیانگر آن است که این شهر از سابقه‌ی کهن و درخشانی در منطقه برخوردار بوده و تحت تأثیر عوامل طبیعی از جمله زلزله از جمعیت آن کاسته شده است. به عنوان مثال در زلزله سال‌های ۹۵۶ ه.ق و ۱۳۴۷ ه.ش و خشکسالی‌های دهه ۱۳۲۰ منطقه بخشی از جمعیت خود را از دست داده است. دو مرکز سکونتی مهم دیگر یعنی خضری و دشت بیاض نیز از گذشته‌های دور در تاریخ و جغرافیای منطقه نقش داشته‌اند و آثار تاریخی متعددی از دوره‌های مختلف در این شهر باقی مانده است که به عنوان جاذبه‌های گردشگری و میراث معنوی و جاویدان منطقه قابل توجه می‌باشد.

سابقه‌ی تاریخی خضری دشت بیاضک: منطقه‌ی خضری دشت بیاض دارای سابقه‌ی تاریخی کهن می‌باشد و آثار تاریخی مانده از ادوار گذشته همچون: تپه‌ی گبری در خضری و غار فارس در سه کیلومتری روستای ثغوری و مطالعات باستان شناسان، حاکی از آن است که سابقه‌ی سکونت انسان در این منطقه به هزاره‌های قبل از میلاد می‌رسد.

بر اساس شواهد موجود و محوطه‌های باستانی، از جمله: چشمه اکبری، می توان استنباط نمود که در گذشته شهری آباد و با عظمت در این منطقه وجود داشته که مجموع سه آبادی: خضری، دشت بیاض و میم را در برگرفته است. این شهر در قبل از اسلام آبادان و در کتاب المسالک و الممالک اصطخری (۲۸۷:۱۳۷۳) به بیابان پارس اشاره شده است: «قوهستان از اعمال خراسان است و آن در بیابان پارس موضوع است، و در آفاق و اقالیم، هیچ شهری بدین نام نیست. نام شهر بزرگ آن قاین است و در حوالی و اضعاف آن شهرهایی چند هست.»

مجموعه‌ی شواهد تاریخی دال بر این است که این منطقه در طول دوره‌های تاریخی، از قبل از اسلام تا دوره‌ی اسلامی و قرون اخیر دارای اهمیت و به عنوان یکی از مراکز سکونتی مهم در منطقه‌ی قهستان مطرح بوده است. وجود توان‌های طبیعی مساعد و منابع آبی و خاکی حاصلخیز و قرارگرفتن در مسیر راه ارتباطی این موقعیت ویژه را برای خضری، دشت بیاض فراهم نموده است. با تکیه بر توان طبیعی و انسانی و همچنین سابقه‌ی جمعیت پذیری منطقه در گذشته، در حال حاضر نیز می‌تواند به عنوان یک قطب جمعیتی مهم با کارکردهای نوین و متناسب با نیازهای روز در جغرافیای منطقه‌ی خراسان جنوبی مطرح باشد.

وجه تسمیه‌ی خضری: در خصوص وجه تسمیه خضری نقل قول‌های متفاوتی بیان شده که در این

جا به برخی از آن‌ها که سندیت موثق‌تری داشته اشاره می‌شود. در برخی از متون تاریخی و نقشه‌های قدیمی، خضری به صورت خدری نیز آمده است. از جمله در کتاب بهارستان مرحوم آیتی و نقشه‌های شرکت کارتوگرافی ایران و سحاب، این مکان به صورت خدری بیان شده است. نویسنده‌ی کتاب تاریخ قاین معتقد است: «شاید این نام برگرفته از نام قبیله‌ای که ابو سعید خدری (سعد بن مالک) صحابی معروف پیامبر به آن منسوب بود، باشد. بنا به مستندات تاریخی که قبایلی از اعراب در منطقه خضری دشت بیاض حضور داشته‌اند، تا حدی این وجه تسمیه صائب به نظر می‌رسد» (سعید زاده، ۱۳۶۸، ۲۷۸).

وجه تسمیه‌ی دشت بیاض: اسم قدیم این مکان در متون تاریخی سپید روستا آمده، از جمله در کتاب معجم البلدان، اسپید رستاق از آن تعبیر شده است. حموی (۱۳۹۹: ۱۵۰) وسعت قهستان را به نقل از رهنی این گونه بیان می‌دارد: «اول بلاد قهستان خوسف و آخر آن اسپید رستاق (دشت بیاض) و عرض آن از کرین تا زوزن است. قصبه‌ی قهستان قاین است و در مورد اسپید رستاق با جنابد اختلاف است.»

بعد از تسلط اعراب بر منطقه و تغییر نام آبادی‌ها، واژه‌ی این مکان نیز به عربی برگردانده، و به دشت بیاض تغییر یافته است. به احتمال قوی نام‌گذاری اولیه‌ی این مکان همچون اکثر نام‌های آبادی‌ها بر اساس عامل طبیعی بوده است.

تغییرات تقسیماتی در سال ۱۳۸۵: انتزاع شهرستان فردوس از خراسان رضوی و الحاق به استان خراسان جنوبی.

شهرک‌های صنعتی: ۱) شهرک صنعتی بیرجند، ۲) شهرک صنعتی قائن، ۳) شهرک صنعتی نهبندان، ۴) شهرک صنعتی فردوس، ۵) شهرک صنعتی خضری، ۶) شهرک صنعتی سربیشه، ۷) شهرک صنعتی خوسف، ۸) شهرک صنعتی سرایان، ۹) شهرک صنعتی بشرویه، ۱۰) شهرک صنعتی زیرکوه.

مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵

تعداد بهره‌برداری ۱۹ مساحت گلخانه ۲

مقدار تولید گوشت ترمز و شیر استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵

گوشت قرمز ۱۷ شیر ۹۶

مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵

گوشت مرغ ۳۴ تخم‌مرغ ۲

تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۴

جمع معادن ۹۵ خصوصی ۹۰ عمومی ۵

مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۲

کل تعداد بهره‌برداری ۳۷۷۱۹ مساحت ۱۴۹۶۵۳ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۹۶۰۳ مساحت باغ و قلمستان ۱۱۷۷۷

استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۴: تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۳۲۵۹۷ تعداد دام ۵۷۷۷۵۰ مقدار تولید ۵۹۶۹۸۵ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۳۳۷۶۰ تعداد دام ۶۳۱۶۸۷ مقدار تولید ۳۲۱۹۱۹

بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۲

زراعت ۳۴۵۱۹ باغداری ۲۵۹۵۱ تولید گلخانه‌ای ۱۹ پرورش ماکیان ۲۵۱۱۷ پرورش زنبورعسل ۷۰ پرورش دام بزرگ ۱۰۹۹۰ پرورش دام کوچک ۳۵۹۳۰ پرورش کرم ابریشم ۳۸

تعدادسدهای‌استان خراسان جنوبی در مراحل مختلف: مطالعاتی ۱۲ اجرایی ۷ بهره‌برداری ۳۶ مجموع ۵۵

استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵: مساحت جنگل‌ها ۰ جمع مراتع ۰ خوب (متراکم) ۰ متوسط (نیمه متراکم) ۰ فقیر (کم تراکم) ۰ پدیده‌های بیابانی ۰ در خراسان رضوی منظور شده

برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

کتاب سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)

کتاب مردمان ایران

شناخت شهرهای ایران

کتاب جغرافیای‌ایران ـ دکترفرج‌الله محمودی و دیگران

دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش

فردوسی و تون ـ سازمان حفاظت محیط زیست

فردوس ـ تون: تاریخ و جغرافیا ـ یاحقی، محمدجعفر

معماری ایران ـ پوپ، ارتور اپهام

معماری ایران ـ کسرائیان، نصرالله

معماری‌ایران: مصالح‌شناسی سنتی ـ زمرشیدی، حسین

معماری ایرانی از نگاه تصویر ـ علیدوست، محمد

معماری بومی

معماری سنتی ایران: نمایشگاهی در موزه رضا عباسی

چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد ـ جانب‌اللهی، محمد سعید

زیبایی‌های ایران ـ دولیه دلاند، اندره

ترانه‌های ملی ایران: سیری در ترانه و ترانه‌سرایی در ایران ـ احمد پناهی، محمد

جامعه‌شناسی هنر موسیقی ـ زندباف، حسن

سیری در ترانه‌های محلی با تکیه به گوشه‌هائی از ترانه‌ها ـ فقیری، ابوالقاسم

ایران در پیش از تاریخ باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم ـ ملک شهمیرزادی، صادق

جغرافیای ایران ـ احتسابیان، سلطان

جغرافیای تاریخی شهرها ـ نهچیری، عبدالحسین

جغرافیای خاکهای ایران و جهان ـ باقرنژاد، مجید

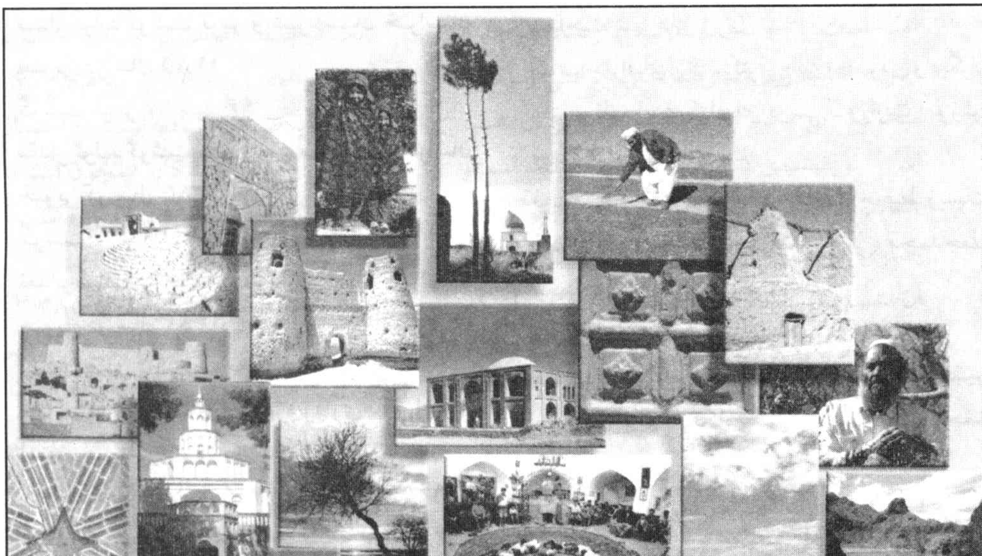
جغرافیای کوچ‌نشینی (مبانی و ایران)ـ مشیری، رحیم

جغرافیای مفصل اقتصادی و تجارتی ایران و انگلیس و فرانسه ـ اقبال آشتیانی، عباس

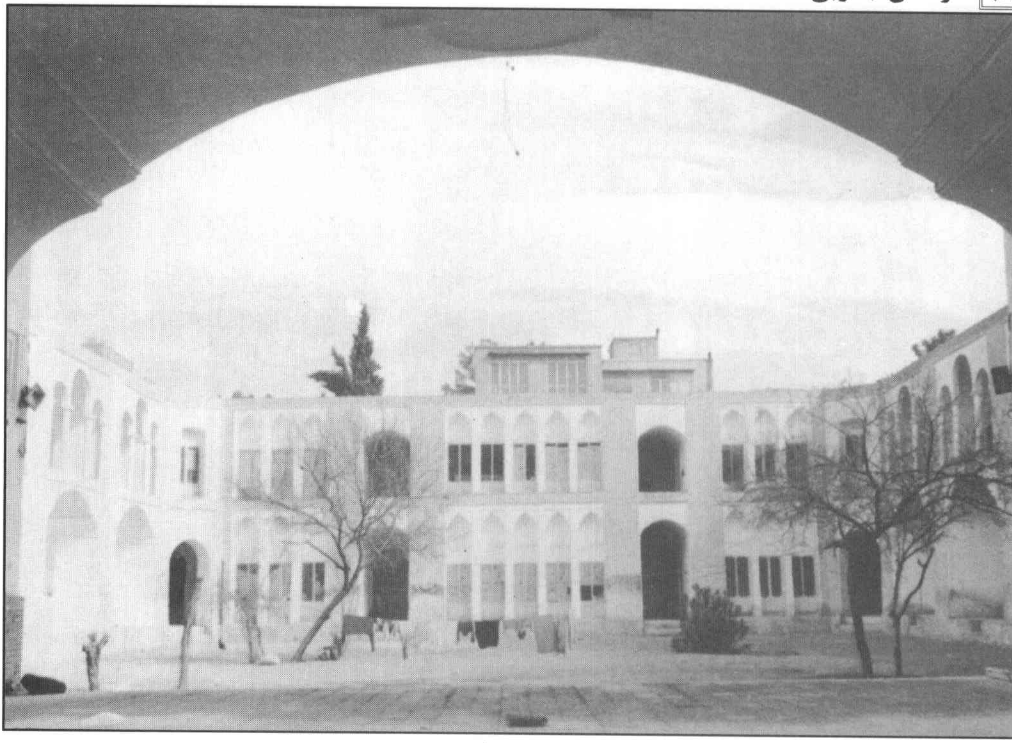
جغرافیای مفصل ایران ـ کیهان، مسعود

جغرافیای مفصل ایران ـ بدیعی، ربیع

خراسان جنوبی



عیناً از کتاب خراسان جنوبی (سرزمین طلای سرخ) نقل گردید



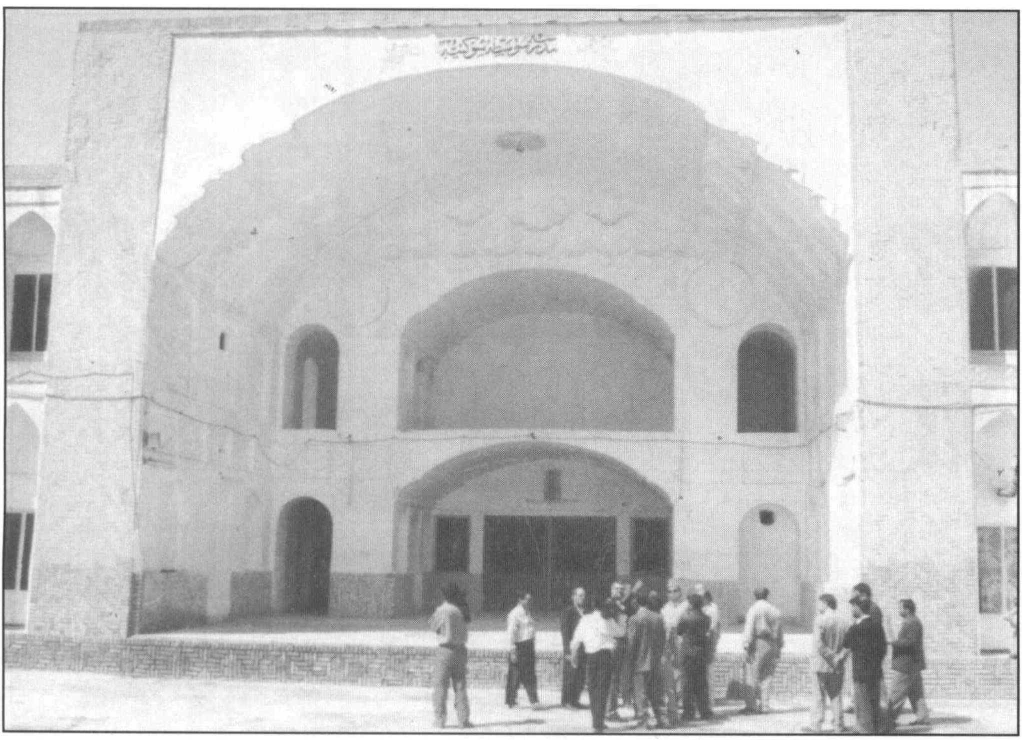
مدرسه شوکتیه



دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بیرجند

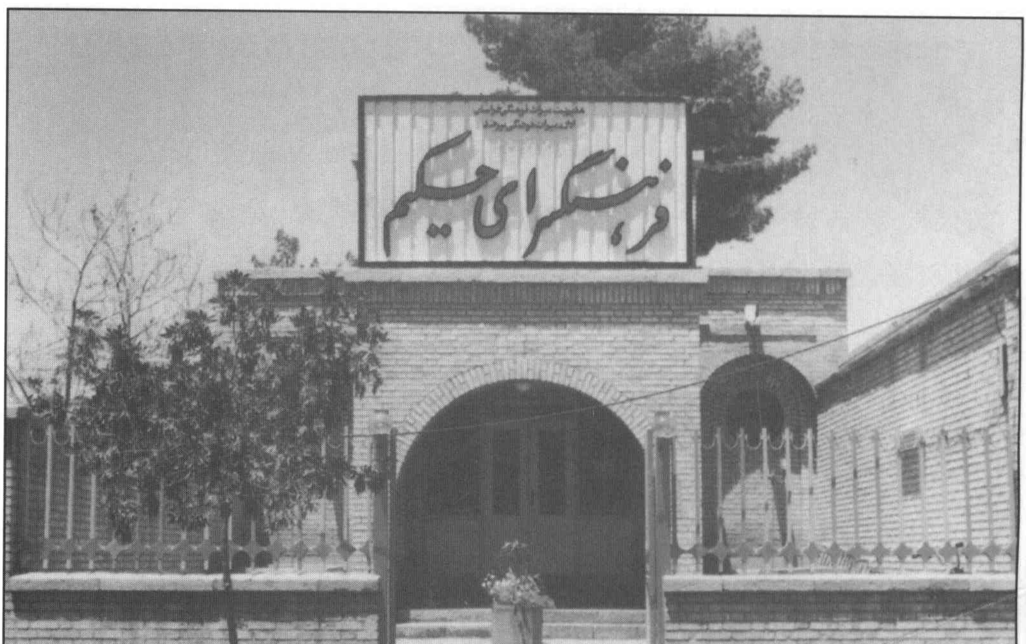


موزه بیرجند





نمونه‌هایی از خط شادروان سید محمد شهرستانی



فرهنگسرای حکیم نزاری



نخ ریسی در روستای مزار کوه



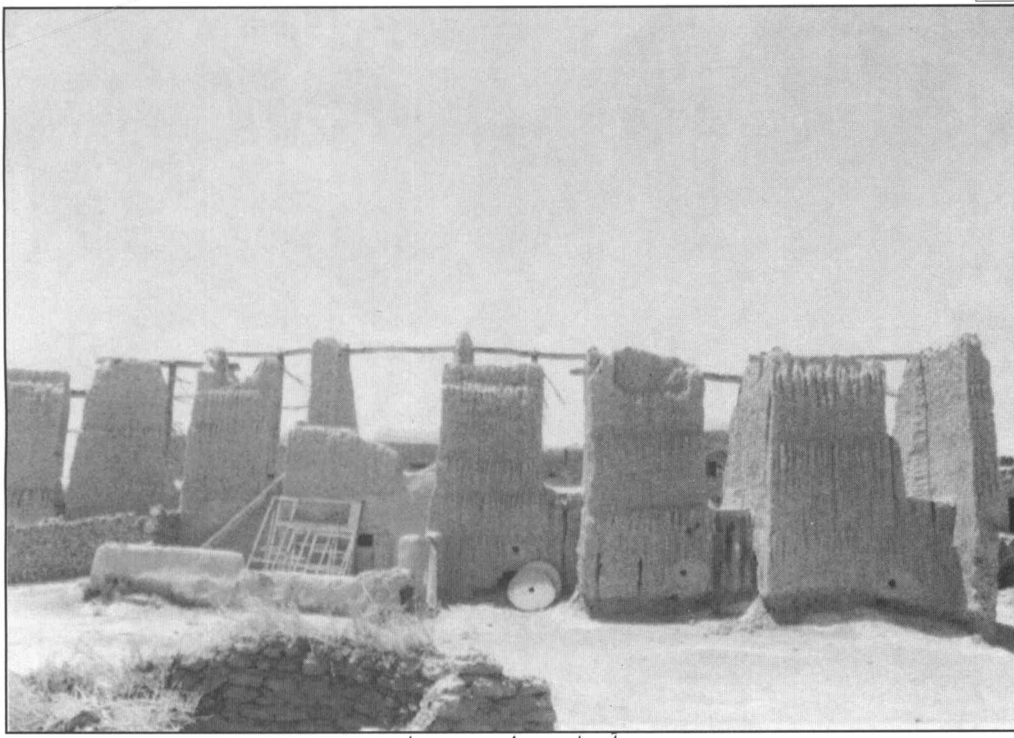
ظروف سفالی مربوط به زمان تیموریان - قرن هشتم هجری



گل زعفران محصول مزارع حاشیه دشت کویر



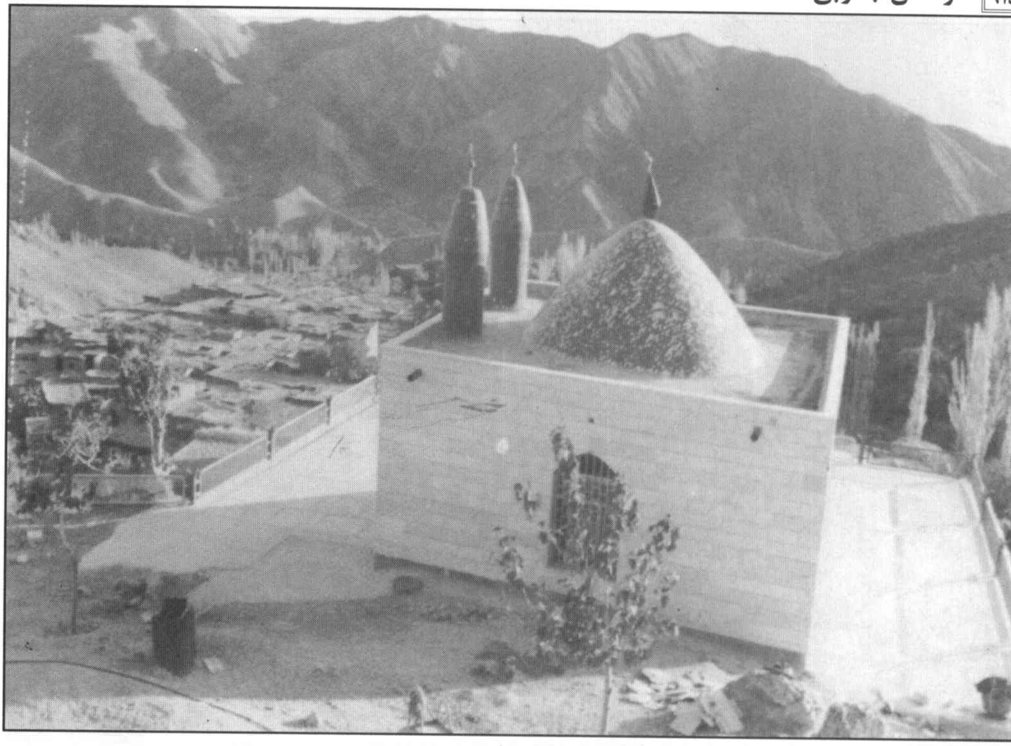
سبد بافی از مشاغل سنتی و قدیمی مردم خراسان جنوبی



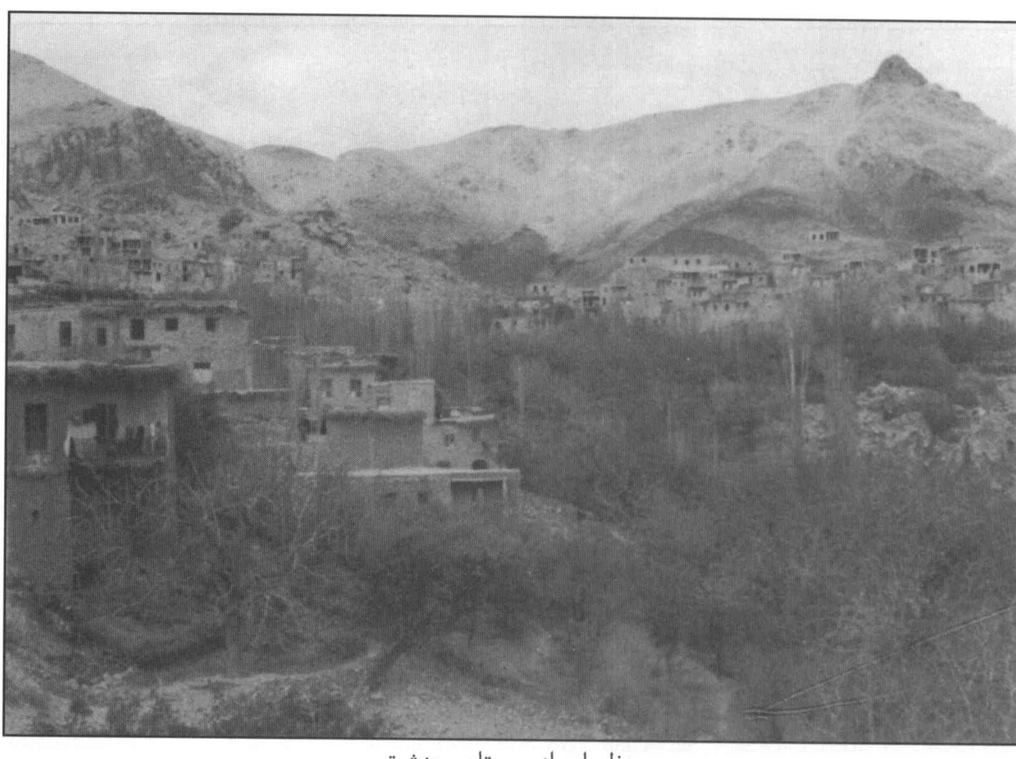
آسباد در طبس مسینا



یخچال شوکت‌آباد که قسمت‌هایی از آن ویران شده



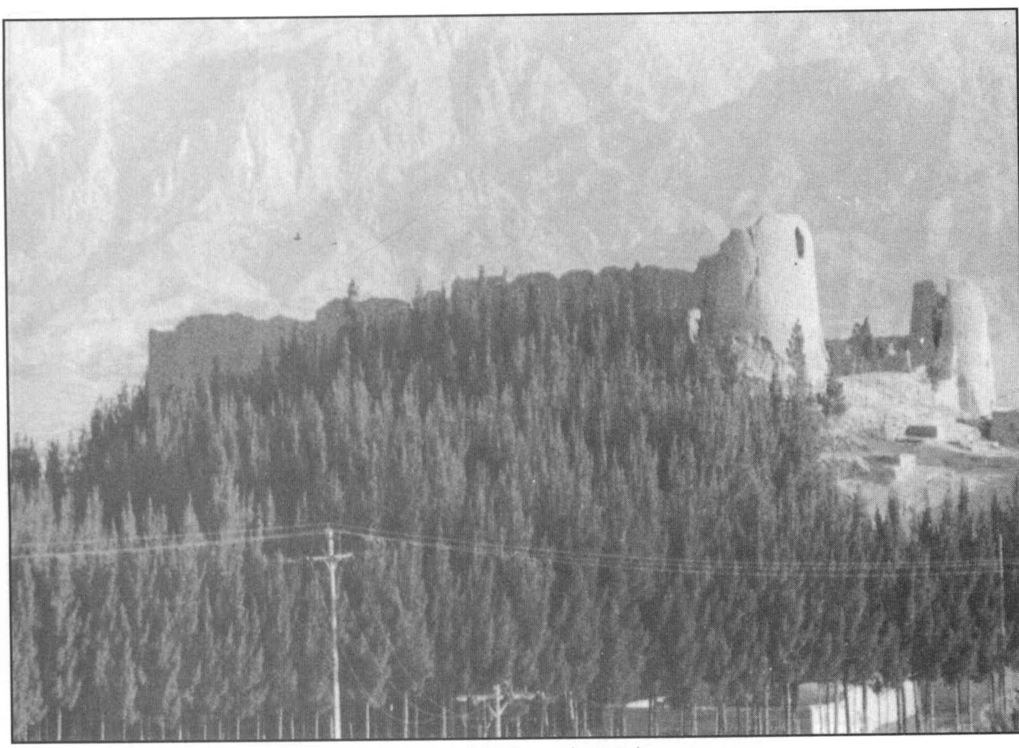
مزار سید حامد علوی در چنشت



منظره‌ای از روستای جنشت



مدرسه علمیه معصومیه - بیرجند



منظرهٔ دیوار شمالی قلعه بیرجند

عکسهای خراسان جنوبی از کتاب بیرجند نگین کویر تالیف دکتر محمدرضا بهنیا نقل گردیده



منظره شهرستان بیرجند



سد حاجی‌آباد



آرامگاه خواجه خضر (دوره قاجار)



نمای بیرونی عمارت اکبریه - دوره زندیه - قاجاریه
(رقص محلی بیرجند)



آرامگاه ابن حسام خوسفی (شاعر قرن نهم هجری)



رقص محلی خراسان



عمارت ارگ کلاه فرهنگی (بیرجند)



مزار سید علی





لاله‌زارهای قاینات



روباه معمولی
(محل زندگی: تقریبا در تمام مناطق خراسان جنوبی دیده می‌شود)



کاراکال
(محل زندگی : در دشت وتپه‌های شاسکوه و دشت اسفندان)



جبیر
(محل زندگی: در مناطق بیابانی و استپی خراسان جنوبی)



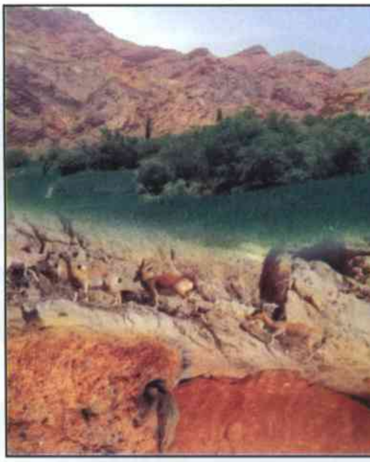
گرگ
(محل زندگی: در مناطق بیابانی و جنگلی خراسان جنوبی)



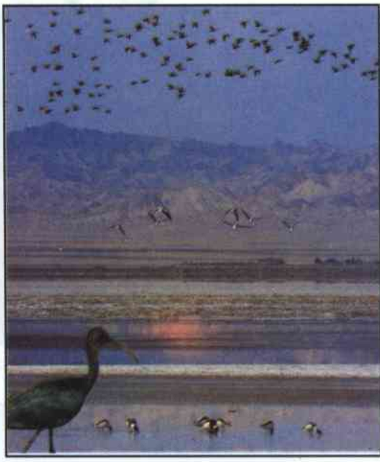
خوار پشت
(محل زندگی : در مناطق استپی، بیابانی و بلوچی حراسان جنوبی)



زعفران بیرجند



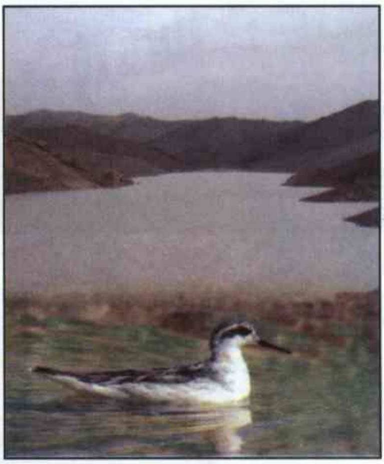
آرک و گرنگ



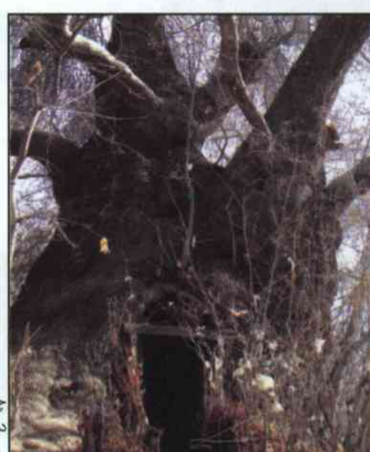
تالاب کنجی
نمکزار نهبندان



دهلم
کلوت نهبندان



آبگیر موشین
(ارتفاعات شکراب)



چنار کهن
دوشنگان درمیان



غار بُتون
سرایان


کویر لوت


منطقه شاسکوه قاین


پارک توحید


میدان تمنای آب


مزار کاهی


میدان جانبازان


فرش بیرجند


بوستان دکتر گنجی